







مطلب بیعت و نظم امور و بدایع و وقایع و محن و ۵۱	مطلب اصل قرامطه و وفات او ۵۲	فصل سابع عشر در احوال مکتفی بالله علی بن المعتض بالله ۵۳	مطلب بیعت و بدایع و وقایع زمان خلافت و وفات او ۵۳
فصل نهم عشر در احوال مقتدر بالله ابن المعتض بالله ۵۳	مطلب خلافت ثانیة و قصة حسین بن منصور حلاج ۵۴	مطلب قتل و محن و بلایا از فساد قرامطه بد سبایا ۵۵	مطلب قتل و محن و بلایا از فساد قرامطه بد سبایا ۵۵
مطلب حوادث و قصه شهادت و انتقام ۵۷	فصل ناسع عشر در احوال قاهر بالله بن المعتض بالله بن الموفق بالله ۵۸	مطلب وقایع و خلع و حبس ۵۸	مطلب وقایع و خلع و حبس ۵۸
فصل عشرین در احوال راضی بالله بن المقدرب بالله ۵۹	مطلب وقایع زمان خلافت او ۵۹	فصل حادی و عشرون در احوال متقی بالله بن المعتض بالله ۶۰	مطلب مناقب و وقایع ۶۰
مطلب قتل و محن و غدر و مکر ۶۱	فصل نافی و عشرون در احوال مستکفی بالله ابن المکتفی بالله بن المعتض بالله ۶۱	مطلب وقایع و خلع و ظلم عظیم و عبرت ۶۲	فصل ثالث و عشرون در احوال مطیع لله بن المقدرب بالله ۶۲
مطلب وقایع عجیبه متنوعه ۶۲	مطلب امور و مدینه و وقایع متنوعه ۶۳	فصل رابع و عشرون در احوال طایع لله بن المطیع لله ۶۴	مطلب وقایع متنوعه و آمدن ایلچی ۶۴
مطلب متفرقات و غریب امور و خلع و بعض متفرقات ۶۵	فصل خامس و عشرون در احوال قادر بالله و مناقب او ۶۵	مطلب بیعت و بعض وقایع و امور غریبه ۶۶	فصل سادس و عشرون در احوال قائم بالله بن الله ۶۷
مطلب مناقب و امور غریبه و خلع او ۶۷	مطلب جلوس و امور غریبه ۶۸	فصل سابع و عشرون در احوال مقتدی بالله بن محمد بن القائم بالله ۶۹	مطلب بیعت و وقایع و در زمان خلافت او ۶۹
فصل نهم و عشرون در احوال مستظهر بالله ابن المقدرب بالله ۷۰	فصل ناسع و عشرون در احوال مسترشد بالله ابن المستظهر بالله ۷۱	مطلب غرائب و محن و شهادت ۷۲	فصل ثلثون در احوال راشد بالله بن المسترشد بالله ۷۲
مطلب خلع و شهادت او ۷۲	فصل حادی و ثلثون در احوال مقتفی لامر بالله بن المستظهر بالله ۷۳	فصل ثانی و ثلثون در احوال مستفی بالله ابن المستفی بالله ۷۴	فصل ثالث و ثلثون در احوال مستفی بالله ابن المستفی بالله ۷۵

فصل رابع و ثلثون در احوال ناصر لدین الله و حلیه و مناقب و معایب او ۷۵	مطلب امور خلافت و بدایع و وقایع ۷۶	فصل خامس و ثلثون در احوال ظاهر بالله ابن الناصر لدین الله ۷۷	فصل سادس و ثلثون در احوال مستنصر بالله ابن الظاهر بالله ۷۸
مطلب مناقب و خیرات و وقایع او ۷۸	مطلب خانه و وفات ۷۹	فصل سابع و ثلثون در احوال مستنصر بالله بن المستنصر بالله ۷۹	فصل سابع و ثلثون در احوال مستنصر بالله بن المستنصر بالله ۷۹
مطلب ظهور و نارد و بار و حرق و غرق ۷۹	مطلب قسمة عظمی و مصیبت کبری و زوال خلافت آل عباس شرف انما ۸۰	باب ثالث در احوال ملوک بنی امیه در ولایت مغرب ۸۱	ملوک طایفه ثانیة بنی امیه در ولایت مغرب ۸۱
ملوک صفاریه در ولایت عجم ۸۱	ملوک سامانیه در ولایت عجم ۸۱	ملوک قاطمیه در ولایت مغرب بعده در مصر ۸۱	ملوک دیلمیه در ولایت عجم ۸۱
ملوک غزنویه در ولایت عجم ۸۱	ملوک سلجوقیه در ولایت عجم و بغداد ۸۱	ملوک سلجوقیه دیگر در ولایت کرمان در دیار عجم ۸۱	ملوک سلجوقیه دیگر در ولایت کرمان در دیار عجم ۸۱
ملوک خوارزمیه در ولایت عجم ۸۱	ملوک اتابکیه در حلب ۸۲	ملوک اتابکیه دیگر در دیار عجم ۸۲	ملوک ابویه در مصر ۸۲
ملوک چنگیزی در ولایت چین و عجم ۸۲	ملوک ترکمانیه در مصر ۸۲	ملوک چراکسه ۸۲	فصل اول در احوال امیر عبد الله الاموی ۸۲
فصل ثانی در احوال امیر هشام بن عبد الرحمن ۸۲	فصل ثالث در احوال امیر حکم بن هشام ۸۲	فصل رابع در احوال امیر عبد الرحمن بن الحکم ۸۳	فصل خامس در احوال امیر محمد بن عبد الرحمن ۸۳
فصل سادس در احوال امیر منذر بن محمد ۸۲	فصل سابع در احوال امیر عبد الله بن محمد ۸۳	فصل ثامن در احوال ناصر بالله بن عبد الرحمن ابن محمد امیر عبد الله ۸۳	فصل ناسع در احوال حکم بن عبد الرحمن ۸۳
فصل عاشتر در احوال مؤید بالله هشام بن الحکم ۸۳	فصل حادی عشر در احوال مهدی بالله بن محمد بن هشام بن عبد الجبار بن عبد الرحمن الناصر بالله ۸۳	فصل ثانی عشر در احوال مؤید بالله هشام بن الحکم در سلطنت دفعه ثانیة ۸۳	فصل ثالث عشر در احوال مستعین بالله سلیمان بن الحکم بن سلیمان ابن عبد الرحمن الناصر بالله ۸۳

فصل رابع عشر دراحوال مستظهر بالله عبد الرحمن بن هشام بن عبد الجبار بن عبد الرحمن الناصر بالله ٨٣	فصل خامس عشر دراحوال مستعفی بالله محمد بن عبد الرحمن بن عبد لله بن عبد الرحمن الناصر بالله ٨٤	فصل سادس عشر دراحوال معتمد بالله هشام بن عبد الملك بن عبد الرحمن الناصر بالله ٨٤	باب رابع در احوال ملوک صقاریه ٨٤
فصل اول در احوال يعقوب بن ليث الصقار ٨٤	فصل ثانی در احوال عمرو ابن ليث ٨٤	فصل ثالث در احوال طاهر بن محمد بن عمرو ٨٥	باب خامس در احوال ملوک سامانیه ٨٥
فصل اول در احوال امیر اسماعیل بن احمد بن اسد بن سامان ٨٥	فصل ثانی در احوال امیر احمد بن اسماعیل ٨٥	فصل ثالث در احوال امیر نصر بن احمد ٨٥	فصل رابع در احوال امیر نوح بن نصر ٨٥
فصل خامس در احوال امیر عبد الملك بن نوح ٨٥	فصل سادس در احوال امیر منصور بن نوح ٨٥	فصل سابع در احوال امیر نوح بن منصور ٨٥	فصل ثامن در احوال منصور بن نوح الثاني ٨٦
فصل تاسع در احوال امیر عبد الملك بن نوح ثاني ٨٦	فصل عاشر در احوال امیر اسماعيل بن نوح ثاني ٨٦	باب سادس در احوال ملوک فاطمیه ٨٦	فصل اول در احوال عبد الله المهدي الفاطمي وظهور او ٨٦
مطلب جلوس ٨٧	فصل ثانی در احوال قائم بامر الله محمد بن عبد الله المهدي ٨٨	فصل ثالث در احوال منصور بالله اسماعیل بن قائم ٨٨	فصل رابع در احوال معز لدين الله معز بن اسماعيل ٨٨
مطلب بنام مصر ٨٨	فصل خامس در احوال عزیز بالله نزار بن المعز لدين الله ٨٩	فصل سادس در احوال حاکم بامر الله منصور بن العزیز بالله ٨٩	مطلب قبایح بر فضایح ٨٩
فصل سابع در احوال ظاهر لاعزاز دين الله علی ابن الحاکم بامر الله ٩٠	فصل ثامن در احوال مستنصر بالله معد بن الظاهر المذکور ٩٠	فصل تاسع در احوال مستعلی بالله احمد بن المستنصر بالله ٩١	فصل عاشر در احوال آمر با حکام الله منصور بن المستعلی ٩١
فصل حادی عشر دراحوال حافظ لدين الله عبد المجید بن ابی القاسم بن المستنصر بالله ٩١	فصل ثانی عشر در احوال ظاهر بالله اسماعیل بن الحافظ لدين الله ٩١	فصل ثالث عشر دراحوال فائز بن نصر الله علی بن عیسی بن الظاهر بالله ٩١	فصل رابع عشر دراحوال عاضد لدين الله عبد الله بن یوسف بن الحافظ لدين الله ٩١
مطلب شاربات و بهض حوادث متنوعه و وفات او ٩٢	باب سابع در احوال ملوک دیلمیه ٩٣	احوال عماد الدوله علی بن بویه و ظهور او ٩٣	احوال رکن الدوله حسن ابن بویه ٩٣

احوال مؤید الدوله منصور بن رکن الدوله واحوال خیر الدوله علی بن رکن الدوله ٩٥	قائده در مناقب و معایب او ٩٥	احوال عضد الدوله خسرو بن رکن الدوله ٩٥	احوال معز الدوله احمد بن بویه و احوال عز الدوله بختیار بن معز الدوله ٩٤
احوال سلطان الدوله واحوال شرف الدوله حسن بن بهاء الدوله ٩٦	احوال مجد الدوله رستم بن خیر الدوله علی بن رکن الدوله ٩٦	احوال شرف الدوله واحوال بهاء الدوله فیروز بن عضد الدوله ٩٦	احوال مصمّم الدوله مرزبان بن عضد الدوله ٩٦
باب ثامن در احوال ملوک غزنویه ٩٧	احوال ملک ابو علی بن کیخسرو ٩٧	احوال ملک رحیم خسرو بن عمار دین الله واحوال ملک منصور ٩٧	احوال جلال الدوله بن بهاء الدوله و احوال عماد دین الله مرزبان بن سلطان الدوله ٩٦
احوال سلطان محمود سبکتکین و احوال سلطان مودود بن مسعود ١٠٠	احوال سلطان مسعود ابن محمود سبکتکین ٩٩	مطلب جلوس و احوال سلطنت او ٩٨	احوال نصر الدوله ناصر دین سبکتکین واحوال بین الدوله سلطان محمود سبکتکین ٩٧
احوال فرخ زاد بن سلطان مسعود بن سلطان محمود ١٠٠	احوال سلطان عبد الرشید بن محمود ١٠٠	احوال سلطان علی بن مسعود و اول بن محمود ١٠٠	احوال سلطان مسعود ثانی بن مودود ١٠٠
احوال سلطان بهرام شاه ابن جلال الدین و احوال سلطان خسرو شاه بن بهرام شاه ١٠١	احوال سلطان ارسلان شاه ابن جلال الدین ١٠١	احوال سلطان جلال الدین مسعود ثالث بن ابراهیم ١٠٠	احوال سلطان ابراهیم بن مسعود بن محمود ١٠٠
احوال سلطان چاقریک بن یکتایل ١٠٢	احوال سلطان رکن الدین طغرل محمدیک ابن یکتایل بن سلجوق ١٠٢	باب تاسع در احوال ملوک سلجوقیه و ظهور ایشان ١٠١	احوال خسرو شاه ١٠١
احوال جلال الدوله بن سلطان ملک شاه بن برکیارق ١٠٤	احوال ناصر الدین و احوال سلطان محمود بن ملک شاه ١٠٤	احوال سلطان جلال الدین ملک شاه بن اب ارسلان ١٠٣	احوال عضد الدوله عزالدین ابوشجاع سلطان اب ارسلان محمد بن چاقریک ١٠٣
احوال سلطان داود بن محمود و احوال رکن الدین سلطان طغرل بن محمد ١٠٦	احوال مغیث الدین سلطان محمود بن سلطان غیاث الدین محمد بن ملک شاه ١٠٦	احوال معز الدین سلطان سبحر بن ملک شاه ١٠٥	احوال غیاث الدین سلطان محمود بن غیاث الدین ١٠٦
احوال عزالدین سلطان سلیمان شاه بن محمد بن ملکشاه ١٠٨	احوال غیاث الدین سلطان محمد بن مغیث الدین محمود ١٠٧	احوال مغیث الدین سلطان ملک شاه بن محمود ابن غیاث الدین ١٠٧	احوال غیاث الدین سلطان محمود بن غیاث الدین ١٠٦

احوال رکن الدین سلطان ارسلان شاه بن طغرل ۱۰۸	احوال مغیث الدین سلطان طغرل بن ارسلان شاه بن محمد بن ملک شاه ۱۰۸	باب عاشق در احوال ملوک سلجوقیه دیگر ۱۰۸	احوال قاور دین چاقریک ابن یکانیل بن سلجوق ۱۰۸
احوال سلطان شاه بن قاور دین و احوال توران شاه ابن قاور دین ۱۰۹	احوال ایران شاه بن توران شاه و احوال ارسلان شاه ابن کرمان شاه ۱۰۹	احوال محمد بن ارسلان شاه و احوال طغرل شاه ابن محمد ۱۰۹	احوال ارسلان شاه و بهرام شاه و توران شاه ۱۰۹
احوال محمد شاه ابن بهرام شاه المزبور ۱۰۹	باب هادی عشر در احوال ملوک سلجوقیه دیگر ۱۰۹	مقدمه در احوال قوتلوش بن اسرئیل سلجوق ۱۰۹	فصل اول در احوال سلطان رکن الدین سلیمان ابن قوتلوش ۱۰۹
احوال سلطان دود بن سلیمان و قلی ارسلان بن سلیمان بن قوتلوش ۱۱۰	احوال سلطان مسعود بن قلی ارسلان ۱۱۰	احوال سلطان الدوله قلی ارسلان ثانی بن مسعود ۱۱۰	احوال سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلی ارسلان ثانی ۱۱۱
احوال سلطان رکن الدین سلیمان شاه و احوال قلی ارسلان ثالث ۱۱۱	احوال سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلی ارسلان ۱۱۱	احوال سلطان معز الدین کیکاوس بن کیخسرو ۱۱۱	احوال سلطان علاء الدین کیقباد بن کیخسرو و امور سلطنت او ۱۱۲
احوال سلطان غیاث الدین کیخسرو ثانی بن علاء الدین کیقباد ثالث ۱۱۳	احوال سلطان عز الدین کیکاوس بن خسرو ثانی ۱۱۳	احوال سلطان رکن الدین قلی ارسلان رابع و احوال غیاث الدین کیخسرو ۱۱۳	احوال سلطان مسعود ثانی بن عز الدین کیکاوس ۱۱۳
احوال سلطان علاء الدین کیقباد ثانی بن فرامرز ۱۱۳	مطلب وقایع و زوال و احوال غازی چلبی بن مسعود ۱۱۴	باب ثانی عشر در احوال ملوک خوارزمیه ۱۱۵	احوال خوارزم شاه محمد و خوارزم شاه آتسز بن محمد ۱۱۵
احوال خوارزم شاه اب ارسلان و خوارزم شاه سلطان شاه و احوال خوارزم شاه علاء الدین تکش خان ۱۱۵	احوال خوارزم شاه علاء الدین محمد و عظمت و عزیم بغداد ۱۱۶	مطلب جنگ تانار و جنگ چنگیز ۱۱۷	قصه وفات و احوال خوارزم شاه جلال الدین ۱۱۸
مطلب محاربات عظیمه عجیبه و وقایع متعده غریبه ۱۱۸	احوال سلطان غیاث الدین محمد بن جلال الدین ۱۲۱	باب ثالث عشر در احوال ملوک اتابکیه ۱۲۱	احوال آق سنقر البرسی و احوال عز الدین مسعود ۱۲۱
احوال عماد الدین اتابک زنکی بن آق سنقر ۱۲۱	احوال سلطان نور الدین محمد و مناقب و جلوس و بعض احوال و وقایع ۱۲۲	مطلب وفات و قصه عجیبه و عجیبه دیگر ۱۲۳	احوال سیف الدوله و احوال قطب الدین مردود بن زنکی ۱۲۴

احوال سیف الدین غازی و احوال ملک عز الدین مسعود ۱۲۴	احوال ملک صالح اسماعیل بن نور الدین محمد ۱۲۴	احوال عماد الدین زنکی و نور الدین ارسلان و قطب الدین محمد ۱۲۵	احوال قاهر عز الدین وارسلان شاه بن عز الدین ۱۲۵
احوال محمد بن قطب الدین محمد ۱۲۵	باب رابع عشر در احوال ملوک اتابکیه دیگر ۱۲۵	فصل اول در احوال اتابک معظم مظفر الدین منقر ۱۲۵	احوال اتابک مظفر الدین و اتابک مظفر الدین تکله ۱۲۶
احوال اتابک قطب الدین طغرل و اتابک مظفر الدین سعد بن زنکی ۱۲۷	احوال اتابک مظفر الدین ابو بکر بن سعد بن زنکی ۱۲۷	احوال اتابک عضد الدین ابن سعد بن ابی بکر بن سعد ۱۲۷	احوال اتابک مظفر الدین و محمد شاه بن سلغر شاه ۱۲۸
احوال اتابک مظفر الدین سلجوق شاه و اشیش بن سعد ۱۲۸	باب خامس عشر در احوال ملوک ابویه ۱۲۸	فصل اول در احوال سلطان ملک صلاح الدین یوسف بن ابوب بن شادی ۱۲۸	مطلب وفات و مناقب او ۱۲۹
احوال ملک عزیر عثمان و ملک منصور محمد و ملک عادل سیف الدین ۱۳۰	احوال ملک کامل محمد ابن ملک عادل ابو بکر ۱۳۱	احوال ملک عادل ابو بکر ثانی و ملک صالح نجم الدین ابوبه ۱۳۲	احوال ملک معظم نورانشاه و شجر الدر خاتون و ملک اشرف موسی ۱۳۳
باب سادس عشر در احوال ملوک چنگیزی ۱۳۳	فصل اول در احوال چنگیز خان بی امان ست بیان و خروج او ۱۳۴	احوال هلاکوبن قلی بن چنگیز خان ۱۳۵	احوال ابغابن هلاکوبن ۱۳۶
احوال ساطیان احمد بن هلاکوبن و ارغون بن ابغابن و کیخسرو بن ابغابن ۱۳۷	احوال بیدوبن طرغای ابن هلاکوبن و سلطان محمود غازان خان ۱۳۷	احوال سلطان محمد خدا بنده بن ارغون ۱۳۷	احوال سلطان ابوسعید ابن خدا بنده ۱۳۸
باب سابع عشر در احوال ملوک ترکانه ۱۳۸	فصل اول در احوال ملک معز عز الدین ایلیک ترکانی ۱۳۸	احوال ملک منصور نور الدین و ملک مظفر سیف الدین قطن ۱۳۸	احوال ملک ظاهر بیبرس بند اقداری الصالحی النجمی ۱۳۹
احوال ملک سعید محمد برکت خان بن بیبرس و احوال ملک عادل سلامش ۱۴۰	احوال ملک منصور سیف الدین قلاوون النجمی الصالحی ۱۴۰	احوال ملک اشرف صلاح الدین خلیل و ملک ناصر محمد بن قلاوون ۱۴۱	احوال ملک عادل کتبغا المنصوری و ملک منصور لاجین ۱۴۱
احوال ملک ناصر محمد بن قلاوون ۱۴۱	احوال ملک مظفر رکن الدین بیبرس چاشنکی و ملک ناصر محمد ۱۴۲	احوال ملک منصور ابو بکر بن ملک ناصر محمد قلاوون ۱۴۳	احوال ملک اشرف علاء الدین علی و ملک ناصر احمد و ملک صالح اسماعیل ۲۴۳

احوال ملک کامل شعبان و ملک مظفر امیر حاج بن ملک ناصر محمد ۱۴۳	احوال ملک ناصر حسن و ملک صالح صلاح الدین ۱۴۳	احوال ملک ناصر حسن ابن ملک ناصر و ملک منصور بن محمد مظفر ۱۴۴	احوال ملک اشرف شعبان بن حسین و احوال ملک منصور علی بن اشرف شعبان ۱۴۴
احوال ملک صالح حاج ابن ملک اشرف شعبان ۱۴۴	باب ثامن عشر در احوال خافاه عباسیه در دیار مصریه ۱۴۵	فصل اول در احوال آل عباس مستنصر بالله اجد ابن الظاهر بالله ۱۴۵	احوال حاکم بامر الله اجد ۱۴۶
احوال مستکنی بالله سلیمان بن الحکم بامر الله و احوال واثق بالله ابراهیم ۱۴۷	احوال حاکم بامر الله اجد ابن مستکنی و معتضد بالله ابو بکر بن مستکنی بالله ۱۴۸	احوال متوکل علی الله محمد بن معتضد بالله ۱۴۸	احوال واثق بالله عمر بن ابراهیم و احوال معتصم بالله زکریا و متوکل علی الله محمد ۱۴۹
احوال مستعین بالله امیر المؤمنین ابو الفضل عباس ۱۴۹	احوال معتضد بالله داود ابن المتوکل علی الله ۱۵۰	احوال قائم بامر الله حمزه و مستنجد بالله یوسف ۱۵۱	احوال متوکل علی الله عبداله بن برزین یعقوب ۱۵۱
باب ناسع عشر در احوال ملوک چراکسه ۱۵۲	فصل اول در احوال ملک ظاهر سیف الدین برقوق ۱۵۲	احوال ملک ناصر فرج ابن برقوق ۱۵۲	مطلب مقاصد تیمور و احوال ملک منصور عید الغزیز بن برقوق ۱۵۳
احوال ملک ناصر فرج بن برقوق و ملک عادل مستعین بالله عباس ۱۵۳	احوال ملک مظفر اجد ابن ملک مؤید و ملک ظاهر طاهر ۱۵۴	احوال ملک صالح محمد بن ملک ظاهر طاهر و ملک اشرف برسیای الدقاقی ۱۵۴	احوال ملک عزیر بن یوسف و ملک ظاهر چاقاقی العلاقی ۱۵۴
احوال ملک منصور عثمان ابن ملک ظاهر چاقاق و ملک اشرف ابنال الناصری ۱۵۴	احوال ملک مؤید اجد ابن ملک و ملک ظاهر خوشقدم ۱۵۴	احوال ملک ظاهر یلنای العلاقی المؤیدی و ملک ظاهر ۱۵۵	احوال ملک اشرف یلبای المجددی الظاهری و مناقب و وقایع او ۱۵۵
احوال ملک ناصر محمد و ملک اشرف قانصو محمد ناصر محمد بن ملک اشرف ۱۵۶	احوال ملک ظاهر ابو سعید قانصو و ملک اشرف جانبلاط ۱۵۶	احوال ملک عادل سیف الدین طومانبای و ملک اشرف سیف الدین قانصو غوری ۱۵۶	مطلب زوال و احوال ملک صالح باملاک اشرف طومانبای الاشرفی الجرکسی القانیبای ۱۵۷
مطلب فتح مصر ۱۵۷			

قسم سادس کتاب مرآت السلاطات			
مقدمه در ذکر سلسله صفیه عثمانیان عالیشان خیراندیشان و کیفیت ظهور ایشان ۱	باب اول در احوال سلطان عثمان خان غازی بن ارطغرل غازی ۲	فصل در ذکر اولاد اجداد او و بیان امر اعثمان خان ۳	فصل در غزوات عثمان خان قبل السلطنه ۳
فصل در احوال غزوات و فتوحات عثمان خان غازی ۷	فصل عثمان خان زمانه دیار رومده اولان کار مشاهیر علما و مشایخ ۹	باب ثانی در احوال سلطان اورخان غازی و در ذکر اولاد سعادت نام ۱۰	فصل در روزرا و امراء پادشاه و ضرب سکه و تعیین الوان الوان کله بعض عسکر ۱۰
فصل در غزوات و فتوحات سلطان اورخان غازی ۱۱	مطلب فتح روم ابلی ۱۲	فصل در خیرات سلطان اورخان و وفات شهزاده و فصل در غزای اکبر و حصول فتح و ظفر ۱۳	فصل در وفات پادشاه و سلطان اورخان زمانه اولان مشاهیر علما ۱۴
باب ثالث در احوال سلطان مراد ثان بن سلطان اورخان بن سلطان عثمان ۱۵	فصل در اولاد و وزراء و امراء او و فتوحات سلطان مراد و بعض وقایع زمان سلطنت او ۱۵	فصل در کیفیت ضبط و فتح قلاع مذکوره و بعض وقایع زمان سلطنت او ۱۵	مطلب فتح ادرنه و وجه تسمیه بنجیک ۱۶
مطلب غایبه مسلمان برکفار ملاعین ۱۶	مطلب عودت و بناء خیرات و منبت شهزادگان ۱۷	مطلب غزوات و تعمیر ادرنه ۱۷	مطلب تزویج ملوک ۱۸
مطلب فتوح و امور کثیره متفرقه ۱۹	غزای اکبر و نصرت و ظفر ۲۰	مطلب شهادت پادشاه ظفر دستکاه ۲۱	فصل در خیرات سلطان مراد غازی و مر حوم پادشاه زمانه کار مشاهیر علما و صلحا و مشایخ ۲۱
باب رابع در احوال سلطان یلدرم بایزید خان ابن مراد خان غازی ۲۲	فصل در ذکر اولاد و فتوحات او ۲۲	فصل در کیفیت فتح و ضبط بلاد مزبوره و وقایع زمان سلطنت پادشاه ۲۳	مطلب سوهال ۲۳
مطلب فتوح و صلاح وغزا ۲۴	فصل در ظاهر و تیمور لنگ و گرفتن پادشاه ۲۵	فصل در وقایع بعد از گرفتن پادشاه و ظلم تیمور ۲۶	مطلب نصب ملوک و احوال شهزاده سلطان محمد قبل از جلوس بر تخت پدر ۲۷
دعوت تیمور بن تیمور و وفات سلطان یلدرم بایزید خان ۲۸	وقتی تیمور بایزید بم و خیرات مر حوم ۲۹	فصل یلدرم بایزید خان زمانه اولان کار مشاهیر مشایخ ۳۱	فصل در احوال شهزاد کان یلدرم بایزید خان ۳۲

باب خامس در احوال سلطان محمد خان بن بایزید خان طبعه الرحمة والغفران ۳۶	فصل در اولاد و وزرای مرحوم پادشاه و مرحوم زماننده استقلال سلطنته فتح اولیان قلعه ل ۳۷	فصل در کیفیت فتح وضبط بلاد من پوره و وقایع زمان استقلال سلطنت ۳۷	مطلب امور و تدبیر ۳۷
مطلب وفات پادشاه و تدبیر عظیم در اخفاء موت او ۳۹	فصل در خیرات پادشاه و مرحوم ملک زماننده اولان بکار مشاهیر علما ۳۹	باب سادس در احوال سلطان مراد خان ثانی بن سلطان محمد خان ۴۰	فصل در ذکر شهر زادگان و وزیران و بکار بیکان ۴۱
فصل در کیفیت فتح وضبط بلاد من پوره و معظمت وقایع زمان سلطنت وامر عظیم ۴۱	مطلب بقی برادر ۴۲	قصه و غلبه و تسخیر و امور ۴۳	مطلب عبرت و قصه و امور و فتح ۴۵
مطلب وقایع و غنیمت و عزت و نصرت و تسخیر ۴۶	مطلب تزوج و غزا و انتقام و امور و فتح ۴۷	مطلب عزت و سفر ۴۸	فصل در فراغت پادشاه از سلطنت و غزای اکبر و لطیفه و امور ۴۹
فصل در جلوس سلطان مراد بر تخت بعد از فراغت ۵۰	فصل در خیرات مرحوم پادشاه ۵۱	باب سابع در احوال سلطان محمد غازی بن مراد خان علیه الرحمة والارضوان ۵۵	فصل در ذکر شهر زادگان ۵۵
فصل در ذکر وزرا و ارکان او ۵۶	فصل در کیفیت فتح وضبط مالک من پوره و ذکر معظمت و وقایع زمان سلطان محمد خان غازی ۵۷	مطلب سفر و فتح قسطنطنیه ۵۷	مطلب کرامات و ثقات و فتوح ۵۸
مطلب فتح و فتوح و جنگ ۵۹	مطلب سور و غارت و فتوح ۶۰	مطلب حال فرمانیان ۶۳	مطلب فساد و عقوبت و انکسار و جنگ عظیم و غلبه سلطان کریم ۶۶
فصل در خیرات پادشاه ۷۱	فصل مرحوم سلطان محمد خان زماننده اولان بکار مشاهیر ۷۸	باب ثامن در احوال سلطان بایزید خان بن سلطان محمد خان ۸۰	فصل در وزیران و امور پادشاه ۸۰
فصل در غزوات و فتوحات و معظمت سایر وقایع و جلوس ۸۲	مطلب محاربه جم و جنگ فرمانیان و رجوع جم ۸۲	مطلب سرگذشت جم ۸۳	مطلب بعض وقایع و خیرات و فتوحات و شوکت و غلبه و فتوح و انکسار ۸۴
مطلب فراغ از سفر و سور بر سر در و عقد صلح و نصرت و ظفر ۸۶	مطلب غارت از فتح و نصرت ۸۸	مطلب فتح و ثقات علیه ۹۰	مطلب ظهور و فراوانی ۹۱

مطلب بلا یا و ظفر و حادثه و راقمه و زلزله عظیمه ۹۲	مطلب تعیین سخیا و ظهور و سلیم خان و قسطن شاه قوی ۹۳	مطلب جنگ سلیم خان و حرمان احمد خان ۹۴	مطلب قسطنه خارچی و دعوت سلیم خان و جلوس او ۹۵
مطلب وداع و وفات ۹۵	فصل در خیرات و حسنات مرحوم پادشاه و مرحوم زماننده اولان بکار مشاهیر علما ۹۶	باب ناسع در احوال سلطان سلیم خان بن بایزید خان علیه الرحمة والغفران ۱۰۳	فصل در وزیران و امور پادشاه و فتوحات او ۱۰۴
فصل در احوال مرحوم پادشاه ۱۰۴	آمدن سلیم خان و جلوس او ۱۰۵	فصل در احوال پادشاه بعد از جلوس ۱۰۶	مطلب غزای اکبر ۱۰۸
مطلب غلبه و قسطن ۱۰۹	مطلب رجوع و فتح ۱۱۰	مطلب فتح باب ۱۱۲	مطلب فتح شام و مصر ۱۱۳
فصل در وفات پادشاه ۱۱۶	فصل مرحوم پادشاه زماننده اولان بکار مشاهیر علما ۱۱۷	فصل در بکار مشایخ در زمان سلطان سلیم خان ۱۲۰	باب عاشق در احوال سلطان سلیمان غازی ۱۲۴
فصل در اولاد مرحوم پادشاه و وزیران او ۱۲۲	فصل مرحوم پادشاه زماننده انواع طریق فتح اولنال قلعه ل ۱۲۳	فصل در بیان غزوات و فتوحات و امور معظمه در زمان مرحوم پادشاه ۱۲۳	مطلب سفر اول و فتوحات سلطان بی بدل و امور و سفر ثانی ۱۲۳
مطلب سفر ثالث و فتوحات و بعض امور و سفر رابع و بعض امور ۱۲۴	فصل در وفات پادشاه عالیجاه ۱۲۹	فصل در خیرات پادشاه مرحوم ۱۲۹	فصل مرحوم پادشاه زماننده مفتی اولنار ۱۳۰
فصل مرحوم پادشاه زماننده قاضی عسکر اولنار ۱۳۱	فصل مرحوم پادشاه زماننده انجمن تخت قضا سنه و اصل اولان علما ۱۳۱	فصل مرحوم پادشاه زمانی علما سنک تخت قضا سنه و اصل اولنار سنک بکار مشاهیری ۱۳۴	فصل مرحوم پادشاه زماننده اولان بکار مشاهیر مشایخ ۱۳۶

قسم سابع گاب مرآت الکائنات

باب اول در احوال ملوک پیشدادیان ۱۳۹	فصل اول در احوال کیومرث و احوال سیامک شاه ۱۳۹	فصل ثالث در احوال هوشنگ شاه ۱۳۹	فصل رابع در احوال طهمورث دیوبندیان انوجهان بن مرتهکند بن هوشنگ ۱۴۰
فصل خامس در احوال جئید ۱۴۰	فصل سادس در احوال ضحاک ماری ۱۴۱	مطلب ظهور مار ۱۴۲	فصل سابع در احوال فریدون فرخ ۱۴۲
مطلب درفش ۱۴۲	فصل ثامن در احوال منوچهر ۱۴۳	فصل ناسع در احوال نوزر بن منور ۱۴۴	فصل عاشق در احوال افراسیاب و احوال زاب ابن طهماسب بن منوچهر ۱۴۴
فصل ثانی عشر در احوال کشتاب بن کشتاب ۱۴۴	باب ثانی در ذکر احوال ملوک یکانیان ۱۴۴	فصل اول در احوال کیقباد بن نوزر ۱۴۴	فصل ثانی در احوال کیکاوش و فتوح وحشی و خلاص او ۱۴۵
فصل ثالث در احوال کیخسرو بن سیاوش ۱۴۵	فصل رابع در احوال کهراسب و احوال کشتاب بن کهراسب ۱۴۶	قصه کافر شدن قوم عجم بنظهوردین مجوس ۱۴۶	فصل سادس در احوال آردشیر بهمن بن اسفندیار ۱۴۷
فصل سابع در احوال همایون بهمن و داراب ابن بهمن و داراب بن داراب بهمن ۱۴۸	باب ثالث در احوال ملوک اشکانیان ۱۴۸	فصل اول در احوال اشک بن داراب بن دارای اکبر و احوال اشک بن دارا ۱۴۹	فصل ثالث در احوال اشک بن اشکان و احوال شاپور و احوال بهرام بن شاپور ۱۴۹
فصل سادس در احوال بلاش بن بهرام و احوال هرمز بن بلاش ۱۴۹	فصل ثامن در احوال افش یا خود نرسی بن بلاش ۱۴۹	فصل ناسع در احوال فیروز بن هرمز و احوال بلاش بن فیروز و احوال خسرو ۱۵۰	فصل ثانی عشر در احوال بلاش و اردوان بن بلاش و اردوان بن اشکان و خسرو بن اشکان ۱۵۰
فصل سابع در احوال جو درز بن بلاش و نرسی ابن جو درز ۱۵۰	فصل هادی و عشرون در احوال اردوان بن نرسی ۱۵۰	باب رابع در احوال ملوک ساسانیان ۱۵۱	فصل اول در احوال آردشیر بن بابکان بن سامان الاصفه و ظهور او ۱۵۱
فصل ثانی در احوال شاپور بن اردشیر و هرمز ابن شاپور و بهرام بن هرمز ۱۵۲	فصل خامس در احوال بهرام بن بهرام و بهرام بن بهرام بن بهرام و نرسی بن بهرام ثانی و هرمز بن نرسی ۱۵۳	فصل ثامن در احوال شاپور و الا کاف بن هرمز ۱۵۳	مطلب ایوان و احوال آردشیر بن هرمز و شاپور ابن شاپور و الا کاف و بهرام بن شاپور ۱۵۴

فصل ثانی عشر در احوال جاماسب بن فیروز و قباد المزبور و نوشیروان عادل ابن قباد ۱۵۷	فصل ثامن عشر در احوال بلاش بن فیروز و قباد بن فیروز ۱۵۶	فصل خامس عشر در احوال یزدجرد بن بهرام کور و احوال هرمز بن یزدجرد و فیروز ابن یزدجرد و بلایا ۱۵۶	فصل ثانی عشر در احوال یزدجرد الا نیم و بهرام کور ابن یزدجرد ۱۵۶
مطلب غلبه و زوال و احوال خسرو بن هرمز ۱۵۹	فصل ثالث و عشرون در احوال هرمز بن نوشیروان ۱۵۹	مطلب هدایا ۱۵۸	مطلب فتوحات نوش زاد ۱۵۷
فصل ثامن و عشرون در احوال کسری بن ارسلان و کسری بن قباد ابن هرمز ۱۶۲	فصل سابع و عشرون در احوال شهریار ۱۶۱	مطلب هلاک و سبب قتل و معجزه پری عربت و احوال شیرویه بن خسرو و آردشیر بن شیرویه ۱۶۱	مطلب جلوس ثانی و متفرقات در جاه و جلال و کثرت مال و سایر احوال ۱۶۰
باب خامس در احوال ملوک قبطیان ۱۶۳	فصل خامس و ثلاثون در احوال یزدجرد بن شهریار بن خسرو و زوال او ۱۶۳	فصل ثالث و ثلاثون در احوال کسری بن خشنس و فرخزاد بن خسرو ۱۶۲	فصل ثلاثین در احوال پوران دخت بنت خسرو و احوال فیروز و آزادی دخت بنت خسرو ۱۶۲
فصل عاشق در بعض احوال جریا و طوایس و جورباق ۱۶۴	فصل سادس در بیان تدارس و مالیق بن تدارس و حرا بن مالیق و کاکلی بن حرا ۱۶۴	فصل رابع در بیان اثر یب ابن مصر بن بصر و صنان مصر بن بصر ۱۶۴	فصل اول در احوال بصر بن حام بن نوح علیه السلام و مصر بن بصر و فقط بن مصر بن بصر ۱۶۴
مطلب غرائب و غرق او و احوال ولوکه العجوز ۱۶۶	مطلب ظهور او ۱۶۵	فصل سادس عشر در احوال دارم بن ریان ابن ولید و کاشم بن معدان و ولید بن مصعب ۱۶۵	فصل ثالث عشر در احوال زلیقی بنت فامون و ولید بن شروان و هرارم بن ریان بن ولید ۱۶۵
فصل ثانی در احوال یعر بن قحطان و شعیب ابن یعر و عبدالشمس سباه بن شعیب بن یعر ۱۶۸	باب سادس در احوال ملوک قحطانیان و احوال قحطان بن عابر بن صالح ابن ارغش بن سام بن نوح ۱۶۷	فصل سابع و عشرون در احوال مناکیل و یوله و شیداق و فرعون الاعرج ۱۶۷	فصل عشرین در احوال درکون بن ملطوس و بیان تردس و نقاش و امر بن اوستا دس و باطوس و مالوس ۱۶۷
فصل خامس عشر در احوال اقمان اکبر و ذوسد بن عاد و حارث بن شداد و ذوالقرنین صعب ۱۷۰	فصل ثالث عشر در احوال شداد بن عاد و بنارم و شداد ۱۶۹	فصل ناسع در احوال عامر بن مارب بن عوف ابن حمیر و نعمان بن یعفر و اسحق و شداد بن عاد بن المطاط ۱۶۹	فصل خامس در احوال حمیر بن سبا و وائل بن حمیر و سکسک بن وائل و یعفر بن مکسک ۱۶۸

فصل ناسع عشر در احوال ذوالمنار ابرهه و افریق بن ابرهه و ذوالاذعار عمرو بن ابرهه ۱۷۱	فصل ثانی و عשרون در احوال شراحیل و هدهد و بلقیس ۱۷۱	مطلب عسکر و عرش و تفصیل ۱۷۲	مطلب وفات و احوال ناشر النعم و غیره ابو مالک ابن عمرو و عمران بن عامر و عمرو بن عامر ۱۷۳
فصل ثلاثون در احوال اقرن بن ابی مالک بن شمر و ذوالحشاش بن اقرن و تبع بن اقرن ۱۷۳	فصل ثالث و ثلاثون در بیان کریب بن تبع و یواکب بن کریب ابن تبع ۱۷۳	قصه آتش و احوال حسان بن تبع الاوسط و ذوالاعواد عمرو بن تبع اوسط و عبد کلال بن ذوالاعواد ۱۷۵	فصل ثامن و ثلاثون در احوال تبع اصغر و حارث بن عمرو و مرثد ابن عبد کلال و وکیعه بن مرثد ۱۷۵
فصل ثانی و اربعون در بیان صهبان بن محارب و عمرو بن تبع و ذوالشتر و ذوالنواس ابن حسان ۱۷۵	فصل ثامن و اربعون در احوال ارباط و ابرهه بن الصباح و قصه نیل ۱۷۸	فصل خستون در بعض احوال یکسوم بن ابرهه و مسروق بن ابرهه و یوسف بن ذی یزن ۱۸۰	حکایت عجیبه در احوال رسول صلی الله علیه و سلم ۱۸۰
باب سابع در احوال ملوک جرهمیه ۱۸۱	فصل در احوال جرهم ابن قطان و عبد الیل و جرشم و عبد المدان و ثعلبه و عبد المسیح ۱۸۱	فصل سابع در بیان مضاض الاکبر و عمرو الاکبر بن مضاض و حارث بن عمرو الاکبر و عمرو الاکبر ۱۸۱	فصل حادی عشر در بیان بشر و مضاض الاکبر و حارث بن مضاض الاکبر ۱۸۲
فصل در کیفیت ظهور قرم جرهم در ولایت مکه مکرمه و حکومت ملوک جرهم در مکه و مسبب زوال ایشان ۱۸۲	باب ثامن در احوال خلفاء حکام بنی اسرائیل ۱۸۳	فصل اول در احوال حضرت موسی و حضرت یوشع علیهما السلام ۱۸۴	فصل ثالث در احوال فیماض یا فیفخاش بن عزیز ابن هارون علیه السلام ۱۸۴
فصل رابع در احوال کوشان و غنشان و غنلون و اهور باخودلی و ذ و نمکار و بابین ۱۸۴	فصل عاشر در احوال باراق و کدعون ۱۸۴	فصل اول در احوال ایمالج بن کدعون و یوا ایر و امویط و یفخ و ابسن و الوان ۱۸۵	فصل ثامن عشر در احوال عبدون و حکام شهر فسطین و شمسون الجبار و عالی السکاهن ۱۸۵
فصل ثانی و عשרون در احوال انمویل بنی علیه السلام ۱۸۵	باب ناسع در احوال ملوک بنی اسرائیل ۱۸۵	فصل اول در احوال طالوت بن قیس ۱۸۵	فصل ثانی در احوال ایش پوش و حضرت داود بنی و سلیمان بن داود علیهما السلام ۱۸۶

فصل خامس در احوال رجیم یا خود رجیم یا خود رجوعام و بیان اذیا یا اثیا یا ابضیا بن رجیم ۱۸۶	فصل سابع در احوال اسابن اتاویم و شافاط و بیان یورام بن یم و شافاط ۱۸۶	فصل حادی عشر در احوال علیا هو ۱۸۶	فصل ثانی عشر در احوال یواش بن اخز و امصیا هو بن یواش و عزریا هو و یوشم و حزقیا ۱۸۷
فصل ثامن عشر در احوال منشایا منشینا ابن حزقیا ۱۸۷	فصل تاسع عشر در بیان امون بن منشایا و یوشیا بن امون و یو یوخین و یو یاقیم ۱۸۸	فصل ثالث و عשרون در احوال یخنیو بن یم و یاقیم و صدقیان بن یوشیا ۱۸۸	فصل خامس و عשרون در احوال ناشیه بن اموص ۱۸۹
باب عاشر در احوال ملوک یونان و بطالسه ۱۸۹	فصل اول در احوال فیلمس بن مصریم ۱۸۹	فصل ثانی در احوال اسکندر بن فیلمس و اجمال جمع احوال او ۱۹۰	فصل ثالث در احوال شسوس بن لاغوش المنطقی و فیلاذ قوس و اورا خطیس ۱۹۱
فصل ساس در بیان فیلا بطور و اقیه قوس و فیلا مطول و اورا خطیس الثانی ۱۹۱	فصل عاشر در بیان سوطراوشیدر یطس و اسکندر و قوس و فیلاذ قوس الثانی ۱۹۱	فصل خامس عشر در احوال قالدو بطرا ۱۹۱	باب حادی عشر در احوال ملوک روم از کفار ۱۹۱
فصل اول در احوال غالیوس و یولیوس و اغطس و طیار یوس و فیلا و دیوس ۱۹۲	فصل سابع در احوال مارون و ساسیا قوس و ططیسوس ۱۹۲	فصل عاشر در احوال درمطنیوس و بارواس و طرانان قوس و انطون قوس و مر قوس ۱۹۳	فصل سادس عشر در بیان قوس و دوس و قوطنجوس و اسکندر و قوس ۱۹۳
فصل حادی و عשרون در بیان مکسیسیوس و عوردیانوس و دقیا قوس و غالیوس ۱۹۳	فصل خامس و عשרون در بیان ارتانوس و فلودنوس و اذرقلینوس و فرد قوس ۱۹۳	فصل تاسع و عשרون در بیان فاروس و دقیا قوس ۱۹۳	باب ثانی عشر در احوال ملوک روم میان نصاری ۱۹۳
فصل اول در احوال قسطنطین المظفر ۱۹۳	فصل ثانی در احوال قسطنس و کابیانوس و یونیانوس و رالیطیانوس ۱۹۴	فصل سابع در احوال خرطیانوس و ناودوسیوس و اذاریوس و او توریوس ۱۹۴	فصل حادی عشر در احوال ناودوسیوس الثانی و مر قیانوس و رالیطس و لوان ۱۹۴

فصل خامس عشر در بیان زنبیون و امپاتیوس و نوسپتیوس و نوسپتیوس اثنی ۱۹۴	فصل نهم عشر در احوال فوق طینوس الثالث وطیرپوس و طیرپوس الثانی ۱۹۴	فصل ثانی و عشرون در بیان ماریقوس و مرقوس و قوقاس و ارقیاس ۱۹۴	مطلب حکایت و روایت مفصلة اخرى در ذکر قیصره روم ۱۹۵
مطلب طبقة قیصره یونان ۱۹۷	باب ثالث عشر در احوال ملوک غسان ۱۹۷	فصل اول در احوال جفنه بن عمرو و عمرو بن جفنه و ثعلبه بن عمرو و حارث بن ثعلبه ۱۹۷	فصل خامس در احوال جبله بن الحارث و حارث ابن جبله و منذر بن حارث و نعمان بن حارث ۱۹۷
فصل ثامن در بیان جبله ابن الحارث و ایهم بن حارث و عمرو بن حارث و جفنه بن منذر ۱۹۷	فصل ثالث عشر در بیان نعمان بن منذر و نعمان ابن عمرو و نعمان بن الایم و حارث بن الایم و نعمان بن حارث ۱۹۸	فصل ثانی و عشرون منذر بن نعمان و عمرو بن نعمان بن منذر و حجر بن نعمان و حارث بن حجر ۱۹۸	فصل ثالث و عشرون در بیان جبله بن حارث و حارث بن جبله و نعمان ابن حارث و ایهم بن جبله ۱۹۸
فصل نهم و عشرون در بیان شراحیل بن جبله و عمرو بن جبله و جبله بن حارث و جبله ابن الایم ۱۹۸	باب رابع عشر در بیان ملوک تنجه و احوال مالک بن قهم الازدی و عمرو بن قهم و جذیمه الابرش ۱۹۹	فصل رابع در احوال عمرو ابن عدی اللخمی و امر القیس و عمر و اللخمی و اوس بن قلام العمالی ۱۹۹	فصل ثامن در احوال امر القیس المحرق اللخمی و نعمان ابن امر القیس ۱۹۹
مطلب ترک ملک و احوال منذر بن نعمان و اسود بن منذر و منذر بن منذر و علقمة الذمیلی ۲۰۰	فصل رابع در بیان امر القیس بن نعمان و منذر بن امر القیس و حارث بن عمرو بن حجر الکندی ۲۰۰	فصل سابع عشر در احوال عمرو بن هند و قابوس بن منذر بن ماء السما و نعمان بن منذر بن ماء السما ۲۰۱	فصل عشرین در بیان منذر بن نعمان بن منذر بن ماء السما و اباس بن قیصره الطائی و زارومه الهمدانی ۲۰۱
فصل ثالث و عشرون در احوال منذر المعروف ۲۰۱	باب خامس عشر در احوال ملوک کندیه ۲۰۱	فصل اول در احوال حجر و عمرو بن لخی بن قهم بن خندف ۲۰۲	مطلب ضلالت عرب و اظه ابداع و احوال زهیر الکلبی و کلب بن ابی ریمه و زهر بن العبسی و قیس بن زهر ۲۰۲
فصل ثامن در احوال حارث بن عمرو بن حجر و حجر بن حارث بن عمرو ابن حجر الاکبر بن عمرو بن معاویه ۲۰۳	فصل ثامن در احوال امر القیس ۲۰۳		

قسم ثامن من الجزء الرابع کتاب مرآت الکائنات			
باب اول در سبب اختلاف لغات و انتشار امم بکائنات ۱	باب ثانی در امای و احوال امم عالم از بنی آدم ۲	فصل اول در احوال امت سریان ۲	فصل ثانی در احوال امت صابیه ۳
فصل ثالث عشر در احوال قبطیان و امت فرنک و امت عجم ۴	فصل سادس در احوال امت کرد و امت اترک ۶	فصل ثامن در احوال امت تاتار و امت چین و ام در بند ۷	فصل حادی عشر در احوال امت روس و امت صقالیه و امت باجوج و ما جوج ۸
فائده در خروج باجوج و ما جوج در آخر زمان ۹	فصل رابع عشر در احوال امت هند و امت سند ۱۰	باب سادس عشر در احوال امت حبش و امت سودان و امت کنهان ۱۱	فصل ثامن عشر در احوال امت بربر و امت بنی اسرائیل ۱۲
فصل حادی و عشرون در احوال امت روم ۱۴	فصل ثانی و عشرون در احوال امت ارمن و امت یونان ۱۵	فصل رابع و عشرون در ذکر مشاهیر عظمای و حکما که از طایفه یونان و سایر امم جهان ۱۵	مطلب حکیم ایدقلس و حکیم اردیوس و حکیم ارسططالیس ۱۵
مطلب حکیم ارشمیدس و حکیم اسکراطیس و حکیم اسکلتینوس و حکیم اسکلتینوس ۱۶	مطلب حکیم اسکلتینوس الثانی و حکیم اسکندر افرو دیشی و حکیم اسطوقانوس و حکیم اغاناد یون ۱۶	مطلب حکیم افلاطون الهی ۱۶	مطلب حکیم افراطین و حکیم اقلیدس و حکیم افلاطون ۱۷
مطلب حکیم انبارفلس و حکیم انبرقلس بن فاذن و حکیم اندروماخس و حکیم انکساغورس ۱۷	مطلب حکیم انکسانس و حکیم انکسیانوس و حکیم برقظوس و حکیم برمایدوس ۱۷	مطلب حکیم بطایموس الغالوادی ۱۷	مطلب حکیم بقراط بن راقلس و حکیم بقراطیس و حکیم بلیناس و حکیم نالیس و حکیم نالیس ۱۸
مطلب حکیم نالیس و حکیم جالینوس و حکیم در هو یاس و حکیم دیسقوزیدس و حکیم ذوانا ۱۹	مطلب حکیم دیقراطیس حکیم زرداشت و حکیم سقراط بن نیفرستس ۱۹	مطلب حکیم طفطیو هیس و حکیم فلطیر یوس و حکیم فلوطرخیس روی ۲۰	مطلب حکیم فولوس و حکیم فیثاغورث و حکیم فیلمون و حکیم ماریتوس ۲۰

مطلب حکیم ماغنیس وحکیم مورطس وحکیم مینوس وحکیم نیقوماخس ۲۰	مطلب حکیم هرودیس وحکیم هوزیس وحکیم لاذن ۲۱	فصل خامس وعشرون در احوال ام نصاری ۲۱	فصل سادس وعشرون در احوال امت عرب که انله عرب عاربه دیرلر ۲۲
مطلب قبیله عود و قبیله طسم و قبیله جدیس و قبیله عماقه ۲۳	مطلب قبیله جرهم و قبیله بنی عییل و قبیله سبا و قبیله حیر ۲۴	مطلب قبیله قضاچه و قبیله ازد و طاقه خزاعه ۲۴	مطلب طاقه اوس و طاقه خزرج و طاقه غسان و قبیله طی ۲۵
مطلب قبیله مدح و قبیله همدان و قبیله کنده و قبیله بنی مراد ۲۵	مطلب قبیله نخم و قبیله جذام و قبیله اشعرون ۲۵	نوع ثالث اشب و فصل امت عرب اولنده یکدیگی اوزره چله جنس امت ۲۵	مطلب قبائل بنی ربه و قبیله بنی بکر بن وائل و طاقه عرب بنی ضیفه ۲۵
مطلب طاقه بنی زهل وسائر ۲۵	مطلب قبائل بنی مضر بن نزار بن معد بن عدنان ۲۵	مطلب قبیله بنی قیس غیلان که و طاقه بنی هلال و طاقه باهله وسائر ۲۶	



الحمد لله الذي جعل السلاطين المؤمنين * حجة الدين المبين وسبب نظام امور المسلمين * والصلاة والسلام
على محمد سيد الانام * وعلى آله وصحبه الكرام الى يوم القيام (اما بعد) اسبق تاريخ مرآت الكائنات جامع
ومرتبي وغفر ولفظ نامتناهي الهيك راجي ومستطلي بده حقير وافكده بر قصير تشاغي زاده محمد بن
احمد بن محمد بن رمضان عفا عنهم الكريم الرحمن واسكنهم فسيح الجنان ديركه * قسم خامس واول نصف ثاني
كتاب مرقوم اولان اشبو اوراق محتلوم افاقت رسوم * صحابه كزنده نكره كلان اساطين سلاطين
اهل دين احوالري تبينه تعيين اولوب اون طقوز باب عالي قبايه توزيع وهر برى نيجه فصول نافعه
المحصل اليه تفريع اولفندر * وهذا اوان المروع * مستعينا بجمالي المجموع (باب اول در احوال
خلفاء بني اميه) اول معلوم اوله كه ماينده ابن الزبير محسوب اولمق اوزره اشبو طائفه اون درت نفردر
ابتداء خلافتري هجرتك فرق برنده اولوب تختكاهلري دمشق شام ايدى مدت خلافتري سكران
اوج بيل ودرت آي اديكه جله سى تمام يك آي اولوب حضرت رسول عليه السلام بركون
شبرده ايكن خلفاء بني اميه تك حضرت حسينه بعده سائر مسلمينه ايدى جكرى ظلم وحقاره و مدت
سلطنتري يك آي اوله جفته قدرت حقه مطلع اولدقه عثمانك اولفين في الحال جبرائيل عليه السلام
كلوب (انا انزلناه) سوره سن كنوروب (ليلة القدر خير من الف شهر) دن مراد بودرد عيشه ثانيا معلوم
اوله كه اشبو ملوك بني اميه بي شفت وجهه دن حضرت معاويه و عمر بن عبدالعزيز ورفاچندن غيريلري
يد نهادوبى سداد و فتن اعتياد اولوب عن واحدن ايله توان اولان زمان عديم الامان عيم العدوانلرند انواع
ظلم وفسق و غرور ظهور ايدوب اول قوم مستحق اللومده اكثر ملوك سن سن رسول رب ذوالمنته عدم
سلوك اوزره اولوب اشبوات عالي همت ايچنده (يت) عرش شرع رسول جله مال * ابتداء اول زمانده
بولدى خذل (نثر) تفسير اواله هودده (الم تر الى الذين بدلوا نعمة الله كفرا واحلوا قوههم دار البوار جهنم
بصلواتنا فليس انذار) آينده حضرت عمر و حضرت عبيد بن ريدركه الذين دن مراد رب العباد
قربندن اخراجن يعنى ايكي طائفة ذوى الطغياندر برى بني المغيره دركه بدرغز اسنده قتل ايله جزاوسزالرين
بولديلر برى دى بني اميه دركه جناب رب قهار بي ايه الدن بر مقتضاي حكمت زمان مبعينه دل امهال

اولنديلر (فصل اول در احوال معاويه رضى الله عنه) ابن صفركه صفركه كني ابو عفيان
اولوب ايمنه غلبه ايچندر ابن حرب بن اميه بن عبد شمس بن عبد مناف كه جد رسول عليه السلام در
معاويه حضرت رسولك نبوتدن التي بيل اول طوغندر پدريه مكه فتنى كوفى حضرت رسول او كنده
ايمانه كلوب ايكنسى دى اوانلده مؤلفه القلويدن اولوب بعده اسلاملى محكم اولدى * مر ويدركه
اوزون بويلو آق بكنز لو خوب صورت و مهيب اولوب كولدوكى زمانده اوست دوداغى بوقار و به
قيور بيلوردى صفالى حنا و كتم ايله بوياردى (منقب) قوارىخ معتبرده مذ كوردركه حضرت
رسولك قرآن عظيم يازان كاتلمندن اولوب بونك حقه اوقات متفرقه ده (اللهم اجعله هاديا مهديا)
ديو (اللهم علم معاويه الكتاب والحساب و قه العذاب اللهم مكته في البلاد) ديو خير دعا ايدوب
ودى بوكه خطابا (يا معاويه اذا ملكت فاحسن) بيوروب پادشاه اوله جفته اشارت و رمزله بشارت
ايلشرايدى حتى كندودن مر ويدركه رسول عليه السلام بكابوكلامى بيوردقند نكره خلافت رجا سندن
خالى اولدم و دى بركون رسول عليه السلام بر طواره بنوب معاويه بي آردنه بديروب كيدر كن (يا معاويه
ما بلينى منك) يعنى سنك بكانه عضول يقيندر ديوب اودى فارغ ديدكده (اللهم املا عيالا و حلالا) ديو خير دعا
ايتديلر حضرت على حضرت معاويه حقه بعض كسسه لره (لا تكرهوا امره معاويه فانكم لو قد غوه لرأيتم
الرؤس تدور عن كواهلها) ديمدر مر ويدركه معاويه عقل و ذكا و عفو و سخا و تدبير معظمت اشياه
ماهر و مكمل و ملايمت و حمله شرب مثل اولوب حلم و عفوى خصوصنده نيجه حكاييت و خبر لطيف
اولوب مستفلايكي كتاب عربى تاليف اولفندر * مر ويدركه طائفة عربك دهاتى يعنى غايت فخرى
درتدر كه برى معاويه و عمرو بن العاص و مغيرة بن شعبه و زياد بن ابى سفيان و بعض سلف ديمدر كه معاويه
اهل مهابت و نجاعت و تدبير و سخاوت و سعى و اقدام و اهل همت اولوب هر و جوله كويا سلطنت
ايچون برادلمشدى حتى حضرت عمر با اعلام رسولها بى كرامت و فراستله معلوم اولفين معاويه به ياقده
هذا كسرى العرب يعنى عرب حاكملندن عجم پادشاهلر به تقليد ايدى جك سلطان كامران صاحب
شوكت و زينت و شان بودرد ديدى * مر ويدركه عظما اخيادن اولوب جزى بهانه ايله نيجه بول اخيه
باغشليوب بر كه حضرت حسن بورجلندن شكاييت ايتدكده سكران بيل فلورى باغشليوب و قعه
صفينده دى مغلوب ايكن مدبر امورى اولان عمرو بن العاصك حيله سيله غالب اولدقه انى مصره حاكم ايدوب
آلى بيله دل جله مصر شمس من اكابا غشلفين عمرو وفات ايتدكده بيش دوه بوكى تده فلورى سى چقه دى
(احوال خلافت) بيوك برادري يزيد بن ابى سفيان حضرت عمر طرفندن حاكم شام ايكن هجرتك
يكرميينده يزيد وفات ايتدكده كندوب ريشه معاويه بي نصب ايدوب حضرت عمر ايشتدكده ايشا ايتدى
حضرت عثمان خلافتده برنده طوروب عثمان شهيد اولدقه اوزاقدن اقر با سندن اولفين باب احوال
عليه ذكر اولنديلى كى عثمانك قائم طلب سبيله دعواى خلافت ايدوب اهل شام و حاب و مصرى
كندوبه اوبدوب حضرت على ايله جتكار ايدوب بعد زمان حضرت على وفات ايتدكده حضرت حسن ايله
دى جتكار ايكن قول اصح اوزره هجرتك فرق برى ربيع الاقلنده باجنادى الاولى ده باشوالده
حضرت حسن مسلمانك قائم بلا سبب دو كمل ايچون حسن اختيار ايله معاويه به فراغت ايتدكده
شرعا صحيح خليفه اولفين جميع عمالك اسلاميه خلقى راضى اولدقلنده اول سنه به عام الجماعة ديو آدقو ديلر
استقلالك اولكي بيانده مروان خبيثى مدبته به حاكم ايدوب به اوانلده مسلمانلر مغربدن افر بيه شهرينك
اطرافنده كفاره غزا ايدوب ماللر و اسيرلر ديلر هجرتك فرق ايكن سنده عبد الرحمن آدلو بر سردارى بعض
بلاد مجستانى و فرق او چنده بهض بلاد مودانى و ترق در دنده هندستانده كابل شهرى فتح ايدوب مهاب
آدلو سردارى دى هندستانده كفار ايله جتكار ايدوب انلري صيوب فرق بيشنده حاكم مصر
مغربه افر بيه شهرى فتح ايدوب بهض فرق بيشنده تر كسانده قبقان شهرى فرق بديده مغربه
به افر بيه شهرى فتح اولوب بهض فرق بديده ولايت چين و خطا خلقى اولان كفار اترالك جهيله خروج
ايتد كارتده مسلمانلر ايله ابن سوار آدلو سرداره مقابله اولدقلنده جله سى شهيد اولوب اترالك ناپاك قستان

شهری تکرار آلود از کله مسلمانان را ابتدا چنگی بوایدی فرق سکرزده معاویه عسکر ایل جزیره قبریه بالذات
 کندوسی سغریایندی هجرتک الیستند بمده هستان شهری جبر ایل فتح اولندی واشوسنه ده معاویه
 اوغلی یزیدی قسطنطنیه فتحه سردار ایدوب وارد قد کبار صحابه دن حضرت ابی ایوب انصاری ایل
 نیجه صحابه و غیرین بعض کسینه لدخی شهید اولدیله بعد کفاری خراج کسوب کلوب اول ائاده
 مدینه دن حضرت حسنک وفاتی خبری کاد کرده معاویه یزیدی کندو دصکره خلیفه ایتمک اهل
 شام دن بیعت آلوب الی برده ایچون مدینه به کاد کده حضرت حسین و ابن الزبیر و عبد الرحمن
 ابن ابی بکر رضی الله عنهم وافر مالار و یروب یزیده بیعت تکلیف ایدوب انلراضی اولد قلزنده سائر ناسی
 راضی ایدوب شامه کندی الی درنده ابن زیادی ولایت خراسانه سردار کوند روب نهر جیحونی
 دوه ایل کیچوب بخارا ولایتک بعضین آلوب طبرستان خلقی ییلده بشر یوز ییلک اجه خراج کسیدی
 الی آئیده خراسان حاکمی مرقنده غزا و کفار ایل جنک ایدوب صلح اولد قلزنده رهنارین الدیلر الی
 طقوزده معاویه نک بکارندن بری مغریده بریده کفار ایل مرار اعظم جنک ایدوب طرفیندن یجودی عد
 آدمز قتل اولندی * قدس شریفی سابقا حضرت عمر فتح ایدوب بعد زمان کافر لکلوب آلدی معاویه
 تکرار فتح ایدوبی والحاصل بونک حقنده رسول علیه السلام (اللهم مکنه فی البلاد) دیو خیر دعا تمکین معجزه
 رسول ظهور ایدوب مغریده فراوان شهرندن مشرقه بخارا شهر نه دل و دیار یندن قسطنطنیه به دل
 بوار افلرده اولان یمن و حجاز و شام و مصر و مغرب و عراق و جزیره وارمنیه و اذربایجان و روم و فارس
 و خراسان و جبال و دیلم و ماوراء النهر اقلیلزنده اولان جله شهر لری بی مانع و مزاحم ضابط و حاکم اولوب
 عظیم الهیبه و نورانی الشیبه ملج الصوره حمید السیره وافر الاحتشام باهر الاحترام محبوب القلوب
 مألوب العیوب سلطان عالیشان نصرت نشان ایدی * ثیاب فاخره کیوب لطیف ائله بنوب امور سلطنتدن
 متلذذ و محفوظ لکن برکت صحبت رسول الله سبیلله مخالفت شرع دن محفوظ ایدی (اولیات)
 مرویدر که ۱ خلدن بیعت الدقده بعضینه یمن و بزمک ۲ حضور و سروردن محکم سوز اولد قد منبرده
 خطبه بی او نور کن اوقومق ۳ خطبه عیدی صلا عیددن مقدم اوقومق ۴ صلا عید ایچون اذان
 اوقومق ۵ تکبیر عددلر یکن اکمل ایتن ۶ مصلحت ایچون اولاق کوند رملک ۷ طواشیلری یعنی آلت
 رجولیلری کلمش خادم لری استخدام ایتن ۸ بشه دیوان مهری قوللق ۹ حضرت علی شهید اولزندن
 اول خوار جلدن بری معاویه بی قیل ایل بحر و ح ایتمکین جامه ده مقصوره یایدیروب نماز قیلد بجه
 انک ایچنده قیاق ۱۰ قدیمدن کعبه به اورقونان اورقوز بری برینک اوستنه اورتیه کلمش ایکن یکی
 اورقونان اولد بجه امکیسی چیقارلق ۱۱ خافا زمره مسنده کندو دصکره خلافتی اوغلنه تعیین ایتن
 واول خصوصه مقدما خلدن بیعت آلتق ۱۲ بر شاعر کسینه مرقه ایتدیکی ثابت اولوب قطع بد
 لازم کاد کده برایی منظوم بیتله تضرع ایتمکین عفو ایدوب امت محمد ایچنده ابتدا اسقاط حد شرعی ایتن
 بوجه معاویه نلک ایجاد واحد ایدر ۱۳ قدیمدن جمیع طوائف عربده خصوصاً حضرت رسول علیه السلام
 ایل چهار بارک حکومتلری زمانلر ده اطعمه متنوعه اولوب همان مطبوخ قسندن یخنی واون و بقدای
 آشلی استعمال اولوب بونلرک دخی ایکی درلوسی بر زمانده جمیع ایتنک آزار واقع اولوردی معاویه
 خلیفه اولد قد طائفه عرب ایچنده تنوع و تعدد طعمای ابتدا بواحدان ایدوب اول کسینه اولمغین
 بر شاعر بونی شرب مثل ایدوب دیشدر (بیت) و صاحب بطنه کالهاویه * کان فی امعانه معاویه *
 (نثر) مرویدر که برکون حضرت رسول علیه السلام بونی بر مصلحت ایچون چاغردوب یکن ییور دیو خبر
 و بر یلرب بر زمانده دخی چاغرد قدینه یکن میوردید کارنده رسول علیه السلام (لا شیع الله بطنه) یعنی الله
 فارغی طویور مسون دیدیلر واقعا اول زماند تیر و هر نه قدر طهام به قاری تمام طویوریدی (فائده) بونک
 زمان خلافت صحیحه سنده وفات ایدن کبار مشاهیر صحابه بلا ترتیب زمان الوفا بونلدر حضرت
 رسول خاتونلرندن حصه وام حبیبه و صفیه و مویونه و موده و جوبریه و عائشه و سائر صحابه دن عثمان
 ابن طحله بواب کعبه مکرمه و عبد الله بن ملام اکبر علماء یهود سابقا و ایدو الشاعر و عمرو بن العاص

حاکم مصر و صفوان بن امیه و محمد بن مسلمه و ابو موسی الاشعری وزیر بن ثابت کاتب رسول الله علیه السلام
 و کعب بن مالک شاعر رسول علیه السلام و مغیره بن شعبه حاکم بصره و جریر بن عبد الله الجلی که غایبده
 کوزل اولمغین حضرت عمر (جریر یوسف هذه الامه) دیوب ودخی حددن بیرون اوزون قامت اولوب
 ایغنتک طبانی بر ذراع ایدی و ابو ایوب الانصاری که استانبولده شهید اولدی و سعید بن زید از عشره
 مبشره و عثمان بن ابی العاص و خالد بن الولید سردار شجاعته عار و عمران بن الحصین که بعض ملائکه بوکا
 سلام و یروب لکن کور غزلردی و معاویه بن خدیج و ابو بکره الثقفی و عمر بن حذم و عبد الرحمن
 ابن ابی بکر الصدیق و زیاد ابن ابیه و اسامیه بن زید بر سر بنده رسول علیه السلام و ثوبان بنده رسول
 علیه السلام و جبر بن مطعم و حسان بن ثابت شاعر رسول علیه السلام و حکیم بن حزام که کعبه نک
 ایچنده طوغمشدی و ابو قتاده و فضاله بن عبید قاضی شام و سعد بن ابی وقاص از عشره مبشره و ابو الیسر
 و قثم بن العباس ابن عم رسول الله علیه السلام و عبید الله بن العباس و شداد بن اوس و عقبه بن عامر و سعید
 ابن العاص و ابو محذوره مؤذن الرسول علیه السلام و عمره بن حنبل و عبد الله بن مغفل المزنی و ابو هریره
 ودخی نیجه صحابه * مرویدر که ابو هریره (اللهم انی اعوذ بک من رأس السمن و اماره الصبیان) دیو دعا ایدردی
 پس قبول اولوب هجرتک الی طقوزنده وفات ایدوب (وفات معاویه) ولایت شامده عز خلافتنده
 درت ییل عثمان خلافتنده اون ایکی ییل علی خلافتنده تغلب ایل بش ییل حسن خلافتنده آتی آی
 حاکم اولوب حسن فراغتند نصکره جمیع مالک اسلامیه به شرعاً صحت اوزره اون طقوز ییل و اوج یاسکز آی
 خلافت و سلطنت سوروب هجرتک التمشی و جبنده یتمش طقوز یا تمش بش یا تمش سکر یا شنده دمشق
 شامده وفات ایدوب (انظم) جله خلق اهل سفر عالم مسافر خانه در * بنقیم آدم بولنر خیمه افلا کده *
 مرویدر که مرض موده مقدما تینا صلا دیقی حضرت رسولک مبارک صاحب لردن بر قاج دانه قبلی
 و مبارک طرقلرین وفات ایتد کده آغزینه و کوزلرینه قوماغه وصیت ایدوب (افله لودلک و خلوا بینی
 و بین ارحم الراحمین) دیدی * مرویدر که عبد الرحمن و یزید و عبد الله آدلو اوغلاری هند رمله صفیه
 عائشه آدلو قزلری اولوب قاجی صوکنه قالدیقی نامه لوددر (فصل ثانی در احوال یزیداعین بن معاویه)
 ابن ابی سفیان هجرتک بکری التیسنده یابنده طوغوب غایبده قاره یا غز و کوده سی ایری و سوز و قیل و ایدوب
 و یوزی وافر چچک نشان لودای عالم و شاعر با یغ لکن زانی و لوطی و مدمن خرنار و ناله الصلا ایدوب و ظالم
 بی رحم و بی دریغ و کردن شقاء مدنی سزا و ارتغ اولوب اهل بیت رسول و حرمین شریعین خلقته ایتد و کی
 انواع ظالم و اهانت تاروز قیامت باعث نفرت و لغت اولمندر * حضرت قهار عظیم الشنوندن مرجو
 و مظلوندر که انصار و اعوان بی ایمانله اید الابدین اسفل السافلینده قرین کفار و شیاطین اولدر
 (اول من یدل سنتی رجل من بنی امیه یقال له یزید) دیو ودخی (لا یرال امر ایتی قائما بالقسط حتی یكون
 اول من یشله رجل من بنی امیه یقال له یزید) دیو ایکی حدیث صحیح وارد (بیت) دیمه بونجه درلو
 فساد اول لعین * ایدوب نیجه اولدی بلادن امین * بوامهالی صخه که امه الدرد و واملی اهم ان کیدی متین *
 مرویدر که حضرت عمر بن عبد العزیز لک یاتنده بر کسینه یزیدی امیر المؤمنین یزید دیو یاد ایتد کده اکابولیدی
 دیرسن دیو قاقیوب نه ز بر امر ایدوب بکری دکنک اور دیلر یعنی او عقوله فاسق لعین و ظالم بی دین
 بد آینه امیر المؤمنین دیک شجاعا ز کدر دیدی (قصه کربلا) پدیری وفاتنده حص یکی ایکن دمشق شامه
 کلوب مقدما پدیری بونک ایچون جله خلدن بیعت آلتش اولمغین حاضر و غائب اولان مسلمانر کیکی
 بالا اختیار کیکی بالا اضطوار بیعت ایدوب لکن حضرت حسین و عبد الله بن الزبیر یزید ظالم و فاسق
 اولمغین خلافتنه مستحق د کادر دیو سابقا و لاحقاً اصلا رضا و برمیوب مدینه دن اولابن الزبیر مکه به
 واروب خلیفه اولوب بعده حضرت حسین دخی واروب مقدما ذکر اولندینی اوزره توابعیله کوفه به
 کیدر کن صحرای پر عنا و جای کرب و بلا اولان کربلا به کلد کده انده شهید و واصل رحمت رب مجید
 اولدیلر (شند بکر) اشراف حرمین سامع قتل حسین اولد قلزنده یزیده ایتد کفری بیعتلرین یوزوب یزید
 طرفندن مدینه حاکمی اولان عمرو بن سعید مکده عبد الله بن الزبیر اوستنه انک برادر لکن عدوسی اولان

عرو بن زبیری و ایس آدو بر کسسته بی یکی یلک عسکر ایل کوندروب یوله ایسی عبد الاله آدملری
 قتل ایدوب عری طوقوب عبد الله انی اوردیروب دکنک التنده وفات ایدی (مخاربه مدینه)
 که وقعه حره دیکمه مسی و مشهور اولمشدر * مرویدر که اهل مدینه بزید طرفدن حاکملری عثمان بن محمد
 ابن ابی سفیان و جله بی امیه بی شهر دن سوروب بزید ایشد کده مسلم بن عقبه آدلو کافر صفت خبیثی
 اون یلک عسکر شر ایل جنکه کوندروب مسلمانلر ایشد کده مدینه اطرافنه خندق قازوب اعداء
 پرداء بدرا التمش اوج ذی الجحش اواخرنده کلوب شهر لک طشره سنده فتح حالیه حره آدلو حره قونوب
 شهره کندولر بر سردار دیکوب جمعیت ایدن مسلمانلر اوج کونه دلک بیانی بزیده بیعت تکلیف ایدوب
 رضا و یرمد کونده عسکر بزید (من اخاف اهل المدینه اخافه الله و علیه ائمه الله و الملائکه و الناس اجمعین)
 حدیث شریفنک مضمونشدن خوف با تمیوب اهل مدینه بی تحوین ایچون جنک ایدوب مسلمانلری
 صیوب اوج کونه دلک شهر لک ایچنه قلیچ چکوب تپ و غارت و انواع خسارت ایدوب سائر ناسدن
 ماعدا او چپوزی با جله سی صحابه دن اولان یدییوز نفر اهل قرآنی شهید و یلک عدد با کره قیزی جبر ایل
 تصرف ایدوب اول زمره اهل بقی وقتل ناموس شرعی هتک و بلد واجب التعظیم حضرت رسول کریمه
 مسلمانن صادر اولمز نیجه عظیم ایش ایدوب رعایتلری شرعا واجب اولان صحابه به غایت تشویش
 و یروب حتی کال قترندن وقته و فساددن مسجد شریف حضرت رسولده اوج کونه دلک جماعته نماز
 قیلفه چاره اولمیوب اهل مدینه آواره اولدیلر عاقبت بقیه مسلمین کال ضرورت و کراهتله بزید لعینه
 بیعت ایدیلر (مخاربه مکه) من یور مسلم بی دین امر بزید لعین ایله که یه کیدوب دخی مدینه ده جنک
 اولنور کن محفه ایچنده یا نور خسته اولغین یوله هلاک اولوب بعد زمان قهرندن چقار یلوب صلب
 اولنوب الی الان قبری طاشلق اوزره درانک یرینه حصین آدلو کسسته سردار اولوب عسکر ایل محرمک
 در دخی کونی مکه یه واروب چادرلر قوروب انده مسلمانلر ایل جاییا بر رمقدار جنک ایدوب شرعا
 امیر المؤمنین و رئیس المسلمین اولان عبدالله بن زبیر صاحب خیر صواب خیر بعض مسلمانلر کعبه ده
 چادرلر قوروب انده فحش ایشد کله ییچون فریق بی فریق ضلالت رفیق شهره حواله اولان ایکی طاعده
 متعینق قوروب طاشلر آتفه با شلیوب اکثری کعبه معظمه به طوقوب حیادن بری اولان اشقیانک
 بری کوندرو اوجیلر آتش یاره سی قالدردقده یل اوجوروب کعبه نک اورتومی بعده دیوارلر شکستنی
 یعنی توانی یا نوب انون اولوقده قدیمدن تبرکات اصلش اولوب حضرت اسمعیل جنتدن فدا کلان
 قوچک بو نوزلری دخی یا نوب اوز قرق کون محاصره دنسکره ربیع الاخر لک اوجینی کونی بزیدک
 موقی خبری کلد کده ایکی عسکر بارشوب بر بر یله قارشوب ابن زبیر خلی بیعت ایدوب عسکر شام اولان
 شام لثم چکوب کندیلر (متفرقات) مرویدر که بزیدک زمان بی امامتده مسلم بن زیاد آدلو بر یکی
 خوارزم ایل بخارا شهرلر بن فتح ایدی من یورک معاویه خالد ابوسفیان عبدالله الاکبر عبدالله الاصغر
 عمر عبد الرحمن عتبة الاعور محمد ابوبکر حرب ربیع آدلو اوغللری و ارایدی کعبه یه ابتدا حریردن اورنوا ورتن
 بزیددر بر و ایشده ابن الزبیر در مهرانک نقشی ربنا الله ایدی غایت فصیح و بلیغ شاعر اولوب جله اشعار یلک
 بری بودر که (تظلم) دعوت جماعتی انا انما فی الله و غلام به خرافا و سمعه زجر ایل فقال هو الما القراح و انما
 تبدی به خدی فاهمک الخراج و دخی خیر نک التمش درت ربیع الاول ایشد نصفه حوران شهرنده یا حص
 شهر ی قریبده بوغاز اغریسندن و ذات الحنبدن هلاک اولوب قنکاهی اولان دم شقه کو قور یلوب
 دفن اولندی دوات بی امیه اقرارشدن الی هذا الان قهر نجاست عاری سکار اولغی اوزره دره
 مقتل منظوم لامعیده طام اوستنده شراب ایچوب کعبه مستانه او یا نوب طام کازنده قبول ایدر کن
 آشاغه دوشوب هلاک اولدی بعضیلر دیکه شیشوب هلاک اولدی دیومذ کورددر مدت عری اوز
 سکر یا اوز طوقوز مدت ملطعتی همان اوج ییل و سکر آ ی ایدی زمان سلطنتده ظالما قتل اولسانلردن
 غیری وفات ایدن صحابه نک مشهورلری حضرت رسولک خاتونلردن ام سلمه و خالده بن عرقه و عرو بن
 زبیر و غیره

وایو مسلم الخولانی ایدیلر (فصل ثالث در احوال معاویه بن زبید بن معاویه) مرویدر که پدری
 بزید لعین وفاتده یکریمی یا شنده اولوب انک وصیتله اهل شام بوکایت ایدیلر (یخرج الحی من المیت)
 مده و منجه اصلا یا با سسته بکره میوب غایت عاقل و دیندار و متقی و عدالتشعار ایدوکی محقق و کتیبی
 ابولیل و لقبی راجع الی الحق ایدی * تاریخ سیوطیده خلیفه اولدقده خسته بولغین اصلا طشره چیه میوب
 امور خلافتدن بر نسته اشلوب قرق کوندن یا خود ایلکی آیدنصکره یکریمی بر یا یکریمی یا شنده وفات
 ایدی * حین احتضارده بر یک خلیفه اولغی نیچون بر کسسته به تعیین ایتزن دید کارنده (ما صبت
 حلا و نه انا لم اعمل مرارها) دیو جواب حکمت نصیب و یردی دینوب * لکن کتب حیاة الحیوانده
 مفصلا مذکوردر که جدی معاویه نک خصوصاً پدری بزیدک ایتدکاری افعال مشهوره سسته غایت
 متکرر و بیحضور اولغین خلافتدن قرق کون یا بش آی و بر قاج کوندنصکره حسن اختیار یله
 فراغت ایچون منبره چیقوب بر خطبه بلیغه او قویوب بعده جدیدنک بعض افعالن و پدر یلک خیت
 و ضلالتن تفصیل بعده بکاء عو یله تعویل ایدوب یعنی نازدق ایل * ککرین داغلیوب زار زار اعلیوب بعده
 (وصرت انا ثالث القوم و الساخط علی اکثر من الراشی و ما کنت لاثمهل انما کم ولا یرانی الله جلت عظمته
 مقلدا اوزارکم و القاه یدیه انکم فشا نکم امرکم نخذوه و من رضیت به فلوله فقد خلعت بیعتی عن اعناقکم
 و السلام) دیوب آغاغ ایتوب سرایه واردقده کال صلاحندن او قوروب اغلا یوب والده سی و اقربای سی کلوب
 علینک و اولادینک محبی او امش سن دیو انواع طعن و تشنیع ایدیلر * بعده انک خواجه سنی طائفة بی امیه
 بونی اضلال ایدن سندن دیوب اولدخی بین ایشد کده ایتا تمیوب ظالما طوقوب صاعیکن طپراغه کومدیلر
 معاویه دخی فراغتندن قرق با طفسان کوندنصکره ماه جادی الاخره ده یکریمی اوج یا یکریمی سکر یا شنده
 وفات ایدوب خلافت رجاسیله نمازنی ولید بن عتبة بن ابی سفیان قیلفه مقام امامته کیچوب تکبیر ایتدوکی
 ساعت مطعون اولوب نمازی تمام ایتدین وفات ایتدین اول نماز یولوب تکرار مروان قیلوب اهل شام
 انی خلیفه نصب ایتدیلر من یور معاویه نک اولادی قالمیوب برادرلری قالدی مهر نک نقشی الدیبا غرور ایدی
 علیه رجة به الغفور (فصل رابع در احوال عبد الله بن الزبیر) اگر چه کیم بی امیه دن دکلدی لکن
 بالکثر باشقه بر باید یازاق مناسبتی اولمیوب زمان خلافتی ملوک بی امیه زمانلر یلک اراشده واقع اولغین
 بالضروره انلر ایچنده یازلدی * حتی تاریخ الخلفاده مروان باغی ایدی خلافتی شرعا جائز دکل ایدی
 دیوانی اصلا یاز میوب معاویه بن زبید ایل عبدالله المملک اراشده همان ایشو ابن زبیر یا شنده (فائده)
 فضائلک اجمالی بودر که (۱) پدری زبیر بن العوام عشره مبشره دن (۲) والده سی حضرت ابو بکر لک قری
 امما ذات النطاقین در (۳) حضرت رسول علیه السلام و اصحابی مدینه یه ماه ربیع الاولده هجرت ایدوب
 مدینه یه و دیلری مسلمانلر شمدنصکره اصلا اولاد کن اولما میچون بزیزه * عر ایشوز در دیکمین مسلمانلر
 بیحضور ایلکن اول سنه نک یا ایکنی سنه سینک شوالنده ایشو عبد الله طوغد قده حضرت رسول ایل جله
 صحابه کال مرتبه سرورلردن صوت اعلا ایل تکبیر مولای ایتدیلر جدی ابو بکر الصدیق بونک قولاغنه اذان
 و یردی (۴) بعده والده سی بونی حضرت رسول کتوروب مبارک دیرلرینه قومغین خرما کتوروب مبارک
 آغز لیله چینیوب بعده اغزینه نو کروب بعده اول خرما بی اغزینه یلا دوب دعا ایدوب ارقاسن
 صفایوب آدی عبدالله کنیتی ابو بکر قودیلر (۵) یدی سکر یا شنده واردقده پدری تعلیمله حضرت رسول
 بیعت ایتدک کلد کده رسول علیه السلام کوروب بیسم ایدیلر (۶) بر کره دخی رسول علیه السلام کندولر
 حجامت ایتدیروب قانلر بی یردفن ایچون بوکاو یروب بودخی تبرکات جله سن ایچوب رسول علیه السلام
 نه ایلدک دیو صوروب ایچدم دید کده (من خالط دمه دی لم یمسه النار و یلک من الناس و یلک الناس
 منک) دیدیلر (۷) مرویدر که غایت عابد و زاهد اولغین علی التوالی احیاء جمیع ایالی ایدوب بر کیجه صبا حده نک
 نمازده قیامده بر کیجه رکوعده بر کیجه سجودده طورمغه معتاد اولوب نمازنی یوقدر اوزادوب لکن غایت
 ماکن اولمقدن قونجه زلر بونی اغاج صانوب اوستونه قونوب کندی اصلا طویزدی (۸) اکثر ایامده صائم
 اولوب حتی کاه بر قاج کون کاه اون بش کون کیجه و کوندز اوروجن یوز میوب آج و صومر طورمغه

صبر ایدردی بر هفته سوم وصال ایشان صحابه بودند غیر بدن صادر اولدی دیشلر (۹) قوت و شجاعتی
 دخی حدتهایده اولوب اول باید غایت تفصیلله محتاج مناقبی واردر (۱۰) شدت فصاحت و بلاغته
 خود نادر انظیر ایدی (۱۱) وقوت علم و ذکاوتده ماهر و شهیر ایدی بکار علماء صحابه دن اولوب عبادله
 دیکله مشهور اولنلر بریدر که انزل اسماری باب علماء صحابه ده کیجه شد (۱۲) هریری برردر لولافت
 یلور یوزنر ملات قوی اولوب هر یزیده انک دیلجه سویلشوردی (۱۳) شدت صوفی دخی نه یاید اولوب
 حرم کعبه ده خطبه او قورکن شهره نحوه اولان ایکی طاعونک آوازندن یاقولنوردی (۱۴) صحابه دن
 عثمان بن طلحه * کان ابن الزبیر لایسازع فی ثلاث لا شجاعة ولا عبادة ولا بلاغة * دیوب بنه تابعیندن بری
 مجاهد * ما کان باب من العبادة یجز عنه الناس الاتکافه ابن الزبیر * دیوب بنه تابعیندن بری
 کنت اذا نظرت الیه فی امر دنیا قلت هذا رجل لم یولد الله طرفة عين واذا نظرت الیه فی امر آخرة
 قلت هذا رجل لم یولد الله طرفة عين * دیوب دنیا و آخرت نه عادتلی جمع ایندیکنه اشارت اینتشد
 (خلافت) مرویدر که یزید یلید حضرت حسینی شهید ایتدیرد کده انی خلع و عزل ایچون ابن زبیر
 مکه ده دعوی خلافت ایدوب حرمین و دیارین خلیف بو کایعت ایتمکین احوال یزیده ذکر اولندیق
 اوزره اهل حرمین ایله جنگه یزید عسکر کوندر و ب کد کزنده ابن زبیری محاصره ایدوب
 هجرتک التمش دردی ربیع الاولنده یزیدک شامده وفاتی خبری کلکین ابن زبیره حرمین و عین و عراق
 و خراسان خلقی اوج درت ایدنصرکه یزیدک اوغلی معاویه دخی شامده خلیفه ایکن وفات ایتمکین
 ولایت شام و حلب و مصر خلقی دخی بیعت ایدوب بعده مدینه و مصر و حجاب و بصره و کوفه بهر حاکم
 دیکوب کوندری (بنه کعبه) مقدمایزیدک عسکری ابن زبیری محاصره ده منجنیق طاش انارلرکن
 کعبه نک اورقوسنه آتش طوقوب زانی یعنی صفی دخی یاوب بعض دیوارلری بر مقدار یارلقین
 هجرتک التمش درنده ابن الزبیر صاحب خیر (ع) نغم اول خانه بی چونکیم آتی معمار ییقر *
 مفهومجه کعبه بی مجددا بنا ایچون اساس قدیم حضرت ابراهیم دلیقه دیوب حضرت رسول علیه السلام
 خاتونری عاشمه به (لولان قومک حدیثوا عهد بالکفر لنقض الکعبه و ادخلت فیها ستة اذرع من الحجر
 و جعلت لها بابين بابا یدخل الناس منه و بابا یخرج جون و لا یصفت بابها بالارض) دیکین ابن زبیر دخی
 سلوب بنه ابراهیم اوزره حجاز و حطیم دیدکاری کعبه نک ایچنه قانوب و بری برینه مقابل ایکی قبول
 و تمیوایشکنی یایله برابر ایدوب بناغام اولدقه ایچنه و طشر منه رواج طبعه سوروب حریزدن یا مصرک
 قیاطی دیدکاری برکونه قاشندن یا سوسی یزندن یکی اورقورقوب جلده شهر خلقیله شکر الله شهر دن بر قاج
 میل برده عمره برینه واروب اکثری یالین ایاق یوزوب کوب سعی و طواف ایدوب عمره دیدکاری عبادت
 مخصوصه تمام اولدقه یچد قز بانلر و غزایوب وافر قوللر و جازیه لر اعتاق اولندی و حرم شریفی توسیع
 ایچون اطرافندن وافر اولر صانون آلوب ییقبوب حرمه قانندی (قتل مختار) قبائل عرب دن بنی ثقیف
 قبیله سندن مختار صفی حضرت حسینک قانی طلب بهمانه سبیله ولایت عراقنه خروج ایدوب شیعه
 رویش طائفه لری اکاتایع اولوب فصل مروانده کاه جنگ و جهله مروانک عسکر بن صیوب قیروب
 بهر کوفه بی آلوب بکا کو کدن جبرائیل کوردیو حاشاد عوای نبوت ایتدوکنی ابن زبیر ایشند کده هجرتک
 التمش بدیسنده کدو برادر ی مصعبی مختار ایله جنگه عرافه حاکم کوندر مکن واروب مختار دخی کوفه دن
 عسکر کوندر کده مصعب انزل کیننی قیروب کیننی کوفه به قاجروب در عقب واروب مختاری
 دارانلافه ده بر قاج کون محاصره ایدوب بعده طوقوب نوایی اولان یدی کسینه ایله باشلرین کسوب
 جلد ولایت عراقی ضبط ایدی (متفرقات) مرویدر که (۱) ابن الزبیرک عبدالله و حزه و حبیب و ثابث
 و عباد و قیس و عامر و موسی آدلو اوغلری وار ایدی (۲) اصلا صقالی و یوزنده قیل دخی اولوب اطلس
 الوجه یعنی امر دیوزلو ایدی و امر دیوزلو اولان اشرف اسلاف همان درت نفر ایدیلر که ابن زبیر و قیس
 ابن سعد بن عباد و اخلف بن قیس و قاضی شریح دردی شلر (۳) تاریخ الخلفاء مذکوردر که کعبه معظمه به
 قسیدن قیلدن و در بدن اورقورقور کن ابتدا دیاجدن یعنی سر بدن طوقوش نسته اورقورقور کعبه به

روایح طبعه سورن ابن زبیر درنوب (۴) حضرت رسوله هیچ بر بدن کسایش باش کلیوب حضرت
 ابو بکر رضی الله عنه خلیفه ایکن بر باش کتورلد کده حظا بنیوب بعده ابتدا ابن زبیره حضرت حسینی
 قتل ایدن و سبب اولان شهر و عمرو و ابن زیاد و بر قاج اهل فسادک باشلر بنی مختار تفتی کدیروب
 کوندری الحمد لله المنتقم من الاعداء و له الفضل و الاکلاء و النعماء دیدی (۵) مرویدر که
 اوائل ظهور دن اسلامده ممالک عالمک بهضنده بش دفعه عظیم طاعون اولشدر بری دیار عجمده مداین
 شهرنده طاعون شیرویه در که هجرتک التمشینده حضرت رسول علیه السلام حیاتده ایدی * ایکنجی
 طاعون عواسدر که اید * زنده حضرت عمر خلافتنده ولایت شامده عواس آدلو برقر برده اولوب
 یکری بش ینک کسینه وفات ایدی بصره ده دخی اولوب اولددر کسینه وفات ایدی * اوچنجی طاعون
 جارفدر که التمش طوقورده یایدیده ابن زبیر خلافتنده بصره شهرنده اولوب اوج کونه دک هر کون بخش ینک
 کسینه وفات ایدوب برکونده جلده سن دفته بحال اولماقین بعض مینلری زقافلرده حیوانات یردی حتی
 بر جمعه نمازنی جامع کبیره سکز کسینه قیلدی * در دخی طاعون قیانتدر که سکان یدیده یا الیدیه
 عبد الملك یا خود ولید خلافتنده بصره و واسط و کوفه و شامده اولوب ابتدا بکر قز زده ظهور ایتدیکین بواسطه
 مسعی اولدی * بشتی یوز او قوز برنجیده که زوال خلافت بنی امیه صدر زنده ظهور ایدن طاعوندر که
 رمضانده زیاده اولوب هر کون یککر کسینه وفات ایدوب شوالده خفت بولدی (۶) ابن زبیر زماننده ممالک
 اسلامیه ده وفات ایدن مشاهیر اشرف و صحابه و تابعین یونلدر که اسید بن ظهیر و عبد الله بن عمرو بن العاص که
 کمال فضل ایله مشهور اولان عبادله دن بریدر و نعمان بن بشیر و سلیمان بن صرد و یاسر بن عمر و یدیه بن
 ارقم و عدی بن حاتم و عبد الله بن عباس و عاصم بن حضرت عمر و ابو قلیبلی و یدیه بن خالد الجهمی و عوف
 ابن مالک و اخلف بن قیس و ابو الاسود الدولی که حضرت هبشک اولادی استادی ایدی (قصه نهادت)
 شامده تغلبه خلیفه اولان مروان وفات ایدوب برینه اوغلی عبد الملك کد کده هجرتک التمش ایکسینده
 باباسنک بکارندن عراق حاکمی حجاج ظالمی ایکی اوج ینک یا قرق ینک عسکر شرانر ایله مکه ده ابن زبیرک
 اوزرینه کوندر و ب کد کده اوج منزل یرده مرض طائفده قونوب ابن زبیر عسکر ایله عرفانده بر قاج کیه
 جنگ ایدوب بعده عبد الملك حجاجه بش ینک یاردیچی کوندر و ب کد کده کارنده ذی القعدة
 یاذی الحجه غره سنده حرم شریفده ابن زبیری صورو ییچک ایدلر کدن منع ایله محکم محاصره ایدوب
 بودقه عرفانده خطیب زمره حجاج حجاج بلحاج ضلالت متهاج اولوب بعده کعبه به حواله اولان بر طاعنه
 منجنیق قوردر و ب اول ضل و مضل و لعین بی دین مستکین دل ابن زبیر ایله قویقنه طوقونسون دیوب حرم
 بیت الله داما طاشلر آتدروب نیجه سی کعبه به طوقونوب و اورقورقوب یاوب بودوارلری محکم یارلقده
 فی الحال هوا و اتلنوب اخفی کعبه نک طواف ایدو جک قدر برینه یقمور یا غیوب آخر برینه یا غیوب آتشی
 سیوند یروب بعده منجنیق اتان بر قاج حار اتان یوزرینه یلدرم * یوب درت کسینه یاوب برده دخی
 اینوب المی التمش کسینه ایله منجنیق ییله یا قوب حجاج صاحب ضلالت یوحالتدن عبرت آلوب محاصره
 اوزانده ابن زبیری اکثر اعوان و انصار باطبار راغوب کتد کزنده یمش اوج جادی الاولی شلک لون التثنی
 صالی کسکونی حرم شریفه اعداء پرداء مستحق الاجوم هجوم ایدوب ابن زبیر ایکی التده یالین قلیج ایله
 حرمده محکم جنگ ایدوب لاعین شقاقری فوج فوج قاجروب عاقبت ایکی قانی اراسنه بر طاش طوقوب
 یاردقه کوزلرینه قان طلوب باشن آشاعه اکوب دیدیکه (نظم) ولسنا علی الاعقاب ندی کلومنا *
 ولكن علی اقدامنا یقطر الدما (نثر) بعده عدو لربو کا هجوم ایدوب بودخی کتد و نک ملت قوللریله یله انزلله
 جنگ ایدوب یاکیوز قرق کسینه ایله شهید اولدی (الفاتحه و انالیه و ارجعون) (بیت) غایت کسکارت
 چوبیدن سوره نیست * جز زینبنا بقضاء الله نیست * بدن شریفی حجاج لعین باش آشاعه اصوب
 مبارک باشی شامده عبد الملك کوندر دکه اول خبیث دخی عبرت ایچون جلده شهر زره کوندر و ب بدن شریفی
 مصلوبانجه زمان طور و ب بعده حجاج ایدوب یا خود و حجاج عبد الملك دن خبر کوب ایدر کده بدن شریفی
 چورومکه باشلقین شخته او سنده قسمل لوانور ککن اعضا می بری برندن جدا دوشوب هر عضو

بشمه بنقه بونوب ورتیب اوزره کفنه دیز یلوب بعده نمازین قلوب دفن ایتدیلر * مدت عمری یتش بش
یا یتش اوج مدت خلافتی طقوز بیل وایکی یا اوج آید (فصل خامس در احوال مروان بن الحکم)
ابن ابی العاص بن امیه بن عبد الشمس بن عبد مناف جد رسول علیه السلام * مرویدر که مروان اینجه واروق
وغایت طاقوز اوزون اولغین خیط ماطل دیکله مایه اولوب بوسورتلومرد مرداری خلق خایغه
ایتد کرینی بر شاعر دم ایدوب دیدیکه (نظم) علی الله قوما امر واخبط ماطل علی الناس بعلی مایه
وینع (تر) من بور مروان مکده شرعا خلیفه اولان ابن زبیره عصیان ایدوب معاویه بن یزید وفاتده مجرد
رضاء اهل شام ایله با کد و کد و ایله سلطان اولغین شرعا خلیفه کادر دیو امام ذهی وغیر یلر آتی خلفا دن
عدای تمام شلدر لکن کند و دفن کمره خلفا اولان اولادی ذکرینه نوطمه اولغیچون مع الکراهه ذکر اولدی
(فائده) اگرچه کیم قهر و علمادن واذکیا و عقلا دن اولوب کوزل قرآن و قویوب نیجه کاتردن کرینر و هر
ایدوب حضرت عثمان اقر یاسندن اولغین مقبول و دامادی و کاتب السری ایدی لکن مکار و مستکار
و خونی و حضرت رسولک ملعونی و ابن ملعونی اولوب حناقی بر معایذک اجالی بودر که بومنوال اوزره
ذکر اولور (اولا) بوکا ابن الطریذ دیرلردی زیر ایدری حکم بن ابی العاص فح مکده کتوده
ظاهر ایمانه کلوب لکن کال خبت و کفر مضر ندن حضرت رسولک اردنجه بوروب کوزین اکوب
بورن بورن دیوب یعنی شاشا انلری مزه انوب رسول علیه السلام دونوب باقوب کند و کی نیجه کوسررسن
اوله اوله سن دیوب دعا ایتد کزنده کوزی و بورنی وفات ایدنجه دله اوسال اوزره بورشمش قالدی *
باز اور وایت صراف ناقدی امام و اقدی ایدر بر کون حکم بدشیم حضرت رسولک حججه شریفه منه کیمکه
اجازت استد کده رسول علیه السلام یا نلرنده اولانه (انذوا لعنة الله ومن خرج من صلبه الا المؤمنین
و قلیل ما هم بشر فون ویتضعون فی الآخرة) دیوب سور دیر بعده حضرت رسول بر خصوص ایچون
اکالمت ایدوب بنم طور دیم شهره طور مسون دیوب مکده اوج قوناق پرده ارض طائفه عثمان و حارث
آدلو اولغیر یله یله طریذ یعنی سور کون اولملردی (ثانی) مستدرک حاکده مرویدر که مسلمانلردن هر کیلک
اوغلی طوغسه حضرت رسول دعا ایتد مکده کتور ملک عادت اولغین مروان دخی مکده ده طوغوب کتور لکده
رسول علیه السلام) هو الوزغ ابن الوزغ الملعون ابن الملعون (ثالثا) سابقا تفصیل اولندینی
اوزره حضرت عثمانک شهید اولمه سبب اولان قسمة عظیمه به و حضرت علی ایله معاویه به محاربه لرینه
و حضرت حسن و حسین و ابن زبیره شهید اولملردی اوج قسمة عظیمه به مروان صاحب طغیان کیمه
حقیقه و کیمه حکما سبب اولوب امت محمد اینجه ابتدا قسمة و اختلال دوشمکه باعث و بادی اولغین
(القسمة نائمة لعن الله من ایقظها) و عیدینه دخی مظهر اولدینی مقرر در (رابعاً) یوقاروده
ذکر اولندینی اوزره عشرة مبشر دن حضرت طلحه بنی ظلم اقتل ایدن دخی بودر (خامساً)
یزید لعن اهل مدینه ایله بکنکه عسکر شفا اثر کوندر د کده بودنی یله کیدوب بونک تحریرک و تعلیمه
انده ایدر کوری ظلم عظیم فصل یزیده بکوب (من اخاف اهل المدينة اخاف الله و علیه لعنة الله و الملائكة
و الناس اجمعین) حدیثک مفهومیجه فانت مظهر لعنت خالق و مخلوقات اولدیلر * تاریخ خانداده
مذکور در که بکار احبار یهوددن یوسف ایمانه کلوب بر کون مروانک اوی یاسندن بکده کده
ویل لامة محمد من اهل هذا الدار دیوب نه زمانه دله دید کزنده حتی یحیی و ابیات سود من قبل نراسان
دیوب ظهور آل عباسه اشارت ایتدی حتی من بور یوسف مروانک بعد زمان خلیفه اولان اوغلی عبدالملک
دوستی اولغین بر کون البنی عبدالملک ارتقا سته اوروب اتق الله فی امة محمد اذ املکتهم دیوب اولدنی
دعنی و یحک ماشانی و شان ذلک دید کده یوسف تکرار اتق الله فی امرهم دیدی * بعض کتیده
مروانک جدی ابو العاص اولادینک امت محمد صلی الله علیه و سلمه جفاری حقه (اذ بلغ بنوا ابی العاص
ثلاثین رجلاً جعلوا مال الله دولا و عباد الله خولا و دین الله دغلا ثم ربح الله العباد منهم) دیوب بر حدیث
شریف مرویدر و الحاصل اکثر بنی امیه نک خصوصاً یزید ایله مروانک و مروان اوغلی عبدالملک مدبر
اموری اولان حجاج اهل طغیانک قباخ عظیمه لرینه حد و کار وعد و شمار اولوب غایتله مکار و ظلم کار

ایدیلر * جزاهم بالنار فی دار ابوار (خروج مروان) قسمة شهادت عثمان سبب اولغین مجروح ایکن
کیزلنوب بعده وقعة یوم جلد حضرت عائشه عسکر ندن اولوب انلر صندقده نیجه برده مجروح اولوب تکرار
کیزلنوب حضرت علی امینله مدینه به کیدوب بعده بنی امیه دن اولغله و تحیل و مدبر اولغین معاویه نک
واوغل یزیدله مقبوللری و مدبر لری اولوب بر قاج کره مدینه ده حاکم اولوب یزید وفات ایتد کده اوغلی
خالد و والده سنی نکاحلنوب معاویه بن یزید وفات ایتد کده خالد به سببه دعوی خلافت ایدوب
بعده صحابه دن ایدوکی مشکول اولان خمال بن قیس شام خلقی ظاهره مکده شرعا خلیفه اولان ابن زبیره
مطیع ایتد کیچون حقیقه کده کند و مستقلا پادشاه اولغیچون طائفه عرب دن وافر عسکر ایله ظهور ایدوب
دمشق شهرنی ایدد مروان و جله بنی امیه حوران شهرنه قاجوب ابن زبیرک کوفه دن عزل ایتد و کی
ابن زبیر ایله جمع اولدیلر (سحاربات) بعده مروان عسکر چکوب کلوب خمال ایله عظیم جنگلر
ایدوب خمالکی اوج بیک آدمیه قتل ایتد کده هجرت ان التمش دردی رجینه جله ولایت شام و حابیه مروان
نخلله سلطان فرما نر ان اولوب التمش بشنده وافر عسکر ایله مصره واروب صلح طریقه آتی ضبط
واوغل عبدالعزیز ایتد حاکم دیکوب شامه کلد کده حضرت علیک نوابعدن سلیمان ایله مسیب آدلو
ایکی کسینه حضرت حسینک قانی طلب ایچون درجیک عسکر ایله ظهور ایدوب سابقا مروان
ابن زبیر ایله التمش بیک یا اوتوز بیک عسکر ایله دیار عراقی ابن زبیرک حاکمی لندن المقه کوندرمش اولوب
سابقا یزیدک خاوندلردن مروان برینی نکاحلنش اولوب التمش پیش رمضانه یاربیع اولونده بر کون
اوکی اوغلی خالد بن یزید بونک یاسنه کلوب بودنی قاقیوب والده سینه سوکوب خالد و والده سینه خبر و رد کده
خاقون قلمبنده عقده باغلیوب مروان ایچر و کلد کده خالد سکا نسته دیدی دیوب خاقون یوق دیوب
مروان یا قوب او یورکن خاقون انک یوزینه بر یصدق قویوب جاریه لر یله اوستنه باصوب بوغلد کده
امیر المؤمنین نجاة وفات ایتدی دیوب فریاد ایتدیلر بعض ولایتلر ده بلا سبب نجاة یا خود طاعون چقاروب
نجاة یاز هر افره کدن وفات ایتدی دیو شلدر و مرویدر که حضرت رسول علیه السلام وفاتده مروان
سکر یاشنده کند و وفاتده التمش اوج یا یتش اوج یاشنده ایدی و مدت سلطنتی اون درت آتی یا طقوز
یا اون آتی اولوب و مهرینک نقشی الله تعالی ورجانی ایدی و عبدالملک معاویه عید الله ابان داود
عبدالعزیز عبدالرحمن عمر عمرو بشیر محمد آدلو اولغاری و ارایدی برینه عبدالملک کیچوب عبدالعزیز
بابایی مصرده حاکم نصب ایتدی (فصل سادس در احوال عبدالملک بن مروان) مرویدر که هجرتک
یکرمی التیسنده طوغوب دین اسلامده ابتدا عبدالملک تسبیح اولنان بودر اوزون بو یلو آق بکزلواری
کوزلو اینجه یوزلی آغزی بونک و آچیق ایدی دیشلری برندن او یتامغین التون تل ایله صارلشیدی
(مناقب) مرویدر که قبل اختلافه مدینه ده ساکن اولوب بکار صحابه دن حدیث روایت ایدوب علم حدیث
وقه و شعرده و زهد و عبادتده غایت ماهر و بین الناس مشتهر ایدی حتی بکار تابعیندن امام نافع
لقد رأیت المدينة و ما بها شباب اشد شمیرا و لا اقله و لا انسک و لا اقرأ لکتاب الله من عبدالملک بن مروان
دیوب و بعض سلف و قهساء المدینه سعید بن المسیب و عبدالملک بن مروان و عرو بن الزبیر و قیس بن ذویب
دیوب و حضرت ابن عمر * انکم معشر اشباح قریش یوشک ان تقرضوا من یسئل بعدکم * دید کزنده
(ان لمروان ابتاعة فاسألوه * دیوب و بکار تابعیندن امام شعبی * ما جالت احدا الا وجدت لی علیه الفضل
الا عبدالملک بن مروان فانی ماذا کرته حدیثنا الازادی فییه و لا شعرا الازادی فییه * دیوب و امام اصمعی
(اربعة لم یلحنوا فی جد ولا فی هزل الشعبي و عبدالملک بن مروان و الحجاج بن یوسف و ابن القریه * و یسدر
(مثالب) یعنی معایب (اولا) انجز یعنی اغزی غایت مروان قوقار اولغله ابو الذبیان دیکله (ثانیاً)
غایتده خدیس اولان رشع الحجر دیکله ملقب ایدی (ثالثاً) پدرینک وفاتی و انک عهد سابقی اوزره
بونک خلافتی خبری کده تلاوت قرآن ایدر بولغین مصحف شریفی قیایوب هذا آخر العهد بک
یعنی سنی آخر کوروشم یا آخر تلاوت ایدیشم بودر دیوب (رابعاً) تبدیل اخلاق ایدوب انواع مظالم ایله

طریق عدلن عادل خصوصاً ملک دمایه مائل اولوب مجر دستخیز نام و نالوبه القاء هیبت و هر اس ایچون
 مؤمنینک منفوری و بونک مدبراموری اولان بجاج لجاج بی دینی عامه مسلمینه مسلط و عباد اللهی بلاره
 مورط ایدوب صحابه و تابعین و سایر مؤمنینی بی شفت و مرحمت قتل و امانت ایدوب کینه رضا
 ویرمیدی * عاقب ما الله فی دار القضا (بیعت) پدری مروان وفاتده و عدن مکده خلیفه شرعی
 حضرت ابن زبیر اولوب اکثر مالک اسلامیه انک ضبطنده اولغین عبد الملک انجق شام و مصر و حلب
 و لایقینک خلقی بیعت ایدوب لکن ابن زبیر وفاتده و عدن عبد الملک شرعاً باغی اولوب انک وفاتده و عدن
 شرعاً بیعت بولدی دینلدر (منع حج) هر ویدر که هر حج زما تده ابن زبیر اطراف عالمدن کلان حجاجدن
 کند و بیعت آلفه معتاد اولغین عبد الملک خلیفه اولد قده ابن زبیر اهل شام دخی تابع اولد و خوفندن
 او بیل شامدن اصلاً حجاجی کوندر و ماکین جله بی خبر یاد ایدر که کوندر قدس شریفده سابقاً جنتدن چکان
 صخره مبارکه نالوبه من و ایدوب بعضی فتنه لایق و بیعت بولدی و بیعت حالات) هر ویدر که التمس التیده بایدیده ولایت عراقده
 اختار شقی حضرت حنینک انتقامی بهانه سبیله خروج ایدوب حنینک شهادتده سبب اولان ابن زبیر
 ملعونک اوزرینه سکرینک عسکر کوندر و ب اولدخی قرقینک عسکر ایلد (مصرع) صیدرا چون اجل
 آید سوی صیادرود * مفهومجه فارش و اروب موصل شهرینک قریبده عظیم جنگ اولوب ابن زبیر
 و قتل حنینه مباشر اولان شهر و عمرو و نیجه اهل فساد قتل اولوب کیلان باشلی مختار مکه به کوندر و ب
 کند و سی کوفه شهرین ضبط ایدوب بعد مختار دخی قتل اولد و شد که ابن زبیر طرفندن واقع اولغین
 انک فصلنده کیمت در نظر اولد * هر ویدر که عبد الملک غایت مجد و حازم اولغین کوفه حاکمی اولوب مختاری
 قتل ایدن ابن زبیر برادری مصعب ایلد جنگ بالذات و ارمعه عازم اولوب بوله چیقد قده تختگاهای اولان
 دمشقده عمرو بن سعید بن العاص خروج ایدوب اهل شامی کند و بیه اویدر قده عبد الملک ایشید و ب بولدن
 دو نوب کلوب محاصره ایدوب طرفیندن محکم جنگ اولوب عاقبت عبد الملک عروقه حبله ایلد امان و اروب
 کند و نصکره خلافتی ایمان غلاظ ایلد تعیین ایتمکین تمام صلحه تموی آچیلوب بر اشد کده عروقی دو نوب
 بوغزلدی * اشبوسنه ده روم کافرلی مسلمانلر بکری بر برینه دوشدیلر فرست بر مدر دیو هجوم
 ایدر کوندره عبد الملک دغنه قادر اولوبه جغنی یلوب بالضروره کافرله هر هفته ده یلک فلوری کسم ویره جنگ
 اولدی * یتمش برده یا یکیده عبد الملک مصعب ایلد جنگه تکرار کیدوب اولدخی عسکر ایلد جنگه فارش و کلوب
 مقدما عبد الملک مصعب بکری نه و عدده احسان ایلد خفیه خبر کوندر و ب قبلین کند و بیه جلب ایتمکین
 محاربه ده اکثر عسکر اسکاواروب مصعب آز کسنه ایلد خالوب جنگ ایدرله شهید اولد قده
 عبد الملک جله ولایت عراق عربی و عراق جمعی ضبط و هر برینه حاکم نصب ایدوب برادری بشره عراق
 بکلیکن و اروب کند و سی شامه کاد کده امر استدن حجاج ظالمی مکده شرعاً خلیفه اولان حضرت
 ابن زبیر ایلد جنگه کوندر و ب انک فصلنده بکدوکی اوزره شهید اولد قده عبد الملک بلا نزاع ضبط جمیع
 عمالت اسلامیه ده مستقلاً پادشاه اولوب خلافتی شرعاً بیعت بولدی دینلدر (بناء کعبه)
 هر ویدر که حجاج ابن زبیری محاصره مخیمه طاش و آتش آتد و ب کعبه نالوبه قوی یا نوب دیوارلی
 حاجی ایلد قده ابن زبیر اولوب نه قریبی تغییر ایتمندر اولکی حالی اوزره بنا ایتمک دیرم دیو عبد الملک
 خبر کوندر و ب اولدخی باب غربی بی صد ایلد همان باب شرقی قالسون و حطبی طشره قوباقی دیوارلی
 بوزمه دیو خبر کوندر مکیک بویه بنا ایدوب بالاتفاق حالاموجود اولان بنا اودر (اولیات عبد الملک)
 (۱) هر ویدر که دین اسلامده ابتدا بواسطه مسیحی اولان بودر (۲) طومار لار و ستنه (قل هو الله احد) ایلد
 - سیرت صحاحی و تاریخ کتب از منی دخی بواجاد ایددی (۳) بوندن اول جله التون قسمی کفار رومن انچه
 قسمی کفار یحکم سک (۴) اولوب دین اسلامده ابتدا مکه اوزر بودر التونک بوزمه (قل هو الله احد)
 بوزمه (لا اله الا الله) و کازنده اولان کومش پرواز اوستنه (محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق) دیو
 یازلوب شر بخانه می شهر سنک اسمی دخی یله ایدی که خصوصتی هجرتک یتمش بنشده ایجاد ایددی (۴) خلفا

و ملوک اهل اسلامده ابتدا بخل ایدن بودر غایتده خمس اولوب رشخ الحجر دیکله ملقب ایدی (۵) بر قاج
 سطر مقدم ذکر اولدنی اوزره بر کسنه یه امان و یرمش ایکن بوغزلدوب دین اسلامده ابتدا غدر ایدن
 بودر (۶) ینه بوغزلدوبه بکدوکی اوزره کفار روم عوما هجوم ایدر کده بونک مقابله یه عدم قدرتی مقرر
 اولغین انکره خراج شکسته معین کسم و اروب مسلمانلر ابتدا ایشین ضعف بودر دینلدر (۷) خاف ایلد
 سوز سو یلنمکدن خلقی نمی ایدن ابتدا اودر (۸) خلفایه امر بالمعروف ایتمکدن دخی نمی ایدن بودر بعد
 الامتقلال هجرتک یتمش بنشده حجه وارد قده خطبه او قوبوب چاق آخرنده * والله لا یأمر فی احد بقوی الله
 بعد مقامی هذا الا ضربت عنقه * دیدی (۹) منبرده ال قالد روم دخی بونک ایجاد ایدر (۱۰) کعبه بی ابتدا
 حریردن اور توایله اورتن بودر بعضلر ابن زبیر بعضلر بیدر دینلدر (۱۱) سائر خلفا کبی مصالح نامی
 بالذات کورمه که دیوانده او قور دجه شوکت و مهابت ایچون باشی اوچنده بعض خدمتکارلری یا این
 خلیطه طوبی طور ردی بودخی انک ایجاد ایدر (متفرقات) هر ویدر که (۱) هجرتک یتمش اوچنده حجاج
 لعین حضرت ابن عمرک زمان جده کثرت ایچنده ایاغنه بر کسنه یه طرافتله زهر لو کوندر اوچی صیلا دوب
 مرض موتده سبب اولدی (۲) یتمش در دنده مکدن مدینه به واروب آنده اولان کار صحابه دن انس بن مالک
 و جابر بن عبد الله و سهل بن سعد الساعدی به و بعضلرینه قولاً و فعلاً عظیم اها تیر ایددی (۳) یتمش بنشده
 عبد الملک ججه کلوب حاکم عراق اولان برادری بشیرک وفاتی خبری کله کین حجاج ظالمی جمیع مالک عراق عرب
 و عراق جمعه حاکم کوندر دی (۴) یتمش بیدیه اقصای بلاد کفار رومده هر قل شهری فتح اولوب و عبد العزیز
 ابن مروان جامع مصری هدم ایدوب دیرت طرفندن زیاده ایدوب ینه بنا ایلدی (۵) سکسان ایکیده مسیس
 کوپروسی قریبده قلعه رستان و دیار شرقده ارمینیه و مغربده صنجان شهرلری و دخی طونس قریبده
 ایچنده وافر شهرلر اولان جزیره صقلیه فتح و ضبط اولندی (۶) و اشیو سنده عبد الملک بر اوغلی کفار
 رومله سویدیه ده جنگ ایدوب کفاری صیدی (۷) و عبد الملک کند و برادری محمدی آذر بایجان و جزیره
 ارمینیه و لایقینه حاکم ایدوب وارد قده وافر قتلر ایددی (۸) حجاج ظالم بصره و کوفه ارا سنده دجله
 ابرمانی کازنده بر شهر بنا ایدوب اور تاده اولغین آدن واسطه قیوب کند و آنده ساکن اولدی (۹) سکسان
 در تده آنده قریبده مصیصه مغربده اوریبه فتح اولندی (۱۰) سکسان بنشده ولایت جمعه مسلمانلر
 اردیل و بر دعه شهرلر بی بنا ایلدی (۱۱) سکسان التیده بعض برده برایکی قلعه فتح اولندی (فائده)
 هر ویدر که عبد الملک ولید و سلیمان مروان الا کبر و برید و مروان الا صغر و منذر و معاویه و حکم
 و هشام و بکار و عبد الله و مسلم و عنبسه و محمد و سعید و حجاج و قبیصه و داود نام او غلاری و عائشه
 و فاطمه آدلو قیزلری وار ایدی * هر ویدر که بر کعبه عبد الملک دوشنده حضرت رسولک مسجدی هجر ایلد
 کند و بی درت کره نبول ایدر کور مکیک بکضور اولوب سعید بن المسیبه یا بن سیرینه یازوب کوندر کده
 صلب اولاد کدن دوت کسنه محرابه بکوب خلیفه اولد قده دلالت ایدر دیو تعبیر ایدوب واقعا او غلارندن
 ولید و سلیمان و برید و هشام خلیفه اولدیلر (فائده) و ایش آل عثمان منلادر بنشده عبد الملک اوغلی مسلمه بی
 وافر عسکر ایلد قسطنطنیه فتحه کوندر مکیک آنده وارد قلدنده محاصره ایدوب قلعه غایت محکم و استوار
 و تختگاه قیصر اولغین کفار بیشمار اولوب تعب و نصب بسیار بکوب فتح و ظفر میسر اولوب کفار دخی
 رشیدده اولد قلدننده بوشر طله صلح اولدیلر که مسلمه کند و می بالکزشهره کیروب ایاصوفیه کله ساسنده بر کره اذان
 او قوبوب کند و دن و عسکرندن بوندن غیری قولاً و فعلاً بر تکلیف و بر حال صدور ایتیموب بر حجه و بر ایلد مال
 استیموب همان دونوب ولایتلرینه کیده لر * پس بولتمی اوزره مسلمه ایاصوفیه به کیروب بلند آواز ایلد
 تکبیر خدای بی انبار و اذان امت محمد محمد ممتاز او قوبوب بعده دونوب شامه کتدیله دیو بکن بعض
 نوارخ غریبه معتبرده مسلمه بی فتح قسطنطنیه به کوندرن برادری سلیمان بن عبد الملک در دیو بوکا مخالف
 تفصیل اولوب اوچ ورق آشاغده ذکر اولد و نظر اولنه والله اعلم (فائده) بونک زمانده صحابه و تابعیندن
 وفات ایدن اشرف عبد الله بن حضرت عمرو ولید بن عقبه بن ابی سفیان و اماء بنت ابی بکر و ابوسعید
 ابن المعلی و ابوسعید الخدری و رافع بن خدیج و سلمه بن الاکوع و ابوعبد الرحمن السلمی و اسود الخضری الثاقبی

و عرب باض بن سادیه و جابر بن عبد الله و عبد الله بن جعفر بن ابی طالب و سائب بن زید و اسلم غلام حضرت
 عمر و ابودریس الخولانی و امام شریح تابعی قاضی عادل مشهور که پیش بیل متصل کوفه ده قاضی ایدی
 و ابان بن عثمان و اعنی شاعر و ابوب بن القریه که فصاحتده ضرب مثل ایدی و خالد بن یزید بن معاویه
 و رزین بن حلیس و سنان بن سلمه و سواد بن غفله و ابو وائل و طارق بن شهاب و محمد بن الحنفیه پسر حضرت
 علی و عبد الله بن شداد و ابوعبیده بن عبد الله بن مسعود و عقبه بن السدرو و عرب بن الحرث و وائل بن الاسقع
 و عرب بن سلمه و ابوامامه الباهلی و عبد الله بن الحارث و دخی نیچر (وفات) مرویدر که عبد المان حین
 وفاتده و والله لوددت انی کنت منذولت الی یومی هذا بحالا یعنی نه اولیدی پادشاه اولاد نبر و روحال
 اولس او ایدم دیوب اوغلی و لیدایتده کلد کده بویتی دیدیکه (یت) کم عاشر جلا و ایدم یعوده *
 الایعلم هل یراه موت (نثر) و لیدر بوقی ایستد کده کندی و عمر یض و اومنین اغلا یوب بعده عبد المان چله اولادینه
 دیشوی بعض نصیحت و حجاج ظالمه رعایت وصیت ایدوب سکسان اتی شوالنک نصفنده التمش باشندده
 وفات ایدوب ابن زبیر زمانده کی خلافت باطله بی بدی بیل ویدی آی انک وفاتده نصکره خلافت صحیحه می
 اوج بیل و بش آی ایدی (فائده در ذکر احوال حجاج ظالم لعنه الله علیه) طائفه عربیده بنی ثقیف قبیله سندن
 اولوب اسمی حجاج بن یوسف الثقفی در اخفش یعنی جلوز کوزلو اولوب و دخی عورت آوازی ایدی عالم عاقل
 مدبر کامل متجرب و مهیب ذکی و لیب فصیح و سریع الجواب لکن قاتنده مکار و ستمکار و خونی
 ولی رحم و خبیث نصاب ایدی حتی بوند نصکره کلان حضرت عرب بن عبد العزیز * لوجات کل امة بمنافقها
 و جتنا بالحجاج فضلناهم * دیشدر مژ بور حجاج لجاج عبد المانکن امر اسندن اولوب انک امر یله مک و مدینه به
 جنکه واروب ابکی بیله دلانده ایدوکی فساد فصل ابن زبیر ایله فصل عبد المانکده تفصیل او انشدر به یتش بشده
 عبد المانک بجه واروب بصره ده برادری بشرک و فاتی خبری کلد کده انک برینه جمیع مالک عراق عرب و بحجه
 حجاجی حاکم ایدوب وارد قده غایت تفصیل محتاج ظلم ایدوب بجد و لایعده قاندر و کوب طائفه خوارجله
 مرا عظیم جنک ایدوب عاقبت انله غالب اولوب سکسان ایکده مسجدستان بکی عبد الرحمن بن الاشعث
 اهل بصره تابع اولوب تدبیر بجه او تو زواج بیک آتو یوز بیکری بیک پیاده عسکر جمع ایدوب حجاجه هجوم
 اولوب کوفه قریبده عید انشی ککوتده حجاج ایل جمع اولوب یوز کونه دل یوز دوند و تمکین سکسان کره
 عظیم جنک اولوب هر برنده حجاج صنوب بعده شامدن بوکا عبد المانک یارد مجید کوند و تمکین سکسان
 برنجیده یا ایکجیده ابن اشعث صنوب تر کستانه قاجوب تر کستان بکی بونی قرق نثر و ایل طوقب حجاجه
 کتور یلور کن کدوی طامدن آشاغه آطوب وفات ایدی * بعده حجاج بصره ایله کوفه ارا سنده دجله
 کارنده بر شهر بنا ایدوب اسمی واسط قودی بعده عبد المانک برینه اوغلی و لید خلیفه اولد قده حجاجه
 خراسان و لایق بیک حاکم بکن دخی ذم ایدوب ماوراء النهر ده تر کستان و لایقده عظیم جنک
 و فضل ایدوب حیرتک مفسان بشنده الی درت باشندده وفات ایدی * ولایت عراقینده جله بیکری بیل
 حاکم اولوب حد و سفدن بیرون انواع مظالم ایستدر الی بیک یا خود یاده جنکله قتل ایدو کندن
 ما عدا طلم سر بجه یوز بیکری بیک کسسه قتل ایدوب وفات اید کده زندانده الی بیک یا خود یوز درت بیک
 اروا و یوز بیک یا بیکری بیک عورت و ارا ایدی زندانک اوستی آجتی اولغین اسیدن و صوغه دن مسلمانلر دایما
 احزانده و ناله و افغانده ایدیلر اکثری دخی زنجیر ایل بند و برد و کزنده اولوب بعضی لاری کونشده پرده
 اید کده زندانچیلر یوز قارودن کریم اقبوب منع ایدر لردی * و الحاصل دور آمدن و دنیا به یوله ظالم و ستمک دل
 و ضال و مضل و عباد الهی مهین و مذل بر حاکم کلدوکی حق و متفق اولوب قبا یح و مظالمی تفصیلی کتاب
 مستقله مختلره تفصیل محتاج مر من عظیم و عذاب الیم ایل سفر سقر ایدوب فریاد و انین ایل هلاک و جیهه
 کشفه تا باکی زیر مغالنه اولدی * معنی غازی نه مسلمانلر جمع اولوب ظالم و بی دین ایدی دیو قلعه متر در لاریکن
 کندی و نک خاصه جاریه زندن بریسی عالمه و شاعره اواغین طام او ستنه جیقوب بر قاج یت سو یا یوب جله دن
 بری (نظم) الله ربی کریم ماجده بعد * ان شاء الله یفر لبحاج مامنه * دیکین نمازنی قیلوب دفن ایدیلر
 (فله الله علی الظالمین) (فصل سابع در احوال ولید بن عبد المان بن مروان) مرویدر که قاره یا غز یوزی

چونک نشانیو بورنی غایتده اوزون ظالم و متکبر و غضوب و ذلیل العلم و لحان و دخی کثیر الشکاح و کثیر الطلاق
 اولوب اوقات متفرقه ده التمش اوج خاتون نکاحش ایدی کند و ظالم و مالک عراق بکی حجاج و دیار حجاز
 بکی عثمان و مصر بکی قره هر بری غایت ظالم و اومنین حضرت عرب بن عبد العزیز * الولید با الشام و الحجاج
 بالعراق و عثمان بن جبار به بالجزار و قره بن شریک بمصر امتلاآت الارض والله جورا دیشدر مع ذلك
 مزبور ولید صالح و عباداته و خیرات و حسناته غایت مائل اولوب هر اوج کونده برختم قرآن ایدوب
 ماه رمضانده اونیدی کره ختم ایدوب اگر قرآنده لواطه ذکر او انجیدی دنیا ده انی کسسه اینزا کلا رد
 دیوب امور سلطنته سعی و اهتمام ایله تمام رونق و نظام و یرمش ایدی (یعنی) پدری کند و نصکره خلافتی
 بوکا بعده ایکجی اوغلی سلیمان تعین ایدوب هجرتک سکسان اتی شوالنک نصفنده وفات اید کده جله
 خلق و ایدمه بیعت ایدیلر (خیرات) مرویدر که بوتک بیحد و بی شمار آثار کار مورث الاشتماری
 و ارا ایدیکه (۱) خلافتک اولکی بیلنده عیسی اوغلی اولوب بعد زمان خلیفه اولان حضرت عرب بن
 عبد العزیز عادل مدینه به حاکم کوندردی (۲) مسجد شریف حضرت رسولی توسیع ایچون معمارلر
 کوندروب مزبور عرب وارد قده انواع زینتله مجدد ابنای دیوب طول و عرضی ایکشمر یوز ذراع ایدی
 (۳) مکه حاکمه اوتوز بیک مفضل التون کوندروب کعبه معظمه نک قبوسنی والتون اولوغنی و کعبه نک
 دیر کار بیک التون تختله لایله قبلادیلر (۴) حرم کعبه معظمه بی دخی توسیع ایدوب طاشدن و مر مردن
 دیر کار ایل بنا ایدردی (۵) قدس شریفده صخره مبارکه قبه سن و بعض آثار بنا ایدردی (۶) حرمین
 محترمینیه آثار صولر کتورتدی (۷) یولچیلر یول آزد و مسولردی یوللرده جاییا میللر با ایدردی (۸)
 سکسان یدیده یاسکرده تختگاه اولان دمشقده حالاجامع بی امیه دیکله مشهور اولان جامع هجمو باغ
 ارم نادره عالم اولق ایچون در و دیوارین و جله وارن زمره انسان حیران اوله جق بدایع صنایع ایله بنایه
 باشلدوب ایچنده همان یانکز اون ایکی بیک استاد مر مریج و نقاش اشدوب طقوز بیل چالشوب خزائن
 عظیمه خرج ایدوب تمام اولدین وفات ایتکین برادری سلیمان نکمیل ایدی * مرویدر که مزبور جامعه جله
 در تیوز صدوق التون صرف اولوب هر صندوقده بیکری سکر بیک فلوری و ارا ایدی بو جله یوز اوان ایکی کره
 یوز بیک التون اولور * ایچنده قنادیل اصلمغیچون صافی التوندن التیوز عدد زنجیر اولوب عرب بن عبد العزیز
 خلیفه اولد قده بو قدر مال عظیم بی فائده پرده طور معنی ایچون آلوب التون کسدروب بیت الماله
 قوبوب برینه تو جدن و دموردن زنجیر اصدی (۹) خسته لایچون دار الشفا (۱۰) مسافر لایچون
 دار الشفا یعنی تاجخانه یا دیروب بوا یکی نسه دین اسلامده ابتدا بوتک ایچادیلر (۱۱) جذاملر سائر
 مسلمانلردن جرایتمکیچون قار شمسولردی و وظیفه ایدی (۱۲) و هر بر کوزم کسسه به بر خدمتکار
 (۱۳) و هر بر اعیایه بر فائده یعنی برید بچی کسسه تعین ایدی (۱۴) یتیملری سنت ایدردی (۱۵) و آنله
 خواجه لر تعین ایدی (۱۶) علما و صلحا به دایما تقسیم ایچون کسسه لایله اچله و یرردی (۱۷) قرآن عظیم
 حافظلر نه دخی احسانلر ایدردی (۱۸) و حافظلرک یوز جلین حالته کوره ادا ایدردی (۱۹) علما و ضعفه و فقرا به
 حاللرینه کوره وظیفه لر تعین ایدی * و الحاصل جبار ظالم غیر عادل ایکن خیراته حددن زیاده مائل ایدی
 تقبل الله حسناته و تجاوز عن سيئاته (فتوحات) زمان خلافتده عظیم فتحلر واقع اولشدر که سکسان
 یدیده قتیبه آدوسرداری عجمده بخارا ناحیه سنده کفار انرا کله عظیم جنک ایدوب کفارنی صیوب
 طاغدوب بخارا شهرنی صلحه آلوب ایچنه عسکر قویوب کتد کده شهر خلقی انلری قتل ایدوب قتیبه
 ایشیدوب دونوب جنکله فتح و خلقنی قتل و اسیر ایدی * یتیمه بو بیله و لیدلر برادری مسلمه روم کافر لرینه
 غزا ایدوب ایک شهر فتح ایدی * سکسان سکزده قتیبه ماوراء النهر ده صلح ایله ایک شهر فتح ایتکین تر کستان
 پادشاهنک هم شیر زاده سی ایک یوز بیک عسکر ایله کلوب محکم جنک اولد قده کفار ترک صیوب اشد و سنده ده
 مسلمه دیار رومدن ایک شهرنی و مغربده جمیع بلاد اندلسی و یتیمه مغربده طایفه شهرنی فتح ایدوب ایچنده
 یوز یتیمش مر صرع تاج و براوطه طولوسی کبریت اجر و بر آیدنه جهاتفا و علوم عجیبه و غریبه بیاتده نیچه
 مجلد کابلر و سلیمان پیغمبر علیه السلام صافی التوندن و کومشدن و اوسندنه انجو و جواهر ایله مر صرع

اوج دائره اولان مائه لری یا خود صافی زمره ددن و صغیری صافی کوم شدن اولان - مفره مبارک لری و دخی
 بوزله مانند بید نیجه تحف عظیمه بولنوب و لیده کوندروب بده کفار روم ایله جنکه ظافر اولوب وافر کافر
 قیدی و بده انکوری دید کوری عوریه شهر نه غزا ایدوب بده کفار رومی صوب سکسان طقوزده قتیبه
 کفار ترله اید جنک کینی قتل و کینی اسیر ایدوب ولایت خراسانده شهر طالقان خانی ترکه معاوت
 ایکن قتیبه انرا اید جنک و نیجه لری قتل ایدوب باقیلری ددرت فرسخ بره دلایکی صف بر برینه مقابل
 صلب ایدی بده ولید عیسی جزیره و آذر بایجان حکوم شدن غزل ایدوب بری مسله به ویرد کده
 دمو رقبولات بده نیجه شهر فتح ایدی * طقسان ایکنه ولید موسی آدوسرداری مغربده جمع اندلس
 ولایتی تکرار فتح ایدی * طقسان اوچده قتیبه ولایت چینده قنوج شهر بی صلحه آلوب کفار ترکی صوب
 بده خوارزم شهری صلحه آلوب بده بمرقند شهر نه کلوب عظیم جنکه نصکره وافر خراج ویرمک اوزره
 صلح ایدوب و الحاصل ولید زمان خلافتده هندو سندر کستان و عجم و عراق و روم ولایتلری بیک خلی
 بری فتح اولوب خزینه سنه اطراف عالمدن اموال عظیمه جمع اولوب سلطنتی کمال قوت و شوکت
 و مهابت بولدی (متفرقات) مهر بنک تقی و یولید انک میت و محاسب و ایدی طقسان التی
 جادی الاخره سنک نصقنده دمشق شامده الی یاقوق بیدی یاقوق طقوز یا الی بر یاقوق ایکی باشنده
 وفات ایدوب اون درت ارکان اوغلی قالدی و حضرت عمر بن عبدالعزیزدن مرویدر که ولیدی مقبره به
 ایدوب قود و غده کوردمه که الی بوغازنه یا غلنوب یا غیله بره بر دیش * زمانده وفات ایدن صحابه
 و تابعین و غیره شهر لری * عقبه بن عبدالله السلی و مقدم بن معدی کرب و عبدالله بن بشر المازنی و عبدالله
 بن ابی اوفی و ابو العالیه و جابر بن زید و انس بن مالک و مهمل بن سعد و سائب بن زید و سائب بن خلاد و حبيب
 ابن عبدالله بن زید و بلال بن ابی الدرداء و معید بن المسیب و عروه بن الزبیر و امام زین العابدین و ابوسلمه
 ابن عبدالرحمن و ابوبکر بن عبدالرحمن و سعید بن جبیر که کار تابعیندن اولوب حجاج اعین بونی ظلم اصوصب شهید
 ایتمشدر و امام ابراهیم نخعی که امام اعظمک استادی استادیدر و مطرف که مستجاب الدعوه ایدی
 و ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف و عجاج الشاعر (فصل ثامن در احوال سلیمان بن عبدالملک بن مروان)
 مرویدر که هجرتک اتقنده طوغوب جانی قاشلواق و یولکوزلو خوب صورت و بلند قامت و عالم و غیور
 و صاحب فصاحت و بلاغت و محب خیر و غزا و عدالت اولوب ظلم و ستم دمدادن احتما اوزره ایدی
 لکن بر مقدار اعرج و مغرور و حددن بیرون اکول اولوب شام بطمانی حسابله هر کون تخمینا
 یوز بطمان قدر طعام بر ایدی (بیعت و وفایع زمان خلافت) مرویدر که برادری وفات ایدی کون
 خلق بوکا غایبانه بیعت ایدوب رمله شهرنده ایکن خیر و وارده ده دمشق شامه کلوب ملوک بنی امیه
 نمازلی آخر وقتله قیلوب و قیلدر معنی بدعت ایتمشدر ایدی سلیمان خلیفه اولایقی کبی عیسی اوغلی عمر
 ابن عبدالعزیز مصاحب و دلیل خیر و نمازلی وائل اوقانده قیلدر متقی سقنی احیا و اجرا ایکن
 و حجاج ظالم بونک زمانده هلاله اولقین مفتاح الحیردیکه مشهور اولوب حتی تابعیندن ابن سیرین *
 رحمه الله سلیمان انتخ خلافته بخیر و ختمها بخیر افتخها باقامه الصلاة لمواقبتها و ختمها باستخلاف عمر
 ابن عبدالعزیز و دیمشدر برادری باشلدوغی جامعی تکمیل و ترین ایدوب و دار الخلافه و آنک ایچنده
 بر صاری قبه علی ربه ایدوب طقسان بیده حلبه واروب برادری مسله بی یوز بیک عسکر ایله قسطنطنیه
 فتحه کوندروب مال عظیم خرج ایدوب وارد قلنده عظیم خط و غلاچکوب عاقبت کفاری مغلوب
 ایدوب استابول ایچنده بر جامع باقی اوزره صلح اولوب بده دیار بوباکین اکوب بیجوب سلیمان
 وفاته دلانده طور دیر * حالا غلظه ده صحابه بنای اولقله مشهور اولان جامع عتیق غالباً اودر اوج ورق
 یوفاورده بوکا ختالف بر روایت کیچمشدر نظر اوانته * مرویدر که سلیمان عادل اولقین بر کون بر مظلوم
 شکایتکندندروب اودخی جفتکمی سنک فلان عاملان المدن غلبه الی دید کده خوف حق سبیل
 فتحندن آشاغنا خوب دوشن قالی بی سر بوب تکاغنی طبرافه قوبوب * والله لارفعت خدی من الارض

حتی یکتب له بر دضیعتنه) دیکین فی الحال مظلومه جفتکمی رد اولقله امر یاز یلوب اینه و بر یلوب بده
 سلیمان یوزنی طرافدن قالدردی (محرره) زهی عدل و زهی انصاف و احسان * خدا رحمت ایده
 بی حد و پایان (نثر) مرویدر که حجاج ظالم سابقا حابس ایدوب کینه لردن او چیوز بیک اوزرورت آزاد
 ایدوب و حجاجک یوابعی منصلندن عزل ایدوب چله مالترین دخی چکوب الی (متفرقات)
 مهر بنک نقشی (آمنت بالله مخلصا) اولوب اون درت نفر اوغلی و ار ایدی * مرویدر که بر کون انواع زینتله
 کینوب حسن و جالنه و فرور و شباب و کالنه مسرور اولقله خاصه جاریه لرندن بری باشنده کوروب
 بی نیجه کور و رسن دیوب اودخی بویتلری اوقودی (نظم) انت نم المناع لو کنت نقی * غیران لا یفاء
 للانسان * انت خلون العیوب و عما * بکره الناس غیر انک فانی * دیدکده سلیمان بوشعرله معناسندن
 تطیرا ایکنین الجنوب جاریه بی یادن قوب بده چاغروب نه ایچون بویه دیدکده جاریه تباشوب
 بن مری بوکون اصلا کوردمد دیوب محکم بیلدر ایکنین اول کورین غیبیدن ایدوب معلوم اولوب ایشدنلر
 تهب ایدیلر * بر دفته دنصکره طقسان طقوز صفربنک اوننی بده کوفی حلب فر بنده مرج دابق
 آدلو برده مر ض ذات الجنین قرق بش یا اوزر طقوز باشنده وفات ایدوب بری وزیر و عم زاده سی
 عمر بن عبد العزیزه بده کند و برادر لرندن بریده بده هشامه وصیت ایدوب بدت خلافتی ایکی ییل
 مکرزای ایدی (نظم) باغ دهرک طرفه حالی واردی * سیب و اناری ناردی * قالدی باقی جهاند
 بر ایدوب هر کمال آخر مقامیدر لید * مرویدر که حددن بیرون اکول اولوب هر کون برق طار روی
 قدر طمام بیوب مر ض موقی دخی بر دفته ده اوچیوز دانه بشمش یومر طه ایله اوچیوز دانه نازه انجیر بیکدن
 ناشی اولدی * زمان خلافتده ولایت شرقده دمو رقبول و دیار بجمده جرجان و طبرستان و غیره برلده اوج شهر
 دخی فتح اولمادی بونک زمانده وفات ایدن اشرف ناسک مشهور لری طلحه بن عبدالله الزهری و قیس
 ابن ابی حازم و عید الله بن عبدالله و عروه بنت عبدالرحمن و عبدالله بن مجیر و محمود بن الربیع و حسن بن حضرت
 حسن و کرب بنده ابن عباس و عبدالرحمن بن اسود الخفی ایدی (فصل ناسع در احوال حضرت عمر
 ابن عبدالعزیز بن مروان) مزبور مروان شامده خلیفه ایکن اوغلی عبدالعزیز مصره حاکم ایدوب
 بعده کلا خلافت میسر اولمادشدر مزبور عمر هجرتک التمش برنده یا اوچنده مصرده یا التمشده مدینه ده
 یا التمش برده مصرده وجوده کلوب والده سی حضرت عمر بن الخطابک اوغلی عاصمک قزیدر آق بکوزلو یوفقه
 یوزلو خوب صورت و مهیب و نحیف الجسم قبا صفا لاکوزلری جزو بیجه چتور ایدی اوغلا تحقیق ایکن
 یوزنی آت دیکین آتی یار یلوب نشانی قلوب اول سیدن انج بنی امیه دیرلر ایدی (متاقب) اوصاف
 حمیده و اخلاق پسندیده سی حد و کنار و عد و شماردن خارج و ذروه علمیا به عارج اولوب اول باید کمال
 اجمال بوموال اوزره درکه (۱) اوغلا تحقیق قرآن عظیمی حفظ ایدوب بعده پدری بونی تعلم علم ایچون
 مدینه به کوند ر مکیانده تحصیل و مهماتی تکمیل ایدوب پدری مصرده وفات ایدکده سابقا خلیفه
 اولان عیسی عبدالملک بونی شامه کتورد و بده اماماد ایدمش ایدی (۲) قبل الخلافه دخی غایبده صالح و عابد
 ایدی (۳) حتی حضرت خضر ایله احیاناً بولشوب لکن شرعه موافق و جهله کمال تم ورفاهیت اوزره کچنوب
 ایکنی عم زاده سی و اید خلیفه اولقله سکسان سکر سنه سنه بونی مدینه به حاکم کوندردی طقسان
 اوچده بلا سبب عزل ایتمکین شامه وارمشدی (۴) کار تابعیندن (۵) وائمه مجتهدیندن ایدی (۶) زمان
 خلافتده بی شک و اریاب قطب الاقطاب ایدی دیمشدر (۷) حددن بیرون عادل اولقین جدی حضرت عمر
 ابن الخطاب (من ولدی رجل بوجهه شجرة عیلا الارض عدلا) دیوب بونک که چکنه و عدالتنه اشارت
 و بشارت ایتمشدر (۸) هر حاله خلفا و راشدین حضرت ترینه تقلید ایتمکین امام ابو حنیفان ثوری و امام شافعی
 (الخلفاء خمسة ابوبکر و عمر و عثمان و علی و هارون بن عبدالعزیز) دیوب تابعیندن ابن سیرین دخی بونک ایچون
 امام الهادی دیمشدر (۹) علم و کلامه دخی حد و نهایتده اولوب تابعیندن میمون بن مهران (کانت العلماء
 مع عمر بن عبدالعزیز تلامذه) دیمشدر (۱۰) خشوعله نماز قیلمی و زهد و طاعتی و جناب حقدن خوف
 و خشیت دخی حددن بیرون اولوب کار صحابه دن انس بن مالک بونک آردنده غماز قیلوب (ما صلیت و راه

امام بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم شبه صلاة رسول الله عليه السلام من هذا الفتي (دوب تا بعدند
 امام مكيول (لوحاف لصدقت ما رأيت ازهد ولا خوف لله من عمر بن عبد العزيز) دوب وفات ابتدا كده
 دخی (مات خير الناس) ديشدر (بيعت واحوال خلافت وعدالت) مرويدركه عم زاده مي وليد كند و
 پرينه خليفه اولوق عهدندن برادري سليجاني اخراج و كند و اوغلني ادخاله اكثر خلق راضي ابتدا كده
 حضرت عمر بن عبد الله بن زبير عبد الملك وصيقي اوزره سليمان جله خفله مقدمه بيعت وعهدا بخشرد در پورضا
 و يرميوب حتى وليد عنيديو كاغضب ايدوب هلاك اولسون ديوب راوطه به يار طاريه قود يروپ اوستنه
 ديوار يايديوب اوج كوند نص كره شفاعت ايله جتارد قدده هلاكه قريب خاله وارمش بولاش ايدري *
 سليمان عرك كندويه بوقدر وفادارلق ابتدا و كنه حظ ايدوب خليفه اولد قدده بعد زمان كند و نص كره
 خلافتي عمره بعد كند و نك برادر لري بزيده بعد هاشمه تعيين ايدوب وفات ايدركن دخی بوجله
 عهدنامه يازوب مهر ليوب وزيري رجاه بن حياة ايله طشرد كوندروب خلقه اجمالا بيعت ايدوب سليمان
 وفات ابتدا كده نامه او قونوب بن اميه ناچار عمره بيعت ايدوب بود دخی مع الكراهه قبول ايدري * زمان عيم
 الامان عديم العد و اتسده كمال عدل و تقوى و عمل بما هو الاقوى ايدوب دفع مظالم و بدعته و اجراي احكام
 شريعت متعلق امور نا محصورى اطهار و دينايي شمس عدل ايله لامع الانوار ابتدا كند و كده اول بايد
 مستقل كتاب تأليف اولنوب مناقب عليه المراتبي حالي اجمالي بودركه ذكر اولنور (۱) ابتدا خليفه
 اولد قدده منبره چيقوب بعد التقييد و التصلية كند و بي عزل ايتك استيوب جله خلق راضي اولماقن
 بر خطبة بليغه اوقويوب اخرنده خلقه خطايا (اطيعوني ما طعت الله فان عصيته فلا طاعة لي عليكم
 ديدري (۲) دار الخلافه به وارمغه خلقا بند كاري آني كتورد كارنده كاچيوب كندى فاطمه بندي و او كنج
 اصلا كسته چور عدي كا و خلفا به مخصوص اولان خاص آنلري و سائر شمشلري دخی صانوب بيت الماله
 قودى (۳) سرايه وارد قدده خلفا همچون دوشن قاليلى و مقعد لري واصلش پرده لري قالدردوب صانوب
 بهار بن بيت الماله قودى (۴) خلقا قواييك و كند و اقرباسنك سابقه اللرنده اولان املاك و اموالى
 مظالمند حاصل اولمدر ديوار لوب بيت الماله قاندى حتى كند و خاقونه پيدري عبد الملك و برديكي بر جوه
 بي نظيري دخی خانوق رضاسيله لوب بيت الماله قاندى (۵) منول سابقه زمانلرنده ظهور ايتش انواع
 بدعتلري دفع و رفعه باشليوب بتدر بجله قولى و فعلى نيجه بدعتلر دفع ايدوب * جله دن برى بوايدى كه جميع
 خلفاء بن اميه هر خطبه اخرنده حضرت امام علي كرم الله وجهه به سب ايتك عادتلى اولوب
 بونر خليفه اولد قدده طائفة بن اميه بي ظرافتله الزام و اول قوم عنودى اطف و رفت ايله حقه راضي ايدوب
 بعد سب امام علي بن ترك ايچون غاييله فاز كانه برتدارك ايدوب جله خلق ملزم اولد قلرنده سب پرينه
 (ربنا اغفر لنا ولأخواننا الذين سبقونا بالايمان) آيتي اوقويوب دخی (ان الله يأمر بالعدل والاحسان) آيتي
 اوقويوب يوم قيامته دل بوعادت مورثة السعادة انك حسنته ندر (۶) خلافتندن اول عقارلرندن
 هر ميل فرق بيك التون محصولى اولمغن زياته فاخر لبار كيوب كمال حضور و سرور ايله بختور كن خليفه
 اولد قدده كمال زهد و طاعت و قلت و قناعت اختيار ايدوب بمال و ثقتاندر كيوب حتى بر كونه اكنده
 باشنده يا غنده اولان جله لباسلري همان اون ايكي اخيه به تخمين اولنوب لرقه سنده كوملك كيرلنوب
 دكندره جك اولماقن اتي بودروب به آني كيدري (۷) بيت المالدن كندويه كونده همان ايكي اخيه
 وظيفه تعيين ايتكين اكثر زمانده خرج ايدره جك براجه مي بولتيوب واكترا هر كون مريجك
 نور باسندن غيري سنه يزدى ايكي ميل بش آي خليفه اولوب كمال عدالتندن عقارلري محصولى
 كمال قلته باشليوب حتى وفاتى سنه سنده همان دريوز فلوري حاصل اولمغن برايك سنه وفات ايتنه
 دخی آ زاولوردى ديشدر * بركون نازه اوزم آتني استيوب اصلا اخيه مي اويوب خاقونندن براجه استد كده
 خاقون دخی بنده براجه بوقدر اما سن خليفه سن اوزم المغه براجه به قادر دكلمن ديد كده اشبو حال يار بن
 جهنده ملاسل و اغلادن اهورن يعني آسان و احسن ديدري (۸) مدت خلافتنده اصلا جماع ايتيوب
 بحكمة الله تعالى احتلام دخی اولدى (۹) مرويدركه رباح بن عبيد ايدري عمر بن عبد العزيز مقدمه مدينه

حاكى ايكن بركون نازه چيقوب بر پركسنة آنك آموزينه طياقمش كاور كوردم قايمن ديدمكه بوقوجه
 نه موزى اولوردى عرتمازي قلوب ايجر و كيدركن بن انك اردنجه واروب اصلح الله الامير سكا طيان بر كيم
 ايدى ديدم بار باح سن اتي كوردكي ديدى كوردم ديدم بن سني رجل صالح ظن ايدرم زيرا اول كورد و كك
 بيرقنداشم حضرت خضر و بكاكلى خليفه اوله جغى و عدالت ايدره جكمي خبر و بردي ديدى (۱۰)
 مرويدركه هر كون كوند ز طشرد ده مصالغ عامه اناي كمال عدالت و اهتمام ايله تمام كورد كد نص كره هر كنج
 بعض علما و صلهاي جمع ايدوب موت احوالن و قيامت احوالن سويلش و ب رقت يشمار ايله جله سي زار زار
 اغلش و زلردى و نار خوف خدا ايله جكرلر بن داغليوب بعده ايجر و كيدركه عبادتخانه سنده اوتوروب
 متصل آغليوب جناب حقه مناجاتلر و عرض حاجاتلر ايدوب و احيانا اويغور باصوب او ياند قدده تكرار
 تضرع و زاري ايدوب على الدوام و التوالى احياي ليالي ايدوب بوعادته ابتدا باشليوب خانوق سمين
 صور قدده و ايتي قلند من امرامة محمد عليه الصلاة والسلام اسودها و احمرها فتفكرت في القبر الجائع
 والمريض الضائع والعاري الجهد و المظلوم المتهور والغريب الاسير والشيخ الكبير و ذوى العيال الكثر و المال
 القليل و الشباههم في اقطار الارض و اطراف البلاد ففعلت ان ربي سألني عنهم يوم القيامة فخشيت ان لا يثبت لي
 حجة فيكيت ديدى (۱۱) بر كره دخی بر كسنة كمال زهد و قناعتلر بنك سمين صور قدده (ان نفسي تواق لم تعط
 من الدنيا شيئا الا تافت الى ما هو افضل منه فلما اعطيت ما لا شئ فوقه من الدنيا تافت نفسي الى ما هو افضل
 منه) ديوب ايكني افضل ايله مرادى حقيقتنده جنت و مشاهدة جلال بي ككيت حضرت رب اله زدر
 جعل الله الجنة منواه و بليغه جميع ما تمناه (۱۲) بعض كنج لره دخی مصالغ مسلميني كورمه بيت المالدن
 الشان موي ياقوب مصلحت تمام اولد بغي آنده اتي سويندروب كند و مومني ياقوب حتى بر كره
 خدمتكارينه بر ابريق صواصي ايله ديوب اولد دخی عمارت بيت المال مطبخنده ايسيدوب و عمر
 خبر الد قدده كند و راجه سيله براجه اودون آلوب اول مطبخه كوندردى (۱۳) مرويدركه خلافتي
 ابتدا سندن وفاته دل تحت ككمنده اولان جميع مالكده حمرالده قوردلر قيونلر ايله اوياشوب
 اصلا ضرر ايتلردى حتى بر كسنة بوحالي كوروب غايت تعجب ايدوب بر جوبانه بونك سمين صور قدده
 چوبان اهل عرفان * اذا صلح الرأس فليس على الجسد البأس * ديوب جواب بر حكمة و صواب و بردي
 اتفاق بركون بر قورد بر قيون قانقين بر عارف كسنة خليفه وفات ايتش انجق ديوار كوني و اول ساعتي
 ضبط ايتدى بدمه و فاتي چاق اوزمانده واقع اولمش ايدوكي ظاهر اولدى (۱۴) عدالتى نه بانه و كماله
 ايرمش ايكن اول بايد همت بي مائندى غايت بلند اولمغن (لوقت فيكم خسين عاماما استكمملت فيكم العدل
 اتي لا يريد الامر فاخاف ان لا تحمله قلوبكم فخرج معكم طمعا من الدنيا فان انكرت قلوبكم هذا
 سكنت الى هذا) ديدى (۱۵) عدل و كمال و حسن خصالندن ماعدا و افر كمال حكمتها و نصايح
 فصحة عالياتي و ارايديكه اول بچردن بر قطره و شمسدن مقوله زره بودركه * بر كسنة بك و صيت يعني عل
 ايدره جك نصيحت ايله ديد كده بيورديكه (اوصيك بتقوى الله و اياشاره يخف عنك المؤنة و يحسن لك من الله
 المعونة) (۱۶) هر كاندن غيري اشعار بليغه و آيداري دخی و ارايدى قبل الخلافه بوني ديشدر كه (نظم)
 انه الفؤاد عن الصبا * وعن انقياد للهوى * فلعمر ربك ان في * شيب المفارق و الحلا * لك واعظا
 لو كنت تعظ * اتعاط ذوى النهى * حتى متى لا ترعوى * والى متى والى متى * ما بعد ان سميت كهلا *
 واستلبت اسم الفتي * بلى الشباب وانت ان * عرت و هن للبللى * وكفى بذلك زاجرا * لامر عن غي كفى
 (۱۷) زمان خلافتنده بي شك و ارياب قطب الاقطاب ايدى ديشدر * و الحياصل چهار
 يار كز يند نص كره يوم قيامته دل اعدل و اكل جميع حكام روى زمين ايدوكنه علما آفاق اتفاق ايتلردر
 (لواقه) رضى الله عنه في العقي * و جزاه بفضل الاوفى (فائدة) مرويدركه زمان خلافتنده وفات ايدن
 اشراق علما و صلحا بولردركه ذكر اوانور * ابو امامة سهل بن اخنف و خارجة بن زيد بن ثابت و سالم بن ابي جعد
 و بشر بن سعيد و ابو عثمان بن التمدى و شهر بن حوشب و ابو الضحى ايدى (فائدة) بونك زمانسده حيانده
 اولوب بوند نص كره وفات ايدن اشراق بكار * مكده حضرت امام محمد الباقر و قاسم بن محمد بن حضرت

ابی بکر و سالم بن عبد الله بن حضرت عمر و مدینه و امام مجاهد و امام عکرمه و امام عطاء و عنده امام
طائوس و شامه امام مکی و بصره امام حسن بصری و امام محمد بن سیرین المعبر و کوفه امام
امام شعبی و حضرت امام ابو حنیفه در که بوجه کار تابیندن و عظماء علماء دین اولوب هر بری عابد
و زاهد و مستقل بجهت دایدیلر (منقرفات در کیفیت وفات و بعض حالات و کرامات) معتبرانده
مرویدر که طائفتی امیه بی حیه کند و لردن اولان ملوک سابقه زمانلرنده هر بری واصل مراتب علیه
و غریب نم جلایه دیو به اولمغین عمر انلر انلرنده بغیر حق اولان عقارات و منقولات و سایر اشیا نیک
کینی اصحابه و ربوب رکنی بیت المائنه قاغین و انلری مراد لر بخر عایت ایتمکین جله بی عداونه عقده
باغلیوب عاقبت کند و خدمتکار بنه بیک فلوری و ربوب انک الیه زهر یدر دگر کزنده عمر طو یوب
خدمتکاری کتور دوب نیچون بویه ایندک دیدکده اول دخی بیک فلوری به طمع بلا سیله ایند و کن اقرار
ایتمکین فلوری بی کتور دوب بیت المائنه قویوب امدی و ارستی کسنه کور میه چک بره کیت دیوب صو چن
عفو ایدری و ده بر زمان خسته اولوب شامده حص ایله معره شهر لری قریبده دیر بمعان آد لوقریه ده هجرتک
یوز برنجی ستمه سنک و جینه قرق یاشنده ایکن وفات ایدری و انده دفن ایدیلر طبرانی اورنلور کن جله
خلق اراشده آشکاره کو کدن بر کاغذ ایوب اوزرنده قدر دندن (بسم الله الرحمن الرحیم امان من الله اعمرو
ابن عبد الله بن عمر النجار) دیو یازش ایدی و جله مدب خلافتی همان ایکی ییل و بش یا لئی ای ایدی (فائده)
نیجه معتبرانده هجرتک (ان الله تعالی یبعث اهذه الامه علی رأس کل مائنه من یجدد اهل دینها) حدیث
صحیحی خراسجه هجرت حضرت رسول نبو هر یوز ییل ابتدا رنده مجدد دین یعنی مؤید و مشید شرع
مبین اولور بر عالم عامل و کامل اهل یتیم کلشدر (اولکی) مائنه ک مجددی بالافتاق اشو و عربین
عبد العزیز صاحب عرفان و تمیز در که هجرتک یوز برنده در (۲) مائنه ک امام شافعی در که ایک یوز درنده در
(۳) مائنه ک امام ابی الحسن الاشعری در که او چیموز بکری شو قدرده کلشدر (۴) مائنه ک امام ابو حامد
الاشعری شافعی در که در یوز التیده در (۵) مائنه ک امام محمد غزالی شافعی در که بشیموز اون برده در (۶)
مائنه ک امام نضر الدین رازی شافعی در که التیوز التیده در (۷) مائنه ک عظماء علماء دیار مصر دن
سلاطین چرا که زمانده قاضی القضاة فی الدین ابن دقیق العید شافعی در که بدیموز ایکید در (۸)
مائنه ک مجددی بنه کار علماء مصر دن شیخ سراج الدین عمر البلقینی شافعی در که سکر یوز درنده وفات
ایتملر دره اولکیدن غیر یلدره بعض اختلافات اولوب ذکر اولنان قول اظهر و اشهر در و هر مائنه ده متعدد
مجدد اولن جا نزدیشدر (۹) مائنه ک مجددی حقه بعض کار علماء مصر دن محمد بن جماعه در دیوب لکن
بنه انلردن جامع جیع علوم مهمه اولان شیخ جلال الدین عبد الرحمن السیوطی الشافعی (الکشف فی مجاوزة
هذه الامه عن الالف) نام رساله سنده مجدد مائنه ناسعه بنم دیود و ایدوب فی الحقیقه مؤلفات کثیره لطیفه سی
دلائله مآثر افراتندن احقیقی ظاهر و باهر در مائنه عاشره ک و مائنه حادیه عشر ک مجدد لری یقینا لکه نظما دخی
نامعلوم در مائنه نایه عشر ک مجددی ایسه ظن غالب اوزره حضرت محمد مهدی اولقدر نکیم مذکور رساله
کشفه مهدی بیک ایکوز اولنده ظهور ایدرد یوتنه صیل اولنده و الله اعلم (فائده) بخاری شارحی
کرماتی تعصیح دین جیع انواعه شامل و متناولدر که هر مائنه ده علماء و مشایخ و لو کدن برر کسنه بی مجدد عدد
ایتمک جا نزدیشدر حدیث شریفه (من یجدد) عبارتده کی من افطنی تعدد مجددی متقلدر و هر مائنه دن مقد مجده
دخی دینی مجدد یعنی مؤید کسنه و ارایدی لکن حدیثده مجدد دن مراد هر مائنه بی کیچوب تمام اولاقده
حیاتده بولنان عالم کامل مشار الیهدر دیوب کتاب فوائج مسکیه ده دخی مجدد مائنه اولان علما دن بر کسنه
اولاق لازم اولوب علماء و سلاطین و امرادن متعدد کسنه لردخی اوراق هم جائز و هم واقعدر زیر اخلفاء
بی امیه دن عربین عبد العزیز خلفای عباسیه دن مأمون بالله قادر بالله مستظهر بالله ناصر بالله ملوک
دیار مصر دن سلطان محمد بن قلاوون سلطان برقوق هر بری بر مائنه ک مجددی ایدیلر تهمکم زمان
سلطنتلرنده ایندکاری آثار کسنه لردن مایه در دیوب منور در (فائده) شیخ سیوطی تاریخ اخلفاء سنده
بار علماء عباسیه دن عبد الله بن عمرو بن العاص (ما کان منذ ما کان الدنیا رأس مائنه سنه الا کان

عند رأس المائنه امر) دیندر واقعاً مائنه اولی ده حجاج ظالم فتنه سی * ایکجیده خلفادن مأمونک
برادری امینله جنک ایدوب انی قتل ایدوکی و جله مسلمانلری خنق قرآن اعتقادنه جبر ایدوکی *
اوچجیده خروج طائفة قرامطه و فتنه عظیمه عزل و قتل مقتدر بالله و ظهور متغلبان فراوان *
در دنجیده فتنه زندقه و انواع ظلم حاکم بامر الله سلطان مصر * بشجیده کفار فرنگ شام و قدس شریفی
مسلمانلر اندن اذلاری * التنجیده خط یوسف کبی خط عظیم و ابتدای خروج انار * یدنجیده اکثر مالک
اسلامیه ده قتل و امر و نهب و غارت و انواع خسارت ایدن هلاک فتنه سی * سکر نجیده تیموری نور برزور
قتنه سیدر که هلاک فتنه سندن الحش و اوحش ایدی الله تعالی دن دیرلر که فتنه مائنه ناسعه و وقوعدن
اول برزی و جتنه قبض ایده حضرت محمد صلی الله علیه و سلم حرمتیون دیندر * کتاب السطور اولان عبد
برقصو ایدر که اولاسیو طینک استعاده ایدوکی فتنه مائنه ناسعه و اخر ملوک حرام کسه سلطنت نزاعیه
بر برلر به نیجه قتل ایدوب عباد الله ارا لقه با عیال اولدینی * بعده سلطان سلیم خان مصری فتح ایدکده
اوچ درت آیه دل واقع اولان محاربات عظیمه در که بوجه نک تفصیلی آشاغیده کلور * ثانیاً مرحوم
سیوطینک دعای قبول اولوب فتنه مائنه ناسعه ظهور دندن مقدم وفات ایدری * ثالثاً برورق یو فارودنبرو
ذکر اولنان اوچ فائده عربین عبد العزیز مجدد مائنه اولنق مناسبه لکه نکیرا للقوائد یازشدر و العزیز عند
الکرام مقبول (فصل عاشر در احوال بریدین عبد الملك بن مروان) بنش برده طوغوب آق بکزلو کوزل
یوزلومدور صورتلو جسم کسنه اولوب برادری سلیمانک عهد نامه سی اوزره عربین عبد العزیز وفاتده
بیعت اولندی (منقرفات) مرویدر که سابقا اهل هوا اولوب خلیفه اولاقده قرق کونه دل عدالت
و صلاحده سلفه تقلید ایدوب بعده (مصرع) خلی مشکلد رکنی ترک ایلمک معنادی * مفهومه
شوق و شغب ایله عیش و طرب ایتمک باشلدی و خلافتک ایکینی ییلنده سابقا عربین عبد العزیز بصره
حاکم کلکندن معزول ایدوکی مضاده مشهور دنیا اولان بریدین مهلب بن ابی صفرة دعوی خلافت ایله
خروج و بیحد کسنه جمع ایدوکی حینه بریداکا برادری مسامه بن عبد الملكی اوسال ایدوب صحرای
کربلا قریبده جنک اولاقده ابن مهلب صیوب جله قوا بعلیه قتل اولندی * و بریدک مدت خلافتده
وفات ایدن کار علماء تابعین امام خمالک بن مزاحم و عدی بن ارباط و امام عطاء بن یسار و امام مجاهد
ابن جبر و مصعب بن سعد بن ابی وقاص و موسی بن طهمه و خالد بن معدان و امام شعبی و ابو قلابه و ابو برده
ابن ابی موسی الاشعری و ابان بن حضرت عثمان و ابو رجاء البصری در (وفات) مرویدر که یوز بش
شعباتک بکری بشنده خلیفه شاهه بر قاج قوناق برده باقی ایا خود حوران شهر قریبده قرق درت یا قرق
یا بکری طقه و زیاووز طقه و زیاشده ایکن وفات ایدوب نابوتی خلق اموزلرنده کور و ربدمشق شامه
کتور و دفن ایدیلر بر قاج کون مقدم جنازه آدلو بر جمبو به جاریه سی وفات ایتمکین انک فراقی احتراقی
بونی مرض سله مبتلا ایدوب بوندن غیر مرض عشقه دن وفات ایتمش خلیفه معلوم دکدر دیندر در مزبور
جنازه خلیفه به مسافه و غالبه اولوب امور خلافته فارشوب نصب و عزل عقد و حل انک انده ایدی
بریدک مدت خلافتی درت ییل و بر آی ایدی (امر عجیب) کتاب نک کارستان کمال پاشا زاده ده
مذکور در که بریدین عبد الملك جنازه و سلامه آدلو حسانه و متنا سارنده و شکر خنده ایکی جاریه لطافت
سار به سی اولوب انلره عشقه مجبور اولمغین تقید امور سلطنتی مهجور ایدوب اوقاتی انلر ایله عیش و عشرتده
مرو ایدر ایدی اتفاقاً جنازه وفات ایدکده اوچ کون دفن ایتدر میوب ایل و ثمرامیتی اوستنه زارزار
اغلا یوب ناز فراق ایله جگرین داغلیوب بر کون حیرت ایله سرای او طهر لری کرر کن جنانه ک او طه سی
اوکنه او غرا یوب سلامه ساز چالوب جنازه نک وفاته متعلق ییتلر ابرلا دقده بریدن نعره او و ربوب بر کون
بر کیجه مدح و شوی و بیوش یاوب شدت احزان عشق فراوندن قلبی سوزان اولمغین جان و بر دکه جنازه یاننده
مدفون و بوحال خلقه عبرتخون و حیرتخون اولدی (فصل حادی عشر در احوال هشام بن عبد الملك)
آق و سوز و احوال یعنی کوزی شانی اولوب صفالان سیاهله بویاردی (بیعت و خصلت و سیرت و بدایع
وقایع و مدت خلافت) مرویدر که ایکی برادر لری وصیتی اوزره یوز بش شعباتی و اخرنده او یوز درت باشنده

بیعت اولنوب غایتده عاقل و مدبر و مهیب و عظیم الشان و اهل اقدام و حلیم و کریم و محبوب القلوب
و جامع الاموال و کامران اولوب فان ایمل شخصی غایتده منفوری ایدی * خیر و عدله حائل اولمغین
بیت الماله مال کتورلد کده قسامه اسلوبیجه فرق کسنه اشیمال حقیله الفسدر دیوشمادت ایتیمیجه
ایچرو قومندی * مرویدر که حله قریب ولایت قنسرینه و صافی بی بنا ایتدر کده قانجه برکون اصلاح
وغصه سز او تورمق دیلد کده خنوخ کبراده بعض مرحدردن قانه بولشمش قوش یاکی کلد کده و لا یوما
واحد دیوب یعنی دیناک حضور و مروری و لاطظه بتون برکونده دخی او نردیو متغیر و متعجب
و متغیر اولدی * مرویدر که یوزیدیده ولایت رومده قیسار به یوزسکرده سید بظال غازی الیه خنجره *
اون برده عجمده بیضا * اون ایکیده ملاطبه قریبده خرنه شهر لری فتح اولنوب * اون طقوزده یاخود
مقدمایوز ایتیده مسلمانلر ماوراء النهرده فرغانه شهرنه غزا ایدوب کفار ترا کدن یجده ولایهده کسنه لرایله
پادشاهلری خاقانی یاوغلی قتل ایتدیلر * یکریمی برده یا یکریمی ایکیده کوفهده زید بن امام زین العابدین
دعوی خلافت ایدوب وافر کسنه لرایه دروب موصل شهرینه و سائر عمالکده ووجهله دعوتنامه یازوب
کوندردیکه (بسم الله الرحمن الرحیم من زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الی اهل الموصل
وسائر البلاد والسلام علیکم اما بعد فاتقوا الله یا عباد الله الذی خلقکم ورزقکم والیه مصیرکم ادعوکم
الی کتاب الله وسته قیبه علیه السلام و حایة الضعفاء و محاربة الظالمین و اخذ اهل حق البیت منهم اسرعوا
یا عباد الله واتقوا الله قبل ان یرسل علیکم عذابا کما رسل الی امم من قبلکم فأتونی و تخاضوا و السلام)
بعده **کوفه** ماکی یوسف بن عمر زید ایلد جنک ایدوب معرکهده زیده اوق طوقنوب شهید اولمغین دفن
اولنوب بعده یوسف انی چقاروب باشن کسوب هشامه کوندروب بدن شریفی عربیانا و ظلماء و عدوانا
اصوب حکمت حق ایلد عورنی برنی اورمچک کلوب آغ قوروب اورنوب یوقصه عبرت حصه کرامات سنیه
و معجزات محمدیه دندر که جد اعلاسی اولان انبیائک اشرف و اولیسی اوستنه دخی مغارده او رمچک
بو یله آغ قورمشدی * مرویدر که اول بدن شریف درت بیل مصلوب طوروب بعده مزبور یوسف
ظالم انی آتیه یا قوب کلنی صادر دی بعد زمان مر (کماند بن ثنان) عیان اولوب خییار نام اولان
آل عباس ظهور ایتد کړنده (و جزاء سنیه سنیه مثاها) بخواسنجه بی امیه طائفه لر بی مقبره لرندن
چقاروب یقار اولدیلر (قائده) مزبور زیده اهل **کوفه** دن بر طائفه کلوب ابو بکر ایلد عمر دن تیرا
ایدر سن سکا تابع اولم دیوب زید صاحب هدا دخی قریبه رضا و یرمد کده اندر دخی اذن ترفضت یعنی
امدی سنی براغوزر دیکین اندر و افاض دیو آدقوندی * مقدمایوسم ایلد صبی طائفه یوق ادری بر فرقه
دخی زیده تابع اولمغین اندر زیدیه دیوب شیعه طائفه سنک فرقه لرندن بری دخی اندر (متفرقات)
مزبور هشام ولایت شامده و صافه آدومه شامده یوز یکریمی ربیع الاولی یا آخری یاخود شوال ایچنده الی
اوج و یاخود الی بش یا شنده وفات ایتدی و مدت خلافتی اون طقوز بیل و طقوز یاون بریادی
یا کز آی و زمان خلافتنده وفات ایدن مشاهیر تابعین سالم بن عبد الله بن حضرت عمر رضی الله عنه
وطاوس و سلیمان بن یسار و عکرمه و قاسم بن محمد بن حضرت ابو بکر رضی الله عنهم و کثیر الشاعر
و محمد بن کعب القرظی و حسن البصری و محمد بن سیرین و ابو الطقیل عامر بن واثله که اصحاب رسول الاهدن
جمع دیناده آخر وفات ایدن بالاتفاق بودر چیرنک یوزنده وفات ایتد و جریر الشاعر و فرزدق الشاعر
و عطیة العوفی و معاویة بن قرة و مکحول الشامی و عطاء بن ابی رباح و حضرت امام محمد الباقر و وهب
ابن منبه و مکیه بنت امام حسین و حکم بن عیینه و عبد الله بن بریده و میمون بن مهران و عمرو بن شعیب
و حاد بن ابی سلیمان استاد امام اعظم و علقمه بن یزید و مساه بن عبد الملك بن مروان و هاک بن حرب
و عبد الرحمن بن الاعرج و قتاده و نافع و عبد الله بن عامر و عبد الله بن کثیر و ثابت البنانی و مالک بن دینار
و ابن جهمس و محمد بن شهاب الزهری و دخی غیر یلایدی (عبرت) نکار ستانده مذکور در **کوفه** هشام
صاحب الاحشامک همان یا کز کند و کیلکه شخصه و ص لبامرین التیوز عدد دوه کتوردرکن وفات
ایتد کده مرابی مهر لکین خرنه شندن کفن النقه امکان اولدی * کاتب السطور اولان بنده بر قصه و رایتدر

(نظم) انظر لمن ملک الدنيا باجمعها * هل راح منها بغير القطن والكفن * واقعا دنیای مریع الزوال
بی وفای مآل اید و کنه یوقصه عبرت حصیه نظیره کثیره اولوب جله دن بری بودر که مالوک ضغاریه دن
عمر بن ایت بر سلطان کامران عظیم الشان اولوب بالکرمطیجی مهماتن التیوز دوه کتوردرکن اشاعیده
کله چک وجهه اوزره بغدادده بفلو کتوریلوب ایکی سنه حبس اولنوب زندانده اجلقندن وفات ایتدی
(بیت) دانی که در تنگین سلیمان چه نقش بود * دل در جهان میند که با کس وفانکرد (فصل ثانی عشر
در احوال ولید بن یزید بن عبد الملك) والده می حجاج ظالمک همشیره می اولوب طقسانده و باطهسان
ایکیده شامده طوغشدر خوب صورت و فصیح و شاعر بلیغ و فصیح لکن مدمن خرو لوطی وزانی و مباحی
و مرتکب هر فل قبیح ایدی * حتی حضرت رسول علیه السلام بونک حنقده (لیکونن فی هذه الامة رجل
یقال له الولیداه و اشد علی هذه الامة من فرعون فی قومه) دیتسدر بری زید مر ض موته بری بوکا
نعمین ایملک دیلیوب لکن اوغلا شقی اوغین برادری هشامه انک وفاتد نصکره بوکا نعمین ایملک
هشامد نصکره بیعت اولندی (قبایح و کفریات مورثة الفضایح) مرویدر که مستحق عذاب شدید
اولان ولید عینک عادات ذمیجه و قبیایح عظیمه سنه حد و کار وعد و شمار اولوب جله دن بدینک
ام ولد لر بی و کندنک صلیبه قیزی بی توقف و تکلف زنایله تصرف ایدوب و برکون معصفت شریفی
دخی اجوب تغال ایتد کده صحیفه اولنده (واستغفروا و خاب کل جبار عنید) آیتی کلد کده کندویه
تعریض اولمغی محملدر دیو منفعل اولمغین بنی قورقودرسن دیوب قبا یوب ابراقدن معصفت شریفه
حاشا اوقلر اوقلر دلوب باره لیوب و بعده نو شعر کفر مشعری دینیکه (نظم) اوقد کل جبار عنید *
فها انا ذلک جبار عنید * اذا لاقیت ربک یوم حشر * قتل یارب من قتی الولید * برکه بر جابه سیه
محاسن خنده ایکسی دخی هم مست و هم جنب ایکن صباح اذانی اوقوند قده قدیمدن امامتی خلفا ایدر
اولمغین جابه سنه البته یود قده امامتی **کک** ایتد روم دیومین ایدوب جابه یه کند و لباس لر بی
کیدروب تبدیل صورت ایلد کوندروب جنابت و مستلکله مسلمانلر امامت ایتدردی * و برکه
دخی جاق کعبه معظمه نک اوزرنده حاشا و کلا خراجیمک ایچون حج زمانده مکبه کک دیلد کده
کفر و سفاهت و ظلم و قیاسحت سبیلده جله اهل شام بونی عزل و قتله اتفاق ایدوب کندوسی
طرابلسه قریب اب در یاده ندمر شهرنده شکارده ایکن عزاده می یزید بن الولید بن عبد الملك
بیعت اولمغین دار الخلافه اولان دمشق شامده غلبه ایلد جلوس ایتدی (کیفیت قتل او)
بعده ولید عینک اوستنه عسکر **کک** کوندروب جنکده محاصره اولد قده ساکن اولد بی
اولد قبوسنه کلوب وظیفه لر یکریمی زیاده ایدوب اوستکزدن نیجه تکالیفی رفع ایدوب فقرا کزه
نیجه احسانلر و ایلکار ایتدی دیوب عسکر دخی کرچک ایتد لکن بزم سکا هجویمز همان الله
ایچوند زیرا الله تعالی انک اوامر شریفه سن استخفاف و نواهیسن استحلال و عدم استنکاف ایتد
دید کارنده * بتر معلوم اولدی دیوب او طیه واروب البته معصفت شریفی آلوب آجوب یوم کیوم
عثمان یعنی حضرت عثمانک شهادتی قصه سنه او غرام دیوب همان تلاوته باشلد قده اون نفر کسنه دیواری
آشوب ایچرویه کیروب یوز یکریمی الی جادی الانره سنک یکریمی **کک** زنجی کونی سبت کونی قرقایکی
یا اوقوز الی یا شنده ایکن بوغز یوب مرشقا افسرین کوندره دیکوب شامده خلیفه یه کتوردیلر *
مدت سلطنتی همان بر بیل و اوج آی یا ایکی آی ایدی اهو و طریبه و شهوته مشغول و تدبیر احوال
سلطنتدن زیاده غافل اولد یقندن غیری کفر و الحاد و زند قیه دلالت ایدن اموره ارتکاب و اجترامی
و حین بامس و یامده معصفت شریفه التجامی اول خیث و ذلیلان حقیقه اختلال عقلنه دلیلدر یوخسه
ایتد وکی ایشله زندیق و ملحد و کافر خوف اهل اسلام ایلد آشکاره اقدام ایتدیمش * مرویدر که
قتل اولد قده اطرافده خار چیلر چو غالوب هر سنه نک بر سبب ظاهر بیسی اولمغین بونک دخی قتل زوال
دوات خبیثه بی امیه یه مریب اولدی دیشلر الله الحد والمثله (فصل ثالث عشر) در احوال یزید بن ولید
ابن عبد الملك) خلیفه اولد قده عسکرک وظیفه لر یه سابقا ولید ایتدی و کی زیاده لر کسمکین یزید ناقص

دیو ملقب اولدی * والده می آخر ملوک عجم اولان یزدجرد اوغلی فیروز که قیزی انک دخی والده می بنه شاه عجم
اولان خسرو اوغلی شیرویه نکه انک دخی والده می ترکستان پادشاهی خاتونک و شیرویه والده سنک والده می
قیصر رومک فرزندان اولغین من بور یزدجرد اختیار ایدوب دیعشدرکه (نظم) انا بن کسری وای قروان *
وقیصر جدی وجدی خاقان (نثر) مرویدرکه قاره یاغز نحیف البدن خوب صورت ایدی ولیده هجوم
ایدوب خلق آتی قتل ایتد کلرنده خطبه ایچون منبره چیه خوب بعد الحمد والثناء خلقه خطایا یوکلاهی
ادا ایتدیکه * امامه دفانی والله ماخر جت اشرا ولا بطرا ولا حرصا علی الدنیا ولا رغبة فی الملک وای اظلم
لنفسی ان لم یرجی ربی ولكن خرجت غضبا لله ودينه وداعيا الى کتاب الله وسنة نبیه حین درست
معالم الهدی وطنی نور اهل التقوی وظهر الجبار المستحل للحرمة والراکب للبدعة فلما رأیت ذلك اشتفت
ان غمیکم ظلمة لا تطلع عنکم علی کثرة من ذنوبکم وقسوة من قلوبکم واشتفت ان یدعو کثیرا من الناس
الی ما هو علیه فیحبیه فاستخرت الله فی امری ودعوت من اباخی من اهل واهل ولایتی واراخ الله البلاد
والعباد ولایة من الله ولا حول ولا قوة الا بالله ایها الناس ان لکم عندی ان ولایت امورکم ان لا اضع لینه
علی لینه ولا یجرا علی حجر ولا اقل ما لا من بلد الی بلد حتی اشد ثغره واقسم بین مصالحه ما یقوم به ان فضل
فضل رددته الی البلد الذی یدیه حتی تستقیم المعیشتی وتکونوا فیہ سواة فان اردتم بیعتی علی الذی بذلت لکم
فانا لکم وان ملت فلا یعتبی علیکم وان رأیت احدا اقوی منی فانا اول من یتابع یدخل فی طاعته
واستقر الله لی ولکم * دیوب اشاعه ایتدی امور خلافتی مشغول اولدی مرویدرکه عالم وعافل
وصاحب ذکا ومدبر ومتمدین واهل تقوی اولوب طائفة بنی امیه مستحق الزجر عیش وعشرتدن
منع وحجرا یدردی لکن مذهب پر ضلال اهل اعتزالده اولغین خلقی قدریه اعتقادینه دعوت ایدوب
او مذهب علمانی کندویه یقین ایتشدی بیرام نمازیه مصلاهی سلاحه وارمق بونک ایجادی اولوب
شهر ایچنده ایکی صف مسلح آتولر ارا منده چیه مندی بعض نصایحی اولوب بری بودرکه * بانی امیه ایاکم
والغنائفانه یقتص فی الحیاء ویزید فی الشهوة ویدم المروءة وانه لیسوب عن الخیر ویفعل ما یفعل المسکر
فان کنتم لا ید فاعلین یخنبوه انفسا فان الغنا داعیة للزنا * مرویدرکه یوز یکریمی الی ذی الحجج سنک
یدنجی کوئی اووزالتی یا اووز بش یا قرقی الی باشند طاعوندن وفات ایدوب مدت خلافتی همان بش آی
ویایدی سکز کون ایدی (فصل رابع عشر در احوال ابراهیم بن ولید بن عبد الملک) برادری وفاتده
یرینه یکوب بر قاج آیه دلک بعض خلق بیعت ایدوب اکثری ایتمکین حالا کردستان اولان ولایت
جزیره وازر ایچان حاکی اولوب ابراهیمک لام برادری اولان مروان ولایت شامه کلوب ابراهیم دخی
انکه چنکه کندونک بش و سرور آدلو ایکی برادرلر بنی کوندروب مروان انلری صیوب ایکی بن دخی
طوبوب حبس ایتدکده ابراهیم عم زاده می سلیمان بن هشامی دخی یوز یکریمی یلک عسکرله کوندروب
مروانک عسکری مکهسان یلک اولوب ارا زنده عظیم جنگ اولدقه سلیمان دخی صیدقه ابراهیم
کندوی دمشق شهر یلک طشره سنه چیقوب کندو عسکرینه مال فراوان و یروب لکن ایچلرینه
اختلاف دوشکین ناچار قاچوب کیزلنوب بعد بعضیلر قولنج مروان ائی قتل ایدوب بعضیلر قولنج
دیار بکر قرینده جزیره ولایت کیدوب بریلد نکره انده وفات ایتدی بعضیلر قولنج کیزلن کد نکره
حسن اختیار یلک کلوب مروان یواشوب خلافتی بیعت ایدوب یوز اووز ایکیده دولت آل عباس ظهور
ایتدکده سائر بنی امیه ایلک قتل اولندی * مدت خلافتی همان یتش * کون یا خود درت آی ایدی
(فصل خامس عشر در احوال مروان بن محمد بن مروان بن الحکم بن ابی العاص) مرویدرکه
بربری محمدی برادری عبد الملک خایه ایکن جزیره ولایتی حاکم ایدوب انده مروان هجرتک یتش ایکی سنده
طوغشندی آتی بکزلو اورتی بویلو جسم و قبا صقالو مهیب و بهادر وعافل ومدبر اولوب بنی امیه
طائفة سنک انصبی ایدی چنکدن خالی اولوب چفاکش اولغین مروان حمار قلیله اشتیاق اولدی
تحقیق زندق اولان جعد بن درهم آدلو استادک مذهب باطننده اولغین مروان جعدی دخی دیرلردی
شامده آخر خلفا و ملوک بنی امیه بودر (کیفیت ظهور) مرویدرکه سابقا خلافتی طرفندن نیجه عظیم

شهر لره ولایتی حاکم نصب اولوب وارد بنی یزیده وافر جنگار و قتل ایدوب بعد سابقا ذکر اولان
ولید قتل اولدقه مروان جزیره حاکی ایکن ارمینیه شهرنده دعوی خلافت ایدوب بعد یزید
ابن ولیدک وفاتی ایتدکده مال عظیم خرج ایدوب وافر عسکرله شامه کلوب سابقا ذکر اولندی
اوزره ابراهیمک ایکی سردار یلک یایی جنگ ایدوب هر بر بنی صیوب بعد ابراهیم قاچوب یوز یکریمی یدی
صفر یلک نصفنده شامده خلافتی بیعت اولنوب بعد ولیدی قتل ایتد یرن یزید ناقصی قبرندن چقاروب
صلب ایتدی (بحاربات) بعد مکان سابقی اولان حران شهرنه واروب خلافتدن خلع اولان
ابراهیم ایلک سلیمان بن هشام انده امانله کلوب مروان یواشوب بیعت ایدوب بعد اهل حص و دمشق
شام و فلسطین مروان عسکان ایتکین مروان انلری کسر و قهر ایدوب بعد قریسا شهرنه کیدوب
اول اثناده من بور سلیمان یتش یلک اهل شام ایلک مروان خلع ایدوب مروان دخی واروب حلب ایلک شام
اراستنده ارض قنسرینده عظیم جنگ اولوب سلیمان صیوب عسکرندن اووز یکدن زیاده کسنه
قتل اولندی * یوز یکریمی سکزده خوارج طائفة سنکدن خجالت بن قیس خروج ایدوب و موصل بکنی قتل
وشهری ضبط و اطراف غارتله ذروه فساد عروج ایدوب عسکری چونالده مروان کاواروب صفین
دید کوری برده ایکی عسکر بر کون صبا حدن اخشامه دلک جنگ عظیم ایدوب ایکی طرفدن ائی یلک کسنه ایلک
خجالت قتل اولنوب لکن اکثر مقتولین خوارج بدن ایدی * اشبو چنکده مروان عسکر یلک صاغ قوی
طوبوب مروان * ککند و مکاتدن آیرلده بعض خوارج مروان اردو سنه ظفر بولوب تختنه
یکدکده مروانلردن اوج یلک کسنه ائی قوشادوب طوبوب قتل ایتلردی بعد خوارجه بنه ایچلرندن
شیبان سردار اولوب مروان اکا واروب اون آیه دلک محاصره و هر کون محکم جنگ ایدوب لکن داغما
مروانک عسکری صیوب بعد شیبان شهر زوره اندن کرمانه اندن بحرینه کیدوب انده قتل اولندی
(ابومسلم) مرویدرکه امام محمد بن علی بن عبدالله بن حضرت عباس عم رسول علیه السلام شامده بلقا
شهرنه قریب حجه آدلو قریه ده ساکن اولوب (لثلاثة اوقات موت یزید بن ابی مسلم در اثن المائة وفتی
بافر یقیه فعدت ذلك تدعو لتادعاه الناس ثم یقبل انصارنا من المشرق حتی ترد خیولهم المغرب) دیوب
من بور یزید افر یقیه ده قتل اولنوب طائفة بر بر نقض عهد ایتد کارنده من بور محمد ظهور یز زمانی کادی
دیوب خراسانه بر کسنه بی آل واهل بیت رسولدن بر غیری معینه بیعتیه دعوتیه کوندروب بعد ابومسلم
خراسانی بی دخی کوندروب نقیبه مکتوبلر کوندردکده جمله بی قبول و محمدی خلیفه ایتکی مقرر
ایتد کلرنده خراسان بکی نصر بن سيار بوقصه بی طوبوب مروان تیبیه و اخبار ایچون بوییتلری یازوب
کوندردیکه (نظم) اری تحت الرماد وميض نار * و یوشک ان یكون لها ضرام * فان لم یطفها
عقلاء قوم * یكون وقودها جثث وهام * فقلت من التجب لیت شعری * أیقاظ امیة ام ینام *
فان كانوا یجثمون ینام * قتل قوموا فقد کان الیام * اذا حان الحین حارة العین * مثلی مفهوم منجه مروان
بوخیره چندان عل ایتموب بعد من بور محمد قبل ظهور ان خلافتی وفات ایتدکده انک وصیتی موجب
یوز یکریمی طقوز رمضانده من بور ابومسلم عجمده مروان شهرنده جمیع ولایت خراسان خلقی وفات ایدن
من بور محمدک اوغلی ابراهیم بیعتیه دعوت ایدوب بعد الیبعه مروان ضبط ایتدکده من بور ابراهیم و محمد
قدیدن شام قرینده بلقا شهرنده ساکن اولغین بلقا حاکنه مروان خبر کوندروب ابراهیمی طوبوب
کندویه حران شهرنه کتور دیوب حبس بعد قتل ایتدی (غلبه آل عباس) مقدمه ابراهیمک وصیتی اوزره
جمیع اقربا و متعلقانی برادری عبدالله کوفیه ایلنوب برادری منصور ایلکده بر آی کیزلنوب یوز اووز
ایکی ربیع الاول یلک اوچینی یا ون ایکنی جمعه * کونی خلافتی صبا حدن آشکاره بیعت اولنوب
بعد مروان یوز یکریمی یا ووز الی یلک عسکر ایلک موصل قرینه واروب اردوی اطرافنده خندق قازوب
بر طرفنه کور و قوروب عبدالله دخی کندو عجمی عبداللهی بعد عسکرله کوندروب جادی الاخره ده
عظیم جنگ اولدقه بحکمة الله تعالی مروان قبول ایتک لازم کلوب ناچار آندن ایتوب و حالده صدای
چنکدن مراجع التندن آتی اورکوب کندو عجمی ایچنه قاچوب آتی کورنلر مروانی قتل اولدی

صاحب فاجعه باشا لوب (اذاغت المدة لاتفع العدة) مفهوماً بجهت كثرت عسكر كاركر اولوب بلا سبب مجرور بول ايله بي قوت وحول فاما بن قاجوب اول محله ذهبت الدولة بالبوله ديو ضرب مثل اولدي (نظم) مكن تكبه برآن ديواردوله * كه بنياش بر دسيلا بوله (محرره) حضرت حق كشي به اولسه معين * هرايشي آسان اوله انك معين * اولميجي عون خدا يارا كا * مهل اولان ايشل اوله دشوارا كا * (قتل مروان) مرويدركه عسكر يله بخار كن كشي قيرلوب كشي صوبه غرق اولغله اكثرى هلاك اولدده قديم دن وطني اولان جزيره ولايته واروب نيز بنه لرين الوب شامه كيدوب مردار اولان عبدالله كلوب جزيره بي ضبط ايدوب مروانك اردنجه سكيدوب دمشقده محاصره ايدوب خايغه اولان عبدالله بوني ايشل كده صالح آدلو بر عيسن دخی سر داره معاونه كوندوب شهر ي جبر افغ ايدوب اوج كونه دل ايجنه فلج قوبوب خلق قيروب قلعه بي اساسنه دل يقوب مروان بوني ايشل وب فلسطیندن مصره قاجوب اندن دخی پاق حبس ملكنه كتمك ايجون مصره صعيد ولايته واروب بوجانبه دخی مردار فلسطيه برادري صالحی عسكرايه مروانك اردنجه كوندوب بوسير آدلو قريه ده بنشوب يوز او توز ايكي ذی الحجه مسنده قتل ايدوب اوغلاري عبدالله وعبدالله قاجوب عبدالله چاق مهدی خلافتنده طوتلوب كا كنورلدي (متفرقات) مروانك زمان خلافتنده وفات ايدن اشرف مشاهير بونلدر كه ذكر اوانور * امام سدي ومالك بن دينار وعاصم احد قرا مبعوثه ويزيد بن ابی حبيب وشيبه بن النصاح المقرئ ومحمد بن المنكدر ويزيد بن القعقاع المقرئ واوب السخستاني وابو الزناد وهام بن منبه وواصل بن عطا كه رئيس طائفة معتزله ايدى * ومروانك جمله مدت خلافتي بش ييل واون آي مدت عمرى التمش يدي يالتمش ايكي ييل ايدى بومحله دولت خيشه بنى اميه بنى حيه منقرض اولوب حضرت امام على وحسن وحسين انتقاملري ايجون بنى اميه نك ملوك وامر اسنك ميترندن معاويه ويزيد لعين وعبد الملك وهشام وسائر لري مقبره لردن چيقار يلوب بدي صحیح بوليانن صاحب بعده احراق اولندي ودخی جميع ممالك اسلاميه ده مطلقا بنى اميه طائفه سندن حياتده بولنلردن آشكاره يرده كورنور بر كسسه قوغيوب اوقات متفرقه ده تفصيله محتاج انواع عذابله جمله قتل اولوب ايجلانده نامدار لردن همان عبدالرحمن آدلو كسسه قورتلندر كه مغرب ديارنه كيدوب انده پادشاه اولدي تنگيم اشاعنده ذكر اوانور (نظم) بجا آن فريدون وضحاك وجم * نهان عرب خسروان عجم * همه خاك دارند بالين وخت * خنك آن كه جز قحط يكي نشك (باب ثاني در احوال خلفاء عباسيه) ايشو طائفة عارفه هجرتك يوز او توز ايكني سنده سنده ظهور ايدوب جمله بنى اووز يدي نفرو مدت خلافتلري بشيوز يكرى درت ييل وخت كاهلري بغدادوايك اطرافنده بعض بلاد ايدى (فائده) طائفة بنى اميه بنى حيه نك خبث وفسق وظلم باعث الظلم لردن اكثر خلق عالم بر درد وال اولغين خلفاء آل عباس كرام الناس عدالت ايتيانك ظهور موجب السرور لري اشارت ايدن احاديث بشارت توربك بعضلري بونلدر كه حضرت رسول عليه السلام (رايت بنى مروان يتعاودون على منبري فساءني ذلك ورايت بنى العباس يتعاودون على منبري فسرني ذلك) ودخی (الخلافه في ولده عي وصنوا بي حتى يساوها الى المسيح) ودخی (الاهم اغفر لاهباس ولولده مفرقة ظاهرة وباطنة لانفساد زنا لاهم احفظه في ولده واجعل الخلافه باقية في عقبه) ودخی عبدالله بن عباس طوغوب حضرت رسول عليه السلام اني كورد كده هذا الوالحافه حتى يكون منهم السفاح حتى يكون منهم المهدي حتى يكون منهم من يصلي بعيسى ابن مريم) ديو يورمشلدر بعض خلف ايدراولور يزي ايشلده مكه (وانه لقد اخذت الخلافه الى بنى العباس وما في الارض احد اكثر قارنا للقره آن ولا فضل عابد اولانا سكا منكم) ديو لردى (فصل اول در احوال سفاح) اسمى عبدالله اولوب لكن خليفه اولميجون بنى اميه دن بيجد كسسه قتل ايدى بيجون سفاح لقبيله مشهور اولدي (فائده) در بيان نسب وحايه واوصاف سفاح (مرويدركه پدري محمد بن علي بن عبدالله بن عباس كده جدا عللري حضرت عباس ايله عبدالله تفصيل احوال لري بوفاروده باب اقربا رسول عليه السلامه بجهت شجر اما جدى علي بن عبدالله لاهي جمله قوابيله بنى اميه دن هشام بن عبدالله وياخود اندن اول ولدين عبدالله خليفه ايكن ساطت خوفندن

شامه يقين بلفاشهر بنه سوروب دوات بنى اميه انقراضنه دل بطائفه انده طوروب هجرتك يوز اون سكرنده على وفات ايدوب خوب صورت ومهيب وعظيم الشان وعابد وزاهد كسسه ايدى هر كون بشيوز كمت نماز قيرلوب يكرى ايكي اوغلي اولمشدى علي بنك اوغلي دخی محمد يوز يكرى بشده التمش ياشنده وفات ايتشدى مرويدركه سفاح يوز سكرنده ياخود درنده طوغوب خوب صورت بلند قامت آق بگز لوسياه صاحبو كوزل صفالوطوغان بونلواولوب اگرچه خوفي كسسه ايدى لكن زياده عالم وكمال ومدبر وعاقل وفصيح وبلغ وحنيني وبي دريغ اولوب وعده ايتدوكي نسسه بي اصلا تاخير ايتيوب اول محله واول مجلسده البته ادا وعطا ايدردى بر كره عبدالله بن حضرت حسن ييك كره ييك اجه نامنى قواقدن ايشلديوب لكن بر يرده كوردمدم ديمكين في الحال اكا اولقد راجه باغشليوب همان اول مجلسده تسليم ايتدى مهر ييك نقشى (الله ثقة عبدالله وبه يؤمن) ايدى بونك حقهده حضرت رسول عليه السلام (يخرج رجل من اهل بيتي عند انقطاع من الزمان وظهور من الفتن يقال له السفاح فيكون اعطاه المال حينئذ) ديووب دخی (منالاسفاح ومنالمنصور ومنالمهدي) يورمشلدر (جلوس وبهض وقايغ) زمان خلافت مناسب كايه مروان احوالنده بيان اولند بني اوزره يوز او توز ايكي ربيع الاولينك او چنبي باون ايكني جمعه كوني كوفه شهرنده خلافته بيعت اولوب بعده مروانك چنكه كندونك عيسى عبدالله لاهي كنورلدي مروان صينوب ولايت مصره قاجوب انده قتل اولندي جميع ممالك اسلاميه بي سفاح مستقلا ضبط ايتدى بعده مضار وذكاده مشهور دنيا اولان خالد بن برمك نام كسسه بي وزير ايدى نوب مديبر امور وزير تميمه اولغى ابتدا يوزمانده ظهور ايتدى مزيور خالد سفاح حاكمه منصوره دخی وزير اولوب مهدى خلافتنده وفات ايتشدر * مرويدركه حضرت رسول عليه السلام و چهار يار كزين رضوان الله تعالى عليهم اجمعين خطبه بي اباغ اوزره او قيوب بعده معاويه سموز كسسه اولميجن او قورر * كن او قوردي بعده خافه بنى اميه معاويه به تقليد ايدوب اما سفاح خليفه اولدده مفت رسول الله عليه السلام ايله عمل ايدوب الى يومنا هذا ابر او انور اولدي * مرويدركه سفاح برادري يحيى بي موصله وبنه برادري منصورى جزيره ولايته وعيسى داودى مكه ومدينه وبن وبنامه ولايتلري بنه برادرزاده عيسى بن وساني كوفه وعراقه او بر عيسى عبدالله شامه ابو عون بن يزيد آدلو كسسه بي مصره ابو مسلم خراساني بي خراسانه حاكم ايتدى * مرويدركه رئيس اصحاب فيل اولان ابرهه وعسكرى قهر ررب العالمين ايله سالك راه عدم اولد قورنده ينده شهر صنعاده قايس آدلو كنيسه كفر ايسه نك اطرافى مرور زمانه ويران وممكن شباع وبهض حيوانات اولمشكين سفاح خليفه اولدده بن حاكمي اولان داودى عسكرايه كوندوب اني بيقدروب ايجندن عظيم مالرا لوب بعده اول كنيسانك نام ونشاني قائمدي (وفات) مرويدركه خلافتندن ايكي ييل سكره كوفه دن كوچوب بغداده قريب انبارش مزي تختكاه ايدى نوب ايكي بيلد نصكره يوز او توز بش ذى الحجه سندن اون ايكني كوني يكرى يايكرى بدي يايكرى سكر ياو توز اوج ياو توز ايكي ياشنده جدري ديدكاري چچك مرصندن وفات ايدوب خلافتي * كندود نصكره بيوك اولان برادري منصوره وصيت ايدوب جمله مدت خلافتي درت ييل وطقوز ياسكر آي اولوب سكر آي مروان حياتده درت ييل ايك وفاتد نصكره ايدى (فائده) سفاح زمانده وفات ايدن مشاهير بونلدر * زيد بن اسلم وعبدالله بن ابى بكر بن حزم وربيعة الراي كه عقبه اهل مكه ومدينه ايدى وعبد الملك بن غير ويحيى بن ابى اسحاق الحضرمي وعبد الحميد الكاتب كه فاضل وكامل ايدى ودخی نيجه ل (انقسام) تاريخ بن ثعنه ده مذ كوردركه سفاح كندوبه پدري خلفاء بنى اميه دن اولان سليمان بن هشام بن عبد الملكى مقرب ايتد كده بر شريف كسسه سفاحه كلوب (نظم) لايفرنك ماترى من رجال * ان تحت الضلوع داء وفسا * فضع السيف وارفع الصوت حتى * لا تارى فوق ظهرها امويا * ديد يكنده بول كلام نصاح ايله سفاح متأثر وسليمانك قنانه امر اواغين في الحال قتل ايتدولر سفاحك عيسى عبدالله ياتده دخی بنى اميه دن طقسان نفر مقدارى كسسه جمع اولوب سفره طعام چكلك ضدندنه شعرا دن برى كلوب ديدى بجهت

(نظم) اصبح المثلث نابيا بالاساس * بالهاليل من بني العباس * طلبوا وترهاشم وشقوها *
 بعد من الزمان وباس * لا تقبلن عبد شمس عنارا * واطمن كل رقلة وغراس * انزلوها بحيث
 انزلها الله * بدار الهوان والانعاس * واذكروا مصرع الحسين وزيد * وشهد بجانب المهراس *
 والقتيل الذي بجران اضحي * ناويين غربة وتماهي (نثر) عبدالله بن خنيزار ايدوب في الحال امر ايلدي
 اول طقسان كسني في جادر ديركلر يله اوروب اءضار بن قيروب دخی تمام وفات ايدوب اوزورلر يله قایلر
 دوشدوب بعض خلق ايله اوستنه چيقوب اوروب سباط چكلوب يلك ييوب التلر نده مونه قيرب
 مجر وحرك ناله وانيلري ايشيديلوردی * ودخی مزبور عبدالله دمشق شامده معاويه ويزيد
 ومروان وعبد الملك وشام وسائر بني اميه نك مقبرلر بن آيدروب ايجلر نده بدني چور عيش اولماني
 آصوب بعده آتشم باقدی ودخی سليمان بن علي بن عبدالله بن عباس بن اميه دن بر جماعتی قتل ايدوب
 جيقولر بن كبلر يدر ديلو الحاصل بني اميه دن امير ورعي مشهور ومعلوم اولان هيچ بر كسنه قور تليوب
 جله مي قتل اولوب ايجلر نده همان عبدالرحمن آدلو كسنه قور تليوب اولدخی مغرب ولايته قاجوب
 بعد زمان انده پادشاه اولمشدر تكيم آشاغیده كندومي واولادی تفصيل اولتور ان شاه الله تعالى
 (فصل ثاني در احوال منصور بن محمد) بن علي بن عبدالله بن العباس عم الرسول عليه السلام برادری كبي
 بونك دخی اسمي عبدالله اولوب لكن لقبی منصور وانكده مشهور ايدی كيني دخی ابو جعفر اولوب بعد اختلافه
 اكثر يا بجل وخت وجع مالد غایت دقت ايدوب عاملردن بالذات كندومي حساب الله قنده منقير
 وچكر دل قسبن دخی حساب ايجلر نده دواني قسيله دخی مذکور ايدی طقسان بشده طوغوب
 برادری سفاحدن اون اوج ياطقوز ياكز يايدي ياش يوك ايدی (فائده در حليه ووصاف او)
 مرويدركه قاره باغز وبلند قامت وحييف وارق يوزلور وارض وعدادلر نده مقالي خفيف اولوب صفاتي
 سياهله بوياردی * مرويدركه مالت علم وادب نازلر لهو وطرب شجيع ومهيب ومدر ومصيب ووقور وصبور
 اهل فراست وذكور ومرتامل ودور بين وجامع الاموال فصيح وبلغ وتيز جواب ودافع السوال اولوب
 شرائط رياست وضبط سياسته آل عباس ايجلر نده مردانه وبردانه ايدی و كيدو كي لباسلری
 درويشانه وزاهدانه مصلی واهل عبادت واكثر احوالده صاحب دنيا اولوب صاحب ديات ومنتشر
 واهل عبادت ومحب عدالت ايدی لكن زياده حرص رياست اولمغن نظم امور سلطنت ايجون ظلاله
 وافر كسني في بي رحم ومطل قتل ايدوب فريد عصر ومجتهد دهر اولان حضرت امام اعظمه دخی زهر
 يدر مشدر هر شهرده هر طائفه دن بعض جاسوسلری اولوب نيچه خواص وعوامك اكثر جزيات وكليات
 احوالرينه اولوجهله طمع اولمغن جله عالم اندن محكم خوف ايدردی غایت خديس اولوب برخوب
 نفسي ايرلا دوب غایت ايله حظ ايجلر نده يارم اچمه ويروب لكن احبانا سخا ايدوب حتي بعد اختلافه
 جيه وارد قنده مدينه دوه جيلر خليفه دن قاضي به شكاي ايدوب قاضي خليفه في شرعه دعوت ايتد كده
 چاغرتد قنده ياكز جيه واروب قاضي اكايندن قائله ميوب خليفه اوزرينه دوه جيلر حق حكم ايتد كده
 خليفه قاضي نك عدالتنه تعجب ايدوب وغایت حظ ايجلر نده قاضي به خير دعا ايدوب في اختيار اون يلك
 قرمزي ظوري باغسلادی (جلوس) مرويدركه يوز اوزور ايتيده يعني يوز اوزورالتي سنه سنك آخرند
 ج شريفه ايك برادری سفاحك موني وكندويه خلقك بيعتي خبري كد كده ابو مسلم ايله اهل مكه دخی
 بيت ايدوب بعد آء اچ دار اختلاف اولان انبار شهرنه كدی (بدائع وقايع در زمان خلافت او)
 (۱) مرويدركه سفاح وفاتده شام حاكي اولان عيسى عبدالله بن علي مرواني صيد وغنده سفاح
 غایت حظ ايدوب كندو قنده خلافتي بكاترين ايدی ديواقات شهود ايجلر نده اهل شام اكا تابع
 اولوب عسكر عظيم ايله حالب قرينده مرج دابقده جمعيت ايتد كده منصور ابو مسلمي انكده چنكه
 كوندروب نصيبين شهرى قرينده دخی عظيم جنگ اولوب عبدالله صينوب بصره حاكي اولان برادری
 يانته قاجوب انده كيزلندی (۲) بعده ابو مسلم عبدالله ملوك وامراه بني اميه دن مالک اولدني نزلان
 عظيمه سن قبض ايدوب منصور ايتد كده بنم مالي برخوش ضبط ايله او كاتجه صافله دبو خبر كوندروب

ابو مسلم بو كاتجه يوب خلافتي آل عباسدن آل رسوله نقل ايجون خراسانه كيدوب بر روايه عبدالله
 صيد قنده منصور آتي خراساندن صرف ايجون مصر ايله شام حاكنن ويروب خبر كوندرد كده الميوب
 خراسانه كيدوب علي كل حال منصور اكا خبر كوندروب انواع اعتذار واستعالت ايله كتور دوب اولدخی اكثر
 عسكري حلوان شهر نده قيروب اوج يلك كسني ايله مدين شهر نده منصوره بواشوب ايلن او يوب منصور
 اكاظاهرا غایت رعایت ايدوب بعده بعض مكار حيله كارلر خليفه به بولنه عفه چوق آدمه كلكل ترك ايدوب
 ديكن تدر يچله ازلدوب يوزنقر آتلوايله كلور اولد قنده يوز اوزور يدي شعبانده منصور كندو تنه اسنده
 يكرمي قهر مسلح اوغلافي برده آردنده كيزايوب سيزهال فاقديم كبي في الحبال جيه قوب ملعوني اولدوره منر
 ديوب بعده ابو مسلمي تنه اكا كتور دوب اثناء كلامده قليچكزي كوريم ديوب اول غافل دخی چتاروب
 وبرد كده منصور باقوب بكنوب مندری آتته قيروب بعده خطاب وعتابه باشايوب عاقبت ال
 قاقوب خدمه تكارلر كايوب باشي كسوب عسكري شه آتوب بعده وافر التون صاحب قنده في تسكين ايتدی *
 مزبور ابو مسلم دولت عباسيه في اظهار ايجون السور يلك كسني قتل ايجلر نده * لا وفاء لاهل لولك * خصوصا
 اتق شر من احسن اليه * مري آشكار اولدی (۳) يوز اوزور سكرده منصور كعبه معظمه نك حرمي
 توسيع ايتدوب يكرمي اوج قيروب ايدردی (۴) روم كافلری ملاطيه شهر في مسلمانلر اندن آتوب قلعه سن
 ييقوب اما شهر خلقی ايجلر نده (۵) يوز اوزور قور زده منصور سانشاچان عيسى عبدالله الهي اله كتوروب
 تفصيله محتاج معامله دتسكده كندو ميراينده امامي صفاتي طوزدن براوطه يادروب انده حبس ايتدی
 بر كعبه ظرافله صوقيو ويروب صباحه دل طوزار يوب او طه ييقوب عيسى هلاله اولوب بلا سبب عجب
 حال اولدی ديوطاهر امام طوتدی (۶) يته بوييلده بني اميه دن اولوب مابقاچن عبدالرحمن بن معاويه
 ابن هشام بن عبدالملك ولايت مغربده پادشاه اولوب دوات بني اميه عالمده تكرار آشكارو هجر نك در تيوزنه دل
 مغربده دولتلى يادار اولدی (۷) يوز قنده منصور ملاطيه به يمش يلك كسني كوندروب شهرى
 نعمير ايتد يلدو دخی انده قرينده صيحه شهر في يادروب ايجنه يلك سپاهي قيروب آدني معوره قودى
 (۸) ولايت سنده دخی بر شهر اطيف يادروب آدني منصوره قودى ديشلر (۹) قرق برده حرم كعبه ده
 حطيم سباق طاش ايله بايلش ايك منصوري في مراهيله يادردی (۱۰) يته بوييلده ابو مسلم خراسانينك
 مذهب باطلی اولان تبايع اعتقادنده رويديه طائفه سي ظهور ايدوب منصور انلردن ايك يوز كسني
 حبس ايدوب باقيلری كيزلنوب بعده بر بوش تاوت آلوب جنازه به جمعيت به سانه سيله زندانه واروب
 تاوتی براغوب زندان قيسون قيروب كندو محبوسلرني قور تاروب بر قاج يوزنقر اولوب خليفه
 سريانه هجوم ايتد يلدو منصور دخی يياده چيقوب مسلمانلر جمع اولوب زند بقلری جله قتل ايتد يلد (۱۱)
 يوز قرق او چده علم حديث و فقه وتفسيرده مالک اسلامده علماء عظام ومجتهدين كرام كابلر تاليفنه باشليوب
 ابن جرير مكدده مالک مدينه دوه اوزاعي شامده سعيد بن ابی عروبه وحادن مسلمه ودخی غير يلد بصره ده
 معمر بننده سفيان ثوري كوفه ده ابن اسحاق علم قور بخنده امام اعظم علم فقهده كابلر تاليف ايدوب بونلردن
 بر مقدار صكره هاشم وليت وابن ابي عمير بونلردن دخی صكره ابن المبارك وامام ابو يوسف وامام محمد
 وابن وهب وغير يلد دخی تاليفلر ايدوب تدر يچله انواع علومده تاليفات چو عالمغه باشليوب علوم عربيه
 ولغت و نوارخ تاليف اولندي بونلردن اول امت محمد ايجلر نده قرآن عظيمدن غيري يازاش كاپ اوليوب
 علمادن مسائل علوم شرعيه وغيري از بردن او كيزلوب هر كس علم هوس حفظنه اعتماد ايدردی (۱۲)
 يوز قرق درنده منصور دعواي خلافت خوفيله اولاد حضرت حسن دن اون بر كسني في حبس وقيد بشده
 ايتدی (۱۳) قرق بشده باچاق قرده تختكاهي اولان انبار شهرندن ايكی اوج كوناك برده نمر دجله
 كازنده بغداد شهرينك يرينه كاروب ارض خاليه كوروب انده بر كيساده بر راهبه بواشوب ملحه
 كابلر نده بونده بر شهر يادوب آخر زمانه دل مذكور اوله جده در ديو كور مشدر ديد كده منصور اول يري
 راهبدن صانقون الوب راهبك اسمي باغ ارضنك اسمي داد اولمغن انده بر شهر يادوب اسمي بغداد اوله
 ديو يوروب درت ييله دل غايده عظيم واسع برمدور حصار واور تاسنده كندو ايجون بر سر اي استوار

باب اول درت و پاخود طقوز پیلده بغداد شهر بنک بنامی تمام اولوب فواج مسکیده بنا بغداد منصور
 التیوز مسکن سکزی یک کره یک الحجه صرف ابتدی دینوب عثمانی الحجه حسابجه یوز یکی بر یوز
 اولی اوزره التیوز سکزی یوز مسکن یوز عددی قدر الحجه اولور (۱۴) ینه یوز فرق بنده عبدالله
 ابن حضرت حسنک او غلاری محمد و ابراهیم امام مائت فتواس یله مدینه ده دعوی خلافت و اهل
 مدینه محمد بیعت ایدوب ابراهیم محمد ایچون عسکر جمعه بصره په کیدوب منصور محمدک او مننه
 کندو برادرزاده سی عیسی ابن موسای کوندروب عظیم جنگد نصرکه محمدی اهل بیتدن نیجه کسنه ایله
 شهید و انزل طهورنه سبب اولان علما و غیردن وافر کسنه بی خلیفه و تابعی قتل و ضرب و انواع جفا و تمردید
 ایندیلر بصره ابراهیم خلقی برادری محمد بیعت ده دعوت ایدوب بصره و واسط و اهواز خلقی تابع اولوب
 یوز یک قدر عسکر جمع ایدوب مدینه ده منور عیسی محمدی قتل ایتدکده ابراهیم واروب جنگ ایدوب
 عاقبت ابراهیمک دخی باشن کسوب منصوره کوندردی (نظم) درین چن کل بخار کس نیچید آری
 چراغ مصطفوی باشرار و اوه بیست (نثر) مرویدر که علویله ایلد عباسیلر اسنده ایذا بغض
 و عداوت براغن منصور در اندن اول آل علی و آل عباس محبت و استیناس اوزره ایدیلر (۱۵) یوز فرق
 التیده جزیره قبرسه غزا اولندی (۱۶) فرق سکزده مغربده اندلس جزیره سندن غیره جمیع ممالک اسلامییه
 منصورک تحت ضبطنه داخل اولدی (۱۷) یوز الیله ممالک تراسنده اسناد سیس آدلو کسنه آنلو
 و یاده اوچ یوز یک عسکر ایلد و ایدوب اکثر بلاد تراسنده مسلط اولغین منصور بیخورد اولوب عاقبت
 اجتم مروزی بی انکه جنگه کوندروب اجتم قتل اولوب عسکری صیوب بعده حازم نام کسنه عظیم
 عسکر ایلد واروب جنگ ایدوب طرفیندن یتش یک کسنه قیر یلوب اسناد سیس قاجوب بر طاعه چیقوب
 اسیر اولان اون درت یک کسنه بی حازم ظفر ملازم قتل ایدوب بعده اسناد سیس محاصره ایدوب اودخی
 کند و نفسی طوعا تسلیم ایتکین قید بند اولوب او یوز یک کسنه اولان عسکری قیو و برلدی (۱۸)
 الهی برده شهزاده محمد المهدی سنجانی اولان محمدی شهرندن بغداد کلوب شهری بکتوب پدری
 اتم ایچون دجله کارنگ جانب شرقی سنده رسافه شهرتی عالی میرا یله بنا ایتدروب وانی ولی عهد ایدوب
 یعنی کند و وفات نصرکه خلیفه اولغه خلیفه بیعت ایدوب سلاطینه لازم اولان قدر وافر خدم و حشم
 و اسباب تجمل و یروب پدری یاننده بولق ایچون انده ساکن اولدی (۱۹) مرویدر که خلفا و ملوک
 اسلامییه ابتدا سنجمین قولیلر عل ایدن و نامنه کایله و دمنه و اقلیدس و غیره کبی میرانی و فارسی کتابلر
 ترجمه اولان و اشراف طائفه عرب برینه قوللرین حاکم ایدوب ریاستلری عربلرک المردن الان و آل رسولله
 آل عباس مایینه بغض و عداوت براغن منصور در (۲۰) مرویدر که بونک زماننده وفات ایدن
 مشاهیر علما و غیره بوندره ابن المفتح و امیر من بن زاید که باب مخاده طبعین زباده ایدی و من بن صالح
 و علاء بن عبدالرحمن و خالد بن یزید النخعی و داود بن هند و ابو حازم و عطاء الخراسانی و یونس بن عبید
 و سلم الاحول و موسی بن عقیمة التابی و عمرو بن عبید الزاهد الممتزل و یحیی بن سعید الانصاری و امام کلبی
 المفسر و محمد بن اسحاق و امام جعفر الصادق و امام اعش که اصحابدن بشیوز کسنه په بنده شدی
 و شبل بن عباد مقرئ مک و محمد بن یحیی بن عقیمة مدینه و محمد بن عبدالرحمن بن ابی ایلی التابی و عبدالملک
 ابن جریج التابی مجتهد اهل مک و امام اعظم همام اکرم ابو حنیفه و حجاج بن ارطاط و حاد الراوی
 و رویه الشاعر و بریری و سلیمان التیمی و عاصم الاحول و ابن شریمة التابی و مقاتل بن حبان و مقاتل
 ابن سلیمان و هشام بن عمرو و ابو عمرو بن اهلک که علم قرآنده مشایخ سبعه نکت بریدر و حکم بن ابان الزاهد
 و مسعود بن کدام عالم اهل کوفه و امام شعبه و حنین بن واقد قاضی مرو و امام زفر شاکر
 امام اعظم و اشع بن طماع التابی و حمزه بن حذیف الزبیدی الزاهد و امام اوزاعی المجتهد و خالد بن مهران
 و حمید الطویل المحدث و کهس بن الحسن التابی و عبدالله بن عدن عالم البصره و دخی نیجه کسنه در
 اوقات مرویدر که یوز الی سکزده منصور خلیفه جمعه کیدوب مکرمه شهرنه بر قاج
 منزل قریب یقلا شدد قدده ماه ذی الحجه نک التبی کونی اتمش اوج یا اتمش درت یاننده مرو

امام الدین وفات ایدوب مدت خلافتی یکریمی ایکی ییل اوج آی و یا یکریمی بر ییل اون بر آی اولوب
 اون تفر اوغلی و ار ایدی وفات ایتدکده طقوز یک بشیوز یوز عثمانی الحجه عدد شجیه الحجه می قالوب عادت
 قدیمه اوزره هر الحجه بر درهم کومش ایدی (فائده) در احوال حضرت امام اعظم رحمة
 الله علیه (کنیت ابو حنیفه ایدی و اسمی نعمان بن ثابت در اجدادی نسیبده اختلاف اولوب عجم
 طائفه سندن ایملر کوفه ده هجرتک سکسانده طوغوب پدری ثابت سابقا کوفه ده حضرت علی په
 بواسط ککندوبه و ذریتنه من و بر کتله دعا ایتددر حضرت امام بکار تابعیندن اولوب تازه لکنده
 صحابه کرامدن انس بن مالکی اوج یاخود التیوز کسنه بی دخی کوروب انزدن احادیث شریفه
 روایت ایتددر معتبرانده فضائل حقده حضرت رسول علیه السلام (سیکون فی امتی رجل یقال له النعمان بن ثابت و یکنی بابی حنیفه
 ابو حنیفه و سراج امتی یوم القیامة) و دخی (سیکون فی آخر الزمان رجل یکنی بابی حنیفه و خیر هذه الامه) و دخی
 یحیی دین الله و سنی (و دخی (سیکون فی آخر الزمان رجل یکنی بابی حنیفه و خیر هذه الامه) و دخی
 (یحیی رجل فیحیی سنی و یمیت البدعة امه النعمان بن ثابت) و دخی (فی کل قرن من امتی سابقون
 و ابو حنیفه سابق زمانه) و دخی (یخرج فی امتی رجل یقال له ابو حنیفه بین کتفیه خال یحیی الله تعالی
 دینه علی یدیه) و یورمشدر دیو مذکور در و علمادن بری دخی واقعه سنده (یا رسول الله
 ما تقول فی علم ابی حنیفه) دیو صورتده (ذلک العلم یحتاج الناس الیه) یورمشدر در و علمادن بری دخی
 ینه واقعه سنده حضرت رسول علیه السلامی کوروب (یا رسول الله ما تقول فی هذا الرجل الذی بالکوفة
 النعمان بن ثابت أخذ من علمه) دیدکده رسول الله علیه السلام (خذ من علمه و عمل بعمله فتم
 الرجل هو) دیو یورمشدر در و حضرت امام علی رضی الله عنه (الا یتکم برجل من کوفة بلدکم هذا یکنی
 بابی حنیفه قد ملاه قلبه علما و حکمة و سئل به قوم فی آخر الزمان کما هلکت الرافضة بابی بکر و عمر) دیو ب
 و امام محمد باقر ابو حنیفه په باقوب (کافی بک و انت یحیی سنة جدی علیه السلام و قد اندرست و تکتون
 مفرغا کل ما یوف و غیا ناکل مهموم یسئل المتحیرون اذا وقفوا یتهدج من الواضح من الطريق
 اذا تحیروا ذلک من الله العون و التوفیق حتی تشارکوا الیابین فی الطريق) دیمشدر مرویدر که تازه لکنده
 علم کلامه و معرفته بالنبوب غایت ماهر اولوب بعده امام حاد تابعی په یکریمی سکزی ییل شا کرد اولوب حاد
 دخی وفات ایتدکده انک برینه مجتهد و مفتی اولدی و صدای فضل بی انتهای عالمه طولدی و مرویدر که علم و فضل
 و ذکا و فراست و زهد و تقوی و امانت و سرعت جواب و دیانت و قوت صواب و سایر کمالات سنیه انسانییه ده
 فائق الاقران و مشهور جهان ایدی زماننده اولان و صکره کلان جمیع مجتهدین و سایر علما
 و فضلاء بو کافایت مدح و ثناء ایدوب امام شافعی (الناس عیال فی الفقه علی ابی حنیفه) و دخی (انی لا تبرک
 بابی حنیفه واجبی الی قبره زائرانی کل یوم فاذا عرضت لی حاجة جئت الی قبره و صلیت رکعتین و سئلت الله
 تعالی الحاجة فتقضى) دیمشدر و دخی امام شافعی امام ابو حنیفه نک ایکنی شا کردی اولان امام محمد
 شا کردی اولغین (اعانی الله تعالی فی العلم برجلین فی الحدیث بابن عیینة و فی الفقه بمحمد) و دخی (ایم لاجد
 علی من المنه فی العلم و اسباب الدینا ما محمد) و دخی (لقد کتبت عنه حل بهیر و لولاه لما لصق بی من العلم شیء
 و الناس کاهم عیال علی اهل العراق فی العلم و اهل العراق علی اهل الکوفة و اهل الکوفة علی الامام ابی حنیفه)
 دیمشدر مرویدر که امام اعظم بکار علمادن درت یک کسنه دن اخذ علم ایدوب بو خصوصه بعضی دیمشدر که
 (نظم) غدا مذهب النعمان خیر المذاهب * کذا القمر الوضاح خیر الکواکب * فقهه فی خیر القرون
 مع التی * فذهبه لاشک خیر المذاهب * وکان له صحب بشیوز علومهم * تجلی عن الاحکام * سبب الغیاب *
 ثلاثة آلاف و الف شیوخه * و اصحابه مثل النجوم الثواقب * فضائل حقده علماء متأخرین وافر کابلر تألیف
 دیو ب سافدن بری دیمشدر که (نظم) حبیبی من الخیرات ما عددته * یوم القیامة فی رضی الرحمن *
 ابن النبی محمد خیر الوری * ثم اعتقادی مذهب النعمان (نثر) مرویدر که مذهب حنیفه ده
 بشیوز یک مسئله اولوب مذهب شریقی مدحند دیمشدر (نظم) ایا جلی نعمان ان حصا کا *
 انصی و ما تحصی دقایق نعمان * جلائل کتب الفقه طالع تجدیهنا * حقائق نعمان شقائق نعمان (نثر)

مروید که غایبده اهل تقوی اولغین کسب حلال ایچون دکانده شرکت اوزره تجارت ایتدر ردی
 ذره قدر شهمه سی اولدینی نیجه یوز فلوری ریحی احیاناً ققرا و علمایه وزیر ایدردی دائمیاشا کردلر یی
 بیلوب چله خیرلرین کورردی اوزوز بیل کونوز صائم و کیجه قائم اولوب اکثریا مسجدده درس علم
 و فتوی ایلد و کیجه صباحه دلکاه اوده و کاه مسجدده عبادت مولا ایلد بکنوب قرق بیل یاتسو
 آبدستله صباح نمازین قیلوب واکتربا بررکعتده ایکی رکعتده بتون ختم شریف ایدوب احیاء
 لیالی ایدوب کاهی اولوردیکه برآیت رحمت و عذاب نمازده و خارجده تکرار ایدوب صبحه دلک
 صبحه ایلکریان و نالان اولوب ایشدنرخ ترحم فراوان ایدرلردی امت محمدیه بررکعت نمازده
 ختم قرآن ایکن همان حضرت عثمان و عیم داری و سعد بن جبیر و امام اعظم حضراته میسر اولمشدر
 دیمشدر مرویدرکه اصلا برکسته دن جائزه قبول ایتیب درویشانه لباسلر کیوب احیاناً اظهار
 نعمت خدا ایچون در تیوز فلوریلان لباس کیردی الی بش کره حج ایدوب و بر قاج بیل مکده
 مجاور اولدی یالکز روحی قبض اولدینی برده یی یک کره ختم قرآن ایتشدی دیومقرر اولدیننده
 اشیاء یوقدر دیمشدر عمرده بر کره کولدم اکادخی نادم دخی پشیان اولنم دیمشدر * قلیل الکلام کثیر
 التکر اولوب بعض مسائل شرعیه خصوصنده شاکر دل یله بحث ایدردی بر کیجه یاتسو نمازین
 جماعتله قیلوب چقارکن بر ایانی طشره بر ایانی مسجدده ایکن بر مسئله ده شا کردی زفر ایلد صباح
 اذانه دلک بحث ایدوب او بر ایان طشره چقارم دین صباح نمازین قیلغه نه مسجدده کیرمشدر حضرت
 علی (اربعة آلاف درهم و مادن هانقه) دیمشدر دیوب دیرت بیک الحقه دن زیاده طو غیوب زیاده سی
 تصدق ایدر ایدی مرویدرکه آخر دوات ملولتی امیه ده انلر طرفندن عراق عرب و عجم حاکی اولان برید
 ابن عمر بن عبیده خراسانده قشنه ظهورنده یچته دن ایلی و ابن شرمه و داود بن هند ی بررکعتیه حاکم
 ایدوب کوفه قضایله تدبیر جمیع اموری امام اعظمه تکلیف ایتدکده قبول ایتمکین امام متعدده ده
 دو کوب حتی مبارک باشنه یکریمی عصا و روب حبس ایتدی ایتسی برده دن باشی و یوزی شیشوب برده
 کتور دوب تکرار ابرام و الحاح ایتدکده طائشام دیومهل آلب مکیه قاجوب بش الی بیل مجاور اولدی *
 کاب خزانه الفتی آخرنده مذکوردرکه امام همام و داع حجتی ادا ایتدکده کعبه نک قیو جیسنه نصف مالنی
 باغشلیوب کعبه نی اچدروب تنها ییچر و کیروب نماز باغشلیوب اولکی رکعتده صاغانی اوزره طوروب
 نصف اول قرآنی و ایکنی رکعتده صول ایانی اوزره طوروب نصف ثانی یی دخی اوقیوب تمام ایدوب
 سلام و بررکده (یارب ما عرفک حق المعرفة و ما عبدک حق العبادة فهب لی نقصان الخدمة بکال المعرفة)
 دیومستاجات ایتدکده دیوار ایچندن هاتندن (عرفت فاحسنت المعرفة و خدمت فاختصت الخدمة غفر لک
 و ان کان علی مذهلک الی قیام الساعة) دیورندای بشارت ادا ویدا اولدی مرویدرکه منصور خلیفه
 زمانده کوفه یه کلوب منصور اکانه ظیم ایدوب کمال خستله اون بیک الحقه ایلد بر جاریه باغشلیوب
 امام قبول ایتدی بعد زمان منصور لک ظلی سبیلده مقدمامذ کور اولان ابراهیم بن عبدالله بن حضرت حسن
 برادری محمد عسکر جمع ایکن ایچون مدینه دن کوفه یه کلدکده ابوحنیفه اکامعیندر دیوممنصور
 ایشیدوب امامی کوفه دن کتور دوب کندونک خلافتنه استعما فی خلقه اعلام ایچون بغداد قضاسیله
 قاضی القضااتک منصب بر تکلیف و جبر ایدوب حضرت امام ایسه غایبده متقی ولوث حب دنیان
 ننی اولقله قبول ایتمکین اغنوب حبس و خلقه فتوی و برمکدن منع ایتدی بر روایتده اونوز دکنک
 اوزر دوب مبارک ایاغندن فان اوب بعده اونوز بیک الحقه باغشلیوب قبول ایتدی * مرویدرکه زندانده
 حبس ایدوب هر کون اوزر دکنک اوزر بلوب اون برخی کون هجوم خلق خوفندن کتور دوب جبر ایلد
 ارقه سی اوسته یاتوردوب اغزنه زهر لو شربت دوکوب * بر روایتده زهر بدنه مرایت ایتمکیچون
 صوب دوکوب بعده نه حبسه ککوندر و ب زندانده مبارک یوزی بشل اولوب علامات
 موتی طویدقده مجده یه واروب هجرتک یوزالابسنده رجیده یا شعبان شریفده و یا نصف ثوالده
 یتش باشنده وفات ایتدی رحمه الله علیه * نمازنی تخمینا الی بیک مقداری کسه نه قیلوب کمال

مراجعه دن کوجله ایتدکده یه دلک نمازی اقام اولنوب ایتکندیدن صکره دفن اولندی بعده یکریمی کونه دلک
 قبری اوستنه جنازه سی نمازنی نیجه کسه لر کلوب قیلرلردی مرویدرکه دفن اولندی یی کیجه صلحان
 بری هاتندن یونی ایشندیکه (نظم) ذهب القبه فلاقه اکم * فاتقوا الله وکونوا خففا
 مات نه مان فن هذا الذی * یحیی اللیل اذا ما خففا (فائده) مرویدرکه اوقات متفرقه ده اولان چله
 شا کردلر یی دیوز اوتوز کسته ایدیلرکه هر بری فضل و صلاحده مشهور اولوب نیجه لری بعض ولایتله
 قاضی و مفتی اولوب بکارندن قرق نفر لک امامیسی یونلردکده ذکرا و انور زرا (عند ذکرا الصالحین تنزل الرحة)
 مفعول منجه یتناذر اولندی اولاکند و اوغلی امام حاد و سائر لدن ابو یوسف یه قوب و محمد وزفر
 و عافیه الازدی و احمد بن عمرو و حسن بن زیاد و وکیع بن الجراح و عبدالله بن المبارک و داود الطائفی و فضیل
 ابن عیاض و ابراهیم بن ادهم و شقیق البخنی و ابو مطیع البخنی و خلف بن ایوب و یحیی بن زکریا و قاسم بن
 معن و نوح بن مریم و نوح بن دراج و علی بن مسهر و عصام بن یوسف و عبد الکرم الجرجانی و یوسف بن خالد
 العسفی و مکی بن ابراهیم و محمد بن اقامه و محمد بن سلام و محمد بن الفضل و مقاتل بن سلیمان
 و فضل بن دکن و خارجة بن مصعب و مالک بن معقل و محمد بن المنیر و ولید بن سلیمان و ایض و مندل
 و حیان و متوکل بن عمران و ولید الازدی و یحیاه بن عمرو بن العاص ایدیلر (نظم) اولدی یونلر مقصدای
 اهل دین * رحمه الله علیم اجمعین (فصل ثالث در احوال مهدی بن منصور) امامی محمد لقبی مهدی
 کنیتی ابو عبدالله در یوز یکریمی یدیده یا ایتیده طو غیوب عالم و شعیب و شاعر باغ و ذکی و متواضع
 و جواد یی در یغ خوب صورت خوش سیرت محبوب القلوب مملوب العیوب ایدی * پدری حیاطده
 عجمه طبرستان وری ولایتله حاکم اولوب بعده بغداد کلوب شهر یی بکنمکین پدری یونکیچون بغداد
 قاروشونده نمر دجله نک او بر جایتده و صافه آدلر بر نمر یایدوب سلاطینه لازم اولان قدر خدم
 و حشم و انواع اسباب فحش و یروب مهدی انده ساکن اولدی (جلوس و بدایع و فایع در زمان خلافت او)
 مرویدرکه پدری حجه کیدوب یوزالای مکر ذی الحجه سی اوانده و یا آخرنده یولده وفات ایدوب خبری
 کلدکده مقدمای ولی عهد ایتش اولغین ذی الحجه او اوسطنده چله خاق خلافتنه بیعت ایتدیلر
 جمعه کونی خطبه ده (ان الله تعالی امرکم بامریداً فیه بنفسه و فی بلاءکمه قدومه و ناث بالمؤمنین حجه و انفسه)
 کلامنی آخرنده دلک یوایجاد ایتشدن غایت پالک اعتقاد اولغین بیچد اهل الحاد قتل ایتمکله زنداقه
 و ملاحدن نطهر بلاد ایدوب ابطال مذاهب اصحاب ضلال ایچون کابل تالیف ایتدردی (نظم)
 اهل احسان و جود و صاحب خیر * مائل عدل و داد و دافع ضیر * اولغین خلیفه اولدقده رد مظالم
 سابقه به شروع و اموال عظیمه یی تفریق مشروع ایتدی باب مضاده خاتم طایدن زیاده اولوب حسن
 ابن امام زین العابدین حضرت به بردقده قرق بیک فلوری باغشادی بغداد قاروشونده و صافه شهرنده
 بر جامع بنالیدوب و کعبه معظمه به مصر الایحه سندن و قطیندن اورنور قوب بعد الخلافة نیجه وارده ده
 مقدم اورنور سائر اوزر لری بنای شریفه ضرور بر عکیچون قالدروب و کعبه نک دیوار لری مسک و اعتبارله
 مطلا ایتدی * خلافتنک اولکی بیلنده یونک برینه پدر نک ولی عهدی اولان عزاده سی عیسی بن موسایی
 ابرام علیه ظله خلافت عهدندن فراغت ایتدروب مقابله شده یوزول عثمانی عدد نیجه الحقه و یروب و دخی
 عظیم کویلر باغشلیوب کندور برینه اوغلی و انک برینه موسی الهادی انک برینه براوغلی دخی هارون
 الرشید خلیفه اولغه تعیین و خلقدن بیعت و عهد الدی * خلافتنک ایکنی بیلنده حجه واروب او جیوزولک
 عثمانی عدد نیجه الحقه لری یوزالای بیک عدد قفنان و کوملک صدقه ایدوب و مسجد شریف حضرت رسولی
 علیه السلام توسیع ایدوب بعده در یادن کیم ایلد در تیوز سکسان عدد مهری در کار کوندر و ب بعضلری
 اطراف حرم کعبه ده دیکلوب اوزر لری نه عالی سقار با یلوب بعضلر مطاف شریفده اچق برده دیکلوب
 ارارینه دمور جیوز قوفوب اوزر لری نه صافی التوندن زنجیر اصوب اوچلر نه صر چه دن قندیلار
 قودیلر * تقبل الله تعالی حسناته و اعلی فی الجنة در جاته * یتنه یونک زمانده یوسنه هندستانده ایزد
 شهری جبر ایلد فتح اولندی هجرتک یوزاتش برنده عجمه مرو شهرنده امامی عطا اولان مقنع خراسانی

مذهب باطل تباخیه اوزره او این حضرت یاری نهالی ایچون حاشا حاشا ابتدا آدمه بعده نوحه بعده
تدریجه ابومسلم خراسانی به بعده حال بنم بدقه حلول ایتمه در دو کاه دعوی الزهیت کاه دعوی نبوت
ایدوب غایده ساحر ماهر اولمغین کول یوزنده برقدن دخی کو متروپ ایکی آیلن بولدن مسافر لره کورینوب
انواع مکر دن بعض غرائب دخی کو تر مکن خلقدن بجه جهله مغبونی ملعون کندویه مقنون ایتدی
ماوراءالنهر ده سنم آدلور قلعه یابوب انده ساکن اولدی سابقه عجمه مرو شهرنده بر جروجی و فیه الحال
اولوب بحرله ظهور ایتدکده غایده بدشکل و بر کوزی کور اولوب عینی ستر ایچون یوزینه التوندن
صورت بکچور مکن مقنع لقبه مشهور و معروف اولدی ایکی پیل صکره مهدی انک اوسته عسکر
کوندروب مقنع صیوب زهرلو شربت ایچوب هلاله اولدقده قلعه سنی مسلما نر فتح و ضبط ایدوب
توابعی قیروب وانک باشی کسوب حلب شهرنده مهدی به کوندردیلر * الشمس برده مهدی مکه ده خطیبی
تجدید ایدوب اعلامی مراهله مرخم ایتدردی و مکه بولنده قصر لرو برکله دخی حجاجه صوطور من ایچون
یولک حوضه یایدروب و جامع لره خلقا نماز قیلد قلمی مقصوده لری دخی بیقدر و یوسک
منبر لری یوزدروب حضرت رسول علیه السلام منبری کبی همانا و ج قد مدلولی ایدردی * الشمس
اوچده دیار رومده قتلر چوغالوب کفاردن وافر قلعه لرنندی * الشمس التیده مهدی بغداده کوچوب
مکه و مدینه و یمن و لایترندن اولاق کلمکیچون یولرده قاتلر و دودلر بساندردی و امداد ایتدردی
و زنادقه و ملا حده طائفه لرینک قتلنه کلی سعی ایدوب نیجه لری قتل و عالمی بولندن پالک ایتدی
حتی اشعار عربیه بیلدیه ده مشهور دنیا اولوب والده سندن کوز سز طوغان بشار بن برد آدلور طغسان یاشنده
یری و صالح بن عبدالقدوس آدلور شاعر ماهر صالح و یری الحاد اسناد اولمغین قتل ایتدردی * کعبه
سابقدن حرمت اورناتنده اولوب بر جایتنه قریب اولمغین چاق اورناتنه کلسون و حریم شریفی دخی کالی
وامع اولسون دیوالتشیدی سنده حرمت اطرافدن بعضی اولر صاقون آلوب بیقوب حریمه قاندردی
وقدس شریف مسجدی اولان مسجد اقصای مبارکی دخی زمان خلافتنده بنای ایتدردی بونک زماننده
وفات ایدن اشراف علما بولندر که ذکر اولنور * مالک بن معول البلخی که بر کسته کانتق الله دیدکده یکاغنی
طوب پراغه قیروب جان و یری * امام شعبه که سلطان المحدثین ایدی و امام سفیان ثوری مجتهد و ابراهیم
ابن ادهم بلخی که سلطان العارفیندرو ابن ابی ذویب و داود الطائی که شاکرد امام اعظم ایدی و حماد بن سلمه
و ابراهیم بن طهمان و خلیل بن احمد استاد سیوی و دخی نیجه لرایدی (وفات) یوزالتش طغوزسته سنده
محرم الحرامک او انرنده شکارده بر جانور قوار ایکن آتی سکر دوب الجاق قیولی بر خرابیه کیرمک اوزره
ایکن خرابیه قیوسنک یوقاروسی ارفاسته طوقنوب از مکن یاخود بیقلغین وفات ایتدی * بعضلر قولنجه
جاریه لرندن بریسی بولداشتی حصدان زهر لکچون حلوایه زهر قاقوب مهدی دخی بیلیوب بیکین وفات
ایتدی و مدت عمری قرق اوج پیل و مدت خلافتی اون بر پیل و بر ییجی آوی یاخود اون پیل و برای اولوب
اون بر اولادی و ارایدی (فصل رابع در احوال هادی بن محمد المهدی) اسمی موسی لقبی هادی اولوب
یوز قرقمیدیه پدیری شهرنده حاکم ایکن طوغدی آق بکزلو بلند قامت جسم کسنه اولوب اوست
دودانی بومری و قورلمش یوقارویه مائله اولوب قصد ایتمیجه دوداقلری بری برینه قاورمزدی
(جلوس و اوصاف و بعض وقایع در زمان خلافت او) مرویدر که بر جان شهرنده حاکم ایکن پدرینک
وقای خبری کادکده بغداده اولاق ایله کلوب عهد سابق اوزره خلیفه اولدی بوندن اول مولد اسلامیه ده
اولاقله حرکت واقع اولدی منی و فصیح و عاقل و مهیب و عالم و متکلم لکن احیاناً مسکرات ایچون
مروطر به مثل و سکه و عالم ایدی ذهی بورغه حار لره یوب آتدکده او کعبه بالین قلیج لرو جدا لرواق
وای ایله یاده لری یور یوب بوضع بونک ایجادی اولوب زماننده ملاح غایت چوغالیدی مهرینک نقشی
الله شمه موسی و به یوسن ایدی پدیری و صیتیه زنادقه و ملا حده یی ارادوب بولدوغنی قتل ایتدردی *
مرویدر که خلیفه اولدقده مدینه ده حضرت حسین بن امام زین العابدین دعوی خلافت
ایدوب مکن دخی ضبط ایدوب مجده اولان آل عباس طائفه سی انکله جنک ایدوب انک و تواندن

وافر کسنه نک باشلرین کسوب هادی به کتور دکارنده انجنوب وظیفه لرین کسیدی زیر امر نور حسین
هر کالده نوادر دینادن اولوب حتی مقدمه مهدی به یواشوب مهدی دخی کافرق بیک فلوری باغشایوب
اودن حددن بیرون منی و کریم اولمغین جله سن بغداد شهرنده تصدیق ایدوب مدینه به کتدکده ارفاسته
کومایکی یوغیدی (وفات) هادی نک کیفیت وفاتده اولان اقوال بودر که قاری ایچنده بر چبان چیقوب
اندن وفات ایتدی یاخود مصاحبانندن بری لطیفه ایله قاش اورمانی ایچمه آتوب صاحب دخی هادی
یاشوب بیله دوشدکارنده بر سکن قاش موسانک دبرنه کیروب ضیلا توب ایکسی دخی هلاک اولدیلر
یاخود خلافتی اون یاشنده اولان اوغله تعین ایتمکیچون کندو برادری هارونی قتل ایتمک تدارکنده
اولمغین ایکس نک دخی والده سی اولان خیزران خاقون هادی به انجنوب زهر یزدردی یاخود مزبور خاقون
جمع امور سلطنته حکم قارشوب سرانی پیوسته اکبر و اعیان واروب واسطه ایله عرض حاجات ایدردی
هادی بو خصوصه انجنوب ملازمت ایدنلری منع ایدوب والده سنده دخی قاقیوب اگر سنک قپوکه
بر دولتلودن کورسه انک بوننی اورم اکیره جنک ایماکن او قویه جتی مصفک چوبه جنک تبیجک یوقیدر
دیدکده زیاده سیله انجنوب خاقون اوغلی یاتدن غایت غضبه قالدوب کیدوب بعده هادی والده سنده
زهر لو طعمام کوندروب اودن شیهه لوب بر کابه یذروب کابک اتلری دوکوب خاقون دخی زیاده کین
باغلدی اول اثنا ده هادی بر مقدار اسمیه طوقنوب یاتدقده والده سی جاریه لره کلوب یوزینی قالیجه ایله
اورنوب و اطرافنه باصدق لرنده نفسی طوقنوب علی کل حال یوزیتش و بیع الا لنده جمعه کعبه سی
وفات ایتدی هادی نقر اوغلی قلوب اول کعبه برادری اولان هارونک اوغلی عبدالله المأمون طوغدی
هادینک مدت عمری به کرمی القی پیل ایدی مدت خلافتی ابیه همان بر پیل اوج آوی ایدی
(فصل خامس در احوال هارون الرشید بن محمد المهدی) اسمی هارون لقبی رشید کنیتی ابو جعفر
اولوب یوز قرق سکزده پدیری ری شهرنده حاکم ایکن طوغوب موسی الهادی ایله ایکس نک والده سی
خیزران آدلوم ولد جاریه در لکن غایده عالمه و عاقله و شاعره کامله بر جاریه در اون بش یاشنده
ایکن پدیری اکاروم کافر لینه غزا ایتدردی برادری وفاتده پدیری عهدی اوزره خلیفه اولوب ییجی
بن خالد بن برمکی وزیر و جمیع امور بن دخی اسکا تقویض ایتدی (فائده در حلیه و مناقب او)
مرویدر که رشید آق بکزلو کوزل یوزلو بلند قامت بسیم ووسیم واهل جسامت ایدی هر کون و هر کعبه
یوزر کعت نماز قیلوب و هر کون سکند و مانندن بیکر یا یوزیمک اجنه تصدیق ایدر ایدی (محرره)
عز کوته امل دراز درر * مکت انسان جهانده آذرر * صرف ایت اوقانکی مهماته * تاکه
دوشیمه سن نداماته (نثر) موهومجه اکثر بار پیل ج و بر پیل غزا ایدوب جله طقوزج سکز غزا ایدوب
برکره مدینه دن مکبه پیاده یوزیدی (محرره) عقلی کامل عدلی شامل فضلی باهر جودی
وافر رأی صایب فکری ناقب قوی راسخ ظلی ناصح عهدی ثابت فرعی ثابت شری دافع
خلقه نافع شرعی راعی خیره ساعی شاه عالی جاه ایدی (نثر) والحاصل جمیع اوصاف جمیده
واخلاق پسندیده ده بی همتا و اجل مولد دنیا اولوب حسنا جاریه لری اولوب انلایه عیش و عشرتی و علما
و شعرا و ظرفا و ندما ایله صحبتی و بدایع امور مملکتی و نیجه اوصاف و متعینی کاب مستقل اولغه و قنادر
جود و ضاده لطف و عطاده حاتم طیدن زیاده اولمغین عطای کتری کدای احقری مقبول و غنی و ابواب
ارباب دولتن مستغنی ایدوب دفعه نیجه بولت اجنه احسانه جزق به سانه ارادری * کتب محضرا تده
و حکایات سلاطین عالی در جاتده بونک و سلطان محمود غزنوینک سائر سلاطین متقدمین و متأخریندن
زیاده هر نوع دن بیرونی و بی شمار مناقب و حکایاتی وارد * اوائل سلطنتنده عیش و نوشه مائل و ظرفا و ندما ایله
خصوصاً یوزیری اولان جعفر برمکی ایله صحبت مشغول اولوب بعده صلاحه توجه ایدوب کاهلرین
آکدجه اغلردی و نارتوبه و ندما تله جکرین داغلردی علما و مشایخی غایت رعایت ایدوب فضیل
بن عباس و واعظ کامل ابن مالک و بولول دانا و دخی نیجه لرایه واقع اولان مکالمات و معاملات تفصیل عظیمه
شناجر در نصایح ککامایینی وای و حقوق اهل اسلامی راعی و اجراء شرع طهره مجد و سالی ایدی

عظماء علمادین را عیای ضیافت ابتدا کده الله ابریه صود و کوب خیر دعاسن الوب و ابن المبارک حضرت تری
 وفات ابتدا کده کمال حزن و غم ایله اوج کون عزایه ارتور و ب خلق کلوب تعزیت ایدر لردی * اکثر یاه شایخ
 زیارتیه یاده واروب یا نلرنده او تور و ب اغلردی و محب علم و علما و لایق او غلر یله مدینه ده امام مالکک اوینه
 واروب حدیث شریف او قودیلر * و دخی وزیرامی علم و صفا و ذکا و شهر و معارف و انشاده نوادر دنیا بلکه
 بی مثل و بی همتا اولان یحیی بن خالد بن برمک بعده فضل بن یحیی المزبور بعده جعفر بن یحیی المزبور و ممتی
 و قاضی القضاة امام ابو یوسف و وفات ابتدا کده امام محمد و استادی مقوله می صاحبی اصمعی و شاعری
 مروان بن ابی حفصه و ندیمی عباس بن محمد و حاجی فضل بن الریج و خواننده می ابراهیم الموصلی و خاتونی
 دخی عیسی قیزی زبیده اولوب بومقوله کاملر جمعیتی اندن مقدم و صکره کانلردن دیناده بر پادشاهه
 میسر اولدی دیمشدر (فائده) رشیدک اون ایکی اولادی وارایدی اوچی بری بری اردنجه خلیفه
 اولدی که امین و مأمون و معتصم ایدیلر * فتوحات مکیده رشیدک احمد سبکی آدلو بر صالح و مفلح اوغلی
 اولوب زماننده قطب اولمشدی * بعض معتبرانده اولان تفصیلات اجمالی بودر که رشید بر حامله
 جاریه سنی خاتونی زبیده خوفندن بر غیری شهره کوندر و ب او غلر طوغرسه بوخانی اکا و برهنه دیو
 جاریه نیجه ییک فلوری دکر بر ذی قیمت یوزک و بروب جاریه طوغر و ب رشید ایشیدوب ادنی احمد قویوب
 اوغلان ییو کده خاقی آل و بالله منه و داع ایدوب ترک دنیا و عبادت خدا ایتکه کیچون دیار غریبه کیدوب
 قزوین و همد و قناعت اوزره عبادتله بکتوب بعد زمان موتی قریب اولد قده صلحان برهنه اول یوزک و بروب
 بونی خلیفه زمان اولان هارون الرشیده و بروب بنم اشو حال اوزره و فغانی دخی دیه سن دیو ب وصیت
 ایدنی اول کسینه دخی بونی رشیدک اوغلی ایدو کتی بیلموب بقداده کلوب خاقی و بر دکده رشید کور و ب
 یلوب خبرالده و او بنم اوغلدر دیو زار از اغلیوب خاقی او کسینه به و دخی نیجه بعض نسنلر باغشایوب
 رشید حزن شدیدده قالدی (وقایع و بدایع در زمان خلافت او) یوزنمش الی سنه سنده یحیی بن عبدالله
 ابن حسن بن امام حسین ولایت دینده دعوی خلافت ایدوب شو کتی ارتوب رشیدانک اوزرینه فضل
 ابن یحیی البرمکی عظیم عسکرالیه کوندر و ب مصالحه ابتدا کارنده یحیی ککند و اختیارله کلوب رشیده
 بولشوب او دخی زیاده سینه اولو رعایت ایدوب بعده حبس ایدوب انده وفات ایدنی * و دخی سکسان برده
 زینتی یاتنده صفصاف دید کاری سکون بچک فله می فتح اولندی * سکسان ایدیکده روم کافر لری پادشاهلری
 قسطنطینک کوزینه قیزمش میل بکوب والده می هیلانه بی برهنه پادشاه ایتدیلر سکسان اوچده
 ولایت چین اتراک که طائفه خزر دیمکه مسی لردر ارمینیه شهرینه کلوب یوز یکدن زیاده مسلمان
 قتل و اسیر ایتدیلر ظهور دین اسلام دنیو بوبله بر قسطنطنیه عظیمه واقع اولما مشدی * سکسان یدیده تفصیله
 محتاج بر خصوص چون رشید وزیر و ندیمی و محبوبی منزله سنده اولان یارقدیمی جعفر برمکی بی چله
 زاده یله قتل ایدوب سیرایلرین ییقبوب برهنه مهمل بن هارون نام کسینه بی وزیر ایدوب جعفرکجه مالان
 اکا باغشندی و عمالک اسلامیه ده اولان سائر برامککجه چله ماللرین آل و ب خاتمانلرین ویران ایتدروب
 جعفرک برادری فضلی و پدیری یحیی بی رقه شهرنده حبس ایدوب یحیی انده وفات ایدنی وفات ایدوکی بیل
 رشید دخی وفات ایدنی * ینه سکسان یدیده کفار روم هیلانه بی دخی عزل ایدوب عر بلریه و ریدید کاری
 تکفوری پادشاه ایتدیلرینه بوبیل مزبور تکه و رومسلمانلرله اولان صلح قدیمی یوزوب بومضمونله بکتوب یازوب
 * من تقویر ملک الروم الی هارون فلان العرب اما بعد فان الملکه الی کانت قبلی اقامتک مقام الخ و اقامت
 نسبا مقام البیذخ غلنت الیک من اموالها احوالا و فلان انصف النساء و معهن فاذا قرأت کتابی فاردما
 صل قبلت من اموالها و الا فالسيف یبشوا و یبک و دیو بکتوب کوندر و ب رشید دخی انی او قود قده غایت
 غضبه کلوب مصالحی خوفنلردن طاعلوب وزیر جواب و تدارکده حیران قلوب تحیرده اولد قده هارون
 فی اسرار مکتوب آردنه (بسم الله الرحمن الرحیم من هارون امیر المؤمنین الی ینه و رکاب الروم و قرات کتابک
 یا ابن الکافر و الجواب ما تراه لا تمسعه) دیو ب یازوب کوندر و ب کمال غضبندن هارون او کون عسکرالیه
 سفره حقیقه و رفته شهرنه واروب کفار رومله عظیم جنگ اولوب رشید غالب و منصور اولد قده تکه و ر کور دل

مهور هر ییل کالی خراج و یرمک اوزره صلح اولوب رشید دونوب تختگاهنه کادی و دخی سکسان
 طقوزده کفار روم و لا یلرنده اولان چله مسلمان اسیرلر ینک بهالرین آل و ب آزاد ایتدیلر یوز طقسانه رشید
 هر قله شهرنی بالذات فتح ایدوب ولایت رومه عسکر فی نشر ایدوب بعض سردارلری صفالیه و قلقوینه
 شهرنی فتح ایدوب جزیره قبرس و لایتی دخی مسلمانلر یاقوب بیقوب اولن الی ینک کافر اسیر ایتدیلر *
 هر ویدر که قدیمدن تختگاه سلاطین کفار روم اولغین قسطنطینیه شهرندن ییولک اولان عوریه دید کاری
 انکورلی شهرنی رشید بالذات فتح ایدوب شهرنی یاقوب خلعفی اسیر ایدنی زمان خلافتنده فتوحات
 چو غلغین بوب کال خراج و یرمک کافر ولایتی قالدی و مکه یولنده و ادنه و طرطوس و مصیصه و مرعش
 بولارنده برکه و خانلر ایدوب خاتونی زبیده مکه مکرمه شهرینه ایکی اوج قوناقدن برالتندن مرمر کبی
 محکم طمانلر کسدر و ب اتملر قازدروب اقرار صوکتور مکچون نیجه کره یوز ییک فلور یلر خرج
 ایدوب عرفاته کلد کده زبیده وفات ایتکین نا تمام قالدی * دور آ دمدنبر و هیچ بر فرده او مقوله
 اثر عظیم میسر اولما مشدر و بعده نخر سلاطین آل عثمان سلطان سلیمان خان علیه الرحمة و الغفران کریمه می
 مهر و ماه سلطان پدیری معا و قله آ فی تکمیل ایدوب نیجه یوز ییک فلوری دخی خرج ایدوب مکه
 شهرینه برالتندن اقرار صوکلدی (فائده) رشیدک زماننده وفات ایدن کبار علما و غیری بولردر که
 ذکر اولنورده امام مالک در مدینه و امام اثب بن سعد در مصر و امام ابو یوسف و قاسم بن خالد استاد امام
 شافعی و نوح بن مریم الجامع و ابو عوانه الیشکری و امام حاد بن امام اعظم و ابراهیم بن سعد الزهری
 و ابو اسحاق البزاری و ابراهیم بن ابی یحیی استاد شافعی و احمد الکوفی و سلیم المقری و امام سیبویه که امی
 عرب و بن عثمان بن قنبر در او تویز یا شنده ایدنی و امام عبدالله بن المبارک و امام کسائی و امام محمد بوانیکسی
 بر کونده عجمده ری شهرنده وفات ایدوب رشید غمناک اولوب * دقت العلم فی الی یا خود * دقت الفقه
 و الخوف فی الی * دیدنی امام محمد مفتی و قاضی القضاة کسائی اوغلی خواجه می ایدنی و علی بن مسهر
 و غنیمار و حضرت فضیل بن عیاض و ابن السعالم الواعظ و مروان الشاعر و حضرت امام موسی السکاظم
 و موسی بن ریمه الزلی و یونس النحوی و عباس بن احنف الشاعر و دخی نیجه (وفات) هر ویدر که
 یوز طقسان اوچده رشید ولایت خراسان احوال کورده که یا خود غزا ایتکه کیدوب طوس شهرینه
 خسته کیدوب بر واقعه کور مکین قبرنی قازدروب کند و می محقه ایله اوزرینه واروب ایچنده برکه
 ختم قرآن عظیم الشان او قیوب بعده اکافیبوب جیادی الاخره ده یا اولی ده فرق بش یا شنده
 با فرق یدی یا شنده وفات ایدنی غازی اوغلی صالح قیلوب مدت خلافتی بکری اوج بیل و ایکی یحیی آی ایدنی
 (تخلیفات) تاریخ الخلفاء ده مذکور در که بعد الوفاات خزینه سنده ییک کره یوز ییک عدد فلوری بولندیکه
 عثمانی عدد نیجه بکری یکی بر یو کدن بش ییک یولک فلوری عددی قدر اولور که آل عثمانه مصر دن کلان
 خزینه حسابا نیجه ایک یوز ییلان مجر خزینه می قدر اولوب بهالری برا و قدر دخی جواهر و قاش و تحف
 و طوار و انواع اسباب و متاع و ارایدی (نظم) نعمت دنیا سراسر خورده کیر * هر عما شا کونکردی
 کرده کیر * ملک دنیا چون فاند پایدار * مشرق و مغرب بدست آورده کیر * (فصل سادس در احوال
 امین بن هارون الرشید) امی محمد لقی امین ایدنی والده می زبیده خاتونک خاطر ییچون پدیری بونی چله
 اولادندن مقدم خلیفه اولتی ایچون ولی عهد اید تمکین و فانی خبری کلد کده خلافته ییعت اولندی آق بکزلو
 غایتده خوب صورت باند قامت و اهل معرفت عالم و فصیح و شاعر ماهر و معنی و غایت بهادر اولوب
 یومروغیله برارسلان قتل ایدنی لکن می انتدیر و مصرف اهل تیزیرو غایت جوان دوست و اهل عشرت
 اولغین داغما صحبت ایله اولوب تدبیر امور سلطنتده اهمالی نهایتده ایدنی حتی خلافتنک ایکتی کونی کوی
 و چوکان او ینامغه خلفا سیراینده بر میدان یاپدردی بعد زمان ککندویه نصیحت اولند قده (نظم)
 خل الملوک بسطوا بالسيف والسلاح * انی رضیت فیم بالراخ والملاح * دیو جواب و یردی چله ممالکده
 برادری مأمون ایله ایکسی خطبه ده معایاد اولنوردی کمال مختصا سندن ادنا بهانه ایله نیجه ییک فلور یلر
 باغشالغین خزینه به ضرف و قلات کتوردی یوز طقسان درنده امین کندودن کو چک برادری قاضی

پدری زمانند نه و تصرف اولاد بی ولایت جزیره حاکم کنند عزل است که ولایت خراسان حاکمی اولان
 برادر می مأمون امینه محکم انجندی (قصه شهادت) طقسان بنده مأمونک نامی خطبه لردن اسطاط
 واک برینه کند و نک بش باشد موی آدلو اوغانی یاد ایدوب لقبی ناطق بالحق قویوب مقدم ایدوب
 هارون کند و برینه خلافتی محمد امینه انک برینی عبدالله مأمونه واک برینی قاسم مؤتقه تعیین ایدوب
 عهد نامه یازدروب کعبه نک ایچنه أصدر مش ایدی امین موسایی مأمونه تقدیم ایچون خبر کوندروب
 مأمون راغنی اولد و نه امین عهد نامه بی مکدن کوندروب باره ایدوب کوندروب موسایه تعیین است که
 مأمون دخی انجیروب مأمون طرفندن عهده ری حاکمی طاهر بن حسین خانی مأمونه بیعت
 ایدوب طقسان بنده امین علی بن عیسی بن هارونی همدان و نهاوند و قاصه هان و سایر بلاد چایانه
 حاکم ایدوب کال زینت و شوکت و قریه نک نفره عسکر ایدوب مأمون اوزر بنه کوندروب مأمون دخی طاهری
 همدان درت یکن مقداری کسینه ایدوب کوندروب طاهر غالب و ظاهر اولوب علینک عسکرینی صیوب
 علی بی بوغازل و ب باشی خراسانه کوندروب عسکرک انهم زمانی امینه خبر و بر دکلرند بالقی اوله مق اوزره
 اولوب قولی فلان اوغلان ایکی بالقی طوئدی بن بردخی طوئدم دیوب بعده مأمونی خلع ایدوب کسینه
 نادم اولدی (محرره) شوکه حازمدرایشه عازمدری رأی و تدبیرا کالازمدری عاقبت فکری کرک آدمده
 تا خطا ایلیم برده * مرویدر که اهل بغداد مأموندن عظیم خوف ایدوب حرمینده و مالک عراق
 و غیره مأمونه بیعت اولوب طقسان بدیده طاهر ظاهر عسکر وافر ایدوب بغداده کاوب امینی اون بش
 آی محاصره ایدوب شهره منجینه قلعه طاهر اندروب محسود ارم ذات العماد اولان شهر بغدادک
 بعض بنامی منهدم و حسن و بهای منعدم اولدی * امین صاحب سم و بوحالده عشرت و لعب واهوایمکن
 امرای حیران و اهل شهر سرگردان اولوب خزینه پوشاقوب وزیرقان قشایوب مدت محاصره ده
 تفصیل عظیمه به محتاج غرائب امور صدور و ظهور ایدوب اکثر عیاسیان مأمون عسکر بنه
 قارشوب طقسان سکر اولنده طاهر جبر و قهر ایدوب شهره کیروب امین و والده بی و توایی سر ایدن
 مدینه منصوره چیقوب جمع عسکری و خدمتکارلری طاعلوب ذخیره بی دخی دوکوب بعده طوئلوب
 حبس اولوب بر کعبه طائفه عجمدن رفاق آدم کوندروب امینی قلمبه چاوب بعده کسینه سندن
 بوغازل و ب باشی بغداد قلعه سنده آصوب بعده طاهر مأمونه کوندروب مأمون انی کور دکه
 نیچون قتل ایدوب کوندری طوئوب نیچون بکا کوندرم یکن دیو طاهره انجندی وانی رد ایدوب خور و حقیر
 و ذلیل وفات ایدوب (منفرقات) مرویدر که یوم اتینده یوز طقسان سکر مندره بکری یدی
 یا بکری سکر یا سنده ایکن شهید اولدی و مدت خلافتی درت بیل طغوز آی ایدی عامل عالم کامل اولوب
 اشعار باقیه دیمکده زیاده اکل ملوک عباسیه ایدی محاصره ده کند و دن امیددی که کده پوشوری دیدی
 (نظم) یا نفس قد حق الحذر * ابن المظفر من القدر * کل امرئ بما یخاف * و یرتجیه علی خطر *
 من یرتشف من الزمان * یفص یوما بالکدر (نثر) امام احمد بن حنبلدن مرویدر که بخالدیرمه که الله تعالی
 امینک کادری بن عفو ایدوب زمره علمادن اغوای شیطان ایدو مخلوقیت قرآنه ذاهب اولان اسمعیل بن علی به
 برکون کوب سلام و بر دکه امین اکبره ولد زنا قرآن مخلوق در برایش سن دیو عرضن بقدی دیدی و امیندن
 فانی انضانی امام اسمعیل بن حماد بن امام اعظم بعده محمد بن جماعه ایدی و زمان خلافتنده وفات ایدن
 مشاهیر علما و غیره یلدر که ذکر اولور * منذر و شقی بلخی که ابراهیم بن دهک مرید مقبول ایدی و ابو معاویه
 الضری که کار علمادن ایدی و عبدالله بن کثیر که قرا سبعة دن بریدر و ابونواس الشاعر و عبدالله بن وهب
 شاکر د امام مالک و ورش المقری و * کعب بن الجراح شاکر د امام اعظم و دخی غیر یلایدی (فصل سابع)
 در احوال مأمون بن هارون (الرشید) * امینی عبدالله لقبی مأمون اولوب والده بی ام و تدبیر ایدی یوز سکان
 ربیع الاولنده پدری خلیفه اولد بی کعبه طوغدی (فائده در حلیه و مناسبات) مرویدر که اورنه
 یوز یوزوب صورت صاری شین ایری کوزل و اوزون و سیرل صفا لوطا و ارنل و اولوب یکا غنده بک و ارایدی
 بدی آفایکن بقدره الله تعالی ایکی ابانینک طوئدی زعفران موراش کبی صاری ایدی تازه لکنده

علوم حدیث و فقه و امت و نحو و توار یخ و اشعار عربیه و ماهر اولوب بتون قرآنی حفظ ایدوب بیود کده
 علوم فلاحه و حکایه چالشوب ایدوب دخی زیاده مادر اولد و نه بر مر تبیه واردیکه قرآن مخلوق در دیو اعتقاد
 فاسد ایدوب خصوصاً شیعه بنده مذهبن اختیارا بتکین عظماء علماء اهل سنته زیاده عظیم جفا و اهانت
 ایتند و برینه لری اولسه علم و حلم و عزم و جزم عدل و عقل و فضل و بذله و مهابت
 و نجابت و فصاحت و سخاوت و ذکا و تدبیر بر اصابنده افضل خلفاء آل عباس بلکه اکل ملوک طوایت
 نام دیک جائز ایدی * و خلفاء عباسیه نک فاتحه بی سفا و واسطه بی مأمون خاتمه بی مقتصد بالله ایدی
 دیشلر کال حلم و تواضع و عفو و بی بدل و مقوله بی شرب مثل ایدی مهرینک نقشی دخی * عبدالله
 ابن عبدالله ایدی احد کوفی شکایتچی دکه ملک ایچون دیوانه چیهوب عالی کوفی علما ایدو مباحثه مسائل
 فقهیه ایدوب بر برام کوفی ساطنده اوچوز در لوط مام موجود اولوب هر برینک منافع و مضار برینان
 ایدوب کثرت علم و قوت احاطه سنه خاق عالم حیران قالدیلر حسن تدبیر ایدوب عمالات عالمی ضبط و تحسین
 سلطنتی قوت و شوکت یولوب مغربده افر بقیه شهرندن اقصادی عمالات خراسانه و ماوراءالنهر و دیار سنده دکه
 حکمی جاری و امری ساری ایدی علم بنجومده ماهر و غایت آکا مائل اولوب اسکا مئی کماله ضبط ایچون
 رصد دخی یلدری (بدایع وقایع در زمان خلافت او) یوز طقسان سکرده برادر ی قتلک خبری کلد کده
 مروینر نه بیعت اولوب بغداده کلد کده حسن بن سہلی عراقی و فارس و حجاز و یمن ولایتلر بنه حاکم
 ایتدی مأمون زمانده ابوطیاطب محمد بن ابراهیم بن اسمعیل بن ابراهیم بن حضرت امام حسن کوفه ده
 ظهور و قوت و شوکت یولوب بعده وفات ایدوب ایکیوزده ابراهیم بن موسی بن جعفر العلوی ظهور ایدوب
 ولایت جزیره مستولی اولوب وافر کسینه قتل ایدوب و نیچه لری دخی امیر ایتدی کیچون جزایر یعنی قصاب
 دیوایب قودیلر اشبوسنه مبارکه مأمون جلہ آل عباس طائفه سنی صایدروب یا خود جمع ایدوب ارکان
 و دیشی اوزوز اوج یکن نفس اولدیلر * کیوز برده طائفه نیچو سندن مزدک لعین دخی اوزره بایک خرمی نام
 کافر آذربایجانده ظهور و خروج و ذروره کدر و فساد و خروج ایدوب طائفه دیلدن اوچوز یکن کسینه
 جمع ایدوب یکر می یله دکه عالمه کروب معتمد بالله خلافتنده قتل اولندی * بنه یولیده مأمون برادر ی
 قاسم المؤتقی ولایت عهددن اخراج و اون ایکی اماملری تنعص و ایچلرندن علی الرضایی ولی عهد ایدوب
 حتی سکه و خطبه ده شریک ایدوب جمیع ولایتلر بومعه عهده امرلر کوندروب عادت قدیمه آل عباس اولان
 سیاه صافغنی ترک ایدوب بشل صارنوب خلقه دخی امر ایتد کده جمیع آل عباس مأمونه انجیروب عیسی
 اولان منصور بن المهدی به بیعت ایدوب بعده منصور خلافتندن عاجز اولوب بن مأمونک خلیفه سیم دید کده
 خلق یونی دخی براغوب ایکیوز ایکی محرمنده یونک برادر ی ابراهیم بن المهدی به بیعت ایدوب ایتدی مبارک
 قودیلر غایتده سیاه کسینه ایدی غالباً والده بی سیاه عرب جار به می ایدی مأمون انکله چنکه عسکر
 کوندروب تفصیله محتاج نیچه محارباتند نصره مأمون عراق عجم ولایتلر بنه کیدوب مرخص شهرناه
 وزیر ی فضل بن سہلی حاکم ایچنده غسل ایدرکن اوزر بنه درت کسینه او شوب قتل ایدوب فرار ایتدیلر ایکن
 مأمون انلری یولوب قصاص ایتدی * سنه مزبورده مأمون توران بنت حسن بن سہلی نکاحلنوب جمع
 اولوب کند و فیزی دخی حضرت امام رضایه نکاح ایدوب ایکیوز اوچده امام رضا طوسده بخا و وفات
 ایدوب مأمون اهل بغداده مکتوب ایدو اعلام ایتد کده ایکی ییلدن برویعت ایتد کری ابراهیمی خلع ایدوب
 ابراهیم دخی کیزلندی * اشبوسنه ده خراسانده یمنش کونه دکه عظیم زلزله اولوب نیچه کسینه ل هلاک ایدوب
 نیچه شهرلر یقلدی * ایکیوز درنده مأمون بغداده کاوب آل عباس ابراملر یله بنه میا هار کیدی ایکیوز
 اوند ابراهیمی یولوب حبس ایدوب بعده عفو ایتدی * اشبوسنه ده مأمون ما بتامنکو و حه می اولان تورانله
 جمع اولوب عظیم دوکون ایدوب تورانک پدرینک والده بی مأمونک او سنه قندقدن بیولک یکن دانه شاهانه
 لواوی ایدو ایشار ایدوب قاین اناسی اولان حسن بن سہلی دخی کویلر آدنی کاغذله یازوب کویکونک او سنه
 صاحب هر کاغذ الان بر دکه مالک اولدی * ولیدله زرافره قرق بطمان بر عظیم شمع کافوری یا قندیلر قیزک
 چهارزی ایسه حدود و دن تجا و زو کاب مربع الحساب انی بیاندن عاجز ایدی * مأمون شیعی اولغین ایکیوز

او برده برانند از من ذی کرم و عبادیه بحیر و افضل خلق بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم علی
 ابن ابی طالب و دیو عالم که ندا ایتدردی اون ایکنده قرآن مخلوق درو علی ابو بکر دت و عردن افضل در
 دیو ندا ایتدرد کده جله خلق انجنوب شهرده قننه ظهوری خوفندن بومعنائی اظهاردن فراغت ایتدی
 و اون بشده رومه عزایه واروب ایکی قلعه الوب صکره شامه واروب اون التیده رومدن بعضی قلعه رودخی
 آلوب ینه شامه بعد مصره واروب فتح و ضبط ایدوب خلفای عباسیه بدن مصره ایتدو وار مشدر مصرده
 مشهور دنیا اولان اهرام نام عظیم بنالولک بر بنی یقموق دیلیوب بمکن دکدر دیو خلق منع ایده میوب
 مال عظیم صرف ایدوب هزار رحمت و دقت و مستقره بر جزو بیجه بر جکر بن بیقوب ایکنده حاله صرف اوامان
 قدر التون ایل زمان قدیمه یازمش بر لوح بولوب او قومناغین امید بن کسوب فراغت ایدوب ولایت مصرده
 منف شهرنده اولان غیر بنل مقیاسی اسکی مصر فارشوسنده چیزه یقاسندن نمیدکی مکاشه نقل ایتدروب
 اون یدیده ینه شامه واردی (قننه عظیمه) ایکیوز اون سکرده قرآن عظیم مخلوق دردیکی مسلمانله تکلیف
 ایدوب بغدادده قائم مقام قودینی اسحاق بن ابراهیمه علمای جمع ایدوب بواعتقادده جله سنی جبر ایل دیو خبر
 کوندروب امور کثیره ظهورند نصکره اکثر علما قتل خوفندن ظاهر ارضا کوستروب لکن احمد بن حنبل ایل
 بعض علماء کن ظاهر و باطننا ثابت قدم اولغین قیدوبند ایله مأمونه کوندربلوب قبل الوصول
 بحکمة الله و بحجزة القرآن مأمون وفات ایتدی (فائده) اولامه معلوم اوله که علماء اهل سنت قرآن مخلوق
 دکدر دید کوری قرآنک معنای اولان کلام الله در یوشمه مصحف شریفک کتاب اولنن حروف و کلماتی
 و قرائت اولنن انفاط و اصرافی جله مخلوق ایدوکنه جمیع علماء آفاق انصاف ایتمشدر بر یخصوص کلی
 تفصیله محتاج اولوب عقائد کابرنده بیان اولمشدر و نایه قرآن مخلوق دردیکن اگر چه مأمون زماننده
 شایع اولدی لکن ابتدا ملول بنی امیه نک آخری اولان مروان حمارک استادی جعد بن درهم و جعدک
 شاکردی جهنم بن صفوان نام مله و نلردن صدور ایتدی که جعد ابان بن جعدانند اودخی طالوندن اودخی
 رئیس لید بن اعصم وودیدن اخذ ایتدی لید عنید نوران شریفه مخلوق دردیوب حضرت رسوله دخی
 صحرا ایتدی واسطه بکی خالد بن عبدالله جعدی قتل ایدوب جهنم دخی قتل اولمشدر امام اعظم حضرت تلمی
 جهنمه عظیم مجتهد ایدوب جهنم کافر در دینسدر (متفرقات) مرویدر که علوم و فلسفه و حکمای یونانی
 جریه قیرسدن ابتدا اکثر دوب عربی به ترجمه ایدرین مأمون درو کعبه معظمه نک اورنوشنی ابتدا آف اطلسدن
 ایدن بودر ناصر بالله زماننده آف اورنیلو اولدی اراقدده بر کره سلطان محمود بن بکتکن صاری اطلس
 اورمشدر و اوقات متفرقه ده وزیراسی علوم نجوم و سایر علومده ماهر اولان ذوالریاستین فضل بن سهل و حسن
 ابن سهل واحد بن ابی خالد و غیر یرلیدی و قاضی لری دخی بشر بن الواید و یحیی بن اکثم اولوب مزبور یحیی غایبده
 مقبول و مصاحبی ایدی و مرویدر که مأمونک حضامی حددن بیرون اولوب بر کون برادری معتصم بالله
 و کندونک اوغلی عباسه بشر بوزین و عبدالله بن ماهر و او چیوزین و بر فاج بکاره دخی طقوز بوزین
 التون باغشلیوب بوجه یکری کره بوزین التون اولغین دور آدمدن بر و بودر عطادیناده واقع و کسه
 اتی سماع اولمشدر و یونک زماننده مصر دن هر بیل اووز کره بوزینک التون خزینه کلوردی (فائده)
 یونک زماننده وفات ایدن اشراق علماء و غیره سفیان بن عیینه و امام شافعی که اسمی محمد بن ادریس در مصرده
 وفات ایدوب منافی نفسه له حنا جدر و عبد الرحمن بن مهدی و یحیی بن سعید انطون و یونس بن
 و ابو مطیع البختی شاگرد امام اعظم و شیخ معروف کرخی و اسحاق بن بشر و اسحاق بن فرات و ابو عمر
 الثغوی و ائمه مالکی و حسن بن زیاد شاگرد امام اعظم و حماد بن اسامه و دوح بن عباده و زید
 ابن الحباب و ابو داود الطیالسی و غازی بن قیس و شیخ ابو سلیمان الدارانی و امام علی الرضی و قراء الثغوی
 و قتیبه بن مهران و قطرب الثغوی و واعدی و ابو عبیده و معه و بر بن المثنی و نصر بن شعیب الثغوی و ست نفسه
 و هشام الثغوی و یزیدی که مأمونک استادی در یزید بن هارون و یعقوب بن اسحاق و عبد الرزاق و ابو العتاهیه
 الشافعی و امام احمد بن حنبل و امام ابو حنیفه و امام مالک و امام شافعی و امام ربیع و شیخ ابو یوسف
 (فائده) مرویدر که مأمون در یزید بن هارون و یعقوب بن اسحاق و عبد الرزاق و ابو العتاهیه
 الشافعی و امام احمد بن حنبل و امام ابو حنیفه و امام مالک و امام شافعی و امام ربیع و شیخ ابو یوسف

دربوب اوشیوب اطرافنده انشایاقلوب * یامن لا یزول * بلکه ارحم من قد زال ماله * دیه رله وفات ایندکده
طرطوس شهر نه ایلدیلوب انده دفن اولتوب مدت خلافتی یکریمی ییل الی آی ایدی جله اون بش
اولادی اوامش ایدی (فصل نامن در احوال معتصم بالله بن هارون الرشید) اسمی محمد لقبی معتصم
بالله ایدی کتبی ابواسحاق اولوب والده می ام ولد جاریه ایدی خلفادن ابتدایی لفظه الله مضاف
اولان بودر (فائده) مرویدرکه بو کامن دیرلردی زیرا یوزیتش سکرده یاوزسکسانده وسنه
مزبورنه سکرخی آی اولان شعبانده طوغوب و مکرخی پدوی حضرت عباس اولوب و پدوی هارونک
سکرخی اوغلی و خلفه عباسیه نک سکرخیسی اولوب و ایکوزاون سکرز چینه خلیفه اولوب
ومت خلافتی سکرخیل سکرز آی سکرز کون و مدت عری قرق سکرخیل اولوب و مکر فح و سکرز قلعه بنا
وسکرز عدو قتل ایدوب و مکرز عدو اسیرا اینتدی که آذر پایچان پادشاهی طبرستان پادشاهی
اشتیاب پادشاهی اشباح پادشاهی فرغانه پادشاهی طغارسنان پادشاهی صفه پادشاهی کابل
پادشاهی ایدی و وفات ایندکده سکرز اوغلی و مکرز قزی و سکرسان کره یوزیک نوربسی و بر او دکاو
انجه می و مکرزیک عدد جاریه می و او قدر دومی و او قدر قازمی قلوب بود و کرالان اتفاقات
عجیبه غریب امور دنیانددر (فائده در مناقب و مناقب او) مرویدرکه همت و مهابت شوکت
و فصاحت قوت و شجاعت صاحب اولوب حتی یازوسنی غیری کسنه لره قوله ایصردوب دبش کار
ایزدی و التونک سکه سی بار مغیله محکم باصوب یازوسنی سیرلردی و ییک بطمان آغرافی نسنه
کونوروب بر قاج ادم یر یوردی و ایک بار مغیله برکسنه نک ییلین صیقب کیکنی ازردی قوت بدینه
و شجاعت قلیبه می حددن بیرون و مواد اظهاری شجاعتی عددن افزون ایدی * شاعر کامل و جوان دوست
واهل عشرت و مائل صنعت فروسیت اولوب کرم الاخلاق عظیم الانفاق صاحب جود و لطف و بر و عاقل
کامل و مدبر اولوب اکن برادرلری قدر عالم اولوب انده اضافتله جاهل قالمشیدی تحصیل علم چندان
میلی اولدیغنی پدوی کوروب المجنوب او قومقدن فراغت ایتدروب خلافته لایق دکادر دیونظر دن طرح
ایدوب امین و مأمون و قاسم آدلو اوغلاری بری برینک اردشجه خلیفه اولغه عهدنامه یازدروب معتصمی
یازمیوب لکن بحکمه الله مأموندن صکره خلافت قاسمه نصیب اولوب بو کا اولدی و دخی جمیع خلفاء
عباسیه بغداد و خلفاء عباسیه مصر بحکمه الله معتصم نسلدن اولدی (نظم) برید المر ان بطلی متاه
و یا بی الله الا ما ارادا (فتنه عظیمه و کرامات جسیه) مرویدرکه معتصم خلیفه اولقدن مأمونک
وصیقله علماء عالمی قرآن مخلوقدریکه جبر ایدوب مقدمام احمد بن حنبل مأمون رقه شهرنده حبس
ایتدروش ایدی معتصم بغداده قیدبند ایلد کتوردوب یکریمی سکرز آی حبس اولندی مأمون و معتصمک
مقبولی احمد بن ابی داود نام عالم کامل اکن معتزلی و ضال و ضل داغما امام ایلد بحث ایدوب امامی مذهب
حقندن رجوع ایتدیره میوب هر بحث اولند بجه بر رید آرتروب حتی بری بری اوستنه اون درت بشدله
باغلوب دوغمزسه هلاله و انجیه دن دکنک ایلد دو کرم دیومعتصم فورقدوب امام اصلا قورقوب ایکوز
یکری ییاندن مجلسنه کتوردوب اولالطف بعیده عتف ایلد سوبلیوب امام دخی معتصمه سوکدکده امر
ایدوب امامی سوربوب یکریمی طوقزدکنک اوریلوب هر ایکیده بر معتصم برندن قلوب یا احمد سوزم طوت
قرآن مخلوقدردی سی قویو و یریم دیوب اودخی (اعطونی شیأ من کتاب الله) دیوب معتصم ینه برینه
واروب و ائاده امام غشی اولغین معتصم آتی یوزی اوستنه ییقبوب ارقه منی ایاغیله دیوب براغوب عقلی
باشنه کدکده قیو و یریدلر * مرویدرکه اولکی ضربیده (بسم الله) ایکنجیده (لاحول و لا قوة الا بالله)
او چنجیده (القرآن کلام الله غیر مخلوق) دردنجیده (قل ان بصینا الاما کتب الله لنا) دیوب طوتک
او چقوری الارنده اولان قیدبند باغلوب لغین او چقور قیرلقدن طوتی دوتوب کشف عورت اولورکن
صوت خنی ایلد (اللهم انی استک باعک الذی ملا العرش ان کنت تعلم انی علی الصواب فلا تمک لی بتر)
دیدکده طون دوغچوب محض قدرت حمله طوروب بوبله کرامت عظیمه ظهور ایتدی * مرویدرکه
هر عصا اورلد بجه معتصمک ذمتن ابرایعنی حلال ایدوب سیفندن صورلدقدن یوم قیامتده بوکسنه

لا صوفة منهم يبق ولا ملك * ماض اهل قليل في تقاقرهم * وليس يفتي عن الملاك ماملوكوا (نثر)
 بعده قوری طبراهه یوزین سوروب اغلابوب * یامن لایزول ملکه ارحم من قدزال ملکه * دیوب جناب
 رب الارباب غافر الاذنبه نوبه واستغفار ومناجات بی حساب ایدی * مرویدرکه جله خلق متوکلان
 بیعتنه مشغول اولغین وانقل بالکرمیتی فالقدیه بر بصحابی کلوب کوزنی جقاروبیدی (مصرع)
 الدهر فیه لمن نجیب عبیرة وجائب (فصل عاشر در احوال متوکل علی الله بن المعتصم بالله
 ابن هارون الرشید) ایمی جعفر لقی متوکل کنتی ابوالفضل ایدی ایکوز بشده بایده طوغوب پدیری
 وفاتده بیعت اولندی قاره یاغز خفیف الجسم کونه قد خفیف العارضین ملج العینین ایدی * یونک ومعتصم
 ومأمون ورشید ومنصور ک حضرت رسول علیه السلام واکثر صحابه واکثر طائفة عرب کبی قولقر بشده
 بتون صاحب لری واریادی خلایقنده سکر خلیفه زاده بیعت ایدی که منصور بن المهدي عباس بن الهادی
 ابواخذ بن الرشید عبدالله بن الامین موسی بن المأمون احمد بن المعتصم محمد بن الواثق سکزنجی کندو اوغلی
 متصر بالله ایدی یوسالت خاقان برینه واقع اوامشدر (رفع بدعت) ایکوز اوئوز درنده متوکل
 اطراف عالمه نامر کوندروب مسئله خلق قرآن ونفی رؤیت وسائر اعتقاده متزله بی رفعه عزیت وبغداددن
 علماومحدثینی کتوردوب نیجه رعایت ایدوب بعده بغدادده جامع ابوبکر بن ابی شیبہ جامع
 منصورده انک برادری اوئوزوب مذهب اهل سنت اوزره حدیث روایت ایدوب هر برینک محاسبنده
 اوئوزیک قدر کسینه جع اولوب متوکلہ خیرد عاروبو بایده علماوشعرا مدح وثنار ایتدیلر (فتن وحن)
 تاریخ الخلفاء مفصلامذ کورددرکه ایکوز اوئوز او جده دمشق شامده عظیم زلزله اولوب اوج ساعت
 طوروب اولرل بناری بیقلوب وافر کسینه هلاک اولوب خلق مصلی به قاجوب انطاکیه شهرته دل زلزله
 اوزانوب شهر یی قوب بیکری یلک کسینه هلاک اولوب دیار بکره قریب جزیره ولایت کلوب اتی بیقوب
 موصل شهرته کلوب انده اللی یلک آدم هلاک ایدی * اوئوز درنده ریاس طائفة ضالمة معتزله اولان
 ابن ابی داود خبات غودمض فالحه مبتلا اولوب جاد کبی حرکتدن فالدی * بنه بو بیلده ولایت عراقده
 اللی کون متصل بادسوم اسوب بصره وکوفه وبغداد اکیشرلی یاقوب یولارده مسافر لری هلاک
 ایدوب عجمده همدان شهرنده دخی اسوب طوار لری ومنزعه لرده اکیشرلی یاقوب موصل وسنجارده دخی
 اسوب وافر کسینه هلاک اولدی * اوئوز بشده سرمن رأی ده بر کسینه دعوی نبوت ایدوب بیکرییدی
 کسینه تابع اولوب متوکل انلری کنوردوب حبس ایدوب اول کذاب لعینی دکنک التنده هلاک
 ایدی * بنه بوسته ده متوکل نصاری طائفة منه علی کیمک وزناره وشفی واناچ اوز زکواله آتہ بخان وداوند
 مسارغمتی وعورتلری دخی علی کیوب حمامه کیرد کزنده جعفر اقل طافتی واحداث اوانان کلیساری
 بیعتانی وقبولی اوزر بنه اناجدن شیطانلر ورتلری اصلق ومن بعد دیوان خدمتلر بنه نصاری استخرام
 اولغی امر ایدی * من یور متوکل حضرت علی به واولاد نه بغض ایدن ناصیه منه بنده اراغین حضرت امام
 حسینک من اشر یغنی واطرافنده اولان بناری واولری جله بیقودوب برلری منزعه را ایتدوب خانی
 زیارتدن متع ایدوب اهل بغداد ناله و فریاد ایدوب مجامع وصوامع دبد عار و شعرا و علما عظیم ذم و هجاء
 ایدوب اولر وسجدار دیوارلر نه یازدیلر * اوئوز بیده متوکل مذهب باطل جهیه اوزره اولان مصر
 قاضی سی محمد بن ابی المینک صاحبین صفایان تراش ایدوب حماره بندوب شهر یی کزدرمه مصر حاکمه
 خبر کوندر کده اودخی بالتمام عل ایدوب حقوق نامی اصحابنه ویرمک ایچون هر کون بکرمیشر دکنان
 اوروردی * بنه بو بیلده قدسه یقین عسقلان یعنی غزه شهرنده برکیجه قدرندن آتش ظهور ایدوب نیجه
 اوزی ومنزعه لری یاقوب ثلث لیلده میوندی * اوئوز سکرده روم کافر لری مصرده اب دریا ده میاط شهرین
 باصوب یاقوب بیقوب السوز هورت یاقوب قاجدیلر قرده اخلاط شهر یلک خلقی کولک یوزنده بر صیحه
 عظیمه ایشدوب نیجه کسینه لر خوفدن جان و یروب تاوق بر طرعی قدر طولر یاغوب دیار مغربده اون اوج
 عدد کوی بره کجی * فرق برده برکیجه کونکدن یلدر بری برلر نه کیروب حرکت ایدوب کیجه نک اکثرنده
 یجدیلدر دوشوب اوزمانه دل املا واقع اولوب زهره ر چالک اوله جی حال ظهور ایدی * فرق ایکیده

مغربده تونس شهرنده و فواحشنده عجمده ری وخراسان ویشاپور وطبرستان واصفهان شهرلنده
 عظیم زلزله اولوب برلر و طاغیر یاربلوب دیار مصرده مویدا آدلور قریبه کونکدن اوزر بطنان آغر لقی
 طاغیر یاغوب ولایت عینده برطاغ اوستنده کی منزعه لر یوزوب آخر برده کی منزعه لر ده واروب
 ودخی برطاغ اوستنه ماه رمضانده فارنا لدن کوجک بر آق قوش کلوب قونوب (یامعشر الناس اتقوا الله
 الله الله) ذی قرق کره چاغروب بعده اوچوب ایتدی بنه کلوب چاغروب کیدوب بشیوز کسینه
 ایشدوب شهادت ایتدی بلر قرق او جده یادرتده متوکل دمشق شامه کلوب هر وجهه حظ ایدوب
 برقوناق برده دار یا آدلور قریبه یی بکنوب بر سر ای یایدوب انده قون مر ادا ایدوب ایکی اوج اید نصکره
 بنه بغداد کندی * متوکل کوردل بدشمال ناصیه منه بنده اولغین ایکوز فرق درنده بر کون اوغلاری
 معتزله مؤیدک خواجه می یعقوب بن السکیت النخوی به بنم اوغلار مله حسن وحسینک تغیرلرین زیاده
 سورسن دیوب اودخی عالم وصالح و سنی المذهب اولغین علینک قنبری بکا اوغلار کدن زیاده سوکودرید کده
 متوکل غضبه کلوب ملانک دیلی اکیسه سندن چکدروب یا خود قولر بنه امر ایدوب یاتردوب ایاقلر نه
 قارتیه باصوب علی کل حال جفا لیه تمید ایتدیلر (ع) رحمت حق اوله مظلومینه لغت ظالمه * ایکوز
 فرق بشده دنیا یی زلزله فایلیوب نیجه شهرلر وقلعه لر وکویلر بیقلوب انطاکیه ده برطاغ دریاه دوشوب
 کولک یوزندن غایت هیبتلوصدار ایشدوب مصرده دخی زلزله راویوب قصیه بالیس خانی مصر طرفندن
 قورقچ آواز ایشد کین نیجه لری خوفدن جان ویردیلر * کده دخی زلزله لر دن بیکارلر یه کجوب متوکل
 ایشد کده عرفاندن مکیه اقامه و کتور مکه یوزیک فلوری کوندردی علم جفرده بر کاید مذکوردرکه
 ایکوز فرق بشده بتون عالمی زلزله فایلیوب مصر و شام وانطاکیه ومغرب ونیجه شهرلر ده قلعه لر و یجد
 ولایه د بنار بیقلوب جله خلقی حصاره حقیقه کلوب انطاکیه ده بر طاغ پاره لوب بر یولک پاره سی دریاه
 دوشوب در یا قینا یوب عظیم سیاه تون حقیقه کلوب و بر یولک ارماق زلزله دن بره کجوب نه بره کتودکی معلوم
 اولوب و برولاینده برطاغ یوزوب اوستنده اولان بناری لوب بو خصوصلردن متوکل غایتده قورقوب
 مضطرب اولدی (مفرقات) خاقان ایشا شانهی اولان بودر سائرلر حنفی ایدیلر غایتده جوان
 دوست وزن دوست اولوب محبو بلردن ماعدادرت یلک چاره سی وارایدیکه جله سیله بیجا معیت ایشدیدی
 وغایتده محبی اولوب شمرابه سائر خلفادن زیاده عطار ایدوب حتی بر شاعر بو کا خطابا (نظم)
 فامسک ندا کفیک عنی ولا تزد * فقد خفت ان اطفی وان انجیرا * دیوب بری دخی بر قصیده دیوب
 او قودقه باتده حاضر اولان بیکر فلوریدن زیاده بهالوایکی انجوتک برنی باغشلیوب اول شاعر بش بیتله
 تکرار مدح ایتد کده او بر انجوبی دخی ویردیکه ایسات بودر (نظم) بمرمن رأی امام عدل * تغرف
 من بحر البصار * برجو و یخفی لکل خطب * ککانه جنة ونار * الماک فیه ولی بنیه * ما اختلف
 اللیل وانهار * یده فی الجود ضمرتان * علیه کتاها ما انفار * لم یأت منه الیمن شیأ الا انت مثله الیسار *
 وشیح ذوالنون المصری اسرار علم نصوفی آشکار ایتد کده ظاهر اشرع مخالف اولغین مصر حاکمی شیخه
 زندقه استاد ایدوب متوکل خبر کوندروب اودخی شیخی اولاقارله وقید بند اید بغداد کتوردوب تفصیله
 محتاج قیل وقال وجواب وسوال نصکره ذوالنون رهنونه محب و متون اولوب غایت اکرام و رعایت ایدوب
 (اذا ذکر الصالحون لخص لا بدی النون) دیوب تعظیمه یادایمکه معتاد اولدی (فائده) زمان خلافتده
 وفات ایدن کجارت ساهیر ابونور وامام احمد بن حنبل و ابراهیم بن المنذر واهصاق بن راهویه المجتهد واهصاق
 الموصلی التمیم وشیح حاتم الاصم وروح المقری وزهر بن حرب وحنون المالکی وابوبکر بن شیبہ بن ابی عینیه
 وانک برادری و دیک الجن الشاعر وابن حبيب المالکی وعبد العزیز بن یحیی شاکرد امام شافعی وعبد الله
 ابن عمر القواریری وعلی بن المذنبی شیخ البضاری و یحیی بن یحیی و بشیر بن الولید قاضی شاکرد امام ابویوسف
 وابن ابی داود المعتزلی و ابو الوهیل العلاف المعتزلی و یحیی بن اکیثم القاضی وشیح حارث المحاسبی و حرمله شاکرد
 امام شافعی و یعقوب بن السکیت النخوی و احمد بن منیع وشیح ذوالنون المصری وشیح ابوتراب الخشعی
 ودعبل الشاعر الرافضی وابوعثمان المازنی وشیح علم و دخی نیجه لرایدی (قصه شهادت) اوائل خلافتده

کند و در صکره او غنی منتصره بعد از اینکین او غنی معتزله بعد از او چنی او غنی مؤید از معجزون عهد نامه
 یازدروب معتزله والده می قبیله آدلو حسنا جاریه مسنه عاشق اولافین انک خاطر می چون بعد زمان معتزی
 تقدیم اکتاد یلیوب بر مجلس عامده منتصره بومعنا بی تکلیف ایدوب اودخی رانی اولد قده متوکل
 انجوب داغا کتر لده قاقیوب موکوب عرض بیقاردی اکبانه منتصره کین بحوب اول ائشاده متوکل
 طائفه ائرا کدن بعضی امرای بر سنه ایچون انجوب ایکوز فرقیدی شوالنک ایکینجی یاو چنی یادردی
 کیجه سنده وز پرومحبوبی و مقبولی و مرغوبی اولان فتح بن خاقان و سائرندیلرله محبت و ولایه
 ایکن بش اون کسنه ایل منتصره واروب اوغلانلر و ندیلر قاجوب متوکل اوپورکن بریسی قلی ایل چالوب
 اوپوزندن قاصو غنه دل یاروب متوکل فریاد ایدوب وزیر نیم مست منعه چالوب بریسی دخی
 انی قلی ایل صانجوب ارقاسندن چیقوب وزیر چیتندن کندوی متوکل اوسته اوتوب ایکینجی معانجان
 و بریلر مدت عمری فرق بریل مدت خلافتی اون درت بیل و طقوز آی ایل سکر طقوز کون باون آی
 ایل اوچ کون اولوب بش نفر اولادی و ارایدی (فائده در حال متوکل بعد الوفا) هر ویدر که سلف
 کر آمدن بری ایدر که بر کیجه واقعه مده کورد مکه بر کسنه بی بعض کسنه لک کو که چقاروب بوشاده
 بوشعری ایشتمکه (نظم) ملک بقادالی ملک عادل * منتهض فی العقولیس بیخاثر (نثر)
 او یانوب صباح اولد قده سرمن رأی دن بئشاده متوکل وفاتی خبری کلدی * عربن شیان دخی ایدر متوکل
 قتل اولندی کیجه واقعه ده کورد مکه بر کسنه بوشعری اوقور که (نظم) یا ناظم العین فی اوطار جبهانی *
 اقضی دموعک یا عربن شیان * اما ترائفة الارحام مافعلوا * بالهشامی و بالفتح بن خاقان *
 وافی الی الله مظلوما بضیحه * اهل السموات من منی و وجدان * و سوف یأتیکم اخری مسومه *
 فقموا هالها شأن من الشان * فابکوا علی جعفر وارثا خایفتمکم * قد بکاه جمیع الانس و الجن * وینه
 ابن شیان ایدر بر قاج ایدن صکره متوکل واقعه ده کورد مکه * ما فعل الله بک دیدیکمده * غزلی بقلیل
 من الستة احییتها * دیوب قاتل من هاتادیدیکمده * و انظر محمد ابی الخاسه الی الله دیری (فصل حادی عشر)
 در احوال منتصره بالله بن المتوکل علی الله (امی محمد اقای منتصره در کدم کون ایری کوزلو کوزل
 یوزلو طوغان یوزلو اوره یوزلو و بیله وادیب و شجاع بیه و هیب و عاقل و کریم و کامل مائل خیر و عدل جلی
 و محب آل حضرت علی اولوب انزه احسان فراوان ایدردی * ایکوز فرقیدی شوالنک پدردی قتل ایدر ووب
 برینه بکده برادر لری معتزله ویدی ولایت عهد سابعدن اخراج ایدوب پدیری ابطال ایدر وکی زیارت
 شمد امام حسین خله اجازت و یروب عدل و احسانه مشتغل و مکب اولمغین رعایا و برابا بو کا محب اولوب
 لکن پدیری قتل ایدر و دکنه خلقدن شرمسار اولوب عسکر ائرا لایه دیر دیو کند و بیب اولد یغنی انکار
 اوزره ایدی (امر عجیب) هر ویدر که بر کون مجلس عشرته ائشده دوشن قالی به نظر ایدر کن بر ائلو آدم
 صورتن کوردیکه کارنده فارسیجه یازویارانش جمعه ییلوز بر آدم کتوردوب اوقونده حریف ظریف
 باقوب اوقومغه خوفندن و حجابندن خط دکل نقش انجق دیوب منتصره ابرام ایتد کده ایدی آند یازلشکه
 بن نجم شاهی خسرو اوغلی شرویهیم پدیری قتل ایدوب برینه بکده بکده ساطتندن چندان بهره دار
 اولوب همان انجق الی آی فرار ایدم منتصره یونی ایدوب لون متغیر اولوب و عقی متغیر اولدی فی الحقیقه
 بودخی همان الی آی سلطنت سوردی بعد سنک اجل زنیاج من اچن قیردی (عجیب دیوگر)
 ینه هر ویدر که بر کون او یخودن اغلیه رق او یانوب والده می بونک یانه کلد کده پوری یامندن کیت دنیا
 و آخرت خراب اولدی شادی بابای دوشنده کورد و ای سکایا محمد خلافت ایچون بنی قتل ایتدک و الله انجق
 بر قاج کون بهره دار اولوب بعد مرجع و مصیرک ناردر دیو یولی دیوب واقعه بر قاج کوندن صکره وفات
 ایددی * حافظ ذهی ایدر سلاطیندن پدیری قتل ایدن ابتدا شرویه ایکینجی بریدن اولید او چنی منتصره در
 عادت الله بون او برینه مقرر در که قاتل پدیر مرادنه منقر بولوب دولت دینان آره بهره و راو لور
 (کیفیت وفات) هر ویدر که پدیری قتل ایدر و دکنه خلقدن عسکر ائرا لک قتل ایددی دیو بهانه
 ایدوب داغا ائره سوکوب بونک خلقا قتل ایددی ییله در دیکن ائرا لک بنی بوکا کین بحوب بعض امرای بونی قتل

ایعتن دیوب اکن شجاع و هیب و عاقل و اهل تدارک اولد و یغیون قتلنه ظفر بولمغوب حکمت خدا ایل
 خسته اولد قده طبعینه اوتوز یک فلوری و برلکین فصدلا زمره دیوب زهر لویشترله فان الد قده ایکوز فوق
 سکر بریج الاخرینک پشیده وفات ایدوب (بشر القاتل بالقتل) سری عیان بعد مضمون (کاتدین تدان)
 دخی نمایان اولوب طیب دخی خسته اولمغین اوفدیلوب اول زهر لویشتر ایل بلا قصد قصد اولوب اولدخی
 وفات و داخل قبر بر ظلمات اولدی * بعضی ائوال اوزره منتصره کند و عیالنه بخل و اسامت اوزره اولمغین زهر لو
 ایکنه ایل بر او یانوب زهر لیوب ویرد کارنده انی یکین یا خود خوانق مر ضنه یا خصیتنه بامقه مده بر مر ضه
 مبتلا اولمغین اندن وفات ایددی مدت عمری یکری بش یا یکری الی یا خود اکسک مدت خلافتی ایسه
 همان آئی آی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال مستعین بالله بن المعتصم بالله بن رشید) امی احمد قلی
 مستعین کیتی ابو العباس اولوب متوکل برادر یدر ایکوز یکری برده طوغوب آق و قرمز ی بکزلو
 کوزل یوزلو اوره بویلو خفیف العارضین و یوزنده چچک کشانلو و انفع یعنی پاتک اولوب حرف سینی
 نا اوقوردی فاضل و ادیب و بلیغ و لیب عالم بالا اخبار عارف بالا تار کریم و مسرف و مبذر و متلف اولوب
 خزان بوشادوب جواهر و تحف امتعه بی کتا من کان عطا و احسان ایدردی (بیعت) هر ویدر که
 منتصره وفاتده امرادن بغای کبیر و بغای صغیر و نامش متوکل اولادی برینه بکده در لار لار دن بری
 خایفه ایدر ملک بری هلاک ایدر دیوب بو کایعت ایتدیلر (حوادث) بول بکاو قفتان کیمی ابتدا
 بو احداث ایدوب عرضی اوچ قارش ایدردی قفسه و بی کو چک ایدوب اندن اول اوزون ایدر لری
 بونک زمانتده اسمعیل بن یوسف نام کسنه خروج ایدوب کعبه معظمه بی باقوب مکه شهر فی غلب و غارت
 ایددی * ایکوز لالی برده کوفه ده یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن امام حسن ظهور ایدوب
 عسکری چوغالد قده قتل اولوب باقی مستعینه کوپ بعد طبعستانده حسن بن زید بن محمد بن اسمعیل
 ابن امام حسن ظهور ایدوب عسکری چوغالدی ینه بویل اهل حص بکری قتل ایتدکین مومی بن
 بغای کبیر واروب بچنک ایدوب اهل حصی میوب ایچارندن وافر آدم قتل ایدوب شهری آتیه یا قدی
 (خلع و قتل) امرای ائرا کدن و صیف ایل بغای صغیر باغری قتل ایدوب عسکر ائرا لک آراشده فتنه اولمغین
 بوا یکسک لنده مستعین مغلوب اولوب امور سلطنته مسلط اولد قلی ینه انجوب سرمن رأی دن بئشاده
 کلوب اردنجه امرای اعتذار ایدوب تختگاه دعوت اید کارنده عناد ایتدکین معتز بالاوی و برادر ی
 * وید بالاوی حبسندن چقاروب معتزی خلیفه ایتدیلر اودخی مؤیدی الی بیل عسکرله مستعین اوزره
 کوندروب بودخی بغداد حصار بن مر مات ایدوب بعده مضیقه لری یا پدربوب محاصره اولوب بر قاج آی
 داغا بچنک اولوب وافر کسنه قتل اولوب اهل بغداد ذخیره غایت مضایقه چکوب حتی بهضار
 چیفه میوب محاربات عظیمه دن صکره ایکوز لالی ایکی عمر مده ناچار صلح اولوب مستعین خلافتدن
 فراغت ایدوب و واسط شهرنه کوندربوب طقوز آی ایلده خسته اولوب بعد سرمن رأی یه کتوردیلوب
 اوزره بر موکل قونوب ماه شوالا چنده معتز بوکا بر کسنه کوندروب ارقه می اوسته یازروب
 کوکسنه اوزروب بوغاز لری آل عباسدن ائدا آشکاره قتل اولان بودردی شله مدت عمری اوتوز بر یکری
 درت مدت خلافتی اوچ بیل و طقوز یاسکر آی و یکری کون اولوب اون الی نفر اولادی و ارایدی
 (فصل ثالث عشر در احوال معتز بالله بن المتوکل علی الله بن المعتصم) امی محمد یا خود ز بر کدیتی
 ابو عبدالله ایدی ایکوز اوتوز ایکیده طوغوب مستعین برینه اون طقوز یاشنده بیعت اولوب آل عباسدن
 بویه ازاشده کسنه خلیفه اولما شدی غایبه خو بروی ایدی سائر خلفانک ایرلری خفیجه کومش
 قیلامه ایکن معتز صافی الذنوندن ایتمکی احداث ایددی اولکی ستمه سنده و افق بالله زمانتده مدبر جمیع
 امور سلطنت نصب اولان اشخاص وفات ایدوب بشیوز بیک فلوریسی چیقوب معتز آی الی الی برینه
 علی بن محمد بن عبدالله بن طاهری دیکوب ایک قلی قوشادوب بعد انی عزل و کندن برادر ی ابو احمدی
 نصب ایدوب التون تاج مرصع طاقیه وایکی وشاح مرصع یعنی یقالق و یروب وایکی قلی قوشادوب
 ینه او بیل عزل ایدوب واسط شهرنه سوروب برینه بغله شر ایداری دیکوب خاعت و تاج کیدروب

سنة من بوره رجسته معتز برادری مؤیدی ولی عهد لکندن عزل ایدوب دوکوب قید بند ایدوب بر قاج
کوندن فکرة وفات ایدوب قتل ایدوب دیو خاندن قور قوب قضاة وار کانی کتور دوب اثر جراح
یوغ ایدوب کونی کوستردی ایکوز الی اوچده خلیفه به مسلط اولان امیر الامرا وصیف قتل اولوب
وافر مانی الی دیلر وصیف کتور کتور الی اوچده خلیفه به مسلط اولان امیر الامرا وصیف قتل اولوب
مرویدر که معتز امر او عسکر اتراکت زبونی اولوب بعده ایکوز الی بش شعبانده عسکر هجوم ایدوب
وظیفه مزی و برنا که سکا طبع اولیان صالح بن وصیف قتل ایدوب خزینه ده ایدوب اصلا مال قالمایین
معتز اولاده سندن مال استیوب اودخی و برمد کده عسکر اتراکت ابن وصیف و ابن بغا الی اتفاق ایدوب
الاکت حر به مرایه کلوب خلیفه طشیره چیه سون دوب اودخی شربت ایچدم بوکون چیه مزم دیو خبر
کوندروب به ضرری اجازتله یاخود جبرایله ایچرو کوروب معتزی ایاغندن چکوب دیو سله اوروب
ای کونده کوفته فارش وایاق اوزرینه طور غروب کندو کی عزل ایدوب دیو بوزینه طبایحه لار اوروب شهر
قاضی بن ابی الشواربه وافر کسته چاغروب حضور لرنده فراغت ایدوب بعده بغداددن مهندی بی
کتور دوب برینه خلیفه ایدوب بش کوندن فکرة بش کوندن فکرة عسکر طوبت حاکمه قوب صوصاده
صو ورمیوب زبون اولاده چقاروب فارلو صو ورمیوب ایچوب فی الحال جان ویردی * تاریخ
ابن شنه ده بر او طه به قوب یلک وایچمک ویرلیوب انده وفات ایدوب دیومذ کورد مدتی ویری بکری
درت ییل واون اوج کون مدت خلافتی اوج ییل وائی آ ویکری برکون یادر ت ییل وائی آ ویکری
اوج کون ایدی (مترقات) بعده والدیه قبیحه نام حسن خاقون کیزلنوب ماه رمضانده طونلوب
ابن وصیف جبرایله کازنا ایدوب مدمایرده دفن ایدوب کی اوج کره یوزیک فلوری ویکری کره یوزیک
فلور یلک جواهر ابن وصیف کتور کده تعجب ایدوب لعنت بویه والدیه به که بوقدر مال عظیمی وار ایکن
الی یلک التون ایچون اوغلتک قتلنه رضایره دیدی مالی الوب ملعونه بی مکبه حقارتله کوندروب
بعده مکده یاخود معتز علی الله زماننده بر من رأی شهرنه کتور لوب انده وفات ایدوب معتز بانه
زماننده وفات ایدوب کار مشاهیری بولردر شیخ مری سطلی که جنید بغدادینک شیخی و دایمی ایدی
وداری صاحب کتب السنن فی الحدیث وعتبی و امام علی الهادی و محمد بن کرام رئیس طائفة ضالة کرامیه
(فصل رابع عشر در احوال مهندی بالله بن الوافی بالله بن المعتصم) امی محمد کتبی ابو اسحاق
یا ابو عبد الله اولوب ایکوز اوز بیدیه طوغشدر (مناقب) مرویدر که کتدم کون یحییف البدن ملیح الشکل
قلیل الاکل عادل وکامل ولیب جری و شجاع و مهیب (نظم) صائم الدهر وصالح وعابد * قائم الدیل
وملح زاهد * اولوب خلیفه ایکن اکثر یامر که وزیت الیه اتکدن غیری نسته یزدی ایکوز الی بش
رجبی آخرنده معتز برینه خاقون کتور دیکین کتور دیلوب عجزنه شاهدلر شهادت ایدوب کندو دخی
معتز کلوب عجزی ظاهر اولیجه قبول ایتم دیکین کتور دیلوب عجزنه شاهدلر شهادت ایدوب کندو دخی
معتز اولوب بالذات یعت ایدوب کده قبول ایدوب کال عدالتده حضرت عمر بن عبد العزیزه تقلید قصد
ایتمکین کندوبه تم و حضوری متروک و معجور و معقوض و منور ایدوب امرایه دخی ظلم ایتمکین ترک
ایندروب امور سلطنتی معی تمام و دقت و اهتمامله کندو بالذات کوروب حضورنده کاتلر او توروب مال
احوال یاتنده یازوب کوروردی (قصه شهادت) ایکوز الی انیده موی بن نهام معتزک انتقامیچون واک
والده سندن النان مالی المنیچون صالح بن وصیفه چکدری شهرندن عسکرایله نمر من رأی به کلوب مهندی به
هجوم ایدوب بر آنه بندروب سرای یغما ایوب کندو بی شهرده بر او ده قوبوب دخی یا موسی الله تعالی بدن
قورق بدندن آخر من دید کده مرادم همان صالحه معین اولماغه عین الیه دیوب بودخی عین ایدوب کده تکرار
یعت ایدوب مرایه ایدوب بعده مهندی نسکین قتنه ایچون موسایی صالح الیه بارشدر مقی دیکده سن
صالحه متفقن دیوموسی الیه اشقیای مهندی به تکرار هجوم ایدوب کتورده تلخ قوشانوب دیو اغشانه به
چیتوب تلخ باره انجیه دلن مز که چک ایدوب دیکر ادبکرحیا کز بوقی نیجه برخلافه عصیان و طغیان
ایدوب مز صالحدن بنم خبرم بوقدر دید کده اشقیایا کن اولوب بعده موسی هرکیم صالحی کتورده اون یلک

اشوب ورمیوب دیو بند ایدوب مکی بر کسته انی بر قرا کوانی دهلیزده اوپور بولوب خبر ویرد کده باشی کسوب
شهرده کزدر کازنده مهندی اکا قلیندن انجیوب بعده موسی برعدوسی دخی قتل ایتمک کتدم کده
یبله کیدن امیر یا کاله مهندی امیر موسی الیه امیر مقلی قتل ایدوب موی برینه امیر عسکر اتراکت اوله سن
دیو خبر کوندرد کده (مصرع) بوکون اکا ایدوب یار بن یکار دیو یا کال مهندی قور قوب ایکسته
دخی خبر وروب چله سی اتفاقله مهندی کتور اوزرینه کلوب محکم جنگ اولدقه مهندی یا کالی طوتدروب
قتل ایدوب بر کونده اتراکدن درت یلک کسته قتل اولوب عاقبت مهندی کتور عسکری صیوب
کندو طوتلوب ایکوز الی الی رجینک نصفنده او توزسکر یاشنده ایکن خایه لر بن صیوب یاخود بیخاغه
اوروب شید ایدوب مدت خلافتی اون بر یچی آی اولوب اون بش نفر اوغلی واریادی (فصل خامس عشر
در احوال معتز علی الله بن المتوکل علی الله بن المعتصم) امی احمد قلی معتز کتبی ابو العباس یا ابو جعفر
ایدی ایکوز بکری طغوزده طوغوب کتدم کون اوزرینه بولوم دیو بوزل کوزل کوزل کوزل سوزلوصالی
کوزل ایدی مهندی شید اولدقه حیدر بن جقار یلوب یعت اولندی عالم وعاقل شاعر وکامل اولوب
اشعار فی التون حل الیه یازدردی برادری موفق بانه طلحه بی مشرق ولا تیرنه حاکم ایدوب کندو کتور اوغلی
جعه مری ولی عهد ایدوب مصر و شام و مصر به حاکم ایدوب اقبی معقوض الی الله قودی * کندوسی داغ ایش
و هشرنه و شرب خر مورث النکبته مشغول اولمقن رعایا و برایا بوندن نفرت و مدبر امور خلافت اولان
برادری طلحه به محبت ایدوب (ظاهر زنج) معتز خلافتدن بر ییل مقدم خوارچدن از اوقه زناده
مذهبده بر طائفة ضلالت عاکفه عبد القیس اولادندن علی بن محمد نام کسته ایله سودان وزخندن بر قاج
وز یلک عسکرایله نصره اطرافنده خروج ایدوب بصره بی یا قوب ییقبوب مسلمانلری امیر و موفق الیه جنگ
کتور ایدوب اون بش ییل ولایت عراقده بلاد اسلامیه کتور بعضی غارت واهل لری قتل و اشیر و حصار
ایدوب عسکر اسلامیه نیجه کره صواشوب بر کونده بصره ده او چپوز یلک مسلمان شید ایدوب مدت تغلب لری
اولان اون بش ییلده اون بش کره یوزیک کسته قتل ایتمکدی * رئیس لری اولان یهود نام ملعون
بکا نبوت و رسالت ویردی اما قبول ایتمدم دیو حاشا دعوی علم غیب ایدوب کتدم شهرنده منبره
چیتوب عثمان و علی وطلحه و زبیر و عاتشه و معاویه رضی الله عنهم سب ایدوب ارد و سنده آل رسولدن
خاوندلریکی اوج اچقه به صانلوب هر زنجی ملعون بانه بشر اوزر علویه اولوب وطنی و استخدام ایدورلدی
(فصل و محن و حوادث متنوعه) مرویدر که از اوقه ظاهر ویرد نصره ولایت عراقده عظیم طاعون اولوب
حد و عددن بیرون کسته وفات ایدوب بعده عظیم زلزله اولوب شالریه قلوب اتنده نیجه یلک آدم هلاک اولدی
ایکوز نالتمشید مدیار عراق و حصارده خط یوسف ظهور ایدوب برکیل بغدادی بوزالی التونه صانلور اولدی *
التش برده خلیفه کندو نصره خلافتی اوغلی معقوضه اندنصره کندو برادری موقوفه تعیین ایدوب
مقوضی مصر و شام و مغرب و جزیره و ارمینه به موفق بغداد و عراق و حجاز و عین و بلاد مشرق و اصفهان
وری وخراسان و طبرستان و سجستان و سند و لایتنرینه حاکم ایدوب بن وفات ایدوب کتدم معقوض نابالغ بولورده
بر یجه موفق بکسون دیو عهد نامه یازدردی التمش درنده یادخی مقدم الی التیده یا شمشه موفق او چپوز
یلک عسکرایله از اوقه رئیس یجوده جنگ ایدوب باشن کسوب بغدادده کتور کده شهر طونلوب جله عالم
شاد و خرم اولدیله التمش التیده کفار روم دیار بکره کلوب قتل و غارت ایدوب جزیره موصل خلقی
قاجر یلرینه بویل عاصی عربلر مکه شهرنه هجوم ایدوب کتدم مکرمه کتور اوزرینه یغما لیلر التمش درنده
احمد بن عبد الله الحجابی خراسان و کرمان و سجستان و لایتنرینه مستولی اولوب دیار عراقی الوب التون و اچقه نک
برایته خلیفه نک برایتنه کندو نک نامن ضرب ایدوب کتور دیکین لکن سنه من بوره آخرنده خدمتکار لری
انی قتل ایدوب بویل معتزله اوزرینه برادری موفق خروج ایدوب بعده بارشدر یلر التمش طغوزده معتز
موفق خوندن مصر حاکمی احمد بن طولونه خبر کوندروب احمد شامه کلوب معتز موفق رفعه بر چاره
مشارده سیچون احمد بولشقی قصد ایدوب سیر و شکار بهانه سبله چیتوب موفق کفارله چکده ایکن
ایشیدوب نصیبین بکنه معتز دیو در ملک ایچون خبر کوندروب اودخی موصاده تشوب حسن تدبیر الیه

دوندروب سرمن رأی به کتوروب موفک کاتبی فارشولوب سرایه کیره که قوموب براوه قوندروب
 یانه کسسه کمالن ایچون بشیوز بکچی قوبوب ابتدا محجور و مقهور اولان خلیفه بودر بعده واسطه شهره
 ایلد بلوب ایکوز تیش شعبانده معتد عز و اقبال و مجد و اجلال ایلد تخمگاه کتورلدی * ینه یو بیل احمد
 ابن طولون که خلفه طارفتدن یکریمی القییل مصر حاکی اولوب حافظ قرآن کثیر الخیر محب علمائیل عدل
 صاحب عقل سلیم معنی شجاع و مهیب ذکی و مدبره صیب اولوب مصرده غایت واسع بر اطفاف جامع شریف
 یابوب یکریمی درت ییل آق قوی قرقش ییل زکی عرب قوی و ارایدی وفات ایلدوب اوغلی خارویه بر ینه
 یگوب بعده موفک مابقا ابن طولونه انجمنکین کند و اوغلی احمدی مصر حاکی ایلدوب عسکر ایلدوب کوندروب
 خارویه عزله راضی اولوب محکم جنگ اولوب مانتدیل و جیحون سیل خون آقوب عاقبت عسکر مصر غایب
 واحد کلدوکی ره آب اولدی * ینه یو بیل بغداده سیل کلوب بیدی ییل او یقیدی و دخی یوز ییل کفاروم
 طروسه کلوب جنگ اولد قده مسلمانر غالب اولوب کفار دن غنیمت عظیمه الوب بوفتح و نصر تنک مثلی
 مبق ایتمیش ایدی * و دخی اول ملول قاطم یون اولان مهدی ولایت ینده ظهور ایلدوب تدر بجه قوت
 و شوکت بولدی * ینش سکزده موفک تقریس و داه الفیل مر ضلزدن وفات ایلدوب غایتده شجاع و مدبر
 و مهیب اولوب که سارله دائم جنگ و انلری قهر و کسر و قتل ایلدوب اول ملول مقاریه اولان یعقوب بن ایمله
 جنگ ایلدوب انی دخی صیوب محبوب القلوب مسلوب العیوب اولغین برادری معتد ایلدن قورندلم
 دیوشاد اولوب انک بر ینه انک اوغلی احمدی حبسدن چقاروب مدبر امور ایلندی اوچ ییلدن اول پدیری
 موفک انی حبس ایشندی (ظه و رقراطه) ینه ایکوز ینش سکزده قرامطه دیمکه مسعی اهل الحاد
 و فساد بر طائفه بدینهاد کفر اعتقاد شرعیه ظاهر ایلدوب بصره و لحسا و قطیف شهرلین و اطرافلرین
 ضبط و ادجیوز اوئوزده متفرض اولغیبه دلم مالک اسلامیه ده انواع فساد ایلدوب حاشا خیر حلالدر
 و جنایتدن غسل یوقدوروم فرض همان بر نوروز کونی بردخی کوز آیینک اولی اولان مهر جان کوئیدر
 دیوب اذانه و اشهد ان محمد ابن الحنفیه رسول الله دیمکی قاقوب و شرائط و ارکان صلوقی تغییر ایلدوب
 وچ و قبله قدسه در دیوب بونک امثالی کفریات ایلدوب و اشیادین یجود یابان کسسه تابع اولوب مسلمانلری
 رنجیده ایتمک بامثلدیلر (امور دیگر) هر ویدر که یعقوب بن لیث الصفار ظهور و اکثر بلاد عجمی
 تغلبه قلم ایلدوب معتد علی الله انی ایشند کده عراق حاکی کوندروب جنگده اسیر اولغین یعقوب
 قوت و شوکت بولدی * ینه معتد زمانده حسن بن زید العلوی طبرستانه نصر بن سامان ماوراء النهر پادشاه
 و لوک ایکوز ینش درتده حسن وفات ایلدوب بر ینه اوغلی محمد یکدی * ینه معتد زمانده مجهول الاسم
 بر خاری ظهور ایلدوب نیجه شهر ره مستول اولوب وافر کسسه قتل و امیر و نیجه شهرلر غارت ایلدوب بعده
 ناید ایلدی * ینش طغوزده سردار و مدبر امور خلافت اولان احمد بن موفک بالله خلیفه اولان عیسی معتد
 مسلط اولوب بالفرو معتد بر مجلس عامده اوغلی مقوضی خلع و احدی ولی عهد ایلدوب لغینی معتد بالله
 قوبوب بعده معتد دکلایده معتد بر وقعه خواندن و توریوب بعد افر دخی کتب فلامه الوب صاع و نلر
 دیو امر ایلدی (فانده) معتد زمان خلافتنده وفات ایلدن کبار مشاهیر * یحیی بن معاذ الرازی الواعظ
 الزاهد و امام حسن العسکری و امام بخاری و امام مسلم و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه که بوبشینک علم حدیثده
 برر کابری مشهور جمیع دینادر * و حضرت شیخ یار یل ب طای که اسمی طیفور بن عیسی اولوب جدی
 شریفان آدلور بر مجوسی ایدی * و امام مزنی شاکرد امام شافعی و یونس بن عبد الاعلی وزیر بن بکار و حجاج
 الشاعرو ابن ابی الشوارب فاضل شهر من رأی و حافظ ابو زرعه الرازی و ابن بکار قاضی مکه و امام داود
 الظهاری المتهجد و ابن قتیبه و حنین بن اسحاق الطیب و امیر الامور بن یفا و ابو حاتم الرازی و صالح بن امام
 احمد بن حنبل فاضل اصفهان و دخی نیجه لرایدی (فانده) محمد مهدی دخی معتد زمانده وفات
 ایشند که حیاده ایکن قطب زمان اولندی روافض و شیعه طائفه سی اکا ایلن ایکنی اما مدر
 و دات یحیی و بر زمینه که و ب غائب اولوب آخر زمانده جفا جت مهدی بودر داه اعتقاد باطل ایشند در
 و دات فاضلی فاروقیه حضرت حیدره بامه در زمان اولانه (وفات) هر ویدر که ایکوز ینش

طغوز چینک اون طغوزنده معتد مابقا کثرت شرب خمره مبتلا اولغین مالا مست ایکن الی بر یاشنده خفا
 وفات ایلدوب یا طعاهله زهریدر یلوب یا ویر کن بعضا بونی قابله صاروب بوغیلوب یا ریش باقر ایچنه انوب
 یا یغدادده بر چقوره دوشوب وفات ایلدی * مدت خلافتی یکری اوچ ییل اولوب درت نفر اولادی و ارایدی
 (فصل سادس عشر در احوال معتد بالله بن الموفق بالله طلحه بن المتوکل علی الله) اسمی احمد لقبی
 معتد کنندی ابو العباس پدری طلحه خلیفه اولوب برادری معتد سیردار و مدبر جمیع اموری
 ایدی ایکوز قرق ایکی ذی القعدة سنده یا قرق اوچ ربیع الاولده طوغوب قاره یا غز و خیف و معتدل
 الجسم ایدی سابقا بونی پدری مصر حاکیله جنگه کوندردیکی ذکر او انوب ایکوز ینش بشده پدری
 بو کالنجوب حبس ایلدوب ینش سکزده پدری خسته اولد قده بونی خدمتکارلری حبسدن چقاروب
 اوچ کوند نصکره پدری وفات ایلدی معتد امور جنگده غایت ماهر و شجاع و مهیب و قاهر حتی
 ارسلان ایلد جنگ ایدر بهادر اولغین معتد بونی پدری بر ینه سیر عسکر منصور و مدبر جمیع امور چهور
 ایشندی (بیعت) ایکوز ینش طغوز چینه عیسی وفات ایتمکین عهد سابق اوزره بو کاییت اوئندی *
 هر ویدر که عاقل و عادل مدبر و کامل شاعر و بلغ و بهادر صاحب تیغ بی دروغ اولوب کالده و معتد
 و هر حالده کند و نصکره کلان خافا بو کانسبت لائمی محض ایدی دیشلر باوراند قده و حین غضبده
 ترجی آزا اولوب امرادن بر ینه غضب ایلد که صاعیکن طبرغه کومردی خلق سزک ایچون خوتیدر
 دیرلر دید کارنده و الله خلیفه اولی ناحق قان دوکدم فلانی مذهب الحساده بی دعوت ایلدیکچون قتل
 ایلدم و قتل لازم حرامیلری فلان و فلان نامیه قتل ایلدوب خلق انلری ظن ایشدیلر دیدی * بر کون فارشوشده
 ساده رو خدمتکارلر طورر کن قاضی شهر زیارته کلوب جوانلره یا فد قده فراسله مرادنی یلوب افندی
 و الله قو ساعی حرامه چوزمک واقع اولماشدر دیدی (نظم امور) هر ویدر که خلیفه اولد قده تسکین
 قن و رفیع مظالم و نشر عدالت و هیبت و تدبیر بر اصابتله هر وجهله امور خلافته غایت رونق و نظام
 و شوکت و ربوب دوات آل عباس متوکل قنایدنر و کمال ضعف یلوب زواله قریب ایکن مشید و سدد المانی
 ایتمکین بو کاه فاح نای دینوب خلق بو کاه غایت قعظیم و محبت ایلدوب هیبتدن دهشت اوزره ایلدیلر
 خلفاء ماضیه زمانده اولد یغی کبی جمیع اهل ایمان امن و امان اوزره ایلدیلر و یکن زمانده الدن چقان عمال کی
 تکراراله کتوروب فتح و ضبط و تسخیر و اعداء بدیاری تدبیر ایلدوب بونک زمانده جمیع اهل ایمان امن و امان
 و رخا و برکت فراوان اوزره ایلدیلر (بدایع و قایع) هر ویدر که اول خلافتنده بهادر فلامه کابلرین الوب
 صاعقند و مخملمری وقعه خوانلری عقد مجلس ایتمکدن منع ایلدوب ایکوز سکسانده اردبیل شهرنده
 ماه شوالده کونش طوقولوب ایکنده به دل دنیا یوزی قرا کوانی اولوب کجه نلک نشسته دل بر سیاهیل
 اسوب بعده عظیم زلزله اولوب جله شهری ییغوب یوزلالی ییل آدم هلاک اولدی دیو خبر کادی * سکبان برده
 دیار رومده تکور به شهری فتح اولندی و دخی ری و طبرستان شهرلر ییل قیوری و ییکارلری صوری ره یگوب
 اوچ بطمان صویرا بجه به صانلوب ترک به دخی غایتده خط و غلا و اغین خلق جیفه بر اولدیلر * و دخی معتد
 مکده دارالندویه ییغوب جرم کجه به قانندی سکسان ایکیده مصر حاکی خارویه ابن طولونه معتد
 عسکری مرار عظیم جنگلر ایلدوب بعده بارشوب خارویه نلک قیزی قطر اندی بی معتد نسکا حلوب بغداده
 کتوروب جهازنده یا کزدرت ییل عدد جوهری او چقور و صافی التوندن ییل عدد دهاون و اون صندوق
 طولو جواهر و ارایدی * سکسان اوچده ذوی الاحرام یا کز قالد قده میرانه داخل اولق امر ایلدوب شافعی
 مذ هنجبه بیت المال ضبط اولغنی رفع و دفع و ابطال ایلدوب خلق غایت حظ ایلدوب دعای خیر ایلدیلر
 (فتن و محن) سکسان درتده مصرده ایکنده و دن اششامه دله هوا غایتده قزاروب (مصرع) درو دیوار
 و دار و هر نه که وار * جله قیزل کورینوب (مصرع) درگاه حقه خلق مناجات ایلدیلر * ینه بوسنده
 معتد حضرت معاویه به منبر برده لعنت ایتک ایچون جله شهر ره خبر کوندردمک دیلد کده علمادن بری
 آل علینک خلق ایچنده حرملری آرقتمله بعضا خروج ایتک واردردیو یغوی قله فراغت ایلدردی *
 سکسان بشده بهر رده صاری یل اسوب بعده یشل بعده سیاه اولوب هوا یی چون قاپلوب اردنجه

یوزانی درهم آغرای عظیم طووریاغوب التیوزخرمانا غنی قلع ایدوب برقریه اوسنه هواندن آق و سیاه
 طاشلیاغدی (اصل فرامطه) سکسان التیده ولایت بحرینده ابوسعید حسن بن بهرام جنابی قرمطی
 لعنه الله ظاهر ایدوب شوکتی قوت بولوب بصره به قصد اید کده معتقد بصره می حفظ ایدرمکین نواحیسی
 غارت ایدوب معتقد کده عسکرله مرارا جنگ ایدوب انلری صیوب عاقبت اوچیز برده جام ایچنده
 برخدمتکاری اتی بوغازلیوب برینه کوچک اوغلی ابوطاهر یکدیکه انک احوالی اشاعیده کاور مذکور
 ابوسعید اهو از شهرینده جنازه آدوقری بدن اولوب بعده بصره ده کمال ایکن بحرینده واروب مقدمه ذکر اولنان
 زنج و خرمیه طاقه شک بقایابی بوکاتایع اولوب خروج ایتشدی فواج مسکیده مذکور درکه ملوک
 بجمه دن بهرام کورلک نسلدن ابوسعید جنابی ابتدا اظهار دین وزهد و تقوی ایدوب بعده خانی عجیب
 و غریب اعتقادات باطله دعونه شروع ایتدی طاقه مزبورده انک اولدرلو اسملری وارایدیکه بودر
 قرامطه بابکیه خرمیه من دکیه باطنیه اسمعلیه تعلیمه بحر به ملاحده سببعیه (وفات) مرویدرکه
 معتقد غایده جماع اولغین من ایچی یوزیلوب ایکیز سکسان طقوز ربع الاخرنده محکم خسته اولوب
 محتضر اولدقه عیال و فوات ایتدی دیو طیب بضنه یا شیده کوزنی آجوب طیبیه برده چالوب طیب
 فی الحمال بان و یروب بر ساعت نکره معتقد دخی وفات ایتدی مدت عمری قرقراتی باقری مدتی
 خلافتی طقوز ییل و طقوز یچی آی اولوب درت اوغلی اون برقری قالدی (متفرقات) بونک زمانده
 وفات ایدن بکار مشاهیر ابن ابی الدنیا احمد و اسمعیل قاضی شهر و ابو عینا الشاعر و ابو حنیفه الدینوری
 و المبرد النحوی و ابوسعید الخزاز شیخ الصوفیه و الجعفری الشاعر و دخی نیجه لایدی و مرویدرکه معتقد مدوح
 شعرا اولوب بعضی اتی بو طرز لطیف الیه مدح ایتشدیکه طیف الم بذی سلم بین الخیم بطوی الاکم
 جادقم یشتی القم بمن لم یملزم فیه هضم اذا یضم دای الالم ثم انصرم فلم انم شوقا و هم
 الوم ذم کم ثم کم بوم الا صم احدلم کل التلم عا لنهم و هو العلم و المصم خیر النسم خالوعم
 حوی الهم و ما احتلم طود انهم سمع الشیم رب الکرم جلال التلم کالدردم و اعی الذم
 حامی الحرم فلم یرم خص و عم بلمسم له التسم مع التسم و انخرجم اذا انهم و الما دم اذا انهم
 و مرویدرکه جاریه سی و محبوبه می در بر وفات ایتد کده بومر نیه می دیدیکه (نظم) یا حبیبالم یکن بعدله
 عندی حبیب * انت عن عینی بعد من القلب قرب * ایس لی بعد فی شی من الله و نصیب * لک من قلبی
 علی قلبی و ان بنت رقیب * و خیالی منک مذغبت خیال لا یغیب * لوزنای کیف لی بعد عویل و نجیب *
 و نوادی حشوه من حرق الحزن لهیب * انی قنت بان فیک محزون کتیب * ما یری النفس و ان سلیمتها عنک
 تطیب * لی دمع ایس بعضینی و صبر لا یجیب * و مرویدرکه بونک وفاته اشاعیده خلافتی باز یله حق ابن المعتر
 بومر نیه می دیدیکه (نظم) یا دهر و یحک ما بقیت لی احدا * وانت و الدموه یا کل الولدا * استغفر الله
 بل ذاکه قدر * رضیت بالله رباً و احدا صیدا یا ما کن القبری غیر آه مظلمه باظهاریه مقصی الدار منفردا *
 این الجیوش اتی قد کنت تسحبها * این الکتوز اتی احصیتها عددا * این السریر الذی قد کنت
 غلام * مهابة من رآته عینه ارتعدا * این الاعادی الاولی ذلت مصعبهم * این الیوث اتی صیرتم ابدا *
 این الجیاد اتی جلتهم بایدم * و کن یحملن منک الضیم الامدا * این الرماح اتی غذینها مهجا * مذمت
 ما وردت قلباً و لا کبداً * این الجنان اتی تجری جداولها * و تسحب الهم الطائر الفردا * این الوصائف
 کالفرلان راتمة * یسجن من حائل موثیة جیدا * این الملاهی و این الراح تحسبها * یا قوتة کسیت
 من فضة زردا * این التوب الی الامناء متنبها * صلاح ملک فی العیاس از فسادا * مازت تقسم منم
 کل قسوة * و تحبط العالی الجبار معتدا * ثم انقضت فلا عین و لا اثر * حتی کانک یوما لم تکن احدا
 (فصل سابع عشر در احوال و معتقدات ابوسعید باطله) اسمی علی کنیتی ابو محمد اولوب ایکیز
 الشمس درت ربع الاخری غره سنده طوغدی خوروی منبل موی لاله خدمتیه قد بدیع الجمال
 منبع السکال عذیم المثال دری اللون نادر الیون محبوب فی بدل و حسن و جالبه ضرب المثل اولوب
 حتی بر شاعر دیسدرکه (نظم) قایت بین جمالها و نهالها * فاذا الملاحه بالذیانه لاتی *

والله لا کلتها و لو انما * کالشمس او کالدرد او کالکتفی (نثر) والده می ام ولد جاره رومیه اولوب
 اسمی چچک ایدی (بیعت و بدایع و وقایع زمان خلافت او) مرویدرکه ایکیز سکسان طقوز ربع
 الاخرنده پدری خسته اولوب مکتفی بغداده قریب رقه شهرینده بولوب فوت اولدقه بونک ایچون
 وزیر ابو الحسن فاسم بن عبدالله غائبانه خلافته خلقه بیعت ایتدروب بعده مکتوبه بغداده کتورلک کده
 عظیم الایار اولوب تکرار بیعت اولندی * از دحام جهمردن قاضی ابو عمرو صویه دوشوب ینه اخراج اولندی
 حضرت علی الیه بوندن غیری علی آدلو خلیفه کلامشدر عقیب جلوسنده پدری احداث ایتدوکی
 بناری یقوب مسجد لایدوب و پدری سرای یایق ایچون الدینی دکانلری و باغچه لری صاحب لری ینه
 و یروب و مشاهیر اخیار ملوک ککی کمال عدالته ملوک ایتمکین چله خلق دائما خیر دعالر
 ایدرلردی سنه مزبورهده بغداده عظیم زلزله اولوب بر قاج کونه دلک متمد و مشته اولدی * و دخی
 بصرهده عظیم بل اسوب جمیع خرمانا جملین یقوب انک نظیری سموع اولما شدی * و دخی
 قرامطه دن شیخ دیکله معروف اولوب کذب صریحله سید کتین یحیی بن زکویه ولایت شامده خروج
 و شهر دمشق محاصره و دمشق بکی امیر طوغج الیه دائما جنگ ایدوب عاقبت ایکیز سکسانده
 یحیی قتل اولتوب برینه برادری حسین کجوب عمل الیه یوزنده بر یولک یک پیدا ایدوب اشبو شامه
 یعنی خال بنم علامت کرامتدر دیوب عیسی اوغلی عیسی بن مهرویه بونک یاتنه کلوب بنم لقیم مدثر در
 قرآنده (یا ایها المدثر) کلای بکا اشارتدر دیوب براوغلنه مطوق بالنور دیو لقب قیوب ولایت شامده
 عظیم قنه و فساد ایدوب عسکری جوعالمقین اهل دمشق انله وافر مال و یروب صلح اولدیلر بعده حصه
 واروب ضبط ایدوب منبر لنده امیر المؤمنین مهدی دیو کند و نامنه خطبه اوقدوب جاومه شهر لری
 و نواحیسن غارت و نیجه مماندری و اوغلا یققری قتل و اسیر و بعلک خلقنک اکثر فی قتل و سلیمه
 شهر فی یفما و بعض منم کسینه فی قتل ایدوب مکتفی آنک اوزرینه اون عسکر کوندروب قرامطه
 انلری کجه باصوب یلک کسینه الیه سردار حلبه قاجوب بقیه عسکرلک اکثری شهید اولوب بعده مکتفی
 رقه شهر ینه کلوب سردار ینه بیای یارد یحیلر کوندروب مصر دن عسکر کلکین حص
 فرینده قرامطه صیوب اکثری قتل و انوب نیجه لری ریدسلری ابوشامه الیه اسیر اولوب مکتفی به کتوریلوب
 قتل بعده اجراق اولندیلر مکتفی تکرار مصر و شامه عسکر کوندروب فتح و ضبط ایتدروب احد بن طوونک
 یدی نقر اوغلی مصرده قتل اولندیلر سنه مزبورهده ولایت رومده انطاکیه شهر لری جنگ الیه فتح اولتوب
 مال فراوان غنیمت اولندی و دخی مصرده عظیم لقط اولوب خلق جیفه لایوب اکثر اهل مصر هلاک
 اولدیلر طه سان ایکیده دجله یگری بر ذراع طاشوب بغدادی غرق ایتدی طه سان اوچده قرامطه قوت
 بولوب شهر دمشق آلوب قانلرد و کوب غارت ایدوب بعده کوفه کلوب مکتفی عسکر کوندروب انلر خلیفه
 عسکر فی صیوب نیجه لری قیروب مسلمانلردن وافر غنیمت الدیلر * طه سان درنده قرامطه ولایت عراق
 حجاجی چله قیروب یگری یلک کسینه ایدیلر مکتفی تکرار عسکر کوندروب قرامطه صیوب ریدسلری اولان
 ابن زکویه وفات ایتدی (فائده) مکتفی زمانده وفات ایدن بکار مشاهیر بونلرایدی * عبدالله بن امام احمد
 حنبل و زعلب النحوی و قنبل المقری و البزار صاحب المسند و ابو حازم قاضی بغداد و امام محمد بن نصر المروزی
 و شیخ ابو الحسن النوری و ابو جعفر الترمذی الشافعی و ابن زاوندی عالم و شاعر و زندق (وفات) مرویدرکه
 مکتفی مرض موته و الله ما الی الاعلی سبع مائة الف دینار صرفتاهن مال المسلمین فی ابیة ما احتجت الیه
 و کنت مستغنیاً عنها الخاف ان اسئل عنها و اتی استغفر الله عنها دیوب بعض بناله صرف ایتدوکی مال حسابدن
 خوف کلی اظهار ایدوب * ایکیز طه سان بش ذی القعدة سنده او توز بر یا و توز اوچ یاشنده وفات ایدوب
 سکر اوغلی سکر قزی قلوب مدت خلافتی اتی ییل ویدی آی ایدی (فصل ثامن عشر در احوال مقتدر
 بالله بن المعتض بالله) اسمی جعفر اقی مقتدر کنیتی ابو القضا ر ایکیز سکسان ایکی رمضانده طوغوب
 برادری مکتفی وفاتده اون درت یاشنده ایکن بیعت اولتوب اندن آیل بویه آز یاشنده تازه کسینه خلیفه
 اولدی درت بش آید نصکره طه سان اتی ربع الاوانده وزیر عیاس بن حسین بونک ایچون او غلا یققد

دیو خلع ایتمکچون بعض اعیانله اتفاق اینه کده مقتدر وزیر وافر ماله اسکا ت ایدوب لکن سائر اکابر
 عبدالله بن المعتز بالله وارب خلایف تکلیف اینه کدرنده غایت عالم وصالخ اولغین هیچ برکسته نیک
 قانی دو کترایسه قبول ایدرم دید کده اکابر مقتدره سراینده کوی وچوکان اوینارکن هجوم ایدوب
 اودخی قاجوب قیولی قبادوب بوارا قده وزیرایله نیجه لقتل اولوب اکابر ابن المعتزی کتوردوب
 علما و اعیان جمع اولوب بیعت ایدوب لقبی غالب بالله باراضی بالله یا منصف بالله قوبوب وزیر و قاضی
 نصب ایدوب اطرافه جلوسنامه ل کوندروب بواننده بیعت دیدن تاریخ مشهور مولفی محمد بن جریر الطبری
 قنده فی ابشیدوب خلیفه وزیر و قاضی اولدر کیدر دایوب ابن المعتز خلیفه محمد بن داود الجراح وزیر
 ابوالفتح احمد بن یعقوب قاضی اولدی دید کدرنده بودوات نیز زوال بولوراکرم زیر بونلر هریری کامل
 کسینه در دنیا یسه کاملره عدو و آفات و محن ایله محسوسه برور و برکدر در دیدی فی الحقیقه همان برکون
 یچنده دهر خزان جله سندن روگردان اولدی (نظم) بکتر جهاتک ایشی همان دوش خیالنه *
 اکلا بوسوزی عارف سن دوش خیالنه (عربی) احلام نوم او کطل زائل * ان اللیب بمله لایخندع *
 (خلافت ثانیه) مرویدر که ابن معتز جلوسنک ابرتنی مقتدره فلان اوه کو چسون سرایه کیرمک لستم
 دیو خبر کوندروب اودخی فوله دیوب توانی بر بره کلوب کوز کوره سلطنتدن فراغت ایتیموب طالعمر
 تجر به ایدلم دیوب سلاحتوب انفاقله ابن المعتز اولدی اوه هجوم ایدوب (نظم) اذا اقبلت جات
 تقاد بشعره * وان ادبرت ولت تقد الالاسلا * خواصحه حکمت خدا ایله اصلا جنتک اولادن
 ابن المعتز ایله توانی قورقوب قاجوب بغداد شهری بغمالتوب قائلر دو کلوب مقتدر کندی عزیل ایدن
 امر او علمای طوقوب درت کسینه دن غیر یلر بی قتل ایدوب ابن المعتزی حبس ایدوب برفاج کوندره کمره
 بوغدردی (نحره) لانا من الدهران الدهر خزان * وفازه صوره کید وعدوان * یلاطف المرء مکررا
 قاصدا حیلا * من شره کل من فی الارض حیران (نثر) بعده مقتدر ابو الحسن علی بن محمد القرانی
 وزیر ایدوب اودخی عدالت ایتکین مقتدر جله امورین اکاتوب و بعض ایدوب کند و تازه اولغین ندما
 و طاقه نسایله لب و اهوره مشغول اولوب خزینه ل تقا ایتدی * سنه من پوره ده مقتدر کافر لری میری
 خدمتله فارس دیوب طواریه بالان ایله بنس و ندر دیو امر ایتدی * و دخی عبدالله المهدی مغربده پادشاه اولوب
 خلیفه دیکله مذکور اولوب عدل و داد ایله ضبط بلاد و تسخیر عباد ایدوب مهدیه شهرنی یا یوب افریقیه
 پادشاهنی قاجردی * بونار یچنده مقتدر تازه اولغین جله مغرب و لایتری آل عباس ضبطندن چیقوب
 سائر عتبات عباسیه به دخی خلل کادی * ابیکوز طغسان طه وزده مقتدر وزیر ابن القرانی طوقوب اوینی
 بغمالیوب برینه محمد بن عبدالله بن خاقانی وزیر ایدوب عادل و متقی اولغین خری منع ایدوب شرعه
 مخالف میره النان مالگردن بلقی بشیوز بیک فلور بیلاد عتد لرفع ایتدی * او چیوزده دینور شهرنده بر طاع
 ره بکوب التندن وافر صو جیقوب کوی بلغرق ایتدی * و دخی حیواناتدن فاطر جنسی ابراهیم بیغمبر علیه
 السلام زمانتدن و طوغر من ایکن بویله محض حکمت رب قادرایله بر دیشی قاتر طوغردی (قصه حبس
 منصور حلاج رحمه الله) تاریخ خلفاده او چیوز برده شیخ حسین بن منصور الحلاج دوه به بندر یلوب بغداده
 کتور یلوب برانججه آملوب مسلمانلر بکسینه قرامطه مذهبته دعوت ایدنلر دندرد بوند اولوب بعده صاغ
 ایکن داردن ایدر یلوب حبس اولندی * سابقا الوهیت دعوا من ایدردی و لاهوت اشراقه اولو ایتش
 دردیو شایع اولوب توانیغه کاغذ یازد بجه من النور الشعشعانی دیو یازوب مناظره اولند قده مدعاسته
 قرآن وحدیث و کتب شرعندن دلیل بوغیدی دیوب * تاریخ کاملده مذکوردر که خلقه مخالف زمانلرده
 میوه لچقاروب الینی هوا بهوش اوزادوب اوزرنده (قل هو الله احد) دیو یازمش ایجه لایله آوجی طولی
 کتوردوب آدی دراهم القدره قوبوب و خلق اولرنده نه اینلر لسه و قیلرنده نه واریسه خبر ویرمکین ییجد
 خلق بوکا کیمی حاشا اله کائنات و کیمی ولی صاحب کرامات کیمی ساحر و کاهن کیمی مضطر جندر
 دیو مقتون و کراه و مضیون اولدر لکن غایتده عابد و ناهد و صائم الدهر اولوب کیجه صوابه اوج اقمه
 انگدن غیر نسته یزدی * خراساندن عراقه اندن مکه به واروب مجاور اولوب او چیوز طه وزده بغداده

کاد کده وزیر حامدن عباس بونک قتلنه چالشوب علما حضورنده سو یلدوب چاره بولیموب عاقبت
 تألیف ایتدی و کی برکاتک ایچنده ججه قادر و ایمان کسینه اوندی بر او طه بی پال و خالی ایدوب زمان ججه اطرافنده
 طواف و مناسک جی ادا ایدوب بعده اوتوز نفر بیجه اوندی اولان طعاه لک اعلا سندن یدروب بعده
 لباس کیدروب هر برینه بدیشراجه و برسه ججه وارمش کبی اولور دیمکین * قاضی بغداد اولان ابو عمرو
 بوکاد لیلالت ندر نه کابده کوردل دیوب اودخی حسن بصرینک کاب الاخلاصنده کوردم دیوب قاضی
 اکا * کذبت یا مباح الدم معناه بکده و ایس فیه هذا) دیوب بعده جله علما بونک قتلنه محضر شکلی فتوالر
 یازوب من یور حلاج بنم قائم سزه حلال دکلر دینم اسلام مذهبیم سنندرشه موافق کابلرم واردر بنم قائم
 خصوصنده الاهدن قورقور دیوب وزیر فتوالری مقتدره کوندروب قتل اجازت اولد قده سیک دکنک
 اور یلوب ایکی الی ایکی ایانی کسلوب اصلا آدیموب بعده باشی کسلوب کوده بی آتسه یا قلوب کولی
 دچله به صاور یلوب باشی دار اغاجنه اصلدی * بعض معتبراته مذکوردر که سیک دکنک اور یلوب بعده
 ایکی ایانی کسلوب بعده بونی اولد قده کوده بی ایکی ساعتده دلک یا شتر طوروب یره دوشیموب باشی
 دخی یرده اوسکنده طوروب فهم اولنر کلمات سوبلکه مشغول اولوب آخر فهم اولنان کلامی احد احد
 افضلی ایدی و دخی ابتدا قانی یره صاحب قده اوتوز یرده الله افضلی یازدی * بعض معتبراته دخی مرویدر که
 بعده خراسانده کی توانی کور میکچون باشی خراسانه کوندر یلوب احبابی قتل اولنان اودکلر صورتی
 بر حیوانه نقل اولوب انی قتل ایتدیلر دیوب بعضلر حلاج فرق کوندره کمره حیات بولور دیوب کیمی
 دخی نهران بولنده کوردم بکا دیدیکه بی ضرب و قتل اولندی دیو طن ایدن صغر ل کبی اولدر کزدیدی
 دیر لردی * صفاتج الکثور مولفی شیخ ابن عبدالسلام ایدرم و یدر که حلاج دار اغاجنه نظر ایتد کده وافر
 کولوب بعده شیخ شبلی به باقوب یا ابابکر بانکده * مجاهده وارمیدر دیوب وارید کده دوشه دیوب دوشه دکده
 اوزرنده ایکی رکعت نماز قیلوب اوکیده فاتحه ایله (ولیلونکم شیئ من الخوف والجوع) آیتنی ایکنجیده
 فاتحه ایله (کل نفس ذائقة الموت) آیتنی اوقوبوب بعده وافر نسته دیوب بعده جلاد بونک قارشوسنه
 بکوب یوزینه بر طپانجه اوروب یوزن قنادوب یوزن قیرده شیخ شبلی قریا ایدوب وقتان بر یوب کار
 اولیادن نیجه لرغشی اولوب بعده حلاج باش اولو که الله عز و جل بنم قائمی سیزه حلال ایتدی بی قتل
 ایکنر مسلمانلر شمدی بنم قتلدن اهم نسته بوقدر دیدی * علما انک حالنده کلی اختلاف ایدوب کیمی اکفار
 کیمی تعظیم ایدوب امام عزالی بونک عظیم فضائلن یازوب انا الحق دیدو کئی وانک امثالی شرعه مخالف
 کلماتی تاویل ایدوب کمال محبت و شدت وجددن صادر در شاعرک (شعر) انا من اهوی ومن اهوی انا *
 شمن روحان حلتاندا نا * دیدو کی کیدر دیوب * شیخ عبدالقادر کیلانی حلاج سورج دیو الله یا پشور کسینه
 بولندی بن اوزمانه بنشش اولایم ان آلوردم دیدی دیمشدر (متفرقات در احوال خلیفه و حوادث
 متنوعه) مرویدر که او چیوز برده رئیس قرامطه اولان ابو سعید ملعون بر حجامده بر تازر شد متکارنه
 اولاشغین اوغلان انی بوغاز یلوب بعده درت کسینه بی دخی افتندی سنی استر دیو بربر رایجر و چاغروب
 بوغاز یلوب بشجیده طویلوب طونلوب قتل اولندی * و دخی مغربده پادشاه اولان مهدی طاقه بر بردن
 فرق بیک عسکر ایله مصره هجوم ایدوب بیلدن بکلمکه چاره بولیموب اسکندر بهیه کاوب آنده قتل و فساد
 ایدوب دونوب مقتدر بالله طرفندن عسکر واروب برقه ده وافر جنگار ایتدیلر * بعده بنه بویله مهدی
 اسکندریه و فیوم شهرلری الوب ضبط ایتدی * او چیوزا یکیده مقتدر بش اوغلنی وافر یقیرله سن ایتدروب
 ایسامه لباسلر ایدوروب جمعینه التیموز بیک فلوری خرج ایتدی * او چیوز برنده بغدادده زرب آدلو
 بر حیوان پیدا اولوب کیجه طاملرده کزوب بعضی اوغلا شقلمی و نیجه خاقونلر لری بکین خاق قورقوب
 فاجسون دیو طاملر چالوب برفاج کیجه دنسکره غائب اولدی * او چیوز برنده صلح ایچون کافر لری ایلیسی
 کلکین مقتدر آلیه امر ایدوب حصاردن سرایه دلک یوز التمش بیک نفر من بن و مسلح پیاده و سوار ایکی قول
 صف باغلیوب سرایده درت بیک آق اوج بیک سیاه قول التون و کومش کرفوشا قتلر ال قاوشدروب
 یدیزو قور جیلر طوروب سرای دیوارلر بنه اون ایکی بیک دیو امر سردن باقیر لری حیردن اوتوز سکر بیک

برده اسیر ب دیو انجانه زده بگری ایکی بیک قالچه دوشنوب و دخی حرمده زنجیره یوز جانور باغانبوب
وسم وزردن براغاج دوزلوب اوزرنده خوب آواز وافر قوشلر قونوب محصل اوقدوز نیت وشوکت فراوان
نمایان قیلندیکه ایچیلر حیران اولدیلر ینه بوییل عیان حاکندن هدایا کلوب ایچرنده برسپاه قوش
وارایدیکه فارسی و هندی دلار بنجه سویلوب طوطیدن افصح ایدی ۱۰ اوچیزالتیده مقتدر والده سنک
یادردینی بیمارخانه سی اچلوب ییلده یدی بیک فلوری خرج اولور دی ۱۰ ینه بوییلده مقتدر و له واپرستایی
وخر غفلته مستلکی سبیل تدبیر امور خلافت والده سی و عورتلری قارشوب حتی والده سی برچار به سی
تعیین ایدیکه هر جمعه کونی شکایتچی دیکامک ایچون قاضی وارکان دولته اوتروب عرضالار و امرار
اوستنه کندو خطایله یورلدی مقامنده بعض امر و نهی و جواب یازردی ۱۰ ینه بوییلده مغربدن مهدی
کلوب مصرده معیدولایتنا اکثرین ایدی ۱۰ اوچیز ییلده هوادن بر عظیم بلدز اینوب اوج پاره اولوب
ضیامی چوغالوب هوله بولت بوغیکن رعدکی آواز ایشلدی (فتن و سخن) اوچیز سکرزده بغدادده
خط اولوب وزیر حامد تجدد مظالم ایچکن خاق متالم اولوب قننه ظهورا تکه شهر یغمانوب عسکر
اتلنوب عوام انلر سوکوب بر قاج کون جنک اولوب عوام زندانی یاقوب آچوب اموال مسبلینی دخی
یغمانوب وزیر طاشلیوب مساهله شاه بی اتباه مغفل ایل احوال دولت عباسیه مختل و مهمل اولدی ۱۰
اوچیز طقوزده سابقا ذکر اولندوخی اوزره منصور حلاج قتل اولندی ۱۰ اوچیز اون جمادی
الاولی سنده مشرقده طولی ایکی ذراع بر بلدز دوشوب ۱۰ اون ایکیده مقتدر وزیر ابن الفرائی و انک اوغلی
بوغازلوب ابوالقاسم خاقانی وزیر ایدی ۱۰ دخی خراسان بکی فرغانه شهرتی فتح ایدی ۱۰ اون اوچده برکون
اشتم زمانده بر بویک بلدز رعد آوازی کبی بر بویک صبحه ایل دوشوب ضیامی دینی قایدی ۱۰ اون درنده
کافر مسلمانلردن ملاطیه شهرتی قلع ایل فتح ایدیلر ۱۰ دخی موصله نهر دجله صافی یوز طوکوب اوزرندن
طوارلر کیدی اوزمانه دل نظیری واقع اولامشدی ۱۰ دخی طائفة قرامطه مکه به توجه ایتکین اهل مکه
انلردن قورقوب ولایت حجاز و غیره طاغلوب ۱۰ اون بشده کافر ۱۰ بیساط شهرنه کیروب ایچنده هرنه واریسه
الوب جامعه نده ناقوس یعنی چالچالیدیلر ۱۰ دخی طائفة دیلمری و جبال ولایت ینه مستولی اولوب نیجه
کسته لر قتل ایدوب وافر اوغلا شغلا بوغازلیدیلر ۱۰ اون التیده مقتدر علی بن عیسی برینه استاد خطاطان جهان
اولان ابوعلی بن مقله ی وزیر ایدی ۱۰ دخی قرامطه نک ریسی بر ارباب ادنی دارالجمعه قودی ۱۰ اشبو
منه لده قرامطه نک اخذ بلاد و قتل عباد و انواع فسادلردن ملمانلرک الم و خوفلری مستزاد اولوب ملاعین
بی دین بد آیین چوغالوب اطرافه عسکرلر صالوب خلیفه بی عاجز قوبوب نیجه کره عسکرکی صیوب بر قاج ییلده دل
مکه به حجاج کعبوب کفار نصاری دخی اخلاط شهرتی محاصره ایدوب بعده جامعدن منبری قالدوب
برینه صلیب یعنی خاق قومق اوزره صلح ایدوب کیدوب مغربده اندلس شهر ینه دخی بویه ایلیدیلر ۱۰ فلاحول
ولا قوۃ الا بالله العلی العظیم (خلافت نالنه) مرویدرکه اوچیز اوزون یدی محرمده اوچیز یکریمیده
امیر الامرا مونس المنصور خلیفه سنی عزل ایدوب بریکی هارون بن غریبه و برمنک ایستردید کلرند انجمنوب
عسکرکی دخی خلیفه نک خدای امور سلطنته قارشوب اموال کثیره الدقارینه انجمنوب مونس یاتمه جمع
اولوب انلنوب یانوسر زمانده سرایه واروب خلیفه نک خواصی و والده سی و دیزه سی و حرمی قاجوب والده نک
التوزینک التونی یغمانوب مقتدر رضاسیله کندو بی عزل ایدوب برادری محمد حبیدن کتور یلوب
امرا اسکاییعت ایدوب لقبی قاهر بالله قوبوب وزارت ابوعلی بن مقله به و یروب ممالکه نامه لریاز یلوب
اوچینی کون قاهر عظیم دیوان ایتدکده مونس بوغیکن عسکر کلوب جلوس بنشینشی ایله بیلقان وظیفه لر بن
ایستوب غوغا اولوب حاجی یعنی قیوچی باشی قتل و مونسک او ینه هجوم ایدوب عزل اولنان
مقتدری الوب اموزرنده کونوب بر سرایه کتوروب قاهر طونوب الله ایچون بکا فیکر دیو اغلا یه رق
کتور یلوب مقتدرانی یاتنه الوب الینی او یوب والده قرداش سنک صوچک یوقدر قورقه دیوب انک والده سی
یاتنه حرمت و رعایتله حبسی ایتدوب ممالکته تکرار نامه لریاز یلوب کویلو و بعض نمنه لر صاوب
مال جمع ایدوب ۱۰ ینه مراد بنجه مال فراوان ویردی (بیا ارفاد قرامطه به حجاب) اوچیز

اون ییلده یاکریمیده مقتدر مکیه امیر حاج ایل حاج کوندروب شهره داخل اولد قارنده عرفه دن برکون ازل
ابوطاهر قرمطی لعنه الله همان بدییوز قراشقه الله قضای آسمانی و بلای نا کهانی کبی کلوب حرم کعبه ده
بیک بدییوز و طشرده اوتوز بیکدن زیاده مسلمان شهید ایدوب مبتلرک کینی زمزم قیوسنه آتوب کینی
حرمده جقور قازدروب طولدروب نسا و صبیان دن دخی اوتوز بیکدن زیاده اسیر ایدوب بودفعه مسلمانلر
اصلاح ایدو مدیلر ۱۰ طاهر ظاهر الکفر نایک کعبه نک اورنوسنی صوبوب عسکر ینه پاره یلوب حجر الاسود
شرقی دیوس ایل قیروب قوباروب و کعبه قیوسن دخی قوباروب ایکی سنی دخی کندو ولایتنه
کتورمک ایچون الوب کعبه نک عتبه جنت مر ینه سنه حقه قوب ۱۰ انا بالله و بالله انا خلق الخلق و افهم انا
دیو کفر عظیم سویلوب التون اولوغی قوبارمغه کعبه نک اوستنه برکسنه چقاردقده باش آشاغه
دوشوب ینی خورد اولوب هلاک اولدی ۱۰ مکه ده ینله الی کون طوروب بعده حجر الاسود الوب مکه دن
حجی ابطال و کندو ولایتنه نقل ایتک اعتقاد باطلیه مسکن کفره عدنی اولان حجر و زنجیه حجر شهرنه ایلنوب
خفیف طاش ایکن یوله التنده قرق دوه دن زیاده هلاک اولدی ۱۰ یکریمی ییلدنصکره مطیع لله زماننده ینه
مکیه ایلدله کده برضعیف و کوزرم دوه کونوروب التنده صحت یولوب کوزلنوب ۱۰ هوردی قیلده دوندی
بوخصوص حجر مبارک کراماتدن ایدوکنه شبه یوقدر طاهرک کبفیت هلاکی آشاغیده متقی لله
فصلنده کاور (حوادث) مرویدرکه اوچیز اوزون یدی ذی القعدة سی آخرنده هوادن بر عظیم بلدز
دوشوب عظیم ضیامی ظهور ایدی ۱۰ ینه بوییلده برکون محکم یل اسوب بغداد شهر ینه غایده قیل قوم
کتوروب حوالیری واولری طولدردی ۱۰ ینه بوییلده یاکریمیده بغدادده (عیسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا)
آیتی تفسیرنده بعض علماء حنابله حق تعالی رسولی عرش برین اوزرنده حاشا کندو یاتنه یله اوتوردریوب
سائر علماء مقام محموددن مراد شفاعت عظمادر دیوب بونلره عوام دخی قارشوب جلال عظیم و قتال
ایله موصول و اراقده وافر کمنه مقتول اولدی ۱۰ اون طقوزده قرامطه کوفه به کلوب اهل بغداد بره دخی
کله لر دیو محکم خوف ایدوب محفلر اچلوب اغلاشوب خالق الکمل درگاهنه انکله نوسل واطف حقه
توکل ایتدیلر ۱۰ ینه بوییل طائفة دیلمری نور شهر ینه کیروب خلعت کینی قبل و کینی اسیر ایتدیلر (فائده)
مقتدرک اوج کره خلافتی زماننده وقت ایدن بکارمست ایدوب محمد بن امام داود نظاهری و یوسف بن یعقوب
القاضی و ابن شریح شیخ الشافعیه و حضرت شیخ جنید بغدادی و ابن عثمان الحیری الزاهد و امام زینانی
مؤلف کتاب سنن و جیاتی رئیس معتزله و ابن الجلال شیخ الصوفیه و ابو یعلی صاحب المسند و ابن المنذر
و محمد بن جریر الطبری المجتهد صاحب التاریخ و زجاج شیخ النحوی و ابن خزیمه و محمد بن زکریا الطیب و اخفش
صغیر نحوی و بنان الجمال که اولیاء اناهدن ایدی و ابی بکر بن ابی داود و ابن السراج النحوی و ابو عوانه
صاحب الصحیح و امام بغوی مفسر و محدث و کعبی رئیس معتزله و ابو عمرو قاضی بغداد و قدامة الکتاب
و دخی نیجه لرایدی (قصص شمادت) اوچیز یکریمیده یاکریمی برده امیر الامرا مونس مقتدره انجمنوب
موصله کیدوب مقتدر انک مالی ضبط ایدوب موصل خلقته مونسله جنک ایدو سزدیو خبر کوندروب
اودخی وافر عسکر جمع ایدوب و بغداده قصد ایدوب مقتدر دخی عسکرله چیقوب شوالک یکریمی بدینی
اربعه باکونی وقت زوالده محکم جنک اولوب مونس طرفدن بر ملعون مقتدره حربه اوروب آتدن
بیقوب قلیله بوغازلیدوب باشی کوندره دیکلوب جله لیامی صوبلوب عریان قونوب عورتی اوتوغله
اورنوب بعده یاندینی بری قازوب کومدیلر (نظم) منه تاوانی دل اندر جهان ۱۰ که ناپایداریست
و نامه ریان ۱۰ هران پاره خشی که در منظر یست ۱۰ سرکیقبادی و اسکندر یست ۱۰ هران کل که
در کستان ی بود ۱۰ من عارض دلستانی بود ۱۰ بجز خون شاهان درین طشت نیست ۱۰ بجز خال خوابان درین
دشت نیست (نثر) مدت عمری اوتوز سکر یا اوتوز طقوز ییل اولوب اوج دفعه ده جله مدت خلافتی
یکری درت ییل و ایکی آی اون کون یا اون برآی اون درت کون ایدی (انتقام) مرویدرکه قتل ایدن اعرین
اوزر ینه خاق چاغر شد قده سرایه واروب سابقا خلیفه اولان قاهری چقارمغه کیدرکن قارشودن بر بویک
دیکن کلکین بر قصاص دکاشه یناشد قده آتی اورکوب التندن چیقوب کندو سی دکانک یوقاروسنه میخلو

اولان چنانکه صابن و بقالی و خیال جان و پردی جیفه کتیفه سن اول دیکن یو کله یا قدر
 (لحیره) ظالمک ظلمی یاتنه قالمز یو صاعه هر کیستی ایتدوکن بولمز (نثر) مقتدر قتلده مونس حاضر
 اولامه من باشی ا کایتد کارنده اغلا یوب کندونک یوزینه طبانجه اوروب اصف وندم واطهار ما ایتدی
 (متفرقات) هر ویدر که کامل العقل و صحیح الرأی اولوب لکن اهل عشرت و هوا زن دوست و مغلوب
 نسا شارب الخمر اور خلافتده بر قصور و تارک الهی والامه اولوب خزینه ده اولان جواهر و اموال
 و تحف اکثری جاریه لری نه و غیره طاغدوب غایتده مبذور و مسرف و بیت المالی متلف ایدی (لحیره) دیشدر
 ایت جله اهل کمال * هر ایتده قتی خوشدر و اعتدال (نثر) هر ویدر که جاریه لرندن برینه اوج منقال
 چکر بر در بیم و برمشدیکه بهامی بتون دنیا خراج ایدی و برینه دخی بر تسبیح الخجو و برمشدیکه منلی
 کورلماشدی غایتده کامران اولوب سراینده سائر قوللرندن غیری اون برینک طوائفی یعنی خادم
 و ارادی هر بیل حجابجه او چپوزین فلوریدن زیاده خرج ایدوب و هر عرفه کوفی الی بیگ قیون
 و قرقینک دوه ایل صغر قربان ایدودی * هر ویدر که جله ناف ایتدوکی ماللر سکر یوز کردیوزینک التون اولوب
 یکریمی بیکری بولنک حسابجه درت بیلک التون اولور و وفات ایتدکده اون براوغلی قلوب اوچی علی التوالی
 خلیفه اولدیر که راضی و مقتنی و مطیع و متوکل الیه هارون الرشیدک دخی او بر اوغلاری و سابقا
 بنی اسمیه دن عبد الملک دخی درت اوغلی خلیفه اولمشدری خلفاده جعفر آدو همان مقتدر الیه متوکل
 اولوب ایکسی دخی چهارشنبه کیجه مستده قتل اولمشدر و مقتدر خلافتده یکد کده صبی اولدیندن
 ایامنده دست خلافت ضعیف اولوب تکرار ایتی که استخلاف اولوب سنی ضعیف اولغله امری تمام اولوب
 و عسکر طائفه می اوزر نه تغلب ایلر الیه اختلال حاصل اولوب قتل اولغجه بوحال اوزره هر ویدر
 بحکمه الله اربما کوفی قتل اولدیر * هر ویدر که مقتدر الیه مکره کلان خلفاء عباسیه ملوک متغلبه لند
 زبون اولوب مقتنی لامر الله زمانی اواسطده دولت عباسیه کا کان قوت فراوان بولدی (فصل تاسع عشر
 در احوال قاهر بانه بن المعتض بانه بن الموفق بانه) اسمی محمد لقبی قاهر کنیتی ابو منصور ایدی سابقا
 مقتدر بانه خلق اولند قده قاهر اوج کون خلیفه اولوب بعده خلق بونی خلق و رفع و مقتدری تکرار نصب
 ایتد کزنده قاهر و والده می یاتده رعایت طریقه حبس اولوب او چپوز بکر میده یا بکر می برده مقتدر
 قتل اولند قده قاهر و محمد بن المکتفی بی خلقی کتور و بخلافتی ابن المکتفی به تکلیف ایدوب او دخی عم
 بدن احددر دیمکن قاهر بیعت اولندی (وقایع) ابتدا مقتدرک توابعنه و اهل بیتنه عذاب ایدوب
 ماتر بن الوب مقتدرک و والده سنی محکم دو کوب عذابله هلاک ایددی * او چپوز بکر می برده عسکر قاهر هجوم
 ایدوب وزیران مقله و امیرالامرا مونس و غیره یار بونی عزل و برینه ابن المکتفی بی نصب ایتد تدارکده ایکن
 حیلله الله مونس و غیره یار دخی جله طوق بونغازی یوب ابن المکتفی بی ایکی دیوار اور تاسنه قوبوب اراسنی
 سد ایدوب ابن مقله بی عزل ایتدکن کیزلنوب اوی آتسه یا قلوب مقتدرک اوزری یغمالنوب بعده قاهر عسکره
 و طیفه لرن و یوب ساکن اولد قزنده جله خلق ایدن قورقوب قاهر بانه المتقم من اعداء دین الله دیوایب
 قروب سکه دخی بولم نقش ایتدی * کندومی دایما شرب خمر و استماع ساز و سوز ایدرکن شرابه یساغ
 ایدوب سازلی قیردوب مغنیلری دو کوب منع ایدوب ساد و رولری شهر دن موروب زمانده سازنده جاریه ل
 صنعتزد و دیو صالقی بیوردی * او چپوز بکر می ایکیده اول ملوک دیالمه اولان علی بن بویه قاهرک
 سردار الیه جنگ ایدوب سردار صیوب علی فارس و خراسان ولایتلرن ضبط ایتدی و دخی قاهر قبل اختلافه
 صانقون امان ایتدوکی جاریه بی بهامن اوزوب الان امیرامهاق اسمی بیل که قاهرک خلیفه اولامه سنی
 ایتدوری قاهرانی قلیتده کی کتیه دیرینه می اوزره طوق بونباش آشاغه قویه آتوب اغزنی ساد ایدردی
 (خلق و حبس) ینه او چپوز بکر می ایکیده مقدما کیزلن ابن مقله نک نخو و ف و غیره یکله عسکر قاهره
 انجوب جادی الاخره التبتده وقت محصرده جله می آتدوب سرایه واروب قاهر خوش و بیوش باقوب
 کوفش طوغارکن او باندرد قزنده او بایغوب وزیر الیه خاقانلری قاچوب بعض عسکر یاران قلیله
 کیرد کارنده او باقوب قلین الیه الوب جام طامنه قاچوب کیزلنوب بعده خدمتکارل ینه جبر اولند قده

دیو و یوب وارد قزنده آشاغه ایفکه عناد ایتدکن کل این یوخسه اوق اوق سنی هلاک ایدر دیکر کزنده
 ناچار ایتوب بوطرفه اعیان شهر محمد بن المقتدری حیدر چیتاروب خلیفه ایدوب لقبی راضی بانه
 قوب قاهره اختیارکله فراغت ایلد کزنده عناد ایتدکن کوزینه قیزمش میل چکوب اعی اولد قده
 حبس اولندی (لحیره) اولان دیر ایتد مقبول خلقه * صقین میل ایتد عتف و سوء خلقه
 (ذات و قرو و وفات) اون بر بیل محبوب اولوب بعده چقار یلوب یوللرده دینلی اولوب بعده مستکفی بانه
 تکرار بونی حبس ایدوب او چپوز او توز طقوز جادی الاولی سنده الی اوج یاشنده وفات ایدوب
 مدت خلافتی بر بیل والقی آی ویدی یا کز کون ایدی (متفرقات) هر ویدر که عبد الصمد ابو القاسم
 ابو الفضل عبد العزیز آدلو اوغلاری و ارادی زمان خلافتده وفات ایدن کار مشاهیر امام طحاوی
 شیخ الحنفیه که قاهرک خواجه می ایدی و ابن درید شیخ العربیه و فربری راوی البخاری و ابو هاشم بن الجبائی
 رئیس المعتزله و دخی بهضله هر ویدر که قاهره و جبار و غرور و خبیث و ظلم سیرت حقود و حدود و سیرت
 هر حاله متلقن و شرب خمر مدمن انیم و بی رحم و روی ترش خوبی سزاوار غم اولوب حاجی سلامه
 معقول فهم کتیه اولامه اکثر نامی هلاک ایدردی قاهر کزنده می دایما الله بر حربه طوقب انکله بر آدم قتل
 ایتدینجه بر قومزدی * هر ویدر که زمان خلافتده امیر مونس له توابعندن عظیم مال الوب عزل اولند قده
 نجه اسکنجه او باقوب اقرار ایتدوب عاقبت راضی بانه ایتد یوزینه کولوب لطفله سوبلک دیکد کده خلیفه
 ایکن انواع صنعت و زینتله با ایتدوکی بستان شبیه الجنان ایچون انده کومدم لکن شهیدی بن اعی به نه یرده
 ایدوکنی بیلم تشخصده ایده م بعض برلر بی قازوب یوقلا کوز دیوب راضی دخی او باغجه به غایت محبت
 ایدوب دایما انکله اکثورکن حب مال جله دن زیاده اولغین عبادتینه بونده میکی اوند میکی دیو تدر بجه
 اغا جلری کسوب دیلر بی قازدیروب کوشکر بناسن دخی ییقوب ارادوب بولم یوب قاهره تکرار
 صورتده بنده مال یوغ ایدی لکن باغجه به حیدر مدن فکر ایدوب بیقه درمغه بهانه ایتد دیمکن راضی
 بحضور اولوب حبس ایدوب اون بر بیلدنصکره چقاروب خوار و حقیر کزوب چار سولرده دینجیلک
 ایدردی خلق دخی سومد کزندن نسنه تصدق ایتدردی مستکفی بانه خلیفه ایکن بونی تکرار حبس ایدوب
 انده وفات ایتدی (فصل عشرون در احوال راضی بانه بن المقتدر بانه) اسمی محمد لقبی راضی کنیتی
 ابو العباس ایدی ایکموز طقسان بیدیده طوغوب قاهره اغز کونه قد شعیف و اوزون بوزلو ایدی او چپوز
 بکر می ایکی جادی الاخره سنده قاهر خاخ اولند قده بیعت اولندی (وقایع زمان خلافت او) هر ویدر که
 ابن مقله بی وزیر ایدوب قاهرک عیوبی یازوب خلقه او قومق بیوردی سنه من بوره ده سابقا خراج ایدن
 طائفه دیالمه نک رئیس لری من داویم اصفهانده وفات ایتدی عسکر ی غایت چو غالمین بغداده کلک ایتدوب
 مجوسیلر معین اولوب بن دولت طائفه عربی ازاله و دوات جمعی اعاده ایدرم دیوشام ایدی * ینه بویل علی
 ابن بویه ضبط ایتدوکی بمالکندن خلیفه به هر بیل سکر کزنده بوز بیک ایقه کوندر که تعهد ایدوب خلیفه دخی
 اکسحاق و خلعت کوندر و ب نه ابن بویه خلف وعد و تسویف و تعویق الیه نقض عهد ایتدی * ینه
 بو بیل ابن ابی العز محمد بن علی الشلمغانی طه و رایتدیکه حاشا الوهیت و احیاء موتی دعوی ایدوب حلول
 و تسامخ و بعض منکرات و ترک جمیع عبادات اوزره بر مذهب کفر مشرب واجب المهر بیدا ایتدکن ابن مقله
 انی طوقب علفاقوالر الیه انی و توابعنی قتل و صلب ایتدردی * سنه من بوره دن بش بیلدک فرامطه خوفندن
 بغداددن سکه به حجاج کتیموب یوللر قپاندی * او چپوز بکر می اوچده خلیفه قوت بولوب ایکی اوغلاری
 ابو الفضل الیه ابو جعفری شرق و غرب ولایتلرینه حاکم ایلدی بوسنه جادی الاولی سنده بغدادده عظیم یل
 اسوب ایتدودن اخشامه دله و احکم قراردی ذی القعدة کولک بوزنده برکیجه صباحه دله غایتده
 وافر بیلد زرد و شوب اوزمانه دله نظیری واقع اولامشدی * ینه بویلده خلیفه واسطدن محمد بن رابق
 کتور و بوزاری ابطال و جله امور بن اکافه و یض ایدوب بغدادله فواجیه سنده حکم ایدوب بصره
 رایتد قاده به عماد الدوله ابن بویه نک اصفهان انک برادر ی رکن الدوله نک موصل و دیار بکر شهر لری ربیع
 و مضرب بیل لری بنی حمدانک مصر و شام اخشید محمد بن طوغجک مغرب وافر بقیه فاطمه میوندن قائمک اندلس

عبد الرحمن الناصر له خراسان وما وراء النهر نصر بن احمد سامان بنك طبرستان جرجان ديلم بنك بحر بن و عامه
بو طاهر قمر بنك اللزنده اولوب خليفه آل عباس النده همان بغداد له نو احبسي قالدی بکرمی درنده
ابن رایت جمع امور خلافتی مستهلا کوروب اطرافه مال جله اکاکتور یلوب خلیفه نصر فدن قالدی سنه
من پوره ریح الاولی نصفه و شوالی نصفه آیه جله بنون طوتلدی بکرمی بشده امور خلافت مختل اولوب
علائک عباسیه خارجیه و مغلیه عاملا لالزنده قلوب خلیفه ضبطنده همان بغداد نو احبسی قلوب اکادخی
ابن رایت مسلط ایدی بوضع بنی امیه دن مغربده اندلس پادشاهی امیر عبد الرحمن ایشیدوب امیر المؤمنین
ناصر لدین الله دیو کند و به لقب قویوب عدل و داد ایل فتح و ضبط بلاد و قهر و کسر متغلبه ذوی العناد
ایدوب بنش عدد حصار فتح ابتدی اوزمانده دیناده امیر المؤمنین اقبیلله مذکور و مشهور اوج پادشاه
وارایدیکه بغدادده راضی بالله اندلده امیر عبد الرحمن قیروانده مهدی ایدی بکرمی التیده وزیرا بن مقله
خلیفه به ابن رایت طوت دیدکده ابن رایت خبر المغین وزیر طوتوب حبس ایدوب بعده جعفراروب
صاغ الن کسوب بعده کسلان الله قلم باغلاب یازویازوب دائما ابن رایتقه و خلیفه به بد دعا ایتدو کنی
ایشند کده دینلی دخی کسوب حبس ایدوب قتل و ذلت ایل و فوات ایتدکده همان اویره دفن اولوب
صکره توایی جعفراروب و بربرماندن بریره دخی دفن ایتدیلد اوج پادشاه وزیرا اولوب اوج کره مفرایدوب
اوج برده دفن اولندی بوقصه غرابنددر بینه بکرمی بدیده امرادن بحکم التکی ابن رایت اوزرینه عسکر
چکدکده ابن رایت قاجوب کیزلنوب بحکم بغدادده کوروب خلیفه کااکرام و بغداد و خراسانده امیرالامرا
ایدوب جمع امور سلطنتی اوکوروب خلیفه آت ملا حظه اولدی بکرمی بدیده ابو طاهر قمر مطی به بردوسی
خبر کوندروب هر دوه باشه بش التون باج و یرمکه بجایحه اجازت الیوریدی او بیله دلک حاجا جدن باج
انجزدی بکرمی سکزده دجله اون طقوز ذراع فائقوب طاشوب بغداد له اولر بن یعقوب آدم و حیواندن بیدر
جان غرق اولدی (مترقات) مرویدر که راضی بالله سخی و کریم و عالم و شاعر و فصیح و محب علما اولوب
صاحب اشعار و تدبیر امور عکرایه منفرد اولان و جوه کونی خطبه بی بالذات او قویان و ندما ایل
او توران خلفاء ذوی المقارنک آخریدر انعام واحدان موفوری و سائر امور خلفاء ماضیه ترتیبی اوزره
ایدی مرویدر که راضی زمانده علماء حنابلله غایت عزت بولوب حتی امرا و ارکان دوات اولرینه کوروب
مسکراتدن نشه کوروسه لظرفنی قیروب بیع و شراده دخی سائر خلعه حواله اولمشلردی و راضی زمانده
وفات ایتدن بکارمشاهیر شیخ خیر النسیاج و شیخ ابو علی رودباری و نقطویه الخوی که اسمی ابراهیمدر
و ابن مجاهد القری و ابن کاس الحنفی و ابن ابی حاتم الرازی مؤلف تفهیر و تواریح و ابن عبدربه مؤلف کتاب
العقد در علم محاسنرات و وزیرا بن مقله و اضطرری شیخ الشافیه و ابو بکر بن الانباری الخوی و دخی نیجه ل
ایدی (وفات) او چیوز بکرمی طقوزده راضی کثرت جماعتدن برفاج کون خسته اولوب بعده فان
فوتور و جمع و جوده ابو بکر بن مقله و راضی بالله مدت خلافت ایل اولر کون ایدی تاریخ ابن
شهنده در من استنادن وفات ایدی دیومذکوردر (فصل حادی و عشرون) در احوال متقی لله بن
المشدر بالله) اسمی ابراهیم کنیتی ابو احسان ایدی ایکموز طهسان بدیده بدوی اون بش یا شنده ایکن
طوغ مشدر راضی و فاته او توردت یا شنده خلیفه اولوب آقبکزلو کوزل یوزلوشم لا کوزلوصیق صقالو
ایدی (مناف) عابد و صالح و زاهد و فایح و اکبریا صوم و تجمد و تلاوت قرآن ایدوب اسلام مسکراتدن برنسه
ایچیموب انگبون متقی لله دیوبت قوتدی خلیفه اولدقه اولکی حالتدن برنسه تغیر و زیاده ایتوب
اولکی بار به سبله قناعت ایدوب معصم شریفدن غیر مصاحب ایتدیر ایدی (وفایع) سابقا
بغداددن غیره مالکان هر بری برنارجی و متغلب ضبطنه کیرمکین قوت خلافت عباسیه ضعف و انکسار
بولوب بغداددن غیره بدین اسلامال کزیدی طاعت و عبادنه مشغول اولغین امور سلطنته امیر بحکم تصرف
و فتح ایدوب ان کاتبی وزیر مسماعنده اولدی اتلکی سنه ده تاج بغداد دیکله مشهور ناس و اثر عظیم
آل عباس اولان بشل قبه نک بائی بریره و ول و یلدرملی کجه ده ییغادیکه من پورقه منصور خلیفه
ایتداسم بغدادی پاینده یل یا بائدی ارتعاشی سکان ذراع و اشاعیسی طول و عرضده بکرمی مشدر ذراع

ایوان بحکم بنیان اولوب قبه به علم برنده اتلو آدم صورتی و ارایدیکه النده بدامی اولوب هر نه طرفدن عدو
ظه و رایدیکه جلک ایه او طرفه دو زایدی طلسمه قونوب نوادر دینادن ایدی بینه بو ییل امیر بحکم ترک قتل
اولوب خلیفه کورتکن الدیلمی بی امیرالامرا ایدوب بحکم بکرمی کره یوزیک التونلقدن زیاده انواع
مان الیدی سابقا ابن رایت قاجدقه شامه واروب انده ساکم اولوب ایشو بیله بغداده کلوب کورتکینله
جنگ ایدوب کورتکین صینوب کیزلنوب ابن رایت خلیفه امیرالامرا ایدی او چیوز او توردده بغدادده
اوزمانه دلک اسلاملی واقع اولماش برخط عظیم اولوب حیوان و انسان مبتلری اکل اولندی (فتن و محن)
سنه من پوره ده علی بن محمد الیزیدی خروج ایدوب خلیفه ایل ابن رایت کله چکدکده چیتوب ایکسی دخی
صینوب قاجوب بغداد شهری و خلیفه سرائی یغمالنوب خلیفه بغداده ایکی منزل برده قصبه تکریمه
واروب ناصرالدوله ابن جدائی و برادری سیف الدوله بی انده بولوب ابن رایت قتل اولوب خلیفه ناصری
امیرالامرا ایدوب سینه دخی خلعت کیدروب او چی اتفاقله بغداده کلوب بزیدی واسطه شهرته قاجدی
بنه بو ییل بزیدی بغداده تکرار هجوم ایدوب خلق مضطرب اولوب خلیفه ناصر ایل جیتوب سینی
عسکرایله فارشو کوندروب مداین شهرته عظیم صواش اولوب بزیدی صینوب واسطه قاجوب سیف اردنه
دوشوب بزیدی بصره قاجدی او توردده کافر دیار بکر قریبده ارزن و میافارقین و نصیبین شهرلرینه
کلوب مسلمانلری قتل و اسیر ایدوب بعده خلیفه به شهرها کلیه ساکنده حضرت عیسی مبارک یوزنی سیلوب
صورتی انده نقش اولوب قلان مقرمه بی بزه و یرسکز مسلمانلردن اون ییک اسیر و یرلم دیو خبر کوندردکده
خلیفه علمایه طائشوب جائز کورد کارنده مقرمه بی کوندروب او قدر اسیر قورتلدی بینه بو ییل شهر
واسطه امر اسیف الدوله به هجوم ایدوب سیف بغداده کامکیچون بر به قاجوب امیر توزون دخی بغداده
عزم ایتدکده سیف موصله قاجوب توزون رمضانده کلوب خلیفه اکا خلعت کیدروب امیرالامرا
ایتدی بعده انجشد کارنده توزون واسطدن کاتبی شیرزادی کوندروب بغداده کلدکده حکومت ایدوب
حتی جدی آدلوحرامی به هر آی بکرمی بش ییک التون کسم ایل خرمزاقه اذن و یروب اودخی
مشعل له موملله کجه اولر باصوب مالار الوردی خلیفه ناصری موصلدن چاغردوب عسکر عظیمه
کلدکده شیرزاد کیزلنوب خلیفه اهل و عیالیه تکریمه کیدوب ناصر اعراب و اکراددن عسکر و اخرایله
واسطه توزون اوستنه واروب چکدکده ناصر مینوب خلیفه ایل موصله قاجوب بعده تکرار صواشوب
بنه ناصر صینوب خلیفه ایل نصیبینه قاجوب خلیفه مصر حاکی اخشیده بکا معاوتنه کله سن دیو خبر
کوندروب ناصر خلیفه دن نوعا بیزار و انی خلیفه مشاهده ایتدکده توزون ایل صلحه خبر کوندروب اودخی
رضایربوب بحکم عینلر ایدی (عذر و مکر) بعده اخشیده مصر دن کلوب رقه شهرنده خلیفه به بولشوب
یا امیر المؤمنین بن سنک قولک اوغلی قولو کم اتراک ناپاک غدار و مکار ایدکر بن یاور سن شرو مشرو مکر
و ضرر لرندن حذر ایچون کل بزمه شامه مصره کیدوب انده ساکن و بلاردن آمن و مطمئن اول دیدکده
اذا جاء القدر علی البصره و منه مظهر اوله جفی مقدر و مقرر اولغین کتک ایتیموب اخشیده مصره
خلیفه بغداده کیدوب یوله توزون ماهون ناموزون او توزاوج محرمک یا صفرک بکرمی کونی فارشو
کلوب اتدن آینوب راوبوب خلیفه کا آت نه بین دیوب توزون نجیوب خلیفه نک او کجه بیان یوزیوب خلیفه بی
مقدما انگبون کند و طرفندن قوردونی چادره ایتدردکده خلیفه بی طوتوب کوزینه آتشد قیزمش میل
چکوب خلیفه و خاتونلری فریاد ایدوب اکن توزون ایشدلامک ایچون اوتاق اطرافنده طبل و سوزنا
چالدردی بعده خواص خلافت اولان برده حضرت رسولی و خاتم و قضی اکوب متقی بی بغداده ایلدوب
مستکفی بی مجاسه کتوروب خلافته بیعت ایدوب متقی بی شهر دن چقاروب بر برده حبس ایدوب بکرمی بش
ییلدکده حبسده وفات ایدی مدت خلافتی اوج ییل آتی آی ایدی مرویدر که مقدما اسمی اولان
قاهر بالله متقیک اسمی اولدوغنی ایشندکده بر ایکن ایکی اولدق او چخبه محتاج دیوب فی الحقیقه
(مصرع) الشی لا یثنی الا و قد یثنت * مفع و منجه مستکفی بالله دخی میل حکم کله اسمی اولدی (ان فی ذلک
لعبه لاولی الابصار) (فصل ثانی و عشرون) در احوال مستکفی بالله بن المکتفی بالله بن المعتض بالله

ایمى عبدالله لقبى مستكنى كنى ابو القاسم ايدى او چيوز او تونز صفر نده قرق بش ياشنده متقى برينه يعت
اولوب شيعه مذهبه مائل ايدى (وقايح) او تونز درنده تونز ملعون ناموزون صرع مهر خندان دلاک
اولوب کاتبى شيرزاد اميرالامرا اولمغيون عسکرله اتفاق شده مستكنى اکا خلعت کيدروب بده ملوک
ديلدن احمد بن بويه اوازندن بغداد صورنا خليفه اذيله حقيقته تغلبه کلوب شيرزاد کيرلوب خليفه
احمد خلعت کيدروب اکامه ازالدوله بر برادري على به عمادالدوله او بر برادري حسنه وکن الدوله کندويه
امام الحق ديولقب قلوب بوجله يي مکيه ضرب ايدردى بعده معزک دولتي قوت بولوب خليفه يي تدبير
امور سلطنتن بالکليه منع وهر کونده همان بش بيک اخچه نرجاق تعيين ايدى ملوک ديلدن ولايت عراقه
ابتدا مالک اولان بودور کرمان شهر نده بر جنکده برالى کسلشدى (خلع و ظلم عظيم) او تونز درت جادى
الانخره سنده معز خليفه دن وهم ايکين خليفه نک يانته واروب ديلدن ايکي کسسه ال او پک ايستوب
خليفه التى اوزانده طوبوت تختندن آشاغه چکوب ديلدن بوزاينه طاقوب اهل ديوان ايچنده
فر ياد وولوله اولوب معزک توابعى سرايک درون و بيرونده هرنه واريابه جله بعه مالىوب معز مذل خليفه يي
بيان سوروب کندوسراينه وارد فده کوزينه قيرمش ميل چکوب فضل بن المقتدرى کتوردوب خليفه
ايدوب لقبى مطيع لله قلوب مستكنى حبس اولوب او تونز سکزده قرق التى ياشنده وفات ايدى مدت
خلافتى برييل درت آي ايدى (عبرت) معلوم اوله که بغدادده کوزينه ميل چکوب اعمى اولوب عزل
واهاست اولمش اوج خليفه حیاتده جمع اولدیلر که قاهر بالله ومتقى لله ومستكنى بالله در بوقصه بر غصه
غرايت حصه دنياى عديم البقا وسريع الفنا و ذريح العنانک غدار غرارى و فاقومکار طرار بر جفا و دار
محنت مدار مصلوب الصفا اولوب ماواه الاوا و مشوا بلوا ايد وکنه ماتند شمس تابان دليل و برهان واضح
البيان اولوب اصحاب عز و جاه و رفعته موجب عبرت و ناصح عظيم الموعظتدر (نظم) هر ذره که در
هوا و درها مونسست * کينسر وکی قباد وافر يدونست * از خيره کشي که گردش کردونست * اين عالم خالک
نست طشت خون است (فصل ثالث و عشرون در احوال مطيع لله بن المقتدر بالله) ايمى فضل لقبى
مطيع كنى ابو القاسم اولوب او چيوز برده طوغندي او چيوز او تونز درت جادى الانخره سنده مستكنى
برينه يعت او تونز معزالدوله نوکا کونده بوز فلورى خرچاق تهين و تصرف امور خلافتدن بوني دخني منع
ايدوب جمع ولايت عراقى کندو توابعى ضبط ايتديلر (وقايح عجيبه متنوعه) هر ويدر که ينه بوييله
بغدادده عظيم خط اولوب نيچه کسسه لر چيفه لر و طوار تر کن ييوب بولارده اجلتدن وفات ايدنلر کابلر
بيوب بر فاج دانه افکه عمارلر صانلدى * ينه بوييله ناصر الدوله بن جلاله معزالدوله اراسته عداوت
دوشوب ناصر من رأى شهرندن عسکر چکوب معز ايله مرارا صواشوب عاقبت صلح اولدیلر * ينه بوييل
مصر حاکی اخشيد محمد بن طوغوج وفات ايدى اخشيد اقطى ترکستانده شهر فرغانه پادشاهلر بيک
لقبى اولوب ملک الملوك ديتک ايش و دخی مغرب پادشاهى قائم امر الله وفات ايدى * بعض معتبرانده
مذکور در که مطيع لله زمانده مصرده عظيم زلزله اولوب بر فاج آيه دل مکرا اولمغيون ولايت مصرده اوسيدن
نيچه شهر لر تراب اولوب خلق صحرالرده ساکن اولدیلر و دخی بغدادده هوادن برر بطمان آغراي طاشلر
ياغوب وافر آدم و حيوان هلاک ايدى و دخی مصرده عظيم احراق واقع اولوب دکانلردن ماعد ايلک يديوز
عدداو يانوب کافور اخشيدى آتشى سوندردم که بر دستى صوکتورنه برانجه ديوندا ايتدروب اون درت بيک
فلور يلات صوکتورديلر * او چيوز او تونز بشده معزالدوله خليفه به تصرف امور اذن و يروب اوزرندن
حواله يي فالدروب خلفا سراينه کوندروب ارازنده عهد و پيمان و نيچه ايمان اولدى * او تونز بديده دجله
يکري بر ذراع طاشوب بغدادلر اکثرى غرق ايدى * طاقه قرامطه سابقا حجاز الاسود مبارکي که به دن
قوباروب ولايتلر ينه اياکيک امير بحکم اترکي انلر الی بيک فلورى و يروب المتى ايتدرد که و يرميوب
بر آي امره لاق ينه امر اولمغيه و يرميوز ديتلردى * او چيوز او تونز طوقوزده مسلمانلر اى مفت و يرد کارنده
مکيه ايلد بلوب عید انبي کوفى برينه قونده اوج بيک يديوز طوقسان يدي درهم کومش ايله اطرافى
يتد اولندى * قرق برده تاجنيه دن بر طاننه ظهور ايدوب ايجارلندن بر نازه يکت حضرت عابنک روى بکا

خاوقى حضرت فاطمه نک روى خاوقه حلول ايتدى برى دخی بن جبرائيل ديمکين طونلوب دوکلوب
معز الدوله شيعى او لغين قوب و يردى * سنه مز بورده منصور بالله الفاطمى مغربده وفات ايتدى
اوغلى معز لدين الله پادشاه اولدى * قرق او چده خراسان حاکی خليفه نامنه خطبه اوقيوب خليفه
ايشدوب اکا خلعت و منجاق کوندردى قرق درنده مصرده عظيم زلزله اولوب اولر ييه لوب اوج ساعت
طوروب جله خلق صحرابه چيچه و بضرع و دى ايتديلر (امور مدهشه) تاريخ الخلفاءده مذکور در که
قرق التيده درياکسسان ذراع آشاغه ايتوب نيچه طاغلو و جزيره و کور لماش عجايب ظهور ايتدى
و بجمده رى شهر نده و نواحي سنده عظيم زلزله اولوب يوزالى عدد شمر طالقان جله خليفه يه چکوب همان
او تونز کسسه قورتلدى و جله ولايت ريدى يوزالى عدد قريه يه چکوب حلوان شهر نه اولاشوب انک دخی
اکثرى يه بکدى و يرانلندن ميتلرک کوکرى و دخی نه واريابه طشره چيچه و بوسکارلر ظاهر اولوب ينه
ريده بر طاع باره لوب و دخی بر قريه جله ايچنده اولنلر يله کولک اراسنده صياحدن اويله و قسده دلک
معاق طوروب بعده آشاغه ايتوب يه بکدى و دخی يريوزى چايچاچا تلابوب ايچندن بدر ايچه لويي کارلر
ودخانلر چيقدى * وينه قم و حلوان و جبال شهر لر نده و ولايتلر نده زلزله اولوب نيچه کسسه لر هلاک اولدى و دخی
چکر که کلوب دنيايى بوروب مز رعه لر و اغا جله او شوب يديلر * و قرق طوقوزده مصر چنجاى مکدن دونوب
مصره کيدر کن بر و اديده کيچه عظيم سيل کلوب جله سنى احوال و افعال و طوارلر يله سوروب دريايه غرق
ايتدى (وقايح متنوعه) ينه قرق طوقوزده ماوراءالنهرده کفارت کدن ايکيوز بيک خرگاه خلق ايله ايمانه
کلوب جله مال و طوارلر يله کوجوب دار اسلامه کدیلر بالله الحمد والمئه * او چيوز ايلده معزالدوله بغدادده
بر عظيم مرای يابوب امامتک عنى او تونز طولى اللی ذراع ايدى * اللی ايکيده معز عاشر اكونى خلق دکانلر
قياوب طاقه زنجان صاحبين چوزوب يولرده فر ياد کان نوحه زنجان ماتم حضرت حسين عالیشان ايچون
کرمت فرمان ايتدى * بويده عنى ابتداء معز ييد ايدوب ايکي ميلد نصکره ترک اولندى * ماه ذى الحجه نک اون ايکيني
کوفى ررافض عادتيجه يوم غدیر بيرامن ايدوب طبل و سورنا چالدردى * سنه مز بورده ولايت ارمن راهي
ناصر الدوله بن جلاله يکري بش ياشنده ايکي کسسه کوندردى که قدرت حظه انالزندن بر برينه متصل طوغش
اولوب اوقات جوع و عطشلى برابر اولمغيون کسوب برى برندن آيرمق ممکن اوليوب برى زندوست برى
جو اندوست ايدى اتفاق برى وفات ايدوب اطبا کسکه چاره بولموب عاقبت ميتن رايحه سندن صاع
اولان قزندانى خسته اولوب اودخی وفات ايتدى * اللی او چده سابقا کوزينه ميل چکوب اعمى اولان
قاهر بالله وفات ايتدى * ينه بوييل سيف الدوله ايچون عود نک طولى اللی ذراع مثلى نادر بر عظيم چادر ييدا
ايتديلر * اللی درنده کفار روم پادشاهى مسلمانى غارتنه يقين اولمغيون قيساريه شهر نه بنا يابوب وانى
تختگاه ايدوب بعده مصيصه و طرسوس شهرلر بن الوب ايکيک بيک يوز بيک قدر خاقنک کيى اسير کيى
قتل ايدوب بعده انطا کيى يي دخی الی * انالى التيده معز وفات ايدوب برينه اوغلى بختيار پادشاه اولوب
خليفه اکا عز الدوله ديولقب قودى * اللی بديده قرامطه دمشق شامى آلوب شام و مصر دن مکيه به حجاج کيىوب
مصرى دخی المتى ديلد کده مغربدن معز لدين الله کلوب مصرى الوب ضبط ايتدى دنيايى ملوک روافض
قبلاوب مغربله مصرده فاطمه يون عراقده ديلمون حکم ايدلردى * اللی طوقوزده يالتمشده عراقده بر کيچه
صيه رعد کيى حکم صدا ايله بر عظيم بلدزدوشوب کوفتى کيى ضياحى دنيايى طوندى * التمشده مطيع
مفلوج اولوب ديلی اغرلروب لکن مرضى اخفا والتش او چده اظهار ايتدى * التمش ايکيده بختيار
خليفه دن ظالمه مال ايستوب اودخی نسته م بوقدر خطبه ده برنام قالدی ديلر سه خلافتدن دخی فراغت
ايديم ديوب بختيار تکرار اقدام ايتد کده خليفه اسبابلر بن صاوب بختيار در تيه وزيک انچه و يردى *
سنه مز بورده بغدادده اعوان ديلدن برى قتل اولند فده وزير ابو الفضل شهره آتش بر اقدروب عظيم
احراق واقع اولوب اولرده و حمارلر وافر مسلمانلر يانوب مال فراوان تلف اولوب ينه بوييل وزير خيبت دخی
وفات ايتدى * التمش او چده خليفه علمادن ابو الحسن محمد الهاشمى يي کلى ابرام و الحاج ايله قاضى القضاة
ايدوب کندوبه اصلاوظيفه و يرميوب خلعت کيدر لميوب شرعه مخالف شفاعت اولمغيوب کاتبه هر آي

او چيز حاجت به يوراني قسامته يوز حافظ سجلا نه و محض راه انيوز فلوري و يران شرط انيكن خليفه
 جله نه وضا ورميوب قاضيتك مدح و ثناني و بهض اموري مفصلا بيان ايد بر رات يازلدی * خلفاء
 آل عباس بر فاضل و متدين متلاقي قاضي القضاة نصب ايند كده جميع عمالات عباسيه به قاضيلر نصب و عزل
 اينك اكامفوض اولوب اصلا خليفه و غير يلى اكافار شردى (فانده) بونك خلافتنده وفات ايدن كار
 شاهيزه حرق شيخ الحنابلة و شيخ شيعي و حكيم ابو نصر فارابي و امام كرخي شيخ الحنفيه و دي نوري و قاضي سونخي
 و ابو عمر و الزاهد و مودى مؤلف مروج الذهب و ابو بكر النفاش مؤلف تفسير و ابن درستويه و ابو الطيب
 المتنبى الشاعر المشهور و ابن حبان صاحب المسند و ابو الفرج اصفهاني مؤلف كتاب انغالي كه الاي بيلده
 تاليف ايندى و دخی نيجه رايدى (فراغ وفات) او چيزوالتش اوج ذى الحجه سنه خليفه مقدمه مامبتلا
 اولديني مرض فالج ارقنين حر كندن قالوب ديلي دخی محكم اغراندقده ناچار اظهار ايدوب بختيارك
 حاجي سبكتكين تلقينيله خلافتي حسن رضاييله ياسايقا بختيار اهوازه كيدوب قائم مقامى اولان
 سبكتكين بختيارك سرائي يغماليوب خليفه به جبر اوغلي طابع لاهه فراغت ايندر مكله طابعه بيعت
 اولدقده بعد الفراغ مطيع لاهه شيخ فاضل دينوب اهل و عياليله واسطه كيدوب اوغلي دولتنده عزت
 و نعمت ايله بختوب ايكي ايند نكره التمش اوج ياشينده وفات ايدوب مدت خلافتي يكرمي طغوز بيل
 بش آي ايندى (فصل رابع و عشرون در احوال طابع الله بن المطيع الله) اسمي عبد الكريم لقبى طابع
 كنيقي ابو بكر اولوب اورته بويوليون بورنلو بكرى اشقر شديد القوة حدتو كسسته ايندى آل و اتباع
 حضرت على به غایت عداوت ادرزه اولوب او چيزوالتش او چده پدري اختياريله فرق يدي ياشنده
 خليفه اولمشدر حضرت ابو بكر ايله بوندن غيرى بابايى حياتنده خليفه اولمش كسسته يوقدر ديار
 (و ذاب مشوعه) مرويدركه بيعت اولدقده جله عسكرايله اتلنوب ارقاسنه قديمين خلفاده طورن
 برده حضرت رسول كيوب امير سبكتكين خليفه نك او كچه كيدوب ايرتسي خليفه اكاستخاق و ساطنته
 اجازت و يروب خلعت كيدوب لقبى نصر الدوله قودى بعده سبكتكين ايله افتديسي عز الدوله بختيار
 انجنتوب سبكتكين عسكرايلى كندوبه او يدروب بختيار ايله بغدادده مزارا صواشد يله سنه موزوره ده
 حرمينده خطبه سلاطين فاطمين نامنه او قوغه باشلدى التمش درنده عضد الدوله عم زاده سى بختياره
 معاونت ايجون بغدادده كلوب عسكرا بختيارك اوستنه هجوم ايند كرنده قيسون قبايوب كيزلنوب عضد
 بغدادى بكنوب مديرا امور خلافت عضد اولدى ديو خليفه اساتدن اطرافه امر لار يازدردقده خليفه
 انجنتوب او دخی بغدادده و غيرى برارده االى كونه دل خليفه نامنه خطبه او قغنى كسدى به يوليده مصر
 و شام و شرق و غربده دفع و دفعي مقوله فرض اولان مذهب و رفض غايت شيوع و قوت يولوب حتى مصر
 و شام پادشاهى صلاحه تراويحي منع ايدوب به يوليده امير سبكتكين محمد و وفات ايدوب بختيارك ايلالى
 قالدی التمش بشده ركن الدوله فارس بن بويه سباه ممالك اولدوغى مملكتلى اوغلار ينه تقسيم بعده تسليم
 ايدوب عضد الدوله به فارس و كرمانى مؤيد الدوله به قم و قزوین و روى و اصفهاني خرا الدوله به ديور و همدانى
 و بردى به يوليده بختيار ايله عضد انجنتوب بختيارك بر محبوب بنى عضد اسير ايدوب بختيار بنى اختيار
 ديوانه اوله يازوب عضده تضرع نامه يازوب يا كز بر يسي يوز بيل فلوريه الدوغى ايكي سازنده جاريه يي هديه
 كوندروب محبوبى ادى التمش يديده عضد بختيار ايله صواشوب طوقوب قتل ايدوب خليفه عضده
 خلعت سلطنت و تاج مجوهر و تنگ و كركيدروب قوشادوب برى التون برى كوش ايكي سنجاق و يردى
 التمش سكرده خليفه كمال ضعف خلافتدن بغدادده عضد نوبت چالدرغه و خطبه ده نكرته اذن و يروب
 مقدما سائر ملوكه يوقدر و رخصت و برلما شدى (آمدن ايلچى) التمش طغوزده مصر پادشاهى عزيز
 بالله بن ايلچى كلوب خليفه عضده تاج و خلعتلر كيدروب تاج المله ديور لقب دخی قويوب خليفه
 تختنده و قوزوب اركنه معصف حضرت عماني ارقاسنه برده حضرت رسولى قويوب بيلينه حضرت رسولك
 قلبن قوشانوب الله چوكان خلافتي طوقوب اطرافنده زينه يوز كسسته قلملر طوقوب خليفه نك او كنده
 بر مصر برده اصلوب اعيان مملكت مرتبه لرجه ايكي طرفده صف باغلوب عسكردخی ديروب ايلچى

ايجرو و كيدركه ابتدا عضد واروب برده اچادقده عضد يرايوي ايلچى به دهشت كلوب بوالله ميدرديوب عضد
 دخی بونك كن بر يوزنده خليفه الله درديوب بعده عضد يدي كره يراويوب قدم قدم يور يوب خليفه قيو اقا سبه
 عضدى يوقارويه بختيار يوب عضد تكرار ايكي كره يراويوب خليفه عضده بكا يقين كل ديوب او دخی
 بختياروب خليفه نك اياغنى او يوب خليفه التمش عضدك اموزينه قويوب بشقه طوران كرمي به او نورمق
 يوروب عضد استيوب خليفه ابرام ايند كده عضد كرمي يي او يوب او نوروب خليفه اكاجميج امور خلافت
 تدبيرين سكاغويض ايندم ديوب او دخی الله تعالى بكامير المؤمنينه اطاعتله خدمت ايند كده عين اوله ديوب
 بعده خليفه عضده خلعتلر كيدردى هيچ برخليفه بر كسسته يي چاق بويله مسخر و مغلوب اولوب سهايت خلافتي
 ازاله ايند يكيچون خليفه يي شعرا هجو ايند شردى (متفرقات و غرايب امور) يتمش او چده عضد
 همداندين بغدادده كلوب خليفه اتى قارشولوب خلفاء ماضيه ده بوضع اولما شدى به يوليده عضده عين
 ساكندن هديه كلوب اينچنده همان الى التمش بيمان يكباره عنبر خام يي نظير وازايدى يتمش ايكيده عضد
 وفات ايدوب اوغلي مصصام الدوله يي خليفه انك برينه ديكيوب لقبى شمس المله قويوب بر تاج و يدي خلعت
 كيدروب ايكي سنجاق و يردى يتمش بشده ولايت عانده دكردن قيل قدر بر آق قوش چيقوب برديه به
 قونوب صوت عالي ولسان فصيح ايله اوج كره قدر ب الامر ديوب ينه دريايه كيروب اوج كونه دل بويله
 ايلدى يتمش التمش شرف الدوله كلوب برادري مصصام الدوله يي طوقوب كوزينه قيزمش ميل چكوب
 برده ممرنده حبس ايدوب بعد كسره ميل ايدوب بغدادده كلوب خليفه اتى قارشولوب تاج سلطنت
 كيدروب عهدنامه سى ياز يلوب خليفه ياشنده او قوندى يتمش سكرده شرف احوال نجوم مضبوط و معلوم
 اولمچيچون مأمون خليفه زماننده كي كي كواكب سبعة مرصد بن امرا ايندى و دخی بغدادده عظيم خط و موت
 ظهور ايدوب بصردده دخی بادشاهى و سوب خلق اندن ييتلرب رشككم بل دخی اسوب دجله ايرماغنى باقوب دخی
 كور يروب و كيدلر غرق ايدوب و طواررله طلوبركي يي قالدروب بر فاج كوند نصكره براوزاق برده بولندى *
 يتمش طغوزده شرف الدوله بغدادده وفات ايدوب سلطنتي برادري ابو نصر و وصيت ايدوب خليفه اكواروب
 تعزيت ايدوب ابو نصر مزارا يراويدى بعده خليفه به كاد كده خليفه اكايدي خلعت و عباى دابند
 و بويتمه خلخال و الله ايكي بلازل كيدروب او دخی يراويوب بشقه كرسيدده او نوروب عهدنامه سى او قونوب
 خليفه اكاهيه الدوله ضياء المله ديولقب قودى (فانده) زماننده وفات ايدن كار مشاهير ابن السني
 المحدث و ابن عدى و محمد الفيل الكبير الشافعي شيخ الشافعيه و سيرافى شيخ النحوي و ابو بكر الرازي شيخ الحنفيه
 و ابن خالويه و زهرى شيخ العربيه و ابو ابراهيم البخاري الفارابي مؤلف كتاب ديوان الادب و رقاء الشاعر
 و ابو زيد المروزي الشافعي و ابو بكر الابهري شيخ المالكيه و امام ابو الليث سمرقندى شيخ الحنفيه و ابو علي
 القاسمى شيخ النحوي و ابن الجلاب المالكي و حنين الماسرجي كيتمش جلد مسند كبير مؤلفيدر و محمد بن حنيف
 الشيرازي شيخ الصوفيه و خطيب بن نباته كه واقعه سنه حضرت رسولى كوروب مرجا بختيار الخطبا
 ديوب يانلر ينه چاغروب وارنده آغز ينه نو كروب وفات ايد نجيجه دل اغزى مسلك كبي قوقاردى (خاع
 و بعض متفرقات) او چيزو زسكان برده خليفه بهاء الدوله نك خواصندن برينى حبس ايند كده بهاء بنى حيا
 كلوب يراويوب كرمي به او قونوب توابي خليفه يي تختندن چكوب اوستنه او شوب برا حرامه صاروب بهانك
 سراينه كوتوروب ممرده ولوله و غلغله قويوب خليفه خلافتي اختياريله قادر باللهه فراغت ايدوب بخت
 ياز يلوب قادر غيرى برده اولوب يكرى كوند نصكره كلوب بيعت اولوب طابعي سراينه الوب عظيم رعايله
 بسليوب طقسان اوج شوانك اول كچه سى وفات ايدوب نمازنى قادر قلوب جله اشراف دفننه حاضر
 اولد يلمدت عري يتمش اوج مدت خلافتي اون يدي ييل الى آي التمش كون ايندى (فصل خامس و عشرون
 در احوال قادر بالله بن از مير اسحاق بن المقتدر بالله) اسمي احمد لقبى قادر كنيقي ابو العباس در بابايى
 اسحاق خليفه اولما شدى او چيزوالتش ايدده طوغوب قرق بش ياشينده خليفه اولمشدر (مناقب)
 مرويدركه آق بكنز لوقبا و اوزون صقالا اولوب سياهله بوياردى عالم مجد و صالح مجتهد متفق و مشفق و حسن
 خصاله متخاق ذكى و لبيب و مدبر و مصيب كامل خوب سيرت عاقل بالشر يرت سنى مشرب و شافعي

مذهب ایدی علم اصوله برکات تألیف ایدوب ایچنده ضائل صحابه کرام و آثار و افاض و مه تزله لسان
بیان ایدوب مدت خلافتده مهدی جامعده هر جمعه کوفی محدرار مجلسنده اوکتاب لطیف اوقنوردی
(بیعت و بعض و فایع) او چیوز سکسان بر رمضانک اون برنجی کون بغداده کلوب نخته کجوب شوالده
عظیم دیوان ایدوب به الدوله ایلده بری برلیده داغما مصافات اوزره اولغه عهد و پیمان و محکم ایمان ایتدیلر
سکسان درتده ولایت عراق حجاجنی عامی عربلر و ندر و ب عراق و شامدن و یئندن برکسنه بجه
وارمیوب همان مصر حجاجی واردیلر سکسان اتیده مصر پادشاهی عزیز بالله وفات ایدوب بمالک
بن و شام و حلب و حما و حص و موصلی دخی ضبط ایدردی * سکسان طقوز ربع الاقلینک اوننجی کوفی
بغدادده قوشلق زمانده برعظیم هیبتلویلار دزد و شدی * طقسانده ولایت مجستانده غایت اعلا اتون
معدنی بولینوب طبراقدن بلاتعب نصفیه ذهب ایدرلردی * طقسان سکزده بغدادده شیعه و اهل سنت
اراستده غوغا اولوب شیخ ابوحامد الاسفراینی قتل اولنه یازوب رافضیلر مصر پادشاهی حاکم بامر الله
منصور زندیق ایچون یا حاکم یا منصور دیو چاغرشوب خلیفه منیلره معاونت ایچون آتلور کوندروب
رافضیلری طاغندیلر طقسان سکزده بغدادده بر ذراع فارباغوب یکرمی کون طوروب اوزمانده
تظیری واقع اولاماشدی و دخی دینور شهرنده عظیم زلزله اولوب یقلان بنار اتنده اون یلک آدم هلاک
اولدی و عظیم طولو یاغوب ایچندن بریسی یوزالی درهم ایدی * طقسان طقوزده بصره قاضیسی رفع
و غیرسی نصب اولندقدن برشاعر ایکدنسی دخی بویه لطیف هجو ایتدی که (نظم) عندی حدیث ظریف
عشله یغنی * من قاضیین بعضی هذا و ذلک یعنی * فذا یقول جبرنا و ذاقول استرحنا * و یکذیان جمیعا
ومن یصدق منا (امور غریبه) هر ویدر که خلیفه به یا جوج و مأجوج بدن برکسنه کتوردیلر
بوی بر ذراع صفائی ایکی فارس اولوب غایت بیولک قولقلری و ارایدی سد و القترین اوستنه جیقوب
بواجبه یل دوشمرش ایدی * درنیوز اوند سلطان محمود بن سبکتکین هنده غزا ایدوب حددن بیرون
حال غنیمت آلوب خلیفه به عظیم هدایا کوندروب ایچنده درنیوز بطمان صافی اتوندن بر صنم و عورت
صورته و زنی التمن متقال یکباره یاقوت اجر شپیراغ و ارایدی * اون بر ده مغربده افریقیه ده هوا
بولنلوب محکم رعد و برق اولوب غایه ایری طاشلر یاغوب هر طوقنان آدمی و حیوانی هلاک ایدردی
اون اوچده مکده قرامطه دن اجر و اشقره باند و جسم بر ملعون حجر الاسود مبارکی دپوسله اوروب
* الی منی نمیدالجر ولا محمد و لا علی ایمنی محمد فالیوم اهدم هذا البیت * دیدکده فی الحال برکسنه
اکاخنجر اوروب بهره آنشه یا قلوب بر نیچه کسنه رانکه یله اولمنی تمه یله قتل اولنوب بعض
اشقیامصر حجاجنی بقماندیلر * اون سکزده جمیع ولایت عرافنده کوچکی ناوق بر طه سی قدر بیوک بر
بیکشر بطمان طولور یاغوب مزعه لرده اکثر جوبانی هلاک ایدی و دخی تشرین نایده غایته صوغق
یل اسوب جله صولر طوکوب دولار حر کندن قالدی * یکرمیده ولایت بغدادده ناحیه نعمانیه ده
غایته بیولک طولور یاغوب فرضال ایچندن بریسی بغداد قنطار یله تمام بر قنطار اولوب بر ایچنده بر ذراع
کرلمشدی * بنه بویملک رجبنده بر عظیم یلار یلدرم کبی آوازله دوشوب بر یوزنی ضیائی طوقوب
درت یاره اولدی ایکی کجه دنصره اندن کوچک بر یلدر دخی بعده اندن بیولک بر یلدر دخی دوشدی
(فانده) قادربالله زمانده وفات ایدن کارمشاهر بونلدر * رمانی شیخ النخوص صاحب بن عباد که هم وزیر
و هم علماء کاردن ایدی و وزیر مؤید الدوله و دار قطنی امام علم حدیث و ابن شاهین و ابو بکر الاودنی شیخ
الشافیعه و ابن ابی زید شیخ المالکیه و شیخ ابوطالب مکی مؤلف کتاب قوت القلوب و ابن شعون الواعظ
وزاهد السرخسی شیخ الشافیه و ابن علیون المذنبی و کشمینی راوی البخاری و ابن جنی شیخ العربیه
و ابن اعل الجوهری مؤلف کتاب صحاح المله و ابن فارس مؤلف کتاب معجم اللغه و حافظ بن منده و اسماعیل
شیخ الشافیه و ابن علی بن النخعی و ابن اعل الجوهری مؤلف کتاب مقامات و ابو حبان مؤلف
کتاب سیر مشهوره و ابن الشاعر و ابو الفتح بستی شاعر مشهور و حلی شیخ الشافیه و ابو الحسن القاسمی
و قاضی ابو بکر الباقلائی و خطیب بن بانه و زهریری شیخ شافیه و حاکم مؤلف کتاب مستدرک در علم حدیث

وشيخ ابو حامد الاسفرائي وابن فورق وشريف رضى وابن مردويه وابو عبد الرحمن السلمي شيخ الصوفيه
وابن البوان استاد خطاطان وقاضى عبد الجبار الهمداني المعزى ومحمداً الى شيخ الشافعية وابو بكر القفال
شيخ الشافعية وامام ابو اسحاق الاسفرائي وعلي بن عيسى الربيعي النخعي ونجيه (قائده) مرويدركه
قادر زمانه ورئيس اشاعره ابو اسحاق اسفرائي ورئيس معتزله قاضى عبد الجبار ورئيس روافض شيخ مفيد
ورئيس طائفة باطله كراميه محمد بن الهيثم ورئيس القراء ابو الحسن الجالى ورئيس اخدين حافظ عبد الغنى
ابن سعيد ورئيس المشايخ ابو عبد الرحمن السلمي ورئيس شعرا ابو عمرو بن دراج ورئيس خطاطان ابن البواب
ورئيس زمانه حاكم بامر الله سلطان مصر ورئيس علماء لغت اسماعيل جوهرى ورئيس علماء نحو ابن جنى
ورئيس بلغا بديع الزمان ورئيس خطبا ابن بانه ورئيس انقراء ابو القاسم بن حبيب ورئيس ملوك سلطان
محمود بن سبكتكين ورئيس خلفاء دنيا قادر بالله ايدى (وفات) مرويدركه من بورقادر دريوز يكرى
ايكى ذى الحجه سنه مئى مئى مئى باطوقسان اوج باشنده وفات ايدوب غازى خليفه اولان اوغلى قائم
بامر الله قيقلوب دار الخلافه دهن اوانوب اون ايد نصكره كيجه چقار بلوب برمه ايله بغداد شهرتك
قارشوشنده نهر دجله نك اوبرجانه كجور بلوب مقارده دهن اولندي مدت خلافتى قرق بيل اوج آى ايدى
(فصل سادس وعشرون در احوال قائم بامر الله بن القادر بالله) اى عبد الله لقى قائم كنى
ابو جعفر ايدى او چيوز طوقسان برذى انقوره سنه طوغوب دريوز يكرى ايكى ذى الحجه سنه پدري
برينه خليفه اولدى (مناقب) خوب صورت خوش خوى حاكم عادل عالم كامل عابد زاهد ومجد
ومجاهد صابر واديب عارف وليب قوى الايمان كثير الاحسان اولوب (نحرره) اهل جود
واطفا ايدى اول ذوالعلا * هرنه كيم اوله رجايدى لا * بلكه دير ايدى نم و يروب نم * اهل فضل
ويذل ايدى صاحب هم (امور غريبه) مرويدركه يكرى يدي وجنده بر عظيم بلدز دوشوب نوري
كونش نوره غالب اولوب ازدره سكي سياه وعظيم قوبرونى اولوب بر ساعت طوروب ينه بوييله
بر عظيم قراكونق اولوب هر كشه ياتده اولانى كوره ميوب خلقك نفسلى طوقلوب تيز كشمه هلاك
اولور زردى * يكرى سكرده مصرده خط يوسف كى خط عظيم اولوب يدي بيل اوزانوب خلق رى برين يوب
براغلى التونه صانلدى مذكور خط جميع عمالت عالمه سرايت ايدوب هر شهر خلقينك اكترى اجلندن
هلاك اولديار اوتوزايكده قيروان وافر بقيه ده عظيم زلزله اولوب قيروان شهرينك بعض يرلى يره كجوب
التدن بر عظيم تنون چيقوب عيوقه ايرشدى ودخى نخر اسانده هواند رعد كى مهيب آوازله يوزالى بطمان
آغراغى بكباره دموردوشوب هيت وصدا سندن بعض حمله عورتلر اوغلان دوشورديلر پادشاه انى الوب
قلج ايشلنك دبلدكه آلات كارا تيموب هر اور دقلرى آلت قيرلغين آخر فراغت ايدى * اولوز درتده تيرزده
بر عظيم زلزله اولوب جله شهر وحصار ييقلوب نالر اتنده يوزالى يك كسسه هلاك اولوب سائر خلقى چوللر
كيوب اغلاشوب دركاه حقه نضر علرايتد بلكه قرق طغوزده ماوراء النهره حددن بيرون عظيم طاعون اولوب
تخمينا اون التى كره يوزيك كسسه وفات ايتديلر (خلع) مرويدركه امراء اتراك دن امير ارسلان
البساسيرينك دولت وشوكتى ارتوب خليفه اكا طاشمدين برايش ايتز اولمقين آرتوب ظلمه تخريب بلاد
و تذيب عباد ايدوب امرا وغيريلرى قور قتدى خليفه يدي دخى طوقوب سراغى يغماتى قصد ايتد وكنى
خليفه طوروب اول ملوك سلجوقيه اولان سلطان طغرلى چاغر تدى بغدادده ارسلانك ادى باقوب طغرل دخى
دريوز قرق يديده عومده رى شهرندن كاوب ارسلان كيدوب عسكر جمع ايدوب مصر پادشاهندن ياردم
ايتيوب اودخى وافر مال كوندروب بده ارسلان طغرلنك برادري اينالاه خبر لشوب طغرلنك سلطنتنه اطعام
ايدوب اودخى خروج ايتد كده طغرلنك دفعته مشغول ايكن الى سته سنه ارسلان منبور كلب عقور بلكه
كرلخو خوار اولوب بعض عسكر مصر ايله بغدادده كاوب خليفه ايله برقاج آى صواشوب بغدادده خطبه يدي
مصر پادشاهى نامنه اوقوبوب ذى الحجه ده خليفه يدي طوقوب بغداد قريده عانه شهرينه كوندروب حبس
ايتدردى * خليفه دخى بومناجاني يازوب مكه به كوندروب كعيه نك ايچنه اصد بلكه * الى الله العظيم من المسكين
عبد الله انك العالم بالامر آثر المطلع على الضمائر اللهم انك غنى بعمان واطلاعت على خلقك عن اعلامى هذا

عبدلقد كفر نعمك وما شكرها والى العواقب وما ذكرها اطفاها حلك حتى تعدى علينا بغيا واساء علينا عتوا
وعداواتهم قل الناصر واغتر الظالم وانت المظلم العالم المنصف الحاكم بك نعمت عليه واليك نهر من يديه
قد نهز زعلنا بالملوك ونحن نعتز بك وقد حاكنا في انصافنا منه علينا ورفنا ظلامتنا
هذه الى سركم ووثقنا في كشفها بكرمك فاحكم بيننا بالحق وانت خير الحاكمين (جلوس) مرويدركه
طغرل برادرى طوقب قتل ايدوب بعده عانه حاكمه خليفه بي بغداده كوند رسن ديو خبر كوند رمكين
اعزاز اكرامه كوند ريلوب الى ردى انقعه سنك يكرى بشنده كمال زينت وشوكت ايله بغداده كيروب
طغرل عسكر كوندروب بعد الحمار به ارسلان طوقب باشى كسلوب خليفه به كادى * مرويدركه
خليفه قننه ساهنه بولساندن بر فردى انجته يوب صو جلر بن عفايدوب سرايندن يغمالتن اسبابلى
بولان كمنه لردن دقت الميوب تكرر اراجه سيله صافون الوب و آخر عرنه دلصائم وكجه قائم اولوب باشين
بصديقه قوموب نماز كاهنده او نور ركن بر مقدار او يوردى (امور غريبه) مرويدركه الى او چنده
كوشن تون طوقب دنيا قراوب يلدزل كورنوب هواده او چار قوشلر به دوشد بيله الى دوتده سلطان
طغرل خليفه دن قيزى ديلوب او دنى مدافعه ايدوب عاقبت ابرام واقدام ايله ناچار نكاح ايتدى * الى بشده
طغرل بغداده كلوب سكو حه سيله جمع اولوب ابطال اولان مقامات فاسده بي اعاده ايدوب بغدادى
بورانالى ييك فلورى التزامه وروب تختگاهى اولان رى شهرينه كيدوب تختنه كجوب رمضانده وفات ايدوب
برادرزاده مى خرمسان ييك عضد الدوله الب ارسلان تختنه كجوب خليفه كا خدامت واسطنته اجازت نامه
كوندردى * الى سكرده خراسانده نيجه كونه دلصايم زلزله اولوب طاغريار يلوب نيجه كويلر به كجوب
واخر كمنه هلاك اولدى * اشبوسنه ده بغداده بر قيز طوغديكه بر بندده ايكي باشى ايكي بوشى ايكي يوزى
وارايدى * بوييله شكل خرده مدور و منور بر عظيم يلدز طوغوب اون كجه دنصكره ندر بجهله اكلوب
غائب اولدى * التمشده رمله ومصر وشامده عظيم زلزله اولوب رمله ده يكرى بش ييك آدم هلاك
اولوب قيور دن صول طاشوب دو كلوب و در يار كوناك بول چكوب خلق در يار بنده باقى وبعض نسنه
صيدا بر كن على القله در يار كلوب جله سنى غرق ايتدى * التمش برده دمشق شامده نقش وزينت وحسن
منعته فرديدن اوشيه جنت عليا اولان جامع بنى اميه طوقب سقف بر تذهيبى جله باقوب ديوار ينك
حسن بي بدلتنه دنى خلل كادى * التمش ايكيدده مصرده نيجه ييلدنبر و خط عمد ومشتد سبيله مصر
پادشاهينك قوت سلطنته ضعف كلكين مكده خطبه بي خليفه بغداد نامه او قيدر اولدق ديومكه
شريفندن ايلجى كاد كده الب ارسلان اكاروز ييك فلورى ويردى * التمش او چنده حله دنى خطبه
خليفه ايله الب ارسلان نامه او فوندى * اشبوسنه ده التيز ييك كافر عسكرى جمع بلاد اهل اسلامى المي
قصد يجمع اولدقده غايت تفصيله محتاج وجهله همان اون ييك نفر عسكر ايله الب ارسلان شجاعت نشان
شيزيان و بوردمان كى اترى قارشولوب براوغوردن جله ايله صفلر ياروب واروب امير كشارى قيد بنده
كر قنار و عسكر جرار اشرارى نارمار واكترى طعمه شير شير آيدارايتمكين عموم هجوم كشاردن حيران
ومغموم اولان جله عالم شاد و خرم اولوب ارسلانه دعائى فراوان و ثنائى بي پاين ايتديلر * التمش بشده الب ارسلان
شهيد اولوب اوغلى ملك شاه برينه كجدى اشبوسنه ده مصرده عظيم خط اولوب حتى برناون براى كى ييك
التونه صافون الوب عظيم طاعون دنى ظهور ايتدى * التمش التيده نهر دجله اصلا واقع اولدق وجهله اونوز
ذراع طاشوب بغداد شهرى صوبه باقوب بيبعد طوار و انسان واموال فروان غرق اولوب يوز ييك دن زياده
او بيبعلوب جله خلق كيلرا يچنده او نوروب ايكي جمعه نمازى كى ايجنده قيلنوب مسلمانلر دعالر و ناجا تارايديلر
* التمش بديده بغدادده عظيم احراق واقع اولوب خليفه نك سرايى و بيجد بنا رايدى (فائده) خليفه نك زمانده
وفات ايدوب * كرامت ايدوب * امام تولى * مصر و مصر * امام تولى * الخليفه و ابو على بن سينا شيخ الاسلام
وفاتى ابو زيد الدبوسى شيخ الخفيه ومهيار شاعر و مكي مؤلف تفسير و همدوى مؤلف تفسير و ابو نعيم
الاصمغسانى مؤلف حليه و شيخ ابو محمد الجوينى الشافعى كه امام غزاليك اسنادى اولان امام الحرمينك
پدرى و امتدادير و ابن ساهين وفاتى القضاة حسين بن على بن ماكولا الشافعى و امام قشيري شيخ علماء

وصوفيه و ابن بطاين شارح البخارى وفاتى ابو الطيب الطبرى وفاتى القضاة على الماوردى شيخ الشافعية
وابن برهان النخوى و امام يعقوب شيخ المحدثين و ابن سيدة مؤلف كتاب محكم و خطيب بغدادى صاحب التأليفات
وابن رشيق مؤلف كتاب عده و ابن عبد البر صاحب التأليفات و دنى نيجه رايدى (وفات) مرويدركه
درميو زلتمش بديده خليفه فان الدروب كجه او يور كن قولينك بندى بوشانوب فان روان اولوب ضعف
كالى مستولى اولدقده كرامت ايدوب اوقاينى عباداته صرف ايشكله جماعى غايتده آزا يتمكين
اولادى قالميوب كند و حياتده وفات ايدوب اوغلىك اوغلىك چاغروب خلافتى اكاوصيت بعده آخرته
رحلت ايتدى * مدت عرى تمش يدى مدت خلافتى قرق بش ييل ايدى (فصل سابع و عشرين در احوال
مقتدى بامر الله بن محمد بن القاسم بامر الله) اسمى عبدالله لقبى مقتدى بالله كنى ابو القاسم اولوب پدرى
محمد خليفه اولوب پدرى قائم بامر الله زمانده وفات ايدوب عبدالله بطن مادرده ايدى (يعت
جدى قائم وفات ايدوب كنى قاضى القضاة دامغانى خنى بي و ابن صياغى و شيخ ابو اسحاق شيرازى شافعى بي و بعض
اركان واعيانى چاغروب خلافتى بوكاوصيت ايدوب لقبى مقتدى بامر الله قوبوف وفات ايتده يكرى بش
باشنده بيعت اولندى (وقايح در زمان خلافت او) كتاب دول الاسلام ذبيده مقتدىك سلطنتى قوت
وشوكت بولوب مدق اوزايوب زمانى مظهر امان و رخا و آنا راجله اولوب امكان مماله متفرقه ده عظيم
زلزله لردن اكره بلاد خراب اولوب خلق صحرارده ساكن اولديلر * توب * تاريخ الخلفاء ده فصلامد كوردركه
بونك زمانده ممالكده خيرات و آثار كثره ظهور ايدوب بوندين مقدم اولان برقاج خاكانك سلطنتلر به
ضعف كلوب اكن بونك سلطنتى قوت بولوب كرم و اهل ديانت قوى النفس و عالى همت عاقل فى نظير و دليلر كامل
التدبير بحسب خيرات بر اطيع ذات صاحب الحسنات اولوب عظما علماء عباسيه دن اولفين آنا رحسته سندن
بعضى بونلرايدى كه بغدادده مغنيه و سازنده خانلر و خلق حامه قوطه سز كيرمكى منع ايدوب مسلمانلر
حرملر به باقى بونلر ديو كوتربازلر بر جلر بن يقدردى اولسته خلافتده مكده خطبه اسلوب قديم اوزره
مهر پادشاهى نامه التمش سكرده دمشق شامده خليفه نامه او قنوب سلاطين مصر اذاندده زياده
ايتدركرى حى على خير العمل كلاي ترك او اغنين مسلمانلر شاد اولديلر * التمش طوقزده امام قشيريك اوغلى
ابو نصر بغداده كلوب ملك شاهك وزيرى نظام المللك مدرسه سنده اشاعره مذهبه درس و وعظ ايدوب تواني
چو غاوب بعض مسائل اعتقاديه ده علماء خنيله بونلر نزاعلشوب فتنه عظيمه اولوب نيجه كمنه لردن قتل
اولوب خليفه وزيرى نخر الدوله بي خنيله به معين اولفين عزل ايتدى * التمش التيده جيج دنيان خط
كيدوب غايت او جزل اولدى * دنى خليفه ابو شجاع محمد بن حنى وزير ايدوب لقبى ظهير الدين قودى *
يتش يدى صفر بنده مشرق دن مغربه جرم و ضياده فرقدن بر عظيم يلدز بر ساعته دل تانى ايله دوشدى *
يتش سكرده بغدادده ناكاه بامر الله بر سياه يل اسوب موحش و مدش محكم وعد و برق اولوب ياغور كى
نوز و قوم ياغوب برقاج يلدزم ايتوب بوحالت ايكند و دنصكره او چ ساعت طوروب جله انسان قيامت
قوبارديوهر اسان اولديلر * يتش طوقزده امه هاتن سلطان ملكشاه بغداده كلوب بعده كيدوب
سكسان درنده تكرر كلوب كند و ايجون بر عظيم سراي و اطرافنده امر ايجون اولر يابلق يوروب كيدوب
سكسان بشده تكرر كلوب ايتدوكت يره چيقوب كيدوب بغدادى بكا تسليم ايله ديو خليفه به خبر
كوندروب او دنى بر آي مهلت ايتيوب ملكشاه رضا و برميوب عاقبت انك وزير به اون كونه دل
مهل آليو بر ديو خليفه خبر كوندروب بواشاده (نظم) صقن مظلومك آه دن مهر كاه *
كه آ كاپرده قوم مسند راتنه * فواخجه ناكاه بحكمه الله ملكشاه بي اتيابه خسته اولوب وفات ايتدى *
مرويدركه اول خبر و حشت اثرى كوندرد كده خليفه عبادت وظيفه كوندز صيام كجه كول دوشوب
او فنده عبادته قيام ايدوب يوزين در كاه حقه موروب ملكشاه به دعائيدردى (امر ع الدعاء اجابه دعوة
المظلوم) مري ظاهر و معلوم اولوب خليفه نك كرامتى ظهور ايتدى ديواهل بغداد مسرور اولديلر (نظم)
آفك ييك آه ميكد بسحر * نكند صدهزار تبغ و تبر (نثر) ملكشاهك خانقوى آنك موتى صاقيوب
بش باشنده اوغلى محموده كند و امر اسنى خفيه بيعت ايتدروب بعده خليفه به خبر كوندروب او دنى سلطنته

اجازت و یروب ناصر الدینا والدین دیولقب قودی * سکسان بدی محرم منک نصفه ده محمودک اوسته بیوک
 برادری بر کارق خروج ایدوب پدری ساطنتی خلیفه کا و یروب لقبی رکن الدین قودی (فائده)
 مقتدی زمانده وفات ایدن کبار مشاهیر * امام واحدی شیخ المفسر بن شیخ عبدالقاهر الجرجانی مخترع علم
 معانی و بیان و بدیع و شیخ ابوصالح الشیرازی و شیخ ابوعلی فارمدی شیخ الصوفیه و ابن الصباغ مؤلف کتاب
 شامل و امام الحرمین که امام غزالیست استاد پدر شیخ الاسلام عبدالله الانصاری صاحب التألیفات و امام
 ابوبکر خواهرزاده شیخ الحنفیه و خطیب دمشق مؤلف متن تلخیص و ابضاح و قاضی القضاة محمد بن علی
 الدامغانی شیخ الحنفیه و امام یزدی شیخ الحنفیه و دخی نیجه لایذی (وفات) مرویدرکه در تیوز سکسان
 بدی محرم منک نصفه ده خلیفه بر کارق سلطنته اجازت و یروب بر تنی بغاه و فوات ایدوب شمس النهار آدلو
 جاریه سی زهریدردی دیمشدر * مدت عمری او تیوز طوقوز بیل مدت خلافتی اون طوقوز بیل سکرز آی باوج
 آی ایدی (فصل نهم و عشرون در احوال مستظهر بالله بن المقتدر) امی احمد لقبی مستظهر کنیتی
 ابو العباس اولوب در تیوز تیش شو النده طوغوب سکسان بدی محرم منده پدری و فائده اون الی
 باشند بیعت اولوب و الله می نور خاتون اوغلی او غلینک اوغلی مسترشد خلافتنه دلک بنیادی
 (مناقب) مرویدرکه مستظهر زو مجد باهر کرم الاخلاق عیم الاشفاق خوش نویس عالم نفیس محب علما
 و صلحان و ازنده رعایا و برای ایدی زمان عیم الامان عیدم العدوانی کافه خلقه ایام سرور و هذکام حضور
 اولوب لکن کندوسی کثرت قن و حروبه بر محن و مکروب اولمشدی (وقایع عجیبه) مرویدرکه در تیوز
 سکسان طوقوزده کواکب سبعة سیاره نکه زحل دن غیر سی بر ج حوتده جمع اولمغین جله منجه طوفان
 فوجیه قریب طوفان اولتی احتمالدر دیمکین اهل بغداد قورقوب بعض تذکار کوروب اتفاق بو ییلده
 حجاجه بولده سیل کلوب اکثر مال و طوارر یله غرق اولوب طاعله بقالدر قورتلدی خلیفه ابشیدوب
 منجه مننه خلعت کیدردی * شه بو ییل بغدادده ایکی کوزی کور بر کوچک قیرطهور ایدوب امرار ناسدن
 خبر و یروب خلعتی حیران ایتدی * در تیوز طوقوزده طاقه فرنک کلوب یقیه شهر فی الوب مسلمانلردن
 ابتدا الدقلری بودر بعه کفر طاب شهرنک اطرافن یغمالدیلر * مرویدرکه مصر پادشاهی ملوک سلجوقیه نکه
 شاهی الدقلره انجنوب شاهی و اطرافنی کلوب المغه فرنکی تحریک ایدوب اندر دخی استانبول دریا سندن عظیم
 دونغا ایلد کلمشردی امر اورعایا بو خصوصدن قورقوب طوقوزده طوقوزده فرنک پلنک چنک نمک آهنک
 بی درنک دیده مسلینه عالمی تنک ایدوب انطاکیه بی بدی آی محاصره ایلد جبرال الوب ایچیزودن مسلمانلر
 جیعوب صواشوب صینوب معریه قاجوب کفار انلرک آردنجه کیدوب ایکی طرفدن آمدلر قیرلوب معرده
 یوزیک مسلمان شهید ایدوب قرق کوندنصکره حصه واروب مسلمانلر انلرله صلح اولدیلر * بعده قدس شریفی
 بر بحق آی محاصره ایلد الوب ایچنده بتش یکدن زیاده مسلمان شهید ایدیلر که نیجه لری علما و زهاد ایدیلر
 مساجد و معابدی یغوب جله و دیرلی کلساده جمع ایدوب آتیه یاقیدیلر * اشبوسنه ده سلطان محمد
 ابن ملک شاه برادری بر کارق چنک و کاغلبه ایتمکین خلیفه محمدی پادشاه ایدوب لقبی غیاث الدینا
 والدین قویوب بغدادده خطبه ده یاد اولوردی * طوقوزده درنده باطنیه طاقه می بغدادده چوغالوب
 بغاه نیجه کسنه لری خلق دخی انلردن نیجه لری قتل ایدوب امر او اعیان جبهه لری یله کرلردی اشبوسنه ده
 فرنک مروح و حیفه وار سوز و قیساریه و سیمساط و رهانلر لرلی مسلمانلردن ایدیلر * طوقوزده التیده
 سلطان محمد بعض قسنه لری ایتمکین امی خطبه لردن نرک اولندی * طوقوزده ییلده بر قاج ییلده و انکله
 برادری بر کارق چنک الدلری عتد و قتالری مشتدا اولوب مسلمانلر ضرر عام اولمغین عقلا ایتمکین سیل
 ایدوب طرفیندن عهدنامه لری یازیلوب خلیفه بر کارق خلعت سلطنت کوندروب بغدادده خطبه ده یاد
 اولندی * طوقوزده سکزده بر کارق وفات ایدوب امر ای بی باشندده اوغلی جلال الدوله ملک شاهی برینه
 کوروب خلیفه دخی اجازت و یروب خطبه ده یاد اولوب عیسی سلطان محمد خروج ایتمکین اتفاق خلیفه
 خلیفه انی پادشاه ایدوب عزت و شوکت ایلد اصفهانه کتدی اشبوسنه ده بغدادده چنک مرشدن بیه
 و پایان صبیان وفات ایدوب بعده طاعون عظیم ظهور ایتدی * طوقوزده نه اوند اطرافنده بر کسنه

دعوی نوت ایدوب وافر کسنه تابع اولدنده طوقوزده قتل اولندی * بشیوز برده سلطان محمد بغدادده شرعه
 مخالف باج و شر اجاری رفع و عدالتنه سلوک ایتمکین خاق دعالر ایدیلر * بشیوز اوچده فرنک شام طرابلسنی
 جبرالیه فتح ایدوب ایکی ییل بابش ییل محاصره ایدوب نیجه چنک اولمشدی * بشیوز درنده مسلمانلر کفار
 امر نیچدن عظیم خوف و رنج چکوب صیدا شهر فی فرنک امانله آلوب حلب بکی او یوزایکی ییک التون و نیجه آت
 و احبابه صور شهر ییک خانی بدی ییک التونه شیرز بکی دوت ییک التونه جابکی ییک التونه صلح اولمغله کفاری
 اوزلر ندن دفع ایدوب بعده ملاعین ذو المکر صلی یوزوب غدر ایتدیلر * اشبوسنه ده مصرده بعد العصر
 سیاه بل اسوب عالم قراروب کوز کوزی سکور میوب خلعت نفعلری طوقوزده و اوند قوم باغوب خلعه
 قتی خوف هلاک و شوب بعده بر مقدار اچلوب هوا صاروب بعده اختام اولدی * بو ییل اندلس پادشاهی
 ابن تاشغین فرنکله عظیم چنک و کفارک کینی قتل کینی اسیر ایدوب مال فراوان آلدی * بشیوز زیدده طبریه
 قریده مسلیله فرنک عظیم چنک ایدوب کافر صینوب اکثری قیر یلوب مسلمانلر سالما و غاما شامه دوندیلر
 و بو ییل موصل پادشاهی مودود عسکر یله قدسه واروب فرنکله عظیم چنک ایدوب بعده شامه واروب
 جمعه نمازین قیلرکن باطنیه دن بری خنجرله اوروب اوکون وفات ایتدی * قدسده فرنک بکی ایشیدوب
 شام حاکمه طعن و تشنیع ایچون عربجه یازوب کوندردیکه * ان امة قتلت عیدها فی یوم عیدها
 فی بیت معبودها الخقیق علی الله ان ییدها * یعنی بر طاقه که رئیس لرینی بیراملری کوشده بیت الهده
 قتل ایدلر لایق و مقرر در که الله تعالی انلری هلاک ایلده * مرویدرکه بشیوز اون برده دیار بکر قریده
 سنجارده عظیم سیل پرویل کلوب شهری و حصاری غرق ایدوب قیوسن قو باروب بر قاج فرسخ
 بره کور و یروب طبراق النده کوملوب بر قاج ییلدنصکره بولندی و براوغلا نیچنی بشکیله کور و یروب برزیتون
 اغاچنه آصوب محض قدرت حقه انده یسلوب بیودی (فائده) مستظهر زمانده وفات ایدن
 کبار مشاهیر * ابو المنظر السهمانی و نصر المقتدی و رویانی شیخ الشافعیه و خطیب تبریزی و حجة الاسلام
 حضرت امام محمد غزالی و شانی مؤلف فناوای مستظهریه و ایوردی الاغوی و دخی بعض لرایدی (وفات)
 بشیوز اون ایکی ربیع الاولینک یکری اوچنده اربعه کوفی خوانیق مرشدن قرقایکی باشندده وفات
 ایدوب نمازنی اوغلی مسترشد قیلدی * مدت خلافتی یکری درت بیل اوج آی اولوب بر قاج اولادی قالدی
 (فصل نهم و عشرون در احوال مسترشد بالله بن المستظهر بالله) امی فضل لقبی مسترشد کنیتی
 ابو منصور اولوب در تیوز سکسان ربیع الاولنده یاسکسان الی شعبا نده طوغوب پدری و فائده
 بیعت اولندی (مناقب) عالم عامل عاقل کامل اهل همت و عزمیت صاحب مهابت و شجاعت
 اولوب عدل و انصاف و حسن تدبیر اطفیف صاف ایلد امور خلافته و احوال رعیته رونق تام
 و حسن نظام و یروب علما ایلد اختلاط و معاشرت و ملوک اطرافدن جور و اعتساف کورمکین انلرله
 سروپ مستلزمه اکروبه مرارا بالذات مباشرت ایتمشدر * کبار علما شافعیه دن اولوب اول خبر ملوک اوائل
 حالنده تصوفه سلوک ایدوب صوفلر کیوب عزتکیزین و خلوت نشین اولمشدی سائر خلفادن زیاده
 خوش نویس و شاعر ماهر نفیس و خطیب بلیغ و سلیس اولوب بر عید اضحی خطبه سنده بوی اوقیدیکه *
 الله اکبر ما ماحت الانواء و اشرفت الاضواء و طلعت ذکاء و علت علی الارض السماء الله اکبر ما مع سبحان
 و لمع مراب و انجیح طلاب و مسر قادمایاب * دیوب بواسلوب مرغوب اوزره بر مفصل خطبه بلاغت رتبه
 اوقیوب اوخرنده * اللهم اصلحنی فی ذریعتی و اعنی علی ما ولیتنی و اوزعنی شکر نعمتک و وقته و انصر فی * دیوب
 مشیردن ایفک اوزره ایکن ابو المنظر شاهی اشبو خطبه با یغفه مدحنه فی الحال شهر دیوب اوقودیکه (نظم)
 علیک السلام الله یا خیر من علا * علی منبر قدحف اعلامه النصر * و افضل من ام الانام و عوهم
 بسیرته الحسنی و کن له الامر * و افضل اهل الارض شرقا و مغربا * و من جده من اجله نزل القطر *
 لقد شفت اسماعنا منک خطبه * و مو عظة فصل یلین لها الصخر * ملا تیهما کل القلوب مهابة
 قد در جفت من خوف تخویفه هامصر * و زدت بهاء عدنان مجددا مؤثلا * فاضحی بهابین الانام لک القدر
 و سدت بنی العباس حتی اقد غدا * یباهی بک السجباد و العالم البحر * فله عصر انت فیه امامنا

ولله دين انت فيه لنا الصمد * بقيت على الايام والمالك * تقادم عصرا انت فيه اتى عصر
 واصبحت بالعيد السعيد مهيا * تشرقنا فيه صلاتك والنحر (غرائب) مرويدركه بشيوزاون التيده
 مكده زلزله دن كعبه مكرمه نك ركن يمانى طرفى قاغشاوب بعض طاشلى دوشوب مدینه ده حرم شريف
 نبوى دخی بقلغه ياقلىدى * يكرى درنده موصله هوايه بولوت كاوب آتش ياغ دروب وافر اولر ونيجه
 رزايادى ودخی بغدادده ايكي قورقو عقر بلرظه ورايتديك او چوب كروب وافر اوغلا نجه هلاك ايدوب
 خلق كللى خوفه دوشد بلر * يكرى بشده عين القضاة همدانى نام عز بر صاحب تميز جذبه الهيه سبيله اسرار
 قصودن بعض كلمات ديكين كفر سويلدى شرعا ثابت اولدى ديوب صاب اولندى (فائده) مسترشد
 خلافتنده وفات ايدن بكار مشاهير شمس الائمة ابو الفضل البخارى شيخ الحنفية وقاضى القضاة ابو الحسن
 علي بن قاضى القضاة محمد بن علي الدامغانى الحنفى وامام محي السنة البغوى صاحب التأليفات وحريرى
 مؤلف كتاب مقامات وشيخ احمد غزالي برادر امام محمد غزالي و ابو الوفاء بن عقيل الحنبلى ومؤيد الدين الطغراني
 مؤلف لامية العجم ومبدانى مؤلف كتاب الامثال وامام ابو بكر الطرطوشى وشيخ عين القضاة الهمدانى ودخى
 نيجه رايدى (حسب وشهادت) مرويدركه سلطان محمود بن محمد بن ملكشاه بشيوز يكرى بشده وفات
 ايدوب برينه اوغلا دود بكورلد كده عيسى مسعود كاوب محكم صواشوب بعده هر برينه بر ملكت اولمى
 اوزره صلح اولتوب بغدادده خطبه ده مسعود بعده داود اورتوب بعده خليفه مسعود له الخجشوب جنكه
 چيقوب عسكرى مسعود عسكرندن قورقوب صينوب قاچوب مسعود خليفه ي تو ايله طوقوب همدان
 قزنده بر قلعه ده حبس ايدى * اهل بغداد ايشند كده غريو و فر ياد ايدوب زو قافلده مردان وزنان
 سرو باره نه ريان و نالان اولوب جاعله نماز قيايى و خطبه اوقتي منع ايدوب اكثر نام عظيم ياس طونديلر
 خليفه اسير اولدقه بوشهر بليقي ديشكه (نظم) ولا عجب الامان طوقوت بهاء كلاب الاعادى من فصيح
 واعجم * غربة وحشى سقت حزة اردى * وموت على من حسام ابن سليم (نثر) بغدادده بشى التى كره
 زلزله اولوب خلق اغشاوب ايكلشوب سلطان سنجر برادرزاده سى مسعود شقاووده بو مضمونده مكنوب
 كوندرديكه * اوغلام غياث الدين اولدين بو مكنوبه واقف اولديغى ساعت امير المؤمنين واروب رجاء عوفله
 زنجبوس و كمال تذل ايدكه يكرى كوندركه مشاهده سنده كل جماعه طاقت كنور لمز رعد و برق وزلازل
 اولوب جناب حقدن خوف و اردر خصوص صاحب علمده نماز قنيتوب خطبه لترك اولدوغنه طاقت بوتدر
 الله دن قورقوب امير المؤمنين مقرر معادته ايتوب آيا واجداد من عادتجه غاشيه سن كندك بالذات
 كوتوره سن * مسعود بونى اوقود قنده خليفه به واروب براو بو رجاء عوفله اباغ اوزره طوروب بهده سنجر
 خليفه ي تختگاه ايلت ديو مسعوده ايلچى و عسكر كوندروب كالان عسكر ك ايجنده باطنيه دن
 اون يندى نهر ملعون مسعودك خبرى بوغ بكن ياخود انك معرقيله بشيوز يكرى طوقوز ذى القعدة سى
 اواسطنده عجمده مر اغه شهرنده خليفه نك چادر نه كيروب خليفه ي بجا قلمه اوروب ياننده بوانان تو ايله
 شميد ايدوب بورن و قولاغن كسوب يالين بجا قلمه طشره چيقد قلمده عسكر او شوب ملعونلى قتل ايدوب
 بعده آتسه ياقديلر * مسعود ايشيدوب اغليوب عسكرده فر ياد و فسان قو بو بغدادده خبر وارد قده
 ز قافلده مردان وزنان نهر زنان قفتانلر ين برتوب صاحب لرين چوزوب مر ثيه ل ديوب عظيم ماتم وكوش
 اهل هوشى صداى و اويلا ايله اسم ايديلر (نظم) دل بدین كيند كردنده منه كين دولاب * اسيا يست كه
 برخون هزيران كرد (نثر) مدت عرى قرق درت ياقرق بش مدت خلافتى اون يدى بيل ويدي بامكنز
 اى ايدى (فصل ثلاثون در احوال راشد بالله بن المسترشد بالله) ايمى منصور اقبى راشد كينى
 ابو جعفر در بوزايكده سبيلى قدرتندن مسعود طوغغين اطبا كتر ديلوب التون ايكنه ايله ذكر
 و دبرندن بر دولك دله بلر طوقوز ياشنده ايكن بر جاريه حامل ايدوب پدرى نجب ايتد كده مكه
 قزنده تمامه ولايتن اوغلا نجهلى طوقوز ياشنده باغ اولور ديو خبر وريدلر * بشيوز يكرى طوقوز
 ذى القعدة سنده پدى شهيد اولدقه بيعت اولدى عالم صحيح شاعر فصيح خوب صورت خوش ميرت اهل كرم
 و شجاعت صاحب عقل و يكامت مائل عدل ايدى (خام وشهادت) مرويدركه خلافتندن

بر قاج آى مكره سلطان محمود بن دادة كلكين خليفه موصله كيدوب مسعود علما و اركان واعيانى جمع ايدوب
 خليفه ظالم و خوقى و شارب الخرد در ديو شاهد وشهادت ايدوب محضر يازلوبوب يله خليفه ي سلطان زمان
 عزله قادر ميدردى و علمادن استفتا ايتد كده قادر در ديكين * بشيوز او تو زدى القعدة سى اواسطنده خليفه نك
 عيسى محمد بن المستظهر به بيعت اولتوب اقبى مقتنى لامر الله قنوب راشد عزانى ايشند كده موصلدن
 آذر بايجانه واروب ياننده اولان عسكر ايجون مر اغه شهر نه مال صالوب ظلم و فساد ايدوب ياننده همدانه
 واروب بعض مسلمانلى قتل و صلب و علمادن نيجه سنك صفالرين تراش ايدوب تشهير بلاد ايشند رانندن
 اصقانه واروب شهرى محاصره و نواحيسن غارت ايدوب اول حاله عظيم خسته اولوب او تو زايكي رمضانك
 نصفنده طاقت نكده من اولوب فراشلى اولان بر قاج كيننه ما مقامه سعادته اقبى كيروب راشد بيجاق
 او شروب قتل ايدوب انك يله خوار زم شاه دخى قتل اولتوب فى الحال قاتلرد دخى جله قتل اولند بلر * مرويدركه
 راشد صاحب حسن يوسف و كرم حاتم ايلقين اهل بغداد ايشند كارنده بر كون هزايه او تو روب ماتم ايتديلر *
 مدت عرى او تو زيل خلافتى همان اون بر آى و اون بر كون ايدى بهد القتل خلفا به مخصوص اولان برده
 و قضيه مقتنى لامر الله كتورديلر (فصل حادى وثلاثون در احوال مقتنى لامر الله بن المستظهر بالله)
 اسحق محمد اقبى مقتنى كينى ابو عبدالله ايدى در نيزوسكان طوقوز ربيع الاولنده طوقوب بشيوز او تو ز
 ذى القعدة سى اواسطنده برادرزاده سى عزنده قرق ياشنده بيعت اولندى (منافى) مرويدركه
 خلافتندن التى كون مقدم واقعه سنده حضرت رسولى كوروب (سبيل هذا الامر اليك فاقف ي)
 ديو سوزمغين بيعت اولدقه مقتنى لامر الله ديوقب قوندى * عامل و فاضل متدين كامل مدبر عاقل كريم
 الاخلاق عظيم الانفاق عظيم الاشفاق غايته اهل شجاعت و هر وجهه مستحق خلافت اولوب جزايات
 و كليات امور جله كند و معرقيله و خطى ايله صدور ايدرايدى بالذات نيجه غزال ايدوب حسن تدبيرى
 ورأى صائب دلبذيرى ايله تجديد مر اسم خلافت و عهد لوازم امامت و تشييد دعائم سلطنت ايدوب
 قدعندن بوزيلان اركان خلافت قوت و نظام و رونق تام بولوب جميع مالكي عدل ايله معوم و خير الله بر نور
 و خلقى دخى حضور و جوبورده ايديلر قبل الخلافه كالى عبادت و تلاوت و استفادة علومه مداوم بهد الخلافه
 دخى زهد و ورع و عبادته ملازم ايدى (بدايع وقايع) مرويدركه بشيوز او تو زده سلطان مسعود سلجوق
 بغدادده اظهار عدل ايتشيكين دار الخلافه ده اولان جميع اموال و اسبابى آلوب همان خليفه بهد درت آت
 و صراط شيعه مكنز قارقودى زيرا ياننده آت و آلات سفردن ننه طورى اوزره بيعت اولغشدى * او تو زده
 مسعود خليفه به متعلق هرنه و ارايه آلوب همان مخصوص عقالر قلوب بعده زير بى كوندروب
 بوزيلك فلورى ايتد كده خليفه دخى نه عجب مسترشد و راشد سزه كيدوب جله ماللى سزده قالدى بزم
 دخى جله موجود بوز ديكز بس نه قالديكه ويره بزمكر اودن چيقوب اتى تسليم ايدى بزمين خود الله له
 عهد ايتمشدركه مسلمانلردن ظلمه بر حبه المام ديد كده * مسعود فراغت ايدوب تجاره و سائر ناسه ظالم مال
 صالوب الوب خلقى غايته رنجيده و الم كشيده وزه رنجيده ايدى * اشبوسنه جاذى الاولى سنده مسعود
 شقاوود خليفه به جله اموال و املا كنى تسليم ايدوب خليفه دخى اوليكى كى نصرفه و امر و نهى بى تكلفه
 ياشلدى * يته بوييله خليفه سلطان محمد بن ملكشاهك فاطمه نام قيزى بوزيلك التون مهرايله نكاحلنوب
 ادى * يته بوييله اهل بغداد صوم رمضانك تكميل ايدوب او تو ز بر نجي كيجه سى هوا آچق ايكن هلال
 شوال كور غيوب بوقصه دن ياده واقع اولامشدى * يته بوييل شامده بر سياه بوات كاوب هوا قراروب مكره
 آتش كى بر قزل بوات كاوب دنيا بر ضيا اولوب مكره رنج عاصف اوب نيجه بهد اغا جلر بيقوب بهده عظيم
 يغمور و غيايت ايرى طولور ياغدى * بشيوز او تو زايكده ملوك اراشند قزرت اولوب اوسنه كعبه اورتوبى
 كوندر لما كين تجار دن ابن امست القارى كند و مالتندن اون سكر بيلك التوناق اورتوب اوردى * او تو زواج
 سفرنده حلبده بر كيجه سكان كره زلزله اولدى و دخى مصر و شامده اون بش كونهك زلزله و دخى حلب
 خلقى صحراره چيقوب انده ساكن و نيجه شهر لخراب و بر كون بر كيجه طقسان بر كره زلزله اولدى و دخى
 كوفه قزنده حيره شهرنده طولا و عرضا اون فرسخ برده عظيم زلزله اولوب حيره به بيقلان يشارالنده

تا تار پوزلو کوزل کورلو نورانی انلو طوغان پوزنلو سیرک وقرال صقالو ایدی مجد وعازم ومهماتی معد
 وحازم عالم ومینی وعافل وبلغ وفضیح وکامل حددن بیرون اهل تدبیر وفکر وکریه جها نکر اولوب
 کمال هیئتدن زهره ر چالوانک خوفدن بید کسسه لر قریب هلالک اولورلدی * مهرینک نقشی رجانی
 من الله عفو ایدی * وافر اوصاف حیده می واریکن رعایایه ظلم ایدوب ونیجه لک اموال واملاکارین اکوب
 انلردخی ترک دیار ایدرلدی واحیانابری برینه مخالف ایشلایمیلوب وشیعته شیعته مذهبنده اولوب
 حتی شیخ ابن الجوزی بونک مجلسنده حضرت رسولده مکره افضل امت کیدر دیو صورلدقه من بنته فی بینه
 دیوب غایبه عارفانه ذوالوجهین جواب و یروب ابو بکر در دیو نصریجه قادر اولدی * مریدر که ولایت
 بغداد ناصرک احداث ایدیکی رسوم ومظالمدن خرابه توجه ایدوب کندوسی دخی کبوتر باز و بندته انداز
 اهل ظلم واهو صاحب جلب و سلب ومحو ایدی (امور خلافت) مریدر که حسن تدبیر دیرلیرله عظمت
 وشوکتی دمام آرتوب مدت خلافتی دخی سائر خلفادن زیاده اوزایوب شروج ایدنلری قلع وقع ومخالف
 اولنلری دفع و دفع و مالک عالمه اولان نیجه سلطان وامیری کین تدبیر کین تسخیر ایدی بحکمه الله هر کیم بوکا
 خیانت واضرار ایتکه نیت واضرار ایتسه بر بلا به یارشدته گرفتار اولورلدی طالعی قوتده ایکن تدبیر وتسخیر
 عالمده دقت واطلاع احوال جمیع رعایا و برایایه غایت همت ایدوب هر شهرده وهر کویله نیجه جاسوسلری
 وار ایدی که فردات احوال افراد انامی بوکا اعلام ایدرلدی * خصوصاً بغدادده هر محله نیک پاسبانی کیجه
 اهل محله نیک خبر وشنیدن مطلع اولدینی احوالارین یازوب صباح خفیه خلیفه به ویرلرلدی بویله
 فکر ومکر و حیل و سبله سبله سلاطین وغیردن اهل شروخیدن ایکی دوست اراسته عدوت ایکی عدو اراسته
 محبت براغب انلر خبردار اولزلرلدی * غایبه مکار و حیل کار و دور بین پرافکار اولغین مصر وشام وین
 وهند و عجم ونیجه ممالک عالمده سلاطین وسائر فاس بونک تدبیر ومکرندن خوف وهراس ونیقه واحتراسده
 اولوب عالمان لامیه ده ایکی کسسه بریره کاوب بونک دشته متعلق بر کلام سولسکه اقدام ایده مرلرلدی
 معتمد بالله نصرک هیت خلافت زوال بولوب بونک زمانتده مع زیاده کمال بولدی * کندودن مقدم اله
 کتورلین مملکتلری فتح وضبط ایدوب ولایت چینده ومغریبه اندلس مملکتده خطبه می اوقدورلدی
 بر مصلحت ایچون خوارزم شاهک مهر لو نامه می کلد کده مکتوبی کتور دوب آچه دن ایلیجه وار کیت
 نه مصلحت کلدیکان معلوم اولدی دیو خبر کوندر دوب اودخی حیران اولوب خلیفه غیب یلور صانوب
 دونوب کندی * وهندستاندن بر کسسه دوره اخلاص اوقدور بر طوطی از غمان کتور دوب ویرمزدن
 اول طوطی وفات ایدوب حریف غمانک اولوب ایرتسی خلیفه دن آدم کاوب طوطی بی استیوب حریف
 اغلیوب وفات ایدی دیوب کلان آدم خلیفه انک وفاتی بلدی اما خلیفه دن نه رجا ایدرلک دیوب
 حریف دخی بشیوز التون دینکده اشته خلیفه سکا بشیوز التون کوندرلدی وسن چاق هندستاندن
 جیشقه مرشد بولدی کی خلیفه بلند دیدی * مریدر که جریات وایات بولداطلاح کورلر دیکی
 کندویه جن مسخر اولوب بعض واقعات اموری انلر خبر ویرلرلدی دیشلر (بدایع وقایع) خلیفه شیعی
 اولغین بشیوز کساده بغدادده امام موسی حرارین پناه اهل کاه ایتکده نیجه مجرملر ومدیونلر کالنجیا
 ایتکه بزم و دیندن قورلدی عدولغین ممالکده عظیم ضرر اولدی * مکران برده براوغلاخجق
 طوغدیکه سنک طول بر قارش درت بارمق اولوب همان بر قولانی وار ایدی * مکران ایکده رئیس فخرین
 ابومعشر بلخی کراکب شته میرانده جمیع اولغین فلان کون باد صر صر اسوب عالی زیروز بر ایدر دیکده
 اهل بغداد و قریب ویرمه یار ایدر دوب ایچنه ذخیره قویوب وعده کوتنده بحکمه الله اصلا بیل ایدوب
 حتی مناره لر یاغش موملر چقار یلوب طوتلو بته لای تقویک ایده جک قدر یل اولماغین مخملری
 شراجه ایتدیلر * مکران اوچده سلطان صلاح الدین قدس شریفی ونیجه شهرلری کافر النندن اوب
 عنیم * کتور ایدی * طقسان ایکده * که ده بر سیاه یل اسوب عالی یور یوب خان اوسته قزل قوم باغدر دوب
 که به نکر کن یا نیشندن بر طاش دوشدی * سنه مزبورده ملوک خوارزمیه دن علاء الدین خوارزم شاه
 کسر و قهر ملوک کال قوت وعظمت بولوب مملکتلرنده خطبه آل عباسی کسوب بعده الی یلک عسکر ایل

نهر جیحونی بکوب سلاطین ملجوفیه کبی بغدادده اوتوروب خلیفه فی تسخیر ایتکه عزم ایتد کده خلیفه
 شیخ شهاب الدین مهروردی حضرت نرینی ایلی کوندر دوب وار دقده منع ایده میوب البته واروم دیو خبر
 کوندرلکده خلیفه دخی سلاطین ملجوفیه اوتور دقلری سرانی نیقوب ایلی فی جواب سر خور ونحیر
 کوندرلکده خوارزم شاه ایشدوب حدله همدانه کلد کده بی وقت عظیم قاریاغوب یسکری کون
 چادرلرین اورتوب عسکری محکم الم حکوب بعض خواصی اهل بیت حضرت رسوله قصدا یتدیکلر ایچون
 حق تعالی غضب ایتدی دیوب بحالده کندو مملکتلرندن ملوک ترکستان بزم هجوم مددنده در دیو فریادی
 کلکین دونوب کندی * طقسان اوچده عظیم آواز ایلر عظیم یلدر دوشوب شدت صداسندن نیجه نال
 مار صلوب قیامت توپار صانوب خلق اغلشوب جناب باری به دعا و زاری ایتدیلر طقسان ایتده مصرده نیل
 تمام طاقیبوب ایکی بیل عظیم خط اولوب خلق قیر یلوب جیفه لر ییوب عتاب ظهور ایتدی * طقسان یتدیه
 مصر وشام وجزیره کردستانده عظیم زلزله لر اولوب قاعه لر وینار ییوب شام یاتنده بر قریه بره کندی * طقسان
 طقه وز بحر منده بر کیجه صباحه دل یلدرلر بری برلرینه کیروب چکر که اوچار کبی اوچوب دایما حرکت ایدوب
 حضرت رسول صلی الله علیه وسلم ولادت کیجه سند نبو مثلی واقع وظهور ایتدیکین خلق اغلشوب
 نضرع و دعالر ایتدیلر * التیوز برده کفار روم النندن فرنک قسطنطنیه بی جبرایله الوب الشمس ییلد نصرکه
 روم دخی فرنک النندن الدیلر * نه التیوز برده ایکی باشلوا یکی اللودرت ایاقلو بر اوغلاشیق دیو غوب لکن
 یشامدی * التیوز ایتده ولایت چیندن کفار تانار اشرا شروج ایتدیلر تکیم اشاعیده باب احوال ملوک
 چتکیز به ده تفصیل اولنور * یکرینه برده خلیفه کعبه معظمه به یشل حر بردن بعده سیاهدن اورتور دوب
 اوزماندن الی الان سیاه اورتور اولدی آندن اول مأمون خلیفه زمانتده تیرواق حر بردن اورتی اورنیلورلدی
 اراقده برکه سلطان محمود غزنوی صارو حر بردن اورنیشیدی (قائده) ناصرک زمان خلافتنده
 وفات ایدن کاره شاهیر * ابن الانباری شیخ العربیه هیداجد الزقاعی شیخ طائفة رفاعیه وابن بشکوال
 وسهیل مؤلف روض الاتف وامام عتقی حنفی مؤلف کاب جامع کبیر وامام زهسان الدین علی مرغینانی که
 صاحب الهدایه دروامام خیر الدین حسن که قاضیخان دیکله مشهور جهاتدر والقاضی الفاضل وشمس
 الائمة زنجیری شیخ الحنفیه وامام شاطبی شیخ القرآه وشیخ ابو الفرج بن الجوزی واعظ وصاحب تألیفات
 والعماد السکاتب وخر الدین الرازی وابوالسعادات ابن الاثر مؤلف جامع الاصول ونهایه در علم حدیث
 وابن الصباغ وابن الدهان الخوی وابوالقیام المفسر والشیخ نجم الدین الکبری وخر الدین بن عساکر دخی
 بید و لایعده کسسه لر ایدی (وفات) مریدر که خلیفه نیک اواخر عمرنده کوزلری ضعیف بلکه هیچ
 کورمز اولوب لکن غایبه تحسند لکنندن بر فرده طوور میوب بر جاریه سنی کندو خطنه تقلید ایتدوب
 کاغذلری اکایازدروب خلق بلزلر ایدی ودایما ایچدیک صوبغاده بدی فرخ بردن کتور یلوب هر کون
 آتشده قیصادوب یدی کوندر نصرکه ظفره قونوب یدی کونه دلک دخی صاف اولوب بعده ایچرلدی لکن
 (لایقنی حذر من قدر) منزه مظهر اولوب مشانه زحمتنه اوغراوب نیجه دفعه مخدرات ومنومات
 ایچر یلوب عقلی کتدکده ذکر یار یلوب ایچندن طاش چقار یلوب التیوز یکرینی ایکی رهضاتک
 آخر کونی غش یاشنده وفات ایدی * مدت خلافتی فرق یدی بیل اولوب کندودن مقدم ومؤخر اولان
 خلفادن هیچ بر نیک زمانی بوقدر اوزانما مشدر (فصل خامس وثلاثون) در احوال ظاهر بامر الله
 ابن الناصر لدین الله) امینی مجد لدی ظاهر کنیتی ابونصر ایدی بشیوز یتش برده طوغوب پدیری وفاتده
 شوالک ایتداسنده الی بر یاشنده بیعت اولندی آق وقرمزی بکزلو غایت کوزل پوزلو کسسه ایدی
 (مناف) مریدر که عادل و دیندار عاقل و فاعل حیده خصال و پسندیده فعال اولوب حضرت عمر
 ابن عبدالعزیزه تقلید امید ایدوب عدل فراوان واحسان بی پایان و پدیرینک غصب ایتدوبکی اموال
 واملاکی صاحب لر نه ایصال ونیجه مظالم ومقاطعات نامشروعی ابطال ایتدی * بغدادده به قویا
 ناحیه مندین اون یلک التون حاصل اولورکن ناصر سکسان یکه چقاروب ظاهر ظاهر ذوالعدل الباهر
 اون یکه ایتدروب واسطدن ظالمه جمع اولمش یوز ییکدن زیاده التون کلد کده جلوه سنی صاحب لرینه ویردی

و شیخ عبد انقاد کلابی اوغلی عماد الدین محمد کم منله بغداده قاضی ایدوب پدری ناصر
 زماندنیز هر کجه با سبائل جمع محل لده خلق احوال و امرار بن یازوب خلیفه به خفیه ابصال ایدوب
 نیجه کسسه لره ضرر ایشوردی ارشاد قاضی عماد ایلدوب بدعتی رفع ایدوب اما بونی ترک ایدرسکر خلق
 یوز بولوب آرزون اولور دیکارنده مسلمانلرک عیبلرین اچمده نه نفع وار برائتلرک صلاحته دعائیده لم دیدی
 ودخی قاضی به اون یکنالتون و یروب مسجون اولان مدیونلری بونکله اطلاق و یذل اشفاق ایلدوب
 و قریبان بیرای کجه سی علما و صلحا به یوز یکنالتون اولشدروب بوقدر مالی نیچون تلف ایدرسن دیدکرنده
 بن ایکنکد و نصکره دکان آجش باز دکام قولتی خیر ایشلم که محمد نصکره تقدیر یاشم کرکلا کلا و سزدوب
 ودخی نیچون ذوق و صفا و تم ایقبوب کسب تعب و تالم ایدرسن دیدکرنده زمانی یکدی دیوب
 جائز که الله تعالی عمر یکی اوزون ایده دیدکرنده ایکنکد و نصکره دکان اچان نه قزانور قولتی بقیه
 عمر مده تحصیل خیرات ایدیم دیدی و خزینه به کیروب خزینه دار خزینه منزل زمانکرده طولسه کرکدر
 دیدکده خزینه طولغیچون یا یلیوب بلکه فی سبیل الله توزیع ایچون یا بلشدر جمع مال عادت تجارت دیدی
 و سربایه بر او مده پدری زماندن قالمش وافر مهرلو کاغدر کوریلوب نیچون بونلری آچیز سز
 دیدکرنده بو کاغدر بوقدرز بر اچله می نمز و کذب متعلق سنه لرد دیدی و الحاصل باب عدالتده بعض
 حکایاتی اولوب بی شک و مین ثالث عمر یندر دینلک جائز در دینلر (بیمیه) التیوز بکری او چده موصل
 و شهر زورده بر آیه دله عظیم زلزله اولوب نیجه کوریلر کجوب ودخی ایکی کره آی طونلدی (وفات) التیوز
 بکری اوج رجبنده خلیفه الی ایکی یاشنده وفات ایدوب بمدت خلافتی همان جله طوقوز یچق آی اولدی
 (ارباب الدول ماهمون) ودخی (انقراضه المؤمن فانه یظن بنور الله) مفهومیله نیجه خلافتد نصکره
 آری یاشیجی قلبنه لایح اولوب ایکنکد و نصکره دکان اچان باز رکان کیم دیدوکی واقع اولدی (فصل سادس
 و ثلاثون در احوال مستنصر بالله بن الظاهر باهر الله) اسمی منصور لقبی مستنصر کتبی ابو جعفر
 اولوب بشیوز سکان سکر صفر نده طوغوب پدری وفاتده بیعت اولندی کوزل یوزلو آق و قزل یکزلو سیاه
 بادام کوزلو طوغان بورنر کر فاشلو صاری صفالو جسیم و کونه قدایدی (مناف) مرویدر که جدی
 ناصر لدین الله بونک عقل و کالات و انکار و نهی منکران کوروب محبت ایدوب لطیفه طریقه قاضی
 دیو چاغوردی و خلیفه اولدقده عدل و انصافه جود و الطافه و نظم احوال اطرافه با شلیوب علمایه کالی رعایتلر
 ایدوب مسجدل کار بانسرایل مدرسه لربهار خانه لربا یوب نصرت اهل شرع و سنن و رفع فتن و دفع عن
 و جمع عساکر و جهاد عظیم المأثر و حفظ ممالک و ضبط مسائل و فتح بلاد و قلاع و فتح اعدا و اهل بدع واجب
 الانقلاع ایدوب جله خلق بونک محبتنه اجماع ایشلردی (خیرات) مرویدر که بین البریه مستنصر به
 دیکله مسعی نادره دیار مدرسه علیا و بر عظیم دار الشفا بنا ایشلدر مذاهب اربعه علمائنه شرط
 و یوز التمش بونک کتاب و قضا ایدوب اشبو خیراتی اودافنک هر سنه محصولاتی یش یکنالتون افزون
 ایدی (فتاوی) بونک زمانده سابقا ظهور ایدن کفار تانار ولایت چیندن چیقوب بلاد مؤمنینه
 کورب اخذ بلاد و قتل مباد و شرف و سادایتد کارنده خلیفه نیک عسکری انلرک جنگ ایدوب کفاری صیوب
 مد وید و باب شروشری مد وید ایدوب بعده اول ملاعین بد رابله مدارا ایدردی و بعض معتبرانده
 مذکوردر که کفار تانار دیار چین پادشاهی هلاکوبین چنکیز خان التیوز بکری طوقوزده آذربایجانده قصد
 ایدوب مستنصر خلیفه نیک عسکری یاربیل حاکمی ممالک معظم تاناری فاجروب او توز او چده اربله نکرار
 کلوب مسلمانلر جنگ ایشد کارنده وافر کافر قیریلوب باقیلری موصل اطرافه واروب قتل و فساد ایدوب
 مستنصر مالاخر جرایدوب قولار یازوب عسکر جمع ایتدی (فانده) بونک زمانده وفات ایدن کار
 مشاهیر و یاقوت الخوری و ابو القاسم رافعی شیخ الشافیه و علامه یوسف السکاکی مؤلف متن مفتاح العلوم که
 محقره دن ایدی و ابن المظنی مؤلف الفیه الفه و حافظه هزال دین علی بن الاثیر مؤلف تاریخ کامل و احد
 القاب و ابن عتی الشاعری و یوسف الدین الامدی صاحب تألیفات در علم کلام و حضرت شیخ عمر بن الفارض که
 قنبدن تائیه صاحبیدر مبرده وفات ایتدی و حضرت شیخ شهاب الدین المهروردی مؤلف عوارف

المعارف و جمال الدین الحسینی شیخ الحنفیه و ضیاء الدین ابن الاثیر که هم وزیر اولوب هم مثل سائر آدلو کتاب
 مشهور و تألیفات ایشلدی و حضرت شیخ محیی الدین بن العربی المغربی مؤلف فصوص و فتوحات و دخی نیجه ل
 ایدی رحمه الله عالم اچمین (وفات) مرویدر که خلیفه التیوز قرق جادی الاخره سنده پدری کبی الی
 ایکی یاشنده وفات ایدوب بونک مدت خلافتی اون پدی بیل ایدی (حاکمه) مرویدر که مستنصرک خفایح
 دیکله مذکور و مشهور غایت شجیع و قوی القلب بر فرزندانی اولوب بن خلیفه اولور سم نهر جیموفی کجوب
 کفایت تاناری قیروب ولایتلرین اوزم دیکن مستنصر و فاته به بعض امرا آنک شجاعت و شهادتندن
 قورقوب مستنصر لئاوغلی غایتده حلیم و سادمدل و امور سلطنتدن حقیقه غافل اولغینا کایعت ایدوب
 خلفاء عباسیه نیک بغدادده انقراض دولت و سلطنتلرینه و اکثر اهل بغداد اولان نخمینا اون سکر کره
 یوز یکن کار و صغار و رجال و سنانک قتل و شهادتلرینه بحکمه خالق الحوادث سبب و باعث اولدیلر
 سکیم بر صحنه نصکره مرقوم و کیفیتی اندم معلوم اولور و انا لله و انا الیه راجعون (فصل سبع و ثلاثون
 در احوال مستنصر بالله بن المستنصر بالله) اسمی عبدالله لقبی مستنصر کتبی ابو احمد اولوب التیوز
 طوقوزده طوغوب پدری وفاتده او یوز یاشنده ایدی بهت اولوب بغدادده آخر خلفاء عباسیه بودر
 اول خلفاء عباسیه اولان سفا حاکم دخی اسمی عبدالله اولوب بوقصدا فتاوات بحسبه دندر (فانده در
 منایب و معایب) مرویدر که کریم و دین و پال اعتقاد و حلیم و این وصافی فزاد اولوب لکن بی تدبیر
 و محب جمع مال و غافل و غیر ملاحظه المآل اولغین وزیر مؤید الدین بن علقمی رافعی به جله امورین تفویض
 ایدوب اودخی افی من اچنه کوره تحسیر و امور خلافتی کند و بلدوکی کبی تصرف و تدبیر ایدردی
 (آمدن تانار) مرویدر که التیوز الی سنه سندنیزو کاه پادشاهلری چنکیز خانله کاه اوغلینک
 اوغلی هلاک و خانله بلاد اسلامیه به کلوب انواع فساد ایدن کفار تانار چین بعد فتح ریب البلاد ابتدا
 ولایت بغداد قرق اوج سنه سنده کلوب بوقصدا حیه سنده خلیفه نیک سرداری دویدر که بر عسکر کفار
 تاناری صیوب فاجردی (ظهور تانار دیار) معتبرانده اولانک محصلی بودر که التیوز الی ایکنده ابرده
 ولایت عینده شهر عددنده قدر تدین بر عظیم آتش یددا اولوب کجه اولدقده شراره پردودی هوا به صعود
 ایدوب دریاه و دوشوب کوندز اولدقده آتش برنده عظیم دخان نمایان اولوردی الی درت جادی الاخره سنک
 اوجخی کجه سی مدینه منوره غایت هیبتلو کورلدی اولوب بعده ایکی کوندله مدام نیجه زلزله
 محکم اولوب بعده شهر مایرم قوناق برده قدرت حقله بر عظیم آتش ظهور ایدوب نیجه طاغری طاشلری
 قورشون کبی ایدوب مناره قدر علولری چیه قوب رعد آوازندن زاده صدای اولوب نیجه مینا بکری کونک
 بولدن هواده اثری کورب نوبسانک کال ضیاعندن مدینه منوره کجه موم باقیه حاجت ایلوب بکوندز
 کونک نوری طولش کبی قوتلو اولوب من پورا آتش تدریجله شهریه لاشدقده جله خلق مسجد شریف
 حضرت رسوله التجا ایلد فریاد و فغانلر و نضاع فراوانلر ایشلکین لطف حقله مدینه به ماتد باد صبا فافش
 و روح افزایلر ایدوب بعده آتش شهر دن اوزاغه کیدوب محصل جله اوج آی طوروب یا یلوب طولی
 درت فرخ عرش دوت میل اولوب طاشلری و بعض خرده طاغری ایدوب بریره جمع اولوب سدا سکندر
 کبی بر یکباره سیاه طاع اولدی حضرت رسول علیه السلام بو آتشک ظهور ایده چکنندن خبر و یروب
 (لا تقوم الساعة حتی یتخرج نار من ارض الحجاز نضی) لهما اعتناق الابل یصری) بیور مشلر ایدی
 فی الحقیقه چاق ولایت شامده کبری و زنجیه اسمی بصری اولان ارض حورانده اشبوا آتشک ضیاع سنده
 دوهلر بوی کورینوب مجزه رسول علیه السلام آشکاره اولدی (محر) مرویدر که حکمت حقله
 سنه من پوره رمضانده سنه مدینه ده مسجد شریف حضرت رسول علیه السلام فراشلندن برینک
 خطابه طوطشوب جله ساق و دیوار و مسجدده هر نیکه وارایسه یاوب خلق اوشوب سوسلدر مکه چاره
 بولغندی مسجد رسول ایکن یاغ سنده حاکمیت خصوصنده بر شاعر ماهر دیدیکه (نظم)
 لم یحترق حرم النبی اشبهه * یحترق علیه و ما به من عار * لکنما ایدی الرافض لامست * تلك الرسوم
 فطهرت بالنار (غرق) سنه یو ییلده بغدادده شهر دجله محکم طاشوب شهرک اکثری غرق اولوب

وزیر خبانت نشانه نك كاشانه ضلالت آشيان سى بيه قلوب ويرانه اولدى (فتنه عظمى و مصيبت كبرى و زوال خلافت آل عباس شرف الامم) كمال اجمال تفصيل حال بومنوال اوزره دركه ديار چينده مكين اولان كضارتا ناراشراون چنكيزخان بدامان بى ايمان بنه كند و لايتنده ندر بجه صاحب قران اولوب بعده اشاعنده بيان اولنه حق و جهله التيموز التيمده سلطان علاء الدين خوارزم شاهله و التيموز اون بنده انك اوغلى جلال الدين خوارزم شاهله ماشد شير و بلك مرارا عظيم جنگ ايدوب جهله بلاد بجمه مالك و تنغ بى در بى ايله بجه انسان هالك اولدى * بشيوز اللى بنده بغدادده سيفله رافضيلار اسنده برقنه عظيمه اولوب اولر باصلوب ماللر بعمالنوب و اخرا رافضى قيرلده وزير ابن علقمى دخی رافضى اولغين قيتندن محكم انجنوب خلافتى آل على به نك و آل عباسدن انتقامه نيت ايدوب چنكيزخان اوغلى هلاكو به بغدادى كلوب آلوب عباسيلرى جهله قيروب خلافتى اولاد حضرت على به و وروب بغدادده بنى كند و طرفكندن حاكم نصب ايدرايلىك نهدندن مكامعين اولوب كا كوره تداركه بشلام ديوخبر كوندروب * اودنى نوله ديكن دغا خفيه خبرلشوب مسكين خليفه ساده دل و اهل حضور و غافل و جمع ماله محب و مكب و مائل اولغين وزير مكار خليفه غفلت كار به بابا كز مجرد خوفندن چوق عسكر يازمده و بوقدر وظيفه اسرافك اصلى بوقدر ديوپ ايكي دفعه ده او تو زبش بيلك عدد برار و خصم شكار عسكر ك وظيفه لنى كسوب و بونلرى خفيه شهر دن سورد وروب بعده هلاكو به كل ديو خبر كوندروب اودنى كلوب بوقدر و ن بقيه عسكر ايله سردار فارسو واروب صواشوب مسلمانلر از اولغين صينوب قاجوب بعده هلاكو التيموز اللى التى محرمنده عاشورا كوفى ايكيوز بيلك عسكر ايله كلوب بغدادك طشه سته قونوب مسلمانلر شاشوب امواج بالا و آشوب باشند آشوب وزير ملعون خليفه به بن واروب مائينكزى صلح ايدم ديو كيدوب هلاكو ايله جهله آل عباسى قيرمغه عهدلشوب خليفه به كلك كنده همان مرادى قيزنى اوغلكزه نكاح ايدوب سركاه دو متلشوب ملاطين سلجوقيه كى شريك اولوب بعده كير و ولايتنه كلكدر انجق پس دفع شرايچون لازمدر كه معادله سزا كابلذات واروب نكاح اولوب او كند كند فسكره مراد كز هرنه ايسه ايدم سزدوب خليفه ايسه ايله اولغين ايناوب (محرره) للمره لايجدى الحذر * اذلا مفر من القدر * ان حل ما يعضى على الد * انسان قديمى البصر * مغه و منجه اركان واعيان ايله واردنده كافر بونلرى بر جاده قوندروب بعده وزير لرغين شهر واروب نكاح بهانه سيله علما و اكبرى بيله كند و رده انلر و بر ايكي شهر كلكلر بونلرى اور يلوب خليفه مسكين خطا ايله كلك و كنه نادم ولسان حاله بوشمى كويا كويا مترنم اولديكه (نظم) الى حقيقى مثنى قدى * ارى قدى اراق وى * و ايس بنافع ندى * فهان دى فهاندى * هلاكو ملعون خليفه بى و اوغلى بر رجواله قوندروب كافر لده اورمغه هلاكو ايدوب خليفه نك بر قاج اولادى و بر قاج عيلرى دنى كى شهادت كى اسير اولوب قتل اشراف انام غلام اولدنده دجه ايرماغنه كوپر و قوندروب كافر شهر كيروب قبوله و صوبو لار بنه كير نلر دن غيرى صغير و كبير جليل و حقير جهله مسلمانلرى اونوز اللى كونه دل سايى قيروب زقا قلدده قان سيل روان اولوب جهله اون سكر كره بوز بيلك كسته قتل اولندى * هر ويدر كه دور آدمدن تابصدور اين دم عامه به سرايت ايتش بويه بر مصيبت و ماتم و ظلم مضاعف و مدغم واقع اولامشدر ديشلر * الحكم لله العلى العظيم * ذلالت تقدير العزيز الحكيم * بومصيبت قيامت نشان حقهده صاحب كاستان شيخ سعدى اهل عرفان بر لطيف قصيده ديشدر كه مطلعى بودر (نظم) آسمان را حق بودر خون بكريد بر زمين * بر زوال ملك مستعصم امير المؤمنين اى محمد در قيامت كر بر آرى سر زخاك * هر بر آوروين قيامت در ميان خلق بين (روايت ديگر) بعض نوار بن عريمه معتبره ده قصه مزبوره بويه مسطوره دركه وزير ايعن بر نفاق هلاكو ايله اتفاق ايدكده هلاكو بواكسن بزه يار صبادى ايسك بغداد عسكرى غايت چوقدر قتيله سعى ايدم سن ديوخبر كوندروب بودنى سباقا ذكر اولندى اوده قتل ايدوب هلاكو ايدوب كلوب خليفه عسكر بجمه بالنوب اهل بغداد بى بر ليه هلاكو ايدوب فارسو واروب محكم صواشوب ايكي طرفندن بى روح و بجز روح چو غلوب عاقبت كزار مينوب مسلمانلر نلرى قوه ايدوب نيبه باشلر و ايرلر ايله كلوب جادر لرايه

طشهره ده قونوب هلاكو وزير انجنوب بى طرفه كوندروب رنك بچدى ديوخبر كوندروب كى او كچه وزير ملعون چا و سكر كوندروب مسلمانلرى غرق ايجون دجه ايرماغنى ياردروب اوزر لار بنه آقيدوب اسكر عسكر و طوار و هر نكه وارابسه غرق اولوب بهضلى بياده كوله قور تلوب وزير خياقتسجى حيله سنى هلاكو به بلدرمكين تكرار كلوب هلاكو رجوع ايدوب فارسو طوار عسكر بولنامقن سابقا ذكر اولندى اوزره وزير حيله سيله خليفه واعيان مملكت (مصراع) مرغ راجون اجل ايد سوى صياد رود * مغه و منجه خليفه كند و اراد نلر ليه هلاكو اياغنه متافق سوز ليه واروب خليفه به شهادت و جهله شهر خاقنه قتل عام با تمام واقع اولدى (نظم) عجب اولمايه بوايشلر جهان بوفادن كيم * كى قودى كى قويه النندن دادا لك فراد * قنى خيال وافر ديون كه دون ايندى اتى كردون * قنى كخسر و دارا قنى اسكندر و شداد * يله و يردى سليمان ايندى قومه لقمانى * زمين ايندى نريمانى نه قيلور كور جهان بيداد * بوز بوشول نقشى كيم يازدى * بيقر شول كوشكى كيم دوزدى * شويده تاركه هب ديزدى ديزر بركون اتى نراد * نظر ايله بومعنايه كوكل و يرمه بودنايه * حذر ايت دوشمه غوغايه نه لذت فائى به نه داد (متفرقات متبده از انواع متعدده) (۱) هر ويدر كه خليفه هر قوم مظلوم هر حاكم مدت عمرى فرقيدى مدت خلافتى اون بش بيل و سكر آى و بر قاج كون ايدى (۲) هر ويدر كه هلاكو ملعون قتل عامده سكره بغدادى ضبطه كند و بوايشلر بر حاكم ديكوب وزير حقه قير ضهيرى طوقوب بره ملعون سن ولى نه متل اولان پادشاهكه ودينده بولداشلك بويه خيانت ايتش بيلك بكانه ايسك كدروب بوب محكم سو كوب كوزدن براغوب كزار ايجنده حقير و خور و ايند و كى خيانت نادم و بيهضور اولوب التيموز اللى ايدى اوائلنده انواع جفا ايله بى مهل و مطل قتل ايندى (ع) لعنه الله عليه و عليه ابد (۳) هر ويدر كه هلاكو غايتنده جبار و سكر و بى رحم و روى كفر خو بى مستحق قاذورات و ظم اولوب جمع مدت خرو جنده و ذرو بى و فساد و عرو جنده ممالك عالمده زمينه آدمدن يكرى كره بوز بيلك و اونوز بيلك كسته قتل ايتشدر (۴) هر ويدر كه مستعصم هر حاكم زمان خلافتنده وفات ايدن مشاهير كار * شمس الائمة كردوى شيخ الخفيه و شيخ نقي الدين الشهير بابن الصلاح و علم الدين الحضاوى و ابن بعيش شيخ الخو و ابن البيطار و مؤلف كتاب مفردات در طب و علامه ابن الحياجب مؤلف كتابه و شافيه و شافيه و غيرى و رضى الدين الصفانى مؤلف عباب و زملكانى مؤلف اعجاز القرآن و شمس خسرو شامى و مجد بن تيمه و يوسف سبط ابن الجوزى مؤلف تاريخ مرآت الزمان ايدلر * هر ويدر كه مستعصم بالله و فائيله بغداد دى دوات عباسيه زائل و بدر قدر عاليلى آهل اولوب التيموز اللى طقوزده ولايت مصره منتقل اولدى لکن مصره كى خلفا بغداد خلفامى كى متصرف ايدور ايدوب ملوك مصر لار نده مغه و راولوب مر اجعت عامه خلق همان سلاطينه اولور دى تكميم اشاعنده احوال خلفا و ملاطين مصر فصلار نده مذ كورد (باب ثالث در احوال ملوك بنى اميه در ولايت مغرب) بوطانقه ايندا بوز اونوز سكر زده مظهر ايدوب جهله اون بش نفر و مدت سلطنتلى ايكيوز سكران درت بيل و تختگاهلرى مغربده قرطبه شهرى ايدى (مقدمه) اولامعلوم اوله كه ديار بغدادده اولان خاندان عباسيه زمانلر نده ممالك حقيقه اسلاميه ده تغلب طر بقيه پادشاه اولنلر بيجد ولايت بفرقه اولوب لکن قوايحه مقام و مكل مرتب و مسلسل ذكر اوانسان سلاطينك بين الجمهور مذ كور و مشهور اولان فرقه لرى بونلر در كه طبقه لرى اساميه جه اوقات ظهور لرى تاريخى حالا اجمالا ياز يلوب بعده هر فرقه نك ترتيبلى اوزره فصلا احوال لرى بيان و عيان اولور (ملوك طبقه ثابته بنى اميه در ولايت مغرب) ظهور ايشان فى ۱۲۸ هـ (ملوك صفاريه در ولايت بجم) ظهور ايشان فى ۱۲۵ هـ (ملوك سامانيه در ولايت بجم) ظهور ايشان فى ۱۶۱ هـ (ملوك فاطميه در ولايت مغرب بعده در مصر) ظهور ايشان فى ۳۲۸ هـ (ملوك ديلميه در ولايت بجم) ظهور ايشان فى ۳۲۲ هـ (ملوك غزنويه در ولايت بجم) ظهور ايشان فى ۳۸۹ هـ (ملوك سلجوقيه در ولايت بجم و بغداد) ظهور ايشان فى ۴۲۲ هـ (ملوك سلجوقيه ديكر در ولايت بجم) ظهور ايشان فى ۴۲۴ هـ (ملوك خوارزميه در ولايت بجم) ظهور ايشان

فی سنه ۹۹۰ (ملوک ازبکیه در حلب) ظهور ایشان فی سنه ۱۰۰۰ (ملوک ازبکیه دیگر در دياربکر)
 ظهور ایشان فی سنه ۱۰۲۳ (ملوک ابویه در مصر) ظهور ایشان فی سنه ۱۰۶۹ (ملوک چنگیزیه
 در ولایت چین و عجم) اگر چه نیجه ری خصوصاً اولاری کفار اولوب لکن بعضی مسلمان اولمقین جمله سی
 ملوک اسلامیه ارانسته یازلدی ظهور ایشان فی سنه ۱۰۷۸ (ملوک ترکیه در مصر) ظهور ایشان
 فی سنه ۱۰۹۲ (ملوک چراکسه) که خلفاء بغداد انشراضند نصرکه مصرده اولان خلفاء عباسیه زمانده
 پیدا اولدیله ظهور ایشان فی سنه ۱۰۷۸ ملوک آل عثمان اگر چه کیم یونلر چراکسه دن سکسان
 پیش ییل اول دیار رومده فی سنه ۱۰۹۹ ده ظهور ایتدیله لکن بیان احوالاری تفصیل کای اقتضا ایتمکله
 بشقه قسم اولمقین بشقه دیباجه ایله چراکسه دن نصرکه یازلدی (فصل اول در احوال امیر عبدالرحمن
 الاموی) عربجه بکه و پادشاهه امیر دینکین بوکادخی امیر دیدیلر بوخسه آل رسول دکل ایدی یکی مقرر در
 زیر معاویه بن هشام بن عبد الملك بن مروانک اوغلیدر پدری معاویه خلیفه اولوب لکن جدی
 هشام بو فاروده ذکر اولنان خلفاء بنی امیه دن ایدی و تواریح معتبره ده مذکور در که ظهور دولت
 آل عباس قنده سنه اطراف عالمده بنی امیه طائفه سنک مشهور اولدی قتل اولنده قده عبد الرحمن فاجوب
 ولایت مغریده اندلس دیارنه واروب بنی امیه طائفه سنک فاجعه و ناری بونک یاتنه جمع اولوب یوز اوئوز
 سکرده قرطبه شهرنده سلطنته یعت اولندی بیک چشم و دراز و لاغر و خفیف العارضین اولوب لکن عالم
 کامل حاکم عادل ایدی شهر قرطبه ده برکاسانی جامع ایدوب یوز بیک فلوری صرف ایدی بعض معتبرانده
 طول یوز عرضی مکسان ذراع بر عظیم جامع یا یوب ایچنده بیک عدد دیرک اولوب جامه ک بدایع صنایعنه
 استادان جهان حیران قالوب یالکرم نهی بناسنک اجرتنه اون بیک التون ویرلشدی دیومذ کوردره یوز شش
 ربیع الاخرنده وفات ایدوب مدت سلطنتی اوئوزدورت یا اوئوز اوج ییل ایدی (فصل ثانی در احوال
 امیر هشام بن عبدالرحمن) پدری وفاتده تخته یکدی یوز مکسانده اوئوز سنک یاشنده وفات ایدوب
 سلطنتی یدی ییل ایدی (فصل ثالث در احوال امیر حکم بن هشام) پدری وفاتده تخته
 یکوب لغی مرثی ایدی ایکی عیسی سلیمان و عبدالله بونک اوستنه خروج ایتد کارنده ایکسنه دخی ظفر
 بولوب سلیمان قتل ایدوب عبدالله صلح اولدی ایکی یوز الی یا سکر ذی الحجه سنده الی ایکی یاشنده
 وفات ایدوب سلطنتی یکری الی یا یکری یدی ییل ایدی (فصل رابع در احوال امیر عبدالرحمن بن الحکم)
 پدری وفاتده تخته یکدی پدری واجدادی سکه ضرب ایتدوب اطرافدن کلان نفود مسکوکین خرج
 ایدر ایدی و مزبور عبدالرحمن عالم و کامل مدبر فاضل و عاقل اولمقین کدر و نامه سکه فازدروب التون آخه
 کدردی سلطنتی غایت قوت و شوکت و عظمت بولوب التونلو لباسلر کیمک احداث ایدوب کتب قدما
 و حکای مملکتنه کتورتندی ایکی یوز اوئوز طه و زده الشمس اوج یاشنده وفات ایدوب سلطنتی اوئوز بر ییل
 اوج آی اولوب قرقش نقر اوغلی قالدی (فصل خامس در احوال امیر محمد بن عبدالرحمن) پدری
 وفاتده تخته یکدی فقیه و باغ فصیح خوش تمام و کثیر الجاهاد ایدی مغریده وادی السلیط اولورده
 کفار ایدوب حرب عظیم و شرب البهیم ایتدیکه منلی دیاده واقع اولوب او چیوز بیک کافر قتل اولندی دیشلر
 اسیر اولاندن غیره ایکی یوز شش اوج صفرنده الشمس بن یاشنده وفات ایدوب سلطنتی اوئوزدورت ییل
 اون برای اولوب ارتوز اوج نقر اوغلی قالدی (فصل ششم در احوال امیر محمد بن محمد) پدری
 وفاتده تخته یکوب یوز طسان یاشده یا غش یاشده وفات ایدوب سلطنتی یکری ایکی یا همان
 ایلی ییل ایدی (فصل سابع در احوال امیر محمد بن محمد) وفاتده تخته یکدی علم و فتواده
 اسلاف و اخلاقدن زیاده ایدی او چیوز ربیع الاخرنده قرقش ایکی یاشنده وفات ایدوب سلطنتی شش ییل
 اون برای ایدی (فصل ثامن در احوال ناصر بالله بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله) جدی وفاتده
 تخته یکوب بونک پدری محمدی بابایی عبدالله پادشاه ایکن بر جدی محمدی ایچون قتل ایتدندی بونک زمانده
 بغدادده آل عباسدن خلیفه اولان مقتدر بالله اطراف بکار بیک و خارجیلر بونی اولد قده اشوب عبدالرحمن
 آل عباسه تاهیرا کندوبه خلیفه و امیر المؤمنین و ناصر بالله لقبلر بن قویوب ولایتی بخفته کندوبی

خطبه ده و غیره پرلده یوز چهل ذکر ایتد امر ایدوب کندودن مقدم پادشاه اولان آبا واجدادنه همان
 امیر فلان دیرلردی و تواجیح مسکیه ده مذکور در که مغریده ملک ناصر اموی عالم کامل اولوب خواص علوم
 خفیه و اسرار عجیبه به غایت مائل اولمقین هند پادشاهی مله و نیجه هدایا ایلد کابل کلیل و دمنه بر تصویر
 و علم حروفده سفر حضرت آدمی یعنی کتابی و جنت زیت و تندن و مرستندن و سکر می بر ورق اوستنده
 حضرت آدمه نازل اولان کتاب اسرار حروفی که خواص عجیبه بی جامع و نافع ایدی کوندروب قسطنطنیه
 پادشاهی حکیم ارمانوس دخی علم خواص نیاننده لسان اغریقی یعنی لغت یونان قسیم اوزره ابتدا تألیف
 اولنان کتاب حکیم دیسکوریدوسی و اسان لاطینی یعنی لغت فرنک اوزر متالیف اولنان تواریح ملوک و روی
 نیجه هدایا ایلد کوندروب اوج ییلد نصرکه اول کاید اسم ورمی نامعلوم اولان بنانانک بعضی تعیین و تبیین
 ایتدیکه بقوله نام راهبکی کوندردی و مزبور ناصر اوچیوز الی رمضانده یتش اوج یاشنده وفات ایدوب
 سلطنتی الی ییل و الی یادی آی اولوب اون بر نقر اوغلی قالدی (فصل سابع در احوال حکم بن عبدالرحمن)
 لغی مده نصر بالله یا منتصر بالله ایدی پدری وفاتده تخته یکوب عالم فاضل عاقل کامل ایدی او چیوز
 الشمس الی صفرنده وفات ایدوب سلطنتی اون شش ییل الی ایکی یکر ی شش آی ایدی (فصل عاشر
 در احوال مؤید بالله هشام بن حکم) پدری وفاتده اون شش یاشنده تخته یکوب حاجبی یعنی قیوچی
 باشیمی ابو عامر القبطانی جمیع امور سلطنتی مستقلاً کوروب کندوبه منصور اقبین قودی او چیوز
 طه سان طغوز حادی الاخره سنده هشامک اوستنه عیسی اوغلیک اوغلی محمد بن هشام بن عبد الحبار
 ابن عبدالرحمن انصار بالله خروج و خلق اکایهت ایتد کده هشامی قرطبه شهرنده حبس ایدوب تخته
 یکدی هشامک سلطنتی اوئوز اوج ییل ایدی (فصل حادی عشر در احوال مهدی بالله محمد بن هشام
 ابن عبد الحبار بن عبدالرحمن الناصر بالله) پدری و جدی پادشاه اولوب پدر بیک جدی ناصر
 پادشاه ایدی ایکی اوج سطر مقدم یکدی و کی اوزره هشام بن حکمی حبس ایدوب بر بنه یکمشدی بر ییل
 اوج یادرت ایدوب کمره در یوز شوالی اوائلنده سر کاندین تدان عیان اولوب اقر یا مددن سلیمان
 ابن الحکم بن سلیمان بن عبدالرحمن الناصر بالله دخی بونک اوستنه خروج و بودخی عسکر جمع ایدوب کاهجوم
 ایتد کده سلیمان فاجوب لکن ارکان و اعیان محمدی خلع ایدوب محبوس اولان هشامی تکرار تخته
 یکورمکین محمدی طوقوب قتل ایتدی محمدک سلطنتی همان بر ییل اوج آی ایدی (فصل ثانی عشر
 در احوال مؤید بالله هشام بن الحکم در سلطنت دفعه ثانیه) مزبور مهدی بالله ای اعیان مملکت عزل
 و بونی حبسدن چقاروب نصب ایتد کارنده غایت آرزماند نصرکه نه در یوز سنه بی ایچنده سابقه ایدونک
 اوستنه خروج ایدون سلیمان تکرار عسکر جمع ایدوب هشامی قرطبه شهرنده محاصر ایدوب عاقبت شهر
 حیرا قبله فتح ایدوب تخته یکوب هشام ارا قده غائب اولدی (فصل ثالث عشر در احوال مستعین
 بالله سلیمان بن الحکم بن سلیمان بن عبدالرحمن الناصر بالله) اوائل ظهوری ایکی فصل سابقه مذکور در
 تخته یکد کیده کندوبه مستعین اقبین قودی اوج ییل و دورت اید نصرکه در یوز یزدی بحر منده اولاد
 رسولدن علی بن جود بن میمون بن احمد بن علی بن عبدالله بن عمر بن ادویس بن عبدالله بن حضرت امام حسن
 خروج ایدوب کندوبه متوکل علی الله یا ناصر بالله اقبین قویوب عسکر جمع ایدوب سلیمان و برادری
 و پدرلری قتل ایدوب تخته یکوب سابقا غائب اولان هشامک موتی اطه ایدوب بر ییل و طغوز آی
 پادشاه اولوب لکن یوموت ایچنده کیدونک دخی اوستنه شیه آل رسولدن عبدالرحمن امیر قسطنطنیه
 بر کسنه خروج ایدوب علی انکله عظیم حاکم ایدوب محکم ایلر چکوب عاقبت علی بی در یوز سکر
 ذوالقمر سنده خدیو کارلری جام ایچنده قتل ایدوب بر بنه برادری قاسم بن جود تخته یکوب اقبینی قائم بالله
 یا خود مأمون قویوب در یوز و زاون ایکیده یا ابن برده قاسم اوستنه برادرزاده میحی بن علی خروج ایدوب
 اقبینی معتلی بالله قویوب ارا زنده نیجه حاکم اولوب عاقبت عیسی قاسمی طوقوب حبس ایدوب انده
 وفات ایدی بر ییل ویدی اید نصرکه میحی اوستنه سابقا قتل اولنان مهدی بالله برادری عبدالرحمن
 خروج ایدوب واجدادی تخته یکوب میحی قتل اولندی (فصل رابع عشر در احوال مستظهر بالله

عبدالرحمن بن هشام بن عبدالحبار بن عبد الرحمن الناصر بالله) سابقا خروج ایدنزلک آخری اولان یحییانک
 اوسته خروج ایدوب رمضانده بیعت اولنوب ایکی اوج ایدنصرکه قتل اولنوب یاخودخلع اولنوب
 ده زمان قاجوب یولده وفات ایدوب بعض کتیده سابقا کوراولان سلیمان بن ایشاغیسی ذکر اولغا مشهور
 (فصل نهم عشر در احوال مستکنی بالله محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الرحمن الناصر بالله)
 مستظهر خلعت اولدوقده خلعت یوکایعت ایدوب بریل دوت ای کجکده بودخی سلطاننندن خلعت اولندی
 (فصل سادس عشر در احوال معتمد بالله هشام بن عبد الملك بن عبد الرحمن الناصر) در تیوزاون سکزده
 مستکنی خلعت واشبوهشامه بیعت اولنوب بعده نیجه قتنه واختلاف ظهور ایدوب عاقبت در تیوز
 یکریمی انیکیده خلعت وحبس اولنوب انده وفات ایدوب دوات بنی امیه بالکلیه زائل وناپایدار اولدی
 المان الدائم لاواحد الا هار (روایت آخری) بعض کتیده سابقا ذکر اولغان محمد بن هشام بن عبدالحبار
 بن عبد الرحمن اوزرینه برادرزاده سی هشام بن سلیمان بن عبد الرحمن الناصر خروج ایدوب خلعت یوکایعت
 ایدوب رشید دیو اقب قونوب بعده عیسی بن نور محمد بن هشام بن عبدالحبار یوکلکه جنگ ایدوب بونی قتل
 ایدکده خلعت انک خلعتنه اتفاق ایتمکین کیرلنوب بعده قتل اولنوب انک قتل ایدوکی هشام بن برادری سلیمان
 ابن حکم المستنصره بیعت اولنوب لقب مستعین بالله قونوب در تیوزا ایتیده سلیمان ایلدخی جنگ اولنوب
 سلیمان اسیر اولنوب عبد الرحمن بن عبد الملك بن الناصر تخت کجوب مرتضی دیو اقب قونوب بریل ایچنده
 قتل اولنوب دوات بنی امیه ضعف بولغین آل رسولدن علی بن جود در تیوزیدی محرمته تخت کجوب
 در تیوز سکزدی القعه سنده قتل اولنوب برادری قاسم المأمون تخت کجوب اون برسنه سنده خلعت اولنوب
 قاسم برادرزاده سی یحیی بن علی بن جود تخت کجوب معتلی بالله دیو اقب قونوب بریلیدی ایدنصرکه
 قتل اولنوب بعده دوات بنی امیه عودت ایدوب مستظهر عبد الرحمن بن هشام بن عبدالحبار تخت کجوب
 الی کوندنصرکه قتل اولنوب محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الرحمن الناصر تخت کجوب مستکنی
 دیو اقب قونوب بریل دوت ایدنصرکه خلعت اولنوب هشام بن محمد بن عبد الملك بن عبد الرحمن الناصر تخت
 کجوب معتمد دیو اقب قونوب برمدت سلطنت سوروب بعده خلعت وحبس اولنوب در تیوز یکریمی ایکی مقررده
 وفات ایدکده دوات بنی امیه بالکلیه زوال بولدی دیومذ کوردر والله اعلم (باب رابع در احوال ملوک
 مغاریه) بوطانقه ایکیوزانی برده دیار محمد ظهور ایدوب جلعه سی همان اوج نفر و سلطنتی
 الی بیل ایدی (فصل اول در احوال یعقوب بن لیث الصفار) بدری لیث اهل حرقت اولوب صنعتی
 دمور و باقر جندندن اولان توج یاقق اولغین صفار دیر ایدی عربجه صفرتو جنگ اسیردر مرزور یعقوب
 ملوک محمد بن برینه ضرر عکرا اولوب بعد زمان سپاهیلر یونک ضبط وند برین واطف کثیر بن کوروب
 دلبذیرری اولغین جلعه سی یوکانایع اولدوقنده هرات و بوشج شهر لر بنه پادشاه اولوب بعده قوت بولده
 بلخ وکابل ویشاور واهواز شهر لر بنه بعده سجستان وکرمان وخراسان وخرزستانه واکثر عجمستانه
 مالک اولوب دریشابوری تختگاه و باب موت اتسارین زمره دادخواه شاه ایتشیدی عاقل کامل
 صالح عامل شجیع مهیب مدبر مصیب ثابت قدم صاحب کرم عالی هم اهل نیم کتیده لیدی خلفاء
 عباسیه دن معتمد علی الله یونک ظهورین ایشندکده عراق حاکم یونک اوسته کوندروب جنگ ایچنده
 حاکم اسیر اولغین یعقوب کال قوت و شوکت بولدی معتمد برادری وضرر عکری موفق بالله دخی بردقمه
 یونکده صواب یعقوب مغلوب اولمشدی آخر عمرده مغلوب اولوب اطباحقنه ایکن ایتد کارنده
 رضا ویرماکین وفات ایدوب * مرویدرکه وصیتی اوزره سنک مزار بنه یوکلای قازدیلرکه (نثر)
 هذا قبر یعقوب المکین (نظم) ملک خراسانا و اطراف فارس * وما کنت عن ملک العراق بائس *
 شهم علی الدیار طیب نسجها * کن لیکن یعقوب فیها جالس (فصل ثانی در احوال عمرو بن لیث
 الصفار برادری وفاتده برینه کجی مسعود شوکتی یوما فیوما متزاید اولغین بغدادده خلیفه لده
 یو کادع اولوب ایدن اول یومرجه بر پادشاهه میسر اولماشدی شهر از شهرنده برجامع ایتشدر آخر کار
 (مصراع) قفاهی اقبال وادبار * طرا خجبه زمان فی امان نامهربان یوتدن روگردان اولوب

خلفاء عباسیه دن معتمد بالله امیر اسماعیل سامانی اونی ایکی بیگ کتیده ایلد بونک اوسته کوندروب
 بودخی سکسان بیگ نفر عسکر اوزدیریکر ایلد مقابله یه مقابله ایتدکده جوش جنگ پر خروشدن ایتدکده کی ات
 بلاکلیوب دخیمن آلاینه قاجوب بی رحمت و بی تدبیر محض حکمت رب قدیر ایلد اسیر و همچون شیر دلیر بسته
 زنجیر اولوب بوحال عبرتال ایلد دوه به بندریلوب خور و حقیر بغدادده اسیر کورتور دیر مدت سلطنتده
 کیلار و مطبخی آلات و مهماتن او چیوز بال تیوزدوه کورتور کن عاقبت زندانده اچلقدن وفات ایدوب
 (نظم) قلات را خود این رسم و آیین بود * که در مهر و روزیدنش کین بود * جوانمرد صفت کجوب *
 نیشید چیزی که نکرقت باز (فصل ثالث در احوال طاهر بن محمد بن عمرو) جدی اسیر اولدوقده
 یو قاجوب * تانده عسکر جمع ایدوب فارسه کلوب سابقا جدی اسیر ایتدرن معتمد خلیفه یونک دخی
 اوسته عسکر کوندردکده بنه * تانده قاجوب انده وفات ایدوب دوات صفاریه بالکلیه منقرض اولدی
 (نظم) نعمت دنیا میر اسر خورده کیر * هر قاشا کونکر دی کرده کیر * ملک دنیا چون غنایدار *
 مشرق و مغرب بدست آورده کیر (باب خامس در احوال ملوک سامانیه) بوطانقه عادل وعاقل و مدبر
 امور کامل کسسه لر اولوب خراسانه واکثر عمالت عجمه و هندستانه وارنجه جمع بلاد ماوراء النهر مالک ایدیلر
 تختگاهلری شهر بخارا اولوب جلعه سی اون نفر ایدیلر اول ظهورلری ایکیوزانیش برده اولوب مدت سلطنتی
 یوزایکی بیل والی ایدی (فصل اول در احوال امیر اسماعیل بن احمد بن اسد بن سامان) مرویدرکه
 من یور سامان حضرت رسول علیه السلام دن اول کلان ملوک محمد بن بهرام جوین تسلطدن اولوب
 اجدادنک اکثری ملوک دیار ماوراء النهر ایدیلر اول ولایتی حضرت عمر رضی الله عنه خلافتده مسلمانلر
 ضبط ایتد کد نصرکه سامانک بدری سلطاننندن ساربانلق مرویته سنه نزول ایدوب (نظم)
 که ی بارما لارو که ساربان * چنین آمده ورم این کاربان * بعد زمان مأمون خلیفه زمانده خراسان یکی امیر
 طاهر سامانک لایق تربیت ایدوکی یلایوب کالی رعایت ایدوب سامان وفات ایدکده اوغلی اسدی مأمون
 ماوراء النهر در شهره جا کم ایدوب بعد زمان * متقل پادشاه اولدی اسد لبر قاج اولادی بعض بلاد خراسانه
 حاکم اولشدری * مرویدرکه من یور اسماعیل عادل ولیب و مدبر مصیب اولوب زمانه سی خلیفه سنه
 اطاعت و محبت اوزره ایدی * ترکستانه و بعض مالک غزال ایدوب نیجه ملک ترقع و ضبط ایدوب *
 عمرو بن لیث الصفاری جندکده اسیر ایدوکی برصفیه یوقاروده کجمددر (فصل ثانی در احوال امیر احمد
 ابن اسماعیل) بدری وفاتده برینه کجوب الی بیل والی ایدنصرکه خدمتکارلری بونی قتل ایتدیلر *
 تاریخ سیر خوانده مذکوردرکه یونک ملکینده بعض خار جیلر ظهور ایتمکین انزلک دفعه عسکر چکوب
 مالکینی کروب جاتندن بزوب دائما علما ایلد اختلاط وصحت ایتمکین خدمتکارلری یوتدن نفرت ایدوب
 او چیوز برده بر کجبه خدمتکارلری بونی قتل ایدوب بخاراده دفن اولنوب بعده بعض قاتلری طویلوب
 قصاص اولندیلر (فصل ثالث در احوال امیر نصر بن احمد) بدری شهید اولدوقده اون یاشنده تخت
 کجوریلوب عاقل و عادل و حلیم و کریم و اهل شجاعت و همت و نعمت و لطف عیم ایدی * تدبیر امور ایلد
 تسخیر جه و ر ایدوب ضبط بلاد و ربط عباد و کسیر اهل عناد ایتمکین اشیرجهان قانی بنیان محبت
 آشیانده نیجه زمان کساجش و کامین و کامران ایدوب * عارف کامل اولغین اوغلنه ایتدوکی نصاح
 اطفیه سی بعض کتیده یازلشدر * اوج ای سل مر ضه مبتلا اولوب او چیوز او توبرده او توبر سکزیاشنده
 وفات ایدوب سلطنتی یکریمی سکزی بیل ایدی (فصل رابع در احوال امیر یوح بن نصر) بدری وفاتده
 برینه کجوب زمانده خروج ایدن عدوسله و نیجه دفعه و عظیم خار جیلرله بالذات و بالواسطه جنگلر ایدوب
 برایی کره صینوب قاجوب ولایتن آخر کسسه ضبط ایدوب بعده شه ظفر یولوب برینه کجی عادل و عاقل
 کسسه اولغین او چیوز قرقده وفات ایدوب سلطنتی اون ایکی یا اون اوج بیل ایدی (فصل خامس
 در احوال امیر عبد الملك بن یوح) عاقل و عادل کسسه ایدی بدری وفاتده برینه کجوب بدری بیل
 والی ایدنصرکه کوی و چوکان او بنار ایکن آیدن دوشوب اول آنده جان و یردی (فصل سادس
 در احوال امیر منصور بن یوح) سلطنتی اون بریل طوقزای ایدی (فصل سابع در احوال امیر یوح

ابن منصور) خراسان بکری بوکامی اولمغین شهر غزنه ده شهنه اولان ناصر الدین سبکتکینه خبر
 و ندر دکنه نوحن انزل شرفی دفع ایتمکین نوح دخی سر عسکر لکنی سبکتکینه و یردی * تاریخ
 میز خوانده مذکور در که بونک اوزرینه ترکستان پادشاهی بغراخان کلک اوزره ایکن ا کا طاقت
 کشور لاه کین امیر نوح قاجوب اطراف ده کزوب بغراخان خسته اولوب ولایتنه کتد کده نوح کاوب کند و یرینه
 یکدی بعده نوح قدیم غزنه بکی اولان امیر سبکتکین الیه و انک اوغلی محمود الیه بیحد خار جیل دفع و کسر
 و قهر ایتمکین نوح کل سلطنتی غایت قوت و شوکت بولندی * او چپوز سکسان یدیده وفات ایدوب سلطنتی
 بکری بریل ویدی آی ایدی (فصل نهم در احوال منصور بن نوح الثاني) غافل و بد تدبیر اولمغین
 جلوسدن بریل ویدی آی یکد کده سابقا عاصی اولان بعض امرای بونی طوب کوزلرینه قیزمش
 میل چکوب بونک برادر قی شهنه کچوردیلر سلطنتی بریل طقوز آی ایدی (فصل نهم در احوال امیر
 عبدالملک بن نوح ثانی) اوغلا نحق ایکن برادر ی برینه کچوردیلوب خراسان بکی محمود بن سبکتکینی عزل ایکن
 ایستد کده ارانده عظیم محاربه لار اولوب عاقبت عبدالملک صینوب بخارایه قاجد کده در تیوز او تو ز طقوزده
 ترکستان پادشاهی ایکن خان کاوب ماوراءالنهر شهر لری الوب عبدالملکی اسیر ایدی (فصل عاشر
 در احوال امیر اسماعیل بن نوح ثانی) برادر ی طوتلده کده بو قاجوب ممالک بجمده بر مقدار عسکرایه
 شهر بشهر کزوب سلطان آل سامان بی سر و سامان اولوب بوجهان چهان پرلا واده معین و مجلأ و ماوی
 بولوب عاقبت او چپوز طقسان بشده بونی هلاله وزیر مغالک خالایه دیر * آخر ملوک سامانیه بودر بونک
 مملکتلر بن دخی خراسان بکی محمود بن سبکتکین ضبط ایدوب شاه عالیجاه انجم سپاه رعیت پناه اولدی (نظم)
 بذافت الایام مابین ادلهما * مصائب قوم عند قوم فواتد (باب سادس در احوال ملوک فاطمیه)
 اشبوطانقه آل رسول کچمه کین فاطمیهون دیکاه و ابدا ر بک اسمی عبدالله اولمغین عیدیه دخی دیکله
 مشهور ایدیلر * اقل ظهور لری ایکیز طقسان اتیده و مدت سلطنتلری ایکیز و یتش بیل اولوب جله سی
 اون درت نفر ایدی اوللر بک تختگاهلری ولایت مغرب اولوب در دخیلری مغربدن مصره واروب
 اندن فالوب بعده کانلر مصرده ساکن ایدیلر (تنبیه) تاریخ خلفاده مذکور در که اشبوملوک اکثری
 تحقیق زندیق اولمغین کیمی حاشا ب انبیا و خلفه ندا ایدوب کیمی دعوی علم غیب ایدوب کیمی شرابه
 حاللر دیوب کیمی کندویه خلقی سجده ایدوب غایت اصللری سب صحابه به معنی حث ایدوب رافضی
 خث اولوب علماء دیار مغرب بو طائفه نک حالی مرتدین و زناده طالب در که شرع شریف واجب الاتباع
 خلافتی اظهار ایدیلر دیو اجاع ایتملدر * قناندن مرویدر که بو طائفه ناخافه ضلالت عاکفه
 جله زمان سلطنتلرنده واقع اولان علما و صلحادن درت بیل کسمه بی محبت صحابه سبیل طماعتل ایدوب
 اهل اسلامه کفار تاناردن و سائر نجاردن شر و ضرر لری اشد بر خصم ایدیلر * زمان خباثت نشان
 بر مضالمزنده مصر شهرنده جله قاضی اوللر شیعه شیعیه مذهبی اوزره حاکم ایدیلر * عاقبم الله بالانار
 فی دار البوارانه المتهمة القهار (فصل اول در احوال عیدالله المهدی الفاطمی) کندوی ابن محمد
 ابن عبدالله بن میمون بن محمد بن اسماعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب اوعلیم
 دیوبکنوب * لکن علماء خفیف دیملدر که آل رسول اولوب کندونک مقدما اسمی سعید و پدیری سلیمه شهرنده
 بر دوی جودی ایدی بعض ایدر عیدلک جندک اسمی قداح اولوب بجوسی ایدی * تاریخ ابن شهنه ده
 دیدیلر که عیدلک اسم ونسی سعید بن احمد بن عبدالله بن التدا حدردیوم مذکور * مرویدر که عید ولایت
 مغرب واروب آل رسول دیوب علماء علم نسب بونک احوالین بلوب عوام نامی ایتاندروب بوکا و اولادنه
 فاطمیهون دیو آقودیلر نیجه علماء صاف ایدر عید اهل کید ازاله ملت اسلامیه به حرص بر زندیق
 هم مذهب بر فرق و افاض ضلالت رفیق اولمغین اهل سنت و جماعت رب لری دیناده فالسون دیو بیحد علما
 و صلحاندوی الشرف قتل و تلف ایتملدر (ظاهر) کتاب حیاه الحیوان امام دیریده مذکور در که
 حسین بن محمد بن احمد بن عبدالله القداح بن میمون بن محمد بن اسماعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین
 ابن علی بن ابی طالب سلیمه شهرنه واروب سابقا انده جدی عبدالله القداح بعض کسمه لده امانت قودبنی

ماللری و سائر متاعلری الوب قوجه سی وفات ایتمش غایت حسنا بر یهودی خاقونی نکاحلنوب
 اول یهودینک خاقوندن غایت کوزل جوان اوغلی اولمغین مزبور حسین انی اوغل ایدوب کمال رعایتله
 بسایوب او قودوب تحصیل علم ایدر دیکه مزبور یهودی زاده ایدی عیدالله مهدی دیدکار یذر * بعده
 اوکی بابایی مزبور حسین که سابقا دعوی خلافت الیه ظهور ایتد کچون خفیه تدارک و عظیم تدبیر ایدوب
 مسلمانلری بونی خلیفه ایتمک یتمه دعوت ایچون نیجه توابعی بن و مغرب ولایتلرینه واروب خفیه خلقی
 مزبور حسین بیعت ایدر مکه دعوتیه مباشرت ایدوب نیجه کسمه لری بیعت ایدر دیوب دائما حسینیه
 خبرل کوندورلدی * پس مزبور عیدالله تحصیل علم ایدوب شرف نفس و همت بلند صاحب اولد کده
 اوکی بابایی حسین کندونک اوغلی اولما مغین بونی صابی اوغلی اولمغین شایع ایدوب بد نصکره خلافتیه
 مستحق بودر دیوب بو کادخی دعوی خلافتیه لازم اولان تدبیرات و تزویراتی تعلیم و تفهیم ایدوب کندونک
 عیسی قیزی بو کاشکاح ایدی * پس مزبور عیدالله کندویه آل رسولک اثبات ایدوب ابن حسین بن علی
 ابن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب اوعلیم دیو شایع ایدی *
 بعض علما دیدیلر که مزبور عیدالله قداح دیدکاری کسمه نک اولادندندر * مرویدر که مزبور عیدالله انک اوکی
 بابایی حسین وفات ایدر کده کندوی دعوی خلافتیه باشلیوب کندویه مهدی دیو لقب قویوب خلقی
 کندویه بیعت دعوی عالمه منتشر اولوب مغربده اولان توابعی خلقی مقدماتو کایعته دعوت ایتمکین وافر
 کسمه بیعت ایدوب عسکر جمع ایدوب بونک نامنه ولایت مغربده مملکتلر فتح و ضبط ایدکار بن بو کا خبرل
 کوندروب بونک ظهوری بقدا دده خلیفه اولان امیر المؤمنین مکنتی بالله ایشیدوب بونی اله کتور که
 اصمرد کده عیدالله خلیفه دن قورغین اوغلی قائم بامر الله زار ایله که کوچک اوغلان ایدی بعض توابعی ایله
 مغربه قاجوب افریقیه شهرندن وافر مال کوندروب بعده به مغربده رفاده شهرنه کیدوب هجرت رسولک
 ایکیز طقسان یدری بیع الاخری اوخرنده واروب حکم ایدوکی شهر خلقی کندوی امیر المؤمنین
 مهدی دیو یادیده لوجه نمازی خطبه لرنده دخی بولید کورد عالیده لردیو امر ایدوب خلقی کندونک مذ هبته
 دعوت ایدوب خلقی جبرایله جمع ایدوب تابع اوللره احسانلر ایدوب اولیا نلری حبس ایدی معتبرات
 متفرقه ده مذکور در که ایکیز شهنه دیار یمده عیدالله دعوی استحقاق خلافت و یتش سکزده
 حج ایدوب مکه ده طائفه عربدن کانه قبیله لرندن بر قبیله بولنوب بونک حالی انلره خوش کلکین بوکا تابع
 اولد لرنده مصره بیل کیدوب کندویه کمال اطاعتلرین کورد کده اتفاقله ولایت مغربه کیدوب ایکیز
 سکسانده خلقی بوکا متابعته دعوت ایدن ابو عبدالله الشیعی مغربده قیروانه واروب افریقیه پادشاهی
 زیاده الله بن عبدالله بن ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب ایله جنگ ایدوب بعده تدریجه قوت
 و شوکت بولدی * طقسان التمد ابو عبدالله زیاده الله ایله تکرار صواب جله عسکرین قیروب زیاده الله
 مصره قاجوب اندن دیار عراقه کیدوب انده وفات ایدوب ملوک اغالبه نک آخری ایدیکه افریقیه ده یوزاون
 ایکیز بیل پادشاه اولملدر مزبور ابراهیم بن اغلی هارون الرشید افریقیه به حاکم ایدوب کوندورمندی *
 مرویدر که ملوک فاطمیه اغالبه دن غیری نیجه سلاطینل دخی دولتلرین منقرض ایتملدر * بریسی طائفه
 اداره در که ادویس بن ادویس بن عبدالله بن حسن بن جعفر بن حضرت امام حسن اولادی ایدیلر که
 ولایت مغربده قاس و بربر و طنج طائفه لریه دولتلری قوت بولوب مدت سلطنتلری یوز بیلدن زیاده ایدی
 باشلری کسیلوب مهدی به کتورلدی و دخی سلجماسه شهرنده دولت بنی مداردخی منقرض اولدیکه مدت
 سلطنتلری یوز او تو ز بیل ایدی * دولت بنی رستم دخی منقرض اولدیکه مدت سلطنتلری یوز لیش بیل ایدی
 (جلوس) ایکیز طقسان یدیده مهدی به خلق کیمی طوعا کیمی کرها بیعت ایدوب خلیفه و امام
 و امیر المؤمنین مهدی دیوب اودخی قلوب نامی جذب و جلب ایچون صورتا عدل و احسانه باشلیوب سلطنتی
 تمام قرار بولد کده کندونک سلطنتیه سبب اولان ابو عبدالله الشیعی ایله انک برادر ی ابو العباسی قتل ایدوب
 جزا جزاء ستمار ملوک مضمونی آشکار اولدی * او چپوزده مصری فتح ایتمک اوج کره عسکر کوندروب
 هر برنده بغداددن مقتدر بالله خلیفه عسکر کوندروب مصری محافظه ایدیلر او چپوز برده طائفه مهدی

بر بردن قرق بیل عسکر ایلده مصره هجوم ایدوب یاندن کیمکه قادراولامغین اسکندر به به کلوب قتل عباد
وبعض فساد ایدوب دوقوب کیدوب بغداددن خلیفه عسکر کوندورمکین مغربده بر فرقه ده وافر جنگار
اولوب نه بو ییل مهدی اسکندر به وفیوم شهر لر بی الوب ضبط ایدی * مرویدر که عاقل و شجاع اولوب
ولایت مغربده دریا کنارنده بر محکم حصار استوار یایدوب نیجه قیو لری اولوب هر برینک بررقادی
بوز قظار اولوب تمام اولدقده حظ ایدوب اسمعی مهابه قویوب ساکن اولوب فاطمیونه ضرر ایشمکدن
اشته نمیدی امین اولدم دیدی * اوچیز بکری ایکید کند و قلعه سنده آتش درت یاشنده وفات ایدوب
مدت سلطنتی بکری درت ییل و برای ایدی (فصل ثانی در احوال قائم بامر الله محمد بن عبدالله المهدی)
بعض اسمعی ترادر دیملر * مرویدر که پدر سقر مری وفاتنده تخت کلوب بودخی نیجه علما قتل ایدوب
کفر وزندقه ورفضه پدیزندن اشد و اغاظ و علما و صلحا به اندن بغض و اغیظ ایدی حتی سب انبیای خصوصاً
الغوا لغار و ماحوی دیو نه رده ندا ایتدوب حضرت رسوله ابو بکره مریض قصد ایتشدر صلی الله علیه
وسلم علی ماحوا انغار محرم المصطفی المختار سید الابرار و ابی بکر مقتدی الاخیار و صلا و سلاما
الی یوم الحشر و القرار و لعنة الله الملائک الدائم ابد الدهر علی القاسم و علی سائر اخوانه الکافرین آمین
یارب العالمین * مرویدر که ابو ریزید نام خارجی عسکر چکوب قاتل اکثر شهر لر بی الوب تخت کاهی اولان
مهابه شهرنده بونی محاصره ایدوب بو ائاده قائم ملعون اوچیز او تیز اوج سنه سنده وفات ایدوب
خلق یونک موتی اخفا ایدوب بعده اوغلی اسماعیلی تخت کچوردیلر قائم مدت سلطنتی اون اوج ییل ایدی
(فصل ثالث در احوال منصور بالله اسماعیل بن قائم) پدری محاصره ایدن خارجیله صواشوب
قاجروب پدری تخت کچی شجاع و فصیح اولوب منبر اوزرنده مسجع و مصنع خطبه لر ایجاد ایدوب
او قوردی مغربده ولایت قیروانی فتح و ضبط و آند بر شهر بنا ایدوب اسمعی منصور به قویوب انده ساکن
اولدی پدری وضع ایتدوکی مظالمی رفع ایدوب عدالت و رعایت ایلد خلقی کندو به محبت ایتدوب
لکن رافضی مشرب شیعی مذهب ایدی * اوچیز قرق برده اونوز طغوز یاشنده وفات ایدوب سلطنتی
یدی ییل اون التی کون ایدی (فصل رابع در احوال مهز لدین الله معد بن اسماعیل) پدری وفاتده
تخت کچی (محرره) اصل رامیل میکند هر فرع * تابع تخم میشود هر زرع * مفع و منجه اسلافی کبی
محکم رافضی و خبیث درونی غیر عارضی ایدی لکن عالم و فاضل و عاقل و کامل و فصیح و بلیغ و مدبر و ساعی
بی دریغ و ذکی و مبین ممتاز مائل عدل و رعیت نوار اولامغین سلطنتی قوت بولوب بر طرفدن بحر محیطه
و ارنجه بلاد و ولایت عربی فتح و ضبط ایدوب زمانده بغدادده خلیفه عباسیه اولان مقتدر بالله تازه اولوب
تدبیرده تقصیرا بتمکله اولو اطراف عالم ارا سنده مطاع و مسلم اولامغین هر بری تغلب و کردن کشاکش ایتد کده
معز دخی کندو ولایت لری خلقنه کندو به خلیفه و امیر المؤمنین دیکل امر ایدوب نه مغربده ولایت اندلس
پادشاهی امیر عبدالرحمن دخی بو کاتقلید ککندو به ناصر بالله اقبین قویوب امیر المؤمنین و خلیفه
دوب خطبه لرد یاد اوتوردی (بنام مصر) مرویدر که مصرده کافور حبشی که بر طوائی یعنی خادم
کیشی اولوب سابقا مصره خلفا اجازت یله شام بککد کندن واروب پادشاه اولان ملان اخشید محمد بن طوغنک
قولی ایکن اخشید وفاتده پربنه پادشاه اولان اوغلی کوچک اولغین کافوراکاوز پروا تا بک اولوب
بعده مستقل حاکم اولندی مزبور کافور دخی اوچیز الایده وفات ایتد کده امور و ملکات مختل اولوب
قراطة سلاطین دخی شاهی آلوب مصره عزیمت صد دنده ایکن بعض عسکر مصره مزه بزه عسکر کوندور
سکامصری تسلیم ایدلم دیو خبر کوندورمکین بودخی پدرینک قوی قانده جوهر روی سردار بی اوچیز
اللی سکرده یوز بیل عسکر ایلده مصره کوندورب امر آل عباسک التندن الی * قدیمدن مصر نیل کنارنده
عربلر فسطاط و مصر عتیق رومیلار مکی مصر دیدکاری شهر اولوب مزبور جوهر اب یلدن بر قاج میل اوزاق
جبل منتب دینده برنم رفربد الدهر یا بوب اسمعی قاهره مزه به قویوب حال امو جود اولان مصر بودر
ودخی ازاندره حی علی خیر العمل دیکلی زیاده ایتدردی * سابقا اوچیز اللی درنده مصر و شام و دیار مغرب
شهر لنده مذهب رفض غایت اظهار اولوب اول نوار یخنده تراویع نمازی جماعه قلیطن حضرت عمر

احد اندر ديو منع ايند يلر * بعده من بور جوهر ايكي بچن بيلده جامع ازهر آدلو بر لطيف واسع جامع بايوب
 الى الان معبد ومسكن علما وصلحا وقورا وغربا اولدى * من بور معز رافضى وشيعى اولغين الى سكر
 شعبانده خطبه لده صحابه كرام ذكر اولغوب همان بعد الحمد والثناء اللهم صل على محمد المصطفى وعلى
 المرتضى وعلى فاطمة البتول وعلى الحسن والحسين سبطى الرسول وصل على الائمة آباء امير المؤمنين المعز
 لدين الله ديو افقنى امر ايندى * بعده معز جله اتباع وعسكر اليه مغربدن مصره كو چوب او چيوز التمش
 ايكي روضه تان نصفه يكي مصره كيروب انى تحت ايندوب آبا واجدادى تابوتلارن دى يله كتر وركين
 مصرده ميراني اينجده دفن ايندى * مصر شهر نه كلكده سائر اموال ونجدهن ماعدا ييك بشيوز دوه يوكى
 قيرمى فلورى خزينه اليه شهره داخل اولمشدى ديمشكر * مير ويدر كه بلاد مغرب ومصر دن غيرى شام وحلب
 ومدينه دى خطبه سى اوقنوب مكده مابقا خطبه خلفاء عباسيه دن مطيع الله نامنه اوقنوب بده
 حرمين شهر يقينده عظيم خط اولغين من بور معز الى ييك التون صدقه كوندرد كده خطبه بونك نامنه
 اوقنور اولدى * اخيادن اولوب آل رسولدن ابن طباطبا معزه نسي احوالن مورد قد قلمن نصفه دك
 فينندن چقاروب هذا نبي ديو ب بعده مجلسده حاضر اولان امرا وعسكره التون صاحب هذا حسبي
 ديدى دانا قول مجتبه يله عل ايدوب رافضى مشرب شيعى مذهب ايندى * او چيوز التمش شده
 قرق بىن باشنده وفات ايدوب مدت سلطنتى يكرى درت بيل ايندى (فصل خامس در احوال عزيز بالله
 تزار بن المعز لدين الله) بدرى وفاتده تخته يكوب جعه كوفى خطبه به چيقدنه منبر او سنده بر كاغد بولوب
 نسب باطلنه تعريضا بوياس باز لمشديكه (نظم) انا معنا نسبا منكرا * تلى على المنبر فى الجامع *
 ان كنت فيما تدعى صادقا * فاذا كرأيا بعد الاب السابع * وان ترد تحقيق ما قلته * فاذناب لنا ناسك كالطابع *
 اولادع الانساب مستورة * وادخلنا فى النسب الواسع * فان انساب بنى هاشم * يقصر عنها طمع الطامع *
 (نثر) مير ويدر كه شيعى ورافضى باطل لكن حليم ومجربله عفو مائل ايندى * بدرى زماندن زياده
 ولايت بن وشام وحلب وحمص وموصلده دى خطبه وسكه سى سارى وبارى ايدى سفيله عدو وحاسد
 اهل رأى كاسد بر فساد اولغين امور عظيمه به اهل كفر ومجوددن نصارى وعود طائفه لرين استخدام ايدوب
 عيسى بن نسطور من نصراى بى كندوبه كاتب وموردى ميشاي شامه حاكم ونايب اينكه مسلمانلر بر نواب
 اولوب عود و نصارى طائفه لرى عزت ورفعت بولمشردى * بعده برخاقون عزيز بنى تميمزه بالذى اعز اليهود
 بمشاهد النصارى با بن نسطورس واذل المسلمين بك الاكثفت عنا ديو ورقه اليه عرض وعرض عزيزى هتك
 وقرض ايند كده عزيزان نسطور سى طوبو مالن ادى * مير ويدر كه عزيز بن مغربده ملوك بنى اميه دن هشام
 ابن الحكه مى هجو ايدوب نامه كوندرد كده اودى من بزي بلك هجو ايندك بزه سنى بيلدك هجو ايدردك
 ديو ب كندوبى معلوم النسب ووز بجهول النسب ايدو كنه كتابه واشارت اينك بىن بوهجو ملج متضمن
 التفضيحن عزيزك قلمي مغموم ومجروح اولوب ملزم ومهوت اولغين اختيار سكوت ايندى * او چيوز
 مسكان التيممه مصره ايكي قوناق يردنه قصبة بليبيده حمام اينجده قرق ايكي باشنده وفات ايدوب سلطنتى
 يكرى برييل وبش بچن آى ايندى (فصل سادس در احوال حاكم بامر الله منصور بن العزيز بالله) بدرى
 وفاتده اون بر باشنده تخته يكوب بدرى قوللرندن ار جوان آدلو آق خادم اتانك ومدبر جمع امور اولوب
 حاكم يود كده ارجوانى قتل ايدوب مستقل اولدى * او چيوز طوقسان او جده حاكم طوقدن شام بكي
 بر مغربى بى حماره بندروب ابو بكر له عمره محبت ايدو نك حالى بودرد يوشم بده كردروب بعده بويين اوردى
 رحمة الله على الشهيد ولغة الله على العنيد (قبائح پرفضايح) مير ويدر كه حاكم بامر الله ديدك كرى
 رافضى وكافرو زنديق (ابن حقيقه هيج بردين واين اوزره اولد بقتدن غيرى ليل ونهارده بر حالده برقرار
 اولوب ديو انه وار امور متضاده اظهار ايدردى مجرد نفسى هوا سته تابع وامر ابليس بر تلبيسه طابع
 بر ملهون دون مفتون ومغبون ايدى خرطبع وخرسوار اولغين حاكم حمارد يكاهه اشهار بولدى * شهر خلقك
 تفصيل احوالار بيه واقف واطلاعي چون جاسوسك ايدو بعض خاقانلر كدرمكين نيچه احواله واقف اولوب
 علم غيب دعوا سن ايدوب فلان كشى بوكون اونده شوبله ايندى ديو كشف امرا ر وهتك استارا اينك بىن نيچه

عوام بود که اعتقاد حتی بعضی منها احاشا الوهیت اسناد ایدوب شام اطرافنده نیجه بیک لعین بوزعم باطله نابت
 و مکن ایدوب لعنة الله علیهم اجعین و میرویدر که مصرده بر کون خطبه ایچون منبره چیقد قده بر کاغد
 بودیکه بونی یاز منبر (نظم) بالنظم والجزور قدر ضیقا و لیس بالکفر والحقاقه * ان کنت تدعی علم غیب *
 بین لنا کتاب البطاقه (نثر) او چیوز طقسان بشده اعیان شهر مصردن نیجه لری حبس و قتل ایدوب
 سب صحابه بی مسجد و چار سول دیوار لریته یازدروب اطرافنده اولان بکریته دخی خبر کوندردی
 یته بویلمده شهرده جله کلبی قتل ایدوب میوه مسندن الماوسیزه دن ملوخیه و پولی اولیان بالقی صانکسون
 دیو امر ایدوب عل ایمن بازار جیلردن و اخر کشته قتل ایتدی * طقسان التیدم مصر و مکده مدینه خافنه
 امر ایتدی که کند و تان اسم ضلالت رسمی یاد اولند بجه جله خلق ایاغ اوستنه قاقوب سجدده ایدوب * طقسان
 یدیده بنی امیه دن مغرب یادشاهی هشام بن عبدالملک نسلندن ابورکوه دیملکه مشهور بر خارجی ظهور
 ایدوب وافر عسکره مغربده برقه شهر بن آلوب حاکم آنک اومقنه عسکر کوندرده حاکم عسکری
 صینوب خارجی کلوب مصرده سعید ولایتی ضبط ایتدکده حاکم مصر و شام عسکر لر بن جمع ایدوب
 واروب عظیم بکنکده نصرکه اله کتور یلوب بانی کلوب مصرده آصادی * طقسان سکرده قدسده
 و مصرده اولان کلیساری یقدر روب طاققه نصاری بوغاز لریته طولی بر ذراع وزنی مصر بطمانیه
 بش بطمان حاج یهودیلر دخی اومقدار وزنده بوزاغوبانی صورتده بانی یومری اغاج اصوب سیاه
 دلبندر صارتق بیوردقه نیجه لری تحمل ایدوب اسلامه کلبیلر * بعده حاکم مجنون جمیع کلیسار
 تکرار یالغنه و اسلامه کلان کفار اکره ایدوب اولدی بربوب اسکی دینلر نه رجوعه امر ایتدی * در تیوزده حاکم
 مصر درویش وزاهد اولوب مصرده بر مدرسه و جامع یلوب اوج ییلده خلق بوکا دعا ایدوب بعده
 زندیق اولوب علمایی قتل ایتدکه بشلیوب فعل خیری ترک ایدوب مدرسه سن ابطال ایتدی * در تیوزده
 بغداد و کوفه و انبار و مدائن و موصل و بعض شهر رده مذهب رفض غایتده شایع اولغین حاکم نامنه
 خطبه او قنور اولدی * در تیوز ایدیکده حاکم نازه خرما صانکسون دیوخرمائی آتسه یاقدر روب نازه اوزم
 دخی صانکسون دیوب نیجه باغلری بستان بوزند یسنه دوندردی * در تیوز در تده خاوندلر
 کیجه ده و کوندرده اصلا زقاقه چیقه مسونلر دیو محکم یساع ایدوب وفاته دل اجرا اولندی *
 اون بر و التک واسطنده حاکم قدیمی عادی اوزره چهاره یتوب ایکی آتلولو شهر ی طولا شوب بعده آنلوری
 شهر کوندر روب کند و بالکز کیدوب ب غائب اولوب بر آی قدر صکره ولایت مصرده حلوان آدلو قریده
 بندوکی حار مجروح بولوب حاکم جیفه کشفه سی بولمبوب لکن ققتانلری بیجا یاره سیله بولوب قتل
 و موتی مقرر اولدی بعضلر بونی همشیره سی قتل ایتدی یا ایتدردی دیشلر * مدت عمری او قوزیدی نیل
 سلطنتی بکری بش ییل ایدی (فصل سابع در احوال ظاهر لاعزاز دین الله علی بن الحاکم بامر الله)
 پدر بیک موتی معلوم اولدقه تخت کچور یلوب اون سکرزاشنده اولغین عهده سی ست الملک تدبیر امور ایتدکین
 سلطنتلر نه ضعف کلوب محالک شام و حلب و بعض ولایت مغرب بونلرک ضبط لردن چیقه قوب
 درت ییلدن صکره خاوند وفات ایتدی * در تیوز بکری التیده و یاسکرده ظاهر دخی وفات ایدوب
 مدت عمری او قوز اوج ییل یا او قوز بش ییل مدت سلطنتی اون بش ییل طقوز آی یا اون یدی ییل طقوز آی
 ایدی خوب سیرت مائل عدالت ایدی دیشلر (فصل ثامن در احوال مستنصر بالله معد بن الظاهر
 المذکور) پدری وفاته یدی ایتدده اوغلا نیچو ایکن تخت کچور دیلر * در تیوز التیده مصرده ورده
 زلزله اولوب قبولر صوبی قیاقوب طشره طاشوب رمله ده تالریه قلوب التیده بکری بش ییل آدم هلاک
 اولوب دخی دیو بار کونلر یول چکوب کارده اولنلر بالقی دوشنر رکن خلق بالقی اولامغه طاعنه قده تکرار
 بر آتدده دریا کوب قاققه بحال اولوب جله سنی غرق ایتدی * التمش ایدیکده مصرده خط یوسفه نصرکه
 نظیری واقع اولدی قحط اولوب حتی آدم اتی یتوب برانک المالی التونه برکاب بش التونه برکدی اوج التونه
 صانکوردی بوکا مال اولمز زراعتان بری برین بک بونده واقع اولدی برانک که قرق در هم اوله قرق فلوری نه
 صانکدی و برکاب بانی اون التونه صانک التندی آلان اوچوز ا لدم دیو فرج کسب ایدردی و قیوسی آچق

اوله کلبیلر کیروب و صاحبک فارشوستده بعض اوغلا نیچولری ییوب کمال ضعهفدن منعه قادر اولمز لردی
 اشبو اسلوب اوزره قحط یدی ییل اوزانوب مستنصر سکسان ییل ققطه بللور و سکسان ییل حریر قاش
 و بکری بیک اتونلو و کوشا و قحط صانوب خرج ایتدی * قحط سیبیل اولاد و عیالان بغداد کوندروب
 بو قحط دنه کیره ولایت مصر خرابه یوز طوتدی * اشبوسنه ده و بعده حرین و شام و حلبده خطبه
 مستنصر دن کسایوب خلیفه بغداد نامنه او قنور اولوب اذاتده قاطمبون احداث ایتدکری حتی علی خیر
 العمل لفظی دخی مخالف سنندر دیو ترک اولندی * مزبور مستنصر خیر طبله قحطدن قمر غلبه ایدوب
 بر مجاهده اوزرنده قالدی * بعض کتبده بر مجاهده و تمین الیه ترک سلطنت ایدوب جمع علما و صلحا اولان
 جامع ازهره کیروب وفاته دل عبادته مشغول اولدی دیشلر * در تیوز سکسان یدیده وفات ایدوب
 مدت عمری و سلطنتی ابا و اجدادندن زیاده اولوب جله التمش ییل ایدی (فصل ناسع در احوال مستعلی
 بالله احمد بن المستنصر بالله) پدری برینه بکدی * میرویدر که ملوک اهل اسلام بمالک عالمده بری بر لریته
 دوشوب داغما چکنکه مشغول اولغین خصوص اسلاطین سلجوقیه شام ولایتین الدقلر نه مستعلی الم کلی چکوب
 انلردن خوفندن فرنک کافر لریته کلوب شامی الولک دیو خبر کوندر روب انلردن دخی در تیوز طقسانده در یادن
 دو تها الیه کلوب قدس و بیروت و عکا و اکثر بلاد شامی بش ییلده دلته در یجله لوب بالکز قدسده التمش بیکدن
 زیاده علما و صلحا و سائر ناسک کینی قتل و کینی امیر ایدوب جله یهودیلری کلیسایه جمع ایدوب آتسه یاقدر یلر *
 اشبوسنلر ده محالک اسلامیه دن نیجه شهر لر دخی الدیلر * در تیوز طقسان بشده مستعلی وفات ایدوب
 سلطنتی یدی ییل اولوب افضل بن امیر الجیوش نام مدیر اموری و ار ایدی (فصل عاشر در احوال آمر
 با حکام الله منصور بن المستعلی) بش یاشنده پدری برینه بکور یلوب بعده راضی و فاسق اولدی *
 بشیوز اوچده فرنک شام طرابلسن سایتا ایکی ییل محاصره ایتدکین حالا لوب اکثر ولایت شامه
 مستولی اولغین * بشیوز در تده مسلمانلر انلردن قورقوب حلب و بعض شهر لر خلقی بر قاجر بیک التونه
 صلح اولوب بعده کافر لر غدر ایتدیلر * اشبوسنه ده مصرده ایکندر و وقتنده سیاه ییل اصوب خافن
 قتلری طونلوب هوا محکم قراروب شهر اوستنه قوم یاغوب خاق قیامت قو پار صانوب قورقوب
 بعده بر مقدار اچلوب هوا صراروب بعده اخشام اولدی * اون بشده امیر الامرا افضلی بعض عسکر
 علی الغله قتل ایدوب مال بی پایانی پادشاهه کتور یلوب ابو عبید الله البطایحی امیر الامرا اولدی *
 بکری در تده پادشاهی مصر اطرافنده ایکن باطنیه طاققه مسندن بعض کسینه لراوشوب قتل ایدوب کند و تان
 اولادی قالماعین عیسی اوغلانی قحطه بکوردیلر * مدت عمری او قوز درت ییل سلطنتی بکری طقوز ییل
 و اون بش کون ایدی (فصل حادی عشر در احوال حافظ لدین الله عبد المجید بن ابی القاسم بن المستنصر
 بالله) عم زاده سی قتل اولنوب اوغلی قالماعین بونی قحطه بکوردیلر پدری پادشاه اولماش ایدی ابو احمد
 ابن الفضل بن بدر الجالی بی وزیر و جله امور بن اسکا تقویض ایتدکده ابو احمد تغلب ایتدکین * بشیوز
 بکری التیده حافظ اتی قتل ایدوب قرق در تده حافظ التمش یدی یاشنده وفات ایدوب سلطنتی اون طقوز ییل
 یدی آی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال ظاهر بالله اسماعیل بن الحافظ لدین الله) پدری وفاته ده
 برینه بکدی * بشیوز قرق طقوزده وزیری اولان عباس صنهاجینک اویسه واروب اوغلنه فعل تفعیل ایتد
 ایستد و کن وزیر ایتدکده پادشاهی یوسف و جبرائیل آدلو برادر لیه قتل ایدوب بعد زمان شامه قاقوب
 بولده فرنک کافر لری عباسی شیمید ایدوب اوغلی نصری اسیر ایتدیلر ظفرک سلطنتی بش ییل مقداری ایدی
 (فصل ثالث عشر در احوال قاضی نصر الله علی بن عیسی بن الظاهر بالله) بش یاشنده قحطه بکور یلوب
 لهلاج بن زریک نام کسینه وزیر اولوب ملک صالح دیولقب قونوب مصرده صالحیه دیدکاری جامعی
 بو بنا ایتدی * بشیوز الی ایدیکده ولایت شامده عظیم زلزله لرا اولوب شیرز و حصا و حصن الکراد
 و طرابلس و انطاکیه شهر لر خراب اولوب ییقلان بشار ایتدده بیکده کسینه هلال اولدی * بشیوز الی بشده
 قاضی و انطاکیه یاشنده وفات ایدوب سلطنتی اتی ییل ایکی آی ایدی (فصل رابع عشر در احوال عاضد
 لدین الله عبد الله بن یوسف بن الحافظ لدین الله) پدری پادشاه اولوب جدی حافظ پادشاه ایدی

فانراوغلا تبحر ايكن وفات ايدوب اولادى اولوب عاضد انك عيسى اوغلى اولمغين برينه بونى كچورديلر *
 بشيوزاللى التيده عاضد ايدوب همشيره مى وزى اهل ايعى قتل ايتكه آدملا كوندروب بچاقليله بيجد رده
 مجروح ايدوب اوينه ايلدوب وزير عاضده عتبانامه كوندر كده عاضد خبرم يوقدر ديو عين ايدوب
 خاله سنى طوقوب وزيره كوندروب قتل اولندي وزى دى جراحتلردن وفات ايتد كده زرينك وزى براولدى *
 اللى سكزده اهل ايعك خدمتكارى شاور وزير اولوب امير الجيوش ديواقب قوندى ضرغام آدلو كسسه
 شاوره هجوم ايدوب شاور ولايت شام پادشاهى نورالدينه قاجوب ضرغام وزير اولوب مصرده نيجه
 امرا قتل ايدوب بوقتنه رده اهل مصره ضعف كلوب كافر مصرى المنه طمع ايتد يلى (بحاربان و بعض
 حوادث مشهوره) بشيوزاللى طقوزده شاور نورالدينه مصره فرنك مساط اولمشد مصر وزارت بكا
 ويرى كز مصر قولنه وظيفه ويرد كد نصكره خزينه نك ثلثى نيزه كوندره يم ديوب اودى اند الدين شير كوه
 ابن شادى بن ابوبى سر عسكرايدوب شاور ايله مصره كوندروب وارد قلزنده ضرغامك عسكى صينوب
 ضرغام قاجوب اسد مصره كيروب شاور وزير اولوب بعده نورالدينه وعديه و قالا عتيوب اسد مصره بلييس
 وشرقيه ولايتى ضبط ايدوب شاور فرنك اسد اوسته هجوم ايتد ونلر ديو خبر كوندروب انلر دى بلييسده
 اسدى محاصره ايدوب بعده نورالدين خوقلرندن پول وروب جله عسكرايه شامه كوندر ديلر بشيوزالتش
 ايكيدنه نورالدين اسدى ايكى يلك عسكرايه مصرى فتحه كوندروب وارد قلزنده جيزه به قونوب شهرى ايكى آى
 محاصره ايدوب اول ائاده شاور فرنكدن ياردىچى ايتدوب انلر دى اب درياده دمياط طرفندن كلوب
 اسد صعيد ايلته قاجوب بعده آرز عسكرايه كلوب شيرانه جنگ ايتد كده مصر عسكرايه كافر لچوغيكن
 بحكمه الله صينوب طاغيبوب اسد عسكى وافر كافر قيروب بعده اسكندر به به واروب برادر زاده مى
 امير صلاح الدين بومى ايله حاكم قوبوب كندو صعيد ايلته كيدوب اهل مصر ايله فرنك تكرار جمع اولوب
 اسد كندريه بى درت آى محاصره ايدوب اسد ايتدوب ارسلان كى كلوب جنگ ايدوب بعده
 شاور اسد وافر مال وروب صلح اولمغين اسد ايله صلاح شامه كيدوب بعده فرنك ايله اهل مصر فرنك
 طرفندن مصرده بر مقدار عسكرايه برصوبانى او قوروب شهرلر قيرولرى انلر ضبطنده اولوب خزينه دن
 هر ميل يوز يلك التون المنى اوزره صلح اولوب * التمش درنده فرنك مصره غلبه ايدوب بلييسى جبر ايله اوب
 خنقل كينى قتل كينى اسير ايدوب بى مصرى دى محاصره ايدوب شاور فرنك خوقلرندن شهرى آتسه
 ياقوب ابل درت كونه دل داغما يوب خلق اسكى شهره كوچوب بواشاده مصر پادشاهى عاضد ست
 عضد سلطان نورالدينه فريادىچى كوندروب شاور دى فرنك يوز يلك التون وروب طقوز كره يوز يلك دى
 ويرمكه عهد ايدوب صلح اولدقده فرنك كيدوب نورالدين عظيم عسكرايه اسدى وصلاحى تكرار كوندروب
 مهماتدن غيرى ايكى يوز يلك قورى خرجلق وروب اسد مصره ياقلشدقده فرنك قاجوب اسد شهره
 چادرله قونوب شاور مغرور اسدى ضيافت بهانه ميله طوقى ايتد كده (نظم) حافرا برفى طريق اخيه
 واقع فيه لا محاله فيه خواخه حيله مى طوبلوب كندو طوبلوب عاضد اسد شاورك باشى بكا كوندر
 ديو خبر كوندر مكن كسوب كوندروب عاضد اسدى وزير ايدوب ايكى آيد نصكره اسد وفات ايتد كين
 انك برادر زاده مى صلاح الدين وزير ايدوب لقبى ملك ناصر قوبوب اودى سلطان نورالدينه بن سرك
 طرفلرندن قائم مقام كز اولم بكا پدى واهلى كوندرلر ديو ب اودى كوندروب بعده صلاح عاضدك
 مؤمن اختلافه ديدكارى مقبول طواشيتى قتل و برينه به طواشيلردن قراقوش الاسدى نصب ايدوب
 ندر بجه صلاح مصرده كمال استقلال بولدى (وفات) التمش التيده صلاح مصرده شيعه مذهبنده
 اولان قاضيلرى بجه عزل و شافعى قاضيلرى نصب وشافعيلى مدرسه بنا ايتدى وفرنكلرى اكثر بلاد
 ساحلن قاجوب قوت وشوكتى مضاعف اولدقده نورالدين ايتدوب كچوچنه كلوب
 البته مصردن قاطميرنك خطبه من كسوب خلفاء آل عباس نامه اوقونسون ديو خبر كوندر كده
 ناچار اولوب عضد دى شسته بولمغين بشيوزالتش بى شهرنك ايكى جمعه سنده خايه بغداد اولان
 مستضي نورالله نامه اوقيوب اهل مصر طوب عاضدك مرنى آرتوب عاشورا كوفى وفات ايتدى

جله خزينه من صلاح الدين ضبط ايدوب بكنند كار بن اليقويوب نورالدينه دى بعض هدايا كوندروب
 بوجه دن غير بسن اون ميله دل متصل ساتد يلى تاريخ كاملده ابن اثير عاضدك خزينه سنده اولان تحفك
 بريسى مانند شجر اغ منور بردانه ياقوت احرايديكه وزى اون بدى درهم ياقوت ايدى بن اوچلسده حاضر
 اولوب بوياقوتى كوزه له كوردم ديوازش * مرويدركه عاضدك مدت سلطنتى اون ايكى ميل اولوب آخر ملوك
 فاطمىون بودر بوند نصكره ملك صلاح الدين من بور مصرده مستقل پادشاه اولدى شكم آشا غيده
 تفصيل اولتور (نظم) جرخ كردونده اوليه در قانون * آى طولنسه كوشن طلوع ايلر * بو كور برينه ايدر
 اقبال * منزله چونكه اول رجوع ايلر (باب سايع در احوال ملوك ديليه) بو طاققه به ديليه وديله
 وديليون وآل بويه دى ديرلر كينى ديار عجمه كينى بغدادده اولوب خليفه ايله خطبه وسكده مشترك ايديلر
 اكترى زمان واحدده كينى بغدادده كينى عجمه پادشاه اولمغين عددلر نده ونجه احوال نده خصوصاً مقدم
 ومؤخر يازمقده كتب تواريخده اختلاف اولوب حال بعد القبرى اختيار اولنان بودركه بونلر اون سكر
 نفر اولوب اكترى روافض وشيعه وطله ايديلر اول ظهورلرى اوچيوز يكرى ايكيدنه اولوب مدت
 سلطنتلرى يوز يكرى طقوز ميل ايدى * طقوز نفرى بعض بلاد عجمه مالك اولوب لكن بغداده كلوب
 انده ساكن وخلفاء آل عباسه مساط اولوب خلافت نامى انلر تصرف جيع امور بونلر ايديكه لقبلى بودر
 معز الدوله عز الدوله عضد الدوله صام الدوله شرف الدوله بهاء الدوله شرف الدوله ثانى جلال
 الدوله الملك الرحيم * طقوزى دى بغداده كلوب همان بعض بلاد عجمه مالك ايديلر كه لقبلى بودر
 عماد الدوله ركن الدوله مؤيد الدوله نجر الدوله مجد الدوله سلطان الدوله عماد الدين الله ملك منصور
 ملك ابو على (فصل اول در احوال عماد الدوله على بن بويه) مرويدركه بويه آخر ملوك عجم اولان
 بزدن نسلندن برقرار الحال بالقوى ايدى واقعه سنده قبول ايدوب ذكرندن آتشدن برعود خيقتوب دنيانى
 قبليوب او ياندقده اولادى اولوب دوشنده آتش ايرشدوكنى رده دل پادشاه اوله جقلر نه اشارتدر ديوتغير
 وبشارت اولاندى واقعه على وحسن واحد آدلو اوچ نفر صلبى اوغلى پادشاه اولد يلى تنكيم بيان اولتور
 (ظهور) مرويدركه اوچيوز يكرى ايكيدنه كارام عالمدين اولان طاققه ديلدن مزداويج نام كسسه
 جيع طوائف عرب دولتلر بن ازاله واباده وعجمه ملوك دولت قديمه لى بن اعاده ايتك قصد بى خروج و ذروه طغيانه
 عروج ايدوب ذكر اولنان اوچ نفر برادر ماكان بن ماكانى الديلى خدمتنده ايكن مزداويج ماكانى
 طبرستانده قودقده بواج برادر دلاور هنر آورلر و بحر حربه شناورلر اولمغين كلى رعايت ايدوب على بى
 كرخ حاكى ايدوب على به محبت ايدوب بعده على بغدادده خليفه اولان قاهر بالله طرفندن فارس حاكى محمد
 ابن ياقوتله مقابله اولوب محمدى صوب فارس و همدان و شيرازى اوب عسكروه خرج ايتكه مالى قالماعين
 ارقه مى اومتنه ياقوب غله فكر ايدر كن تواندن بريلان دوشوب توانى بوقلد قلزنده براق صندق طلوسى
 التون بولمغين غايت شاد اولوب بواشاده ققتان بچمكه بر درزى كتوردوب كندوبى بو كا غمز ايتد يلى
 صانوب قورقوب والله بنده امانت اولان اون سند و قدرار توق دكلزايچنده نه وار بيلم ديوب كتورلد كده
 فراوان مال ايله مالامال بولدى بر كون دى بولده بنديكى آتلك اياغى به كچوب قازد قلزنده عظيم دفينه
 جيقدى (نظم) انراكه خدای دولتى خواهد داد * ناكاه زسنگ خاره بيرون آيد (نثر) اشبواج
 وجهله بولدى مالى مالاردن قوت وشوكت بولوب خراسان و فارس و بعض بلاد عجمه مالك اولدى (نظم)
 مى للعلى حتى اذا ما اصابها * اته العلى نسي اليه كاسى (نثر) عاقبت اوچيوز اووز سكرده شهر
 شيرازده وفات ايدوب سلطنتى اون بدى ميل ايدى (فصل ثانى در احوال ركن الدوله حسن بن بويه)
 اخلاقى حيده و اوصافى پستديده اولوب اصفهان حاكى ايكن برادرى وفاتده شهر شيرازه كلوب تحفه
 كيدى * اوچيوزالتش بنده فارس وكرمان ولايتلر بن اوغلى عضد الدوله به رى و اصفهان وقم وقزوين
 ملكتلر بن براوغلى مؤيد الدوله به و همدان و ديوشهر لر بن براوغلى نجر الدوله به وروب كندوسى نيزه كلوب
 آنده وفات ايتد كده اوغلى مؤيد تختگاه اولان شهر شيرازه واروب پدى برينه كيدى انك احوالى اشاغيده

ذکر او و نور من بود رکن الدوله نیکو طبعی بکرمی سکن با خود قرق در تن بیل ابدی (فصل ثالث در احوال
معز الدوله احد بن بویه) برادری رکن الدوله طرفین اهواز را یکی ایکن او چپوز او تو زد در تنه بغداد
کلب مستکنی بالله خلیفه بوکا خلعت کیدروب بوکا وایکی برادر بنه یوقاروده ذکر او اندی قلیری قویوب
جمله سنی کند وایله که و خطبه ده شریک ابدی ملوک دایله دن ابتدا دیار عراق عرب به ساکم اولان بود و بعده
قوت و شوکت یو لوب بغداد ده بر عالی برای یابوب خلیفه بی تدبیر امور دن منع و همان یومی بش ییک الخه
وظیفه تعیین و اطرافه بکری و صوباشیری کند و آدمزندن نصب ابدی و بعده خلیفه دن و همندن سراین
یابوب جمله مالی یغم المیوب دلبندی یوغازنه طاقوب یاده سور یابوب نایع شیطان مضل اولان معز مذل
کند و سراینه وارد فقه محض ظلاله خلیفه نک کوزل بنه قیزش دموردن میل چکدروب بنه آل عباس دن
مطیع للهی خلیفه دیکوب لکن آفی دخی تدبیر امور دن منع و یومی یوز فلوری وظیفه تعیین ابدی * او چپوز
او تو زد در تنه معزایه کارا امرای عیاسیه دن ناصر الدوله ابن حمدان نزاعلشوب نیجه چنکر ایدوب بعده صلح
اولدیلر * او تو زد بنده معز خلیفه ایله عهدلشوب قدیمی سرایلر بنه کوندروب تدبیر امور و اجازت و یروب
اوزرندن بکچیلری رفع ابدی * او تو زد سکرده معز خلیفه به کند و برادری عماد الدوله بی کند وایله سلطنت
بغداد ده شریک ایدوب کند و اتدن اول وفات ایدر سه عماد مستقل اولغه اذن دیدلده خلیفه اذن و یروب
لکن او بیل عماد وفات ایتمکین بر برادری دخی رکن الدوله بی شریک ابدی * الی سنه سینه معز بغداد ده
بر عظیم برای یابوب اسامک عقی او تو زالی ذراع ابدی و مریدر که معز مذل دین رافضی لعین اولغین
الی برده شیعه طایفه می خب صحابه بی مسجد اردوانه یازوب الی ایکی عاشوراسنده جمله خلقه شهداء
کر بلا یچون ماتم طوق امرای تمکین و کانلری قیابوب زقافرده چادرلر قور یابوب اوزرلر بنه چلر ایلوب
عورتلر صاحبلرین چوزوب مردان وزمان زاری کان نوحه زمان کروب یو بدعی ابتدا یواحدلر ایدروب
ایکی بیل ابر اولندی و الی ایکی ذی الحجه سنه شیعه عادت نیجه یوم غدیر بر امران ایدوب طبل و سوراچا لدری
الی بنده معزک هم شیر می وفات ایدوب خلیفه دجله اوزرنده قایق ایله تعز بنه واروب معز غایت حظندن
بر او یوب خلیفه قایق دن چیقیموب دونوب کشتی * مریدر که معز بغداد ده ایکن تازه بیکتری
صوده یوزمکه ترغیب ایتمکین نیجه لچالشوب شناور هنر آورا لغین حتی بعضار برالنده سور و طوب ایچنده
آتش اوستده چوملک طوروب ایچنده یک بشوروب او بر ایله صوده یوزدی * الی التمه معز وفات
ایدوب خلیفه آنک اوغلی بختیاری بر بنه بکروب لقبی عز الدوله قودی و معز مدت سلطنتی بکری بر بیل
اون بر آید ابدی سابقا کرمان شهرنده بر جنگ ایچنده برالی کساش ابدی (فصل رابع در احوال عز الدوله
بختیار ابن معز الدوله) غایتده جمیع و تم نک آهنگ اولوب هیچ بر راقسر ارساللده جنگ ایدوب متلف
و مسرف و اوقات و او وایله صارف جوان دوست و متم و اهل عشرت و ظالم ابدی * التمش ایچنده بختیار
مطیع لله خلیفه دن وافر مال ایستوب اودخی کلان آدمه جمله باج و خراجی سر جمع ایدر سزیم همان
خطبه ده نام قالدی ایسترمه اندنده فراغت ایدوب یوب بختیار ظلم اختیار ایته مال و پرسون دیدلده
خلیفه ناچار اسبابلرین صاقوب در تیوز ییک الخه کوندردی * التمش او چده بختیار اهواز شهرنه کیدوب
بغداد ده قائم مقام قودوغی قیوجی باشی بی سبکتکین یونک سراین یغمالیوب عسکرا ترا کی کند وایه ایدروب
مطیع لله وفات ایدوب بر بنه طایع لله خلیفه اولده بختیار بغداد ده کلوب سبکتکینه مرارا چنکر ایدوب
التمش در تنه عم زاده می عضد الدوله ابن رکن الدوله بختیاره معاونه کلوب بغداد شهرندن حظ ایتمکین
بغداد عسکری کند وایه ایدروب بختیاره هجوم ایدوب اودخی سراینده قیابوب طوروب التمش بنده
عضد ایله بختیار صواشوب بختیارلر بر محبوب بی نظیری عضد اسیر ایدوب بختیار یقرار اولوب اکل و شرب
و سلطنتی ترک ایدوب دائما اغلیوب نافرمانه چکر بن طفلیوب بر نضر عناه ایله بالکز بر یسی یوز ییک التونه
صاقون التمش بی همتا یکی حسانا چاره کوندروب عضد اندری الوب محبوبی کوندردی * اشبو سنه ده
بغداد ده بختیارلر نامی خطبه دن ترک اولوب عضد نامه او قندی * التمش ایدر یابنده عضد ولایت
عراق و غیره مسئول اولوب بختیارلر صواشوب وزیر ایله طوقوب بعده قتل ابدی و بختیارلر مدت

سلطنتی اونیدی بیل ابدی (فصل خامس در احوال عضد الدوله خسرو ابن رکن الدوله) اهل شجاعت
و مهابت و سخاوت و فصاحت صاحب حلم و علم و معرفت اولوب لسان عربیده بلاغت اوزره انتشاری و شعر لری
وار ابدی عیسی عماد الدوله و صیدله آنک وفاتده فارس و کرمانه پادشاه اولدی دینوب لکن فصل نایده پدیری
رکن الدوله او چپوز او تو زد سکرده برادری عماد وفاتده بر بنه کوب او چپوز التمش بنده اوغلی عضده
فارس و کرمانی و پردی دیو کچم شدر و الله اعلم * مریدر که عضد عاقل و دانا و هب و توانا اولغین حسن تدبیر ایله
همالک عظیمه ضیظ و تسخیر ابدی خطبه ده شمشاه الاعظم ملک الملوک دیو یاد اولور دی و یو صحیفه ده
ذکر او اندی اوزره بغداد کلوب بعد زمان عم زاده می بختیاری قتل ایدلده طایع لله خلیفه بوکا خلعت
سلطنت و مرصع تاج کیدروب و خلخال و بلازلک طاقوب قلی قوشادوب کند وایله بوکا عادت اوزره
بر کومش او علم و بر مخصوص التون علم عقد ایدوب سلطنته اجازت و یردی * التمش سکرده خلیفه عضده
اوقات معینه ده مر ایدر نوبت چالدر معز اذن و یروب یوندن اوکیاره سائر خلفه ابو رخصتی و بر مام شادری
بعده من یور خلیفه جمیع امور خلافت تدبیر بن عضده نفوذ یغ ایدوب بی ثات خلعت کیدروب بعده عضد
همدانه کیدوب بنده کلدکه معز یور خلیفه آفی استقباله چیقوب دور خانفاده بر فرد یور عایت
میدر اولامشیدی * او چپوز التمش ایچنده عضد قرقیدی یاشنده وفات ایدوب کوفه قریبنه مشهد
حضرت علیده دفن اولندی بغداد و عراق ده سلطنتی بش یچق بیل ولایت عجمده و عراق ده جمله سلطنتی
او تو زد بش بیل با خود جمله همان سکر بیل ابدی یونک بر بنه اوغلی صمصام الدوله بی خلیفه پادشاه نصب ابدی
صمصام احوالی عن قریب ذکر او انور (قائده در مناقب و معایب) مریدر که عضد خیراتی بعد
و محامد صفاتی لا تعد در مدینه منوره شهر بنه حصار و بغداد ده هر سنه یوز ییک فلوری خرج اولور و بر عظیم
بیمارخانه و کر بلا ده مشهد امام حسین و کوفه جوارنده نفیقه مشهد حضرت امام علی و شیراز ده سورا امیر
آلور بر شهر و نیجه بنار و خیر لایتمشیدی و بغداد ده او تو روپ عراق و کرمان و فارس و عمان و موصل و خوزستان
و دیار بکر و آذر بایجان و اصفهان و طبرستان و جرجان و نیجه ممالک دخی مالت ابدی * هر بیل خزینه سنه
اوچ ییک ایکیوز بول عثمانی الخه عدد نیجه الخه کوردی * تواریخده صرع زحمتدن وفات ابدی دینوب
لکن تفسیر کشافده (ما غنی عنی مالیه هلاک عنی سلطانیه) آیتی تفسیرنده مذکور در که عضد الدوله خسرو
کمال غرورندن کند ووی ابلیس آسامدح و ثنایدوب (نظم) عضد الدوله و ابن رکن * ملک الاملاک
غلاب القدره دیوب فضا قدره غلبه دعواسن مشعر بر کلمه قبیحه مستلزمه الفحیحه اولغین او حالده نصره
فلاح بولیبو بختیون اولوب دلی دخی طوتلوب (هلاک عنی سلطانیه) کلامندن غیری بر حرف سوبلکه
قادر اولدی * نفوذ بالله من الغرور و السرور المودی الی الشرور و من هقوات اللسان المهلکات للانسان
(فصل سادس در احوال مؤید الدوله منصور ابن رکن الدوله) پدیری کند وایکن او چپوز التمش بنده
اوغللر بنه تقسیم ایدلده بوکا صفا هان و قم و قزوین وری ملکترین و یروب انده مستقلا پادشاه ایکن
پدیری تبریزده وفات ایدلده تختگاهلری اولان شهر شیراز و اروپ تخته بکدی بغداد ده کلامشدر *
او چپوز التمش او چده وفات ایدوب سلطنتی بیدی بیل و الی آید (فصل سابع در احوال نضر الدوله
علی بن رکن الدوله) پدیری ممالکن اوغللر بنه تقسیم ایدلده بوکا همدان و دیو شهرلرین و بر مشدی
برادری مؤید ایله عضد بونی و نیجه ایتمکین نضر نیشابوره و جرجانه و خراسانه و اروپ بعده عسکر جمع
ایدوب مؤید ایله جنگ ایدوب نضر صیتوب ملوک اطرافه انجا و جناب حقه دن نزول فرج رجایدوب بعد زمان
مؤید وفاتده شیراز و اروپ آنک بر بنه تخته بکوب (من اذی جاره و ربه الله داره) قول صادقی متحقق
اولدی * مریدر که عالم ربانی و مخترع علم معانی اولان شیخ عبدالقاهر جرجانیلک علمده استادی اولوب فضل
و کالده و حسن خصالده و نیجه مؤلفات و سائر حالده مشهور و بلاد و مقبول عباد اولان صاحب اسماعیل
ابن عباد من یور نضرک دیرمه ششاری و وزیر حقیق بالا قضااری ایدیکه عباد دخی ساقا رکن الدوله به
و عضد الدوله به وزیر اولوب عبادک پدیری عباس دخی وزیر اولمشیدی * مریدر که من یور صاحب او چپوز
سکسان بنده ری شهرنده وفات ایدلده سیاه لباس یاس ایله جمله ناس آنک سراینه جمع اولوب جمله سی فریاد

و قتل ایدوب جنازه می او کعبه پادشاه بیان یور یوب بعد الدفن بر قاج کون عزایه او توروب او چپوز
مکسان پدیده غردخی وفات ایدوب سلطنتی بر حسابچه اون اوج بیل اون برای بر حسابچه بکری
ایکی بیل ایدی * مجد الدوله عز الدوله شمس الدوله لقبو اوج اوغلی قالدی (فصل ثامن در احوال
صمصام الدوله مرزبان ابن عضد الدوله) پدری عضد او چپوز شمس ایکیده بغدادده وفات ایدکده
طابع الله خلیفه بونی آنک بر بنه بکوروب بر تاج ویدی قات خلعت کعبه دروب ایکی علم ویدی *
شمس بنده بغدادده ایستادن خاشاک باجی بیلده اون یول ابله التزامه و بر مکن خلق جمع اولوب جمع نمازین
ترک ایتمک عزم ایدوب قننه اولغین فراغت ایدی * شمس التیده برادری شرف الدوله عسکر چکوب
بونی طوقوب کوز بنه قیزمش میل چکوب عجمه بر دعه شهرنده حبس ایدوب بر بنه پادشاه اولوب بغدادده
کلدی صمصام مدت سلطنتی اوج یا طوقوز بیل ایدی * نظام التوار یخده شرفی بوندن مقدم یازوب شرف
بغدادده کتدکده عجمه بیکلکنی صمصامه و یروب انکله یله شیرازه کوب بعده شرف وفات ایدکده صمصام
پادشاه اولوب طوقوز ایدنصکره عز الدوله نک ایکی اوغلی تروج ایتمکین صمصام قاجدی دیومذ کورد
و الله اعلم (فصل ناسع در احوال شرف الدوله) شریک یا خود شیر لک ابن عضد الدوله برادری صمصامی
طوقوب بر بنه کتدکده عسکر بو کامیل ایدوب بغدادده کوب طابع الله خلیفه بو کافار شو چیقوب سلطنته
اذن و یروب تاج و خد مترا کیدردی * شمس سکزده وفات ایدوب شرف مأمون خلیفه زمانده کی کبی
نجوم احوالی ایچون رسد یا پردی * شمس طوقوزده وفات ایدوب سلطنتی برادری بهاء الدوله به وصیت
ایدوب مدت سلطنتی ایکی بیل سکز آی ایدی * نظام التوار یخده پدری وفاتده کرماندن بغدادده کوب
پدری مملکتلری جله ضبط ایدوب همان الی آی پادشاه اولدی دیومذ کورد (فصل عاشر در احوال
بهاء الدوله فیروز ابن عضد الدوله) برادری شرف بغدادده وفات ایدکده طابع الله خلیفه بو کانه ز بنه
واروب بودخی خلیفه کلد و کنه سرور و تعظیمدن مرارا یرو یوب بعده خلیفه بونی انواع زینت و شوکتله
کتوردوب یدی خلعت کیدروب خطال و بلازل طاقوب بودخی یرو یوب بو کاقونان کر سیده اوتوروب
برات سلطنتی اوقوب بهاء الدوله ضیاء المله دیولقب قوندی * سکسان برده خلیفه بونک خواصندن برقی
حبس ایدکده بهاءقلبدن انجنوب خلیفه به واروب یرو یوب کر سیده اوتوروب بهانک آدمی ال او چک
طر بقیل و واروب خلیفه بی چکوب تختندن ایدروب او شنه احرامه صاروب بهانک سرایه ایلدوب
بعده آنک بر بنه قادر بالله خلیفه ایدوب بر بنه اهانت و خیانت انجامکده عهد و پیمان و تآکید
بالایمان ایلدیلر * نظام التوار یخده صمصام وفاتده سکزه بهاولایت فارسه واروب قادر بالله خلیفه بوکا
قوام الدین شهنشاه دیولقب قودی دیومذ کورد * بهانک جله مدت سلطنتی بکری درت بیل اوج آی ایدی
(فصل حادی عشر در احوال مجد الدوله رسم ابن نخر الدوله علی ابن رکن الدوله) او چپوز سکسان یدیده
پدری غر ولایت ریده وفات ایدوب درت یاشنده اوغلی رسم بر بنه بکوب مجد الدوله دیولقب قوندی
بعده اول ملاطین غزنویه اولان سلطان محمود بن سبکتکین بونک اوزر بنه کوب مملکتلرین التندن الدی
مجدک مدت سلطنتی او تورا یکی بیل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال سلطان الدوله ابن بهاء الدوله
ابن عضد الدوله) اسم و رسم و احوالی بوجده بهاء معلوم اولیوب تاریخ الخلفاده سلطان الدوله بغداددن
کتدکده قادر بالله خلیفه بر بنه شرف الدوله بی کتوردوب سلطنت و پردی دیومذ کورد دره سلطان الدوله نک
مدت سلطنتی اون ایکی بیل و درت آی ایدی دیشلر (فصل ثالث عشر در احوال شرف الدوله حسن
ابن بهاء الدوله) عدله مانل عاقل کامل ایدی سلطان الدوله بغداددن کتدکده خلیفه بونی کتوردوب
سلطنت و یروب شمس بیلده سکزه شرف موله ثلث و شیراجله علف اولدی (فصل رابع عشر در احوال
جلال الدوله ابن بهاء الدوله) تاریخ ابن کهنه ده او چپوز او تورا او جده طوقوب در تیوز در تده
بغدادده بر ییلاق جله محصول بغدادی جبرایله الوب خلیفه خبر کوندردکده التفات ایچوب در تیوز
او تورا بنده وفات ایدوب بر بنه مرزبان بکدی * جلالات بغدادده سلطنتی اون الی بیل و اون برای
ایدی دیومذ کورد (فصل خامس عشر در احوال عماد الدین الله مرزبان ابن سلطان الدوله)

عربی جلال الدوله الی اون درت بیلده نک نزاع بعده مصالحه ایدوب در تیوز او تورا بنده جلال وفاتده
آنک بر بنه بغدادده سلطان اولدی * او تورا طوقوزده بادا جل با عجل محمود عمر عا د شمس البلاد کثیر الاجتادی
منهدم و اثر و جودین منهدم ایدی * بغدادده مدت سلطنتی درت بیل ایکی آی دیشلر (فصل سادس عشر
در احوال ملک رحیم خسرو ابن عماد الدین الله) پدری وفاتده بغدادده بر بنه بکوب ملوک سلطنته نک
اولی اولان طوغزل محمد نک الیه منازعه لندنصکره در تیوز قرق یدیده مصالحه ایدوب ملاقاته
وارد قده خسروی طوقوب قتل ایدروب خسرو نک سلطنتی سکز بیل اولوب ولایت عراقده آخر ملوک
دیلمه بودرینوب اکثر کتیده بوندن اشاعین ذکر ایتمامشلردر (فصل سابع عشر در احوال ملک
منصور یا خود ابو منصور بولاد ستون) نظام التوار یخده مذ کورد که سلاطین غزنویه دن فارس
پادشاهی ابوسعید خسرو شاه الیه محار بهار و مصالحه ل ایدوب عاقبت ابوسعید جیه و خدعه الیه قتل
اولنوب فارس ولایت دخی منصور ضبط ایدوب بعده سلطنتدن رفع اوانوب قلعه ده حبس اولندی
(فصل ثامن عشر در احوال ملک ابو علی بن کبک خسرو) منصور حبس اولند قده طائفه دیلمه اکابرنده
بوندن غیری کسسه قالمغین بونی تخته بکوردیلر لکن اطرافنده اولان سلاطین التنده زبون اولغین
نوشه خان شهر نک حاکم کینه راجی اولوب سلاطین اطرافله مدارات و صفات ایدوب در تیوز مکسان یدیده
وفات ایدی * نظام التوار یخده دخی ملوک دیلمه بوجده تمام اولدی (نظم) قسبحان رب العرش
لیس لکده * تمام وحدت بیدار و ختام (باب ثامن در احوال ملوک غزنویه) بو طائفه به تختگاهلری
دیار عجمه غزنه شهر لری اولغین ملوک غزنویه دیرلر جدا عللرینک اسمی سبکتکین اوله آل سبکتکین دخی
دیرلر حسن میرت و لطف خصلته احسن طبقات ملوک عجم اولوب جله می اون ایکی یا اون اوج نفر
ذوی الظفر ایدیلر * اول سلطنتلری سبکتکین حسابده داخل اولی اوزره او چپوز التیش او جده و مدت
سلطنتلری یوز سکسان درت بیلدر داخل اولماق اوزره اول سلطنتلری او چپوز مکسان طوقوزده مدت
سلطنتلری یوز الی سکز یا یوز التیش بیدار (فصل اول در احوال نصر الدوله ناصر الدین سبکتکین)
ملوک سلیمانیه بابنده ذکر اواند بقی اوزره امیر نوح بن منصور سامانی طرفندن شهر غزنیه ده شجیه ایکن ولایت
خراسان بکری نوحه عصیان ایدکارنده نوح سبکتکینه خبر کوندروب اودخی انزل شرفی دفع ایدکده
نوح بونی میر عسکر اید غندی به در زمان ملوک دیلمه دن عزالدوله بختیار لک شهر بغدادده حاجی یعنی قیوچی
یا شمس ایکن او چپوز التیش او جده بختیار عجمه کیدوب بونی بر بنه قود قده بختیار لک مرای بیغمه ایدوب
خسته اولان مطیع الله خلیفه به حسن اختیار کله خلافتی ارغلاط طابع الله فراغت الیه دیوب اودخی
او چپوز التیش اوج ذی الحجه سنده فریغت ایدوب بر امتی طابع سبکتکینه خافت سلطنت کیدروب علم
و یروب باقی نصر الدوله قودی بعده بختیار بغدادده کوب سبکتکین عسکر اراکی کتدوبه ایدروب
بختیار الیه نیجه جنکار ایدیلر * او چپوز التیش درنده یا مکسان یدیده سبکتکین وفات ایدوب محمود
اسماعیل نصر بومفادلو اوغلری قالوب اون کره یوزیک التون و یوز کره یوزیک الحجه و ایکی صندوق
طلومی جواهر و اون درت بیک میر اسرو او چپوز یوزک سائر قاش و دخی نیجه درو و مختلفه قالدی * بهض
معتبر اید سبکتکین غزنه پادشاهی ایدی دیشوب کن اکثرنده ذکر اولغیوب خصوص بیلشاهنامه مولفی
فردوسی سلطان محمود بن سبکتکین هجو ایدکده بولده دیشلر (نظم) اگر شاه را شاه بودی پدر *
بسر بر نهادی مرا تاج زر * دیکین غالب ظن بودر که سبکتکین بشقه مالکنده مستقل پادشاه اولماش اوله
و الله اعلم بحقیقه الحال (فصل ثانی در احوال ابن الدوله سلطان محمود بن سبکتکین) مناقب و مر و بکره
محمود محمود مودود الخصال بر شاه آگاه سید الفعال اولوب (محرره) لطف و جود و عدل و عقل و علم
و فضل * حزم و جزم و عزم و رزم و بزم و بزل * انده جمع اولش ایدی بی اشتباه * ایلر ایدی خلیفه عدله لکده
(نثر) اساطین سلاطین روی زمیندن اولوب هر فصل و بابده مناقب علیه المراتبی بر کتاب اولغه قابل
و مقبلدر * تصایح الملوک و کتب اخلاق و حکایات و محاضرات بونک مجبور بی خاص ایا زو وری خواجه
حسن میندی و سایر علما و شعرا و صلحا و قرا الیه واقع اولان اخبار جلیله و اطوار جلیله سنک ذکر

عبرتونی ایله مشهورند بونک احوالنه کمال اطلاع انری تقی ایتمینه حاصل اواز * بعض معتبرانده
 سلطان محمود شاه فضا و علمان اولوب علم فقه و حدیث و رسائل اشعار و منشأته مؤلفاتی وارد
 مذهب حنفیه تفرید اولوب تفرید اولوب بر کتب لطیف تألیف ایندی * عالم و صالح کسینه اولوب مناقب
 و احوال ماطنی خصوصاً فضلاد بریسی بر مسئله کتاب تصنیف ایندی انجق من بور شافعی
 اولغله بعض مسائله شافعی مذهب سلطان محمود ساده دله مستحسن کوسر مکه حنفی مذهبده
 ایکن بوسبیل و جوع ایدوب شافعی مذهبده کیدی دیشلر * هر ویدر که هر کیچه کوندر کیدو کی لباس
 ملوکانه بی چاروب کهنه لباس کسب درگاه خدای انباز یوز سوروب نماز و نیاز ایدوب
 صبا حله و بواله اغلیوب مناجات و طلب مغفرت و عرض حاجات ایدوب جناب حقه متذلل و مبتدل
 و بوشهر مسکنت مشعری قائل اولوردیکه (نظم) نه کشور کشایم نه فرمان دهم * یکی از کدایان
 این در کهم * چه برخیز از دست و کردار من * مکر دست لطف شود یار من (جلوس و احوال سلطنت)
 بعض کتیده غزنه شهرنک خلقی بکاری سبکتکینی کند و له پادشاه ایدوب بعده هندستان اطرافن فتح ایدوب
 مالکی و معت بولوب مرض موده اوغلی محمود آخر یرده اولافین بیول اوغلی اسماعیل و صیت ایدوب غزنه ده
 وفات اینده کده تخت اسماعیل کچوب بعده محمود کچوب اسماعیل محاصره ایدوب عاقبت اسماعیل حصار
 مانده آچوب سلطنتی حسن رضا ایدوب محمود فراغت ایندی دیوب نظام انوار بخنده مذکور در که اواخر ملوک
 سامانیه اولان امیر فوج بن منصور شهر غزنه شهنه می سبکتکینی او چبوز سکران درنده مردار عسکر
 ولایت خراسان ایدوب سکران بدیده سبکتکین وفات اینده کده مردار لغتی انک اوغلی محمود و یروب نوح
 اول اتاده وفات ایدوب اوغلی عبدالملک تخت کچوب محمود قوت و شوکت بولوب تخمینا او چبوز سکران طغوز
 سینه منده مالک خراسان و سجستانه پادشاه اولوب بغداد خلیفه سندن بو کاسطنه اجازنامه کادی
 بعده آخر ملوک دلیله دن مجد الدوله ابن نغرا الدوله دن سلطان محمود شکایتجیلر کاد کده واروب انلرک
 اللزنده اولان جرجان و عراق و لایترین الوب تدریجاً اصفهان وری و طبرستان و جرجان و خراسان و خوارزم
 و کرمان و سجستان و بعض ولایت بجهستان و دیار منده مالک اولدی * دایما هندستانه سفر ایدوب تفصیل
 محتاج عظیم غزار و جنگار ایدوب و محاربات جنت مرالو و بعد فخر و صاحب قرانقر ایدوب انده نیچه
 شهر الوب مساجد و مباد یادردی * در یوز اونده او یوز یک کزیده عسکرله ینه هنده سفر ایدوب
 بر آیلن قوم سال بریده دن اونده ولایت کشمیره قنوج شهرنه واروب نیچه یک بیلدیر و کافر
 عبادت ایدوب اون یک عدد معمر و وقت قریه سی و نیچه یک مخصوص خدمتکاری اولوب سومات
 دیگله مشهور کاتکات اولان صنی الوب الی یک کافری قتل و ایک یوز یکدن زیاددی اسیر و بکری
 یک کافری مسلمان ایدوب نیچه یوز یوز نقد التون و بعد جواهر زواهر و تحف الوب اول صنفی که
 در یوز بطمان صافی التون ایندی و عورت صورتده بونلش التمن منقال یکپاره یا قوت احرشچراغی
 نیچه هدیه عظیمه اید بغداده قادر بالله خلیفه به کوندردی * من یوز محمود هیبت ایچون یک دانه
 نیل بسلوب جنکه بیل ایلوب اعظم ملوک هندستان و ترکستانی جبر و قسیر ایله قهر و کسر
 ایدوب جهانبانی و صاحب قرانلق مرتبه منته قریب برما کم لیب و حازم مصیب ایدی * علما و صلحا و ندما
 و شعرا و معارف و رایج و عطار بزل و محار ایدوب عنصری فرخی عسجدی آدلوا وچ شاعر بی مانندی
 اولوب بعده میدان عرفانک طاوسی حکیم ابوالقاسم منصور فردوسی طوسی کلوب کمال تفصیل
 محتاج وجهله انلر غلبه ایدوب التمن یک بیت اولان شهنامه کابن محمود ایچون او یوز بیلده تألیف
 ایدوب او یوز هر یکنه بر قلوری و بر مکه و عده ایتمکین فردوسی شیمی ووزیری خواجه حسن میندی سی
 با خود نامی اولافین خصوصاً فردوسی خاص الماز منسوب اولوب وزیر مرفروایا تمکین وزیر محمود
 پادشاه بر شاعر التمن یک قلوری و بر مکه اسراف و بیت الماله اتلاف درید کده بودنی التمن یک لجه
 کوندروب فردوسی جامده ایکن جائزه کشور بولوب لجه بی کورده کده انجنوب فانی کنورنه

نظمی جامعی به ثانی تمام قبوسنده بر شریخی به باغشلیوب تفصیل محتاج وجهله فاجوب پادشاه غنناک
 اولوب فردوسی دخی بعض و لغندن سکران ایکی بتلو بر عرض حال یازوب ایچنده پادشاهی عظیم
 هجو ایتمدر که بعضی بودر (نظم) ایاشاه محمود کشور کشای * زمن کر نترمی بر من از خدای *
 که پیش از قشاهان فراوان بدند * همه تاجداران و کیمیان بودند * فزون از تو بودند یکسر بچاه *
 بکچ و سباه و تخت و کلاه * نه کردند جز خوی و راسی * نکشند هرگز روی کاسی *
 همه داد کردند بر زیر دست * نبودند جز پاله یزدان پرست * نجسند از در جز نام نیک *
 وزان نام جستن بر انجام نیک * هر آن سر که در بند دنیا بود * بنزدیک اهل خرد خوار بود *
 من این نامه نمر باران یش * بگفتم بدین نغز گفتار خویش * بسی رنج بردم درین سال می *
 بجم زنده کردم بدین پارسی * بسی سال بردم بشهنامه رنج * که ناشام بخشد مرا نایب و کنج *
 نه پادشاه من کنج را در کشاد * مرا جز پناه نصای نداد * ز دانش نبود شاه وادستگاه *
 و کرنه مرا بر نشاندی بکاه * ندارم ز دیار خمر و سبام * که او نیست شاه حقیقت شناس *
 چو اندر تبارش بزرگی نبود * نیارست نام بزرگان شود * اگر شاه راشاه بودی پدر *
 بسر بر نهادی مرا نایب زر * پرستار زاده نیاید بکار * اگر چند باشد پدر شهریار *
 بشیرزی به از پادشاهی چنین * که نه عقل دارنده دانش نه دین * شمی کو بر سر زد روی زود *
 بشهنامه او را نه شاید شود * سر نامز ایان بر افراشتن * وزیران امید بهی داشتن *
 سر و شسته خویش کم کردند * بحیب اندرون مال پروردفت * درختی که تفت و بر امرشت *
 کرس بر نشانی پیاغ بهشت * درازجوی خلدش به شکام آب * به بیج انکین بری و شهادت *
 سر انجام کوه بر بکار آورد * همان میوه تلخ بار آورد * بغیر فروشان اگر بگذری *
 همه جامه پوشود عسبری * اگر بگذری ز دانکشت کر * بغیر از میاهای نه بینی دکر *
 زید کوه را نه بدیناد عجب * میاهای نشاید ستردن زشب * زید اصل چشم بهی داشتن *
 بود خالک بر دیده ایباشتن * چو پرورد کارش چنین آفرید * نیایی تو بر بند یزدان کلید *
 ز نایک زاده مدارید امید * که زنی بشتن نکردد سفید * ازان گفته این بیت های بلند *
 که تاشاه کبر از ان کار بند * در شاعران از انزاد او * همان حرمت خود نکند دارد او *
 چو شاعر بر بنجد بگوید عجا * همانند عجا تا قیامت عجا * بنالم بدرگاه یزدان پالک *
 فشانده بر سر پراننده خالک * که یارب روانش با تش بیوز * دل بنده مستحق بر فروز *
 (نثر) هر ویدر که فردوسی سیر بعض مالکدن صکره وطنی اولان طومه واروب بوجانده سلطان محمود
 خلف و عده نادم و هجو اولند یکنه متالم اولوب وزیر حسن میندی بی عزل ایدوب هندستان قلعه لرینک
 برنده حبس ایندردی * بعده فردوسی به التمن یک التون کوندروب ایاتن کسینه طومه
 کبر کاری کون حکمه الله فردوسینک وفات و فتنه راست کلکین قلور یلر قیزنه یا ده شیر سینه
 و یز یلوب اودنی قبول ایتمکین پادشاه طانشلوب مفصل خبر کاد کده فردوسینک او ز رینه تربه و تکیه
 بنا اولوب اکا و او فاقه یا خود طوس شهرنه افار صو کتور یلوب اکا صرف اولندی (نظم)
 برقت شوکت محمود و در زمانه قانده * جز این فسانه که نشناخت قدر فردوسی (وفات) هر ویدر که
 سلطان محمود در یوز بکری برده التمن اوج بالالتن باشند وفات ایدوب مدت سلطنتی او و زواج بیل ایدی
 (فصل ثالث در احوال سلطان مسعود ابن سلطان محمود) محب علما اهل رضا ایدی غایتده شجاع
 و صاحب زور و قوت اولفین دموکرز ایل جتک ایدردی * پدری وفات ایدرکن خراسان و عراق بجم
 ملک کنرین بو کاتکته کاه اولان شهر غزنه و بعض دیار هندی بونک برادری مجده و صیت ایتمدی * بعده
 مجدی عیسی یوسف بن سبکتکین غزنه ده طوق حبس اینده کده مسعود واروب یوسفی دخی حبس ایدوب
 پدری ملک کنرین بالتار ضیط ایندی * بو حالده ایکن اول ملوک سلجوقیه اولان سلطان طوغرل ماوراءالنهر دن
 خراسانه کلوب مسعودانکه مرارا مواشوب آخر صینوب غزنه به کیدوب اکثر ولایتلر به طوغرل

سلطنتی بکری بدی یا اون التي بیل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال سلطان ارسلان شاه بن جلال الدین مسعود ثالث) برادر بی حبس ایگین دیگر برادری بهرام شاه بونک خوفندن دایبی سلطان سنجره قاجوب اودخی بشیوزاوند وافر عسکرله غزنه به کلوب جنگده ارسلان هندستانه قاجوب سنجره بهرامی غزنه ده تخته بکروپ خزینه دن بکری کره یوزیک فلوری وبعده جواهر الوب بهده خراسانه کیدوب ارسلان هندستاندن وافر عسکرله کلوب بهرام به سنجره قاجوب اندن وافر عسکر کتوروب ارسلانی طوق بقتل ایدوب برینه بکوب بوقصه بشیوزاوند ایگیده واقع اولدی بمدت سلطنت ارسلان شاه اوج بیل ایدی دیشتر (فصل ثالث عشر در احوال سلطان بهرام شاه بن جلال الدین) ارسلانی قتل ایدوب برینه بکدی اهل شوکت و حشمت اولوب علا و شعرا الیه بحالت و مصاحبت ایدوب نام با احترام نه نیجه کتاب لطیف تالیف اوانوب زما تسمه رعایا و برایا آسوده حال ایدیلر هندستانه ایکی کره سفر ایدوب مقدمه افغانامش وافر ممالکتر الوب هندستانی ضبط ایدوب بهده غزنه به کادکده اول سلاطین غزنویه اولان سلطان معظم علا الدین حسین بن حسن بونک اومتته خروج ایدوب بهرام شاه قاجوب حسین برادری سیف الدوله بی غزنه ده قویوب کندی بهرام دونوب کلوب سینی تحقیرا و شهرها صغره بندروب شهری کردروب بعده قتل ایدی بعده بهرام شاه کلیموب بشیوز فرق بدیده وفات ایدوب سلطنتی اونوز بش بیل ایدی (فصل رابع عشر در احوال سلطان خسرو شاه بن بهرام شاه) منور علاه الدین برادری سیفه اولان حقارتی ایستدوب غصبه کلوب عظیم عسکرله یوله چیقوب اشبو خسرو زما تسمه واصل اولوب خسرو هنده قاجوب علاه الدین غزنیه غارت و خلقتی قتل واهیانت ایدوب سام آدلو برادر سنک اوغلری غیاث الدوله و شهاب الدین انده قویوب کندوبی ولایتته کندی * بشیوز فرق بدیده غیاث و شهاب خسروی امانله کتوردوب بعده قلعه ده اوغلیله حبس ایدوب طائفه غزنویانک ممالکترینی ضبط ایدیلر بعد زمان غیاث وفات ایدوب شهاب مستقل اولوب اکثر ممالک هندستانی الوب سلطان عظیم الشان اولدی * ملوک خوارزمیه دن سلطان محمد بن نکش زما تسمه برکسنه شهابی بغاه قتل ایتدکده شهاب قولارندن سلطان شمس الدین ایلتش شهاب برینه هندستانده مستقل پادشاه اولوب نیجه زمان اول ولایتده انک نالی سلاطین سلطنت سوردیلر * خسرو شاه حبسده ایکن بشیوز فرق بدیده وفات ایدی * تاریخ میرخوانده مذکور در که سابقا خسرو شاه علاه الدیندن قاجودده هندستانده اهور شهرنده اونوروب سلطنت سوردوب بشیوزالی بشده وفات ایدی (فصل خامس عشر در احوال خسرو شاه بن خسرو شاه) پدری وفاتده هندستانده برینه بکوب داغاعیش و نوشه مشغول اولوب امور سلطنته عورتلر و خادمه قارشوب امرای بوکا انجنوب بعده سابقا مذکور اولان غیاث الدین هندستانه واروب خسرو اکا قارشو طوره میوب امانله کلوب بوشوب غیاث آئی غزنه به کوندروب انده جله اهل غزنه الیه قتل اولوب ملوک غزنویه بالکلیه منقرض اولدیلر (نظم) دل بدین پیرهن عشوه کر برخ میند * کین عرو میست که در عقد بسی دامادست (باب ناعم در احوال ملوک سلجوقیه) اشبو طائفه اون سکز نفر اولوب اول سلطنتی در تیموزاوند ایگیده اولوب مدت سلطنتی یوز ایش بیل ایدی * سلجوقی لفظینک اصلده ترکیبی سلجکدر عربله رب ایدوب سلجوقی دیکین ترکیبه دخی بولیدیر اولدیلر (ظهیر) بو طائفه نک کیبی بغدادده کیبی بمده کیلری زمان واحدده کیلری ازمنه متفرقه ده سلطان اولغین ترتیلری و نیجه احوال لری نوعا حیط و خللدن خالی اولوب تاریخ ابن کثیره مذکور در که ماوراء النهرده اولان قبائل اتراک نامدارلندن دقای آدلو بهادرلر اوغلی سلجوق نجیب و شجاع اولدقه یاتنه آدم جمع ایدوب ترکستان پادشاهی بونی ایستدوب انجنه کین انک خوفندن سلجوق ممالک اسلامه قاجوب بخارا شهرنک آردنده جند آدلو شهرده اقامت و داغما کفار الیه جنگ ایدوب یوزیدی یاشنده انده وفات ایدوب امرا بیل میکایل موسی آدلو اوج اوغلی قلوب میکایل غزاده شهید اولوب انک دخی بیغ و طغرل محمد و جاقرداود آدلو اوج اوغلی قلوب بعد زمان طغرل و داود پادشاه اولدیلر منور امرا بیلک اوغلی عزالدینک اوغلی قوئلش حالا قرمان دینکاری دیار بوناته پادشاه

مستوفی اولوب مجبوس اولان محمد اومد تلمده استقلال بولمغین مسعودی حبس و در تیموزاوند جده اوغلی احدی زندانه کوندروب مسعودی قتل ایتدردی مسعودی سلطنتی اون ایکی بیل ایدی * نکارستانده مسعود آل سلجوق ولایتته عسکر کوندروب غارت و خسارت ایتد کارنده میکایل سلجوقی وفات ایتش اولغین رعایای جمع اولوب خراسانه کلوب مسعود هنده قاجوب ولایتی سلجوقیلر تالان ایتدیلر دیومذ کوردو (فصل رابع در احوال سلطان محمد بن محمد بن سبکتکین) برادری مسعودی قتل ایتدرد کده مسعودی اوغلی مودود بونک اومتته عسکر چکوب جله اولادیه قتل ایدوب (بشیر القاتل بالقتل) موهومی ظاهر و معلوم اولدی محمدی سلطنتی اون درت بیل ایدی (فصل خامس در احوال سلطان مودود بن مسعود) عیسی محمدی و اولادنی پدری قانی ایچون قتل ایتد کده نصره سلطنتی قوت و شوکت بولمغین بعض ملوک ماوراء النهر و هندستان و عجم بوکا مسرفرو ایدوب ملوک سلجوقیه دن سلطان جاقربک سرکشک ایتمکین مودود آنک اومتته عسکر کوندروب جاقردخی اوغلی الب ارسلانی کوندروب جنگده مودود عسکری سیندی * در تیموز فرق برده قولنج مر ضندن وفات ایدوب مدت سلطنتی بدی بیل ایدی (فصل سادس در احوال سلطان مسعود ثانی ابن مودود) پدری وفاتده اوغلا نیقی اولغین همان بش کوند نصره عیسی علی بی تخته بکوردیلر (فصل سابع در احوال سلطان علی بن مسعود اول ابن محمود) بونک زما تسمه عبد الرشید ابن سلطان محمود بن سبکتکین که نیجه زما تسمه نورو مجبوس ایدی قور تلوپ عسکر چکد کیده علی صینوب قاجودی (فصل ثامن در احوال عبد الرشید بن محمود) باخود عبد الرشید بن مسعود بن محمود علی بی قاجروب برینه بکوب در تیموز فرق بشده سلطان مسعود بن محمود دامادی طوغرل آدلو برنک ظاهر و ایدن ملوک سلجوقیه بی دفع ایچون البته عسکر چکوب وارمق کردرد عیسی عبد الرشید آئی سردار ایدوب کوندرد کده واروب بیستان قلعه سن الوب بعده عسکر چکوب غزنه به کلوب عبد الرشیدی وافر پادشاه بولدیغنی جله قتل ایدوب تخته بکوب عسکره انعام جلوس و برکن بعض امرا براغ اوشروب طوغرلی قتل ایتدیلر مرویدر که منور عبد الرشید دون همت و فاسد تدبیرکسنه اولوب سلطنتی بدی بیل ایدی (فصل ناسع در احوال فرخ زاد ابن سلطان مسعود ابن سلطان محمود) نظام التوار یغده بونی یازمیوب لکن تاریخ میرخوانده مذکور در که عبد الرشید قتل اولندقه ارکان دولت فرخ زادی حبسدن جقاروب تخته بکوردوب عبد الرشیدی قتل ایدنلری بولوب جله سن قتل ایتدیلر بعده سلطان داود سلجوقی غزنه به عسکر چکوب کلوب فرخ دخی وزیر جرجیری قارشو کوندروب جنگده سلجوقیلر صینوب قاجوب بعده فرخ عظیم عسکر جمع ایدوب سلجوقیلر اومتته کیدوب اندر دخی جنگده عسکر کوندروب ایکن صیندیلر بعده جاقربک سلجوقی اوغلی الب ارسلانی کوندروب غزنه به کادکده جنگده الب ارسلان غالب اولوب بعده ایکی طرفدن بری برنک اسیرلر بن آزا بیدوب صلح اولدیلر فرخ زاد تازه لکده وفات ایدوب برینه برادری ابراهیم بکدی (فصل عاشر در احوال سلطان ابراهیم بن مسعود بن محمود) فرخ زادک یا عبد الرشیدله وفاتده برینه بکوب عادل و عاقل و شجاع و صالح اولوب اوج آئی اورجن طوناردی غایتده خوب خط اولغین هر بیل بر معصم میرتب یازوب وافر صدقه الیه که مکرمه به کوندردی * ملوک سلجوقیه الیه صلح اولوب طرفیندن عهدنامه لری یازوب بعده هندستانه اوج کره سفر ایدوب اسلافی طغر بولمق صعب قلعه لرو عظیم ولایت فتح ایدوب برده ده یوزیک اسیر کتوردی * نظام التوار یغده مذکور در که زمان سلطنتده سرانده اصلا رفته بنایا قیوب شهرده بره مسجد و مدرسه بناییدی * در تیموز الی برده سلطان طغرل سلجوقی قتل ایدوب خراسان پادشاهی اولان جاقربک الیه امر اراجنکر ایدوب بعده صلح اولوب او بیل جاقرو وفات ایدوب برینه اوغلی الب ارسلان بکدی * سکان برده طایفه سنان ایگیده سلطان ابراهیم دخی وفات ایدوب مدت سلطنتی اونوز الی باقری بدی یا اونوز باقری ایکی بیل ایدی (فصل یازدهم در احوال سلطان جلال الدین مسعود ثالث ابن ابراهیم) پدری و زما تسمه بکوب خانوقی سلطان سنجره سلجوقیه ده شیره می ایدی * بشیوز سکزده جلال وفات ایدوب

اولوب نسل چو نسل در ستم آشاییده بشقه باده بیان اولوب در فواج مسکینه ده مذکور در که قبائل
 اتر اکن آل سلجوق ماوراء النهره قونار کو بر طاقه سندن اولوب اله کتور ملری ممکن اولما مغین ملوک
 وحکام زمره لرینه رام اولوب سردار لر بن سلطان محمود بن سبکتگین تدبیر کثیره تسخیر واسیر ایدوب
 متعلق اطرافه پراکنده اشدی * سلطان محمود وفاته بر طریقه جسدن خلاص بولدرنده سلطان
 مسعود بن محمود بن نوره محتاج اولوب سردار لر بن قویو پروپ تدبیر بجه قوت وشوکت بولوب ایچلرندن
 طغرل محمد بن بعض بلاد بحمه پادشاه اولدی * بعض نوار یخده سلجوق اعلیه طاقه اتر اکن فسی ناج
 جاعندن اولوب او توردی پدی عجم پادشاهی فریدون نسلندن اولان ترکستان پادشاهی افراسیابدر
 سلجوق مال فراوان صاحبی اسرائیل میکائیل موسی یونس آدلوردرت اوغلی اولوب عاقبت ترکستان
 شرقدن که حال اوزیک ولایتلریدر اولاغینک قلدندن اوچیز بتمش بشده ماوراء النهره کلوب سنور بخارا
 مغد سمرقند شهرلرند اقامت ایلر * بر مقدار زمانه کمره سلطان محمود غزنوی اجازت یله نهر جیوئندن
 بکوب نساوور حد و نده ساکن اولدیلر اما میکائیل بک چاقریک طغرل بک آدلویکی عاقل وشجیع اوغلی اولوب
 او طاقه نلک اتفاقیه ریاستلرین ایدوب ایکسند دخی استحقاق دولت مشاهده اولغین تدبیر بجه قوت وقدرتی
 آرتوب اولاد سبکتگینه غلبه ایدوب بعده ایکسی دخی پادشاه اولوب خلیفه آل عباسدن سلطنته اجازت کلوب
 جمیع آل سلجوق اوچ شعبه اولتی اوزره سلاطین اولدیلر اعظمه لریکه شعبه اولی در بعضری جمیع ایران زمینده
 یعنی عجم ستانده و عراق و عرب و عجم و بعض بلاد خراسان و کیم بعض ولایتلرده سلطان ایدیلر که بونلرون
 درت نهر اولوب ابتدا سلطنتلری در تیوز بکرمی طقوزده اولوب جله مدت سلطنتلری یوزالتیش بریل ایدی
 شعبه و طبقه نایه لری عجمده ولایت کرمانده اون برنقر اولوب اول سلطنتلری در تیوز او تورا و جده اولوب
 جله مدت سلطنتلری یوزاللی بیل ایدی * و شعبه طبقه نایه لری ولایت قرمانده اولوب تحت کاهلری قوینه
 شهر ایدی اول سلطنتلری در تیوز سکسانده اولوب جله مدت سلطنتلری ایکوز بکرمی بیل ایدی دیو
 مذکور در (فصل اول در احوال سلطان رکن الدین طغرل محمد بن میکائیل بن سلجوق) پادشاه اولدیده
 سلطان مسعود بن محمودی قاجروب طبرستان جرجان خوارزم اصفهان خراسان و بعض شهرلری ضبط
 ایدوب همدانده تخت کوب بغدادده قائم بامر الله خلیفه بوکا سلطنته اجازت و پروپ خلعت کوندردی *
 در تیوز او تورا بیده طاقه اتر اکن بک بش یکن عدد خرگاه یعنی اوباهلی مسلمان اولوب طوائف خطا و تانار
 کفره برقرار قالدیلر * فرق بیده بغدادده خلیفه اوزرینه امر اسندن بری عاصی اولدیده خلیفه طغرلی
 چاغرمغین کلوب حزوور عاصی قاجدی طغرل آخر ملوک دیالیه اولان ملوک رحیم خسرو و ایلد ساقا منازعه لر
 ایشیکن بریده صلح اولوب خسرو بوکا ملاقاته وارد قده خسروی طوقوب قتل ایدوب بغدادده خطبه ده
 طغرل خلیفه ایلد شریک اولوب * فرق سکرده خلیفه طغرلک برادری داودک قیزی نسکا حنوب جمع
 اولوب در تیوز ایلده طغرلک برادری ایشال خروج ایدر کده طغرل اکا کیدوب بوجانیده اول عاصی بک کلوب
 خلیفه بی طوقوب بغدادده قریب عانه شهرنده حبس ایدوب طغرل واروب برادری طوقوب قتل ایدوب
 بعده خلیفه بی بغدادده ایلتمکه آدم کوندروب تعظیله ایلدیلر * در تیوزاللی درنده طغرل خلیفه نلک قیزی
 ایشیب اوزمانه دل خلافتلری خلاف جفسه ویران واقع اولماغین خلیفه طوقوب بالشروره ویران
 لازم کلکین شهر تبریزده ماه شعبانده نکاح اولوب * الی بشده طغرل بغدادده کلوب خانویه جمع اولوب
 سابقا ابطال اولان مظامی اعاده ایدوب ولایت بغدادی یوزه الی بیک التون التزامه و پروپ کیدوب بری
 شهرنده بولایت رفته انده جمعه کونی خسته اکاه وفات ایدوب مدت سلطنتی * کرمی الی بایکرمی
 ایک بیل عمری دخی بتمش بیل مقداری ایدی * تاریخ الخلفاء طغرل ظالم ایدی دینوب لکن زین الجمالده
 حلیم و کریم و اوفاتی جاعته ارایه مداوم و ائین و خیس صومنه ملازم اولوب اکثرا صدقات و بناء مساجد
 بر خیرات ایدوب لباس سر بر کیزدی دیو تخر بر اولدشدر (فصل ثانی در احوال سلطان بیا قریب
 ابن میکائیل) اصل اسمی داود ایدی طغرل حیانتده خراسانده سلطان اولوب در تیوز فرق سکرده قائم
 بامر الله خلیفه بولایت نلک حنوب الی من دیو چاقریک زمان سلطنتده سلطان ابراهیم غزنوی ایلد نیجه

جنگار ایدوب در تیوزاللی برده صلح اولوب به بویبلده وفات ایددی * اکثر نوار یخده بونی مستقل پادشاه
 اولتی اوزره یازمشدر (فصل ثالث در احوال عضدالدوله عزالدین ابوشجاع سلطان اب ارسلان محمد
 ابن چاقریک بن میکائیل) نوار یخده مذکور در که سلطان طغرل وفات ایدوب اوغلی قالمغین برادرزاده سی
 یرینه بکوریلوب خلیفه بغداد بوکا خلعت و سلطنته اجازت نامه کوندردی * شجیع و مهیب مدبر مصیب
 عادل و کریم عاقل و رحیم سنی مشرب شافعی مذهب صاحب الخیرات کثیرا الصدقات رعایا پناه کواکب سیاه
 بر شاه آگاه میساهد فی سبیل الله ایدی * در تیوزالتش اوچده کفار روم جمیع بلاد اسلامی المغه انفاق
 طوائف نصاری ایلد بروجه عجم هجوم ایدوب اهل مالک خوفدن هالاک اوله یازد قلدنده اب ارسلان
 مانند شیر زیان و بیدمان هان اون ایکی بیک عدد دلاور هنر آوریله اهل غلبه فارشو واروب اول وهله ده
 بی صبر و هله بر او غور و درن جله بیک حله ایدوب مغلریاروب واروب کفاری بری برینه قانوب سردار رومیان
 بی ایمان بر طغیان آتدن یقوب طوقوب سائر کفره بفره اب ارسلان (کنیم حرمه ستغره فرت من قسوره)
 فرار ایدوب تار مار اولدیلر * سردار کفاردن مال عظیم الوب الی بیلدک صلح اوزره آزاد و قاب مجزونی
 شاد ایددی * بوقع میدندن عالمده اولان عامه مسلمین فرح بی انتهایله بوکا عظیم خیر دعا ایلدیلر
 دیار عجمده اولان مملکتلرندن غیری شام و حلبی و بعض دیار عربی دخی ضبط ایدوب ملوک اتر اکنده
 اوزمانه دل نهر فراتی بر کسنه کیمه شدی * نظام الملک آدلوکامل و عاقل و عادل بروزیر عیدم النظیری
 واریدی بغدادده خطبه ده سلطان دیو یاد اولوب بوندن اول بر سلطانیه بو عنوان میسر اولما شدی
 سائر احوالده دخی اسلاف ملوک حاصل اولدق مراتب و مناقبه واصل اولوب بلاد کفاردن وافر فضل
 ایشدی * در تیوزاللی بشده اقر باسندن اولوب اول ملوک سلجوقیه بلاد بونان اولان قوتلومش بوکا عصیان
 ایلد کده اوزرینه واروب جنکده قوتلومشک عسکری صنبوب طاعنه قده کندومی بلا سبب میت
 بولند قده اب ارسلان کوروب اجیوب اغلدی * التمش بشده ایکوز بیک عسکر ایلد ماوراء النهره واروب
 فر بر شهرنده نهر جیوئی کنارنه قونوب کو بری قوریلوب بر آیه دل عسکر کو بریدن بکیمک اوزره ایکن
 بر کسبه به غضب ایدوب زنجیر ایلد کتور ووب اودخی بوکا سوک کده بندنی چوزدروب اوق آتقده غایت
 ماهر اولغین اسکاوق اتوب لکن بحکمه الله طوقوب اول کاب کرلن نشان یانده کیرلو بجاغیلد ارسلان
 اوزرینه یوریلوب بودخی تختندن قانوب یوزی اوستنه دوشد کده اودخی فرصت بولوب بوش بوکرینه
 اوروب بعده حریف شقا الیف طشرده طوتیلوب قتل اولوب بودخی درت کوندر کفره قرق باشنده
 وفات ایدوب * سلطنتی طقوز بیل و بر قاج آی یاخود اون ایکی بیل ایدی (فصل رابع در احوال
 سلطان جلال الدین ملک شاه بن اب ارسلان) هر ویدر که حسن الصورة جمیل السیره شجیع و کریم شفیق
 و رحیم ادیب و مهیب لیب و مصیب عالم فاضل عاقل و عادل کامل و خوش دل حمید الخصال سدید القوال
 وقور و صبور و غزارد منصور بر سلطان مشهور اولوب عامه انا م مهادمعداننده نیام و عهد سلطنتده
 سیف حریف اندر نیام ایدی * اقصابی بلاد ترکستاندن منتهای دیار عجمه دل اولان بلاد شام و حلب و عمالات عجم
 و عرب زیر تکیظ طفر قریب اولوب پدر جنتقوری کبی کفار رومدن خراج آلودی جمیع مملکتلرند نیجه
 یوز بیک فلور بیک مظالم رفع ایدوب بغدادده بر جامع و امام اعظم رجه الله عامه هزارنده بر مدرسه و مواضع
 متفرقه ده نیجه * کو بر یلر و سقایه لر یعنی سبیلار و خانلر و راه حیده بر که لر و حوضلر ایدوب خیراتی بحد
 و حسنی لایعده دره پدی کبی شکاره مائل اولوب کندومی بالذات صید ایدو کتی اون بیک عدد تخمین
 ایدوب فقرایه اون بیک التون بعده هر صید ایچون دخی بر فلوری صدقه و پردی * کوفه ده بر کون بحد
 شکار ایدوب جیران و حمار و خشی بو تیوزلندن و ایاقلرندن روز کارده یاد کار قالمغین منار و بارقله
 استوار ایدوب پدی بیک وزیر نظام الملکی ابقا ایدوب لقبی اتابک قویوب ابتدا بواقبله ملقب اولان
 اوردن انک دخی اوصاف سیده و آثار بصدیده غیر عیدیه سی نوار یخده تفصیل اولغشدر بغدادده مشهور
 دنیا و اصل رسته علیا اولان مدرسه نظامیه یوزیر عیدم النظیرک بناسیدر که امام غزالی ایچون یاغشدر
 من یورم لکشاه کاه دیار عجمده کاه بغداد و کوفه ده او توروب مقتدی بامر الله خلیفه بونکله مدارا ایدردی

تخته کجور و دیوان قور و اوغوز بونک فار شوشه اللربین قوشدروب اباغ اوزره طور و کندی
 مرادری اوزره سخره امر و نهی ایستدروب امر را یازدروب محصل اخشامه دلک کما کان سلطنت
 سوردروب کجبه اولد قده قاپسون دیوهر کجبه دمور قسه قویوب صباح چشاور لردی بوحال
 اوزره درت میل کجوب بعده سخر فرست بولوب قاجوب بایته بر مقدار آمدلری جمع اولوب مر و شهر نه
 کلوب کوردیکه (نحره) خزانه تی و مالک خراب طاعندی رعایاده هر شیخ و شاب (نثر) لاجرم
 شاه سخر محترم غم مدغم ایله خسته اولوب وفات ورتل دنیای بر آفات ابتدی (نظم) کربودی بی وفادینا
 و مردم کش چنین در جهان حاکم کنون آدم صنی الله بدی (نثر) مر ویدر که اترک فایاک بد ادراک
 خراسان و سائر بلادی غارت و مساجدی هدم و علما و غیر بدین بعد آدم قتل ایروب آخر مسلمان شاه سخر
 بر قوی یاته جمع اولوب لقبی عادل قویوب کفار ترا کی اکثر بلاد دین سوردروب حکومتده اظهار عدل ایروب
 سخر ایساح اولوب قوی بوکاملتی اولوب اتفاقه قوت بولدیله تاریخ میر خوانده مذکور در که
 سخر وفاتده صکره ولایت خراسانه همشیره زاده می محمود خان حاکم اولوب بر بحق بیلدن صکره سخر
 مقر بلندن بری خروج ایروب محمودی طوقوب کوزینه قیزش میل چکدروب بعده مالک خراسانک بعضی
 ملوک خوارزمیه بعضی ملوک غزنویه ضبط ایستدیر (فصل عاشر در احوال مغیث الدین سلطان محمود
 ابن سلطان غیاث الدین محمد بن ملک شاه) خوش طبع و شیرین سخن کسسته ایدی بشیوزاون برده پدیری
 وفاتده اون درت یاشنده ایکن بغدادده مستظهر بالله خلیفه بونی سلطان ابتدی * اون اوچده بیکری برده
 عیسی سخر اوسته خروج ایروب محمود صیوب بعده سلطنت مالک عجم جله سخر سلطنت بغداد
 عراق عرب محمود اولی اوزره صلح اولوب اون بنده محمودک برادری موصیل پادشاهی مسعود محمود ایله جنگ
 ایروب مسعود صیوب محمودانک وزیر ایروب قصیده لامیه العجم موافی طفرای مختصیه مشهور اولان
 فاضل بی نظیری طوقوب حبس ایروب بعده قتل ابتدی * تاریخ میر خوانده مذکور در که مسعود محمود ایله
 همدانده جنگ ایروب مسعود صیوب قاجوب طوقوب محمود اککانه عظیم ایروب خلعت کیدروب
 انک بکریک غارت اولان مالارین بولدروب تسلیم ابتدی * بیکری برده سخر ایله محمود شهر ری ده
 جمع اولوب بر تخت اوستده برابر او توردیر محمود سخره عذر لوب اودخی سلطنت عراقده سن بم قائم امام
 اول دیدی بعده سخر بوکافیزی شکاح ایروب بعد الجمع وفات ایستده بر قیزی دخی و یری مزبور محمود
 کیر الجماع اولغین او بیله خسته اولوب بشیوز بیکری بنده همدانده بیکری سکر یاشنده وفات ایروب
 سلطنتی اون درت بیل یا اون ایکی بیل طوقوزای بیکری کون ایدی (فصل حادی عشر در احوال سلطان
 داود بن محمود) پدیری همدانده وفات ایستده بغدادده خلیفه بونی سلطان ایروب بر بیل کچمدین عیسی
 مسعود کلوب بعد الحار به سلطنت بغداد و عراق مسعوده بعضی مالک عجم داوده اوق اوزره صلح اولوب
 بشیوز اوزر سکرده یا اوزر اوچده بر قاج نامعلوم کسسه کیروب داودی قتل ایروب مدت سلطنتی
 اون اوچ یا همان سکر بیل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال رکن الدین سلطان طغرل بن محمود)
 نظام التوار یخده پدیری بر بنه کجوب عیسی اوج بیل قائم مقامی اولدی دینوب بعضی قوار یخده عادل
 و عاقل اولوب برادر یله جنگده صیوب قاجدی اوج بیل قدر سلطنت سوردی دینوب تاریخ میر خوانده
 مذکور در که سلطان طغرل بن محمود بن ملک شاه برادری محمود وفاتده عیسی سلطان سخر امر یله سلطنت
 عراقه کجوب عدل و نصیحت و بدل و سخاوت اهلی صالح و فالح کسسته ایدی برادری مسعود جله جنگ
 ایروب کاه غلب کامغلوب اولدی * اوج بیل سلطنت سوردروب بشیوز بیکری طوقوزده همدانده وفات ابتدی
 (فصل ثالث عشر در احوال غیاث الدین سلطان مسعود بن غیاث الدین محمد بن ملک شاه) سر آمد سلاطین
 عجم و مشهور ملوک ام اولوب مالک کنی حسن تدبیر ایله ضبط دته میر ایروب اهل کرم و لطف کیر ایدی موصله
 پادشاه ایکن بشیوزاون بنده سابقا کراولندینی اوزره برادری محمود اوسته واروب جنگده مسعود
 صیوب بیکری ایستده سلطنت بغدادی محمودک اوقلی داودک الندن الو ب برادری طغرل بشیوز بیکری
 طوقوزده وفات ایستده مسعود بغداد دین عیله ایله همدان واروب تخته کجوب بعده کاه بغدادده او وروب

کاه دیار عجمه کیدوب انده بعضی ملک کزنده او وروب بنه بیکری طوقوزده مسعود بالله خلیفه ایله انجمنوب
 بعضی کسسته لرتحر یکله خلیفه مسعود ایله جنگه جیقوب اکثر عجمی خلیفه به غدر ایکن مسعود
 آنی توابعیله طوقوب عجم ستانه ایروب یوقا وده مسعود فصلنده کراولندینی اوزره ظالمه آنک قتلنه سبب
 اولدی * او توزده مسعود بغداد کلوب راشد بالله خلیفه بونک شریندن موصله قاجوب مسعود انک بر بنه
 مقتنی بالاهی خلیفه ابتدی تکیم راشد فصلنده کچمشدر * او توز برده مقتنی بالله اکثر اموال الو ب
 انی امور خلافته فار شدروب بخار و سائر اعیانه و افرمالر صالوب بعده خلیفه دن الدینی جمع نسته لری
 تسلیم ایروب خلیفه به تصرف امور قدرت کادی * او توز اوچده ولایت عجمه امر ایلا و امواله مسلط اولوب
 سلطان مسعودله سلطان سخر غمناک و مضطر اولدیله * مر ویدر که مسعود زمان سلطنتده برادر یله نیچه
 جنگلر ایروب کند و بیکری دخی هریری دعوی استقلال ایروب انرا ایله داغا جنگ ایدردی * و دخی مر ویدر که
 بغداد کلوب بونک توابعندن خلیفه و اهل بغداد متضرر اولوب بعده مسعود بر و اعظم مشهورک مجلسنه
 واروب واعظ بوکاتاه و عظمه (نحره) لا تودین جسداه بفر وجه ابداه لا تظلم احداه و خف الها صمداه (نثر)
 مضمر نیچه مشافهه بعض نصیحت حکیمانه ایروب کلامی تأثیر ایکن مقاطعات و مظالمی ترک ایروب
 لوحاره قازدروب بعده طبل و سوزنایله شهر ایچنده کزدروب رفع مظالمی خلق باسوندروب مشهور بر لره
 آمدردی * قرق یدیده خلیفه بوندن و توابعندن داغا رنجیده اولغین حضرت رسول علیه السلام بعض
 کفار عرب حقه اید کاروی کبی مسعود وزیر یله بر آیدلک صباح غارنک ایکنی رکوعنده صکره
 بد دعا قوت اوقومغه مشغول اولوب بر آی غام اولد قده مسعود همدانده تختی اوستده نجاة وفات ایروب
 مدت عمری قرق بش بیل سلطنتی اون بدی بیل ایدی (فصل رابع عشر در احوال مغیث الدین
 سلطان ملک شاه بن محمود بن غیاث الدین بن محمد بن ملک شاه) عیسی مسعود وفاتده بر بنه بیکری
 خوش طبع و شجاع وزیر دست لکن تدبیر اموره همتی پست و اهل عیش و نوش و هوا پرست اولغین همان
 اوج ایستده صکره وزیر خاص پک امر اتفاقیه بونی حبس و برادری محمدی خوزستاندن کتوردروب
 بونک بر بنه نصب ابتدی * بعده ملک شاه حبسدن بر تدارک ایله قورتلوب و افرماله خوزستانه قاجوب
 کند و بر بنه تخته کچن محمد وفات ایستده امه هانه کلوب سلطنت تدارکنده ایکن * بشیوزالی بنده
 او توزایکی یاشنده وفات ابتدی (نظم) برید المهران یعطی مناه * و یا بی الله الا ما ارادا (فصل خامس
 عشر در احوال غیاث الدین سلطان محمد بن مغیث الدین محمود) عدله مائل کریم و عاقل ایدی تاریخ
 میر خوانده مذکور در که ملک شاه حبس اولند قده امرای محمدی خوزستاندن همدانده کتوردروب
 تخته کجور دیر * ایکی کوند صکره وزیر خاص بکی قتل ایروب خزینه سنده بالکزه همان اوج بیل طوقوز
 قیرمزی اطلس و بوکا کوره بیحد قاش و تحف و تقود نامعدود موجود اولغین محمد جله سن الو ب
 انک قتلنه امرای انجوب محمد عیسی سلیمان شاهی شهرزینچان دن دعوت ایستکارنده محمد عسکره و افرمال
 اولدروب لکن بخشش الانر طاعلوب خزینه دخی بوشاند قده محمد امه هانه کیدوب سلیمان و افر
 عسکرایله همدان کلوب تخته کجوب لکن او هفتده امرادن بر امراده حیل سله سلیمان امرادن قورقوب
 بر کجبه آزادم ایله مازندرانه قاجوب محمد بوخیری ایشیدوب همدان کلوب ایکنی دفته تخته کجودی
 اوچانیده سلیمان بعض مالک عجمه بشیوزنفر آتولایله کزوب بر پرده قرار ایروب عاقبت بغدادده واروب
 خلیفه آل عباس بوکا کلی رعایتلر ایروب بعض اسباب و آلات سلطنت و یروب سلیمانک احوالی منتظم
 اولد قده بر بزه کیدوب بعض امرایو کاتب اولوب سلطان محمدک سابقا سلطنتدن عزل اولان برادری
 ملک شاه دخی بوکا کلوب کلی جمعیت اولد قده محمد ایشیدوب عظیم عسکرله یوروب آذر بایجانده محکم
 جنگ اولوب سلیمان صیوب موصله قاجوب بعده سلطان محمد امرای تحریریکله بغداد خلیفه سله جنگه
 کیدوب وارد قده بر آی قدر عیش و نوش ایروب شهری المتی صد دنده ایکن سابقا خان برادری ملک شاه
 همدانی محاصره ایستی دیو فریادی کاند کده عیله ایله کوجوب عسکر یله کوبریدن کچر کن جسر قیریلوب
 نیچه آدمار و افراسیاب غرق اولوب محصل همدانده یا قاشد قده ملک شاه خوزستانه قاجوب محمد بر بیل

همه سائده طور در بومده حسته زلوب انور ایی بشده زواریش باشد و وقت ایدوب جرمه رت ساطنی
 یبری بیل ایدی (فصل سادس عشر در احوال عزالدین سلطان سلیمان شاه بن محمد بن ملکشاه)
 برادرزاده می وفاتده بونی موصادن کنوردوب تخته کجوردیلریش ونوشه مشغول اولوب تدبیراموردن
 عدول ایتمکین الی آیدن یاربیل الی آیدن نصرکه طونلوب علاه الدوله قلعه سینه کوندریلوب یرینه
 آذر بایجیدن ارسلان شاه کجوردیلر * تاریخ میرخوانده مذکوردرکه سلیمان شاه خوبروی
 خوشخوی لطیفه کوی طربجوی ایدی اوائل احوالی سابقا محمد فصلنده یکمدرمجدله محاربه ده
 صینوب قاجوب موصله واروب بوآنده ایکن بشیوزاللی بشده محمد مدهاند وقات ایدوب ارکان دولت
 واعیان بوکاخبر کوندرمکین موصادن کیدوب همدانه واروب تخته یکدی بی وقارو ثبات وعیش ونوشه
 سارف اوقات اولغین جله امرای بوکا انجنوب ملک ارسلان کنوردوب تخته کجروب سلیمان
 همدان قلعه سنده حبس ایدوب بشیوزاللی آئیده حبسه قرق بش باشد وقات ایدوب جله ساطنی
 بریل باهمان سکرای بادخی زایدی (فصل سابع عشر در احوال رکن الدین سلطان ارسلان شاه
 ابن طغرل بن سلطان محمد بن ملکشاه) سابقا بغداد قریبده تکریت قلعه سنده محبوس اولوب عم زاده می
 سلطان محمد بغداد کورکن بونی چیشاروب عاقل ومدبر وکامل واهل براولوب حسن تدبیرایله اعدائی
 تحریف وتسخیر وزمانده عزای کثیر ایتمشدر * امور انامه حسن نظام وروب همدانده وقات ایدی
 بونک زمانده ملوک خوارزمیه نک ایکنجیمی سلطان ارسلان بن انسر کمال قوت وشوکت بولغین
 بونک سلطنته ضعف کتمشدری مدت سلطنتی اوزن بش بیل سکرای باهمان اوزن بیل ایدی (فصل ثامن عشر
 در احوال مغیت الدین سلطان طغرل بن ارسلان شاه بن محمد بن ملکشاه) پدری وفاتده
 یرینه کجورلوب اوغلا تبحی اولغین وزیر وناایکی اولان کسمه تدبیر امور جهور ایدردی * بشیوز طقسان
 ربیع الاولنده ملوک خوارزمیه دن سلطان خوارزم شاه علاه الدین تکش بونک اوزرینه کلوب شهری کارنده
 جنگ اولدده طغرل بهادر اولوب خصوصا مستانه اولغین مردانه میدانه کیردکه آتدن دوشوب برظالم
 انی حربه ایل اوروب قتل وباشنی قطع ایددی * تاریخ میرخوانده مذکوردرکه مزبور طغرل
 صورتی خوب سیرتی مرغوب طبعی وفاد ذهنی تفاد ایدی فارسی لطیف اشعار آیدار برصفای اولوب
 اهل هوا ایدی کندویه عصیان وخروج ایدن امراسیلده بعض اعداسیله تفصیله محتاج نیجه جنگ عظیم
 وحر باب ایدوب کاه منصور کاه مقهور اولوردی * عاقبت امر اهنک هساتدن اینانجه قوتاغ سلطان
 علاه الدین تکش واروب انی بشیوز طقسانده بونک اوسته کنوردوب طغرل مست ایکن قوتاغ اوزرینه
 آت مسالوب الله کی کرزی حواله ایدکده کندو آتک دیرته طوقغین آتله یله ییقلوب قوتاغ بونی
 قتل ایددی * بده ولایت خراسانی وسائر بمستانای سلجوقیان المارندن خوارزمیان الوب ضبط وسائر
 ملککنرینه ذم وربط ایدیلر (نظم) سلاطین طوتدی ترتیب اوزره نوبت * بونو بتخانه ده اولدی
 بو عادت * کوچر رزمه دنیادن یرینی * کچر بر طائفه طوتر یرینی * فنا ملکه بقا امیدنی * کس *
 مؤیده ملک اهل کدر بر بس (باب عاشر در احوال ملوک سلجوقیه دیگر) اشبو طائفه قاورد بن چاقربک
 ابن میکایل بن سلجوق نسلندن اوزن برکسته اولوب اول ظهورری در تیوز اوتوز اوچده ایدی محل
 سلطنتی بعمده ولایت کرمان اولوب مدت سلطنتی بوزاللی بیل ایدی بونلر سابقا مذکور اولان
 ملوک سلجوقیه ایدایکی برادر اوغلری وبری برلرینه عم زاده لایدلر زیر انلر اب ارسلان بن چاقربک
 ابن میکایل بن سلجوق نسلندن اولوب اول ظهورری در تیوز اوتوز ایدیکده ایدی والله اعلم (فصل اول
 در احوال قاورد بن چاقربک بن میکایل بن سلجوق) میکائیل سلجوق پادشاه اولوب اکن بعض
 احوالری بو قاورده یکمدر چاقربک ایسه برادری طغرل بن میکایل یرینه پادشاه اولغین انک اوغلی
 ارسلان واندخ نسلنک احوالری بالتمام بو قاورده ذکر اولمشدر حالا قاوردک اولادنک احوالری
 بودرکه تاریخ میرخوانده غیر یرده بولغوب انده دخی غایت مختصر یازلغین بعینه اندن نقل اولندی *
 بس معلوم ایدکه مزبور قاورد بن چاقربک در تیوز اوتوز اوچده ولایت کرمانده ساکم اولوب در تیوزاللی بشده

دواتی وقوتی ترقی واعتلا وولایت فارسه استیلا ایدوب ملولندیا ملک الارندن چکوب آلدی * بعده برادری
 سلطان اب ارسلان عسبان ومخالفت بعده وموافق ومطاعت ایددی * بعده سلطان ملکشاه
 ابن اب ارسلانله جنگ ایدوب اسیر اولوب ملکشاه امرایله زهریدر لای او سبیله وفات ایدوب
 سلطنتی اوتوزایکی بیل ایدی (فصل نانی در احوال سلطان شاه بن قاورد) پدری وفاتده انک یرینی
 سلطان ملکشاه بوکا وروب بودخی اوزن ایکی بیل سلطنت سوروب وفات ایددی (فصل ثالث
 در احوال توران شاه بن قاورد) برادری وفاتده یرینه کجوب سلطنتی اوزن اوچ بیل وبقاج ای ایدی
 (فصل رابع در احوال ایران شاه بن توران شاه) پدری یرینه کجوب ملحد وظالم اولغین بش بیلد نصرکه
 قتل اولندی (فصل خامس در احوال ارسلان شاه بن کرمان شاه بن قاورد) عیسی اوغلی ایران شاه دن
 خوفندن کیزلغمشدی * اوقتل اولند قده ارکان واعیان اتفاق ایدوب بونی تخته کجوردیلر * قرق
 ایکی بیل سلطنت وعدل وداده حکومت ایدوب بشیوز اوتوز التیده وفات وعظای رفات اولدی
 (فصل سادس در احوال محمد بن ارسلان شاه) اوزن درت باشدده پدری یرینه کجودی سائر احوالی
 تاریخ میرخوانده مذکوردر (فصل سابع در احوال طغرل شاه بن محمد) پدری وفات ایدکده
 یرینه کجوب اوزن ایکی بیل سلطنت سوردی (فصل ثامن در احوال ارسلان شاه وپهرام شاه وتوران شاه)
 پدری طغرل شاه وفات ایدکده یکری ییلده لاشبواوچ برادر برآزوری برلایه سلطنتده نزاعلشوب
 جبرایله کاه بری کاه بری تخته کجوب حرب وقتال وشر و جدال ومخاصمه ومنازعه ومصارعه ومداغه
 وضبط سلطنتی بری برلندن مطالبه وجیفه دنیایه مکالیه وخالبه دن خالی اولوب بوسبیله ولایت کرمان
 ویران اولدی (فصل تاسع در احوال محمد شاه بن پهرام شاه المزبور) پدرندن وعیلرندن نصرکه تخته بوکجودی
 بونک اوسته ملکشاه سلجوق هجوم ایدکده محمد ملک ارسلان بن طغرله اتجا ایدوب اودخی بوکاردم ایچون
 عسکر ویرمکین محمد کرمانه توجه ایدوب جنگده قاجوب کندی آخر ملوک سلجوقیه کرمان بودر
 (نظم) هر که آمد بجهان جله فنا خواهد بود * آنکه پاینده ویا قیست خدا خواهد بود * والله اعلم
 (باب سادی عشر در احوال ملوک سلجوقیه ثانی) اشبو طائفه نک احوالی معلوم اولنری اوزن طقوز نفر
 ایدیلر * مقدمه کراولنان سلجوقیه اقر باسندن اولوب انلر میکائیل بن سلجوق بونلر میکائیل برادری اسرائیل
 ابن سلجوق نسلندن اولوب انلر دیار بعمده وبغدادده بونلر دیار رومده حالا قرمان دیکله مشهور اولان ولایت
 بونانده ساکن اولوب تختگاهلری قونیه شمیری ایدی * ابتدای سلطنتی در تیوز سکه ساند و مدت سلطنتی
 ایکوز شش بش بیل ایدی (مقدمه در احوال قوتلومش بن اسرائیل بن سلجوق) تاریخ ابن شهنشه
 مذکوردرکه قوتلومش بن عزالدین بن ارسلان بن سلجوق که قونیه و آقسرای وملطیه پادشاهلر نک جدیدر
 علم بجومده ماهر اولوب در تیوزاللی بشده اقر باسندن بجم پادشاهی اولان سلطان اب ارسلان عسبان
 ایتمکین ارسلان بونک اوسته عسکر کجوب محاربه اولد قده قوتلومش عسکری صینوب
 قاجد قلرند قوتلومش بی جراحت میت بولغین اب ارسلان بر احزان اولوب قوتلومش اوسته اغلامش
 (نظم) مرا انجام دنیا بجز خال نیست * وزوهره زهر است تراله نیست (نثر) قوتلومشک مستقل پادشاه
 ایدوکی ومسکینی نه شهر ایدوکی وسائر احوالی معلوم اولماغین پادشاه اولتی اوزره یازلیدی ظن غالب بودرکه
 سلطنت آرزوسیله خروج ایدوب پادشاه اولوب دیار بعمده سلطان اب ارسلانک امر اسندن اوله * والله اعلم
 (فصل اول در احوال سلطان رکن الدین سلیمان بن قوتلومش) اسی هشت بهشت اولان تاریخ
 آل عثمان مولانا داریس البدلیسمیده سلاطین سلجوقیه بعمدن سلطان ملکشاه بن اب ارسلان عیسی
 اوغلی سلیمان بن قوتلومش بن اسرائیلی ولایت روم سرحدنه کوندروب حلب قرینه انطاکیه شهرتی
 کفار فتنک الذدن اکوب فتح ایتک امر لده عسکرله واروب فتح ایدوب سلیمانک ملک وقدرتی اوتوب حلبی
 واکثر بلاد شامی دخی الوب ضبط ایدوب وفات ایدکده سلطان ملکشاه بونک یرینی بونک اوغلی داوده وپردی
 دینوب * لکن تاریخ ابن شهنشه در تیوز شش بیدیده سلطان سلیمان بن قوتلومش سلجوقی انطاکیه کی کفار
 روم الذدن فتح ایدوب حلب پادشاهی شرف الدوله مسلم بن قریش انطاکیه شهرتک معصوان سلیمان دن

استیوب بودی مقدما خراج و برن کافر رایدی بن خود مسلمانم دیو خبر کوندر دکه شرف عسکر چکوب
 کلوب سلیمان صواب شرف در تیز آرمیده قتل اولوب سلیمان حاج خلقه نهی بکا و بریکز دیوب
 عناد ایند کزنده حلیه واروب جنگ اولده قده عسکری صیغین سلیمان حیرت و غیرتدن کندوی قتل ابتد
 دیومذ کوردره والله اعلم (فصل ثانی در احوال سلطان داود بن سلیمان) تاریخ ادب سیده مذکور در که
 سلیمان بن قوتلوش وفات ایند کده سلطان ملک شاه سلجوقی انک پرینه اوغلی داودی نصب ایوب به ده
 داود شوکت سلطنتی پدیری زماندن آرتروب عدل اوزره سلطنت سوروب در تیز سکسانده قیصر
 رومله جنگ ایوب کفاری صیوب قویه نهی فخر و ضبط ایوب انی تختگاه ایندی بیکری بیلده
 قویه ده سلطنت سوروب بشیوز سته شده وفات ورتلجه سان بر آفات ابتد (نظم) درین باغ رنگین
 چوپر ترزوه نه کل برچن ماند خواهد نه سرو (فصل ثالث در احوال قلی ارسلان بن سلیمان
 ابن قوتلوش) تاریخ ادب سیده مذکور در که برادری وفاتده تخت کجوب قرق بیل عدل و دادله ضبط بلاد
 و نظام احوال عباد ایوب نامی عالمی طوقوب بغدادده خلیفه آل عباس بوکان عظیم و اکثر سلاطیندن زیاده
 القابله تکریم ایدردی اتفاق خلیفه بغدادده بجم پادشاهی سلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقیدن
 غایت رنجیده اولده قده انک برین بوکا و یروب بغدادده کلوب عالک بجمی ضبط ایدهن دیو خبر کوندر دکه
 ارسلان دخی کند اوغلی مسعودی عالک رومده قائم مقام قیوب دیار بکر یولندن عسکر ایل بغدادده کیدر کن
 بشیوز اوزر طقوزده شهر میا فاروقین نو احیسنه کاد کده سلطان مسعود نوابعندن به ضرری اغواسیله
 ارسلانی کند و امر او ارکانی غدر و ظلم ایوب نهر خابوردن بکر کن صویه غرق ایوب میا فاروقینه
 دفن ایتدیل (فصل رابع در احوال سلطان مسعود بن قلی ارسلان) پدیری کزنده قائم مقامی اولوب
 پدیرینک وفاتی خبری کده کده اصالة پادشاه اولدی شوکت و قوی دمیدم آرتوب امامیه قریبده رومیه
 صفرا در صحرای خوب هواده به ره امپلور شهر و ایچنده آنا رجیله بایدروب اول شهر و اطرافیه همور و کال
 حمله مشهور اولدی اون طقوز بیل عدل و دادله سلطنت سوروب بشیوز الی کزنده بالالی برده
 وفات ابتد (فصل خامس در احوال سلطان الدوله قلی ارسلان ثانی ابن مسعود) پدیری وفاتده
 پرینه کجوب مهیب ولید کریم ولید اولوب عدل و عقل و خداده پدیرندن زیاده ایدی اطراف و کافده
 محاربات و نیجه فتوحات مملکت ایتشدی تاریخ ادب سیده مذکور در که اون بر تفریح
 اوغلاری و ارادیکه یوکاری رکن الدین سلیمان شاهه وفات و ملحقانی ملک ناصر الدین
 برکارق شاهه نیکسار و ملحقانی ملک مغیث الدین طغرل شاهه در ایلبستان ملک نورالدین سلطان
 شام و قیصریه ملک قطب الدین ملک شاهه سیواس و آقسرای ملک معز الدین قیصریه شام و ملاطیه
 ملک سنجر شاهه هرقلیه ملک ارسلان شاهه نیکده ملک نظام الدین ارغون شاهه امامیه ملک محمد الدین
 مسعود شاهه انکوری سنجاقلرین و یروب کوچن اوغلی ملک غیاث الدین کیخسروی یاننده طوقوب
 بشیوز پیش کزنده پرینه کیخسروی کجوب کند و وفات ابتد دیندی تاریخ ابن خصنه ده
 ارسلانک اون نفر اولادی و ارادیکه هر برینه بر مملکت و بر مملکت یولک اوغلی قطب الدین ملک شاه
 حاکم سیواس پدیرینک اوستنه عسکر چکوب قویه ده طوقوب سلطنت سنک اولسون بن سنک یانکده
 طوروب تدبیر امور ایدیم دیوب بودی وفاتده نصره سلطنتی اکامین ایوب ملک شاه برادری سلطان شاه
 حاکم قیصریه اوستنه عسکر چکوب پدیری حبس طریقه یله ایلدوب چکده قلی ارسلان فرصت
 یولوب قیصریه ایچنه کجوب سلطان شاه بوکا رعایت ایوب ملک شاهه دیوب قویه به واروب
 تخت کجوب خطبه اوقیدوب ارسلان اوغلاری اراننده کزوب اوغلی کیخسروک سنجاقه وارد قده
 عسکر ایوب و انزال شرح پدیری قویه به واروب ملک شاه اندن الوب آرمایه نصره ارسلان
 بشیوز سکسان مکرده وفات ایوب پرینه کیخسروکدی سابقا سکسان بشده قلی ارسلانک اوغلی
 قیصر شاه حاکم ملاطیه مصره واروب مصر پادشاهی ملک صلاح الدین بن ایوب بوکا کلی رعایت ایوب
 کند و برادری ملک عادلان قیزی بوکانکاح ایوب انواع رعایتله به ملاطیه به کوندردی دیومذ کوردر

والله اعلم (فصل سادس در احوال قطب الدین ملک شاه بن قلی ارسلان ثانی) تدبیره قادر بهادر اولوب
 سیواس یکی ایکن جبر پدیری پرینه کجوب بهد زمان پدیری بونی رفع ایوب تخت کجی تنکیم بو فاروده
 سیان اولندی تاریخ ادب سیده بواصلایاز ایوب تاریخ ابن خصنه ده یازلشد (فصل سابع در احوال
 ملک غیاث الدین کیخسرو بن قلی ارسلان ثانی) تاریخ ادب سیده پدیری پرینه کجده جمع برادر لری
 یولندن یولک اولمغین جله سی رضا و برمیوب یوکاری سلیمان شاه برادر لری معرقیه قویه به عسکر
 چکوب زمان محاصره ممتد و قینه و فساد مشند اولده قده عقلا و قسطیه صلح اولوب سلیمان شاه شهره کجوب
 تخت کجوب کیخسرو ایکی اوغلی کیکاوس و کیفیاد ایل اوله دیار بکر و اخلاطه جتنه کیدوب اقر بالاردن
 اولان ملوک سلجوقیه اللرنده اولان ممالک بجمه کتک قصد ایوب لکن بواثارده ملوک خوارزمیه
 سلجوقیه غلبه ایوب اکثر مملکتلرین الوب سلجوقیه قوت و شوکتلری قالمغین کیخسرو اولردن
 امید کسوب بالضروره طر بزون در یاسندن قسطنطنیه به کتک ایچون کمی به یوب روز کار مخالف
 اولمغین مغرب به ساسنه دوشوب مغرب پادشاهی سلطان عبد المؤمن بو کا عظیم رعایت ایدوب
 برمدت نصره کیخسرو کی به یوب استابوله کجوب قیصر روم اولان نکور قاسیلوس کیخسروه عظیم
 رعایت ایتدی احوالک آشغیسی عن قریب ذکر اولور (فصل ثامن در احوال سلطان رکن الدین
 سلیمان شاه بن قلی ارسلان ثانی) ذکر اولدی اوزره برادری کیخسروی قاجروب پرینه تخت کجده
 کال عدل و داد اوزره حکومت بلاد ایوب کریم و قدر شناس اولمغین فضلا و شعرا معارف استیساس
 اطراف بلاد متفرقه دن یولک یاننده کجوب شهره ماهر و فضلی باهر اولان شیخ ظهیر الدین فارابی دخی
 کجوب بونی اشعار بسیار ایل مدح ایوب احسانلرینه مظهر اولوب جله دن بر لطیف فارسی قصیده ایل
 مدح ایتد کده ایکی یلک التون اون عربی آت بش قاتراون دوه بش قول بش جاریه و نیجه متاعلر و یردی
 قیزی ولایت آذربایجان پادشاهی بهرام شاهه نکاح ایتشدیه نکاح اهل شجاعت و مایل عدالت
 اولوب بر کون شکارده آیار آدلوب بر محبوبی بر چنق یوغری مفت الوب صاحب اولان خاتون شکایت
 ایتد کده آیار انکار ایچکن واقع حالی بلک ایچون آیارک وور ساغن یاردروب ایچنده بو غرت ظاهر اولده
 باشن کدی بهد زمان کور جستانه سفر ایدوب کفار ایل چکده غلبه اوزره ایکن ناگاه با امر ایل
 سنجقدارک آتی سور چوب سنجق برده دوشد کده پادشاه باهلاک با سیر اولدی دیو عسکری قورقوب صیوب
 اکثری قیروب پادشاه غایت آزاده قاجوب قویه به کد کده غیرتدن خسته اولوب وفات ابتد
 دیوب تاریخ ادب سیده بیکری درت بیل سلطنت سوروب التیوز ایچکده وفات ابتد دیومذ کوردر
 (فصل ناسع در احوال قلی ارسلان ثالث ابن رکن الدین سلیمان شاه) پدیری وفاتده پرینه کجی
 اوغلاقی اولمغین بر چنق بیلد نصره کوچک عیسی غیاث الدین کیخسروی پدیرینک امرامی اتفاقله
 استابولدن کتوردوب ایچن دفعه تخت کجور دیلر اودخی قلی طوقوب حبس ایوب بهد زمان حبسده
 وفات ابتد (فصل عاشر در احوال سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلی ارسلان) استابولدن
 ایکی اوغلیله کجوب ایچن دفعه تخت کجوب الی بیل واون کوندر نصره التیوز طقوزده بایدده لادقیه
 نکوری ایل چکده شهید اولدی عادل و عاقل کسسته اولوب زمان سلطنتده نیجه جنکار ایوب قاعله
 فتح ایتشدی نکارستان کال باشازاده ده مذکور در که الا نهز قلعه سی فرنک کافر لردن فتح ایوب عسکری
 غنیمته مشغول ایکن علی الغفله آردندن بر کافر کجوب حربه ایلدوب شهید ایتدی مصر پادشاهی
 ملک صلاح الدین ایوبک اوغلی شام یکی ملک افضل بو ککا عربی مرثیه دیدیکه بودر (نظم)
 و نس غیاث الدین عند ضیائها و اشراقهانی کل شرق و مغرب انار لیم کوبک الرج فاختفت
 ولم برشمس قط یخنی بکوکب (فصل حادی عشر در احوال سلطان معز الدین کیکاوس بن کیخسرو) پدیرینک
 یولک اوغلی اولمغین پرینه کجوب (نظم) اهل جزم و حزم ایدی اول پادشاه عدل ایلدوب ایلدوب خلقه بنه
 (نثر) جنایاتی خود حددن بیرون و عطایا عددن افزون اولوب علما و فضلا و شعرا به همیشه احسانلری
 بی نهایت ایدی مرویدر که بر کسسته موملندن بو کاتش ایکی یتلو بر فارسی قصیده کوندر دکه کتورن

کشته به وافر بخشش ایدوب بعده قصیده صاحبیه ایاتی عددنجه یتش ایکی یتک التوتله عذرنامه
 کوندردی * التیوزاون سته سنده سل مرشدن وفات ایدوب مدت سلطنتی همان بریدل و برآی ایدی
 نکاستانده مذکوردرکه امر اسندن برجاعتی برکاه افترا سیله حبس ایدوب کمال غضبندن حبس
 خانه تک اطرافنده عظیم آتش باقدروب محبوس اولان امر افریاد و اوایلایه یانوب اوکیجه کیکا وسه
 واقعه سنده عظیم عتاب اولغین کمال اضطراره او یانوب الم وندم و شدت حیرت و غم مدغم سببیه
 حی طوتوب مرض موتی بواولدی * صحتدن امید کسده بویتی دیوب شهر سیواس دار الشفا سنده
 کند و ایچون پایدربنی تربه سته فازدریکه (نظم) ماجهاترا گذاشتیم و شدیم * ریج و راحت نکاشتیم و شدیم
 (فصل نانی عشر در احوال سلطان علاء الدین کیقباد بن کیخسرو) عالم و عامل عادل و عاقل عابد و صالح
 کامل و مطلع صاحب شجاعت اهل سخاوت همتی علیا اوحد دنیا * ایدی دور آدم نبرو
 بو عالم قانی به بویه سلطان ممتاز رعیت نواز غایده آرز کلوب کالات شرعیه دن حصه دار صناعات عرقیه تک
 خود جله سنده ماهر و خیر دار اولوب حتی لعب شطرنج و زرده فردوی مثل و مانند ایدی * انواع عبادات الیه
 علی التوالی احیاء الیالی ایدوب کوند زرده اکثر اوقانده تدبیر مهمانده و استماع شکوا و قضاء حاجانده
 اولوب لهو و هزله جدا مائل اولماقین زمان استراحتده و آوان تم و صحبتده مصاحبیه عادل پادشاهلر
 حکایتلرین اوقیوب و انلری سوب و ناریخ و سیر و حکایات انبیا و اولیا و مواعظ و عبرت گابریته دائما
 مطالعه و نظر ایدوب اکثر زمانده تلاوت قرآن ایدردی * امام غزالی مولف اتندن کتاب کیسای سعادت و سیر
 الملوک و بونلر امثالی کتابی سفر و حضرده حضور نندن بر لظه دورا بتزدی مناقب جمیله و آثار جزیه سی
 کاب مستقل اولغه معتلدره تختگاه معدلتناهی جای امن و راحت و عدل و کرم اولغین * المشرک العذب
 کثیر الزحام خواستجه عمالت عالمدن نیجه علماء کرام و مشایخ عظام مجتمع * و هر انور کی هر بری ملتح اولوب
 زمان معدلت نشاسته شیخ صدر الدین قنوی و شیخ جلال الدین محمد روی که حالا مثلا خنکار دیکه اشتهار
 بواندره و انک پدیری سلطان العلام برهان الدین و مثلا خنکارک اوغلی سلطان ولد و شمس الدین تبریزی
 و یحیی و لایعدا و لایعدا و ارایدیکه جمیع دنیاده بر پادشاه تختنده بر عصرده بویه فاضل و کاملر جمعی
 غایت آرز واقع اولمدر (امور سلطنت) مر ویدر که التیوزاونده تختنه یکوب ایکنی بیلده
 سیواس شهر بی نایوب آذر بایجان و چنکرک شهرلرین و کاج قلعه سن اوب سرحد مالکی آذر بایجان
 اولغین اکبر عظیم حصار یانوب بعد زمان تختگاه ای اولان قویه نلندخی قلعه سی اولماقین اطرافنه
 بر قیاق فات عالی طبقات حصار استوار بنا ایشدر که کمال ثبات و نقش و تکار الیه یاد کار روز کاردر * بنای
 تمامنده قلعه قبر منه بر کلام مناسب فازدر مغه طالب اولد قده مثلا خنکارک پدیری سلطان العلام بواکلام
 حکمت اتناهی دیکین قویه فازدیر که هذه دائرة تدفع السيل الدافق و الخيل السابق و لا تقع الوبيل الطارق
 فی الليل الغسق * مر ویدر که تدبیر و شجاعتده و علوه منته دخی مردانه و بردانه اولغین زمانده
 کفار رومه نیجه دفعه غز ایدوب طوائف کفار نکور لرندن و ملوک بعض دیاردن بعض ولایتلر اوب
 آل عثمانک جدا علاری اولان شیر معر که مغازی و میرم دان میدان سربازی ارطغرل غازی بونک زمانده
 کاوب ولایتده ساکن اولوب در تیوز قرق درت نفر دلاور هنر آوریله بونک بعض غزائنده بیله اولوب
 ارطغرلک اوغلی عثمان خانه سلطنت ویرن ایکنی علاء الدیندر تکیم آشاغیده کاور * مر ویدر که علاء
 باهر العلاء تانار ماوراء النهر دن چنکیز خان صاحب قران بی ایمان عسکر الیه بعض جنکار ایدوب بونلر آزانلر
 جوغیکن نه غالب و نه مغلوب اولوب بعده انلر ایدر ایدر ایدر * بعده دیار بکر قریده سلطان جلال الدین
 خوارزم شاهله دخی عظیم جنگ ایتد * کده بونعالم و جلال هار ب اولدی * مر ویدر که بونک (ع)
 عدل و عقل و کمال و هر حال * خارج اندازه و صدای نامیه عالم بر آوازه اولغین بغداد دن ناصر بالله خلیفه
 بوکاشیج شهاب الدین مهروردی الیه هدایا و خلعت و سلطنته اجازت و تعظیم فراوان و القاب بیابان الیه
 نامه تحفه نوان کوندروب چنکیز عسکرین دفعه معاونت ایچون بوندن بش یک نفر عسکر ایستوب
 بودخی حضرت شیخه عظیم رعایتلر و بری برلندن کالی حظ الیه تصرفاته معاملات و مصاحبتلر ایدوب

طلب اولان عسکری و یروپ شیخی بر قوناق بر کوندردی کندی * مر ویدر که التیوز اونوز اتیده
 وفات ایدوب مدت سلطنتی بکری الی ییل ایدی (فصل ثالث عشر در احوال سلطان غیاث الدین
 کیخسرو ثانی ابن علاء الدین کیقباد) پدیری وفاتده تختنه یکوب جمیع مدت سلطنتده عسکر کفار
 مغول و تاتار بونکله محاربات بسیار و منازعات بیشمار ایدوب ایچارندن برد قعه هلا کوخان ملعونک
 بکرنندن با یجوازیله عظیم جنگ ایدوب کیخسرو عسکری یتش یک تاتارلر قرق یک ایکن کیخسرو و صینوب
 بعده تاتارلر قیسریه و سیواس محاصره الیه اوب اعیان آل سلجوق قتل و انواع بلایه مبتلا اولوب جمیع اهالی
 عمالات رومه بلامضاعف و هر کسک قلبی حرف علت کربت الیه صفادن اجوف اولوب مسلمانلر آفتلر
 غارتلر و انواع خسارتلر ایشدی * التیوز قرق درنده کیخسرو دخی وفات ایدوب مدت سلطنتی سکر نیل
 ایدی * تاریخ مثلا لاریده مذکوردر که کیخسروک انلر ایتد نصکره دولت سلجوقیه کمال ضعف
 بولوب حکومت عمالات روم مغول و تاتار شوم بوم رومه منتقل اولوب سلجوقیان ذلیل الارنده شی ذلیل
 قالمقین آل سلجوق امرای تحت بدلنده کی بلاده تغلب طریقیه مستقل سلطنت دعواسن ایدر اولدی
 (فصل رابع عشر در احوال سلطان عزالدین کیکاوس بن کیخسرو ثانی) پدیری وفاتده برینه یکوب
 غلبه تاتار الیه دولت سلجوقیه به کمال ضعف کلکین بالضروره ملوک مغول و تاتار ذوی الغلبه سرفرو ایدوب
 ابقای خان بن هلاکوی کفر اتسماتک امر نه رام اولوب پس کیکاوسک کوچل برادری رکن الدین ابقای
 بذلقای کفر ارتقایه التجا و سلطنت پدیرن رجا ایتد کده (نظم) چودر لشکر دشمن افتد خلاف *
 تو شمر خود را بمان در غلاف * مفه و منجه و دخی * قطع الحدید بالحدید مثلی مضعونجه بری برلر نه مسلط
 ایتمکله ایکنی دخی بلالره مورط ایتمکچون سلطنتده مشترک ایدوب کیکاوس صاحب ناموس
 رضای و برمیوب جنگ ایدوب منزه اولدی (فصل خامس عشر در احوال سلطان رکن الدین قلیچ
 ارسلان رابع ابن کیخسرو ثانی) برادری کیکاوس منزه اولد قده انکله شریک ایکن مستقل اولوب
 بر قیاق کوند نصکره ابقای صاحب شفا امر الیه عسکر تاتارلارنده مقتول و تختدن تخت ارضه منقول اولدی
 (نظم) با طالب الدنيا الدینیه انما * شریک الودی و قواره الاکدار * دارمقی ما اخمکت من بویهها *
 ایکت غدا بعدا لها من دار (فصل سادس عشر در احوال غیاث الدین کیخسرو ثالث ابن رکن الدین قلیچ
 ارسلان رابع) پدیری قتل اولد قده ایکی یچق باشند طفل اولغین سلطنت سلجوقیه بونک نامنه اولوب لکن
 ولایتلرین امرای کفار تاتار ضبط ایدوب دیواخانه ده کافرلر او توروب محصول مالک روی هریدل جمع ایدوب
 ابقای خانه کوندردی * اونیدی بیله دل حال بومشوال اوزره اولوب ابقای برینه هلاکونک مسلمان اولان
 اوغلی احمد خان پادشاه اولد قده ولایت آذر بایجانده التیوز سکسان ایکنده جزق بهانه الیه کیخسروی
 قتل ایشدی (نظم) دولت دنیا که غنا کند * با که وفا کرد که باما کند (فصل سابع عشر در احوال
 سلطان مسعود ثانی ابن عزالدین کیکاوس) پدیری وفاتده ارغون خان ابن ابقای بن هلاکونک سلطنتی
 بوکا و برمکین بودخی ارغونه مطیع اولوب سلطنته غایت ضعف کلکین امرای سلجوقیه تک نیجه لری
 سخرقلر فی مستقلا سلطنت اوزره ضبط ایدوب مسعوده سرفرو و ایتز اولدیله جله دن منتشا و ارغون شاه
 لادقیه الیه علائیه شهر لنده مستقل اولوب عصیان ایدن امرای کار بر رده اولغین سلاطین مغول و تاتار
 دخی سرفرو و ایتز بونک قومانلوطا تغه سی عمالت رومه قطع طریق و انواع قته و فساد شروع و هجوم ایدر
 اولدیله (فصل ثامن عشر در احوال سلطان علاء الدین کیقباد ثانی ابن فرامرز بن عزالدین کیکاوس
 ابن کیخسرو ثانی) بونک پدیری فرامرز پادشاه اولماشدر * تاریخ مثلا لاری و مثلا لاری سده سته سبع
 و تسعین و ستانه ده سلطان مسعود وفات ایتد کده ولایت تاتار و عجم شاهی هلا کوخان نسلندن
 غازان خان بن ارغون خان سلطنت روی مسعودک برادر زاده سی علاء الدین و بردی دینوب لکن مزبور
 تاریخلرک بر پر رنده دخی ایشو علاء الدین سلطان عثمان غازی به التیوز سکسان سکر زده سخرقلر و بردی دینوب
 مقدمه ایسه جلومی طغیان یدیده اولمدر دینش ایسه ده بوا یکی کلام سقیم ارا سنده تافض عظیم اولوب
 علاء الدینک عثمان خانه کوندردی برات اطفیف مفصل صورتی حالا بوعده * قیده اولوب التیوز سکسان سکر

ابن العمید آدلوبریک که محمدانک پدر وافر باستی قتل ایتمندی چنکیزه بواسطه عسکری غایتده
 چوقدر سزا کاغذ روله من مز مکر بر حیل ایل اوله که والدیه می ترکستان پادشاهی چنکیشینک قیزی ترکان
 خانقانه محمد غایت هداوت اوزره اولوب اوغلینک یاتندن کشتدر اکثر عسکری ایسه والدیه سنک افر با
 وعشیر تیدرله امدی انلک اغزلندن مزه نامه لری ازوب بر کسینه به و یروب سزه کاور جاسوس صورتنده
 محمد ارد و سنه او غرابوب ظرافتله طوتلسون دیوب واقعا بویه ایدوب طوتلد قده محمد کاغذ لری
 کوروب او قود قده اکثر عسکری کند و به خائن صانوب یاتندن طاغدوب بعده چنکیز محمد والدیه سنه دخی
 محبتنامه کوندروب اودخی خوار زنده محبوس اولان یکر می نفر پادشاهی و بعض اکابر شهری قتل
 ایدوب ولایتی خالی قوبوب محمد اولاد و عیالان الوب غایتده مستحکم اولان قلمه ابلاله واروب چنکیز
 کلوب خوارزی آلوب بعده بخارایه کلوب عظیم چنکار اولوب مسلمانله هجوم ایتد کارنده کفار
 صیتوب مسلمانلر غنیمته طاغد قده کافر لرد و قوب اکثری شمید ایتدیلر (نظم) چو آید میل آفت
 از سر کوه فرود آرد خس و خاشاکه انبوه (نثر) بعده سمرقند و خراسان و قزوین و همدان و اکثر ممالک
 بجمعی آلوب تخریب بلاد و قتل و اسیر عباد و انواع شر و فساد ایدوب بعده چنکیز محمد اومتته او قوزیک
 کافر کوندروب اطرافده شتاعتر ایدوب محمد نیشابوره اندن بسطام شهر نه واروب انده اون صندوق طلویی
 جواهر قوبوب بعده چنکیزه نصیب اولدی (نظم) دور ایدلد نیر و بو چرخ فلک کینه کادی قزاق
 کینه بویه یک (قصه وفات) بعده محمد یکر می بین مقداری عسکر ایل همدانه کیدوب دوات آباد
 محرامنده کفار یثوب اطرافن قوشادوب (محرره) مغول غول سیره بد سیر به هجوم ایتدی
 شمع علی سیر به (نثر) محکم چنک ایدوب محمد عسکری قیرلوب یالکز با خود بر قاج آدمه نهر جیون
 ایچنده بر جزیره اولان قلمه به وارمغه صودن آله کجوب واروب انده مرض ذات الجنین خسته اولوب
 وفات ایدوب یاتنده کی دلبندی کفن اولدی بوقصه دلدوز جکر سوزا تیوز اون بدیده واقع اولدی و بعض
 معتبر انده مذکور در که بحیره مازندرانه قاجوب اسم الدن خسته اولوب علاج ارا قوب ولیموب حتی بیه چنک
 اغلک دخی ولیموب کی ایچنده غربت و کربت و محنت ایل وفات ایتدی (محرره) شمع کی ذائب ایدرجیم
 و جان هم و غم حاصل اولور هر برندن لاجرم موت و سقم (نثر) تاریخ میر خواننده دخی مذکور در که
 چنکیز محمدی صیوب لکن اله کتوره مد کده مازندران وری و همدان و مراغه و خراسان و خوارزم شهر لری
 الوب جهلک خلقن قیروب محضه لری قوب جا ممل مسجدر لری قوب تخریب و افساد بلاد و تخریب
 و قتل عباد ایدوب بعده طاعه ابلاله واروب محاصره ایدوب مسلمانلر صومرا لادن هلاک بقتل غنیم امانله
 قلعه بی و یروب ایچد قزنده اول کون حکمت حمله عظیم یغور یاغوب سیلار آقدی * پس چنکیز محمدک
 خزیمه منی و والدیه سنی و اولاد و عیالانی اسیر و حقیر ایدوب ذکورنی قتل و انانی تصرف ایدوب والدیه ملعونه
 سفره دن اغلک باره لری دیوب و یروب بر اولدی * بو خبر و حشت اثری محمد ایشند کده اغلیوب غشی اولوب عقلی
 باشنه کلد کده تکرار زار زار اغلیوب نار غریب و حیرتله جان داغلیوب (محرره) شدت غمده وفات ایتدی
 اوشاه * چرخ بد کردار اندن آه (نثر) بشیوز طغسار التیده جلوس ایدوب جهل مدت سلطنتی
 یکر می بریل ایدی (نظم) دنیا بدکاری نه عجب پیرالدر * لیل و نهار یشه سی * ککرایه آلد *
 نکبت بو جانی محنت اوی غصه منعی * درد و بلا فضاوی * محمل جدالدر * بیماری مار دولتی
 لت دره منده هم * مغرور اولتی اکا خطا و وبالدر (فصل سابع) در احوال خوارزمشاه جلال الدین
 ابن خوارزمشاه علاء الدین محمد) والدیه سی هندیه یاسندیه جاریه اولغین جلال دخی صارویه مائل
 قاره یاغز ایدی (ع) حزم و شجاعتده عزم و مهابتده * حدنها ایدوب پدری حیاته غزنه پادشاهی
 ایدی * مرویدر که سلطان عالیشان امکندر نشان اولوب بغداد خلیفه سنه نامه کوندرد کده امضاسنی
 الحادیم دیو یازوب سائر پادشاهلر یزد قده کندو امرالریه یاز بلان النصر لله و حده طغراسن یازردی
 (مشارب عظیمه عجیبه و وقایع مشرقه غریبه) مرویدر که چنکیز بونک پدرنی فاجر قده بونک اومتته
 اون ایکی عسکر کوندروب جلال جلال اشکال الشمس یک عسکر آهن خای رزم آزمای ایل

انلری صیوب چنکیز دخی زیاده عسکر ایل اوغلی قوی بی کوندروب جلال انلری دخی صیوب قوی چنکیز
 قتل اولوب مسلمانلر استراحتیه طاغلوب چنکیز اوغلینک قتلن ایشند کده اضطرابندن جهل عسکر ایل
 کلد کین جلال قاجوب چنکیز بو کاسند ولایتنده یتشوب عظیم چنک اولوب حتی جلال کندومی
 بالذات بدییوز نغردلاور هنرا و رایله مر دانه میدانه کیروب مهرکه پراشوبده محکم صواشوب هر جلدده
 کفارک یوزلری ن دوندروب چنکیز صیوب لکن کینده مکین اولان اون یک نفر ملاعین مسلمانلرک
 صاغ قولنه یوروب صیوب جلالک اوغلی اسیر اولوب جلال دونوب نهر سندن کارنه کلوب والدیه سی
 و خانقنلری مددبری قتل ایل اسیر اولمیه لم دیو فریاد ایتد کارنده غیر تشدن جهل سی غرق ایتدروب بعده هجوم
 کفار شوم ایل قلبی برزنک و دیده بلادیده سنه حلقه میم و صدر لیم کی عالم تنک اولوب امر چنک محال
 و اسباب صیور درنک ظاهر الاضمحلال اولد قده (نظم) وایس الفرار الیوم عارا علی الفتی * اذا عرفت
 منه الشجاعة فی الامس * مضبوط نجه ارفاسندن جوشن چنکاروب سنجاغنی قاپوب غایتده عظیم اولان
 نهر سندن آله قارشوبه کجوب صوبه اصلتان اسباب و رختن کونشه سروب سنجاغنی دخی نیر ایل کروب
 قوریدوب * و لکه سنده تنها او قوروب بعده عسکر ندن بدی کسنه دخی ایرمانی کجوب بونک یاتنه
 کلد کارنده جلال بونلرله چکلوب کیدوب چنکیز لعین بو شجاعت عظمایه تحسین ایدوب بوقصه
 حیرت حصه التیوز بکریده واقع اولشدی * بعض معتبر انده جلال کندوی غرق ایچون نهر بحر مشاله
 آت دیوب اردنجه عسکر ندن درت یک عربان و جیمعان آنلو کسنه لریله * کروب لکن (نظم)
 اگر تیغ عالم یخیزد ز جای * نبرد رکی تا شواهد خدای * مفه و منجه اجباری کلامکین آنلری یوزوب
 اونه جانبیه کجوب قارشوبه یاقه نک خانی جلالی ییلوب یاده و مواریفی آرامغه چالشوب جلال کیرلرلر
 هندستان پادشاهی ایشیدوب هجوم ایدوب دخی آنک اوزرینه آت صالوب یا قلد قده بر اوق اوب
 هلاک اولد قده (ع) باش کیدیمک ایاق اولمز بایدار * مفه و منجه عسکری فرار ایدوب جلال غنیمندن
 وافر مال الوب انکه قوتلشوب محضه سیانه کادی چنکیز ایسه سابقا او محلدن دونوب ولایت عراقه و بعض
 ممالکه واروب تخریب بلاد و قتل عباد و انواع فساد ایتدیلر * تاریخ میر خواننده مذکور در که جلال صوبی
 کجوب هندستانه وارد قده بشیوز نفر عسکر ایل نیچه کره هند یلر عسکرین چنکیزه صیوب عسکری اون بین
 اولد قده هند پادشاهی رای کو کارلد قیزی ایتدیوب اودخی قیزی اوغلیله وافر عسکر ایل کوندروب
 جلال اتی نکاحلشوب کو کارلد عدوسی قباچه یکر می بین عسکرله نهر سندن کارنده اولغین جلال
 بدی بین عسکرله او زینت پهلوانی کوندروب اوز یک شخصون ایتد کده قباچه مخت و قباچه اولغین
 قاجوب انک اردوسن ضبط ایدوب بعده بر قلعه بی محاصره ایدوب ایچرودن اتلان بر اوق بونک آله
 طوقنوب بعده حصاری ایچد قده غضبندن جهل خلقنی قیروب دوند کده شهر مالتانه اوغرا یوب قباچه
 صواشوب صیتوب جلال او جهل شهر نه واروب آتسه اوروب اندن هندستانه کندی * التیوز یکر می
 ایکیده جلالک برادری غیاث الدین ولایت فارسی الوب ملوک اتابکیه محمدن اتابک اوب یکر می سلطنتدن
 رفع ایدوب یکر می اوچده جلال همدن کلوب محضه ستانی ضبط ایدوب شیرازی ینه اوب بکره و یروب بعده
 قوت و شوکت جلال بر کال اولوب حتی ارکان و اعیانندن نورالدین منشی بر قصیده دیدیکه مطایع بود (نظم)
 بیجا نا که شد عالم دکر باره خوش و رنگین * بفر خسرو عالم الغ سلطان جلال الدین (نثر) بعده جلال
 معاونت طلبنه بغداده عزم ایتد کده ناصر بالله خلیفه بوندن قورقوب چنک و دفع ایچون یکر می بین
 عسکر کوندروب چنکیز بغداد یلر صیتوب جلال واروب تیریری الوب طاغلان عسکری جمع اولوب
 او قوزیک عسکرله کرجستانه واروب عظیم صواشوب وافر قلعه ل الوب مسجدر لری یوب محمه کیدوب
 کفار نازار تکرار هجوم ایتد کین جلال عسکر جمع ایدوب قارشو و یروب برادری غیاث قاجغین اکثر عسکر
 طاغلوب جلال مر دانه میدانه کیروب شیرانه چنک آهنک ایدوب صفار یارب کفاری بری برینه قاروب
 بقیه عسکر لری بر کوشه به چیهوب بعده اصفهانه کادی * التیوز یکر می بشده کرجستانه تکرار کیدوب
 شام و روم و ارمن و کرج و بعض ممالک پادشاهلری سابقا جلالدن رنجیده اولغین کرجیاره معاونت ایدوب

جلال رستم زان مزار او در غلبه ایدوب بجز کفر قیروپ بعده خلقی مسلمان اولان اخلاط شهره واروب
محاصره وجبرایله فتح و بعض خلقی قتل ایدوب بعده اخلاط ساکنه شامدن معاوتته التي بيك عسكر
كلوب جلال خسته اوغین جنگده عسکری صینوب اخلاطه دونوب تانارل جمعه تکرار هجوم ایتدیله
دیوخبیر کلوب جلال برملال اولوب بعده تانارل کشته شد دیو خبر غیر واقع شایع اولدقه جلال بو کایا شایوب
(نظم) عیش و نوش ایله بو کون آکه غم فردایی * سکا صحرل دیلر بولان دنیایی * مغموم و مغمجه صحبت
و عشره با شایوب شعرا دن بری بو شعری دیوب تنبیه ایچون جلاله و یردیکه متنبیه اوله (نظم)
شاهازی کران چه برخواهد خواست * و از مستی بکران چه برخواهد خواست * شه مست و جهان
خراب و دشمن پس و پیش * بیادست کزین میان چه برخواهد خواست (نثر) جلال بد حال زوال
نوال غفلت واهمال و بر قاج کون عیش و نوشه کال اشتغال ایتدکده بر کچیه جله شاه و سپاه خواب غفلته
ایکون عسکر تانارل خصم شکار کلوب جلالی نوایی کو جله او باندروب مستلکی طاعلمغیچون باشنه
صوغق صود و کوب بر آته بنوب یا کز کندوسی بر کوهستانه کیدروب بر کرد لوندی بوی آته و لباسنه
طعمه عاقل ایتدی یا خود جلال درویشانه لباس کیدوب سیاح اولدی و میرخواند مرحوم بو بایده بعض
روایتلر دخی وارد بو جائده تانارل جلالل جمیع عسکری قیروپ اصلا کسنه قورتاری دیعشدر جله
رستم الدین بن بیل ایدی دیعشدر (روایت) بعض معتبرانده مذکوردرکه سابقه داشت قبیاقه
کیمین عسکر چکر نیوز یکر میده دونوب ری و نساوقم و قاشان و همدان شهرلر بیک جله خلقن
قیروپ تیریزه قصد ایتدکارنده جلال انلره بولاشوب جنگده انلری صیوب برادری غیا نندن شیراز پادشاهی
ابو بکر بن محمد بن زنگی اصطخر شهرنه قاجدقه غیاث واروب بی تعب ضبط ایدوب بعده ابو بکر غیاثه
مدارا ایدر اولدی و بنه بوییل جلال هندو کرماندن کلوب آذر بایجانده مستولی اولدی * التیوز یکر
درنده جنگلرک اوغلی قواینگ اوغلی هلاکوعسکر عظیمه اصفهانه غلوا ایدوب جلال اوج کون قنعه دن
جیمه امغین کفارل بعض ایلری غارت و خسارت طاعلوب جلال انلر اردنجه عسکر کوندروب
یتد کارنده دارچهای کوزلر نه تک و تار و نیجه لرن کرتار ایدوب بعده جلال عسکر و آلان دوزوب
قنعه دن جیقوب بمقاتله به مقابل اولدقه برادری غیاث بو کایا نچمه کین کندو عسکر یل چکاکوب کیدوب
جلال جنگه باشایوب کفارل اکثری صینوب عسکر اسلامک صاغ قوی بجان کافرل اردنه دوشوب
ایکی کون کیدوب بو جائده بقیه کفار پادری اخشامد نصکره صول قوله جله ایدوب جلال انلری
اورته به الوب قیروپ طاعلوب جلال یاتده همان اون درت کسنه قالوب غیر یلری کرمانه و تبریزه
دوشوب جلال اصفهانه واروب کفار خراسانه کتدیله * در تیوز یکر ی شده تانارل یتد کلوب
جلاله شهر ریده مویشوب ایکی کره جلال صینوب اوچنجه وافر عسکر جمع ایدوب لکن برادری جنگدن
اشوب عسکرل چکاکوب کیدوب کفار انلری کندورلر آردلرین المنه کیدرلر صانوب صینوب جلال دخی
کفارل قاجدقلمرین حبله صانوب خوفندن طوروب کفار اصفهانه کیمکین جلال دخی واروب صافلر
یاروب عسکر یل کجوب شهره کیدوب بعده جیقوب کفاری محکم صیوب آردلر یتد دوشوب نیجه لرن
مقتول و اسیر ایدوب بعده اخلاط شهرنده اوزروب ولایت ارمن پادشاهی اولان ملک اشرفک اوزر یتد کلوب
اخلاطی افق ایستروب در تیوز یکر می کزده جلالل بر محبوبی وفات ایتمکین عقلی مختل اولوب نیجه
مدت مبتی یله کردروب البته صاغدر بو یک کوندروب حالی ندونه ایشلر دیو صوروب خدمتکارل دخی
اودر خوشدر یرلردی و بنه بوییل تانارل تکرار کلوب جنگده جلال غیاثه صینوب عسکرل کیمی قیروپ
کیمی طاعلوی بنه بوییل روم پادشاهی سلطان علاه الدین کیقباد بن کچیر وایله جلال صواشوب
صینوب یا کز قاجوب آله طاعلورده کررکن سابقا برادری بونک عسکری قتل ایتمش بر کرد جلالی یللوب
قتل ایتدی (روایت) نکارستانده جنگیز امین جللاه نمرسند کارنده جنگد نصکره خراساندن دونوب
جلال بعض عسکرل جمعه کلوب کرچستانه واروب ارولا تیری تحضیر ایتدکده بنه جمعه کلوب بعده روم
وشامه عزم ایتمکین سلطان علاه الدین ملک اشرفه معاوتته کلوب جلال خسته اولغین جنگده صینوب

صحت بولدقه همانان روم وشامه واروب بی حد غارتلر و خسارتلر و فخریب و لایتلر ایدوب غرور و سرورندن
بوییتی دیدیکه (نظم) در رزم چو آهنیم و در بزم چو موم * بردوست مبارکیم و بردشمن شوم (نثر)
دونوب دیار جمعه کلدکده عیش و نوشه مشغول و تدارکدن غافل ایکن بر کچیه کفار تانارل شجنون ایدوب
جلال دیوانه او بخودن مستانه قالقوب آته بنوب هزار حبله ایله کفار اراسندن تنها جیقوب بر طاغ
کارنه واروب بعده معدوم یعنی حیات و معانی نامعلوم اولدی دیومر قومدر (محرره) عاقل آنست که
عبرت یستاند زجهان * غافل از موت و قیامت نشود هیچ زمان * آن فریخته کند خنده چو بر روی کسی
در پیش داغ جفاها بنم در دل و جان * بسلاطین بکر آخراپشان چون شد * اکثرش رفت ز دنیا بهزاران
احزان * جم و فضائل و فریدن و سکندر دارا * همه دانی که چگونه زجهان شد گذران * حب دنیای
جفا پیشه زدل بیرون کن * ای محمد که در آنست رضای رحمان (فصل نامن در احوال سلطان
غیاث الدین محمد بن جلال الدین خوارزمشاه) نظام التوار یخده مذکوردرکه پدری واقعه سندن نصکره
شیرازه کلوب غارت ایدوب بعده کرمانه وارد قده ملوک کرماندن اولوب ملوک ماوراءالنهر نخلندن اولان
بریق نام کسنه بوی قتل ایدوب سلاطین خوارزمیه بالکلیه منقرض و زائل و شمس دولتری آفل اولدی
(نظم) چه تابانی و ملت جاوید نیست * ز دنیا وفاداری امید نیست * نه بر باد رفتی صحرگاه و شام *
سر یر سلیمان علیه السلام * به آخر شنیدی که بر باد رفت * خنک آنکه بادانش و داد رفت
(باب ثالث عشر در احوال ملوک آتابکیه) بو طائفه موصل و شام و حلب و بعض دیار عربده اولنیدی نفر
پادشاهلر اولوب جله سی عاقل و عادل و صالح و کاملر ایدیلر ملوک آتابکیه دیملکه مسیحی بر فرقه دخی وارددرکه
انلر ولایت محمد پادشاه ایدیلر تنکیم بولدر نصکره سیان اولنور (فصل اول در احوال آق سنقر البرسی)
زمره اتراکدن اولوب مستقیم و پاک و عدله مائل و شجاع و اهل ادراک ایدی موصلده پادشاه ایکن
بشیموز اون بنده حلی فرنگ محاصره ایتدکده شهر خلقی بوی دعوت ایدوب کاورکن فرنگ قاجوب
سنقر حلی ضبط ایدوب بعده حبله قریب کفر طاب شهری فرنگ النندن الوب اعزازی دخی فقه وارد قده
فرنگ جوق اولغین سنقر صینوب موصله قاجوب ارغلی مسعودی حبله حاکم ایتدی * بشیموز
یکر میده موصلده جمعه نمازین قیلرکن باطنیه طائفه سندن بر کسنه بوی شهید ایدوب سلطنتی
یدی بیل و بر قاج آی ایدی (فصل ثانی در احوال عزالدین مسعود بن آق سنقر) پدری وفاتده
حلبدن کلوب موصلی دخی ضبط ایتدی * بشیموز یکر می برده مسعود وفات ایتمکین بری سلطان محمود
ابن ملکشاه سلجوقی مسعودلر برادری عمادالدین و پردی بعض کتیده مسعود ذکر اولما مندر
(فصل ثالث در احوال عمادالدین آتایک رنکی بن آق سنقر) آتایک لقبی بفرقه ده ابتدا بو کاتوندی *
بشیموز یکر می برده سلطان محمود سلجوقی عاده سابقا ضبطنده اولان و لسط و بعض مملکت عراقدن
ماعدایله ولایت عراق حصنه لکین یعنی حکومتن و یروپ عاقل قوت و شوکتی اربوب نصیبین و سخاوت و حران
و حالا کردستان اولان جزیره ابن عمرو لایتلرین الوب برادری وفاتده سلطان محمود بو کاموصل سطننتی دخی
و پردی عمادلر برادری مسعود سابقا پدری آق سنقر وفاتده حلبدن موصله کیدرکن حبله قیماز نام حاکم
قومشدی بعده قیماز ظلم ایتمکین مایه احاب پادشاهی اولان سلیمان بن عبد الجبار بن ارتقی اهل حلب پادشاه
دیگوب بو قوتی اطرافلرنده اولان فرنگ کافرلری ایشیدوب حلی المنه عزم ایدوب اهل حلب فرنگی مال
فراوان و یرمکه دفع ایدوب سلطان محمود بوی ایشیدوب جله حلب و شام ولایتلرین عاده و یروپ برات یازوب
کوندردی عماددخی قراقوش یکی حبله حاکم کوندروب بشیموز یکر می ایکی بحر منده عاقل کندی حبله
واردی * یکر می اوچده عاقل دمشق شام پادشاهی قوزی بن طغی بکیندن فرنگلکه جنگه یاردیجی عسکر
ایستوب اودخی حایکی سوخی کوندروب عاقل سوخی طوقوب حایه واروب شهری ضبط ایدوب سوخی
و بعض شام بکفری باغلیوب موصله ایستوب بعده عسکرین جمع و شامه عزم ایدوب فرنگلکده اولان
اتار بقلعه سنه واروب جنگده وافر کافر قتل و اسیر ایدوب بویلیله ضرر اولغین قلعه بی بالتام یقیدی *
یکر می التیده شمس الملک ابن قوزی حای عماد النندن الوب شمسی کندو آدملری قتل ایدوب یرینه برادری

احمد بیکد که عماد احمد اوسته واروب دمشق المنه قادر اولوب بشیروز او توره عادل حلب و حمان
 عسکری قریک الله اولان نمکنده واروب انلردن اولددر مال واسیر کثیر الیله که ولایت شام طولدی
 او توره برده عماد معمر و کفر طای فتح ایدوب حصه دخی مالک اولدی * او توره او چده بعلبکی محاصره ایدوب
 اون دوت مخفی قیروپ امانله الوب تسلیم قلعه ایلد کاردنصکره غدار و مکار اولغین بجه شهر خلقی
 اصوب بردار ایددی * او توره دتمه دمشق محاصره ایدوب عاجز اولدده موصله دونوب بولده زور شهرتی
 صاحب اولان قبیاق شاه ترکانی الندن الدی * او توره سکرده عماد سلطان مسعود سلجوقی الیه مصالحه
 ایدوب دیار بکری و او طرقلده کفار قریک الله کی قلاعی فتح ایددی * او توره طقوزده رهایی و سروجی
 ونهر قرات شرقینده بعض شهرتی دخی قریک الله الندن الوب قلعه بیره الفراتده فرنگی محاصره ایدوب
 لکن موصله قودوغی ساکن قتل اولدوغن ایشیدوب دونوب فرنگی بوی تکرار کور دیو خورلندن
 قلعه بی مار دین ساکنه و یروب کندور کجه الیه ولایتلرینه قاجیلر * قرق برده یادرده عماد قرات کارنده
 جهر قلعه سن محاصره ایدوب او یورکن کندو اوغلانلری او شوب بوی قتل ایشیلر * قاره باغز خوب
 صورت و مائل عدالت اولوب عمری آتشدن زیاده جه ایدی عسکری و اعدای اراستنده غایتده مهایی
 اولوب دمشق شهرتدن ماعدا جمیع ولایت شام و حلب و موصله اولان شهرلر مالک اولوب سلطنتی
 اون سکر بیل ایدی (فصل رابع در احوال سلطان نورالدین محمود بن عماد الدین زنکی) بشیروز
 اون برده طوغشدر غایتده کوچ اولغین همان زخمتده بر قاج دانه قیل اولوب لکن خوب و نورانی
 صورت ایدی (مناقب) هر ویدر که ملاک خصای عمر سیرت علی مضایوت حزه نجایات اهل خیرات
 صاحب حسنات عالم و عامل عادل و عاقل عابد و زاهد مجدد و مجاهد اولوب علی التوالی احیاء الی الی ایدردی آوازده
 عمل و نجایاتی اطراف عالم منتشر و اوصاف حیده غیر عدیده الیه مشتهر ایدی هر چنکده ایکسیر نیرکش
 قوشانوب ایکسیر بای طاقنوب میدانه مردانه کیروب مانند شیر و بولک بالذات جنگ و دیده اعدایه
 صهرانی تک ایدوب کفار الندن الی عددن زیاده شهر فتح آتشدن * حلب و شام و دیار بکر و اکثر مالک
 عرب و حرمین محترمین و دیار بزمده خطبه می او قنوردی * ققه حقیقی تمام ییلوب خفیه و شافیه ایچون
 وافر مدرسه لیا یوب شام و حلب و حص و حمان و شیر و بعلبک قلعه لری زلزله لردن ییقلدده جله سنی
 تجدید ایدوب آثار احسانی و خیرات حسانی فراوان و بی پای اندر اهل شام و حلب اتفاقله ولی الله ایدوکی
 مقرر اولوب کندوسی قرقلردن وزیر صلیح الدین او چیموزلردن ایدی حالا دمشق شامده تربه می
 قبر نورالدین شهیددیمکله مشهور اهل حایه ملاذد پناه بر زیارتگاه اولوب محل قبول دعا در دیواعتقاد
 اولنور * حتی بر کشته مجلس شرعه خصنه عین و بره جنگ محله ایلدوب انده عین و بره (جلوس و بعض
 احوال و وقایع) سلطنتی بشیروز قرق برده یادرده بدوری وفاتنده بارمخندن مهری الوب حلبه واروب
 برادری سیف الدوله دخی شهر زورده موصله واروب پادشاه اولدیلر * اول سته سنده فرنگکار استانبولدن
 و الماندن عسکر فراوانله کوب دمشق شامی محاصره ایدد کارنده اشوب ایکی برادر باجان برابر غیرت دینیه
 ایچون شام پادشاهی ارتق بن محمد بن قوری به اتفاقله معا و نه کیدوب حصه وارد قلنده کفار بونلردن
 قورقوب کتدیلر * قرق درنده سیف و قات ایدوب دیکر برادری مودود موصله پادشاه اولدی
 بوییلده محمود حارم قلعه سنی محاصره و فرنگدن انطاکیه بکنی بعض توابعیله اسیر ایددی قرق الله محمودی
 قریک ایکی جوسلین چنکده صیوب بودخی عسکر بن جمع و فرنگکله چنکه عزم ایدوب بواننده چوسلینی شکار
 اوزرنده ایکن ترکمانلر صید و بیدایه قید ایدوب محمود کنورد کارنده ملک ضعیفنده اولان مرعش و عنتاب و عزاز
 و دوله و تل خالد و تل باشر و وندار و قونس و برج الرصاص و حصن البان و کفر سود و کفر لاث و نهر الجوز
 و بعض قصبای محمود ضبط ایدوب عسکر اسلام شاد کام و اهل اغتمام اولدیلر * قرق طقوزده قریک الله دمشق
 المنه یا قلا شغین محمود شهر خلقیله مقدمه ماخبرلنوب بعده واروب کیرد که پادشاهی ارتق بن محمد ایچ قلعه ده
 قبا یوب بعده امانله کوب محمود اکا حین بککنی و یروب قبل الوصول عزل ایدوب بالی بککنی و یروب
 اودخی ایچنوب بغداده کیدوب انده وفات ایددی * الی ایکیده جله ولایت شامده عظیم زلزله اولوب شیر

و جاحص و حصن الا کرد و طرابلس و انطاکیه شهر لری و قلعه لری بیه الوب نیچه بیک کسینه هلاله اولوب
 شیر پادشاهی دخی توابعیله دفعه هلاله اولد قلنده محمود شیر لری ضبط ایدوب یته بوییل محمود بعلبکی
 صاحب اولان خفاک الندن الی * الی طقوزده محمود اسد الدین آدلو سرداری مصره وافر عسکر الیه
 کوندردی تنکیم آخر ملوک فاطمیه فصلنده تفصیلی بکمشدر * یته بوییل محمود حارم قلعه سن قریکله
 عظیم جنگ ایدوب الوب انطاکیه ناک و طرابلس کافر بکاری دخی طوقوب لب دریاده یاس قلعه سن دخی
 فتح ایددی * الشمس درنده جهر قلعه سن آلوب الشمس ایکیده و درنده مصره مکرر * کیر کوندردی تنکیم
 بودخی یو قاروده بکمشدر (وفات) کوندردی عسکره ایکی سردارک بری صلاح الدین یوسف بن ایوب
 مصرده مستقل پادشاه اولدوغن محمود ایشد که الشمس طقوزده مصره کتکه قصد ایدوب بواننده شامده
 خوانیق مرشدن الی سکر یاشنده وفات ایدوب سلطنتی بکری سکر بیل ایدی (قصه عجیبه) تار
 مدینه مد کورد که بشیروز الی بیده سلطان نورالدین شامده بر کجه تجمد قیلوب یا قوب او یوب حضرت
 رسولی صلی الله علیه وسلم واقعه سنده کوروب ایکی اشقر شفا اثر کسینه بی کورستروب بی بونلردن قورنار
 دیو بیورمغین دهشتله واقعه سندن ایکی کره ایا یوب آبدست الوب او یوب او ج کره بویه حال ظهور ایدد که
 رو بای صحیحه ایدوکنی ییلوب کندو کبی صالح اولان وزیر بی چاغروب طانشد قده بوسری هیچ کسینه به
 دعیوب همان بکجه مدینه به کیت دیمکین صباح اولدین محمود و وزیر بکری صالت آتلو نقد وافر
 التون الیه کجه ایچنده مدینه به کیدوب بجه الیه اون الی کونده واروب غسل ایدوب شهره کیروب
 مسجد رسولده نماز قیلوب حیرتله او توره کن انده جمع اولدله وزیر صائب تدبیر پادشاه روضه رسولی
 زیارت و جمیع اهل مدینه به صدقه و برمه کادی شهرده تقدیر انسان و ارباسه دقت اولوب بر برز کوب
 پادشاه کتد و الندن صدقه السون دیمکین جله شهر خانی کوب الوب واقعه ده کوردی صفتلو کسینه ل
 ظاهر اولدده صدقه الماش کسینه واری کورک دیو دفعاتله اقدام اولد قده همان ایکی مغربی کسینه
 قالدیکه دائما عبادتده اولوب احیانا خلقه صدقه و برر دینلد که بی الحال انلری کتوردوب واقعه ده
 کوردکاری عینی الیه اولغین شاد اولوب نه کشیلر سزدیوب مغریلر ججه کوب بوییل بونده بجا و اولدق
 دید کونده البته طوغر و سولک دیوب انلر کیر و ایلد سو بلیوب محمود همان قاقوب انلر اولدوغی حجره سینه
 واروب نسته کور میوب جله اهل مدینه بونلری زهد و عبادت و خا و زیارت قبور شر یغله مدح ایتد کارنده
 محمود حیران اولوب لکن حجره ایچنی ارا یوب حصری قالدرد قده من ابر ارفا و حضرت رسول مختاره یقلا شجیه
 قازاش برام بولنوب بویکی حریفه و افر دکنک اوروب سو بلتد که بر کفار و روم دتر پادشاه مز بزه وافر مال
 و یروب مغریلر با سینه کیروب سزک پیغمبر بکری برانندن لثم قازوب حیه قاروب رومه ایلتک بیورمغین بزدخی
 کوب مسلمانلردن کسینه طوغر و سون دیو هر کجه همان برر جزدان طولوسی طیراق قازوب صباح شهرک
 طشره سته زیارت نامیله واروب تها یره دوکر ایدد دید بکارنده پادشاه بو خیر حیرت اثری ایشد که بو خدمت
 سعادت غایت عبادت منزات ملوک اسلام ارا سنده کندو به نصیب اولدوغنه سرور فراوان ایتد کارنده نصکره
 سو بچندن محکم کر بان اولوب بعده اول حریف کفر الیقلرک بیونلرین اوردروب بدن مر دارلرین احراق بالنار
 ایتدیلر * مر ویدر که محمود مدینه به کله جکی کونک کجه می اول لثم حجره حضرت رسول یقلا شغین هواده عظیم
 رعد و برق و نیچه علامت ظاهر اولوب طاغریلر لثور و صانلوب جله خلق لرزان و حیران اولد لردی بعده محمود
 اطراف تربد عرش ربه رسول صاحب قریه چاق صو حقیقه محکم عمیق خندق قازدروب غایتده وافر
 باقر ایدوب دو کوب سدا سکندر و ذوالقرنین وارده و ردن بر یکپاره حصا و استوار اولد قده دونوب شامه
 کوب کافر لرحقه اوائقی و امانات و مقاطعات و کتابت و سایر امور سلطانیه دن هیچ بر عله استخدام
 اولفامق بیوروب جمیع مکوس و مظلومی دخی رفع ایددی (عجیبه دیکر) کتاب ریاض نظرده مدینه ده
 صواب آدلو خادم حرم رسول مظلوم منقولدر که * مدینه بکنه حلب خلقتدن رافضی بر جماعت کوب
 حضرت رمولله بر حجره مد فون اولان ابو بکر الیه عری رضی الله عنهما قیرلندن چیقارمغه بزه اجازت
 و بر دیوب عظیم مال و یروب اودخی صوابه بکجه مسجد شریف قیوسن قتان کسینه لره اچوب ایچر و یروب

نه ایشارلسه منع ایتمه سن دیوب بودخی ظاهر اوله دیوب لکن صلحادن اولغین بتون کون قبر رسول
 علیه السلام اردنده اوتروب متصل اغلیوب کجه ایله ایلک اوچخوده قیوقاقلوب صواب خائف من الخطا
 حیرتله قیوبی اجدقده المرنده قازمه وکورد و زبیل ایله قرق نفر کسنه بربر بربر کوروب مسجد شریفده
 بر قاج آدم بربر و دکر نده قدرت حقه برشق اولوب جله اهل کفر وضلال قارون مثال بره بکوب نابدید
 وساحه رحمتن طریقه اولدیله (قطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین) (محرره)
 سرنکون ایت یا الهی بعض شیخین ایدی * ناله و فریاد اوله ایکی جهاندیده دیدی (فصل خامس در احوال
 سیف الدوله غازی ابن عماد الدین انابک زنگی) بشیوز قرق بشده پدري وفاتده برادری نورالدین حلبه
 سیف موصله واروب هر بری مستقل پادشاه اولاشدی * اوج بیله نصره سیف وفات اشدی کریم
 و شجاع کسنه ایدی (فصل سادس در احوال قطب الدین مودود بن زنگی) غایتده خوب سیرت
 پسندیده خلعت ایدی برادری سیف وفاتده برینه بکوب بشیوز التمش بشده قرق باشنده وفات ایدوب
 سلطنتی بکری بیل ایدی برینه اوغلی سیف الدین بکدی (فانده) هر ویدر که بشیوز الی سکرده
 جمال الدین محمد اولو صالح و مفلح وزیرنه انجوب حبس ایدوب بر بیله نصره حبسه وفات ایدکه
 وصیتی اوزره میتی مکه مکرمه به کوندربول هر کون قونارکن و کوبیرکن نیجه کسنه ل اوزرینه قرآن
 و قیوب هر شهره وارد قزنده شهر خلقی بونک میتی اوستنه غاز قیلوب مکه به وارد قده کعبه فی تاوتله
 طواف ایدربول سابقه مدینه ده مسجد حضرت رسول علیه السلام فریده بنا ایدوکی کاربان نسر ایده
 دفن اولندی * هر ویدر مکه منور وزیر غایتده اهل خیرات اولوب مکه ده جبل عرفات اوستنده
 بر مسجد یابوب و مسجد خنی تعجید ایدوب و عرفاته اوزاق بردن و کتوروب جابجا سیلار یابوب و مکه
 مکرمه حرمک قبول بن و کعبه معظمه تک با شده اولان عظیم مبارکی الاجه هر مرالیه یابوب و کعبه تک
 نیجه برلین تذهیب ایدوب و مدینه منوره به عظیم حصار یابوب بوجه به اجازت ایچون بغداد خلیفه می
 مقتفی لامر الله و مکه شریفه وافر ماللر و یروب و نیجه برلده دخی نیجه تکیه ل خانلر یابوب * آخر عمر نده
 بزیرة ابن عمر ده جله ایرما غنک اوزرینه بونش طاشله و دمور و باقر و نوریه ایله بر کور و یابوب تاغام قالدی
 مدت عمر نده کند و میرانی قبول منده هر کون یوز فلوری صدقه ایدوب هر ییل بیکر فلوری ایله امیرلر قورناروب
 و دخی علما و صلحا صدقه لوه دیله کوندردی و بعضیلر دیشلر که حبسه ایکن وفاته قریب بر آق قوش کلوب
 وفاته دلایته طوروب متصل ذکر ایده ردی و وفات ایدکه موصله یادی و غنی تکیه ده دفن اولندی
 (فصل سابع در احوال سیف الدین غازی ابن قطب الدین مودود) پدر بک کوچک اوغلی ایکن بشیوز
 التمش بشده انک وفاتده موصله برینه بکدی خوب صورت بلند قامت حمیده خلعت عادل و عاقل و اهل
 غیرت اولوب حرمه کوروب حقه غایت کوچک خادمه لره و لوزردی * بشیوز التمش التیده او قوز باشنده
 سل مرشدن وفات ایدوب مکه سلطنتی اون ییل و ایکی یا اوج آئی ایدی برینی برادری مسعود و بزیرة
 سا کلکنی کند اوغلی سنجار شاه و صیت ایلدی (فصل ثامن در احوال ملک عزالدین مسعود بن مودود)
 قره یاغز خلیفه العارضین اولوب جدی انابک زنگی به بکزدی و اهل خیر و دیانت و صاحب جود و مکرمت
 اولوب بشیوز التمش تیده موصله برادری سیف الدین برینه انک وصیتی اوزره بکوب اون بر بیله نصره
 عم زاده می حلب پادشاهی ملک صالح اسماعیل وفات ایدکه بو کایرینی وصیت ایتمکین حلبه واروب
 کن مسعود ل برادری سنجار پادشاهی زنگی بن مودود دخی حلبه کلکین قخته زنگی بکوب موصل ایله
 سنجار مسعوده مقرر اولغین دونوب کدی * التمش سکرده مصر سلطانی ملک صلاح الدین شامدن کلوب
 ره اره خاور نصیبین سنجار شهرلرین اوب موصلی دخی محاصره ایدوب نه المدن کتدی بعده تکرار کلوب
 عزالدینک ملک نکرده مکه و خطبه صلاح الدین نامنه اوقی اوزره صلح اولوب کتدی * بشیوز سکنان
 طقوزده مسعود وفات ایدوب برینه اوغلی ارسلان بکوب سلطنتی اون اوج بیل و آئی ایدی
 (فصل تاسع در احوال ملک صالح اسماعیل بن نورالدین محمود) بشیوز التمش طقوزده پدري وفاتده
 اون ایکی باشنده شامه قخته بکدی بعده حلبه واروب انده مقیم اولدی مصر پادشاهی ملک صلاح الدین

ابن ایوب کلوب شامی و جاور حصی ضبط ایدوب حلبه دخی کلد کده حصه فرنک کلدوکی ایشدوب واروب
 بعده بعلبکی اوب بعده اسماعیل عم زاده می موصل پادشاهی سیف الدین معاونه چاغروب صلاح الدینک
 اوستنه واروب جابا ایدده عظیم صواشوب اسماعیل صینوب صلاح حلبه واروب اسماعیلی محاصره ایدوب
 بعده صلح اولوب حلب بو کاشام صلاحه مقرر اولدی * التمش برده صلاح تکرار حلبه کلوب اسماعیلی
 محاصره ایدوب سلطان نورالدینک بر کوچک قیز جغزنی صلاحه کتورد کزنده اوخشاوب وافر مال
 باغشلیوب نه استرسن دیوب اودخی عزاز قلعه سن دیدکده صلاح اتی و یروب مصره کتدی * بشیوز
 التمش بدیده اسماعیل اوس طقوز باشنده حلبه قواچ مرشدن وفات ایدوب شرب خرنافه در دید کارنده
 غایت صالح اولغین زهر موتی ایچری خرنایچه دی * برینی عم زاده می مسعوده وصیت ایدوب
 مدت سلطنتی بیل ایدی (فصل عاشر در احوال عماد الدین زنگی بن مودود) بشیوز التمش بشده
 پدري قطب الدین مودود موصله وفات ایدکه برینه کوچک اوغلی سیف الدین بکوب عماد الدین
 سنجاره پادشاه اولوب خوب سیرت محب علم ایدی * بشیوز التمش بدیده عم زاده می حلب سلطانی ملک
 اسماعیل وفات ایدوب برینی دیگر عم زاده می موصل سلطانی عزالدین مسعوده وصیت ایتمکین مسعود
 حلبه کلوب قخته بکوب مسعوده حلب برینه سنجار و بر یلوب موصله ضمیمه اولدی * التمش طقوزده
 مصر سلطانی صلاح الدین کلوب حلبی محاصره ایله اوب انک برینه عماده سنجار خاور رقه نصیبین شهر لرینی
 و یروب هر لازم اولدجه کرایه کلوب صلاح الدینه معاونه ایده دیو صلح اولوب صلاح دخی عمادی
 ضیافت ایددی * بشیوز طقسان ایکیده وفات ایدوب جله سلطنتی اون بش بیل اولوب برینه اوغلی
 قطب الدین بکدی (فصل حادی عشر در احوال نورالدین ارسلان بن مسعود بن مودود) بشیوز
 سکسان طقوزده پدري موصله وفات ایدکه برینه بکوب التیوز بدیده بودخی وفات ایدوب برینه
 اوغلی ملک قاهر بکوب بونک سلطنتی اون بدی بیل و ان بر آئی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال
 قطب الدین محمد بن عماد زنگی) بشیوز طقسان ایکیده پدري وفاتده برینه بکدی سنجار و خاور
 رقه و نصیبین شهرلرین سلطنتی بو کادکدی صاحب عدالت سلطان ذوشوکت اولوب التیوز اون درنده
 وفات ایدوب سلطنتی بکری بیل اولوب برینه اوغلی شاهنشاه بکدی (فصل ثالث عشر در احوال
 ملک قاهر عزالدین مسعود بن ارسلان) التیوز التمش بدیده پدري وفاتده موصله قخته بکدی
 طقوز بیل و طقوز آئی پادشاه اولوب التیوز اون بدیده وفات ایدکه وصیتله اوغلی ارسلان شاه قخته بکدی
 (فصل رابع عشر در احوال ارسلان شاه ابن عزالدین مسعود) التیوز اون بدیده موصله پدري وفاتده
 اون باشنده قخته بکوب بر بیله نصره وزیر و انابکی امیرلر کوچکدر دیوبنی رفع ایدوب کند و می قخته بکوب
 کند و به پدري ملک رحیم دیو لقب قونوب آزماند نصره ارسلان شاه وفات ایدوب امیرلر موصله
 قرق اوج بیل پادشاه اولوب بعده وفات ایدکه ملک لری اوغلاری مقامه ایدیلر (فصل خامس عشر
 در احوال شاهنشاه بن قطب الدین محمد بن عماد الدین) سنجار و خاور و نصیبینده التیوز اون درنده
 پدري برینه بکوب بر بیل تمام اولد بن برادری محمودی طونوب بو غار لوب برینه بکدی (فصل سادس عشر
 در احوال محمود بن قطب الدین محمد) برادری شاهنشاهی قتل ایدر کده برینه بکدی * بعده تغلبه
 موصل پادشاهی اولان امیرلر و جمیع سلاطین انابکیه ملک لری مستقل ضبط ایدوب دوات انابکیه
 دیار عرب تمام اولدی (نظم) فوجان رب العرش ایس لکه * تاه و حدمه ادا و ختام (باب رابع عشر
 در احوال ملوک انابکیه دیگر) بونلره سلغریان دخی دیرر جله می اون تفرار و بر عورت ایدی *
 بشیوز قرق اوچده ظهور ایدوب مدت سلطنتی یوز او قوز بر بیل ایدی دیار فارس ملوک دیلیه آخردنبرو
 سکسان ییل مقداری ملوک سلجوقیه ضبطنده اولوب انابکیه ظهورنده جله می بونلره منتقل اولوب
 قخته کاهلری شهر قریب الدهر شر از ممتاز ایدی (فصل اول در احوال انابک معظم مظفر الدین سقز بن مودود)
 تارخ میخواننده مذکور در که زمان سابقه طائفه ترا که دن الی بیک مقداری پارسوار پادشاهلری
 ظماندن ترک دیار و اطراف عالمه انتشار اختیار اید کارنده جله دن بری سلغر آدلو کسینه ایدیکه خدم

و حمله خراسانه کلوب اول اطرافده ابراق و یقین نیجه آفین ایدوب ملوک سلجوقیه ظهورنده انلره واروب
 صاحب اولوب سلطنت اولادی خوزستان و لرستانه واروب اول مالک و سیمعه ده مقیم اولدیله مودود بن سقر
 دخی ملوک سلجوقیه به مطیع اولوب اولادی نویله انلره خدمته کوندردی * دوات سلجوقیه آخرنده سلطان
 ملک شاه بن محمود بن مسعود بن محمد بن ملک شاه بن ابی اسلان ولایت فارسه مستولی اولوب بر ییل
 یکده کنده سقر بن مودود خروج ایدوب ملک شاه قاجوب سقر تخته یکوب عدل و داد و ضبط بلاد
 و نظم احوال عباد ایتکه معشاد اولدی * بعده پهلوان محمد نام خارجی سقره مسلط اولوب مرارا
 صواب عاقبت (محرره) خصمه ارسلان کبی پک واریجی * ناطفیان مارچی اول خارجی * غایت
 منظم و موقه و اولوب بونک قوت و عز و جاهی کامل و موفور اولدی * شهر شیرازده جامع و تکیه و خان
 بنا ایدوب سلطنتی اون اوج ییل ایدی (فصل ثانی در احوال اتابک مظفر الدین زنکی بن مودود
 (محرره) اهل چود و اهل عدل و داد ایدی * عدلی ایله مملکت آباد ایدی * برادری برینه تخته یکوب بشپوز
 بخش برده وفات ایدوب سلطنتی اون درت ییل ایدی (فصل ثالث در احوال اتابک مظفر الدین
 زنکی بن زنکی) پدری برینه یکمشد و غایت عدالت و دیانت اوزره اولغین سلطنتدن فراغت و اختیار
 زهد و قناعت ایتکه دیکده وزیر روشن ضمیری خواجده امین الدین محمد کازرونی که صاحب کرامت ایدی
 عدالت افضل عبادتد ز بر احدث شریفده (عدل ساعه خیر من عبادة ستین سنه) بیورلنددر
 دیو نصیحت ایتکه فکر فراغدن فراغت و اولکیدن زیاده عدالت ایدوب چله یگری ییل سلطنت سوردی
 (محرره) عدلدر عالی معور ایدن * ظاهر و باطنی پر نور ایدن * عدله بولدی بودیسا رونق *
 عدله راضی اولور حضرت حق * عدلدر باعث عز و رفعت * عدله اولدی بقاه دولت *
 عدلدر پشته حکام سلف * عدلدر باعث عنوان شرف * عدل و داد ایله اولور ذکر جلیل *
 آنکه بولور قدر جلیل (فصل رابع در احوال اتابک قطب الدین طغرل بن سقر) عمیسی اوغلی
 تکه نیک برینه یکوب کامل و محب اهل کمال ایدی * سابقا پدری زمانده خروج ایدوب پهلوان محمد
 بوکادخی مرارا هجوم و جنگ ایدوب عاقبت طغرلی طوقوب اصطخر شهرنده حبس ایدوب بعده کوزلرینه
 قیزش میل یکوب بده افق و جهله قتل ایدی * بعض کیده طغرل املاذکر اولغیوب غایب تکه بن زنکی
 زمانده بشقه بر ولایت پادشاهی ایمن کبی ز برانکه برینه برادری سعد بن زنکی یکدوکی محقق و متفقدر
 و شد علم (فصل خامس در احوال اتابک مظفر الدین سعد بن زنکی) برادری تکه برینه یکمشددر
 خدمت و عدالتده شجاعت و شهادتده وفاسحت و بلاغتده مشهور و ماهر و ذکر جلیلی السنه ناسده
 ماتد مثل سائر ایدوب کرمان و اصفهان الوب خلقتک اشراف شیرازده کورچوردی دایما اطرافنده کی
 ملوک و حکامه عسکر یکوب منصور و مظفر اولوردی * نظام التوار یخده سلطان محمد خوارزمشاه
 بوته اوته بیجه عسکره کلوب بودخی همان ییک نفر ایله میدان کیروب وافر کسمه قیروب لکن آتی
 سورچکین طوقیوب خوارزمشاه بونک شجاعتده محیه انجمنه یوب بعض شروطه صلح اولوب سعد شیرازده
 دوند کده نوار الله اوغلی ابو بکر اتقاق اعیانله تخته یکمکین سعد ایله جنگ ایدوب اعیان سعدی کیجه ایله
 خفیه شهره قیروب اوغلی بفلوب قلعده ده حبس ایدی دینوب * لکن تاریخ میرخوانده مذکوردرکه
 اتابک سعد غایت شجاع اولوب همان ییدیوز عدد کزیده عسکر ایله مالان عراقی ایلدیلری حدوده
 وارد قنده خوارزمشاه محمد بغدادی المغه عسکر بیحد و لایعدایه کیدرکن ایتدوب دینوب کلوب
 مزبور سعد ماتد سعد میرانه آت صالوب اوکنه کلتری طاعیدوب ات اوشتند بعضی قاپوب
 به چالوب محمد بونک شجاعتده حیران اولدی * بده سعد آتی سورچوب طوقوب محمد بوکا رعایتل و بیله
 صبر ایدوب بعده سعد قیزی محمد اوغلی جلال الدینه و یرمک و اصطخر و سه کبده قاعلر بن و یرمک
 و هر ییل چله ولایت بونک ثلث محصولی کوندرمک عهده کتکه اجازت الوب محمد بوکا خلعت شاهانه
 کیدرک شیرازده وارد قنده ماینده فرصت بولدی * تخته یکن اوغلی ابو بکر فارش و کلوب پدرینه قلیج مالوب
 سعد قشانی خان اولغین کسمیوب سعدانی کر ایله یقوب باغایوب اصطخر شهرنه حبسه کوندرکوب

کند و می شیرازده واروب اسکی تخته یکوب خوارزمشاه ایدوکی وعده لرینه وفایتدی بعده شیرازده
 بر عظیم حصار و شهر ایچنده دخی بعض خیرات بنا ایدوب اتابک مظفر الدین ابو بکر بن سعد بن زنکی) سابقا کراولندینی اوزره
 ییل ایدی (فصل سادس در احوال اتابک مظفر الدین ابو بکر بن سعد بن زنکی) سابقا کراولندینی اوزره
 پدری بونی حبس ایتشدی * بعده سلطان محمد خوارزمشاه هندستاندن کورکن بونی حبسدن چیقاروب
 بعده پدری حالت نرعه ایکن برینه یکدی * تاریخ ابن شحنه ده التیوز یگری برده سلطان غیاث الدین تاتار شاه
 بونی رفع و مملکتلرین ضبط ایدوب بر ییلد نصره تاتارک برادری جلال الدین خوارزمشاه هنددن کورکن
 بونی اولکی برینه یکوردی دینوب * کاستانده شیخ سعدی باز دینی حکایت پر شکایت بوقصه به
 اشارتدرکه بودر (نظم) ندانی که من در اقالیم غربت * براروز کاری بکردم درنکی * برون رفتم
 از تنگ ترکان چو دیدم * جهان در هم افتاده چون روی زنکی * همه آدمی زاده بودند لیکن * چو کرکان
 بخو نخواستی تیز چشکی * چو باز آمدم کشور آسوده دیدم * پاشکانرها کرده خوی پلنکی *
 درون مردی چون ملایک محضر * برون لشکری چون هزاران جنکی * چنان بود در عهد اول که دیدم *
 جهان پر از شوب و تشویش و تنگی * چنین شد در ایام سلطان عادل * اتابک ابو بکر سعد بن زنکی (نثر)
 مرویدرکه اهل خیرات صاحب حسنات اولوب اطراف واکفاده نیجه مساجد و جوامع و ایمنه
 کثیره المنافع باعشر در باب عدل و دیانتده دخی حد نهایتده اولوب مزبور شیخ سعدی کاستان و بوستانی
 بونک نامنه یازوب دیباجه بوستانده قرقردن زیاده ایسانله مدح و ثنا و خیرده عالیتشده که بر قاجی بودر
 (نظم) مرافراز دین پروردادر * نیامد چوبو بیکر بعد از عمر * سرتر فرازان و تاج مهان * بدوران
 عدالش بنار دجهان * کاهکوشه بر آسمان برین * هنوز از تواضع سرش بر زمین * برون بین اوصاف
 شه از حساب * نکند درین تن میدان کاب * در ایام عدل نوای شهریار * ندارد شکایت کس از روزگار *
 جهانت بکام و فلک یار باد * جهان آفرینت نکهدار باد * بلند اخترت عالم افروخته * زوال اختر
 دشتت سوخته * در وقت بنایید حق شاد باد * دل و دین و اقلیت آباد باد * همیت بس از کرد کار مجید *
 که توفیق خیرت بود بر مزید * جهان آفرین بر تو رحمت کاد * ذکر هر چه گویم فسوسنت و باد *
 (نثر) تاریخ میرخوانده مذکوردرکه اتابک ابو بکر سعد نهاد پاک اعتقاد عادل و مدبر کامل و اهل بر
 اولوب هندده بعض بلادده خطبه ده یاد اولوردی * صدای علوشان و همومکانی شرقدن غربه واصل
 و عرب و عجم و ترک و تاجیکده نام ییک حاصل ایدوب امر لری او متنده طغرای الله بس کلاسی ایدی
 ولایت فارس ایکیوز ییلدنبو ملوک و امرای دیلمه و سلجوقیه محاربانله خرابه مشر فکن بونک بن
 دولت و حسن معدنله همجو عروس فواخته آراسته و پیراسته اولوب اطراف واکفادن علما و صلحا
 و سائر اشراف کلوب تخته کاه معدنله پناهنده ساکن و بونک محبت و دعاسنه راکن ایدیلره مساجد و معابد
 و دارالشفایه ایدوب هر وجهله رعایت علما و صلحا ایدردی * شرب خمره مباشرت ایتوب لکن محبت
 و عشرت اوزره ایدی دور بین و دور اندیش و اهل عزم و خرم و نه تیش اولوب سلطنته متعلق جزئیات امور
 التیه کند و به عرض اولغین صدور ایتزدی * ذکی و لایب و مدبره صیب اولغین چنکیز قشقه کار عالمی کشت
 و کذا ایتد کده ابو بکر دفع شر اهل مکر ایچون (ع) و قبل یدا لانتطیع لقطعهها * خواستجه عدوی
 بدرا ایله برای مدارا اوغلی نه متنی عظیم هدایا ایله کوندرکوب بعده کاه اوغلارندن کاه برادرزاده لرندن
 بر بیله هر ییل چنکیز جنگ انکیزه اونوز ییک فلوری کوندرکوب کفار حقیق بالصفع شر لری بو جهله
 دفع ایدردی * بعده هلاکو بن چنکیز هرنه ولایتی فتح ایتسه ابو بکر اکامدار ایچون بعض اولادی
 نهیه کوندرکوب هلاکو بغدادده کند کده اتابک اوغلی سعدی معاونت ایچون وافر عسکرله یله کوندردی
 عاقبت (نظم) عاقبت کار بود هر کسه * باد قاپیر و جوانه اسه * معهود منجه مزبور اتابک التیوز
 الی سکرده بخش باشند وفات ایدوب سلطنتی اونوزش ییل ایدی (فصل سابع در احوال اتابک
 عضد الدین سعد بن ابی بکر بن سعد) هلاکو ایلد بغداددن کلوب نورشمرنده خسته اولدده پدر بونک وفاتی
 و خلقت بوکا بیعتلری خبری کلوب بر قاج کوندر نصره (نظم) الموت لایق احدا * لا والد اولدا *

معه و منجه بود و غنی و قاتل ایدوب جنازه می شیراز کتور یلوب دفن اولندی و پدرو پسر و قاتل بنک ارمه می
همان اون ایکی **کون ایدی دیندر** (فصل نهم در احوال انابک مظفر الدین محمد بن محمد) پدرو
و قاتل تصکره بونی تخته کچور دیله اکن اوغلا خنق اولغین سلطنتی والدیه می بی تر کان خاتون سوردی ایکی
بیلیدی آید نصکره مرای طامندن دوشوب و قاتل ایدی (فصل نهم در احوال انابک مظفر الدین محمد شاه
ابن مظفر شاه بن محمد بن زینکی) جمیع و دلیر و خادیه بی نظیر ایدی تر کان خاتون قیزی نکا حلقه در روز و شب
عیش و نوش و طرب و شوق شغب ایدوب خصوصاً سابقاً سفاک بی بالک اولغین التیوز التیش برده بونی تر کان
خاتون مهر قیده کند و بکری طوقوب هلاکویه ایلنوب بر سره برادری سلجوق شاه پادشاه اولدی محمد سلطنتی
همان سکر آیدی (فصل نهم در احوال انابک مظفر الدین سلجوق شاه بن مظفر شاه) خوب صورت
و صاحب شجاعت ایدی محمد بیوک برادری اولوب والدیه می طرفندن ملوک سلجوقیه نسلندن ایدی
اصطخر قلعه منده محبوس ایکن قاچوب اننه عسکر جمع اولوب شیرازده برادری بر سره تخته کچوب سبب فساد
اولان بعض بکری قتل ایدوب تر کان خاتون غایده حسنا اولغین آتی نکا حلقه می غایت ظالم و پادشاه
اولغین بش آید نصکره مست ولایه قتل ایکن تر کان مسکینه نک باشن کس دروب طبق ایل مجاسه کتور کارنده
تر کانک قولاغنده اولان دریتی کند و ایلله چکوب قولاغیله بیله قو یاروب مازنده به اتی و یردی بعده
هلاکونک صو باشی و نیجه کسنه لری بی گاه قتل ایتمکین التیوز التیش ایکیده هلاکودن عسکر کاوب
سلجوق شاه کازرون شهر بر سره قاچوب تاتارل یثوب جنک اولوب سلجوق شاه می جامه ده طوقوب
قتل منده قتل ایدوب (فصل نهم در احوال انابک مظفر الدین ابی بن محمد بن بکر) ملوک
سلجوقیادن ایش خاتونله هم شیر مندن غیری کسنه قالمیوب ابی بن هلاکونک اوغلی تیمور و غنی نکا حلقه
اولغین سلجوق شاه بر سره بونی تخته کچور دیله بکری بیل یا اون اتی بیل سلطنت سوردوب التیوز
کسان ایکیده تبریزه وفات ایدوب ملوک انابک و سلجوقیه نک آخری بو ایدی بو تار دینکره بلاد ولایت
فارسی هلاکونک اولادی ضبط ایدوب (نظم) کین رفته اند و کین آمده بیجای هم اما کین آمده منته الله
فی الذین خلوا من قبل وان تجد لسنه الله تبدیلا (باب خامس عشر در احوال ابویه) بو طاقه اون نفر
اولوب ایچلندن بریمی خاتون ایدی * اول ظهور لری بشیوز التیش بدیده یاسکرده و مدت سلطنتی
مکسان بیل و تخت کاهلری مصر دارالنصر ایدی * ایشو طاقه بیچده کسنه اولوب و جله می علما و شعرا
و عتلا اولوب اکثری عدالت اوزره ایدی * زمان واحدده کیمی مصره کیمی شامه و کیمی حلبه کیمی
بعض بلاد عریه پادشاه اولوب هر برینک و اولاد لری نک اسمای و احوال لری نک ذکر تفصیل عظیمه محتاج
اولغین ایشو کاید همان تر قیده مصره سلطان اولنری یاز یلوب سائر لری نک اکثری دخی مناسبت اقتضاسیله
جایجا یازلیدی (فصل اول در احوال سلطان صلاح الدین یوسف بن ایوب بن شادی) هر ویدر که
من ویر شادی اگر اددن اولوب اوغاری ابو بله شیر کوه بغدادده ملوک سلجوقیه دن برینک تخته می هر روز
خدمت ایدوب اودخی بونلری بغداد فر بنده تکریت قلعه منک مستحفظ لرندن ایدی * بعده شیر کوه قتل
نفس ایتمکین هر روز بونلری رد اید کده کیدوب سلطان عماد الدین انابک زینکی به خدمت کار اولوب ایکیسی
دخی برار و کار کار اولغین عماد الدین نور الدین سلطنتده هر بری دولته ایرشوب ملوک فاطمیه آخری
عاضد لری الله فصل منده تفصیل اولندی اوزره شیر کوه له ایوب اوغلی من ویر صلاح الدین نور الدین طرفندن
عسکره مصره ایکی کره واروب کاوب شیر کوه و قاتنده صلاح الدین عاضده مصرده وزیر اولوب بشیوز
التیش بیدی محرم منده عاضد وفات اید کده صلاح الدین تخته کچوب اکن خطبه بی بغداد خلیفه می
مستشیر بونر اید با مننه اوقیوب - بیله به خبر کوندر کین * اولدخی نوکا سلطنته اجاز نامه ایل خلعت لری
ویر لری * ایشو طاقه زده صلاح الدین برادری نور الدین شاه می عظیم عسکره مننه کوندر ویر بنده صلاح
الدین شامه واروب اند برادری سید الاسلامی قو یوب کندو حمایه و حصه واروب ضبط ایدوب
بعده حلبه واروب من اعیل ابن سلطان نور الدین محاصره ایدوب حصه فرنگ کلدو کین ایشو کین دونوب
واروب بعده بیجای لوب بعده اعیل عسکر جمع ایدوب صلاح الدین اوشنه واروب شکر صواشوب صیوب

صیوب صلاح الدین انک اوزرینه دوشوب حلبه نکرار محاصره ایدوب بعده صلح اولوب شام صلاحه حلب
امام ایل مقرر قلعتین صلاح الدین حلبدن کندی * یتش برده صلاح کلوب منج و عزاز شهر لری الوب
تکرار حلبه کاوب بعده محاصره اعیل ایل صلح اولوب سلطان نور الدینک بر کو چن قیزی صلاحه
کتور کارنده اوخشا یوب وافر مال و یروب نه ایسترن دیوب عزاز قلعه سن دید کده صلاح اتی باغشلیوب
مصره کیدوب یوله مسیاف شهر نک خلعتی اعیل به دید کیری طاقه دن اولغین اکثری قتل و شهر بی
خراب ایدوب مصره وارد قده شهر نک اطرافنی احاطه ایتمکچون دوری بکری طقوز بیك ذراع حصار
و بر کو چن طاغ اوستانده ایچ قلعه و مرای و شهر ده بردار الشفا و امام شافعی من ارنده بر مدرسه یابد رقه
باشلیوب من ویر قلعه چاق و قاتنه دل یا یلوردی * یتش اوچده اب دریا می شامده سابقه افر نکار مسلمان دن
الدقاری قلعه لری آلفه عسکر ایل کیدوب وارد قده عسکر غارت و غنیمته طاعه قلعه کفار هجوم ایتمکین
صلاح مصره قاچوب یوله صومرا قدن چوق طوار قیرلوب طاعلان عسکر کیری کفار اسیر ایدی *
یتش ایدیه صلاح ولایت رومه سفر ایدوب بعده منصور و مظفر مصره کلدی * یتش سکرده شامه
واروب مصرده برادری ملک عادلی قو یوب کندو می غزایه توجه ایدوب بعده و قاتنه دل مصره واروق
میسر اولوب ولایت شامده فرنگدن وافر قلعه لری الوب بعده دیار بکره واروب رهارقه خابور نصیبین
شبحار شهر لری الوب و صلی دخی محاصره ایدوب لکن آمدن دونوب یتش طقوزده قره آمدی محاصره ایل
الوب نور الدین محمد و یروب بعده حلبه کاوب بعده محاصره پادشاهی عماد الدین زینکی ثانی نک الذین
الوب اکا شبحار نصیبین و خابور ورقه بی و یروب هر لازم اولدجه عسکر یله کاوب صلاحه معاونت ایدیه
دیو صلح اولغین صلاح عمادی عظیم ضیافت ایدوب بعده غزایه کیدوب بعده برادری ملک عادله حلبی
برادر زاده می ملک مظفره مصری و یروب کندو اوغلی ملک ظاهری شامده قو یوب سکسان برده ینه موصله
واروب محاصره ایدوب لکن آمدن کیدوب میافارقین شهر بی الوب بعده تکرار کاوب انک پادشاهی انابک
عزالدینک مملکت لرنده سکه و خطبه صلاح اکنه اولق اوزره صلح اولوب شامه کندی * بعده اوغلی ملک افضل
شامی اوغلی ملک عزیز لره کندو برادری ملک عادله مصری نیایه و یردی * سکسان اوچده کرک شهر نه
غزایه ایدوب اوغلی افضلی شهر عکابی غارت کوندر ویر و اودخی واروب وافر غنیمت کتور ویر بعده صلاح
الدین طبریه شهر بی کفار دن قلعه فتح ایدوب بعده بلاد شامیه ده اولان فرنگلر جمع اولوب صلاحه عظیم
صواشوب بعده صلاح الدین قدس شریفی و نیجه بلاد شامیه بی کفار الذین فتح و ایچلرنده اولنلری قتل
و اسیر ایدوب قدسده اولان کفار دن هر براردن اون هر عورت دن بش هر اوغلا خنقدن ایکی التون الوب
آزاد ایدوب قدسی قظه ویر و تعمیر و اقامت مراسم دینله تویر ایدوب تکیه لری خانلر مدرسه لری یلوب بعده
ولایت شامده کفار الذین وافر شهر لری دخی ایدی * بشیوز سکسان بنده فرنگ عظیم جمعیتله کاوب عکابی
محاصره ایدوب صلاح الدین ایکی کره کاوب عظیم صواشوب کندی * عاقبت کفار عکابی امانله الوب لکن
حصار دن چیقانلری قتل و اسیر ایدوب قیصریه به کیدوب انده محکم صواشوب مسلمانلری صو یوب یفا
شهر بی الوب صلاح کفار خنقندن غزیه بی و رمله بی بییه ویر قدسده واروب اتی تحصین و ناسن تحصین ایدی *
سکسان سکرده کفار ایل اوچ بیل و اوچ آیه دل صلح اولدیلر (وفات) بشیوز سکسان طقوز صفری
او ارنده صلاح ذوالفلاح دمشق شامده الی بیدی یا شنده وفات ایدوب میتنی متن تلخیص مؤلفی خطیب
دمشقی یو یوب مرثیه خوان اولوب خلق اغلاشوب عظیم ماتم و اطهار غم مدغم ایدیلر * مصرده و شامده
جله مدت سلطنتی بکری ایکی بیل ایکی آی اولوب اون بیدی نور اوغلی و بر قیزی قالدی (مناب) هر ویدر که
و قاتنده جلّه خزینه سنده همان بردانه التون و اووز اتی باقر قیزی انجه می بولنوب اصلا عسکر تحصین دن
بر سره می بوغیدی بنه چک آت لرنده دخی مالکی اولیوب کیمی باغلا غش کیمی وعده اولغشیدی شهر عکا
چا یرنده قوش ایکن بر کونده اون ایکی بیلک آت باغلا مش ایدی شافعی مذهب زاهد مشرب اولوب اصلا
بر وقت غازی وقتند ناخیرا تیموب داغما جماعته قیلردی فتوحاتی بی حد خیراتی و عطیاتی لاتعد خوب خصات
عدل سیرت بالزبان اهل عفو و احسان سلطان عظیم الشان ایدی * بلاذام لامیه دن کفار فرنگ الدقاری *

الشمس عدد شهری فتح و ضبط ایدوب مصر و شام و حلب و قدس و سرزمین محترمین و عین و بعض بلاد مغربه
مالک اوامندی * شجاع و قوی القلب اولمغین بر کره بشیوزین کافر عسکرله جنگ ایتشدی معمر اولسه عالان
شرق و غربی مسخر ایتک مقرر ایدی قاضی فاضل آدلوب روزیری عالم و فاضل و عا د کاتب آدلوب رکاتب منشی
و کمالی و ار ایدیکه دنیا به برکان قیلمردن ایدی و ذکر جیلاری السنه نامه دوار ایدی * رحمة الله علیه
اجعین (فصل ثانی در احوال ملک عزیر عثمان بن الملک صلاح الدین) مر ویدر که صلاح وفات ایتدکده
یولک اوغلی ملک افضل فورالدین علی شامه ایتکینی اوغلی ملک عزیر عثمان مصره * اوچینی اوغلی ملک ظاهر
غیاث الدین غازی حلبه * بر اوغلی ملک زاهر خضر شامده بصری دیدکاری حوران شهرینه * بر اوغلی ملک
زاهد داود بصریه * برادری ملک عادل سیف الدین ابوبکر کرک و شوبک و بعض شهرله * بر نام برادری ملک اوغلی
ملک منصور نامر الدین محمد حاکم و سلیمه و معمره و منیع و قاضی نجمه * ملک انجیر بمرام شاه بن فرخ شاه
ابن شاه شاه بن ایوب بعلبکه * عیسی اوغلی ملک عزیر عثمان * مر ویدر که صلاح ورحیه و تدمره
مستقلا بادشاه اولدی * بشیوز طقسانه عزیر افضله انجیر شوب کلوب شامده محاصره ایدوب
افضل دخی عادل و منصور و ظاهری چاغردوب کادکارنده ارالین صلح ایدوب عزیر مصره کتدی *
بعده افضل فتن و بخورده باشلیوب بعد زمان توبه و نمازه مداومت ایدوب کند و خطبه بر مصحف شریف
یازدی طقسانه برده عزیر شامه عزیمت ایتدکین یولدن دونوب افضل ایتدکده عیسی عدله مصره کیدوب
عزیر نوزیری قاضی فاضل قارشلوب صلح ایدوب افضل شامه عادل صلح ایله مصره کیدوب ترک دنیا
ایتدی * طقسانه ایتدکه افضل و زیری ظانی حددن آشر دقده عزیر عدله شامه ولروب عادلی انده
قویوب کند و مصره دونوب افضل صلحه شهرینه کتدی * طقسانه بشده شامده برامی بن عیسی
دوبدوری و نیجه سفهانی اغوا و ضلالت اغرا ایدوب عاقبت صلیب اولندی * مر ویدر که ملک عزیر
پدری کبی کریم و عادل شقیق و پالندل صالح و متدین و ولطنته لیاقتی متعین اولوب بشیوز طقسانه بشده
وفات ایدوب سلطنتی بش ییل اون آی ایدی (فصل ثالث در احوال ملک منصور محمد بن الملک عزیر عثمان)
پدری وفاتده طقوز یاشنده تخته بکورتلکین عیسی ملک افضل مصره کلوب بوکا وزیر و اتابک
اولوب بعده افضل عادلان ماردین فتحه کتد و کن ایشدوب شامه کلوب عادل دخی ایشدوب
افضلدن اول کلوب افضل حلبده اولان ملک ظاهری چاغروب اتفاقله شامی محاصره ایدوب المغه
بغلاشدقه ظاهرله بر محبوبی ایلار دیلوب عادل ظاهره اوغلا نیکی افضل آیردوب فلان کسینه نک یاتده
امانت قودی دیوب ظاهر محبوبی اوکسینه ده بولدقده افضله انجیر شوب حلبه کیدوب عادل شهردن
چیقوب افضل مصره قاجوب عادل انک آردنجه واروب افضل شهردن عسکرله چیقوب عادلله
صواشوب صینوب شهره قاجوب عادل مصره کیروب افضل برینه وزیر و اتابک اولوب افضل سابقا
مسکنی اولان صرخه شهرینه کیدوب بعد زمان عادل محمدی سلطنتدن رفع ایدوب برینه کند و کجوب
بشیوز طقسانه بیدیه محمدی جله توبه ایله حلبه سوروب محکمه مصره سلطنتی جله بر ییل وایکی آی ایدی
(فصل رابع در احوال ملک عادل سیف الدین ابوبکر بن ایوب) که ملک صلاح الدین برادر پدر
مزبور سیف ادیب و ارب و لیب و مصیب * فنون کالانه صاحب نصیب ایدی * مقدمه مصره
عزم ایتدکده شامی اوغلی ملک معظم عیسیایه و یروب بعد زمان مصره محمدی رفع ایدوب برینه کیدکده
برادرزاده می حلب سلطانی ملک ظاهر سابقا افضله شامه بون محاصره ایتد و کتده عذرنامه کوندر یوب
صلح اولوب حلبده سک و خطبه بی عادل نامه ایتدی * بشیوز طقسانه التیده مصره بیل آرزاشوب
ایکی بیلدک عظیم خط اولوب قرا و اهل قرا قبولدن موقی چیقاروب غذا ایدور لردی آجلقندن
بعده آدم هلال اولوب بوانلارده مصر و شامه عظیم زلزله دخی اولدی * طقسانه بیدیه ملک ظاهر
حلبدن کلوب شامی محاصره ایدوب افضل دخی صرخه بونک یاتده کلوب ظاهره شامی افضله و یروب
کند و مصره واروب تخته بکمن نیت ایتد و کتی مصره عادل ایشدوب قدمه قریب نابسه کلوب
طور یوب شام الفی انزده ایکن ظاهر افضله حد ایدوب شام بنم مصر سنک اولسون دیوب افضل

رضا و یرمکده طقسانه محترمه ظاهر حلبه افضل حصه کتدی * التیوزده مصر و شام و جزیره
قبرس و مالک روم و عراقده محمدکم زلزله اولوب ضرر شهری و یران اولوب حوزانده برقریه بره کیدی
عادل حال حیاطده مصری اوغلی ملک کامله و یروب کند و می شامده قرار ایدوب بغداد خلیفه می
ناصر بالله شیخ شهاب الدین سروردی حضر تلبه بوکا و اولادنه سلطنته اجازت نامه کوندردی * التیوز
درتده ولایت ارمنده اخلاط شهرنی و توابه بی عادلان اوغلی ملک اوحد فتح الدین ضبط ایدوب التیوز بیدیه
اوحد وفات ایدوب مملکت لری بعض بلاد شرق سلطانی اولان برادری ملک اشرف موسی ضبط ایتدی *
التیوز طقوزده ملک عادل صغیه آدلوب قیزی حلب پادشاهی ملک ظاهره و یروب الی بیک فلوری مهرله
نکاح اولوب عروس صاحبیه الشاموس شامدن حلبه کوندر یوب ظاهره عسکر فراوانله قارشلوب
شهره کتوردی * التیوز اون درتده ملک عادل غزاده ایکن یتیم درت یاشنده وفات ایدوب مدت سلطنتی
قرق ایکی ییل اولوب بیکری اوچی شامده بعده اون طقوزی مصر ایله شامده ایدی * اون الی قراوغلی و بر قاج
قیزلی قالوب ایچلرندن ملک معظم عیسی یاتده بولغین شامه سلطان اولدی (فصل خامس در احوال
ملک کامل محمد بن ملک عادل ابوبکر) عالم و کامل ماهر و فاضل اولوب علمایه رعایت و احسان و علم فقه
و بخودن مسائل مشکله ده بخیر و امتحانلر ایدوب کند و بالذات طلبه رفیع المرتبه به درس و یرردی
مصرده اون بر ییل پدر سنک قائمده قاضی اولوب انک وفاتده پادشاه اولدی * التیوز اون درتده حلبده ملک
ظاهر بن ملک صلاح الدین وفات ایدوب یولک اوغلی ملک صالح واریکن ایکی یاشنده کی اوغلی ملک عزیزی
وصیتی اوزره تخته کچوردیلر ظاهرله مدت سلطنتی اونوز بر ییل ایدی * ایشو سنه ده کفار فرنگ مصرده دمیاط
شهرنی المغین ملک کامل کفار خوفندن لب نیلده بر شهر و قلعه با یوب آدی منصوره قویوب عسکرله انده
ساکن اولدی یتیم بوییل شام سلطانی ملک معظم کفار خوفندن قدس شریف حصارین بیقوب خلعتی
قاجوردی یتیم بوییل جمیع مالک اسلامیه بی بر طرفدن فرنگ بی امان و بر طرفدن چنکیزی ایمان الان و تالان
ایتدکده زمره مسلمانان حیران و سرگردان اولدیلر ذلک تقدیر العزیز العظیم * یتیم بوییل حاکم سلطانی ملک
منصور محمد بن ملک مظفر عمر بن شهنشاه بن ایوب وفات ایدوب برینه اوغلی ملک ناصر قلی ارسلان کیدی
مزبور محمد شجاع و عالم کامل ایدی * ایتدکوز مقداری ققیه و نحوی منلایله دائما مصاحبت ایدوب
بر قاج کتاب تألیف ایتشدی * التیوز اون سکزده منصوره شهرینه وافر کافر کافر کلوب چنکه باشلوب
کامل دخی شامدن ملک معظمی شرقدن ملک اشرفی حاکم ملک نامری بعلبکه کن ملک انجیر حصدن
ملک مجاهدی اقریابی اولمغین معاونه چاغردوب کادکارنده عرب مستند و ضرب ممتد اولوب مسلمانلر
قدمی و نیجه شهرلری و یرمک شریطله صلح اولما ایتاشنده ایکن بعض مسلمانلر کفار اوستنه بیل ایرماغی
صالیب یروب اکثری بوغلوب بر مضعون (و تلک الایام ندا و اهلبین اناس) صورت قضیه انعکاس
بولوب بوکره کافر صلح ایتدوب کامل اوج بیلدنبر و متصل چنکدن اوصافغین بر قاج بکارین رهن الوب
کند و دخی اوغلی ملک صالحی انزده رهن و یروب دمیاطی مسلمانلر آلدی * اون طقوزده عین سلطانی
ملک مسعود ایوبی مکرمه یه کلوب ساکنکینی شریف لاندن الوب بیدی ییل مجاور اولدی * بیکری
ایتدکده ملک معظم عیسی قرق طقوز یاشنده شامده وفات ایدوب سلطنتی طقوز ییل ایدی ساکم قوی و نیجه
روق و عالم و نحوی و فقیه حنفی اولوب محبوب القلوب مسلوب العیوب ایدی قدسه زیارت کلوب کتدکده
کار علادن بری عیسیایه بوطعه بر صنعه بی یازوب کوندر مشدیکه بودر (نظم) غبت عن القدس با وحشته
لما غدا با حاکم ما نوسا * و کیم لایطقه وحشته * وانت روح القدس یا عیسی (نثر) مزبور ملک
عیسانک برینه اوغلی ملک ناصر داود کجوب بعده ملک کامل امریله کاملان برادری ملک اشرف کلوب شامی
داودک لاندن الوب و انک برینه کرک بلقا شوبک عز از شهرلرین داوده و یروب کند و ضبطنده اولان بعض
بلاد شرقیه بی ملک کامله و یردی * بیکری التیده ملک کامل قدسی فرنگله مسلمانلر معاضط ایتک اوزره
بالضروه صلح اولمغین اون بر ییل مشترک اولدیلر * ایشو سنه ده ملک مسعود مکده بیکری الی یاشنده وفات
ایدوب سکز یاشنده اوغلی یوسف عینه پادشاه اولوب مسعودک سلطنتی اون درت ییل ایدی یتیم بیکری التیده

باید بدید ملک کامل جاسطانی ملک ناصری عزل ایدوب برین انک برادری ملک مظفره و پردی اشپوسنه ده ملک
 انجیدی ملک اشرف بعلیکده محاصره ایدوب بعده چیتارلد قده شامه سور یلوب انده ایکن سابقا حبس
 ایدوب کی بر قول انجیدی شطرنج اوینار کن علی الغفله قبله اوروب وفات ایکن شامده دفن اولندی
 بعلیکده قرق طقوز بیل پادشاه اولوب بنی ایدوبه بویه ماهر شاعر کلامشدر * یکریمی طقوزده ملک کامل
 آمدی ونصیبین و حصن کیهانی حاکم ظالم الندن الوب کند و اوغلی ملک صالح ایدوبه و پردی او توزه
 سلطان حلب ملک عزیر شیر شهرین الدی * او توزه یکیده بیره سلطان ملک ظاهر بن ملک صلاح الدین
 وفات ایدوبه او توزه درنده سلطان حلب ملک عزیر یکریمی اوج باشند و وفات ایدوبیدی باشند و اوغلی ملک
 ناصری برینه کجوب پدر بن والدی مدبره امور اولدی * او توزه بشده ملک اشرف شامده التمش باشند و وفات
 ایدوب برینه برادری ملک صالح اسماعیل کجوب اشرفک سلطانن سکر بیل و بر قاج آی اولوب اهل کرم و مبارک
 قدم ایدوب سلطان مصر ملک کامل ایشد کده شامه کابو محاصره ایدوب بعلیک و بلقا و حوران شهرلری
 صالحه و یروب شامی کامل ضبط ایدوب ینه یوسنه ده کامل شامده التمش باشند و وفات ایدوب مصر
 و شامده جله سلطانن یکریمی بیل ایدوب شام تختنه ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل اول مصر
 تختنه ملک عادل ثانی ابن ملک کامل یکدی (فصل سادس در احوال ملک عادل ابوبکر ثانی ابن ملک کامل)
 پردی بونی مصرده قویوب التیوز او توزه بشده شامده وفات ایدوب مصر تختنه یکدی * او توزه التیده
 برادری ملک صالحه ملک جواد رضاییه شام سلطانن و یروب شام بیدی جواده سنجار رقه عانه شهرلری
 و پردی * او توزه بدیده صالح مصره عسکر چکوب بعلیکدن ملک اسماعیل حصندن ملک سجاد کابو
 اسماعیل شامده تختنه کجوب صالح ایشد کده عسکری طاعلوب ناباسه واروب کرک سلطانن ملک
 ناصر صالحی طوقوب بعده عالیو یروب ناصر صالحه قدسه واروب کفار الندن الوب ایدقاری قلعه بی
 یقوب مصر صالحه شام و غیره ناصر ملک اولق اوزره عهد ایشوب اتفاقه مصره کیدوب مصردن ملک
 عادل عسکر یله چیقوب آردلرندن ملک اسماعیل دخی شامدن عسکرله کابو صالح و ناصر ملک بر وجه
 جزم و بت حسب حاللری حیرت و کربت و ماصدق (ضاقه عظیم الارض بمارجبت) اولد قده (الامر
 اذا جاوز حده انعکس ضده) مفه و خجه ملک عادل کند و قوللری طوقوب حبس اولوب صالح و ناصر
 منصور شوکت و سرور ایدوب مصره کیدوب صالح تختنه یکدی * ینه یوسنه ده سلطان حصن ملک مجاهد شیرکوه
 وفات ایدوب سلطانن الی الی بیل اولوب برینه اوغلی ملک منصور یکدی ملک عادل سلطانن ایکی بیل
 و اوج آی اولوب التیوز قرق درنده حبسده وفات ایدوب سکر بیلدنبر و محبوس ایدی (فصل سابع
 در احوال ملک صالح نجم الدین ابوب بن ملک کامل) مقدما ذکر اولدوغی اوزره شامده سلطان ایکن مصره
 عسکر چکوب برادری ملک عادل التیوز او توزه بدیده قوللری حبس ایدوبده صالح مصره کیدوب تختنه
 یکدی * او توزه سکرده شام سلطانن ملک اسماعیل صالح خوفندن صفد و عقیق و عسقلان و طبریه شهرلری
 فرنگه و یروب قدسه دخی تسلط ایدوب اهل اسلام پرغم و آلام اولدیلر * بر بیلدنصره صالح شامه عسکر
 کوندروب اسماعیل دخی چنکه عسکر کوندروب فرنگلر اسماعیله معاونته کابو فرنگ وادل شام جیهوب
 صیوب طاعلوب بعده صالح غزه و رمله و ساحل بحر شام شهرلری الوب بعده شامی المغه عسکر کوندروب
 بر بیل محاصره دنصره الوب اسماعیل حلبه قاجدی زمان محاصره ده صالحک اوغلی ملک مغیث عراق اسماعیل
 حبسده وفات ایدوب قرق ایکنده سلطان ملک مظفر بنی الدین بن محمود بن محمد بن عمر بن شاهنشاه ابن ابوب
 قرق اوج باشند و وفات ایدوب سلطانن اون بش بیل ویدی آی اولوب شجع و ذکی و محب علماییدی برینه اون
 باشند اوغلی ملک منصور و محمد یکدی و اشپوسنه ده ینه ملوک ابویه دن میافارقین سلطانن ملک شهاب الدین
 وفات ایدوب برینه اوغلی ملک کامل یکدی * قرق درنده حسن سلطانن ملک منصور ابراهیم وفات ایدوب
 برینه اوغلی ملک اشرف یکدی * قرق بشده مسلمانلر عسقلان و طبریه بی فرنگ الندن فتح ایدیلر * قرق
 التیده حلب سلطانن ملک ناصر حصنه اشرف محاصره ایدوب حصن الدروب تل باشر شهر بیل و پردی *
 قرق بدیده ملک صالح مصرده قرق باشند و وفات ایدوب سلطانن طقوز بیل طقوز آی ایدی عالی هفت

اهل سنت عظیم الضفت عظیم الهیبه اولوب اکثر عسکری و ملک قوللری طاقفه آرا کدن ایدی مصره
 اوج درت منزل برده شکاره وار میچون برنهر بابو ابی صالحیه قویوب مصر شهرینک قارشو شده
 نیل کارنده محکم حصار ایلر روضه شهرین دخی بابو ابیچنه عسکر قویوب مصرده ایکی مدرسه یا پیشدر
 (فصل ثامن در احوال ملک معظم نورانشاه بن ملک صالح ابوب) منور ابوبک وفاتده نورانشاهن
 غیره اوغلی قالمیوب بودنی حصن کیهاده اولغین مصره کاجبه ابوبک ام ولدی شجر الدرعاقده و مدبره اولغین
 درت آیه دلایوب ملک مینن صاقلیوب اسلوب سابق اوزره هر کون دیوان قوردر و بعلطرچکدر و ب
 صالحک وفاتی کسبه باز ایدی نورانشاه بشپوز قرق بدی ذی القعدة سی آخرنده نیل کارنده منصوره به
 کابو فرنگه صواشوب او توزه بیل کافر قیوب بکارتی اسیر ایدوب مصره کاورکن یوله پدر ملک قوللری
 انجید کده ماه محرم آخرنده شهر فارسکوره قونشیکن قلیج اوشورمکن بر باره و آواره و بیچاره اوتاغنه
 قاجوب چادره آتش اوردرلنده جان آجیده یله چیقوب کندی ینله ابوب لکن طوقوب قتل اولندی
 سلطانن همان ایکی آی ایدی (لحوره) بلای ینله دکر جهنمک * الندن صد هزاران آه آنک *
 و پردی نه آلود و پردی کنی تیز * رلک چانه اوردره رالیه تیز * نسندن حقه ایدوب عاقل نسندن *
 خدا صقلایه مکر و قنه سندن (فصل ناسع در احوال شجر الدرعاقون) ملک صالحک ام ولدیدر
 اوغلی ملک معظم شهید اولد قده عسکر مصر جمع اولوب بونی سلطان ایدوب سکمی کسلوب
 خطبه بی اوقنوب عز الدین ایکن زکاتی وزیر اولدی * اوج آیدنصره ایکن بونی نکاحلنوب
 تختنه کجوب بش کوندنصره ملک اشرف موسی تختنه کجوب بوارانقده حلب سلطانن ملک ناصر یوسف
 شامه کابو اسماعیل الندن الوب ضبط ایدوب * شهر الدربک مستقلا سلطانن همان اوج آی ایدی
 (فصل عاشر در احوال ملک اشرف موسی بن ملک صلاح الدین یوسف بن ملک مسعود بن ملک کامل)
 پردی وجدی سابقین سلطانن ایدیلر * التیوز قرق کزده مصرده تختنه کجوب سکر باشند اولغین
 سابقا بش کون پادشاه اولوب بعده عزل اولتان عز الدین ایکن وزیر و ثانی و مدبره و سکه و خطبه ده
 شریکی اولدی * درت بش آیدنصره حلب و شام سلطانن ملک ناصر مصره عسکر چکوب چنک ایدوب
 ایکی عسکر دخی صیوب بعده عز الدین شام عسکرین صیوب بنی ابوبدن ملک صالح اشرف ملک معظم
 نورانشاه بن صلاح الدین و معظم ملک برادری نصره الدین اسیر اولدیلر * سابقا شام سلطانن اولان ملک اسماعیل
 دخی قتل اولتوب الی ایکنده عز الدین قوت بولوب ملک اشرفی رفع ایدوب برینه یکدی * مصرده آخر ملوک
 ابویه ملک اشرف در اما ابویه دن شام و حلبده ملک ناصر حصنه ملک اشرف حصاره ملک منصور و بعض
 بلادده بعض اقربا لری دخی کیمی کند و لرو کیمی کند و لرو دنصره اولاد و نسللری نیجه بیلار سلطان کامران
 اولوب لکن انلرک ترتیب اوزره اسماعیلری خصوصاً احوالری نام ضبط بلکه نام معلوم اولغین مرقوم اولدی
 (باب سادس عشر در احوال ملوک چنکیزیه) بونلر اطراف ممالک چینده طوائف نادرین برنوع اولان
 مغول طائفه سندن اولغین بونلر سلطانن مغل دخی دیرلر * اون نقر اولوب اول ظهورلری التیوز التیده
 و مدت سلطانلری یوزا و توزه درت بیل ایدی اگر چه اکثری کفاردر لکن ایچلرندن بر قاجی اسلامه کلمکین
 خصوصاً ممالک عالمده صاحب قرانلق ایدوب شهر متعلق امور عظیمه لری صدور ایچنکه اصل و فرع
 و احوالری بیلنک لازم اولغین کتب تواریخده ملوک اسلامیه ارامنده یازیلر کلمشدر (مقدمه)
 تاریخ الخلفاء صیوطیده منامنه مذکوردرکه طائفه مغول هندستانه قریب اولغین لغتلی هند لغتیه
 مخلوط ایدی یصی کوکسلو یصی یوزلو کوچک کوزلو قاره بکزلو مربع الحکره در یغ البرکه خفیف الحسد
 عظیم الحسد تیزه هم نافذ السم عظیم الوهم بی رحم و سفالت و جست و جلال صاحب مکر و ادراک
 و غارتگری بالاطراف ولایت چینده محرا نشینلر اولوب قری و وامصارده قرار ایچوب شقا و فساد
 و غارت و غارت بلاد و شر و ضرر و غر و بدتمه ادا که معتاد ایدیلر * احوال اکثر ام عالمه انلر واقف لکن انلر
 احوالنه هیچ کسنه عارف اوله مزیدی زیرا ایچلرینه اجنبیدن جاسوس کیره صورت و سیرت و لباس
 و غیره حلقه انلر اصلا تعلیده مجال محال اولوب فی الحال طویلو و وطو تلوریدی نه به عزم

ایده جنگی غایت اخفا اینست که بنویسند و ایستادلیوب سفره بر او گردن قانوب واره جقاری بره اجل
 باجل کبی خجاء کلوب جتار و عسکر عدوی بری برینه قنارلردی اکابنازمه مسلمان نیچه سنین
 بوملا عینی دین بد آیین التدن عاجز و با این اولدیله اکثر بالآت حربلری اوقای اولوب عورتلری دخی
 ارلر کبی محکم جنگ ایدرلردی جمله سی کفار اشرا اولغین کوشه طوغدینی زمانده طلوب دنیاده اصلا
 برننه بی حرام عدا یتیموب جمع حیوانات اتن یتیموب حتی نیچه لری آدم اتی برلردی مندرده دایما یا نلر نیچه
 قیون صغرات سوریلری کردروب غیر ذخیره کونورموب طوارلری دخی اربه بکه معتاد اولیوب همان
 ایاقلریله بری قانوب بناتانی کوکندن قوپاروب برلردی عواملری نکاحله مقید اولیوب بر عورتی نیچه
 لوند برکنند استماع ایدوب قباغ و فضاحت اصل استماع ایتزلردی مکار و ستکارلر خوشنوارل اولوب
 اتصای ماماری افشای طوائف انام اولغین ملک و ماله بقمیوب رجال و زنان و بیرون جوان اللرندن
 اصلا امان بولیوب بی مهل و ممل البسته قتل ایدرلردی (لحرره) ایتدیلر دنیاده چوق درلوفساد *

لغت ایدله انلر حق فی المعاد (فصل اول در احوال جنگیزخان بی امان سست بیان) ینه تاریخ الخلفاده
 مذکور در که ولایت جین اتی ایدله طولاشلوب بر در مستقل پادشاهلواتی عدد و اساع مملکت اولوب جله نک
 اوزر ینه خلیفه مسلمان نظیری فان دیکله مایه بر سلطان عظیم الشان حکم ایدوب انک تختکاهی شهر طمغاج
 ایدی اتقا قالمالت مزبوره دن برینک پادشاهی دوش خانک خاقونی جنگیزلر عه سی یعنی خاله سی اولغین
 دوش وفات ایتدکده جنگیز خاله سی کورمه که کشلو خاله یله واروب خاقون بونلر دوش بیروشک اولادی
 قانلیغن بلدروب بری جنگیزه تکلیف ایتکین تختکجوب مغول غول طبعدن وافر کافر جمع اولدقه
 خان اعظم اولان قانله دایای شاهانه کوندردی طائفه تانار مهرانشین اولوب ایچلرندن پادشاه اولمش
 کسته اولماغین قان جنگیزه انجوب کوندردی ایلر کقو برقرین کسور ایدوب جنگیز ایتدکده
 قاقوب قانله مخالفته کشلو خاله عهداشوب عدد مورومار بیحد تانار جمع و قانله عزم قع ایدوب مزبور
 قان مینه سی خفقان و دیده سی قان و علامت یرقان ایلر طلوب بونلردن خوفندن (لحرره) کاه عتف
 و کاه لطف ایلر خبر * کوندروب ایدله مدی هیچ دفعه شر (نثر) عاقبت جنگ ایتدکده قان صینوب
 ممالک جینی جنگیز جنگ انکیز ایلر کسلوی صاحب غلواکوب کشلو خان وفات ایدوب برینه اوغلی کجوب
 بعده جنگیزانی طلوب جمع ممالک چینه مستقلا قان اعظم اولوب جله اهلای بلاد ماتد عباد بوکام طبع
 و متقاد حتی حاشا الوهسته اعتقاد ایدر اولدیلر (خروج جنگیز) اتیوزالتی سنه سنده جنگیز قشنه انکیز دروه
 یعنی وطنیانه عروج و ترکستان و فرغانه ولایتلرینه خروج ایدوب اتیوز اون بشه دل اطراف مالکده
 انواع فساد ایدوب بعده ملوک خوارزمیه دن علاه الدین محمد خوارزمشاه احوالنده تفصیل اولندیغی اوزره
 جنگیز محمد انجوب بیحد عسکرله اوزرینه واروب بر حیل ایلر محمد یاتدن عسکر عظیمی طاعتدروب بعده
 جنگیز ابرار شهری آکوب مدب عداوت اولان محمد دایبسی جفا ایلر قتل ایدوب اون التیده بخارایه کلوب
 جنگیزه جنگیز صینوب وافر عسکر قیلوب مسلمانلر غنجه طاغلد قلزنده کفار مستحق بارجوم هجوم
 ایتکین مسلمانلر صینوب اکثری قیلوب محمد آخر برده اولغین ایتدکده بکری یلک عسکرله (لحرره)
 زهر قهر درهله اولوب زبون * شهر دن شهره بخاردی باغری خون (نثر) جنگیزانک آردنجه عسکر
 کوندروب اون بدیده جنگیز کندوسی کلوب ممر قند و خراسان و قزوین و همدان و سائر ممالک عجمی
 الوب تخریب بلاد و قتل و امرو انواع فساد ایدوب بعده عسکرینک بر فرقه سن کرمان و غزنه و سجستان
 معتزله و بر فرقه سن شروان و باب الاواب دیدکاری دمور قیود دشت قبیاق ولان و لکن و طائفه روس
 و بلاد شمالیه معتزله کوندروب کندوسی محمد خانک آردنجه کیدوب ایتدکده محمد عسکرین صیوب
 محمد نهر چکونده بر بزی به قاجوب جنگیز دونوب مازندران وری و همدان و مراغه و خراسان
 و خوارزم و لایتن الوب خلعن قیوب انواع فساد ایدوب اون سکرده محمدک اوغلی جلان الدین
 خوارزمشاه له سابقا غایت تفصیل اولندیغی اوزره ابتدا جنگیزک اوغلی اوقتل اولدقه جنگیز کندوسی
 مرارا صواشوب عاقبت جلای نهر ولایت سند کارنده صیوب هند ستانه قاجروب جنگیز دونوب

بغداد کلوب محاصره ایدوب بعده کندی * بکری برده سابقا شروان معتزله کوندردی عسکر قبیاق
 و روس و ماسه و طائفه لایه صواشوب انلری صیوب دونوب کلوب بغداد خراب معور اولان ری و نساه
 و قم و فاشان و همدان شهرلری تکرار ویران و بوم آشیان ایدوب قهریزه کاد کلزنده جلال هندستاندن
 کاکین کفاری فارشولیوب جبر و قهرله قهر و کسر ایدی * بعده جنگیز اتیوز بکری درنده کندونک
 قدیمی ولایتده وفات ایدی لعنه الله علیه و علی امثاله (فصل ثانی در احوال هلاکوب بن توتی
 ابن جنگیزخان) پدری توتی جنگیز حیاتده سلطان جلال الدین خوارزمشاه بخار به سنده قتل اولغندی
 جدی جنگیز وفاتده تختکجوب اتیوز بکری درنده و سکرده باب ملوک خوارزمیه ده تفصیل
 اولندیغی اوزره جلال الدین خوارزمشاهله مرار عکم جنگ ایدوب عاقبت جلالک عسکرین قیوب
 طاغدوب بکری طقوزده هلاک و عسکر آذر بایجانیه قصد ایدوب بغداد خلیفه سی مستنصر بالله
 عسکرله اربل حاکمی ملک معظم کفاری قاجروب اتیوز اوچده اربه تکرار کلوب مسلمانلر جنگ ایتد کارنده
 وافر کافر قیلوب باقیلری موصل اطرافنه واروب قتل و فساد ایدوب خلیفه بغداد قولار یازوب عسکر
 جعنه ماللر صرف ایدی * اتیوز درنده تانار اربل محاصره ایلر الوب خلیفه قیوب قرق برده اخلاط
 و دیار بکروا کتر بلاد روی الوب قونیه ده اتیوزن روم پادشاهی غیاث الدین کیخسرو و لجوی تاناره مسخر
 و مطیع اولدی * قرق اوچده تانار بغداد ناحیه لرندن به قویایه کلوب دوبدار خلیفه یعنی سر عسکر
 فارشو چیقوب تانار صینوب الی درنده هلاکوب بلاد اسلامه تکرار کلوب الموت قلعه سن ملا حده
 و اما عیلیه و قهستانیه لقبیلر مشهور اولان ملوک و جماعت اللرندن الوب انلری قیوب شهری و فواحش
 خراب ایدوب میافارقین حاکمی ملک کامل هلاکوبه واروب مرفرو ایتکین اکامان و یروب بعده هلاکوب
 آذر بایجانیه واروب انی ضبط ایدی * الی الی اولدیه و قاروده مستنصر بالله خلیفه فصلنده عظیم تفصیل
 اولندیغی اوزره هلاکوب کند و عسکرله و کرجهستان و موصل و بعض ولایتلر عسکرله بغداد و واروب
 عسکر مسلمانله دوبدار کبیر فارشو واروب تانار قرا و لایله صواشوب مسلمانلر غالب اولوب بعده مستنصر
 وزیر ابن علقمه هلاکوب الی متفق اولغین انک حیلله عسکر اسلامک اکثری هلاک اولوب هلاکوب ایدوب
 کلوب بقیه عسکر اسلام واروب تکرار صواشوب لکن غایت آزاوغین صینوب هلاکوب بغدادک طشره سنه
 قونوب وز برملعونک حیلله مستنصر وجهه علما و ارکان و اعیان شهر هلاکوب به ملاقاته وارد قلزنده
 بر در قتل اولنوب بعده جله اهل بغدادی قرق کونده دل قتل عام ایدوب اون سکرزکوز بیک مسلمان
 شهید ایتدیلر * الی بدیده حران ورها و دیار بکروا الوب الی سکرز اوانده حایه کلوب ایکی کون
 قتل عام ایدوب زقا قرده خون انسان سیل ماتد سیل روان اولدی نیچه مسجدلر بیقوب ایچ قلعه سی
 اما ناله الوب بعده شامه واروب عاقبت اما ناله اتی دخی الوب شامه کند و طرفندن حاکم دیکوب به ملک
 و قدس و نابلس و صفد و کرکنت و بعض شهرلری دخی قلعه فتح و ضبط ایدوب بعده دونوب حلب قرینه حارم
 شهرینک خلقی جله قیوب حلب و حاصص قلعه لرین بیقوب ولایتنه کندی * بعده شام حاکمک
 اوستنه سلطان مصر عسکرله کلوب جنگیز کده کافر صینوب قاجوب سردارله نیچه لری قیلوب
 هلاکوب ایتدکده حایه عسکر کوندروب شهر خلقک اکثری قیوب بعده حلب و حاصص عسکرلری
 جمع اولوب تاناری قاجروب نیچه لرین قتل و اسیر ایتدیلر * الی طقوزده ولایت جزیره و غیره اولان هلاکوب
 عسکرندن الی بیک کافر کلوب حلبی غارت ایدوب حصه یقلاشد قلزنده حص سلطان و بعض بکری بیک
 در تیوز عسکرله بنشوب اکثرین قیوب باقیلری قاجوب عجب بودرکه مسلمانلردن همان برکسته شهید
 اولمش و اتیوز ایتدکده تانار موصلی طقوز کون محاصره ایلر الوب طقوز کونده دل خلقی قتل عام ایتدیلر *
 اشبوسننه ده هلاکوب عجمی دشت قبیاق پادشاهی برکت خانله صواشوب هلاکوب صینوب عسکرلری
 قیلوب التمش درنده یا خود التمشه یا التمش اوچده یا تمش بدیده هلاکوب صرغ زجندن خسته اولوب عجمده
 مراغه شهرنده وفات ایدوب تلافیه شده دفن اولنوب اول کبر صاحب کبر و جبر قرینه تربیه کتیف و تبه
 یابدیلر * مریدرکه کفرندن قطع نظر سلطنته حری غایت مهیب و جری مدبر و مکار و اعدا سنه ستمکار

جنگ آزمای واهل فطرت و رای بر این بی دین اولوب مدت سلطنته جندکده و غیره بکری کره یوز بیک کشته
 قتل ایتمدی (منقرات) مر ویدر که رئیس علماء و وافض اولان متن تجرید مؤلفی خواجه نصیر الدین
 طوسی خذله الله بونک استادی مقامده مقبول اولوب اکثر بایله سفر ایدوب علم نجومده بر قاج بیلده
 یونکچون رسدایتمدی * مر ویدر که هلا کو بغدادی الدقه نصرکه شام سلطانی ملک ناصر یوسف ابوبی به
 مزبور طوسی انشایله بونی یازوب کوند رمش ایدیکه و علم السلطان الملك الناصر اطال الله بقاءه لما توجهنا
 الی العراق و خرج الینا جنودهم وقتلناهم بسیف الله ثم خرج الینار و ساء البلد و مدموها فکان قصار
 کلامهم سببا لاله نفوس تسحق الاذلال و اما ما کان من صاحب البدة فانه خرج الی خدمتنا و دخل
 تحت عبودتنا فأسأله عن اشیاء کذبنا فیها فاستحق الاعدام و کان کذبه ظاهرا و وجدوا ماعلوا حاضرا
 اوجب ملک البیطة و لا تقولن قلاعی المانعات و رجالی المقاتلات و قد بلغنا ان شذرة من العسکر التجأت الیک
 هاربة و الی جنایک لائذة (نظم) ابن المقر و لامقرها رب * ولنا البیطان الثری و الماء * فساءة و قوفک
 علی کلابنا فحمل قلاع الشام سماتها ارضا و طولها عرضا و السلام * ایکنی دفعه بونی یازوب
 کوند رمشیکه و خدمه الملك ناصر طال عمره اما بعد فانا فتحنا بغداد و استأصلنا ملکها و کان ظن
 و قد ضح بالاموال و لم ینافس فی الرجال ان ملک یبقی علی ذلک الحال و قد علی ذکره و غادره نخسف
 فی السجال بذرہ (نظم) اذ اتم امر دنی نقصه * توقع زوالا اذا قیل تم * ونحن فی طلب الازدیاد *
 علی امر الابداد * فلا تکن کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم و ابد ما فی نفسک اما امساک بمعروف
 او تبریح باحسان اوجب دعوة ملک البیطة تأمن شره و تنال بره و اسع الیه برجالک و اموالک و لا تعوی رسنا
 و السلام * او چینی دفعه غضب و حدتله بونی یازوب کوند رمش ایدیکه (اما بعد) فتح جنود الله بنا ینتقم
 من عتاو تجبر و طغی و تکبر و بامر الله ما اتقران عوتب تجر و ان روجع استر و نحن قد اهلکنا البلاد و ابدنا
 اعباد و قتلنا الاسوان و اولاد فاعلم الباقون انهم من مضی لاحقون و ایهما الغافلون انهم الیم ناسون
 و نحن جیوش الهلکة لاجیوش الملكة مقصودنا الانتقام و ملکنا لایرام و نزلنا لایضام و عدلنا فی ملکنا
 قد استمر من سیمونا ابن المقر (نظم) ابن المقر و لامقرها رب * ولنا البیطان الثری و الماء *
 ذات الیهیتنا الاسود و اصحت فی قبضی الامر آت و الخلفاء نحن الیکم صائرون و لکم الهرب و علینا الطلب
 (نظم) ستم لیلی ای دین ندایت * وای غریم بالنقاضی غریهنا * دمرنا البلاد و ایتنا الاولاد
 و اهلکنا العباد و اذقناهم العذاب و جعلنا عظیمهم صغیرا و امیرهم اسیرا فحسبون انکم منا ناجون
 او مخلصون و عن قیل سوف تعلمون علی ما تقدمون و قد اعذر من انذر * مر ویدر که التیوز الی سکرده
 هلا کو حلیه کلوب ناصر الدین اندن خوفندن قاجوب هلا کو شامه کلوب ضبط ایدوب کتبغا
 آدلو حاکم دیکوب یاتده عسکر قویوب کند و کندکده کتبغا ملک ناصری صحرای نیمه طوتدروب
 کتوردروب هلا کو به کوندروب اودخی ناصر رعایت ایدوب شامه کوند رمشیکه و عده ایدوب بعده مصر
 سلطانی عسکر چکوب کلوب کتبغایی و عسکری قتل ایتمکین هلا کو ایتمیدوب قاقیوب انتقاما ناصر
 بی ناصری و انک برادری ملک ظاهر غازی بی ودخی حبسه اولان بونلک توابعی و سائر مسلمانلری
 قتل ایتمدی (نظم) ابن عالم فانیست و غانیست دراو * ابن کهنه جهانیست و جهانیست دراو *
 خواهی که در او جای اقامت سازی * ابن آب روانیست و غانیست دراو (فصل ثالث در احوال
 ابغابن هلا کو) سفاه الدما و مظالم الدین بی احتیاج بر کافر نافر ایدی پدری و فاته برینه تخته چکوب
 ولایت خراسانه که تختی نیشابور در عراق عجمه که تختی امهات در عراق عرب که تختی بغداد در آذربایجان که
 تختی تبریز و خوزستان که تختی تتر در فارس که تختی شیراز در دیار بکر که تختی موصل در رومه که
 تختی قونیه در ایشود ذکر اولمان هما لکده اولان بعد ولایه شهر لره پدری کی حکم ایدردی * التیوز
 سکسانده عربستانه عظیم عسکر ایدوب برادری متکونه سکسان بیک یوز بیک عسکر له نحصه قویوب
 مصر سلطانی قلاون دخی امانی بیک قدر عسکر مصر و شامه کلوب صواشوب کافر مسلمانلک مصلحان
 صیوب بعده نیجه دلاور و هرا و رقاب عسکر کفار مرارا هلا ایدوب متکونی جراحلیوب عسکری

صینوب قیرلوب بقیه السیوف اولان الوف مذات مأوف طاعلوب بریله نصکره منکوب جراحندن
 وفات ایدوب ابغای ضلالت ابغاعسکری انهم زمان ایتمکده رجه بی محاصره ده ایکن براغوب ولایتنه
 قاجوب سکسان برده همدانده الی باشند و وفات ایددی (فصل رابع در احوال سلطان احمد بن هلا کو)
 اسمی نکدرایکن احدیه طاقه سی بونی پدری هلا کو قارشو سنده کند و لایله آتسه قویوب یاغامغین
 هلا کو بونی انلره باغشلیوب انلر بونک اسمی احمد قویوب دخی اوغلا بچی ایکن ایمانه کلمشدی برادری
 بغا و فاته تخته چکوب تانار لره دخی ایمانه کلمکه تکلیف ایتدکده ابغالو غلی ارغون جوزی خروج ایدوب
 احدای طوقوب التیوز سکسان ایدیکه یاو جده تانار لر ارغونی پادشاه ایدوب واحدی قتل ایتمدی *
 سلطنتی اوچ بیل و عری بکری ایل او نوز مانی ایدی رحمة الله علیه (فصل خامس در احوال ارغون
 ابن ابغابن هلا کو) پدری حیسانده خراسان بکی ایدی بعده عیسی احمدی برینه چکوب مزبور ارغون
 طغانی و آرزون بقال بی بالک و ظالم نایاک ایدی غایتده قوتلویمادر اولمغین اوچ آتی بری بری یاتده دروب
 قوتلیردن صحرایوب او چینی آت اوزرینه بزدی تخته چکده اوغلاری قازان ایل خدابنده بی خراسانده
 قودی * التیوز طقسانده وفات ایدوب سلطنتی سکر یایدی بیل ایدی (فصل سادس در احوال
 کینتوبن ابغابن) برادری ارغون و فاته دیار رومده اولمغین کلوب تخته چکدی * التیوز طقسان او جده
 یادرته طاقه تانارک بعضاری بونک عم زاده سی یدوبه میل ایتمکین اتی پادشاه ایدوب اودخی عسکر
 جمع ایدوب جنگ اولدقه کینتو قتل اولندی (فصل سابع در احوال یدوبن طرغای بن هلا کو)
 عم زاده سی کینتو زمانده بشقه پادشاه اولوب انکله جنگ ایدوب اتی قتل ایتمکین یدوب جدی
 تختنه چکوب سکر اید نصکره بونک عیسی اوغلینک اوغلی خراسان حاکمی قازان بن ارغون عسکر جمع ایدوب
 تبریزده یدوبی قتل ایدوب برینه چکدی (فصل ثامن در احوال سلطان محمود غازان خان بن ارغون
 ابن ابغابن هلا کو) خراسانده حاکم ایکن عسکر چکوب پدر بونک عیسی اوغلی یدوبی التیوز
 طقسان درته تبریزده قتل ایدوب برینه چکوب یدوبه یوز بیلده وزیر نوروز تلقینله ایمانه کلوب اسمی
 محمود قویوب جمعیت عظیمه ایکن کند و خلقته التون و انجوشا چوب بعده نوروزدن قرآن عظیم الشان
 اوقیوب رمضانده اورج طوقوب کفارتاناراراسنده (محرره) دین اسلام طاهر و نافع * اولدی مشهور
 ظاهر و شایع * قوارخ عثمانیه منلادر بده غازان مسلمان اولدینی سکون در تیوز بیک کسنه دخی
 اسلامه کلوب بعده غازان کایساری بیقوب جمیع امراسنی ایمانه کتوردی دیومذ کوردی * طقسان طغوزده
 غازان عسکرله حلیه کلوب تخریب و قتل و اسیر ایدوب جایه واردقده عسکر اسلام ایل شام سلطانی ناصر
 قادشولیوب محکم صواشوب عسکری صینوب غازان شامه کلوب بعض عسکری ایل چان مسلمانلک اودنجه
 غزه و قدس و کرک شهر لرینه دلک کیدوب دمشق شام قلمه سی تاناراله صیوب مسلمانلر غازانه وافر مال و برمکین
 دونوب کیدوب کن قیجای دلوحا کله وافر عسکر قیوب بعده مصر سلطانی عسکر کوند رده تانار لر قاجوب
 کتدیله * یدیبیوزده عسکر تانارولایت حلیه کلوب اطرافده نیجه فساد ایدوب سلطان مصر عسکرله کلوب
 هجوم ایتدکده تانار لر دونوب جنگ اولدی * یدیبیوز ایکید غازانک قطلوشاه آدومر دار ایل بجه عسکری
 ولایت شامه کلوب سلطان محمد بن قلاوون دخی مصر دن کلوب اخشامه دلک محکم صواشوب صباح تانار لر
 مسلمانلر کند و لری احاطه ایتمک کورمکین قاجوب مسلمانلر بونلری هر فرات کارنه دلک قویوب نیجه سی قتل
 و اسیر و اکثری غرق اولدی بوند نصکره تانار لر دیار اسلامه اصلا کتدیله * یدیبیوز او جده غازان همدان
 یاری یاتبریز شهرنده زهر یدرلوب کین باشند و وفات ایددی * سابقا تبریزده بی مثل و رفیع و واسع
 بر جامع بر مشایع و کند و به برتر به و انک اطرافده اون ایکی عدد عالی مدرسه لریا پد رمغین کند و به سنده
 دفن اولندی * حرمین محترمینه و بغدادده مشهد حضرت علی و مشهد حضرت حسین و سادات و اشرافه
 نیجه کویلو وقف ایدوب نیجه تکیه لر و خانلریا یوب خبراتی بجه و حسنائی لاتعد بر پادشاه ایدی سلطنتی
 طغوز بیل اولوب ملوک چنکیزیه نک ابوی ایدی * سلطان عثمان خان بن ارطغرل غازی بیک سلطنته جلوس
 بونک وفاتدن اوچ بیل اول ایدی (فصل تاسع در احوال سلطان محمد خدابنده بن ارغون) اصلده

امامی اوبلا و اولوب مسلمان اولدند. امینی محمد لقبی خدا بنده بر لقبی دخی حسن سلطان قودی برادری
غازان وفاتده برینه کچوب عدله مائل عالم واقف ایدی لکن رافضی مشرب شیعی مذهب اولوب وفاتده دیک
حضرت علی و اهل بیتدن غیر صحابه کرامی خطبه لرده ذکر ایتدر مژدی حتی وفاتده قریب شهر بغدادده
باب الازج محله سنک خلقی خطبه بی شیعه مذهبجه اوقومزل دیوانلری قتل عام پیوروب اکن حق تعالی
امان و یرمیوب امتلادن خسته و هلاک اولدی * مرویدر که بدیوز درنده بجمده سلطانیه نام بر شهر
فریدالدهروانک ایچنده سکر مناره لو بر جامع یایدروب اتی تختگاه ایدوب انک بنامی تهیتنده بر قصیده
دیده شد که مطلعی بودر (نظم) وضع سلطانیه کویا که سپهریست برین * یام شنیست مشکل شده
بر روی زمین (نثر) کردستانده سلطان آباد شهرنی دخی بوشا پشدر دیار بجمده پیور و نصاری مسلمانلردن
فرق اولقی ایچون رنگلور دلبند صاردر معنی ابتدا بواجباد ایدی * عجب علما وصلحا اولغین زماننده اولان
علامه قاشانی و علاءالدوله مغانی و شیخ صافی اردبیلی و شیخ اوجده الدین کرمانی به بین الناس بالذات
خدمت ایدردی * سفره کنده که ایکی چادر قورلوب آدی مدرسه سیاره قونوب برنده مذهب حتی برنده
مذهب شافعی مدرسی دانسته دیر یله اوتوروب بوسلوب مرغوبله یله قونوب کوجوب علم جلیل
تحصیل ایدوب وظیفه و طعاملری خزینه و مطبخندن انعام اولتوردی * بدیوزاون التیده وفات ایدوب
جامعی اورته منده دفن اولتوب مدت سلطنتی اون ایکی ییل ایدی (فصل عاشر در احوال سلطان اوسعید
ابن خدا بنده) پدری وفاتده برینه کچوب منی بالک اقتصاد اولغین خطبه لرده نام صحابه کرامی یایدروب
بدیوزاون التیده وفات ایدی * بعده دوت ییل دل نسلندن ایکی کسسه بر مقدار سلطنت سوروب
بعده تانارلر ایچنده بعض قتل و محن ظهور ایدوب بدیوز مننده تبریزده شیخ حسن بن دموردان بن چوبان
بغدادده ارغون بن هلا کونک قیزی اوغلی شیخ حسن بن حسین بن اقباع بن ایلخان ککندوری
بونلر نصکره اولادری مستقلا یادشاهلر اولوب بعده بدیوز بخش اوچده جورلک ظهور ایدوب جمیع مالک
شرقی حرب کیر و ضرب شمیرا یله فتح و تسخیر و ملوک اطرافنی رأی و تدبیر ایه کسر و قهر و تدمیر ایدی
(محرره) دکل سلطنت کسبه جاودان * خدا نکدرر ملک باقی همان (باب سابع عشر در احوال
ملوک ترکیه) اشبو طائفه یکریمی دوت نفر اولوب کیمی عید معتق کیمی قول اوغلی ایدیلر اول ظهورلری
التیوزانی ایکیده و مدت سلطنتلری یوزاونوز دوت ییل اولوب تختگاهلری مصر دارالنه ایدی
(فصل اول در احوال ملک معز الدین ایلیک ترکی) سابقا ذکر اولنان ملوک ابویه دن ملک صالح
نجم الدین چاشنکیری ایدی * التیوز فرق * کزده ملک صالحن ام ولدی شجر الدر خاتون مصرده
یادشاه اولدقه ایلیک کالیزر اولوب اوج آید نصکره اتی نکاحلنوب ایلیک یادشاه اولوب بش کوند نصکره
عزل اولتوب ملات اشرف موسی بن یوسف یادشاه اولدی لکن سکر یاشنده کوجک اولغین ایلیک انک وزیر
و تانایی و مکده و خطبه ده شریکی اولوب التیوزانی ایکیده ایلیک قوت و شوکت بولغین اشرفی رفع ایدوب
کند و فتنه بکدی * اشبو ییل عینده شهر عینده الی درنده مدینه منوره ده بر صحراده قدرندن عظیم آتشلر
ظهور ایدوب طاعلر قدر قفلجملری هوا به صجرا یوب طاعلری ایدوب بر قاج آید نصکره قدرندن
سیوندی تکیم مستعصم بالله خلیفه فصلنده تفصیل اولفنده در نظر اولته که اغرب غرائب جهاندر *
اللی بنده ایلیک موصل سلطانک قیزی نکاحلن ایستد کده شجر الدر انجوتوب جامده ایکی قتل ایدروب
بر قاج کوند نصکره * شجر الدر دخی قتل اولتوب مرکاتین تان عیان و آشکار اولدی (فصل ثانی
در احوال ملک منصور نور الدین علی بن عزالدین) ایلیک پدری قتلنده اون ایکی یاشنده تخت کچوب
التیوزالی بدیده سابقا مذکور اولان تانار یادشاهی هلاکوب بغدادی خراب و مالک املامیه به هجوم ایدد کده
ملوک ابویه دن شام یادشاهی ملک ناصر یوسف معاونه مصر دن عسکر ایستد کده علی کوجک اولفنده
اهمال ایچکین کفار ایه جنگ تدبیرندن عاجز در دیولالاسی و تاناییکی سیف الدین قطز تخت کچوب علی بی
نوابعلی حبش ایدوب عینک سلطنتی ایکی ییل سکر آی ایدی (فصل ثالث در احوال ملک مظفر سیف الدین
مصر) تانار الامان من صوب السماء * فواجبه من نور قطز ظلم موفور و احداث مظالم ایه کاب مقور

اولوب بعض ناس وفق استثنای دندان جفا ایه عض و زجاج قلیلین کسر و روض ایدردی * التیوزالی
بدیده افتدیدی اوغلی رفع ایدوب برینه بکدی * الی سکرزده هلاکوب حلبی الوب شام سلطانی ملک ناصر ج
سلطانی ملک منصور عسکر لیه مصره قاجوب قطزک خوفندن مصره کیرمیوب ناصر عسکر فی منصور ایه
مصره کوندروب کدو و صحرای تیه سخته کیدوب قطز منصوره قارشو جیه قوب رعایتله مصره قودی هلاکوب
شامه کلوب اما نه الوب کتبغای انده حاکم ایدوب یاشنه بعض عسکر قویوب کند و بجمه کیدوب کتبغای ناصر
بولدروب طوقوب هلاکوب کوندروب وار دنده هلاکوب ناصر رعایت ایدوب بنه شامی و برکه و عد ایدی
بعذرمان کندونک امر اسندن کتبغای و عسکر فی مسلمانلر قتل ایچکین هلاکوب دخی بحضور اولوب اتقاما
ناصری قتل ایدی * مرویدر که قطز عسکر اسلام جمع اولغین مصر دن جیقوب کتبغای دخی عسکرین
جمع ایدوب ایکی عسکر قدس ایه حوران اراسنده ماه رمضانک یکریمی بشخی کونی جمعه کونی بولشوب
صواشوب مسلمانلر کتبغای و تاناری صیوب قیروب قاجروب دویدار کیریمینی سر عسکر اولان بیرس
بنده قاری کفارک آردنه دوشوب بمالک شام و حلبدن بالکلیه قوبوب قاجروب شام و حلبی قطز ضبط ایدوب
حاجا دشااهی ملک منصور سلطنتده ایقا ایددی * مقدما قطز بیرسه بو خدمت عوضی حلب بکلکینی
وعد ایدوب خلف ایتد کده بیرس انجوتوب ضرر قصد ایدوب قطز ییلوب صاقنوب مصره دوند کده بولده
بعض خواصنه بیریمی قتل ایچکده طانشوب بیرس طویوب بری برلندن حذر اوزره کیدوب بولده بیرس
بعض امرای اتقا قیلر التیوزالی سکر ذی القعدة سنک اواسطده مصره دوت قوناق یرده صالحیه شهرنده
شکار اوزرنده قطزی قتل ایدوب بیرس یادشاه اولدی قطزک سلطنتی همان اون بر بیتی آی ایدی
(فصل رابع در احوال ملک ظاهر بیرس بن اقداری الصالحی النجمی) قاره یاغز و کولک کوزلور اولوب دشت
قیچاقدن کتور یلوب ملوک ابویه دن ملک صالح نجم الدینک قولی ایدی غایت عاقل و مدبر و جمیع اهل خبر و بر
مهیب و خوش سیرت لیب و خوب خصلت ایدی * التیوزالی سکرزده غزادن کلورکن ملک مظفر
قطزی قتل ایدوب برینه یادشاه اولوب مصره کیرد کده سابقا قطزک احداث ایدوکی نظامی رفع ایددی
هلاکوب بغدادی الوب مستعصم خلیفه فی قتل ایتد کده آل عباس دن احد بن محمد الظاهر بامر الله قاجوب
مصره کلوب نسبی اثبات ایتد کده بیرس اتی خلیفه مسلمین و امیر المؤمنین نصب ایدوب لقبی مستعصم بالله
قیوب مال عظیم خرج ایدوب کلی رعایتله بغداده کوندروب وار دنده شهید اولدی تنکیم آشاغیره
تفصیل اولتورده مصرده خلیفه نصب اولقی ابتدا بیرس زماننده واقع اولدی شام بکی علم الدین مستقل
یادشاه اولدده بیرس عسکر کوندروب شامی ضبط ایتدیلر * الی سکرزده تانارلر مسلمانلر تکرار کلوب حلب
عسکر قارشو واروب لکن صینوب حایه قاجوب تانارلر حلبی الوب اکثر خلقنی قیروب بعده حاکم
عسکر جمیع اولوب تانارله حصده صواشوب تانارلر صینوب اکثری قتل و اسیر اولدیلر بنه الی سکرزده در باده
یدی عدد جزیره جله خلقله بره کچمکین عکاشم رنده اولان فرنک کفاری عظیم غم و ماقده در در یو خبر کلد کده
بیرس عسکر کوندروب شهر شوبل فرنک النندن فتح اولندی * الی طقوزده ولایت جزیره اولان
تانارلر حلبی غارت ایدوب حصه یقلاشد فلزنده سلطان حص ملک اشرف و بعض امرایلیک در تیوزنر
عسکرله واروب اتی یلیک تانارله صواشوب کفاری صیوب اکثرین قیروب سردارلری ییدو کوجله
قورتلوب قاجوب مجبدرکه مسلمانلردن همان برکسسه شهید اولدی * التمن رضاستنده تانار موصلی
طقوز کون محاصره ایه الوب بعده خلقنی طقوز کونه دیک قیروب حصاری خراب ایتدیلر * التمن برده
بیرس شامه واروب سینه منده کینه دیر بنه می اولدیقی ملک مغیث عمر بن ملک عادلی صورته تعظیم
و رعایتله اکثر وروب مصره کلد کده سابقا بیرسک خاتونه کوچ ایچکین خاتون چاریه لیه کانه ملین و اشروب
قتل ایتدیلر بعده بیرس مصره کیدوب التمن درنده ولایت شامه کلوب صمد شهرنی اما نه الوب خلقنی
قیروب اطرافه عسکر کوندروب * فتح الن و سکون یا منشا یله طرابلس میس شهرلری فتح اولتوب مصره
کیدرکن قاره شهرنک خلقی نصاری و خاشلر اولغین جله سن قیروب مصره کیدوب بعده بنه شامه کلوب
بش اون کون اوتوروب مصره کیدوب التمن التیده تکرار کلوب یقا انطاکیه بغراض در بسال و بعض شهرلر

فتح ایدوب کندی * یتیمه فکرار کلوب کرل شمرنه واروب بعده مدینه منوره واروب زیارت ایدوب
 دونوب کرکه جایه حلبه شامه اندن مصره واردی بعده فکرار شامه کلوب عکابی غارت ایدوب شامه بعده
 جایه واروب مصیاف شهرنده کی اسماعیلیه طائفه سته عسکر کوندروب شهری الوب مصره کندی *
 الشمس طقوزده کلوب حصن الکرادوعکا شهرلری اما نه الوب مصره کندی بنشده شامه کلوب حلبه
 تانار کندی دیو ایشکین واروب بعده مصره سته شامه سته مصره سته شامه واروب کلوب صهیون شهرینک
 صاحبی وفات ایشکین ضبط ایدوب بیرمی تانار محاصره ایشکین واروب تاناری قاپروب
 شهری ضبط ایدوب مصره کندی * یتیم اوچده کلوب ولایت سینه کیدوب غنیمتله شامه کلوب
 تانار فکرار بیرمه کلکین کیدوب طاغلدیلر دیو خبر کلدکده حلبه کلوب بعده مصره کندی * ایشو سته
 یابریل صکره زکی عربلردن نو به دقتله ولایتلرینه عسکر کوندروب نه به نیچه کره عسکر واروب
 واسیرلایه کلوب نو به پادشاهی دخی کتوردیلر سلاطین سابقه زماننده نو به نیچه کره عسکر واروب
 فتح اولغیوب لکن بیرس نو به سنده نو به الثوب دقتله ولایتی خواجه کلدی * یتیم درنده بیرمه او نو زیلک
 تانار ایل کلوب طقوز کون محاصره ایدوب شهر خلقی انلری باصوب منجنیق لری یا قوب تانار لفرار
 ایتدیلر * یتیم شده بیرس کندویه روم بکاری کلک اوزره ایدوکاری ایشکین مصردن چیقوب حلبه
 انلر بولشوب بعده مصره کیدوب سته ولایت شامه کلوب عسکر تانارله صواشوب انلری صیوب اکثری
 قتل واسیر ایدوب بعده قیسار به شهرلری الی (عبرت) مرویدر که یتیم التي عمر منک او اخرنده
 خسوف کالی اولوب منجملر بر عظیم الشان کسینه وفات ایدرید کلدی بیرس بروم و ترس اولغین فکر کج
 و ترس ایدوب زنجیه موتی غیری کسینه به صرف ایشکله کندویه بدل اولوق ایدوب (نظم)
 سیکون الذی قضی * کره الابد اوزخی * مفهومی معلومی اولماقین ملوک ابو سیه دن برینه قصد ایل
 زهر لوزخ ایچوروب بعده (ع) هرته صانورسل اشوکه هپ باشکه کلسه کرل * مفهومی منجه بهینه اول کاسه دن
 کندو دخی زهر منقر ایچوب لکن کاسه نک دیتده زهر بولاشقی قالمقین ایکسی دخی بر زمانده
 وفات ایدوب بیرمی توابعی خفیه شامده دفن ایتدیلر * لکن سلطان تخت روان ایچنده خسته یا قور
 دیو بهانه ایدوب کیدوب مصره کیدر کلدی موتی اظهار ایدوب اوغلی محمدری تخته کجوردیلر بیرس
 سلطنتی اون بدی ییل ایدی * مرویدر که مصرده ایکلی جامع یا قوب درنده دخی نیچه خیراتی اولوب مدینه ده
 مسجد حضرت رسولی علیه السلام تجدید و ترمیم ایدوب درت مذهبده بر قاضی نصب ایتل بونک زمانده
 ظهور ایدوب مدت سلطنتده حج ایتل اکا نصیب اولوب جله زمان دولنده قرقدن زیاده شهر فتح و ضبط
 ایتدیلر (فصل خامس در احوال ملایک معید محمد برکت خان بن بیرس) پدری شامده وفات ایتدوکی
 خبری کلدکده اون سکر یا شنده مصرده تخته کجوردی تازه و ظالم وی تدبیر حاکم اولغین ایکلی ییل
 و اوج ایدن صکره جبراعزل اولوب برینه بدی یا شنده برادری سلامش کجور لوب محمد شامده کرل شهری
 و یریلوب واروب بر ییل آنده طوروب بعده وفات ایدوب برینه برادری نجم الدین خضر کرل حاکمی
 اولدی (فصل سادس در احوال ملک عادل سلامش بن بیرس) برادری عزل اولوب برینه
 کجور لوب بدی یا شنده اوغلا نیقی اولغین وزیر و تانایکی امیر سیف الدین قلاوون خطبه و سکه ده شریک
 اولوب درت آی اون کوندن صکره سلامشی بلا نزاع عزل ایتدروب کندو تخته کجوب سلامشی کرکه کوندردی
 (فصل سابع در احوال ملک منصور سیف الدین قلاوون الجمعی الصالحی) دشت قباقدن کتور لوب
 یلک التونه صانوب ملوک ابو سیه دن ملک صالح نجم الدین ابو بک قولی اولمشدی اهل تدبیر و کرم حسن
 الاخلاق و الشیم اولغین وزیر و تانایک ایکن جله عالم بو کاهیت ایشکین یتیم مکرز و جیشده اتفاق اعیانله
 سلامش برینه پادشاه اولدی * سکسانده هلا کونک اوغلی ابغاشامه هجوم ایدوب قلاوون دخی مصر
 و شام و حلب و بعضی عالیه مریدن الی یلک مقداری عسکره فارشولوب ابغاشا برادری متکوتور جنکه
 برار مکسان یلک تانار ایل کلوب حصده صواشوب مسلمانلر کفاری قتل واسیر ایدوب وافر طیوم اولوب
 متکوباره لوب ابغاشا به بی محاصره ده ایکن ایشکین و ولایت کیدوب قلاوون دخی مصره دوندی *

سکسان ایکیده قلاوون شامه کلوب بعده بر عظیم میل کلوب بالری قوب اغا جلقو پاروب بعددوه
 و آت و چادر لوب کیدوب قلاوون مصره دوندی * سکسان بشده عسکر کوندروب ملک بیرس اوغلاری
 سلامش ایل خضر اندن کرل شمری محاصره و اما نه الثوب بعده کندو واروب سته مصره کلدی *
 سکسان مکزده طرابله کلوب محاصره ایل فرنگدن الوب مسلمانلر غایبده طیوم اولوب بعده حصاری
 زره برابریه یوب یوز سکسان بش ییلدن یوز و نولک الله ایدی * سکسان طقوزده قلاوون غزایه جیقوب
 وفات ایدوب سلطنتی اون بر ییل درت آی ایدی * مرویدر که کریم و تبحر و عاقل و اهل خیرات و حایم
 و مدبر کامل و صاحب فتوحات اولوب بلاد شامیه دن نیچه لری فرنگ اندن فتح و ضبط ایدوب
 اون ایکلی یلک عدده ملک قولی و ار ایدی * مصر و مکه و قدسده بر مردر سه و مصرده بر بیمار خانه صفا آشیانه
 یا عیشدر که جمیع دنیاده اکا هم تبار دارالشفا بوانیموب بنامی و اوقافی خصوصاً صا صاری احوالی تفصیل
 عظیم استعاید * مرویدر بر اهل کیمیا کلوب بر حوض طلومی باقوی و قوروشوی اکسیر ایل زراجر
 بی نظیر ایدوب انکله یا عیشدر دیرلر (فصل ثامن در احوال ملک اشرف صلاح الدین خلیل بن قلاوون)
 اهل کرم عالی هم صاحب نم حسن الشیم کسینه ایدی * التیوز سکسان طقوزده پدری
 وفاتده برینه کجوب طقسانده عسکر مصر و شامه عکایه واروب کفاری محاصره ایدوب منجنیق لری
 انوب جبرله فتح ایتدکده مسلمانلر عظیم طیوم اولوب خلیل قاعه بی خاکه برابر یقوب فرنگار قورقوب
 صفد بیروت غناب انظر طوس شهرلری و سواحل بحر شای خالی قوب کتدیلر * طقسان
 برده روم یعنی سواس قلعه سنی خلیل جبر ایل الوب مصره کندی * طقسان ایکیده شامه کلوب
 مصره کیدوب طقسان اوچده شکار اوزرنده پدرینک قولارندن و امر اسندن پیدر و لاجین و قره
 سنقر و بعضی بونک یا ته کلوب کندوی مجروح ایدوب آتدن دوشوب میتی مصرده کی تر به سنده
 دفن اولندی * او کون پیدر پادشاه اولوب کندویه ملک قاهر دیو لقب قوب ابرنسی قاهره مقهور اولوب
 خلیل قوللری انی قوه لیوب طوقوب قتل ایدوب بعده ملک ناصر تخته کجدر کده لاجین و سنقر عفو اولوب
 سائر بولدا شلری طوقوب لری ایقاری کلوب صلب اولندیلر (فصل ناسع در احوال ملک ناصر محمد
 ابن قلاوون) برادری خلیل شهید اولدقده محمد طقوز یا شنده اولوب تخته کجوردیلر اوغلا نیقی اولغین
 بر ییل اوج ایدن صکره امرادن کتبغیا تغلبه تخته کجوب ناصری براوطه ایچنده حبس ایتدی (فصل عاشر
 در احوال ملک عادل کتبغیا المنصوری) سلطان قلاوون قولارندن ایدی ملک ناصر اوغلا نیقی اولغین
 تغلبه انک برینه کجوب ملک عادل دیو لقب قوندی ایشو سته ییل آ زطاشوب مصره خط و غلا و طاعون
 و وبا پیدا اولغین کتبغیا شامه کیدوب طقسان الی محرمده مصره کیدر کن بعضی امرامی بوکا هجوم
 ایتد کلدی دونوب شامه قاجوب امیر لاجین پادشاه اولوب کتبغیا اندن امان ایشغایند کده صرخند شهر نک
 بکلکن اکا و یردی * بعد زمان کتبغیا کرل حاکمی اولوب انده وفات ایتدی (فصل حادی عشر
 در احوال ملک منصور لاجین) ملک اشرف خلیل امر اسندن ایکن بو خصوص ایچون خلیل بوکا
 انجینوب بوغدر دقده وفات ایتدی دیو براغوب (نظم) اکرنیغ عالم بیچیند زجای * نبرد زکی ناغواهد
 خدای * مضو نجه اجل مقرری مقدر اولماقین ضرر ایر شاممشدی کتبغیا برینه کجوب ملک ناصری
 حبس دن چیقاروب بکچیلرله کرل شمرنه کوندردی * التیوز طقسان سکرده ارمن ولایتیه عسکر کوندروب
 سیم شهرندن غیریلری فتح اولندی * طقسان طقوزده بر کجبه شطرنج او بتارکن ایچ اوغلا نیقی بوکا و انوب
 قتل ایتدیلر * سلطنتی ایکلی ییل و اوج آی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال ملک ناصر محمد بن قلاوون) لاجین
 قتلده اتفاق آراء امر ایل کرکدن مصره کتور لوب ایکینی دفعه تخته کجور لدی اهل عقل مائل عدل صاحب
 شوکت و عنوان بر سلطان کامران و عظیم الشان اولوب باب مضاده حاتم طیدن زیاده ایدی * نیچه
 کتب معتبره ده هجرت حضرت رسولان مائه سابعه سنده سلاطیندن محمد دین یعنی ناصر و مؤید مسلمان و ناشر
 و مسدد شرع مبین بو ایدی دیو تعیین اولمشدر * طقسان طقوزده ملوک ابو سیه دن حاکم سلطانی ملک مظفر
 محمد بن ملک منصور محمد وفات ایدوب ملک ناصر انک برینی امرادن قره سنقره و یردی * ایشو سته

حسنه ده ملاطین آل عثمان خلدت خلافتهم الی اتماء الزمان حضرت تارنگ جد اعلای وابتدای اولان
 عثمان خان غازی مستقلا پادشاه اولدی شکیم آساغیده تفصیل اولور. ینه بوییلده ملوک چکنیزه دین
 غازان خان جمله عسکر تانارایله حلبه کلوب تخریب و قتل و تعذیب و کسر و امر عجیب ایدوب حایه
 وارد قده ملک ناصر عسکر اسلامه حصده یشوب عظیم صواشوب مسلمانلر صیوب قاجوب کفار بونلری
 قدس و غزه و کرک شهرلر ینه دلقه قوه لوب غازان دمشق شای محاصره ایدوب مسلمانلر وافر مال و برمکین
 امان و یروپ کیدوب شامده قیاق نام یک ایله وافر عسکر قوبوب کتد کده ملک ناصر بیرس ایله سلاری
 عسکرله کوندر ووب شامه یقلاشد و زننده قیاق قاجوب مسلمانلر کلوب عسکر تانار طاعلوب ولایت
 ارمن خانی عصیان ایدوب کتد و زنندن التان قلعه لر ین الدیلر * یدییوزده تانار وکر و ولایت حلبه کلوب
 فسادلر ایدوب اهل حلب و شامه قاجوب ملک ناصر مصر دن عسکر یله عوچانام محله کاد کده تانارلر
 چنک اولدین ولایتلر ینه کیدوب ناصر دخی مصره کیدوب اشبوسنه ده تانارلر ایله چنکه عسکر جمعنه
 صرف ایچون احتیاج کلی اقتضاسیله اکثر اغنیادن حال حیاتلر نده ثلث مالاری آلدی * ینه بوییل
 مسلمانلر دن فرق ایچون ککافرلر کولت یهودیلر صاری سائرلر قزل دایند صارغق امر او اتوب
 بو خصوص ابتدا یوزمانده ظهور ایتدی * یدییوز ایکیده غازانک سرداری طلو شاهله بیحد عسکر تانار
 بلاد اسلامیه یه کلوب ملک ناصر دخی شامه کلوب بر کون یاتنه عسکر جمع اولوب ماه رمضانده نهر فرات
 کارنده بیر چنک شهر نده بر کون یاتسویله دلقه عظیم صواشوب وافر مسلمان شهید اولوب لکن تانارلر صیوب
 بیحد کافر قلوب صباح اولد قده تانارلر کند و لری مسلمانلر احاطه ایتشله کورمکین قاجوب مسلمانلر لری
 نهر فراتده دلقه قوه لوب قیروپ اسیر ایدوب اکثری فراتده غرق اولوب مسلمانلر منصور و مسرور دوندیلر *
 بوجالد نصکره کفار تانار دیار اسلامه اصلا کلدیلر * یش ایکیده ولایت مصر و شامده عظیم زلزله اولوب
 بنالری قلوب وافر کسنه هلاک اولوب جا و حص قلعه لر ینک نیجه برلری ییقلدی * یش او چده آت چنسنه
 طاعون کبی اولت کیر ووب قیروپ دیناده آت قالمیه یازدی * یدییوز سکرده ناصر مکده کتک بهانه سیله
 مصر دن قیقوب کر که کاد کده مصرده امرادن بیرس ایله سلار تغلب ایتکین سلطانن حظم کتدی
 دیو خبر کوندرمکین بیرس مصرده تخته کچورلوب ملک ناصر کرک بکاکینی و بردی (فصل ثالث عشر
 در احوال ملک مظفر رکن الدین بیرس چاشنکبری) اون بر آری پادشاه اولوب بعده مصرده نیجه امر
 غیرت چکوب کر که واروب ناصر ی شام خلقی مکتوبلر کوندر ووب دعوت ایتکین واروب حلب و حما
 و حص بکری کلوب عسکر محاکات شامله مصره کیدوب غزه یه وارد قده امره مصر ییاقی کلوب بیرس
 خبر کوندر ووب امان ایتیب و بعده ولایت صغیده قاجوب سلار ناصره قارشو کلوب بعده بیرس
 طونلوب حبس او اتوب بعده خفیه قتل اولندی (فصل رابع عشر در احوال ملک ناصر محمد
 ابن قلاوون) یدییوز طقوزده شامده پادشاه اولوب ماه شوالک او چینی کوفی عز و شوکت و عسکرده
 کثرت ایله مصره واروب او چینی دفعه تخته کچوب بیرس کتور ووب حبس بعده قتل ایتدردی *
 اون بدیده نهر نیل حد دن آشوب طاشوب نیجه شهرلر و کویلر با صوب بیحد آدم غرق اولدی * اون طقوزده
 ناصر حجه واروب کاد کده ملوک او ییه نسلندن ملک مؤید عماد الدین اسماعیله جماعه اطنینی مستقلا و یروپ
 خطبه به اجازت و بردی مزبور مؤید غایبده فاضل کامل اولوب بر قاج کاب لطیف تألیف ایتد *
 مرویدر که ملک ناصر او چینی سلطنتنده ایکی کره حج ایدوب یدییوز بکری سکرده کعبه مکرمه حرم مجددا
 تعمیر ایدوب بیت الله معظمه او تویزش یک درهم کوش قاپلوصانی آتوسدن برمصنع قیو کچور ووب
 اولکی قیوی عین پادشاهی قومین چیقار ووب قدیدن کلید دار بیت الله اولان طائفه بی شیه
 افی او اتوب خرم و مفتنم اولایلر * او تویز او چده جماعه طانی اسماعیل وفات ایدوب یرینه اوغلی ملک
 افضل محمد کیدی * او تویز یدیده امیر طنبغا عسکر مصر و شامله ییاس قلعه سی محاصره و امانله الوب
 نهر جیصونک شرقیه بنده بعض شهرلر دخی الدی * او تویز ایتدده ملک ناصر ساسله ایله مصرده خلفا اولان
 آل عباس دن مستکنی یاتنه خایفه به انج ووب باغلد ووب حبس ایدوب بعده یوزنشر اولاد و توابعله قوص

شهر ینه مور کون ایدوب لکن وافر وظیفه تعیین ایدوب مصرده و غیرده ینه خطبه ده مشترک ایدیلر
 مرویدر که ناصر ک قدس شریفده نیجه خیراتی و عظیم بناری اولوب سکر نهر اوغلی مصرده علی التوالی سلطان
 ذوالقدر اعلای اولوب بوقصه نک نظیری جمیع ملاطین بی آدمده واقع اولدینی معلوم د کلدور * یدییوز
 قرق بر دی الحجه سنده الی سکر یاشنده وفات ایدوب اولکی سلطنتی بر ییل اوچ آیدی * ایکچینی اون بر ییل
 الی آ * او چینی او تویز ایکی ییل اوچ آیدی اولوب جمله سی قرق درت ییل ایدی بونک زماننده مصرده اولان
 علمانک مشاهیر کجاری بونلر ایدی * قطب الدین رازی شارح مطالع و شمس الدین اصفهانی شارح طوابع
 و ابو حیان و آت نفسیر بحر و نفسیر نهر و شیخ اکمل الدین مؤلف عنایه شرح الهدایه و شیخ قوام الدین کاک
 مؤلف معراج الدرایه (فصل خامس عشر در احوال ملک منصور ابو بکر بن الملك ناصر محمد قلاوون)
 یدیر ینک وصیتله تخته کیدی لکن فاسد و شارب الخمر و مستحق نارذات الخمر اولوب حتی پدر ینک ایکی خانویه
 زنا ایتکین ایکی آید نصکره سر عسکر اولان امیر قوصون سینی اتفاق نامه بونی خلغ و بیخ سلطنتن قلغ
 ایدوب قوصه سورلوب انده قتل اولندی (فصل سادس عشر در احوال ملک اشرف علاء الدین علی
 ابن الملك ناصر) محمد برادری عز لنده بر ینه کچوب یدی یاشنده اولغین ملک اشرف کوچک دیو مشهور
 اولدی * یدی آید نصکره بونی امیر قوصون خلغ ایدوب قوصه سور ووب درت ییل انده طور ووب بعده
 وفات ایتدی (فصل سابع عشر در احوال ملک ناصر احمد بن ملک ناصر محمد) یدییوز قرق ایکی شوالنده
 یاقرق او چده کرک شهر ندن کتورلوب برادری بر ینه کچورلوب اوچ آید نصکره ینه کر که کیدوب
 انده طغیان ایتکین اهل مصر بونی خلغ ایدوب برادری اسماعیلی تخته کچور دیلر (فصل ثامن عشر
 در احوال ملک صالح اسماعیل بن ملک ناصر محمد) قرق اوچ محرمی اولنده تخته کچوب قرق درتده
 دتروپ خسته اولوب وفات ایتدی (فصل تاسع عشر در احوال ملک کامل شعبان بن ملک ناصر محمد)
 یدییوز قرق الی و ییغنک او انرنده تخته کچوب شعراء فضلادن شیخ بن ییانه دیدی که (نظم)
 جبین سلطانتا المزیح * مبارک الطالع البدیع * یا بهجه الدهر اذ بقا * هلال شعبان فی ربیع
 (نثر) بر ییل و قرق بش کوند نصکره سابقا حبسه اولان برادری امیر حاجی خلغ چیقار ووب تخته
 کچور ووب شعبانی انک بر ینه حبس ایدوب بونکچون مر اید ییشتن طعام امیر حاجه انکچون زندانده ییشتن
 طعام بونکاصیب اولوب بوقصه بر حصه دن اهل فطنت و خبرت اولنلره کلی عبرت حاصل اولور (نظم)
 دور ایدلر نیر و بوجر خ ذلت * کیمینه امک دوشر کیمینه یمک (نثر) اشبوسنه ده غمدن نعبان اولان شعبانی
 اجل شعبانی اغزنه آتدیلر یعنی ظالم حبسه قتل ایتدیلر (نظم) ملک جهان که حاصل یاد فنادور *
 سیل فنا یوزنده یا بلش بنادر * داری غم و مداری بلا و اساسی درد * جرخ بر ین دیکلری بر آسیادور *
 (فصل عشرین در احوال ملک مظفر امیر حاج بن ملک ناصر محمد) حبس دن چیقارلوب تخته کیدی
 بر ییل و اوچ بیچ آید نصکره قرق سکر ز رمضانده تاریخ ابن شجنه قواجه وفات ایدوب یاخود امیر
 ییغاروس بونی قتل ایدوب تاریخ الخلفا قولنجه عزل او اتوب علی کل حال بر ینه برادری حسن کچورلدی
 (فصل حادی و عشرون در احوال ملک ناصر حسن بن ملک ناصر) محمد یدییوز قرق مکزده تخته کچوب
 قرق طقوزده مصر و شام و اکثر ممالکده عو ما طاعون عظیم اولوب نیجه یوز ییلد نیر و نظیری واقع
 اولماستدی و سلطانن دن اوچ ییل طقوز آری اون کون نصکره عزل و حبس او اتوب برادری صالح تخته کچورلدی
 (فصل ثانی و عشرون در احوال ملک صالح صلاح الدین صالح بن ملک ناصر محمد) یدییوز الی ایکیده
 تخته کیدی * الی او چده حلب بکی ییغاروس ترکانلر و لغادر دیکلری ذوالقدر بکی قره خان و طرابلس
 و صفد و حما بکریله مصرده کند و پادشاه اولغیچون عسکر چکوب مصر دن دخی ملک صالح عسکرله
 چیقوب ییغاروس شقا مأنوس تخته جلوسدن مأیوس اولوب (نظم) لشکر اهل شقا دائم ییازکی
 تفرقه است * دقت شیرازه ناکرده ییادی ابتراست * مفر و منجه عسکری طاعنلین دونوب حلبه کاد کده
 شهره کیرمکه قوغیوب ارغون ککاملی حاب بکی اولدی (نظم) اکاکیم اولیه دولت مقدر *
 امک صرف ابانه اولور مکدر * قبول عامه ککبی جامه اولز * ولی هر شخص کج اندامه اواز *

خدا و پروردگار کدر بخت و بختی * و پروردگار میوه یاغ هر درختی * خداوند اولی بجه لطف و احسان *
 اله کبر من بکین دولت آسان * انک کیم یتند یوق صفای * بنای عز بک اولمز اسامی (نثر) الی بش
 شوالده ملان صالح عزل و حبس اوانوب پرینه ساها محبوس اولان برادری حسن تکرار تخته کچورلوب
 صالح سلطنتی اوج بیل و اوج آی اولدی (نظم) الله منصب بایدار اولمز مثال دستمال *
 اکامغور اولغه شاهان سلفدن اورنک آل (فصل ثالث و عشرون در احوال ملان ناصر حسن بن ملک
 ناصر) محمد حبسدن چیه قارلوب تخته کچورلوب ایکنی دفعه پادشاه اولدی پدرینک اولادندن ییایی
 سکرنجی پادشاه در که بوقصه نک مثلی دیناده واقع اولماشدی * بدیوز التمش برده امیر بیدر خوارزمی حاکم
 عسکر به سیمس ولایتینده بلاد ارمنه غزا ایدوب انده طرسوس و مصیصه و بعض شهرلر آلوب نصر نه عودت
 ایتدی * سلطان حسن مصرده غایت بلند و مکافاتی مانتد عالم پسند مصنع و زیامر خم و اعلا بر جامع
 واسع بنایا تشدر که آسمان بلند طیقات کبی قات قاتدر * بدیوز التمش ایکنیده امیر بلغانک بر قوی سلطان
 حسن مستحسنی شمه ایدوب اولکی سلطنتی اوج بیل طغوزای ایکنی سی الی بیلیدی آی ایدی (نظم)
 بویه در احوالی کردونک مدام * کیم قور رشاه و کدرا اینه دام * کسه بورهدن ره باولمز شها *
 عبرت دینایه یوقدر انتها (فصل رابع و عشرون در احوال ملان منصور محمد بن مظفر) امیر حاج عیسی
 حسن برینه بکیدی ایکی بیل اوج اید نصکره عزل و حبس اوانوب اوتوز سکر بیلده نصکره سکر یوز برده
 وفات ایتد کده نمازنی آشاغیده ذکرا ونه جتی اول ملوک پرا کسه اولان سلطان بر قوی قیلدی (نظم)
 سلطینه باقی دکل بوجهان * خدا نکدر در ملان باقی همان (فصل خامس و عشرون در احوال ملان
 اشرف شعبان بن حسین ابن ملان ناصر محمد) بدیوز التمش دوت شعبانده اون باشنده عم زاده می محمد
 پرینه کچوب پدری حسین پادشاه اولماشدی * التمش ایکنیده بر کچه مصرده کولک یوزنده عظیم نور ظهور
 ایدوب یولور کورلوب کوندز ضیاسنه یقلشوب ثلث اخیره دلک طوردی * التمش اوچده ملان شعبان امیرلر
 سائر ناسدن انازا اولوب تعظیم اولنمغیچون بشل دلبند کچک و بشل علامت کونورملک امر ایدوب بوعادت
 حسنه دیناده ابتدا اولسته ردا اولوب بعض شعر ایدیلرکه (نظم) جملوا لایناه الرسول علامه * ان العلامة
 شأن من لم یشر * نور النبوة فی کرم و جوههم * یعنی اشرف عن الطراز الاخضر (نثر) التمش ایتده
 ملان شعبان سیمس شهرنی ایکی آی محاصره ایلد فتح ایدوب سال و غانم دونوب ارمن تکورنی طوقوب مصره
 کوندردی * التمش طغوزده شعبانک اون دردنده قرخ و قله طوغوب بکری سکرزنده کسوف شمس واقع
 اولدی به یوبیل ملان شعبان جبه کتمک ایچون مصردن چیه قوب امر اسنک بعض اشیایری بوکاهجوم ایدوب
 بودخی شهره قاجوب وفات ایتدی دیواغلی علی بی تخته کچورملک کور بکین تکرار قاجوب بیل اولنلردن
 اون کسنه قتل اولنوب ایکی کوند نصکره شعبان طونلوب بکری دوت باشنده ایکن عذابه قتل اوانندی
 مصرده بر مرد مریمیاوب خوب سیرت پسندیده خصلت محب علما مائل صلحا اولوب سلطنتی اون دوت بیل
 وایکی بیجی آی ایدی (نظم) چونکه قتادر بوجهانک ایشی * حیف که مغرور اوله آکک کشی *
 قنقی نهی تختدن ایرمادی جرخ * خنجر کینی کجه اورمادی جرخ * کچدر اوکیم بومی نوش ایتدی *
 ساقی دهر آنی خوش ایتدی دوات دینایه ایدن اعتماد عاقبت کار فالور نامراد (فصل سادس و عشرون
 در احوال ملان منصور علی ابن ملان اشرف شعبان) بدیوز التمش طغوز ذی القعدة سنده سکر باشنده ایکن
 پدری قاجودده تخته کچورلوب وزیر و انابکی سیف الدین بر قوی تدبیر اموره مستقل ایدی * مکسان
 اوج مصرزنده اون اوج باشنده وفات ایدوب سلطنتی دوت بیل و دوت آی ایدی (نظم) درین ره خواه
 سلطان خواه درویش * باخر عقبه مرک آیدش پیش * درین صحرای کسه بوی خرمی نیست *
 کندی بی نازر دی نیست (فصل سابع و عشرون در احوال ملان صالح حاجی ابن ملان اشرف شعبان)
 برادری وفاتده الی باشنده تخته کچورلدی * بویه دهر کی شهرنی فتح و ضبط اولندی سکسان دوت
 ره ضانده بوی وزیر بر قوی رفیع ایدوب پرینه کندو تخته کچوب ملان ظاهر اشرف دیواغلی قونوب
 طغسان برده حاکم بکی بلغانی ناصری مصره عسکر چکوب بر قوی طونوب کرک شهرنه کوندروب

ملک صالحی تکرار تخته کچورلوب ملک منصور دیواغلی قونوب کندوسی وزیر و منبر اولدی * طغسان اوچده
 امیر منطاش بلغانی و بر قاج بکاری طونوب اسکندریه ده حبس ایدوب بر قوی قتل آدم کوندرد کده
 اول کسنه کرک خاقانک مبعوضلری اولغین خلق آتی قتل ایدوب بر قوی چیقارمغین آرز کسنه ایلد شامه
 واروب شام بکی جان نیورعه سکر به قارشولوب صواشوب بر قوی صیوب شهره قومیوب حاکم بکی کومش
 بونا بر قوقه معاونه کلوب وافر عسکر جمع ایدوب مصردن ملان صالح و خلیفه اسلام و امیر منطاش
 عظیم عسکرله کلوب شام قرینده صواشوب ایکی عسکرلر بعضلری غالب بعضلری مغلوب اولغله ایچلرینه
 سیرت دونوب کومش بغا حلیه منطاش شامه قاجوب بر قوی سر اسیمه کرک کن ملان صالحک
 چادری اوزرینه راست کلوب اینوب صالحی طونوب کندوسی تخته کچوب چادر یانندن کچلر ناچار
 اینوب بر قوقه دستموس ایدر اولدیلر (نظم) کللوا و ایه کشی به دوات * بیدلور بر قیل ایلد بی منت *
 دوات ملوک ترکانیه ملان صالحه زوال بولوب سلطنت مصر و شام و حاکم پرا کسه به ایتقال ایتدی (نظم)
 جرخ مینا فام اولودر حاد ثانه آینه * مهری یوقدر ماه رولر کبی بقمه آینه * غره اوله سود پر خمران دینایه
 صقین * نقد عرک دیندر و برملک کر کدر داینه * زان دینا دامنندن حرص دستن ایلد قطع * مهر ملن و یردخی
 عرض ایت طلاق باینه * داردینا بره سافر خانه در کیم هر زمان * رحلت ایلر سه بری قونوبریسی جاینه
 (باب ثامن عشر در احوال خلفاء عباسیه در دیار مصریه) خلفاء آل عباس ایکی فرقه در بریسی هجرتک
 یوزا و یوزا یکینده ظهور ایدوب تختلری ولایت بغداد ایدی تنکیم جمله سی سابقه تفصیل اوزر ده ذکر اولمشدر
 بر فرقه سی دخی بنه انزلک نسلندن اولوب بغدادی هلا کوی ملعون الدقه فرار و ترک دیار ایدوب التیوز
 الی طغوزده مصرده ظهور و فرار ایتدیلر (مقدمه) معلوم اوله که مصرده ملوک ترکانیه بعد هم
 ملوک پرا کسه (الافقه من قریش) حدیثی خه و صا (الخلافه فی ولایه و من و ابی حتی یسلو هالی المسیح)
 حدیثی ودخی (الافقه من قریش) حدیثی خه و صا (الخلافه فی ولایه و من و ابی حتی یسلو هالی المسیح)
 الخلافة فی عقبه) حدیثی موجهه شریعت تصحیح سلطنتی ایچون آل عباسدن بر کسنه بی خاینه دیکوب
 واکامستونی وظیفه لر تعیین و هر وجهله تعظیم و رعایت ایدوب خطبه و سکرده مشترک اولورلر دی * لکن
 ملوک دلیله بعد هم ملوک سلجوقیه بغدادده اوتوروب خلفاء عباسیه بغدادک اوزرلرینه تغلبه مسلط اولوب
 اکثرنی تدبیر اموره و جهوردن مجبور و مجبور ایتد کیری کبی ملوک ترکانیه و ملوک پرا کسه دخی مصرده کی
 خلفاء عباسیه بی امور سلطنتده تصرفه قارشد مریموب مجور بعض معظومات اموری انلر اعلام به ضنده
 مشورت و امتیازان ایتمکله اکثفا ایدوب حقیقه بونلر آت ملاحظه اولغین نیجه قوار یخنده بفرقه عباسیه
 مصریه اصلاذ کراولغا شدر لکن تاریخ الخلفاء و نیجه قوار یخنده مذکور اولوب خصوصاً خلافت
 و سلطنت عامه اهل اسلام شرعاً انزلک حتی اواغین اشبوکاب جلیل الاعتبار مؤانی عبد حقیق صد ایت یارغبار
 عیار ذکر و شرحلین اختیار ایلدی (فصل اول در احوال آل عباس مستنصر بالله احمد بن الظاهر بامر الله
 محمد بن الناصر لدین الله احمد) پدری و جدی سابقا بغدادده خلیفه ایدیلر بعد زمان کندو بغدادده مجبوس
 ایکن هلا کوقه قریتمده بر طریقه قورنلوب مصرده ملک ظاهر بیرس سلطان ایکن التیوز الی طغوز زرجنده
 طاغقه عربدن اون نفر آدمه مصره کلوب بیرس اعیان شهرله بونی قارشولوب تعظیفه سراینه قوندروب
 بغدادده مستصم خلیفه شهید اولد قندبرو جمیع دیناده اوج بیجی بیل خلافت عباسیه کلوب عالمه
 خلیفه و امیر المؤمنین نصبی شرعاً واجب اولغین مزبور و جیک اون اوچنی کونی سلطان بیرس علما و صلحا
 و امرا و عسکری جمیع ایدوب مزبور ایدلر خلفاء عباسیه نسلندن ایدوکی ثابت اولوب ترتیله جمیع خلق بیعت
 ایدوب اقبی مستنصر بالله قونوب بعد هم بیرس اطراف ثمالک سکده خطبه خلیفه ایلد کندو نامه مشترک اولغله
 امرلر کوندردی * جمعه کونی خلیفه منبره چیه قوب حد و نناد نصکره فضائل آل عباسی بیان واد او بیرسه
 و مسلمانلر خیرد عایدوب بعد بونی بغدادده کوندرملک ایچون چادرلر قورلوب شعبانک دردخی کون شاه
 و سپاه جمله آلتوب بیل چیه قوب چادرده علما و صلحا و امرا جمیع اولوب خلیفه لباس آل عباس سلو بنده خلعت
 و عمامه سیاه و طوق و کیری کندو الیه بیرسه کیدوب قلیق و شادوب بیرسه سلطنته انشا الله مفصل اجازت نامه

یازولوب بر منبر قورلوب علمادن بری چیقوب او قدی بعده بیرس خلعت و زینت و شوکت ایله شهره کیروب جلّه
 امر او عسکر او کجه پیاده یور یور بوب بعده بیرس خلیفه یه وزیر و کاتب و خزینه دار و جبهه خانه و بشیر و نقر
 آتل و عسکر و قرق عدد ملک قول و یوز عدد آت و اون قطار دوه و سائر لوازم سفر و مهمات و یروب نقد و یورد و کی
 و خرج ایتمکی جلّه اون کره یوز ییک فلوری اولوب بیرس دخی کند و سی یله کیدوب شامه وارد قلرنده
 بیرس قاروب خلیفه ایله مصر و شام عسکرندن نیجه کسنه لر قوشوب سابعاً موصل و سنجار و جزیره
 بادشا هاری اولنری یله کیدوب ذی القعدة نك او چینی کونی خلیفه شامدن چیقوب حلبه کلدکده
 آل عباسدن اولوب اشبو مستنصر دن اول حلبه خلیفه اولان حاکم بامر الله کاوب بوکا سر فر وایدوب
 بعده مستنصر کیدوب یوله در تیز نقر آتل وایله بر عرب بکی دخی بوکا معا و نته کاوب بغداده بر قاج
 کونلک برده هیت شهرنه کلدکر نده بغداده هلا کوملک بکار بکسی قراغه ایشیدوب عسکر چکوب
 التیور اتیش عور منک او چینی کونی خلیفه انبار شهرنه کلدکده قراغه ایشوب چنک اولنوب کفار صینوب
 اکثری قراغه غرق اولوب بر مقدار کافر صاحب کین کینده مکی اولمقین نجاة چیه قوب زندکر ندی چاقوب
 مسلمانری بری برینه قاروب قیروب بر روایتده خلیفه دخی شهید اولوب بر روایتده (نظم) ارالقه ده
 خلیفه اولدی مقفود * جسم و اسم و رسمی اولدی نابود (نثر) جلّه مدت خلافتی الی ای اولمشدی *
 رحمة الله علیه و علی اخوانه (نظم) سرخ چقا کار عجب کار ایدر * کینه سی عالمه انظار ایدر *
 عکس در کاری و باری انک * جور در خلقه شعاری انک * ینک ویدی ایلز اصلا جدا * بلکه ایدر بدله
 ینکی فدا * قرق ایده مز در شبه ینتی * اهل همدن یومر اول عینتی * اوله کمان ایله که خرخ دخی *
 کم کورینور دورد بر یزنی * عالی غربالنه وضع ایلش * ینکی دفع ویدی رفع ایلش * کیی که تخت
 اوزره ایدر سر بلند * عاقبت الامر ایدر تخت بند * کیه که بر جام و بر نوش پیر * حل ایدر اول جام ایچنه
 مکره زهر * نیجه شهل شانی ایدی رفیع * ایلدی فرماته خانی مطیع * قیلدی ینه جووری ایله زبردست *
 دست یدست ایلدی طیراغه پست * دهرده اول خیل که شاه ایدر یلر * داد کر و ملک پناه ایدر یلر *
 خوار و علیل ایلدین قومدی * زار و ذلیل ایلدین قومدی * قانی کیومرث و فریدون و جم * قانی سلاطین
 عرب هم عجم * کور خلفا فاند نهان اولدیلر * عبرت نظار جهان اولدیلر * بیلکه جهان باغی و فاسز درره
 عرکلی انده بقاسز درره باغ که ورد ینه بقا اولیه * ورد که باغینه و فالویه * لایق آرام اولور می اوباغ * اول
 کل ایله عطر بولوری دماغ * عاقل ایسه کورمه کوکل باغنه * زاغ صفت دوشه انک آغنه * طبعی بندینه
 حول ایله * جاهل ایچون چاهی قبول ایله * دوات و اقبالی ایله اوله شاده * مهر ینه هم ایچمه صاقن اعتماد *
 کورنه دیش خسرو شیرین سخن * ییل نیجه در دور سپهر * کهن * بوی سلامت ندهد باغ دهر *
 زانکه سرشت نباش بر زهر * باغ چه ینی که بهار یش نیست * هیچ کالی نیست که خار یش نیست *
 شادی عالم چو سر اسر غمت * آنکه بود شاد به نام کست (فصل ثانی در احوال حاکم بامر الله احمد
 ابن حسن بن علی بن ابی بکر بن المسترشد بالله) مزبور مسترشد بغداده سایه خلیفه اولوب سائر لری
 خلیفه اولامشدی بغدادی هلا کولده احمد کبر لثوب قاجوب امراء عرب ایچنده طوروب ملک
 مظفر شامه کلدکده بونی چاغروب وارد قده خلیفه دیکوب بودخی امراء عرب ایله بغداده کیدوب کفار
 تانارالنه دوشن عانه و حدیث و هیت و انبار شهر لر ین فتح ایدوب تاناراله جنکده غلاب اولوب بعده شام بکی
 بونی چاغروب سنی مصر سلاطین ملک ظاهر بیرس دعوت ایدر که سن دیکین شامه کاوب مصره واروب
 سابقا کراوانان مستنصر مصره بوندن اوج کون اول کبر مکیان جائز که بی طو تار دیو و هله دونوب حلبه
 کاوب اتفاق اهل حلبه آنده خلیفه اولوب وافر عسکر ایله تکرار عانه یه واروب انده مستنصره بوانوب
 اکاه طبع اولوب مستنصر تاناراله جنکده نابید اولد قده حاکم رجبه شهرنه کاوب مصر دن بیرس بونی
 چاغرفین التیور اتیش مفرنده اوغلی و نوابیله واروب بیرس سابقا مستنصره ایدر کی استقبال
 و تقسیم و اجلال و خلافت یعت و انواع رعایت و مقدار کفایه و وظیفه تعیین و سکه و خطبه ده شرکت ینکین
 ایدی * اتش ایکی رمضانده بیرس خلیفه بی خلیفه بولنه دتن منع ایدی ز بر خلیفه نك نوابی شهرده

کروب امرار سلطنته متعلق سوز سوزیلر دی (لهره) دیمه سر نهانی کتم و ازایت * شیوع و ازدن
 کی احترازایت (نثر) بعد زمان سلطان قلاوون پادشاه اولد قده خلیفه یه رغبت ایچوب سلطنته دخی
 اجازت ایچوب قلاوونک اوغلی صلاح الدین مکیان طقوزده فخته کچد کده خلیفه یه کلی رعایت ایچکه
 باشلدی * یدییوز برجمادی الاولی سنده ملک ناصر بن محمد بن قلاوون سلطنتده اشبو خلیفه وفات ایدوب
 اوزرینه تره یایلوب خلافتی قرق بریل و بر قاج آی اولمقین بونک زمانده مصرده سکر پادشاه دکشلوب بونک
 زمان خلافتی و قایمی انلک احوال سلطنتلری اولمقین انلک فصلارنده کچد شد نظر اولنه * اول نظر و
 سلطنت آل عثمان یدییوز سنه سنک اشد استده اولمقین بونک خلافتی او انخر نده ایدی بونک زمانده وفات ایدن
 کبار مشاهیر بونلردر (۱) شیخ عزالدین عبدالسلام و تاج الدین ابن بنت العز و محمد الدین بن دقیق العید
 و ابن عصفور النخوی و امام قرطبی صاحب تألیفات و شیخ جمال الدین بن مالک و برهان الدین بن جماعه
 و نجم الدین الکنانی شیخ علم منطق و امام محی الدین النوروی صاحب تألیفات و کواشی مؤلف تفسیر
 و ابن خلکان صاحب تألیفات و ابن نفیس شیخ الاطباء و مفسرانی شارح محمول و نقی الدین ابن بنت العز
 و ابن الخصاص النخوی و یاقوت المستعصمی سلطان الخطاطین و دخی نیجه کسنه لر (فصل ثالث در احوال
 مستکنی بالله سلیمان بن الحاکم بامر الله) التیور سکسان درت مفرنده طوغوب پدری وفاتده
 یکر می یاشنده انک تعیینیه خلافته بیعت اولندی بمالک اسلامیه به اعلام ایچون نامه لر کوندر لری *
 یدییوز ایدر کده کفار تانار و لایت شامه هجوم اید کده ناصر ایله خلیفه یه یله چیقوب ناصر لک ایچکی
 سلطنتده کچد و کی اوزره جنکده مسلمانلر غالب و تانارهار ب اولدیلر * بعض وقایع زمان خلافتی مشاهیر
 یوقار و ده سلاطین مصر فصلارنده کچد شد * یدییوز او تو زالتیده ملک ناصر خلیفه یه ایچنوب قلعه ایچنه
 کک و چروب بر قاج آیدن ککره ملک ناصر ی خلقه بولشعقدن منع ایدوب بر قاج آیدن ککره بار شمعین شهر
 ایچنده کی او ینه کو چروب بر قاج آیدن ککره ملک ناصر به خصوص ایچون خلیفه نك خطیله سلطان مجلس
 شرع شریفه وارسون دیو بر رفته مولد قده تکرار ایچنوب خلیفه بی یوز عدد مقداری اولاد و انبا علیه
 قوص شهر ینه سوروب لکن مصرده اولان وظیفه لر ینه ترقی ایدوب و خلافتدن رفع ایچوب ینه خطبه زده
 ذکر اولتوردی * یدییوز قرق باقرق بر شعبانده قومده وفات ایدی * هر ویدر که عالم و فاضل نفیس
 و شجاع و سخی و خوش نویس اولوب چوکان باز و تفننک انداز ایدی علمایله مجالسه و محاده و موانسه
 و مباحثه ایدوب انلر بحثلر و نوازل را ایدردی * سابقا ملک ناصر ایله غایت محبت و سیر و محبتلر ده
 مشارکت اوزره اولوب معیتله کوی و چوکان او ینا یوب برادر لر کی بکشور کن بر طوای لا و فاعلام اولک
 ناصر بوکا ایچنوب راه جفا به سلوک ایدی * حاکم خلافتده مصرده وفات ایدن کبار مشاهیر بونلر ایدی
 (۱) قاضی نقی الدین بن دقیق العید و شمس الدین سروجی شارح الهدایه و نجم الدین بن رفقه رئیس الشافعیه
 و رشید ابن العلم شیخ الحنفیه و قاضی ارموی مؤلف متن مطالع و ابن ابی العز شارح الهدایه و شمس الدین
 امهانی صاحب تألیفات و ابن زملکانی مؤلف اعجاز قرآن و شیخ نقی الدین بن عیبه و علاء الدین قونوی
 مؤلف ساوی الفقه و غیر الدین ترکیانی شارح جامع الکبیر و ملک مؤید سلطان حاکم صاحب تألیفات
 و برهان الدین الجعبری و قاضی بدر الدین بن جماعه و دخی نیجه لر (فصل رابع در احوال و نقی بالله ابراهیم
 ابن محمد حاکم بامر الله) پدری خلیفه اولدی ابراهیم سابقا فقیر الحال واریاب دولندن سوال ووال ایدر
 او اخین خلافتدن ککره خلق بونی مستعطي دیرلردی مستکنی قوص شهرنده وفات اید کده خلافتی اوغلی
 احمد و صیت ایدو کی ثابت اولوب لکن ملک ناصر سابقا مستکنی یه کوه مکیان خصوصاً ابراهیم کند و نك مفسد
 و غمازی اولوب مستکنی ایله مایتنلر ینه عداوت بر اقیقین ناصر علما و صلحا و امر احضورنده ابراهیمه
 بیعت دبدله کده بونلر مستکنی اوغانه و صیت ایتشدر ابراهیم فاسقدر لایق دکلدر دید کارنده ناصر
 احمدی کتور دوب لکن عنادا هیچ بر ینه بیعت ایچنوب درت آیدلک خطبه و سکه لرده خلیفه اعمی
 اکلیوب بعده ابراهیمه توبه و یروب خلیفه دیکوب خلق مع الکراهه بیعت ایدیلر * بعده ناصر وفات ایدر کن
 نادم اولوب احمدی خلیفه ایده مز دیو و صیت ایدوب بر ینه اوغلی ملک منصور کچد کچد یدییوز قرق بر

ذی الحجه سنده باحمر شده احدایه ابراهیمی جمع ایدوب قنغیسی احددر دیوعلایه سوروب احد دید کارنده
 ابراهیمی خلع واحد بیعت اولندی (فصل خامس در احوال حاکم بامر الله احد بن مستکنی) خلیفه
 اولدنی بیل ملت منصور زانی وشارب الخراولغین عزل اولنوب قوصه سورلوب انده قتل اولنوب برینه
 برادری ملک اشرف کوچک پکورلوب اودخی بریل ایچنده عزل اولنوب برادری ملک ناصر پکورلوب قرق
 اوچده اودخی عزل اولنوب برادری ملک صالح پکورلوب بریلدنصکره وفات ایتمکین برادری ملک
 کامل پکورلوب قرق پیدیده قتل اولغین برادری ملک مظفر پکورلوب قرق سکزده عزل اولنوب برادری
 سلطان حسن پکورلوب قرق طقوزده مصر وشم واکثر ممالکده نیجه یوز بیلدنبروملی ایستیدلماش
 طاعون عظیم اولوب الهی ایکیده حسن دخی عزل اولنوب برادری ملک صالح ثانی پکورلوب بوجله تک
 تفصیلی یوقاروده یکمشد * بدییوزالهی اوچده یادرتده حاکم بامر الله طاعوندن وفات ایدوب خلافتی
 اون درت بیل ایدی بونک زمانده وفات ایدن کارمشاهیرک بعضی بونلر ایدیکه ابوحنان و ابن الوردی
 و امام ذهی صاحب تالیفات و ابن فضل الله القاضی المنشی و ابن قیم الجوزیه (فصل سادس در احوال
 معتضد بالله ابو بکر بن مستکنی بالله) برادری حاکم وفاتده مدبر امور سلطنت مصر اولان امیر شیخون
 علما و امرای جمع ایدوب خلافتده کیم احددر دیوب ابو بکره اتفاق اولغین بیعت اولنوب اهل خیر و متواضع
 و محب علم ایدی (عجیبه) تاریخ خلفاده مذکوردرکه طراندده تقیسه آدلور قزاق اره واروب
 لکن بکارقی اصلا کتیب اون بش باشه وارد قدده هم لری باقوب فرجنده ذکر یتوب بیوبوب بر بارمق
 قدر اوزانوب خایه لری دخی یتوب بو خصوصده محضر کادی (فسحان الذی یدیه ملکوت کل شی
 یفعل مایشاه و یحکم ما یرید) بدییوزالهی بشده ملک صالح عزل و سلطان حسن تکرار نصیب
 اولنوب التمش ایکیده شهید اولوب ملک مظفر بن ملک منصور پکورلوب التمش اوج جمادی الاولی سنده
 معتضد خلیفه وفات ایدی بونک زمانده وفات ایدن کارمشاهیرک بعضی بونلردر (۱) امام تقی الدین
 ابن سبکی و فاضل معین مؤلف معرب قرآن و قوام الدین اتقانی مؤلف غایه البیان و جمال الدین بن هشام
 مؤلف معنی اللیب و مغلطای شارح بخاری و ابوامامه النقاش مؤلف تفسیر (فصل سابع در احوال
 متوکل علی الله محمد بن معتضد بالله) پدری وفاتده بیعت اولندی بونک صلیدن طوغان و سقط واقع
 اولان جهله اولادی یوز عدد اولندی وفات ایدکده وافر اولادی قلوب ایچلرندن بشی خلیفه اولوب خلفاده
 بوقصه تک نظیری دو شمامشدر * بدییوز التمش درتده سلطان مصر ملک منصور عزل اولنوب برینه
 ملک اشرف پکورلوب بخش اوچده امیر لیشل صارتق و دبیلدر بنه بشل علامت طاققی امر اولندی
 اشبوسنه ده یوزلنک نهنک آهنلک بئلک چنک دیار محمد نروج و ذروه بنی و طغیان عروج ایدوب اولسم
 نافع ایچون لفظ عذاب تاریخ واقع اولندر * فی الحقیقه عالمده قهرماناق و صاحب قرآنق ایچون نیجه
 یلتر عمالک شرق و غربده ضرب و سرب و عبادالاهی مبتلای بلا و کرب و اخذ بلاد و قتل عباد و نیجه فساد
 ایدوب عاقبت سکزیوز پیدیه هلاک وزیر مغالک خال و شر و ضررندن عالم پال و تانیال اولدی بدییوز التمش سکزده
 مصر سلطانی ملک اشرف قتل و برینه اوغلی ملک منصور نصیب اولندی * تمش طقوزده مصر سکرا اولان
 امیر ایکن تصرف اوورده مستقل اولوب بعض خصوص ایچون خلیفه به انجمنکین قوصه سوروب ایرنسی
 شفاعت اواندده شهره کنوردوب معتصم بالله زکریا بن ابراهیم بن محمد بن الحاکم بامر الله احد خلیف
 کیدروب زعمجه خلیفه دیکوب لکن اصلا کسنه بیعت ایتموب اون بش یکریمی کوندانصکره ایکن
 شفاعت امرایه معتصمی عزل و متوکلای خلافتده ابقا ایدی (عجیبه) سکسان ایکیده حلبده
 بر امام غازی قیلرکن جماعتدن بری امامی معزده لنوب امام غازی یوز میوب سلام و برد کارنده حضرت
 رب غیور قهار قدر فی الحال اول خبیثک صورتی بعینه خنر برایتیمکین قاچوب براورمانه کوروب
 بصره ملاند کوروب بنهادن ایدوب مصره محضر کوندور دیر * نعوذ بالله من الکفر و الضلال و سوء الحال
 سکسان اوچده ملک منصور وفات ایدوب مصره برینه برادری ملک صالح حاجی پکورلوب سکسان درتده
 حاجی عزل اولنوب برینه امیر برقوق پکوب اول ملوک براکسه بودر سکسان بش رجبنده سلطان برقوق

متوکلای خلع و قلعده حبس ایدوب بونک برینه واثق خلیفه نصب ایدی (فصل ثامن در احوال
 واثق بالله عمر ابن ابراهیم بن محمد بن الحاکم بامر الله) پدری وجدی خلیفه اولامشدر سلطان برقوق
 متوکلای حبس ایدکده بونک بیعت اولندی * سکسان سکز شوالی آخونده واثق خسته لکدن وفات ایدوب
 خلافتی اوج بیل و اوج ای ایدی (فصل ناسع در احوال معتصم بالله زکریا بن ابراهیم بن محمد بن الحاکم
 بامر الله) برادری واثق وفاتده اهل مصر سلطان برقوقدن سابقا عزل و حبس ایدوکی متوکلای بنه خلیفه
 ایتمکین رجایند کارنده برقوق عناد ایدوب سابقا ایک نصیله اون بش کون مده داری خلیفه نامنه اولان
 معتصمی خلیفه ایدوب خلق دخی مع الکراهه بیعت ایدی * بدییوز طقسان برده امرادن قریضا و یابغا
 نروج ایدوب برقوق صاحب عقوب تارک الحقوق ایچون متوکلای عزل و حبس ایدی دیو بدنام ایدوب خلق
 برقوقدن نفرت ایتمکین برقوق نام اولوب معتصمی رفع و متوکلای نصب ایدی * معتصم کتد و وفاتده دک
 معزول طور دی خلافتی اوج بیل مده داری اولمشدی (فصل عاشر در احوال متوکل علی الله محمد
 ابن معتضد بالله) سلطان برقوق بونی بدییوز سکسان بش رجبنده حبس ایتمشدی طقسان برده بر قاج سطر
 مقدم ذکر اولدنی بدیهه حبسندن چیماروب معتصم برینه خلافتده بیعت اولنوب برقوق بونک کاحدن
 بیرون رعایتلر و بخشلر ایدوب کمال مصافات اوزره اولدیلر * بنه طقسان برده (نظم) هر که او نیک
 میکند یابد * نیک و بد هر چه میکند یابد * مفه و فخر برقوق دخی عزل اولنوب کرلنه نهر نده حبسه کوندروب
 سابقا سلطان اولان ملک حاجی تکرار پکورلدی * اشبوسنه ده * و ذلر منازره لده عقیب اذاندده حضرت
 رسول علیه السلام وال و اصحابه صلاه و سلام ایتمکین احداث و قلوب سامعینه صفا لایرا ایدوب
 بو بدعت حسنه بوسنه دنبر و عادت مستزاده السعاده قالدی * طقسان ایتمکیده برقوق حبسندن
 چیمارلوب تخته یکدکده زمان عزلنده خلیفه دن راغی اولغین کلی رعایتلر ایدوب سکز یوز برده
 برقوق وفات ایدوب برینه اوغلی فرج پکوب سکز یوز سکز رجبنده عزل اولنوب برادری عبدالعزیز
 پکورلوب بنه بوسنه ده اودخی عزل اولنوب تکرار فرج پکورلوب اشبوسنه رجبنده خلیفه وفات
 ایدوب اولسکی خلافتی زمانی اون الی بیل ایکنی الی بیل اوچنی اون بدی بیل ایدی بونک خلافتی زمانده
 وفات ایدن کارمشاهیر (۱) صلاح الدین صدق و قطب الدین تحفانی و عزالدین بن جسامه و تاج الدین
 ابن السبکی و بهاء الدین بن السبکی و جمال الدین بن الاسنوی و ابن الصایغ حنفی و شیخ جمال الدین بن نباته
 و عقیف الدین الیافعی و سراج الدین هندی شارح کافیه و حافظ عماد الدین بن کثیر مؤلف تفسیر و توارخ
 و بدر الدین بن حبیب و ضیاء الدین الترمذی و شیخ اکمل الدین شارح هدایه و مولانا سعد الدین نفتازانی
 و بدر الدین زرکشی صاحب تالیفات و سراج الدین البلقینی و زین الدین عراقی و دخی نیجه ل ایدی
 (فصل حادی عشر در احوال مستعین بالله امیر المؤمنین ابو الفضل عباس بن المتوکل علی الله) سکزیوز
 سکزده پدری متوکل برینه خایه اولدی * اون درتده هندستان پادشاهی غیاث الدین اعظم شاه
 ابن اسکندر شاه خلیفه به وافر مال و پادشاهه ارمغانلر کوندروب سلطنته اجازت شرعیه رجاسنه ایلمی
 کوندردی بنه بوسنه سلطان فرج بن برقوق امرادن شامده خروج ایدن شیخ محمودی الیه و نوروز الیه جشنکه
 مستعینله یله کیدوب جنکده فرج صینوب امر آتی عزل ایدوب جبر و ابرام و شروط کثیره و نیجه کلام الیه
 اون بش محرمنده امر اخلیفه فی پادشاه ایدوب بده فرج قتل اولنوب خلیفه مزبور شیخ الیه مصره کلدیلر
 بخاری شارحی شیخ الاسلام ابن حجر تمنت سلطنته قرق سکزین ملور قصیده دیدیکه بعض ایاتی بودر (نظم)
 الملك اصبح ثابت الاساس * بالمستعین العادل العبادی * وجعت مکانة آل عم المصطفی *
 لحماها من بعد طول تمانی * فرغ غمان هاشم فی روضه * زاکي المنابت طیب الاغراس *
 فالتجسد لله المعز لدينه * من بعد ما قد کان فی ابلاس * بالاسادة الامراء ارکان العلی *
 ما بین مدرک ثاره و موائی * ترکوا العدی صریع معتزک الردی * فانه یحرمهم من الوسواس *
 و امامهم یجلا له متقدم * تقدیم بسم الله فی الترطاس * فهو الذی قد رد عنا البؤس فی *
 دهر به لولاه کل الیاس * و ازال ظلماء عم کل معص * من سائر الانواع و الاجناس *

که نعمه الله كانت عنده * فكانت في غمره وتامى * استبشرت ام القرى والارض من *
 شرق وغرب كالغيب وفاس * مولاي عبد قد اتانا راجيا * منك القبول فلا يرى من يام *
 لولا الهابة طوت امداحه * لكن ما جاء به بالسطاس * فادام رب الناس عزك دائما *
 بالحق محروسا رب الناس (نثر) مر ويدركه خليفه تدبير جميع امور سلطنتي من بورشخ محمودي به اصغر ليوب
 وزير ايدوب اول دخی کندویه نظام الملك دیولقب قویوب سکه وخطبه ده شریک اولغین امرا وایان
 اولان خلیفه نیک دیواته واروب بعده شیخ واروب لازم اولان امورده ورلدی وطرغرا یازدرمغه شیخ کندو
 دو اتداری خلیفه به کوندروب لازم اولانی خلیفه به یازدروب به شیخه کتوروب انده تقسیم اولتوردی *
 بعده شیخ فوت وشوکت وامتدلال بولوب سلاطین سابقه عادتجه خلیفه خلافتده طوروب سلطنت بوکا
 اولغی ایچون خلیفه به تکلیف ایتدکه اودخی نوله لکن بن قاعه سر ایتدن چیقوب شهرده اولکی منزله کوچیم
 دیوب شیخ بونی قاعه ده محبوس کی طوروب خلقه قارشدرمغی ایچون کوچکه رضا ورمیوب بی منت
 وبی اجازت ماه شعبانده تغلبه پادشاه اولوب کندویه مؤیدلقین قویوب خلیفه بی خلافتدن دخی رفع وانک
 برادری داودی نصب ایدوب مستعینی اهل وعیالیه بران قویوب خلقه بولشقدن منع طریقیله حبس
 شکیلوا ایدی (نظم) الدهر دولاب یورد به السرور مع الشرور * بن افق فوق السحاب فاذا به تحت الصخور
 (نثر) شام حاکی امیر نوروز شیخ خلیفه بی رفع ایتدو کنگه انجوب شیخه چنکه عزم ایدوب شیخ ایتدکه
 سکز یوزاون بدیده شامه عسکر چکوب کیدوب مستعینی قید بدیده اسکندریه قاعه سنه حبسه کوندروب
 بهد زمان ملک ظاهر طر یا دخی مکره ملک اشرف بر سبای تخته یکدکه مستعینی حبسدن چیقاروب
 مصره کنگه اجازت وردکده مستعین اسکندریه شهرندن حظ ایدوب انده تجارتدن دخی وافر مال دخی
 تحصیل ایتکین انده قلوب سکز یوزاوتوزاوج جهادی الاخره مندره قرق یاشندن اکسک ایکن طاعوندن
 وفات ایدوب خلافتی بدی بیل اوج ای ووبو نیک ایچنده الی آید هم خلیفه هم سلطان نامنه اولوب لکن
 من بورشخ محمود نیک مغلوبی کی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال معتضد بالله داود ابن المتوکل علی الله)
 سابقا من کوراولان شیخ محمودی تغلبه تخته کجوروب سکز یوزاوتدیده بونک برادری مستعینی خلافتدن
 رفع بونی نصب ایدی * بیکرمی دوت محرم مندره قرق یاشنده من بورشخ وفات ایدوب برینه اوغلی احمد پادشاه
 اولوب ماه شعبانده وزیر طر آتی رفع ایدوب تخته کندو کجوب ذی الحجده طر وفات ایدوب برینه
 اوغلی محمد کجوب بیکرمی بش ربیع الاخر مندره محرمی وزیر بر سبای رفع ایدوب برینه کندو کجوب قرق
 بر ذی الحجده مندره بر سبای وفات ایدوب برینه اوغلی یوسف کجوب قرق ایکی ربیع الاول مندره یوسفی وزیر چقمق
 رفع ایدوب برینه کندو کجوب * اشبوسه سلطنت ایلده بر برینه خلیفه اجازت وروب مقرر قیلمشدی
 بوسلاطینک احوالری آشاغیده کلور (نظم) منه درجهان دل که بیگانه ایست * چومطرب که
 هر روز در خانه ایست * نه لایق بود عشق بادلری * که هر بامدادش بود شوهری (نثر) سکز یوز
 قرق بدیده معتضد ورود راز خسته اولوب ربیع الاول مندره وفات ایدوب خلافتی او توی بیل
 مقداری ایدی (مناقب) مر ویدرکه علم وکالد وهر سالد اشرف خلفادن اولوب بالاعتقاد صاحب
 اوراد عظیم الشان ایدی عیم الاحسان ذکی وعاقل واکثر علومدن حصه به نائل ودائمافضل الاله مختلط
 وقلب معاجلی معاشیرت اهل عرفانه مر تب ایدی * غایت بلند همت اولغین جاساوند مالیه خلفاء قدما
 معامله من ایچن دیلیوب لکن او قدر وسعی اولماغله احیانا فریار دینده زیون اولوردی (عجبه) مر ویدرکه
 بونک زمانده سکز یوز بیکرمی بدیده برخاوندن بر خشی اوغلا نچق طوغدی که هم ذکر و هم فرجی
 اولوب ایکی آوجی ایچنده برانی وباشنده صغری و بوزی کی ایکی بوزی اولوب لکن فی الحال وفات ایدی
 (مترقات) به بیکرمی بدیده مصرده عظیم زلزله اولدی بونک زمان خلافتده وفات ایدن کار مشاهیرک
 بعضی بونل ایدی (۱) محمد الدین فیروز آبادی که صاحب قاموس در و عزالدین بن چاعه و جلال الدین
 البلقینی و میراج الدین قاری اله دایه مؤلف فتاوی وشمس الدین البرماوی شارح بخاری ومولانا قاره
 به قوب قرمانی و ابن الجزری شیخ للقرآن و ابن چیه دیگله معروف شاعر و منشی قاضی سکه بدیهه

آدلو کتاب مؤافید رودخی نیچر (فصل ثالث عشر در احوال مستکنی بالله سلیمان بن متوکل علی الله)
 برادری معتضد وفاتده انک تعینیه بیعت اولندی غایتده صالح وعاقل و دیندار و کثیر السکوت و کثیر التلاوه
 وعباده نکار اولوب * تاریخ الخلفاءده شیخ جلال الدین سیوطی بنم پدرم بونک امامی و غایتده مقبولی ایدی
 بونک خانه خیر آشیانه سنده نعمت بیکرانه سیده پرورده اولنزد آل عز بن عبدالعزیز نصرکه بونک
 آل واتباعی کی احباب عبادات بر طائفه کما مشدر * سکز یوز ایل درت ذی الحجده سنک آخر مندره مقدمه
 اولغین وفات ایدوب مصر سلطانی حقه من بونک غایت محب و معتقدی اولغین نابوقی او کجبه بیان بوروب
 بر قاج دفعه تبر کا کتوروب پدرم دخی قرق کوند نصرکه وفات ایدی شیخ الاسلام ابن حجر بونک زمانده
 وفات ایدی دیشدر (فصل رابع عشر در احوال قائم بامر الله حمزه ابن المتوکل علی الله) حیاته اولان
 ایکی برادرندن دخی اسن وارشد و احسن اولغین خلافته بیعت اولندی * لیب و مهبب کنگه ایدی سکز یوز
 الی بدیده سلطان حقه من وفات ایدوب اوغلی عثمان تخته کجوب بر بقی آید نصرکه وزیر امیر اینال عثمانی
 رفع ایدوب برینه کندو کجوب الی طقوز رجب مندره اینال بنی منال (نظم) امور تضجک السهاه منها *
 و تبکی من عواقبها الالباب * مفه و منجه بعض خصوصده خلیفه به انجوب مرابه چاغردوب وارد قده
 قاقیوب خلیفه دخی لسانده لکنت اولمله جواب و پرکن اینال فهم ایدوب طوب قلعده حبس
 و برادری یوسفی نصب ایدوب بعده محبوس اسکندریه به کوندروب انده حبس ایدوب التمش برده
 اطلاق ایتدردکده اسکندریه ده ساکن اولوب التمش او جده انده وفات ایدی * خلافتی بش بیل ایدی
 (فصل خامس عشر در احوال مستنجد بالله یوسف بن المتوکل علی الله) برادری رفمنده برینه
 کجور شددر * سکز یوز التمش بدیده اینال وفات ایدوب برینه اوغلی احمد تخته کجوب بوشنه نیک رمضانده
 امیر خوشقدم احمدی رفع ایدوب برینه کندو کجوب التمش ایتدکه وفات ایدوب برینه بابای کجوب
 ایکی آید نصرکه عسکر بابایه هجوم و رفع ایدوب برینه عمر بغا کجوب ایکی آید نصرکه اودخی عسکر
 هجومیله رفع اولوب و برینه امیر قایمبای نصب اولندی (نظم) باطالب الدنيا الدنية انما *
 شربك الردي وقرارة الاكدار * دارتی ما الضحک من يومها * ابکت غدا بعدا لها من دار (نثر)
 من بور خلیفه ایکی بیل مفلوج اولوب سکز یوز مسکسان دوت محرم مندره طقسان یاشنده وفات ایدی
 خلافتی بیکرمی بش بیل ایدی (فصل سادس عشر در احوال متوکل علی الله عبد العزيز بن يعقوب
 ابن المتوکل علی الله) سکز یوزاون طقوزده طوغوب مسکسان دوت محرم مندره عیسی مستنجد برینه کجوب
 خلیفه اولدی * پدری یعقوب خلیفه اولما مشدر * اشبوسه متوکل حیدر اتصال سدید القوال محبوب القلوب
 مسلوب العیوب عالم کامل صالح عامل اولوب مستکنی بالالهک دامادی ایدی * مسکسان بدیده مصر
 عسکری سر عسکر امیر بشینک دونداریله ولایت عراقه کوندروب رها شهری قریبده یعقوب شاه
 ابن حسن ایلده صواب مصر یل صیوب کچی قیرلوب باقیرلی اسیر اولوب بشینک بونی اولدی * مسکسان
 ایتدده مصرده عظیم زلزله اولوب بنالرحی طاعن صا صا صا لکن تبر ساکن اولدی * اشبوسه مندره مصر
 فاتح قسطنطینیله اولان صاحب قران زمان نخر آل عثمان مرحوم و معفور سلطان محمد خان حضرت تری نیک
 وفاتی خبری و اوغلی سلطان یازید خانک جلوسی خبری کاوب بعده شهرزاده سلطان جم برادرندن خوف
 قاجوب مصره کاوب سلطان قایتبای غایت رعایت و زیاده تعظیم ایدوب جم پرغم مصر دن چیه کندی
 اشبوسه شوالنده مدینه منورهده مسجد حضرت رسول صلی الله علیه وسلم مناره زندن برینه بر کجبه
 یلدرم اینوب مسجد شریف یان دینی خبری کلدی * بعده سلطان قایتبای انی مجدد اینا ایدی شکیم آشاغیده
 کاورد طقوز یوزاوج محرمی و آخر مندره متوکل خلیفه وفات ایدوب ماه صفرده وصیتی اوزره به قویه بیعت
 اولتوب مستکن بالله دیولقب قوندی * تاریخ الخلفاء سیوطی بومجلده تمام اولوب بوندن آشاغیسی
 یازلیوب خمیس آدلو کتاب سیر آخر مندره و میر خوانده من بور مستکن طقوز یوز الی شوالنک اول کونی
 دودار کبیر قانصوغوری بی اتفاق اهل مصرله سلطنته کجوردی دینوب من بور خلیفه نیک سائر احوالی
 یازلیوب مرحوم سلطان سلیم خان مصری فتح ایدی و بهد زمان وفات ایدوب برینه مرحوم سلطان

سلیمان خان پادشاه اولدنی اجمالا بازلوب بو کتاب دخی بوجمله تمام اولغین ظن غالب بودر که سلطان سلیم
 مصری قصه کلد کده مستسک بالله حیاته و خلافتده موجود بواغش اوله و الله اعلم بالصواب
 (باب نابع عشر در احوال ملوک حرا کده) اشبو طائفه چرکس جندندن بکری بش نفر آ زادلو قول
 ایدیلر ظاهر و لری یدیبوز سکسان درنده و مدت سلطنتلری یوز و یوزمکز بیل اولوب تخت کا هاری مصر
 دارانصر ایدی (فصل اول در احوال ملوک ظاهر سیف الدین برقو الجرجسی العنالی) چرکس جندی
 اولوب امرامه مصر دن امیر بلیغای کبیرله معتقد در عاقل و عدل انما و محب صلحا و علمایر امیر دایر صاحب
 تدبیر ایدی و فواج مسکبه ده هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و سلم دن مائنه ده محمد دین یعنی ناصر
 و مؤید شرع سید المرسلین زمره سلاطیندن برقو علمادن سراج الدین بلقینی شافعی ایدی دینشدر
 آخر ملوک تر کانه اولان ملک صالح حاجینک وزیر و والی یاشنده اوغلا بنقی اولغین انک انابکی ایکن
 یدیبوز سکسان درت رمضانده تغلبه انک برینه تخت بکری و طهسان برده حلب بکی بلیغای ناصری مصره
 عسکر چکوب برقو طوق کر که کوندروب صالحی تکرار خسته چکوب و ب صالحه کندی
 وزیر اولدی و طهسان او چده امیر منطاش بلیغای حبس ایدوب برقو قتل آدم کوندروب او کینه
 کرک خلفنک مبعوضلری اولغین خلق اتی قتل ایدوب برقو چیقارد قلنده آ ز کینه ایله شامه واروب
 شام بکی جا تخر عسکرله فارشولوب صواشوب صیوب شهره قویوب حلب بکی کشیغابرقوقه معاونه
 کلوب وافر عسکر جمع ایدوب صالح دخی مصر دن خلیفه و منطاش عظیم عسکرله کلوب شام قریده
 صواشوب ایکی طرف دخی کاه غالب و کاه مغلوب اولغین حیرته ایکن کشیغاب حلب منطاش شامه
 قاجوب برقو سراجیه کرکن (نظم) اذا قبلت جات تقاد بشعره وان ادبرت و انت قدال اسلام
 مصداقجه ملوک مسالک چادری اوزرینه اوغرا یوب یلوب اینوب صالحی طوق برینه چکوب
 ایکنی دفعه تخت چکوب اووروب چادر یاتندن چکنار ناچار اینوب برقوقه سرفرو ایدوب دستبوس ایدر
 اولدیلر (محرره) بخت و طالعه ایدر ایشی کشی و بختسز عکسه دوز هر جنبشی (نثر) بعده
 منطاشله چکنه بلیغای کوندروب حصده عظیم جنگ و امرادن نیجه قتل اولوب منطاش
 قاجوب بلیغای برقو شام بکلکی خیرین کوندردی و طهسان او چده منطاش شامه عزم ایدوب
 حمایتی الوب بعلبکه وارد قده بلیغاب عسکرله اکا کیدوب منطاش غیری یولدن شامه کلوب بلیغادخی
 کلوب نیجه کون صواشوب برقو ایشیدوب مصر دن فی الحال عسکرله چیقوب منطاش ایشد کده
 شرقه قاجوب برقو شامه اندن حلبه کلوب دوند کده بلیغایله بعضی امرای قتل ایدی و طهسان درنده
 برقو مصره کیروب منطاش بر عرب بکنه وارد بقی ایشد کین اتی ایشدوب اودخی و پرد کده حلبده
 قتل اولوب باشی مصره کتوردی و اشبو بیل بعمده قره قیونلیدن ترکان پادشاهی قره یوسف بن قره محمد
 تبریزی فتح ایدوب مفتاحلین سلطان برقوقه کوندروب بودخی اکا سلطنته اجازه خات کوندردی
 طهسان بنده بغداد پادشاهی سلطان احمد بن اویس تیورلنکدن قاجوب مصره کلوب برقو اتی زینت
 و شوکتله قارشلوب غایت رعایت ایدوب تیور عراق عرب و جله بلاد عجمی آلدی بقی خبر و یردی
 بعده تیور برقوقه ایلی کوندروب برقو انلری یولده قتل ایدروب تیور ایشد کده شامه عزم ایدوب
 موصل فریده رحانه بن العرب نب و نارت و نیجه کینه لایمیر ایدوب دونوب کندی و طهسان ایدره
 برقو سلطان احمد ایله شامه کلوب احمدی بغداد کوندروب وارد قده بغدادی الوب سکیدی برقو نامه
 ایدی و طهسان یدیده سلاطین آل عثماندن یلدرم یازید خان ابن مراد خان برومه شهرندن برقوقه
 و خلیفه یه ایلدیه هدایا و محبتنامه کوندروب سلطنته اجازه شرعیه طلب ایدوب ایکسی دخی اجازت
 خبرین کوندروب ایلر هجرتک تمام سکز یوزنده برقو خسته اولوب ماه شوالده وفات ایدی و اولکی سلطنتی
 الی بیل بقی ای ایکنی طوق بیل طوق زآی اولوب مصره برجام و مدرسه یا یوب قدسده مطبخ حضرت
 خلیل الله برکوی وقف ایشد (فصل ثانی در احوال ملوک ناصر فرج بن برقو) پدری وفاتده
 اون ایکی یاشنده تخت بکین شام بکی نم حلب بکی اقبضا اتفاقیه حصان ایدوب عسکر جمع اید کارنده

یلدرم یازید خان برومه دن کلوب ملاطیه بی محاصره ایلد الوب سکز یوز ایدیه ناصر مصر دن شامه کیدوب
 تم دخی عسکرله چیقوب قدس اطرافنده صواشوب تم صیوب طوقلوب ناصر منصور یاسرور موقور
 دونوب مصره کلدی (مفاسد تیور) ینه بو بیل تیور انک سکز کره یوز بیل عسکرله و بر قاج فیلله
 هندستان سفرندن دونوب برقو قتل وفات ایشیدوب شاد اولوب سیواسه کلوب محاصره ایدوب بعده
 اما نه الد قده عذر ایدوب چقور لقا ز دروب اوج بیلک صاغ کینه یی کوموب شهر یی یاقوب بیقوب
 انواع ظلم و فساد ایشد کده فلان ظالم تیور سیواسه ایدوب کن ایدی دیو بن اصحاب الملل ضرب مثل اولشدر
 بعده هم سنی قلعه سن الوب حلبه عزم اید کده عساکر اسلامیه حلبده جمع و قدوم تیور لزوم تیوره دیده
 و سمع اولوب شاه تیوری نور پرزور خزانه آتو و ییاده عسکر یی کرانه و بر قاج فیل کوه نشانه ایل
 کلوب نطع شهر حلبده بخت فرخ ایلدرخ نما وادی سق دما اولد قده اهل حلب نیجه طاب شهره قاجوب
 مجرد از دحامدن ییجه کینه هلاک اولوب عسکر تیور یونلری بیانی مقتول و ماسور ایدوب بعده شهرده
 بر قاج کونه دل انواع ظلم و قتل و فساد ایدوب علمای چاغردوب مفتی حنی اولان مولانا محمد بن شحینه ایل
 واروب یولشد قلنده قیل و قال و جواب و سوال ایدوب ابن شحینه دن حظ ایشد کین حایده قود بقی بکه
 علمای رعایت و حمایت ایلک اصمیر لوب بعده شامه کیدوب مصر دن سلطان ناصر عسکرله شامه کلوب
 محکم صواشوب تیور صیغه یولشوب اکن ناصر لک بعضی بکاری خیانت ایشد کین ناصر احتیاطا مصره
 کیدوب تیور دمشق شامه کیروب حلبه ایدوب کندن زیاده ایدوب بعده دونوب حلبه بقی شاد قده حاجی
 آتیه یا قدروب بعمده قرا باغه کیدوب سکز یوز درنده تیور یلدرم یازید خانک اوزر ینه کلوب آشاغیده
 تفصیل اولنه حق و جهله انکوری شهرنده محض حکمت و ب فادرا کیر ایل تیور اکا طغر بولدی (نظم)
 خدای عز و جل را بضم هر چه کند لطیفه ایست که کمر را از ان خبر بود (نثر) ینه بو ییاده
 تیور سابقا مصره حبسه کوندولش بر بکی طلبه ایلی کوندروب ملک ناصر دخی بکی و ایلی یی
 رعایتله کوندرب کین تیور حظ ایدوب ناصر هدا یا ایل بر فیل کوندردی و سکز یوز الیمده سابقا مصره
 کلوب کیدوب بغدادده تکرار پادشاه اولان سلطان احمد بن اویس تیور خوفندن قیصر صورتده قاجوب
 شامه کلوب ناصر امر ایل طوقلوب حبس اولندی و اشبو بیل تیور لک مصره کلان ایلیلری دونوب
 ناصر دخی تیور هدا یا ایل بر زرافه یعنی زور یا ایل بر قاج نه شامه یعنی دوه قوشی کوندردی بوسنده حلبده
 و بعضی برده عظیم زلزله اولدی و سکز یوز سکز ربع الا قنده ناصر کندی امراسنک اخلافتدن قاجوب
 کیرا یوب برادری ملک منصور یی تخت بکوردیلر ناصر لک اشبو اتراسکی سلطنتی الی بیل ویش آی ایدی
 (فصل ثالث در احوال ملوک منصور عبد العزیز بن برقو) برادری کیرلند کده برینه چکوب لوب
 الی سکز کوندرب کینه برادری ظهور ایشد کین تخت چکوب بوقی طوقلوب اسکندر یه یه کوندروب
 انده قتل ایدردی (نظم) دنیا که درو بیات کم ییتم و در هر فرخش هزار غم ییتم و چون کهنه
 رباطیست در هر طرفی و راهی به بیابان عدم ییتم (فصل رابع در احوال ملک ناصر فرج بن برقو)
 مقدما کیرلند کده برینه برادری کور لوب الی سکز کوندرب کینه ظهور ایشد کین تخت چکوب
 سکز یوز اون بنده امرادن شیخ محمودی ایل نوروز آدو مانند سک بدرک ایکی یک شامه خروج ایدوب
 ملک ناصر مستعین خلیفه ایل مصر دن ییله چیقوب واروب ناصر چکنده مغلوب و خامه اولد قده
 امرای بلا امر بونی عزل و قتل برینه خلیفه یی سلطان ایدیلر ناصر لک عمری بکری الی بیل اتراسکی سلطنتی
 الی بیل بش آی ایکنی الی بیل طوق زآی ایدی (فصل خامس در احوال ملوک عادل مستعین بالله
 عباس ابن المتوکل علی الله) بجز خلفاء عباسیه مصر دن اولغین بونک تفصیل احوالی اوج ورق مقدم
 بکشد در سکز یوز سکز دینرو مصرده خلیفه ایدی سفا و مستنده ناصر قتلنده امرانک کالی منت و ابرامریله
 تخت بکوردوب خروج ایدن شیخ محمود بو کاوز را اولوب نظام الملک دیو اقب قونوب سک و خطبه ده شریک اولوب
 الی آید نصکره خلیفه یی تغلبه ظالم حبس ایدوب برینه تخت چکوب درت ییاده نصکره اسکندر یه یه کوندروب
 حبس ایدروب بعده زمان مصر سلطانی ملک ططر یا لک بر سبای بونی حبسندن چیقاروب اسکندر یه یه

بجاء ورت اختیار ایدوب سکر روز او تو ز او چده طاعون دن وفات ایتدی (فصل سادس در احوال
ملک مؤید شیخ محمودی الظاهری امی شیخ در سابقا محمود آدولوبازرگانک قوی اولافین محمودی دیکله بعده ملک
ظاهر بر قوقل قوی اولافین ظاهری دیکله مشهور ایدی و اوج درت ورق مقدمه مستعین فصلنده تفصیل
اولند بی اوزره سابقا شامده خروج ایدوب بعده مصره سلطان و خلیفه اولان مستعین باللهک وزیر و سکر
و خطبه ده شریکی اولوب سکر روز اون بش شعبانده اتی ظلمت رفع و حبس ایدوب تخته کند و کجوب ملک
مؤید دیو لقب قوتوب * اون اتی ذی الحجه سنده مستعینک برادری معتمد باللهی خلیفه دیکوب شام یکی
امیر نوروز بوظلی ایشدوب شیخه چنکه عزم ایدوب شیخ دخی ایشد کده سکر روز اون بدیده مستعین
اسکندر به به حبسه کوندروب کند و شامه عسکر چکوب سکر روز بیکرمیده مصرده حالا مؤید به
دیدکاری بر لطیف جامع شریف و مدرسه یا یوب بکری درت بحر منده وفات ایدوب سلطنتی سکر بیل
بش آی ایدی (فصل سابع در احوال ملک مظفر احمد بن ملک مؤید شیخ) پدری برینه کجوب لوب
امیر طمر وزیر و انابکی اولوب یدی آید نصکره طمر احمدی رفع ایدوب برینه کند و کجوب (فصل ثامن
در احوال ملک ظاهر طمر) قول جنسید و ملک مظفرک وزیر و انابکی ایکن سکر روز بیکری درت
شعبانده تغلبه برینه کجوب اوج آید نصکره وفات ایتدی (فصل تاسع در احوال ملک صالح محمد
ابن ملک ظاهر طمر) پدری وفاتده برینه کجوب لوب درت آید نصکره وزیر و انابکی اولان امیر برسیای
بونی رفع ایدوب برینه کند و کجوب ملک صالح بعد العزل مصرده کمال عزت و حرمت و حضور و رفاهیت
اوزره معیت ایدوب سکر روز او تو ز او چده طاعون دن وفات ایتدی (فصل عاشر در احوال ملک اشرف
برسیای الدقاقی) سلطان بر قوقل عبد معتقد در ملک صالح وزیر ایکن سکر روز بیکری بشده تغلبه
اتی رفع ایدوب برینه کجوب * بکری طغوزده قبرس جزیره سن کفار الذن فغ ایدوب پادشاهی
امیر اولمشکن آزاد ایدوب هر بیل خواجه کسیدی * او تو ز اتیده دیار * کده بالذات مفر ایدوب
زمان سلطنتده مصرده بر اعلام مدرسه بنایدوب فرق بر ذی الحجه سنده وفات ایدوب سلطنتی اون اتی بیلدر
(فصل حادی عشر در احوال ملک عزیر یوسف ابن ملک اشرف برسیای) پدری وفاتده برینه کجوب
اوج آید نصکره وزیر و انابکی امیر جقمق بونی رفع ایدوب اسکندر به به کوندروب برینه کند و کجوب
سکر روز اتش سکرده یوسف اسکندر به ده وفات ایتدی (فصل ثانی عشر در احوال ملک ظاهر جقمق
العلاق) سلطان بر قوقل عتقا سندن ایدی ملک عزیر وزیر ایکن تغلبه برینه کجوب سکر روز اتش
جوامع و مواضع و بعض مواضع تعمیر و بنا ایدوب خیرات و مبرات و صدقات و صدقاتی لاتعداد
خمس و صا حرمین محترمین خلفه هر بیل در یادن کیلر بغدادی کوند رملکچون کویلر وقف ایدوب هر کون
بر وارد بغدادی بشعل شرط ایتدی * سکر روز قرق بدیده ج ایدوب الی یدی مفرنده خسته اولده حسن
اختیار ایدو غلوی تخته کجوب بر ایکی هفته دنصکره * کند و وفات ایتدی (فصل ثالث عشر
در احوال ملک منصور عثمان ابن ملک ظاهر جقمق) پدری خسته ایکن بونی تخته کجوب قرق
کوند نصکره امرادن امیر اتال تغلبه بونی رفع ایدوب برینه کند و کجوب بونی اسکندر به به کوندردی اهل علم
و صلاح و کمال اولفین الی بر یا شنده وفات اید فحیه دلک علم و عبادانه اشتغال ایتدی (فصل رابع عشر
در احوال ملک اشرف ابنال الناصری) ملک ناصر فرج بن بر قوقل متعلق سندن ایدی * سکر روز
الی یدی ریح الاولی غره سنده ملک منصور ی رفع ایدوب برینه کند و کجوب * سکر روز اتش بشده
خسته اولده حسن اختیار ایدو غلی احمدی تخته کجوب و برتسی کند و وفات ایتدی مصرده
بر مدرسه یا یوب قدسده حضرت ابراهیم و بر قاج انبیاء علی نبینا وعلیم الصلاه و السلام مزارات شریفه لرینه
آفریم سالور زباف اور تو ز طوقدوب اور تدره مدرسه قدسده بعض خیراتی دخی وارد سلطنتی سکر بیل
و ایکی آی ایدی (فصل خامس عشر در احوال ملک مؤید احمد بن ملک اشرف ابنال) پدری برینه
کجوب درت آید نصکره سکر روز اتش بش رمضانده امیر خوشقدم تغلبه بونی رفع ایدوب برینه کند و کجوب
بعده احمد سکر روز طقسان بشده اتی سکر یا شنده وفات ایتدی (فصل سادس عشر در احوال ملک ظاهر

حوسقدم) سابقا کراولان ملک مؤید شیخ محمودینک عتقا سندن احمد بن ابنال برینه تغلبه کجوب
الی بیل والی آی سلطنت سوروب سکر روز اتش ایکی ریح الاولنده وفات ایدوب نیجه آثار خیراتی وارد
مکه مکره طاغیر اور تاسنده اولافین شهره سبیل کلون دیو اوزا دن بر عظیم سد بنا اولوب
سالامد خوشقدم دیکله معنی اولافی غالباً او بنا ایتد و مشدر (فصل سابع عشر در احوال ملک ظاهر یلبای
العلاق مؤیدی) خوشقدم وفاتده برینه کجوب الی یدی کوند نصکره مصرده عسکر هجومه بونی رفع
امیر عمور بغلی نصب ایدوب بونی اسکندر به به کوندروب اوسنه ایچنده آند وفات ایتدی (فصل ثامن عشر
در احوال ملک ظاهر) عمربقا الظاهری اتفاق عسکرله یلبای برینه کجوب لوب الی سکر کوند نصکره
عسکر کادخی هجوم و رفع و برینه امیر قایلبای نصب ایتدیلر * بعده قرباغزت و حرمت ایل مصرده
دمیاط شهرنه کوندروب بعده اسکندر به ده متقاعد اولدی (فصل تاسع عشر در احوال ملک اشرف
قایلبای محمودی الظاهری) مصره محمود آدولوبازرگان کتوروب بعده سلطان برسیایک قوی
بعده ملک ظاهر سلطان جقمق اولوب جقمق آزاد ایشدی * عمربقا رفع اولنده سکر روز اتش
ایکی رجینک التخی کونی فرق اتی باشنده تخته کجورلدی (مناف) مر ویدر که آق بکزلو خوب صورت
بلند قامت منور روی پسته بدیده خوی فصیح اللسان ملیح البیان صالح و لبیب شجاع و مهیب مدبر
و مصیب اولوب هر حالده خیابکار ملوک سلف جلیل الاعتبار دن معدود اولغه مزار و ابر پادشاه عالیه
رعایا پناه ایدی * مناقب و احوالی کتاب مستقل اولغه مختل اولوب ند کلو توصیف اولغه کبر و قصوری
اولوب عدل و دادله تعمیر بلاد و ترفیه عباد ایشدی * سکر روز اتش درنده مکه مکره ده
مناده مسجد خنی و عرفاتده مسجد غمری و قبه عرفاتی و موقف شجاع ایکی حدی اولان ایکی علمی
و مزارقه ده مشعر الحرامک نزدیکان لرین و راه حیده خلیص آدولومز لده برکه عظمی الی ایدروب اول حوضه
افار صو کتوردی * بر بیل صکره عرفاتک افان بیکاری کسلیکن اقتدروب یتش طغوزده که شهرنده
زمزم شرب قیو سی قبه سنی و مقام حضرت ابراهیم و حنفیلر مقاسن تعمیر ایدروب یتش طغوزده حرم
شریفه بر منبر کوندروب هر بیل کعبه معظمه به اورنه چک اور تو تعیین ایتدی * مر ویدر که مکه مدینه
و قدسده و امع و بلند و مرخم و بی مانده مدرسه لر و حرمین شریفینده عمارت لر و مصره قریب قطیه قصبه سنده
بر جامع یا یوب حرمین شریفین خلفه دیشده دیکله معروف و مشهور نیجه یلک اردب بغدادی و حبوبات
تعمین ایدوب وقف ایتدو کی معمر و قریه لر دن تحصیل اولوب هر بیل سویس دریاسندن کوندروب
نیجه پای و کدایه اندن و یه اولوب بخنه و خام توزیع و انعام اولتور * مدینه منوره ده مسجد شریف حضرت
رسول صلی الله علیه و سلم مناره سنه بحکمة الله بر کیجه بلدرم اینوب چله مسجد یا ند قدسده مجذبا آتی لطیف
بنا ایدوب حالا مزار لامع الانوار عرش اعتبار رسول مختاری احاطه ایدن مصنع و شبک فو جدن التون
بالدزی قصص واسع و عظیم بونک اثر بدر و الحاصل خیراتی بحد و حسناتی لاتعدد * مر ویدر که کمال
شجاعتدن غایت آزع ککرله مصر دن نهر فرات اطرافنه سفره وار مشدی و کمال دیانت و اجنبیا طندن
بر منصب و جهت محلول اولده غایت مستحقنه و بر ملک ایچون بر قاج آی توقف و اهتمامده تجسس و تکلف
ایدردی * شکر الله سعیه الموفور (وقایع) بعض حوادث زمان سلطنتی بونلدر که سکر روز اتش
طغوزده بمالک روم و حاب اراسنده بعض ولایتله تغلب ایدن شهر و اوطان لوب مصره کتوروب صلب
اولندی قایلبای قبل السلطنه ایکی کره ج ایش اولوب بعده سکسان درنده دخی کیدوب مدینه فقر اسنه
الی یلک مکه فقر اسنه بش یلک فلوری تصدق ایدوب مکه ده اولان مدرسه سنه شیخ و مرید لر نصب ایتدی *
سکسان بشده سر عسکری اولان امیر بشک دویدار عسکره هر ایل سلطان یعقوب بن حسن ایل چنکه
کیدوب رهها شهرنده مواشلوب مصر یلر قتل و اسیر اولوب بشکک بونی اورلدی * سکسان ایتده
مصرده عظیم زلزله اولوب بنار و طاغیر صا صلوب آرزمانده ساکن اولدی * یه بویل فاتح قسطنطنیه
اولان مغیر آل عثمان مرحوم سلطان محمد خانک و فاتی و اوغلی سلطان یارید خانک جلوسی خیری کلوب بعده
شهرزاده سلطان جم برادری خوفندن قاجوب مصره کلوب قایلبای کاغایت رعایت ایدوب مصر دن

شامه آمدن مکه به حج کندی * طغوز یوز بر ذی الحجه یا خود ذی القعدة سگ یگری سگزنده سلطان قایتبای
 بخشیش باشد و وفات ایدوب سلطنتی یگری طغوز ییل و درت آی وایکی کون ایدی * رخت الله علیه
 و علی امثاله (فصل عشرون در احوال ملک ناصر محمد بن ملک اشرف قایتبای) پدری خسته اولوب
 وفاتدن ایکی کون مقدم خلیفه زمان متوکل علی الله ایل ارکان واعیان بونی سلطان ایدوب سن بلوغده
 جوان ایدی سر عسکر اولان دویدار کبیر امیر قانصو خیمایه وزیر و اتابکی اولوب ایکنی کون سلطان
 قایتبای وفات ایدی * طغوز یوز ایکی جادی الاولینک یگری سگزنده قانصو خلیفه ایل علما و امرای
 جمع ایدوب محمدک ساطنته عدم قدرتی یلنوب خلع ایدوب برینه کندی و کجورلوب بیعت اولندی
 (فصل حادی و عشرون در احوال ملک اشرف قانصو خیمایه الاشرفی القایتبای) سلطان قایتبای
 معتقدن اولوب قانصو خیمایه در لر ایدی غالباً سابقاً عسکر کردن بشیوز نفرک ضابطی اولدیغیچون
 ایدی * جلسی ملک ناصرک وزیر و اتابکی ایکن خلقی جمع ایدوب ای خلق و کندی نصب ایدردی *
 اوج کوند نصکره عسکر حرکت اید کده قدسه قریب غزه شهرنه قاجوب خان بونس وقعه سنده
 ناپدید اولدی (نظم) بکزر جه ناک ایشی همان قوش بجالته * اکامه بوسوزی عارف ایسک دوش
 خیالته (فصل ثانی و عشرون در احوال ملک ناصر محمد بن ملک اشرف) سابقاً کراولند بونی اوزره
 اوغلا یقچدر دیو سلطنتدن خلع اولنوب اوج کوند نصکره طغوز یوز ایکی جادی الاخره سنده
 رشد و بلوغی ثابت اولوب ایکنی دفعه تخته کجورلوب بونک برینه کچن قانصو قاجوب بده ناصر
 ذوالرای القاصر (نظم) ان الشباب والفراغ والجد * مفیده لامر ای مفیده * مفه و منجه اراذل
 و فقه ایل معاشرت و فواحش و منکرانه مباشرت ایدراولدهده مصر شهرینک قارشو سنده جزیره حیره
 قصبه سنده طغوز یوز درت ربع الاولی نصقنده قتل اولنوب اولکی سلطنتی الی ای ایکی کون ایکنجیسی
 بر ییل وانی ای ایدی (فصل ثالث و عشرون در احوال ملک ظاهر ابوسعید قانصو) سلطان قایتبای
 مرحومک عبدعزمتی و ملک ناصرک دایسی ایدی یعنی بونک همشیره سی انک والده می ایدی ناصر قتل
 اولندهده خلیفه زمان واعیان و ارکان طغوز یوز درت ربع الاولینک اون بدیندهده غازی وقتنده
 بو کایمت اولندی و عمری یگریله او قوزما یئنده ایدی بر ییل سگز آی وایکی کون یا اوج کون بکر کده
 طغوز یوز بش ذی القعدة می آنزنده بونک وزیر و انشته می جابلط تعلب ایدکده قانصو قاجوب
 بر آی مقداری کیرنوب بعده اسکندر به به کوند رلوب قلعهده قید و بند بر کزنده ایل حبس اولنوب
 اون بدی ییل انده طوروب اوغلی دخی طوغوب مرحوم سلطان سلیم خان صاحب قران طغوز یوز
 یگری اوجده کلوب مصری فتح ایدکده امرای مصر ایل اسکندر بهده قتل اولندی (نظم) بودر هزل
 وفا اولمز جفادن بر تنم خالی * کوکل ویرمه اسکای عاقل آنک بویه در حالی (فصل رابع و عشرون
 در احوال ملک اشرف جابلط) سلطان قایتبای قوللرینک مشهورلندن ایدی ملک ناصر قانصو
 برینه کجوب ملک قانصو قاجوب لائی آی واون الی کوند نصکره جابلط اسکندر بهده قتل اولندی
 (نظم) گردش کردون هزارن کونه در * عزدانه چرخ بر طاحونه در * کیمکه کادی عالمه کتمک کرک *
 امر بران بویه در تگ کرک (فصل خامس و عشرون در احوال ملک عادل سیف الدین طومانبای
 الاشرفی) سلطان قایتبای قوللرینک مشهورلندن اولوب جابلط قتل اولندهده طغوز یوز بش
 جادی الاخره ملک اون سگزنده خلیفه و ارکان واعیان معرقله مصره سلطان اولدی * سابقاً شامه تغای
 زماندن بوش آی دخی تحت مصره جلوسندن درت آی مقداری بکر کده امیر قانصو غوری بونک برینه
 بگری بعض کبده اشوب طومانبای ذکر ایتوب همان جابلط برینه قانصو غوری بگری دومذ کوردرد
 (فصل سادس و عشرون در احوال ملک اشرف سیف الدین قانصو غوری الظاهری الاشرفی)
 ابتدا سلطان خروندمک بعده سلطان قایتبای قولی ایدی هرور زمان ایل مصرده دویدار کبیر یعنی
 سر عسکر و امیر الامر ایکن طغوز یوز اون ایکی شوانک اول کونی خلیفه زمان مسک بالله
 به قوب و علما و امرای معرقله طومانبای برینه کجوب قخبینا الی الی بائنده ساطنته بیعت اولندی

مکه مکر مهده بعض بنار و تعمیر و مصرده ج بولنده براق خانلر و قیولر و مصرده یشل کاشی ایل بر یی نظیر
 مدرسه و ترنه باب و وافر و قنار ایدوب اسکی مصردن چاق یکی مصرده دلک نیجه ییل میل یردن نیل بکارندن
 سرایه صو کتک ایچون عظیم کرلر اوستنه صویولی یا بدردی (زوال) هر ویدرکه طغوز یوز یگری میده
 آسمان شجاعتک باز بلند پروازی و میدان مردانک سر باز و ممتازی مرحوم سلطان سلیم خان غازی
 طوائف بحکمک پشت و پناهی شاه کراه اسماعیل دلیل ایلش تضلیل ایل جغرای چالدرانده مانده شیر
 و یلنک حد و صفدن خارج عظیم جنک ایدوب عاقبت شاه صینوب تیر خورده شکار و ارفزار
 ایدوب سلطان سلیم رومه کلوب یگری اید کیده سلیم خانله غوری ارا سنده عداوت ذوشوب
 انلر رومدن کلوب غوری دخی چرا کسه دن الی ییل مقداری عسکرله مصردن کلوب حله بر قوناق
 یرده مرج دابق صحرا سنده ماه رجیک یگری بئنده احد کونی وقت مصردن بین الصلاتینه دلک حرب عظیم
 و ضرب الیم اولوب عاقبت (لحیره) مالک الملک سلطنت بخشای * حاکم عدل و فاعل مایشا * ارادت حکمت
 غایتله سلطان سلیم خان کوه نمکین مظهر نصر هرز و فتح مین اولوب چرا کسه ابالسه منکوب
 و مده و رومه غلوب و مگسور اولوب غوری بائندن بر طوب طاشی حدله کجوب انک صدا سندن قولای برده سی
 بر تلوب الایدن چیقوب مجاده دوشدوب یا قوب جان و یردی * یا خودار القده قتل اولنوب یا قوب سز
 کسینه اولغین حیرت و غیرت و حرارتدن و زهر قهر دهر دن ناشی چتلا یوب بعده میقی بولنوب اول
 ایدوکی بار ماغنده کی خاقدن بلندی * مدت سلطنتی اون بش ییل و طغوز آی و یگری بش کون ایدی
 (لوائفه) دوشدی غوری غورچاه زلته * چکدی جور دوری ایدی غایتله نعمت دهر آخری نکبدر *
 اهل ادرا که جهان عبرتدر (فصل سابع و عشرون در احوال ملک صالح یا ملک اشرف طومانبای الاشرفی
 الجرکسی القایتبای) سلطان غورینک برادری اوغلی در مصرده دویدار کبیر و صاحب شجاعت و تدبیر
 اولغین غورینک وفاتن ایشد کده اهل مصر طغوز یوز یگری ایکی ره ضائنده بونی تخته کجوردیلر (فتح مصر)
 هر ویدرکه سلطان سلیم خان صاحب قران حلبدن شامه کلوب انده قشلا یوب فصل بهارده مصره
 واروب طومانبای شکسته رای سابقاً شهرک طشره سته خندق قازوب کارنده ایکیز مقداری طوب
 قلعه کوب دیزوب او تزیینک برار سوار احضار ایدوب خسرو جم چاه فریدون کلاه سته احوال چرا کسه دن
 امیر خیره بای دلائله آگاه اولغین چرا کسه نک اردندن یور یوب طوپلر عل مانده بالمغین چرا کسه
 شاشوب ذی الحجه نک یگری طغوز ننده خیس کونی قوشلقدن بین الصلاتینه دلک غایت تفصیله
 محتاج و جهله قتال عظیم و جدال الیم اولوب طرفیندن بهده کسینه قیرلوب عاقبت عثمانیان
 عوالی مراتب حقه غالب و طومانبای ولایت مصردن صغید ایلنه هارب اولدی * بعده پادشاه
 شهرک طشره سنده قوشمغین طومانبای اطرافدن جمع اولان اون ییل عسکر ایل مصره خفیه کلوب
 شهر زقادر سته خندق قازوب کوشه بندر یا بدرب مترسار و وردقه ایکی کون امرای ایل
 عسکر اوچنی کون عسکر ایل پادشاه بالذات ترتیب صفوف و سل سیوه ده شهره کیروب زقادرده
 چرا کسه نک یاده و سوارلر یله و یوکسک اولر پنجره لرندن و طاملرندن اولان نساور جال ذوی الجدال ایل
 تفصیله محتاج انواع و جوهله جنگلر ایدوب عثمانیان هوایی طوپلر و تفشکار اتوب اولری یقوب
 یا قوب بجه اهل مصردن انواع طریقله تخمینا الی ییل کسینه تلف اولندهده شهر خلقی پشیمان
 و تضرع فراوان ایتمکین امانله فتح اولنوب امرای چرا کسه دن سز یوز کسینه طولوب میدانده
 ییونلری اولدی * طومانبای براق آدمله خفیه برکی به ییوب صغید ایلنه قاجوب طغوز یوز یگری
 اوج بحر منک بگری اوچنی کونی یوم سبده سلطان صاحب قران عامل نص قران تخت عالی
 بخت مصرده ولتله جلوس ایدی * بعده طومانبای پادشاه استغفار و اعتذار نامه کوندروب اولدی
 اما نامه ایل انا طولی کتخدای و نصیحت ایچون مذاهب اربعه قاضیلرین کوندروب طومانبایک
 مرادی مکر و احتیال و پادشاهی اغفال اولغین واران مسلمانلری قتل ایدوب اوج ییل نفر
 چرا کسه ایل ایغفار ایل کلوب (ارباب الدوله ملهمون) مصری اوزره پادشاه دخی مجرد

احتیاطا نهرینک جانب غریب سنه یکمکین طوما نیای بر کعبه کلوب عسکر سلطان ایله عظیم
صوابلوب طرفیندن چوق کسنه دوشوب عاقبت طوما نیای بقیه اشرا ایله کارزاردن فرارایدوب
اسکندریه سمته کتدکه اول کعبه بادشاه خبرالوب بعض مردار ایله کزیده سپاهی در عقب کوندربکین
(نظم) غصنقر جوش کردون هوش آهن پوش خارا کر * مصاف افر و ز جنگ اندوز اعداسوز
شیر افکن * اولان عسکر روم ظفر رسوم رشید ایله اسکندریه اراسته مانتداجل باعمل پرو چل
یتشوب طوما نیای بحیره ولا یتنه قاجوب کتک ایچون نیلدن بکر کن چاقوب جراسکس بی
بری برینه قاقوب و بازار عدده هیجه صاقوب طوما نیای کندوی غرق ایچون لباس وسلاحن یله
اندقد رومیان یوزوب اوچیوزدن زیاده قابعیل طوقوب کتوردیلر * بعده بادشاه مصر خزینه بن
ضبط وعسکرینه بخشلر و یروب بعده طوما نیای رعایت و خیانتدن فراغت ایدوب ینه عالی منصب
و یرمه عزم ایدوب امر بادشاه وزیر اعظم ضیا فترا ایدی لکن (ع) خیالی مشکدر کشتی
ترک ایلن معتادنی * مضروبجه عامه رعایا وعوام و اهل شهر عادت قدیمه لری اوزره شکایت محمله
داد فرمای دیه چک برده الله ینصر طوما نیای دیمکدن فراغت ایچوب (محرره) دکشمز طبیعت
اکر خیرا کر شر * اکاکوره اولور عملر مقرر * مقهور منجه طوما نیای دخی قلبدن خیانته تو جهنی
کتدوی معلوم بادشاه اولغین بادشاه بونی شهر و تحقیر وقتنه عوای تسکینه کندوی مصر سلطان لغین
تقریر ایچون ماهر بیع الا ترک بکری برنجی کونی طوما نیای حماره بندروب منادیلر ایله شهری
کزدروب بعده شهر اورنا سنده باب زویله دیدکاری دمور قبوده جمله لباسیه صلب و احتمال شرکت غیری
قلوب اهل مصر دن سلب و کندی به طوعا جذب و جلب ایدی * طوما نیای مدت سلطنتی سلطان سلیم
مصره کنجیه دلجه اوج بیچق آیدنی (محرره) کعبه کوستردی بودوران صفایی * که آخر صوغادی
جام حقانی * جهات کعبه یوفدرو فانی * فنا اوزره قونا شد در نیای * نیچون خلقه کشتی بویه کریشه *
که بونی عاقبت کیره کریشه (خاتمه) ممالک مصر و شام و حلب و ولایت عربی سلطان سلیم خان
صاحب قران دست هوس برست چرا که ابالسه دن ضرب شمشیر و حرب کتیر ایله فتح و تسخیر ایدوب انلری
کسر و رفع و شر و ضرر لر ین دفع ایتد که دارالنصر عالی قصر مصره ینه چرا که دن اولوب شاه عالی جاهه
نامدنبر و فتح ولایت و مکر و فکر چرا که بی دما دم اعلام ایله نیچه معاونت و صداقت اوزره خدمت ایدن
امیر خیره پای نصب و ذکر جیل کسب ایدوب اشرف اقطار جهان اولان ممالک عربستان دستان ایل
(محرره) شمس و بدر و خاقین * وجه ارضه زیب و زین * بلکه محض نور عین * حرمین اکرمین *
ممالک سنیه عثمانیه به ضم و تقلیل ترج و غم بلکه تحصیل فرج جم و انوب و شاه غازی و مبارز بی مانع و حاجز
تختگاه حضرت پوت صدیقی حائر خصوصاً ضبط حرمین ایله خلافت عظمی و امانت کبرایه قانز اولدی
بونلر هر برسی بر عطیه علیه ربانیه و هدیه سنیه سبحانیه در که محمود سلاطین اهل اسلام و مغبوط
خواقین جهات نکیران امام ایدی * من قدیم الایام نیچه عظام حکام اسلام خدمت حرمین عرش احترام اعظم
مقصود و مراملری اولوب عمر عز برتری آرزوی تامله اختتام بولشدی (نظم) دولت و سلطنت آنست که
الله دهد * چون بخواد که دهد دولت ناکاه دهد * درگاه خدای خلایق پناه حضرت الله جل و علا
عن الامثال والاشباهدن تضرع و رجاء توقع واستدعا اولنور که (ان الله طوی لی الارض فرایت مشارقه
ومغار بها وان امتی سیبلغ ملکها ما طوی لی منها) حدیث بشارت نور ینتک مضمون همایونی روز بروز
طهور و روز ایدوب عامه معموره ارض کافه مسالک دنیا بال طول والعرض (محرره) آسمان خلافتک
ماهی * خان احمد زماغز شاهی * اید الله عمره و ملکه * و اجری فی بحار السلطنة فلکه * حضرت نرینک عن قریب
میسر و مضر و زینکین ظفر قرینلری ایلان مقرر اوله * بحق اله وصفاته العلی (نظم) خدایا تاج جهان
را آب و دنگست * ظلت راد و رکتی راد رکتست * بقای دولت شاه جهان باد * بهر اقلیم حکم ابدوان باد *
مقرر بر سر پادشاهی * مسلم بادش از مه تا باماهی

الحمد لله الذي اضاء فضاء الروم بنور ظهور الملك العثمانيه وجعلهم خلفاء حقه فناء هداة حجة للعمل الحنفية
الزمانية والصلوة والسلام على محمد المجد الذي خص بالعزة الرجائية والخله السجانية وآله واصحابه التابعين
الجامعين باللالات العرفانية والکالات الانسانية (امام بعد) قسم سادس کتاب مرآت الکائنات اولان
اشبو اوراق فوائد سمات ملوک مکرمات ملوک آل عثمان خلدا الله خلافتهم الی اتم انهم الزمان وانه ضاء الاوان
حضر نرینک احوال احوال فرخ فاللری بیاتده اولوب بر مقدمه واون باب اوزره توزیع وهر باب بر تاج فصل
ایله تقریر اولاشدر (مقدمه) در ذکر سلسله سنیة عثمانیان عالیشان و کیفیت ظهور ایشان (باب اول)
در ذکر احوال سلطان عثمان غازی خان (باب ثانی) در احوال سلطان اورخان غازی (باب ثالث)
در احوال سلطان مراد خان غازی و نهمید که خداوند کار دیکله اشتهار بولشد (باب رابع) در احوال
سلطان بایزید خان (باب خامس) در احوال چلبی سلطان محمد خان (باب سادس) در احوال
سلطان مراد خان ثانی که مراد دیکله شهر و در (باب سابع) در احوال سلطان محمد خان غازی که
ابوالفتح دیکله مشهور و در (باب ثامن) در احوال سلطان بایزید خان غازی (باب تاسع) در احوال
سلطان سلیم خان غازی فاتح مصر (باب عاشر) در احوال سلطان سلیمان خان غازی * مر حوم مر قومدن بروز
و صدور و ظهور ایدن فتوح و غزوات و سایر حوادث و واقعات اجداد کرام جنت مقاملری احوالی
کبی کا کان مجموع و مضبوط و رسن تألیف حسن ایله مزبوط اولوب بحر رسطور اولان بنده بر قصورک
دخی حدائق سنی حسیله مفصلا و توقف و شعوری اولماقین تعرض و بیانی دائرة امکانه وصول بولدی *
والعذر لدی الکرام مقبول (نظم) رحمت حق پر روان آن شهنشاهان دین * کز فروغ سنی شان
بر نور شد روی زمین *

(مقدمه در ذکر سلسله سنیة عثمانیان عالیشان و کیفیت ظهور ایشان)

(فائده) اسامی اجداد کراملری ذکر نده تواریخ معتبره دهنه ض تبدیل و تغییر زیاده و نقصان واقع اولوب (نظم)
اشبو عبد کعبه به استاد * بحر زخار علمی اعداد * شیخ الاسلام مقتدا ای نام * اعنی خواجه افندی سیدی
نام * ملا الله قبره بالنوره روح الله روحه مجبور (نثر) کتاب تاج التواریخده بوجه اوزره یازلشد که
عثمان خان بن ارطغرل غازی بن سلیمان شاه بن قیالب بن قزل بغا بن بایجور بن آی قوتلغ بن طغرا
ابن قرایتو بن ساقور بن بولغای بن سنقر بن توقمور بن یاساق بن چندور بن قوتلغ بن قوراق بن قراخان
ابن یاسو بن بلواج بن بایک بن طغرا بن طوغش بن کوچک بن اورتق بن قاری بن قرناوی بن طورخ
ابن قزل بغا بن یماق بن باشوغا بن یابسوی بن سوچ بن چاروغا بن قورخان بن بالچاق بن قوماس بن قره
اوغلان بن سلیمان شاه بن قورخلو بن بودلغان بن بایجور بن نورمش بن کولک اب بن اوغورخان بن قره خان بن
قایی خان * بعضیلمر زبور قایی خان نسل یافت بن نوح بن علیه السلام دن اقله خان اوغلی دیب تاقوی اوغلی در
دیوب بعضیلمر قایی خاندن مراد عیص بن اسحاق بن عیبه السلام در دیش والله اعلم بحقیقه الحال و حقیقه
المقال (فائده) کیفیت ظهور اجداد خیر نهاد عثمان خان عالی نژاد حقه تواریخ معتبره دن مستفاد در که
هجرتک در تیوزیلنه قریب سلطان محمود غزنوی زمانته اولوب تفصیل حاللری یوفاروده بکن سلاطین
سلجوقیه تک جدا عللری سلجوق و توابعی ولایت ترکستان شرق دن که حالا اوزبکستان دیر لر اوتلاغینک
قتلندن اوچیوز غش بش سنه سنده ماوراء النهره کلوب منور و بخارا و سفد و جرقندده مقیم اولدیلمر بر مقدار
زمانه نسکره سلطان محمود غزنوی اجازتیه نهر چیموندن بکوب ممالک خراسانده ساکن اولوب سلجوقیان
ایله یله کلان قبائل ترکدن جدا علای آل عثمان اولان قایی خان قبیله سی حدود مرو شاه جهانن ماهان
شهرنده متمکن اولوب اطراف ممالک عجم و عرب و رومه متفرق اولان جمیع قبائل اترک ملوک آل سلجوقیه
مطیع و حین حاجتده معین ایدیلر دولت سلجوقیه بحمد منقرض اولوب دولت ملوک خوارزمیه نک دخی
اواخری اولدقد و ولایت چیندن ممالک اسلامه هجوم ایدن چنگیز خان ظهور نک سنه سنده عالمه زلزله و فترت
و ملوک و لوله و حیرت دوشد که قبیله قایی خان واکتر قبائل اترک آذربایجان و دیار بکر اراسته جای امن

وراحت اولان ارمنیه واخلط حدوده کلوب قرارایتدیلر بعد آ نارا زار تانارید تبار اول دیار خیر دثار
 زرعیاره دخی وصول حصول بولده روم پادشاهی سلطان علاء الدین کی قبادین کیخسرو و محاکندن غیری
 سکن و مامن قالمغین من بورسلیمان شاه سردار لری اولدی فی قبیله قانی خانیله رومه کلوب یاخود مقدما
 وفات ایدوب یاخود قبیله من بوره نواحی شهر اخلاطده یوزیش میل متمکن اولمشکن التیوز اولان التمه
 عسکر جنگی تسلط ایتمکین سلیمان شاه کند و قبیله سیله بلاد رومدن ارزنجانه کوچوب بر قاج میل آند
 ییلاق و قشلاق ایتد کده مضایقه امکنه دن دو اب و مویشی اول اطراف و حواشیده بی راحت و متلاشی
 اولد قده و نظریه رجوع قصد یله جعفر قلعه سنه کلوب نهر فراتدن بکر کن سلیمان شاه انی مخالف محل
 دو شکله غرق اولوب آند دقن اولدی و الله اعلم (فائده) در احوال ارطوغرل غازی (نظم) جنگ
 مید آند چون ار اوخته ارطوغرل * روح پاک شاه مردانن سلام ارطوغرل (نثر) هر ویدر که
 سلیمان شاهک منقور تنکین کون طوغدی ارطوغرل دوند ار آلدودرت نفر یرار اوغلی قلوب توابی بوانوب
 هر برنی بر جاعت کند و لر سردار ایدوب سنه قوره کون طوغدی وطنلرند قرار ایدوب ارطوغرل ایل
 دوند ار یاسین اوامنده و سورملو چقورده قرار ایتدیلر * برمدن نصکره ارطوغرل (محرره) دلیر دیو بدیم
 انظیر * سماء شجاعته بدو منیر * اولوب غزاجنت جزایه میلی کیرا و لغین اوغلی صارو بانی بی که
 ساوچی بک دیکله معروفند سلطان علاء الدین سابق الذکره کوندروب ولایت رومده ییلاق و قشلاق رجا
 ایدوب اودخی آنکوریده قراج طغانی تعیین ایتمکین ارطوغرل دوند اردر تیوز قرق دوت نثر جنگ
 یرار نامدار و اهل و عیال و مال و طوار ایل و واروب اتفاق سلطان علاء الدینک کفار تانار له جنگ ایدوب
 علاء الدین مغلوب اولغه متوجه اولدی فی حاله راست کلوب مغلوب طرفی کیم اید و کتی ییلیوب مجر داعات
 ضعیف و اغاثت اهیف عادت مردان و سبب رحمت یردان اولغین تاناره هجوم و انلری مکسور و مر جوم
 ایتد کده علاء الدین ارطوغرل معینه تحسین ایدوب عسکر تاناردن انان غنیتری اشوب مبارک قدم آملره
 هبه و عطا و خیر دعا ایتدی * بعده ارطوغرل بر قاج ییله دلدن متصل اطرافنده اولان بلاد کفار روی غارت و نهب
 ایدوب و اخذ مال و اولاد و ازواجه زمره اهل حربی پر غم و کرب ایدوب بواننده استانبول تکوری ولایت
 روم ایلیده ساکن اولان آق ناوید کوری قوم تانار اتفاقیه محالک اسلامیه به توجه ایتد کلرند سلطان علاء
 الدین عسکر چکوب واروب کند و اتخیر ایلر ارطوغرل و توابی مقدم کوندروب ارمنی در بندند مدرت کون
 جنگ اولوب کفار و تانار صینوب قاجوب ایتدی قیریلوب مسلمانلر سالم و غنام دوند کلرند علاء الدیندن
 ارطوغرل کندوبه و اوغلر ییله پورت طلب ایتمکین ییله جنگ ایلد قره جه حصار ارا انده سکوتلوسر ایچ
 قشلاق و طومانچ طغانی و ارمنی طغانی ییلاق تعیین اولدی بعده ارطوغرل جله توابیله ولایت کوناهیه ده
 و غیریده دائما کفار غز او بعض ولا یتری یغما ایدوب تدریج له توابی چو غلوب لکن قلعه فتحه و ولایت المغه
 مقید اولوب همان غارت و غنیمت ایلد قناعت ایدودی بوحال اوزره عمری طاقسان ییدن متجاوز اولد قده
 سلطان علاء الدین کی قباد ثانی ابن فرامر زسلطنتنک اولنده التیوز سکسانده سکوتجک قصبه سنده وفات
 ایدوب عثمان بک کوندز بک ساوچی بک آدلواوچ اوغلی قلوب عثمان بک عالی که رشجاعت کستر قائم مقام
 پدر اوانق مقرر اولدی (نظم) حق تعالی روحی شاد ایلسون * کشور اولادین آباد ایلسون (فائده)
 ارطوغرل ایلد دیار رومه ییله کلان ایل و اولوسی اولوسی و کفار بخیاره اهل هجوم و غلوسنی بونلر ایدیکه *
 انچه قوجه و قوراب و طور غودالب و کوندزالب و ایقودالب و حسن الب و صالتی الب
 و محمودالب و صایا خورده حصه چاووش و انک برادری سوانش چاووش و عبدالرحمن غازی و آق باش
 و قره اوغلان و قره مرسل و جغتو و قره شک و شیخ محمود و طارغال و هماد و قره تنکین *
 هر ویدر که بونلرک و سائر بولدا اثرنک نیجه لری عثمان خان زمانده و بعضلری دخی سلطان اورخان زمانده
 میوند و غیرالده ییله اولوب بونلرک اولاد و نسلاری دخی سلاطین عثمانیه به خیر خواه و مخلص و سفا
 و حیرلده بندند متخلص ایدیلر

(باب اول در احوال سلطان عثمان خان غازی ابن ارطوغرل غازی)

(نظم) مید آند شاهان خلافت عمار * حضرت عثمان ولایت مدار (نثر) ولادت با سعادتش در قصبه
 سکوتجک فی سنه ۶۰۶ آمدن سنجاق باو از سلطان علاء الدین کی قباد ثانی فی سنه ۶۸۸ جلوسش بر تخت
 سلطنت فی سنه ۶۹۹ تاریخ منلادریس ده جلوسی اوائل شهر سنه سیمه ماهه ایدی دیومذ کوردردمت
 عمرش سنه ۶۹ مدت سلطنتش سنه ۲۶ وفاتش در قصبه سکوتجک فی سنه ۷۲۶ جنازه رحمت اندازده بی
 بعد زمان بروسه شهر نه نقل اولنوب حصار ایچنده سنه سنه دقن اوامندی (نظم) حق انی رضوانه
 قورین ایلیه * آند دخی تخت نشین ایلیه (نثر) محروم طور اولان عبد پر قصورک جدا مجدی رمضان
 زاده نشانی امیر محمدک تاریخ مختصره میوند محروم در که مر حوم عثمان خان غایتده اهل کرم و احسان
 و صاحب عدل قراوان ایدی اول اهل خیر و بر اوج کونده بر مطحنده وافر طعام بشردوب (مصراع)
 فقر او ارا مل و ایسام * ضیافت و اطعام اولنوب صبیان و رجال و نسو به صدقه و کسوه تقسیم و لطف بلیغ
 بی دریغی نعمیم ایدودی * مر حوم مر قوم (ع) داره قبیله رحلت ایتد کده (نظم) قرار در کف آزادگان
 تکبر دمال * چو صبر در دل عاشق جواب در غریب * مفه و نه خیزنه سنه موجود تودولوب هومان
 بر قاج آنلری و بر قلجی و برجه بی و بر قاج قیونلری بولندی حالا بروسه شهر ییله اطرافنده کوندیلن بکلک
 قیونلر تبرک الیقونوب بسلیمان اول قیونلرک نسلدر درلر (فصل در ذکر اولاد ایچاد او) قبل السلطنه
 غایت تفصیله محتاج و جهله کار علما و مشایخدن شیخ ادیبانی نام عزیزک بر خستنا و مستشاکریمه سی طلب
 ایدوب من بور شیخ اهل دیبالیله مصاهریدن و فطاهرتدن مجانب ایچون نیجه مدت تردد ایدوب عاقبت
 عثمان خان بر واقعه عقیبه کوروب شیخه عرض ایتد کده بنم قیزمدن اولادک اولوب سن و آنلر تحفه کچوب
 جهل سائیکر اولور من دیو تعبیر ایدوب بعده کتیه سن تزویج و متاع نصایح مهمه بی بیان و تزویج ایتدی
 * پس مر و رایله اول دختر بلند اختردن اورخان غازی و علاء الدین پاشا آدلواوچی که هر مه تبرطوغدی که
 اورخانه سلطنت میسر اولوب علاء الدین طریق مشایخه ملوک ایدوب لکن برادری اورخانک سلطنتنده ناصح
 و باری و ابرام کلی ایلد وزیر و مستشاری اولدی وفات ایتد کده بروسه ده دقن اوامندی (فصل در بیان امر آه
 عثمان خان) کوندزالب میرلوا ابن اوکی و حسن الب میرلوا یار حصار و طور غودالب میرلوا اینه کول که
 حالا بوناحیه به طور غودابی دیرلر و قورکالب و غازی رحمان و انچه قوجه و آق تور و صلتوقالب
 و مصصه چاووش ویتلش برادر صصه و کوسه محضال میرلوا قره قیاسا بقا قباخون من تکوری ایکن
 نیجه مدت عثمان خانه محبت و معاشرت اوزره اولوب عاقبت ایمان تلقین اولند قده صدقه ایمانه کلوب اسمعی
 عبدالله قودیلر (فصل در غزوات عثمان خان قبل السلطنه) تاریخ منلادریسده مذ کوردر که عثمان
 غازی پدری وفاتد نصکره ایتد اغزا ایتد و کی سنه ۶۸۴ ده واقع اولدیکه اینه کول تکوری ایلد جنگ ایدوب
 عثمان خانک برادر زاده سی شهید اولوب کفارک اکثرین قیروب باقیری قلعه رینه قاجوب مسلمانلر سالم و غنام
 دوندیلر بعده بر کجه اوچیز کسنه ایلد ایلغار ایدوب اینه کول توابیندن قوبله قلعه سنه واروب فی الحال
 فتح ایدوب قلعه سیسایلرین قیروب سائرین اسیر ایدوب قلعه بی قوب بعده شهری آنشه یاقوب قبل الصباح
 چکوب کندیلر سنه ۶۸۶ ده بعض کفار اطراف بونلر دخی ایچون بیج اولد قده بودخی قار شو واروب
 جنگده برادری ساوچی بک یا کوندزالب شهید اولوب عاقبت کفار صینوب نیجه لری قیروب باقیری قراج
 حصاره قاجدیلر بعده سنه ۶۸۷ ده جمعیت عظیمه ایتک اوزره اولان کفار ایلد جنگه معاشرت ایچون
 زمانه می پادشاهی سلطان علاء الدین کی قباد ثانیدن استناد ایدوب اودخی غیرت دین مقتضاسیجه کند و
 بالذات عسکر چکوب قونیه دن کلوب سلطان اوکی دیکله معروف اولان قره حصار ییله محاصره ایدوب
 بعده دیار رومه محمدن عسکر تانار کلد و کن ایتد سکین پادشاه ایلد کیدوب طوب و تفک و نیجه مهمانی
 عثمان خانه و بروب بودخی بر قاج کون چالشوب قلعه بی فتح ایدوب تکوری و بعض هدایای علاء الدین
 کوندروب اودخی غایت حظ ایدوب اسکی شهر له ابن اوکی سنجاعتی و یروب (محرره) تیغ و تیغ و تقاره
 طبل و علم * اسب و اسباب جنگ و درهم هم * اسکا کوندردی بونلری اول شاه * نالیده حال اهل
 کفری تباه (فصل) سلطان علاء الدین من نور عثمان غازی ذوالسعی مشکور خانبه کوندردیکی برات

ایالت متضمن انواع عبرت و خبرت و نصیحت خصوصا مشعر کمال توقیر و رعایت و مبین عطیه سیده
بجود و نایب اولمغین بوحمد و انعام ذکر و اعلام اولادیکه بعبارت بود (*) من برهان امیر المؤمنین علیه السلام
کیف باد بن فرامرزا السجوقی ایدیه الملائک العلی * حد و سپاس و شکر بی قیاس اول خالق بی چون و رازق خلیفه
و بیحسب مکنون بل رازق جله مخلوقات و صانع جمیع مصنوعات جل جلاله و عظم نواله حضرت که * خلعت خلقی
صفای صفوت اوزره طیف آدمه کی و روبر افسر خلافتی فرق مبارکته اوروب میریر (انا جملناک خلیفه
فی الارض) ده متمکن قیلوب جله ساکنان افلاک (واذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا) خطایله
مأمور ایدوب اول خلیفه انامی معزز و مکرر ایدوب * صلوات نامیات شول حبیب خدا محمد مصطفی و جاریار
باصفا حضرت تری نه و آل و اصحاب و توابع و لواحقته رضوان الله علیهم اجمعین اولسونکه * مکتب حکمتده
(و علم آدم الاسماء كلها) دن غرض انکه نام شریفه نظر بکظهور و اشتهار اولوب هر چند صاحب بشریتدن
نیجه یل انبیاء کربن صلوات الله علیهم اجمعین و اولیا سعادت قرین و ملاطین غزا آیتدن در مدد وجوده
کند کزری انکه ذات لطیف و دین منیع نظر بک شرف شیوعی ایدی * لکن صحف رحالت و منثور خلافت من اوله
الی آخره مهر نبوت خاتم انبیاء علیه ختم اولدیفی کبی آنک مبارک مقدیمی بر کایتله امت عالی نه منک ملاطین
بالدینتری دخی سائر ادیان حکامته متفوق واقع اولوب هر زمانده بر صاحب قرانک برامع بلیغ سعادت
عنوائی (ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده) طفراسیله مزین و هر وقتده بر جتیار جبهانیا نیک توقع رفیع
عائشانی (و رفیع بلعضمک فوق بعض درجات) خط دلکست اسیله مبین بیوریلوب هر برینک کوش هوشه
صدای (لن شکرتن لایزدنکم) و ندای (ولن کفرتم ان عذابا لک دید) ایرکوریلوب لاجرم مائده احساندن
بهره و راولان عباد شکوری صلاهی رحمتدن دور اولان فراغت و جباریه اکثر یا مظفر و منصور
اولوب (وهو العزيز الغفور) موهومیه مقام شکرانده معزز و محترم اولور * فلهم امهردولت و اقبال روز
افزودم سهر سعادت و اقبالدن طالع و لامع اولوب نور خورشید فروغ وجودی (السلطان ظل الله فی الارض)
پیرامنده بر ضیا و جلوه غما قیلوب (والله یؤتی ملکه من یشاء) جبه من قامت بر استقامته لایق و ارزانی
کوروب (ان هذا هو الفضل المبین) ناج ابتهاج فرق فرودان مأیبه سزاوار و احرار یوروب مسند نشینان
(کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) صدرنده متمکن و امتیاز احسان
ایلدی یندخی (الشکر یدیم النعم) خواسیله عامل اولوب (احسن کما احسن الله الیک) مائده سنه بارعام
یوروب (وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها) آثارین مقدور بشریت و اقتضای سلطنت اوزره مبدول طوئوب
مناسب علیه و مراتب جلیه بی اهلته یدریغ ایدوب هر کسکه بی قابلیت و استعدادنه کوره بر مراد خلقی باشد
تاخیر و زانی جائز کور میوب * اعط القوس باربع قبضه من اهلته صوفوب مالک انام و حدود اسلام ایچون
خدمت لازمه من مؤدی قیلان مبارزان میدان و نایب و دلیران معرکه هیجبار لکه رسم و ار نامدار اولان
قوج بکتلر و یکنانه آکلان اولر لهر برینه حال و حاله و برینه و مقامتجه رعایت و شفقت اولوب مشاعی
مشکوره لری ضایع اولما مشدر اول جله دن مر زبان خطه ید اولان سعادتده عالیجا عثمان شاه بن ارطغرل
بنک خیر خواه ایدیه الله که کوب سعادت آیین جبین عزت فرخنده تابان و درخشان اوله لی جمیع افارب
سعدا العواقب و جله عشاق و قبائلله غزا و جهادی شعار و کفار برله مقاتله بی کار (و قاتلوا
المشرکین كافة) موهوم من سرمایه روز کار ایدوب (قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر
ولا یحرمون ما حرم الله و رسوله ولا یدینون الحق من الذین اوتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید
یهم صاغرون) مدلولان حقیقی و ابرامنده تدقیق ایدوب جرات و جلادتی آوازده سیه عالم پر اولمغین
اطراف و کاندن جانب شریفه و ارندری (مرض المؤمنین علی القتال) تقدیه سیه طوئوب صدق و ار
مالکن راه حقه بذل و فاروق مشال اعلاء کلمه الله مصرف ایدوب خصال غنائیه می جدال شیرزدانی به
قرین و مشال رحانیه می افضال صدقانی به رهین اولوب * خواص و عوام شکران نعمت ایل و طب اللسان
و کافه امام ارتفاع و ارتقا سینه متظرون * کمران و طیف طبیعه می زلال دوات برله شجر و فطرت لطیفه می
بهره خیر و ایدوب خواص طاهره و باطنه می حدت و وقت ایل و صوف و قوت مخفیله بی و اتقالی

سرعت و تیز و لکه معروف تیغ و منافی برق خاطف و تیر جان ثانی شهاب ناقب عقلی کامل و رأی صائب
مستند اقبال رام و ملاطین آفاق فرمانبر و غلام قائد ظفر و شمشیر و ویل نصرت او کفجه تیز و رجال غیب معین
و ارواح شهدا قرین فتح زده و سان و توفیق همعنان * عهد ید و روز کار مدید و نبیر و اجداد عظام عزایله انار
الله براهینم آبا و اجدادی رحیم الله نوراندن ابراهه بل اخلاطدن یونانه مهاجرت و مظهر طرقتن مسلوله
طوئوب ایام فرستده که هنکام غبطتدر هر اسم جانسپاریده انواع دقتله دقیقه فوت ایتموب سابقا کند و لره
پورد و اوجاق و یریان محیه انقره قره طاعتدن خوالی ابن اوزک و خطه ید و یکی شهر و اسکی شهر و اینه کول
و بار صا و اطراف و عمودیه نک اکثر نواحی من قوت یاز و ایل * آجوب محالک اسلامیه مضافاتنه داخل
ایلدیکندن غیری نه دگلو که کروه کفره در هر هم الله و قهر هم (و مکر و اومکر الله والله خیر الماکرین) طبقه
اکا مکر و حیل و قصدین ایدیلر سه کیر و بعثایه الله کند و لره راجع اولوب (عسی ان تکرهوا شیا و هو خیر لکم)
مفهوم اوزره فوائد عجمه می * کندی به عائد اولغله همیشه اعدای بدرای نخل و منفعل دوشوب * علی
انصوص اینه مقولیه دین ملعون بی دینی حقیوب تغلب و تسلطی حرب مشرکینه محقق اولالی نفوس
خبیثه نک ارواح کذیبه می جیفه ایدانلرندن کریران هر بری مرده بیجان و خائمانلرندن آوازده و سز کردن
یجاری و یابانده باش نور نامغه بر اراوب مأیوس و منکوب پروانه بی برکبی اول شمع نورانی به قصد اید کزنجیه
بال و پر لری منکسر و صرف خالک مذلت و دوشوب (قل لن یفعلکم القارار ان فررت من الموت و الا قتل فاذا
لا تمتعون الا قلیلا) معنائی صدور و ظهور یولوب کند و جتیار لاله و رطه هلال کدن نجات یقاسنه جیقوب
آنک حقتده زمین و زماندن ندای (لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فوسیل
الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة و کلا وعد الله الحسنى
و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما) کاخ صماخ * ما یومعه ابرشوب و جناب الهیدن (درجات
منه و مغفرة و رحمة و کان الله غفورا رحیما) موهبه سنه مستحق اولوب جناب والای شهنشاهیدن
دخی (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها) رعایتنه احق کوریلوب طوغ معج طراز آفتاب علم و طبل و تقاریر
پرولر * محتشم تقویض و تخصیص قیلوب لواء اسکی شهر دن یکی شهره و ارنجه خطه ید و نواحی سیه
یچوعا بر سنجاقی رعایت ایلر سعادتده مشار الیه تقلید ایدوب و یردم و یردم شولکه مقتضای ذات
سبحانید ر مسند امارت و ابالنده کمال سکینت و وقار برله متمکن و قرار ایلوب (اعدلوا و اقرب للفقری)
مفهوم من شعار و تار ایدوب شرف ظالمی مغلوبدن دفع و آتش مظالمی روی زمیندن رفع ایتمجه جهد
کوستروب (عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة) فراندندن بهره مند اولغله جالشوب زمان حکومتده
وضیع و شریف غنی و فقیر عالم و جاهل قریب و یدید مسافر و مجاوره جله یکسان باقوب دعوالری فصل
اولمجه جبه مقادیر ایلر قید اولوب شرعه متعلق امور و قضاء انامله فصل ایدوب و سیاسته مستحق اولانی
بلا توفیر برینه کتوروب مع هذا الشفقة علی خلق الله و فی اوزره اراقة دماده صبر و وفاری الذن قویموب
جائز که اهلاک و اقتاد نصکره اول شخص مغضوبک اقباسنده نوعا فائده مشاهده قیلوب هر از حیف
و تأسف فیدد و شیبوب فرمت فوت اولغله باعث خضرت اوله فاما (ولکم فی القصص حیاة یا اولی الالباب)
و عیدندن اغراف ایتیه مکرکه ورنه قتل دینی قصاصدن افضل طوئوب ترجیح ایدیه ل اول حسنده دخی
حقوق ایتامی بقصو رایفا ایدوب (ولا تقربوا مال الیتیم الا بالی حقن) نهی ایلر منتهی اوله * و سادات
عظما که غمزه خجریه نسب مصطفوی و نتیجه مقدمات حسب نبویدر (اصلها ثابت و فرعها فی السماء) اوزره
معزز و محترم طوئوب مذاق جانی آنک رعایتی ایلر شد کام و رواق رواقی آنک حمایتی سبیلده مدره مقام ایدوب
اعز از اکراملری ذکر آخرت اتخاذا بلیه و علماء کرام که ورنه سید الانامدر کمال لطف و شفقتله مرعی و محی
طوئوب دین مبین و اجراء شرع متین آنک وجود شریف و انقاس لطیف لری بر کایتله یلوب (طوبی العلماء
سعومة) مقتضا جبه خاطر طر لری و نغیبه ایتمکدن یغایت اندیشه و حذر ایدیه * و طائفة سباه و نظیفه
واحدان ابواب کشاده قیلوب افراط و تفریطدن مجتنب اوله * و رعایا و برابا جبارین دخی کایمینی ملاحظه
ایلیوب نه آنک رسوم عرفیه سن دقتله تعیین اولشان کسکه لردن منع * و نه آنلر دن زیاده بر جبه ناحق بره الغنه

جواز کور و ب سالت متوسطه جانیندن رعایت اید و زراع و حرانی بدایع واحد اندن حفظ و حر است
و آتیب روز کاردن صیانت ایدوب و دایع الله فی الارض امانت دار لقین دقت تام و اهتمام مالا کلام ایل
برینه کتور و ب یوما فیوما ته میر بلاد و ترفیه عباددن خالی اولیوب مقدمات نصفی منتج سعادت دارین
ملاحظه ایدوب غرات نهال معدنی میوه باغ جنت کی مجدد و متضاعف اولغیون مساعی جیله صرف
ایلیوب بویات نخسته ملک حبیب معانیسن کشتزار طبایع دهاقین جهانده دست نشان ایل
(نظم) زبانی که پیشینکان کاشند * پس آیند کان میوه برداشند * جواز هر ما کشته شد چند چیز *
زهر کسان مایکاریم نیز * و احیای موآند جلد بلایع و سی بد ریغ ظهوره کتور و ب (من احی موآمان
الارض فمی له و دعاوی الارض لله و رسوله ثم هی لکم منی) مدلوله طالبی بهره مند و راغبی برومند
ایلیوب نواحی و بلد آند خالی و معطل بر خود میوب شن و شاداب قیلدر منته هم عالیه سن بذل ایل
و اوقات نخسته ساعاتی اداء فرائض خسه برله حرب و سلم و تمکین و عزمده توکل نام الله گذران ایدوب
چنگده بلجاست و صلحه ملائمت صورتلرین مطرد طوبی و رأی و مشاوره مطبوعه دمنکره هر قنقیسی که
لازم کله خالصا لوجه الله و تبعاً لرسوله فرصتی فوت انجیوب غیرت دین اسلام و سید الانام ایچون روز
و شب چالشوب تعطیل و تمویقن روا کور میوب (الجنة تحت ظلال السیوف) مضمون مجاهدینه
سیان ایدوب و ب (ولا تحسبن الذین) قضائندن قاجیوب (وجاهدوا فی الله حق جهاده) حق و حق
استیقا سن عطیه عظمی و وسیله دین و دنیا یلیوب توقف و اهمالی روا کور میوه و مال غنایندن خس شرعی بی
اخراج آید کد نصکره قصورین غزات نصرته ماردن یاده و سواره بحسب استحقاقهم توزیع و تقسیم ایلیوب
هر ریش حصه شرعی سن ایفا ایل * و کفره قتل سن میدان جهادده آلات مبارزه لایله (من قتل قبیلاً
فله سلبه) حدیث شریفی اوزره عامل اولوب تقایس امتعه دن اولدینی تقدیرجه دخی ایچمه سز ایلیوب بی وجه
طمعندن زیاده محترز و مجتنب اولوب حقوق مستحقه واصل ایل * و خزان و اموال حکام لشام و اعدا
ید فرجام نه دکلو اولورسه دقت ایل بیت المال خاصه ضبط ایدوب بر ایچمه و برجه خود میوب جواهر
مستومه و اقشعه متنوعه دن لایق احتشام سلطنت اولانی غلمان و جواری مرغوبه برله جناب سلطنت ایل
روانه ایل * و دروع و اسلحه اقسامندن متخیرین بنقه طوبی غیرین وقت حاجتده بلا وظیفه واران
غازیلره و بروب موقوف رجالی مرتب ایل * و شاید که احتیاج چکله دیو ذات ستوده صفات که کوندربلن ایکی
بوغچه جبه و دیبای روی و الاجه مصری و چاقه قطیفه پلنکی و برقبضه التوتلوق و بر بدوی سمنده مستند
جندیانه سمین رخت و چاقه و یوزیک درهم تقدیه دن غیر ییک قطعه جبه و جوشن و خود و برکستوان
و ایکی ییک قبضه کان اللیشراوق ایل محلو جبه لری برله و ییک بنموز قبه سیر و اوج ییک قبضه قلی و خنجر
و ایکی قطاردی یوکی شان ایل مربوط کوندرا سال اولندی * عمده الاعیان قراجه بلبان چاوش زیده
قدره دن بر موجب دقتراخذ ایدوب لازم اولدنده غزات نصرت آیاتندن دریغ ایلیوب سبیل جهادی
مفتوح قیلاسن و رسم بوغچه و تشریفه و شاقان خاصه و عشر بویه و رسم بی و برایغ و عادات پروانه دار
و هدیه دقترویس و معاوضه و طغرائی و طمع و خواهی باز و یوز و پیشکش نوروز و مشرفات سالیانه
وسلای ملوکانه دن بالجله شان معادنت انکی فارغ البال و مقضی الامال قیلوب خاطر عاظر که اولبایده
جزق و کلی نسنه ایر کور میوب دانما حضور قلب ایل او غور آچققلنه عون الهی و مجیزات رسالتیهای
تأیدی و حاشر و غائب ار نلک ظاهر و باطن همتلری بنم خیر دعایم برله ککند و که بدرقه و فقار ملا حظله
ایلیوب (ادعوا ربکم تضرعوا و خفیة) کلمات طبیبان دوش و گردنکه حائل مالوب (حسبی الله و نعم الوکیل)
وردی تذکار (نعم المولی و نعم النصیر) ذکر تکرار قلندن خالی اولیوب (ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم
و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و عدا علیه حقاً فی الثوراة و الانجیل
و الفرقان) معاملة سنک رجیله سودمند و محصل المرام (و اولئک هم الفائزون) توفیقیله موفق و شاد کام اولوب
بنم دوام دولت بقائه دعا یتکده مساعی جیله ظهوره کتور و ب خدمات لازمه به قیام کورسته رشوه یله لر
تجر برانی و اول شهنشاهان المکرم سنه عثمان و عثمانیه و عثمانیه بمقام قوشنه (فصل) سلطان علاه الدین

کوندردیکی منور براته عثمان خان کوندردیکی جوابک صورتی بودر که بعبار نه نقل اولندی
(جواب) سده سنیه حضرت خداوند کاری ابقاه الله الملك الباری ترابه عرض بنده قدیمی بودر که *
قدوة الاعاظم و الاعیان قراجه بلبان چاوش زید قدره قوللرله بوجانده بارنده لرینه طوغ صبح طراز مهر علم
و طبل خانه محشم و خلعت شاهانه و سمنده مستند جندیانه و ساز و سلب و اوج یکدن زیاده اسلحه متنوعه دن
جبه خانه و یوزیک درهم تقدیه مفصل و مشروح دقت ایل کوندربلوب و منشور مشهور مستوجب
الجبور زورنکارده دخی اسکی نهی خطه یید و نواحیسته ضم یوروب بالجله بر سنجاقاق پراوانی اوزره
تغریض و تقلید یوروب بین الاقران سرافراز و ممتاز یوراش * حق سبحانه و تعالی حضرتی اول برهان
امیر المؤمنین لازال مؤید او منصور و جانی جمیع سلاطین اسلام ایچره سر بلند قیلوب دارینده مقام رفیع
ارزانی ایلک اوزره سایه سعادتلری مفارقت نامندن الی یوم القیام دور و دورا تمجید و تکریم کی خاص
بنده لرینک و ارفانی راه شرفلرند میذول اولوب اول دولتلر پادشاهمزل کسکلکین کور میوه و زنجیره سید
المرسلین یارب العالمین و بعد الوصول بودیارد اولان بندکان مقبول صفای قلبه سنجاق هامونه استقبال
ایدوب و بکلکیمزی طوبیوب کمال اطاعت ایل فرمان قضا جریانده مشروح اولان مواد علی رؤس الاشهاد
او قد قدده سعادت طاعة دیوب انقیاد کورستوب دوام دولت پادشاهی به اتفاق ایلده دعال و ثنار قیلنوب
کلبانکار چکادی و غزات رفیع الدرجات لوازی انعام یوریلان تقدیه و اسلحه دن تکمیل قیلنوب بعنایه
الله و توفیق ایزق نواحیسته جهاد اکبره عزم و توجه قیلندی * او امر که دولتلر پادشاهمزل خلدانه طله
خبر دعالی رفیق طریق یقین اولوب عون حق ره نما و مجیزات حبیب خدا هادی طریق هدا اولوب ارواح انبیا
قرین و همت و ایاضین و اصحاب کرامت طریق حق حسنه لر شاعر و فعال طیبه لری دثار من اولوب اعدا
یدرامنکوب و مغلوب اوله بعنایه الله تعالی اگرچه بروسه جابله رینه توجه اقدام کورینورایدی لکن
یکی شهر مضطنه ازین کناری مانع اولد قری اجلدن حضور مزده اولان ارباب رأی مسلمانلر انک تقدیه
افضل کورمکین مبادرت اولندی که (وما النصر الا من عند الله) باقی حالاتی منور چاوش قوللرله
کوندربلان طور و غودالب غازی بنده کینه لردن تقصد و تقصص یوره لکه اخبار خفیه و اطوار خفیه من
بالجله واقف اولوب تقریرند نصکره فرمان معادتلر پادشاهمزل ککدر (فصل در احوال غزوات و فتوحات
عثمان خان غازی) اولاً بالذات و بالوامطه جنگ ایل و محاصره ایل و صلح ایل و سایر طریق قله فتح اولانان قلعه لر
اسامیسی بودر * قلعه قوشلجه و قلعه قره حصار و قلعه بوند حصار و قلعه یکی شهر و قلعه این اوکی و قلعه
بلجک و قلعه یار حصار و قلعه اینه کول و قلعه کور و حصار و قلعه مرمره و قلعه کته و قلعه کتل
و قلعه قوج حصار و قلعه لیلجی حصار و قلعه افکه و قلعه چادرانی و قلعه مکجه و قلعه آن حصار و قلعه
کیوه و قلعه تکوریکاری و قلعه اوکده و قلعه باتجه حصار و قلعه قره کوز حصار * و دخی نیجه قلعه لر
و قلعه اویناش حصار و قلعه صولی و عیان کولی و قلعه قره چیش و قلعه صولی آغزی و قلعه قره تنکین
و ناحیه آق یازی و ناحیه قوجه ایل و قلعه قورک و قلعه کلکی و قلعه قیوجق حصار و قلعه کراسته و قلعه
موطرینی و قلعه ارنوس و قلعه شهر بروسه و قلعه فاندوری و قلعه یلاق آباد و قلعه ارمینی یازاری و قلعه بولی
و قلعه قره مرسل و دخی نیجه نامعلوم قلعه لر بونلر اراقلرند فتح اولمشدر * نایب اشیمونلر هر برینک نارنج
فتی و کیفیت فتحی خصوصنده قوارنج متفرقه ده اولانک اجمالی بودر که * ارطوغرل غازی احیانا کفار ایل
جنگ و اطرافنه یقین اولان لرله آقین ایدوب لکن قلعه فتحی و ولایت ضبطی ایل مقید اولیوب آنک
و فائدت نصکره اوغلی عثمان خان یایلاق و قشلاغه و اروب کلدیکه جوارنده اولان اینه کول تکوری
مسلمانلری رنجیده ایچکین * سنه التیوز سکسان درنده منور تکوردل کور ایل محکم مواشوب عثمان خانک
برادر زاده سی و بعضی عسکر کزیده سی شهید اولوب بعده مسلمانلر آریکن لطف حق ایلده منصور و کفار مقهور
و نیجه لری مقتول و مأسور اولوب ولایتلری مسلمانلر غارت و غنیمتله عودت ایتدیلر * سنه منورده عثمان
خان غازی اوچیموز نرد لا ورله اینه کول ناحیه سنده قوبله نام حصار برکیجه شیخون ایدوب کفاری
غافل اولدین فی الحال فتح و سپاهیلری قتل و باقیلری بعمار حصاری هدم و احراق ایدوب مسلمانلر شاد و خرم

و مفتنم کتیدیلر * سنه التیوز سکان التیده اینه کول وقره حصاره کورلری عسکر جمع ایدوب عثمان
 خان فارش و اروب طومالچ باندن محکم صواشوب برادری صاویجی بک یاخود کوندزبک شهید اولوب
 عاقبت کمارک اکثری وقره حصاره کورنک برادری قیریلوب باقیلری قلعه لرینه قاجدیلر * سنه التیوز
 سکان مکزده اوج درت ورق مقداری یوقاروده یکدیکی وجه اوزره عثمان خان غازی سلطان اوکی دیک کاری
 قره حصاره فتحه کیدوب سلطان علاه الدین دخی معاوتنه کلوب بعده کتدکده عثمان خان قلعه بی فتح
 ایدوب تکورنی بعض هدایا سلطان علاه الدین کوندروب اودخی یوکا سنجاق و طبل و قشاره و آت و دیل
 و خلعت و بیجده آلات جنگ کوندردی * بعده عثمان خان جامع شریف ایجاد ایدوب کتد و نمانه
 خطبه اوقودوب ابتدا مفتی زمان اولان طورسون قبیله اوقیوب عثمان خان شهری معمور و عظیم
 بازارگاه ایدی * سنه التیوز سکان طغوزده قلعه یوند حصاری و قلعه یکی شهر و قلعه ابن اوکی فتح اولندی
 * سنه طقسان برده عثمان خان موطنی کورنک مورقون طرافلو یکجه سی ناحیه لرینه اقبین ایدوب
 مسلمان مال و اسیر و طوم کتیرا یله عودت ایدیلر * سنه طقسان ایدیکده یاخود مکزده بلجک تکوری
 یار حصاره کورنک قیزی تزوج بهانه سیه بهیت ایدوب عثمان خان دو کتده دعوت ایدوب کوروسه قتل
 ایتدیکه قول ایدوب بودخی متنبه اولغین عورت صورتده قرق نفر بهادر ایلد اسبابا لرین بلجک قلعه سنه
 ییلاغه کتدیکه امانت قومغه معناد اولغین کوندروب کتدودخی اکثر عسکرنی عورت لیا سیه دو کونه
 ایلتوب اوکیجه بلجک کوندردکری کتده لر قلعه بی خالی بولغین یکجه لر قتل و قلعه بی ضبط ایتدک
 دیو خضیه خبر کوندردمکین عثمان خان (محرره) بر مقتضای الحرب خدعه * کفاره ایدی حیل و صنعه
 (تتر) علی الفقه و ابی ایلد دو کون برندن کیدوب کفار بونی قاجدی صاوب آردنه دوشوب تشدد کارنده
 صواش اولتوب مسلمانلرک ایسه اکثری بوصوله اولتیر حیقوق کفاری قیروب خصوصاً بلجک تکورنی
 قیروب بعده الغار ایلد حصاره واروب علی الفقه تکورنی و عروس اوله جتی قیزی جهازی ایلد جمعیتنه کلان
 رجال و نسائی دو کونخی لیا سی ایلد اسیر و قلعه سن ضبط ایدوب اوکیجه اینه کول حصارنی محاصره به بر بلوک
 کوندروب ایرتسی بالذات کتدومی واروب فتح و ضبط ایدوب تکورنی و توابعی قتل عام ایدی * سنه التیوز
 طقسان طغوزده یا تمام بدیسوز سنه سنک اوانلنده قوتیه پادشاهی اولان سلطان علاه الدین عجم پادشاهی
 اولان اولاد چنکیز طغوزدن مایضا عسکر تانار کلوب اسیر ایدوب ولایت قرمانه قشده دوشوب هر قصبه
 و ولایت یکی اولان بشقه بوی چکوب پادشاه نامنه اولوب احوال اهل اسلام بر محنت و آلام اولغین اطرافدن
 نیجه عسکر عثمان خان کلوب باب سعادت نامی ملاذ و پناه رعایا و سپاه اولد قلعه اتفاق ایلد اول تاریخده
 پادشاه اولدی دیشلر (نظم) سعی للعلی حتی اذا ما اصابه * اته العلی نسبی الیه کاسی * سنه بدیسوز
 برده عثمان خان اوغلی اورخان بکه سابقا اسیر ایلد یکی یار حصاره کورنک حصاره مستقنا قیزی
 نکاح ایدوب بعده قره حصاره خجناغن و یروب غزایه معتاد اولغیچون مر عسکر اسلام ایدی * اسکی شهری
 کتد و برادری کتد زالبه این اوکی و یوند حصارنی ایفودالبه یلر حصاری حسن البه اینه کولی طور غودالبه
 سنجاق و یروب اوغلی علاه الدین پاشا ایلد آنک والده مفتی قاین اتاسی شیخ اده بالی باندن قیروب بلجک محصولی
 نیجه و یروب وقره سنه وقف تعیین ایدی * کتدوی یکی شهر کتدی آنی تختگاه ایدوب مسجد لر و حماملر
 و نیجه درلو پشایا یله معمور ایدردمکین اسمی یکی شهر قیروب سابقا او قوردی قصبه نل اسمی اسکی شهر
 اولدی * سنه مزبوره ده سابقا عسکر اسلام نیجه کره واروب فتح ایدوب مدکاری کوربری حصاره بود قفه
 عثمان خان واروب یولده کتد و نل عیسی دوند ارب عسکدر ایتدیکین عثمان خان اکاوق آتوب هلاک
 ایلدی * بعده قلعه بی نیجه کون محاصره ایدوب عاجز قالد قلعه یغمادیمکین فی الحال فتح اولتوب بعده قلعه
 مرمریه توجه ایتدکده حاکمی کلوب مطیع اولغین خلعت کیدوب یرونده ابقا ایدی * سنه مزبوره ده از نیجه
 واروب بعدا محاصره قشده چاره اولماغین قلعه نل اوستنه حواله برقله یایدوب ایچنه قرق نفر بهادر
 قیوب کفار شهری طشره چقار قیوب تضییق امر ایدوب از نیق اطراف نل قریه لرین عسکره بیمار اولد و یروب
 بعده قشکانه کتدی * سنه بدیسوز بیده یا اون بیده از نیق تکوری استانبول تکورنه محاصره دن

شکایتنامه کوندروب اولدخی معاوت ایچون عسکر جمع ایدوب دیادن یلاق او به کوندروب غازی
 عبدالرحمان ایتدوب واروب کیجه ایلد یا صوب اکثری قیروب قاجنلرک اکثری دخی غرق اولوب باقیلری
 کی به بنوب کیر و استانبول کتدیلر * سنه مزبوره ده بروسه وادرون و کستل و کتدورلری مسلمانلر
 هجومه اتفاق ایدوب عظیم عسکر چکوب عثمان خان دخی فارش و اروب شکم صواشوب کتد و رضینوب
 قاجوب کستل تکوری قتل اولتوب کتد تکوری اولوباط تکورنه مغنوب پادشاه انده وارد قلعه خوفندن
 کتد تکورنی و برمکین کتد و قلعه سنه قارشو یاره لندی * یوچنکده پادشاه عیسی یارادرزاده می
 آی طوغدی بک شهید اولوب حاله مراری زیارتگاه اولد و در * سنه مزبوره ده قلعه کستل بریل صکره قلعه
 قوج حصاره فتح اولندی * سنه اون اوچده پادشاه اوغلی اورخان و قبا قبا تکوری اولوب حالا کتد و اختیار ایلد
 ایمانه کلان کوسه میخالی قره حصاره محافظه به قیوب عسکر رجا سیه کتد و غزایه کیدوب جنگ اولد و برین
 لیلوبی حصاره نلک و لکنک و چادراق و مکجه قلعه لرینک تکورلری تدریجیه کلوب اطاعت و قلعه لرین
 تسلیم ایدوب بعده آق حصاره وارلد قلعه تکوری بر مقدار صواشوب مینوب قاجوب حصاری یغمالینوب
 کیوه ناحیه سنه وارلد قلعه حنی کافر لخی قیوب بریده جمع اولوب یچنه ایلد کارینک خبری پادشاه
 معلوم اولیچق فی الحال اوزر لرینه واروب چنکده آنلری قیوب تکوری طوتوب ماللرین یغمالیوب ناحیه
 کیوه ده قلعه تکورنی کاری و قلعه اوکده و قلعه نیجه حصاری و دخی نیجه قلعه لر فتح اولندی * و سنه
 مزبوره ده قلعه اویش و قلعه صولی و عیان کولی فتح اولندی * سنه دن درنده یا اون بیده پادشاه بروسه
 قشده واروب لکن قلعه سی صعب اوغین برقله قبلوجه طوقنده برقله طاغ طرفنده یا یلوب برینه پادشاه
 برادرزاده سی آق تیوری برینه قولی بلیا نیچق بر مقدار عسکر ایلد قیوب بروسه صحراسنک قریه لر
 ضبط اولتوب قلعه دن طشره آدم جیقه غزایه ایلدیلر * سنه اون بیده پادشاه شهزاده اورخان غزایه سردار
 ایدوب حرب و ضرب عنیف و تدبیر ایلدیر و لطیف ایلد قلعه جیش قره و قلعه صوفی اغزی و قلعه قره تکی
 و ناحیه آق یازی و ولایت قوجه ایلد و قلعه قورکبانی فتح ایدی * قوجه ایلد ایلد قوجه قورکبانی قورکور
 البالمغین انلرک اسیمه مسی اولدی * سنه اون سکزده قلعه کلکی و قلعه قیوجق حصاری و قلعه کراسته
 محاصره و جنگ بعده امان ایلد اندی * سنه یکری اوچده قلعه موطنی فتح اولندی * سنه یکری بیده
 یا التیده پادشاه میرلک مر ضلندن حرکت ایدوب میوب شهزاده اورخان بروسه قشده کوندردمکین ایدو
 ادرنوس ولایتنه واروب قلعه بی فتح و ضبط ایلدی تکوری طاعه قاجنن ایدوب دوشوب عسکر ایلد یاده
 اولوب طاعه یروب تکور بر یوکسک یردن دوشوب هلاک اولوب توایی طوتوب بعده اول حصاری
 یقوب بعده بروسه به واروب کافر لاون بریل یاسکز ییل محاصره دن حلق و غلا و انواع بلایه مبتلا
 اولغین تکور کتدوسی او نوزیک التون و یروب صلح و امانله قلعه بی تسلیم ایدوب توایی ایلد و بر مقدار مالی
 ایلد استانبول کیدوب خزینه سن شهزاده ضبط ایدی * سنه یکری التیده قلعه فادری و یلاق آباد
 و قلعه ارمنی یازاری و قلعه بولی و قلعه قره مرسل فتح اولتوب ایشوبی قره مرسل نام بهادر فتح ایتدیکین انک
 اسیمه مسی اولدی * سنه مزبوره ده پادشاه محکم خسته اولغین شهزاده بروسه دن کلوب پدیده
 کور شوب اغلا شوب بعده پادشاه اکا ایشوایات مضبوطه نصیحتلر ایتدیکه (نظم) عاقبت کار بود
 هر که * یاد قنایه و جوانه اسه * سکا وصیت ایدرم کوش قیل * غیر غم دینی فراموش قیل * راه جهاد
 ایچره ایدوب اجتماد * ملک رومده قیل عدل و داد * ایلد رعایت علمایی تمام * تا که بوله امر شریعت نظام *
 عسکر و مال ایلد غرور ایلد * شرع شریف اهائی دور ایلد * شرع در رمایه شاهی و بس * شرع مخالف
 ایشه ایجه هوس * نصرت دین ایدی چو مقصد سکا * مقصد مقصد کدر سکا * عالمه انعامی عام
 ایلد کور * ملک امری تمام اید کور * شاه که احسانلر بیکانه در * سلطنت اسکی اکافانه در * حفظ رعایا به
 چالش روز و شب * تا که رفیق اوله سکا طحرف رب * بویه وصیت ایدوب اول دین پناه * ایدی بقا کشورینه
 عزم راه * حق آق رضوانه قرین ایلد * آنده دخی تحت نشین ایلد (فصل) عثمان خان زماننده
 دیار رومده اولان کار مشاهیر علما و مشایخ بونلر ایدیکه (۱) خیر الاعالی شیخ اده بالی عالم و عامل و زاهد کامل

ایدی اصلده قرمانی اولوب شامده تحصیل علوم ایند کد نصیر رومه کلوب می شد راه داد اوامور دین و دنیا ده
 مستشار و مرجع و معتد اولاشدی مالد ار او لغین زاویه و مشا فرخان یابوب به ده عثمان خان بونک کریمه سن
 اکوب سلطان اورخانک والده بی اولشدر و ید یوز بیکری التیده یوز بیکری باشند و وفات ایتدی (۲) طورسون
 فقیه القزمانی شیخ اده بالینک شاکردی و دامادیدرتکه میل علوم شریعه ایتمکین اده بالی برینه مفتی و مدرس
 اولوب مستجاب الدعوه کسینه اولدی (۳) مثلا خطاب قره - صاری روم و شامده تحصیل علوم مهمه ایدوب
 منظومه نسفی به لطیف شرح یازمشدر (۴) شیخ مخلف با با عثمان خانله غز ادره بیل اولوب صاحب کرامات
 علیه و مقامات سفیه ایدی (۵) عاشق پاشا ابن خلیف با با عابد و عارف بالله اولوب احوال سلو کده عاشقانه
 برترکی منظوم کابی وارد قیر شهر نده مدفوندر مناری محل قبول دعا در بر (۶) علوان چلبی ابن عاشق پاشا
 پدزی کبی کامل عزیر اولوب اهل جذبه عظیمه ایدی اما سیه قرینه مدفوندر بونک دخی تصوفده نظمی وارد
 (۷) اخن حسن مظهر کرامات معدن برکات مستجاب الدعوه عابد و زاهد اولوب بروسه ده ساکن ایدی
 اکرم الله ما بهم و عطر بنیم الجنة تراهم

(باب ثانی در احوال - اساطین اورخان غازی ابن سلطان عثمان غازی)

(نظم) کلید فتح و کشاد عمالات اسلام با او الفزاة محمد خصال اورخان خان (نثر) ولادتش فی سنه ۶۸۰
 یا خود فی سنه ۶۷۸ جلوسش فی سنه ۷۲۶ عرش منه ۸۱ یا سکان یکی یا سکان اوج
 مدت سلطنتش ۴۵ وفاتش در بروسه فی سنه ۷۶۱ بروسه ده حصار ایچنده مدفوندر (فصل در ذکر
 اولاد معادیت نهاد) (۱) سلطان مراد خان ولادتش فی سنه ۷۲۴ احوالی اشاعیده کلور (۲) سلیمان پاشای
 غازی ولادتش فی سنه ۷۱۶ وفاتش فی سنه ۷۶۰ پادشاهک یولک اوغلی اولوب کندودن یکی آتی اول
 وفات ایلدی موقی کیفیتی و مکانی اشاعیده کلور (۳) سلطان قاسم کوچک ایکن وفات ایتدی مناری
 بروسه ده در منوران مراد خان ایل سلیمان پاشاک والده لری نیلوفر خانوند که سابقا حکایتی مرویدن
 یار حصار تکورینک قزیدر که بلیک تکورینه و بر یلوب دو کون اویش ایکن قبل الاجتماع سلطان عثمان
 غازی یاصوب الوب اوغلنه نکاح ایتمشدی اشبو خانون بروسه صحر اسنده اولان ایرماغه بر کو بری یا بغین
 اول ایرماغل اعی نیلوفر ایرماغی اولدی بروسه ده بر مسجد و نیچه خیرات بنا ایدوب بروسه ده اورخان
 ترب سنده مدفوندر (فصل در وزیر و امراء پادشاه) (۱) خیر الدین پاشا که سابقا ملتا تاج الدین کوردی
 دیرلردی (۲) لالا شاهین که بروسه ده مدرسه و کرامتیه ده کو بری یا بچشدر (۳) علا الدین پاشا که پادشاهک
 لاب و ام برادری اولوب لام جدی اولان شیخ اده بالی به مقارن اولغین تارک دنیا اولوب بعده پادشاهک
 ابرامی ایل وزیر نصیر و مشیر اولشدر (فصل در ضرب سکه و تعیین اوان کلاه بعض عسکر و ایجاد
 طوائف یا و مسلم و یکیجری) تاج التواریخده اولان تفصیلات محصلی بودر که سنه ید یوز بیکری سکرده
 اورخان غازی از نکمید قاهمه می فتحند و نوب بروسه به کلوب اتی تختگاه ایدند که برادری علا الدین
 تنبیه کلوب سار دان و صاحب عرفان اولغین انک تلقینیه پادشاه خیر نامه هات سلطنتدن اوج
 نسته ایجاد ایلدی که اولادری عثمان خان کثرت غزادن سکه ضربنه تقید یا تیوب سال سلطنته قوت و شوکت
 و دغدغه دن امن و راحت کلمکین ید یوز بیکری طغوزده ضربخانه وضع و سیم وزری کتد و نام شریقیله
 ضرب و قطع ایدردی (ثانیاً) اوزمانه دلک عسکر کبی قزل کبی صاری کبی سیاه کلاه کیرلردی چله می
 آتی کلاه کیمک تعیین ایدوب بلدرم یازیدخان زمانده آتی کلاه مخصوص سیاه شاه و ملا زمان درگاه
 جنوب ارکان دولت قولارینه قزل بورک کیمک تعیین اولندی و فتح قسطنطنیه سلطان محمد خان علیه
 الرحمة و انقراض زمان شریف نده بالذلو صر مه ایل آتی بورک یکجیر یله وینه صر مه لو قزل بورک ارکان دولت
 قولارینه تفصیل اولوب سار سیاه منت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اوزره دایند
 کیمک بیورلدی اما یکجیری بلولک باشیلری کیدکاری اوسکوف سلطان اورخان اوغلی سلیمان پاشای غازی
 ایجادیدر که مثلا خنکار حضرت ندرینه محبه آتی کند و کیوب سلطان مراد خان غازی زمانده شایع اولوب
 صنایع زره و زنی ایل کلاه اهل جاه اولوب بعض صفر و حضرت رده پادشاه لرد دخی کیر اولدی اما حالا بروسه ده

سلاطین عثمانیه تر به زنده تاج مطلی اوستنه یوسقی صارق و وضعنده کورلری بر طور غریب اوزره دور ایدوب
 اوجی نه برده ایدوکی معلوم اولسان فیما و خوشنما عامه لری ایام اقامت و مجالسین عبادت ندرنده کیرلردی
 (ثالثاً) زمره عسکرده پیاده لردخی لازمدر دیوترک اوغلارندن دلا و هنر آوریکنلر جمع ایتدی بر یلوب سفر
 زمانلر نده کونده بر راجه و نظیفه و بر یلوب سفر آخر نده وظیفه لری کسلوب هر بری مکانه کیدوب زراعت
 و حراثت چالشوب رسوم عرفیه دن معاف قلیوب ضبط ایچون بونله اون پاشی یوزباشی یکباشی نصب
 اولوب یا ایدیک ایلد مشهور اولدی بلر اشبوطا قه جو غلوب فساد ایدر اولد قلر نده بعد المشاوره کقار رعایا
 اولادندن خدمت و جنگه برار لری جمع ایتمک ایچون بر قاج سیلده بر کره ییک نفر اوغلان دیو شرمکه بعض
 خدام دیوان کوندیر یلوب کتورد کارنده ایمانه کتور یلوب سفت ایتدی بر یلوب بوسیله تکثیر مسلمان و رغم انوف
 کفره ملاعین اولوب بونلر وظیفه لری بر راجه دن قاپیلنلرینه کوره زیاده اولتق قانون قونوب بونله
 یکجیری دیو آقودیلر اول زماندیر و اوچ یوز سیله قزیدر که کفاردن تخمینا اوچ یوز ییک کسینه ایمانه
 کتور یلوب بونلردن ماعدا اسیر اولوب ایمانه کتور یلنلرک عدد نه خود همان الحق الله جل علاه آگاه
 اولغین سلاطین عثمانیه نک سائر ملوک دنیاندر مرتبه فضیلتلری علیا ایدوکنه بومعی دلیل اقوی در
 پس یکجیری احداثنده ککه یابا لره وظیفه بدلی اراضی و مزارع ویرلدی که سفر دن دوند کارنده زراعت
 ایدوب رسوم عرفیه دن و نکالیفدن بری اوله لری بوجه ایل اولاد ترا کدن بر طاقه دخی انلوسه قه اشوب
 انله دخی مخصوص برلر بر یلوب بونلرک اسمی مسلم قونوب مرتبه لریجه بلولک باشیلری و سنجاق بکاری نصب
 اولندی (فصل در غزوات و فتوحات سلطان اورخان غازی) اولابعد السلطنه بالذات و بالواسطه انواع
 طر یقله فتح ایلدی کی قاهره امامیه بودی قلعه صماندره و قلعه ایدوس و قلعه قنون حصار و قلعه
 از نکمید و قلعه هرکه و قلعه از نیک و قلعه طریخی یکجیه سی و قلعه کونک و قلعه مودرنی و قلعه کلک
 و قلعه ادرمید و قلعه ایدنجک و قلعه قزله طوزله و ولایت قرانی که نیچه قلاعی وارد و قلعه کرامتی و قلعه
 میضالچ و قلعه اولوباط و قلعه بالی کسری و قلعه برغنه و قلعه منیاس و قلعه بکار حصار و قلعه ایازمند
 و قلعه اناخور و قلعه امرود ایل و بعض قلاع روم ایل یقاسنده و قلعه چغنی و قلعه ایاشلونه و قلعه اود کوکک
 و قلعه دو کور و قلعه فرجه و قلعه خیره بولی و ولایت آجه اوامی و قلعه باسلغ و قلعه قور کور حصار
 و قلعه کایبول و قلعه معافره و قلعه ایاصله و بعض قلاع تکور طغانی و چورلیک و خیره بولینک حدودندن
 اولان قله (دخی) (ثانیاً) اشبو قلعه لرل زمان فتح و کیفیت فتحلری خصوصی بودر که سنه ید یوز بیکری
 التیده سابقا بعض قلاع فتح ایدن یکی سردار ولایت قوجه ایلنده صماندره قلعه سن فتح ندرکنده ایکن قلعه
 تکورینک اوغلی مراد اولوب اتی دفته چید قلر نده علی الفقه یا صوب کفار طاعلوب ککور اسیر اولوب
 استابول تکوری و ایدوس تکوری اتی تخلیه عسکر کوندروب جنگده کفر صیدوب قاجوب تکور اسیری
 از نکمید تکوری مال عظیم ایل صاقون اکوبینه اول مال از نکمید فتحه خرج اولندی صماندره حکومتن
 پادشاه فتح ایدن ابقه قوجه به و بر و ب اولدخی استابوله قریب اولغین اکثر یا طرافتی نم و غارت ایدردی
 سنه یکجری سکرده پادشاه قور کور الید غازی عبدالرحمانی ایدوس فتحه کوندروب وارد قلر نده محاصره و قتال
 ایدوب غایت صعب قلعه اولغین فتحه ظفر میسر اولد قده تکورلر قیزی واقعه سنده برقیو به دوشوب چقه غه
 چاره ازارکن بر کوزل یکت کلوب بونی چقا ووب باله اسلر کیدر کور ووب او یاند قده حیرتله حصار دن اشاعه
 بقار کن غازی عبدالرحمانی کور ووب واقعه ده کوردیکم بودر دیو عاشق اولوب تفصیل حاتی و واقعه احوالی
 و حال ایل کز کیدوب فلان کیجه بر نیچه کسینه ایل خفیه حصار یانه کله سز قلعه بی سز الیو بریم دیو کافرجه
 یازوب طائله شیره عبدالرحمان قریبته اقوب سردارلر بولوب الوب او قیدوب قلعه نل اطرافن آتش یا قوب
 کیدوب کافر بولنری قاجدی صاقوب غافل اولوب وعده کیجه سی غازی عبدالرحمان سکسان دلا ورله کلوب
 تکورلر قیزی بونلرک بر قاجی کیدا ایل بو قار وچ کوب غازی عبدالرحمان یولدا اشیرله قلعه قیوچیلرین قتل ایدوب
 قیو بی آچوب چله مسلمانلر شمره کیروب کافر لمستانه اویقوده اولغین تکوری و سائرلرین قیووب قلعه بی
 ضبط ایدوب قیزی و نیچه اسیر و مال لری پادشاهه ایلند کارنده اول قیزی غازی عبدالرحمانه نکاح ایدوب قره

عبد الرحمن آرد و او غلاری اولدی که ثابت بود و در قریب استانبول کفاری آنک نامندن خوفناک اولوب هدد
اولان او غلایانین انکه قورقورلردی * سنه من پوره ده پادشاه بالذات از تنگمید فتحه واروب
آنک جوارینده قیون حصارنی محاصره به بر بلوک عسکر کوندر ووب انشاء جتکده تکورک سینه منه اوق
طوقوب کند و سی قلعه دن اشاعه دوشد کده کافر لوقورقوب قلعه بی امانله اچوب و وروب تکورک باشی
کسیلوب پادشاه کوندر اکی قلعه اوکنده برادر ایدوب از تنگمید تکورک اولان خانقون برادرینک باشی
کورکده قلعه بی امانله و وروب اجازتله کی به ووب استانبوله کندی بعده ایدوس قلعه سی غریب
از تنگمید ده میر و محاصره ده سی کتیر اولوب اطراف سپاهیلر تیار و وریلوب کفار کیندن محاصره ایچون
دریا کفاری قره مرسل نام پادره ویرلکین آنک اسمی ایلد مشهور اولدی * سنه او تو ز برده پادشاه از نیتق
فتحه کلوب استانبول تکورکینک کوندر یکی عسکری شهزاده سلیمان پاشا واروب با صوب کینی قیروب کینی
اسیر کتور دیر اهل از نیتق قنیدن محاصره خصوصاً یاردیجی کلکدن یاس و طاعون و قحط سیدله
آخر قلعه بی امانله و وروب تکورک استانبوله کیدوب اهل شهر و رعایا پادشاه تابع اولوب بعده پادشاه اشیر
شمر فرید الدهری غایت بکنوب تعمیر و تخته کاه و بلوک قاضی مولانا قرقه خلیلی از نیتق قاضی ایتدی * سنه
و تو ز یکیده از تنگمید یکی شهزاده سلیمان پاشا طراخی یکجه سی فتحه عزم ایتد کده تکورک قار و کلوب
ولایتی طوعا تسام ایتدی * بعده کوبشکه واروب رعایا سی مطیع اولد قده تکورک دخی ناچار حصارنی تسلیم
ایتدی بودیارلک خانی آت چوللری ایشلر موتا بلر اولغین غازیلر حظ ایتدیلر ایلرینه یکی چوللر کیدروب بعده
و درنی به واروب آنک دخی تکورک ولایتی تسلیم ایتدی بواسطه دخی نیجه ولایتلر فتح ایدوب جبرایله
انعامین غارت و غنیمت اولد دی دو غازیلر بحضور اولد قارنده شهزاده بونلر نیجه سنه بوللا تدره بعض
کویلری مزورعه لر غنیمت ایدوب پادشاه ایتد کده حظ و دعا ایتدی * سنه او تو ز برده پادشاه قلعه کلکدن فتح
مراد ایتدی بعد المداوره بشیوز کسنه ایلد بر سر دار کوندر ووب واروب قلعه بی بریل محاصره و مزورعه لرنده
اولان ترک لری بیچوب ضبط ایدوب اولم پادشاه کند و سی واروب محاصره ایلد بر آیه دلک صواشلوب کفار
عاجز اولغین امانله قلعه بی و وروب خراج کزار اولدیلر * سنه او تو ز برده ادرمید و ایدیلر و تیریلر طوزله
قلعه لری فتح اولندی * سنه او تو ز برده ولایت قراسی حاکی بجلان بک که سلاطین سلجوقیه نسلندن اولوب
آل عثمانیه دولت اولغین طورسون نام اوغلنی رهن و وروب پادشاه دخی انی اوغلی کی رعایت ایدردی وفات
ایدوب بر بنه یولک اوغلی بکوب نظام اولغین ولایت خلنی پادشاهی دعوتله ایچی وهدایا کوندر مکی عسکرله
کیدوب بولده قویلس و ایلیوس نام قلعه کفارالندن فتح اولنوب بعده کرماتی و میخالیج واروب با و بعض
قلعه لر تکورک لری بر بر کلوب مطیع و خراج کزار اولوب پادشاه بالی کسری به وارد قده بجلان اوغلی بر غمه
حصار بنه قاجوب بجلانک وزیر حاجی ایلکی اعیان شهرله پادشاه هدایا ایلد بولنوب انقباق ایلد بر غمه
واروب امر پادشاه طورسون بک اعیان ولایت قراسیه حصار کار بنه واروب برادر ایلد مصالحه
و محاسنی مقاصحه ایچون مسو بلیشک صدنده برادر پرازیز یوقارودن دشانلیوب اوق آتوب طورسون
شهادت اولد قده منیاس و ایازمند و بکار حصارنی وساطة خلنی قلعه لر میشتل حاکمین کتور ووب پادشاه
تابع ایلدیلر بجلان اوغلی دخی ناچار قلعه دن چیقوب پادشاهه التجار نضره عله غمور جا ایتد کده بروسه به
کوندر یلوب ایکی یلد نصکره آند طاعون دن وفات ایتدی * پادشاه جمعیاه جمیع ولایت قراسی بکاسکی
و کند فک جله عسکری سر عکر لکینی شهزاده سلیمان پاشایه و وروب آنک تدبیر امورین ارکان دولت بجلانیه
اولان حاجی ایلکی وغازی فاضل واجه بک و اورنوس بک تفویض ایدوب ارکان و اعیان و سپاه ولایت
قراسی بی اسلوب قسیم ایزده ابقا ایدوب بروسه به کاورکن اولوب با و تکورک خیسانی ظاهر و با بکین قتل
بوداری دار اسلامه شم ایتدی * سنه او تو ز مکزده پادشاه غزایه کیدوب لب دریاده انا خور و امر و دایلی
و دخی بعض قلعه واروب اوق و هله ده حا کمری مقاصحه عیزلندن قلعه لرین تسام ایدوب خراج کزار اولوب
پادشاه دخی قابل انتفاع اولان قلاعی ضبط و باقیلرین غریب ایدوب مقامنه دوندی (فتح روم ایلی)
دییوز او تو ز مکزده پادشاه سلیمان پاشا پادشاهه رهن ایلد کدن روم ایلیه کجاک مراد ایتد کده

اجه بک وغازی فاضل جتی قلعه سنک قاروشونده دریانک عرضی آراولغین برمال دوزوب بر کیجه ایچنده
کیدوب یلکن آچوب قاروشوبه کوب باغلر اراسته بر دیل طوقوب شهزاده به کتور ووب قلعه نک فتحی نه یردن
آساندردی و سوبیلدوب بعده اب دریاده کافر ولایتندن صغر لغارت ایدوب دریلرندن قایشلر کسوب انکله
اناجلری بری بر بنه محکم حاروب ایکی یولک سال دوزوب شهزاده واعیان ولایت وغازیلر بوجه سکسان
کسنه ایلد بر کیجه ایچنده کیدوب فی الحال واروب قاه به متصل مزبله لکدن یوقار و جیه ووب ایچنده کی کفاری
باغلیدوب لکن قتل ایچوب اسکله ده اولان بعض کیلری که بیچاره و عده احسانله قاروشو کوندر ووب او کیجه
اوج کونه دلک جله اوج یلک نفر عسکر کچوب او محله یقین برده بعضی کافر کیلری اولدیغی ایشلر بکین
اشوب قلعه ده بولنان آتله بعض غازیلر یوب واروب کیلری آتله یاقوب کادیلر * بعده یوقلعه به قریب
ایشاونه نام قلعه به دخی بر کیجه مسلمانلر علی الفقه واروب یوقی الدقلری وجه ایلد آتوب اشوب ایکی قلعه نک
سپاهیلرین اهل و عیال لری ایلد قراسی ولایتنه کچور ووب رعایا لری پرلنده ابقا ایتدیلر * سنه ایتد کده کلبولی
تکورک مسلمانلر عسکر چکوب بخت اولد قده صیتوب قلعه سنه قاجقین شهزاده کلبولی بی محاصره به
اجه بک وغازی فاضل ایلد بعض عسکر قویوب کند و بولایرده او تو ردی اجه بک اول اطرافنی تسخیر و رعایا سی
پرلنده نفر بر ایتکین اول صحرای اجه او سی دیو مسی اولدی * نو کور حصار نک تکورک کیجه علی الفقه
مسلمانلر اکثر باشقون ایدردی شهزاده دخی طرفه مار تلو سار کوندر ووب قلعه یاننده کز لوب بر قاج آدم ایلد
تکورک چیقده قده طوقوب اسیر ایدوب بعده اهل قلعه خوفلندن حصار ایلد و وروب تکورک کور دل صلب
و خزینه سی سلب و جلب اولنوب شهزاده ساخاروم ایلی فتحه عزم ایلد کده متلا خنکار خلفا سندن بر عزیز
تیر کویردیکی کلاهی کاهی کلوب حال مال غنیمی غازیلر بونکله اولشدر ووب بعده انی التوفله ترین ایدوب
بالذات کند و کلوب بعده سائر کابره دخی بواسطه التوفله کلاه سید ایدوب کیدردی بعده شهزاده کلبولی به
هجوم ایلد کده چوقدن محاصره اوزره اولغین تکورک قاضی کلبولی ولایتنه بک ایدوب انده قویوب آخر عمر لرینه دلک
کندی بعده شهزاده اجه بک ایلد وغازی فاضل کلبولی ولایتنه بک ایدوب انده قویوب آخر عمر لرینه دلک
اول اطرافنه غزا ایدردی * سنه من پوره ده حاجی ایلکی ایلد معفره واصله شهر لری دخی فتح اولندی بعده
عسکر اسلام کفار مستحق بالرحوم اوزر لرینه هجوم ایدوب دخی تکورک طاعنده اولان بعض ولایتلر جبرله
فتح اولنوب اورکوکلک حصاتی اوج یعنی سرحد ایدیلر و خیره بویه و چورلی به مسلمانلر مرارا آقین ایدوب
مال و طوار و اسیرله طویوم اولوب او محله ده اولان قلعه لر دخی فتح اولندی بعض نواریچنده اورکوکلک و دو کور
و قره جک و خیره بولی قلعه لری بدییوز الملی طوقورده فتح اولشدر دیو مذکوردر (فصل در خیرات سلطان
اورخان) اولان از تنگمیدی فتح ایتد کده نیجه کایسارین مسجدلر و بری مدرسه ایدوب حجره لر ایدوب
مصارفچون بعض کویلر وقف ایتدی ثانیاً از نیتق فتحه دخی کایسارین مسجدلر و بری مدرسه ایدوب
داودیه صری حضرت تری مدرس ایتدی و عمارت و مسافر خانه یا یوب مسافر بنه هر کون طعام بشک شرط
ایدوب اول کونی طعمای پادشاه قصد نواب ایچون کند و ایلد قوت وروب تقسیم ایدوب جامعک چراغلرین دخی
کند و ایلد یاقدی ثالثاً بروسه ده بر جامع و تاجوا کار بانمرای و عمارت یا یوب و مناسر دید کبری کایساری
مدرسه ایدوب اطرافنه حجره لر یا یوب بوجه به کویلر وقف ایتدی و کیکار یا یوب کبری عزیزه بر تنکبه و جامع
شریف یاچندر (فصل در وفات شهزاده) بدییوز الفش برده سر عسکر اسلام اولان شهزاده سلیمان
پاشانک روم ایلنده ایلد یکی فتوحانی اهل دین نصاری ایشیدوب غیر تلرندن نفیر عام ایتد کارنده شهزاده
ایشیدوب غازیلر تسلیت و انواع نصیحت ایدوب بر کون دفع غم ایچون شکاره بچتوب بر قازر طوغان
صالوب اردنجه سکر درکن آتله دوشوب وفات ایتکین بولایرده سرای فریده بشا ایتدیک جامع و عمارتی
یائده دفن اولندی سابقا بروسه ده بر مسجد دخی بنا ایش ایتدی (فصل در غزای اکبر و حصول فتح و ظفر)
شهزاده وفاتند نصکره کیدلرله اون بش یلک کافر کلبولی به اون بش یلک دخی بولایر کلوب عسکر اسلام
کفار نسبت غایتده آراولغین بر سوز و کد از ناچار قاروشو وروب لکن صیتوب قاجوب کفار اناری قوه لر
ایکین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و دین مبین قوی الاصول حره تنه رب کریم متعال زمره

روی الضلع دفعه اسان سرزنده جنود غلبه ارسال ایدوب اول مستحقین بازجوم اوزر زنده هجوم
 اید کرند کفار بونری عسکر مسلمین در فرقه صانوب ملاحارین براغوب قاجوب مسلمانان کفارک
 ظاهر ابلا سبب قاجد قریب کوروب جانب حقن عنایت اولدین فراسله یلوب قوت قلبه کفارک
 اردنه دوشوب جله سن قیروب احبار ایدوب همان کیلر ایچنده اولان کمیچیلر قورتلدی اسیر اولانلر بعضه سز
 غالب ایکن ایچون بلا سبب قاجدیکر دیو مسلمانلر صور دقده بوز آنلر بخش بر عسکر عظیم سزه معین اولوب
 سردار لری شوصه تلوشو صورتلو بر تاز بهادر بکت ایدیکه انلر هیبت و هجوملری خوندن قاجدق دیمکین
 اول دیدکری بکت وفات ایدن شهزاده نک روح ایدوکی معلوم اولدی کلیبولی بی محاصره ایدن اون بش یکن
 کافر دخی بولداشیر یکن نام زام وانعدا ملرین ایستکین قورقوب کندیلر (فصل در وفات پادشاه) شهزاده نک
 وفاتی و کفارک انهمزای خبری کلدکده پادشاه غلبه مسلمیندن حظ ایدوب اکن فرقه الاولاد حرقة الایکاد
 مفعو منجه قلب باغراغی پرداغ اولدی (محرره) مسراته مرونه بغموم * حلاواتها مجنونه بسجوم *
 فلا ترج فی الدنیا الدنیه راحه * فما خلقت الا لخص هموم (نثر) شهزاده آزاده ملک نظیرک خبر موتی
 پادشاهه محکم تأثیر ایدوب (نظم) القلب یحزن والعین تبکی * وفقیجه دوکدی چشمندن اشکی *
 آه حزین باقدی زمینی * جرخ برینی بکدی اینی * جله سیاهی کیدی سیاهی * ابر کوردی هر کس
 کوکله آهی (نثر) بعده پادشاه خسته اولوب اوغلی سلطان مرادی کتوردوب تصحیل و وصیتلر ایدوب
 محصلی بایدی که (نظم) شریعت آساعن ایلدیش * رعایا دقطنه سعایت همیش * غرض نام نکودر
 اکاجالش * کسنه ایچون دور کده نالش * جهاد امر نده صرف اجتهادایت * جهاند نامکی غازی
 مرادایت * بوفانی ما که مغرور اوله زنهار * طریق شرعدن دور اوله زنهار * قتاد رعایت دنیا نک امری *
 اولور هر کس نه دکوا لسه عمری * کرم ایلد بکاجلب دعا قیل * مرادم بودر آی فرزند عاقل (نثر) پس
 بدیوزالتش برده شهزاده سلیمان پاشا وفاتدن ایکی آی صکره پادشاه دخی وفات ایدوب بروسه حصار نده
 مناسترده دفن اولدی مدت عمر و سلطنتی یوقاروده یکمشد (فصل) سلطان اورخان زماننده اولان
 کار مشاهیر علما بونلر ایدیکه ذکر اولور ۱ دایق قیصری فرمانده مصرده جمیع علوی تحصیل و تکمیل
 ایدوب فصوصه و قصیده ثابیه شیخ ابن الفارضه بر لطیف شرح بازوب دقایق علم تصوفی درج ایتدی ازینده
 پادشاه بایق مدرسه به ابتدائو مدرس اولشد ۲ تاج الدین کردی متن مطالع مؤانی قاضی سراج الدین
 اومویند اوقومشدر قفه و سایر علومده ماهر و مشتهر اولغین دایق قیصری وفاتندنلرک برینه مدرس اولدی
 ۳ علاء الدین امود که قره خواجه دیرلردی متن و فایده و اصولده متن معنی به لطیف شرح بازوب تاج الدین
 کردی وفاتندنه برینه مدرس اولدی منلائقار یکن استادی ایدی ۴ چندره لوقره خلیل سلطان
 اورخان قره خواجه نک اوینه واروب مفرلده عسکره قاضیق ایتمکه بر منلا یستد کده شاکردی آنلردن
 ایرلق استیوب عاقبت جبرائی تعین ایتمکین اغلیه رق قبول ایتدی دولت عثمانیه ده ایدافاضی عسکر
 اولان بودر بروایتده یکن قاضیسی ایکن ازینده بعده بروسه به قاضی اولوب سلطان مراد زماننده قاضی
 عسکر بعده وزیر اعظم و بکر یکی اولوب خیر الدین پاشا دیو مشهور اولدی ۵ محسن قیصری محمد الدین قیصری
 حضرت نلرک شاکردی ایدی بعده شامده تکمیل علوم ایدوب قفه و قرآنده بر صنعت و لطافت بر رنظومه
 و عروضه قصیده اندلسیه به شرح بازوب رومده وفات ایتدی (فصل) سلطان اورخان زماننده کار مشاهیر
 مشایخ بونلر ایدیکه ۱ کیکلر بابا بجمدن کلوب اهل ولایت صاحب جذبه و کرامت عزیز ذوقیزایدی کیکار
 سختر اولوب بروسه ققندنه بر جیرانه بنوب سلطان اورخان ایلد حاضرا لغین بولقبه مشهور اولدی ۲ قراجه
 احمد سلطان ملوک نجم فسلندن ایکن نلرک دنیا ایدوب رومده آن حصارده مدفوندر قبری نده عال مقبول اولور
 و درخته شغایه و صول بولور ۳ اخی اوران اهل دعوات مستجاب و کرامات مستطابه ایدی ۴ ابدال موسی
 اهل جذبه ایدی بروسه ققندنه یله اولوب بروسه ده مدفوندر * مریدر که بر قل قور آلوب بقبه به صاروب
 کیکلر بابا به کوندروب اودخی بوکابر جنات سود کوندروب حاضر لک بریسی سود کوندرمکین مرادنه یکی
 بدکده شیخ موسی بوکین سودیدر حیوان تسخیری نبات تسخیرندن اصعب اولغین بکاغلبه ایتدی دیش ۵

ابدال مراد بودخی اهل جذبه و بروسه ققندنه یله اولوب بروسه ده مدفوندر ۶ دوغلو بابا بودخی اهل جذبه
 ایدی بروسه ققندنه غازیله دفع حرارت ایچون یوغرت ایران اویشدر دیکچون بواقبله مشهور اولدی
 قارسیجه ایرانه دوغ دیرل * نورالله مرقد هم عطر الله مشهد هم
 باب ثالث در احوال سلطان مراد خان ابن سلطان اورخان ابن سلطان عثمان
 (نظم) شاه عالمی عازی حضرت سلطان مراد * آنکه باشد ملک و ملت رامعین با عدل و داد (نثر)
 کثرت غزایبیل غازی خنکار دیکله اشتهار بولشد در * ولادتش فی سنه ۷۲۷ جلوسش در بروسه
 فی سنه ۷۶۱ مدت عرش سنه ۶۵ - طغتنش سنه ۳۱ وفاتش فی شهر رمضان سنه ۷۹۲ بر چنکند صکره
 شهید اولدی تنکیم تفصیلی کلور * مریدر که مر حوم صاحب کرامات دیه جنگ مرتبه ده اولوب جلدن بری
 قیلوجه جامعی تمام اولد قدم سیره واروب کند و الله اولان طوغان اوچوب قبه به قونوب جاغور بقبه کلامکین
 قوربوقال دیدکده واقعه اولدی اولدی و بر صوب قلعه حقدده مکر بونی تککری یقه دیدکده محض قدرت
 حضرت رب ایلد بلا سبب یقادی حاله از ارشیرینی طبرانی دوآمر اضدر دیو مشهوردر (نظم) بویادی
 نشر غرب و شرقه دینی * منور ایلد یارب مرقدینی (فصل در اولاد و وزراء و امراء او) اولاد اولدی
 سلطان یلدرم یار یزدخان و یعقوب چلی و ساجی بک ایدیلر که بدیوزالتش سکرده سنت اولوب عاقبت
 حالری اشاعیده کلور ثانیاً وزراء و امراء سی ۱ خیر الدین پاشا که قره خلیل دیرلر ایدی قاضی عسکر ایکن
 وزیر اولدی احوالی یوقاروده علامده یکمشد ۲ لالا شاهین روم ایلد بکر یکسی اولدی ۳ علی پاشا ابن خیر
 الدین پاشا دیری وفاتندنه برینه وزیر اعظم اولدی ۴ صاروجه پاشا ۵ حاجی ایلکی ۶ حاجی اورنوس غازی که
 روم ایلنده نیچه ولایت فتح ایدوب عظیم و قهار بنالرا یغشدر ۷ قونلوزک ۸ اینه بک بونلرک دردی دخی عظیم
 الشان سخباق بکاری ایدیلر ۹ قاره تورناتش لالا شاهین برینه روم ایلنده بکر یکی اولدی ۱۰ طونجه بل بیان
 ۱۱ الیاس بک ۱۲ مسجاب سوبانی ۱۳ احمد چاوش ۱۴ قاره مقبل ۱۵ بکت پاشا ۱۶ بازار طوغان
 ۱۷ قونلویفا ۱۸ فیروز بک ۱۹ احمد بک ۲۰ یحیی بک ۲۱ عیسی بک ۲۲ شیر مرید بک بونلرک کیمی
 روم ایلنده کیمی اناطولیده برار و نامدار بکار ایدیلر (فصل در فتوحات سلطان مراد) بونک زماننده انواع
 طریقله فتح اوانسان قلعه لروولا بونلر ایدیکه ۱ اناطولیده قلعه آنکوری و بعض قلاع و روم ایلنده قلعه
 بطوس و قلعه چوری و قلعه مسلی و برغاز در قریب چورلو و بعض قلاع در نواحی * مغیره و ایصا و قلعه
 دیمتوقه و قلعه کشان و قلعه برغاز در قریب ادرنه و قلعه شهر ادرنه و قلعه بابا اسکیمی و قلعه کورملجه
 و ولایت واردار و قلعه زغره یکجه سی و قلعه زغره اسکیمی و قلعه قلبه و قلعه بیغا و قلعه جرم و قلعه یکجه
 قزل اغاج و قلعه یانبولی و قلعه ایدوس و ولایت قرن وانی و قلعه سوزه بولی و قلعه خیره بولی و قلعه قرق
 کلیسا و قلعه بیکار حصار و قلعه ویزه و ولایت حصار و ولایت احقان و قلعه های ولایت کوسندیل
 و قلعه قره جنگ و قلعه انیچوکر در قریب استانبول و قلعه چنال برغاز و قلعه بولونیه در قریب انیچوکر که تنکری
 یققدوخی حصار دیرلر و قلعه بوری در روم ایلد و قلعه اسکنه و قلعه مارولیه که عورت حصار دیرلر و قلعه
 قواله و قلعه درامه و ولایت زخنه و قلعه سیروز و قلعه قره فریه و قلعه نیش و قلعه کوتاهیه در ولایت
 اناطولی و قلعه سما و قلعه اگری کوز و قلعه طوشانلو و قلعه بک شهری و قلعه سیدی شهری و قلعه یلواج و قلعه
 قره اغاج و قلعه امبارنه و قلعه حید و قلعه آقشهر و قلعه تر قوز در روم ایلد و قلعه برابه و قلعه مناستر و ولایت
 قارلی ایلد و ولایت اشتیاب و بعض قلاع در راه ولایت ارنا و دیو بعض قلاع ولایت بوسنه و هر سک و قلعه صوفیه
 و قلعه پراوادی و قلعه طرناوی و قلعه شومنی و قلعه در قحنه و قلعه چتر هزار و قلعه خرداتبه و قلعه نیکیولی
 و قلعه طاسلو و سایر قلاع آن دیار (فصل در کیفیت ضبط و فتح قلاع مذکور و بعض وقایع زمان
 سلطنت مراد خان) سنه بدیوزالتش برده فخته یکدیکی کجه اوغلی یلدرم یار یزدخان وجوده کلدی سنه
 انتمش ایکیده پادشاه روم ایلنده غزایه کندکده اناطولیده اولان ملوک فرمان و بعض بلاد ممالک عثمانیه غارتنه
 بری برلر یحیی کفارله دخی اتفاق ایدکری ایتیلد کده پادشاه به اناطولیله کلوب آنکوری دیدکری
 آنکوری به قلعه سنی محصور و فرمان بکارین مملکتلرندن دور ایدوب اهل نفاقله اتفاق ایدن اشرار کفرار و قوا بعلیلرله



واصل پاور و سارا اولمغین انکوری صاحبزادی که استیلا کرده و کله معروف اولوب تغلبه حاکم ایدیلر هدا ایا ایلد چیتوب
 قلعه بی پادشاه تسلیم ایدوب قول اولدیلر بعده اول اطرافده بعض قلاع دخی صاحبزادی بدندن جبرایله
 اندی و بنه یوسلده امرادن حاجی ایلکی روم ایلنده نهر مریمج کارنده برغان قلعه سن فتح ایدوب آنده طوروب
 اکبریا اطرافه اقلین ایدوب مظفر و مستقیم اولوردی * سنه التمش اوچده پادشاه نیجه آیین و قوانین وضع ایدوب
 جلد دن بری برروایت اوزره جندره لو مولانا خلیلی مستقلا قاضی عسکر نصب ایدوب قدیمدن سفره
 کیدله یکه اردوده مصالح شرعیه ایچون پای تحت قاضی کورتوریلوردی بعده سر عسکر اوله جتی یتیمش
 یول شمر زاده اولمغین لالا شاهین بن روم ایلی بکار بکسی و سر عسکر دیکلوب عسکر کورمکه کیدیلر ایلوب
 پادشاه زمره سپاهله کجوب یولایرده برادری من ارقی زیارت و روحیون و قفل ایدوب قلعه بنطوسی محاصره
 و امانه الدی بعده چورلویه واروب حصار چنک کنده تکورینک کوزینه اوق طوقنوب کور اولد قده
 پادشاه یغما یورمغین فی الحال فتح اولوب تکورینک باشی کسلوب عبرت ایچون ملوک کفاره کوندر ایلوب
 قلعه بی بره بر اریقوب بعده مسدلی قلعه سنه واروب تکوری قلعه و خزینه سن تسلیم ایدوب خراج کسادی
 بعده چورلوقورنده دامه برغانه وارلد قده کفاری قاجغین قلعه بی یقه یلر بعده امرادن حاجی ایلکی به معلغه
 طرفندن طایغ تکنده مالان قلاع و اورنوس بکه اتصاله طرفندن دریا کارنده اولان قلاع فتح و ضبط
 یورمغین ایلکی دخی با تمام اداء خدمت مأموره ایتدیلر من یورایکی نامدار شهزاده سلیمان پاشای غازی
 وفات ایدو لی بر ییلد نیروروم ایلی حاکمده حفظ بلاد اسلام ایدوب کفار ایچنده شمساعته بنام اولوب نیجه
 غزالا تملردی سالادیمتوقه تکوری مسلمانله شیخون ایچون برکیجه قلعه سندن چنقد قده غارت ایچون
 کزن حاجی ایلکی اکار است کلوب محکم صواشوب تکوری طوقنوب قلعه بانه ایلد کده اوغلی آتی کوروب
 امانه قلعه بی تسلیم ایدوب بوانشاده اورنوس بن دخی قلعه کشانی فتح ایدوب ایلکی دخی اموال غنائم بعد
 و حسابله پادشاه کادیلر (فتح ادرنه) بعد المشاووه ادرنه فتحه لالا شاهین پاشا کوندر یلوب پادشاه کندوسی
 قلعه بابا اسکسی فتحه کندی شاهین پاشا ادرنه تکوری ادرنه که شهرانک اسمیله مسی ایدی بعده عسکر
 جمع ایدوب عظیم صواشوب عاقبت کفار صینوب قاجوب اکثری قیریلوب باقیلری قلعه به قاجوب اموال
 غنیمتی پاشا پادشاه کوندر یلوب اوچا به دعوت ایتمکین پادشاه وارد قده برکیجه ادرنه تکوری خزینه و نوابین
 اکوب نهر مریمجده کئی به بنوب اینه قاجوب ادرنه خلنی قلعه بی امانه تسلیم ایتدیلر بعده پادشاه دیمتوقه
 ادرنه دن زیاده معور اولمغین واروب آنده قرار ایتدی * سنه یدیسوز التمش اوچده اورنوس بن قلعه
 کورملجنه بی وولایت وارداری فتح ایدوب تدریجله نیجه آنا خیر یلوب و قفل ایدوب مسافر لهر نه دکلو طورور
 ایسه منع اولوب ضیافت اولغی شرط ایتدی شاهین پاشا دخی احسن بلدان و اطیب عمران اولان زغری بی
 و اطرافنده کی بلادی فتح و ضبط ایدوب غنیمت بی نهایت ایلد پادشاه کلد کده پادشاه عالمناه (نظم) امر او سپاه
 بخشلر * و یوروب ایتدی نیجه نوازشلر (وجه نسجه بنجیل) ولایت قرماندن پادشاهه ییله کلان عالم کامل
 مخترم مولانا قهر رستم قاضی عسکر مولانا قهر خلیله اموال غنیمتدن بیت الماله خمس التقی شرعیدر نیچون التقر
 دید کده اتفاقه پادشاهه عرض اولنوب من یورملا رستمه اصهر لنوب اوزمانده قیمت امیر غایت بیدر اولمغین
 یوزیکری بش الحقه هاتقدیر اولنوب اسیر باشنه یکریمی بش الحقه التقی قانون قونوب بشده بر اولمغین فارسیجه
 اسمی بنجیل قوندی * سنه التمش درنده پادشاه مره جیش و مره عیش و منجه استراحتیچون بروسه به
 کیدوب امرانک بعضرینی روم ایلنده فتح بلاد قوماغین * سنه التمش بشده لالا شاهین پاشا قلبه به واروب
 خیل مدت محاصره ایتد کده تکوری قلعه بی امانه و یوروب کندوسی اهل و عیالیه سرف ولایته کندی
 (علیه مسلمان بر کفار ملاعین) التمش التیده سرف و بوشنه و افلاق و انکروس قرالری اتفاق اوزره بعد
 مکرله ادرنه طرفه هجوم ایدوب پاشا دخی پادشاهه فریادی کوندر مکین بروسه دن قاقوب کیدیلر روم ایلی
 یقاسنه کجورکن اناطولییه یقاسقلعه سن محاصره ایتدوب بوانشاده کفار سرف همجو دریای زرف
 ادرنه یماکی منزل به کلوب مسلمانلارون ییله قور اولوب کفارلک تقمینا عسری قور اولمغین عهلا مشاوره سنله
 مقدما حاجی ایلکی کند و ضبطنده اولان سپاهله نجسن اخبار ایچون کوندرلد کده متوکلا علی الله واروب

کفارلک کوندری نه ایتد لکن جهل و اغترار ایل و نهار عیش و نوشدن دانما یوموش کورمکین برکیجه
 عسکر بی یلوب بر قاج بردن صدای طبل و صور و تفریوندای تملیل و تکبیر ایلد بروجه عوم هجوم ایتد کده زمره
 کفره (کانه م حرمستغفره) اور کوب شاشوب کچی بری برلری کچی مسلمانلر قیروب کچی صوبه غرق اولوب
 کچی دخی قاجوب بعض قلاع و کنده پرا کنده اولدیلر لالا اول صحرایه سرف صیدنی دیر حاجی ایلکی
 مال کثیر و یحیدر اسیرله کاد کده شاهین پاشا ظاهر اخط ایدوب لکن حسدندن ایلکی بی ظرافتله زهرلدوب
 وفات ایتدی (عودت و بنه خیرات و سنت شهر زادگان) اموال غنیمتله خبرانم زام کفار پادشاهه کلوب
 محاصره اولنن قلعه بیغادخی یغما ایلد فتح اولمغین پادشاه دونوب بروسه به کلوب بشقه فصلده کله جلک انایه
 خیراتی بدیسوز التمش بدیده شهاب ایتد یوروب بعده اوغللری یارید خان و یعقوب چلی و ساوچی بکی سنت ایچون
 عظیم دو کون لیدوب امر اوعلما و صلیبه خلعتلر کیدردی (غزوات و تعمیر ادرنه) سنه التمش بدیده پادشاه
 روم ایلنه کیدوب آنده تختگاه ایدند یکی دیمتوقه ده او نوروب ادرنه قربنده حرم قلعه سن فتحه عسکر
 کوندر یلوب تکوری امانه حصار یوردی * بعده پادشاه برواقعه کورمکین ادرنه به واروب انی قشتگاه
 ایدنکچون سرای باید زمره و هر وجهله تعمیر ایتدیرمکه مباشرت ایتدی * سنه التمش سکرده تیمورتاش بکی
 یانبولی و قزل اغاج فتحه و شاهین پاشای صماق و اختمان ولایتلرین فتح و غارت کوندر مکین تیمور زل اغاج
 یکجه سن فتح ایدوب و کفارین خراج کسوب بعده یانبولی به واروب صعب قلعه اولمغین نیجه مدت محاصره
 و جنگ ایدوب کفار عاجز قالد قزنده حصار ی تسلیم ایتدیلر تیمور بک مال فراوانله پادشاهه کلوب
 شاهین پاشا دخی صماق و اختمان ولایتلرینه اقلین ایدوب اسیر و مال کثیرله کلدی * سنه التمش طقوزده پادشاه
 روم ایلنده غزایه جیقه و ولایت ایدوس بعده قرن اوامی بعده قلعه سوزه بولی بعده قلعه خیره بولی بی امان
 و اطاعته فتح و ضبط ایدوب غنیمت فراوانله دونوب ادرنه سرای تمام اولمغین آنده قرار ایتدی * سنه
 بنشده غزایه جیقه و فرق کلدسا قلعه سن محاصره ایلد فتح ایدوب بعده بیکار قلعه سنه واروب جبرایله
 فتح ایدوب قلعه بی یقوب کفارلک کچی قتل کیمی اسیر ایدوب بعده مقدم محاصره ایتدیرد یکی ویره قلعه سنی
 فتحه کلوب برآی قدر جنگله کفار زبون اولوب عرض مال و نضرع و ابتیال ایلد امان و یریلوب استانبوله
 ایکی کونلک یرده اولوب تکورلک تفر جکا هی اولمغین محاصره سنه شیر مرد آدلو بر پهادر قوندی * سنه
 التمش ایدکیده پادشاه بروسه به کیدوب شاهین پاشا امر ملطانه اختمان ولایتلرین تضریر و عیالی خراج کسوب
 یرلنده تفر رایدوب صماق و به کیدرکن کفار لاس عسکر یقیاس ایلد کورمکین مسلمانلر آریکن توکل خدای
 بی اتیازا تخمین محکم صواشوب (ع) لطف حق ایلد مسلمان منصور * و کفار مکه و وراولوب مسلمانلر
 غنیمت ایلد صماق و ولایتنه واروب ضبط ایدوب بعده قلبه به کلوب اقل بهارده شاهین پاشا مار و یاریدارنه ایلغار
 ایدوب اول چوارده اولنلری خراجلر ایدوب بعده صوفیه ولایتی غارت ایدوب بر غنیمت اولمغین پادشاهه
 هدیه لر کونردی * سنه التمش اوچده پادشاه روم ایلنه کجوب کوستندیل ولایتده شاهین پاشا فتح ایتد کلرین
 حمایت و یاقیلرین دخی فتح قصد ایتد کده کوستندیل تکوری وافر مالک و سپاهه و زروسیم معدنلرینه مالک
 و دیار بلغاره حاکم اولمغین سائر ملوک سرفروا بنمزدکن پادشاهه مقابل اوله میه جفن ییلوب هدا ایا ایلد
 قارشو کلوب قلعه لری مقیاسلرین تسلیم ایتمکین خلعت کیدر لوب خراج کسوب حکومته ابقا اولندی
 بعده پادشاه دونوب بروسه به کادی * سنه التمش درنده استانبول تکوری ویره بی المقی استرید و فریادی کلکین
 پادشاه عسکرله کلبولیدن کجوب معلغه به کلوب روم ایلی عسکر بی دخی جمع ایدوب روم ایلی و اناطولی
 عسکرلک کزتمدن مضنون مریمج البحرین رأی العین اولد قده کور کور دفعه یوقدر عسکر چوقدر
 دیوشاهین پاشای قلعه قهره جنگ فتحه کوندر یلوب پادشاه کندوسی استانبوله برکونلک یولده قلعه انجورکی
 محاصره و ایکی اوج کونده فتح و ایشقیاسی قتل و نسبا و صغیری اسیر ایدوب بعده چقال برغانه واروب
 انک ضابطی قلعه بی تسلیم ایدوب بوالده شاهین پاشا قهره جنگ فتحندن وافر غنیمتله کلوب بعده پادشاه نواچی
 اینجور کده قلعه بولونه بی محاصره و جنگ ایدوب فتح اولد قده پادشاه طیار یلوب بویقه جقد قوقف بزی
 نیجه مهم اندن ایقودی مکر بونی تکری یقادیوب عسکر دن بفرقه بی محاصره ده قویوب سائر عسکر ایلد

کند و می فرود کارنه کیدوب بولده استراحتی نیوب بر یول اناجیه طیاغش یکن پادشاه دعا کرز کاتدن
 قلعه نغ بردی واری بلاصیب محض قدرت رب ایل ییقلوب قلعه فتح اولدی دیوخر مسرت اثر کلکین پادشاه
 مسرور اولوب او اناجیه دوللو قواق واول حصاره تکری یقیدنی دیو آتوردی بعده شاهین پاشایی
 کوندروب اودخی واروب حددن بیرون مال غنیت کتوروب بر سباهی براتون طاس بولوب باشه کیوب
 اوستنه دلبند صاروب پادشاهانی کوروب سبین موروب کسنه المامیچون ایندم دیوب پادشاهانی
 اکا باغشلوب بعده بروایتده خواص بند کان التوتدن اسکوف کیجه اند نرو فرمان سلطان اولدی * سنه
 ۶۸۷ شده پادشاه وزیر اعظم خیرالدین پاشایی اورنوس بکاه بعض قلاع فتحه کوندرد * کده واروب پاشا
 کوملجته ده طوروب اورنوس جنگ مانوس سائر بکاره لب دریاده بوری واسکته قلعه لینه واروب فتح وضبط
 ایدوب بعده مارولیه قاعه سنه واروب تکوری مارولیه آلو عورت اولوب سیروز تکورین افر باسنه اولغین
 اندن یاردیچی ایستوب کوندرو اوله دیوالدانوب مسلمانله صواشوب یاردیچی کلوب محاصره اوزاغین
 ناچار وافر مال ایل قلعه بی وروب استی عورت صاری قودیلر سابقا پادشاه سیروزی محاصره یه دلوبلانی
 کوندروب بعده شاهین پاشایی دخی وافر عسکره کوندروب بولده قواله قلعه سن سهولته فتح ایدوب کومش
 معدنی ضبط ایدوب بعده قلعه درامه بی وزخه ولایتی جزئی زماندره ضبط ایدوب بعده قاعه قره فریه بی
 امانله وقبول دمتله یعنی خراجکارانلق شرطیه فتح وضبط ایدوب بتش التیده اموال فراوانله کلوب
 پادشاه دخی بروسه به کندی * سنه ۶۸۸ بتش بدیده ولایت سرف کافر لیک پادشاه اوغلی یارید
 خانی بروسه ده قوبوب وافر عسکره روم ایلنه کوب سرف حاکی لاس اوغلی اموال ورعایامن صعب قلعه لره
 قاجروب مز اعدده ترک لری تلف ایدوب ولایت لری خالی قوماعین دوت آیه دك عسکر فطدن الم چکوب
 قلعه نشده قشلاق ایچون واریلوب محاصره ده عظیم صواشلوب طرفیندن جوق آدم هلاک اولوب آخر
 یغما ایل فتح اولدی * صعب قلعه اولغین اهل ولایت سرف اموال و ذخیره ورعایارینک اکثرین انده
 قوملردی به لاسی ضبط اولنوب پادشاه عسکره تقسیم غنایم ایدوب * لاس اوغله خبر فتح یش زهر اگود
 کبی نشویش ویرمکین اوج * لاتی خراج وهدایا و تضرع نامه کوندروب هر میل اللی و قیه کومش خراج ویرمکه
 عهدا یمکین پادشاه وضا وروب یش قلعه سنی وولایتی محکم محافظه ایدوب بروسه به دوندی * سنه
 ۶۸۹ بتش مکرده پادشاه ملستره و نیکیولی حاکی صاصمنوس ولایتی فتح ایتکه روم ایلنه یکدکده صاصمنوس
 وافر هدایا ایل کوب عرض عبودیت و خراجکارانلق قبول ایتدکده لازم اولوب دعوت اولند قیقه معاونه
 کلک شرطیه حکومتهنده ابقا اولنوب بعده پادشاه ادرنه ده قشلاوب روم ایل بکار کلکینی تیور تاش بکه
 ووروب سباهی اوغلانی عسکرکی احداث ومتوفی سباهیلک وظیفه و تجار لری اوغلارینه تقسیم وحفظ
 اسباب سفر و خدمت اسب و استرایچون و بنوق کافر لری استیخدام و بونلک امشالی نیجه معقول نسنه ل
 مز بورک تدبیرات حسنه مندندر (ترویج) ملوک ولایت اناطولیدن کر میان اوغلی کند و قیزی نهزاده
 یارید خانه ویرمک اوغلی یعقوب بکی پادشاه قول ایتک و کوتاهیه و معاوا کری کوز و طاشا و شالو قاعه لری
 جهازه ییل تسلیم ایتک ایچون وافر هدیه ایل ایچی کوندرمکین پادشاه وضا وروب بروسه به کلوب
 امر او ملوک اطراف دعوت نامه ل کوندردی * ییدیه وز سکان اوچده بهیته شروع اولنوب اوله مصر
 سلطنتدن عربی آنلر و مصری قاشلرله وحید و صاروخان و آیدین و منش و قسطامونیه و قرمان ولایت لری
 ملوک کلک دخی هر برندن هدیه لره ایلجیلر کوب پادشاه لینه کوره رعایت اولنوب بعده وزیر او امر او ارکان
 و امیان مرتبه و حال لره کوره پیشکش چکدیلر * جل دن اقدم واعظم امر او لان اورنوس بک غازی پوز عدد
 شو بروی و منبل موی نوجوان اوغلان چکدیکه یکرمینک لرنده کومش طیارله التون و انچه
 و سکانک لرنده کومشون طاس و مشرب و شمعدان و لکن ابریق و صراحیلر اولوب پوز عدد جواروی
 مه یکر و سوری منظر دخی یله چکوب زمره ناظرین به هدیه عظیمه سلاطین آیین * قنده نجوب و تحسین ایدیلر
 سور مو نور السور و مرور ایتدکده کلان ایلجیلر کتبه پادشاه اجازت وروب اورنوس بک هدیه سنی با تمام
 مصر سلطنته کوندروب آنک هدیه سن اورنوس بکه وروب ماره لو که بوجه وافر هدایا کوندروب اشو

جمعه کلان یت کشلری امر او علما و صلحا و عسکر و سائر ناسه حال لری نه کوره تقسیم ایدوب خزینه به آندن
 بر نسنه قومدی بعده بروسه قاضی خواجه افندی بی و بعض ارکانی خاتونلری یل نفر عسکره کربل کابن
 کتوره که کوندرمکین وارد قلعه کر میان اوغلی بونلری استقبال ایتدوب بعده اکرام واجلال ایدوب عظیم
 دو کون و عده شکاح مسنون ایتدکده نصکره وعده ایتدیکه هر حصار محروسی و عروس صاحبیه التام موسی
 تسلیم ایدوب بروسه به کد کتورنده پادشاه تکرار د و کون ایدوب کند و کریمه سنی ولایت قرمان حاکی قرمان
 اوغلی علی بکه ووردی بعده حمید ایل حاکی حسین بکدن ابرام و منته بکشهری سیدی شهری بلواج قره اناج
 اسبانه قلعه لری وافر مال ایل صافون الدی (فتوح و امور کثیره متفرقه) * سنه ۶۸۹ ییدیه وز سکان درنده
 امر سلطانله تیور تاش پاشا عسکر چکوب قلعه پراپی محاصره و صلحه آلوب بعده قلعه مناسیری بر مقدار
 محاصره و جبرله آلوب بعده قارلی ایل و اشتیب ولایت لری دخی آلوب بعده قاعه سلا نیکی محاصره ایدوب غایت
 صعب اولغین التیوب لکن فواجیستی ضبط و مطیع لری رعایت و معاند لری غارت و صاحب خسارت ایدوب
 پادشاهه اموال غنیت کوندردی * سنه ۶۹۰ سکان بشده پادشاه ادرنه به واروب امر سلطانله بکار بکی
 ارناد و ولایت غارت و یول اوزرنده بعض قلاع فتح ایدوب غارت ایچون اخیلر صالوب مال و اسیر کثیر ایل
 ادرنه به کدیلر * سنه ۶۹۱ سکان التیده یه بکار بکی امر سلطانله یوسنه وهر سکن ولایت غارنه کیدوب
 وارد قلعه نیجه قلاع آکوبه هر صکی باقوب بحد اسیر و مال و مواشی کثیره کلوب یوسنه وهر سکن حا ککری
 خراجکار اولغیچون در عقب ایچی کوندردیلر * سنه ۶۹۲ سکان ایدیده پادشاه ادرنه به کتدکده اوغلی یارید خانی
 سرحد اولان ولایت کر میانه شهر کو تا هیه ده ایچی اوغلی یعقوب چلبی بی قرانی ولایتده کوچک اوغلی
 ساوچی بکی بروسه محافظه سنده قومقین ساوچی بلای شهاب و اغوی اصحاب ایل دعوی سلطنت و اجرای
 حکومت و جمع عسکره دقت و خزینه سلطانی با تمام اتلاف و سلوک و امینی واعتساف ایتد * کده پادشاه
 ایشیدوب بروسه به کوب که صحر اسننه محکم جنگ اولوب باغیلر صیدوب کینی قیر یلوب کینی قاجوب
 ساوچی طو تیلوب پادشاه کا خطاب و عتاب و نصیحت ایتدکده جواب مورت التالم تکلم ایتکین امر سلطان
 جلیل ایل کوز لینه قیز مش میل چکادی (نظم) کس تواند گرفت دامن دولت بزور * کوشش بی فائده است
 و به برابر وی کور (محرره) حرکت ایلدی چو اول بی وقت * مستحق اولدی ایرشه اکامت *
 کوزنه طوردی شاهک احسانی * بولا هر دم جزای هر جانی * سنه ۶۹۳ مز بورده تازه اسلامه کلش بردانا
 و توانیکت برندن یرد لیدر ایچون کافره قاجوب صوفیه بکنه واروب استاد طوغاشی اولغین * قرب اولوب
 دایما شکاره یله کیدوب بر کون اول بک بدر لک همیچون سکن برشکا وارد نیجه سکر دوب یویکت دخی یله
 کیدوب عسکر دن دور اولد قلعه دنه دلاور هنر آرد اولغین بکی طو توب بقلیوب آلوب قاجوب قلعه به کتوروب
 آنده اولان بلبان بک بونی آلوب عسکره صوفیه به واروب قلعه خلقی (ع) بکاری باغلو بوری طاعلو *
 کورد کارنده امانله قلعه بی آچوب تسلیم ایتدیلر مز بور صوفیه اونلوص و لو و نه تلوا طیف ولایت اولوب
 قدیم دن کتار لک سر عسکر لری قرا کاهی اولغین سابقا لاشاهین پاشا نیجه کره غنی ایدوب فتح ایده مامشدی
 * سنه ۶۹۴ سکان مکرده پادشاه ادرنه به واروب وزیر خیرالدین پاشا ایل غازی اورنوس بکی قلعه به ترو
 و جای حصار و یکیشهر فتحی ایچون کوندروب پاشا یکجه به وارد قلعه وفات ایدوب (ع) عالم بی نظیر
 و خوش تدبیر * اولغین پادشاه عثمانک اولوب آنک اوغلی علی پاشایی وزیر اعظم ایدوب کوندردی و حالله
 قرمان اوغلی عصیان ایدوب حمید اوغلندن صافون التان قلعه لری غصب ایتدوکی خبری کادی و دخی مصر
 سلطنتدن نیجه آت و قلع و قاش و سلطان الغزاة و الجهادین لفظیه و دخی وافر القابله بر نامه ایل ایچی کلوب
 پادشاه غایت حظ ایدوب سلطان مصر وافر هدایا کوندردی بعده پادشاه وافر عسکر جمع ایدوب سابقا
 ملوک کتار لری مطیع اولان لاس دخی ایکی بکجه لو کافر قوشوب پادشاه قونییه به واروب قرمان اوغلی ایل
 محکم جنگ ایدوب غایت قرمان لری صیوب ابن قرمان قلعه به قاجوب اکثر امراسی اسیر اولوب آنلک اکثر
 مال لری پادشاه به غلبه اولان نهزاده یارید خانه و روم ایل بکار بکنی تیور تاش پاشایه باغشلوب تیوره
 وزارت دخی ضم ایدوب یوایی منصبی جمع ایتک ایتدو کامیبر اولدی * بعده پادشاه قونییه بی محاصره و جنگ

در پادشاه عدالت و حمایت ایدوب حتی عسکر لاسدن بر قاجی بعضی رعایای و نجیده ایمه کین سیامت
ایندردی به بعد قرمان اوغلی علی بن خیاخته نادم اولوب پادشاه کریمه می اولان خانونی ولایتک علما
رسلطانی شفیع کوندرمکین (نظم) خدا لعن و صغیران الجاهلین * مستحسن من ذوی الجاهلین *
مفهومه اول جرم و هقوی عفوایت کده دامادید نماد کلوب عتبه آسمان مرسته ترانه یوزسوزوب من بعد
خیانت ایتمه که پیمان و نیجه ایمان ایتدی * سته سکسان حقه وزده سابقه ملوک کفار دین طمع اولان لاس
روم ایلنده بعضی محاکمه لایحه بی غارت ایتدی یکن پادشاه ایشدوب یکر می یکن عسکر له لالاشاهین پاشایی
ایلغار له کوندروب لاس دخی سائر ملوک کفار ایله اتفاقشوب ارناودا کی مسلمانلری اغفال ایچون صورتا
قولا غوزلغه کلوب اوکری نه دوشوب پادشاه و لایق غارت ایدوب مسلمانلر غنیمته طاعلده قولا غوز
بوسنه قرانه خبر کوندروب اودخی او قوز یکن کافره کلوب شاهین پاشا ایتده همان یکن آدم اولغین
صواب و مینوب یکن بلایه قاجوب یکر می یکن قدر مسلمانلر دین تحمیل اوونش بیکی شهید اولوب پادشاه
بونی بر سده ایشد کده هنوز استانبول تکورنک اوج قیزنک برینی کند و به ایکسی دخی شهزاده لره نکاح
ایندروب و سلطان بایزید دخی اوغلی منت و عظیم جمعیت ایتدی * پس عسکر جمع ایدوب اول
صاحبنوس اوزرینه او قوز یکن عسکر له وزیر اعظمی کوندروب تیمورتاش پاشا اوغلی بخشی بکی دخی بش
یکن آدم له بر اوادی قحنه کوندروب بخشی بخشی وضع له تیز واروب بر کجه حصاره آدم له چقاروب قلعه
ضابطلرین قیروپ طوبوم اولوب ضبطنه آدم له قویوب بعد وزیر له طرناوی قلعه سنی فتح ایدوب بعد شومنی به
وارد قلنده اهل قلعه قارشو کلوب قلعه بی ویریدلر * بعد پادشاه ادرنه به کلوب وزیر واروب بولشوب
نهر توکارنده قلعه نیکبول و طاروم لوقحنه کوندرمکین وافر عسکر له کیدوب صاحبنوس انده شخص
واطرافنی وزیر ضبط ایدوب لکن قلعه معب اولغین محاصره اوزاند کده پادشاه کندو واروب صاحبنوس
وزیر یلواروب لکن دفاعتله نیجه ییلتی خراجن کوندروب پادشاه تکرار قول اولد کده جرمی عفو و حکومتده
ایمان اولوب سلسله قلعه سنی ویریدلر کلوب اولوب انده وارد کده ویرامکین اوزرینه شکزار وزیر کوندروب
یولده قلعه خلقی قارشو کلوب قلعه نیک مفتاحلری ویریدلر * کین ضبط اولندی * بعد وزیر طوغان بکی
بعض عسکر له کوس اوه ولایتنه کوندرمکین واروب غارت ایدوب بیحد اسیر و مال کثیره کلد کده کوس
اوه تکوری اسیر له قلعه جتره زاری ویرمکه ایلمی کوندروب وزیر دخی رضا ویروب لکن قلعه بی الدقه
اسیرلری ویرمیب تکورنک بکدی * بعد خردایه قلعه سنی بعد نهر توپا ایلند صاحبنوس نصر قنده کی
قلعه لری دخی فتح ایدوب عسکر بی شمار ایله نیکبول بی محاصره ایتد کده صاحبنوس مایوس شامانوس
قلعه دن اهل و عیال له چیقوب وزیر نضرع و بابوس ایچکین قلعه سنی ضبط اولوب بعد پادشاه کوندروب
شفاعتله عفوایتدوب لکن ولایتلری بوکا ویرلدی (غزای اکبر و نصرت و ظفر) یندی سوز طاقسان برده
پادشاه لاس ولایتنه غزایه عسکر جمع ایدوب بوسنه فرنگ انکروس افلاقی ارناود بغداد و صفالیه دید کاری له
وجه بکری دخی اتفاقشوب ایکوز یکن کافر نافر جمع اولوب پادشاه دخی ملوک اسلامه نیجه نامه کوندروب
عسکر طلب ایدوب کند و شهزاده لری کوندروب مقدمایش یکن آدم له بخشی بکی سز حده ایلغار کوندروب
واروب وافر اسیر کوردی پادشاه اختیام حصاره وارد کده کویستند بلحاکی که نیرا جکر ارایدی عسکر له
کلوب پادشاهی ضیافت ایتدی * بعد پادشاه کوس اوه به واروب کافر لری قویوب مسلمانلر کفار له انحق
خشی قدر اولغین خصوصاً کفار طرفندن محکم یل اسوب یوز فالدرمغین او کجه پادشاه (محروم)
بوزین طیراغه سوردی یلواروب لطف اسی رحمانه * حبیبینی شفیع ایتدی نصر اهل ایمانه (نثر) پس
دعای قبول اولوب اول کافر بکاری مسلمانلر بخیرن قصد ایتد کده ایچلرندن بری هجوم ایدر یکن جائز که
قاجوب فرحت فوت ایل یارین خود جلله می بزه شکار اوله جقلری مقررو آشکار ددیومع ایدوب شایا
وقت حمره یفموریا غوب یوز یا صلوب بعد ایکی طرفدن ایلر باغلنوب تفصیله محتاج حرب عظیم و ضرب
ایلم اولوب (ع) شاه اولدی عاقبت حقیقت دین رسول * کفار له اکثری قیلولوب بیدی عدد نامدار
ملولناشر ایل سردار مردار بیکاری ابن لاس نسنام التیاض دخی چنکده قتل اولوب اکثر عسکر اسلام

فرار ایدن کفار له اردلر نجه کنیدلر (شهادت) پادشاه ظفر دستگاه منصور اولدینه اظهاسر و روله
(مصرع) حمد موفور و شکرنا محصور * ایدوب لکن کجه نصرت ایچون دعا ایتد کده آخرنده شهادت
رجا ایدوب حالامیسر اولدینه فکره دوشوب قلی مغیرایکین اولیدی نامدار کافر بکلر یکن بریسی لشکر
اراستده مجروح و هنوز بار و روح اولغین پادشاه اکاوغر اقدده قاقوب ایمانه کلوب ال اوپک به سانه سیه
یوز یوز چاوشلر نه جالشوب پادشاهه تنه ورم واردر دویوب اجازت اولد کده کلوب یکی ایچنده کیزا غش زهر لو
خضر ایل پادشاهک فارتیه اوروب قان روان اولدی * ایلغار کیدن یارین خان کلوب پدرنی بو حلاله و شرف
زوالده کوروب زار زار اغلیوب پادشاه کوزین آچوب بومضعون اوزره نصیحت و وصیت ایتدی که (نظم)
خبر کینی کیه اورمادی جرخ * قننی شمی تختدن ایرمادی جرخ * دوات دنیا به ایدن اعتماد * عاقبت کار
اولور نامراد * چونکه قنادر بوجه مالک ایشی * حیف که مغرور اوله اکا کیشی * عدل و حصار غنی
تجربیل قیل * خیرد عالیم کا تحصیل قیل * سلطنتی صانع که راحتدر * بلکه حقیقه جرحا حدر *
جهادیت ایمه و باغ مراد * عالم ایچنده بوله سن بخشی آد * چونکه جهان کسمه به باقی دکل * نام نکویه
چالش ای جان و دل * کره ایدر ظلمت ظلم آدی * شه که ستم ایده بیقر عالمی * شه که مهمناسر خلایق دکل *
ظل اله اولغه لایق دکل * جلب دعا ایده کور اجداد که * ایت آتی کیم لایق اولاد که * بویه دیوب ایلدی
عزم رحیل * کرمه الله بفضل جزیل (منقولات) شهزاده به قوب چلی بقمان کفار له اردلر نجه
ایلغار کتیش اولوب موجود اولان ارکان و عسکر بایزید خانه سلطنت ایچون بیت ایدوب بعد (نظم)
بزولایتده ایکی میراواز * بیسه زار ایچره ایکی شیر اولر * مفه و منجه بر سلطنت وارنلر نه تعدد خاقه مورث
خیرت و تردد اولغین به قوب مکر و بی پایا کسری ایتدی یوز طرافتله چاغروب چادره کلد کده بوغریلر * بعد
پدر و پسر تا پوتلری برویه به ایلنوب مر حومک قیلوجه دکل جامعی تر بنده دفن اوئوب شهید اولدینی محله
دخی بر قبه بایلدی (فصل در خیرات سلطان مراد غازی) اولافیه ده شهرک اورناشدن کین نهر صریح
اوسقه طولی ایکی اوق آتقی و عرضی ایکی عر به کجه جک بر عظیم کوپری یایوب آنک تعمیر نه نیجه اولی قوللر
خدمتکارلر و ناظر و معمارلر تعیین ایتدی * و بروسه ده حصار ایچنده مرای قارشوشنده بر جامع و شهردن
ماشره قایلوجه ده حمام و عمارت و مسافر خانه و جامع و آنک اوسقنده مدرسه و حجرات طلبه به بروسه ده
کولند زده بر مسجد و بیلیکده بر جامع و اناطولیده بیکشمرده بر جامع و پوستوش آد لومر زره خاقه ده بی
تکیه بنا ایتددر (فصل) مر حوم پادشاه زمانده بکار مشایخ علما و صلحا و مشایخ بونلر ایدیکه (۱)
مولانا محمود علوم جلیله بی تحصیل و تکمیل ایدوب بروسه به فاضی اولمشدر فاضل و منشرع عامل و متورع
محبوب القلوب مملوب العیوب ایدی بیر قاتی و شیخ نورانی اولد کده قوجه افتدی دیکله مشهور اولدی
مر نورک محمد آد لوفاضل کامل اوغلی تازه ایکن وفات ایدوب محمدک اوغلی مونی پاشا دیار رومده تحصیل
بعض علوم ایتد کده دیار عجمده بعد فضلاء کرام و شغل کمال اهتمام و ارایدیکین ایشدوب تفصیله محتاج
وجهله واروب مرور سنین و شهره تحصیل فضل موفور و کالات نامحصور ایدوب علوم ریاضیه ده سلف
و خاقه غلبه ایتدی * سمر قنده عجم شاهی الغ یکن ابن شاه رخ بن تیمور لکن بوندن او قومشدر قاضی زاده روی
دیکله مشهور عالم اولوب علوم عقلیه ده بعض مؤلفاتی وارد دیار عجمده وفات ایتددر بو حقیق قان اناسی
روم ایلی قاضی عسکر لکدن متقاعد اولان مر حوم صالح منلا قندیک لاب جداء علامه سید (۲) مولانا جمال
الدین اقسرای جمیع علومده ماهر و دیاده مشرف فاضل کامل متبع و اهل زهد و تقوی و ورع اولوب امام
خیر الدین رازی حضرت تکریمک دردنی طبعه ده اوغلی ایدی صحاح جوهری بی بالتمام حفظ ایدوب بر قاج
مؤلفاتی وارد بجه و لایعده شاکردری اولوب عظیم اشتیاری اولغین سید شریف حضرت تلی کندو بالذات
بونلردن او قومغیچون عجمدن کلوب * کمت حقه مر حومک و فاتی کوته راست کلد کین آنک مقبول
شاکردلرندن ملافتاری حضرت تلیله بیه مصره کیدوب هدایه شارح شیخ اکمل الدین حضرت تکریمک او قودیلر
(۳) شیخ حاجی بککاش اهل ولایت صاحب کرامت عزیر ایدی قیر شهر رنده مد فوندز (۴) شیخ محمد کشتی
عجمدن رومه کلوب بروسه ده وطن ایتدی اهل خذبه مستجاب الدعوه عزیر ایدی (۵) شیخ پوستوش

بودن محمد بن صاحب جزیه در کرامت صاحب المدونه ایدی * پادشاه بولجور بروسه فریده
یکشهرده برزویه بنالیدی انارالله برهانم و نقل بالحسنات میزانه

(باب رابع در احوال سلطان یلدرم بایزید خان ابن مراد خان غازي)

(نظم) اقتاب عروش و شوکت یلدرم خان بایزید * آسمان دین و دولت سایه لطف مجید (نثر)
غایت غضب و کینه اولافین یلدرم خان دیگه ملقب و مشهور ایدی و لادش فی سنه ۷۶۱ یا خود فی سنه
۷۴۸ جلوس فی ۴ شهر رمضان سنه ۷۹۲ مدت سلطنتش سنه ۱۲ و اوچ یچی آی مدت عمرش سنه
۴۴ یا خود سنه ۵۷ شم زاده ایکن کریمیان اوغلینک قیزی اوچ ورق مقدم یکدیکی تفصیل اوزره نکاحلندی
فی سنه ۷۸۳ پادشاه اولدقده کفار دن لاس یکی ویلی اوغلینک همشیره سنی یا قیزی غایتده حسن اولغین
نکاحلندی فی سنه ۷۹۸ تخت یکدکده بر صحنه مقدم یکدیکی طریقه برادری یعقوب چلبی بی بوغدروب
برادرین قتل ایکن سلاطین آل عثمانده ابتدایوندن صادر اولدی * ظهور قهصه غور فی سنه ۸۰۴ وفاتش
در زرد تیوردر قصبه آقشهر در اناطولی از حای محرقه وضیق النفس فی ۱۴ شعبان سنه ۸۰۵ تفصیل
اجوالی و کیفیت وفاتی عن قریب کاور (فصل در ذکر اولاد او) (۱) امیر سلیمان (۲) موسی چلبی (۳) عیسی
چلبی (۴) سلطان محمد (۵) ارطوغرل بک (۶) مصطفی چلبی (۷) قاسم چلبی مزبور ارطوغرل پدیری حیاتده
وفات ایدوب بروسه بر مسجدی واردر سائراری پدرینک صوکنه قلوب احوالری اشوبابک اوآخرنده
کلور برروایده سلطان محمد ایکجیدردیمش (فصل در فتوحات) بونک زمانده انواع طریقه فتح اولنان
قلعه و ولایتلر بوندرکه (۱) اکثر عمالت ولایت لاس و قلعه قره طوز و قلعه اسکوب و قلعه جتروز و قلعه
ودنه و قلعه و دین و قلعه الاشهر در اناطولی و ولایت آیدین ایلی و ولایت صاروخان و ولایت منتشا و ولایت
تکلی ایلی و قلعه روسچین در روم ایلی و قلعه نیکبولی و قلعه سلستره و قلعه دوه لوقره حصار در اناطولی
و قلعه قونیه و قلعه آقشهر و قلعه نیکده و قلعه آقصرای و معظمات بلاد قرمان و قلعه لارنده و قلعه امامیه
و قلعه توقات و قلعه سیواس و قلعه قیصریه و قلعه قسطنطنیه و قلعه عثمانچق و ولایت جانیک و ولایت
سامسون و قلعه سلاطینک در ولایت روم ایلی و قلعه یکیشمز و اشوبابک و ولایت اولان و ناحی و قلاع
و قلعه شیل در اناطولی و جزیره موریه در روم ایلی و قلعه ترخله و قلعه کانه قری در اناطولی و قلعه آتیه در روم
ایلی و قلعه قره فریه و قلعه بهنسی در اناطولی و قلعه لایمیه و قلعه دیورکی و قلعه ذرنده و قلعه کاخ و دخی نیجه
قلاع و قلعه ارزنجان (فصل در کیفیت فتح و ضبط بلاد مزبوره و وقایع زمان سلطنت پادشاه) سنه
یدینوز طقسان ایکجیده پدیری غزاده شهید اولدقده ادرنه به کلوب تخت یکدکده اولی بهارده بعض امرایه فتح
عمالت اصرار یلوب بعده بروسه به کلوب جامع و مدرسه و عمارت و مسافرخانه و دارالشفا بناسنه باشلادوب
در عقب تیمورتاش پاشا قره طوه و سائر معادنی نواحیه و اکثر عمالت لاسی فتح و ضبط ایدوب اسکوب
یکی پاشایکت دخی بوسنه و لایته آقین ایدوب امیر و مال کدیرالوب و دین یکی فیروز بک دخی افلاکه آقین
یدوب طوریم و دین بولدره بری اسوان غلبه ایدوب بروسه به کاریلر بعده پادشاه بدریه روم ایلنده ایکن
عصیان و فساد ایدین ملوک اطراف تأدینه غزایه جیغوب و اولالا شهری محاصره و امانه الوب ایچنده خیرات
بناسن امر ایدوب ایدین ایلینه کتده آیدین اوغلی قارشو کلوب قلعه لری مفتاحلرین ویرمکین جری غفر
اولنوب قلاعی اثوب کندی به همان ولایت از میر ویریلوب ولایت آیدین سنجانی شم زاده ارطوغرل ویرلدی
بعده پادشاه ولایت صاروخانه وارده اودخی صلحه فتح اولنوب قرامی و لایله ایکینی سیول اوغلی میر سلیمان
سنجاق ویردی * بعده ولایت منتشلیه و اربوب ساکی اولان منتشا اوغلی قورقوسندن قسطنطونی ساکی
کوترم بایزید لایته فاجیقین قلاع و نواحی ضبط اولنوب ارباب تیماره تقسیم اولندی * بعده پادشاه بروسه به
کلوب قرمان اوغلندن شکاینجی کلکین سفره جیغوب کند و فاتی اولان کریمیان پادشاهی کریمیان اوغلی
یعقوب یکی و آنک وزیر بی و قباغی حبس ایدوب بعده تکه الیه و اربوب آتی تسخیر و ضبط ایدوب بعده قونیه به
واروب آتیه پادشاهی قرمان اوغلی علی بک طاش ایلنده صوب طایغره فاجوب حصار زمانی اواقین پادشاه
حکومتش در زمان منع ایدوب بعده به صوابه کلوب پادشاه قلعه خاتنه ترک کردن نه بزه نه سزه

نفع اولوب ضایع اولیور بزه سیح ایکنکه هرکشی وکیل کوندرسون دیو خبر کوندرمکین ایچرودن آدمار
جیغوب مزارعه بیع و شرا اولوب اجه لری ضایع اولماغیچون پادشاه چاوشلر تعیین ایدوب اهل قونیه
بوعده الله تحسین عظیم و قلعه بی تسلیم ایدوب آقشهر و نیکده و آقصرای و سائر بلاد قرمان بوجه آسان ایل
اخذ اولنوب جمله نک ضبطی تیمورتاش پاشایه اصرارلندی * قرمان اوغلی پادشاهه خبر تضرع کوندرمکین
(نثر) اغفر ذنوب الخاطئين * العفو دأب الکاملین * لانتقم عن ظلم * فوض الی رب الامم (نثر)
مفهوم منجه جرمی عفو ایدوب لارنده و طاش ایلی اکا ویردی * سنه یدینوز طقسان اوچده کفار افلاق
حرکتی پادشاه ایشیدوب ادرنه به واروب جمله عسکرین جمع ایدوب افلاق و لایته واروب اولان غارت بعده
جنگل ایدوب کفار تارماروا کثری گرفتار اولوب افلاق یکی سابقا مسلمانلارون اسیر ایندکلرین و مالارین
کوندروب خراجی زیاده ایتمکین جری عفو اولنوب بواشاده قرمان اوغلی علی بک انکوری محافظه سنده
اولان تیمورتاش پاشای علی الفقه باصوب و تابعی قیروپ کندوبی باغلیوب ولایتی بنگال ایتمکین پادشاه بروسه به
کلوب علی بک خوفندن پاشایه خلعت کیدروب جمله محبوسلره و هدیه و ایلی ایل پادشاهه * کوندروب
عقور جائید کده پادشاه غضبه یوروب اودخی ناچار عسکر چکوب صواشله قده فرمانلر صیتوب اکثری
آتلر ایغی الله پاعال اولوب علی بک بخارکن اوغلی محمد ایل طونلوب پادشاه محمدی بروسه به حبسه کوندروب
علی بی ولایت قرمان تسخیری ایچون تیمورتاش پاشایه ویروب اودخی سابقه دن جانی آجیقین (نظم) فرصنده
دوشمنه ویرن امان * نادم اولور عاقبت اول بی کان * مقه و منجه ایا تیرسز قتل ایدوب پادشاه فاقیوب پاشا
دخی پادشاهم بوقدیعی خائن اولوب خلاص اولسه ینه کلی فساد ایدردی دید کده عفو ایدوب بعده قونیه به
واروب جمیع بلاد قرمان تکرار تسخیر و محافظه اولندی * سنه طقسان درنده باسکر و باطوره ساقا علمادان
اولوب قیصر به و سیواس اطرافنده بقیه توابع چنکیز اعیندن قورق * کور بعض قبائل تابع اولوب مصر
سلطانه سرفروایه قوت بولوب پادشاه اولان قاضی برهان الدین یکری و وزیرک سوارخو و خواره سردار
اولوب بعض احوالی پادشاه ایشید کده اوزرینه واروب برهان فاجوب دیار بکرده طایغره جیغوب سلطان
اوزون حسنک جدا اعلامی دیار یکری پادشاهی بایندر قره عثمانه آق قیونلی بهادر لیه برهانک اوزرینه ایلفار
ایدوب عظیم جنگل ایل قتل ایدوب برهانک اوغلی انبسته می ذوالقدر اوغلنه کوندروب پادشاهی
ولایتلر نه چاغرمغین واروب توقات و سیواس و قیصریه بی ضبط ایدوب بروسه به کادی * سنه طقسان بنده
سابقا قسطنطونی پادشاهی کوترم بایزید افلاق کافرلرین تحریک ایدوب انتقامه فرصت دوشتماکین حالا
پادشاه عسکرله یورید کده پیرایکدن و مرض و خوفندن وفات ایتمکین قسطنطونی و باقر * کورسی و قلعه
عثمانچق و جانیک و سامسون و سائر قلاع و عمالتکی بهر و تسله ضبط اولنوب اوغلی اسفندیار بک سنبوب
قلعه سنه فاجوبانی کندوب به عطا و اوقار جاسیه تضرعنامه کوندرمکین اکا سنجاققله ویریلوب لکن
منتشا آیدین اوغلاری اغواسیه تیمورلکه فاجدیدلر (سوم حال) ولایت لاس قرالی و یلیق اوغلی کاه عاصی
و کاه مطیع اولوب (ع) قلب سلطانی جذب و جلب ایچون * غایتده حسنا و مستننا اولان همشیره سنی
یا خود قیزی پادشاهه ویرمکه خبر کوندرمکین کتورمکه آدمار کوندریلوب اودخی عظیم جهاز و افرقده ایل
کوندروب کلد کده پادشاه اکانکاح ایدوب کمال حسنه مفتون اولوب اهل فسق و هوا اولان وزیر اعظم
علی پاشا اغواسیه پادشاه هرگاه ساز و سوزله شرب سخره مشغول اولوب و تدبیر امور دن عدول ایدوب وزیر
بدخیمیر فاسد تدبیره اصرار یلوب * التماس علی دین ملوکهم فخواستجه اکثر ناس فسقه استیضاس ایدوب
بوحالت پر غفلتدن فسق و ظلم تاشی و منتشر و فاشی اولوب بعده امتداد چورید طور مرتشی وراشیدن سپاه
و رعیت متخیر و متلاشی اولغین * و ما یادشله شکایت ایتد کارنده قصبه قاضیلرین تفتیشه مستقیم منلار
کوندروب روم ایلی ایل اناطولیدن مکیسان عدد نظام قاضی کتوریلوب پادشاه یکیشمده آنلری بر جاقه
اوه و یوب آتیه یاقی ایستد کده شدت و جدت غضبندن کینه شفاعت ایده میوب عاقبت برجیشی ندینه
وزیر قضای تحلیصه چاره ایچون یکری یکن ایکنه وعده ایتمکین ندیم لباس سفرله پادشاهه واروب امتنا بوله
کنکه اجازت دیلوب آنده مرادلندر دید کده پادشاه ایچون یوز کشیش کتوره یم دیوب نیچون دید کده

احراق اولنه بحق قضاة بر سر نه نصب اولنه دیوب هم قولم طور رکن راهبره نیچون راغب اولور سن دید کده
منصب قضاة و عقل اقتضا ایدر دیکین پادشاه فکره واروب وزیرله مشاوره ایتد کده پادشاه قضاة تک غلی
وظیفه لری اولد یغند ندر نه دیکر و هر ججه یکر می بش سجه بدی عقیقه نکاحه اون ایکی ایچه و رسم قسمت سید
ایچه دن یکر می ایچه السونلور من بعد ظلم ایضا که تنبیه اولور دیو عوایت دیوب هر برینه جری قدره وزیر
اولوب قوربور دبلر (فتوح) منه طقسان ایتده دریاده اولان ملوک کفار روم ایلی غارتنه ایتد کده
دوناغه کوندروب سلاتیکه کلک اوزره اید کرفی پادشاه ایشیدوب وافر عسکرله سلاتیکه واروب محاصره
دقلعه چنکیله فتح ایدوب معاوتنه کلان نیچه ککافر کیلری مسلمانلری منع ایده مدیرو لب دریاده اولان
قلعه لری ویکه شمری دخی مسلمانلر فتح وضبط ایدوب پادشاه بروسه یه واردی بعده انکروس قرانک فساد
ایشیدیلکین پادشاه ادرنه به کلوب عسکر جعنه قتلانوب استانبول تکوری قراله ایلمی کوندروب طوبلوب
پادشاه غضبندن استانبول یوروب تکوری ملوک کفار فریاد جیلر کوندروب قرال دخی یجده عسکرله توانای
یجوب صوفیه به کلک اوزره ایدوکنی پادشاه ایشیدوب قلعه استانبول محاصره وچنک ویدیه تکور کوره
علی تک وشر ایچنی برمنک ایتدیکین ضرری اعم اولان شردقی اعم اولانین مخفیقلری باقوب سرعته
کیدوب الاجه حصار جورانه وارد کده قرال نصف عسکرین بروسه یه یوصیه قوروب پادشاه دخی عسکرینک
نصفن چنکه کوندروب خضفیه کند ویکنده مکن اولوب ایتد کده پادشاه یوروب کفار صیوب کبی قتل
واکثری اسیر اولدی (روایت) چنک مزبور تاریخ منلا ادریده یوله مذکور درکه طقسان سکرده
کفار انکروس نیکبوی قلعه منی محاصره ایدوب اهل قلعه حالتدن خبر المغفورنوس بنک چالشوب چاره
بولوب پادشاه کسینه به خبر ایتدوب بالکز کندوینی کیچه قرال کواغنده آت بنوب قلعه نک یانه واروب
بریکسکن برجه یجوب قلعه ضابطی طوغان بنک نام قوتنه بره طوغان دیو چاغروب اودخی ایشیدوب بارویه
کلوب پادشاهه سولشوب قلعه محکم مهمات حاضر و ذخیره مز وافر دردیکن پادشاه حظ ایدوب سرعته
کیدوب کافر طوبلوب ادرنه دوشوب ظفر بولدیله ایتدی صقلر باغلیوب محکم واصلوب معرکه ده
بر کافر زشت دیو سرشت غافلانه سرسلطانه ششیر ازدر یکر اوروب آنک ضررندن پادشاه آتدن دوشوب لکن
امداد عسکر و حفظ سلطان داد کستر ایچون کلش انسان صورتده عسکر ارواح کورنمکن پادشاهه
ضرر کلیوب فی الحال اغالات چکوب بنوب هجوم اولند کده کفار صیوب کبی مقتول کبی شهر توبانه
غرق کین دخی اسیر اولوب مسلمانلر غایت طوبوم اولوب پادشاه ترک واهو سه عازم و خیرات بناسنه جازم
اولوب بروسه کلدی (صلاح) بعده پادشاه شکر الله شهر اورتا سنده و اعم و برصانع برجامع بناسنه
باشلوب برکون حضرت امیر سلطانله بناسینه واروب بنامی مقبولکز اولدی دید کده بی نظیر اولش همان
رعیی واردیوب ندر دید کده درت کوشه سنده پادشاه ایچون برمیخانه بنا اولدیکه کاهی قدوملرینه
همانه و خواص مجلسترله کس صفایه آشیانه اولیدی دیوب پادشاه تعجب ایتد کده سید جید الادا نصریح
تکایت برمعنا ایدوب پادشاه (قلب المؤمن بیت الله) یوروشیکن سن آتی میخانه ایتدیکی روا کوردلش طاش
کر جدن بنا اولشان براومیخانه لولسه عجب میدر دید کده پادشاه آگاه بولوم سالب التومدن اتبیه بولوب
(نظم) توبه یارب خطایونه کدر کارمه * یلوب ایتد کارمه بیلوب ایتد کارمه * دیوب جناب حق
وجه و اناه ایلجیع ذنب و حویه توبه ایدوب شیخ رمضان نام عالم علی قاضی عسکر ایدوب قضات عمالک
احوان یوقلامنی محکم ایدرادی (عزای) سابق پادشاه استانبول اتی آت قدر محاصره ایدوب روم ایتد
قرال هجوم ایتدیکین بوی براغوب اکا کشیدی حالا تکرار استانبول نیت ایدوب چنشی بکی بهض برلر
خمنه کوندروب شیل قلعه منی فتح ایتدیکین پادشاه عسکر چکوب استانبولده اماطولی حصار نه نهایتده
اسکندر یولده کرب سالیار بهمان قورده تکوره کوندروب استانبول یکنایوروب کدر
بر کیدوسه کنسون دیوب تکوره قورقوب وافر قلع ایدون یک سکه وزیرایه دخی هدیه لری حتی وزیر اعظم
علی پاشایه ضیافت همانه سیده ایچلری سیم وزله ملو بشش اون دانه بالی و بعض طاه سار کوندروب پادشاهی
تراغت ایتد بره مزد و نضرع ایتدیکین وزیر بدخبر برتر و برانغانی از کانه پادشاه بوبرصت قلعه درکه

بعد السی ملوک اسلامیه دن بر فرد مسخر اولامشدر عسکری اتعاب صواب کورنمزدیوب پادشاه قحه
مصر اولدیه پادشاه تکور بو کار اضیدر که شمر ایچنده مسلمانله بر فاج محله و جامع با یلوب قاضی دیکلوب
جمع دعوا رده مسلمانلر قاضی سینه مراجعت اولوب نام شریکرمسکه و خطبه اجرا اولنه دید کده پادشاه
رضاو بر مکن استانبول ایچنه طراخی یکیکه سندن و کوی سندن اولر کوی چوب بر عظیم محله ایدوب مسجد
و جامع با یوب خطیب و امام قاضی دیکه کدیلر * بو حال نیچه ییلر جاری اولوب یورقمنه سنده عثمانیانه
ضعف کای مستولی اولغین تکور مسلمانلری شهر دن سوروب جمعی یقوب خراج و برمن اولدی بعده پادشاه
روم ایتد یجوب قره قره یه ده اوتوروب جزیره موره فتحه و اطراف غارتنه آدمه کوندروب بعض عمالک فتح
اولوب قره قره یه ده وادرنه ده خبرات بنا ایدوب قلعه ترخالی دخی فتح بعده انکروس ولایت غارت و مدینه
الحکما اولان اتیه بی و اناطولیده کانقری بی فتح ایتدوب بعده کندوینی عربستانه سفر ایدوب حلب قرینه
دیورکی درنده جهنمی ملاطیه کاخ و بعض قلاعی مصر سلطاننه تابع اولان ترکان واکراد لرندن فتح ایتدی
(فصل در طهر و برتور لیک و کرفن پادشاه) مدوح سلمان اولان سلطان اویس اوغلی سلطان احمد چلایر که
ابا عن جد سا کم بغداد تبریز و عراق عرب ایدی قره قویونلوکی قره یوسف که ولایت آذربایجان سا کی ایدی
یذیروز غنش اوچده خروج ایتدیکین تاریخ خروجی افط عذاب اولوب دیار محمد صاحب قران و سکر کره
یوزیک عسکرله فاتح هندستان اولان بی حسب و بی نسب تیمور لیک لیل الادب شرندن قاجوب مصره
واروب حبس اولوب بعده ظرافتله قورنلوب ایکسی دخی واروب ولایتلری تیور قواهندن قورناروب
بعده سلطان احمد تیور خورندن فرج آدلو معتمدین بغداد محافظه سینه کوندروب کندوینی اهل و عیال
و مال و منایله قره یوسفه یله پادشاهه کلوب سا بقا سلطان اویس سلطان اورخان دوستلشغین پادشاه سلطان
احمد و عیالت و انک قیزی شهرزاده مصطفی جلای به نکاح ایتدی سا بقا پادشاه حلب قرینه بعض قلاعی و بلاد قدده
تیور طرقتدن ارزنجان سا کینه بزه باج و خراج کوندره سن دیو خبر کوندروب تیور انجوب پادشاهه
ارالنده مکاتبه برمعانه اولغین خصوصاً سابق پادشاه طرقتدن عملکنلری النان ملوکدن کریمیان اوغلی
ایصا لده حبسندن قاجوب میو غنیمتله اویوب منتشا اوغلی دخی صفال قازیدوب قشدر اولوب آیدین
اوغلی دخی جرجی اولوب هر بری تیوره واروب اسقند یار لک دخی تیوره شکایت ایلدی کوندروب جمله سی
تیوری رومه کلکه اغوا اول کاب مستحق الصلی مسلمانلر اوستنه اغرا ایتدیکین ناره غیظ موره صدق
(فاذاهی غور) اولد کده * سینه سکر یوز اوج عمر منده سیل روان کبی خیل دوان و عسکر یان شکسته
ایمانله سیواسه کلوب قلعه بی یقوب انواع مظالم ایدوب درت یلک غازی بی صاغ ایکن طیراغه کومدی بعده
ملاطیه بی الوب ملوک پرا کسه باینده نوعاتفصیل اولند بی اوزره حلبه بعده شامه واروب (محرره) ایتدی
اول اطرافده اول بدنه لک * فتح وضبط و قتل و انواع فساد (نثر) امور مذکور به یوقطعه بی تاریخ
دیشلدر که (نظم) بود سیواس و حلبه با مالک شام * در عسارت چون عروس بی نقاب * شد خراب
از آتش جیش غور * در شهر سال تاریخ خراب (نثر) بعده تیور عجمه کیدوب یولده بر فاج قلعه الوب
بغداده واروب هلا کوبی قتل عام ایدوب تیور شام طرفنده ایکن سلطان یاریدخان ارزنجان عسکر
چکوب واروب فی الحال فتح و شفاعتله حا کتی برنده ایشا ایدوب لکن سیواس انتقله ییچون انک اهل و عیال
بروسه یه کوندروب یولده سلطان احمد لیا زله بغداده کیدوب وارد کده نوعاتفصیره باشلوب سابقا چانلرک
بعضلری انک بایته کلدیکین تیور ایتدوب اوزر نه عسکر کوندروب سلطان احمد کند و اوغلی سلطان طاهری
بولوب حله شهر نه قاجدی (کرفن سلطان) تیور بی نورقره یوسی وارزنجان حا کینک عیال و طاعه
کاخ مفتاحن بره کوندره سر دیو تعظیلله نامه کوندروب پادشاه دخی غایت غضوب و غیور اولغین رضا
و برمیوب لکن مدارا لازم ایکن عسکر و زورنه مغرور یجوان کوندر کده تیور قاقوب اول قیش عسکر
عظیم جمع ایدوب سینه سکر یوز درت بهارنده قاقوب اول کاخی الوب کمدوینه مطیع یکر پادشاهه
و نیچه یوزیک عسکرله یوروب لکن پادشاهک خورقتدن هر قوندی منزلده عسکر فی خندق قازور مغله
احاطه ایتدوب (محرره) بنده تدبیر ایدر خدا تقدیر * حاصل اولز خلاف امر قدیر * موه و منجه

پادشاه دخی طغسان پیلد عسکر جمع ایدوب اون ایکی ییکی بکچری وکندار عزب اولوب قایق اولان لاس
 اوغلی دموره غرق اولوش بکری پیلد عسکرله مساوتله کلوب انکوریده تیورله جمع اولوب دی الحجه نیک اون
 جاقورنده جمعه کونی الایله باغلیوب حدی وصفدن متجاوز و قلم مشکین رقم تحریرندن عاجز اولوب جوق ترب
 عظیم و ضرب الیم اولوب (لحرره) دورایدن بوجرخ میسارنک * اولدی * هیچ یوله محکم جنگ (نثر)
 عاقبت طائفه تاتار وایدین وینشاد و اربو خان و کریمیان ولایتلرین اولان عسکره قریبی بکاری تیورلک
 یاتنده اولغین هریری بکرنه * کیدوب صاع قول اولان اناطولی عسکری بوزیلوب لاس عسکری دخی
 بر مقدار صواشوب بعده قاجوب عاقبت وزیر اعظم علی پاشا و امر ادیاشان بکچری اغایی روم ایل عسکرله
 مول قوله طوران سولک شهرزاده امیر سلجانی قوزنار مغیجون الوب بروسه به قاجوب بهض امر ادخی
 عسکرلک اوکنده طوروب مردانه و شیرانه جنگ ایدین شهرزاده سلطان محمدی سخیاغی اولان امامیه شهرینه
 ابرامله قاجوب پادشاه یاتنده بکچری و قیو وولرندن غیری * کیدوبه قالماعین منبت بک پادشاه حال
 معلوم سزدخی * کیدوبه سادله وادی سلامیه وارغیه دل بن جنگ ایده طور به دیوب پادشاه کمال غیرت
 و حیرتدن قضایه رضا و روبر اول اوزون وایی کونده اختیامه دل صواشوب بعده جنگ ایدرک صفلیاروب
 خلاص اوزره ایدوکن تیورایشیدوب اردنجه چنکیز لغین نسلندن محمد دخاله تازه * کیدوب کوندروب
 قرا کولده محکم صواشوب پادشاهه یله اولنرک کبی قتل کچی اسیر اولوب عاقبت پادشاهک آتی سورجوب
 دوشوب طونلوب نطفیله تیوره ایلدلدی (لحرره) جهان ایچره قضا الله ره دیوق * بلاسیلینی دفعه
 هیچ مدیوق * بلنر سر تقدیر الهی * اولور هر عقل انک فکر کنده ساهی (فصل در وقایع بعد از گرفتن
 پادشاه) تیور اوغلی قیو سده دلی پادشاهی قارشلوب برابر او تیور دوب عجب اولور تقدیر حق بواغش اما که
 بزبلایت ایدیکه سر خشونت ایدیکه بکچری و ج - سزدن اولدی اما لشاه الله ولایت روی سزدن خالی قومرز
 خابره طاره غبار گلگون دیکل وضو تنده خطاب ایدوب بودخی (لحرره) چونکه امر خدا اوله ناجز *
 خرد خورده دان اولور عاجز * بویه یازمش چو کاتب ازلی * لیدر آ که راضی جان ودلی * مضبوطه
 جواب ویروب بعده شقاق و تضاد منقلب وفاق و نواد اولد قده شایک نهاد تفحص احوال اولاد ایدوب
 تیور دخی اطرائی و قلدوب مصطفی جلای نابیدوب سائر لری قاجقین بولنیوب ایکی کوند نصکره موسی جلای
 بولنیوب نطفیله کتور بولوب تیور رعایت لیدوب بدریچون کوریلان اوتاق یاتنده بونکیون دخی برلطیف
 چادر قور دروب هر رینه خدمت ایچون نامدار بکچر و صیاح و اغشامده پادشاهانه طعایلر تعین ایدوب
 بر قاج کونده بر پادشاهی چاغردوب برابر او ویروب مصاحبتلر و سائیلر ایدوب کوتاهی به برکون پادشاهی
 عظیم ضیافت لیدوب مجایده ساز و موسز چالنیوب بهضرباده محبت ایدوب بولر سر ایدوب تیور پادشاهی
 تطیب خاطر ایدوب تا کید محبت و تحصیل قریلت ایچون کریمه لایق بری کندی و وفات ایش سولک
 اوغلی میرزا امیران شاد اوغلی میرزا ابو بکره خطبه یعنی طلب ایدوب بعده تیور منزل منزل حرکت ایدیکه
 پادشاه غیرتکار زینت و عسکر سز عدولر فارشونده آشکاره آنه بمکدن عارچکوب نوعا عمارت صوریله
 قشادان ایچمه کیمکی اختیار ایدوب بوسیدن بهض جهل و زحین غلط ایدوب تیور پادشاهی قفسه
 تیور بیه بر دخی دیوار شکاب ضبط ایتندردی واریخ بهتیره مذکوردر (نظم تیور) مرویدر که
 تیورلی نور برزور (نظم) ثالث چنکیز و هلا کوایدی * غارتچون کادی تکا وایدی (نثر) قلب
 برزنی جنگ و تیور رب عالم و تعذیب بی آدم ایچون مائل غارت و جنگ اولوب هر نه بدن که بکردی برکت
 و امن و راحت ایدن کور پردی و هر نه پرده که کاری قرار ایده ایدی انده قیامت و یار ایدی نوم قدم شیم
 صاحب ستم سر یص و طامع و اموال مسلمینی ناهب و جامع اولغین دیار ورومک هر طرفه اقتحیل کوندروب
 قتل و اسیر و انواع فساد مسلمانیلر ماللرین چکوب الوب معهود لایق خراب و فوده تراب ایدیلر چله دن
 اوغلی ارضانی اوزر یلک عسکرله بروسه به کوندروب شهرزاده امیر سلجانی ایشیدوب بدرک نرینه سنده
 نفس و امته نک کیده لرین الوب روم ایلنه قاجوب تیور یلر کلوب شهره انواع فساد و قتل و فساد و خلقه
 مال ایدوب انک * کیدوب عمارت و مساجد و دیوار ایدوب حضرت امیر سلطان و غلامار بی و حسن

حصین و نیجه کابل مولانی شیخ المحدثین محمد الحزری بی تیوره کوندروب اودخی عظیم رعایت ایدوب کندیله
 یله کیمکی تکلیف ایدوب حضرت امیرله ملاقاتی ایتند کلر نده سینه بروسه به کوندروب شیخ محمد صاحب
 بجمعه واروب تیور یاتنده طوروش اوغین تیورله کیکر رضا و بردی بعده تیور بلر ازینق و طراخی و مجالیح
 ولایت قرا بی شهر لرین تاراج و خاکی فلان حجره محتاج ایتدیلر براوغلی دخی عسکرله قرمان و تبک و جمید
 ولایتلرینه و معینه لردن بری بعض امرا ایله منقشا و ایدین ایلنه کوندروب واردلر نده انواع ظلم و فساد
 و تیور یب بلاد و نه ذیپ عباد ایدوب اشکجه ایل مال فراوان جمع ایدوب بقیه زمان صیتی تیور ره ولسی خوب
 اولان کوتاهی به ده بکچری و دخی انک قلعه سنده تیور تاش پاشانک جواهر و اسبابدن غیری بکری مد و دین
 بولوب الوب عسکرله توزیع ایدوب بعده قیش کلکین کندی دخی ایدین ایلنه کلوب اولاد و امر او عسکرله
 ولایت اناطولیله یشقه یشقه قشلاقلر نه یقین ایدوب (نصب ملوک) بعده تیور یور برزبان ملوک آل عثمان
 کثرت خصمان قوت و شوکت و استیلا الله امان و زمان بولما مغیجون اون ییلدن بروسه ده محبوس اولان
 قرمان اوغلی محمد بیکه و سابقا کندی و اربان کریمیان اوغلی یعقوب بیکه ولایت قشلمه و فی طاککی اسفندیار بیکه
 و منتشا اوغلی و ایدین اوغلی قده دن اباعن جد پادشاه اولر قلی ولایتلری و ویروب هر بری ولایتی ضبط
 ایتدیکه * کوندردی (فصل در احوال شهرزاده سلطان محمد قبل از جلوس بر تخت پدر) یوقاروده
 کدوکی اوزره محاربه تیورده و اباعنه سابقا سخیاغی اولان امامیه و وفات سینه کیدرکن قشلمه و فی
 ساکی اسفندیار لک مشیر زاده سی قره یی بی یلک نقره عسکرله قارشلوب صواشوب صینوب طوسیه
 حصارنه قاجوب فرار ایدین عسکری اکری قتل اولوب بعده شهرزاده بولی به کلوب تیورلک احوال ییاسکه
 جاموسلر کوندروب خبرالدهده امامیه اطرافنه واریدی (جنگ) سکز یوزیشده اتراکدن قره دولت شاه نام
 جرای تیوره واروب انک معاوتیله بعض اشقیایه سردار اولوب بعض عمالده عثمانیه به اسفندیار ایدوب شهرزاده
 طرفنه هجوم اوزره اولوب بودخی انک احوالی یلکه جاموس کوندروب عسکری یغما به طاعلوب یاتنده
 یلک قدر آدم قالمشدر و خبر کاد کده شهرزاده ایلغارله واروب جنگده دولت شاهک کوزنه اوق صایلاوب
 یقالب یاشی کلوب جیفه سی سکونلر باره تدبیر و اباعنک نیجه لری سیاست اولوب اکثری خوف
 تیورله کش اولغین شهرزاده به تابع اولدیلر (جنگ) تیور شهرزاده نک شجاعت و عقل و تدبیر بی ایشیدوب
 ظاهر ایچل سنده مدح ایدوب محبتنامه لک کوندردی لکن آل عثمانه بغض مضمری اولغین ولایت جایتکده
 رئیس اترال اولان قباد اوغلی انک امر لیه اشقیای جمع ایدوب و قلعه نیکحصاری محاصره ایدوب شهرزاده ایشیدوب
 واروب طاعلوب کینی قتل کیمی اسیر ایدوب قباد اوغلی قاجوب طاشان اوغلی قلعه سینه کیروب شهرزاده
 انک ضبطنده اولان فایتل قلعه سی محاصره ایدوب بعده یوریش ایل فتح و ضبط ایدوب اهل قلعه به امان ویردی
 (جنگ) شهرزاده و قاتده ساکن ایکن ایل اوغلی بکری یلک تر کانه سردار اولوب قازاویه کلوب قوفاده دخی
 عزم اوزره اولوب عسکرله هر کون شهرزاده نک مملکتلرندن بری غارت ایتدردی ایشیدلر کده شهرزاده
 بعضور اولوب لطف و عطف مایینده حکیمانه برنامه کوندروب اودخی کمال غرورندن نامه بی اوقومادین
 محمد نه پرده درنه ایشلردوب بعده نامه بی اوقود قده غصه کلوب مرادم سکه جنگ دکل ملککلر بکی ضبط
 ایتدیکدر همان کوزلک کوردیکی بره وارکیت دیونامه کوندروب شهرزاده شجاعت عاده همان یلک نفر کزیده
 عسکرله واروب علی الصحر باصوب ایل اوغلی عسکرلی ذخیره جعنه پراکنده ایتدیکین یاتنده اون یلک جبهه لو
 و آتلو عسکر بولنیوب اششامه دلک صواشوب (لحرره) قائده ایتر جنود * اولیجق عون و دود *
 مفهومیخه تر کانیلر صینوب کشته لردن پشته لیدر اولوب لکن حکمه الله شهرزاده طرفندن بر فرد قتل
 اوغلیوب ایکی کدینه اسیر اولوب انک دخی بری قورتلوب کلوب بریسی ایل اوغلی قیو ویردی (نظم)
 اگر تیغ عالم بچیند ز جای * نبرد کی تافتوا همد خدای (جنگ) بعد الظفر شهرزاده مقرنه کلد کده کوزلر
 اوغلی نام ترک که ان ایل اوغلی خروج اوقاتی فرمت ییلوب قره حصاره واروب شهری ضبط و قلعه سی
 محاصره ایدیک ایشلر کین شهرزاده دخی عسکرین جمع ایدوب ایلغارله کیدوب وقت محترده علی الغله واروب
 تر کانیلر ناچار جنگ ایدوب صینوب ایل و اولوسی و مال و منال محرومی بر اغوب قاجوب شهرزاده منصور

وفتوی وزهد و تقوی ده. نوادر دیناد اولوب سکن یوز او زوجه و فانی (۲) حافظ الدین محمد
 ابکر دردی که ابن البرزازی دیکه معروف اولمیش ایتدی بکی کتاب فتاوی برزیه دیکه مشهور عالم اولدی
 مناقب امام اعظم ده مناقب کردی آدولر لطیف کاتبی و بعضی مؤلفاتی دخی وارد در عجمده تحصیل
 و تکمیل علوم ایدوب رومه کاد کده منافع فایده عظیم مباحثه ایدوب علم فروع فقهده و فتناری به علم اصول
 فقه و سایر علومه فتناری بو کاتب ایتدی سکن یوز بکری پدیده و فانی ایتدی (۳) محمد الدین محمد شیرازی
 تحصیل انواع علوم ایدوب تفسیر شریف و بختاری و مشارقه شیر حلایزوب چله فرقدن زیاده مؤلفاتی وارد
 علم لغتده مؤلفاتی حد در زیاده اولد کده لامع علم عاب آدولر اتمش چلدلو براغت کاتبی یازوب به ده انی ایکی
 جلدده مختصر ایدوب ایچ قلموس قویوب مشهور عالم اولدی برومه به کد کده پادشاه نوکا و قمر مال
 و یروپ تیوزلنک دخی بشیرک التوز و یروپ به ده عالم شرف و غری کروب تحصیل و تکمیل علوم ایدوب لغت
 وحدیث و تفسیرده غایده ماهر اولدی قوت حافظه سی حد در بیرون اولغین هر کون ایکیش یوز سطر
 ازیرلیوب حفظ ایتدی بکی اوتنه غین علوم و معارف عیبه به ملالت ایدی و دنیاچی کروب هر او غرا دینی ولایت
 ساکی کلی رعایت ایدوب به ده یقه واروب قاضی اولوب انک پادشاهی غایت رعایت ایدوب انده ایکن سکن یوز
 اون التیده و فانی ایتدی (۴) شیخ شهاب الدین سیواسی قول جنسیدر تکمیل علوم ایدوب اهل ولایت
 صاحب کرامت عزیر اولدی بین ایچ ورتنه تفسیر شیخ دیکه مقبول و مشهور اولان تفسیر یونک تالیفیدر آیات
 کریمه نیک بعضی مشکلاتده (مات ربی عن هذا فاجابی بكذا) دیو یازمغین جناب حقه توجه ایدوب سمرنه
 فیض اولانی مراد ایتدیر زبیر ایداده کلامه مع الله زمره تالیفیه بلکه همان موسی یغجه به نفع عالم صلی الله
 علیه و سلمه مخصوصدر منورک بعض لطیف تالیفاری دخی وارد و وفاتش در قصبه ایش فی سنه سکن یوز
 مکهکان (۵) حسن پاشا جمال الدین آقسرای حضرت نرینک شاکر دلرندن اولوب علم صرفده متین مراحه
 بر لطیف شرح یازدی (۶) سقر شاه جیح علومده ماهر و مشهور اولوب منافع فایده زمانده ایدی بلا غتده ماهر
 اولوب غایت بلیغ خطبه لری وارد (۷) محمد شاه فزاری که پدری اولان منافع فایده کی یچر محیط جیح علوم
 اولوب قوت کاد پد رنه غالب ایدی پیری حیاستده برومه ده یلدرم خان اوغلی سلطان محمد مدرسه سنه
 اون سکن یازمده مدرس اولوب هر وجه له مسلم عالم اولدی سید شریفدن اوقویان نذر الدین عجمی که بعد
 زمان سلطان مراد ز مائده مفتی اولدی حالا بو کامعید اولوب یونک اول در سنه پیری وسائر کار فضلایله
 حاضر اولوب و کاز ن فتن بر رشتنکی مسئله صور بلرب چله سنه جواب ویرمکین جیح فضلایحسین و خیر
 عاقل لره وفاتش فی سنه سکن یوز یازدی (۸) یوسف بال ابن منافع فایده برادری وفاتده بر سنه مدرس
 اولوب فاضل کامل ایدی برومه ده قاضی ایکن وفات ایتدی فی سنه سکن یوز قرق ایتی (۹) شیخ قلیب الدین
 ازنی جیح علومده خصوصاً علوم نریمه ده ماهر اولوب زاهد ایدادی بر مفضل تفسیری و بعضی مؤلفاتی
 وارد یوز رومه کوب بوکولاشده قده تیورده زبر و غنقه نصیحت ایتدی (۱۰) شیخ محمد الجزری دیار عرب
 و عجمده تحصیل علوم ایدوب جیح علومده خصوصاً قرآنده ماهر و مشهور اولوب وافر کاتب یازمده و حسن
 حسی دخی یونک تالیفیدر برومه به کد کده پادشاه بوکار رعایت ایدوب یونک اولادندن بری بر قاج شهرزاده
 خواجه سی و حاج کبیر متولسی اولوب بعد زمان پدرو پسر تیورده یله عجمه کیدوب تیور بونی صاغ یاتده
 سید شریف و سائر علما نکل اوزرلرینه کورید ایدی وفاتش فی سنه سکن یوز سکنان اوج (۱۱) عبدالواحد
 محمدن کوب کوتاهیبه مدرس اولدی علوم عقلیه و نقلیه ده کامل ایدی بعض مؤلفاتی اولوب نظم بلیغی
 و ارادی (۱۲) عبداللطیف بن ملا فرشته اوغلی دخی دیرر علوم ظاهره و باطنیه ده ماهر و مشهور ایدی
 متن جیح و مشارقه و اشاره بر مفضل قبول شرح یازمده و تصوفده دخی رساله سی وارد ایدین بک اوغلی نکل
 خواجه سی اولوب تیورده مدرس اولدی عربی نظم فرشته لقی یونک تالیفیدر (۱۳) محمد بن عبداللطیف
 ابن منافع فایده شرح و روضه المتقین آدولر بر کاتب تالیف ایتدی (۱۴) شیخ عبدالرحمان البساطی
 انطاکیه ده طوغب تحصیل ایچون دیار عرب و عجم و مغربی کروب جیح علوم تکمیل ایتدی علم وفق
 و خواص سر و نه امام غزالی و شیخ احمد بن محمد بن دینا به یوله ماهر کدنه غایت آز کدنده برومه به کوب

یونک ایتد کده (محرره) صاحب کمال قدرتی صاحب کمال اولان یوز * هر در حال اعلی هم حال اولان
 یوز * موهبه منافع فایده حضرت لری یوندن علوم عیبه او کندی قنون غریبه ده حسن خطله غایت
 بلیغ دیاجه لره وافر تالیفاری اولوب علم و فقهده کاتب شمس الاتاق یونک تالیفیدر و قوایح مسکبه آدولر کاتب
 اعلی وارد کده ایچنده یوز در لو علمدن غرائب درج ایتدیر (۱۵) علاء الدین رومی فاضل و ذکی و بحاث
 اولوب عجمه سید شریف ایل منافع فایده نیک یقه بشقه در سارین ویری بر لره عظیم یونکین دکیوب عظیم
 سوار و جوا بلراز بر ایوب کزدیکی ولا یلدره علمایه ضرور قده ایشید نر حیران اولوب مصره وارد قده علماء عربی
 یچنده عاجز قویوب عظیم سوار و خصوصنده بر رساله لطیفه سی وارد (۱۶) شیخ نذر الدین رومی قصبه
 مدرفی ده ساکن اولوب خلقدن منقطع عابد و زاهد ایدی علوم شریعه ده غایت ماهر اولوب ادعیه مأثورده
 بر کاتب یازوب سنا عتله هر علمدن مباحثه دقیقه درج ایتدی (۱۷) منار رمضان عالم عامل فاضل کامل
 اولوب پادشاهه قاضی عسکر اولدی شرح عقائد لره ضامن حاشیه سی عالی یونک تالیفی اولدیر (۱۸) احمدی
 کریمیا در منافع فایده ایل مصره واروب تکمیل علوم ایدوب ولا یته کاد کده کریمان اوغله خواجه اولوب
 شعره مائل اولغین منافع فایده شعره جالشوب به ده پادشاهان یول اوغلی امیر سلیمان صاحب اولوب انک
 نامه اسکندر نامه بی و نیجه قصاید و اشعار ی نظم ایدوب مدد ماهر و مدد بر عزیز دیک اوزره عربی شعره
 صرفه ضایع ایتدی تیور رومه کاد کده بونی مه احب ایدوب بر کون جمله به کروب منافع فایده اولان
 نسنه لره به ایچ دیوب بودخی هر بر ننه تخمینله به ایان ایدوب بکادخی به ایچ کوره به دید کده سکسان ایچ
 دیوب تیور دخی منافع فایده ایتد یالکزی بنم فوطه سکسان ایدردید کده بنم دخی به ایچ دیک فوطه در
 زراسن بر ایچ به دکن سن دیمکین تیور و طایفه نظریه دن محکم کولوب غایت حفظدن جامده بولسان جمیع
 آلات سیم وزری منافع فایده باغشندی (۱۹) شیخ بدر الدین محمود که قاضی سیماونه اوغلی دیکه مشهور در
 دیار رومه اوقیوب مصره کیدوب انده مبارک شاه منطقه دین سید شریف حضرت نریمه معارف و یوب
 مبارک شاهله جیح واروب مکده کتر تارخی شیخ یلغیدن یوقیوب مصره کاد کده به سید شریف یله شیخ
 اکملدن اوقیوب جمیع علوم ایدوب تحصیل ایدوب بدر الدین دخی مصر سلطانی فرج بر بوقیوب یوب بعده
 بوکادجه الهیه ایرتمکین مشایخدن بر ننه التجا و انک یاتده وامل رجا اولغین انک امر یله عجمده شهر تبریزه
 ارشاده کندی تیور بوک کالی رعایت و تعظیم و عالیا یونک فضیلتی تسام ایدوب بعده بعض مالک عرب و رومه
 به ده ادرنه به واروب شهرزاده موسی حاجی پادشاه اولد قده بونی قاضی عسکر ایدوب موسیای برادری سلطان
 محمد قلی ایتد کده منافی توابعله از ننه سوروبیدی یل ایچ وظیفه تعیین ایدوب بعده اصفه دیار بکه
 قاجوب بعده روم ایاتده کیدوب آنده احبامی جیح اولوب بونی ضیافتلر و رعایتلر ایتد کدنه بعض کسسه لر
 پادشاهه بوکچون ملطنت سودا سنده در دیمکین علمایه سوله سکن یوزون سکرده صاحب اولندی *
 مرحوم قده الطائف الاشارات آدولمتی واکتومیل آدولر لطیف شرحی وارد کده از ننه یازمده
 و جامع القصولین آدولر بری تطبیق کالی علم صرفده متین مقصود شرحی و تصوفده واردات و مسرة القلوب آدولر
 ایکی کاتبی وارد * سید شریف بونی فضیلتله مدح ایدردی (۲۰) حاجی پاشا منافع فایده مصره واروب شیخ
 اکملدن و مبارک شاه منطقه دین علوم عقلیه و نقلیه بی تحصیل و تکمیل ایتد کدنه مراض عظیمه مبتلا
 اولغین ناچار علم طبعه جالشوب طبعه مفا آدولر عربی و بی نظیر و تسهیل آدولر کی بر کاتب یازوب مقدمه مسائر
 علومده بعض تالیفاتی دخی و ارادی * سید شریف بونی دخی فضیلت نامه ایل مدح ایدردی (فصل)
 یلدرم بایریدخن زمانده اولان کار مشایخ و مشایخ یونک ایدوب (۱) شیخ حامد قیصری علوم ظاهره
 و باطنیه ده کامل اهل کرامات علویه مقامات سینه ایدی برومه ده صانعچون ارفاسنه زنبیل ایلد اتمک
 بوکادوب کروب متانی اوشوب تبرکاته اتون اولردی * منافع فایده بوکامصاحب و یوندن مستفید اولوب
 فضیلتیه اعتراف ایدردی * پادشاه حاج کبیری یاقده بونی واعظ ایدوب خلق کدنه توجه هیچون
 کورد کده و یاخوفندن براغوب آقسرایه کیدوب آنده وفات ایتدی (۲) شیخ شمس الدین محمد بن علی
 الحسینی البخاری (محرره) عالم عامل عارف کامل * مرشد واصل مقصودی حاصل (نثر) بر عزیز ناظم

صاحب جذبه و دور و دراز و اولوب اسرار تصوف و قدر شایسته و قدم راسخی و از ابدی بخاراده طو غروب
 اوغلا نیکون کراماتی ظهور ایدوب بعده مشایخ عظامه خدمت و نائل رتبه ولایت اولوقده رومه کاوب
 بروسه و قوطن ایدوب متلاقیانیدن کتاب مفتاح الغیب شیخ صدر الدین قنوی بی او قودی بروسه خلایق
 حضرت شیخ غایت محبت ایدوب امیر سلطان دیکله منهور اولوب پادشاهل کریمه سی شیخه نکاح اولوب
 آندن اولادی اولوب سکر یوز اووز اوچده یا ایکده وفات ایدی * حالاً امر اشرافی اطراف عالیدن زیارتگاه
 و ملاذ و پناه اهل حاجت و نگاه اولشدر * حیات و عبادتده کراماته نهایت و حد و غایت یوقدر (محرره)
 قدس الله سره الاعلی * و جزاه بیا هو الاولی (۳) شیخ حاجی بیام علوم عقلیه و نظیه ده ماهر اولوب انقوده
 مدرسی ایکن فراغت ایدوب شیخ حامد سابق الذکره مقارن اولشدی (محرره) عارف واصل مرشد
 موصل * اهل کرامات عالی مقامات (نثر) بر عزیز با تمیز صاحب تقوی و پرهیز اولوب نیجه کسسه لری
 تکمیل و راه حقندن مراد لری تحصیل ایتمش خیر هوس و مؤثر نفس ایدی * شیخ آق شمس الدین و نیجه اولور
 صاحب یونن سریدی اولوب مزاری ملاذ و ماوی و محل قبول دعا در (محرره) قدس الله سره الاصلی *
 و جزاه بفضل الاولی (۴) طایفه امره نه مرتبه قریبده اولوب اهل عزت و ولایت مرشد کامل صاحب
 کرامت ایدی ترکیه یول برادره امره دیرلر (۵) یونس امره طایفه امره نک مرید لردن اولوب نیجه سیلر
 ارقه سیله شیخ مطبخته اودون طایفه ایدی * عاشق بر شوق و اهل وجد و عرفان و ذوق اولوب حجاب حقه
 بر سوز و کد از و تضرع و نیاز ساده ملطانی ترکی اشعار پر عرفانی وارد که مرتبه می آندن معلوم اولور (۶)
 شیخ عبدالرحمن ارزنجانی قزلباش شاهلر نک جدا علاری شیخ صلی الدین از دیلی حضرت تلمیذ خلق اسندن
 اولوب رومه کده امامیه قریبده طایفه امره ساکن اولدی بر کون مرید لری نه بزه بعض دوستلر که جکدر
 طعام حاضر ایدلر دیوبت کده من یوقدر دیدلر کلدن شیخ صومعه سندن ظاهره جیقوب کده و به کلس بر سوری
 جیراقر کوردن و فو قله ضیافتیون نفسی تفکیک زندا ایدردن کده ایچلردن بریمی قارشو کلکین
 مریدلر آتی بوغاز لوب مسافرلر دخی کلدن کده انلر ایچون بشور دینر بر صباغ شیخ غایتده محمد نک اولوب
 مریدلری صورت لردن طایفه اردنیه سیده ذک حسن عقیده و تقوی اوزره اولوب بر کون شیطان آنلری
 اضلال ایدوب سلف صالحلری یولندن بختاریدی دیوب بر فاج کونده تصکره خبر کلدیکه شیخ صلی اوغلی نک
 اوغلی شیخ حیدر سالت طریق ضلالت و اعتداف و تارک جمیع عقائد و آداب اولدی (فصل)
 در احوال شهزادگان یلدرم یاریندخان (اولا) مر حوملک وفاتنده مابیناروم ایلنه کیدوب تخته یکن
 شهزاده امیر سلیمان و امامیه و وفات حاکی شهزاده سلطان محمد تیمور نک هدایا و تزییناتمه لره
 بر ایللی کوندروب محمد خان پدیری وفاتنه غایتده کرمان و تالان و زو جیچون خیرات فراوان ایدوب تیمور نک
 بجه توجهن ایشیدوب اول مکار و دیوار کار جاز که بونی شکار یار قنه آشکار ایدوب احتیاطا حله عسکر یله
 بول قریبده عظیم حصص طاعنلرده قرار ایدی (ثانیاً) تیمور من موم پادشاه یاننده اولان شهزاده مصطفی
 جلای به اکثر و زین قولنج بهذالت ز به و اتسلیه فاخر خات کیدروب بر مرصع قلیق و زین رختلره یوز عدد
 عربی آت و طفرایر به آل قهالو بر ایلر بروسه حا کلکین و بر و بر مر حوم پدیری آنده دهن ایدوسن دیور عایتلره
 کوندروب کند و بجه کندی (ثالثاً) شهزاده موسی جلای بروسه به توجه اید کده سابقا بروسه اطرافنده
 کیرلش اولان شهزاده عیسی جلای تیمور کتد کده ظهور ایدوب اول اطرافه احتیلا ایشیدی موسی جلای
 آنک اوغنه وارد قده قرامی ایانده اتسوا یکی برادر و بر آرا اولوب بری بر لری نه عسکر چکوب مر اراچنکدر
 ایدوب عاقبت موسی غالب و عیسی نک وجودی عالیدن سالب و سلطنتی کندوب خیال اولوب بروسه ده تخت
 پدر بو کامیسم و مقروم و مقرو اولدی (رابعاً) ادرنه پادشاهی امیر سلیمان برادری موسی نک بروسه ده تخته یکدیکن
 ایشیدوب سیه کینه خواه ایل کایو ایدین کوب بروسه به کلکین موسی قاجوب قرمان اوغلی نه واروب
 سلیمان بروسه بی ضبط ایدوب کوب برادری قاسم جلای بی امتنا بول نکورنه رهن قویوب تجدید و نا کید
 عیسی ایدوب امتنا بول یونن ایدین کوب ادرنه به کیدوب سلطان شهید بونی ایشیدوب تهنیتنامه ایل هدایا
 کوندروب بودخی طغندن کا محبتنامه و هدایا کوندروب قرمان اوغنه خبر کوندردیکه برادر موسی

محکم حفظ ایدوب معاشرتندن و قاجر مقندن حذر ایلر والا و قنکه حاضر اول (خامسا) موسی جلای بو خبر
 را خبری ایشیدوب قسطنطینی حاکی اسفندیار له خبر اشوب امیر سلیمان بروسه به کلد کده موسی قرامندن
 اسفندیار له قاجوب سلیمان ایشیدوب قالدوب اول قیش بهض قصبات کزوب مفرح بر لره جوانلره باده
 صحتلر نه مشغول اولغین روم ایل بکری یونن بزوب موسی جلای بی بوجابه ککوند و تخته یکورنه لم
 دیواسه ندیاره خبر کوندرد کلدن موسی سید ویدن کی به قویوب قره دکردن اخلاق دیار نه واروب کافر یکی
 قارشو کاوب امیر سلیمان طغندن بی حضور اولغین بو کانهظیم و رعایت ایدوب عسکر قوشوب کوندروب
 روم ایل بکری قارشو کاوب سلسله به کلد کده ادرنه به متوجه ایکن امیر سلیمان خبر اولوب سر عتله ادرنه به
 واروب تخته یکوب عادی اوزره جوانلره و ندیار له حمالر ده باده صحتنه مشغول و عاقبت کاردن بر غنول
 اولدی * بعده موسی جلای علی انغله ادرنه به کلک اوزره در دیو خبر و بر لره کده موسی کیدر که بنم اوسته کله
 دیوب بواشاده موسی جلای به جمیع امر اوسپانه نایع اولوب ایلغار له کاوب امیر سلیمان به حمالر ده مشغول و بر لری
 حیرتله ناچار استنا بول قاجوب بر قریه به کاوب آنک اهل بونک سیه ایلرندن و نیجه اولغین بونی طو بوب
 باغلیوب موسی جلای نک آدمیری یثوب بونی شهید ایدیلر ده ضلر بونی قریه خانی قتل ایدوب بعده موسی
 جلای انلری جمع ایدوب پادشاهنه خیانت ایدنک حالی بودر دیو آتسه یا قدی دیمشدر * بوقصه حمله سکر یوزاون
 درت اوائلنده اولوب موسی جلای تخته یکوب امیر سلیمان جنازه سن بروسه به کوندردی (روایت دیگر)
 نایح التوار یچنده مذکور در که شهزاده را حوالنده شهید دلدن کراولان مؤرخلر اتفاق ایدن یکدیکن انلردن
 متلاذی و وجه آخر دن بولده تفصیل ایشدر که (قصه) اولان یوز بجه کتد کده موسی جلای بی کریمیان
 اوغلی به قریب بکه و بر و بیلدیم خان وصیتی اوزره اصهر لیکه موسی سلطان محمد ایستد کده پدر نک نابویه
 یله تسلیم ایلیم * پس تیمور کیدر کن سلطان محمد عسکر یله بولی طاعنلر ده روز کار کروب تیمور یلردن
 اتر قالدقده مودرنی به کاوب فیروز پاشا اوغلی یعقوب نک کاوب ال او بوب سر عسکر اولوب آنک تدبیر یله
 سلطان بروسه به توجه ایدوب بالی کمری به وارده که آنک ضابطی اینه نک صوابانی قارشو لوب سلطان نک
 اتی ایاغنه قاشلر دوشوب قوی اولدوره شهزاده عیسی جلای ایشیدوب ال چکوب بعده اینه نک تدبیر یله سلطان
 برادری عیسیه (نظم) دنیانه مشایعت کد ارزد بنارعی * زنه مار مشور طلبش بیده سایی (نثر)
 منازعه ایتلر نه وزه لایق د کادر پس اناطولی سلطنتی ایکیم قاسمه ایدوب بروسه و سیماس و وفاده وار نیجه
 بزم عمالک آیدین و صاروخان و کریمیان و قرامی و قرمان سزک اولسون دیو محبتنامه ککوندروب اودخی
 بن محمد دن یول ایکن آنک نه حدیدر که تله سلطنت نزاعن ایدو چنکه حاضر اولسون دیو جواب کوندربم کین
 سلطان بروسه به یویوب اولوباد صحر استنده ایکی شهزاده محکم صواشوب عاقبت عسکر عیسی صیتوب طاعنلر
 عیسی استنا بول نکورنه قاجوب وزیر تیمور تاش پادشاه دخی قار کن براوغلا نی خنجر له اوروب
 سلطان کتور یلوب جان و بر د کده باشتی کسوب صورت بشیرده تحذیر ایچون ادرنه پادشاهی شهزاده امیر
 سلیمان کوندردی (قصه) بعده سلطان محمد بروسه به واروب تخته یکوب (ع) تخت بولدی مستحق
 دیوشاد اولدی جهان * بعده از بقیه واروب قلعه ضابطلری قارشو لوب تسلیم ایدیلر ده بیکشهره واروب
 آنده اطرافندن بیدش کایتجیلر کاوب بوسیلله سلطان نک عسکر ی دخی چو غالمغین کریمیان اوغنه سزک
 یانکده اولان برادر موسی ایل آقشهر ده امانت قونان پدر نک نابون کوندردی بو خبر ککوندروب اودخی
 کوندروب عظیم جمعیت و ماغله کتور یلوب بروسه ده دفن ایدوب احوال مملکت یوقلا بجه امامیه و وفات
 طرفلر نه کندی (قصه) امیر سلیمان سلطان محمد بر فاج وجهله انجمن کین برادری عیسی ادرنه به
 کتور و ب مال و عسکر و بر و بروسه به کوندروب وارده قلعه خانی برادر که نزاع کز فضل اوغلی نه تسلیم
 ایترز دیوب بعده اطراف اناطولیده هر نه قلعه به وارده بولیه جواب و بر د کار ایچون دولندن امید کسوب
 طالع نیجه کسوب ناچار سلطان تراض و تضرع ایل خبر کوندروب قیشلاق ایتوب اودخی نک بازار نی
 تعیین و جمیع لوازم میریدن کوندربم کین حضور له یکنوب بهارده قرمان ولایتنه واروب جشن کرایدوب
 بعض قلعه لکوب عسکر یازوب ولایتلردن مال جمع ایدر که بروسه به کاوب قاعه بی و بر مد کلدن طاهر سن

یغما یوب سلطان ایشد کده اوج ییک عسکرله اوج کونده ایلمارله اما سیه دن کاوب عیساک اون ییک
 عسکری وار ایکن صیاحدن انشامه قریب زمانه دله و اشلوب محمد یار منصور و عیسی و یلمه و قه و اشلوب
 عیسی قسطنطونی به قاجدی (قصه) قسطنطونی پادشاهی اسفندیار بو کامع او تیچون عسکرله انکوری
 فتحه یله کیدوب محاصره ده ایکن سلطان ایشدوب اوج ییک نفرله اون کونه دله واروب عظیم صواشوب
 عیسی و امقدیاری صیوب قسطنطونی به قاجوب سلطان پرغیت برومه به کاوب بعده نوقاده کیدوب اولک
 اطرافدن هدا یا و تمینت نامه لکدی (قصه) عیسی چلبی برومه به تکرار هجوم ایدوب نواحین غارت
 ورعا یوب باهی کندودن نفرت ایتدیمکین سلطان ایشدوب برومه به کاوب عیسی از میراوغانه واروب
 آنک تحریک یله ایدین صرخان منشا احاکری اکابکری ییک عسکر جمع ایدوب سلطان دخی اون ییک دلاورله
 واروب اوله ده (نظم) عسکر اهل شهادت یانکی تفرقه امت * دقت شیرازه ناکرده بیادی ایتست *
 موه و منجه امقیانک جله می طاعلوب عیسی بر قاج نفرله قرمانه قاجدی از میراوغلی رکاب سلطانه کاوب
 یوز سورمکین صوجینی باغشلیوب یزنده ایشا ایدوب بعده سلطان ولایت ایدینه واروب ضبط ایدوب بعده
 سرخانه واروب حاکمی جامده با و بویین آوردیلر بعده کرمانه واروب حاکمی به قوب بک مفتاح لرین
 کتورمکین یزنده ایشا ایدوب برومه به کادی عیسی چلبی قرمان اوغلی کندوب سلطان خوفندن معاونت
 ایتمکین شدت نمندن کیدوب (نظم) چودولت نبخشید میهر یلند * یایدیردانی در کند * معوم منجه
 یخت برکشته ایل کوه و دشته دوشوب صحرای جهانه بی نام و نشان اولدی * بهض روایتده بعد زمان
 ایکی شهر اطرافنده کیزلوا بدو کتی سلطان ایشدوب بولک کوندروب ساهمه بولوب بوغدی لر * تاریخ منلا
 ادربده سلطانن بعض ملوک اطراف حصارندن کادی عیسی قتلندن مکره اولدی دیومند کوردرو الله اعلم
 (قصه) ادرنه ده امیر سلیمان برادری سلطان محمد دلاستلالن حصار ایتدیمکین برومه به کله عظیم عسکر
 جمع ایتد کده سلطان ارکانله طاشوب (نظم) هر که باولاد یازو منجه کرد * ساعد سین خود را منجه
 کرد * موه و منجه عسکر کثیر ایله مقابله خطادن خالی اولماقین انکوری به کیدوب عسکر جمعنه باشلیوب
 امیر سلیمان برومه به کاوب آندن دخی انکوری به عزم ایتد کده سلطان انکوردیده قلعه سلاسل محافظه منه
 به قوب بکی قویوب کندوب عسکرله کیدوب امیر سلیمان عسکر فراتله کاوب شهر خانی تابع اولوب قلمه می
 به قوب و برمیوب امیر سلیمان قاقوب فتحه عظیم تدارک ایدوب یعقوب سلطان فریادی کوندروب اودخی
 صبر ایل ایکی کونه دله بنکا واروب بشورم دیو یازوب کوندروب کاغدی کتوره فی امیر سلیمانک ویدرنک
 وزیر اعظم لری علی پاشای حیل کارطوب نظر افته کاغدی تبدیل ایدوب بنسکامه عاونه قادر دکام قلعه می
 و بروب مسلمانن قاتنه بی اولیه سن دیو یازوب چاموسی حیل ایله قاجروب یعقوب مکر و نامه می کوزوب
 ایشاوب قلمه به امانله و بروب بر قاج کوند ککره سلطان کاوب حیل بی طویوب کیدوب امیر سلیمان بونک
 کاوب کند و کندن غروره دوشوب سائر قلعه لرین دخی المنه کیدوب لکن هر بری محکم تدارکله محافظه ده
 اولمقین دونوب برومه به کاوب عیش و نوشه مشغول اولدی (قصه) امیر سلیمان برومه ده ایکن سلطان محمد
 نوقت و اما سیه ده اولوب جامه و له یوقلا دوب لیل و نهار غفلتده دردیو خیر کلد کده سکر ییک عسکرله ایلمار
 ایدوب سلیمان ایشدوب عسکر موجود یله یکشهر فواجیستده بر صوب دریده کیدوب سلطان دخی واروب
 حصار جنگی کی صیاحدن انشامه دله و اشلوب عاقبت شکم یا غمورل زمانی اولوب عسکر عاجز قالمقین
 سلطان اما سیه منته کیدوب سلیمان برومه به کاوب سلطانک ولایتینه اقیبه عسکر جمع ایدرکن سیوری
 حصاردن بوکا معادله کورسکر قلعه می ویره لم دیوشبر کلکین وافر عسکرله واروب قلعه می ویرم کارنده
 محاصره ایدوب اکثر عسکری غارت کیمکین قرمان اوغلی سلیمانی شخصون ایتمک عزم ایدوب سلیمان طویوب
 اورنوس بکی سردار ایدوب قرمانلر دفعنه کوندروب اودخی واروب قرمان اوغلی سلطان ایا زنده واروب
 ولایت ییک نصفن و بروب سلطانن معین اولمغه هدا ایدوب سلیمان ایشد کده بهد المشوره انکوری به وادی
 نیرا ورنه کور ایلده انده جنگ سائر برادران سب ایدی بعده اطرافنه غارتنه کیدن * سکر نیک دونوب جمع
 اولمغه منتظر اولدی (قصه) امیر سلیمانک عسکری عمالات سلطانی غارت و خراب ایدوب سلطان بوحاله

پراخزان ایکن برادری موسی چلبی که قدیمدن یله اولوب مطمع فرمان ایدی بی روم ایلینه کوندروب واروب
 ضبط ایدوب چراغکز اولایم و سکر و خطبه بی ناکر ایده می دیوایان ایدوب سلطان دخی اکبر مقدار بولداش
 و خزینه و موه و مات و فروجنگ و بروب قره دزدن کیدوب کجوب افلاقه و اردقه افلاک کافر بکی قارشو کاوب
 کلی رعایا ایدوب قیزی دخی نکاحله و بروب روم ایل بکاری ایشد کارنده اکثری قارشو کاوب تابع اولدی لر
 (قصه) امیر سلیمان بونی ایشد کده وزیر عاقلی علی پاشا وفات ایتدیمکین شاشوب عاقبت یعقوب بکی منه
 انکوری محافظه منه قویوب اناطولی بکار بکی ایدوب کندوبی کایدولی یقا - ندن روم ایلنه بکوب
 عسکر جمع ایدوب موسی چلبینک اوزرینه واروب ایشد کده روم ایل بکاری سلیمانه تابع اولمقین موسی
 بالکر قاقوب آزادمله قاجوب طاعلرده اولوب احیانا کاوب بهض بر لغارت ایدوب به طاعه کیدوب امیر
 سلیمان عادی اوزره ادرنه ده ساهمه عیش و عشرته مشغول اولمقین آنک فرصت کوزلردی (قصه) امیر
 سلیمان کیدوب اناطولی منازعدن خالی قالمقین یعقوب بک دعوته سلطان محمد انکوری به کاوب سلیمانک
 ایدین و منتشا و صرخان و مناوغات ولایت یلرینک حفظنده اولان آدم لری کاوب قلعه لری مفتاح لرین سلطانن
 و بر دیلر اودخی منصوره سرور برومه به کاوب عدل و داد ایله تعمیر بلاد و نظم احوال عباد ایتدیمکین باشلدی
 و خیر لری ایشلدی (قصه) ادرنه ده امیر سلیمان بی اصایه کرمانه لده یاده نابه و عشرت و خوابه مشغول و نظم
 امور و عزم عدوی بر زور دن غافل ایدی (نظم) شاه کیم اوله روز و شب بخور * کشوری هرگز اولیه
 معمور * اکا کیم پاسبان کرک شب و روز * نیجه عدل ایل اوله ملک افروز * متنبه کر کدر سلطان * که
 اوله امری کشورنده روان * امری غیره ایلن تقویض * اولور آخر آنک مقری حاضیض * سلطنت چون
 و ذیبت * قدر * سمل عدایدن آتی اقدر * هر کرانشاه زاد را کت * بخورد آنکه تلخ و ناپاک کت
 (نم) پس موسی چلبی داغابونک فرصت کوزدوب بهد زمان خیال اوغلی و قیون موساسی کا تابع اولوب
 ادرنه به کاوب عسکر نیک اولی شهرک باغلرینه کلد کده قوجه اورنوس بک امیر سلیمان غافل واروب (حزره)
 نه حصار و عشرت قاسبی کندی باشک شادا * دیو قاجق - وق ایتد کده حاجی لانیچون - ضرور مزه مانع
 اولور سن موسی کیدر که اوزر به کلکه قادر اوله بیر آکدن عتله خلل و فکرت زال کلن دیوب اودخی طشره
 به قوب بعده یکچیری اغاسی حسن اغا کیروب تنبیه ایچون تغلیظ ایتدیمکین امیر سلیمان قاقوب اغانک
 صقالن تراش ایتدوب باتندن قووب بودخی طشره چیقوب امر او عسکره دوستن و دشمنن بیلز نکبندن
 نه او مارز کوریکز بکانه ایلدی کاکرم موسی چلبی به کیده لم دیو آت به قوب خواص امیر سلیمانن قوجه بک
 و قره مقبل و اوج بکدن غیری بجه می بونکله یله کیدوب موسی چلبینک اوکده دوشوب ادرنه به کتوردیلر
 امیر سلیمان مستانه خواص خدام یله تدارک سنر عجله ایله استانبول قاجوب بر کچه بر کوبه کلد کلرنده
 ادرنه دن بروقولا غزل اولان ترکان قریه خلقنه خبر و وروب آنلردخی هجوم ایدوب ایکی بولداشی قتل و سلیمانک
 آتی مجروح ایدوب دوشوب طویوب بوحاله ادرنه دن آدم لری دوشوب طویوب موسی چلبی ایشد کده قیون
 موساسی کوندروب بوغدی لر قی منه سکر یوزاون درت و معرکه تیور دن بچا لیدنبر و جله مدت سلطنتی سکر
 ییل ایکی آی اون کون اولدی * مرحوم مرقوم کرچه اهل هراکن شجیع و خوروی و صاحب خیر و خا ایدی
 مدقه واحدانه غایت مائل اولوب هر کون بر قول آزاد ایدوب ادرنه ده حالا جامع عتیق دیدکاری جامه کن
 بناسنه بشا یوب ناعام قاقوب بقیه سن موسی چلبی ایدروب به ناعام قاقوب سلطان محمد تکمیل ایتدردی
 (قصه) موسی چلبی ادرنه ده شخته کلد کده نصر کجه بکاری امیر سلیمان خیمانه بهانه یله عزل
 و قتل و بر لریته کندو آدم لری نصب ایدوب معز ولرک احوال و املاک لرین دخی غضب ایدوب بعده اقدم
 و اعظم امر اولان اورنوس بک غازی قاجروب اودخی کوزاغر یسندن اعی اولدم دیو بهانه ایدوب
 وافر هیده کوندروب اکن البته کسون دیکن ناچار کاوب ال او پرکن اعی کی حرکت ایدوب بعده موسی
 چلبی بونی استمان ایچون ضیافت ایدوب بونک اوکده بر طبقه بنش قور بغار قونوب بودخی اعی کی طعای
 الیه یوقلاوب قورقوسندن ناچار یوب بو بهانه ایله خلاص اولدی * بعده موسی چلبی حکام اطراف طلب
 مال کثیر ایله کندودن تفر و کفار خراج کزاری تکالیف شاقه ایله تضرع ایتدی * جله دن استانبول

تکوردن مال عظیم استیوب و بر اعظم ابراهیم پاشا ابن علی پاشا بون سو اخلاقدن بزوب بن واروب
 تحصیل ایدیم دیوب یوم سانه ایلد یاندن کیدوب بدوی زمانند تورو کوردوسی اولغین آنک معرقیله
 بروسه ده سلطان محمد عبودیتنامه کوندروب آند و واروب قواکز اوانی مراد مدر دیمکین سلطان دخی
 کله سن دیومکین کوندروب واروقده وزیر اعظم اولوب روم ایلنه کجه کتدیرین ایدوب تکورله خبرلشوب
 عهد و عهد ایتکین کاسونر کدیرا احضار ایدیم دیمکین سلطان اون بش یک نفر آتو عسکرله استانبول
 مقارنه سنه کوب کدیر کله فاندی بعض مؤرخلرموسی چلبی استانبول ایلغار ایدوب نواحیسنی غارت
 ایدرکن وزیر اعظمی کور شاه ملاک یک قاجوب تکوره آندن سلطان کوب روم فتنه تخرین ایدی دیوب
 ابراهیم پاشای ذکرا تماملر (قصه) تکور کدیر کتوروب ال اوپوب سلطان ضیافت ایدوب موسی چلبی
 ایتیدوب بید عسکرله کوب استانبول قریب اینجور کده محکم صواشوب کشته لردن افان خون مانند
 هر جیون اولوب وائنده تفصیل محتاج وجهله امر ارا کتر عسکر سابقا انفاذی اولغین چلبی موسی
 بر اعوب محمد تابع اولوب موسانک آتو عسکری صیتوب قاجوب محمد لرا نری قوه ایوب نیجه لرب قیروب
 موسی دخی قاجوق دیلد کده یکجیر یار بلخان طووب قومایوب ایتده یدی یک قدر ساد و آتو اولوب
 سلطان عسکری قانلر آردنجه طاعنا غین موجود اولان ایکوز نفر دلور ایل مردانه میدانه کیروب شیرانه
 جنگ ایدی بعده کند و نوایی مجروح و نیجه لری بی روح اولغین (نظم) ولیم انوار ایوم عارا علی الفی *
 اذا عرفت منه الشجاعة فی الامس * مفهونه ناچار قاجوب تکور معرقیله قارشوبه کوب بروسه به
 کیدوب او طرفه عسکر سلطان دووب سلطان یولما غین ناچار موسی چلبی به تابع و عتو کاهلر به متضرع
 اولد قلنده عفو ایدوب آنری تحیر ایتد کده اکثری خوفزدن قلوب بعض سلطان کتدیلر (خاتمه)
 سلطان محمد بن روم ایلنه کتک ایچون عسکر جمع ایدوب قان انای ذوالقدر اوغلی سلیمان یک معاونه
 چاغولغین اولاد و عسکرله کوب عظیم رعایتله مظهر اولوب سلطان جله عسکرله استانبولدن کوب
 ادرنه دن اوتنه نیجه شهرله واروب تدبیرله اکثر امر اکوب تابع اولوب موسی چلبی دخی بر قاج یک ادمه
 تحیرانه کزوب ایک شهراده طرفلرندن تفصیل عظیم محتاج امور طه و رایدوب عاقبت موسی چلبی
 بکزدن کند و به معاونه اولیه جفته جازم و سلطان قانلر دن قلا نیجه عسکرله ناچار جسته عازم اولوب
 چمور لواده ایک برادر محکم صواشوب موسی چلبی عسکر یک صیتوب تدبیرله بر اکنده اولد لرب
 کوروب مردانه میدانه کیروب شیرانه جنگ ایدوب بعض عسکر سلطان کندوی اور تابه الدلر بن کورد کده
 اطرافه جله ایدوب جسته صلا باروب بقیه عسکر به کوب اکثری مجروح وی روح کورد کده امیدین
 کوب اغلیوب چکیلوب کیدوب بعض امر سلطان بونک ادرنه دوشوب بودخی شدت حیرتدن
 آتی ضبطنه قادر اوله میوب برتاغه واروقده طائره جیقاره میوب ایتوب شدت حیرتله او نور کور لکین
 طوولوب امر پادشاهی اوزر بای کرشیل بوغدی لرب سنه سکر یوزون الی * انکچون برادر به کرشیجی سلطان
 محمد دیوب قودیلر موسی چلبینک مدت سلطنتی ایک ییل بدی آی بکری کون ایدی بودخی سابقه برادری
 امیر سلیمانی بوغدر مغین سر کتدین ندان عیان اولدی * بده چنانزه سن بروسه به ایتوب غازی خنکار
 تره سنده برادری امیر سلیمان باندن دفن ایتدیلر رجه الله علیم اجمین

(باب خامس در احوال سلطان محمد خان ابن بایزید خان علاج ما الرجه والغفران)
 (نظم) صبر سلطنت سلطان محمد * مه برج شرف شاه مؤید * جو مطلق منصرف اولور کاه * دیور
 سلطان اوشاه باجانه * ایدوبد سیفی الطاف رحمان * چراغ دودمان آل عثمان * اگر اولماسه انک ایتامی *
 آوردی کتوروی حرامی * ایدوب رب مجید اول شاهه تأیید * بوملکی ایلدی انکله تجدید *
 سویشکن او اندر دیوشمی * مرتب ایدی یو بایده جی * شمع و عاتل و بخشنده ایدی * چراغ دواقی
 رخننده ایدی * عطاده حاتم ورسم و غاده * ایشیز اول شه بکونهاد * دیار و دی ایدی عدلی ترین *
 انک آثار دیورم و آینه انک ایلد مشهور ایتامس * مؤید ایلد انلاف کرمان (نثر) مرحوم مرحوم
 نادر ایکن فتنه چلبی سلطان دیرلردی * ولادتش فی سنه ۷۸۱ یاخود فی سنه ۷۷۷ وفات پدرش

فی سنه ۸۰۵ جلوسش بر تخت پدر بروجه استقلال بعد از وفات جمیع برادران فی سنه ۸۱۶ مدت سلطنتش
 ۸ مدت عمرش سنه ۴۳ یاخود سنه ۴۸ وفاتش در ادرنه فی سنه ۸۲۲ پدری زماننده امامیه و وفات یکی
 اولوب سکر یوزورنده تیمور محاربه سی انخر زماننده برادر لری طاغلوب بودخی سنجاغته کیدوب بر سیه دل
 بش الی عظیم خار جیلرله محکم صواشوب غالب کدیکه بعده اون بر سیه دل ایک اوج برادر لریه فصل
 جنگلر ایدوب عاقبت منصور و مظفر اولدینی یوقاروده تفصیل اولغشدر نظر اولنه (فصل در اولاد
 و وزرای مرحوم پادشاه) اولاد اولدی یونلدر که (۱) سلطان مراد خان (۲) سلطان محمود (۳) سلطان
 یوسف یو ایکسینک کوزلر نه قیزش میل چکیلوب بده طاعوندن وفات ایتدیلر فی سنه سکر یوزیکری سکر
 (۴) کوچک سلطان مصطفی یونی برادری سلطان مراد قتل ایدی فی سنه سکر یوزیکری الی (۵) سلطان
 احمد * تانیا و زراسی یونلدر که (۱) حاجی عوض پاشا (۲) بایزید پاشا (۳) ابراهیم پاشا ابن علی پاشا (فصل)
 مرحوم زمان استقلال سلطنتده فتح اولسان قلعه روولایت یونلدر که (۱) قلعه اسکلیب و قلعه سیوری
 حصار و قلعه قیر شهری و قلعه سکار و قلعه آق شهر و قلعه یکیشهر و قلعه سیدی شهری و قلعه اوغادی
 و قلعه اولتی حصاری و ولایت معید ایل و قلعه قسطمونی و قلعه جانیک و بناء قلعه برکوک در کنار شهر تونا
 در روم ایل و قلعه سوران و قلعه طوسیه در اناتولی و قلعه کاشری و ناحیه باقر کوره سی و قلعه قله جنگ
 و سامسون دیکله مسی ایک قلعه و قلعه هرکه و قلعه اسکی ککبوزه و قلعه طاروجی (فصل در کیفیت
 فتح و ضبط بلاد مزبوره و قاج زمان استقلال سلطنت) مرحوم پادشاهک سکر یوزون التیده شریک
 و منازعی قائمده روم ایلنده سد نفور و نظم امور جه و رایدوب ادرنه به کوب اناتولیده قرمان اوغلی
 سلطانک برادر لریه جنگی ایامنده فرصت در یوکوب بروسه بی محاصره و نواحیسن غارت و اوتوز بش کونه دل
 جنگ ایدوب موسی چلبینک جنازه سی کتورلد کده پادشاهک نصرت و استقلال یلوب خوفدن قاجدی
 و ناهر دلک ایل یوزی صوبین بره صاجدی (لطیفه) مزبور لخر من طنائی دیر لر قدیمی ندیمی بر مضحکی اولوب
 محوز کسته اولغین سر عتله کتکدن عاجز قلوب آخام عثمان اوغلینک اولوسدن بویه قاجرسن در بسی کلش
 اولسه نیلرلد کده قرمان اوغلی غایت عار چکوب مسکینی بردار ایدی (قصه) سابقه شهمزاده امیر
 سلیمانک حال حیثانده استانبول تکورینه رهن کوندردیکی یاخود وفاتند نصکره قاجوب واران اوغلی
 پادشاه برادری موسی چلبی ایل جسته مقید ایکن نوابعلیه کیدوب قرن آباده واروقده یانه بعض اقتضای جمع
 اولوب پدری تختی الماغه یا بولی طرفه کتد کده پادشاه اول طرفه واروب اقتضای طاغلوب مزبور شهمزاده بی
 لالایی کتورد کده قرمان سلطانله کوزینه میل چکدر لوب بروسه به کوندربول بعده پادشاه بروسه به
 واروقده کا و افرا حسانلر ایدوب بره مو و رقریه تملیک و همشیره سن برنامدار سنجاق بکه تزویج ایدوب
 ایکسینده دخی دائما احسانلر ایدردی (امور) سکر یوزون بید پادشاه قرمان اوغلیندن انتقام الماغه
 تدارک کوروب اطرافه نامه ل کوندرد کده قسطمونی ساکی اسفندیار یک عسکرله کند و اوغلی معاونه
 کوندروب کر میمان اوغلی یعقوب یک دخی یول اوزورنده وافر ذخیره کتوروب بعده پادشاه آقشهری آندن
 بکشمربن وسیدی شهرین و اوقاق حصارین و سعیدایان فتح ایدوب بده قونییه بی محاصره ایدوب اول ایامده
 عظیم یمورلر باغوب سیل پرویل مدود الذیل اردودن خیلی حشم و خیل لوب قرمان اوغلی صلحه تضرع
 ایتکین پادشاه کوجوب کیدوب قره در کتد کده جانیک قلعه سن فتح ایدی (تدبیر) سکر یوزون سکرده
 پادشاه ججهه قرمان اوغلیه بعض وراغدن انکوری به کاد کده خسته اولوب اطباء علاجلر ایدوب لکن
 شفا بولماسغین کر میمان اوغلی باندن اولان خسرو شیرین مؤلفی شیخی نام بر شاعر فائق و طیب حاذق
 کتوردیلوب پادشاهک نبض کوروب ملاحظه ایتد کده بوحالته استماع اخبار مسمردن انتع علاج اولمز
 دیمکین اناتولی یکار یکدی بایزید پاشا عسکرله کوندربول اودخی غایت مدبر اولوب قرمان اوغلیله قدیمدن
 دوست اولغین پادشاه جی دین غایت زبوندر کد که ایل بوطرفه توجه و صلح ایچون پادشاهه ایلچی
 کوندره مرکز عاجز اولغین یوق دیز بده مات مقدرایسه آسان وجهله سلطنتن الور مز صحت مقدرایسه خود
 صلح مقرر و در یو خبر کوندرمکین اودخی پادشاهی نیاسوسله یوقادوب مرضی مقرر اولد کده ایتاوب جان اوب

کاورکن باشا قوماندری بر کجه باصوب قرمان اوغلی محمد بکی و اوغلی مصطفای طوبوب پادشاه خبر کلد کده
فی الحال شفا بولوب سلاطینی به کلی احسان ایدوب کر میانه کوندروب بعده باشا اسیر لری کتورد کده
عظیم احسان ایدوب ووزارتله روم ایلی بکتر بکیمکنی ووروب سلطان عطا کوش خطا پوش قرمان اوغلی
دخی خلعت کیدروب اونا قیادتده بر عالی چادر قوریلوب طعام تعیین اولوب بر کون چاغروب نیچون دایما
خیانت ایدرسن دیوب اودخی (محرره) نوبه و پیمان ایمان ایتمکین * عفو ایدوب آزاد و باز ایلدی
(نثر) قرمان اوغلی کند کده بولده چایرده پادشاه خاص آنلرن کوروب چکوب الوب بزم عثمانلرله عداوت
قیامتده کدروب کندی تاریخ منالادریسه پاشانک قرمان اوغلی ناراختله طوبوبی پادشاه سابقا قوشه به
وارد قده قرمان اوغلیله صفر باغلیوب صواشوب قرمان اوغلی عسکری صیغه قده اوغلی مصطفای حصار
حفظنه قوبوب کند و طاش ایلمنه قاجوب پادشاه قوشه بی محاصره ده ایکن خسته اولد قده واقع اولوب پادشاه
انی آزاد ایتد کده حصار کارنه واروب اوغلی وعده عفو له پادشاه کتوروب عهد و پیمان و ایمانه تکرار آزاد
اولد بولوب مذکور در (امور) سکر یوزان طقوزده افلاق خراج و برما مکین پادشاه عسکر جمع ایدوب
روم ایلمنه کجوب توانا کارنده بر کوکی نام بر قلعه بنا و ساختی و یکساله نام قلعه لری نعمت ایدردی و اقیحیر افلاق
ولایت غارت ایدوب و افرمال و اسیر کتورد بلافلاق حاکی اوج یلاق خراج کوندروب مطیع اولغین پادشاه
ولایت آنکروسه کیدوب سوران قلعه سن فتح ایدوب قرال اوج عدد نامدار بکرزاده بی رهن کوندروب صلح
رجا ایتمکین (نظم) چودشمن یغزاندر آورد سر * نباید که رخاش جویی دکر * موه و خجه پادشاه
ادر نه به کلوب بویله پادشاه آتدن دوشوب نیچه کونلر عظیم الم چکدی * بنه بویله پادشاه قسطمونی حاکی
امقند یاردن بعض قلعه لری ایتمکین طومیه و کاکتری و قلعه جنگ حصار لری ووردی (امور) سابقا پادشاه
شهرزاده مراد شاهه اماسیه سنجاعن ووروب سکر یوز بیکری برده اومینه کبراده نیچه قشنه اولغین اطرافده
اولان امرایه شمرزاده درنگ امرایندی * بویله اماسیه و توقات حدوددن قسطمونی و بروسه حدودنه
کنجه عظیم زلزله اولوب اوشهر لک خلقی اوج آیه دلخجیرالره چادر لره اوتوردیلر * کراوانان قشنه لردن
بری بویله که سابقا تجموردن قاجوب بلدرم شانه کلوب سبب عداوت اولان قره قوینلو بکی قره یوسف که
سکره عمالک آذربایجان و عراقه تدویمله مستولی و مستقل والی اولوب دیار بکر حاکی قره عثمانله ارنجمنان
و بایورد بکلکچون دایما تراعه ایدی عاقبت ارنجمنانی الوب پیر عمره ووروب عردخی عسکر چکوب
قره حصار شرقی بی محاصره ایدوب آنک صاحبی ملک احمد اوغلی حسن بک شاهزاده به قدیدن عبودیتی
اولغین عردن شکایت ایتمدی * بویامده الب ارسلان اوغلی حسن بک جنید بکی اولدروب چانکی الدی
امقند بارون دخی سامسونی و باوره بی الوب اوغلی خضر بکه ووردی * اسبق قصه لری پادشاه ایستد کده سنه
سکر یوز بیکری ایکیده عسکر جمع ایدوب واروب قشنه لساکن اولدی * بعده قلعه سامسون مقدمه محاصره
اولوب سکره پادشاه وارد قده خضر بک کلوب قلعه بی ووردی * ایشو و ایلده ولایت چانکی دخی فتح و ضبط
اولندی پادشاه بروسه به کورکن اسکییده بر حصارده نیچه بک خانه تانار کوروب صوروب منت بک آدلو
بر تانار بکنت قیانی اولوب سردار لری حصار اوغلینک دو کوئی به معیتی اولغین رکاب همایونه یوزموره مدی
دید کارنده پادشاه بونلر لظه ورندن قورقوب روم ایلمنه قلبه اطرافنه کوروب حالا اوچله قوش درلر
بونلر معمور ایدوب منت بک اوغلی محمد بک بر عمارت و خان و بهض خیر بنا لرایندی (امور) سنه مزبوره ده
پادشاه بروسه جامع و مدرسه و عمارت و تربیه بناسنه بشلدوب اکاوقف ایتمک ایچون بر سردار کوندروب
استانبول قریده هر که قلعه سنه وارد قده کافر لری قاجقین ضبط ایدوب بعده اسکی ککبوزه به واروب
خیلی محاصره ایدوب عاقبت به ما ایلد فتح اولوب اونا حیدر طارو بی نام حصاری کافر لری اطاعت و عهد له
ووروب اکا قریب بندیک و قرتال و بعض قریه لردخی النوب پادشاهک بنالریه وقف اولندی (امور)
تفصیل حالی مر حوم بلدرم خان علماسنده بکن ممانونه اوغلی منلا بدرالدین محمد که مومی چلبینک قاضی
عسکری اولوب آنک قتلنده ایده بیلاجه وظیفه ایلد ازینقه سور لشدی * فاضل کامل و اهل ارشاد اولغین
اتباعی جوته الوب قاضی عسکر ایکن کتورامی اولان بوز کوجه مصطفای خلیفه ایدوب آیدین ایلمنه

کوندرد کده تیره و آیدین خلقینک تیره کوکالرن آیدین ایتمک صورتنده مذهب الحاد و مشرب فساد ایلد انلری
تسخیر ایدوب اوج یکدن زیاده سوار و پیاده ایدروب خارجی اولدیغنی شیخ ایشیدوب پادشاه خورقون
قره دگره آندن کی ایلد افلاقه قاجوب افلاق حاکی اکا بیحساب اسباب ووردی * بوشانده پادشاه سلاطینک قشنه
کیمکین شهرزاده مراد شاهه خبر کوندرد بکه بوز کوجه نک اوزرینه واره اودخی وارد قده اون بیک یاش
بیک نفر ایشو ایلد محکم صواشوب عاقبت اکثری سردار لری مقتول و باقیلری قاجدیلر روم ایلمنه مزبور
شیخ بیحد احباب و اتباع جمع ایدوب ملستره به کلوب دلورمان دید کاری برده طوروب اطرافده احبابنه
نامه ل کوندروب پادشاه ایستد کده سلاطینک قشندن قشنه دفعی اهم و تنهی اعدردیو سیروزه کلوب یازید
باشا یله بلول کوندروب شیخک و تابعیله صواشوب شیخ اورمانه کیزانوب بوز کوجه قشنتک خبری کلد کده
شیخی یاتنده اولان اشقیبا پادشاه خوفدن طوبوب یاخود پاشا شیخه مرید اولق نامیله بعض کسسه ل
کوندروب انلر ایلد طوتدروب کتورد کده پادشاه علمایی جمع ایدوب شیخی الزام ایتد کارنده صاعی بالقه اددرد
دیو قشنته حکم اولغین سیروزده صلب اولندی (وفات پادشاه و تدفین عظیم در اخفا موت او) (محرره)
مقرر بوجهان جای فساد * مسیل اوزره یا بلش بر بنادر * کلان لاید * کوراشیو بجهانندن *
قونار بر بنه بیری کار باندن * سنه سکر یوز بیکری درت جمادی الاولی سنده ادر نه ده پادشاه مرض اسهالندن
وفات ایدوب امامیه ده شهرزاده به خبر واروب کنجه قرق بر کونه دلوزرامیتی صافلیوب هر کون دیوان
سوروب پادشاه ازمر اوغلی اوزرینه کیده چکدر دیو بیکیری و صباهه وظیفه لری ووروب اناطولی به کجوب
میغاده اناطولی بکتر بیکسی یاتنه کیمکه سیروروب اطرافه امر ل کوندردیلر * سطلدار بلوکی پادشاهی الیته
کور لردیوب ووزاد قده چالنبوب چاره اولد قده اوکون مهلت الوب بر طبیب لیب تدبیر یله مینه قشنان
ودایند کیدروب پادشاهی هوا انجمنه کیمانه سیله او طوی قرا کوا یتیمکیچون درود یوار لریته برده لرا صوب
میتی یصد قلعه طیا یوب اللری حرکت ایتد مکچون بر صنعتله ادر نه آدم قوبوب بعده پادشاه یاتنده هنر کاهه
اولسون دیو سباهیلر همان برقاج بلول باشیلر بن ایچرو قود قلعه طیب قارشو کلوب دلبدن بره چالوب
وزیر اعظمه پاشا ادد فریاد سنک الکن بپادشاهه علاجه چالنبوب سن اتی حرکت ایتد مکجه زبون ایدور سن
دیو عر بده ایدوب میتک دخی ادر نه اولان کمنه النی و بعض اعضا سنی تحریک ایتمکین ال اوچکه کیرنلر
غلام بقمیوب شادوب پادشاه دعا ایدوب چیقوب کوردل حیاتده در لکن خسته انجمن دیو خبر وورد کارنده
سائر سباهیلر یانوب شهرزاده نک امامیه دن بروسه به کلد و کئی وزرا ایستد * کده میتی تخت و تانله بروسه به
کوندروب بر قوناق قالد قده شهرزاده و اهل شهر قارشو واروب اغلشهرق کتوروب وفاتنک قرق ایکنی
* کوننده دفن ورو * چچون خیرات ایتدیلر (فصل در خیرات پادشاه) بروسه ده آق مر مر دن مصنع
و ایچرو بی اتونلو و نسلونلث خطله وافر آیت کریمه لری یازیلو ینظیر کاشیله ماتد مر صرع بر جامع و مدرسه
و تربیه و عمارت یاچشد که جامعی یشل جامع و مدرسه می ساطاینه دیمکه شهرور اولوب دیار بجمعه برداشند
حدودن زیاده شغل ایتد بروسه سلطاینه سنه دانشمندی اولق ایسترسن دیوب ضرب مثل و معلوم اهل ملل
اولندی * هر مدرس بکی اولد قجه بر عظیم درس عام ایدوب پادشاهانه ضیافت اولق شرط ایدوب الی الان
آنکله عمل اولتور * و قصیه مرز یفونده دخی ایکی حجام یا یوب بیلد اوقافی حصولدن هر سنه مکده مدینه
مجاور لریته صرمدید کاری صدقه کوندربک شرط ایدوب یو عادت باعثة السعاده سلاطین رومده ابتدا بونک
ایجادیدر * حیاتنده دخی سرمینه وافر صدقه ل کوندروب و دایما علمای و ارامل و ایتمه احساندور عایانه شفقت
فراوانلر خصوصاً هر جمعه کونی فقرایه تقسیم طعاملر و مستحققره صدقه و انعاملر ایدردی (نظم) رحمت
اول سلطان عالی همته * کیم مدار اولدی نظام امته * دوات عثمانی تجدید ایلدی * عدل بنیابینی تمهید
ایلدی * ملک رومه ووردی رونقه نظام * طاب مشوام الی یوم القیام (فصل) هر حوه ک زماننده اولان
کاره شاهیر علمایونلر ایدیکه (۱) مولانا خیر الدین الهمی نیچه علمادن بده سید شریف حضرت تلمدن اوقیوب
رومه کاد کده سلطان مدرسه سنک مدرسی محمد شاه قناری به معید بعده بعض مدرسه مدرس اولوب سلطان
مراد زماننده یومی او تونلر اجه وظیفه ایلد معنی اولوب پادشاه زیاده ایتمک دبلد کده بیت المال دن قدر کفایتدن

زیاده المتی حلال دکندر قبول ایتدی ابراهیمده سبب مسلول صارم و ماصدق (لا ینحاف فی الله لومة لائم)
ایدی شقایقه بر عظیم قصه سی مذکور در خواجه زاده بوندن کتاب صحیح بخاری او قومش در فقه هده مشتمل
الاحکام ادلور طایف کاب یا زمشدر ادر نه ده وفات ایتدی (۲) صاری یعقوب قرمانی فاضل متبحر و صلاح
متصف و مشهور اولوب بعض تألیفاتی وارد رجه واروب مصر علماسیله بحث ایتدی واقعه سنده حضرت
رسولی کوروب یار رسول الله (لحوم العلماء معجونه فن شها مرض ومن اكله مات) دیوسزدن متقولدر
بویه میدردید کده رسول صلی الله علیه وسلم (یا یعقوب قل لحوم العلماء معجونه) دیوسر مشلر (۳) قره یعقوب
قرمانده نیکده دند و علوم جلیله فی تحصیل و تکمیل ایدوب مصابحه شرح و هدایه به حاشیه یازوب مصر
وشاه مدخی وارمشدر (۴) صوفی یازید فاضل کامل و عارف عاقل اولغین یلدرم یازید خان بونی شهرزاده
سلطان محمد خواجه ایدوب سخاغه یله کیدوب بعده شهرزاده بونی تیمور لنگ کوتاهیده ایکن ایلچیلکاه
کوندر مشدی (۵) فضل الله عالم عامل و فقیه کامل اولوب سلطان محمد زماننده ککبوزه قاضیسی ایدی (۶)
محمد بن سلیمان که متن کافی در سنده مداوم اولغین شیخی الدین کافی به دیملکه مشهور ایدی ولایت قرمانی ده
برغمه شهر ندر و رومده تحصیل ایدوب بعده عجم و تاتاره کیدوب کار عالم روم و غیریدن ملاقاری و ابن ملان
وزناری و نیجه لردن اوقیوب تقلیدانده بحر محیط زشار و ابر برادر در بار اولدی بعده مصره واروب شیخ
جلال الدین سیموطی بوندن اوندوت یل اوقیوب علم و فضل و صلاح و اوصاف حددن بیرون مدح ایدوب
مختصرات و رسایلدن بعد مؤلفاتی وار ایدی سکر پوزیش طقوزده طقسان بریاشنده مصرده وفات ایتدی
(فصل) مرحوم پادشاه زماننده اولان کار مشاهیر مشایخ بونلر ایدیکه (۱) شیخ عبداللطیف قدیمی اهل ولایت
صاحب کرامت عزیر ایدی اولاقدم شریفده تحصیل و تکمیل علوم ایدوب بعده عجمه کیدوب شیخ زین الدین
خانی حضرت تارندن تکمیل طریق ایدوب ارشاده اجازتله بروسه به کلوب انده وفات ایتدی (۲) شیخ عبد
الرحیم مرزفونی مصره کیدوب آنده شیخ زین الدین خانی به بونلر ایدوب تکمیل طریق ایدوب ارشاده اجازتله
وطنه کلوب آنده وفات ایدوب حددن بیرون قرمانی ظهور ایتشدی عاشقانه الهی اشعاری واردر (۳)
شیخ پیر الیاس امامیه نواحی سندن در زمانندن فضله مشهور علمادن اولوب تیمور رومه کلد کده آنک
ابرامیله شیر وانه کیدوب بعض مشایخدن تکمیل طریق ایدوب خیلی مدت نصرکه اجازتله صله سته کلوب
شیخ وفات ایتشد کده ارشاده بشایوب بعد زمان وفات ایتد کده مینتی تشر فخته سیده بر صغه اوزرینه
توبوب اگری اولغله فخته دخی اکلد کده میت فخته فی البله بایشوب طو توبغنی بعض خلق کوردیلر (۴)
شیخ زکریای خلوقی پیر الیاس مریدلر ندر بر و وفاتده مریدلری قائم مقام کیم اولور اولدیو خلوقلرده ایکن
مر بورز کرباه اولغله اشارت الهیه اولغین بو کایهت ایتدیلم معارف عظیمه و مجاهده اهل عزیر ایدی (۵)
شیخ عبدالرحمان چلبی ابن ملا حسام الدین کومشلاو اوغلی در لر دی والدیه می پیر الیاس قیزی کندوی شیخ
زکریا مریدی اولوب آنک برینه بکده علم تعبیرده ماهر اولوب عاشقانه الهی اشعاری واردر مخلصی
حسای ایدی (۶) شیخ نجای الدین قرمانی شیخ حامد قیصریدن تکمیل طریق ایدوب عارف بالله ایدی
(۷) شیخ مظفر الدین لارنده وی بودخی شیخ حامد یاننده اهل مقامات و کرامات اولدی (۸) شیخ ایچجه بدر الدین
شیخ حاجی بیرام حضرتلرینه مقارنتله مقامات علیه و کرامات سنبه به ایرشدی (۹) شیخ قزل بدر الدین
بودخی حاجی بیرامه مقارنتله مقامات و کرامات ایرشدی (۱۰) شیخ باباد مورانقروی بودخی حاجی بیرامه
مقارنتله واصلیندن اولدی (۱۱) شیخ صلاح الدین بولوی بودخی حاجی بیرامه مقارنتله واصلین و مرشدیندن
اولدی (۱۲) شیخ مصطفی الدین خلیفه بودخی حاجی بیرامه مقارنتله واصلین و مرشدیندن اولدی (۱۳) شیخ
عمر دده بروموی بودخی حاجی بیرامه مقارنتله واصلیندن اولدی (۱۴) شیخ طایف الله اسفندیاریک نسلندن
اولوب امرادن ایکن حاجی بیرامه مقارنتله واصلیندن اولوب حضرت شیخ بونی بالی کسریده خلیفه نصب
ایتدی (نظم) بونلر اولدی مقتدای اهل دین * رحمة الله علیهم اجمعین

(باب سادس در احوال سلطان مراد خان ثانی ابن سلطان محمد خان علیه الرحمة والغفران)
(نظم) خیر الله من عزال دوله صاحب عدل و داد * آفتاب اوج برج سلطنت سلطان مراد (نثر)

ولادتش فی سنه ۸۰۶ جلوسش فی سنه ۸۲۴ مدت سلطنتش در وقعه اولی سنه ۲۳ مدت فراغتش سنه ۱
مدت سلطنتش در دفعه ثانیه سنه ۷ عمرش سنه ۴۹ وفاتش در ادرنه فی سنه ۸۵۵ اون مکرز باشنده
فخته کجوب یکر می اوج یلندنه کده اون ایکی باشنده اولان اوغلی سلطان محمد حسن اختیار به فراغت ایدوب
بر یلندنه کده پادشاه براو غلا فخته در یو جمع کفار حرکت ایتدین شهرزاده بونی کتور دوب کفار به جنک
و غلبه دنصرکه شهرزاده رضاسیله فخته کجور یلوب ایدی یلندنه کده مرض صداعدن وفات ایتدی (فصل)
در ذکر شهرزادگان و وزرا و بکرا و کسان) اولا شهرزاده لری بونلر در که (۱) سلطان علاه الدین سکر پوز
قرق اوجده ایکنی برادر ی سلطان محمد ایلده سنت اولوب دهده امامیه سخبانی ویر یلوب آنده ایکن سکر
پوز قرق ایتده پادشاه قرمان اوغلی سکر پوز به کجور چکد کده امر پادشاهله بودخی سخباغندن عسکره
کلوب سفر آخرنده اجازتله سخباغنه وارد قده یله بوییلده وفات ایتدی (۲) سلطان محمد خاندن که پادشاه
اولغین احوالی اشاعیده کلوب (۳) سلطان احمد امامیه دهده وفات ایدوب میتی بروسه به کتور لادی (۴) سلطان
حسن (۵) سلطان اورخان بوا یکسی ادرنه دهده سخباغه جقمیدن وفات ایتدی (۶) کوجک احمد پدیری
وفاتنده دخی سر ایده اولغین بو غدر لوب پدیری تا بویله بروسه به کوندر یلوب آنده دفن اولدیلر (ثانیاً) وزرا
و بکرا بیکلری بونلر ایدیکه (۱) وزیر اعظم ابراهیم پاشا ابن علی پاشا ابن خلیل پاشا پدیری و جدی دخی سابقا
آل عثمانه وزیر اعظم ایدیلر وزیر ثانی حاجی عوض پاشا خیانت تمهیل قتل اولغشدر وزیر یازید پاشا
دوزمه جه مصطفی بونی تمید ایتدی وزیر اصحاق پاشا وزیر مار و جه پاشا وزیر خادم شهاب الدین پاشا
وزیر امور پاشا اولد تیمور تاش بعیده عزل اولوب اناطولی بکرا بیکلکی ویرلدی بیجای حزه بک وزیر
اورج پاشا اولد تیمور تاش بهده اناطولی بکرا بیکلکی ویرلدی بیجای قراجیه پاشا وزیر علی پاشا اولد تیمور تاش
بعده عزل اولوب صاروخان سخبانی ویرلدی و سنان پاشا میر میران روم ایلی و قراجیه پاشا میران اناطولی
ورنه غزاسنده شهید اولدی و حزه بک میر میران اناطولی بیجای اورج پاشا وزیر اعظم خلیل پاشا ولد
ابراهیم پاشا پدیری وفاتنده قاضی عسکرایکن برینه کجور لدی و قوله شهبان پاشا میر میران روم ایلی و قاسم پاشا
میر میران روم ایلی و داد پاشا میر میران روم ایلی و زغنوس پاشا و بکرا بکی اوزغور اوغلی (فصل)
مرحومک زماننده فتح و ضبط اولسان قلعه و ولایتلر بونلر دره اناطولیده ضبط ولایت منشأ و فتح ولایت
ازمیر و فتح ولایت آیدین ایلی و فتح ولایت صارخان و فتح ولایت حیدایلی ککرتوار فخته بواج ولایت
یازیلوب بعضنده یازمشدر و فتح قلعه الاجه حصار که پای تخت مملکت لاس در ولایت روم ایلی و قلعه
قوجه قیاسی در اناطولی و ولایت جانبیک و ضبط ولایت کرمان در اناطولی و فتح ولایت جان اواسی و قلعه
کوکرجنک در ولایت لاس و دخی نیجه قلاع و قلعه آینه و قلعه سلانیک در روم ایلی و قلعه آقشهر
و قلعه قوتیه و قلعه بکشمری در اناطولی و قلعه نوارده در روم ایلی و قلعه معندره و قلعه کرمه خوره
و سایر قلاع جز برتموره و قلعه اچیه حصار و قلعه قوجاچی در ولایت ارناود و قلعه بالارادره (فصل)
در کیفیت فتح و ضبط بلاد برن پوره و معظیات و قایع زمان سلطنت (تدبیر) اولا فخته بکد کده ازمیر
اوغلی و بعض ملوک اطراف خیانتیه باشلغین هر برینه نواز شامه ل و قاجر جامه ل کوندر ووب قسبه فی تسکین
و اطفا آتش کین ایتدی (امر عظیم) بنه سنه جلوسده سلانیکده برکسنه (نظم) مانخوا یا چوق
کشی بی شاه ایدر * فکر باطل آدمی کراه ایدر * مقله و منجه تیمور محاربه سنده غائب اولان مصطفی چلبی
ابن یلدرم یازید خان بتم دیو دعوی استحقاق سلطنتله خروج ایدوب وافر اشقیبا ایدوب اورنوس
اوغللری تابع اولوب سیروزه کلوب اهل قلعه حصار ی تسلیم ایدوب ازمیر اوغلی جنید بک دخی توأمیله واروب
وزیر اولدینی ایتد کده پادشاه یازید پاشای کوندر ووب اودخی روم ایلینه کجوب دوزمه جه مصطفی بک کثرت
عسکرین ایتد کده بر حیل و تدبیر کجور یله قاجوب دوزمه به واروب اودخی بو کاو زارت ویروب بهده حیل
ایچون کلد بیکنی قرانتله یلوب شهید ایتدی * بعده جنید تدبیر به روم ایلیسک یا یاسنی مسلم ایدوب بهضنی
بعضنه خر خلقی ایدوب الیشرا فقه ویروب آنلر اشکنی دیو آد قومق احداث ایدوب و دخی حددن زیاده
بیاده عزب جمع ایدوب روم ایلیسک عوما فخیلرین و آنلر طوجه لرن یعنی بلوک باشیلرین کتور دوب

بعد عسکره کلیبولیدن کجوب میخالیج اواسنه قونوب پادشاه بونی اینسیدوب بویه بعد عسکر شقاثرله کلان
 (لمرره) خصنه ارسلان کبی وایچی * نارتغیان مارچی اول ساریجی * ایله مایله مشک اولغین
 مغفوم وشکته دل اولوب حضرت امیر سلطان واروب اول دخی دعا نصرت آل عثمانی جقدن دجا ایدوب
 جانب غیب بی عیب مزیل الریدن بشاثرله اشارت اولغین پادشاهه قیل قوشادوب تقویت ونسلیت ایله
 کوندره کین اولوب ایدرماغه واروب کوروسن کسوب انده چادرلر قورلدی ابرهیم پاشا عوض پاشا الهام
 اولنان امور واروج وعلی نام وزیرلر که تیور تاش اوغللر ندر بونلر القاسیله سابقا قاتده جیس اولنان
 میخال اوغلی محمد بکی روم ایلی بکلمنه آشنادر دیوانلر نصیحت ایچون چاغردوب بواشاده دوزمه مصطفی ثانی
 دعای حضرت امیر ایله بلا میب بونی قنایوب اوج کون اوج کجه دیکمیوب زبون اولغین چنک ایدر سیوب
 محمد بک کلوب ابرمق کارنده فارشوده کی روم ایلی بکلمنی بیرله طورخان بیرله اوغلی بیرله اورنوس
 اوغللری دیوب چاغردوب کله کلرند پادشاهلر طوررکن بریلایچی نکسته اوینی ارکلمیدر نیچون بویه ایتدیکنز
 دیوب نصیحتی ثانی ایدردی بعده دوزمه پادشاهه شیخون ایندر میچون کور برینک یوقارو باشندن
 بش ییک آنلویاده کوندروب پادشاهه خبر اولوب سابقا بکچی قونان بشیوز بیکچریدن غیری ایکی ییک آنلو
 کوندروب دوزمه عسکری کجه سون کچد کده عثمانلر آنلر کین قیروب اکثرین طونوب ایرتسی اردوده
 باشچی دکانده ایکی عزب بریشمش پاشه صانلدی بوالده * عوض پاشا دوزمه به حیلل ایچون محبتنامه
 کوندروب حقیقته پادشاهم یانلده اولان بکلم سکا خیانت ایدر جکلدر غافل اوله دیوبازوب
 تیور تاش اوغللری دخی جنید بک کاغد کوندروب من مستقل پادشاه ایکن بر خاریجی وزارتته تنزل ایکن
 رومیدر پادشاه آنلر بکلمه انصاف ایتدیله کلان کجه شیخونه واروب بکاری آتی طونوب آله ورره * پس
 ایرکندن قاجوب پادشاهه تابع اوله من * دیوبازمقین دوزمه ایله جنید حیرتده ایکن معهود اولان کجه ده
 عوض پاشا عسکره ابرمقند کجوب طبل وسورنا چالهرق واردقده جنید بک آیدین ولایتته کیدوب
 دوزمه دخی بر فاج آنلویله قاجوب کلیبولی به کجوب اولانجه کیلری قرایه چکلدروب آلنلرین صقلیوب
 بومار فده عوض پاشا دوزمه نلخرینه من ضبط ایدوب بکاره استال ایدوب نهر اوسنه کور و قوردروب
 ایرتسی پادشاهه کجوب بکار کفن برکردن ایدوب اعتذار واستغفار ایتد کلرند عفو اولوب بعده پادشاهه عیله ایله
 دیوب کارنه واروب کبی بولمقده کلیبولیده برکسینه به پروز کچ کسینه ایله مکتوب کوندروب عاقبت
 بر فک کیسی یوانوب کمیچی ایله بش ییک التونه قول ایدوب کجه خفیه کیدوب پادشاهه کا صقد و غنجه
 عسکر قروب فارشوبه واردقنده صواب کجیلرله صواب بر فاج کی الوب کوندروب شاه و جله سپاه کجوب
 دوزمه بونی ایتد کده ادرنه به قاجوب پادشاه آنلر ادرنجه کیدوب دوزمه قاجوب بعض شهرلر طولاشوب
 ادرنجه عسکر کیدوب عاقبت یاشده اولان سپاهیلرانی طونوب تسلیم ایتمکین قید بنده کتوریلوب ادرنه
 حصارلک برجنده صلب و وجودین عالیدن صلب ایتدیله (ع) همیشه دشمن عثمانیان اوله مقهور *
 بوقصه سکر یوز بیکری بشده واقع اولدی (لمرره) مغل اوزا اهل افساد و فساد * دائمی محنت چکر بولر
 مراد * خلق ارانده قتی مذموم اولور * عاقبت بولور جزا معدوم اولور (بنی برادر) پادشاه دوزمه
 مصطفی دفعنه مشغول ایکن پادشاهلک کوچک برادری اولان مصطفی جلایی به حید بکی و گرمیان اوغلی
 و قرمان اوغلی عسکر ویرمکین بروسه به کلوب شهر خلقی قلعه بی قیایوب پادشاهه عصیان ایدر مز زنیجه
 مدت محاصره ایکنز فتح ایدر مز سز هان بر فحی آمان بره بیورلر دیوب یوز باره پاشا ایلیجی کوندرمکین
 ازینقه واروب محاصره ایدوب پادشاه دوزمه ایله متفق ایدی دیونکوره قاقیوب استانبولی محاصره ده ایکن
 اینسیدوب ازینق ضابطنه قلعه بی ویره منکده بواشاده علی الفله وارمق اوزره یم دیوب و مصطفی کلان لالایی
 ایاس بکسنی اناطولی بکلم بیکسی ایدر یم دیوب مکتوبلر کوندرمکین ضابطی قلعه بی امانلر و دیوب لالادخی
 مصطفی شهرده عیش و عشرته و تدبیردن غفلته دوشروب ظاهر ادب و انلر سوروب مننه بر تیارلر و دیوب
 کریمیان و قرمان بکلم لالانک مصطفی به خیانت فراسنده ییلوب مصطفی الوب کتیکه ابرام ایدوب ایکن
 (نظم) قضا دل کند چشم خرد کور * پس آنکه بر خردمند اکند زور * مغفوم غنجه مصطفی لعل و عسی

ایله صبح و مساکوروب پادشاه روم ایلی محافظه سینه ایکی مردار کوندروب کندومی ازینقه واردقده
 لالایاس مصطفی طونوب کتورمکین بوغدریلوب بدی یاشده دفن اولنقه بروسه به کوندرلدی فی سینه
 سکر یوز بیکری الی (قصه) وزیراچو غلغین پادشاه امور پاشایی کریمیان اوغله ایلیجی کوندروب اورج
 پاشا به بکار بیکلم و آنک برادری علی پاشا به صارخان سنجاغ و کندولالایی یورکچ پاشا به امامیه سنجاغ
 و دیوب وزارتده هسان ابراهیم و عوض قالدی (غلبه) پادشاه بروسه ده ایکن اسفندیار بک طرافلی
 و بوری بی محاصره ایتدیکی اینسیدمکین پادشاه یوروب بولی به یاقشده اسفندیار عسکر بیکلم نیجه لری آنک
 اوغلی قاسم قدیم پادشاه یاشده اولغین کلوب تابع اولوب پادشاه بولی به کاد کده اسفندیار حکم چنک ایدوب
 عاقبت عسکره مایوب و روی یوز بهلری مقلوب اولوب کندومی دخی عثمانلردن برشش برضریله مجروح
 اولغین قاجوب سنوب قلعه سینه کیروب (ع) جراحتدن قولای صاغر اولدی * ملاکملر بیکلم اکثری
 عثمانلر ضبط ایتد کده اسفندیار پادشاهه اعتذار نامه ایله اوغلی مراد بکی کوندروب هر مفرده قادر اولدجه
 معاونت و خدمت و قیزی پادشاهه تزویجیه عهد ایتمکین (نظم) ایله نادمدن قینک عذرین قبول * دفعنه
 سخی المیوب اوله ملول * مغفوم غنجه جرمق عفو ایدوب بروسه به کاد کده اعدا غز به متم اولان عوض
 پادشاه پوانه به ایله کلدوکی یوقلنوب واقع چقدقده کوزلر سینه قیزمش میل چکلدرلدی (تسخیر) پادشاه
 اسفندیار دفعنه مشغول ایکن افلاق بکی عمالک اسلامیه به تعرض ایتدوکی اینسید کده محافظه ده اولان
 فیروز بکله اطرافنده کی بکاره اخلاقه اقین ایتمک خبر کوندرمکین اندر دخی ایله سارله واروب وافر کافر قیروب
 بعده پادشاه ادرنه طرفته واردیغی افلاق بکی اینسیدوب وافر هدیه ایله کلوب ایکی یلقی خراجن تسلیم
 ایدوب ایکی اوغلی دخی رهن ویردی و اشوب ییلده که سینه سکر یوز بیکری بدیدر ولایت ارناده کافری دخی
 طغیان ایتمکین اورنوس اوغلی عیسی بک غار نیچون وافر عسکره کوندرلدی (سور) سکر یوز بیکری
 سکرده پادشاه بروسه به کلوب دوکون تدارکن کوروب مقدمما نکا حاندیغی اسفندیار بک قیزی کتورمک
 عسکر و بکار ایله خادمه و خانلر و کریمیان اوغلی یعقوب بک خانونی که پادشاه اکاشاه اناد برایدی بعد تحف
 و هدایا ایله کوندروب اسفندیار دخی بونلر عظیم رعایتلر عالی دوکون ایدوب بیجده هزاره قیزی تختروانله
 کوندروب کندو دخی وافر آدمه قوشدی بروسه به کاد کده پادشاه کندونک اوج همشیره سبک بری
 کندویاننده اولان اسفندیار بک اوغلی قاسم بک بری اناطولی بکلم بیکسی قراجیه پاشا به بری ابرهیم پاشا اوغلی
 محمود جلایی به و دیوب جله سیچون بر عظیم دوکون ایدوب علما و مشایخه ضیافتلر و احسانلر و ساز و سوز و مرور
 فراوانلر ایدردی (نظم) همیشه در که عثمانیان چنین بادا * زشادی دل شان دشمنان حزین بادا (قصه)
 ولایت منتشا کی یعقوب بک ابن منتشا وفات ایدوب ایاس و محمود نام اوغللری قلوب بعد زمان محمود
 وفات ایدوب ایاس مستقل اولدقده اوپس واجد نام اوغللری پادشاهه خلوص تا کیدیمچون رهن
 کوندروب * مکر یوز بیکری طقوزده ایاس دخی وفات ایتد کده ایله اجد پادشاهلک رعایتله غیر قانع
 و سلطنت آبا و اجداد لرینه طامع اولغین قاجق دیلد کلرند وفات قلعه سینه حبه کوندریلوب منتشا بکلم
 بلبان پاشا به ویرلدی اوپس واجد ایکی مله نصکره بر حیلل ایله قاجوب احمد بک دیار بکمره بعده مصره بعده
 عجمه کیدوب نابید اولوب اوپس قاجقه قادر اولوب حیرتله کررکن طونوب دزدارله ییلده قتل اولدی
 (قصه) سکر یوز بیکری طقوزده ولایت آیدین بکی بخشی بک پادشاهه خان اولان از میر اوغلی چند بکله
 دام صواشوب جنید روباه کید بخشی بک برادری حیلل ایله صیدوی ترد و مطل قتل ایتد کده پادشاه اناطولی
 بکلم بیکسی اورج پاشایی اوزرینه کوندروب جنید قورقوب اسلی قلعه سینه کیروب پاشا اول اطرافلک
 قریه لرین تیمار اوشاردوب دوند کده جنید بکر افسادر ایتمکین اورج پاشا وفات ایدوب یرینه اولان حمزه
 پاشا دخی کوندرمکین صواشوب جنید اوغلی قورت حسن عثمانلر بک برقونی صیوب قورلر کن بقیه
 عثمانیان جنیدی صیوب قلعه سینه قاجوب (نظم) قورت کیم صید ایچون همیشه یله * بالضروره
 ویرر یوز غازی اله * مغفوم غنجه قورت حسن بقیه عثمانیانه ضرر قصد یله طونلدی (نظم) شجاعت نافع
 اولر اولسه کردولت آناری * شقاوت اهانی ایتز خلاص اعوان و انصاری (نثر) بعده حسن قلعه یاشده

ایاتوب پادشاه اطاعت تکلیف اولند قدح جنید عناد ایدوب بر کون حصاردن فرق نفر دلور آنلواپه
 علی الخضره جیقوب صفار باروب فرمان اوغلنه معاونت طلبنه واروب پادشاه خوفندن بوزبولوب
 باساره دونوب کلوب نه صفار باروب قلعه سه کربوب محاصره اوزاند قدح اهل قلعه هر وجهه مضایقه دن
 خسته اولمغین باغشورده اما نه طشره جیده قدح بخشق بک برادر بک انتقامچون (محرره) دوشمنه کندن
 فرضتی قوت ایله * نادم اولوب دوشمنه سن تاغ * فهو منجه قورت حسی صکره پدربی قون کبی
 بوغازلوب باشلری حصاره فارشود یکم کین اهل حصاره قونبوی آجوب قلعه بی تسلیم ایتدیلر (قصه) افلاق
 کافری سرحد امر اسندن باهکی حبس ایتدو کین پادشاه ایشیدوب سکر بوزاوتوزده روم ایلنه کرب نلبه
 کد کده تکه اوغلی عثمان چلبی فرمان اوغلی انتفاذله ادالیه حصارنی محاصره ایتدیکتی ایشیکین روم ایلی
 بکارتیکسی سنان باشلی لاس ولایتنه کوندروب پادشاه کندوسی قنقی جانبه وارمغه ضرورت زیاده اولورسه
 اکتامکچون خبر طهر ورنه توقف ایدوب پادشاه عسکرله واروب تختسکاه ولایت لاس اولان الاجه
 حصارنی فتح وکلبه ازین مسجد وجامع واکثر ولایت لاسی دارالاسلام ایدوب امر پادشاهی ایله مزید بک اتانی
 ضبطه سخاق بکی کوندربلوب مزید دخی دمبدم فتحلر ایتک اوزره اولدی * اوچانیده عثمان چلبی پادشاه
 خوفندن فرمان اوغلنه واروب انک معاونتیه ولایت تکه دن عسکر جمع ایدوب ادالیه بی المغه عزم ایدوب
 تکه بک بقلاشد قدح فرمان اوغلنک تکه سنه قتلانوب بویامده خسته اولوب ادالیه بکی ایشیدوب بلغارله بلولک
 کوندرومکین واروب عثمانی قتل و همشیره سن اموال غنیمتله کتوردیلر (قصه) فرمان اوغلی محمد بک که
 نیجه کده اله کلوب بهد قو بوبریلوب عثمانیانه خیانت وکلا کتولنه غارتدن خالی دکدی * حال دخی کلوب
 ادالیه بی بدی ای بر طرفه اوج ای بر طرفه طوبر طرفه واروب دوکوب محاصره اوزاند قدح (ادان اجل البعیر
 هم حول البعیر) مفهوم منجه برکون بر الاجه آتیه نوب حصارلنه طرفندن یورش قابل ایکی دیو کرب بقارکن
 قلعه ده برطوبی بونی نشانایوب اند قدح طوب طانی بونی آت اوستندن قاپوب خرد خشنخاش ایدوب
 عسکری طاعلوب یوله اوغلی ابراهیم بک مینی آلوب ولایتنه قاجوب دیکر اوغلی علی بک حصاره کربوب
 دالیه بکی حزه بک طشره جیقوب الاجه آتی بوش کرز کوروب فرمانلرک مالارنی آلوب اول طوب طانی
 عبرت ایچون زنجیره قلعه قابونه اصدیله (نظم) شغالی که کین باپانک آورد * سرخوین رازیر سنک
 آورد * برامرد قل سیز چنسان * که آخر شود عاجز از دشمنان (نثر) حزه بک علی بکی مال غنیمتله
 پادشاه کوندروب اودخی بوکته ایلی سخاغن و مرصع قلم و مکمل رختله برآت کوندروب سابقا طوتلان
 تکه اوغلی همشیره سن دخی نکاح ایتک یوردی * علی بکه دخی وافر احسانلر و همشیره لزند برخی وصفیه
 سخاغن وروب آخر عمر نه دل صفایله بکندی * اول جانبه ابراهیم بک پدربک مینن قونیه به ایلند کده
 عیسی تخته بکمش بولوب ایکسی نیجه دفعه مجادله و مقابله ایدوب عاقبت ابراهیم برادری عیسی ایله
 پادشاه کوب بودخی هر برینه برهمشیره سن و عیسی بکه روم ایلند قدح سخاق و ابراهیم فرمان سلطنتن
 وروب قلع و شادوب عسکر قوشوب عهد و پیمانله کوندروب وارد قدح عیسی الندن تختنی قورتاوبوب
 پدربی غصب ایتدوکی ولایت حیدر قلعه درین قلعه اوقاق خیمه سهله پادشاه ووردی (قصه) ترکاندن
 قزل قوجه اوغلی دیکنه معروف درت حرامی امامیه بوقت اطرانی غارت و قطع طریق ایدوب
 حاکم لردن عورت دخی قارلری * امامیه بکی یورکچ پادشاه برکامل اولمغین پادشاه اغزندن بونلره * نجباء تکر
 بنیدوب حنکرده احسام ظهورنه سب اولمغچون بیوردمکه فتح ولایت جانیک * بارش اولشان لالام
 یورکچ پادشاه بیل کیدوب خدمت آخرنده ارتق آباد سزه تیار و جای قرار اولسون دیوچاوشله برامروبر
 قشاق و بعض هدایا و کتودن دخی بشفه مکتوب و هدایا و ایلی کوندروب آنلر دخی بوله دیوب درتوزلکن
 سرترکان جمع ایدوب پادشاه وارد قدح دوشمنه سهله ایدوب قی اوشروب پادشاه دن عسکر کاخچه اول قلعه لری
 ضبط ایله لم دیوسو بلیشوب پادشاه کد کده فراشته ترکانلرک خیانتن اکلاوب امامیه ده تمارض ایدوب
 اوغلی شمشیر بک فارشو کوندروب امامیه به کد کارنده اعلا اولره نابعلری دخی * پادشاهلر اوزینه کوندروب
 رعایتلر ایدوب هر کون خضر بک آنلر واروب بوزلر نه کولوب برکیجه جله سی مستانه ایدورلرکن مزبور

پادشاه اوغلی بک قتل ایدوب بولدشالرین دخی بغلیوب بر مغاره به قویوب ایچنه آتش یا قوب قبوسن
 قباوب ایچرورده فوتشدن جله سی هلاک اولوب بعده پادشاه بلغارله ترکانلرک مسکنی اولان چورم لو صخره سینه
 واروب جله سن قیوب اهل و عیالاری اطرافه طاعارب دیانچیلرک ایتکه کتدیلر * عسکر غایبده طویم اولوب
 برقیون برانجه به جانلر اولدی بعده پادشاه برترکن کتورنه برخاست دیوچاوغین بو طریقه قلا چوق کسنه
 هلاک ایدوب بوندن صکره ولایت رومده ترکان بلورمدی (عبرت) برهفته دن صکره بر خاتون نصر عیله
 مغاره قبوسنی اچلوب اوغلی یوقلا دقدح بر قاج آدم آئنده مونه قریب صاغ بوانوب بیکناه اولمغین قدرت
 حقه خلاص اولدی (قصه) ولایت امامیه ده قوجه قیاسی حصارنک پادشاهی حیدر بک نام میر
 قلعه بی غایت صعب و بلند و کوره دماوند مائده اولوب ایچنه بوزیلانی ذخیره قونمغین کسنه به سر فر وایتمیوب
 قاسم آلول قتل اوغلی که بی شمس احوال ایچون ملولک اطرافه کوندروب اوغلی ایدو کتی یلدر میوب
 غیری کسنه بی کوندرمکه اعزاز ایتدی * یورکچ پادشاه بونی قحه چاره دیکر ایدوب عاجز قالد قدح حیدرک طیفور
 چلبی نام صاحبی پادشاه دن وعده احسانله تدبیرله ایدوب بعده انک الیه ذخیره ایشارنه آتش اوروب
 باند قدح حیدرک اوچانی سوب شدت محمدن جانی کویوب پادشاه بلغارله وارد قدح حیدر ذخیره سزلکله
 مضطر اولمغین قلعه بی تسلیم ایدوب پادشاه بونی ایشند کده حیدره اورتاق اعلا تیار ووردی (قصه)
 سکر بوز برده یورکچ پادشاه ولایت جانیک المن ایچون حاکمی اولان الب ارسلان اوغلی حسین بک اوزرینه
 عسکر جمعه به پادشاه اودخی ایشیدوب بن عاصی دکام دیو اختیار یله کلوب بولاشد قدح پادشاه بونی زنجیره
 پادشاه کوندروب اهل و عیالنی امامیه به کتوروب صقلیوب پادشاه حیدر بر وسه ده حبس ایدوب
 حسین بکی بی باغلیوب ککندوسی حصاردن کندایا ایتوب احضار اولمش آتیه نوب قاجوب ایکی
 ییلدن صکره اختیار یله پادشاه ککیز رعایت ایتوب روم ایلند قدح سخاق و بریلوب اهل و عیالنی دخی
 کتوردیلوب تسلیم اولندی (امور) اناطولی احوالی دوزلد کده سکر بوزاوتوز برده پادشاه ادرنه به
 واروب سرحد بکرندن سخاق بکه وانر عسکرله لاس ولایتنه ایتن امر ایدوب اوسنه کتدوسی ادرنه ده
 اوتوروب اشاغیده بیان اولنه جتی ارکند کوروسن و قصه سن پادروب بوانشاده کریمیان اوغلی یعقوب بک
 بیر شخص اولمغین آخر عمر مدر بر کره پادشاهی کوریم دیو ککله استیذان ایدوب اذن اولمغین بروسه به کلوب
 اهل بروسه امر پادشاهل فارشولوب تعظیله شهره کتوروب امیر سلطان بولشوب مزارات عثمانیانی زیارت
 و علما و مشایخ و سادات و قشایه اهل ایدوب بعده ادرنه به کیدوب بر قوناق قالد قدح امر پادشاه جله ارکان
 و سپاه فارشولوب بر سرایه کوندروب بجد سمات چکوب ایتسی پادشاه رختیله برخاص آت کوندروب
 زینت و شوکت ایدو سرایه ایلدیلوب پادشاه کی تعظیم ایدوب بعده بر قاج کون ممد ضیافتلر و مصاحبتلر
 ایدوب عاقبت کندویه و ترابعه احسانلر و خدمتلر و رعایتلر ایدوب ولایتنه کوندردی * بر ییلدن صکره وفات
 ایتد کده وصیتنامه سی اوزره ولایتنی پادشاه ضبط ایدوب امور بک اوغلی عثمان چلبی به سخاق ووردی
 * بعده امر سلطان روم ایلی بکاری ولایت لاسه واروب بجد کافر قیوب وافر غنیمت آلوب ولایت جان اوایی
 رفاهه کوکرجنلک و دخی بعض قلاع فتح و ضبط اولند قدح و باق اوغلی پادشاه و وزیریه و افره دایا و تضرع
 نامه لر ایله بر حسن ایتدین دخی پادشاه ویرمک ایچون ایلی کوندروب صلح اولد قدح هر ییل خراج جمعه آدمیر
 کوندربیلور اولدی * نه بوسنه ولایت بوسنه به اختیار کوندروب اسیر کتوردی * نه بوزیاده وزیر اعظم
 ابراهیم پادشاه وفات ایدوب اوغلی خلیل پادشاه قاضی عسکر ایکن وزیر اعظم اولدی (فتح) کفار فرنگ
 دوغنامی سلائیکه کلوب آنده کانرل طشره جیقوب اول اطرافه اولان ممالک اسلامیه بی غارت ایتد کارین
 پادشاه ایشیدوب سکر بوزاوتوز ایتدیده اشتیام نام ایله عسکر جمع ایدوب واروب سلائیکی قره دن محاصره
 ایدوب در بادن دخی دوککه کیلر کتوروب لکن و ندیک دوغنامی مانع اولوب مدت محاصره قرق کون
 اولد قدح زمهره علا غزبان فیلتن قیل رجاسیه یوریه قیل یوراسه زمان قیلده فتحی تحصیل اولوردی
 دیکین شاه روشن را قشین امر ایله یورد قدح عسکر قشرا سنی اوفر ایله یور یوب حصاره علماردیکوب فتح
 مسر اولمغین اهل قلعه نیک سرکشلی قتل و باغلیری اسیر اولوب مسلمانلر شاد و خرم و حد دن بیرون مقنم

اولوب پادشاه شهری تعمیر و مساجد و جوامع را بنا کرد و پادشاه را در آنجا بکعبه سندن بعضی اصحاب مسکنی
 سلاطین که کوپروب و عسکر دخی ایستین فالسون دیوب و وجهه شهر شندوب ادرنه به کادی
 اشو سنده لاس اوغلی مراد اولوب برینه و یلق اوغلی بکدی و بروسه ده عظیم طاعون اولوب حضرت امیر
 سلطان بر روایتده منلائاری دخی و پادشاهان برادران کوزلر نه میل چکیلان یوسف چلبی و محمود چلبی
 و امیر سلیمان اوغلی اورخان بن و کوزلر نه میل چکیلان وزیر مره زول عوض پاشا و نیجه ایمان بوسنده
 وفات ایدیلر (و قایم) قیریز پادشاهی قره قیونلو میرزا اسکندر بن قره بوسفک اوزر نه عجم شاهی
 شاه رخ میرزا ابن تیمور لنک نیجه کره عسکر چکوب واروب لکن تیمور وفاتده انصرکه اولاد و احادی اراسته
 دوشن منازعات و قن اقتضاسیله دونوب کیدردی سکر یوزا و یوزدرتده تکرار کوب مقابله ده اسکندر
 فاجوب نوزنه کده بهاره دنلنده اولمغه اچرت ایچون پدرم جد بکزم حومک تیمور نردن آزاد لوسی
 ایدی دیو پادشاهه نامه کوند ر مکن پادشاه دخی اکافاخر خلعتلر و مرصع قلیج و منیرین رخنله آنلر و نیجه تحفه لر
 کوندروب اوجا بیلرک حاکمی بور کیچ پاشایه دخی امر کوندردیکه میرزانت و نوابه نلک جمیع مها تلمین کوروب
 کای رعایتلرایده پس اول دخی بک کینک ایکی یلک چیل و تو بره و سائر مهمات طوار و کندوبه و نوابه نه
 مستوفی ذخیره لرا حضار و تسلیم ایدوب بهار کده کده شاه رخ اسکندر آرد نیجه کاه میوب ولایتلرین غارت
 و انواع خسارت ایدوب کیدوب بو طرفده اسکندرک نوابی رعایای تلامغه باشلده قده پادشاه ایشیدوب
 اناطولی بکیر بکیر عسکرله کوندروب بیوردیکه بعدالتنیه اسکندر کتزه راه ادباره اجبار ایدولر پس
 مقدما خبرلرب اودخی محبوب اولغین فالقوب کیدوب لکن اوغره دقاری برلری غارت ایدولر کندیلر
 (نظم) هر دینا حله اعتماد ایتمه بی و فایده اتحاد ایتمه بی خوی پدر طبیعتی که نشتست * نرود تا بوقت مرگ
 از دست * سنده مزبوره ده کسوف کای بی یلدرلر کورینه جلت قدر عظیم قرا کولق اولوب نه بویله ده
 تو برقی یلدرلر طوغوب واکتر بلادده عظیم خط اولدی * بعضی قواریخده کسوف کلی اوتوز الق مشه سنده
 دیو یازلند و مکر مکر اولمش اوله (عنایت) سکر یوزا و یوزبشده ادرنه ده پادشاه روم ایل بکیر بکیر
 ولایت ارناده غارتنه کوند ر مکن واروب اقرین ایدوب وافر کافر قیروب بجد اسیر و مالده دونوب کادیلر
 (هزیت) برین امت برخ برین را مدار * که عیش و نوش و کوی نیش و خمار (نثر) سکر یوزا و یوز
 اتیده پادشاه انکروسه سفره صد ایدوب مقدمات تجسس احوال ولایت ایچون اورنوس اوغلی علی بکی روم
 ایل عسکرله کوندروب وارد قده بغمایه و کوزلر اسیرلاروب وصول نعلمایه مشغوللر ایکن قرال صاحب
 خلال مسلمانله هجوم و کیتی قتل کیتی اسیر ایدوب طمع خام ایلد کفتار دام اولدی (نظم) غازی عیدر
 اوکیم چاله مال و بهایچون * غازی اودر که می اید امراله ایچون (نصرت) اگر دوی که بیند مسیب
 الاسباب * در کردی بکشاید مفتاح الالباب (نثر) سکر یوزا و یوزبشده خداوند کار خیر کار غلبه کفاردن
 عارچکوب بالذات سقرا بکلی مقرر ایدکده فرمان اوغلی ابراهیم بک عهدی یوزوب جید ایل بکلی اسیر
 و اول ولایتی ضبط ایدیکن ایستمکن ادرنه ده اودورمق رای اولوب بو حالدده روم ایلنده ملوک کفاراتفاقله
 هجوم ایدوب ابتدا کورک جیشلک * ادرنه وارنده درلر دیو ایشیدلکین روم ایل بکیر بکیمی صنان پاشایی
 محافظه محاصره کوندروب باقلده قده قرال انی بجد عسکرله قوشاقتش دیو ایشیدوب کیچه ایلغارله
 کیدوب علی السحر یوزوب کافرلر شاشوب کوجلری اوزلرب جه بیلری یوزلرب نیجه سی نر تو نایه غرق
 نیجه سی آتش نیله حرق اولغین قرال برضلال هزار سی ایلد تواندن کچوب ولایتنه فاجوب مسلمانلر منصور
 و مسرور و مال غنیت ناشه و ایلد و نیدلر (تسخیر) پادشاه صاروجه پاشایی ادرنه محافظه منه قویوب
 فرمان اوغلی ابراهیم بک نادب ایچون بروسه به واروب عسکر جمیع ایدوب یوزوب فرمان اوغلی عیسی بک
 راندر اوغلی سلیمان بک قاضی برهان الدین اوغلی زین العابدین یله اولوب آق شهره وارد بقی کون ضبط
 ایدوب بعدله قویبه واروب محاصره ایدکده مفتاحی ویرا بکین ضبط ایدوب بهده بکشر بر فتح ایدوب
 فرمان اوغلی سلیمان بک قاضی برهان الدین اوغلی زین العابدین یله اولوب آق شهره وارد بقی کون ضبط
 صعب برلری یعقوب فرمان اوغلی خونه دوشرب علماء سندن بر عارف کاملی بومه و مده نصره نامه ایل

کوندردیکه (نظم) صوباتر من یلورز کند و هر بالری * اوهرم غصه به باتورمه عیان کرم * بی
 خوار ایلیم کیم عزتی سن و برمش ایدک * لطفه که اوله پشیمان که بودر شان کرم * نه کرم اوله که مغلوب
 ایدینه آتی کلاه * نه کنه وار که زبون ایلیمه من آتی کرم * طوقه شمش چونکه خجالت یوزنه عذر ایتکین * عیب
 پوش اولسه بهید اولیمه دامان کرم * قول خطا قیلسه نوله عفو شه نشاه قتی * طونه لم ایکی الم قانده ایش
 فانی کرم (نثر) پادشاه دخی منلائک خاطر یچون عفو ایدوب الدینی قلعه لری و برمه و تکرار خیانت
 ایستامکه عین و برمه ایچون آدم خوشوب کندوسی ادرنه به واروب سابقا ارناده ولایتنه غارته کوندردیکه
 علی بک مال و اسیر کثیر ایلد منصور و مسرور کیش بولدی * بوقصه لر سکر یوزا و یوزلر و اخرنده واقع
 اولدی (تزوج) لاس حاکمی و یلق اوغلی پادشاه کندوبه انجیوب اوزر نه عسکر کوند ر مکن تدارکنده
 ایدوکنی ایشیدوب مقدمه جاریه لکه عرض ایدیکم قیزمک جهازی تمام اولدی دیو قبول یوزوب لوب کیمکه
 آدم کوند ر مکن رجاسته ایلچی کوندروب بعدالتد پادشاه ایکی خادم کوندروب احصاق بکک خاتون روم
 ایلندر لوب ییلد واروب کیتی کنورک دیوب وارد قلدنده و یلق اوغلی قارشو کوب سنده ده عظیم دوکون
 و کاین ایچون کان آدم لره کلی رعایتلرایدوب بجد جهازله کوندروب کاد کده پادشاه بکینوب لکن بر کافر قیزنه
 دوکون نه لازم دیو جمعیت ایتوب بعدالاجتماع وافر متاع باغشلیوب بروسه به کوندروب آنده اولان
 خاتونلری اسفندیار بک قیزی کتورتدی (غزا) سکر یوزا و یوزبشده پادشاه انکروس ولایتنه اقرین ایستامکه
 اورنوس اوغلی علی بکی سردار ایدوب کوندروب وارد قده بلو کربچوب هر طرفه صالوب فرق کوندولر
 ولایت انکروس کفر ما نویسی با یمال ایدوب مسلمانلر عددندن زیاده اسیر و مال کثیرله کوب پادشاهی تشویق
 ایدکلرند جمیع ممالک عثمانیه به امرلر کوندروب بجد یاده و سوار حضار ایدکده فرق بر بهارنده ادرنه ده
 جامع جدد بنیاسته باشلدوب علماء و مشایخ و فقرای ضیافت ایدوب بنایه پادشاه محض انواب ایچون کندوالیله
 دخی چالشوب بعده عسکر نظر فرایله کیدوب توانده کیاره ینوب کچوب لاس حاکمی و یلق اوغلی و اندلاق
 حاکمی دراقولادخی امر پادشاهیله کوب و یلق اوغلی دلا ایلد انکروس ولایتنه واروب الی باره حصارین
 الوب کافرلر صعب در بندلر دن یکیلور محکم قلعه لره کیروب قارشوبه طور رکسنه اولمغین خصوصاً قیش
 کلیمکین و مسلمانلر غارتدن پر غنیت اولغین پادشاه دونوب بولده دراقول پادشاهی ولایتنه اوغراوب
 ضیافتلر و عظیم پیشکشلر چکوب بعده پادشاه ادرنه به کلدی (انتقام) ارناده حاکمی سابقا اسکندر نام
 بر جوان کک بک خرام نازل اندام اوغلو فی پادشاهه قول اولمغه کوندروب خدمت خاص مرته سنده
 اختصاص بولان خدام عالیقامدن اولوب پدیری وفاتنده پادشاه اسکندری پدیری برینه حاکم ایدوب
 کوندرومشدی (نظم) لقد ریت جروا طول دهری * فلما مارکبا عض رجلی * غرست الخل حتی
 صار شوکا * کذا الفرس فی غیر المحل * مفه و منجه عصیان ایدوب اول کافر النعمه و مستحق النقمه ممالک
 بحر و سه به ال اوزاندیغنی پادشاه ایشیدوب سکر یوز فرق ایکیده بر سردارله اوزر نه عسکر کوندروب ارناده
 ولایت غارتنه طاعلده قلدنده اسکندر در بندلری سد و بند و قصد کزنده ایدکده مسلمانلر عسکر اسکندر مستمکری
 کوروب الارنده اولان امیرلری قتل ایدوب (نظم) جنگ کفار ایتدیلر آهنگ * قیلدیلر آنلرک مجمان
 تنک * ایلدیلر سباه کفره هجوم * سیفلر نازل اولدی همچو هجوم * کرچه بجد مجاهد اولدی شهید * لیل
 کبری ز دست شان نر هید * انتقام ایلدیلر سکندر دن * چوق قلاغ ایلدیلر او کشور دن (غزا) سکر یوز فرق
 اوچده پادشاه انکروسه سقرا ایدوب بلغراده واروب محاصره ایدوب لکن غایت صعب اولوب قحی میسر
 اولمده انکروس ولایت غارتنه عسکر کوندروب وارد قلدنده بجد مال و اسیرلاروب اردوده بر چفت ایچادوکه
 بر جبار به و یوزاللی اچنه به محبوب اوغلان ساتلیدی بعده کلورکن کومش معدنی اولان نوابده قلعه سنی فتح
 ایدوب عظیم غنیمتله کوب بوغزاده اولان طو یلق بر زمانده اولدی دیشلر * بعده پادشاه اول طرفلرک
 بقایای قلاعنی تسخیره احصاق بکاه شهاب الدین پاشایی بهض عسکرله قویوب کندوسی ادرنه به کلدی (سور)
 نه بوسنه پادشاه اوغلاری سلطان علاء الدین ایلد سلطان محمدی سنت ایدوب عظیم جمعیت ایدوب یوزوب بوقتر یله
 کندوکر به من دخی اسفندیار بک اوغلی قیابکه نکاح ایتدی (فتح) سنده ده کفحی نیجه وجهه مناسب

اولمغین پادشاه جله عسکر بن جمع ایدوب لاس حاکی و یلق اوغلی و افلاق حاکی در ا قولاد عوت اولنوب
 و یاق ایکی اوغلی کوندر ووب کند و اقدام ایدوب در ا قولاد کندوسی ایکی اوغلیله کلوب اشبو کافر لک
 هر بری بر حصاره حیدر کوندر و یلوب و پاشا اوغلی قراله قاجوب سکر یوز قرق درنده پادشاه سمندره به
 واروب طوپلر قوروب ایکی آی قلعه بی دو کوب کافر لک عاجر اولد قلزنده امانله تسلیم ایدوب قبل الفتح پادشاه
 حاجی اسحاق بی وافر عسکرله بولی حصارنی فتحه کوندر ووب واروب محاصره ایدو کارنده خارجدن
 اوزر لرنه وافر کافر عسکری کلوب عظیم صواشلوب عاقبت کفار صیوب اکثری قتل و نیجه لری اسیر
 و سلم انر غنیمتله سیر اولدیلر * پس سمندره و ولایت لاس ضبط اولنوب قضات و حکام و محافل قونوب
 دونلدی (نظم) چنین است رسم سرای سنج * که یوش باشد که ی در دورنج (نثر) افلاق حاکی
 ساچا پادشاه حبس ایدو کده قرال افلاقه حاکی دیکوب پادشاه سمندره فتحه مشغول ایکن اول مله و نونان
 کجوب عیالک اسلامیه به تعدی ایتمک تصدی ایدوب پادشاه ادرنه به کاد کده هرید بی وافر عسکر و آفجیلرله
 افلاق غارتنه کوندر ووب وارد قلزنده کفار طاعنوب قلعه لره و طاعنره صیغنون مسلمانلر غنیمت و کوشه
 کوشه عیش و عشرت مشغول ایکن قرال دن افلاقه یارد مجیلر کلکین قوتلنوب هر کنده پراکنده اولان
 مسلمانلر جمع اولدین بولک بولک کینی قتل کینی اسیر ایدوب آز کسنه قاجوب خلاص اولدیلر (هزیت)
 پادشاه ایدوب الم کجوب مشاوره ایدو کده روم ایلی بکر بکیسی قوله شاهین پاشا با خود خادم شهاب الدین
 پاشا کسکه اجازت الکوب روم ایلی عسکرله و انطاویدن الی سنجاق بکله کیدوب وارد قده بودخی عیش
 و نوشه دوشوب قرال دن افلاقه تکرار یارد مجیلر کاد کده پاشا قورقوب اوکیجه اکثر عسکرله قاجوب بعض
 امر اتوکل خدا ایله طور ووب ایرتسی صاحبان اخشامه دلک عظیم صواشلوب کفار بیحد و شمار اولمغین
 مسلمانلر جله می شهید اولدیلر (سفر) بوهزیتلری قرمان اوغلی ایدوب عیالک عثمانیه بی غارت
 ایدو کتی پادشاه ایدوب کین روم ایلی عسکرله بروم به کجوب انطاولی عسکر بن جمع ایدوب اوغلی علاه الدینی
 دخی عسکرله امامیه دن کتور ووب قرمانه کیدوب الی الان آل عثمانک کند و لر دن صادر اولمغان غارت
 ممالکی کال غضبندن ارتکاب ایدوب قویه به وارنجیه ولایت قرمانی چکینوب یقوب ابراهیم بک طاش
 ایلینه قاجوب پادشاهک همیره سی اولان خاتونی و وزیر سرور بی و علماسندن بری وافر هدایایله
 پادشاهه کوندر ووب پادشاه همیره نک کوزی باشنه ترحم ایدوب عفو ایدتی (هزیت) ارباب فهموم
 قلزنده محمود مرکه دور فلکی کاه موافق مراد کاه مطابق آرزوی حساد اولور (نظم) زمانه به نیک
 و بد آیتن است * ستاره که ی دوست که دشمن است (نثر) یساع علی هذا قرمان اوغلی قراله سزاوته دن
 بزورادن یور ووب عثمان اوغلی اور تادن کوقوره لم تون روم ایلی سزک انطاولی دخی دریابه دلک بزم اولسون
 دیو خبر کوندر ووب و یاق اوغلی دخی خیریک ایتمکین پادشاه قرمانه کندی دیو قرال اوغلی و بکر بکیسی
 کوندر ووب الاجه حصار و شهر کوینی ویشی یاقوب بیقوب خاقانی اسیر و ماللرین بهد ایدوب ادرنه به
 عزیمتده ایکن پادشاه قرماندن دوش اولمغین جله ایلر روم ایلنه کجوب از لادی در بندده کفاری قار و یلوب
 که اربعد و شمار اولمغین جکه بحال اوایوب قیش اقلاری اولمغین در بندده موصالیه و یروب طولوب یولار قانوب
 با جارد و ندر پادشاه روم ایلی بکر بکیسی قاسم پاشای و بولی بی محمود چایی کی که وزیر اعظم برادری و پادشاهک
 انشته سی ایدی به ضرر بکار ویم سادر لره کفارک ادرنجیه کوندر ووب وارد قلزنده کفارک بعضی بوصوده اولمغین
 نیش در بندده مسلمانلری اور تابه اوب بیحدیم ادرلری شهید و نیجه نامدارلری و محمود چایی بی دخی اسیر ایدوب
 ولایتلرته کندیلر بزانرون غایت آز کسنه قورنلوب کادی * و یاق اوغلی اوغلارم حبسدن قور و یروب یلوب
 سمندره سنجاقی از لاسکی کبی بکار و یروب روم چان و دله مطیع اولورم دیوهدایایله ایلی کوندر ووب پادشاهک
 همیره سی دخی زوج و چپون ماتم و فغان ایتمکین محمود و سلازاد و صلحه رضا و یروب محمود چایی دخی کافردن
 کتور لری بعضی تواریخده ایزام مسلمان پادشاه کند و وارمزدن مقدم ایدی سبی بوایدیکه طور خان بک روم ایلی
 افلاک اسلامیه قوت راکشاری پرا و غورن و افلاک ایدو سکر مراد عیالک ایدوب چفت
 مورملو و قید کورملو اولور سز دیو فزادن صوغوب دیش اطرافنده بکر بکیسه معاوته کلک قول و قرار

اولمغین کلد کارنده پادشاه دخی الدانوب پاره به آتادی * پس پادشاه سفر دن دوند کده طور خانی حبس
 ایدوب نیجه مدت محبوس قالدی دیومذ کوردر (فصل در فراغت پادشاه از سلطنت) سکر یوز قرق بیدیه
 (نظم) سلطنت دبد کاری انجی جهان غوغا سیدر * اولیه بخت و سعادت دینه ده عزت * کبی *
 مفه و منجه پادشاه دل آگاه متوجه بارگاه اله اولمغین سلطنتدن فراغت عزی ایدوب (نظم) وارلم
 برایکی کون ذکر ایدلم مولای * بزه اصغر لیدر بویلان دنیایی (نثر) دیو وزیر ایه اعلام ایدوب منعه چاره
 اولد قده پادشاه مغنیسا بی شهبازده سلطان محمدی کتور ووب تخت کجور ووب کندوسی خواص خدامندن
 به ضرری و اسحاق پاشای یله اوب مغنیسا به کیدوب خلیل پاشا شهاب الدین پاشا صا و وجه پاشا و زارنده قلوب
 منلا خسرو قاضی عسکر ایدی (غزای اکبر) قرمان اوغلو قراله عثمان اوغلیک دماغی تخت اولمغین
 اون ایکی باشنده اوغلا نیجی تخت کجور ووب کندوسی صا و خان ولایتنده صحبت نسا و سیر صحراییمکه مشغولدر
 بویه فرصت دوشمشیکن نه طور رسن دیو خیریک و اغوا و اول کلب عقوری اغرا ایتمکین (نظم) انکروس
 وله وجه والان * بوسته افلاق هر یک و بغدادن (نثر) بربره کلوب لاس اوغلی دشتیوت اوکار شه دوشوب
 مسکان یلک آهن پوش و دریا جوش عسکر شقا اترایه بلغراددن کجوب نیکبولی اوزر شه کلوب اول اطراف
 خراب ایدوب کندیله نیکبولی بی فیروز بک اوغلی محمد بک فرصت کوزدوب یاننده اولان غازیلر و آفجیلرله
 کفار لره ادرین بصوب نیجه مسلح کافر طوقوب پادشاهه کوندر دی دفع کفاره چاره استشاره اولد قده
 سلطان مراد خان کلن لازم دردیوز پادشاه عالی رایه حسن تعبیر ایله عرض وادا ایتمکین مکتوب کوندر ووب
 مراد خان کلن ایتمکده سلطنت سزه متعلق ایسه دفع عدویه سعی فرض عین اولشددر بزه متعلق ایسه
 اولوالامره اطاعت لزومی معلوم سعادت کزدر دیو نضر عنانه کوندر لکین قالدوب التمش بش پاره فرنک
 قادر غه سی کلیبولی در یاسن بکام کله آندن بکام محال اولمغین استانبول قرینده یلاق آباد طرفته کلوب
 خلیل پاشا دخی آندن غیری بردن بکام محال ایدو کتی فراسنده اکلیوب مقدمه فارشوده اجنه حصاره کلوب
 طوپلر قور ووب بر قاج بکله کتور ووب بعض عسکرله پادشاهه منتظر ایدی مموله کجور ووب ادرنه به واروب
 ایکی عسکر جمع اولوب مراد خان سلطان مجیدی ادرنه به قور ووب کندوسی عسکرله کیدوب کفار افلاق دن
 کجوب وارنه به کیشلردی * ایرتسی که سکر یوز قرق سکر رجینک طوقونجی کونی یوم نلشایدی حرب عظیم و ضرب
 الیم اولوب انطاولی بکر بکیسه وافر مسلمان شهید اولوب عسکر اسلام انهمزام بولوب اکثری قاجوب پادشاه
 یاننده قبوقولرلر دن و اختیار بکار دن غیری کسنه قالماسغین پادشاه کوه تمکین مغیت المله و قین و مجیب
 المضطر بن اولان حضرت رب العالمین در کاهنه نضرع و انین ایدوب پادشاهه قرال برضلال غروره مستانه
 یالن خلجه میدان کیر ووب پادشاهک اوستمه یور ووب (نظم) قرالک کوزی پکدی شاه الاین * دیدیکم
 بوالایده الاین (نثر) پادشاه آگاه متوکلا علی الله طور ووب اطرافنی احاطه التمش اولان قبوقولرلر شه
 بولامینک از آدمه عسکرندن آیرلوب غرور ایله کلسی علامت زوالدن همان اوکندن شق اولوب یول ویره سز
 اور تابه لره سز دیوب قرال کلوب عسکرله پادشاه طور دینی الای پیرا غنه آت صالده قلزنده مسلمانلر آیرلوب
 کفاری اور تابه آلوب فوجه خضر آدولور بیکیری قرالک آتن چالوب دوشد کده باشن کس ووب پادشاهه
 کتور ووب احسان فر اوانه مظهر اولدی * سائر دخی اویر کافر لری فیروب جان قوریا ر میوب بعده قرالک
 سرحداسن مر جده ایدوب شاه و سپاه کفار آلاینه جله ایدو کزنده کافر قرال باشن کورمکله قاجنه
 با شلیوب سائر کافر بکاری بر بونده قرال ایچون کلدله دینغر غرتنه و عیسی محبتنه کلدله دیو نصیحت ایدوب
 چاره اولیوب خصوصاً با قاجان مسلمانلر الای پیرا غنل کافر طرفته یور و دیکندن پادشاهک غلبه سن
 اکلیوب دیوب کلوب پادشاه روم ایلی بکر بکیسی داوید پاشای عسکر ایله کفار ادرنجیه کوندر ووب توبایه
 و لرنجه ایکی کون ایکی کیجه متصل کافر فیروب نیجه لرن دخی اسیر ایدوب کفار ادر و سنده اولان ایکوزالی
 عرب طوبی انواع اسوال النوب مسلمانلر طینوم اولدیلر (لطیفه) پادشاه کشته لر پشته سن سیره واروب عزرب
 بک نامقز بلر یته نه عجب یوملعونلر ارا سنده بر آق صفالو یوقدر دیکده پادشاهک ایچلرنده بر پیر اولیدی
 باشلر شه بویه بلای کیدی دیدی (امور) بعده پادشاه قاجان بکره غضبالبته کبی قتل او انوب کپشه

عرقه و زکب و جنبر کیدر بلوب زقاقلده تشهر ایچون کدر مالک امر ایدوب شفاعت وزرا ایلد عفو اولوب
 بهضایت عزله اکتفا اولندی * بوسروریم سینه سوله وزیر پادشاهه سابقا حبس اولسان طور خان بکی
 آزاد ایدوب وقتان کتوردیلر و قرانک باشی بروسه به کوندروب شهر لده دوختار ایدوب بعده پادشاه
 جمیع ملوک اسلامه فتح نامه لره بر قاجر جبه لو اسیر کافر کوندروب جله دن مصر سلطانه منور عزب بکله
 یکریمی بش جبه لو کافر کوندروب عربله جبه صاقوب دیار رومده شوکت اسلامی بالدرم کین تحیف
 ولاغر اولان عرب را شیو کوه سکر و ازدر منظر کافر لری کوروب قحج ایدوب الله بنصر ابن عثمان دیودعا
 فراوان ایدوب اوجمه مصر جامعارنده خطیبیلر خیر دعای ایتدیلر (فصل در جلوس سلطان مراد بر تخت
 بعد از فراغت) اکثر تواریخده مذکور در که مراد خان غزادن کلدکده سابقا تخت کوردیکی اوغلی سلطان محمد
 اوغلا تخت اولغله سپاه ایچره تمام مقید اولوب اعدا دخی قولایه شکر کوروب اکا مقلده و دین ایچون غیره
 کند و تخت کیمک ایتدوب محمد خان فراستله اکلیوب وزیر اسبیه مشاوره ایدوب بعده آلتنوب بدر شک
 او تاغنه واروب تخت کیمکه تکلیف و ابرام ایدوب او دخی استخاره ایدیم دیوب لکن مرادی عسکر لک ضعیف لری
 یوقلامق اولغین ایتسی شکاره چیقوب جله عسکر یله کاسونلر دیوب انده بلوک اغالیه سویلنوب جله نیک
 کندوبه مائل ایدو ککرین ییلوب شهره کلوب تخت کیمک بکوب سلطان محمد مغنیاسیه کیمک یوروب اول دخی عزم
 یورب ککرین یورب یورب عسکر یحریر کین ایدن خلیل پاشا اولغین اکا تختنوب جله ارکان شهراده بی کوندردی
 کیدوب قاضی عسکر ملا خسر و پادشاه غم چکمه ایکی اوج یلدنصکره نه سلطنت منکدره مقلده
 ایوقال کلدی واقعه ده دخی کوردم دیو تسلیم و نصیحت ایدوب سائرلر دونوب شهراده بوکاسن دخی دون
 دیوب بودخی زمان دولتکزدده یسله اولوب شمدی اولماق انصاف سزاده دریمکین شهراده حظ ایدوب
 اکانه تخت تکرار جلوس ایتدکده منلایه بحد و پایان رعایت و احسان ایتدی (روایت) بعض تواریخده
 مذکور در که مراد خان غزادن کلدکده ادرنه ده بر مدت طوروب سلطنتی اولسکی کبی سلطان محمد و یوروب
 خواص خدامیه کند و مغنیاسیه کیدوب سلطان محمد کند و اسبیه یکی انچه کسدروب اوزمانلرده ادرنه ده
 احراق عظیم اولوب شهر لک بر ازستانی دخی کتخداسیه و بکچیلرله یانوب بکچیری باش فالدروب خادم شهاب
 لدین پاشا سرباز یاموب او دخی آرد قیودن پادشاه سربانه قاجوب بکچیر یار بو جوق دبه سته چیقوب
 خلقی قورقوبوب بو جوغار انچه ترقی و برلکین نوعا قمنه ساکن اولوب بعده خلیل پاشا اسحاق پاشا بکریکی
 اورغور اوغلی اتقاقلنوب سکر یوز قرق طقوزا و اخرنده مراد خان یاجر دوب او دخی در یادن بکوب بو جوق
 دبه به قورقوب شکاره چیقوب بکچیر یار ضعیف ییلوب تخت کیمک بکوب محمد خان مغنیاسیه کوندروب صاروجه
 پاشایی کالایا ایدوب زغنوس پاشایی عزل ایتدی * جزیره موره که فرنک یقاسنه یقین و عمر مراد کب دریا و التشر
 فرسخ طول و عرضی و سکر کونلک دروی اولوب معمور و صعب المرو را ایدی پادشاه انک فتن مراد ایتدکین
 سکر یوزالی بهارنده واروب جزیره نک قره دن روم ایلی یقاسنه متصل بولی اولان اوج میل بردله قدیدن
 کافر لرضی بش ذراع ارتفاعی ایکی کوندروب بولی طولی اوج میل بر محکم دیوار یابوب عدو کلامک ایچون مزبور
 دیوارده بش برده بر قلعه یابوب یولیلر ایشلک ایچون دیوارده بر بر قیولر یابوب دیوار لک اوکنده غایت عمیق
 خندق قازوب ایکی طرفه در یادن دیل کلوب طولوب قدیمدن اسمی کرمه موره اولوب او محمد دن عدو دکل
 مرغ بلند پرواز بکمدن و از کزدی * پادشاه طوبلر قوردر دوب خندخی طبر اغله طولدر دوب قلعه لری یوریشله
 الوب خور یادلر قیوب بش دخی یقیدی * بعده جزیره موره کافر لری خواجه کسوب قلعه لری ضبط ایدوب
 بو فتنده اسیر کتوندن بر حسنایاریه اوچیزا انچه صانلوب غازیله بحد تقد و کومش آلاقی الوب چوقه نک
 غایت اعلامن الوب آلفنی تلت و بر ملک ایچون را غور لردی بومر فده باللو بادره دخی فتح اولندی * تاریخ
 تشریده فتح موره مقلما سکر یوز قرق اوجده اولدی دیومذ کورد (فتح) پادشاه عسکر جمع ایدوب سلطان
 محمدی دخی کتوردوب ولایت ارناده انچه حصاره واروب غایت صعب و بر لوازم اولغین ایکی آی محاصره
 ایدوب فتح چاره بولمقده لغله کلان صولرین دلوب کسوب اهل قلعه صومزلدن اضطرا ایلد تسلیم
 ایدوب پادشاه کلبازی مسجد ایدوب ضبطنه آدمه قونوب بوسرورده ولایت ارناده کزیده یلری تفسیر

اولنوب مسلمانلر طوب اولدیلر (غزای اکبر) انکروس قرالی وله وجه و سکوات ولک یانلری و دخی نیجه کافر
 بکاری تغییر عام ایتدکین پادشاه دخی تغییر عام ایدوب عسکر اسلام اجتماعی ایچون صوفیه ده قتلنوب فرمان
 اوغلی دخی یاردیجی کوندروب پادشاه بولنری قلتاق ایرلوقایش اوزنکیلو قیلری یانی ایدن کوروب کولوب
 عسکر منک مسخره لری یوغیدی فرمان اوغلی کرمندن او خدمتی ادا ایتش برانیدن یاردم اوغز همدان
 عهدی یوز مسون دیوب عسکر جمع اولدقده یوز یوب کفاره کوس اواده قانوب سکر یوزالی ایکی شعباتک
 در دنده جبه کوی صبا حدن الایلر باغلیوب بکچیر یاردم و وریشلر عز را حربه لره پادشاه و کتدده طوروب
 اطرافنی طوبلر ضرر بزنلر ایلد قوشادوب وارنه عرا سنده عسکر اسلام اردلری خانی اولوب کافر لرا و طر قدن
 غلبه ایتش اولغین حال ایلد اغرقلری عسکر لک اردنه قویوب حساب فایسدن بیرون خر بنده و مایش تیر و تیر
 و شمشیر و خنجر طوب صاروجه پاشا برادری سان بک بر نیجه یلک عسکر لره اغراق بکلیوب ترتیب تمام شده
 پادشاه ایکی رکعت نماز قیلوب تضرع و نیازله آتیه یوب (نظم) ایکی عسکر بری بر نه کیدی * صدای
 ضررین عیوقه ایردی * شود کلو ایتدی غازیله نیردی * که طوتدی سکول یوزین اول عرصه کردی * فلج
 منشاره دوتدی استخواندن * غدر بر بکزدی اول عرصه فاندن (نثر) اخشامه دلک حکم ضواشلوب کیمه
 غازیلر آتلرین بولنه ییلوب صبا حدنک و از نسی دخی جنک و آشوب اولاشوب کافر لریالین قیلرله برا و غور دن
 جله ایدوب مسلمانلر یارلوب کفار لک اردن الوب قیرمغه باشلیوب او کفری اغرقله باغلو اولغین ضیلانوب قالوب
 موجود اولانجه می قیرلوب نولک بانی سکوات بانی قتل اولنوب له بانی طوتلوب لکن بیانامه کین نیجه مدت
 دیار اسلامده قول اولوب النوب صانلوب عاقبت قورنلوب ولا یتنه کیدوب تخت کیمک بکوب مر بعد مسلمانلری
 ریغیده ایتز اولدی * چه بانی دخی طوتلوب پادشاهه کتور لکده اوزن پاره قلعه و یورب خراجکزار اولوب بش
 یلک عسکر لک خدمتکزه کله یم دیدیکی دیکیم یوب قتل اولندی * قرال بر کشته حال ایلد او کیمه غریبه لری
 بری بر نه چانوب مجلدوب طابور یعنی حصار ایدوب صبا حدنک و تفتنک و تیر ایلد جنک اولنوب صبا حد
 قریب عسکر نه مزبونده طور بککرین ترک الایلک آردن الاین دیوب بهانه ایلد کیدوب و ابعلیه قاجدی (نظم)
 طائر زین جناح آفتاب * برخه کیروب ایتدی چون سیره شتاب * برخه جیلر کیدی میدان کیرو *
 صاللی غازیلر سمندین ایلرو * موج اوروب بحر یوزی دریا کبی * تیغله اود صاحبی اژدرها کبی *
 قیردیلر کفاری اولدن بتر * آتش تیغله یاندی خشک وتر (نثر) کافر لک قرا لک قاجدیغن ییلوب صینوب
 بونلر دخی قاجوب سیم وزر و آلات جنک و انواع متاعله طولو و افرعربله طویلق اولوب اشبوطا یوز جنکی
 اول کیدن اشد و ازید ایدی (فصل در خیرات مر حوم پادشاه) ادرنه ده سابقا شهراده موسی چلی
 باشلدوب وفاتنده تا تمام قالوب بعده انک برادری چلی سلطان محمد دخی یادر دخی به تمام قلان جامعی
 تکمیل ایتد یوروب دوت کوشه سنده بوللری بشقه او بر شرفه لو بر مناره یابوب مزبور جامع اوج شرفه لو
 دیکله مشهور اولدی * بعده پادشاه سکر یوزا و قوز برده ادرنه قز بنده اورمانلق و سارلق بتاق اولغله حرامیلر
 یشاغی اولان ارکانه دید کاری اورمانی کسدروب دوز ایدوب یوز شمش درت یا خور اوچینوز آتش کوزلر و کورلو
 عظیم محکم و اوزون کویری یادر دوب بیحد خزینه خرج ایدوب بر باشنده بر عظیم قصبه بید ایدوب جامع
 و عسارت یابوب عام اولدقده ادرنه دن علما و صلحا و فقرا یی چاغردوب عموما ضیافت ایدوب طعامی کند و الیلد
 قورناروب و جامعک جراغلرین کند و الیلد باقوب معماره خلعتلر و کلی احسانلر ایدوب کور برینک بر باشنده دخی
 بر عظیم بیولک کوی قوندروب قصبه بی و قریه بی تکالیف عرقه دن معاف ایلدی * و سکر یوز فرق برده
 ینه ادرنه ده بر جامع دخی و یاننده مسافر خانه ل و عسارت و یولچیلر آت باغلقه بر عظیم آخور یابوب مسافر لره
 طعام و طوار لری یم تعین ایتدی * و بر مکتب و مولو یله بر تکیه و جمیع خانه و جامع یاننده یوی یوز انچه
 وظیفه ایلد بر مدرسه یابوب مدرسی مولانا علی طوسی جمعه کند کده سلطان محمد بومدرسه یاننده بر مدرسه
 دخی یابوب یوز انچه بی تصیف ایدوب هر برینه الی ایدوب اشبویکی مدرسه جفته مدرسه دیکله مشهور
 اولدی * مزبور سلطان مراد ادرنه ده یوی الی انچه وظیفه ایلد بر مدرسه دخی یابوب ماری علومدن غیره حدیث
 شریف دخی نقل اولتی شرط ایتدکین دارالحديث دیو مشهور اولدی * و بروسه ده مرادیه دیکله مشهور

براطیف جامع و مسافر خانه و التمش ابقه و نظیفه لوبر مدرسه و بر عظیم عمارت بابوب هر کون فقر و ایام
 و طلبه علم و مسافر شدن یک نفر کسینه به طعام و بر یلوب و سوخته لایچون تته دبدکاری بجزه لایلوب
 اوچیز نقر سوخته هر کون ماکده جمع اولوب طعام براردی * مزار شریفی دخی اشبوجامع یاتده دروسلایک
 ایل یکیشهر اراستده قراسر آدلور براطیف کو پرویادیکه عمر و معبر نام اولمشدر * و فغ ایته یکی برارده دخی
 نیجه مسجد لرجاه علم خانلر جاملر یاردی * و انکوریده بالق حصار ی ناحیه سنده بر سویشاق کوبلری حرمین
 محترمین فقر استه وقف ایدوب * بعض تواریخده حرمین و قدسه هر ییل اوج یلک بشیوز سکه صدقه تعیین ایتدی
 دیومذ کوردده و هر ییل امیر لره مرحوم کند و ایلده یلک فلوری توزیع ایدردی و هر جقه کوئی آباوا جدادی
 معتادی اوزره فقر و مستحقله وافر صدقه لور براردی خیراتی بحد و حسنی لازمه در * تقبل الله اعماله و جعل
 الجنة مأله (فصل) سکر یوزاللی بش محرمینک غره سنده پادشاه ادر نه ده ارکانه آتلوب سیره واروب
 کاورکن کورپی اوستده بر درویش بو مضحوفی دیدیکه (نظم) زاد رهک ایل تدارک شها * دوانکه
 کلدی دم انتها * قانو کا عزم ایلدی یلک اجل * دبر که ایا شاه جهان البهل * دعوتیه چاره اجابتدرو *
 قوت توبه و تاباندرو * کیمکه کلوندر بوجدهانه کیدرو * عاقل اوکیم فکری اول ایدر * آخر تک قیدی کور
 کوشش ایت * هر نه که حق بر آتی ایش ایت * شاه چودرویش سوزین دیکلدی * آما ایدوب حسرتله
 ایلکدی * یلدی جوطی اولسه کر کدر بونطع * ایلدی سر رشته آمالی قطع * ایکی وزیر یی کو اما ایلدی *
 توبه حصار یی شاه ایلدی * کیددی سرایشه دونوب سیدن * ویردی کوکل حق کسوب غیردن (نثر)
 پادشاه اول درویش کیم ایدوکن صوروب امیر سلطان مریدلر ندر دید کارنده توبه و استغفار ایدوب ایکی
 یاتنه یاشین وزیر احصاق پاشا و وزیر صاروجه پاشا ایدوب دهشتله سرایه کادکده عظیم ضداغ طو یوب
 سابقا یازدیغی و میثنامه سی که ایچنده اولان اموره خلیل پاشایی وصی مختیار و سلطان محمدی ناظر ایتشدی
 وزیریه کو صوروب مضحونه اشهاد ایدوب سلطان محمدی بخله ایلده دعوتیه مکتوب کوندروبو خبر موتی ویرن
 درویشی ارادوب و لایوب بعده پادشاه وزیریه نصیحتلر ایدوب محرمک اوچنده جمعه کونی وفات ایدوب
 نذر امینی مقلوب دیوان صوروب شهزاده به تکرار اولاق کوندروبو محرمک اون التخی کونی یوم خیسده
 کلوب تخمه کجوب اسفندیار یلک قیردن اولوب دخی سرایده اوغلا تخی اولان کوچک احمد نام براردی (نظم)
 چوشه باشد در ملکات اکانت * برانش زایکی باشلو اولق بدن * صغار بر کلیم ایچنه اون کدا * بر اقلایه صغیر
 ایکی پادشاه دیو بوغدر لوب بدر جتتمقر تک تابوتیه بروسه به کوندردی (فصل) هر حرمک زمانده اولان
 کار مشاهیر علما یونلر ایدیکه (۱) محمد بن ارمغان که منلایکان دیرلردی * جمیع علوی بر کسینه دن اوقیوب
 بعده منلایکان ایدوب اوقیوب بروسه ده بغض مدرسه لره مدرس اولوب منلایکان ایدوب نکره درس و فتوی
 وضا بوکا منصر اولوب جمیع خلقک مقبول اولدی * کاسنی حفظنه غالب ایدی * بعده جمعه کیدوب کلدکده
 وفات ایدنیجه دلش متصب قبول ایتدی (۲) محمد شاه ابن منلایکان عالم فاضل اولوب بروسه ده سلطان مدرسی
 اولوب بعده بروسه ده فاضل ایتدی (۳) یوسف بانی ابن منلایکان پدردن اوقیوب فاضل کامل
 اولوب بروسه ده بعض مدرسه لره مدرس اولوب وفات ایتدی * تلویح اوائله شامیه یازمشدر (۴) محمد
 ابن بشیر بروسه به کلوب تدویر یجله یلدرم خان مدرسی اولوب وفات ایتدی * سابقا آنده معیده ایکن حاشیه شرح
 مطالبی اوتوزالتی که اوقودی عالم فاضل اولوب جمعه و یوم عیددن غیری جمیع کونلده درس ویردی (۵)
 شرف الدین قرنی علوم شرعیه و غیری ولایت نادرده شمری اولان قریده اوقیوب قریم خراب اولوب علمادی
 طاعنه ده بود دخی رومه کلوب پادشاه بو کارایت ایدوب وظیفه تعیین ایدوب وفاتنه دل حضوره کیددی
 متن شماره شرح یازمشدر (۶) سید احمد قرنی رومه منور شرفدن اوقیوب پادشاه بو کامر زینفونده کی
 مدرسه منی ویروب بعده استابوله کلدکده سلطان محمد یوی الی ابقه وظیفه ایدوب درس و وعظ ایدردی
 بر کون پادشاهه یاشوب کیدرکن پادشاه بوکا منلایکان شمرنده التی و لغتی از چیزه و تلف و مصنف اولوب
 عظیم شمرایش دیو ایشیدر دلشید کده * کر که کدرو بر جمیع یلک بر آخر لیه تیشد لوب خراب اولدیفته
 سبب ندر دید کده علما به اهانت ایدر بر نظام وزیر سیله شمرلک قای اولان علما طاعلوب قلبه فساد کلدکده

بدنه دخی فساد کلدی دیوب پادشاه وزیر اعظم محمد پاشایی چاغردوب محمود منلاشو یلده دیدی معلوم اولدی که
 خراب ملکه سبب وزیرایش دیوب پاشا دخی خیر بلکه پادشاه در دیوب نیچون دیدکده زیرا نیچون اومقوله
 وزیر قوللا نوردیکین پادشاه پاشایه کر چک دیرسن دیدی * منور منلایکان لب شر حنه و شرح عقائده و تلویحه
 حاشیه لری وارد راستابوله منارنده دعا قبول اولودیرلر (۷) سید علی سمرقندی علوم ظاهره و باطنه ده
 مهارت و وصول رتبه ولایت نصکره رومه کلوب قضیه لازنده ده قالدی * غایت لطیف تفسیر یازوب قدس
 سورده منتهی اولمشدر یوزاللی یاشنده ایدی دیشدر (۸) مولانا شمس الدین احمد کورانی رومه ده و صرده
 اوقیوب علم اصول و تفسیر و حدیث و قرانه غایت ماهر و مشهور اولوب مصرده ابن حجر دن اوقیوب بعده
 آنده درس عام ایدوب فضلا حاشر اولوب فضیلتنه شهادت ایتدیلر * منلا یکانلر رومه کلدکده پادشاه بوکا
 بروسه ده یلدرم خان مدرسه سن ووروب بعده مغتسیبا سنجاغنده اولان شهزاده محمد خان اوقیوب سومانکین
 ختم قرآن دخی ایتیموب کوندیریلان خواجه لراجز فالوب منلایاوز کسینه اولمغین پادشاه بوکا دکنک ووروب
 محمدی دولته و اجازت ووروب وارد قده و کوب قورقدهوب آرزمانده ختم ایتدروبو پادشاه ایشدکده حفظ
 ایدوب وافر بخشش کوندردی * محمد شان تخمه کچدکده بوکا وزارت تکلیف ایدوب یوایستیموب قاضی عسکر
 اولدی بعده بروسه به قاضی ایدوب عزل اولند قده مصره کیدوب سلطان قایتبای عظیم رعایتلر ایدوب پادشاه
 ایشیدوب منلایکی کتوردوب یه بروسه به قاضی ایدوب بعده استابوله مفتی ایدوب یوی لیک یوز ابقه و یلده
 ایکیوز تیش یلک ابقه وظیفه تعیین ایدوب یوندن ماعدا احیانا قول جاریه و تقدیه لرا باغشردی مصرده
 ایکن براطیف تفسیر و بخاری به بی نظیر مفصل شرح یازمشدی * جمیع کیمه لرین حقه نمازه کوند زلرین
 درس و فتویه صرف ایدوب ناطق باسحق مهیب کسینه اولوب وزیر یی و پادشاهی املرله چاغردی منساقی
 شقایقه تفصیل اولمشدر * سکر یوز طقسان اوچده وفات ایدوب منی غارنه سلطان یازنده حاضر اولوب شهر
 خلقی ماتم ایتدیلر * منلا خسرو یونلر زمانده اولوب لکن یوندن مقدم وفات ایتشد (۹) منلا محمد الدین فاضل
 و مستقیم اولوب قاضی عسکر اولمشدر (۱۰) منلا خضر بک ابن جلال الدین سیوری حصارده پدری قاضی
 ایکن طوغوب بعده منلایکاندن جمیع علوی اوقیوب دامادی اولوب منلایکان ایدوب نکره رومه علوم عیبه
 و غریبه به یوله طالع کسینه کلدی * سلطان محمد سلطنتی اوائلده بر عرب منلایکی کلوب علوم عیبه دن
 سؤال ایدوب علما عاجز فالوب پادشاه غمناک اولوب خضر بکی ایشیدوب سیوری حصار مدرسه سندن
 کتوردوب سید املر ایا سنده اووز یاشندن کسک تازه اولمغین عرب یوی منلایکان سؤالیزین دیوب بود دخی
 جمله سنه جواب ووروب بعده عربی اون اتی درلر علوم عیبه دن سؤال ایدوب عرب مهر و اولد قده پادشاه
 سروزندن فالقوب او توروب منلایه سلطان مدرسه سن ووروب خواجه زاده و خیالی جللی و دخی نیجه فضلا
 یوندن اوقودی بر منساق عظیمه سی کال تفصیله محتاجدر استابول قچنده ایدوب قاضی اولمشدر جمیع
 فضائلندن ماعدا هر دیلدن بلیغ و مصنع قصائدی اولوب عقائده نوینه بر قصیده عربیه لطیفه سی اولوب
 خیالی جللی اکا شرح یازمشدر * سکر یوزالتش اوچده وفات ایتدی جمله قصائد عربیه سندن صنایع
 بدیعیه دن مستزاد دیدکاری شهر طر زنده اولان قصیده بلیغه لطیفه سنل بعضی بودر (نظم) یامن ملک الانس
 بلطف الملکات * فی حن صفات * حرکت جنونی بقنون المهرکات * یا حنه ذاتی * المعارض و الحال
 راصداغ حقت * اطراف بحیاله * والجنه کیف احتیجت بالشموات * من کل جهات * ان شاق
 علی الوسع عبارات لسان * لاعبره فها * فی القلب نکات کتب بالهبرات * تخکی نکات * قد سال
 علی بابلک انهار دموی * لیلانومارا * والرسم علی السائل اولی الحسنات * یوم المهر صات * لومر علی تربی
 من جملک نطل * یامؤنس روحی * سیال من القبر عظامی ورفاتی * من بعد وفاتی (۱۱) منلا شکر الله
 عالم فاضل اولوب جمله خلقک خصوصاً پادشاهک فضیلتله معتقدی اولوب فرمان اوغله عصیان ایتامکه
 یین ویرمکه یونی کوندردی (۱۲) خطیب اوغلی تاج الدین ابراهیم منلایکاندن اوقیوب جمیع علومده
 ماهر اولوب پادشاه بوکا بعض مدارس ووروب بعده ازینق مدرسه سن ووروب یوز اوقوز ابقه وظیفه
 تعیین ایتدی * پیره هبب نورانی ایدی (۱۳) خضر شاه منمشویدر ولایتده اوقیوب بعده مصره واروب

اون پیش میل انده شغل ایدوب رومه کلد کده اون بش انچه لو بر مدرسه و بر بلوب بعده پادشاه بونی چاغردوب
 بروسه ده مالی انچه ایدوب کند و مدرسه سنی و برد کده بن اون بش انچه بی مصارفه توزیع ایندم زیاده اواجی
 وقتی مشوش ایدوب قبول ایتدی (۱۴) منلا محمد که ایانلوغ چلیبی دیرلردی ذکی و فاضل و عابد
 و عامل ایدی منلا یکاندن اوقیوب اغر سده مدرسه ایدی * متن مجمعه غایت لطیف شرح بازوب هر باب آفرنده
 منته اولمیان مسائلی بازوب هدایه شراحنه قوی اعتراضاتی وارد (۱۵) منلا علی طومسی علوم عقلیه
 و نقلیه بی تحفه یلدن کمره بروسه به کلد کده پادشاه بوکاسلطانیه مدرسه سن و بر بلوب سلطان محمد خان استانبول
 فتح ایدوب صحنی بنا ایزدن اول سکز کلید مدرسه لرندن زرنگ مدرسه سن بوی یوز انچه ایدوب * اکو بر بلوب
 و استانبول قرینه برقر به باغش لیکه سالامدرس کوی دیکله مشهور در سخن مدرسه لر تمام اولده برین
 بوکاو بردی بعده برکون پادشاه بالذات منلانک مدرسه سنه کلوب منلانی اورنایه اکوب صاغ یانته پادشاه
 صول یانته وزیر او قوروب دانشمند حاشیه عضد در سین اوقیوب منلا شوقه کلوب نشر فضائل و حل
 مشکلات مسائل اینکین پادشاه سرورندن قالیقوب او قوروب منلایه اون یک انچه و بر خلعت و دانشمند
 بشر یوز انچه و بر دی بعده بوکا ادرنه ده پدی مدرسه سن یوز انچه ایدوب و بر بلوب بعده منلا بر خصوصه
 انچه بوب عجمه کیدوب خواجه عبید الله سر قندی یانته تکمیل طریقه ایتدی * حوائی قسندن بش الق
 عدد مؤلفاتی اولوب جمله سی مقبول علما و اشهر (۱۶) جزء قرمانی علومده غایت ماهر اولوب درس و فتوایه
 مشغول ایدی تفسیر فاضلی به لطیف حاشیه یازدی (۱۷) ابن تمجید سلطان محمد کلو خواجه سی اولوب فاضل
 کامل و صالح ایدی عربی و فارسی نظامی اولوب تفسیر فاضلی به حاشیه یازمشدر (۱۸) سید علی عجمی عجمه
 تحصیل علوم ایدوب ادرنه به کلد کده بروسه ده یلدن مدرسه سن و بر بلوب * سلطان محمد زماننده اتل یاننده
 علما ایدوب فضل ظاهر اولدی بعض حوائی تألیف ایدوب حسن خطی واریادی (۱۹) سید علی
 قومانی وفات قرینه در جمیع علومده فاضل اولوب وقایه به عنایه آدلوبی نظیر شرح وزجی شامله دخی شرح
 یازدی (۲۰) حسام الدین قوفاقی فاضل کامل اولوب خوده عوامله مختصر و غایت مفید شرح یازدی بعض
 بحر برائی دخی وارد (۲۱) الیاس مینابی فاضل و کامل و ذکی و مشغول ایدی فقه اکبره بر شرح و غلم تفسیرده
 بر رساله و شرح مقاصد حاشیه بازوب هر بری غایت بی نظیر در خوشنویس و سر بیع الکتابه اولوب بر کونده
 بنون متن قدوری یازدی بروسه ده سلطان مدرسه ایکن وفات ایتدی (۲۲) یحیی بن جزء قصبه مرزیه فونده
 مدرس و فاضلی و مفتی ایدی رومدن اولوب علم قهوی فضلاء منایج عجمدن اولان خواجه محمد یار اادن
 اودخی شیخ ابوطاهر دن اودخی صدر اشرفیه * حضرت لرندن آاشدر (۲۳) منلا محمد که منیا لولو اعلی
 دیرلردی جمیع علومده غایت ماهر و علوم عجیبه و غریبه به مطلع اولوب ادرنه ده مدرسه ایدی * شرح عقائده
 حاشیه بازوب عجایب و غرایب آدلوب رکاب یازدیکه ایچنده طلسمات و نارنجیات و عجایب و غرایب درج
 ایتدی (۲۴) علاء الدین قوج حصار ی عجمه کیدوب سید شریف و منلا سعد الدین اوقیوب رومه کلد کده
 بعض مدرسه مدرس اولوب مفتاح سعد الدین شرح غایت لطیف حاشیه یازمشدر که علوم عربیه ده
 کمال مهارتیه شاه در (۲۵) قاضی بلاط فاضل و زاهد اولوب مصباح شرعی ضوه غایت لطیف حاشیه
 یازمشدر که حال اول کلاه قاضیک دیرلر (۲۶) بخشایش فقیه صالح و فاضل کسسه ایدی پادشاه نامه
 بر رساله یازمشدر (۲۷) محمد بن قطب الدین ازینقی منلا فسادین علوم شرعیه و عقلیه بی اوقیوب پدی
 شیخ قطب الدین کبی هر علمه غایت ماهر اولوب بعده تصوفه مالوک ایدوب عارفیندن اولدی * فصوصه شرح
 و شیخ صدر الدین فتوی حضرت لرینک دخی مفتاح الفیقه مختصر و مفید بر لطیف شرح بازوب سکز یوز مسکنان
 بنده وفات ایتدی (۲۸) فتح الله شروانی علوم عقلیه و شرعیه بی سید شریفین علوم ریاضیه بی سمر قنده
 فاضلی زاده رومیدن اوقیوب رومه کلد کده قسطنطینده نطن ایتدی موافق الهیات حاشیه یازمشدر
 (۲۹) نجباء الدین الیاس که مفرد نجباء دیکله و اسکوب شیخی دیکله ملقب ایدی اسکوبده احصایه
 مدرسه منته قرقیل مدرس اولدی فاضل محقق و کامل مدتی اولوب درویشانه لباس لری کیوب * حجاب
 الدعوه ایدی (۳۰) منلا الیاس علوم عقلیه و فقه و علوم عربیه ده ماهر و اهل تصوف ایدی (۳۱) سلیمان

چای ابن وزیر خلیل پاشا عالم و فاضل اولوب اهل سابق جلیله و خصال حمیده ایدی پدی وزیر ایکن
 قاضی عسکرو اولوب نه حیائنده وفات ایتدی (فصل) مرحوم سلطان مراد زماننده اولان کاره شاه
 مشایخ یونلر ایدیکه (۱) شیخ مجذوب آق بیق حاجی بیرام حضرت لرینک مرید لرندن اولوب خلوتده بوکادینا
 مسخر اولوب حضرت شیخ دنیا فانیه در قبول ایتده دیوب بودخی (الدینا من رعة الاسرة) منه و منجه جنت
 آنکله تحصیل اولوردیوب کیدر * شیخ بوکا آمدی بنده فائده ایدله کمز سن دیوب آق بیق زاویه دن
 حقیقار کن باشندن تاجی دوشوب شیخ طر فندن ایدوکنی بیامکن وفاتنه دلی بانی قبا کر و ب تراش اولدی بعده
 دائمی جرحه منته اتون ایقه کتوریلوب بودخی صلا میوب فقر او محتاج لره اولمشدر و بر بروسه ده بر عظیم
 اوصافون الوب وسعت اوزره بختدی صاحب کشف و کرامات و جذبه بی غالب اولوب هنری بروسه ده در
 بر او غلی اولوب اودخی صاحب یو بانی قبا کر و ب بحاله منلا علاء الدین علی عرییدن اودور ایدی (۲) شیخ محمد که
 یازیبی زاده دیرلر حاجی بیرام خلفا سندن و مصایح شاری منلا زین العرب شاگرد لرندن اولوب کلیبولیده
 نطن و وفات ایتدی * ترک و متظوم و مقبول علماء روم اولان محمدیه نام کتاب مستطاب آنک تألیف در کمال
 قضایای و تصوفه عرفان و وجد و سالی آندن معلوم اولور ایکی کتاب دخی تألیف ایتمشدر اهل کرامات
 ظاهره و باطنه ایدی (۳) شیخ احمد یازیبی زاده محمدیه صاحب کبریا دیرلر بوکلاحد بیجان دیرلردی بودخی
 کلیبولیده اولوب انوار العائین آدلوب ترکی کتاب یازوب کرامات و مقاماتی آندن معلوم اولور (۴) شیخی
 کریمانی علمادن اوقیوب بعده حاجی بیرام مرید اولوب بعده و طایفه مقیم اولدی * عالم کامل و صالح و طیب
 حاذق و شاعر ماهر اولوب خسر و و شریف قصه سن نظام ایدوب مقبول عالم اولمشدر * بدشکل و کوزلری معلول
 کسسه ایدی (۵) شیخ خلیل الدین ادرنه ده اولوب دباغ ارامی دیرلر ایدی علوم ظاهره و باطنه ده ماهر و مشهور
 اولوب دائم الاستغراق و عارف بالله ایدی هر کجه یوز رکعت نماز قیلوب (نور علی نور) ظهور یولمچون
 هر ایکی رکعتیه بشقه آبدست الوردی شیخ پیری خلیفه سید لودر علوم ظاهره و باطنه بی جمع ایدوب عارف
 واصل و مرشد کامل ایدی کتب معتبره دن درس دیکه معناد ایدی (۶) شیخ تاج الدین ابراهیم بن بخشی
 فقیه اصاده مناوطاته سندن اولوب علوم ظاهره بی پیری خلیفه دن اوقیوب بروسه ده شیخ عبداللطیف
 قدسی یاننده سالک واصل و مرشد کامل اولماین آنک وفاتنده قائم مقامی اولوب مرید لری چو غلوب هر بری
 مراده واصل اولوب زاویه سنده بر کره یوزیکری مرید جمع اولدی (۷) شیخ خواجه حسن عالم و عارف و زاهد
 و مرشد کامل مجاهد ایدی بروسه ده امیر سلطان * حضرت لری خسته اولوب بر * کزه بر کسسه نصب ایدیک
 دید کلر نده بن وفات ایدکده شهرده فلان مجذوبه وار یکز بنم مریدلر مدن برینی تعیین ایاسون دیوب
 وارد قلدنده یونلری قووب تکرار واروب سلطانک وصیت خبر و بر دکار نده عرشه باقکزدیوب باقد قلدنده امیر
 سلطانک یاننده مزبور خواجه حسنی او نور کورمکن آبی مرشد ایدنیلر (۸) شیخ ولی شمس الدین مزبور
 خواجه حسن خلفا سندن در عالم فاضل و کامل عارف و زاهد و واعظ اولوب وافر کسسه لر بوندن متفع اولدیلر
 (نظم) علی ارواحهم تحف الضایا * من الله الذی خلق البرایا

(باب سابع در احوال سلطان محمد غازی ابن مراد خان علیه الرحمة والرضوان)

(نظم) خدا یکان ملوک جهان محمد خان * که اوست فاتح قسطنطینی قوی بنیان (نثر) ولادتش فی ۷ رجب
 سنه ۸۳۳ یا خود فی سنه ۸۳۵ جلوسش بر تخت در حیات پدر بایرام اوقی سنه ۸۴۷ انفصالش
 از سلطنت بیعت جلوسش پدرش بر تخت باقتضا بعض امور فی سنه ۸۴۸ یا خود فی سنه ۸۴۹ پدی
 بوکا مرعش و البستان پادشاهی سلیمان بنک ابن ذواقدر قیزی ایستوب الیور بوب جمع اولدیلر فی سنه ۸۵۲
 جلوسش بر تخت در زمان وفات پدر فی ۱۶ محرم سنه ۸۵۵ مدت سلطنتش در دفعه اولی سنه ۱ یا خود
 سنه ۲ مدت سلطنتش در دفعه ثانیه سنه ۳۱ یوم ۴ مدت عرش سنه ۵۳ یا خود ۵۱ وفاتش فی یوم الخمیس
 فی ۴ ربیع الاول سنه ۸۸۶ شم زاده ایکن سنجانی * غنیه ایدی مرحوم مر قوم شجاعت و سخاوتده
 و ذکارت و علم و علوه منته و هر در لول حالته اکمل ملوک عثمانیان و افضل سلاطین جهان ایدی (نظم)
 اودر مهر تابان و شمر لرها * فن رام منسلاله قدسها (فصل در ذکر شهر زادگان) (۱) سلطان

قلعه سنده چون دیکدی رایت نصر تنها * قلعه بارمق قالدروب ایمانه کادی کویا * تکرورمه هور
مسلمانلری حصاردن دورا بتمکه صرف مقدور ایدرکن قلعه به وصول و ایچریه دخوللرین کوردکده
ملفوظی مکتوس و علم دولتی مکتوس اولغین بخت مخصوص و قلب مأیوس ایله سرایته قاجوب بوله یغمایه
مشغول اولان غازیلر بلوکارندن آزطافه کورمکین انلری قیروب برچرخ روح عزب یکدنه قلی حواله ایتدکده
عزب خیر طلب تقویت حضرت رب ایله تکوری آتدن دونروب باشن کسوب یاننده اولان کفارتار مار
اولوب پادشاه و سپاه شهره کیروب اوج کون اوج کجه یغما اولنوب بعده پادشاه خلقه امان و یروب شهری
ضبط و تهمیر و یوزدن زیاده کایسای مجید و جامع ایتمکه سورایندردی (نظم) شکر الله سعه الموفور *
و کاه بجه من نور (نثر) بفتح مینه دینیلان تاریخیلک احسنی اولان (بلده طبعیه) فظی اولوب نایابویت
ایلمکه (نظم) فتح قسطنطنیه فرصت بولمیلر اولون * فتح ایدوب سلطان محمد یازدی تاریخ آخرون
(گرامان) اولاشما یقده مذکور در که پادشاه استانبول فتحه عزم ایتدکده شیخ آق شمس الدینی چاغرمغه
اجد پاشای کوندروب وارد قده فلان کون قبا قوشلق زماننده قلعه نذ فلان برندن مسلمانلر ایچرو کیروب سن
اوزمانده پادشاهلک یاننده اولن کر کدر دیروب یله کلوب بعده فتح کونی شیخ چادری ایچنده پاشای قبا یوزین
طیراغه سوروب تضرع ایتدکده باشن قالدروب الحمد لله فتح میسر اولدی دیدوکی ماعتده حاضر اولان
کمنه باقوب جمیع مسلمانلری قلعه به کیر کوردی پادشاه دخی کیررکن یاتنه باقوب اجد پاشای
کوردکده شیخ دیدوکی کچک جیه دی قحه سرور مدن زمانده بوله عزیر اولدیفنه سرورم زیاده دریدی
* نایابا بنه شایده مذکور در که قطب الا قاق خواجه عبید الله نقشبندی حضرتلری عمده شهر
سجرتنده برنجس کونی اولی نمازین قلوب بجه ایله ابراقا ته نبوب بعض مریدلر دخی یله کیدوب شهر دن
آیرل قده انلر توقف یوروب کندیسی بالکریجه بر صحرایه واروب هر طرفه آت صالوب مریدلر دن بری
آردنجه کیدوب بحالی کوروب دوند کارنده حضرت شیخه سوروب اودخی روم پادشاهی محمد خان اول آنده
کفار ایله محاربه ده بزدن استمداد ایتمدی * اکامه اوته واردق بعون الله منصور اولدی دیدی بو طرفده
پادشاه دن منقولدر که جنیس کونی عقیب ظهیرده ازدهام کفاردن عسکر من ازهمه یوز طوطی قارنده خواجه
عبید الله دن استمداد ایتدیکده آق آت نبوب شویله لباس و صفه قار شومده حاضر اولوب تورقه دیو تسلیم
ایدوب بدخی کفار چوقدر دیدیکده قضائی یکنی کورستوب ایچنه باق دیوب باقیده یغده بعده کرام اسلام
ایله طوالمش بر عظیم صحر کوردم بولر کاه ماوتنه کشلردر فلان پشتنه جیه قلوب اوج کره طبل چالدروب
عسکره امر ایله کفار جه ایلسونلر دیدکده پیور قلدلر نکل جه سن ایتدم کوردکده خواجه دخی عسکرله یله
جه ایدوب فی الحال کفار صینوب طاغادیلر خواجه به عسکر کفار چوقدر دیدیکه یاننده اولان وزرا
حیرتن عقل متلاشی اولدیفندن ناشی صانوب زیر حضرت خواجه بی انلر کورمز لردی دیدی (نظم)
ایر شوب عالمه آواز فتح * جهان طولدی پیام ناز فتح * بلاد ملک اولوب سرجهلرین * نکل کاردکده ملکر
ایندی تحسین (نثر) تکورلر وزیر طوالب و ابعلیه حبس اولوب کی به نبوب چان فرنگر سلوری
حصارنه کیرد کارنده متقاضی پادشاه کوندربکن ضبطنه آدم کوندروب وارد قلدن قوم رضوی
و بو غاطوسی دخی فتح ایتدیلر بو طرفده پادشاه تکوره معین ایدی دیو وزیر اعظم خلیل پاشای توابعه حبس
ایدوب قرق کوندن کیره فی قتل و سائر لری آزاد ایتدی حکام اطرافه امر ل کوندروب اهل صنایع و حرفی
اهل و عیال لری استانبول کتوردوب شهر او تاشنده اسکی برای بهد زمان اب در یاده یکی برای و جامع
شریف و کرمدرسه و عمارت و بیمارخانه و نیجه عالی بناله شهری معمر و ایندردی (فتح) پادشاه
سلاطین آق اقدن هدا یا لیه تهنیتنامه ل کلوب لاس حاکی و بلقی اوغلی دستبوت دخی مر حوم سلطان مراد
فتح ایدوب بنه بو عیال و غصبه الیدی قلا هک بعضنک مفتاحلری کوندروب پادشاه باقیرین ایستوب
اودخی عیال با تکی پادشاه قاقوب عسکر اجتماعنه قنلا غیوب لاسه کیدوب مقدما اقتضیلر صالوب بوله
عسکر تشوب دستبوت مال و منالقی سور بجه حصاره قویوب اهل و عیال لیه انکه رومه قاجوب پادشاه
سور بجه به کلوب حصاره ایکی طرفدن یوق آدم هلال اولوب عاقبت کافر لری حصار ایچوب دستبوتنک

ایمان چند مالک اولدیی انواع اموالی پادشاه الوب مزبور حصارلک جوارنده نیجه حصون مصون فتح و ضبط
اولوب بو فرد امواله حصار دخی فتح اولدی * بعده پادشاه وافر عسکر کوندروب بقیه ولایت لاسی غارت
یور مغین اداء خدمت ایدوب طیوملقه کلیدلر * پادشاه ادرنه به قیستلامغه کلوب محمود پاشای وزیر
اعظم لخدن عزل ایدوب و منلا کورانی به دخی المنجوب قاضی عسکر لخدن عزل و بر بنه منلا محمد الدینی
نصب ایتدی دستبوت هدا یا لیه ایلی کوندروب هر یل او تو زیلک التون خراج و بر مکده عهد ایدوب بر یسلغنی
قبضه آدم کوندربلوب واروب کتوردی (فتح) پادشاه اوصاله قری بنده اینز قنن مراد ایدوب خاص یونسی
در یادن اون باره قادر غه ایله کوندروب بر کجه واروب علی الغفله محاصره ایدوب قره دن پادشاه دخی وارد قده
تکوری قلعه بی تسلیم ایدوب بعده آنک قارشو سنده در یاده طاش اوز قلعه سن فتحه بنه یونس امر پادشاه
واروب فتح ایتدی بعض تواریخده مذکور در که اینز تکوری که استانبول تکور بنک افر با سندن ایدی مسلمانلر
هیچولرین کوردکده اهل و عیال الوب سندن لر جزیره سنه قاجوب اینز پادشاه فتح و ضبط دکنه ادرنه به
وارد قده تکور مزبور امانله پادشاهه کلوب حسنا و مستثنا اولان قیزی وافر هدا یا ایله و بر مکین جری عفو
اولوب زخنه تیماری ویر یلوب اوجا به وافر سپاهله کوندربلک کده (ع) عادتق ترک ایلز خان چو
بد کور اوله * مغه و منجه بوله علی الغفله جل سن شید ایدوب فرنگه ستانه قاجودی (فتح) لاس حاکی
دستبوت وفات ایدوب پادشاهه خبر کدکده عسکر جمع ایدوب سکر یوز الی طقوزده یوروب ایتد انواری
حصار نه واروب (نظم) قوشاندی قلعه بی وایتدی چنکی * پیوردی آتدیلر طوب و تفنکی * شود کواوردیلر
طوبی حصاره * درود یواری اولدی باره باره * بدی کون ایلدیلر جنگ و یکار * حصار ی ویردی کافر صکره
ناچار * حصار ایچره مکرده نبوت بی دین * قومشدی فقر و آلات زرین * پرایدی قلعه ممدن حاصلندن *
زروسم ایله بملاویدی چوقدن * بیجه عیسن و یروب سلطان دهره * خدا ایتدی غزانه آتی بهره * ایدوب اول
قلعه بی تعمیر خنکار * قودی آنده بک و قاضی و زردار * ترجمه قلعه سینی دخی الدی * اول اقلیم ایچره
کوس فتح چالیدی * ترجمه دخی پرسم و زرایدی * نه معدن باغ عدنه بک زرایدی * خدا عوف ایله اول حصن
فاخر * محل اهل اسلام اولدی آخر * دیار لاسدن چوق سور مشهور * محمد خان الله اولدی معمر *
چوشد سرمایه شادی قنوحش * غریقی بحر رحمت بادر وحش (نثر) بعده بر یکی اقتضیلرله بحوری
قلعه سن فتحه و دیار لاسی غارنه کوندروب وارد قلدن بحوری بک کفاری شهر ی باقوب حصار ی خالی
بر اخصلر کورمکین ضبط ایدوب اطراف غارنه یا دیلر بو طرفده پادشاه کوس اوایه کلوب جدا اعلامی شهید
اولدیی رده صدقه و طعام اولد دروب غارنه کیدن سردار غنیمتله کلدی * پادشاه عسکره اجازت و یروب
خواص یله سلاطینک واروب بر قاج کون طوروب آندن استانبول کلدی (چنک) کزیده قلاع ولایت انکروس
اولان بلغراد شادی بنیاد قلدن دوار و ارامه و اوقتی دشوار و ایچنده اهرمن کردار بش بیک برار کفار اولوب
ذاتمداد یار اسلامه ایصال شر و آزار ایتمکی کار ایتدیمکین سکر یوز التمشده پادشاه جمعیاه (نظم) جهل
اجساد بی اعداد ایلدی * عزم تسخیر بلغراد ایلدی (نثر) یکی دوکلان عظیم طوبلری تواندن کیدیلر
کوندروب وارد قده حصار یاننده متر سله قوریلوب قلعه چنکین ایدوب طرفیندن آدم لرد و شوب عاقبت
(نظم) ضرب باروت ایله باروی حصار * طرفه العین ایچره اولدی نارمار (نثر) بدنلر اوسته مسلمانلر
الای بیر اقلرین دیکوب نیجه لردخی کد کلدن ایچر و کیروب کفاره چنک ایدرکن بفره بجه سردار مردار اولان
قرال بدقه ال قره دن عسکر عظیمه و تواندن آلات چنکله طولو وافر کیدیلر کلوب چاقوب (نظم) حصاره
قارشو قوندیلر کاره * قودیلر زاده لشکر حصاره * تواناوستنده چنک ایتدی کیدیلر * شهید اولدی مجاهد
آدمیلر * قلیلر صد می آواز سندن * صد ایلدی فلک دروازه سندن (نثر) کافر کیلری بیچد اولغین مسلمانلر
کمیجیلری کیدیلر قاجوب (نظم) ساوه و تونه جوی خون اولدی * عرمه سبزه کون اولدی (نثر)
نیجه غازیلر خند قدن یوزوب کلوب حصاره جیه قلوب نیجه کافر لره ایتدیلر شاه اکاه فرزانه جیه
و جوشن سز مردانه کیردکده عسکر یور کلوب بیکچیر یلردن بشیوز نفر دلاور ایچریه کیروب کفارله
صاوشورکن قرال لهن عسکر ایله کلوب آنلر لجه سن شهید ایدوب طشره ده اولنلر خوف دوشدکده پادشاه

مشو کلا علی الله یالن فجله کفار حله ایدوب بالذات نیجه کافر برکن عسکر ابرامیه ناچار دونوب بوغزاده
یکجری اقامی شهید اولوب روم ایل بکر بکده سی طوب کو تو روم بکر بکلی عجمی پاشایه ضمیمه و برلای
پوتاریخده بری غری بری شرقی ایک قور قلی بلند طوغدی (نظم) خردالی یی لور بونی مقرر * مقدر
اولیان اولز میسر * حصول مقصد لایای وارد * هراشک و قتی و هتکای وارد * خدادری ترد
مالان الملك * وما تجری الیاح کشتی الفلک * اراده ایله برایشی مختار * ایدر اسباب تحصیل احضار *
خدا چون ایتدی اسباب اعداد * میسر اودی فتح و لغزاد * ولی سلطان سلیمان خان غازی * خدادر کاهنه
ایدوب نیازی * توبه ایتدی اول حصن حصینه * توکل ایتدی رب العالمینه * میسر ایتدی حق
شاهک امیدین * الینه و بریدی اول حصن کلیدن * عدونک کشوردیرینه * یعنی * آچوب چندی الی
کینه سینی * ایدوب حق اول شهک * یعنی مشکور * ایدر عثمانیان اعداسنی کور (سور) پادشاه غزاد
دونوب دو کون و ازمن اصهر لیوب شهزاده سلطان بایزیدی اما سیه سنجاغدن سلطان مصطفای مغنیان
سنت ایتکیچون کتور دونوب ملوک اطراف دو کونه اوقیوب سکر بوزالتش بره ارنده ادرنده بره قرح صحرابه
اوتاق قور دروب کندوسی تحنیده اوتوروب اشاعیده صاغ طرفنده متلاخر الدین عجمی صول طرفنده متلا
علی طوسی سائر علما دخی کیمی صاعده کیمی صولده تربیله اوتوروب متلاخر بنک و متلا شکر الله پادشاهک
فارشونده اوتوروب نیجه داودی نفس بر عیشر قرآن عظیم بعده نف رسول کریم اوقیوب بعده علما و قتان
آیاتک تفسیر نه متعلق و او مناسبتله علوم عقلیه به متعلق عظیم بختلر ایدوب پادشاه صفا کسب ایدوب بعده
بجاطر چکوب بعده سنبله انواع حلویات هر متلاک او کنه بشقه قوروب بعده هر برنک حصه سنی سینی ایل
کند و خدمتکارینه تسلیم ایتدیلر و هر متلا به خلعت و هدیه لر و بریلوب ایلکچی کون بوز تربیله مشایخ
و صاحبیات اولوب مجلس توحید و ذکر و اسرار تصوفدن غذای روح و مرام دل بچروح اوله حق
مصاحبتلر اولوب اوچنی کون ملوک و امر اوسابه صفا اراضیات اولوب سلاحشورلر کانکشتیراندازلر
و بکرلر آن قوشنده ممتاز انواع هزار کورستوب بختلر تر قیلر اولوب دردنجی کون عوما فقرابه بعد
طعام و صدقات و انعاملر اولندروب محصل اوتوز کون کونا کون شلکلا اولوب بعده شهزاده لر انواع
رعایت و تر قیلرله سنجاقلرینه کوندولای (غارت) بعده پادشاه استانبوله کلوب سنه مزبورده اورنوس
اوغلی عیسی پلار انا و دولا یتمه بر بک دخی انکروس دیارینه اقلن ایچون کوندولمکین واروب غایت طوبوم
کلوب عالی بیشکلر چکدیلر (فتوح) سکر بوزالتش ایلکیده پادشاه عسکر جمع ایدوب غزایه چی قوب اولاموره
حدودنده فلکله قاعه سن دو کوب فتح ایدوب قلعه حفظنده اولان کفاری طوبوب کورفوس حصار ایلکونده
سائر قلاع کار محافظلرینه عبرت ایچون سیامت ایتدیدی و فلکله قورنده وافر کافر ساقا بیجه باغلیوب
فلکله اهلنک فلاکتلرین کورمکین جله سی کلوب مطیع اولدیلر بعده پادشاه باف اوه حصارنه واروب امانله
الوب خاقانی استانبوله کوندیدی * بعده توافق حصاره واروب بکجه یلری عسکادای تمکین بعد الفتح الارین
الاقترین توافق ایل قیدردی بعده میخلو قلعه سنه واروب اوج کونه دلجنکله فتح ایدوب مهمات ضبطن
کوروب کورفوس حصارنی محاصره و آرزمانده فتح ایدوب طوبوله یقلاقن لرلرین نعمه ایدوب بعده ولایت
موره ده تخلص اسارای مسلمین ایچون بوسفردن مقصود اعلی اولان بالیو یادره و واروبانی و اول اطرافده
دخی نیجه قلاعی فتح و کلیسارین جوامع ایدوب (نظم) شهشه آدنه خطبه اوقوندی * رسوم دین و دولت
انده قوندی (تر) مسلمانلر رغبت دونوب شاه و جله سیاه مانتدسم مسکوب اولان شهر اسکویده قشلا دیلر
(فتوح) سابقا پادشاه مزبور غزایه عزم ایتدکده وزیر اعظم و روم ایل بکر بکلی عجمی پاشای قلعه کشایی
یلک نفر یکجری به بعض عسکره مراد ایدوب اناطولی عسکرین دخی یله قوشوب قلاع ولایت بنمایانی فتحه
کوندردندی بس صوفیه ده درنک ایدوب بعده محل مأموره اون کونلر اول قالدنده ایلغار ایل واروب
رضا اسول صوه کروجیه برانجه آلدولوش قلعه لرین ضرر به فتح و اعیان کفاری اسیر ایتدی بعده جندره به
واروب ضرب و حرب ایل حصار ایل فتح ایدوب ایچنه کوروب وافر کافر قیوب نیجه لرین اسیر و مالارین یغما ایدوب
حصارلر قاعه سی قی و متلا اولان بر اغوب دخی موم خدمتله واروب سابقا پادشاه بلغزاده فارشو

یایدی حواله نام قلعه رفیده بی مزبور پاشا تعمیر و اسباب ضبطاتی قور ایدوب سابقا پادشاه فتح ایدوب بعده کفار
الترینه کیرن سیور بیجه حصار ایل قور تاروب اکایقین اولان معدنلری ضبط ایدوب بعده کور چنلک حصارنه
واروب طوبولر قوروب دو کدکده کافر قلعه بی امانله قوروب لکن قاعه دزداری عسکادایدوب قلعه دن
محکم صوابوب ایک طرف دخی عاجز قالوب حضرت پاشای تعمیر و دیبر کفارلر قلعه دن اشاعه
نهر تواندن صوحمکه سار قندقلری زنجیری قطعه تسخیر تدبیر ایتمکین بعض بی سادرلر کراتنده کیرلرلر
کافر لر زنجیرله قوغار صارتد قلندره مسلمانلر هیوم ایدوب زنجیرلری قوروب دزدلر و سارلر صومرزون اولوب
قلعه بی دخی امانله و بریدیلر * پاشا آنک تهمین و ضبطی احوالنه قالوب منت اوغلی محمد بکی اقبیلرله انکرو سنه
سالوب اودخی تواندن کچوب انکرو سنه قاعه طراوه ولایتی آتدن توانا ساره نرلری ارا سنه در حاره ولایتی
غارت ایدوب هر برندن بعد طوار و اسیر و مال کثیرالوب توانا کارنه کتوروب ایکوز نفر جبه لو کافر دخی
طوبوب کیلر یوب پاشایه کارلر اوجایده کفار خبردار اولوب الی ح جوش و شوش در ا جوش عسکر
هزار و کوندردکده عله ایل کلوب مسلمانلری کیش کوروب غیرت و حریت و بختلرله یوزلری تر لمره دونوب
کندیلر پاشا دخی عساکر منصوره و اموال و غنایم مزفوره ایل اسکویده پادشاهه ملاقات ایتدی (غلبه)
انکروس * کرنک بلغزاددن بوجانبه بکد کارینک خبری کله کده اناطولی عسکرلرینه خراج اولندروب
عسکر اسلامک مقدمه سی بولوا و واروب کیفیت احوال کفاره نظار ایدر لر دیوین کیدوب کفار نخته لویه
کلوب کمال غرورله غارتنه مشغوللر ایکن مسلمانلر ایلری باصوب طاعدوب مقوله و بانلری و نیجه قلمبه انلری اسیر
و مغلول درگاه پادشاهه کتوروب جله سی قتل اولدیلر بعده پادشاه عسکره دستور و یوب استانبوله کلدی
(ضبط) محمود پاشاهه عتدره نلک حصارین الوب قلعه سی صعب اولمقین براغوب کلشدی انک دخی فتنی لازم
اولمقین پادشاه کامکار عسکرانچم شمارله سکر بوزالتش اوچده صوفیه به وارد قنده ولایت بوسننه نلک قرانی
ایشیدوب هدایا ایللری کوندروب جندره بی بن صاوتن المشهور پادشاهه لازم اولمقین مبارک اواسون
ضبطنه آدم کوندرو سونلر اکن حالانلر ضبطنده اولان سیرا یینک حصار ایلک کلکتنه قریب
اولمقین آتی بره احسان ایتدولر دونوب پادشاهه عتدره بی ضبط ایتدروب اکن اول حصار ایل قراه و بریدی
(ضبط) اناطولیده قره دکر کارنده قلعه اما صره کفاری مسلمانلری زنجیرده ایدر اولمقین پادشاهه دریادن
دونما کوندروب کندوسی دخی موجود عسکرله شکار ایدولر واروب قلعه نلک تکروری خوفندن قلعه بی
تسلیم ایدوب پادشاهانی مال و ثوابله استانبوله کوندروب اقلغان ولایتده اولان حصار خلقتی اما صره به
کورچوردی (تسخیر) پادشاهه سفندیلر اوغلی اسماعیل بک فرمان اوغلیله متفقده و یوقلبدن ایچنوب
محمود پاشایه برتدیرا یینک سیورد قنده اودخی سکر بوزالتش درتده دریادن سینوبه یوز یاره قادره کوندروب
طر بزون فتنی مراد اولندروب قوداغز تحت حکومتنکزه وارد قنده ایچنه مزله ذخیره و مهمات الیورمکه
لطف ایدر سزدیو اسماعیل بک اغفالنامه کوندروب بعده پادشاه برویه به کوب پاشا دخی ادرنه به واروب
عسکر جمع ایدوب کتوروب بعده اسماعیل بک جله عسکر به انکوری به کلک ایچون مکرر نامه لر کوندروب
بعده اناطولی عسکری کلوب پادشاهه انکوری به کلد کده اسماعیل بک و فرمان اوغلی بر داغلار به ادملر
کوندروب پادشاه اسماعیل ایچنوب اوغلی حسن بکی باغلیوب اسماعیل بک و قلاعی و لایق بکلیکن آنک برادری قزل
احده و یروب محمود پاشایه کزیده سیاهله اتی قسطنطونی به کوندرومکین اسماعیل قلعه سینوبه فاجوب پاشا
سینوبی محاصره ایدوب اسماعیله حصار کارنده سوزلشوب پادشاهدن اماننامه کتوروب اسماعیل
ایناوب قلعه بی و یروب پادشاهه وارد قنده امر پادشاهه و راضیات ایدوب بعده اوناغه وارد قنده پادشاه
طشهره بی قوب قوجشوب برادر دوتلایت ایدوب بکیشهر و ابنه کول و بار حصار ایل و اوراق ایسمکین
و بریلوب جمع محالک اسفندیار پادشاه طرفندن ضبط اولوب بعده پادشاهه قیونلی حصارنی فتحه کیدوب فرمان
اوغلینک اوغلی رعایله کوندروب اسماعیل بک اوغلیله بولی سنجاغ و یروب قزل احمد به ایکدن سفره سیله
کتوروب اسماعیل بک دوره کافی به واروب مال و منال و اهل و عیال کتوروب بکیشهر به کندی (فتوح)
قبر شاه اوزون حسن بایندری کلوب قیونلو حصارنی بر حیل ایل الوب طر بزون کور بک قزین

نکاحات و نکاحات عثمانیه بی غارت ایدودی * پس امیر بادشاهیه سیواس بکار یکسی وافر عزب
 یازوب دلاوران و جوم هجوم ایل مزبور قلمه بی محاصره و جنگ کار ایدوب فتح میسر اولد و ماغین اطرافند اولان
 بلاد و قرانی تالان و خلعی تالان ایدوب حاکم ایران رخنه عمل کنی ویران ایدو کزنده اوزون حسن امیر ایل را که
 مرا که دخی دمامد عمال عثمانیه بی غارت و امیر ایل عثمانیه ایل جنگ و خصومت ایدو و کزنده اوزون حسن
 ایدوب قیونلو - حصاره واروب محاصره ایدوب اوزون حسن راه زن مانند زن کجاک طاعنرینه قاجوب
 اشتیاء ترک همجو کزنده کجبه کوب اردودن طشره بولد قزلی قاجوب قاجوب چایوب بعده حسن دراز عم
 زاده سی خورشید بی وافر از اکه رهگذر عسکرده بوسه کزنده اوزون حسن اولان کزنده ایدوب کجبه
 اکار است کوب محکم صواشوب اترک صینوب قاجوب قیریلوب خورشید آزادله قورتلوب وارد قده
 حسن نام مستحسن والده سی ساره خاتونی وافر هدا ایل و بکر یله اعتذار و طلب عفو کوندر ووب بادشا دخی
 حصار ای امانه الوب حسن او سته غزمتله (ع) صعب و دشوار و آسمان کردار * کوه قاف شکوه بلغاره
 ایلغار ایدوب قلا شقده ایلغار دخی کوب ساره بیچاره نضر عنه مرحله عفو اولنوب بادشا بر ادب هزار تعبیه
 طاعنی آشوب طر بزنه واروب سینوبده کی دو نغمان دخی کوب طویلر ایلند قده تکوره قلمه بی وروب بادشاهه
 قول اولغین اهل و عیال ایل استانبوله کوندر یلوب رعایا خراج کس کوب کفار سبایا یلر یلک امل کی غازیله
 ویریلوب طر بزن خزینه سنک کزیده لری ساره خاتونه باغشایوب ولایت کوندر لری بادشا قزل احمد
 مورده خباغین وروب اود دخی قبول کوندر ووب کیدر کن بولیده اسبابی الوب اوزون حسن قاجوبی سلطان
 بایزید زمانده کوب آخر عمر نه دل و عیال اولندی بادشا احمد قاجوبیغین ایدو کده اسماعیل بک دخی
 قاجو ماغینون اهل و عیال ایل قلمه طر قده کوندر لری (فتح عظیم) بادشا استانبوله کاد کده افلاق حاکی
 قازقو ووده ن خباغی ایدوب عسکر جمعنه امیر لوب مزبوری درد و نه چاغردوب اود دخی
 بن بادشا ک قدیمی قولی او غلیم نوله واره یم لکن ولایتی قزالدن حفظه آدم کوندر و سوندر دیکین (نظم)
 ليس المنيعة لسلطان والشاهي * ان المنية في الاشياء الله * فهو منجه وجوب وفو و تقدر مقتضى
 خطافي التدبير اولغین امیر بادشا اهل یکبوی بکی حزه بک بعض امیر او اعیانله شدت شتاده افلاق محافظه منه
 وارد قزنده (ع) قازق آرایشی قازق اولغین * شجون و حزه بکی اکثر عسکرله شهید ایدوب با شلرین قزاله
 کوندر دی بادشا بوی ایدو کده سکر بوزالتش الی بهارنده عسکرله یروب قازقو صعب یرله قاجوب
 قدیم عدوسی اولان بغداد بکی دخی کما کیچون بولری سدا بکه عسکر کوندر کده بادشا انزله الی قزاق
 برده صومز بر صحر آه کر بلا همتاده بر غایت امی کونده راست کوب انزله سلمانلری اقبیلر صاوب قاجوب
 جنگه صفر باغلوب اول و ده کفار صینوبیدی یلک عدد دجه لو کافر قتل و باقیری اسیر اولوب بادشا
 افلا قده بر آئی او توروب کامر انقلد ایدوب قازقو بر کجبه شجون کما که عزم ایدوب بادشا خبر الوب الای
 باغلیوب طوروب کفار بولری غافل صاوب اول حکم قرا کو کجبه ده کوب عسکر ایچینه کیروب مسلمانلرله
 قلی او شروب محکم صواشوب کافر طاعنلر غازیله صائل و غیث هائل کبی حوله لر بقاندره حله لر
 ایدوب ولوج شامدن بلوج بامه دل آتش حرب و کین نسکین اولوب (نظم) زمین از خون مردان موج زن
 کنت * میر هاشمت و جوشنها کفن کنت * قازقو ملعون نه یره واره پای سمندی قانده ودل
 بر غلی خفاطه اولغین و بخت مخصوصه عزم آنکروس ایدو غازیله قان کفار دین بولد قزین کتوروب قتل
 اولنوب جنگ ایدو اهل و عیال لری اسیر و غازیله واصل مال کثیر اولوب ولایت افلاق بادشا ضبط ایدو کده
 انک بکاکن قدیم آستانه ده اولان قازقو بکر برادری راول ووده ویردی (تسخیر) یتیمه ایشو سته ده
 بادشا فرنگ ضبطنده اولان مدالی جزیره سته دو تها کوندر ووب کند دخی عسکرله قزده دن واروب قلمه بی
 طویلر ایدو تکوری کوب بادشا قول اولد قده مال و عیالی کند ویه ویریلوب قلمه ضبط اولنوب جزیره
 رعایای شریک اولنوب سبایا * تجارت لری (فتوح) ولایت بوسه قزالی عسکار ایچین سکر بوزالتش
 یدی بهارنده بادشا عسکر بیچاره یروب قزالتش حاج حصار بی یقین ایدو لکن بادشا قاجوب
 محمود باشایی بعض عسکرله مجلا کوندر ووب اود دخی لوبقه حصارین اوج کون محاصره ایل الوب ضبطنه

آدملر قوب بر و ایدو بویوجه - حصارین دخی اوج کون محاصره ایل الوب خلعی استانبول نوا حیسنه
 کوندر دی * بویا یدو نیجه بیچنه لربولنوب غازیله طیوم اولوب بده باشا قزالی اولد دخی قلمه کلوچه کیدوب
 کجبه اولد قده بر خالف درنده کوب دخوله اقدام ایدوب طورخان اوغلی عربکی دیل المغه سردار ایدوب
 اود دخی کیدوب قزالی احوال بیلور کافر لربولوب پاشایه کوندر ووب قزالی غافل اولغین عربک یاغاره کیدوب
 قلمه یانته یلا شوب قزالی بولری اقبیلر صاوب اور تابه الوب نهری عمیق اولان کور پری بی کسمکه آدملر
 کوندر ووب عربک دخی مردانه صواشوب لکن کفار چوق اولد قده اضطر ایدو ایکن پاشا کوب یثوب کفار
 قلمه بی قاجوب قزالی محاصره دن عاجز قالد قده امان و نضر ع ایل قلمه بی وروب کوب پاشا دخی اتی بادشاهه
 ایلنوب صوجن عفو ایدو کده عهد ایدوب بعده قزالتش برادری اولد دخی اور جای قلمه سته واروب اود دخی
 برادرین کور ووب کوب قلمه بی وروب پاشا بول قلمه لری ضبط و حفظ ایدو یروب کاد کده بادشا بیچمه حصاره
 کیش اولوب کافر لرقزالی و برادرین طو تیش کور مکین خلمه بی وروب بادشا انلری استانبول نوا حیسنه
 کوجور ووب بعده بادشا محمود پاشایه قزالی حبله طوغق ممکن ایکن امان و وعده احسانه کوندر دیکنه قاجوب
 عده باغادی رضای ملوک مقتضای سبیل مصارعه آساردن اصعب و خراط قسادن انعب ایدو کی معلوم
 ذوی الادبیر ملاحظه لربنه موافقت و اتبایا هر خردمند آگاه ایشی و هر مز دراه روشی دکادر که خط ایدو
 عطا ایدوب میر ایدو کاه تدبیر دلیز ایدو تدبیر ایدو * مقاصد و اغراض مقراض اعراضه مقطوع
 و اذیال حب مالدن پنجه آ ز غنوع اولیجه چشکال عقابلرندن خلاص میسر و تاب عقابلرندن نجات
 متصور دکادر القاصه بادشا قزالی قتل ایچینکی علم اهل دانشه طاعنلر ووب اوسقزده یله اولان منلامه صنفک
 قزالی وروب حق منلا کند و بی نواب ایچون اننه قلی الوب بر قاج کز چالوب کسدره مدی (فتوح) بوسه
 ولایتنه متصل قواج ایلی و بولی ایلی حاکم لری که قزاقه اوغلی و بولی اوغلی دینلوردی * بوی - فرد
 طو نوب محبوس اولغین بوسه قزالیله یله قتل و عمل کنلری ضبط اولنوب حله ولایت بوسه دخی تسخیر
 اولنوب بکاکن منت بک اوغلنه توجیه اولندی * اقبیلر براغتنام و عسکر اسلام عطایای سلطانله شاد کام
 اولدی (فتوح) ولایت بوسه قزنده هر سگ دیارنی که قلاع رفیه بی مشمل و جانب غریبی بحر فرنگه
 متصلد رفیع ایچون بادشا توجه ایدو کده قزالی هر سگ فرنگه قاجوب بادشا اتی قلمه محمود پاشایی
 کوندر ووب استانبوله کیدوب پاشای نخسته رای هر سگ قلمه لربن برر بر رفیع ایدوب قلاع حافظلرین حبس
 ایدوب مال وافر ایل کوب قزالی هر سگ بادشاهه هدا ایل اوغلی رهن کوندر ووب رجا عفو و احسان ایدو
 شمدن * پس شاه عطایا بخش ولایت هر سگی ایکی بخش ایدوب اعلا سن الیقوبوب باقیرین قزاله باغشایوب
 اوغلی ایمانه کوب انی احمد قونوب تدبیر حله وزیر اولدی * آ ز زماند نصکره قزالی هر سگ وفات ایدوب
 اکا ویریلان ولایت دخی بادشا طرفندن ضبط اولندی (حال فرمانان) (نظم) و اذا اراد الله رحله دولة *
 عن دار قوم اخطا و انتدیرا * مفهوه خجه فرمان اوغلی ابراهیم بکک اسحاق پیر احمد فرمان قائم علاه الدین
 سلیمان نوره موفی آد لیدی اوغلی اولوب اسحاق جاریه دن سائر سلطان مراد خان هم شیره سندن اولغین
 تختی اسحاق اولی مراد ایدوب ایچ ایلی اکا ویروب کزیده اموالن اکا امانت قوبوب مله کده قلمه سنده قرار
 ایدو ر سندی سکر بوزالتش سکرده مرض موده اوغلاری کوب بوی محاصره ایدوب قونیه قلمه سندن
 چیشاردوب بود دخی قاجوب کواله حصاره کیررکن ضعفدن وفات ایدوب پیر احمد قونیه ده تخته بکوب
 سلیمان نوره صوفی بادشاهه کوب اغریارلر ویرلری اسحاق اوزون حسن هدا ایل خبر کوندر ووب
 بکامه اوتنه کس و نلر هر قوناقزینه بیکرالتون ویریم دیوب حسن دراز اشبو چوق جائزه بر حص و آ ز ایل
 کوب احمد برادر لری بادشا قاجوب اشتکال و طفته انکا ایدو دراز ناساز قزالی تالان ایدوب کتد کده
 بادشا احمد عسکر قوشوب کوندر ووب چکده اسحاق صینوب خزینه سن الوب دراز قاجوب خاتونله
 بر اوغلی سلف کده قالد پیر احمد سلف کده دن غیری حله فرمانی ضبط ایدوب آقشهری بکک نهرنی صقلان حصارنی
 ایافون بازارنی بادشاهه وروب عاقبت ذاتده اولان بدی که موجب خسران ایدو برابر از و غارت محالک
 عثمانیه به آغاز ایدوب (نظم) چونیره شود مردار روز کار * همه آن کند کش نیاید بکار *

مفهوم و آنچه پادشاهان این طرف و آن طرف از پادشاهان دین دوشوب و قیت هلال اولدین عاقبت
احوال بعضی قریبانیان ایله عن قریب بیان اولدور (فتوح) ملوک کفار اتشاقشوب جزیره قوره به
فرنگ بوسنه دخی انکروس قرائی هجوم ایتمکین پادشاه غیور جمع عسکر منصور ایدوب سکر یوزاتش
طقوزده اولامچو پاشایی کوندروب در عقب کند دخی کیدوب پاشاموره اغزنده کرمه حصار نه بلاشد قدیم
ساجشافرنکار آق ضبط و تعمیر و احباب - فقط و جنگی تکرار ایدوب حالا کورغوس قلعه سن دوکوب
دیوار زین دلوب المی اوزره ایکن قلعه موره ایچنده اولان موره بکی سنان بل امیدن کسوب ناچار شغون ذکر
ایدوب بر کجه یوزدن زیاده سوار و پیاده ایله صدای کوس و فیر وندای تمیل و تکبیر ایله یور یوب کافر لر محمود
پاشا کادی صانوب شاشوب اکثری قریب یوب پادشاهی کلوب کرمه - حصار فی وجه بیره تسخیر ایدوب بخان
کفار له آرد لر خجه ابلاغ جیلر کوندروب آتد دخی یتشوب چوغنی قیروب قورتلان کافر لر کاردنه کی کیلرینه
بنوب قاجوب بده پاشا امر پادشاهه جزیره موره ده اولان موری مسراط لوندار یلدر قلعه لرین که بوندره
قارلی ایل دیاردی وایکی قلعه بی دخی فتح ایدوب پادشاه دخی انکروس قرائن ولایت بوسنه به هجومدن
منع ایتمک کیدوب صوفیه به وارد قدیم کیلر له بخان فرنگ مدالی به واروب المانه مباشرت ایتمکله قلعه
خفتدن فریادچی کیم پادشاه محمود پاشایه کیدوب ایدوب کوب مجلای به واره سن دیوار لاق کوندروب
اودخی موره محافظه سی لوازم کوروب کیدوب فرنگر - همان دوتجاسی کادوکن ایشیدوب قاجوب
پاشا مدالی به کلوب تعمیر و حفظی لوازم تدبیر ایدوب پادشاهه کندی قرائ بد فعال فرنگر له انهم زمان
ایشیدوب ولایت بوسنه دن همان یایجه حصارین الوب کیدوب آتی دخی الدینی ضابط لرینک تقصیرندن
اولمقین پادشاه المره عظیم میا - تکر ایدوب قیش کلکین دونوب استانبوله کادی (علیه) سکر یوزیتشده
پادشاه یچده سباهه یایجه بی قرائ لندن قورنار مغه کیدوب وارد قدیم محاصره ایدوب جالشوب اسباب
ضبطی وافر اولمقین زمان محاصره اوزانوب قرائ لعین پادشاهی آندن صرفی چون وافر - سکر له کلوب اوزرینق
قلعه - سن محاصره ایدوب پادشاه دخی یایجه بی محاصره ده امرادن برنی بعض عسکر له قیروب کندوسی
اوزرینقه عزم ایدوب کجه جک صعب در بندره قرائ عظیم طوبله قوروب وافر جبهه لوب کافر له یکادوب
تیش دخی قریب اولمقین پادشاه روم ایل عسکر یله محمود پاشایی اوزرینق محافظه سنه قیروب کند و صوفیه به
قیلا مغه کندی بوز - فرد لا ور له ساقا اوزرینق محافظه سنه کوندربلان - خیال اوغلی اسکندرین
کشار له قلعه دن صوانوب طوبله یقلان برلری دما دم با یوب لکن امتداد محاصره دن عاجز قالمشدی پاشا
در بندره قلعه احوزن بوز قلامغه کجه ایچنده آدم لر کوندروب وارد قلعه سن حکم قیش اولمقین محاصره ایدن
کشار اطراف حصار ده بیرالنده از به لایدوب ایچنده یا تورا اولمقین خبر وارنار حصار کارنه کلوب بکیر لره
سولوب صبر ایلک اوج کونه دل پاشا - مزه کوردوب کیدوب برنی قلعه ده طبل بشارت جالشوب کجه کی
مصابحتی قرائ ایشیدوب اغر قرائی قاجوب صالت قالوب یولارده قراول قیروب میخال اوغلی علی بکی
اقتبیر له کوندرد که کافر له قرائه پاشا کادی دیکین جله اسباب جنگی براغوب قاجوب علی بک حصاره
واروب حصار خلقی دخی یغما به و - سکر نه مایه جالشوب پاشا به خبر وارد قدیم ایل قار له کلوب نه رساویه
وارنجه بخان کفاری قیروب چوغن امیر ایدوب ساوه به خود یچد کافر غرق اولوب قرائ مقدم بکیمین
قورنوب کیدوب پاشای کامیاب امه وال غنیمت یچده ایل پادشاهه کلوب انواع رعایت مظهر اولدی (تسخیر)
ساجشافرنکار کافری عصیان ایتمکین سکر یوزیتش برده پادشاه ارناود ولایتنه عسکر چکوب واروب
سرکشک ایدنلری طوبوب ولایتلرین تسخیر و مردار لرین تسخیر ایدوب اطرافه انجیر صالوب یچده امیر و مال
وطوار کشرک وروب طباغله بخاندر کلوب غنول طقه مظهر اولدیلر و طاقه عصیان بی اختیار لر در دیومقر
اهل اسلام اولمچون احتیاطا از زمانده بر حصاره اتوار یایدوب نامی ایل بجان قیروب پادشاه ادرنه به کادی
(فتح) ارناود مردار لردن شاز اسکندر خراج و بر مک عساد و ایل بجان شهر فی غارت و قلعه سن محاصره
ایتمکین غنم یکی بهارنده پادشاه عسکر جمیع ایدوب واروب - کند دخی قوروی باخی و کوزی یایی ایل
فرنگ قاجوب پادشاه آتد دخی مال و ولایتلر الوب آتی ساجشافرنکار یور بوسنه به وردی - مالکده طاعون

اولمقین پادشاه شهر لره کیر میوب قوره ذکر کجاری - منته واروب راحت افزا جالده قشقه دل صفا سوروب بده
استانبوله کادی (نظم) تأیید الهیش چو یار عساکرد عالم بکرفت و کام کار بها کرد (فتوح) قرمان
حاکمی بیر احمد بک قلی قاضی اولمقین لطف سلطان جود استیفا نامی نامی اولوب غارت ولایت به مباشرت ایتد که
پادشاه فرمانه عسکر چکوب احمد لارنده به قاجوب پادشاه کواله قلعه سن فتح و قونیه شهرین ضبط ایدوب
محمود پاشایی عسکر له احمد کوندروب وارود قدیم امر اعظم جشکار ایدوب عاقبت قرمان لر صینوب احمد
خلای اولوب پاشانک اسباب عزلندن بری دخی بوا همال اولدی دیشلر اسیر اولد پادشاهه کتورلد که
جله شمه سیاحت اولوب بده طور غود اوغلرین اله کتورمکی پادشاه پاشایه یوروب اودخی ابلاغ ایل بلغار
طاغنه کیدوب مزور لر سوسه قاجوقین پاشا بلغارده بولدی فی طور غود لوزی زنجیره چکوب کتورلد که
امیر پادشاهیه قتل اولدیلر بده پاشایه قونیه ولارنده اهل حرقتندن به ضلری استانبوله سورمک یورلمقین
انتخاب انواع تسلیمت ایل کوندرد که پاشانک عدوسی اولان روم محمود پاشایی ارتش ایتدی دیو غز و سابقا
سفر لده صدور ایدن بعض امور فی سوه تدبیر و صوره جل ایتمکین پادشاه قرمان بکاکن اوغلی سلطان
مصطفایه و یوروب استانبوله کاورکن محمود پاشانک او تاغن پاشنه یقدر ووب عزل ایتدی قرمان اوغلی اسحاق
اوزون حسن یاتنده یا خود عسکر له کاور ایکن وفات ایتدی (فتح) فرنگ بکارندن جدرال اتش
قدر قدیمه ایله اینزه کلوب قاضی و خطیب قاجوب شهری غارت ایتمکین سکر یوزیتش اوچده پادشاه دونما
امر ایدوب کلیبولی بکاکن محمود پاشایه و یوروب یالدره کی کیلری جمع ایدوب اغر یوز جزیره سنه وارمق
یوروب اودخی جمع ایدوب واروب جزیره اطراف قوشادوب روم ایل یقاعنه قورمش اولوب کافر له کدی
کوپری برینه کیلر اوشتندن کوپری قوروب طوروب قراون پادشاه کلوب قلعه بی هر طرفدن دوکوب
بو حالده جدرال سیکسان باره قدرغه ایله معاونه کلوب کثرت عسکری کوروب ایراقده طوروب مسلمانلر
قلعه به یورش ایدوب چکری فرستی کوزدوب دلیل المغه فایق کوندروب کازره کلش برمی تدبولوب الوب
اوجنی - کون یورش دردوب پادشاه صائب تدبیر دیل اندیغندن خبر اولد قدیم - ایرته یغما کونیدر
حاضر اولک دیوند استیروپ وزرا و امر ایل پادشاهک بوتدیرنه حیران اولوب استعسان ایتدیلر (نظم)
عقول ملوک عقل اولدی قوی - عقول الملوک ملوک اعقول (نثر) پس ابرنی وقت - حصرده طوبله راقوب
کد کاردن یوروب حصاره کیروب خدمته قابل اولنلری در زنجیر و یاقسن قتل و شهری یغما ایدوب غازیلر
طیوم اولوب وقت ظهرده حصاره برافرد یکلوب جعه غازی صلاهی اوچند قدیم جدرال ملعون ایراقدن
کوروب مغبون اولدینقه محزون اولوب کیدوب مزبور قلعه به مقابل دریا ایچنده قزل حصار در لر بر غوز که
کافر له خزینته بی ایدو ایدی فتح اولندی و جله مالی خزینته پادشاه ایچون الذی - اشبوسنه ده سلطان جبه
قسطه مونی - سخا غنی و برلادی (وقایع) پادشاه استانبوله کلد که روم محمود پاشایی وافر عسکر له قرمان
اوغلار فی استیصاله یعنی دیار عده ایصاله کوندروب لکن (نظم) از جوهر بد همه تپاهی خیزد -
شور و شر و فساد و منهای خیزد (نثر) اول ستم یتیمه یلاندیشه - خلقی دوشردی درد و تشویشه -
اغنیاسندن اخذ مال ایتدی - فقر اسینی یا مال ایتدی (نثر) جمع مال ایچون کزوب وارساق دیارنه دخی وارساق
دیوب وارد قدیم تجاوزه بشلامقین وارساق بکارندن بری وافر پیاده ایل بر درنده طوروب غنم ایلری قیروب
پاشای غشیای افشای ذواتش خزینته سن آلدروب عسکر له نصی مقداریه کوجه قورتلدی (ع) چرا عاقل
کند کاری که باز آرد پشیمانی - پادشاه بونی ایشیدوب مزبوری قتل ایدوب قرمان سفر فی وزیر اعظم اسحاق
پاشایه یوروب اودخی سکر یوز سیکسان بشده وافر عسکر له لارنده به وارد قدیم احمد بک اوزون حسنه برادری
قاسم دخی صعب برره کیدوب یا خود وزیر ایل صوانوب صینوب اودخی اوزون حسنه قاجوب پاشاموت
وینکده قلعه لرین تعمیر واره کوی و اوج حصار فی وارونه حصار فی الوب افسرایه کلد که امر پادشاهیه
استانبوله اولمچون حال استانبوله افسرای دید کاری محله به قونیدیلر (فتوح) پادشاه - کلد
احمد پاشایی قیش ایتده علائیه فتحنه وافر عسکر له کوندروب وارد قدیم طوبله قوروب حصار ی دوکوب
حاکمی اولان قلی ارسلان بن عبداللطیف بک پاشا ایله خبر لشوب امان و برامک اطمینان کلد که اهل و عیال

و مال و منال طشهره چیه قاروب قلعه بی تسلیم و پاشایه نضرع و التجا ایستاده پاشا دخی ولایت علانیه بی ضبط و حاکم نصب ایدوب (نظم) اول ارسلانی خدیو بود بده * کتوروب ایتدی اخلاص ایلده (نثر) پادشاه دخی قلعه رعایت و کوملجه سنجاعن عنایت ایتدی * بعده سافکه قلعه * بنده اولان اسحاق بک اوغلی بدو بک و قاتن ایستاده قلعه بی و برهیم ضبطه آدم کوندرو سولدریو خبر کوندرو مکی پادشاهینه احمد پاشایی پیش پدیده * کمرله کوندروب و اردقده ضبط ایدوب اندن موقن حصارنه واردقده اوزون حسن پیراجد بکه قاسم بکه عسکر قوشوب سرحد کادکاری ایتدی مکی پاشا قویه به * کندی (فساد) قره قوبیلو طاقه مندن تبریز دیار بکر پادشاهی جهان شاه بن قره یوسنی و اکثر مالک عجم پادشاهی اولوب تیورانک نسلدن اولان ابوسید میرزائی ایکیل ایچنده نابود ایدن آق قیونلردن عراق عرب و عراق عجم و آذربایجان و فارس و کرمان پادشاهی اوزون حسن یا سدری کند و پاشه کلان قرمان اوغلاری احمد بکه و قاسم بکه وزیری عربکی و عم زاده بی یوسفجه میرزائی و افر عسکرله بیله قوشوب اندر دخی قوفاط اترافه کلوب رعایای پایمال و قوفاط باصوب جله شهری آتیه باقوب انواع فساد و ضلال ایدوب بعده قیصریه به دخی کلوب آتیه دخی فساد ایدوب بعده هر بک دو نوب کیدوب اون بک آدمله یوسفجه بی قرمان اوغلارینه قوشوب بولرد دخی قرمان و جید و لایقین کروب محالک عثمانیه ده فساد ایتدی (عقوبت) پادشاه بوللری ایستاده کده محمود پاشایی بکرار وزیر اعظم ایدوب اناطولی بکر بکسی داود پاشایی شهرزاده سلطان مصطفایه قوشوب اندر دخی کیدوب یوسفجه ایلدیر ایلده محکم صواشوب ترکانلر میل آشوب باشلردن آشوب ایاقلری لام الف کی طولا شوب دستی پادن بستی بالادن فرق ایدوب میوب شاشوب کیمی مقتول کیمی مغلول اولوب پادشاهه کتورلد کده یوسفجه ایلدیر بکرین حبس ایدوب سائر لرین قتل ایتدی یروب مهملکه مکرکدن احمد بک ترکانلردن آز کشته ایلدیر قورتلوب بنه حسن درازه قاجوب قاسم بک طاش ایلده کیروب سلفکه قلعه سن پادشاه نوابینک اللرندن اوغلری (آنکسار) پادشاه اوزون حسنه عثمان آمیز و طعن انکیز نامه کوندردیکه مضمونی بود (نظم) سن امک چکمه بزم کاوارام * باشکه میوه چنبرین صدارم * ملکک بقه فی هنر صاعه * مقصدک جنگ ایلده تک اوصفه * قومن دواته سوار بزم * طالعاب عون کرد کار بزم * اولتوز بای مزه سوار * اینترزایتمیجه دخی خوار * خنجر و تیغمز اولوبدیرتند * دور و نزدیکدن کلوبدیر چند * کشور شرقی خونه غرق ایدرز * برق کین ایلد خصصی حرق ایدرز * مرد روز بزدایک قاجه * نقد ناموسی طراغه صاچه * ضررک چونکه ابدی جیرانه * کاخ اقبال اوله ویرانه * چونکه سن راه عدلدن چیقند * نیشه ظلمه اولک یقندک * قصه کونه ایتدی دراز ایتدی * در فکر کریری باز ایتدی * بعده مکر بوز قش سکر و آتیه پادشاهه سیوا و واروب عسکری بوقلا میچون الای دوزوب روم ایل بکر بکسی خاص مراد فرق سنجاق بیکله و بکر بک عیال صاغقوله شهرزاده بایزید خانله اناطولی بکر بکسی داود پاشایی بکر بک دخت سنجاق و بکر بک عیال صاغقوله شهرزاده مصطفی خانله طوروب قبوقلاری اوزاده پادشاهک عین و سار و قفا سنده و بکچر یلدا کونده زینت و شوکت ایلد طوروب محصل بوز بک تفرع * کور و ایدری * بوزوجه شفق ماصدق کل طویل احق اولان حسن دراز ناسازخوف و احترازندن نهر خرات قریبده طاغله ارقه و یروب طوروب خاص مراد قراول اولمغین غرور و شتاب و بیوده شتاب ایل بعض عسکرله حسن اوتنه کیدوب اورتایه الزوب محکم صواشوب عاقبت پاشا و اکثر عسکری مقتول و بایر مغلول اولدیلر (واقعه) پادشاه بوسفره ابتدای بوجهنده واقعه کوردیکه حسن دراز ایلد کوروش طوروب حسن بونی باصوب دیری اوتنه چو کدروب بود دخی انک بکرین دلوب جکرندن بروصله قوباروب طراغه اوتوب * سنی بونکه زبون ایدوب او سندن دفع ایتدی * بواقعه بی علمادن بر بنه تعبیر ایتد کده نصرت و غلبه ایلد پشیر ایدوب بوسفره ایچون معصیت شریفدن تغال ایتدم (وینصر لک الله نصرا عزیزا) ایتی کادی نصرت و فرست بزمدر زراعد سرفی اشوب سنده ک عدده و واقفدر دوقوت ویت قلب ایتدی * مراد پاشا فتنه * پادشاه الم چکوب لکن واقعه ده کورین دیر لوسفته چو کک بواش * نیکرودن * جکرین قوبارمه * مرحت و نصرت بزمدر دوقوت قلب حاصل ایتدی (جنگ عظیم و علیه سلطان کریم)

لسان سال زمان (نظم) این زمان شمشیر کین برتر لکتر کان آزمای * درد بار تر کان نه ترکمان نه ترکان * مفهومی کویان اولمغین شاه برناموس یاتیه عسکر لک قاموسی قاموس اعظم کی مجمع و ماهجه اعلام ظفر اعلاملری ملتم اولوب بایورد طرفه کیدوب یدنجی کونکه سکر بوز قش سکر ریسع الاوینک اون التخی کوی یوم الایه ایلدی عسکر حسن راه زنه چاقوب (نظم) الای باغلندی سنجاق چوزلای * نیچه زینت ایلد صفدر بزلدی (نثر) جنگه باشلند قده سلطان مصطفی قولنده داود پاشا سینه دوشمنه هجوم ایدوب طاغروب قارشوده حسن دراز لک کویچک اوغلی کور زینل میرزا عز بلار ایتیه دوشوب باشی کلوب پادشاهه کلد کده واقعه ده حسنک جکرین قوبارد بنگت * سیری اولمغین شادمان اولدی * صاعقه ولدن سلطان بایزید دخی اوزون حسن طور دینی پشته به هجوم ایدوب زور و موفوره * سنی طاغ دینه طقوب بعده حسن عسکر لک صولقوله اولان بیولک اوغلی اوغورلی محمد اوزر بنه هجومله سیندروب * سوندروب محمدی دخی (نظم) نه جای قرارونه دست * سیز * پشاکام بنهاد رودر کریم * مفهومی * (ع) بخت برکشته کی بوز چویروب الایدن * کتد کده حسن دراز عسکرینک انم زامندن و اوغلی زینک انمدا مندن (محرره) قلابی مکسور و خاطری غمناک * سینه سی چال و دیده سی غمناک * اولوب محمد خانک کندوبی هازم اوله جفته جازم اولمغین میرا خورینه بوز آتی کتورک باش قورناراندروب کلوب قرمان اوغلی پیراجده بیله کیدوب (نظم) مایه سن دشمن صاوب بخار ایدی * قورقوندن ایکی چشمی جار ایدی (نثر) اوج کونک یوله اهل و عیالی طور دینی اردومنه برکونده واروب انلری الوب اکثر مال و منال بر اغوب تبریز بولنه قاجدیلر (نظم) لاشه و باش ایلد طولدی مرده * چوق نوادر نسته لکیردی اله * ترکان عرقینی کسیدی شاه روم * بادی مقدارین دراز بر هموم * ایلدوب شهید کمال احتراز * ایتدی باین کلیندن دراز * پس وصیت ایلدی اولادنه * باشلدی عثمانلور صنی یادنه * دیدیکم ایسترسکز اقبال و جا * ایلک بوخاندانه بدنگاه * بونلک یاردیمچیسی الله در * بونلره بدخواه اولان کرامدر * ایتدی یلر اولادی پندی قبول * اولدیلر بوخاندانه جله قول * دیموب بوعصیه اوزون حسن * اولدی شمشیر غم اکبول کسن * آه واه ایلد بچوردی سالتی * کسیدی دوران رشته آمانی * اولسکه کرداری انک مر دار اوله * مانم کیم عالمده بر خوردار اوله * حدی بیان کر کدر هر کشی * تاکه اولیه نه انک ایشی * بدعل اولور چه سان ایچنده خوار * اولسکه خارا کدی اولور محضولی خار * دولت دنیا به مغرور اوله سن * کورنه اولدی عاقبت اوزون حسن (نثر) شاه و سپاه حسنک اردوسنده تقود و قش و طوار و انواع متاع ایلد پراتفاق اولوب پادشاهه معرکه ده اوج کون اوتروب ترکان اشقیاسنه قتل عام یوروب اسیرلردن علما و اصحاب معرفت و صنعتی استانبوله * کوندروب آق قیونلوری مطلقا قیروب قره قیونلوری آزاد ایدوب حسن دراز حبسده اولان عجم بکرزاده لرین امام سیه ده حبس ایتد یروب جنگده و بعده قتل اوللردن غیری اوج بیک اسیری یوله برهفته به دق قتل ایتدردی * بعده قره حصار شرقی به کلوب حاکمی اولان داراب بک قلعه دن چیقوب سرفرو ایتد کده ادرنه ده چرم سنجاقی و برابوب حمرت المولک اولان حصار و نواحیسی و انده اولان معدن زاج جله ضبط اولدی * شاه رعیت واز حسن دراز * کبی خان عظیم الشانه غالب و منصور اولد بفته سرور و موفورندن جله ملکه مده اولنلر آزاد اول و نلر یوب حساب اولند قده قرق بیک جان اعتاق اولمش اولدی * بوسفره بوجهده سپاهیلرک خرنه دن فرض الدقلری بوز بولک ایتدی دخی پادشاه باغشلدی * حسن دراز قاجد قده پادشاهه جله ارکان اردنجه کید * سون دیوب وزیر اعظم محمود پاشا عاقل و میرکلام اولمغین پادشاهم عدوی بدخواه ایلد مغلوب اولدیکه مقابلیه قادر اوله لایصه طاعلرده اختفایده چکی مقرر در عمالکی الذیفی تقدیر چه مستحکم قلاعی یوقدر که انی الماقدن عاجز اوله وزیر کتدیکه زکی اشقیای ولایت اکاتایع املق مقرر در پس سعجز ضایع اولمش اولور اولی بودر که تختگاه معاد تیناهه رجوع یورله دیکین * پادشاهه دوقوت استانبوله کلد کده حسن اردنجه کید لسه اله کتوریلوردی دیواغ واه ایدرا ایلد محمود پاشا به انجنوب و زار تمدن عزل ایتدی (فتوح) حسن دراز انم ازمنه کده شامی سرایت ایتدی دیو قرمان اوغلی احمد بکی نظردن نوحاد و رایتد کده احمد بنه قرمانه کلوب قلعه ارمشا کده طوروب اطراف غارت ایتد مکی پادشاه کلد احمد پاشایی اناطولی عسکری

و بعض قبو و الارز کونند و روب بودنی مقدمه اغفال ایچون احد بکه صلحنامه ایله برابری کونند و روب احد بک
ایستایوب موروایکین باشا ایلغار ایله واروب باصوب احد بک عسکری قاجوب مغاره لوده کیزانوب کندوی
خوابیل بر اورمانه کیروب باشا ایل والوس قزمانیانی غنیت و قلعه ارمناسکی جبر ایله فتح و ضبط ایتدی
بمده میدان قلعه منه واروب غایت یوسک بک برقیبا باشند اولوب اصلاحیه حاجی یولی اولیوب جوارنده
برطاعدن اکا کوری قوریلوب انک اوزرندن یکیلوب کوری کسلد کده قوش اوچزدی اوطاغ ان اطرافی
دخی کوهستان اولوب اکادخی چیقاق غایت مشکل اولغین طوب قوره جتی برده عسکر متحیر ایکن باشا کمال
دقتله بر صعب یول بولوب عسکرله ییاده اولوب اورغانله طوب یولی زحله یوقار و چکوب قوروب سابقا احد بک
خزینه و اهل و عیالان محفوظ بر ددی یوسف نام معتد علیه قولده یوننده قومشدی باشا قلعه بی طوب یوله
دو کوب یوسف بک دغا مدله کیری یادر و بده هر وجهله عاجز قالدده باشا اکا (نظم) بجاچ ایتمه که
اولز آخری خیر عناد اوزره فالورسک اید سن سیر دیوانوع نصیحت ایتد کده امان و عیالان و اعیان ایله
قلعه بی تسلیم ایدوب باشا دخی احد بک اهل و عیالان و مان کال رعایتله قوشیده شهزاده سلطان مصطفایه
کونند و روب قلعه بی ضبط و تعمیر ایدوب بیر اقلرد یکوب کوس بشارت چالدر و روب اوجانیده احد بک احیاناً
بر یوسک طماغه چیقوب قلعه منه باقوب الفز دیو حظ ایدوب بودده باقوب الفز کورد کده چونکه
عیال و اولانجه مال خصوصاً قلعه لم کندی (نظم) الاموت بیاع فاشتریه * فهذا العیش مالا خیریه *
دیوب غشی اولوب عقلی کلد کده کندوی بر یوسک قیادان آتوب بحکمه الله قفانی اغاجه ایشوب طور و روب
توابعی ایلر صار قوب کوجله قورنار و روب چکوب زخدن نیجه کون خسته اولوب اول محنت یاری آواره دیار
تعالیب روز کار ایله سرکشته و زار اولوب طرسوسه وادی بریل قدر حدود ولایت شامده آرام ایدوب
انواع محنت ایله آخر نه رحلت ایتدی (فتح) بوجانیده احد باشا سلف که قلعه منه واروب طوب یوله دو کک
صد دنده قلعه نک طوب یولچیلر یله که عیالیندن ایدیلر خبرلشوب احسانلر و عده ایتمکین طوب یولبار و تخانه به
اوت و ربوب باروت و بعض اولر باقوب قزمانیلر شایوب اکا اوشد کده باشا عسکر یله سابقا اچیلان کد کاردن
حصاره کیروب مستحفظلردن سکسان آدم قتل ایدوب قلعه بی ضبط ایتدی (فتح) شهزاده سلطان مصطفی
کند و آدم لردن نیکده یکی اولان قوچی بکی دوه لوقره حصار فتحه کونند و روب واروب محاصره ایتد کده قلعه
ضابطی آتجه بک که کزیده امر افرمان ایدی شهزاده کند و بالذات کا و رسم تسلیم ایدرم والا صواشورم دیوب
خبر وارد قده شهزاده و جم کلبه دن خسته اولوب لکن فرصت فوت اولما مغیور کلوب قلعه تسلیم اولند قده
مرخی قولجه دونوب نیکده به واروب جامه کیروب چیق دینی ساعت وفات ایدوب بعده بروسه به ایلتوب دهن
اولندی (قتل محمود باشا) پادشاه تعزیت شهزاده ایچون امر اطراف کلوب وزارت عظمادان معزول
محمود باشا دخی کلد کده ادراسی اولان ارکان شهزاده نک عروسی اولغین حال و فاته مورو ددر دیو یولی
غز ایدوب پادشاه یوقلدوب بودنی بحکمه الله آق تقنان کلوب دفع غم عزل ایچون شطرنج اویار کورلمکین
(ع) کل نم دیده را آبی تمامست * منلی موهومجه پادشاهک ابقادخی بر قاج وجهله اینجمنه سی اولغینیدی
قلعه حبس بعده قتل ایتدی بی سنه سکر یوز غش طغوز (فتوح) قره دکر کاردنده ولایت کفه به که خیلی
زمانه نبر و فرنگ انده اولوب ملوک کفر و اسلام اکا تعرض ایجا مشلردی * سکر یوز سکسانده پادشاه کدل
احد پاشایه دریادن مغر ایچون دونغا تدارک ایدوب اورخی اوچ یوز پاره قاندرغه و ماونه و کرکه و آت
کیمینی جنگیجیلری و سارم هم مانیه تدارک و احضار ایتد کده پادشاه اکا کفه فتنه کیمت امر ایدوب کلی
و عایتله کونند و روب وارد قده قلعه کفه بی خیلی مدت محاصره ایدوب طوب یوله دو کوب داسکار اچلوب غایت
تکوری امانله و ربوب اهل و عیالان قورنار و روب خزینه سن پادشاه ایچون پاشایه و بر دی و پاشا دخی رعایای ابقا
و غیر بر ایدوب تیار تقسیم ایتدی عسکر اسلام و ورو قاقم و سحاب و انواع اموال بحساب الوب مفتتم و شاد
و نرم اولدیلر حصار کفه کفه کیرد کده توابع و لواحق نه خیرنه سی اولوب قلعه یاکرمه بی و مولده فتح ایدوب
بعده ولایت ازاقکه مقابله و عیالان شمالیه و ترکستان و ماوراء النهر و دیار حاجی ترخانیدن کلان تجارک
بند و و معبر و بر کس مدنه وار و نیجه قدر قلاع و ارا به جله سن فتح ایتدی (فتح) بعده مزبور پاشای

قلعه کشای منکوب حصار نه واروب نیجه مدت طوب یوله دو کوب حصار رخنه دار اولد قده تکوری
پاشایه کلوب مطیع اولوب حصار ده اقر باسندن بری قلعه بی و بر مکه عناد و چونکه عزم ایدوب تکور حصار
باشه واروب نصیحت ایتد کده تأثیرا تیوب صعب قلعه اولوب فنی کلی زحمته محتاج اوغین (نظم)
کر کدر حیله ارلان ایله بکه ارلان اوت در طغوزی حیله * بر تندیله بهز جیشله ایش * انک یون دیرلر
التدیر لالجیش * موهومجه پاشا محاصره به بر مقدار آدم قوروب کندوی اوصانوب کیمت صورت کور و روب
یو صوره کیروب کفار سفاقتهار طشره چیقوب محاصره ده اولدیلر صواشوب از دخی تدبیر یله کیروب
چکوب یو صولر یانه ککورد کارنده کیمی اوکارینه چیقوب پاشا آردلرین الوب کفار منکوبی منکوب
و لکد کوب ایدوب قیردیله و ضبط حصار و غنیت ییشمارله مراده ایدیلر (ظفر) یینه یوسلده سمندره بکی
مالقوج اوغنی امر پادشاه یله سرمداده سنه افرین ایدوب الی بیک قدر مسلح کافرله محکم صواشوب غایت
غالب اولوب بر قاج کافر بکرنک باشی و نیجه لرینک یورنی و کوشنی پادشاه کونندردی (غنیت) پادشاه روم
ایلی بکار بیکسی شادم سلیمان پاشای کزیده سپاهله ارناود اسکندریه سی فتحه کونند و روب واروب صعب
قلعه اولقله در فنی باز اولق محتاج زمان درازا اولغین غارت و عظیم غنیت ایله دوندیله (هریت) کمال
قوت و شیطنت سبیلله ملولت عالمه سر فر و این ولایت قمره بدان قرالی عیالان ایتمکین مزبور پاشا عسکر ایله
اکا کیمکه امر کونند و روب یورغون عسکر تکرار بر آتدی یوله مع الکراهه سفر ایدوب وارد قده زمزمه ادا
بی نشان و نابید اولغین مسلمانلر غارت و مشغول ایکن قرال یوللرده یو صولر قوب ییاده و سوار ایله هجوم
وا کترین شهید و مر حوم ایدوب بقیه عسکرله پاشا کوجله قورنار دیلر (فتح عظیم) پادشاه قاقوب
سکر یوز سکسان بر چهارنده قره دکر دن قدرغه لره نهر قنایه و افر ذخیره و مهمات مغر کونند و روب بغداد قرالی
مزرحه لده ترک لری و صحرا و طاعلری باقوب ملکیتی اغنیاسن صعب یجنه لره قوبوب جله ولایتی طوارلرین
صعب بر لره چیتار و روب جله عسکر یله ادرته سی آتی و غایت واسع بر عظیم اورمانه کیروب یوللری بیولر
اغاجلر و چالیلرله بد ایدوب عمیق خندق فازوب طوب یوله قور و روب آلات حربله طور و روب عسکر طفره رخو
عدوی تخمین روچمن جست و جوایدوب نام و نشان عیال اولیوب سر کردانی و خط و غلا و اول ولایت
یائش یوزله و رایحه سیله انواع بلا چکوب کزکن حکمت خالق شب و روز ایله قولاغوز یول یا کلوب پادشاه
انی قتل امر ایتد کده قارشوده اورمانده آدم و اراغتی دیو خبر کلمکین بلوک سیلوب یوقلامق ایچون کونند و روب
جله کفار بغداد داخل اورمان اولشلردن دیو کاد کارنده قلاغوز قتلدن عفو اولوب وقت معبرده پادشاه
الای دوز و روب یوروب دخی نشانگاه و ارمادین ککفار خول صورت کمال عجله و حیرت سبیلله طوب یوله
اوت و ربوب مسلمانلر برجه و بریده اولغین طوب طاشلری اوزر لردن کوب کیدوب ایچتی بعض جدار باشنه
طوب قنوب کندی * اما مسلمانلر اند قنری طوب یوله کفارک طوب عربله نه طوقنوب برده دوشدی پادشاه قلقان
یوزینه طوب آت صاوب جله عسکر دخی طوب و تفتکه باقیوب یوروب کفارک طوب عربله نه طوب یوله
(نظم) نیجه اوروب جنگه شیران و غا * دم اوروب هر بری اولدی ازدها * قوشلقدن بین الصلایه دله
محکم صواشوب و افر مسلمان شهید اولوب اکن اکثر کفار یسجد و شمار قیلوب حتی باشلردن مناره لر یاپلوب
قرال ذلیل عده قلیله اورمانک بر کوشه سندن کوهستانه قاجوب طابور ایچنده کفارک یسجد و لایعده نسا
و اولادی و انواع اموال غیر قابل التعدادی آتوب یونلردن غیر ایکی آیه دله متصل ولایت بغداد غارت
و تحصیل انواع غنیت اولوب انسان اجناس دواب بی عدد و حساب اولوب یوسفده افلاق بکی جله عسکر یله
یله اولغین انلر دخی حالیه مناسبت اموال دن حصه باغشایوب اول واسع ولایتده یولسان خنایر
سور یلری دخی * الجذیه علیه الضم موهومجه یوزره و بر لری (فتح) پادشاه بغداددن دونوب قوبان
یکد کده انکروس قرالی توانایله موراوه ابرما قریک یجمعه ده عمالان عثمایه دن قویلوچ نام محمله طاشله
اغاجدن ایکی محکم حصار و توانک اونه یوزنده یوزلر قارشو شده بر قلعه دخی اوبوب طوب یول و چنکچیلر قوبوب
اوحلی اسکله ایدوب فساد پاشادی دیو خبر کلمکین آت قارته دله قارباغش ایکن (مهرره) دفع شر و رفع
ضرر احدثن اولی عاقله * دیوشویش قیشه باقیوب واروب اول قلعه لک خندقلر نه تواندن صوصالوب

طو کد قده کچوب طوبله دو کوب بغماید کده غاز یلر یور یوب حصار له بیر اقلر دیکوب تفکیکی کافر له
 کوزاچد رمد قلدنه امانله تسلیم ایدوب ولایتلر نه کتک ایتین **ک** قاره اجازت و یور یوب باقیلر اناطولی به
 یور یوب خیانتی ظاهر اولانی اسیر ایدوب قلعه لری آتسه یا قوب بر ایله بر ایدوب استانبوله دوندیلر **ف** فتح
 سکر یوز مسکان اوچده پادشاه اوناود اسکندریه سن قعه کیدوب مرحدار ناودده الحقه حصاره وارد قده
 ایچنده کی **ک** قاره امانله تسلیم ایدوب * باشرین هم عیال ومالارین قورتاردیلر مهمات ضبطی
 کورله کده اسکندریه به وارلوب مزبور قلعه بر یوکسک طایغ اوستنده **ا** **ک** کدر دوالقرین بنای اولوب
 بر طرفند درنه دید کیری دریا شمال ابرماق اوقوب اوج طرفنک برنده درنه ایله یونانیه ابرمقلری بیچمند
 اش آدلو بر صعب قلعه بر طرفند دخی بر یوکسک طایغ اوستنده درغوس ادلو بر صعب قلعه بر طرفند دخی
 بر عظیم کول اغزنده کولباشی آدلو بر صعب قلعه اولوب مزبور کولک منافع ومحصولاتی آنک سببیل ضبط
 اولوب یلده قرقینک فلوری حاصل اولوردی * مزبور اوج قلعه اسکندریه بی جوانیدن حفظ ایتدین
 قدیدن کامولت عالمین یاد کسنه ظفر بولماستدی * حالا پادشاه کلد کده نهر لطفیانی زمانی اواغین بر عظیم
 کو پروریا بلوب عسکر کچوب قلعه به حواله صعب برله وافر باقر حیه مارلوب از درها بیکر طوبیلر دو کوب
 قلعه به انلوب بعض برلرین سو **ک** کوب مرار یوریشلر اولوب فتح میسر اولماغین امر پادشاه ایله روم ایلی
 بکری بکیدی اول کولباشی امانله بعده درغوسی بغماید یعدلهشی امانله فتح وضبط ایدوب لشد فرنگ
 طرفندن ضبط حصار ایچون کلان بهض فرنگ بکیری عیال ومالارین کی به قوبوب کیدرکن نهر کارانده
 اردوبه اوغره مغین بهادر بکنلر صوبوب یوزوب فرنگلر اورمانه قاچوب غازیلر کیدر کده کی کفاری واموالی
 لوب اورمانده اولان فرنگ خسار برین زنجیره طاقوب پادشاه کتوردیلر * بعده اسکندریه مقابله سنده
 بر حواله قلعه یا یوب اورنوس اوغلی اجد بک بعض برار سپاهلر آنده قونوب اسکندریه خلعتی هر وجهه تضییق
 یورلوب بعده پادشاه استانبوله کلوب الی ایدن صکره مال وعیاللرینه دکلامک شرطله فرنگستانه
 کتک ایچون امان ایستد کیری خبری کلوب پادشاه اجازت وامان و بر مکن وندیکدن کیلر **ک** کتوردوب
 مال وعیاللرله کیروب قلعه بی عثمانیله تسلیم ایتدیلر **ف** فتح پادشاه اسکندریه سفرندن کاد کده
 اوناود ولایتده اله کتورلیان برلری تسخیر ایچون سابقا وزارتدن عزل اولنان کدل احمد پاشایه اولونیه
 سخباغن و یور یوب اودخی واروب اول حدود لنبعضی تسخیر و بعضی تدبیرله تسخیر ایدوب بعده او برلر قریب
 اولوب فرنگ تصرفند قلات جزیره بویه ولایتی تسخیر تدبیر ایچون سکر یوز مسکان درنده اجازتله کلوب
 پادشاهه سوبلشوب لازم اولان قدر قدرغه وعسکرالوب دریا دن کیدوب وارد قده نیجه عظیم قلعه لری کین
 جبراکین صرافخ ایدوب اول جزیره نکساک کی اسبانیه به قاچوب پاشاه دخی بر مدت آنده طوبور یوب بعض قلاع
 دخی الی ایکی یلده نصکره پادشاه وفات ایتدین **ک** کین پاشا سلطان بایزید جلوسنک تهنتنه و نیمه قلاع جزیره
 مزبوره فتح کولوازمین ایستد کده مزبور حاکم اسبانیه دن قرق پاره قدرغه ایله کلوب طوبله دو کوب
 الوب مسلمانلر اکثرین شهید باقیلرین اسیر ایتدیلر **ن** نظم مالانام مع القضاء تحیل * ذهب القضاء بحیه
 الاقدام **ف** فتح یته سکر یوز مسکان درنده پادشاه قوجه ایلی بکنی اونوز پاره قدرغه ایله کفه نوا ایستدن
 آفاق صوبی کارنده قدیدن کافر آنده اولان مونه حصار قعه کوندروب اودخی واروب محاصره ایتد کده
 کافر قورقوب امانله قلعه بی تسلیم ایتدی **ف** فتح سنه مزبوره ده بابیورد و آذربایجان قریبده طرول ولایتنک
 حاکمی عمالت عثمانیه به ضروری اک کول اولماغین امامیه بکی شهرزاده سلطان بایزید امر پادشاه ایله لاسنی
 عسکرله کوندر مکن حاکم طرول اولان طرول ولایتندن ایرلوب قاچوب لا با پاشا طرولی سهولتله ضبط ایتدی
ف فتح سنه مزبوره ده حسن بک اوغلی عیسی بک خیال اوغلی علی بک ماله اوج اوغلی بالی بک اونوزینک
 عسکرله انکروس غارتنه کوندروب وارد قلدنه هر بری استقلال اوزده عامل و تکثیر مال واسیره مشتغل
 اولوب نیجه کنده پراکنده اولد قلدنه اکثر غزاهه کفرال پراحتیاله شهید و سردار اولان عیسی دخی جنگده
 شهید اولوب علی و بالی بوخبر **ک** کمرال عالی ایشدوب هدایه مشایخ محال اواغین فراره حصار اولدیلر
ا **ک** کدر یوز مسکان درنده پادشاه قلعه بی تسخیر ایدوب حصار ایتدیلر

غیری کلبولیدن التیش پاره قدرغه و وافر عسکر و طوبلر ایله کوندروب وارد قده اناطولی عسکری دخی و دوس
 قارشوسندن کچوب دریا طرفند عرب یوزا زید کیری قلعه بی که ساه صاحبیه کرامدن معاویه خلافتنده
 ردوس قلعه سن فتحه شامدن کلان عسکر امام کفاری تضییق ایچون یا یوب لکن فتح میسر اولماش ایدی
 حالاردوس فتحی بوگاه و قوف اولغین مزبور پاشا جزیره دن بوکادله کو پروریا چکدروب دریا دن دخی کیلرله
 محاصره ایدوب قلعه کارانده عظیم طاشلر اولغین یوریش کونی بهض صعبوب دریا به اتلوب طوب و تفنیکه
 باقیموب قلعه به یور یوب طر ماشوب جزیره طرفندن دخی غازیلر یور یوب کال کترندن کو پروریا اوج بردن یقلوب
 سیکدن زیاده آدم غرق اولغین بو حیرت فرصتده کفار هموم ایدوب کیلردن یوزوب کلنرینه دریا به کیروب
 یوررکن طوب و تفنیکه و زنبیل و خدنک ایله اوب شهید ایتدین مائر عسکر کیلر کیروب دفع عار ایچون نفس
 رودسک قلعه سنه واروب طوب و تفنیکه باقیوب اطرافدن یور یوب چوق کسنه شهید اولوب قلعه به علمار
 دیکلوب طشره واروشه عسکر طوبولوب قلعه خلقنده مال عظیم اولغین عسکر یقه المسونلر پادشاه خزینه سنه
 ضبط اولنسه کر کدر دیو پاشای بدرا ندا ایتدیمکن طشره ده اولنلر یاردمه کیرمیوب اراق کسد کده
 ایچورده وانلر اکثری حتی سابقا بکری بکی اولوب حالا قلعه مونی بکی اولان سلیمان پاشا دخی **ک** کفار
 هجومیلر قلدن کچوب بعده مسیح پاشا امر پادشاه ایله آیدین ایلی یقاس سنده ردوسه تابع بودر و قلعه سن
 فتحه واروب محاصره ایدوب نیجه زمان طوبله دو کوب فتحه بحال اولماغین تکرار امر پادشاه ایله
 عسکره دستور یور یوب کندوسی استانبوله کاد **ک** کده وزارتدن عزل اولنوب کلبولی سخباغی و برلری
و وفات پادشاهه ایچیه مطلقا فرم ایتد کده **ن** نظم جواهر بکچینه داران سپار * ولی رازرا
 خویشتن پاس دار * مفهم و منجه مطلبین خلق جهاتدن نهان ایدوب محل مقصوده قریب اولمیخه امرارین
 اظهار ایتدیدی پس سکر یوز مسکان الی بهارنده ماه صفر لیکری التیسنده بروجه ایهام و اخفاء عظیم
 تدارک لکن احتمال غالب اوزره فتح وضبط بعض بلاد عرب یتیلر مزاجی خوش دکل ایکن اسکنداره کچوب
 صحراده عسکرله قونوب بر قاج کوند نصکره ککبوز به واروب قوند قده حالی دکر کون اولوب ربیع الاولک
 درنده خیس کونی وفات ایتدی **ن** نظم باغ قدس اید مرقدینی خدا * ایتیه رجعتدن آتی جدا *
 و بردی اسلامه سعیه ووق * آر توره رجعتینی حضرت حق **ف** فصل درخیرات پادشاه **م** مرحوم مرقومک
 علوهمتی و دین اسلامه خدمتی و عباد الله شفاعتی و کمال عدالت عزیبتی و علم او مشایخه محبتی و انواع رعایتی
 بومبیلر عمالت عالمین علما و صلحا ک استانبوله کلوب کثرت جمعیتی و فقرا به دائمی خصوصاً اجدادی عادی
 اوزره ایام جمعه ده تصدقات یتیماتی حد و صدقندن خارج و ذوره علیایه عارج ایدی لکن کار آثار خیرات
 پرانتهاری بونلردر که * اولاً فتح استانبول که حسرت المولود خول ایدی * ثانیاً استانبوله ولادت حضرت
 عیسان مدم بسا اولنوب اوزماند نبر و عبادتخانه و رفعت و وسعت و طاقانده هفت آسمانن نشانه اولان
 ایاصوفیا کلیسا من عقب فتحده جامع ایدوب مصارفته اوقاف تعیین ایتدی **ن** نظم عبادت دیلر سک
 ایاصوفیا * بروکلر بریدر ایاصوفیا * ثالثاً شهر ایچنده نیجه کلیسا دخی کیمی جامع کیمی مسجد قیلندی
 * رابعاً شهر لک اورتاسنده بر جامع رفیع و واسع و حرمنک ایکی طرفنده در در عده مدرسه عالییه بر حیرات
 و مدارس آردنده سوخته لسا **ک** کن اولغه قنات دیمکاه مشهور سکر بلوک حیرات و برجانبده عمارت
 و مسافر خانه و دارالشفاء عظیم آخور و برجانبده مکتب تعالیم قرآن سنلر یته سکر یوزالتش برده باشلوب
 جله سی سکر یوز یتیم شده تمام اولدی **ن** نظم امامی چون زمین ثابت بنایی چون فلک محکم *
 ندیده هیچ سیاحتی نظیرش در همه عالم * اینیه مزبوره نک شرائط عظیمه اوزره مصارفته صرف ایچون اوقاف
 معموره وقف ایدوب و خراج و دیانی تعیین ایدوب زوائد اوقافدن علما و مشایخه وظیفه لر و بردی * خامساً
 خارج حصارده حضرت رسولک علمداری ابواب انصاری مزارشرفته تربه و جامع و مدرسه و حجرات طلبه
 و عمارت * سادساً شهر ایچنده شیخ وفاتیه سنده بر جامع و تکیه و عمارت یابدی * سابعاً روم ایلنده و اناطولیده
 فتح ایتدیک شهرلده احداث ایتدیک مسجدلر و جامعلر و بعض بنار حد و عددن بیروندر **ن** نظم ایتدی
 احیاء کالات کلا یخنی * ضاعف الله له الا بر بفضل اونی **ف** فصل مرحومک زمان سلطنتنده اولان

ویرلوب استانبوله جله ایکوز نفر توابعه کشتی * متن تجزیه بی مثل و متاشرح لطیف و زیبا یازوب هروجه مقبول علماء غول اولمشدر * علم صرفه عنقود الزواهر آدلو کباب و کشف حاشیه منه حاشیه یازمشدر بکری قدن برزمتی برجلده یازوب هر نه کسه خدمتکاری یله کتوروب مطالعه ایدوب جله منی حفظ ایتشدی ویشدر (۱۳) شیخ علی بطلای هر ویکه امام غفر رازی و حضرت ابو بکر و عمر نذر ندر تازره ایکن کاب تالیفه باشلغین مصنف دیومشهور اولدی * عجمه ده تحصیل و تکمیل جمیع علوم ایدوب رومه کاد کده قویه ده مدرسه تصرف ایدوب استانبوله کاد کده قولانی صافراولغین مسکان ایچه وظیفه تعیین اولندی * بحر محیط علوم اولوب اولوزدن زیاده مقبول کابل تالیف ایدی تاج و عبا کیوب طریق تصوفه دخی مرشد کامل ایدی * کونده بر جره کاب ایدوب و دانشمندی مشکل اولان محملری کاغده یازوب یو کاوروب بودخی الله جوابلرین یازودی * وفاتش فی سنه سکر یوز شش یوش بو عید حقیق والده سی پدی شیخ عبداللطیف نقشبندی بونک نسلند در رخت الله علیه (۱۴) مناسراج الدین محمد حلی خوراندی بونی عجمه ایلتوب آنده فضلادن اوقوبوب رومه کاد کده سلطان مراد بوق اوغلی سلطان محمد خواجه بنده ادر نه ده کندی و در سه سن ویروب حالا کاحلیه دیر کافیه متوسطه و طوالع شرحه حاشیه یازوب کند و خطیله وافر کابری و ار ایدی (۱۵) ملا درویش محمد بن خضر شاه بروسه ده سلطانیه مدرسی اولوب فضیلت وزهد و تقوای حد و صفدن خارج ایدی * عبا و شله دلبند کیوب مستجاب الدعوه ایدی ییلده همان بر کره عاشورا کونی تراش اولوب خلق قیومنه اوشوب ضایحک قیلر ندرن بردانه الوب خسته ره سبب قفا اولودی * کاهی مدرسه ده ایکن صاحبندن قیل ایستکه بعض کینه لک کاد کده قویار و ندر یو باشن طو تار ایدی * محمد که الله طامدن دوشوب اومیلده وفات ایدی (۱۶) منالایاس قول جنمی اولوب نوجله کتور لیدی * ملا عبدالکریم احوالده یکمشدر * منلا خضر بکدن اوقوبوب سلطان محمد کوچک ایکن خواجه اولوب بعده جذبه الهیه ایشمکن کار مشایخدن برینه واروب تکمیل طریق وار شاده مجاز اولوب بروسه ده علم و عبادته مشغول اولدی اشباغیده مذکور اوله جوق سید ولایت ایدر سابقا شیخله ججه واروب عرفاته کیدر کن اوغل قطب زمان عرفاته خطیبک صاغ یاننده طوزریاق تاکه کوره سن دیوب واروب باقدقه کورد مک منالایاسدر شیخه خبر وردم اودخی باقوب کرجک اودردیدی * اما ظاهر منلا الیاس ججه کلیوب بروسه ده ایدی بروسه به وارد یغزده بر کسینه بکافاته قطبی * کوردکی دیوب بندخی کوردم شهر ده کی منالایاسدر دیدم اوکیجه مونه قریب خسته اولوب * کن ینه قورتلدم ایرتسی شیخله منالایاس وارد یغزده بو کیدر دیوبی صوروب شیخم دخی بنم اولاده ندر دید کده * منلایدیکه بنم سزعی شایع ایتمکین روح قبض اولغنه بوکیجه تضرع ایتدم محمد صلی الله علیه وسلم شفاعت ایدی بلد مکه اولاد رسولدن امیش دیوب بعده افشاء امر عظیم راندن حذر ایله دیو بکا خطاب ایدی قدس الله ارواحهم (۱۷) منلا خواجه خیر الدین منلا خضر بکدن اوقیون بعده مدرسه بعده سلطان محمد خواجه اولوب استانبوله جامع و مدرسه یابیدی عالم و فاضل و متقی و ظریف الطبع و لذیذ الحبه ایدی (۱۸) منلا فضل زاده حمید الدین الحسینی جمیع علومده ماهر و متبحر و اهل تقوی و خاتم و صبور و متواضع ایدی عالم و زاهد اولان پدری افضل الدین بنده سائر علمان بعده منلا بکادن اوقوبوب بروسه ده ایکی مرادیه مدرسه لری بعده ججه مدرسه سی بعده استانبول قضای ویرلوب سلطان یارنیز زما تده مفتی اولوب بعض مقبول حاشیه لری و تفهیرده بری نظیر رساله سی وارد استانبوله بر مدرسه بنالایوب حالا ججه قودوغی دیکله مشهور اولمشدر (۱۹) منلا عثمان پاشا ابن منلا خضر بک ابن جلال جمیع علومه مطلع اولوب افراط ذکادن ایراد شکوک و شبهه مائل ایدی تازره کده پادشاه بو کادرنه ده بر مدرسه بعده دارالحديث مدرسه سن ویروب بعده کندی و صاحب بعده انجنوب عزل و حبش ایتد کده جله علما دیوانه واروب البته قیو ویرلوبون پوخسه دیوانده کابلر مز پاره ایوب ملکتنکی تر لایدی رز دیکین * قیو ویروب بعده سوری حصار قضایله مدرسه سن ویروب پوله عظیم جفا ایتدروب سلطان یارنیز تخته کد کده یوز ایچه ایله ادر نه ده دارالحديث مدرسه سن ویروب بعده فارغ اواغین یوز ایچه وظیفه و آربه اق بر تیار بعده کابولی بککی ویرلای جناب

حقه ترکی مناسبتاری و دیوانی وارد استانبوله وفات ایدی (۲۰) منلا یقوب پاشا ابن منلا خضر بک عالم محقق فاضل مدق متدین و حیدر الاخلاق ایدی بروسه ده سلطانیه مدرسی بعده ججه مدرسی بعده بروسه قاضی سی اولوب صدر الشریعه به بی نظیر حاشیه و شرح موافق کارینه کند و نک وافر سوالرین یازوب حسن چلبی موافقه حاشیه سنک اکثرین بوندن اخذ انش (۲۱) منلا احمد پاشا ابن منلا خضر بک فاضل کامل و متواضع و محب فقر ایدی ججه مدرسه لرینک بری ابتدا بوکا ویرلوب بکری یاشندن اکسک ایدی برادر ی سنان پاشا و زارتدن بودخی مدرسه بکندن عزل اولند قده بوکا اسکوب قضایله مدرسه سی ویرلوب سلطان یارنیز جلوسنده ادر نه ده حقیقه مدرسه لرینک بری سی بعده مدرسه ججه بروسه فتوای یوز ایچه وظیفه و شهنیر قر بنده بر کوی تیمارله ویرلوب طوقوز یوز بکری یزیده وفات ایدی بروسه ده مدرسه یابوب کابلر و قفا ایتشدی (۲۲) منلا صلاح الدین مدرسی ایکن شهزاده سلطان یارنیزده خواجه نصب اولوب بودخی شرح عقائد بعده منلا خواجه زاده نک هدایا الحکمه شرحن اوقوبوب انکیچون هر بر نه برر لطیف حاشیه یازوب بعده بروسه سلطانیه منه مدرسی اولدی عالم عامل و مبارک نفس صالح کامل ایدی (۲۳) منلا عبدالقادر جیزی ایچه فضلادن اوقوبوب خیالی چلبی ایله شریک اولوب بعده بعض مناصب تصرف ایدوب پادشاهه خواجه و صاحب مقبول اولوب وزیر مکر یله عزل اولوب صله سنه کیدوب آرزمانده خسته اولوب وفات ایدی عالم فاضل اولوب لکن کندویه عظیم زعمی و ار ایدی (۲۴) منلا علی بن یوسف ابن مولانا نزاری تازره لکنده عجمه واروب تحصیل و تکمیل علوم ایدوب سلطان محمد جلوسی اوانلنده رومه کلوب بروسه ده مدرسه مناسرت بعده مدرسه مرادیه بعده بروسه قضای بعده قاضی عسکرلک ویرلوب بونک همته علمایانده ها اوج سباهه پرواز و واصل انواع اکرام و اعزاز اولدیله اون ییلده نصکره عزل اولوب سلطان یارنیز جلوسنده روم ایلی قاضی عسکرلکی ویرلوب سکر ییلده نصکره عزل اولوب بروسه ده ساکن اولدی کمال تحقیق و تدقیق ایله درس و شله غایده چالشوب کیجه دوشکده اوقوبوب لندن کاب دو شویوب ایتخوسی کد کده دیواره طیبایوب اوانلنده الله طو تدقی کابه مطالعه ایدردی * کافیه به شرح یازمشدر بعض مشایخک خلوتیه کیروب تصوفدن ذوق عظیمه واصل اولمشدی طقوز یوز اوچده وفات ایدی (۲۵) منلا حسن چلبی ابن محمد شاه قساری فاضل کامل اولوب اوقات علم و عبادته توزیع ایدوب مشایخله محتاط ایدی ادر نه ده حلیه ده مدرسی ایکن مصرده بر فاضل کامل مغریندن مخنی الیب اوقومغه واروب اوقوبوب ج ایدوب کاد کده ازینده مدرسه بعده ججه مدرسه سی ویرلای * مدرسه ججه سنده ساکن اولوب عبا و شله دلبند کیوب بش وقتی جامعه جماعته قیلوب سلطان یارنیز زما تده مسکان ایچه اوراق ایله بروسه ده ساکن اولدی مطوله و شرح موافقه و تلویحه بر بری نظیر حاشیه یازمشدر (۲۶) منلا مصطفی بن منلا حسام علوم شرعیه ده غایت ماهر و صالح و اهل سلوک ایدی بعض مدارس بعده بروسه سلطانیه سنه مدرسی بعده بروسه ده مفتی اولدی تلویحه و صدر الشریعه به بر حاشیه یازوب ترکیده خصوصاً عربیده منشی کامل اولغین یازدینی مکتابی جمیع ایدوب بر لطیف کاب ایتشدی (۲۷) منلا محی الدین که اخوین دیکله مشهور ایدی علوم کثیره تحصیلند نصکره بعض مدارس بعده ججه مدرسی اولدی حاشیه تجزیه حاشیه و بعض رساله یازمشدر (۲۸) قاضی زاده منلا قاسم نیجه علمان بعده منلا خضر بکدن علوم کثیره تحصیل ایدوب ذکی و مشغول و صالح و عابد و حیدر الاخلاق و محب فقر ایدی تیره ده مدرسی ایکن سلطان محمد ججه مدرسه لرینک برینه بروسه قضاسن بعده ینه ججه مدرسه سن ویرلوب سلطان یارنیز تخته کد کده ججه بروسه قضاسن ویرلوب سکر یوز طقسان طقوزده وفات ایدی (۲۹) منلا محی الدین که مقنیا اوغلی دیکله مشهور و در علمان اوقوبوب منلا خضر بک غایت مقبول شاگردی ایکن بر طریقه پادشاهک معلومی اواغین محمد پاشا مدرسه سی پنا اولند قده ابتدا بوکا ویرلوب اول در سنه منلا خضر و خطیب زاده و نیجه فضلا حاضراولوب تمام اولد قده منلا خضر و رومه ایکی درس کوردم بری محمد شاه فنارینک اول درسی ایکنی بودی و مدح ایدی * بعده ججه مدرسه سی بعده استانبول قضای بعده قاضی عسکرلک بعده ججه مدرسه سی بعده وزارت ویرلوب بعده عزل اولوب ایکموز ایچه وظیفه تعیین اولندی * سلطان یارنیز زما تده قاضی عسکرلک ویرلوب احوالده ماه رمضانده

وفات ایتدی (۳۰) منلاحسام الدین تبریزدن کلوب مفتی منلا خسر الدین عجمینک ام ولدانی نکاحانغین
 ام ولدیکه ملقب و مشهور ایدی * فاضل و اهل هزات و تقوی اولوب علم و عبادته مشغول ایدی غایت
 جوق کابری اولوب اکثری سر تاپا تصحیح و فوائد ایه تحشیه ایتمیشدی بعض مدرسه دصکره پادشاه بوکاجین
 مدرسه سن و پرورب سلامت فطرت و صلاحیتیه مائل اولغین اوبه کیدرکن بونک اوی اوکندن کدیکه بودخی
 شربت چیماروب پادشاه بونک النین الوب ایچوب سلام و پرورب کیدردی * و دایما احسانلر ایدردی برکون
 پادشاه سفره کیدرکن یولده بعض علما (یا ایها الذین آمنوا بالله ورسوله) آیتده مؤمنلره ایمان
 امر اولمیشده حکمت ندر دیوب پادشاه دخی بوکاحکمتن بیان ایلده دیدکده اشبو چالشان طبلر جواب و پرور
 دیوب طبلر نه دریدیکه دم دم دیر (آمنوا بالله ورسوله) دن دخی مراد دوموا علی الايمان دیکدر دیکین
 پادشاه غایتده تحسین ایدی فضل و ذکائی یولده ایکن (اهل الجنة به) مفعول به اموردیاده غافل اولغین
 قول اغزل اولمیشده محنده مدرسه می قنغیسی ایدوکن یا کلوب یا ائده اولان مدرسه لر برته کیروب
 یتد و زردی بعده ایا و فیه مدرسه می ویرلای (۳۱) منلامه رف زاده نیجه علمادن بعده منلا خسر بکدن
 او قروب مدرس ایکن سلطان یارینده خواجه اولمیشده غایتده مقبول و معظمی و مز و مکرری اولوب
 اشبو منلایه مقبار اولسم عقیده صحیحیه اولمیشدی دیوب مز بور منلا آخر عمر نه داعی اولمیشده پادشاه بونی
 مصاحبه کندن دور ایتدی (۳۲) منلایر اوجه محی الدین مدرس ایکن ادر نه قاضی اولوب حسن سیرتی
 اولماغین عزل بعده سلطان یارینده خواجه بعده ایکسوز اجه وظیفه تقاعدله عزل اولمیشدی شرح عقائد
 حاشیه یازمیشدر (۳۳) منلایه الدین فاضل کامل شید الد کافوی الطبع و اوقاتی علم و عبادته مصروف
 ایدی * پدیری حاجی پیرام سلطانک خلفا سندن شیخ لطف الله اهل ارشاد و ایدیه ایدی مز بور منلا خواجه
 زاده نک معیدی ایکن بالی کسریته مدرس بعده بروسه مدرسه بلدرم خانه بعده استانبولده محنه مدرس
 اولوب بعده مقنیه اوغلی پادشاه قاضی عسکر لکدن عزل و بونک مدرسه سن اکا و پرورب بوکایه مدرسه
 یازم خالی برردی بعده مدرسه می براغوب بالی کسریته عزات ایدوب سلطان یارینده مدرسه یایدده
 بوکاوردی و فاش فی منه سکر یوز طقسان بش (۳۴) منلا سراج الدین منلا کستالی و خواجه زاده دن
 او قروب بعض مدرسه ده مدرس ایکن محن مدرسه می ویرلوب مسائل جیع علوی واکثر قصائد و اشعار
 عربیه می حفظ ایدی فن انشا و نظم عربیه دخی ماهر اولغین پادشاه بونی نشاخی ایدوب کچ باشنده وفات
 ایدی (۳۵) منلا کویو غلی محی الدین علمادن او قروب فضله منم وراولدی بعض مناصبتد نصکره
 قاضی عسکر بعده مزول اولدی ایکی همشیره سنک بری سنان پاشا آلوب محمد آدلو اوغلی اولدی که محمود پاشا
 مدرسه منه مدرس بعده بعض بلاد قاضی بعده مزول و تازده لکده وفات ایتدی * بری دخی کال پاشا اوغلی
 سلیمان جللی الوب احمد شاه آدلو اوغلی اولدی که منی ثقلین و مشهور خانقین اولان کال پاشا زاده اودر (۳۶)
 منلا ولدن که اسمی محمد در علمادن او قروب کاسبولی قاضیسی ایکن وزیر محمود پاشا بونک شجاعتین و پرورب
 پادشاه تربیت ایتمکین کتورلوب قاضی عسکر خسته اولغین قائم مقام قیلتوب نیجه زمان عرضه کیدرکده
 پادشاه بونک ادب و ذکا و بصیرت بکنمکین بروسه پدیری مدرسه سن بعده بروسه قضاسن و پرورب بعده عزل
 ایدوب سلطان یارینده تخته بکدکده بونی اناطولی به قاضی عسکر ایدوب بعده منلا وفات ایتدی * زمان
 حکومته خوش سیرت و باله میرت اولوب قوت فراستله حقه باطل یتن فرق ایدردی (۳۷) احمد پاشا
 ابن ولی الدین الحسینی علمادن او قروب فضل عظیمه واصل اولمیشده مرادیه به مدرس بعده قاضی عسکر اولوب
 بعده پادشاه بونی کندوبه خواجه و دایما صاحب بعده وزیر ایدوب بعده انجوب عزل ایدوب بعد زمان
 (نظم) قول خطا قیاسه نوله عفرتم نشاه قتی * طرنا ایکی الم فانه ایق قانی کرم * یتنی منتل اولان
 رم قصیده سی کوندر کده بعض شجاعة لر و پرورب عاقبت بریه بککنده وفات ایتدی * بر فضائل و معارف
 اولوب ترکیبی نظیر دیوان اشعار و یازمیشده قصاید عربیه ده ماهر اولوب قصائد ترکیه ده خود سلطان جیع
 شعر آمو یازمیشدر اشبایات منلا خسر بک مر حومک عربی قصیده مستزاده بسنه دیدیکی نظیره دندر
 (نظم) یارای قلبی به سام الحظاتی * هیمات نجاتی * مازات فده لک روح و ذواتی * من قبل عاتی *

نعت الی بابک یا قره عینی * بالدمع کابا * اشدت علی الوجد مدادی و دواتی * سل من عباتی * کم تحرق
 احشای و فی فیک زلال * والشارب منه * یحکی خضرا مورده ماء حیاتی * لانی الظلماتی (۳۸) ابراهیم
 پاشا ابن خلیل پاشا ابن ابراهیم بن علی بن جندرم لوقره خلیل * پدیری واجدادی دردی دخی سلاطین عثمانیه به
 وزیر اعظم اولد قلی یوقار و ده کچمشدر * پدیری سلطان محمد عزل و حبس و قتل ایتدکده بونی ادر نه قضاسندن
 عزل ایدوب خلق ایچنده خوار اولغین علمایه دانشمند اونی ایستدکده پادشاه خوفدن قبول اولوب (نظم)
 الدهر دولا بیدور به الشرور مع السرور * بینا الفی فوق السعای فاذا به تحت الصغور * مفعول به و منجم بروسه ده
 بلدرم خان متوالیسی بعده تفتیش و معزول بعده بروسه ده محتسب بعده بر شیخه مزید اولوب بعده شیخ
 اکا استانبوله و لراما شهرزاده سلطان یاریندن غافل اولمه دیکین و لروب بوکچون سلطان محمدنه ایسترسه
 ویرل و دیوب امامیه قضاسن ایستدکده پادشاه بونی تفتیه ایدوب لکن و پرورب وارده امامیه بکی سلطان
 یاریند بکا محبه کدک یلورم دیوب وعده لر ایدوب آرزماند نصکره تخته بکدکده منلا کستالی بی روم ایلی
 قاضی عسکر لکندن عزل و بونی نصب ایدوب بعده وزیر اعظم ایدوب پدیری خیرید سیرده چکری آفات
 و مخافاته مکافات اولدی * قضا و وزیر اتنده سلوک مقبول خلق اولوب وزیر ایکن مطبوعه هر کون التیوز نفر
 قنبره طعام ویرلوردی وفات ایتدکده همان سکر بیک اجه می بولمیشدی (۳۹) منلا مصلح الدین یار حصار
 علمادن بعده خواجه زاده دن او قروب مراه پاشا مدرسه منه بعده محن مدرسه منه مدرس اولوب جیع
 علومده فاضل ایدوکنه زمانده کی علمامعرف ایدیلر * سلطان یاریند زمانده بوکاستانبول قضاسی تکلیف
 اولوب ایستدکده پادشاه بوکاین یلورم سن مستحق سندن غیری قاضی ایدرمم الله تعالی نک امر نه عامی
 اولمش اولورم سندن تضرع ایدر که قبول ایدسن دیو خط همایون کوندر میکن * ناچار اولوب اون ییله دل نه غایت
 اعلا قاضیق ایدوب ظله طائفه می بوندن عظیم قورقوردی * وفات ایتدکده مسجد ننده دفن اولمیشدی فی سنه
 طه و زو زاون بر (۴۰) منلا یوسف کرماسی علمادن بعده خواجه زاده دن او قروب علوم عربیه و شرعیه ده
 ماهر اولمیشده بعض مدارس بعده محنه مدرس بعده بروسه به بعده استانبوله قاضی اولدی * ابراهیم حقه سیف
 صادم و ماصدق (لا یتخاف فی الله لومة لائم) ایدی * برکون مسجدده کوچک دلبندله و اروب چیقده و وزیر
 اعظم چاغر غنیم او حاله و اروب وزیر سبب مورد قده خالق خدمته بو هیئتله و ارمشیدم مخلوق ایچون تغییر
 هیئت ایتمکه تفجیدم رخصت بولدم دیکین * وزیر حفظ ایدوب پادشاه دیو ویردکده و افریحش لک کوندردی
 مطوله حاشیه و وفایه به شرح علم اصول و جیز آد لومتن علم معاینده برکاب یازمیشدر * مکتبی قرینده مدونه و ندر
 (۴۱) اشرف زاده منلا خواجه زاده دن و افر او قروب بهره منلا علی طوسی به معید اولوب قضائی آفاقه
 مشتمله و مشتمله اولدی * مسائل جیع علومدن بر منله بونک قنده مشکل و مشقه اولوب انجوبه زمان
 و نادره اوان ایدی * کندیدن مزید که پدیرم بکا امر ایتمدیکه هر علمدن بر منی معناسیله او قورمزدن مقدم
 مجرذ اقاظن حفظ ایدم بندخی امر یله علی ایتمکین جمله علوم بکا فعه واحده معلومدر دیر ایدی * بعده تصوفه
 میل ایتمکین صوفیونه قارشوب بعده سیاحتیه میل ایدوب قلندر لر بوکایانج اولوب بونی جبر و قهرله ییله
 کز دروب لارندن قور تاپوب زمان کثیر انزله ممالک کزوب وفات ایتدی * علمه شغلدن فراغت ایتش اولایه ایدی
 فضلا ی سلف یادی خلقه او تدر دردی دیمش * فبجسان من افام العباد فیما اراد (۴۲) منلا عبدالله امامی
 فضلا دن او قروب علوم شرعیه و عربیه ده ماهر و عابد و زاهد و عارف و صاحب کرامات ایدی امامیه ده سلطان
 یاریند مدرسه سنده مدرس ایکن وفات ایتدی * بونلر علمدن جوق کسکم منتفع اولدیلر (۴۳) حاجی
 بابای طوسی علوم شرعیه و عربیه ده کامل اولوب مدرسه مشغول اولغین بوندن جوق کسکه منتفع اولدیلر
 کافیه اعرابی مصباح اعرابی قواعد اعراب شرحی و احوال شرحی ازوب هر بری مشهور در (۴۴) منلا ولی
 الدین قرمانی علوم نافه ده غایت ماهر اولوب کاه و عطا ایدوب خلق منتفع اولوب و عظمه کندوبه حال غلبه
 ایدردی * محلی نظای اولان صاحب دیوان بر تازده اوغلی سنک ترکی قصائد و غزلیاتی استنبولده مشهور
 و مقبول اولمیشده سلطان محمد ای چاغردوب اودخی استانبوله کیدرکن بولده وفات ایدوب پیر عریز کاهنی
 و عظمه مناسبتله بعض اشعارنی او قروب محکم اغلیوب خلق دخی اغلشور دردی (۴۵) منلا علی قناری

مشهور عالم از آن متلاقی نماندن دکانر متلاقی طوسیدن اوقویوب بعض مدرسه راه بعده صحنه
مدرس اولوب بعده بروسه به قاضی ده علمناطولی قاضی عسکری بعده معزول اولوب سلطان بایزید زمانده
وفات ایدی به قاضی و اصولی عالم و علوم عربیه و عربی انشاده غایت ماهر اولوب شرح مفتاحه حاشیه
بازمشدر (۴۶) متلاقره سنن فضلادن اوقویوب بعض مدرسه مدرس اولوب به علوم عربیه ماهر اولوب
شافیه به و مراجه و صدر الترمذیه به و علم هیئتده ملخص جعفری به بر شرح یازمشدر (۴۷) حنلاصل
الدین بزرگربان ای طوغش قزمانی کند و ولایتی علماسندن بعده مصره واروب علماء عربدن اوقویوب
رومه کلد کده مصباح شرحی ضومه حاشیه و مقدمه ابواللیثه توضیح آدلوب مقبول شرح یازدی (۴۸) متلا
شمس الدین که دق و زردی بعض مدرسه مدرس بعده بروسه به یلدرم خان مدرس اولوب به متن مراجه
ومعه و ده بر شرح و شرح آداب بحثه بر حاشیه یازمشدر که هر بری مشهور و مقبول (۴۹) متلاصل
الدین که غایتده سوز و قمری بکیر لاولهین قزل خاتردی بر دی جمیع مسائل علوی الفاطلیه حافظ اولوب هر کون
اون کتاب معتبردن درس دیوب غایت مجدد و ساعی ایدی به بروسه به مناسره بعده استانبوله صحنه سلطان
بایزید زمانده به مناسره بعده ادرنه به مدرسه مرادیه به مدرس اولوب (۵۰) حکیم قطب الدین دیارجم
ملوکندن برینک وزیر ایدی کن قترندن رومه کلوب فاضل و صالح و علم طبیده غایتده ماهر اولوبین پادشاه
بوک کونده بشیر زاهد و آید بکری بیگ ایچقه وظیفه تعیین ایدوب دایما به ششدر دخی و برردی (۵۱) حکیم
شروانی محمدن کلوب فاضل ذوقون و طیب حاذق و قصیلته فایق اولوب پادشاهن مقبول لرندن اولوب
(۵۲) خواجه عطاءالله محمدن کلوب علم طب و علوم عقلیه و شرعیه به ماهر ایدی (۵۳) حکیم یعقوب
بیودی ایکن علم طبیده حدندن بیرون ماهر اولوبین پادشاه بونی دیوانده دقتدار ایدوب ایمانه کلد کده وزیر ایدی
شقایقه بونک طبیده کل مهارتیه متعلق غرائب یازمشدر (۵۴) حکیم لاری محمدن کلوب طبیده ماهر
اولوبین پادشاه به طیب اولوب (۵۵) حکیم عرب دیار عربده تحصیل و تکمیل علم طب ایدوب رومه کلد کده
اسکوپیده برینک بوکاعظیم رعایت ایدوب طبیده کمال مهارتی شایع اولوبین پادشاه کنکور دیوب رعایت ایدی
کریم و صالح کسینه ایدی (۵۶) التوحید زاده عابد و زاهد و بیورانی و طیب حاذق اولوبین پادشاهن التفات
ورعایتیه مظهر اولوب (۵۷) متلاصراج محمدن ملوک و امرانک مقبول ایکن قترت ظه ورنده قاجوب
برومه به کلد کده قاضی متلاعلی فناری محمدن بونکه آشنا اولوبین پادشاه تربیت ایدوب استانبوله
جای دخی تمام اولوبین پادشاه بونی بونی ایچقه ایچ خطیب ایدی به علم بلاغته کامل و خوب تعلکده
زمانه داردی دیک قابل ایدی به دیار رومه اول و آخر بونک نظری کلامشدر (فصل) مرحوم سلطان محمد
خان زمانده اولان بکاره شاهیر بونلر ایدیکه (۱) شیخ آق شمس الدین اجی محمدن جزه اولوب شیخ شهاب الدین
سهروردی خلسندن رشاده طوغوب پدیده رومه کلوب تحصیل و تکمیل جمیع علوم ایتد کده قصیه عثمانیه
مدرس بعده فارغ اولوب حاجی پیرام سلطانیه مرید و واصل مراد اولوب کرامات علمیه منه نهایت یوقدر نباتات
بوکان فلان مرخه دوایم دیوسو بلکین علم طبیده حدندن بیرون ماهر اولوب کابل یازدی کویتن قصیه سنده
ساکن ایدی به استانبول فتحه کلوب کرامت کوسر و ب بعد الفتحیه کندی تصوفده نور آدور ساله و برساله
دخی یازمشدر که بکار اولیا عارفندن اولوب شقایقه احوال تفصیل اولمشدر (۲) مصری اوغلی شیخ عبد
الرحیم قره صارده طوغوب شیخ آق شمس الدینن تحصیل تصوف ایدوب وحدت آدلو کلاب یازدی (۳)
صبراف اوغلو شیخ ابراهیم میواسی شافعی آق شمس الدینن تکمیل تصوف ایدوب اطوار سلوک کده کزار آدلو
کلاب یازدی استغراق غالب لیدی سکر یوزسکه انیدیه وفات ایدی (۴) شیخ شامی که اسمی جزه در آق شمس
الدین خلفاسندن اولوب انک وفاتند صکره ارشاده مشغول اولوبین جوق کسینه متقه اولوب (۵) عطار زاده
شیخ فضل الدین بودخی آق شمس الدین خلفاسندن اولوب آنلر وفاتند صکره ارشاد خلق ایدردی (۶) شیخ
سعد الدین آق شمس الدین شیک بیولا اوغلی اولوب علم ظاهره و بکار علمادن اوقویوب ماهر و مشتمل اولوب
تصوفه سلوک ایدوب ارشاد خلفه پدیده و غمام اولوب (۷) شیخ فضل الله بن آق شمس الدین بودخی علمادن
تحصیل و تکمیل ایتد کده پدیده خلفاسندن اولان شیخ شامیدن تحصیل تصوف ایدوب ولی الله اولوب

(۸) شیخ امر الله بن آق شمس الدین بکار علمادن اوقویوب بروسه به متولی به الله ایچقه وظیفه ایله متقاعد
اولوب عارفندن ایدی (۹) شیخ محمد الله بن آق شمس الدین که جدی چلی دیرلیدی پدیده بکاره اولادی
ایدی فاضل وزاهد و تصوفده عارف و کامل و اهل عزات ایدی ترکی نظمده حدندن بیرون ماهر اولوب مشهور
و مقبول عالم اولان یوسف وزلی و یحیون و مولد رسول علیه السلام قصه لرین نظم یازمشدر (۱۰)
شیخ مصطفی ابن وفا که شیخ وفادیکله مشهور عالم اولوب شیخ عبداللطیف قدسیدن تکمیل طریق ایدوب
ارشاده بیاخون اولوب جمیع علوم ظاهره و باطنیه به حدندن بیرون ماهر و مشتمل و کامل و منسوب علیه سی
مستقل کلابه محمدن اولوب نه ساعیه اجمال اولمشدر بکار اولیا عارفندن و اکثر اوقان خلوت و عبادته
صارفندن ایدی به دریادن ججه کلد کده ردوس کافر لری بونی اسیر ایدوب قرمان اوغلی ابراهیم بک ساتون
الدوره استانبوله کادی اصلده قونیدر (الی رحه ربه) تاریخ وفاتیدر (۱۱) شیخ حاجی خلیفه ایچ عبدالله در
قسطونیدر جمیع علوم ظاهره و باطنیه به تکمیل ایدوب بکار مرشدین و عارفندن اولوب مناقب
و کراماتیه نهایت یوقدر جسیم کسینه ایدی وفاتش فی سنه سکر یوز سنه درت (۱۲) شیخ سنن قزونی سابقا
ذکر اوانان شیخ تاج الدین قزمانی خلفاسندن رعایتده اهل زهد و ورع عزیر عارف بالله ایدی (۱۳) شیخ صلح
الدین قوجوی عالم عارف بالله اولوب زهد و ورعی حدندن زیاده ایدی و وزیرانک زیارتیه کلد کده ایتد کازی
مظالمی وزیرنه اوروب محکم قایموب آنلر دخی توبه ایدوب الن اوبوب کیدر لردی استانبوله مسجدی قونیده
مدفوندر (۱۴) شیخ صلح الدین ابصلاوی فاضل وزاهد و اهل عزات اولوب ایصالده ارشاده مشغول ایدی
(۱۵) شیخ محی الدین قوجوی علوم ظاهره به مشغول ایکن شیخ بیبری خلیفه به مرید بعده تکمیل تصوف
ایتمکین ارشاده بجاز اولوب استانبوله متوطن و ارشاده مشغول اولوب مسجد و نکیه سی قونیده مدفوندر
اهل ظاهر و باطن صاحب عزت و کرامات عزیر ایدی (۱۶) شیخ سلیمان خلیفه علوم ظاهره به کامل
اولوبده شیخ تاج الدین به مرید و تحصیل مراد و ارشاده بجاز اولوبده استانبوله ساکن اولوب اهل و اولاددن
مجرد اولوبین عبادته چالشوب نیچون ارشاد ایتد سزید کلد کده حتی طالب بوله مزیم دیر ایدی (۱۷) شیخ
عبدالله الهی انطولی قصبه سنه و ندر استانبوله کلوب علمه شغل ایدوب بعده بجمه کیدوب آند تحصیل
علوم ایدوب بعده به رفته واروب خواجه عیبدالله نقشبندی حضر تارندن تحصیل و تکمیل تصوف ایدوب
رومه کلد کده روم ایلده بکجه و درار قصبه سنده توطن ایتدی غایتده متواضع و مالک خلعت (ع)
عارف و اصل مقصدی حاصل به مرشد و وصل اولوب متساقی متقایقه مذکور در به بحقیقک لام جده سنک
جدی اولان حضرت امیر بخارینک شیخیدر قدس الله سرهما (۱۸) شیخ علاه الدین خلوتی محمدن اون سنک
نقر مقداری مریدی و احبابی اولان سیدی محی شروانی خلفاسندن در جاذبه عظیمه و نفس و اثره حاجی اولوب
بعضاره بر نظر ایتد کله بعضلرک قولاخته سولیکله آنلر دخی جاذبه حاصل اولوردی به استانبوله کلد کده
خواص و عوام بوکاقبال ایتمکین پادشاه بونک ملطتی احتیالندن خوف ایدوب آخر شری تشریف ایتد
امر ایتمکین کیدوب لارنده ده وفات ایدی (۱۹) شیخ حبیب قزمانی شرح عقائد اوقورکن سیدی محی
شروانیه واروب اون ایکی میل طوروب تکمیل تصوف ایتد کده اجازه رومه کلوب کروب بکاره مشایخ رومه
بولشوب جلدن لقرده بر زمان طوروب دایما حاجی پیرام سلطانیه وارودی کشف قلوبه مالک عزیر اولوب
اصلا یاقوب و طیبانوب اوپو عز ایدی اما سیه ده مدفوندر (۲۰) شیخ سعد محمدن ایکن فراغت و شیخ علاه
الدین مذکورده مرید و ندر تحصیل مراد ایدوب بعده ادرنه ده ساکن و ارشاده مشغول اولوب صاحب
جذبات و کرامات عارف بالله اولوب عابد و مجاهد ایدی (۲۱) شیخ محمد که متلاجلال الدین آقسرائی نلسندن
اولوب حاجی خلیفه دیرلیدی معانی اوقورکن تصوفه مالک اولوب نیچه مشایخه مقارن اولوب عظیم
ریاضتله چکوب واصل مراد اولوب به عزیر سلطان بایزید استانبولدن طاعون دفعنه دعا ایچون قرق
کسینه ایچمه کوندر کده کیدرکن بولده وفات ایدوب بجمه که الله اود دفعه ده طاعون یا کلیه کسایوب
بر فاج یله دلده دخی قات اوزره اولور اولوب به شقایقه نیچه کراماتی مذکوردر (۲۲) شیخ سنن حالا
استانبول اطرافنده بونک اخیله مشهور اولان قریه ده ساکن ایدی عالم وزاهد و مرشد کامل اولوب جوق

کسته بی تکمیل آید اعلی الله در جانتهم فی دار النعم و شرفهم بقاء وجهه الکریم
(باب نامن در احوال سلطان بایزید خان ابن سلطان محمد خان علی ما الرحه و الغفران)

(نظم) شهری روی او دولت پدید است * پناه خلق سلطان بایزید است (نثر) ولادتش فی سنه ۸۵۱
یا خود فی سنه ۸۵۶ جلوسش فی یوم الاحد ۲۱ ربیع الاول یا خود فی یوم السبت ۱۸ ربیع الاول سنه
۸۸۶ مدت سلطنتش سنه ۳۱ مدت عمرش سنه ۶۷ یا خود سنه ۶۴ وفاتش در راه ادرنه بعد از فراغت
از سلطنت فی ربیع الاول سنه ۹۱۸ شمراده ایکن سنجابی اما سیه ایدی غایتده صالح و عابد و مشایخه محب
و معتقد اولوب پادشاه اولد قندصر کمره معنی ابوالسعود افندی بن پدري شیخ یاوصی دید کمری شیخ محی الدین
الاسکینی نام عزیز مریدی اولوب انک تکیه سنه قرق کون خلوته کمر مشدر (فصل در اولاد مرحوم
پادشاه) (۱) سلطان عبدالله جل جلاله برادر لاریک کبری اولوب جدی سلطان محمد خان زماننده صارخان یکی
اولاد در سکر یوزسکان سکر رضائنده وفات ایدوب بروسه ده مدفوندر (۲) سلطان شهنشاه سکر یوزانقش
بشده طوغوب ولایت فرمان یکی ایکن طغوز یوزاون بدیده قونیه ده وفات ایدوب بروسه ده مدفوندر و وفاته
لطیف مرثیه دیندر که بندی بودر (نظم) بکار کاولد فغان ایده لم شاه زقنی * سلطان تخت قونیه
شهنشاه زقنی (نثر) محمد آدلور اوغلی فرمانده نیکه یکی ایدیکه سلطان سلیم خان تخته یکد کده قتل
اولمشدر (۳) سلطان احمد سکر یوز تخته طوغوب حسن خصال و کرم بر کمال اهل اولوب اکن عیش و نوشه
مشغول قاصرالتدیر اولوب پدري تخته یکد کده اما سیه سنجاغی و بر مشدی * مراد علاه الدین سلیمان عثمان
آدلور اوغلی اولوب یوزلر عاقبت طالری و سلطان احمد لظطوز یوز یکرمیده شید اولدی فی برادری سلطان
سلیم باینده ذکر اولنور (۴) سلطان علمشاه صارخان یکی ایکن طغوز یوز * کزده وفات ایدوب بروسه ده
مدفوندر عثمان شاه آدلور اوغلی اولوب کانقری یکی ایکن قتل اولند فی سلطان سلیم باینده کلور (۵) سلطان
قورقود سکر یوز تخت ایدیکه بادرته طوغوب اصناف اوصاف کالده بی مثال و جامع محاسن خصال ایدی
علوم متداوله ده تعقی خصوصاً شعر عیائنده تفوق اولوب قهده مذاهب اتمه جمعه متعلق بر کباب لطیف
تألیف ایتشد و علم موسیقیه دخ غایت ماهر ایدی صارخان یکی بعده ولایت تکه یکی اولوب بده پدري
کوسمین مصره کیدوب اندن حج ایدوب نه پدري رضای ایچون کلوب سنجابی مقرر قیظوب عاقبت طغوز
یوزاون طغوزده سلطان سلیم خان زماننده شید اولدی فی اشاغیده کلور بروسه ده مدفوندر (۶) سلطان سلیم
خان حکمت رب قادر کبرایله سلطنت یوکامیسر اولغین احوالی باب مستقلده بیان اولنور (۷) سلطان محمود
سکر یوز سکانده طوغوب اولاقسطه و فی به بعده صارخانه بن اولوب طغوز یوزاون اوچده وفات ایدوب
بروسه ده مدفوندر * مر فی اهل کمال اولغین در کاهی اصحاب معارفه مالا مال اولوب حتی سلطان شعر آروم
اولان نجفانی بن مرحوم سنجاقده یوزلر نشانجیدی ایدی وفاته مرثیه دیندر که بندی بودر (نظم)
صارخان ولایتی شهری محمود خان قنی * زین الملک و مفر شاه جهان قنی (نثر) اورخان موسی امیر نام
شمراده لری قلمشدر که عیلمی سلطان سلیم خان تخته یکد کده قتل اولند قمری اشاغیده ذکر اولنور (۸) سلطان
محمد سکر یوزسکان طغوزده طوغوشدی کفه ولایتده بن ایکن طغوز یوزاونده وفات ایدوب سیتی بروسه نه
کتور مشدر (فصل در وزیران مرحوم پادشاه) (۱) اسحاق پاشا سلطان مرادک خاص قولارندن اولوب
انک زماننده وزیر اولوب سلطان محمد زماننده محمود پاشا برنه وزیر اعظم اولوب سلطان بایزید جلوسنده ابقا
ایدوب سکر یوز سکان سکرده بیدلر خفقندن * لانیل سنجابی او توراق ویرلوب انده وفات ایدوب (۲) مصطفی
پاشا وایس پاشا پادشاهک سنجاقده لالامی ایکن جلوسده دخ وزیر اولوب سلطان جمه سکر یوز سکان
کوندر لکده بروسه ده اوق طوغوب وفات ایدوب * جل جلاله الی وزیر اولمشدر (۳) کدک احمد پاشا غایتده عاقل
و مدبر کامل ایدی سلطان محمد زماننده وزیر اولوب وافر غزال ایدوب عاقبت عزل و انوب روم ایتنده اولونیه
سنجابی ویرلوب جزیره بولیه نک فتح و تسخیر نه سردار نصب اولغین واروب فتح ایدوب بهد زمان کلوب
پادشاه سلطان جمه چکنده بولشوب سنجابی ظهور ایکن وزیر اولوب سکر یوزسکان بدیده قتل اولندی
(۴) قاسم پاشا حوزی جلوسده نشانجی ایکن بریلد نصکره وزیر اولوب سکر یوزسکان بدیده اوج یوزلر و زارنده

طو روپ بعده وفات ایدی * اهل علم و فضل و درویش نهاد صاحب کرم و خیر و عدل و داد ایدی (۵) داود پاشا
سکر یوزسکان بدیده یحیی پاشا برنه روم ایلی بکار بیکسی نه او ییلده کدک احمد پاشا قتلنده وزیر اولدی
آر زمانده نصکره اون ییش ییلده دل وزیر اعظم اولوب طغوز یوزا یکیده معزول بعده ایکی ییل دیمتوقه ده متقاعد
اولوب وفات ایدی * سابقاً استانبولده جامع و مدرسه و مکتب و عمارت یاوب غایتده مالدار اولغین میراثک
همان نقودندن قاضی * سکره رسم قنعت دیو بطریق الصلح ییش یوزلر اچده ویرلوب املاک و اسباب و تحف
و سایر اموال بحسب اوامشدر (۶) مسیح پاشا سلطان محمد و زارندن اولوب بعد زمان عزل اولنوب پادشاه
جلوسنده کاه وزیر کاه بعض سنجاقده بن بعده نه وزیر بعده عزل اولنوب بعده حجه واروب کدکده اوج
ییلده دل وزیر اعظم اولوب طو بخانه صاعقه دن طو نشوب سوندره که وارد قده برطاش ایاغی قیروپ ایکی
کوندر نصکره وفات ایدی (۷) محمد پاشا ابن خضر بن داود پاشا برنه روم ایلی بکار بیکسی بریل سکره وزیر ایکی
ییل سکره معزول و سلطان احمد لالا اولوب اون دوت ییلده نصکره اما سیه ده وفات ایدی آنده مدرسه
ونکیه میا مشدر * تار بیخ منلا در بدیده غضب پادشاه ییلده قتل اولندی دیومند کوردور (۸) احمد پاشا قناری
حضرت منلاق قناری نسلندندر فاضل و صاحب معارف اولغین سکر یوزسکان سکرده نشانجی اولوب
سکر یوز طقسانده مسیح پاشا غزالده وزیر اولدی ایکی ییل سکره معزول و بروسه ده ساکن اولوب آنده وفات
ایدوب (۹) ابراهیم پاشا ابن خلیل پاشا پدري واجدادی آل عثمانه وزیر اولد قمری یوز قاروده یکم مشدر پادشاه
تخته یکد کده سلطان احمد یوزی لالا سکر یوز طقسانده استانبولده قاضی عسکر طقسان برده وزیر بعده وزیر
اعظم ایدی * طغوز یوز بشته اینه یختی سکرده وفات ایدوب عالم فاضل و عاقل و مدبر کامل ایدی استانبولده
جامع و مدرسه یا مشدر (۱۰) اسکندر پاشا سکر یوز طقسان درنده روم ایلی بکار بیکسی کندن وزیر اولوب اون
ییل سکره عزل و انوب بوشه بکاسکی ویرلوب سکر ییل غزال ایدوب بعده وفات ایدی (۱۱) خادم علی پاشا
عدله مائل عاقل و صاحب خیرات ایدی جلوسده فرمان بکار بیکسی بعده سکره یکی بعده اسکندر پاشا برنه
روم ایلی بکار بیکسی بعده احمد پاشای قناری برنه وزیر و سپاه عرب اوزر نه چکنه سردار بعده روم ایتنده
برقاده قنقنده سردار لاق ایله موره سنجابی ویرلوب طغوز یوزاون ایدیکه وزیر اعظم اولوب انا طولیده شاه
قولی چکنده شید اولدی * استانبولده جامع و مدرسه و عمارت وایکی جامع دخ یا مشدر (۱۲) هرسلک اوغلی
احمد پاشا روم ایتنده بوشه قرینده ولایت هرسلک جا کدک اوغایدر سلطان محمد اولوب سلطان ایدوب بهد زمان
مقریب سلطان اولغین سلطان بایزید شمراده ایکن کریمه سی بوکاز و یوز ویرلوب جلوسده انا طولی بکار بیکسی
بعده مصر عسکر یوز چکنده اسیر اولوب بهد زمان تخلیص اولنوب کتور لکده قیودان بهد نه انا طولی بکار
بیکسی طغوز یوزا یکیده وزیر یدی ییلده نصکره وزیر اعظم اوج اید نصکره معزول و قیودان اولوب علی پاشا
شید اولد قده * رار وزیر اعظم اولوب بعده بیکچر یوزلر سر این باصفین معزول اولوب سلطان سلیم
جلوسنده نه وزیر اولوب بجم سقرندن دوند کدم عزل و انوب چوق زمان یکم دین وفات ایدی * استانبول
قرینده دیل دید کمری دریا معر بیده جامع و عمارت و مصافیر خانه یا مشدر بهد قیوب پاشا (۱۳) سلطان محمد زماننده
قیوانغای ایدی جلوسنده نصکره هر جدرده بعض بکار بیکسیر تصرف ایدوب خدماتی مشکوره اولغین روم ایلی
بکار بیکسی بعده آستانه ده دوت ییل وزیر اولدی (۱۴) داود پاشای نانی سلطان محمد قولارندن اولوب اهل
معرفت اولغین سکر یوز طقسان طغوزده نشانجی اولوب درت ییلده نصکره نیکه بولی یکی اولوب ییش ییلده نصکره
وزیر اولوب اوج ییلده نصکره وفات ایدی (۱۵) مصطفی پاشا قیوچی باشی ایکن جم سلطانک احوال و قلامق
ایچون فرنگستانده روماشهرنده ریم بابایه کوندرلوب واروب خبر کتور کده یا خود دلال و بر بر صورتیده
کوندر لکده سلطان جمه پاشا شوب زهر لواتره ایله جوی تراش ایدوب قاجوب کلکین علی کل حال مقبول
پادشاه اولوب روم ایلی بکار بیکسی بعده طغوز یوز بیده وزیر اولوب سلطان سلیم خان جلوسنده سلطان
احمد ایله متقدرد یوز بروسه ده قتل اولندی * استانبولده جامع و مدرسه و تکیه و عمارت یا مشدر (۱۶) یحیی پاشا
سلطان محمد قولارندن اولوب اوخر سلطنتلرینده روم ایلی بکار بیکسی اولوب بعد الجلوس عزل بعده نه
بکار یکی اولوب الی ییلده نصکره ولایت بوشه سنجابی یکی طغوز یوز بیده انا طولی بکار بیکسی و پادشاهک

دو کوب قتل و زخم و زهرمان * ایچیز اسباب اندر یک جفا * کورمدی هیچ کس به جهاندروفا *
 نظام و بدعت و نامهربان * جور و غلظت و یار جسم و جان * اهل کمال اولونه اولورعدو * ایچمه که قاتل
 ایدر آغلور * دشمن الله ایدر آتی زبون * جور و غلظت اولوب باغری خون * قتل ایدر غلظت چال چال *
 محنت ایل عاقبت ایل هلاک (بعض و فایح) سابقا اناطولیده ظهور ایدن قتل لردن روم ایلنده کفار
 شک و حرکت ایتمکین قوت و شوکت اسلامی اظهار ایچون پادشاه ظفر شمس از درنه به واروب سکر یوز
 سکنان سکر و بیع الاوانده جله عساکرین جمع ایدون قلبه به واروب کزیده عسکری مور اووم صوبی اووم قنده
 کافر لیاوب سلطان محمدیه قنده قلعه را بنامه کوندروب کندوسی بر قاج قصه کزوب صوفیه به کادکده
 قلعه را نامی خبری کلکین عسکره دست و روبرو ادرنه به بعده استانبوله کلدی * سکنان طقوز و سحر منده
 قرمان اوغلی قاسم یک وفات ایدوب امر اقرمان طور غود اوغلی محمود بک و والده می قرمان اوغلی بک قیزی
 اولمین قاسم بر بنه نصیب ایدوب بنه خربوره ذی القعدة سنده ولایت قرمان حاکی بیوک شهرزاده سلطان
 عبدالله وفات ایتمکین پادشاه غایتده حریز و محکین اولدی * بعده میعی بر و سه به * تورلوب دغنی اولندی
 (خبر و متوجات) پادشاه کلی و آق کرمان قصه عساکر اجتهای ایچون امر ل کوندروب سکر یوز سکنان
 طقوز و بیع الاخر نه به واروب قران کتوز بلاندن غیری قره دزدن نهر یونیه قدر غه لره بحد طوب
 و تنق و آلات جنگ و وافر ذخیره کوندروب بعده ادرنه به جامع و مدرسه و عمارت و دارالشفایا بنامه
 و بر ای مقدم آتیه بنان برانستان و نیجه چار سوری کار کیریا عه باشلدوب صدقات و انعامات و علایم و مشایخه
 ضیافت و لباس خلعت ایدوب بعده عسکره لره قره چاقوب قدیم دن ترا چکرار اولان افلاق بکی یکر می یک
 قدر عسکر و وافر ذخیره ایل کلوب جهادی الاخر نه کاون برنده قلعه کلی محاصره و مایه دو کلوب رخنه دار
 اولمین طقوز کوندنصره کفار رضا ایله تسلیم حصار ایتمکین ضبطی تدارکی کورلوب آق کرمانه توجه
 اولندی * ولایت قریم حاکی تانارخان الی یک عسکره بابوس تهتیت جلوس و معاونت سفر ظفر ما فوس
 ایچون کلوب کلی رعایت اولندی * در دغنی کون آق کرمانه واروب قلعه نک اووز * ملای ذخیره و اقوانی و بحد
 اسباب و آلات اولوب خندق دغنی غایت عمیق ایکن امر پادشاه ایل بر هفت دهه طول در دیر * جنگ اون التخی
 کونی حصاره علم لری کلوب بعض اموال غنیمت فراوان جامع بنامه القیونوب ماعدای عسکره و تانارخانه
 تقسیم اولندی بعده دوروب ادرنه به کادیلر (شوکت و غلبه) پادشاه شهره کادکده مسیح پاشای وزارتدن
 واسکندر پاشای روم ایلی بکار بکیلکندن عزل ایدوب پادشاه هند و مصر و آنکروس پادشاه لرندن تهتیت
 جلوس ایچون هدایا ایله ایلچیلر کلوب بعده آق کرمانه کفار بغداد بکنه علی القله کورسک قلعه بی اوغور لاق
 نمکدر دیر خبر کوندروب مستحفظ طوبوب جله مشاقلری قتل ایدوب کیجه انتظارده ایکن بغداد بکی
 ادمرله خفیه کلوب زردبانلر و روبرو کچی حصاره کیروب کچی زردبانده ایکن کچی قتل کچی اسیر ایدوب
 پادشاه ایشند کده روم ایلی بکار بکیسی خادم علی پاشای کندو عسکر به و بر مقدار بکچرله بغداد کوندردی
 بولده افلاق بکی عسکر به معاونت کلوب سکر یوز طقسان شعبانده واروب بغداد بکارندن جوق کسینه
 تابع اولوب لکن بغداد اوغلیله ولایت قاجاقین بغدادنه مسلمانلر اقبیل ایدوب غایت طیوم اولدی لر غس غنیمت
 ایل پاشا استانبوله کلدی * طقسان برده بغداد اوغلی پاشا نک کندیکن فرصت یلوب قساده عزمی پادشاه
 ایشیدوب مالفوج اوغلی بانی بکه سلاطین بکدکنی و روبرو محافظه ولایت و غارت بغداد امر ایتمکین بغداد
 اوغلی ایشیدوب له و آنکروس قرالردن عساکر ایدوب کوندرد کچر نده صباحدن اخشامه دلته محکم
 صواشوب کافر کیجه قاجوب نیجه می قیرلوب مقدما کیدن انجیلر طیوم کادیلر (خوج) سکر یوز
 طقسانده پادشاه اناطولی بکار بکیسی کوندروب آدنه و طرسوس و کولک و دغنی بر قاج قلعه بی کفار لاندن
 فتح ایدوب انلی قلعه دن اخراج و رعایا نه وضع خراج ایددی (انکسار) هر دوم سلطان محمد خان
 قدیم دن ولایت البستان پادشاهی ذوالقدر اوغلی علاء الدوله یک کندو منکوحه سکنان اقر باجیدن اولمین
 قدیمی ولایت لرین آنک قندانی بدای بکدن الیر بر مکده عسکر و شرفین واروب ضبط ایشیدی * مصر
 پادشاهی سلطان قایتبای عسکری بونی انجمنه کین بودنی حالا پادشاهه خبر کوندرد کین یعقوب پاشا

معاونت کوندروب وارد قنده اولاجرا کسند دن حاب بکی جنکده قتل اولوب نیجه امرانی اسیر اولوب حلب
 و شام عسکری صیوب عسکر روم اردلر نه دوشوب ملاطیبه نک در بندند یوسوده بش یک عسکر اولمین
 علاء الدوله قاجوب پاشا اندن غافل اولمین رومیلردن جوق کسینه دوشوب باقیلری صیوب قاجیلر
 (انکسار) سلطان قایتبای عثمانی نک کندو سرحدنده قلعه لردن دقلین ایشیدوب اللردن المی ایچون
 مصر عسکری امیر اووز بکی و شام بکار بکیسن وافر عسکرله کوندروب قلاع مزبوره محافظه سنده اولان
 مومی بک و پادشاهک دامادی فرهاد بک عسکر لری تمام جمع اولدین ناچار صواشوب بکار شهید و عسکر
 صیوب قاجیلر (انکسار) پادشاه ایشیدوب اناطولی بکار بکیسی هر سکن اوغلی احمد پاشای عسکرله
 سکر یوز طقسان برده ادرنه سینه کوندروب خضر پاشا اوغلی محمد پاشای و قره کوز پاشای شهیمه ایدوب
 وارد قنده بویا بکیسی احمد پاشایه حصار اچکندن ال چکوب احمد پاشا بار مقلری کسلنجه محکم صواشوب
 عاقبت صیغین طوبلوب سائرلر قاجوب حصار ادرنه و طرسوس قلعه لرین ناچار کسبه به واروب
 قورتلدیلر (سفر) پادشاه وزیر اعظم داود پاشای عساکرله طقسان ایلکده عربستانه کوندروب علاء
 الدوله عسکرله کلوب ولایت عربیه عظیم تدارک سزوار لاق خطادر قرمان حاکی طور غود اوغلی محمود بک
 اووز بنه واروب آنک قنده سن دفع اولی در دیمکین وارلوب محمودی محاصره ایشد کازنده محمود متعلقان
 الوب تبدیل صورتله حبله قاجوب و اساق بکاری پاشایه کلوب مطیع اولد قازنده خله تار کیدروب دوقوب
 استانبوله کلدی (انکسار) طقوز یوز اوجه پادشاه عساکر عثمانیه ایل وزیر علی پاشای پرا کسه ایله جنکه
 کوندروب سلطان قایتبای دخی صلح ایچون هر سکن اوغلی رعایتله کوندروب پادشاه کاقب و دانلق و روبرو یوز
 عدد قدر غه ایلدر یادن معاونت کوندروب علی پاشا ناوور را کوره اباس تمر دن ملوانه قلمه لرین الوب ایامی
 یقوب بعده سیدس قلمه سن طوبله دو کوب پرا کسند ایچنده اولان امیریش بک امانله و بر مکین ایکی بیک
 ادمرله استانبوله کوندروب وارد قنده پادشاه رعایتله مصره کوندردی * قایتبای عثمانیه جنکه
 بنه اووز بکی عظیم عسکرله کوندروب رمضان اوغلی و طور غود اوغلی دخی بولرله تابع اولوب بغراض طغانه
 کاد کازنده ناکاه بحکم الله عظیم فورته اولمین کیر یاره لوب قورتلاندر خلاف سینه دوشوب پرا کسه
 حضورله بکوب ادرنه حصار اچنده ایکی عسکر تفصیله محتاج و جوهله محکم صواشوب ایل کسینه دخی زل
 و خلل و کسل کلوب بری برلزدن قاجوب نیجه امور ظهور نده نصره پرا کسه بورک نوب کلوب ادرنه بی
 محاصره ایدوب بحکم الله مخزن بارونه آتش دو شمشیر مستحق نظر سوند مکده شغول ایکن زید ساری یاغین
 سائرلری شاشوب بر قاج کون غیرت ایدوب ناچار ایمان و ایمان و امانله قلعه بی آجیلر علی پاشا قزمانده
 هر قلمه کلوب احوالی عرض ایدد کده پادشاه عزل ایدوب چقان امرانی قید بند ایله استانبوله کتوردوب
 قرمان بکار بکیسی قره کوز پاشای قتل ایددی (علامات) سکر یوز طقسان درت جهادی اولی سنده
 بر کیجه ادرنه ده احراق واقع اولوب خیل بر یاندی ماه رجیده تکرار احراق اولوب جوق بر یاندی بنه و بجده
 ماه غوزلر ابعنده جمعه کونی ادرنه ده هیتلو صاعقه لریدا اولوب ییدی برده عظیم ضرر احداث ایددی
 (انکسار) البستان حاکی علاء الدوله عثمانی ایدن اعراض و پرا کسه به انتساب ایتمکین پادشاه انجیوب
 آنک برادری اولوب سابقا پرا کسه طرفندن شام قلعه سنده محبوس بوداق بک قاجوب پادشاهه کادکده
 استانبول قزنده و بره منجانی و برلشدی حالا البستان حکومتی و رلوب امامیه و قیساریه بکاری معاونت
 نهیمین اولوب بوداق بک ترکان بکاری کندو به مائل ایدو بکار بنه مغرور اولمین معین اوله جوق عسکر عثمانی
 تمام جمع اولدین بهضله واروب علاء الدوله نک بیوک اوغلی شاهرخ بکی که پادشاه طرفندن قیر شهری بکی ایدی
 طوبوب کوز بنه قیزمش میل چکدر و روبرو علاء الدین ایشیدوب غم و اندن شامیلر معاونتله عسکر جمع ایدوب
 بوداقه هجوم ایدوب جنکده قیساریه بکنی علاء الدوله طوبوب شمد نکیر و فرصت سز کزد و یوم صریا شاهنه
 خبرله بیل کوندرد مکین سر عسکر پرا کسه اولان اوز بک سکر یوز طقسان بشده کلوب قیساریه و نیه کده
 و هر قلمه ولانده بی غارت ایشد کازنده امر پادشاه ایل هر سکن اوغلی اناطولی عسکرله یوز یوز بقیلا شمدی
 ایشد کده اوز بک نمکندر بنه کیدوب ولایت قرمانی غارت ایددی (عبرت) استانبولده سکر یوز طقسان

پیش شعبانده ماه تفرزده تا کاه بر ابر سیاه پیدا اولوب محکم بقمور ربا غوب سیمالرا قوب هوا غایت قرار اوب
 تابع صواعق و برق نیجه مواضع و اینیه بی سرق و خرق ایدوب اول علامت قیامت نشاندن جله انسان ترمان
 و هر اسبان اولوب صواعق نازل هانلدهن بر سی ات میدانده غایت محکم اولغین مخزن باروت اولان عظیم
 کایه اینکین قه سی وجهه اجمار دیواری هوا به اوچوب اطرافنده دوت محله عظیمه که جله سی بر قصبه
 مقداری واریدی کیمی کایسان درون طائر ایل کیمی شدت و حدت حرکت ترزل ایل جله سی زیر و زو خا که
 بر ابر اولوب کلسانک قبه سی هوا به اوچوب فارشوده قزل امله یاننده دریاه ساثر اوچان طائرل کیمی
 دریا آشوری غلطه به کیمی اسکنداره دوشوب چوق برله کالی ضرر لر ایشدی * اوکون ضحوة کبرادن وقت
 عصره دلا استابوله در خانه دخانه غرق اولوب کوندز کیجه دن فرق اولندزی * فبحان الملك القادر المجید
 القهار المبادی و یختار و یرید (فراغ از سفر) بواشاده ولایت مغربده باغن جد قوش پادشاهی سلطان
 عثمان قدره لاله معصف شریف و نیجه کتب حدیث و بعض هدایا و ایلجیه مصر پادشاهیله صلح اوله منر
 دیونصحت و ربهانامه کوندروب پادشاه عرب سنانه سفر ایچون بشک طاشده اوناغله قوه شیکن علماء
 رومن کیمی صلحی کیمی محاربه و انتقامی مناسب کوروب مفتی زمان اولان مولانا زین الدین العربی
 شامی الاصل و اهل تقوی اولغین مسلمانه قتال دکلدر دیوصله سی ایدوب قلعه ادرنه ده وادونه ده
 و استابوله اولان علامات تنبیهات خالق کاتنا تدر دیونیه نصیحه فصیحه صحیحه ایتمکین پادشاه سقر دن
 فراغت ایدوب سیر ایدرل ادرنه و اطرافته واروب به ده استابوله کادی (سور پر سرور) پادشاه بر عظیم
 دوکون تدارک ایدوب سیزاده سلطان احمد اوغلی ووزرادن برینک اوغلی سنت ختان اولوب وکنندو
 کریمه لریک بری عجم و زکین پادشاهی اوزون حسنک اوغلی اوغورلو محمدک اوغلی احمد میرزایه و بری داود
 پاشا اوغنه و بری ارناود اسکندریه سی بکی نصوح بکه ترو بیچ و نیجه کوندرو کونلر ایدوب سنجاقلرده اولان
 یولنهم زاده لر جلدی سلطان محمد زمانده سلطان جم ایل سنت او اشردی اونا ریخته سلطان احمد اماسیه ده
 سلطان شهنشاه مستناده سلطان قورقود صاروخانده سلطان سلیم طر بزنده سنجاقده ایدیلر (عقد صلح)
 مفتی متلا عرب سکر یوز طقسان الی اولنده سلطان قایتبایه صلح ایچون بر نصیحتنامه کوندروب اودخی
 سخط ایدوب پادشاه رجاه صلح ایلده دایا و اعتذار نامه کوندروب چور اواده عساکر عثمانیه الله کیرن اوج
 عدد قنده حرمین محترمین اوقافندن اولغین کالاول چرا که ضبط ایتمس رجا ایتمکین پادشاه ایلجیه رعایتلر
 ایدوب هدایا صلح نامه ایل کندی وخی ایلجی قوشوب یله کوندروب اهل مالک اسلام سرور و بر صفا اولوب
 یومغنی کوی اولدیلر (نظم) شکر خدا را که زلف ازل * صلح و مفاشد بخصومت بدل * نادئی اقبال
 درین که نه دیر * غفلت انداخت که الصلح خیر (فتوح) ولایت انکروس کفارینک قرائت خصوص منده
 نزاعلری اولوب سرحد بکرندن برینک نصیحتیه بلغراد بانی پادشاه بونده کورسه قلعه بی تسلیم ایدرم
 یغنی حاکم نصب ایسون دیوب پادشاه ایستد کده عسکر جمع ایدوب پان نامه ریان شکسته پیمان اولورسه
 باری صفر ایلد اولیه لم ارناود ولایتی فتحه عزم ایدله دیوب در یادن اوجیوز قدره کوندروب سکر یوز طقسان
 بدیده بولده بکی قرائدن خراجله ایلجی کلمکین پادشاه ارناودلق منته کیدوب مقدما غارت و تسخیر ایچون
 داود پاشایی بعض عسکرله کوندروب ایلدخی اونا حیده کی چینه لری محاصره و فتح ایدوب غنائم و اسیردن
 میر اولدیلر * قتل اوائلردن ماعدا بیکدن زیاده کافر در زنجیر اولوب ارناود سردار لریک اوغلی یله ایکن
 غارلندن اعلام ایغیوب جله سی قتل اولندیلر * اموال و غلمان و جوارئ خوب صورت اوانغندن خس
 شرعی افرار و ماعدا سی * کمره توزیع و اوناخی ضبط اولوب رعایا سنه خراج وضع اولندی (قصه)
 بولده قنده در صورتده برکسته بر مار بولده * دایچندن سل سیف ایدوب پادشاهی او ره حق محله اسکندر پاشا
 یوزده نه که من شق ایدوب عسکر طبله باره لدیلر * پادشاه اشقرله وظیفه لرین که * وب محالک محرومه ده
 قنده در صورتده کربن * و در دروب آدیش بدع اولان ملک بانی ایلدیلر * بعده فرمان اولدیکه سفر لرده دیوان
 * * * * * پادشاه ارناود سقر دن کادکده الی قتل قرار ایدوب به ده انکروس قرائت مالک اسلامیه

غارتیه جه دایندیکن اینستد کده سمندر بکی میخال اوغلی علی بکه بکری یکن عسکرله انکروس ولایت
 غارت امر ایتمکین واروب طیوم کلورکن بر دینده آردلری کفار آغین اکثر عسکرله مید اولوب بهادر لری
 جنگ ایدرل کورتلوب قرائ مغرور اولوب بوشنه بی غارت ایچون ملوک کفار دن استبداد ایتمکین جبار
 بکندن الی یکن ربه پادان ایکی یکن فرنک و خرواندن بعد یاده و سوار کاوب قرائ برادرزاده سی درنجیل بانی
 اون ایکی یکن زره بوش عسکرله کوندروب جله بش بان جمع اولدی * بوشنه ایل انکروس ارانده کی ولایت
 خروانده ایکی بان واریدی برینک اسمی کرفارلی ایدیکه کاه پادشاهه کاه قرائه تابع اولوردی حالاعاصی
 اولغین بوشنه بکی یعقوب پاشا اذن پادشاهیله آنک ولایت غارته عسکر جمع ایتمدی برینک اسمی کیرانلخا
 ایدیکه پادشاهه مطیع اولوب قرائه عاصی ایدی کرفارلی ائندن ایکی قلعه المغین کرفارلی قرائه شکایت ایدوب
 اودخی موانعت ایدسن دیو درنجیله اصهار لغین درنجیل عسکر یله کیرانلخا ولایتی یغما و قلاعنی محاصره
 ایدوب اودخی پاشایه فریادی کوندروب پاشاه عسکرله ساقی ایلدوب بعده کفارانه دوشن پایجه حصارنه
 واروب محاصره ایدوب ولایت انکروسی غارت و پایجه کفار یله جنگ بده فتح ایدوب درنجیل ایلدیکه
 کیدوب کفار اقرین ایدیروب غاز یلر طیوم اولدیلر * بعده جبار ملککنه کیروب غارت ایدوب او نه کونه
 نام غر عظیمدن کیدیلر که اوزمانه دلا * لمانلر ائدن کچما مشردی * بعده قرنان ولایتی اون بش کون غارت
 و سارین خراب ایدوب طیوم اولدیلر * بده درنجیل بان * کومستگاهنه واروب خانمان آتسه یا قوب یزار
 ماللرین الوب دارود یارین ناراج ایدیلر * بواشاده درنجیل دید کاری افسد اهل انجیل کیرانلخا کاه لری
 محاصره مشغول ایدی ولایتی غارتن ایشیدوب عسکر یله یعقوب پاشانک اوزرینه کاوب سکر یوز طقسان
 سکر دی الحجه نک یدینجی کوفی یوم جمعه ده پاشا صحابه کرامدن برینک ایدرک مشهور اولان قلی ایلد مر دانه
 میدان کیروب عظیم جنگ اولوب مسلمانلر اوسته هوا ده سیرغ مثال اوج یول قوش طوروب کفار اوستده
 اولان یددی عدد عقاب ایل صواشوب قنادرین قیدر قده مسلمانلر علامت خیر در دیو حظ ایدوب واقعا کفار
 مسلمانلر اضعا فی ایکن حضرت حقل الطافی ایلد صیوب مسلمانلر درنجیلی ائندن یقوب قیدر بولده پاشایه
 کتور دیر کسمن باشلردن اون ایکی عدد مشاوه یا بلوب بورلرین قولاقلرین ایه دیروب اموال غنائم و کفار
 اسیر ایلد پادشاهه کوندردی * درنجیل قره حصار قلعه سنده * حبس اولوب غم و غصه ایلد هلاک اولدی
 بوغرا جزای ایچون پادشاه پاشایه تقود و خلعتلر و بر مرصع قلی و زرین رختلور بر خاص آت کوندروب روم
 ایل بکار بکلیکن و یردی بده آمانده وزیر ایددی (نصرت و ظفر) طاقوز یزایکیده قرائله ایلد بعض
 عمالک اسلامی غارته وافر عسکر جمع ایدوب بغداد قرائنه خبر کوندروب اودخی معاونه ظاهرا و عدا ایدوب
 لکن نقض عهددن قورقوب سرحد امراسنه عسکر یله بر سنجاق بکی کاوب فلان برده بوصوده طورسون
 دیو خبر کوندرمکین امرادن بری التیوز مسلح آدمه محل معهوده وارد قده بغداد قرائی ظاهر افاچوب
 عسکر عظیم کایسور بش الی یکن مسلح عسکر کوندردیلر * قرائنه خبر کوندروب لکن کندی بی دخی دزت
 یکن کافر ی روم ایل عسکر لیامنده بوصوبه قوبله عسکر اوجله کادکده مسلمانلر و مسلمانلر صورتده
 بغداد عسکر ایکی بردن طبل و علم ایلد بوصودن چیه قوب محکم صواشوبله عسکر صیوب یکن مقداری
 قاچوب باقیسی مقتول و اسیر اولدیلر * قرائی ایشیدوب ولایتنه قاچوب بکری یکن عرب طلووی دخی ذخیره
 و اسباب غنیمت التوب مسلمانلر آردلرینه دوشوب نیجه لری اسیر و نیجه لری قتل اولندی (انواع نصرت)
 پادشاهه خبر ظفر ایشد کده مستره بکی مالفوج اوغلی بالی بکی روم ایل عسکرینک اکثر لرینه
 مسلط ایتمکین قرق یکن عسکرله و قرائ بغداد ایلد ولایتن اورو نیجه قلعه لرین یقوب یا قوب * اولافرقوه
 نام حضار ابرماغن یوزوب کچوب کوی بری بکچیلرین قیروب قلعه بی الوب * ثانیاً بر حصاره بر کول کارنده اولان
 نیجه شهرلر الوب * ثالثاً ایکی شهره واروب کفاری قاچقین اردلر نیجه عسکر کوندروب یقشوب مال و عیال لرین
 الوب * رابعاً لرین جله قتل ایدیلر * رابعاً باغچه سی چوق براطیف شهره واردیلر که قرائلک آنده سرائی اولوب
 خانی اغنیایلدیلر مال و عیال یله مفاخره لره بخارلر کن مسلمانلر راست کاوب طیوم اولدیلر * ضبطی عسیر اولغین
 شهر ی یا قوب اهل ای اسیر ایدیلر * خامساً باغچه لور براطیف شهره دخی واروب اور تاسنده ابرق اولغین نیجه

مسلمانان زخته و زوب کجوب حصار یاقوب امانی اسیر اید و ساد سانیجه عسکر غارت کیدوب بر فرقه سی
 شهری جنگله الواب امانی کیتی قتل کیتی اسیر ایدوب حصار یاقوب طوم کدیلر ساد سانیجه بعض
 افتخیر بر حصاره کفاردن ید یوز خانه بولوب کین قتل کین اسیر ایدوب طوم کدیلر عسکر اسلام
 و طلمرینه دوند کده قضایات و قرای کفاری یاقوب یعقوب بر عظیم ارمغه کوری یاقوب کجوب بر رندی
 کفار طاش و اغاجله سدا تکین ایکی کون چالشوب آجوب بر طار پرده کفارله صواشوب چوق مسلمان شهید
 اولوب لکن اولانجه کفار جه قیرلدی بعده بشیوز نفر افتی ایکی پرده کفارله صواشوب منصور اولوب بعده
 عسکر اسلام بر عظیم ارمق کور و سنده یلک بشیوز کفارله صواشوب ظفر بولوب کجوب بر شهری
 غارت ایدوب خوبان و مال فراوانله طولور کلیسانی بغه الیوب طوم اولد قلزنده و طلمرینه کدیلر (غارتم)
 پادشاه وزارتدن فارغ اولان اسکندر پاشایی بوسنه به حاکم ایتمکین وارد قده و ندیک نوکندن راندن ولایت
 یغمالیوب غنائین پادشاهه کوندردی بعده بر آفاق بوله اقلین ایدوب بعض قلعه لر و شهر لر یعقوب یاقوب وافر
 اسیرالدیلر عیدی شعبه لو بر نهر عظیمه کده هر بری دجله و فرات کبی ایدی زخته کجوب و ندیک فارشوسنه
 واروب اطرافن اقلین ایدوب طوم اولوب بوحالده عظیم یغور و یاقوب سنیلاردن بولار طولت قده کفار
 قارشوب کجوب صواشوب عسکر مظفر اولوب نهره کد کارنده اسیرلر یوکارین قیروپ کوچکرین البقویوب
 پادشاهه ایکیوز اوجاغلانی کوندردیلر (فتح و نصرت) ساد پادشاه ایکی ساندیر و غزا ایچون اوچوز
 قدرغه یاقوب ایکیسی بکر میشیر یلک التونه یاقوب سولک مانه ایدی که طولی بخش عرضی اوتوز ذراع
 اولوب کول کارنده قرقتر قرقتر مسلح آدم اوتوزوب تفنگ و زنبیل انازلدی بوجله بی عسکر و آلات جنگله
 طولت و بولوب قیودان و ایکنی وزیر داد پاشایی در یادن اینه بجنتی اوزرینه کوندروب کندودخی طوقوزوزرتده
 استانبولن عسکرله چیقوب روم ایلی بکر بکیسی مصطفی پاشایی اینه بجنتی محاصره سته کوندروب مخالفت
 هوا ایلد و نغما اوج آیدریاده کزوب آخر بر لمانه کیروب بکری کون کفار هجومندن کازه چیمبوب
 صومر قلندن عاجز اولوب بوحالده کافر دوغمانی اطرافن ایدوب کزوب پادشاه اینه بجنتی قریبده چتالجه
 اوه سته کلوب دوغما احوال ایشته کده هر سدا و غلی وزیر اجد پاشایی بعض عسکرله موریه واروب
 دوغمایه چاره ایتمک کوندروب پاشا و ارمزدن اول کیدیلر لماندن چیقوب جنگ ایدرلر بریره واروب پاشا
 یتشوب کیدر کیروب کیدرلر ایکن سابقا فرنگدن پراغ و عسکرله ملو بوزالی قدرغه کلوب اینه بجنتی بوغازنی
 سدا ایچون کازه طولی قوروب طوروب دوغما کلوب محکم صواشوب کفارلر برمانه و بر بارچه سی
 دلشوب عسکر و راغیلدر یایه یاقوب بعضی صوبوزندن جنگاله طولوب اسیر ایدیلر ایکی مارنه بدخی
 آتش اوتوب یاقوب دریایه آتلان کفارلر نیجه می غرق اولوب ید پیوزی طولوب قتل اولندی لکن
 مسلمانلر برمانه سته محکم باغلو و اغین اودخی یاقوب ایچنده بشیوزدن زیاده عسکر شهید اولوب دریایه
 دوشن ید یوز مسلمان قایقلرله قورناردیلر بعده بر کافر قالیون اوب ایچنده کیدری اسیر و در زنجیر ایدیلر اوج
 قدرغه ایچنده کی مسلمانلردن خالی قلوب کیر و دوغما ایچنه کادی کفار شاشوب طاغلوب دوغما اینه بجنتی
 ایمانه کیروب کفار حصار کورد کارنده قلعه مفتاحن امانله کتوروب مصطفی پاشایه تسلیم ایدیلر غایت
 اسی اولغین پادشاه اورایه یقین بر ییلاقده ایکن لیمان اغزنده ایکی طوقوزده بر قلعه پایلغه و محافظه ایچون جله
 دوغما یقین برده بر لمانده قشلاقمه خبر کوندردی بوسقده وزیر اعظم ابراهیم پاشا ابن خلیل پاشا و فات
 ایدی (فتح) پادشاه سارده متون و قرون فتحه عزم ایچون روم ایلنده قرق عدد مانه پایلی پیوزوب
 بکر میسی تمام اولد قده کفار فرنگ آتیه یاقوب بکر میسی دخی تمام اولد قده کافر لراقیه قلعه سته کلوب
 طولت و کوب الواب بولک کفارلر جه یتیه انشا قلی اولدی بغنی پادشاه ایشیدوب قش ایچنده یعقوب پاشایی
 بعض عسکرله دوغما کیدیلر بر مرات ایدوب متون اوکته وارمق پیوزوب اودخی واروب طوقوزوزیش
 مضانده پادشاه عسکر چکوب متوبه واروب قرددن عسکر در یادن دوغما قلعه بی قوشادوب بر ایدنبر
 طولت و کلوب حال دخی محکم دوکوب المانی اوزره ایکن فرنگ دوغمانی کلوب در یادن و قوره دن عظیم
 جنگ و ایکی پرده ایکی طرفدن چوق کسه تلف اولوب بوحالده و ندیکدن درت قدرغه وافر آلات حرب و نیجه

یلک تفنگچی کافر کلوب حصاره کیروب قدرغه لرین آتیه یاقوب کلان آلات و اسبابی قلعه به طاشورکن
 امر پادشاه ایلد قراطرفندن ساد اچلان کد کدن نزد بانلر ایلد پیوزیش اولغین ایشیدوبن اختتامه دلک عظیم
 صواشوب کفار صیوب کجه ایچنده اولر ایچندن آتیشلر اوتوب عاقبت کیتی اسیر کیتی طعمه شمشیر اوردی
 (فتوح) پادشاه دخی مفرده ایکن قرون قلعه سن فتحه بعض عسکرله علی پاشایی قردن دوغمانی در یادن
 کوندروب پاشا اناوارینه قلعه سن امانله اوب ایچنده کیدر مال و عیال لر یله فرنگ تانه کیدوب رعایای خواجه
 کسوب پادشاه ایشته کده یقوتوب پاشایی یاردمه کوندروب قرونه وارد قلزنده کفار قلعه متوندن عبرت
 المغین امانله حصار یاقوب تسلیم ایدوب مال و عیال لر یله فرنگ تانه کندیلر پاشا پادشاهه وارد قده رعایا اولوب
 ولایت مورده حکومتی سربستلک ایلد و بر لوب پادشاه عسکره دستور و بر لوب تسخیر بقایلی قلاع ایچون علی
 پاشایی قویوب کندی ادرنه به کادی بوئشاده فرنگدن بعض کیدر کلوب اناوارینه قلعه سن بر حیل ایلد
 اوب علی پاشا ایشیدوب کلوب قلعه بی محاصر ایدوب پادشاهه خبر کوندروب کیدر ایستکین اوتوز عدد
 قدرغه کلوب کافر کیدر یلک بکرین ضرب و حر ایلد اوب قلعه بی دخی پیوزیش ایلد اوب اوج یلک کافر قیروپ
 نیجه لرین دخی اسیر ایدوب در تیوز کافر حصاره قاجوب امانله قورتلوب کدی ایلد کندیلر پاشاهه کوره تقسیم
 غنائیم ایدوب حصار ی ضبط ایددی (نصرت) پادشاه روم ایلنده ایکی ییلد نبر و متون و قرون فتحه
 مشغول اولغین فرمانده طوائف طور غود و در ساق حرکت ایدوب فرمان اوغلی ابراهیم بکا اوغلی حاجو
 حزه نلک اوغلی مصطفی که تازه لکندره عجمه قاجندی اناطولی خالیدردی و اوشقیانیه کجوب زعفرانجه پادشاه
 ایدوب لارنده بی محاصره و اطرافن غارت ایتمکین پادشاهه فرده ایشیدوب اما سیه بکی سلطان احمد و دخی
 بکشمری بکی اولان سلطان محمد ابن سلطان شهنشاهه خبر کوندردکده سلطان احمد عسکر جمع ایدوب
 البستان حاکمی علاء الدوله اوغلی شاه رخ بکی عسکر یله یاردمه کوندروب سلطان محمد وارد قده فرمانیلر
 طاش ایلینه قاجوب قش باصغین سلطان احمد و نوب اما سیه به کادی پادشاهه مفردن کلوب وزیر اعظم
 مسیح پاشایی وافر عسکرله طوقوزوزالتیه کوندروب فرمانه کد کده قونییه بکی سلطان شهنشاهه بولوب
 بعده خارجیت اوزرینه کیدوب ایلک پادشاه اولان بکارلر به ضاری پاشایه کلوب تابع اولوب پاشا طاش ایلنه
 واروب اول نواحیده بر قلعه یاقوب ایچنه ضابطر قویوب خارجیلر اوزرینه کیمکه توجه ایتمکین جله سی
 کفن بر کردن پاشایه کلوب تابع اولوب خارجی اولان مصطفی قاجوب طر سوسه بعده حلیه واروب بی نام
 و نشان اولدی پاشا اولایت فرمانی هر جوله تعمیر و اصلاح ایدوب آتانه به کادی (فتوح) ولایت
 جزیره و ره حاکمی علی پاشاهه ورده نلاع کفاردن اینه قلعه سن محاصره ایدوب طولت و کوب طرفیندن
 چوق آدم دوشوب عاقبت فتح اولد قده ایچنده اولر امانله چیقوب فرنگ کیدوب بعده پاشا اردوسه
 قلعه سنه واروب بر کون صواشوب ایددی امانله الواب غنائین در تیوز تازه اوغلان و سائر هدا یا پادشاهه
 کوندروب مورده ولایت پاشا آتار خیر و عدل و تدبیر فراوان ایلد ایدان ایددی (نصرت) متون و قرون
 و ندیک قریب کده متبر قلاعندن اوافغین غیرتوب فرانجه پادشاهه دخی استداد ایدوب کین یاردمه کیدر
 کوندروب جله مکمل ایکیوز قدرغه اولوب طوقوزوزیدیده جزیره مدلی به کلوب قلعه بی طولت و کوب
 مغنی ایکی سلطان قورقود کز بوزنفر قیومی قولار یله براغان کوندروب قراسی سنجانی بکی عسکرله
 کیدوب کیدرله مدلی به یتشوب اغایله چوق کده شهید اولوب ایکن سائر لری صفلار یارب قلعه به کیروب
 پادشاه ایشته کده هر سدا و غلی قیوقولار یله موجود قدرغه لره کوندروب اناطولی بکار بکیسی دخی امرله
 واروب جله سی جمع اولد قزین فرانجه عسکری ایشیدوب قلعه به پیوزوب کیرلر کن مردار مر داری قتل
 او اوب عسکر لری قاجوب و ندیک کفاری شاشوب کیدرله قاجوب پاشا مدلی حصارین نعه بر ایدوب
 آتانه به دوندی (فتح) انکروسله سرحد اسلام اورنای اولان قلعه پایلیجه مرحوم سلطان محمد زماننده
 فتح اولوب ایلک و فاته نصکده یتیه کفار الواب انکروسه و رانجه قلعه لوفجه دن غیری قلاع و قراده غزاة اسلام
 غارتلر معمور بر قالمشده طوقوزوزیدیده ولایت بوسنه حاکمی اسکندر پاشا اوغلی مصطفی بکی یلک
 یاده یلک سوارله لوفجه فتحه کوندروب وارد قلزنده غایت با قلوب بر اولغین یواین و خندق اودون و طبرانی ایلد

طوله دروب قلمه بی پوروش ایلد الوب نسا و صفاری اسیر و بکاری قتل ایدوب پورنرین و قواقرین ایله
 دیروب پدینه گوندردی و بریل صکره انکروس قرالی وافر آدمله قلمه یا بجه به ذخیره و کوندروب پاشا
 اینتد کده ینمه مصطفی بکی درتوزدلا و رایله کوندرومکین بش کونلا یوله برکونده ایلد مارله واروب کفاری
 کجه شیخون ایدوب قیدردی و ییلده شیزاده سلطان عاشاه وفات ایتدی (فتح) عیسی بن اوغلی محمد بن
 اولایت ارناودده ایلیسان بکی اولوب اطرافن تدریجیه تسخیر و کفاری تخسیر ایدرکن اطرافنده کی بکرله
 تفاسلوب خفیه برمه داره سکرله جوارنده کی قلمه دراج قریزده بهضن یوصوبه قوبوب بهضیلده جنکه
 باشلیوب حصه اراهل مسلمانلری آرز صانوب طشره چیقوب جنکه مسلمانلر قصله یوصو طرفته قاجوب
 بعضلری شید اولوب یوصوده کیلر چیقوب صواشوب کفار قاجوب جنک ایدرکن مسلمانلر قارشق حصاره
 کیروب چله کفار قیرلوب پادشاه اموال غنائم کوندردی (فتوحات عظیمه) آق قیو تلوسرداری اولوب
 تغلبه شاه عجم اولان اوزون حسن بایندری سابقا مر حوم سلطان محمد خانله جنکده صیغین غنندن مر یض
 اولد قده اوغلی سلطان خلیلی کندورینه پکورمکه سبغا غنندن دعوت ایدوب لکن دیکراوغلی اوغورلو
 محمد میرزا جمیع و مقبول عسکر اولغین انجنوب سبغا ای اولان امه هاندن شیرازه کاوب پدیری ایشیدوب
 قاقوب وافر عسکرله وارد قده محمد قاجوب بغداده اندن امده واروب او حالده امر اوسپاه آذربایجان و عراق
 و دیار بکر ارازنده منازعات اولوب اوزون حسن تختکاهی اولان تبریزه دونوب محمد اوزرینه عسکر
 کوندروب محمد قاجوب مر حوم سلطان محمد التجا ایدوب اودخی کلی رعایتلایدوب سیواس حکومتن
 ویروب بعد زمان محمد خیریک بعض امرایله آذربایجانیه پوروب پدیری صاغ ایدوکن ایشیدوب نادم اولوب
 ناچار پدیرنک عسکرله صواشوب قتل اولوب اوغلی احمد میرزا قاجوب سلطان بایزیده داماد اولدی و ایکی
 اید نصکره اوزون حسن وفات ایدوب سلطان خلیلی تخته کجوب برادری مقصود میرزایی که بغداد حاکی
 ایکن پدیری زمانته محبوس ایدی قتل ایدوب نه برادرلری بهقوب میرزا و یوسف میرزایی و لاله لری
 خاطری ایچون دیار بکره کوندروب حاکی کخی یعقوب بهوردی خلیلی نظام و فاسق و بخیل اولغین سپاه و رعایا
 صوبوب عیسی اوغلارندن نیجه لر خروج ایدوب خلیلی انملرله آلی صواشوب بهقوب اون درت یاشنده
 لکن عاقل ورته سید اولغین یانته عسکر جمع اولوب پوروب خلیلی بجد عسکرله خوی و سلسا نواحیسنده
 صواشوب یعقوب صیتوب خلیلی عسکری انلری قوه لیوب خلیلی آزادمله قلد قده بهقوب یک سرداری
 بایندر یک جنکده خلیلی راست کاوب باشن کسوب خلیلی عسکری صیتوب بهقوب تبریزه واروب
 سکر یوز مسکانه تخته کجوب نیجه مدت عدل و داد ایله تعمیر بلاد ایدوب سلطان بایزیده مدارات
 و مصافات ایدوب بعده تفصیله شتتاج وجهله بلیوب زهر لوشربت ایچوب سکر یوز طقسان التیده وفات
 ایدوب اوغلی بایسنقر میرزایی اعظم امرای اولان صوفی خلیلی تخته کجوب وزیر و مدد منقل اولد قده
 بایسنقر نابالغ خلیلی ایسه ظالم اولغین امرای اراسنده نزاعلر اولوب یعقوب یک برادری مسیح میرزایی تخته
 کجور که انق قایدوب جنکده مسیح قتل اولوب اوغورلو محمد اوغلی محمودی بکر قاجوب پادشاه ایکنکه
 اوزرینک عسکرله خلیلی اوزرینه پوروب اودخی بایسنقری قالدروب درک زنده صواشوب خلیلی غالب
 مطلق اولوب عراق و فارس و کرمانی ضبط ایدوب بعده سلیمان نام یک خروج ایدوب خلیلیه تفصیله شتتاج
 جنکرا ایدوب عاقبت خلیلی نابود اولوب سلیمان بایسنقره وزیر اولوب لکن ظالم اولغین سکر آید نصکره بعض
 امرای خروج ایدوب مقصود میرزانک اون بش یاشنده اوغلی رستم میرزایی حیدر چیقاروب بایسنقر
 اوزرینه پوریدیلر اکثر امرای سلیمان رستم کاوب رستم تابع اولوب بقیه امرای سلطان بایسنقر ایلر برادری
 سلطان مرادی قاجوب لام جلدلری اولان شروان پادشاهی شروان شاهه التجا ایتدیله رستم تبریزه تخته
 کجوب بایسنقری دفع ایچون عسکرله پوروب شروان شاهه بایسنقره یاردم ایدوب رستمه مقابل اولوب قریه باغ
 و کعبه و برقع بایسنقر تبریز و سائر ممالک عجم رستک اولقی اوزره صلح اولندی و رستم کندکده بایسنقر
 شروان آذربایجانیه کیدوب رستم اینتد کده اوزرینه اکثر عسکرین کوندروب کند و امه هاندن کیدوب
 جنکده بایسنقر طوبی رستم کتورل کده قتل اولوب رستم آلی بیل پادشاه اولوب ناز و اهل هوا و مغلوب

نسا و امرای اولغین امه نسا بولده احمد میرزا این اوغورلو محمد امرادن خبر کلکین کتیکه طاشوب پادشاه
 مسلمانلرله جنکده رضا ویرما مکی بر قاج آدمله خفیه قاجوب آذر بایجانیه وارد قده رستک اکثر عسکری
 تدریجیه بو کا کلکین رستم کرجستانه قاجوب احمد میرزا تبریزده تخته کجوب عدل و احسان و آیین
 عثمانیان اوزره اوج آلی سلطان اولوب بعده رستم کرجستاندن دونوب بولده احمد نیجه امرای جنکده
 قتل ایدوب عاقبت احمد بالذات واروب بخیجوانده نمرارش کنارنده صواشوب رستم طوبی احمد میرزا
 مسلمانلر شاه عجم و عراق عرب اولوب بعده نیجه امرایونک خوفندن یوز چوروب لام جدی شیروان شاهه
 التجا ایدن سلطان یعقوب بهغایانه بیعت و سکه و خطبه بی انک نامته ایدوب وافر عسکر ایلد شیرازدن پورودیلر
 احمد میرزا ایشیدوب بجد عسکرله واروب امه هاندن صواشوب بحکمه الله نه بید اولدی انک یانده اولوب
 یوسف میرزانک محمد نام اوغلی رزمشهرنه الوند نام اوغلی بهض امرایله آذر بایجانیه بعده کرجستانه قاجوب
 وزیر اولان سلطان ابراهیم اولان سلطان مرادی تخته کجور که چاغروب کند و امه ورده مستقی اوله جغتیه امرای
 رضا ویرمیهوب نزاع و جدال اولد قده و غما الوند میرزایی کتوروب تخته کجوروب سلطان مرادک اوزرینه
 یوزوب جنکده الوند غالب اولوب مراد طوبی حیدر اوانوب الوند تخته کجوب محمد میرزا ممالک فارس
 و عراقه مستولی اولوب دعوی سلطنت ایتمکین الوند میرزا انک دفعنه کیدوب سلطانیه نواحیسنده
 جنکده شامت غروره ابراهیم سلطان قتل اوانوب الوند میرزا قهر یاغه قاجوب محمد میرزا تبریزه واروب
 تخته کجوب بو قترات انشاء شده ابراهیم برادری مراغه حاکی احمد یک مرادی حیدر چیقاروب
 تخته کجوروب ممالک عراق و فارس پادشاه ایدوب محمد میرزا امه هاندن کیدوب سلطان مرادله صواشوب لکن
 قتل اولوب بواشاده الوند میرزا تبریزه کاوب تخته کجوب سلطان مراد ایشیدوب تختی الوند الوند المنغه
 توجه ایتدی (ظه و رزلبش) سلاطین و امرای عجم ذکر اولان کشاکش کرده ایکن شاه اسماعیل بن شیخ
 حیدر بن شیخ حیدر بن ابراهیم بن خواجه علی بن شیخ صدرالدین بن شیخ صنی الدین الاردیلی که پدیری
 شیخ حیدر که سکر یوز طقسان اوج جادی الاخره سنده سلطان بهقوب طرفندن شروان شاهه معاونت
 ایچون بجد عسکره کیدن سلیمان یک جنکده دلال اولد قده مرزور اسماعیل نابالغ اولغین اجدادنک
 مریدلری یونی کیلانده صفلیوب تربیت ایدوب سن ادرال و تبریزه وارد قده اردیله کاوب قترات ممالک عجمی
 فرمت یللوب (نظم) جمع احباب ایدوب خروج ایتدی * ذروه قینه بهعروج ایتدی * والدی خون
 ایلوب دعوی * عجم اقلین ایتدی مرغوغا * قتل عام ایدوب ایلدی غارت * خرقه ضربت ایفاسارت *
 بولده یغن قیددی الدی اسبابن * ایتدی بجد مرید و احبابن * ایتدی پیرو جوانی طعمه سیف * طفله و هم
 نسایه ایلدی حیف * شیعه آیین ایلیموب شایع * اهل اسلام ایلدی ضایع * علما قتل التزام ایتدی *
 عالمه راحتی حرام ایتدی * قدر شرع نمرینی ایلدی پست * دین اسلامه ویردی خیلی شکست * افی
 کیم عداید بحر می عذب * وسعت مشریله ایلدی جذب * عرفی افسادی و ایچو نابض * اولدی تاریخ
 قینه بی قابض (نثر) بقایای اثنقیای حیدر به اجتماعیه نیجه ملحد مشرب و رافضی مذهب ترک سترک
 یانته درلوب طقوز یوز بشده شروان حاکی فرخ یساری قتل و طقوز یوز یدیده الوند میرزا ایله جنک ایدوب
 ماسکنه متصرف اولوب اجدادی خلفای ممالک رومه منتشر اولغین احبابی غایت چو غلوب نامه زله
 آنلری دعوت ایدوب رومدن فوج فوج مرده چون قرده کیدوب اکثری محاربات متوالیه سنده قیرلوب
 از قالد قده جمع اعوان ایچون روم دودنده ارزنجانه کلکین پادشاه یحیی پاشایی اناطولی عسکرله انکوری به
 کوندروب فرمان عسکری آفسرایده روم عسکری سلطان اجداد یانته جمعیت ایتدیله * شاه کمره روم
 اشیاء سندن سی حیث ایله نیجه یک خبیث جمع ایدوب دونوب بایندر یلر ایله جنکده بایلدی * شاهه کیدن
 ملاعینک اکثری تک و حیدر ولایتلرندن اولغین اول ستم کرده شاه احبابی نامنه اولنر متون و قرونه سور کون
 اولوب اناطولی یقاسنه صوفی نامنده بر فرد کجور لما که پادشاه تنیه ایتمکین شاه اهل رومدن مایوس
 اولوب طقوز یوز سکرده پادشاهه عبودیتنامه کوندروب اجدادی احبابنک ولایت عجمه کلر شنه
 اجازت رجا ایدوب لکن مقبول اولدی (روایت) شیده دل ذکر اوتسان کیفیت ظهور شاه تاج

التوار یخزن منقول اولوب اكن علامه صاحب الافاده مولانا كمال پاشا زاده سليم نامه سنده كيفيت
 ظهوری تفصیل ایدوب کمال اجائی بود که شاه اسماعیل جدی جنید ایدوب او چاغنده شیخ جلیل ایکن
 آذربایجانیه عسکر جمع ایدوب کرجستانی غارت و دوشنده ولایت شروانه خیلی خسارت ایدوب بعده
 شروانشاه انده مخدول و مقتول اولدی * بعد زمان جنیدك اوغلی حیدر و مرغل قشنه و شوروشه مائل
 جوان شیردل اولوب اوزون حسنه دخی داماد اولغین او خاندانه امتداد ایدوب دیری قان طلب ایچون همچو
 باجوج عسکرله خروج و ذروه فساد عروج ایدوب بودخی شروانشاه عسکرندن مغلوب و مقتول اولدی
 بعده دیار عمده اوزون حسن اولادك قشنه و قنات عظیمه لری ظهور ایتکین حیدرک کو چك اوغلی
 خواجه کمال فرصت بولوب طقوز یوز بشده خروج ایدوب اسماعیلی قویوب همان اوچیز آدمله
 آذربایجانیه کلوب اکثر عمالک اناطولیده قدیدن بونک اجدادی خلفای او اغین انده نیجه کشته ل پادشاه
 متون و قرون قتلینه مشغول ایکن فرصت بولوب بونک یاتنه واروب وافر عسکر جمع اولدقده واروب
 شروانشاهی طوقوشیه مایحوب کباب ایدوب بعده تبریز پادشاهیلد صواشوب انی صیوب شهره کیروب
 تخته کچوب شهره قتل عام ایدوب حتی کدو والده سنی دخی نصحت ایتدیکی ایچون ایله قتل ایدوب بعده
 تدریجه عمالک عجمی عظیم محاربه لایله اولوب مسلمانلری قیلدن کچوروب چنکیز و تورکی تفصیل عظیمه به
 محتاج بیحد و شور ظهور ایتدردی (نظم) دیه بونجه درلوفساد اول ایتکین * ایدوب نیجه اولدی
 بلادن امین * بواهمالی صافه که ایدوب * وادی امین کیدی متین (بلایا) طقوز یوز سکزده
 پادشاه مصره نامه ایدوب ایدوب کوندروب سلطان چک قیزی و والده و عیالی کتوروب کچه بی بر بکه تزویج
 ایتدی و دیو یلرده جمیع عمالک عثمانیه ده اوچ ییل متصل طاعون والی ییل غایت عظیم خط اولوب قنار
 واهلی قراوت اولدی و بواشورده بحکمة الله ایکی ییل دله عمالک محرومه صوری چوغلوب طاشوب
 سدردن آشوب بله دن بکشمیری کولی طاشوب قوینه صحران دریا مال ایتدی (ظفر) دریایوزنده
 برقاج یلدنبر ورامیلک ایچون کیلرله کزن قره طور مش نام لوند شردن مسلمانلره کز ندرشد یکی
 ایشیدله کده پادشاهان قدرغه دونادوب وارد قنرند طور مشک منزان باصوب طور مش قاچش بوانوب
 بشیوزیلکن و لکرو سارکی آلاقی و بیحد طوب و تفت و آلات جنگ بولوب میری به غلبه ایتدی و طور مش
 بر بقی ییل کروب کیرلنوب بعده طوقوب پادشاهه کتورلدکده عبرت ایچون شیشه صانجادی (ظفر)
 پادشاهک مزاجی معتدل و امراض باغمیه دن مختل اولغله تدبیراموری ارکان دولته تفویض ایدوب آنلرله
 ایدوب ایلرله نظام ملکه خلل کدکده پادشاه انجنوب برقاج کون دیوان ایتوب بعده موره حاکی خادم علی
 پاشایی وزیر اعظم ایدوب طقوز یوزاون ایکده کیلرله دریاده کزن لوندلر اطراف غارت ایتکین برقاج قدرغه ایله
 عسکر کوندروب وارد قنرند لوندلری طوقوب زنجیرله کتوروب سیاست اولندیلر اول ایدوب روس
 کناری ولایت منشاده برقاج قره خلیفی امیر و مالکین یغ ایتدی (حادثه) طقوز یوزاون اوچده
 البستان حاکی علاءالدوله نک بر حنا قیزی شاه ایستیوب ایلی کوندروب اودخی تزویجی تقویز بعده
 کافر دیردیر بریزو پرهیز ایتکین آنک عنادی شاه بدتمادی قاقیدوب چنکه کلوب مملکت عثمانیه دن کچه که
 دن ایچون پادشاهه تضرعنامه کوندروب لکن پادشاه احتیاطا بیجی پاشایی جمیع عساکره سردار ایدوب
 انکورید و توق ایدوب لازم کاورسه بوریه سن دیو بیوروب بونلر وار نیجه شاه کلوب چنکه علاءالدوله نک
 بر اوغلی وایکی اوغلی طوقوب علاءالدوله بر صوب طاغیه قاچوب شاه بر مدت صحراده طوروب بعده
 عجمه کیدوب ایکی یکرزاده لری کباب ایدوب عسکرینه یدردی (واقعه) تکه ایلی یکی سلطان قورقود
 ولایت صحرانه تبدیل رجای ایدوب پادشاهه قبول ایتدکده کوموب طقوز یوزاون بش محرمنده کچی به نیوب
 مصره واروب مصر سلطان ایدوب اوچ ییل فلوری تعین و انواع عظیم و رعایت ایدوب نیجه مدد نصکره
 تحصیل رشای والد ماجدی قاصد اوامین سلطان مصر یکریمی یاره کیلر * کوندروب مقری اولان شهر
 انطاکیه به کدکده کیلر و نیوب کیدرکن شروانه بی المغیچون بکین کافر کیلر جله سن الوب قورقود
 پدردن قورقوب اعتذارنامه کوندرکین به صباغنده ایضا اولندی (زلزله عظیمه) طقوز یوزاون بش

جادی الاولی سنده بر کچه استانبولده غایده عظیم زلزله اولوب محکم بنار حتی قلعه مندی دخی نیجه برلری
 یقوب اول علامت قیامت نشاندن جمله انسان ترسان و لرزان اولوب بر آیه دل زلزله بالکلیه منقطع و زائل
 اولوب بواننده نیجه لچادر لره اچق برلرده اولوب پادشاه ایچون سراید اغاچدن چاغه اوده لری ایدوب آند
 ساکن اولدی * بعده پادشاه ادرنه به کیدوب دیه توقه سران نه میرا بتدروب استانبولک یقلاق برلرین دخی
 یایدردی (تعمین سخاق) شهرزاده سلیم خان طر بزون یکی ایکن داتما کر جستانه غزا ایدوب اجیانا
 قزلباشلرله دخی صواشوب جمعیتلرین طاعیدوب بعده اوغلی سلیمان خان یومکین اکادخی مستقل سخاق
 رجایتدکده پادشاه اکا ولایت کفه سخباغین و بر مکی سلیمان خان کیلرله واروب ضبط مملکت و نشر عدالته
 شروع ایتدی (ظاهر و سلیم خان) پادشاه مریض اولوب تدبیراموری وزیرایه تفویض ایتدکده عمالک
 عثمانیه احوالی مختل نظام عالم مختل و معطل اولوب قزلباش دخی بعض عمالک عثمانیه به قدم باصدد قرینه
 خصوصاً پادشاه اهل هوا اولان سلطان احمد و عده فراغت سلطنت ایتدکده سلیم خان برغم و احزان اولوب
 یدریه ملاقاته و نصیحت و عرض بعض حاجاته وسیله اولقی ملاحظه میله روم ایلدرد بر سخباغی ایتوب اوچ
 کره تضرعنامه کوندروب هر برنده مکر و زرا ایل پادشاه رجوان کوندروب بودخی رای غیر مضرده مصر
 اولوب دریادن کفه به کلوب آندن دخی بر رجانه کوندروب پادشاه بونک نصیحت مولانا صار و کرزی
 کوندروب کادکده شهرزاده نک محبت و اطاعت لکن رجایه اصرار بر اخبار ایتکین پادشاه اناطولی
 سخباقلندن هر قنغین دیلر سه ویره یم دیو غیری کشته ایلد خبر کوندروب شهرزاده پادشاهه بالذات عرض
 ایتد چک امور وار و درواری منجه اواز م صکره نه بر کتک امر ایدر سه کیدرم دیو جواب کوندروب بعده آق
 کرمانه کیدوب اخیواید طور منجیون دریادن ذخیره و اسباب لازمه ایلد کیلر کوندروب تانارخان
 هدایا ایلد قارشو کلوب بیورر سکزیله کیده یم یا خود منز عسکر قوشایم دیوب بودخی ایستیوب سلسله به
 کادکده پادشاه ایتیدوب مقدا اناطولی به سفر یمانه سیله روم ایلی عسکرینی جمعه خبر کوندرولسکین حالا
 موجود عسکر ایلد رنه به بعده سلیم خان قارشو واروب بر نزلده ایکی سی بری برلرینه قارشو قنوب شهرزاده
 پدزیه ایلی کوندروب مرادم رکاب همایونه رومال و مشاهده جمال فرخ فال حضرت سلطان با کمال
 ایکن نه جرم مشته ایلد بری رد و صدوباب رجایی سد و تدبیر ورلر دیو ایلی کوندروب محصل نیجه وجه
 مفصل ایلد ایکی طرفدن مرارا اخبارشوب عقیبت مندره سخباغی و الاحصار سخباغی ویرلوب انواع تحف
 و اموال باغشایوب مادامکه حیاتده یم سلطنتی اوغلر مندن برینه فراغت ایتیم دیو پادشاه عهدنامه
 کوندروب سلیم خان دخی سخباقرض ضبطه آدمکر کوندروب لکن وزیرانک سلطان احمد حلیم و غافل و اهل
 هوا اولغین میل و اتا قنری اولوب حالا تخته کچورمکه مکر و فکر لرین و سرانامه ل کوندرد کارین ایشتمکین
 ادرنه اطرافنده طوروب تدبیر یجله یاتنه نیجه بکزاده ل کلوب عسکرینی چوغلوب وزیر القاسیله البته
 سخباغکه کیده سن دیو پادشاه خبر کوندروب اودخی اناطولیده خارچیلر قشنه می دفعنه منظر زچاره اولزسه
 عسکر منزه او خدمتی اندایه کیده لم بعده سخباغ کتمز آماندر دیوب تکرار البته کیت دیو ابرام اولدقده
 برمدار کیدوب زغره ده توقف ایتدی (قشنه شاهقوی) سلطان قورقود ولایت تکه دن اوصانوب
 بجله ایلی اسکی سخباغی اولان مقنیه سایه کیدرکن تکه لوشایمی پادشاه وفات ایتدی صانوب طقوز یوزاون
 انی محرمنده عادت روافض اوزره جمعیت ایدوب شاهقوی نام برمر داری سردار ایدوب اشقیا چوغلوب
 عمالکی غارت و خسارت ایتکین مسلمانلر کچی طاغره قاچوب کیمی قتل اولنوب اناطولی به ککر بکیمی
 قره کوزباشا بولک کوندروب انلر شیدا اولد قنرند کندیسی یک نفر آدمه کونا هیه اوکنده صواشوب پاشا
 طوقوب صلب ایدوب قزلباشلر * کونا هیه بی یا قوب بی قوب انطاکیه به واروب نامه بی محاصره ایتدیلر
 پادشاه وزیر اعظم علی پاشایی عسکرله کوندروب سلطان احمد کندیسی عسکر یله روم ایله کچه کچوروب
 پادشاه اکاشاهقوی اوزرینه واره سن انی بر طرف ایتدکده سنی تخته کچورم دیو خبر کوندرمکین واروب
 پاشا ایله جمیع اولوب بواننده سلیم خان ادرنه قر به عسکرله کلوب پادشاه اکا مندره سخباغین ویرلوب رعایتلر
 ایتدوکی خبری کچکین احمد خان بر احزان اولوب قزلباشلر عسکرله پاشایی ایتدوب قورقوب قزلباشا غنه

صیغوب پاشا او عهده واروب اشقیانک بولارین سدا ایچون برطرفی حیدربک ایل ایکی بیک آدمه بکادوب
 برطرفه عسکره کندوسی طوروب ال کیرن ملاعینی قتل ایدوب محصور اولان مغرورلر مضطر اولد قارنده
 برکجه قاجق ایچون فچوم ایتمکین حیدربکی شید ایدوب عسکرکی طاعیدوب قیساریه بولندن میوامه
 قایدیلر علی پاشا احمد خان پاتنده تونوب عسکرلر کزیده لیه طقوز بوزاون یدیده ایانار ایدوب قشوب عسکر
 تمام جمع اولدین بجه ایلله ایدوب لکن قزلباشلر غایت چوق اولغین طوروب عظیم صواب پاشا دهناتله
 بالذات جنگ ایدوب عاقبت اوق طوقنوب شهید و شاه قوی دخی جنگده ناپید اولوب ایکی عسکر ریسلری
 کیمکه طاعیلوب قزلباشلر شاه قولینک وزیر بجه کیدوب بولده برکار بانه واشوب بیک مقداری مسلمان
 قتل و مالارین اخذ ایدوب منظومه شوی و انبیا نامه ناظمی شیخ ابراهیم شستری حضرت لیه اوغلنی شیمید
 ایدوب غارت بلاد ایدوب تبریزه واروب شاه بولده مدارا ایچون استقبال ایدوب نفر بوق ایچون هر بلوکی
 امر اسندن برینه ضیافت نامیه حواله ایدوب اوچینی کون بر سبزه زارده ضیافت ایچون اونا قله عهده
 مجلس ایدوب مویله رل عتاب ایدوب ایکی ریسلرین فیما مش موقز غاتنه آتوب بکالین قتل ایدوب
 عسکرلرندن بکندوکنه وظیفه تعیین ایدوب باقیلرین آزاد ایدوب انلردخی اولاد و عیالارین الوب دیلنجیلک
 بکال اطراف عالمه طاعیلدیلر (جنگ سلیم خان) سلطان احمد علی پاشانک شید اولدین ایشیدوب
 کمال غم و المله اما سیه به کیدوب خبر انرم زام پادشاه ادرنه ده کلوب آندن مقدجه اوغلی سلطان شه نشاه دخی
 وفات ایتمکله ضعف مزاجی خاطرین برآزار و جانندن بیزار ایتمکین سلطان احمدی کتوردوب تختنه
 بکوردن ایچون اولاد روم ایل بکالینه پادشاه بالذات پیمان و ایمان ایدوب استانبوله کلوب احمد خانه
 خبر کوندروب و حال سلیم خان ایشند کده اونوز بیک عسکرله اوچ کونده چورلوبه کلوب نقض عهده
 سبب ندوبو خبر کوندروب جوابه منتظر ایکن مکر و زرا ایلد قرق بیک عسکر سلیم خان طرفته یوروبوب
 ماینده حرب عظیم و ضرب الیم اولوب سلیم خان لسان حالله کویا پوشیری کویا ایدیکه (نظم) متاع جانی
 جتان غارت ایتمک قصد ایدوب درلر * سنکدر نقد جان جانا نه حاجت ایلک بقما (نثر) مرادی پد رینه
 ملاقات اولوب ازدحام و التماسدن مجال اولوب عسکرکی دخی صیغفن آز آدمه کمال سرعتله کیدوب
 کیلری طور دخی اخیولی به واروب دم بدم بختانلر قشوب بجه اوچ بیک قدر اولد قده کندوسی خواصیه
 کوی به ینوب کفه به واروب ساترله بر بکی مردار دیکوب قردن کفه به کوندردی (حرمان احمد خان)
 پادشاه روم ایل عسکرکی آلیقوبوب احمد خان اما سیه دن چاغردوب کندوسی ادرنه دن استانبوله کلوب
 احمد خان دخی کلوب اکدار یقامنده مال دبه ده قونوب و زراتد بیر لیه پادشاه احمد خانه بولشوب مر عسکر
 ایدوب سلیم خان اوزرینه جنگه کوندورلک ایشوب لکن (نثر) بنده تدبیر ایدر خدا نقیر *
 حاصل اواز خلاف امر قیر (نثر) موهوم بجه بحکمه الله اوکجه شهرده بکچیر بلر جمع اولوب سلیم خان کبی
 رسم زمان و قهرمان آوان و صاحب رأی و عدل و احسان و ارا بکن عسکر فراوان ایلله شاه قوی دفعه درمان
 بولیان تن پرور فاسق چبان بزه نیجه سلطان اوله یلور دیو اجد خاندن روگردان اولوب آنک مومینی اولان
 هر ملک اوغلی اجد پاشانک وزیر مصطفی پاشانک و نشانی تاج زاده جعفر چلبی اولری باصوب کندولر قاجوب
 مالارین یغمه الوب مباحه دل ارکان دولتی غارت و خسارت ایدوب سلیم خان نامه کلبانکدر چکالوب
 بجه سی صاحب دیوانه واروب اون بش کسه نک هزلن و جال ایدوب مصطفی پاشایی اقبایه پادشاه شفاعت
 و باقیلرین عزل ایدوب بکچیر یلر اسکداردن آدم بکامانک ایچون اسکالری بکلیوب احمد خان ایشیدوب مجلس
 عینده بر نشویش اولوب یاده غفلدن صاحب و قوت و رجا سلطنتی قلبدن ماحی اولوب کویا (نظم)
 دل مقیم و غم مقیم و بخت طالع عقیم * عز و قوت و قوت و ظفر ایدوب سفا اولدی جدا * موهوم کویا اولوب
 نه ایدو بکن و نه یر کیده بکن تعیین ایچون بر قاج کون آنده طوروب پادشاه اکابر مقدار صبر ایل سلطنت
 سکدر دیک مغمورنده تسلیم نامه کوندورم کین شدت غم و حیرتدن اناطولی ولایتک سلطنتی
 اله کتوره بجه جلیب قلوب پادشاه اوله یم و حاله قریانه واروب بکی اولان سلطان محمد ابن اطان
 شه نشاهی کندومه تابع ایدوب بدوب کیدوب پادشاه بونی دوند رکه چالشوب خبر کوندردیکه هناد ایدوب

وارد قده محمد خان قویه قاعه سن بر قاج کوند نصکره و یروب تابع اولوب احمد خان تخت کجوب ز عجه سلطان
 اولوب اجر آمو رسلطنته باشلوب پادشاه ایشند کده تکرار متالم و بیز اولدی (فتنه خارجی) محاکات
 عثمانیه قنده لرین رومدن احباجه کله کلان علی خلیفه نام قزلباش فرصت و غنیمت یلوب بکری بیک
 عسکرله قره حصار و نکساردن نهب و غارت ایلله اما سیه به کیدوب سلطان احمد لالامی و وزیر سنان پاشایی
 عسکرله آنلری دفعه کوندروب سنان صیتوب قاجوب قزلباشلر توقاته کلوب قنده لر ایدوب اول اطرافک
 اتراککی محب شاه اولغین چوق کسه سنه آنلره تابع اولوب ولایتلر غارت ایدیلر (دعوت سلیم خان)
 قیو قولاری سلطان احمدک بود قده دخی عجزین ایشیدوب پادشاه مریم و پیر اولوب اولادنده سلیم خاندن
 غیری سلطنته احق بود قرا نی ایشترز دیو دیوانده غلایدوب پادشاه دخی سلطان احمد انجمنش اولغین مراد
 عسکر نه ایه اولوب اولسون دیوب سلیم خانه امر کوندروب دعوت ایدوب بواننده سلطان قورقود برادری
 سلطان احمد دن قورقوب خصوصاً اغوا ی بعض ارکان دولت ایلله استانبوله کلوب جدی سلطان محمد وفاتده
 یدری طرفندن وکاله تخته بکوردوب بکچیر یلر ترقی و بخشش و بر ملک تقریدیه حال دخی سلطنت رجا سیه
 آنلره التجا ایچون بکچیر یلر اوده سنه کلوب مسافر اولوب مقدمه سلیم خانه عهدا بش اولد قریچون بو کا عذر لر
 ایدوب آنک ضرر ندن دخی حایت ایدو لم دیو قوعا تسلیم ایدیلر یلر بعده سلیم خان کلوب بجه ارکان و عسکر و اهل
 شهر تعظیم و اجلال ایلله استقبال و بیک باغچه مید ائنده اونا غنه ایزال ایدیلر (جلوس او) مفرشته تعینی
 دفع ایچون بر قاج کون آنده اونوروب عسکر و ارکان و اعیان بو کا سلطنت تکلیف ایدوب بود دخی بنم مزاج
 و مراد م بود دیو تفصیل ایدوب رضا و بربره کز خوش والا برادر لر بیک برنی اختیار ایلک دیوب آنلردخی
 هر وجهه مقبول سن دیوب پیمان و ایمان ایدیلر * طقوز بوزاون مکر صفرینک مکر بخی کوی یوم سبتده کمال
 زینت و شوکت و کثرت و وفرت عسکر طقه مفرقت آیت ایلله پادشاهانه دیوانه واروب حضرت پد رعالی
 کهرینک الن او بوب اودخی بولره تعظیم و عزت و عرض کمال محبت و بذل انواع نصیحت و تسلیم امانت امامت
 و خلافت ایدوب بومضمونلرده خطاب حکمت نصاب نصیحت انتساب ایدیکه (نظم) ایستریسک اوله
 عالم ما کرام * مستحقه ایلله دائم احترام * ظلم وعدوان عرفتی کس شاه ایلک * عدله میل ایت بند الله
 ایلک * حق سکا چون ایدوب ایل روی رام * کتدو که قیل غفلت او یخوسن حرام * کسه به قهر لیه
 آزار ایلله * مملکت اهلینی بیزار ایلله * متقم اوله که نعت جلب ایدر * قلبدن رسم محبت سلب ایدر *
 ایله اخوانک هرگز جفا * کیم بودوران کسه به ایتز وفا * چکمه اول انلره سن تیغ کین * قطع رحم ایتنه
 ضرورت اولدین * اطفکیله انلری خشنود قیل * قنده رحمن دهر دن نابود قیل (نثر) بعده پادشاه ال
 قالدروب خیر دعایدوب بعده سلطان سلیم خان سلامیوب بیه آ لایله مترانه کلوب تخت سلطنته جلوس
 ایدوب بجه ارکان و اعیان و رؤساء عساکر ظفر نشان و علما و مادات شرف عنوان قانون اوزره دستبوس
 ایدوب شرعاً بیعت و سلطنت و خلافتی تهنیت ایدیلر (وداع) سلطان جدید و الباس الشدید پد رسیده خان
 بایزیدی هر نه یرده ماکن اولق ایسترسه بخیر ایدوب اودخی ادرنه قریبده سابقا ملاحظه فراغله دهمیر
 ایتدردیکی دیمتوقه شهرین اختیار ایشکین روم ایل بکری کیمی و قدر دار و قیو قولارندن نیجه خدمته تعیین
 اولوب جمیع مهمات کورلوب خزینه دن هر نه ایسترسه المتی پد رعز بر رأینه نفویض اولوب لوازم تمام
 اولد قده حضرت پیر و احب التوقیر فخر وانه کیروب تعظیم جمیع ایلله تشییع اولوب حین وداعده رقت
 و بکا و بکرم کوشه سی سلیم خان جلالت انتایه نیجه فصایح و خیر دعایدوب غم و احتراق ایلله اختراق ایدیلر
 (وفات) سلطان معید خان بایزید سن شبایدنبر و اکثار معاشرت نسا ایتمکله ایاق اغریسینه و احراض
 بلغه به به میتلا اولوب پیرلکده بوه مزاج تمندی مشد اولغین ادرنه به بقلاشد قده طقوز بوزاون سکتر بزع
 الا ولینک اوننجی کوی وفات و ترک دنیای پر آفات ایدوب (کسه الله لباس غفرانه و عقیقه کاس رسمه
 و رضوانه) (نظم) ای کردش برخ چنداری ویری * هستی زوفا و عهد یکباره بری * بر قامت شاهی
 چو قبایی دوزی * بازازی مامش دوصد یامه دری (نثر) جنازه سی استانبوله کتورلوب شاه و سپاه
 سیاهلر کلوب شعله لار مارنوب قارشولوب اغلا شوب تابوتی باشلر اوستنده کتورلوب بعد الصلوه جامعی

فارس شده دفن اولوب برهفته عزامی طوئلوب روحنه تصدقات فراوان اولندی (فصل در خیرات و حسنات مرحوم پادشاه) (۱) عدد سلاطین عثمانیه ده یازید تائی اولدینی کبی صلاح و تقواده دخی گویا یازید تائی اولوب سالانین الجمهور یازید ولی دیکله مشهورا اولند (۲) جود و سخاوتی بذل و عطامی نمایند اولوب صدقاتیه قرا اغنیاء اولوب هر سال فقرای اطرافه دخی صدقه لارسال ایدوب کثرت عطا و احسانه خزینه به نقصان کلشدی علما و مشایخ و اشرف و محتاجینی ارا یوب بولوردی و عطاسیه یله هر بری غنی اولوردی حتی طقوز و طقوزده سکسان الی بولانجه صدقه ایدوب نیجه کسه لره مناسبتله امیرانه و ملوکانه خلعت و عتار و تحفه لروآت و خدمتکار و سایر امتعه احسانی خود فراوان و خارج حیطة بیاندر (۳) جله علمای و صلحایه حضرت عروضا و نعمه نوعا مشایخه سالیهان دیککاری سنوی وظیفه لر تعیین اینستدیکه مفتی زمانه و سایر علمای کبار و ضائل نشانان اوز بیک انچه سخن مدرسه لریته بدیشریک مفتاح مدرسه لریته در درینک حاشیه بنجرید مدرسه لریته ایکیشریک متشیخه دخی حاللریته کوره بشریک اوجریک ایکیشریک بیک انچه وظیفه تعیین ایدوب هر ییل باشاننده توزیع اولنوردی (۴) ادرنه ده جامع و اسع و لطیف مدرسه و دارالشفاء و عمارت و مسافر خانه و تکیه و غیره و آنچه اوستنده کویری باید مدرسه سکر بوز سکسان طقوزده باشلوب دوت ییل دلک تمام اولوب و خرم بشارتاریخ غامی واقع اولند (۵) استانبولده بر جامع بر صناع و مسافر خانه و مدرسه و عمارت و مکتب یا یوب مدرسه ناکتدر یسن مقبله شرط اینستدر بر بوجله لری بیک انچه طقوز بوز اوجده باشلوب طقوز ییلده تمام اولند (۶) شهرزاده ایکن سخاوتی اولان امامیه ده دخی جامع و مدرسه و مکتب و مسافر خانه و عمارت و خان و تکیه یا یوب مدرسه سن امامیه مقبله لریته شرط اینستدر (۷) یته امامیه سخاوتده قصه عثمانیچنده هر قزل ایرمنی اوستنده اون طقوز کوزلو بر عظیم کویری باید مدرسه کویری نوادر دینادن اولوب بجد مال خرج اولند (۸) صقریه ایرمانی اوستنده کیهو ناحیه سننده دخی بر عظیم کویری باید مدرسه کویری نوادر دینادن کویری بویکی کویری و عمر و معبر بخار عرب و عجم و دنیاده نظیر لری کدر (۹) صاروخان و لایقنده هر کدوز اوستنده دخی اون طقوز کوزلو بر عظیم کویری باید مدرسه کویری نوادر دیناند (۱۰) بوذرا و لسان یازدن ماعدا نیجه برادره مسجد لرتکیه لرتکله کویری و لرخانلر کینی ایندادن بنالوب کینی نه میرا بنشد که کمال تفضیل و محبت ایدر و تقبل الله حسناته و اعفی الیه درجانه (نظم) برین رواق زبرد نوشته اند بز که جز نکوی اهل کرم نخواهد ماند (فصل) مرحوم زماننده اولان کار مشایخ علمای و نوادیدیکه (۱) متلاحی الدین نیکساری بعض فضلان بعده منلا یکاندن اوقیوب هر فنده کمال تفسیرده خود غایتده ماهر و حافظ قرآن عظیم و عابد و زاهد ایدی قسطمونی پادشاهی اسماعیل بن بونک ایچون مدرسه یا یوب اوچوز جلد کتاب وقف اینستکین انده تدریس علوم و جمعه کونلری و عطا اینستکین چوق کسینه منتفع اولد بلره پادشاه تخته یکد کده بونی اینستکین کتور دوب بوی الی انچه وظیفه ایدوب کاه ایاصوفیه ده کاه سلطان محمد خان جامعنده نقل تفسیر و وعظ ایدوب پادشاه دخی دکاه دی تفسیرده وافر تحریر اوز و مدراسر به به غایت اعلا حاشیه بی واردر و فائش فی سنه طقوز بوز بر (۲) منلا یوسف بن حمید توفائی کاجی چلی دیکاه مشهور ایدی منلا خسر و شاکر دیندن اولوب تدریجده سخن مدرسه اولد قده اوز تر قیله وظیفه منی مکسانه چندی اوی قرینده مسجد یا یوب علمایه وافر کابلر وقف ایدی و درس علم و طایفه کتب فقه و تلامذه مشغول فاضل و صالح اولوب صدر الشریعه شریحه غایت لطیف حاشیه یازنده (۳) خطیب قاسم امامیه وی احمد قریمیدن اوقیوب بعده امامیه ده مدرسه بعده پادشاهه سنجا قده ایکن خواجه اولوب تخته یکد کده بو کابرو سه ده مرادیه مدرسه سن ویروب بعده امامیه بکی شهرزاده سلطان احمد خواجه ایدوب آنده وفات ایدی علوم شرعیه ده فاضل اولوب حیدر الخصال و مشایخ ایل مختلط ایدی (۴) منلاقول نشان و زاردن برینک قولیدر بعض علمادن و منلا علی قوشچیدن اوقیوب برو سه ده مناستره بعده سلاطینه به بعده استانبولده سخن مدرسه اولوب وظیفه منی تدریجده سکسانه ایرشدی جمیع اوقاتنی علم و عبادنه صرف ایدوب مطامعه ایندیکی کابری فوائد و خیر براتله بر خشیه ایدر ایدی علی قوشچیدن علم هیئنده رساله تفسیه منه لطیف شرح یازمشدر (۵) منلا شاه ارستان منلا خسر و دن اوقیوب علوم شرعیه و عقلیه ده

فاضل اولوب غایتده مشغول ایدی صدر الشریعه به مقبول حاشیه یازمشدی (۶) منلا شجاع الدین الیاس که لطیفه طریقه اوستی شجاع دیرلردی زیر اسوز چاره تر کار اوستی دیرلر علوم شرعیه و عقلیه دن حصه دار اولوب بعض مدرسه نصکره سخن مدرسه اولدی قوی النفس سلیم العقل مستقیم الطبع ایدی (۷) منلا علی بیکانی سخن مدرسه ایکن سکسان انچه ایل برو سه فتوامی ویرلدی فاضل و مجود و ذکی کسینه ایدی وفاتش فی سنه طقوز بوز طقوز (۸) منلا لطفی توفائی منلا نشان یاشادن اوقیوب انک تربیتله سلطان محمد بونی خزینه ده کی کابلره حافظ کتب ایدوب بوسیله غریب کتبه مطلع اولوب نشان یاشا برسیله شهر دن سورلد کده ییله کیدوب سلطان یازید تخته یکد کده بو کابرفاج مدرسه د نصکره مدرسه سخن بعد زمان برو سه ده مرادیه ویردی (محرره) کمال فضل و ذکا و صلاح و تقواده نظیری غایتله آزایدی بودیاده منلا کمال یاشا زاده تاز لکنده بوندن حاشیه مطالع اوقومشدر کاشرح مفتاحه بر حاشیه وسیع شداد آدلو و موضوعات علوم آدلو ایک رساله یازمشدر که هر بری کمال تفضیلنه شاهد در هر کون درسه نصکره شیخ و فاضل تدری زاویه سنه واروب صحیح بخاری نقل ایدوب اغلیوب تمام اولد قده شهید اولمچون دعا ایدوب شیخ وفا آمین دیوب بعد زمان منلا خطیب زاده بونک تفضیلنه سنندن زندی قدر فلان سوزی سویلدی دیوایکی دانشمنده شهادت زور ایدوب مفتی افضل زاده توفیق ایدوب لکن خطیب زاده قتلنه حکم اینستکین بونی اولوب یاشی بره دوشد کده دخی (لا اله الا الله) دیوسویلدی و لاقدمت شهید اتاریخ موتیدر و شقایقده احوالی تفضیل اولند در رحمة الله علیه و علی امشاله (۹) منلا عذاری کریمانی اسمی قاسمدر خسر و شیرین مؤانی شیخینک همشیره زاده سیدره سخن مدرسه ایکن طقوز بوز برده وفات ایدی کمال فضل و ذکا و نوادر دینادن ایدی کونده ایکیشرا وچر سطر درس دیوب جمیع علوم کت و اعدین اجرا و حسن تفریر ایله حل شہادت عظمی ایدوب شرح مواقف الهیاتیه بی نظیر حاشیه بی و غایت اعلا ترکی و فارسی اشعاری واردر (۱۰) منلا قاسم چلی الجمالی سخن مدرسه سنندن استانبولده قاضی اولوب قاضی ایکن وفات ایدی علمه غایت جالبوب کتب مطوله دن چوق کتاب از برلیوب حقی و عاقل و عظیم الشان ایدی (۱۱) منلا علی بن احمد الجمالی ککه مفتی علی چلی دیکله مشهور و در قرمانده منلا حمزه دن اوقیوب قدوری و منظومه تفسیری از برلیوب رومه کلد کده منلا خسر و دن بعده آنک امر یله سلطان مدرسه منلا صطقی بن حسامدن جمیع علوم اوقیوب هر ور زمان و تقالیب جرح کردان ایل مدرسه احدی المدارس الثمان اولوب بعده چجه کیدوب مصرده بریل اکتوب بوجانده مفتی افضل زاده وفات اینستکین پادشاه فتوای نیسایه سخن مدرسه لری یازمق بیوروب طقوز بوز سکرده علی چلی کلد کده یوز انچه ایل اکا ویروب بعده استانبولده کی مدرسه منی تمام اولد قده الی انچه ایل آتی ضمیمه ویردی و صحابه کرام سیرت و لواحب فضیلت و کرامت زاهد و اهل تقوی ناطق بالحق و ناهی عن المنکر و عامل بالاقوی ایدی سلطان سلیم کبی غضوب پادشاه بر کره یوز الی بر کره دخی در تیوز کسینه بی قتل امر اینستکین منلا واروب محکم نصیحتله بعد التردد عفو ایدردی و مناسبت جلیله سی شقایقده تفضیل اولند در وفات ایدی کون اشراق و فتنده حضرت موسی ناک روح شریفی کابو بشدن کیر و دیار آخرتی تشریف ایلکوز دیدی دیو خبر ویردی (۱۲) منلا عبدالرحمن بن علی بن مؤید الامامیه ویکه مؤید زاده دیرلردی جمیع علوم عقلیه و نقلیه ده غایت ماهر و السنه ثلاثه ده بلاغت اوزره نظم و نثره قادر اولوب نادره دنیا و انواع فضائله واصل رتبه علیا ایدی * ناطولی قاضی عسکری ایکن علمادن برینک رساله سین اضاده بونی یازمشدی (نظم) هاتینک رساله علی وفقی السؤل * من امعن فیها یلتقی بقبول * یستعظم من انقها ثم یقول * یاخیر رساله و یاخیر رسول * روم ایل قاضی عسکری حاجی حسن زاده دخی بویه امضا اینستدیکه (نظم) رساله افنون النکاة جامعه * و مثلهای دایل افضل صاحبها * مزبور منلا غایتده خوشنویس اولوب انواع خطوطی یازردی امامیه ده تازه ایکن تحصیل علم ایدوب بعده برسیله شیرازه واروب منلا جلال الدین دوایدن یدی اوقیوب جمیع علوم تکمیل ایدوب رومه کلد کده قلندر خانه بعده سخن مدرسه لری ویرلوب سکر ییلد نصکره ادرنه قضاسی الی ییلد نصکره ناطولی قاضی عسکر اکی دوت ییلد نصکره حاجی حسن زاده وفاتده روم ایل قاضی عسکر لکی ویرلوب یدی ییلد نصکره

وارد (ع) فضل و عرفان و ذکاء نادری نیا ایدی (۳۱) مناسبتی بن تاجی بن مزبور مناسبتی به فضل
 برادرید رضادان اوقیوب فضل الله عالمه مشهور اولدقده بروسه ده مرادی به ده استانبولده مدرسه علی پاشا
 بعده مدرسه سخن و رولوب حجه واروب کلد کده سکنان ائجه تقاعد ویرلدی * جمع علومده کامل و ماهر علوم
 عربیه ده خود کبار سلف کبی فضلی باهر اولوب بلغاء عرب عربا کبی قصائد و اشعار کثیره لطیفه عربیه دیوب
 عربی دیوان اشعار بر کتاب اولمشدر عربی و فارسی و ترکی انشائی و شرح مفتاحه حاشیه می و نیجه رسائل
 بر فرائدی اولوب متن عقائدی عربی غایت لطیف نظام ایتمشدر صالح و متبحر و صادق القول حیدر الاخلاق
 اولوب (نهره) آسمان علمه شمس از ایدی ممتاز ایدی * فضل و عرفان ایلدینده نظری آز ایدی *
 (۳۲) منلاقب الدین محمد بن محمد ابن قاضی زاده روی والده سنک پدری متلاعلی قوشیدن و منلا
 خواجه زاده دن تحصیل و تکمیل فضائل ایدوب خواجه زاده به داماد اولوب مناسبتی مدرسی اولدی فاضل
 و صالح و کرم الاخلاق و علمه غایبه مشغول اولوب نیجه طالب علمای تکمیل ایلدی تازه لکده وفات ایدوب
 رسائل و فوائد دن نیجه مؤلفاتی اولوب نا تمام فالدی (۳۳) منلا محمود که میرم چلی در برلدی مزبور منلاقب
 الدین بن برادریدر خواجه زاده و سنان پاشا دن اوقیوب اوچینی مدرسه سی مناسبتی ایدی جمع علوم و معارفده
 فاضل کامل اولوب علوم ریاضیه ده علماء زمانه غالب مطلق اولغین پادشاه بونی خواجه ایدوب ریاضیات
 اوقیوب بعده سلطان سایم بونی اناطولی به قاضی عسکر بعده یوزاچه وظیفه ایلد عزل ایدوب حجه واروب
 کلد کده طقوز یوزاچه و زورده وفات ایدی سلیم الطبع و النفس و نور و صبور و صاحب مروت عظیمه ایدی علوم
 علیه ده بعض مؤلفاتی وارد (۳۴) منلا حکیم محمد شاه قزوینی منلا جلال دوانیدن علوی اوقیوب طب
 نلندن اولغین طبیه غایت ماهر اولوب بعده مکده مجاور ایکن منلا مؤید زاده بونکیون عالم و فاضل و طیب
 صادق و کامل در یکدن پادشاه بونی کتوردوب یوزیکری ائجه وظیفه تعیین ایدوب سلطان سلیم جلوس ایلد کده
 غایت مقبول ایدوب مصاحبت ایدوب مراتب عالییه به ایشدی سلطان سلیمان زمانده وفات ایدی
 موره فکدن اشاعه دلالت تفسیر شریف و بشقه مناسبات آیات و سور قرآن کتبان و تهافت خواجه زاده به
 و شرح عقائد عضدیه به بر حاشیه متن ایباغوجی به متن کافیه به متن موجز طبه بر شرح و نیجه کتب
 و رسائل یازمشدر (۳۵) منلا کمال الدین اسماعیل قرمانی ککه قره کاز در برلدی خیالی چلبیدن و منلا
 خدمه و رولوب اوقیوب بعد المدارس ادرنه ده چفته مدرسه لر بنک برینه مدرسه اولوب بعده قاضی عسکر مؤید
 زاده بونکابیدن ائجه کین عزل ایدوب التمس ائجه وظیفه تقاعد ایلدر کده حظ و خیرد عایدوب ککند و
 مسکنده علم و عبادت مشغول اولدی و تفسیر قاضی و کشفه و صدرا اثر ریعه به و عقائد خیالی حاشیه سنه
 و شرح موفقه حاشیه لر و دخی نیجه مؤلفاتی وارد فاضل و صالح کسکه ایدی (فصل) مرحوم سلطان
 یازید زمانده اولان کبار مشاهیر مشایخ بونلر ایدیکه (۱) شیخ محی الدین محمد اسکایی که شیخ یاوصی در برلدی
 مفتی ابوال و داند بنک پدریدر سابقا علمه چالشوب بعده منلا علی قوشینی به دانشمند اولوب آنک
 وفاتده مکرمه به مشایخه مرید واصل مراد و ارشاده مجاز اولوب علوم ظاهره و باطنیه ده غایت کامل
 اولدی حجه کیدر کن امامیه به کوب سلطان یازیده بن بچدن کلد کده منی فخته بکمش بولورم دیوب اولدی
 اولدقده پادشاه بونی شیخ ایدوب بیعت ایدوب احسانا سرباه کتوردوب وافر مصاحبت ایدوب بونکابر عظیم
 تکیه یاوب کتوردخی شیخ یاوصی اربعیته کیردی وزیر اوعلما شیخه مراجعت و ملازمت و کمال فضیلت و قوت
 و داندن خوف و محبت اوزره اولوب لکن شیخ غایبه زاهد و اهل تقوی اولغین اصلا تغییر حال ایتزدی
 کرامات عظیمه سی اولوب شقایقه بر قاجی مذکور در طقوز یوزیکریده کایدده وفات ایدی (۲) شیخ
 مصلح الدین سیروزی شیخ یاوصی خلفه سندن اولوب آنک وفاتده زاویه سنه شیخ اولدی عالم فاضل و مرشد
 کامل و عابد و زاهد عامل اولوب بوندن نیجه کسکه لر منتفع اولدی طقوز یوزیکری التیده وفات ایدی (۳)
 سید ولایت امیر صبح النیب ایدی قصیده کرمانیده طوغوب استانبولده عاشق پاشا اولادن شیخ احمد که
 زین الدین خانی حضرت تریک خا فاسندن اولان شیخ عبداللطیف قدسی خلفه سندن ایدی داماد و مرید بعده
 ارشاده مجاز اولدی و مرار حجه واروب شیخ ایلدا و اردقده عز فائده قلب زمانی کوروب بروسه به کلد کلریده

طیبه بولشوب بعض معامله ده صکره خیر دعاسن الدینی سلطان محمد عالمه سندن منلا الدیاس احوالده
 تفصیل اولمشدر نظر اولکده سید ولایت کبیر کرامات عظیمه سی اولوب بر قاجی شقایقه مذکور در (۴) شیخ
 بوللی چلی که امی محی الدین مدرس ایکن صوب شایخ حاجی خلیفه نک مریدی و آنک وفاتده قائم مقام
 ارشادی اولدی صاحب جذبه و متفرق عز بر ایدی طقوز یوزاچه و وفات ایدی (۵) شیخ یازری امی
 الیاس در منلا ولدان برادریدر قاضان فارغ و شیخ حاجی خلیفه به مرید و آندن تحصیل مراد و مجاز بالار شاد
 اولدی عارف محقق و عابد و زاهد محقق اولوب علم و عبادت مشغول ایدی وفاتش فی سنه طقوز یوزاچه درت
 (۶) شیخ صفی الدین مصطفی کانقر یلدر شیخ حاجی خلیفه دن تحصیل و تکمیل ایدوب شیخ بوللی چلی
 بونکار شاد خانه اجازت و برور برینه قائم مقام ایدی * عالم و عابد و زاهد و مرید ایدی طقوز یوزاچه
 بروسه ده وفات ایدوب حاجی خلیفه یا تنده مدفوندر (۷) شیخ زسم خلیفه بروسه لیدر صاحب کرامات
 اولوب لکن احوالی ستروا خفا بچون معلوم میدان اولوب بلا ضرورت سوزو سوزو یلزدی سابقا اهل صنعت اولوب
 بعده اختیار توکل ایدی مال و منصبی بوغیکن اغنیاء و عزایه انعام ایدوب کندویه هدیه کتورنه اضاعه
 مکافات ایدردی عابد و زاهد و مجاهد ایدی (۸) شیخ علی دده شیخ وفا حضرت تریک خلیفه سی و وفاتده
 قائم مقامی ایدی پیر و مجرد و عابد و زاهد و مبارک نفس عز بر ایدی (۹) سید علی بن میون مغربی ایدلنی
 ولایت منایندن تحصیل مراد ایلد کده مصره واروب حج ایدوب ولایت شامده نیجه لر تریه ایدوب بعده
 بروسه ده وطن ایدوب بعده ولایت شامه واروب طقوز یوزاچه بیدیده وفات ایدی * صاحب مقامات علیه
 و کرامات خفیه و جلوه اولغین وجه ارضه مانده هر و ماه و آیه من آیات الله ایدی مشایخ حلیه المراتبی کمال
 تفصیل محتاجدر (۱۰) صوفی زاده شیخ عبدالرحمن دانشمند ایکن سید علی مغربی به مرید و آرزو مانده تکمیل
 طریق ایدوب شیخ غایتده مقبول اولغین شامه کند کده بروسه ده بونی خلیفه ایدی * عوام لباس کتوب
 متواضع و نورانی کسکه ایدی وفاتش فی سنه طقوز یوزاچه طقوز (۱۱) شیخ بابانعمه الله معارف و بانیه ده بجز
 مطلق و اسرار نبیه الهیه به مستغرق ولی علی القدر اولوب اختیار غنا ایلد حلیه اخفا ایشدی * کلشن رازده
 بر شرح مقبول و تفاسیر به مراجعت بر حقایق برد قایقه بر تفسیر شریف یا زوب محیر عقول اولمشدی
 فرمانده قصیده آفتمرده ساکن و انده مدفوندر (۱۲) سید احمد بخاری نقشبندی که امیر بخاری دیکله
 مشهور اولمشدر بوحقیرک لام جده سنک لام جیدر * اولاعظمه قدامه مشایخ خواجکادن اولان خواجه
 محمود انجیر قنوی علم رحمة الرب القوی نسلندن اولغین دیار عجمده بین المشایخ مهزز و مکرم ایدی * نایا
 سلسله نسب سادس باهر النوری کاب بحر الانسابده بویه طور در که سید احمد بن محمد بن علی بن جعفر بن
 عیسی بن محمد بن علی العربی بن ابی الامام جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الامام حسین
 ابن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم * نالسا سلسله مشایخی دخی بودر که بونک شیخی عبدالله الهی خواجه
 عبید الله حمر قنیدن اودخی خواجه یعقوب خرخیدن اودخی خواجه علاه الدین عطار دن اودخی خواجه
 بهاء الدین نقشبندن اودخی خواجه امیر سید کلادن اودخی خواجه محمد یا اسیدن اودخی خواجه علی
 رامینندن اودخی خواجه محمود انجیر قنوی دن اودخی خواجه جعفر ریو ککریدن اودخی عبدالخالق
 عجمد یا نیدن اودخی خواجه یوسف همدانیدن اودخی خواجه علی فارمدیدن اودخی ابوالحسن خرقانیدن
 اودخی یازید ب طامیدن اودخی امام جعفر الصادق دن اودخی قاسم بن محمد بن ابی بکر الضیق دن اودخی
 سلمان فارسی دن اودخی حضرت ابو بکر الصمد بقدن اودخی حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلمدن تحصیل
 و تکمیل طریق ایتشدر در راه مرید رسید اجدک اجدال احوال خیر ما لاری بومنوال اوزره در که اول مرید
 فردک بن حضرت قطب العارفین خواجه عبید الله خر قنوی نقشبندی عامه جلاله بالفضل الایدی آستانه
 عزت آشیانه سندن ایکن انزل امر به خلیفه ارشاد وظیفه لر شیخ عبدالله الهی حضوره واصل و اول طریق
 توفیق رفیقده مراد فوادی آندن حاصل اولدی * شیخ مر قوم ولایت عجمدن دیار رومده وطنلری اولان قصیده
 سیماوه قدوم مبتلازم اید کده امیر مرحوم دخی یله کوب طایفه عارفه نقشبندی به الی سل مدام امام اولدی
 حضرت شیخ امیر کبیر و احب التوفیق دایم اصاغ یانه الوب کال تعظیم و تکریمدن بر فردی اکا تصدیق و تعظیم

ایستاد بزم سید احمد علی التوالتی احوال ایشالی ایستادین مدت امامتند و ضو و عشا به صلوة فجر کثیرا لاجری
 ادا ایستاد در دیوبند مدح و ثنا ایدردی * امیر عبادت اشتغال اوزمانده کی استراحتندن سوال اولاد قدس مطیع
 شیخ ایچون هر مصلحتی استرالیه جوار مرده اولان کوهساره کیدوب قطع همه ایند کده بهیه لری مرعایه
 صالوب بنانده قلوب اکل نباتاتدن انرقضا و طراید نجبه بر شجره امتداد ایدوب بر لحظه خوابه اعتیاد
 ایستادم دیش به بد ذلالت اول عابد سالت عشق رب الکل الیه تجرد و توکل اوزره اولوب همان اون دانه ابقه الیه
 نرم راه بیت الله ایتدی * مکده و قدسده ایکی میل طور ووب ضعیف البینه ایکن تحصیل رضاء رب ایچون
 روز و شب عبادانه باجان و دل مشتغل اولوب یا تنده خرجلی اولوب بر فردن بر نسته دخی قبول ایتمز کن
 خزانة غیب و هاب بی ریدن بکثوب اصحاب استحقاقه دائم تصدق و انفاق ایدردی * بعده دعوت حضرت
 شیخ عالی رتبت الیه مکدهن سیاهه ارتحال ایدوب نیجه زمانه نکره شیخ آخرته انتقال ایند کده استانبوله
 تکیه و مسجد یاوب جله مرید سعید لریه ساکن و اجراء احکام طریقه ساعی و راکن اولدیلر فضل
 عالم الغیوب الیه مالک جذب قلوب اولغین زریه شرف حاویه لری مرید حم جنباه و ملتئم شاه اولاد قدس نیجه
 ارباب مناصب ترک مراتب و مطالب ایدوب سالکان راه حق زمزمه سنه ملحق اولدیلر * امیر کبیر مشار الیه
 زاد الله فیضه علیه حضرت تریک آداب و عادات مورثه السعاداتی عمل بمقتضای شرع در هر اصل و فرع قات
 کلام و طعام احوال ایشالی و صوم ایام مداومت ذکر خنی و متابعت مذهب حنفی ایدی * مجلس شریفنده کلمات
 دنیویه بالکلیه ذکر اولغیوب حضور و لامع التورنده درویشان دریشان خیر اندیشان هیبت و وقار و صمت
 و انکسار الیه سر بحیب و متوجه عالم غیب اولور لردی * بعضی تریک خاطره لری اولوب اول ولی علی الخشاب
 حضور نه ظاهر اعرض ایتمدن عالم قلب فیض جلدن اخذ جواب باصواب ایدر لردی * داماد لری و قائم مقام
 ارشاد لری اولان شیخ محمود نام عز بر اهل عرفان و تمیز دیشدر که حضرت شیخ طقوز یوز یکرمی ایکیده عز
 و معادته دار مقام در عقبایه رحلت ایدوب جسم نورانی و مملن و صیت لری اوزره غسل ایندیکده ازبا
 نابرق عرقه عرف اولوب روحانیت لرندن بکاحیاء کلی مستولی اولاد قدس بحکمة الله الملک الکبر اوج کره فتح بصر
 و هر رنده بکافظ ایدوب بی شک و یقین نه غرض عین ایتدیلر * بعده جنازه رحلت انداز لرنن مر ارباها الانواره
 قودیمزده قبل طریقه کندوسی بالذات دونوب او محله حاضر اولنلر بوحال حیرت آله ناظر اولوب کمال
 تعجب لرنن روح دائم الفتوح حضرت سید کائنات صلوة و بر دیلر (۱۳) شیخ اوزون مصلح الدین قسطنطیندر
 علم و فضله مشهور اولاد قدس نیجه مشایخه بعده شیخ الهی به مرید و تحصیل مراد ایتدی * ولی علی القدر
 و هب و معروض عن الدنیا ایدی علمادن بری کلوب بو طریق ترک ایتمک ایسترم دید کده ناصل طریق دیوب
 طریق علم دید کده اندن او طریق بولدی کی دیوب سوال ایندن سکوت ایند کده مجامده حاضر اولنلر کریمانی
 سان چلی بی یلور کسنه واری دیوب یلورزدید کازنده نیجه یلورمز دیوب قاضیه در و فضا لاندردید کازنده
 طریق تصوفی تکمیل ایتمدر اما سز انک حالتی بیلسر شول کسنه نک که همتی عالی اوله طریق تکمیل ایدر
 کرک فاضی کرک مدرس اولسون همتی عالی اولمائی نفسی ترک طریق علمه سوق ایدوب اکا اول میسر اولوب
 طریقندن محروم اولور دیدی * آخر عمر نده بروسه ده شیخ تاج الدین مزاری قبر نده بر حصیر و تشوب هر کون
 انک اوستنده سوریه بس اوقیوب فرق کون تمام اولاد قدس وفات ایدوب او محله دفن اولندی (۱۴) شیخ عابد
 چلی ملاحنکار نسلندن قضا دن فارغ و شیخ الهی به قریب و واصل مراد اولدی * استانبوله مسجد و تکیه
 یاوب علم و عبادت مشغول اولدی (۱۵) شیخ لطف الله اسکوی فاضل دانشمند ایکن فراغت و شیخ الهی به
 واروب بر عظیم کرامت کوره کین مرید و تحصیل مراد ایتدی * بعده اسکویه واروب بر طاعنه صومعه ده
 وفات ایدنیجه طور ووب علم و عبادت مشغول اولدی * کافر چوبان لری بونک اطرافنده کزوب زهد و ریاضت
 و کعبه لده عبادت لرنن کور ووب نیجه لری ایمانه کدیلر (۱۶) شیخ بدر الدین بابا شیخ الهی مرید لرنن اولوب انک
 وقتند کز دانه ده ساکن و خاندن منافع اولوب بونک ارشادیه چوق کسنه منافع اولدیلر *
 طریقتنده بریدر و جمار حقیقتده بر مجرایدی (۱۷) شیخ علاء الدین خلیفه الخلق سابقا ساهی ایدی
 اهل تقوی و جذبه و حال و صاحب کرامات عظیمه ایدی استانبوله تکیه یاوب ارشاد نام ایتمکین چوق

کسنه منافع اولدی * بر کسنه کیمیا به چالشوب بر بولک ابقه بورجه کیرد کده شیخ بوکا و غل کیمیا صنعتله اولمز
 بویه اولور دیوب بر آوج طپراق الوب انده بر مقدس دار طوب بره بر اقد قدس خالص التون سیکه می اولغین
 قویچیلر صالوب بور جانی انکه ادا ایتدی * فسخان الله القادر علی ما يشاء (۱۸) شیخ سلیمان خلیفه سلطان
 محمد خان قول لرنن ایکن شیخ مسعود خلیفه به مرید و تحصیل مراد ایتمشدی استانبوله تکیه یاوب ارشاده
 مشغول اولوب صاحب حال و جذبه عظیمه ایدی مجلسنه خلق ازدحام ایدوب انزه دخی حال ایشوردی
 (۱۹) شیخ قوغاجی ده ده که اسمی سوندک ایدی جذبه و احوال و کرامات عظیمه صاحبی ایدی منافی تبصیه
 محتاجه راستانبوله مد فوندر تکیه سی و عزیزی مشهور در (۲۰) شیخ امام زاده خلوتی ولایت ایتدیده
 ساکن اولوب عالم فاضل و عارف کامل و صاحب جذبه قویه و ریاضات و مجاهدات عظیمه اولوب نیجه مرید لرنن
 واصل مرتبه ولایت ایتدی (۲۱) شیخ صلاح الدین ازینی عالم عامل عارف کامل زاهد و ورع عابد و متواضع
 اولوب ارشاده مشغول ایدی (۲۲) شیخ یاریند خلیفه چلی خلیفه مرید لرنن در یاد رنده ده ساکن ایدی
 علوم ظاهره و باطنیه به عارف و اوقاف و وعظ و ارشاد و عبادت صارف ایدی و عظمی لذت و مؤثر اولغین چوق
 کسنه منافع اولدیلر (۲۳) شیخ سنان الدین یوسف که سنبل سنان در بر ایدی افضل زاده مر حومه فضله
 مشهور دانشمند ایکن چلی خلیفه به مرید اولوب ریاضات و مجاهدات ایدوب ارشاده مجاز اولدیده مصره
 واروب ارشاده مشغول اولوب بعد زمان امتنا بوله کلوب مصطفی پاشا تکیه سنده ساکن اولوب وعظ و تفسیر
 و ارشاد ایدوب وافر مرید لری تکمیل و ارشاده مجاز ایتدی (۲۴) شیخ جمال الدین اسماعیل قرمانی که جمال
 خلیفه در لردی منلا کستلی دانشمند لرنن اولوب فضله مشهور و ایدی حسن خطی او لغین سلطان محمد بوکا
 متن کافی به یازدروب بر مقدار مال و بر مکن انکله حج ایدوب کلد کده قرمانده شیخ حبیبیه مرید و مجاهدات
 عظیمه الیه واصل مراد و مأذون بالار شاد اولغین بعد زمان امتنا بوله کلوب شود لوجه ده پیری پاشا بوکا تکیه
 یاوب آنده ساکن اولدی علوم ظاهره و باطنیه ده ماهر و مشتمل اولوب جوار قص و سماعه مدح و مصلح
 و پر انشا بر مفصل رساله سی وارد که کمال فضل و عرفانته شاهد در * غایتده عابد و زاهد و مجاهد اولوب
 بکام و مناجات متوالی الیه احوال ایشالی ایدردی و نقل تفسیر و وعظ ایند کده اغلیوب حال غلبه ایتمکین نعره
 اوروب حبیب و کاهی کندوبی کرسیدن اشاعه آتوب غشی اولوب مجلسده حاضر نیجه قاسق لری به ایدر لردی
 بر کره بر کافر بوحالی ایشیدوب کلوب مصلحان اولدی (۲۵) شیخ داود قصبه مدریدن اولوب شیخ حبیب
 خلفا سندن در تصوفه کاشن توحید ادلوعری و ترکی نظامه بر کباب یازوب غایت مقبول اولمشدر اهل کرامات
 عزیز ایدی (۲۶) شیخ قاسم چلی شیخ چلی خلیفه نک خلفا سندن اولوب ارشاده اجازت و یرد کده استانبوله
 کلوب علی پاشا تکیه سنده ساکن اولوب ارشاده مشغول اولدی زاهد و عابد و مرید مجاهد اولوب بوندن
 چوق کسنه منافع اولدیلر سلطان سلیم سلطانک او خرنده وفات ایتدی (۲۷) شیخ رمضان حاجی بیرام
 سلطان طریقتده اولوب عرفان و ارشاده بحر و خار و بر در بار ایدی مستجاب الدعوه صاحب کرامت
 مرشد کامل اولوب نیجه مرید لری واصل مراد و مجاز بالار شاد ایتمشدر ادر نده ساکن ایدی (۲۸) شیخ بابا
 یوسف سفری حصار حاجی بیرامیدر عارف و تشرع و واعظ مؤثر نفس و نافع ایدی استانبوله پادشاهک
 جامی تمام اولوب اول نماز قیلند بیجعه کوفی وعظ ایدوب پادشاه دیکلیوب نفس پر سوزی خلقه تأثیر
 عظیم ایدوب نیجه لریته حال کلوب طشره ده دیکلیان کافر لک اوچی ایمانه کلوب شیخک اوکنده کلمه شهادت
 او قود قزنده پادشاه غایت حظ ایدوب هر بر بر نه وافر مال و بر ووب پادشاه امر یله وزرا دخی وافر نسته و بر ووب
 بعده شیخی پادشاه آخرت بابا ایدوب بده واقعه سنده مکیه واروب حجر الاسود باندیده بر کباب نظام ایتمک
 امر اولنوب قدرت کلوب وارد قدس معارفدن اوزمانه دلک خاطره کلدک نیجه امور و امرار فیض
 اولغین او نظامه درج ایتدی مناجات و احوالی ثقیل بقده تفصیل اولمشدر * طیب الله تربتم و دفع فی عالم
 القدس و ربتم

(باب ناسع در احوال سلطان سلیم خان ابن بایزید خان علیه الرحمة والقران)

(انتم) داور جمیع فریدون حنم * فتح ملک عرب و هم * هم ظم الطاف خدای کریم * حاجی دین

حضرت سلطان سلیم (نثر) ولادتش در ماه سیبه فی سنه ۸۷۵ یا خود فی سنه ۸۷۲ جلوسش فی ۸ ماه صفر سنه ۹۱۸ مدت سلطنتش سنه ۸ شهر ۸ مدت عرش ۵۱ یا خود ۵۴ وفاتش در راه ادرنه در شب ۹ شوال سنه ۹۲۶ مغنیسابکی سلطان سلیمان خاندن غیری او غلوی غندی (فصل در ویران مر حوم بادشاه) (۱) وزیر اعظم مصطفی پاشا بعد از زمان سلطان احمد معین در دیو قتل اولندی فی سنه طقوزوزاون سکر (۲) وزیر اعظم هر سکن اوغلی احمد پاشا بعد از زمان عزل اولندی (۳) وزیر دوقه کین اوغلی احمد پاشا بادشاه عجم سقرندن کاورکن عزل بعد از زمان احمد پاشا بعد از زمان عزل اولندی (۴) وزیر بلاق مصطفی پاشا اماماد پاشا بعد از (۵) وزیر حسام پاشا دقتدار اراکین وزیر اولندی مصره کیدرکن غضب بادشاهیه قتل اولندی (۶) وزیر یونس پاشا از انان پاشا برینه وزیر اعظم اولوب مصره کیدرکن بولده غضب بادشاهیه قتل اولندی (۷) وزیر نانی زینل پاشا (۸) وزیر نالت خواجه اوغلی محمد پاشا که عالم فاضل اولوب سابقا ادرنه ده چفته مدرسه بن برنده مدرس ایکن نشانی اولوب بادشاهک مقبولی اولغین وزیر برانندی ادرنه ده وفات ایتدی (۹) وزیر پیری پاشا با قاضیه فاضلی ایکن دقتدار بعده وزیر اولوب مصره سقرنده استانبول محافظه سنه قونشده غایتده عاقل و مدبر اولغین یونس پاشا قتلده عجله ایلده شامه کتور دلوب وزیر اعظم اتی و برلدی سلطان سلیمان جلوسنک اوچنی یلنده عزل اولندی (۱۰) وزیر فرهاد پاشا سلطان سلیمان زمانده عزل اولوب سخیاق و رلوب بعده ادرنه ده غضبه قتل اولندی (فصل در فتوحات مر حوم بادشاه) قلعه با یورد و قلعه کینی و قلعه کاخ و قلعه آمد و قلعه ماردین مرارا و قلعه رها و سائر قلاع و بلاد ولایت دیار بکر و قلعه موصل و قلعه سنچار و قلعه سیورک و قلعه تبریز و قلعه شهر حلب و قلعه انطاکیه و قلعه ملاطیه و قلعه بیسی و قلعه عینتاب و قلعه درنده و قلعه دیورکی و قلعه قلاع و بلاد ولایت حلب و قلعه شیز و قلعه حیا و قلعه حسن و قلعه نهر دمشق شام و قلعه طرابلس و قلعه بعلبک و قلعه قدس شریف و قلعه رمله و قلعه غزه و قلعه صغد و قلعه بلون و قلعه قاقون و قلعه قلاع و بلاد ولایت شام و قلعه مصر قاهره و قلعه سکندریه و قلعه دمياط و قلعه قلاع بلاد مصر و ضبط مکرمه و مدینه شرفهما المذمالی (فصل در احوال مر حوم بادشاه) قبل جلوس سلیم نامه لرده اولان تفاسیل عظیمه نک کمال اجمالی بودر که سلطان بایزید خان اوغلری یورد که اوقات متفرقه ده سلطان شهنشاهه ولایت قرمانی غایت سوکار اوغلی سلطان احمد ولایت ماسیه بی سلطان تورقوده ولایت صاروخانی عاقل و شجاع و مدبر و غضوب اولغین وزیرانک سومدکاری سلطان سلیم خانه غایت اوران و الجاق اولان ولایت طربزون غایتده تنک و هر طرفی محل سنک اولوب کرجستانه متصل هوا اولغین اکاماتار اولوب دایما انکله خبر لشمکین سلطان تورقوده حسد و غمندن مصره کیدوب سلطان قایتبای کلی رعایت ایتدی ولایت طربزون غایتده تنک و هر طرفی محل سنک اولوب کرجستانه متصل اولغین سلطان سلیم خان دایما کفاره غزا ایدردی سلطان بایزید عاید و زاهد و مریض اولغله امور فی وزیرایه تقوی رضایتمندکن اولر اغواسیه سلیم خانه اعدا نکشیرنه رضام بودر کسنه ایله جنگ ایتیب همان سخیاقن سبطیه مقید اوله سن دیو بیای امرار کوندرکن سلیم خان (نظم) بی من دیو دوست هر خدمتی که کردم در مباد کس را خدمتی عنایت دیو انجنوب تبدیل مکان ایچون استیذان ایدوب اجازت و برآمد که کند و غلی سلطان سلیمان خات سخیاقی اولان کفمه واردی بعده پیری ادرنه ده اولغین دولتوبایمی کوروب بالیات عرض ایده جنگ امورم وارد دیو وافر عسکر ایله روم ایلل یتماننده اولان کفمه دن قره دن دیو و وزیرانک ریلد بادشاه روم ایلل عسکر فی عظیم سفرم وارد دیو چاغروب سلیم خان ادرنه ده بر قوناق یقین کلد که بادشاه دخی اون بش یک قره کیده عسکرله واروب قونوب پدرو برالجه لره من ارا خبر اشوب کال تفصیل محتاج حکیمانه نیجه قیل و فالدنصره سلیم خانه پیری وزیرانک ریله بندره سخیاقن و رلوب کندو حبس شده برانندی که وزیرنه بادشاه ایتما ده هده نامه ایلد وافر آن دود و فافز و تحف و هدایا کوندروب لیدی پیری خاطر ایچون آن بانده وافر آدم جمع اولغین کتیبوب سابقا بادشاه حسن اختیار ایلده سلطنتی سلطان احمد و برانندی که حکیم سلیمان صاحب عرفان (نظم) دوات و سلطنت آنست که الله دهد چون یغورده دوات با کده دهد دیو بتدیر بر مقتدر ظهورینه منتظر اولدی (نظم)

لیس المشیئة للسلطان والشاء * ان المشیئة فی الاشیاء منه (قصه) بواشاده شهنشاه سلطان شهنشاه فرمانده وفات ایدوب بادشاه سلطان احمدی کتور دلوب تخته کچورمک ایچون چله قرق یک نفر عسکر ایله امتنا بوله کیدوب سلیم خان دخی اونوز یک نفر عسکرله یشوب چورلی قر بنده صرمت کوی یاتنده ایکی عسکر قونوب وررا اغواسیه بادشاه مع انکراهه جنگ بیوروب لکن سلیمه شمرار برادر مسونلر دیو الله خطادن صافیه دیو دعا ایدوب وزرا امر ایله عسکر بر اوغردن یور یوب شهنشاه کیدوب عسکر فی منعه چالشب چاره اولوب ایکی عسکر فارشوب (نظم) فنا حله آورده همچون بلنک اجل باز کرده دهان چون نمک * زبس کشته افکنده بر کوه و دشت * جهان گفت بس کن که از حد گذشت (نثر) عاقبت شهنشاه عسکر صینوب کچی قیرلوب باقیلری قاجیه کین کند و دخی قره دکر سنه عجله ایل کیدوب بر قاج کونه دلخنا لردن ایکی اوچ یک آدم جمع اولوب کیلری طور دینی بره وارد قده عسکر فی کفمه قره دن کوندروب کیدورکی به یوب واردیلر (امور) بومحاربه دنصکره دعوت بادشاه سلطان احمد تخته کچمک ایچون کلوب اسکدرده مال دپه سنه قونوب ایرتسی زینت و شوکتله کچورلوب بادشاهه بواشوب سر عسکر اولوب سلیم خان اوزرینه کوندرملک مقر قیلنش ایکن (نظم) مابین رقده عین و انتباهتها * یقلب الدهر من حال الی حال * مفر و مخجه اوکیجه یکچیریلر جمعیت ایدوب سلطان احمد ایچون جلای نامنه بر قاج حرامیلر حقتدن کلدی بویابی اقدام بی تدبیری سلطنته قبول ایتیمه لم دیو آنکله عینی اولان ارکانک اولرین باصوب یغمالیوب ایرتسی شهنشاهه ایتشد که دستا بوله کیرمکه قورقوب بر قاج کون او توروب بعده کیدوب قونیه به واروب آنک بکی سلمان محمد بن شهنشاهی کندیوب ایدوب چله فرمان و ناطولی بی ضبط دنصکره روم ایلله کچمک فکر ایل کیدوب بادشاه بونی دوندر مکه استیانتا ماله کوندروب مفید اولدی قونیه به وارد قده محاصره و صلحه اولوب بادشاه و سپاه بوخیری ایشیدوب اکانجنوب سلیم خانه میل ایتدیلر (قصه) بوطرفه سلیم خان پدربنه (نظم) زانجا که اهل شامل و خاق کریم تست * حرم نکرده عفو کن و ماجرا میرس * دیو اعتذار نامه کوندر مکن بادشاه حظ ایدوب بندره به یکبولی سخیاقن ضم ایدوب براتن کوندروب بودخی امتنالا واروب ضبط ایتد که بادشاه بونی سر عسکر ایلد که چاغروب بواشاده شمر یک بعض وزرا ایل سلطان فورقوده مار اوچ آدمله اولاققله کلوب سلیم خانک که چکنی ایتد که سلطنتدن مأیوس و عزات و فراغت مأنوس اولوب بادشاه ایل کلد و کینه انجنوب نه سبیله کادی دیو صورتده سلطان احمد شرندن قاجدم دیدی (آمدن سلیم خان) سلیم خان کلد که امر بادشاهیه چله سپاه وارکان حتی سلطان فورقود دخی قارشو واروب حددن بیرون زینت و شوکت و تعظیباتله شهرده بر مناسبت سرایه قوندروب ایرتسی چله عسکر وارکان یاده و سوار اشوب اوکته دوشوب مرایه کتوروب ایچور کیدر که پدر پیر پسر یوسف نظیری کورد که (نظم) بی توصیف داشت کلستان کائنات * ای عذلیب کلشن دوات خوش آمدی * مضمون نخبه اظهار محبت و خیر دعا ایدوب بر مقدمه صاحب دنصکره شهنشاهه سلامیوب منزلته کلدی سلیم نامه لرقولنجبه چله یکچیریلر البته بادشاهه مزبوانق کر کدرد بواشاق اینکین وزیر ابو خصوصی اضطرار ایل بادشاهه عرض ایتد کارنده رضا و یردی دیتوب اکن حفته اقرب اولان کاب شهنشاهه اجمالا مذکوردر که سلطان بایزید اوغلی سلیم خانی سر عسکر ایتد که چاغروب اودخی کلد که پدرم حالا سلطنتی بکا تسلیم ایدوب کند و فراغت ایتسون دیوب لکن بادشاه بوخصوصه بر قاج کون ترد ایدوب سلیم خان مشایخه مراجعت ایتد کین چله می مرده ایدوب سید و لایقی دخی چاغربنده ابرام عظیمه واروب بادشاه اولورسن اما عمر لکتمتد و از دیوب بعده بادشاهک ترددی کیدوب سلطنتی رضایله تسلیم ایتدی (جلوس) طقوزوزاون سکر صفرنک سکرزنجی سبت کونی بادشاهدن خبر اجازت کلد کین سلیم خان اجلال فراوانه تخته جلوس ایدوب جمیع ارکان واعیان دستبوس ایتد بر اوکیجه جناب حضرت خداجل و علایه جد و شکر و شرف و توفیق و هدایا ایچون بحدتضرع و دعا ایدوب ایرتسی پیری بونی دعوت ایتد کین عظیم الایله سرای عزت مأوا به واروب پدربنک ان او یوب اودخی امانت سلطنت کبرای بالذات تقوی رض و تسلیم و نصایح و خیر دعا ایلد نتم ایتد که بادشاه جدید پدرو سعیدی سلامیوب کند و منزلته کادی (نظم) اولور هر عالمک رکامیاتی *

که اول قرنک اول صاحب قرانی جهانند اول کیدر بر کون برین * بری داخی طور ترک برین * حقیقت
 بوجهان برده کدرد * کلان قوندی قونانده کوچسردر (فصل) در احوال پادشاه بعد احوال
 امراء عدالته و تدبیر نظام احوال مملکت به پادشاه و سلطان قورقوده صاروخان و مدالی سنجاق برین و جمع
 عسکر و علمای و سادات و مشایخه ترقی و بخشش و یروپ روم ایلی * مکرری کوب جمع اولغه امرار کوندروب
 اوغلی سلیمان خانی استانبوله چاغرتدی * بعده پدری سلطان بایزید بعد از فراغ یوقاروده تفصیل اولدی بقی
 اوزره دیتوقه به کیدوب ادرنه قریبده وفات ایچکین چنارده سی استانبوله کتورلوب جامعی یاتده دفن
 اولدی (متر) امریادشاهیه کفه دن شهزاده سلیمان خان کوب کال زینت و شوکتله ال اوپوب روم ایلی
 بکری دخی عسکر لیه کوب هر برینه ترقیل و انعام * مر اولوب اناطولیده سلطان احمد تابع بعض بکری
 رعایا و سپاه لری طوقوب قید و بند ایچ کتورمکین قتل اولندی * بعده سلطان احمد اناطولیده استیلاسی
 و اوغلی سلطان علاءالدینک بروسه به کوب مال امان ایستوب شهر صوبانیه قتل و خلعه تکالیف
 شاقه سی خبری کلدکده * پادشاه یدرم مرحوم وصیت ایچندیکه برادر لردن صورت بقی و عناد ظهور ایچندین
 بشدن انلره ضرر اریشمه چون بویه اولدی اهل مال و امهال باعث اختلال احوالدر (نظم) در اقلیمی
 دوشه راجا نباشد * یکن منزل دومه راجا نباشد * صفاهن برینامه ایکی شمشیر * طور اخر برکام ایچره
 ایکی شیر (نثر) خصوصاً سلطنتی اختیار منقر باش او باش حقارندن کلمکچون ایدی پس بوقته بی دفع
 ایتمیچمه اکجمال بولغز دیوب سلیمان خانی استانبوله قویوب کندوسی بوزیک قدر عسکرله ماه جادی
 الاولی نصفتده خیم کونی اسکداره بکدکده علاءالدین ایستوب عسکر طاعلوب کندیوسی
 بیایسنه قاجوب پادشاه انکوری به توجه ایدوب مقدم بعض عسکر کوندرمکین احمد خان (نظم)
 دلش چون کبوتر طپیدن گرفت * زمزکان سرشکش چکیدن گرفت * نه جای قرار و نه روی ستیز *
 بناچار نهاد رو در گریز (نثر) بالضروره فرماندن اماسیه به قاجوب مقدمه عسکر بونلاردنجه دوشوب
 نهیره کسه در پی واروب عاجز قالدقه (ع) ترک تاج و تخت و بخت و رخت ایدوب * سیکار اولغین
 بخت برادر ایل ملاطیه و درنده ستمه رنده اولدقه نه اردنجه دونه اولدیله * احمد خان یاتده اولان نیجه
 بکار قاجوب پادشاه کوب رعایتیه مظهر اولدیله پادشاه انکوریدن بروسه به ماه رمضانده قشلاقمه کوب
 عسکر دستور و یروپ بهارده جمع اوقات یوردی (امور) سلطان احمد غیره کوب کاخ و نکسار یواندن
 عسکر یاز وقت غیر اسوده قیدی سنجاقی اولان اماسیه به واروب فی الحال حصاره کیروب پادشاه طرفندن
 اولان مصطفی بکی وزیر ایدوب اماسیه عسکره استمال ایدوب پادشاه بونی ایستد کده احمد خان
 قاجوب کلان بش تفر برادر زاده لری سلطان شهنشاه اوغلی محمد بیکه بیکه بکی ایدی و سلطان علاء اوغلی
 عثمانیکه کاشری بکی ایدی و سلطان محمد اوغلاری اورخان و موسایی و امیر خانی که هر بری پروا بده سنجاق
 بکی ایسی ماه شواله بکری ییغنی کجه سی اخشام وقتنده سرایه چاغرتوب قیوجیلار و طه سینه قونوب اگرچه
 بونلرک ایکیسی قتل نارسیده ایدی لکن احتیاطاً قتلیل شرکایچون بشی دخی بوغدروب دفن ایندردی
 (ع) پادشاه از برای مصلحت صد خون کشند (عبر) سلطان قورقوده باقی پادشاه بولندقه ترک
 شخافت و عصیانه پیمان و ایمان ایدوب حاله عصیانه عزمی ایستد لکن سلطان صاحب تدبیر و صاحب
 عرفان از انصاف ایچون سپاه و ارکان اغزلندن پادشاه دن بیزار اولدق کاور سکر تختیه سری بکوردوز
 دیو مریه لره مکتوب کوندروب اوردخی ایستوب هر برینه خجست و استیلا تمامه یروپ بر خصوص
 قیبریه ایچون معتدل از من برین کوندربوز دیوب پادشاه مکتوب لری کوردکده حاضر بولنان عسکرله شکار
 بهانه یل بروسه دن چیتوب (ع) قوردصیدین کوستروب قورقودشکارین ایدی قصد * دوت کون
 ایلتار ایدور شش کور شهر * بنسایه سایه مالوب علی الغله برای قورقودش شوب ییاه نام
 محرم اسرار لیه بر رفته ارا التون انچه الوپ بر آتیه ییغوب باغچه قیوسند قاجوب خیل خیال ایشیز برده
 برقرار کومغاریه واروب پادشاه فی اراغیه یکن نر آتله کوندروب کوه و صحرا برای ارای یورلوب کوب
 پادشاه بروسه به دوشوب لکن قاجوسون دیو اطرافده اولان مر لری محرم بکندردی * قورقودغم نواله

مسکن ساه ایل اوج هفته مغاره ده طوروب بعده سابقا سنجاقی اولان نسک ایلنه واروب اورادن تبدیل
 صورتله قرنک تانه کیمک فکریله کجه نسک ایلنه واردقه (نظم) کیدر یلر مغاره ایکی دردمند *
 دیده ترل خشک و زار و مستمند * آج و محتاج و غریب و خاکسار * نه بشر پیدانه دیار و نه یار * قالدیلر
 بر نیجه * کون اول غارده * چکدیلر سخت اوکچ نارد * بستی خاله اولدی بالینی حجر * قورقودن
 قورقودنلر چکدی نلر (نثر) عاقبت پادشاه شهزاده فلک آتیه ییغوب ذخیره ایچون طشره چیتوب برترکله
 آشنا اولوب بر قاج التونله کاوروب مغاره بی کوستروب ذخیره کتور دیو اصرار لغین ترک بر قاج کون کوب
 کیدوب فرسکه کیمک ایچون کی بولق تدارکنده کرکن بندوکی آتله قشاور خسته بهمانر طوقوب تکه بکنه
 کتوروب ضررله سولیده و یروپ مغاره بی کوستردکده شهزاده بی پادشاه ایل طوقوب پادشاه خبر واردقه برقیوچی
 باشی کوندروب شهزاده بی بوغوب بروسه به کتوروب سلطان اورخان یاتده دفن ایدوب ساه عم نواله نیجه
 زمان تربه دارو کوزلرینه قبه تربه طیار اولدی (نارنج) ای کوکل داغ غمیله بکوب * فرح آدی آکبه
 دنیاده * پرده غفلتی * کتور کوزدن * نظریله بو چرخ جلاده * کاسه سرددن ایلدوب ساغر *
 خون ناحندن ایدینور باده * صونار اول جای هرکشی به دیز * بوکدادر بو پادشاه زاده * قنی قورقود
 خان که شوکتله * مثلی بولغز ایدی دنیاده * حاصلن باقدی نار حسرتله * خرمن عمری و یروپ باده *
 دیدی هاتق و فاقته تاریخ * مسکنک اوله عرش اعلاده (عبر) پادشاه وزیر اعظم مصطفی باشایی
 سلطان احمد ایل متفقدر دیو قتل ایدوب بعده سابقا سلطان قورقوده کوندردیکی کبی سلطان احمد دخی
 ارکان و سپاه اغزلندن مزور مهر لره مکتوبلر کوندروب (نظم) فلک چون کار سازیم انماید * سخت
 از پرده بازیم انماید * منه و منه اردخی ایستوب عسکر لیه کوب پادشاهی ازین قریبده یکشمهر صحراننده
 قوغش بولوب بودخی قونوب کندیوه حمله اولدیغن طویوب وقت محدود قاجوب اناطولی عسکر ایدنجه
 بتشوب لکن آنلر له اولی ده صیتوب دوشوب احمد خان انلری قوه لیوب پادشاه وزیردقه کین اوغلی بعض
 عسکرله کوندروب تانارخان اوغلی سعادت کرای دخی یله کیدوب (نظم) بری برینه لشکر قاتلیدی *
 متاع جان و دل هیجه ساتلیدی * سنان جان سنان طوغر لیدی جانه * دل و جان اولدی تیره آشیانه *
 چالشیق قامت شمشیری بوکدی * خزان ترک برلغری دوکدی * چو سلطان احمد ایدی شاهه کینه *
 ستمد دواتی دوشدی زیننه * بولوب خاله اوزره اول درتیمی * انکله ایلدیلر زین زین * سوار ایدوب براسب
 خوش حرامه * کتوردیلر شه عالیقامه * سنان اغایه امر ایدی شهنشاه * عدم ملکده قوره آکا خرگاه *
 کیمه کوستردی بودوران صفایی * که آخر صوغدی جام چنایی * بیچون چاهه کشی بویه کرینه * که بونی
 عاقبت کیره کرینه * اکاکیم اولیه دوات مقدر * امکن صرف ایلنه اولورمکدر * خدا ورمک کرکدر
 بخت و بختی * ویرری میوه باغ هر درختی * خدادن اولمجه لطف و احسان * اله کبر من نکین دوات
 آسان * آنک کیم نیتنده یوق صفایی * بنای عزتک اولز اسامی * سزاوار ایدی اقبال عظیمه * آنکچون
 ویردی حق سلطان سلیمه (نثر) اگرچه پادشاه ایکی برادرندن دخی یاشده کوچک ایدی لکن بحکمه الله
 (نظم) ده انکشت یی سزای نکین * بکه ترمد لیک انکشتین (لحوره) شرف المربه قتل و کتل و ادب *
 لایسن و مال و بیاه و نسب (امور) احمد خان عسکر طاعلوب عسکر پادشاه بتشوب آنلری طوقوب
 فوج فوج کتوروب پادشاه جله من آزاد ایدی (لحوره) کاشکی عسکره اولان احسان * عسکر اسینه
 اوله ایدی همان (نثر) احمد خان عثمان نام اوغلی چنکده شهید اولوب براوغلی دخی مراد عجمه قاجوب
 شاه اسماعیل و واروب رعایت اولتوب داغماشکاره یله کیدوب بتشوب صاحب ایدوب بر زماند نصکره
 التفاندن دور اولوب بعده مقتول بولتوب به ضرر خنیه شاه قتل ایندردی دیوب بعضی روم فدائی قتل ایندی
 دیدیلر * دیار عجمه جله اوج درت ییل طورمشدی احمد خانک ایکی اوغلی علاءالدین و سلیمان مصره واروب
 آنده طاعوندن وفات ایندی (نظم) بویه در حالی جهانک هر زمان * انقلاب اوستنده در کون و مکان *
 بولدیغن یوزده سال یلر غذا * بر در ریاتده سلطان و کدا * بر نهالی بسار آب لطفله * دوشور طبر اعه آخر غطفله *
 مخرجی بخت صفایی برکدیز * بروفا کوستره بوزیک جور ایدر (نثر) پادشاه سلطنتده منازعاری قالدقه
 ادره به واروب خبر استقلال اطراف غله منتشر و شتر اولدقه مصر سلطنتی غوریدن عظیم هدایا ایل

تمه بنامه و افلاق و بغداد و وندیکند دخی خراجله وافریشکشلر کلوب انکروس قرالی دخی خراج و عظیم
هدایا ایله تا کید صلح قدیم رجاسنه بر معبر بکنی ایلی کوندرد کده تخویف قرال ایچون حبس اولندی
(غزای اکبر) خسرو شیرافکن دشمن کداز * حضرت سلطان سلیم سرفراز (نثر) دیوان اشعار بلاغت
آمارنده (نظم) در سفر کنت و ایزنی سروسامانی ماه بهر جمعیت دلهاست پریشانی ما * دیدیکی اوزره
قصای مرادی عالمی عدله تعمیر ایچون اصحاب بنی و فسادی تدمیر ایمل ایدی لاجرم تقدیم اهم امر الزم
اولعین فسادی اتم و ضرری اعم اولوب عدو حات جناب رب اولان صحابه کرام ذوی الارب حضرت تلمیسه دخی
دهان هذیان فشانندن صیحاب ایدن شاه اسماعیل ایلین تضلیل اوزرینه سفری مقرر ایتمکین (نظم)
اوکره نویدر آدی زاده * زاد لازمدر آدی زاده * مفهومیخه بادشاه جمعیاه جمیع مالکدن بچد ذخیره و اون
یک فرغز جمع ایدروب ذخیره نیت بعضی قران ذره لاله اکثری قره دزدن کیرنه کوزوب شهرزاده سایمان
خانی مغنیسادن کتوردوب ادرنه ده محافظه به قویوب طوقوز یوز بکری صفرنگ بکری درنده خیس کوفی
اسکدارده عسکره قویوب مقدما مالک عثمانیه ده قزلباش مجملری وارایسه یدی یا شندن نیمه دل به انشوت
اسملری دقر اولنوب آستانه به کوندربله دیو امر لر کوندرمکین دقتله یوقلوب قرق یک مقداری کسنه
یولنوب کیمی قتل کیمی حبس اولنشدی ایچلرنده رجاسوس یولنغین انکله شاهه (ع) طعن و امن آمیز
و جنگ انکیز نامه کوندروب * بعده سیواسه وارد قده عسکری یوقلوب چوقاق چکنه یرامیان قرق یک
کسنه یی اردوده ذخیره مضایقه و یرمان ایچون سیواسه قیصریه اراسنده طور من یوروب یوزیک عدد
کزیده عسکره کیدوب قاجیوب چکنه کلک ایچون شاهه کاه عصا ایله عبا کاه چنبر و نر * کب نسا و عرقیه
کوندروب اودخی حقه ایله معجون کوندروب بودخی اکایکی کره طعن آمیز نامه کوندروب دیار بکیرلر قزلباش
طرفندن حاکی اوستیالو اوغلو محمد خان و لایشک رعایاسن عجمه سوروب مملکتی یاقوب انسان و طواریه جنگ
نسته قالمغین و بر قاج آیدن و چان و استخانه اثر ایده جنگ انواع تعب سفر حکمکین تحریر یک بعض ارکان
دو تله یوله نیمه دقه بکیر یرلا ایله طوروب کاه لطفله کاه عتفه سفردن فراغت رجایدوب حتی بر کچه
پادشاهی قورققی ایچون تفکر انوب و تاغک یوقاروسن جابجادیلر پادشاه آگاه متوکلا علی الله (نظم)
دست از طلب ندارم تا کام من بر آید * با جان رسد بیجان یا جان زن بر آید (نثر) دیوب کیدوب قربان
بکیر بکیمی همدم باشی سفردن دولتک کزیده بکیمون قتل ایدوب یوله بر قاج برده دیلر طواریه پادشاه
شاه کراخی چکنه کتورم ایچون روم ایلی و اناطولی بکیرلر نیمه لرندن شاهه وارکانه مزورمه هر لاله
برقدیدن شاهک مجملری یوزو پادشاه زلای زحاکندن بیزار زهمان تیز کله مزجنگ اوزرنده جله مزانی
براقوب سزه تابع اولورز دیو مستقلا مکتوبله کوندرمکین شاه اینانوب تیر یزه کلوب بوانشاده قراول اولان
علی پنا بن شمسوار بر ذوالقدر بر یول کسلش قزلباش باشلرله بر قاج باغلو امیر کوندروب پادشاه دخی
اکامر مع اوایلالتون زنجیرلو بر آت برالتونلوق ایکی خلعت اوج یک نقده لوری کوندردی * بعده جادی
را حرم نیکر می سرکنده وقت جهاده و نش طواریه پادشاه شرفک ضعف طائنه استدلال اولنوب
غره و جیده حیرای چالده رانده بر یوکسک بره قونلوب شاه دخی عسکر یله کلوب دوزیره قونوب ایرتسی اربعا
کونی پادشاه آلا یر باغلیوب حیرایه یور یوب قزلباشان قلاشان دخی (نظم) سیل و ارایردی خروش و جوشله *
طواری حیرا جیش آهنبوشله * طاع و طاشی بصدی بکسر آدمی * نوزه غرق ایتدی سپهر اعظمی (نثر)
چکنه باشلند قده شاه کراه صاغ قوده اناطولی عسکری اوزرنده دیار بکیر و کردستان حاکی اوستیالی اوغلو
محمد خانی و بغداد حاکی خلیفه بکی و نیمه نامدار لری وافر * کرایله کوندروب کندونک آلائی سنجانی دیدیده
وزیری و قاضی عسکری و بعض بکری قویوب کندوسی کزیده عسکری اولان قرق یک نفر یولادوش
دریاجوشله یور یوب کن زنجیرله باغلیوب حصار استوار اولان طوب عرب لیرین یارمق خصوصاً بکیر یی
یرلندن ایرمق محال اولغین روم ایلی عسکری اولان مول قوی باروب عسکرلر ادرنه کچک فکر یله کلوب
اولما عتوله کللر نشان یرینه کجیک طواریه آتش و یرلر کده محمدخان و خلیفه یک و نیمه امر او اکثر
عسکر لری خصوصاً شاهک وزیر و قاضی عسکری کیمی طواریه کیمی قلیله هلاله اولوب لکن یوجا بدن دخی

وافر امر او عسکر کیمی قزلباش انده کیمی بزدن آتلان طواریه شهید اولدی * نایا صولقوله شاه کراه کاد کده
بیاده اولان کانداز عزیزی انواع طریقه قیروب چکنیوب بر جان قورتلوب بعده روم ایلی عسکرلر
جمله ایدوب محکم صواشلوب (نظم) مشاع زندگی صاندلی ارزان * دل و جان اولدی اول و هم ایله لرزان *
دوکادی تاج خونین قزلباش * قره طبرغه پست اولدی قزلباش * دوشن خاله اوزره صیفمزدی شماره *
بدن چالده وزر هر باره باره * شود کلو چوغدی میدانه کشته * که اولدی کشته لر دن نیمه پشته *
غبار ایله قرار دی چشمی مهرک * باشی چکرتدی دود ایله سپهرک * اگر خون با صمسه کرد تیردی * مقرر
بر برنده یل اسردی (نثر) محصل قوشلادن اخشامه دل اوله حرب عظیم و ضرب الیم اولدی که ایلله
دوشوب کیه اول واره جفن بیلز و یریده قراولز اولوب بکیر بکیرله امر انک کجاری و عسکرلر نیمه ضعف
و یراری (نظم) شهادت شمدی نوش ایلدیله * جهان فکرین فراموش ایلدیله (نثر) بوانشاده عسکر
روم ایلی صیتوب سخیلری یوروب پادشاهدن طرفه قاجدیله شاه کراه صملر سوکوب پادشاه طور دینی الای
یراغنه یورود کده ایکی عسکر فارشورکن و یری برلرین فیرشورکن بکیر یلر براوغردن تفنگ سز یوب
طواریه دخی اوت و یرلر کده اصحاب وفاق و شقاق مخلوط ایکن زقاق زقاق سوپر یوب هلاله و آغشته
خون و خاله اولغین قزلباشلر یوزلری ترملرینه دوشوب عسکرلر ادرنه کچمک دیلر کلرنده قطار زنجیر
ویولا رابه برلرینه بند اولش طواریه اغریق دریا سینه غریق اولد قزنده عسکر اسلام او شوب انلری شاشروب
صواشوب بچد قزلباشلر شش نفر بکیری دوشوب (نظم) اولدی چو آسمان بر جانه * چالدران چهراسی
طواریه قانه (علبه) عاقبت شاهک دست و بازو سینه تفنگ طوقوب قوی طوغز اولد قده آتی سورچوب
آتی بره دوشورمکین برغازی بکت نیزه سین طوغرلر دوب آت صالده شاهک غایت مقرب یی اولوب کندوبه
شکلده واپاسده بکیرمین میرزا سلطان علی شاهی قورنار مغیجون شاه بنم دیوایلر و واروب بکت دخی یونک اسب
و اسبانه طمع ایتمکین باغلیوب شاهی طواریه دیو پادشاه کتوردی اوچا بنده خضر نام بر ملحد کندوبی شاهه
فدا ایتمکین آتی شاهه چکوبندروب خضر قتل اولنوب بعد زمان انک اوستنه شاه تیره و عمارت یاقوب آت
چکن خضر دیو مشهور اولدی * شاه کراه همان درت بش کشی ایله محکم قاجوب (نظم) تارمار اولدی
قزلباش شتی * سر نکون اولدی لعینک سنجی (نثر) شاهک بر خانوقی و امر او عسکرلر عورتلری
و بچد قزلباش باغلیوب پادشاه کتوردی قزلباش طرفنده یوکسک برده طوروب میرایدنلر برصادق
اقوی دیمشدر که شاه عسکرلر قلدیه وصول قوده طوران عسکری قیرلوب کندوسی کزیده عسکر یله عثمانیلر
مول قواریه یدی کره جمله ایدوب صواشوب هر دوشنده آت دکشدروب کوش صزار قده بقیه عسکر یله
طوب اولوب براوغردن آت صالوب بر مقدار صواشوب بعده مینوب آتدن دخی دوشوب بر کسنه
آت چکوب بند کده قاجوب احوالی بیلتاه بکیمون معرکه ده بر قاج قورچیمین قودی اخشام زمانده
انلر دخی اندی * القصه شاه همان کز آدمه جنگ کوتلک ایرتسی قوی یویننه صاراش خوار و حقیر تیر یزه
واروب مقدمه خلق یوکا باغنه قورقوب ایرا قدن سجنده ایدرلر کن جالاغیا شاسنه اوشوب خاطرین صوروب
حتی بر یر بقال بر قار یوز کتوردوب دعایدوب دولتوشاهم یشکی شیره قبدیل ایله دیو نصیحت ایدوب
شاه دخی جوع و عطشیدن قار یوزی الوب لکن خوف و عار یزدن شهره کیر میوب دوز کزینه کیدوب بقا نلر دن
باشنه همان ایکی اوچیموز کسنه جمع اولدی * غائب اولان خانوقی تاجلی خانم مسیح پاشا اوغلی الینه کیروب
بر کچه چادر نده یاقوب وافر جواهر و یوروب بالوار مغین قیوورد کیده خوی ملکته واروب اودخی عجله ایله شاهه
کوتوردی * اسیر اولان خانوقی اید * نامه کوندروب ایستد کده پادشاه و یر میوب قاضی عسکر تاج زاده به
نکاح ایدوب اودخی شاه رنجه انکله جمع اولدی * بعده شاه دفع غم انهم زام ایچون دانامست و لایعقل و عالمدن
غافل اولورزی عاقبت ککرت شربدن مرتعش اولوب و بدنی جابجادیلوب انهم زامدن اون ییل صکره
او امر ضلردن هلاله اولدی (نثر) یوجا بنده پادشاه قزلباشلر قاجوب اخشام اولد قده بچد مشعله لریا قندروب
بات و زمانه دل اهتماما آتدن اینیوب مانند عقرب و چیان اولان قورچیانی قتل ایدر یوب اطراف یوقلدوب
اعدادن نشان یوغدی بکی عیان اولد قده چادرلر قوردروب عسکرله قونوب او کچه عسکر او یو میوب اللری

بعضی عیال سلطنت بر ایایه مرایا عطایایه عطایا رعایایه موقوف اولمغین حالا تنفر رعایا محض خطاب در
 دیو نصیحت ایتمکین فراغت ایدوب اوستجالی اوغلی قره منانی آمد محاصره سنه بش یک قزلباش که کوندروب
 کرد لایه دخی جنکه عسکر کوندروب نیجه کرد بکری درت یک آدمه انلری باصوب طاعیدوب نیجه لری
 قیروب کردل غایت طیوم اولدیلر بر ییلد نصکره طقوز یوز بکری بر شعبانده امر بادشاه علیه بایورده
 عسکره محافظه ده اولان یقلا محمد پاشا و سواص بکری بکسی شادی باشا قره خان جنکه کوندروب لکین واروب
 کرد بکری دخی کلوب قره خان قلمه ماردینه واروب مال و عیالان الوب ایجنه بکچیلر قیروب کندوسی
 عسکر یله بر صحرایه واروب منلا ادریس بش یوز کسسه ایل ماردینه واروب نصیحت و امانه ضبط ایدوب شادی
 باشا محمد پاشایه کومکین آیرلوب کیدوب عسکره نفرقه دوشمکین محمد پاشا دخی امر اکراد ایلده آمده قشلا مغه
 کلوب قره خان دخی ماردینه کلوب پادشاه ایستد کده شادی پاشای صاحب عنادی بر غم ایدوب اول
 چهارده قرمان بکری بکسین و ناطولی سباهرینک بهضن آمده قیوقوللرین یک بکچیلر یله کوندروب اول
 خربوت قلمه سین اوج کون طوبله دو کوب فتح ایدوب اول جانیده شاه دخی قره خان یارده همشیره زاده سی
 حسین خانی و بغداد حاکمی قیصر سلطانی نیجه نامدار بکری و افر عسکره کوندروب یوله کردله صواشوب
 یک یوز قزلباش قتل اولنوب یوجانیده محمد پاشا رومدن ایکی یک آدمی مقدمه خانه جنکه کوندروب
 تفصیل محتاج میلله مسلمانلر صیوب اسکرتری قیروب پاشا قزلباش صیبدی صاوب آمده کلوب بعده
 قیوقوللری کلد کده امر اکرادله جهیت ایدوب اتفاقه یوزوب قوج حصارده قزلباشلر صواشوب (نظم)
 معرکه جیحونه دوندی قانله * دوندی کردونک باشی انغاله (نثر) اولا قره خان صاغ قوله اولان قرمان
 عسکر یی برلندن ایروب غلبه اوزره ایکن سردار ایک یوز تنکیجی کوندروب کین قرمانیلر قوتلنوب جنک
 ایدرکن قره خانک بو غارنه تنک قندی طوقنوب یقلا قنده باشی کسلوب چرایه دیکلوب صولوقده دخی
 قزلباشلر جوق کسسه شیدا ایتمکین امر اکراد اتفاقه آت صالوب جله قزلباشلری طاعیدوب اکثری
 قیروب انجی عشری قورتلوب آنلر دخی اکثری سنجار حصارنده صوسر هلاک اولدیلر اون یک مقداری
 قزلباشلک یورتلری و قوللری و بکری یک باشلری پادشاه کوندروب قزلباش ضبطنده اولان نیجه قلاع
 و بلاد ولایت دیار بکری و کردستانی عثمانیان الوب یاخیلرین دخی محاصره ایلد فتح و ضبط ایدیلر محل شیاطین
 ماردین اولان شهر ماردین دخی اکثر خانی اهل دین اولمغین پاشایه تابع اولوب اکن قره خان برادری سلیمان یک
 قلمه ده اولمغین عناد ایدوب پادشاه عربستان فتحه کند کده یقلا محمد پاشا آنده کیدوب محاصره ایلد
 قومغین بر ییلد قریب قلمه جنکین ایدیلر (فتح حلب) پادشاه جمیع ولایت جمعی فتح یتیلد اوج ییلاق سفر
 تدارکنی یتیلد جله عسکرین جمیع ایدوب روم ایلی عسکر یی مده ما قیصریه به واروب توقف ایتمک ایچون
 کوندروب بعده قریب یک عسکره وزیرستان پاشای کوندروب یک قیصریه ده اولنلر ییلد دیار بکری و واروب
 عربستانه چرا که طاقه سندن نه ظهور ایدرسه اعلام ایدوب پادشاه دخی البستانه واروب ملطیه معرندن
 یکمک ایچون چرا که بکری نه اجازت ایستکه خبر کوندروب انلر دخی قزلباشلر نخوقیه پادشاه صاحب
 ظهور ایلد یقلا محمد پاشا قانصوغوری الی یک برار عسکره حلبه کلوب پادشاه ایستد کده
 اولا غوری به هدا و نامه ایلد عدوی دین قزلباشلر * جنکه کتمک ایچون عربستان یکمک اجازت ایستکه
 ایچیلر کوندروب کندوسی عسکره البستانه کلد کده عموما دیار بکری قسقی و قزلباشلر انهم زمانک خبری کلوب
 پادشاه سرحد سرداری یقلا پاشای عسکر یله چاغردوب پادشاه ایچیلری سلطان غوری به حلبه و واشوب
 غوری آنره غضب ایدوب بعده شاه پادشاهلر بارشدر مق مرادی ایدوکن نامه ایلد اعلام ایدد کده پادشاه
 دخی غضبه کلوب حلبه یقلا شاد قنده غوری عسکر ابرامیله جبراکلیدیکنه رجا صلح ایچون اعتذار نامه
 کوندروب پادشاه قبول اقیوب (الصیف ضیعت المین) مضبوطه جواب حسن و یروب حلبه بر قوناق برده
 مرج دابق حصارنده طقوز یوز بکری ایکی رجبیک بکری بشنده احد کونی وقت معرندن بین الصلایینه دل
 عظیم صواشوب ایکی طرفدن بیحد آدم دوشوب غایت چرا که صیوب سلطان غوری یک یارشدن بر طوب
 طاعی شادله یکمکله آنک صداسندن قولای برده سی برنمغین تجدید و ضوهمانه سبله بر آد میسبله الایدن

جیغوب سجادده دوشه دوب یاند قنده جان و پردی (نظم) چنین است این منزل بر هوس * غماند درو جاودان
 هیچ کس (نثر) چرا که صیوب طاعیدوب بخانلری عسکر روم قیروب جله دن شام یکی جانپردی غزالی
 بعضی امرایه شامه و حلب حاکمی خیربای حلبه قاجوب یونس پاشا خیربای آردنجه واروب حلب شهرنده
 نیجه لری قتل ایدوب خیربای جاورحه قاجوب یونس پاشا ایلغارله شامه کیدوب یوله چان بکریه یتشوب
 خیربای جله توابعیلر کلوب پادشاه قول اولوب طوقلان مانر چرا که قتل اولندیلر بعده پادشاه غوری یی
 یوقلدوب ییل کیندن خدمتکاری طوقلغین سویا دیلوب بر چاوشه قوشلوب واقع ایسه کتوردی صوب چاوش
 واروب حصاده اوستنده میت یواغین باشن کدوب کتورد کده پادشاه اولمغین باشن کسمک ترک ایدیلر
 دیو پادشاه قاجوب قتل یوروب شفاعت وزیر ایلد بر لکی کسمکله کتفا اولندی * پادشاه حلبه یقلا شاد قنده
 شهر لوقا رشو کلوب تابع اولدیلر و خزینه ده اون کره یوز یک نقدالتون و اومقدارات ایلد و بیحد آلات سیم
 و جواهر و تحف و اوج یکدن زیاده و سورووش و دیوایو بیحد قاشلر و لایه آلات جنک و مصنع چادرلر محصل
 سکسان مخزن طلوسی اموال غنیمت و انواع ذخیره ضبط اولنوب یونلردن غیری عسکرلر لایه کیرن
 طایر و ملقر خود حسابیه صیغمردی یوجله دن ماعدا امرایه و سپاه چرا که کسمکله اما تملری اولان انواع اسباب
 یشته حفظ اولندی و جمیع قلاع و بلاد ولایت حلب چرا که کسمکله انلر دخی فتح اولنوب روی حاکم و بکچیلر قوندی
 و سپاهیلر و عوامیختش و برلری (فتح) بعده پادشاه دیار بکری بکری بکسی محمد پاشای جله عسکر یله ماردین
 فتحه کوندروب کین واروب بر ییلد نبر و محصور اولمغین فتح و عناد ایدن قزلباشلری قتل ایدوب باشلرین پادشاه
 کوندروب بعده قزلباشلر انلر نیجه قلمه لردخی فتح ایدوب پاشا مصر پادشاهلری اولان بی ایوب نسلندن
 اولوب دیار بکری قنده اولان حصن کیفا پادشاهی ایکن ولایتی شاه اسماعیل غضب ایدیلر یکی ملک خلیله
 پادشاه امکی برینی و یروب برات هما یون کوندروب کین اودخی کرد بکری معانیه محاصره ایدوب بعده
 امانه ضبط ایدیلر و ورهاشهری و نواحیسی دخی ضبط اولنوب قلمه سی قزلباش حاکمی و برمیوب بر ییل
 محاصره اولنوب پادشاه مصری فتح ایدیلر ایستد کده قلمه سی امانه تسلیم ایدیلر و یودنعه موصی و سنجار
 و نغفر و ارغنی و سیورک و نیره جله قلمه لری و جمیع ولایت دیار بکری قلمه لری فتح و ضبط اولنوب جمیع بلاد
 عمالک کردستانک بر ییلاق یولدر قزلباشلر ضابطلرندن تخلص اولنوب پادشاه تابع کرد بکری ضبطنه
 کیروب سک و خطبه پادشاه نامه اولدیلر خبری کلکین پادشاه یقلا پاشایه و افرقه و تحف و اسباب و منلا
 ادریسه ایکی یک سک و درت کورک و براتونلوق و ایکی صوف و ایکی چوقه و کردستان بکری نه توزیع
 ایتمک ایچون بکری بش یول لایه و یوز خلعت و اوینیدی سنجاق کوندرودی (فتح شام) شام کوخال رخ
 عرصه کی قیست عیام * خوش سواد یست به دل که علیکم بالشام * مفه و منجه پادشاه دمشق شام شهرنه
 کیدوب یوله جاورحه صیوب طاعیدوب قلمه لری تسلیم ایدیلر * ماه شهبان آخرنده پادشاه دمشق کلوب شهر خانی
 قارشلوب شاه و سپاه چادرلر قونوب اون ایکی کوندروب پادشاه عسکره قشلا مغه اجازت و یروب
 کندوسی شهره کیروب ساکن اولدی * ولایت شامده اولان جمیع بلاد پادشاهک ضبطنه کیروب هر برینه
 حاکم بکچیلر و لوازم قودی (فتح مصر) سلطان غوری انهم زامنده یقیه عسکر چرا که شامه اندن بریه لره
 قاجوب مصرده غوری وفاتی ایستد کده آنک برینه پادشاه اولان طومانیبای یانه جمیع اولوب بو طرفه پادشاه
 عالیشانه حلب و شام ضبطی مصر فتحه موقوف اولمغین مصره کسمکله عزم ایدد کده وزیر پادشاه مصر یولی
 اوتسر صوبیز مخافت بریه لرد و رعایا عربلر چوقدر عسکر اسلام تحمل ایدد مزلدیو خوف ایدرز حتی
 یوسایدن مصره تیمور و هلا کو و جنکیز و ارمیوب ملوک عالمدن همان اسل کندر روی دریدن وارمشدر
 دید کارنده * پادشاه عالی همت البته کیدرم دیو عزیمت ایدد کده او ییل یک قطار دوه هلاک اولمغین یالکزمیری
 ایچون ایکی بین عدد دوه صاوتون النوب و نیجه یوز قطار دوه قریه لره صوکتورمکه زمین و سپاهیلره ایک یوز
 یول لایه بخشش اولنوب روم ایلی عسکر به خزینه دن نیجه یول لایه قرض و یروب سابقا ایکی یک عسکره
 غزه به بریک کوندروب لکین حالا دخی بش یک عسکره وزیرستان پاشا کوندرودی طومانیبایه پادشاه بکام مطیع
 اول والا وقتکه حاضر اولوب غوریدن عبرت آل دیمک مضبوطه نامه کوندروب اودخی ایچیلری قتل و بش

یک عسکره جانبردی بی شامه کوندروب ورمیان و چرا که خان یونس نام منزله صباحدن اخشامه دن
 بحکم صاوشوب چرا که صینوب قیرلوب عشری مقداری مصره قاجوب رمله ده قلات بعض عسکر روی
 رمله خانی غزه خانی قهریکه قتل آید یلر طقوز یوز بکری ایکی ذوالقعهده سنک یکر می برنجی کونی پادشاه
 شامدن مصره عزم آیدوب رمله و غزه اشقیاسن قتل خبر کوندربمکن سنن پاشا انری قتل آیدوب ز قافله
 طلبوب پادشاه وارد قده شهر خانی عفوایتدی بعده قدسه زیارته کیدوب عسکری غزهده قیرلوب اوج کونده
 واروب کلوب بعده عسکره بخشش وروب بولده وزیر حسام پاشا عسکر بر به به تحمل آیده مزیمکن پادشاه
 آتی بوغردی * بعده (نظم) مسند مصر جای هر کس نیست * تخت یوسف سزای هر کس نیست *
 دیومصره عزم آیدوب سابقا سلطان غوری ایچون جمع اولان ذخیره بی دوهله بوکلدوب سکر و نلک
 قوسال و بروخت و صومر بر به به وارد قده یغمورل یاغوب برودت کلوب یوز یا صلوب صفایه کلوب
 کیدوب یوز بکری یک مقداری عسکر یاده و سوارایه مصره یقلاشد قده طومانیای او یوز یک برار آتو
 عسکره شهرک طشره سنه جی قوب خندقل کسوب مترسلر قوروب ایکوز مقدراری طوب دیروب فرنگدن
 طوب بیلر کتورتدی ایستادکن پادشاه طوب یله اوغره مامغیچون چرا که سنک اردلرندن وارمق ملاحظه
 یتد کده حلب حاکی ایکن قاجوب بعده پادشاهه مطیع اولان خبریای خبرای دلالتیه چرا که سنک
 اکره لری طرفندن برکه الحاح مزاینه قونوب ایرتسی که ذی الحجه نلک بکری طقوزی خیمس کونی آیدی
 علی السحر آلا یلر یوزب ایلفارله یوزوب مصر شهر نلک ارفه سی طرفنده اولان جبل مقطب نام طاع متندن
 کله کده چرا که نلک خلاف ممولاری اولغین شاشوب طوب یلر بطلال فالغین امواج بلا یاشلرندن آشوب
 صاغ طرفنده بر قاج طوبی آتوب لکن فائده ایتموب قوشلقدن بین الصلاقیه ده تفصیل محتاج عظیم جند
 اولوب عاقبت چرا که صینوب اکثری قیرلوب طومانیای آزادمله صعیدا یلنه جانبردی دخی شام یولنه
 قاجوب طوتلان چرا که قتل اولنوب بوجایدن دخی سنن پاشا وادنه حاکی رمضان اوغلی ونجه امرا
 ووانر عسکر دوشدی چرا که اردوسنده یجده دوه وقار و آت و لولوع رخت سهین واسباب و آلات یوزوب
 استرا تراشتر ایدر کینه یوزلر اولدی (نظم) مخزن اولدی سیم وزردن مر حله * نیجه نادر قهقهه
 کیردی اله (نثر) چرا که نلک انظفاه شمع وانتقاء جمهری ظاهر اولد قده پادشاه جله عسکر یله چادر لره
 قونوب اوج کون او یوزوب شهره کیر میوب شهر ضبطنه آدملر کوندروب امان دیوندا ایتدروب جیفه
 کتورتدن شاه و سپاه بر کتوردیلر * طومانیای اون یلک قدر عسکره لره بر کجه شخون ایتمکه کله جکی پادشاه
 ایشیدوب عسکر حاضر طوروب طومانیای خبر الد قده شهره کیروب ز قافلهده کوچه بندلر یاوب خندقلر
 قازوب طوب یلر یوزب ایرتسی وزیر اعظم یونس پاشا وافر عسکره شهره واروب اول کون و ایرتسی صباحدن
 اخشامه دن چرا که صاوشوب نیجه آدملر قیرلوب عاقبت کوچه بندلری بکر کارنده بوک ل اولر
 یخبر لردن و طبله لرندن اولر عورتلر اوغلا یققلر ایکی طرفدن عثمانلر اوسته اوق حربه طاش اغاج کول
 طیراق آتش آتوب یولردن دخی انلر اوق و تفلک آتوب ز قافله یلنه طلبوب اوچنی کون پادشاه جله سباه کلوب
 آتولر یاده اولوب قلسا نلرین پاشا یلنه طوبوب شر بزلر و هوایی طوب یلر و یجده تفنگار آتوب یخبر لردن اولر
 یقلوب آدملر لاله اولوب بعض اولر پادشاه غضب ایتمکین آتیه یا قوب ایچنده اولر لک کی یا قوب کی
 قاجوب نر نیله غرق اولدی * بعض اولردن حاشا طوب آتوب یلر خاص بدکاره دوشد کده امر پادشاه یله
 بعض عسکر او شوب اولردن انان عورتلری جی عساروب همه لردن دیوار لره یخلدوب اول کون و کیجه متصل
 صاوشوب ایرتسی محرمه لک سکر نده جمعه کونی جله اهل مصر اولری ایچندن امان امان دیونفراد و نغان ایتمکین
 چنکدن ال چک کلوب طومانیای بدرای بر قاج آدمه کی به نبوب صعیدا یلنه قاجدی امرا چرا که سنک
 یوز کسه طوبوب رمله میدانده پاشا یلر کلدی * مصر ز قافله لری لشکره طلبوب بوغزاده جله الی یلک
 عدد آدم قتل اولدی دیومنتولدر پادشاه شهره کیر میوب یه اوتاقه کلوب عفو ت ه و ا ف یچون لشاری
 نیله اندروب بر قاج کون موی ایچله دی * جانبردی پادشاهه مرفروا تمکین امانه کلوب ال او یوز خلعت
 کیدولدی * محرم یکر می اوچنده یوم سبتده پادشاه شوکتله شهره کیروب قخته کدی طومانیای پادشاهی

اغفالا طلب عفو ایچون اعتذار نامه کوندروب بودخی ظاهر یته بناء انا طولی کتخدا سیه امانت نامه ونصحت
 ایچون مذهب ارببه قضاتن کوندروب طومانیای جله سن قتل آیدوب پادشاه دخی ایستدین مجر داحتیاطا
 نلک جانب غر یسنه بکد کده طومانیای اوج یلک عسکر حرکه له کلوب عثمانلر اولر له صاوشوب طرفیندن
 چوق آدم دوشوب طومانیای پادشاهه یوز قاده آیدوکن بیچک اسکندریه به قاجوب اوکیجه پادشاه ایشیدوب
 روم ایلی بکر بکسی وشم سوار اوغلی و خیر بایله جانبردی بی کزیده عسکره ایلفارله کوندروب یخبره ولایتنه
 کیدر کن یتشوب چرا که نلک کین اسیر کین طعمه شمشیر آیدوب طومانیای قاجوب دیار غربه قاجق ایچون
 یلدن بکملر صد دنده یله یقلاشد قده یتشملکین حیاتدن امید کسوب رخت و لباس یله کندوبی صویه
 اند قده یوز بکلی یوزوب یتشوب جی عساروب اوچیزدن زیاده آدمه اسیر و در زنجیر آیدوب کتورلد کده
 جله یولدا شلری قتل اولنوب پاشاه شهره کیروب بولر چرا که خزنه سن اچوب جله عسکره بخشش وروب
 بعده طومانیای ایچون خیانتدن فراغت آیدر * عالی منصبلر و بر که عزم ایتمکین حالار عاتلر و امر پادشاه یله
 وزرا ای ضیافتلر آیدوب کن تحت یوسف قاتندن کندیکنه تأفف و دامنحالی کر به و آه وظهف اولغله
 قیویرلدی بکی تقدیر به کیر و فساد اشتغالی اکثر احتمال اولغین خصوصاً بقیه چرا که صحرارده اولان
 اعراب ابالبه بونک اسیر اولدیغنه ایستایوب الله یضر طومانیای دیوگاه کاه اطراف مصری غارت و تباہ
 ایتمکین پادشاه بونی شمشیر و تحقیر و تهنه نامی نسکینه سلطنت مصری کندوبه تقریر ایچون ربیع الاولک
 یکر می برنجی کونی حصاره بندروب شهری سنادیلرله کزروب جله اباسیه دیومور قیده آصوب اوج کون
 * ه اوب باوردی (نثر) کیه وفا یلدی بو سرخ دون * کابلدی عاقبت آتی زبون * ایتدی شهرلی
 زار و هلال * تحت نشین ایکن آیدوب زیر خاک * کینی مغلول و اسیر و ذلیل * کینی اعدا قلیله قیل *
 عزتی دکمزولک اوجی ذلته * لعنت حق انجیلر لدته * عقل اوکیم عبرت اله دهر دن * ایده حذر ایچمه
 اول زهر دن (وقایع) چرا که به تابع لکن قدیدن اباعن بد حرمین محرمین حاکی اولان سید برکات
 اوغلی ابوغنی محمدی هدایا و تهنیتنامه ایله مصره کوندربمکن کلوب ال او یوزب کلی رعایت او یوزوب بعده
 بدربنه خلعتلر و نقد و تحفه دن کلی بخشش لرفر لمکین مکیه کیدوب پادشاه اکرم حسرت قدماء عظام سلاطین
 عالم تولان خادم و حاکم حرمین اواق شرفته وصولنه شکر الله حرمین خلقه توزیع ایچون ایکوز یلک قدر تندر
 فلوری و بارجه لره یجده بقدا کوندروب تقسیم ایچون ناظر و کاتب و ایکی متدین قاضی کوندربی بوانتاده
 دیار بکرده ماردین و حصن کیه افتخار یلک و طرابلس بعضی عاصیلر قتل خبری کلوب و دیار مصرده شیخ
 عربلر وافر هدایا ایله کلوب ال او یوزب خلعتلر کیدرلوب رعایا به کمال عدالت اصغر انوب یلر یلنه کوندربلری
 (نظم) کلوا لاله آدمه دولت * یذیلر بر قیل یلک نعمت * کلوا لاله ایلک تدبیر * طوته مز آتی نیجه
 یلک زنجیر (نثر) پادشاه شامده ایکن استانبول محاسن قاضی پیری پاشا به امکندر به به دوغماله وافر ذخیره
 کوندربو خبر کوندرب قیودان جعفر اغا کلکین پادشاهه کتوردی بی سیره واروب ذخیره بی مصره
 و مصره النان جله اموال غنی کیدرله استانبول کوندروب مصره کادی * و جله عسکره وظیفه و تیارلر نه
 ترفیلر و یلر نه کیمکه ایزت و بردی بعده بخواص عسکره احوال مصری نظم ایچون بر مقدار او یوزوب
 مقیاس یلده بر قهر یا یدروب انده او یوزوردی * و ولایت مصری کیم ضبط آیده یلور و نوجه له تمکندر کندو
 کتزدن قول یلک ایچون شجیع و امکدار و مقبول اولان وزیر اعظم یونس پاشا بی مصره حاکم آیدوب او دخی
 کمال حرص و جبر ایله جمع مال مشغول اولغین پادشاه آگاهه چرا که سن دن سابقا حاکم ایکی اولان خیر بایی
 کندوبه قدیدن خلوصه بنده اداق خصوصاً بشار احوال عربستانه واقف اولغین ای مصره حاکم آیدوب
 ماه شعبانک یکر می ایکنی کونی مصر دن کوچوب بولده یونس پاشا پادشاه یلناشوب کیدر کن بر شام سوز
 سوبلر یوب قلب پادشاه یله خیانتی شبهه سنی مؤید اولغین بونی اولدی * پیری ویر میوب شامه کلد *
 استانبولدن پیری پاشا بی کتوردوب وزیر اعظم ایتدی و بلاد شام و حلبی تحریر ایتدروب و اوقافی و املاکی
 و ارضیت المالی تمیز ایتدروب خاص اولغله مناسب برلری خاص باقیلرین تیار و رعایت ایتدروب دقارتی
 ضبط اولندی * و بوشاده انکروس قرانی روم ایلمنده بعض ولایت ال او زادوب محارب به ده ازورن بکی شمید

علاء الدین یوز بروجی متون سوره یله کورنوروب قاعه به ایکنی از چینی کیرن بوالدی به در زمان عیالیه سلیه واروب
 امیر خیر بای بوندن اوقیوب جله خرجن کوروب بعده رونه کاوب سلطان سلیی قزلباشه غزایه تحریک و ثواب
 غزاده بر لطیف کتاب یازوب قزلباش سوره یله کیدوب یوله عسکره وعظ ایدوب جنکده مثلاً عایدوب
 پادشاه آمین دیرایدی * بعده روم ایانده بهض قصه لره واروب امر معروف ونهی منکر ایکن چوق کسبه
 صلاحه کاوب اوسکو بده اون ییل طوروب مجلسنده چوق کافر ایمانه کاوب سلطان سلیمانله دخی انکرومه
 سفر ایدوب جنکده عایدوب قبول اولدی * بعده بروسه به واروب طهوز یوز او تون سکرده وفات ایتدی کندو
 صلبدن یوز مقداری اولادی اولدی علوم کثیره ده کتب و رسائل یازوب علم کیمیاده کامل و مراده واصل
 اولغین ایکی مسجد ایکی جامع بنیایدی * ناصر دین نامر شرع مسین اولوب صحابه کرام سیرتو ایدی مشاقبی
 شقایقه تحصیل اولمشدر (۲۹) مثلاً خیر الدین که مملوک طوف دیرلری کار فضلالدن تحصیل و تکمیل عقیبات
 و تعلیمات ایدوب پادشاهه سرای خواجه سی بعده سکسان ایچه ایله واعظ اولدی مشارقه شرح کشفه حاشیه
 و علم طیده برکات و کلامه رساله لری یازدی طقوز یوز قرق سکرده وفات ایتدی (۳۰) مثلاً عبدالحمید
 قسطنطنیه دیر علمدان اوقیوب تصوفه سلوک ایکن او تون ایچه ایله استانبولده واعظ اولدی مفسر و فاضل
 کامل و زاهد عامل ایدی طقوز یوز قرقده وفات ایتدی (۳۱) مثلاً عیسی خلیفه بود دخی بهدا تحصیل تصوفه
 سادات و او تون ایچه ایله استانبولده واعظ اولوب وعظی غایتده مؤثر فاضل کامل و مفسر ایدی بهده سلطان محمد
 جامعینه خطیب نصب اولوب بعده فراغت ایدوب بنه واعظ اولدی (۳۲) مثلاً شیخ محیی الدین امامیه وی
 واعظ و فاضل کامل و محدث و سادات و عامل اولوب محبوب القلوب مصلوب الیه یوب مستجاب الدعوه عز بر
 اولوب وعظی غایتده مؤثر ایدی (۳۳) مثلاً توفاتی فاضل کامل محقق و عالم ربانی محقق اولوب امامیه بهده
 مدرس و درس و عبادته مشغول ایدی سلطان سلیمان سلطاننک اوانانده وفات ایتدی (۳۴) مثلاً مصلح
 الدین امامیه بهده سلطان بایزید جامعینه حافظ کتب اولغین حافظ کتب دیومش و ورایدی علمدان اوقیوب
 بعده عربستانه واروب کار علماء عربدن اوقیوب بهدا المجلع رومه کاوب مثلاً افضل زاده به دانشمند اولوب بعده
 تصوفه سلوک ایدوب امامیه بهده او تون درس و فتوی و تعلیم قرآن به مشغول ایدی جمیع علومده غایت کامل
 خصوصاً فقه عذیم الممال اولوب اون متنی جامع مخزن الفقه آدلوب بر لطیف متن و الکتر عیالیه او تون جز
 و شرح یازدی * محصل هر حاله نادر الاشیاء برکه من برکات الله ایدی (۳۵) مثلاً معید زاده امامیه ویدر
 فاضل محقق کامل مدق مستجاب الدعوه عز بر ایدی (۳۶) عبدالله خواجه اناطولیده قصبه کبری بیکده
 ساکن اولوب فقه و علوم عربیه بهده ماهر و مشتمل اولغین جله طالب علم الیه اینه کاواروب او تون لری جله
 اوقاتن درس و عبادته صارف مستجاب الدعوه عارف ایدی (۳۷) مثلاً حیدر پدیری خیالی چلبینک برادری
 و والدیه سی محمد بن محمد شاه قناریک قزیدر * بر مدرس بهده بهدایه کن مصره واروب فضلاء عربدن علوم
 شرعیه تحصیل ایدوب رومه کلدکه بروسه بهده سلطان اورخان متولسی اولدی فاضل کامل نادر و نظم
 و نثر عربیه غایت ماهر ایدی (فصل در بکار ماهر مشایخ در زمان سلطنتان سلیم خان) (۱) شیخ نصوح
 طویلی میری عالم و صالح و شاعر و خوب خط و حافظ قرآن ایکن مشایخ زینیه دن شیخ تاج الدین قرمانی به مرید
 و واصل مراد اولغین شیخ صنی و قائمده مسند ارشاده بکوب طقوز یوز بیکری درنده وفات ایتدی (۲) شیخ
 معصم الدین بروسه بهده امام ایدکن هم مدرس هم قطب زمان اولان مثلاً الیاسه داماد و اندن تحصیل
 مراد ایدوب لیب و ادیب و مہیب و کرامات ظاهره مشهوره صاحب عز بر ایدی (۳) سوره زاده شیخ محمد
 واصل مراد بقوی الارشاد دائم الاستغراق اولوب مجلسنه کچه بعض کسبه کلدکه موی سوندروب ذکره
 مشغول اوقاتن بیوروب امر به عمل اولمشد فقه الزان عجیبه و اطول غریبه ایله دمام نیجه عظیم نورل پیدا
 اولوردی متیدیلر بویله حال اولیجی بنده متنه مد او ملکی خالی قابل وصف اولامقدیر * برکون مرید لری به
 بکا انسلخ حاصل اولسه کر کدر اوج کوندن کمره بنده شیش علامتی کوریلورسه بنی دفن ایلاک کوریلورسه
 کندو حاله قولندوب دیدیکی زمانده کورده لکه سرکت و حسن و نفعدن قلوب اوج کوندن کمره
 یوقلدن کمره کونده بر مقدار شمشیر کین دفن اولدی (۴) شیخ بکلی محیی الدین قسطنطنیه بهده بر طاعنه تکیه

باب آندمه مرید لری ارشاد ایدزدی عابد و زاهد و صاحب کرامات عز بر ایدی (۵) شیخ حاجی چلبی مثلاً سنان
 پاشا و مثلاً خواجه زاده نک مقبول شاگرد لردن ایکن شیخ باوصی حضرت تری به مرید و تحصیل مراد ایدوب
 مزبورلک تکیه سی شیخی اولوب وافر مرید لری ارشاد و تربیت ایتدی علوم ظاهره و باطنه ده غایت ماهر اولوب
 صاحب کرامات علیه ایدی مفتی شیخی افندی نک پدیریدر طقوز یوز قرق درنده وفات ایتدی (۶) شیخ بهاء الدین
 زاده محیی الدین بکار فضلالدن اوقیوب بعده شیخ باوصی به مرید و تحصیل مراد و مجاز بالا ارشاد اولوب مرور
 زمانه شیخ نک تکیه بهده شیخ اولوب تربیت و ارشاد نام ایدوردی ناطق بالحق جامع جمیع علوم ظاهره و باطنه اولوب
 ذقابق تصوفده نیجه رساله یازمشدر * مفتی علی چلبی خسته اولدقده فتوی یازمغه بونی قائم مقام ایتدی
 طقوز یوز لالی برده بجه کیدوب کلدکه قیصر بهده وفات ایدوب شیخ نک شیخی ابراهیم قیصری یاننده دفن
 اولدی (۷) شیخ مصلح الدین بعض علوی اوقیوب حاجی چلبی به مرید و تحصیل مراد و مجاز بالا ارشاد اولدی *
 آثار و چند واستغراق یوزنده شاهده او انوردی قدس شریفه کیدوب انده وفات ایتدی (۸) شیخ معلم زاده
 جمیع علوم ظاهره به کامل و حافظ قرآن حاجی چلبی به و شیخ و قایه مقارن اولوب شیخ نصوح دن مجاز بالا ارشاد
 واکاف قائم مقام اولدی صاحب ریاضت و مجاهد اولوب قرق ییل ختله تراویح قیادی (۹) شیخ عبدالنبی
 خلیفه حاجی چلبی به مرید و تحصیل مراد ایدوب انک وفاتندن کمره عزت و عبادته مداومت ایتدی (۱۰)
 شیخ قرقه محیی الدین حاجی چلبی به مرید اولوب تحصیل مراد ایتدی * عابد و زاهد و عارف اولوب بروسه بهده وفات
 ایتدی (۱۱) شیخ اطف الله حاجی چلبی به مرید و تحصیل مراد ایتمش زاهد و عابد اولوب بروسه بهده امام ایدی
 (۱۲) شیخ امیر چلبی که اسی علیدر شرح کفایه مولفی سید جلال الدین کرمانی نسلندن اولوب پدیری
 بروسه بهده امیر سلطان او بنده تربیت اولمشدی (۱۳) شیخ علی بکار فضلالدن اوقیوب بروسه بهده سز بهک
 مدرس سی بعده او تون ایچه وظیفه ایله متقاعد اولوب شیخ نصوح دن ارشاده مجاز اولوب اوصاف جمیده صاحب
 ایدی (۱۴) شیخ خضر بک چلبی ابن مثلاً احمد پاشا ابن مثلاً خضر بک ابن جلال پدیرندن تحصیل فضائل
 ایتدکه استاد بروسه بهده مرادیه مدرس سی اولوب فاضل دانشمند لری بکا کاوب تکمیل علوم ایدوب بعده
 استانبولده امیر بخاری نقشبندی حضرت تری به مرید و تحصیل تصوف ایتدی مہیب و منشرع و متواضع
 و محبوب القلوب و مصلوب العیوب اولوب اشراف انامدن و نوادر ایامدن ایدی طقوز یوز بیکری او بنده
 وفات ایتدی (۱۵) شیخ لامعی چلبی اسی محمود در پدیری دیوان عالیده دفتر دار ایدی تازه لکنده فضلالدن
 اوقیوب تحصیل علوم و فضائل ایدوب بعده حضرت امیر بخاری نقشبندی به مرید و تحصیل مراد ایدوب
 او تون ایچه وظیفه ایله بروسه بهده متقاعد اولوب علم و عبادته مشغول اولدی ترکی و فارسی نظم و نثرده غایتده
 ماهر و مشتمل اولوب منظوم و منثور ترکی و امر کابریا زوب جله سی مقبول خلق اولمشدر * برکو بیکده دیار
 رومن مثلاً جامی بهدر ذقابق تصوفه واقف مرید و عارف ایدی طقوز یوز او یوز بیده وفات ایتدی (۱۶)
 شیخ سیدی خلیفه امامیه بهده پدیر شیخ حبیب خلفا سندن اولوب امامیه بهده انک زاویه سننده شیخ اولوب عابد
 و زاهد و عارف بالله قائم انیل و مسامح انبار ایدی وفات ایدرکن جتده کی مقاسی کوسر لکین نه کوزل
 مقاملردن نه کوزل حور یلدر یارب روحی نیجه قبض ایدوب اولاشدر دیو تضرع ایدوب وفات ایتدی
 (۱۷) شیخ عبداللطیف شیخ وفا طریقه تکیه سی شیخی اولوب احیانا جاذبه ابرشیمکین نعره اوروب وافر
 اضطراب ایدردی (۱۸) شیخ حاجی رمضان قسطنطنیه اولوب سلطان سلیمان سلطاننک اوانانده وفات
 ایتدی عالم عامل زاهد کامل اهل عزت عابد اقرا و دینارده برکه من برکات الله ایدی شیخ سوره زاده بونک
 خسته ایکن کورمکه کلدکه بن یار بن اولورم حق تعالی ییوردیکه نمازی سن قیله سن دیوب عینی واقع
 اولدی (۱۹) شیخ سوخته سنان عالم و عارف و عابد مصلح و زاهد و مرید ایدی استانبولده خاقدن عزت
 اوزره اولوب پادشاهک او اننده وفات ایتدی (۲۰) شیخ محمد بدخشانی قرآن عظیمی همان سوره و العادیا نه دک
 اوقیوب خالاعلمه کسه به اختیاریم یوقدر دیدی * پادشاه شاهی فتح ایتدکه شیخه واروب بری بر لری تعظیما
 فتح کلام ایتیمب مکتوبه آیرلوب ایکنی وارنده شیخ پادشاهه ایکنیز دخی الله قوللری یوزهمان فرق بودر که سکن
 ارقه لخلق یوکندن اغر بنم ارقه مخفی قدوسی ایله که خلاق متاعلین ضایع انیجه سن دیدی طقوز یوز

بکری ایکیدہ وقت ابتدی جعل اللہ الخلیفۃ ما واهم وملّا بالنور متقلیم ومثوام

(باب عاشردراحوال سلطان سلیمان خان غازی)

ابن سلیم خان ابن یار یزدخان ابن محمد خان ابن مراد خان ابن چابی سلطان محمد خان ابن یلدرم یار یزدخان ابن غازی مراد خان ابن اورخان خان ابن عثمان خان علیم الرحمة والفقران (نظم) شه صاحب قران سلطان سلیمان خان عادل دل * وجود پاکه پر نور در صان عالمه نازل (نثر) ولادتش فی سنه ۹۰۰ جلوسش فی سنه ۱۸ شوال سنه ۹۲۶ وفاتش در غزای جنت جزائی شهر مصر سنه ۹۷۴ مدت عمرش سنه ۷۴ مدت سلطنتش سنه ۲۷ شهر ۴ جدی سلطان یار یزدخان سنه ۹۲۶ خجائی ولایت کفہ پوری زمانده ولایت مغنیسا و صرخان ایدی (فصل در اولاد مرحوم پادشاه) (۱) سلطان مصطفی ولادتش فی سنه ۹۲۱ خجائی امامیه ایدی عصیان استمال و بر یکین سنه ۹۶۰ ده پادشاه حلبه کیدر کن چاغردلوب پوله بوغدرلوب میتی بروسه به کوندردلیکی اشاغیده کاور (۲) سلطان مراد (۳) سلطان محمود بویکیکنک وفاتی فی سنه طقوز یوز بکری ایدی سلطان سلیم تر به سنده مدفوندر (۴) سلطان محمد ولادتش فی سنه ۹۲۸ پادشاهک غایتده سوکوسی اولوب تخیف بدن ایدی وفاتش در مغنیسا فی سنه ۹۵۰ میتی استابوله کتورلوب روحی ایچون تر به وجامع ومدرسه یاپدی (۵) سلطان سلیم خان ولادتش فی سنه ۹۲۹ خجائی مغنیسا ایدی پدری برینه سلطنت بویکیمیر ارانددر (۶) سلطان عبدالله وفاتش فی سنه طقوز یوز او تو زایکی (۷) سلطان یار یزدخان وفاتش فی سنه ۹۳۴ برادری سلطان سلیم ایل محاربه سی و صینوب عجمه قاجوب انده بوغدرلدینی اشاغیده کاور فی سنه ۹۶۹ سیوا سده مدفوندر (۸) سلطان جهانگیر ولادتش فی سنه ۹۳۷ کوچک ایکن البدن دو شکیمن اوقه سی کوزایدی وفاتش در حلب فی سنه ۹۶۱ تاریخ سورختان سلطان مصطفی و سلطان محمد و سلطان سلیم و یار یزدخان سنه ۹۳۷ تاریخ وفات مرحومه سلطان والده پادشاه فی سنه ۹۴۰ تاریخ سورختان سلطان یار یزدخان و سلطان جهانگیر فی سنه ۹۴۲ وفات مرحومه خاصکی سلطان والده سلطان محمد و سلیم و یار یزدخان فی سنه ۹۶۵ استابوله برجامع وایکی مدرسه و عمارت و دارالشفا یاپدی ربوب صاحبۃ الخیرات محبة العلماء و الصالحا ایدی (فصل در وزراء مرحوم پادشاه) (۱) پیری پاشا که اسمی محمد اولوب تفصیل حالی یوقاروده یکمدرس بقادخی وزیراعظم اولمغین جلوسده ابقا اولوب اوج ییلدنصکره عزل اولوب برینه ابراهیم پاشا اولدی (۲) مصطفی پاشا قصبه ککبوزده مدفوندر آندہ جامع ومدرسه و عمارتی وارددر سابقا وزیر اولمغین جلوسده ابقا اولوب طقوز ییلدنصکره عزل اولندی (۳) فرهاد پاشا سابقا وزیر اولمغین جلوسده ابقا اولوب بعد زمان عزل اولوب بمندره خجائی ویرلوب بعده ادر نه ده غضب پادشاه یله قتل اولندی (۴) قوجه قاسم پاشا پادشاهک خجاقده دقتدرای اولوب جلوسده وزیر اولدی (۵) احمد پاشا روم ایللی بکار بکیکنکن وزیر اولوب مصر محافظه سنه کوندردلوب آندہ خاثر اولمغین طقوز یوزده قتل اولندی (۶) ابراهیم پاشا حرم پادشاهیده اوده بانی ایکن پیری پاشا برینه دفعه وزیراعظم اولوب اون اوج ییلدنصکره طقوز یوز قرق ایکیدہ غضب پادشاه یله قتل اولندی (۷) ایاس پاشا وزیر ایکن ابراهیم پاشا برینه وزیراعظم اولدی (۸) کوزیلجه قاسم پاشا وزیر ایکن عزل اولندی استابوله قارشو قصاده جامع ومدرسه یاپشددر (۹) بلاق مصطفی پاشا (۱۰) سلیمان پاشا وزارت ویرلوب بدون حفظه قوندی (۱۱) لطفی پاشا ایاس پاشا برینه وزیر اعظم اولدی بعده عزل اولوب طقوز یوز قرق ایکیدہ وفات ایدی (۱۲) حاجی محمد پاشا که صوفی محمد پاشا دخ دیاردی وزارتدن عزل اولوب بدون حفظه کوندردلوب آندہ وفات ایدی (۱۳) خادم سلیمان پاشا لطفی پاشا برینه وزیراعظم اولوب بعد زمان عزل اولوب طقوز یوز قرق ییدیده وفات ایدی (۱۴) رستم پاشا ایاس پاشا برینه وزیراعظم اولوب پادشاهک دامادی ایدی عزل بعده یه نصب اولوب طقوز یوز غش مکرده وفات ایدی (۱۵) خدیو پاشا وزیر ایکن عزل اولوب وفات ایدی (۱۶) ابراهیم پاشا عزل اولوب استابوله وفات ایدی (۱۷) احمد پاشا رستم پاشا عزله وزیراعظم اولوب بعده عزل و غضب پادشاه یله قتل اولوب برینه رستم پاشا نصب اولندی (۱۸) خادم حیدر پاشا حرم پادشاهیدن وزراتله جیهوب بعد زمان روم ایلده خجاق ویرلوب وفات ایدی استابوله مدرسه سی وارددر (۱۹) مصطفی پاشا وزیراعظم اولدی قسطوفی پادشاهی

اسفندیار بنسلندندر (۲۰) علی پاشا وزیراعظم اولدی (۲۱) محمد پاشا وزیراعظم اولوب چاق سلطان مراد خان ابن سلطان سلیم ابن سلطان سلیمان زمانده بر دیوانه اکندود یوانده بیجاغله کوکسنه اوزوب شهمید ایدی (۲۲) یرو پاشا سلطان سلیم زمانده وفات ایدی (۲۳) فرهاد پاشا سلطان سلیم زمانده عزل اولوب سلطان مراد زمانده عدولری طرفندن زهریدرلوب وفات ایدی (۲۴) احمد پاشا سلطان مراد زمانده وزیراعظم اولوب ییده وفات ایدی (فصل مرحوم پادشاه زمانده انواع طریقه فتح اوانان قلعه لر یونلدرکه) قلعه بکوره لی در روم ایللی و قلعه زمین و قلعه ارسلانغره و قلعه قونیک و قلعه ارشوه و بعض قلاع ولایت آنکروم * و قلعه باقراد و قلعه رودس و قلعه استانکوی و قلعه بودرم و قلعه لیدوس و قلعه سویالک و قلعه هر واردین و قلعه اوسک و قلعه ابوق و قلعه اوسک تکرار و قلعه صوبین و قلعه دنلواز و قلعه واردار و قلعه راحه و قلعه انمورچه و قلعه رخاص و قلعه ترجه و قلعه بوکای و نیجه قلعه لدخی و قلعه بدون و قلعه پشته و قلعه سکدین و قلعه بابجه و قلعه سل و قلعه حاج و قلعه بسو و قلعه سینا و قلعه یانقا و قلعه برلکه و قلعه قنی و قلعه ملک خاص و نیجه قلعه لدخی و قلعه بدون تکرار و قلعه شاق حصاری و قلعه کسل و قلعه قیونی و قلعه یاروچه و قلعه سلوارو و قلعه بزرجه و قلعه درافات و قلعه باسکر و قلعه قندوار و قلعه شوریل و قلعه یونداق و نیجه قلعه لدخی و قلعه قرون و قلعه اخلاط در ولایت ارمن در اناطولی و قلعه عادلواز و قلعه اختمان و قلعه سلطان و قلعه ارچیش و قلعه اونیک و قلعه شهر بغداد و قلعه شهربان و قلعه هاروتیه و قلعه دوداق و قلعه کرکوک و قلعه شهر حله و ضبط ولایت کردستان و ولایت کاهورستان و ولایت مشمش و ولایت جزایر در قرب بصره و جزیره واسط و قلعه کجناوه در میان ولایت قره بغداد در روم ایللی و قلعه وشموه و قلعه والیه و قلعه شقلاوش و قلعه یجوی و قلعه اوسترخون و قلعه مساور و قلعه بابی و قلعه ناتا و قلعه استوا یز باقراد و ولایت بصره و جزایر و واسط در اناطولی و قلعه وان و قلعه طمشواردر روم ایللی و قلعه بارغان و طقوز عدد قلعه لدخی و قلعه سکتوار و قلعه کوله (فصل در بیان غزوات و فتوحات و امور و نظم در زمان مرحوم پادشاه) (قصه) مرحوم سلطان سلیم خان عربستانی فتح ایلده کده طاقه چرا که سنه دن شامه بکار بکی نصب ایدی بکی جانبیدی غزالی سالاعه کرا جمع ایدوب ولایت شامده دعوی استقلال ایتمکین وزیر فرهاد پاشا و افرع ککرله کوندردلوب غایت تفصیل محتاج محاربات و امور ظاهر و ندر نصکره طقوز یوز بکری ایدی صفر نه ده جانبیدی و توابعی علف شیر شمشیر و هدف نیزه و تیر اولدی (سفر اول و فتوحات سلطان بی بدل) پادشاه سد ادم ادر شاد اعتیاد ایتد اقبال آباء و الاجداد اقامت سنت جهاد مراد فرادری اولمغین چنودنا سدد تحجاعت نمودله طقوز یوز بکری ییدیده استابولدن ولایت آنکروم مخصوصه توجه ایدوب بکوره لی زمین ارسلانغره قونیک ابرشونام قلعه لر و نیجه قلاع لدخی فتح اولندی و واتجیلر طاقه سی ولایت آنکروم و ولایت خروانه دل قین ایدوب بی حد اسیر و مال کثیر کوردیلر و قلعه باقراد سکیز بنیاده پادشاه واروب عسکرله قوشادوب طو یلر قورلوب دوکلوب (نظم) زلزله الساعة ثنی عظیم * مری نهم ایلدی عقل سلیم (نثر) غایتده صعب وحسرة الملوك ایکن یعون الله ذی المنزله و اخر رمضانده فتح اولندی مرحوم سلطان محمد خان بالذات واروب آکن فتحی و بصر اولدی یوقاروده یکمدر (امور) اولامیز ولایته امکندر نام فاسد و فسد مستولی اولوب یاشنده اولان آدمیری اتی قتل ایدوب سرشقا اسیری پادشاهه کتورلوب باعون ملک ذی المنزله دیارین عن طالع سلطان ذوالخلق الحسن ایل مالک منیه عثمانیه دن اولدی فی سنه طقوز یوز بکری ایدی و کوچک شهر زاده لردن ساطار مراد ییده سلطان محمودک وفاتلری خبر لری پادشاه یوله ایکن کادی (سفر ثانی و فتوحات) طقوز یوز بکری سکزدده پادشاه جمعیاه بالذات غزایه کتک ایچون ماه رجیده اسکداره بکوب قونوب عسکر جمع اولدده دوغماله دیاردن کیدوب اوائل رمضانده جزیره رودسه واروب طو یلر قورلوب غایتده صعب اولمغین بر قاج آی دوکوب شکم چلنوب عاقبت ماه صفرده یوزیش ایل فتح اولندی قارشو قصاده قلعه استانکوی و قلعه بودرم و قلعه رودس و قلعه سویالک لدخی فتح اولدی (امور) اولو ولایت البستان حاکی ذوالقدرلو شهم واروغلی علی بک پادشاهه طهارا اطاعت باطنا خیانت اوزره اولمغین فرهاد پاشا عسکر ایله غیری

بره کوند رملک نام به کیدوب قدیدن ایکسی آخرت قزنداش اولغین علی بکی پاشا خسته لک بهمانه سیه
ارتق آباده کتوردوب بر قاج اوغلار به بوغوب باشلرین کوب پادشاهه کوندردی فی سنه طقوز یوز یکرمی
طقوز (۲) مصرده ولایت شرقیه کاشنی جاک نام برکس و بحیره کاشنی ایصال نام ناکس طائفه بکراکسه
ایاله ایله اتقان ایدوب مصره مستولی اولغه باش قالد رمق دیلد کارند مصر محافظه سنده کی مصطفی
پاشا انده اولان پادشاه قوللرین کوندروب محکم صواب عاصیلک باشلری کلدی فی سنه طقوز یوز
یکرمی طقوز (۳) وزیر ایدوب مصر محافظه سنه کوندردلده عاصی اولغین باشی کسایوب پادشاهه
کوندردی (۴) شاه اسماعیلدن پادشاهه تنبیت جلوس ایچون نامه وهدایا ایله ایلی کادی (۵) وزیر اعظم
ابراهیم پاشا دربان کیمله مصر محافظه سنه کوندردی (۶) شاه اسماعیل وفات ایدوب برنه اوغلی شاه
طهماسب عجم شاهی اولدی دیوسر حدبکارندن خبر کادی بوجله امور طقوز یوزاد تو زده ظهور ایددی
(مفر ثالت وقت و حیات بعض امور) (۱) پادشاه ینه انکرومه غزا ایچون طقوز یوز او تو زایکی رجینده
عسکر عظیمه استانبولدن کوچدی (۲) سلیمان رئیس یکرمی پاره قادر غه ایله مصر دریا سندن ین ولایت
کوندردی (۳) فتح قلعه پروادی فی شهر شوال (۴) فتح قلعه و سگ غایت و سیم و رفیع اولوب چنک عظیم
و بعد امانه فتح اولندی (۵) قلعه ایلوق نمر تو ناکارنده خندق عمیق بر عظیم حصار اولوب محاربه ایله فتح
اولندی فی شهر شوال (۶) قلعه اولک دخی صعب حصار اولوب محاربه ایله فتح اولندی (۷) نمر صاوه اولندن
کیمله کوپرو باغین بدون طرفه عسکر کوردی فی شهر ذی القعدة (۸) قلعه صوبین و قلعه دلتواز و قلعه
وردار و قلعه راحه و قلعه افورجه و قلعه رحاص و قلعه تربجه و قلعه توکای و دخی نیجه قلعه لرجله سی
ماه ذی القعدة فتح اولندی (۹) بحر ای ماهاجده سلطان شجاعت مزاج قرال پراعواج ایله بوشوب
حد و صغدن بیرون علامات قیامت غون ایله حرب عظیم و ضرب عیم و کرب الیم اولوب عاقبت اطرب
عزت ایله کافر صیوب قیلوب مهاکه اولان معرکه جوی خون و کشته له مشحون اولوب قرال بد حال
بحر و روح اولوب قاجوب کیدرکن آتدن دوشوب بر پاشاده قلوب هلاک اولدی (۱۰) اعظم مداین و تختگاه
نکروس اولان شهر بدون که دیده کردون و کوش قرون نظیرین کوریموب و ایستوب حصره الملوك
و عسیره الی اولاندی شاه و سپاه متوکلا علی الله اکاواروب محاصره ایته کردند ماه ذی الحجه اولنده قلعه نک
جنگیلری و تنگیلری قاجوب سائر خلق شهر تیغ و کفن در کردن امان دیونهر زمان قلعه مفتاح کنوروب
عقوب پادشاهه مظهر اولدیله بدون مقابله سنده اولان قلعه پشته دخی فتح اولندی (۱۱) ماه مز بورده
سکدن و باجه وسل و ماج و پسو و سینا و یاقه اوپر لکه وقتی و ملک خاص و دخی نیجه قلعه لفتح اولندی (امور)
اولا پادشاهه سفردن کورکن ذوالقدر لوطا نه سندن سوکلان اوغلی و آتجه نام مفید خروج ایدوب قزلباشه
قاجوب کیدرکن بکری یثوب جیه لمرین طاغدوب و ابغی قتل ایدکاری خبری کادی (۲) کوچک شهر زاده
سلطان عبدالهک وفاتی خبری بعده شهر زاده سلطان یازیدک و غدیتی خبری پادشاهه یولده ایکن کادی (۳)
ذوالنون اوغلی نام کسه ذوالقدر لودن نیجه اشقیایی جمع ایدوب مملکت عثمانیه ده خلی فساد ایتمکین روم
ایلی بکری بکسی کوندردلده کده یثوب با من اوه سنده قتل ایددی فی سنه طقوز یوز او تو زواج (۱) حاجی
بکنش اوغلی قلندر شاه نام شیخ خروج ایتمکین قیو قوللریله ابراهیم پاشا کوندردلکین یثوب باشن کلدیلر
فی السنه المزبوره (مفر رابع بعض امور) (۱) نجه والامان قرالی بدوی کلوب الملقین اتی تکرار فتح ایچون
پادشاه انجم سپاه ماه و مقان اولنده استانبولدن چیقوب مهاج اوه سنه وارد قنده ولایت اردل بانی بانوش
قرال کلوب ال اوپوب فتح اولان ولایت انکروس کافر لریک مسلمانه عدم استیغاری احسان اولغین
انکروس قرالی شیخ و بر ملک شریطیله مز بور بانوشه ویرلدی و بعده پادشاه بدونه واروب عظیم جنگله فتح
ایندی فی رابع محرم سنه طقوز یوز او تو زواج (۲) قلعه بنای حصار دخی بو آید فتح اولندی (۳) ینه بو آید
پادشاه نجه والامان و انکروس قرال لریک قدیمی تختگاه لری اولان بیج شهر نه واروب قرال ساچا قاجوب
پادشاه بیج حصارین اوینش کون محاصره ایدوب قلعه خلطیله لیل و نهار صواب عاقبت کفار نجه والامان
الامان دیو غنان ایتمکین امان احسان ایدوب بلاد اسلامیه به بهید اوقاف فتح و ضبط نه قید و الملقین با خود

قیس زمانی کلوب فتحی دور و دراز محاصره به محتاج اولغین فراغت و اطراف کی اغارت او اوپ مال و منال
واطفال و عیال کفار بر ضلال الذوب شدت شتا اقتضایله دونلوب استانبوله کلدی (امور) اولا
شهر زاده لردن سلطان مصطفی و سلطان محمد و سلطان سلیم سنت او انوب عظیم دو کون اولدی فی سنه طقوز
یوز او تو زیدی (۲) شهر زاده سلطان جهانگیر وجوده کلدی فی السنه المزبوره (۳) اولامه پاشا قزلباشدن
قاجوب پادشاهه کلوب ال اوپدی فی السنه المزبوره (مفر خامس وقت و حیات بعض امور) (۱) ینه انکرومه
غزا ایچون پادشاهه انجم سپاه طقوز یوز او تو زسکزر مضای اوامطنده استانبولدن چیقادی (۲) مقدمه کسان
پاره قدر غه ایله قیودان دریا محافظه سنه کوندردی (۳) بتایس حاکمی شرف بک عصیان ایدوب قزلباشه
منتفی اولغین بکری بکلی اولامه پاشایه ویرلدی (۴) قلعه کسل خندقن عسکر اودون ایله طولدر مغین
ایچنده اولان کفار امان دیلد کلرنده پادشاه امان و یروپ قلعه بی ضبط ایددی فی اوائل شهر محرم (۵)
بود فعه ده قلعه قیو و قلعه بایروجه و قلعه سلوار و قلعه بزرجه و قلعه درافات و قلعه بلسکر و قلعه وار و قلعه
شوریل و قلعه سیوندان و دخی نیجه قلعه لری خلق اطاعت ایتمکین اشبو قلا عک جله می ضبط اولندی (۶)
الامان و نجه و خروات ولایت لری به انجیلر کوندردلکین عظیم شهر لری و قصبه لری و کوی لری یا قیوب و قوب وافر
امیر و مال کثیر ایله کلدیلر (۷) نجه والامان قرال لردن یولده ایلیجیلر کلوب اوج یله ذک صلح اواغه تضرع نامه ل
کتور مکین پادشاه و عده سیوروب سعادتله استانبوله کلدی (۸) قرنک کافر لری کیمله موره به جیقوب
قرون قلعه سین الوب ضبط ایدکاری ایته داکین برو بچردن عسکر ل کوندروب فتح ایدیلر فی سنه طقوز یوز
قرق (۹) سابقه عاصی اولوب بجان شرف بک بتایس بکری بکسی اولامه پاشا او زینه وافر قزلباشه کلوب
محکم صواب قلعه شرف تلف و شیر شمشیره علف اولوب توابعیله پاشلری کلوب درگاهه علیه کادی (۱۰) (۴)
ایچنین پاشاده همیشه دشمن عثمانیان (سفر سادس وقت و حیات و امور عظیمه) (۱) پادشاه جمعه ماه مجاهد
فی سبیل الله انتقام رضاه الی جل علامه پاشاه کراه خلافت پاشاهه اوزینه طقوز یوز قرق او اخرنده استانبولدن
چیقادی (۲) وزیر اعظم ابراهیم پاشا بعض عسکرله حلبده قشلاق ایچون مقدم کوندردلندی (۳) رئیس
خیر الدین بک که دیار مغریده جزایر ولایتک پادشاهی ایدی یکرمی پاره کیمله کلوب پادشاهه قول اوامین ینه
ولایتی کندی به بکری بکلی ویرلدی (۴) ابراهیم پاشا حلبدن کوچوب تبریزه واریجه قزلباشه تابع اخلاط
و عابد لواز و اختتام و سلطان و اراجیش و اوینک قلعه لریک خلقی مقبلا حلین کتوروب پاشایه تسلیم ایدیلر
(۵) خیر الدین پاشا یوز پاره قدر غه ایله دریا محافظه سنه کوندردی (۶) ابراهیم پاشا سیلاق اوجانه وارد قده
کیلان پادشاهی مفتر خان بش یکن عسکرله پادشاهه اطاعت ایچون پاشایه بولندی (۷) پادشاه دخی اوغله
کلوب پاشا ایله عسکر قارشو واروب شاه طهماسب خراساندن سلطانیه شهر ینه کادیکی ایشیدلکین ماه ربیع
الاخر غره سنده پادشاه آتک اوزینه یوروب سلطانیه به و قصبه اهره وارد قده شاهک اولو خان لردن ذوالقدر
اوغلی محمد خان یکن عدد بمقداری آدمه قزلباشدن قاجوب پادشاهه کلدی (۸) شاه نابکار خول و وار توابعیله
طباغدن طاعه فرار ایدوب نام و نشانی عیان اولدی (نظم) تکفیدر که پنجه اوره شیرله شغال * قابلیدر
مقابل اوله بیرله غزال * خصوصاً که پدیری شاه اسماعیل کند و اولادنه عثمانیانه قارشو ووروب چنک
اولنمغه لعنتنامه یازمشدی * امانه الله علیه اجمعین (فروح بعض امور) (۱) شاهک مکانی معلوم
اولوب شتازمانی ایشیدلکین پادشاه بغداده توجه ایدکده قزلباش طرفدن حاکمی اولان محمد خان
توابعیله قاجوب اهل بغداد قارشو کلوب مطیع اولوب پادشاه طقوز یوز قرق برجادی الاولی سنده کلوب
چادر لره قوفوب شهر بان و هارونیه و دادوق و کرکول و شهر حله قلعه لری دخی ضبط اولندی و وایراق و یقین
جمع مزارات مبارک فی پادشاه زیارت ایدوب حضرت امام اعظم مزاری اوستنه برقیه یا بدروب بغدادده
قشلا دی (۲) وکیل خراسان اولان غازی قزلباشدن قاجوب پادشاهه کلدی (۳) کردستان و کاه و رستان
و ولایت مشمش و بصره قریبده ولایت جزایر و جزیره واسط مسجر و مضبوط اولدی (۴) قلعه و انده
اولان پاشایی بعض قزلباشلر محاصره ایتمکین پادشاه او طرفه توجه ایددی (۵) امراء اکراددن سوران
حاکمی عزالدین شیر شاهه مکتوب کوندردلکین دیوان عالیده بوخی اورلدی (۶) پادشاه یولده ایکن شاهدن

کیمی که ایدرسه صاحب تخت و تاج * میره چار کسر ایدر مثل زجاج * مخفی بخت صفای پر کرد *
 عادی رقتل و مکر و شور و شر * فان ایچ هر دمه جسم و جاندن * عاقل ایسک کس امیدل آندن (۲)
 بوش پادشاه حلیده قشلاوب * همزاده سلطان جهانگیر * حلیده وفات ایدوب چنانچه سی استانبوله
 کوندروب همزاده سلطان محمد یاتده دفن اولوب بعد زمان طو بخانه ده روحی ایچون بر مختصر جمه جامع
 یالیدی (۳) اول یارده پادشاه دیار جمه کیدوب خجوانه وارد قده شاه ضلالتناه خوف غازیان شهنشیر زنان
 ایلد مائده زنان پنهان اولوب خصوصاً قش دخی کلوب طور لغه و چادر قور لغه بحال محال اولغین
 پادشاه رومه و نوید بحالده شاهک سرکتی ایشیدلکین وزیر اید پاشا وافر عسکرله کوندردلکده شاه کراه
 بی عارفار و کلوب یته فرار ایددی * پادشاه اول یارده یته جمه کتک ایچون جله عسکرله امام سیه ده
 قشلاوب شاه یونی ایشد کده قورقوب رجاه صله نضر عنامه ایلد ایچیلر کوندرومکین رجاهی مقبول اولدی
 (عصیان) همزاده سلطان یازید غور و شباب و اغوی اصحاب طریق رشاددن عدول و راه ساده دخول و مثل
 مشهور (من استجیل الشی قبل اوانه عوقب بحر مانه) دن غفلت ایتدکین یاتده عسکر قشلاوت اثر جمع ایدوب
 یول برادری سلیم خانک اوزرینه یوروب پادشاه یوسالی ایشد کده ساهم خانه معاونه وافر عسکر کوندروب
 صحرای شهر قوشه ده ایکی برادر بر آرزو مائده ویر و یانک تفصیل عظیمه محتاج عظیم جنگ ایدوب عاقبت یازید
 عسکری منظم بلکه اکثری منعدم اولغین یازید خان اوغلار یله ناچار فرار ایددی فی سینه طقوز یوز التمش
 الی یوقته سیدله طقوزان یک کسسه دلاک اولدی دیشلر (نظم) سعادت بخشایش داوراست *
 نه در جنگ و یازوی زور آوراست * چودولت بخشید سپهر بلند * نیاید بردانکی در کند (متر نالت عشر)
 پادشاه جمعیاه قبل الحاربه عصیان یازید خاندن آگاه اولد قده احتیاطاً سه رتدارک ایدوب ۵۰۰۰۰ عسکر
 مظفر ایلد کدر صحرایسته چادر قورقوب از نور دیر فی ۲۸ شعبان المزبور * بعده یازید خانک صینوب
 قاجدیغی ایشد کده مفرود فراغت ایدوب استانبوله کوب قرار و استراحت و عسکر طاعتله اجازت و بردی
 (تجه و عبرت عظیمه) یازید خان قهر سلطان قهرمان نشانندن هر ایدان اولغین عزم شاه ترسان ایدوب
 اون یک اندر عسکر ایلد شهر قوشه و یور و واروب شاه طه ماسبانی قارشو ایدوب او غول یونی اوغل ایدوب کلی
 رعایت ایدوب انک جرم عظیمی عنوی یچون پادشاهه مرار نامه لاله ایچیلر کوندروب پادشاه دخی بو حقیر
 بر تصیرک جد ایچدی رمضان زاده نشانی امیر محمد انشامله جوابلر یازوب تفصیل عظیمه محتاج امور
 صدورند نکره شاه کراه علیه لعنة الله یازید خانی بش نفر اوغلار یله یوغدروب پادشاه طرفندن واران آدمیره
 تسلیم ایتدکین چنانچه لری سیواسه کتوروب دفن ایتدیلر فی سینه طقوز یوز التمش طقوز (نظم) منه تاوانی
 دل اندر جهان * که ناپاید ارست و نامهربان * هر آن پاره خشی که درم نظر بست * سر کعبه قبادی
 و اسکن در بست * بجز خون شاهان درین طشت نیست * بجز خالک خوبان درین دشت نیست (متر
 رابع عشر) هر حمد مالک اسلامیه ده بر یازوب و یاتده دریا مال کول ایچنده بر جزیره ده که اطراف بر رفر بخندن
 زیاده عقیق و عظیم صوطورودی قدما کفار طوب کارا تمامک ایچون مناره واراناج دیر کردی کوب
 ارانسه چیلر چکوب شبکه مثال اوروب ایچنه صافی طبراق طولدروب یوجهله قات اندر قات حصار لری ایدوب
 دیواری غایتده عریض و بلند ایدوب یعنی سکتور و قوم شلرایدی حالا ایچنده اولان کفار یونیلیری رنجیده
 ایتدکین پادشاه آگاه بیلکدن خصوصاً تقریسن ضعیف و متالام * کن متوکلا علی الله و طلب الرضاء الاله
 عسکر نه راتر ایلد طقوز یوز التمش اوج شوالی اوائلنده استانبولدن چیقوب سرم او سینه وارد قده عظیم
 یغورلر یاغوب صاره و دراهو ایرمقیری طاشوب صحرای طوند قده عسکر یکمک ایچون کیلر اوزرینه یددی
 سکر کون ایچنده طوی بش یل یوزدراع کو بری یایدروب کوب بعد المنازل سکتور و وارد قلدیده مترسل
 قوروب اوتوز بر کون متصل عظیم طویلله دوکوب لکن طرب طاشلری طبراغه کوملکین فتح اولد قده
 قلعه بی اساطه ایدن سازل و یاتده کول او منته عظیم و واسع کو بری یایدوب اوزوندن یوریش اولوب غازیلر
 حصارلر بارونی یقوب فتح ایدوب کفار بی انبیا و غزای (و نظروا انهم مانعتم حصونهم من الله) ایچ
 قلعه یه قاجوب عسکر اسلام (اینا تکر و نواید رککم الموت ولو کنتم فی بروج مثبیده) حاکمین اعلام ایچون

طو یلر قوروب صاحبان اخنامه دل یونلر ایچرویه کافر طشریه طوب و نضت و قیر و سنک آتوب فتح و طفر
 اولد قده پادشاه صاحب عار تصیغت کار (ع) آتش قهر که یارب اولد یانسون حصار * دیومناجات
 پرورد کارا یتدکین اطف الاله اولد حصار که یارب اولد اولان بارونه و درودیوار سیوتنه آتش دوشوب کفار
 خاکسارک دارلری و جدار حصارلری مائده غبار نار مارو کندولری زاروبی قرار اولدیلر (نظم) همیشه
 اولد یانسون دیاری کفارک * مدام قاره بر او * حصارلری کفارک (نثر) بعده ناچار قلعه امامبرکد سایه
 التجا ایتدکین دخی مناسکله هر طرفدن طویلله دلوب کیروب صغار و کفار کفاری جله قیروب بر جان
 قورتلدی فی شهر صفر سنه یتمش دوت (فتوح) ولایت طمش وارده قلعه کوله که غایتده محکم و رفیع
 و خندق عقیق و وسیع اولوب اوج طرفی دریا مثال بر عظیم کول اساطه ایتدکین رقتی ۴۰۰۰۰ اولغین وزیر تانی
 بر تو پاشا نیجه بکار بکیلر و بکار و اتوا عندن عسکر ایلد سابقا واروب اطرافه طو یلر قوروب اون کون چنک
 اولوب وافر کار قیروب حصار فتح اولغین بقیه کفار ایچ قلعه یه فرار ایدوب لکن کر بر و سینه بحال اولما غین
 امان دیو قریاد و غسان ایتدکین امان ویرلوب قلعه ضبط اولوب ایچنده اولان کفار و یاتده کیدر کن
 غازیلر یتشوب جله سن قتل ایتدیلر و انجیلر ایلد طمانه تاناریاد رقتار بش اون کونک یولده اولان قری
 وامصاری یا قوب یقوب پر غنیمت اولدیلر * و یوسف و سکنوار و کوله دن غیری نیجه عظیم قلعه ل دخی فتح
 اوانسوب یولده بکار قاضیلر بکیلر و افر قوندی (فصل) در وفات پادشاه عالیجاه و جمع تقریسن ضعیف
 رالی عمد و مادم مشند اولغین (الموت راحة المؤمن) مغموم منجه (نظم) جانب ملک بقارخت کشیدن
 اولی * روی این دهر پیر و خنه ندیدن اولی * دیومنا جاته باشلیر کیمار حیا کار ساز ایتده نواز نیجه مدت در که
 روی زمین زینکین ظفر قریتم ایتدکین واصل اولدق رجام حاصل اولدق منام قالمی حاله بیست حرمته
 سعادت شهادت بعده دیدار شریفکی مشاهدت نصیب ایلد یود دعا فراوان و تضرع بی پایان ایتد کده دعا
 قبول اولغین قلعه لک قحقی خبری کلدیکی کونک کیجه سنده نصف الیلده که ماه صفرک بکرمی بری اولان
 سبت کیجه سیدر بر موجب حدیث رسول محمود شهادت اتوا عندن معدود اولان یورک اغریسندن شاه
 جلیل عظیم الهیله مفرط و یل ایچون کوس رحیل جانوب منرحه عمالک وجوددن مشازل جنان
 موعوده په ارتحال اعنی دیادن عقبایه انتقال ایتدی * اکرم الله ما به و عطر بنسائم دارا نخلد ترابه (نظم)
 جانش مقیم روضه دار السور و باد * کتفسرای مرقد او پرزور باد (نثر) بعده چنانچه رحمت اندازده سی
 ستانبوله کتوروب سابقا یاتدکی جامع شریفک اوتکندده دفن اولندی (نظم) اغلدی ماتم ایدوب
 خلق جهان بو حاله * چیتدی افلا که بودر دیه فقیان و ناله * روح پاکبسته ایدوب حضرت حق رحمت *
 ایلمسون حور یلرل اوزره طوب عزت ل (نثر) یونده افکنده نک بدری فاضل امجد و کامل اوحد نشانی
 زاده منلا احمد مکرمه ده قاضی ایکن خبر وفات سلطان عالی درجانی ایشد کده یونار یخ لطیف بی نظیری
 ایچاد و تحریر و انشاد و تسمیه ایتدیکه (تاریخ) شه عالم کزین آل عثمان * معین دین پناه اهل ایمان *
 نصیر شرع و ملت قطب اسلام * سلیمان خان غازی بن سلیم خان * بخت سلطنت هشت و چهل سال *
 نشسته با کمال عدل و احسان * جهان معجور شد در سایه او * شده چون ذات پاکش ظل پرزدان * بشی
 مدکی بشرق و غرب بکشد * بدر کاهش چو خسر و صد هزاران * مجاهدی سبیل الله بوده * همیشه
 در غزایکذاشت ازمان * برای نصرت دین کرد هجرت * رسیده در غزاعرش بیابان * عقیب الموت روح
 بر فتوحش * کسوده قلعهای چرخ بنیان * زحم الامر جاه النصر بنمود * بخت ملک و قشع عین برهان
 چودرماه صفر عزم سفر کرد * ازین عالم بدار الملک رضوان * شده روحش روان بر عالم قدس * بود
 از محض ایمان حب او طان * رفیقش روح باله انبیا باد * بصدیقین و با جله شهیدان * شود در روضه بخت
 مکانش * قربش رحمت حق نور قرآن * ریب نعمتش امجد چو بشنید * بتار بخش نظر کرده با معان *
 بکفته هائی در کعبه تاریخ * نیم در راه حق سلطان سلیمان ۹۷۴ (فصل در خیرات پادشاه مرحوم)
 میر قوم سلاطین عثمانیه نک عددده عاشری و دین مبین و مزج مشیت ملک ناصر و ناهیری اولد یغندن ماعدا
 عدل و احسانی عقل و عرفانی فهم و ادعائی همت و شانی حد و صفتدن آشری اولغین ککبار اختیار

ملوک صاف ذوی الشرفه الحق ملوک اوله جق ایدی (محرره) خبرله طولدرمش بدی عالمی * راجته وارمشدی هر برآدی * نام یاک دهرده دقاردر * بعد آثار کباری واردر (نثر) استانبوله اون شرفه لودرت مناره ایل برجامع واسع برصنایع باعشد که مه ندمان جهان حسن یاسنه حیران اولمشدرور التي عدد مدرسه برحجرات و دار الشفا و مکتب و مسافر خانه و عمارت بر خیرات دخی یا یوب استانبوله چشمه لر آراولمغین برکونلک یولدن اتم ایل شهره وافر صوکتور ووب نیجه چشمه لر احداث و شهر خلقنه اول خیر جاری ذوالنفع الساری ایل حیات تازه و فرح بی اندازه ابراث ایدوب مزبور صونک باشنده ایکی برده برطباغدن برطاغه صو آقی ایچون قوس قزح مانند نیجه کوزلو واسع و بلند دمورله کندلش طاشلرله کرلر ایدوب بر بنی سبل عظیمه یقلده قدحی زیاده استحکامله تکرار ایدوب * محصل مزبور کرلر بر قاج یلک یول ایلجه لر تخرج ایدوب اول بنای زیبای بر تقاضای دنیادن معدود اولمغه سزا اولمشدر * شام شریفه دخی جامع بی نظیر و مدرسه و خان و مسافر خانه و عمارت و مکه مکرمه دخی بر قاج لطیف مدرسه لر و نیجه بلاد عثمانیه ده دخی عظیم خیر لایوب جمله منی بیان خارج دائرة امکاندر (نظم) شکر الله سعیه الموفور * وکساء جمله من نور (فصل) مرحوم پادشاه زمانده مفتی اولمشدر (۱) مولانا مفتی علی چلی که احوالی سلطان یارینده علمانده یکمشد (۲) مولانا کمال باشا زاده (۳) مولانا محی الدین چلی که بویاکیسی سلطان ملیم علمانده یکمشد (۴) مولانا قدری چلی که اسبی عبدالقادر در بعد المدارس مجتهدن بروسه به بعده استانبوله قاضی بعده اناطولی به قاضی عسکر به بعد معزول بعده مفتی اولدی بعده مزاجنه خلل کلکین براغوب وظیفه تقاعدله بروسه به واروب مسجد و مدرسه یا یوب طقوز یوزالی بشده بالالی طقوز زده وفات ایدی * فاضل کامل اولوب طبع نقاد و ذهن وفادار ایل کاشف معضلات حقانی واقف مهمات دقایق ایدی تحریرات و رسائی اولوب ضعف مزاج سببیله بیاضه چقمه دی (۵) مولانا سعدی چلی قسطعه و یندر به بعد المدارس مجتهدن استانبوله قاضی بعده معزول و مجتهد مدرسی بعده مفتی اولوب خیلی زمانده نکره طقوز یوز قرق بشده وفات ایدی * عدده مشاهیر فضلاء عصر و زبده نجاریر علماء دهر اولوب عقل صاف سلیمی مصباح رسورد قریب طبع و مشکات مستغنی مناج کنوز حقایق ایدی * هدایه و تفسیر قاضی به ایجاز و اعجاز اوزره بر حاشیه یازمشدر که علماء کبار حل مشکلاتی و فهم مراداتی ایل اختیار ایدر لایدی * کتب کثیره عجیبه به مالک اولوب غریب علومه واقف و عارف اولمشدی قاضی ایکن هر هفته فضلاء مدرسی ضیافت ایدوب درس عام کبی میاجنه عجیبه ایتیر ووب حل مشکلات ایدردی * فضیلت و استقامت و سایر اوصاف حیده ده واصل رتبه علیا و نادره دنیای ایدی (۶) مولانا چوی زاده شیخ محمد بعد المدارس مجتهدن مصره قاضی اندن اناطولی به قاضی عسکر اندن مفتی اولوب بعده مسخ علی الخف مسئله منی قصه سنده پادشاه بوکا انجنوب وظیفه تقاعدله عزل ایدوب بعده روم ایل قاضی عسکر کلکین و ووب طقوز یوزالی در تده بر کیمجه بعد العشاء خسته اولوب قبل نصف الیل وفات ایدی * فاضل کامل اولوب خصوصاً فقه و حدیث و تفسیر ده غایت ماهر ایدی علم و عبادته مشغول اهل تقوی ناطق بالحق خنده روی و متواضع کسبه ایدی (۷) مولانا شیخ عبدالکریم القادر که اولیاء الله دن اولوب بعده مفتی دخی اولمغین مفتی شیخ در ردی * قصبه کرمانده طوغوب علمادن اوقیوب قرآن عظیمی از بر ایوب مثلاً بالی به دانشمند بعده شیخ امام زاده به مرید اولوب بعده استانبوله کوچک ایا صوفیاده اوتور ووب صوفیلری ارشاد و خلقه غایت تاثیر ایل و عطا ایدردی * وافر کاتبه مالک اولوب قوت حفظی نماینده اولمغین عجائب مسائل و نوادر اخباری ضبط ایدوب لذیذ المصاحبه متواضع و کریم الاخلاق صاحب کرامات کثیره عزیز ایدی * یلده برکه خلوت اربینه کیر ووب پرده چقور قاز ووب ایچنده اوتور ووب نماز قبول و سایر عبادت ایدوب کمال ریاضتدن حوامی معطاله اولوردی طشره چققدقه که چلک یله دلنه ینه و عطا وارشا ایدردی * فقه ده غایت ماهر اولمغین یوزاچه وظیفه ایله استانبوله مفتی اولوب طقوز یوزالی ایچنده وفات ایدی (۸) مولانا ابوالسعود بن شیخ محی الدین الشیرازی شیخ یاروس که خواجه چلی دیکانه بالا حلقه مشهور و ماز ایدی * بعد المدارس مجتهدن بروسه به بعده استانبوله قاضی بعده روم ایل قاضی عسکر * اولوب بعده چوی زاده اناطولی قاضی عسکر ایدی بعده مفتی اولوب اوتور ییل مقداری

فتوایه مشغول اولوب سلطان سلیم اوایلینده طقوز یوز سکسانده وفات ایدی * جمیع علومده غایت کامل خصوصاً علم تفسیر و فقه و علوم عربیه ده حد اعجازه واصل اولوب تألیف ایتدیکی تفسیر شریف زیبا بالغ رتبه علیا یلکه احسن تفسیر دنیا اولمشدر * نظم ایتدیکی قصائد عربیه حقیقه باله تحسان مانند قصائد امری القیس و حسان ایدوکی اهل عرفان اولمزه عیسایندر و الحاصل (نظم) لایدر لک الواصف المطری خدائمه * وان یکن بالغانی کل ما وصفنا (فصل) مرحوم پادشاه زمانده قاضی عسکر اولمشدر یوزاچدی (۱) مثلاً عبدالواسع که سلطان سلیم خان علمانده یکمشد (۲) مثلاً محی الدین چلی که بودخی آنده یکمشد (۳) مثلاً قدری چلی که بودخی فقه دن بر صحنه مقدمه یکمشد (۴) مثلاً ابوالسعود که بودخی بر قاج سطر مقدم یکمشد (۵) مثلاً قطب الدین زاده محمد چلی که قاضی زاده روی نسلدن اولوب بودخی قاضی قاضی عسکر مالح مثلاً جلیدنک بدریدر کار فضلا دن اوقیوب بعد المدارس حلیه به ده ادر نه به بعده استانبوله قاضی بعده اناطولی به قاضی عسکر بعده معزول و یوزالی ایلجه ایل مجتهد مدرسی اولوب بعده مدرسه بی براغوب حجه کیدوب کلوب بعده ینه وظیفه تقاعدله اوتور ووب بعد زمان طقوز یوزالی پدیده وفات ایدی * اهل کمال و فضیلت و سلف صالحین ایل هم سیرت اولوب مظنه ولایت ایدی حضرت امیر بخاری نقشبندی دامادی شیخ محمود افندی ادر نه قبوسندن طشره ده جامع و تکیه و حجرات یا در رکن مزبور مثلاً اناطولی قاضی عسکر اولوب مزبور شیخ مریدی اولمغین دیوان عالیدن طوغور و انده واروب مجوز سن و صوفی چیقار ووب الینه مبت آلوب درویشلرله ییل بنایه طاش و طبراق طاشیوب بعده اوینه کوردی (۶) مثلاً چوی زاده که بر کاغذ مقداری یکمشد (۷) مثلاً محمد که معلول امیر در لایدی کار فضلا دن اوقیوب بعد المدارس مجتهدن مصره قاضی بعده معزول بعده ینه مجتهد مدرسه به ینه مصره قاضی بعده اناطولی قاضی عسکر اولوب بعده اباغ اغریسنه مثلاً اولمغین وظیفه تقاعدله عزل اولوب طقوز یوزالتش اوچده وفات ایدی * علوم عقلیه و نقلیه دن بهره دار فاضل محقق و مدقق و اهل وقار اولوب استانبوله مکتب و دارالقران ملازمین او طه لری یا یوب انده مدقوندر (۸) مثلاً یوسف که منان چلی در لردی شنایقده مذکور اولمغین اوائل حالی معلوم اولدی اناطولی قاضی عسکر ایکن متقاعد اولدی علوم عقلیه و نقلیه ده غایت ماهر خصوصاً تفسیر و علوم عربیه ده صاحب فضل ماهر عالم ربانی و پیر نورانی ایدی * سورة انعام تفسیر نه کمال تدقیق و تحقیقه بی نظیر حاشیه یازوب کار بقاء صاف طرز زنده غایت لطیف و مفصل دیباجه یازمشدر (۹) مثلاً مصطفی که بستان چلی در لردی قصبه قاضیسی ایکن استانبوله خامکی سلطان مدرسه بی بنالولندقه داخل اولوق اوزره استاد او کاردی بعده المناصب روم ایل قاضی عسکر بعده متقاعد اولدی * غایتده فاضل ماهر و کامل متبحر و کمال صلاحله مشهور اولوب بودخی سورة انه امه غایت دقت و تفهیمه حاشیه یازوب سنان افندی نیک بعض کلماته اعتراض ایدوب کار علما ایکی فرقه اولوب بعضلر یونک جاننده بعضلر سنان افندی نیک جاننده در (۱۰) مثلاً عبدالرحمن چلی سعدی افندی نیک پرورده سیدر روم ایل قاضی عسکر بعده مصره قاضیسی بعده متقاعد بعده مکه به قاضی اولوب بعده متقاعد بعده سلطان سلیم خان ابن سلطان سلیمان خان زمانده روم ایل قاضی عسکر ایکن وفات ایدی فاضل کامل و مدقق ایدی یکی باعجه ده جامع و مکتب یاچمشدر (۱۱) مثلاً جعفر چلی شام قضا سندن اناطولی قاضی عسکر بعده متقاعد اولوب صاحب فضیلت و دیانت و مظنه ولایت و کرامت عالم ربانی و پیر نورانی ایدی شیخ الاسلام منع الله افندی حضرت تلمیذ و الدماجد دریدر (۱۲) مثلاً حامد افندی خیلی زمان روم ایل قاضی عسکر اولوب پادشاه وفاتندن نکره عزل اولوب سلطان سلیم زمانده ابوالسعود افندی وفاتنده مفتی اولوب بعده وفات ایدی فاضل و فقیه و غایتده دیندار ایدی (۱۳) مثلاً محمد که عبدالکریم زاده در لردی اناطولی قاضی عسکر ایکن متقاعد اولدی جمیع علومده ماهر صاحب فضل باهر متقن و متدین و تعداد علماده کار سلفه ملحق اولسی متعین اولوب غایت بلوغ و لطیف قصیده و اشعار عربیه بی واردر (۱۴) مثلاً پرویز افندی قول جنسی اولوب بعد المناصب اناطولی قاضی عسکر بعده معزول بعده مکه مکرمه به قاضی اولوب آنده وفات ایدی فاضل ذوق و فنون اولوب قدیدن نقشبندی طریقه سالک و متاع زهد و صلاحه مالک ایدی (فصل) مرحوم پادشاه زمانده الحق تحت قضا سنان

واصل اولان علمای بونرایندی (۱) منلا احمد که طاشکیرلو زاده دیرلردی بعد المدارس ادرنه ده سلطان بایزید مدرسه سندن بروسه به قاضی بعد از زل محنه مدرس بعده استانبوله قاضی اولوب بعده کوزاغری سندن اعلی و معزول اولدی علوم نقلیه و عقلیه ده ماهر حیر و بحر زانرا حای المصاحف و الفرائض و فقه و دیبدر طریق نقشبندی به ده سالک تقوی شعار عالم و عارف آگاه و اطلاع غرائب علومده آیه من آیات الله ایدی به متن مقتضایه و فوائد غیایه به غایت لطیف شرح و موضوعات علوم اولوب بر مختصر و لطیف کتاب و جمیع علومک مهمات و دقایق بین فرق الی جزء مقداری بر کتاب مفصل عظیم النظیر یازمشد که اکا ناظر اولان کمال فضیلت و احاطه سنه مخیر اولور نیجه مؤلفاتی دخی اولوب علماء آل عثمان احوال بیان ایدن عربی کتاب شقایق دخی بونک تألیفید را عی ایکن اغزیدن سوبیلوب کاتب یازمشد (۲) منلا آشیچی زاده حسن چلبی بعد المدارس بروسه به قاضی بعده وظیفه تقاعدله محسن مدرس اولوب طقوز یوز قرق ایکیده وفات ایدوب ذکی و اهل فضل و کمال و حیدر الخصال مجرد عن العیال ایدی (۳) منلا محمد که وزیر اعظم بیری پاشا ناک اوغلیدر علوم مشهوره دن تمام بهره دار اولوب مصطفی پاشا مدرسه سنه بعده محنه مدرس بعده ادرنه به قاضی اولدی وزیر اعظم ابراهیم پاشا خاطر یچون پدری معزول ایکن زهرایوب بعده غیرت حق ایرشوب قدیدن شرب عرقه مبتلا اولغین قیش کجه سی اوجاق کارنده لباسی طوشوب مستانه او یانوب حیرتله عرق دستی سن صومالوب اوسته دو ککین باغ دو ککین حکی عیونوب ایچنده هلاک اولدی (۴) منلا عبد اللطیف قسطنطونی دندر بعد المدارس ادرنه به قاضی بعده متقاعد اولدی جمیع علومدن حصه به ناقل و مطالعه و انواع عبادته متصل مستقل اولوب مستجاب الدعوه کثیر الاعتکاف قلبی صافی و زاهد نجیاحه حیدر الاوصاف ایدی (۵) منلا معمار زاده محمد بعد المدارس حلبه قاضی بعد از زل بنه محنه مدرس بعده بنه حلبه قاضی اولوب آنده وفات ایدی و فاضل محقق و کامل مدقق حیدر الخصال و مدید الفعالم ایدی خاتونی دخی قوی دانشمند اولوب شرح مفتاح و شرح مواقف اوقیوب علی سوزلری اولوب حسن خطی دخی و اغبین دورغرر و اکل و نیجه کابلردخی یازمشد ره یو حقیر لاجدی ره ضامن زاده نشانی بک مرحوم منور منلا به قلندر خانه مدرسه سنده دانشمند اولمشد (۶) منلا کریم زاده احمد بعد المدارس شامه قاضی بعد از زل محنه مدرس اولوب وفات ایدی فاضل محقق کامل مدقق حیدر الخصال اولوب علوم عقلیه ده خود ماهر ایدی (۷) منلا قره حیدر بعد المدارس حلبه قاضی اولوب تمتم طمع له عزل اولوب بعد زمان همان اوتوزاچقه وظیفه ایتدیلا استانبوله او قاروشونده مسجد یایوب اکا و قفل ایتدی بین الجله و فضله مشهور ایدی (۸) منلا عبدالله والده سی طرفندن منلا قناری نسلند ندر بعد المناصب حلبه قاضی اولوب وفات ایدی به اکثر علومدن حصه دار فاضل و مشغول و قوی الحفظ و حافظ قرآن و حیدر الخصال و کرم و سخاوت حاتم طیدن زیاده اولوب ارون بیک جلد کاتبه مالک ایدی قصیده برده به بر شرح یازوب احسن شروحیدر دیمشدر (۹) منلا بدرالدین محمود وزیر اعظم خادم علی پاشا ناک قولی ایدی بعد المدارس حلبه بعده ادرنه به قاضی اولوب آنده مسجد و مدرسه یایوب وفات ایدی علومدن بهره دار صالح و عابد و فقیه و متکلم و قوی القلب اولوب مفتی قاضی زاده افندی بک پدریدر (۱۰) منلا احماق چلبی اسکوییدر بعد المدارس شامه قاضی اولوب آنده وفات ایدی علوم جلیله دقیقه به واقف فاضل کامل بر معارف و بی نظیر منشی و شاعر و حفظ الطائف و تواریخ و نوادرده ماهر طارح الکافه لذیذ العصبه و الالفه و ندوسر یف شریخ و نظریف فصیح اللسان و صحیح الاعتقاد و مجرد عن الاهل و الاولاد ایدی (۱۱) منلا اسرافیل زاده غفرالدین بعد المدارس شامه قاضی اولوب بعده معزول بعده بنه شامه قاضی اولوب بعده حج ایدوب کلد کده معزول و بروسه ده مرادی به مدرس بعده دماغی مختل اولوب وفات ایدی علومدن بهره دار فاضل و ذکی و بجات و عقلیاته مائل ایدی (۱۲) منلا شمس الدین احمد که سلطان بایزید علماسندن حیدر ابراهیم نام هزیرنک قولی و شاکر دیر فاضل و صالح و متقی و اغبین ابتدا مدرسه حضرت ابی ایوبه بعده محنه مدرس بعده شامه قاضی اولوب آنده وفات ایدی (۱۳) منلا قراصیلو حسن چلبی بعد المدارس بروسه و ادرنه و استانبوله قاضی بعده وظیفه تقاعدله تکرار محنه مدرس اولوب وفات ایدی جمیع علومدن حصه دار فاضل محقق و مدقق و ذکی و حیدر الخصال اولوب پادشاه خواجه سی

منلا خیر الدینک دامادیدر (۱۴) منلا پیر احمد بعد المدارس حلبه قاضی بعده وظیفه ایله متقاعد اولوب وفات ایدی به جمیع علومدن حصه دار فاضل حیدر الخلاق اولوب بعض فقر براتی واردر (۱۵) منلا صاحب لوا میر که اسمی محمد ابن عبد الاقلدر عجمده شهر تبریزده پدری سی قاضی حنفی اولوب آندن اوقیوب کوچک ایکن منلا جلال الدین درانی کوروب پدری حیاتنده سلطان بایزید زماشته رومه کلد ندر بعد المناصب محندن حلبه بعده شامه بعده استانبوله قاضی بعده معزول اولوب طقوز یوزالتش اوچده وفات ایدی به علوم عربیه و شریعه ده ماهر عربی و فارسی و ترکی انشاده خوده احب فضل باهر اولوب یازدینی نیجه مفصل و فقیه لر انشاده اصحاب فضل و عرفان حیران اولمشد در کریم الشان پالیزبان صافی بال حیدر الخصال ایدی (۱۶) منلا محمد که منر حجابلی دیرلردی بعد المدارس شامه بعده بروسه به بعده ادرنه به قاضی اولوب آنده وفات ایدی فاضل کامل مدقق و ذکی و حیدر الخصال ایدی (۱۷) منلا علی بن صالح که منلا عبد الواسع معیدری اوغبین واسع عیسی دیرلردی بعد المدارس بروسه به قاضی اولوب آنده وفات ایدی به جمیع علومدن بهره دار فاضل کامل صاحب اخلاق حیده و وقار ایدی انشایی مقبول خول بلکه حیرت افزای عقول اولان ترکی هجابو تنامه بونک تألیفیدر فارسی کتاب کایله و دمنه دن ترجمه ایچمشد (۱۸) منلا ابواللیث بعد المدارس حلبه بعده شامه قاضی اولوب آنده وفات ایدی عالم و صالح و دیندار و صاحب وقار ایدی (۱۹) منلا مصلح الدین که مصدیر بخت دیرلردی بعد المدارس حلبه بعده مکه مکرمه به قاضی بعده معزول اولوب کورکن وفات ایدی به عالم و صالح اولوب سید علی بن میمون مغربی حضرت تریک خدمتده واصل اولمشدی (۲۰) منلا علی ابن الشیخ عبد الرحیم الموییدی که حاجی چلبی دیرلردی فضلادن اوقیوب فضائی مشهور اولدقه بر قاج مدرسه لر مدرس اولوب بعده دماغنه خلل کلکین در یادن مصره کیدرکن کافره اسیر اولوب بردوستی بونی صانقن الوب امتیازوله کلد کده ایکی مدرسه بعده شام قضای و برلوب بعده عزل اولوب کلد کده خسته اولوب بو انشاده مصر قضای و برلوب کیدرکن کونا هیبه ده وفات ایدی به جمیع علومدن بهره دار و حیدر الخصال ایدی وافر کابلری اولوب اکثری مطالعه ایچمشدی بعض فقر براتی واردر (۲۱) منلا هدایه الله ابن منلا یار علی البجی کمال پاشا زاده دن دخی اوقیوب بعد المدارس مکه مکرمه به قاضی اولوب آنده کوزلر بنه علت و خلل کلد کده قضای براغب و مصره کلوب وفات ایدی به جمیع علومدن بهره دار فاضل و دیندار ایدی (۲۲) منلا محیی الدین محمد بن حسام الدین پدری قول چلبی اولوب قصبه قضای ایدی کلد و سی بعد المدارس شامه بعده بروسه به قاضی اولوب بعد از زل بر قاج مدرسه ته کرار بروسه قضای بعده ادرنه بعده استانبول قضای و برلوب وفات ایدی عالم و فاضل و علم فقه و معارفه کامل صاحب نظم ایدی (۲۳) منلا مناو عبدی بعد المدارس مکه مکرمه به بعده مصره قاضی اولوب آنده وفات ایدی به عالم و فاضل و دیندار و قهر ظلمه و اجراء حقه کانه علم فی رأسه نار ایدی (۲۴) منلا کمال چلبی بعد المدارس محندن بغداد قاضی اولوب آنده وفات ایدی عالم و فاضل و حیدر الخصال ایدی (۲۵) منلا شمس الدین احمد بولی لیدر بعد المدارس شامه قاضی اولوب بعد از زل وفات ایدی اهل علم و حیدر الخصال ایدی (۲۶) منلا حکیم زاده محیی الدین فاضل ماهر و بیشتر و حیدر الخصال ایدی بعض شهر لر قاضی اولد قد نصکره مدینه منوره به قاضی اولوب آنده وفات ایدوب سابعه استانبوله مدرسه بنایچمشدی (۲۷) منلا یحیی که امین زاده کوسه سی دیرلردی بغداد قاضی بعده استانبوله دارالحدیت پادشاه مدرس اولوب بعده وفات ایدی فاضل کامل کسینه ایدی (۲۸) منلا محمد که خواجه قانی دیرلردی مکه مکرمه به قاضی اولوب فاضل کسینه ایدی (۲۹) منلا مصطفی التکیساری استانبوله قاضی بعده دارالحدیت پادشاه پوزاوتوزاچقه ایله مدرس اولدی فاضل کامل متدین ایدی (۳۰) منلا محمد بن محمد که عرب زاده دیرلردی بعد المدارس مصره قاضی اولوب در یادن قدرغه ایله کیدرکن غرق اولدی غایتده فاضل مدقق و کامل محقق ایدی (۳۱) منلا نعمه الله بن روشنی که روشنی زاده دیرلردی مدینه منوره به قاضی اولوب آنده وفات ایدی فاضل و صالح کسینه ایدی (۳۲) منلا احمد چلبی که قورچلی دیرلردی پادشاه خواجه سی خیر الدین افندی بک اوغلیدر شامه قاضی ایکن وفات ایدی فاضل و خوب صورت و صاحب سخاوت ایدی (۳۳) منلا عبد الباقی بن علی العربی مصره و بروسه به و مکه

مکره به قاضی اولوب بعد العزل استانبوله وفات ایتدی کسسه ایدی (۳۴) منلا محمد چلی ابن المولی
 العلامة ابو السعود الملقب شامه بعده حلبه قاضی اولوب آنده وفات ایتدی علوم جلیله دن حصه دار اولوب
 لکن عیش و نوشه مشغول اولغین فضیلتده کویچک برادرلی احمد جلیله نیک طبعه سنه واصل اولدی * بزرگی
 به علت نه بسال معلوم اهل کمالدر برادرندن ایکی ییل صکره وفات ایتدی (۳۵) منلا محمد مار زاده مصطفی
 ایضاً مذکور اولان حاج قاضی سی معمار زاده نیک اوغلیدر استانبول قضا سندن عزله نصکره مدینه
 منوره به قاضی اولوب آنندن دخی عزل اولدقده مصره کلوب وفات ایتدی فاضل محقق و کامل مدقق
 و صاحب ذهن و فاد و طبع تلمذ ایدی (۳۶) منلا امام زاده محمد چلی حلبه قاضی بعده یوزاچه وظیفه ایل
 امامیه به مفتی اولوب استانبوله وفات ایتدی فاضل و مشغول و لا ابالی مشرب ایدی (۳۷) منلا جلال زاده
 صالح مصر قضا سندن معزول اولوب کلد کده بروجه تلمذ مدرسه حضرت ابی ایوب الانصاری و برلدی
 پادشاه زمانده نیجه مدت نشانچ اولان قوجه نشانچ دید ککری جلال زاده برادریدر (فصل) مرحوم
 پادشاه زمانی علمائیک تحت قضا سنه واصل اولمشیر نیک کار مشاهیری بولر ایدی (۱) منلا خیر الدین که
 قسطه و نذر علمادان اوقیوب فاضل کامل و صالح عامل اولغین پادشاهه خواجه اولوب غایبده مقبول
 و مقرب اولدقده باب رفعت اتسابی مزاج و حیا و ملتئم شفا اولدی * مع هذا متواضع و کریم و متفق و عظیم
 التوال و حیدر الخصال مربی الفضل صاحب همت علی ایدی (۲) منلا حافظ الدین محمد که حافظ عجم دیرلردی
 بحمد برده شهر ندرت برزده جمیع علوم اوقیوب چله سنده ماهر و غایت مشهور اولدقده شاه اسماعیل
 ظهوری قترنده سلطان بایزید زمانده رومه کلوب بعد المدارس صحنه بعده ایاص و فیاضیه مدرسه بعده
 فارغ اولغین یمن اجه وظیفه تعیین اولدقده مدینه العلم آدلوب برکات تألیف ایتدی که سکر قسم اولوب
 برنده صاحب هدایه به برنده صاحب کشف برنده قاضی یضای به برنده سید شریقه به برنده منلا سعد الدین
 اوچنده دخی کار سلفدن اوج کسسه نیک سوزلرینه علمی اعتراض یازدی * شرح مواقف و شرح مفتاحه
 برز مقدر حاشیه و متن تخریده غایت مفصل و لطیف شرح و نقطه العلم فهرست العلوم معارف الکتاتب سبعه
 سیاره آدلوب رساله لودخی نیجه اسامی بحیبه ایل بعد رساله لری یازوب اکثری مسوده ده قالدی * خوب خط
 و غایت سربع الکتابه اولوب برآیده حسن خطله صدر الشریعه یازمشیر تحقیق و تدقیق و حفظ جمیع علوم
 و معارفده آیه من آیات الله اولوب مطالع و درس و کاتبدن خالی اولمزدی حیده خصال و پسندیده فعال
 اولوب طقوز زوالی بدیده وفات ایتدی (۳) منلا شیخ محمد مغوشی که مغریده شهر تونده طوغمندی پادشاه
 زمانده رومه کلوب قرق اجه وظیفه تعیین اولندی شقایقه ذکر اولندی اوزره جمیع علوم کجیع مساقی
 حتی مطول و حاشیه سید و طالع و مطالع و مواقف و مختصر ابن حاجب شرح لری و تلویح و کشف و طیبی
 حاشیه بی و نیجه ککابل بالتمام حفظنده اولوب مطالعه ایتمک دیلدی که خیالده اولان محفوظاته نظر
 و مطالعه ایدوب یاتده برکات و ورق اولوب دایما تلاوت قرآن ایدردی محصل (نظم) لیس من الله
 بمستکر * ان یجمع العالم فی واحد * مفهومه واصل درجه علیا و اندر نوادر دنیا و آیه من آیات الله
 الکبری اولوب عظمتا قدماء علماء الحق ملحق اوله جق ایدی شدت شناه رومدن قاجوب اجازتله مصره
 کیدوب آنده وفات ایتدی (۴) منلا عبدالفتاح حافظ عجمک برادریدر کار فضلاء رومدن اوقیوب ایکی
 مدرسه دفنکره استانبوله ابراهیم پاشا مدرسی ایکن وفات ایتدی جمیع علومدن بهره دار فاضل محقق
 و مدقق و قلبینده ماهر خوب خط حیدر الخصال ایدی (۵) منلا علی اصفهانی عجمدن رومه کلوب نیجه
 نصیانه قاضی بعده قلبه ده بعده ککبوزه ده مدرسه اولوب وفات ایتدی عقایات و نقایسات و افاقه تفسیر
 و علوم عربیه ده ماهر و عارف کثیر الکمال حیدر الخصال ایدی (۶) منلا جلال مصطفی الدین قرق یا شنده جلازه ایکن
 ارقوماغه باشلیوب فاضل اولدقده قصبه تیره ده مدرسه اولوب بعده کار مشایخه مقارن اولغین فارغ اولوب
 اوزراجه وظیفه تعیین اولغین اوقاتی درس و فتوی و وعظ و عبادت و تزیین و کجه نیک اکثرین احیایا ایدوب
 احیاناً نازده حال غلبه ایدوب حاضر اولنر مشاهده ایدردی (۷) منلا شاه قاسم بن شیخ محمد دوی مرحوم
 سلطان سلیم خان بونی تبریزدن کنزروب الی اجه وظیفه ایتدی عالم عامل فاضل کامل لذیذ الصبحه عزیر

ارنه هر علمدن خصوصاً تصوفدن حصه دار لیب و ادیب و وفار خوش نویس و منشی کامل نفیس اولوب
 باشلیدی توارخ آغائی قبل الا کمال آفرینه انتقال ایتدی (۸) منلا محی الدین قره باغی رومه کلوب سیدی
 علی زاده به معیده ده بعض مدرسه بعده مدرسه ازینقه مدرسه اولوب وفات ایتدی * علوم مشهوره ده فاضل
 کامل و دائم مشغول اولوب تفسیر و غیره و آخر تحریرات و جالب السرور آدلوب کتاب محاضرات یازوب مقبول
 علما و ایشدر حیدر الخصال کسسه ایدی (۹) منلا شیخ شبستری زاده بحمد علوم عقلیه و عربیه ده ماهر اولدقده
 سلطان سلیم زمانده رومه کلوب اوزراجه وظیفه ایتدی حاشیه تجرید و حاشیه مطالعه بر حاشیه و کافی به
 بر شرح یازمشیر و علم معاده فارسی بر رساله یازوب جمیع قواعدی منالری ایاتی سلطان سلیم ایتنه
 مهما ایشدر بعده آتش یتلوفارسی قصیده نظم ایدوب بر مصرای سلطان سلیمانک جلوسه بر مصرای
 رودس قصیده تاریخ ایدی بوقصه غرائب امور دندر (۱۰) منلا شیخ زاده یوسف علمای رومدن اوقیوب بعده
 عجمه کیدوب منلا جلال الدین دوانیدن اوقیوب آنده مدرسه اولوب تاهل ایدوب رومه کلد کده بعد المدارس
 طر برزونه مفتی بعده عزل اولنوب قرق اجه وظیفه تعیین اولندی اکثر علومدن بهره دار فاضل ایدی (۱۱)
 منلا جلال قصبه قضا لرندن وظیفه ایل متقاعد اولوب فاضل محقق و کامل مدقق عالم ربانی و پیر نورانی و بقیه
 سلف صالحین ایدی (۱۲) منلا کتخدا زاده فضلاء رومدن اوقیوب بعده عجمه کیدوب خیملی زمان جلال
 دوانیدن اوقیوب رومه کلد کده مناصب قضا انصرف ایدوب بعده فراغ ایدوب نیجه واروب کلد کده
 وفات ایتدی * فاضل محقق و کامل مدقق و خوش سیرت ایدی (۱۳) منلا امیر حسن بعد المدارس ادرنده
 دارالحدیث مدرسی ایکن وفات ایتدی فرائض سیده و مسعود روحی به بر حاشیه منی و بعض مؤلفاتی دخی
 اولوب علوم مشهوره دن تمام بهره دار ایدی (۱۴) منلا محمد شاه ابن منلا شمس الدین الیکانی بعد المدارس
 ادرنده ده جفته نیک برنده مدرسه ایکن وفات ایدوب فاضل محقق و مدقق و حیدر الخصال ایدی (۱۵) منلا شمس
 الدین احمد که عرب چلی دیرلردی علمای رومدن اوقیوب مصره واروب جمیع علوم اوقیوب کمال فضلی مشهور
 اولوب رومه کلد کده وزیر قاسم پاشا جزیری بوکا استانبوله قصبه حضرت ابی ایوبیده بایدی جامعده درس
 دیکل ایچون وظیفه تعیین ایتمکین اکثری تفسیر و فقه در سارین دیوب جوق کسسه متفقه اولوب احوال اوزره
 وفات ایتدی عابد و زاهد و حیدر الخصال ایدی (۱۶) منلا احمد که ورق شمس الدین دیرلردی بعد المدارس سخن
 مدرسی ایکن وفات ایتدی * فاضل و صالح و حیدر الخصال اولوب بوندن جوق دانشمند مستفید اولدیلر (۱۷)
 قره صالح بعد المدارس سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و عابد و زاهد ایدی (۱۸) منلا شیخ چلی بعده
 المدارس سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و ذکی و محقق و مدقق و حیدر الخصال ایدی (۱۹) منلا
 کیر بیچک زاده یوسف علمادان اوقیوب بعده کفده توطن و فتویه مشغول اولوب بعد المدارس استانبوله
 ایاصوفیه مدرسه سندن امامیه فتوای و برلدی * فاضل محقق و کامل مدقق و علوم شرعیه ده ماهر و حیدر
 الخصال ایدی (۲۰) منلا مناسیری چلی روم ایلنده ایکی کره قصبه مناسیرده مدرسه بعده فارغ و یکرمی اجه
 وظیفه ایل متقاعد و خلقه دن متقطع و علم و عبادت و مشغول اولدی عالم عامل اولوب برکه من برکات الله ایدی
 (۲۱) منلا شیخ ابراهیم الحلی الحنفی حلبه و مصرده علوم عربیه و شرعیه بی اوقیوب استانبوله کلد کده
 سلطان محمد خان غازی جامعته امام و خطیب و مفتی سعدی اقتدی نیک دار القرا سنه مدرسه اولوب طقوزوز
 الی التبیده عمری طقساندن زیاده ایکن وفات ایتدی * علم اصولده خصوصاً فروعه کار قهه سلف کرام
 رنیه سنده ماهر و مستحضر و غایت مدقق اولوب ملتی الا بجز آدلوب لطیف متن و منشیه المصلی به غایت جامع
 و نافع شرح و دخی نیجه کتب و رسائل یازوب بوندن یحیدر کرد و سائر ناس مستفید اولمشیر در سلف صالحین
 سیر تلویح و صالح و حیدر الخصال و برکه من برکات الله ایدی شرح ابن همامه جابجیا نیجه قوی اعتراضاتی
 وارد و غایت مشکل مسئله دوشدیکه مفتی سعدی ایتدی مرحوم بوکا خیر کوندروب مشاوره ایدردی
 دیومر ویدر (۲۲) منلا سیرک محی الدین قصبه توفانده مدرسه ایکن شهر زاده سلطان محمد خواجه اولدی
 فاضل کامل ذکی و متفکر و مشغول و عابد و ناطق بالحق و محب صلحا و حیدر الخصال و متدین ایدی (۲۳)
 منلا اهلجه محی الدین بعد المدارس بروسه ده سلطان مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و صالح و حیدر الخصال

اولوب اجیان او عظم دخی ایدوب وعظ و درمندن چوق کسسه منتفع اولدی طریق مشایخه مقصود ایدی
 (۲۴) منلاحسن چلی قرصیلو حسن چلی بیک برادریدر بعد المداوس سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی
 فاضل و ذکی و علوم جلیله دن بهره دار و عقیده ماهر ایدی (۲۵) امیر حسین چلی بعد المداوس سخن
 ایکن ایله ایکنی دفعه سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و ذکی و خوش صحبت و اهل همت و کرم و مروت
 محبوب القلوب مسلوب العیوب ایدی و زرا و کار علمانک مقبول اولغین اتمام مصالح فقر و احبابه جد و جدی
 بحساب و انکله ارتکاب صواب و اکساب ثواب ایدردی (نظم) برین رواق زبرد نوشته اند بر *
 که جز نیکویی اهل کرم نخواهد ماند (۲۶) منلاحمد ابن وزیر مصطفی پاشا علمان اوقیوب متفن و صالح
 و متدین و بالطبع و مؤدب و خصال حمیده ایله مذهب و مذهب ایدی * پیری مدرسه منه بعده بروسه ده
 سلطانیه به مدرس اولوب نازه لکده وفات و ترک دنیا ی بر آفات ایتدی (۲۷) منلا فرخ قمرانی بعد المداوس
 سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و لطیف الطبع و ظریف النفس لذیذ الصخبه ایدی (۲۸) منلا صاری
 سخن الدین به المداوس استانبولده پادشاه پیری مرحوم سلطان سلیم خان غازی روحی ایچون مدرسه باید قد
 سخن مدرسه سندن استانبول کورلری فاضل مدق و متفن و مشغول ایدی (۲۹) منلا مروی چلی که اسمی
 مصطفی در فاضل متفن و عابد و متدین و شاعر و پر معارف اولوب و افره و انصاف و اراد و در شهر زاده سلطان
 مصطفی به خواجه ایکن انک قتلده استانبولده قائم پاشا مدرسه سی و بر لوب کمال عزت و عبادت و اشتغال
 اوزره وفات ایتدی (۳۰) منلا جرجان که اسمی ابراهیم اولوب امامیه مقتیسی ایدی عالم و فقیه و صالح کسسه
 ایدی (۳۱) منلا احمد چلی ابن شیخ الاسلام مفتی الانام ابو السعود بعد المداوس سلیمانیه مدرسه ایکن کیه قد
 کسان استیوب خسته اولوب من شایده وفات ایتدی * کمال فضل و حفظ و ذکا ده عجمه دنیا اولوب معمر
 اولسه کار سلفه ملحق اولق محقق ایدی (اصل) مرحوم پادشاه زمانده اولان کار مشاهیر مشایخ نور
 ایدیلر (۱) شیخ عبد الکرم القادری که مفتی شیخ در لردی بعد زمان استانبولده مفتی اولغین مقبیل فضلده
 تفصیل اولغندر (۲) شیخ محمود چلی منلا قریبی برورده سید و علمه مشغول ایکن امیر بخاری نقشبندی
 حضرت ترینه مرید و تحصیل مراد ایدوب دامادی و قائم مقام ارشادی اولدی * عالم ربانی و مرشد کامل صمدانی
 و مهیب و ادب و نورانی ایدی مجلس شریفنده کند و یاتده کتاب منوی اوقیوب کندوسی اتی طریق تصوف
 اوزره تفسیر و تاول و شرح و تفصیل ایدوب عابد متصلب فی الشریع و عارف عالم بالاصل و الفروع ایدی * ادرنه
 قیوم سندن مشهوره تکیه و جامع یا یوب مرید لریلده ساکن اولدی بو عبد حقیرک والدیه سی والد سنان پیری
 اولوب طقوز بوزالی درنده وفات ایتدی روح الله تعالی روحه (۳) شیخ حاجی خلیفه دانشمند ایکن مزبور
 شیخ محمود ایتدی به مرید و محصول المراد و محاز بالارشاد اولدی * بعده عزت و عبادت و ارشاده مشغول
 اولدی حید الخصال و کلماتی مؤثره فی القلوب اولوب کجیلر اوسوب صبا حده دل قبله به فارش و جناب
 سخته متوجه اولوردی * بر کون ایکی مرید ایله اسکداره بکوب اصلا تدار کسر و خانوته خبر من ترجمه کیدوب
 دوشنده دینه ده وفات ایتدی (۴) شیخ بکر خلیفه دانشمند ایکن حاجی خلیفه به مرید و تحصیل مراد ایدوب
 انک وفاتده نکره برینه بکوب ارشاده مشغول اولدی عالم و عارف و حمید الخصال ایدی (۵) شیخ کوندیه صلح
 الدین دانشمند ایکن طریقت زینیه دن شیخ تاج الدین انک وفاتده نکره شیخ قوجه لی محی الدین به مرید و ایدن
 محاز بالارشاد اولوب استانبولده انک برینه بکدی عارف و عابد و زاهد و منزوی ایدی (۶) شیخ محی الدین ازبکی
 سلطان سلیم جامع انک امامی ایدی شیخ یاوصی دن تحصیل مراد ایتش عابد و زاهد و حافظ قرآن و صاحب
 کرامات و افره طاهر ایدی (۷) شیخ اسکندر قول جنسی اولوب شیخ یاوصی به مرید و تحصیل مراد و محاز
 بالارشاد اولوب ای ایکن برکت تصوف ایله معارف ذوقیه به مالک اولدی که معارفه عقول حیران اولوردی
 تری الارشاد صاحب کرامات ایدی (۸) شیخ سنان اردبیلی شیخ چلی خلیفه دن تکمیل طریق انشیری
 عارف عابد و مرشد و ارشاده مشغول ایدی عری یوزباشندن بکوب طقوز بوزالی برده وفات ایتدی (۹)
 شیخ بلی خلیفه صوفیه بود و عالم عامل مرشد کامل صاحب کرامات ولی علی الدرجات اولوب طقوز بوز
 لایند نکره وفات ایتدی (۱۰) شیخ مصطفی که مرکز خلیفه و مرکز ایتدی در لردی منلا خضر بک اوغلی

احمد پاشا دن اوقور کن مقبل سانه مرید و ایدن تحصیل مراد ایتدی فاضل و مفسر و عارف و اهل سر و واعظ
 و مذکر فاع و زاهد و ابرار آداب شریعت و طریقتده مجد ایدی (۱۱) شیخ سنان خلیفه امی و غایت پیر اولوب
 لکن مرشد و صاحب جذبات الهیه و احوال سنییه ایدی خلقدن منزوی و قرا و مساکنی مرعی ایدی (۱۲)
 شیخ اویس چلی خلیفه مرید لردن اولوب * آمده توطن ایتدی عابد و زاهد و متقی و صاحب عرفان عظیم اولوب
 خلیز بو کاغایت محبت ایتلردی (۱۳) شیخ بابا حیدر سمرقندی کوچک ایکن خواجه عید الله نقشبندی
 حضرت ترینه خدمت ایدوب بعده آنلر بر مرید لرینه مقارن اولوب بعده مکه مکرمه ده نیجه زمان بجاور
 اولوب بعده استانبولده کلوب خلیز بو کاغایت اعتقاد ایدوب عابد و زاهد و عارف بالله ایدی (۱۴)
 شیخ صفی الدین امامیه دن اولوب سر اجلری شیخی در لردی عابد و زاهد اولوب عزت و خلوت و علم تهییده غایت
 مهارت ایدی (۱۵) شیخ عبد الغفار صبه مدرینو اولوب شیخ زاده در تازه لکده اهل هوا ایکن ادرنه ده
 بر کجیه واقعه سنده پیری بونی دو کوب قاضی صیاح شیخ رمضان و اربوب توبه و یعت ایدوب خلوت کیروب
 بعد الحامدات و اصل مقامات و کرامات اولوب محاز بالارشاد اولد قد و لایتنه کلدی * علوم جلیله ظاهره دن
 بهره دار اولوب وعظ و درم و عبادت و محکم چالشوب عربی و فارسی انشا و نظم لرینه ماهر و خوش نویس
 ولی نظیر خطه مالک ایدی لذیذ الصخبه ولی علی التبه ایدی (۱۶) شیخ عبد المؤمن سید علی بن مجنون مغربی به
 نیجه مدت مقارن بعده شیخ صوفی زاده خلیف سندن برینه مقارن بعده بروسه ده عزت و وعظ و نصیحت
 مداومت ایتدی چیل السیر عزیز و معتبر ایدی (۱۷) شیخ شجاع الدین الیاس کوچک ایکن طریق خلوتی به
 منتسب اولوب عظیم چالشوب استانبولده دریا ایچنده قیرقله سنده اوج بیل عزت ایدوب شیخی خسته
 اولد قد مرید لرینه کند و برینه شیخک کیه اوله جفته جناب حقدن اشارت امیدیه توجه امر ایدوب جله سنه
 شجاع ایچون اشارت اولغین آنی شیخ دیکدیلر * ای اولوب لکن احوال طریق عالم ایدی اکثر یا جذب غلبه
 ایدوب اقوال و افعالی مضطرب و مختله اولوب انکچون جنون ایله ملقب اولمشیدی وفاتدن بر قاج آی مقدم
 موته اشارت اولغین بوابه و اعلشوب و اغلشوب لقاه خدا جل و علایه اظهار اشتیاق ایدرک وفات ایتدی
 (۱۸) شیخ احمد بن شیخ مرکز ایتدی علوم عربیه و حدیث و تفسیری در لردن اوقیوب علوم ظاهره و باطنیه ده
 کامل اولوب وعظه چالشوب بوندن غایت چوق کسسه منتفع اولغندر بعض مسائلده بعض رساله لریاز مشدر
 (۱۹) شیخ صاری جیلانی که اسمی ابراهیم مغنیایه قریب برده خلقدن عزت و کثرت عبادات اوزره
 صاحب کرامات کثیره و عظیمه اولوب کار عارفین و خیاری متقیندن ایدی طقوز بوزالتش ایکیده وفات ایتدی
 (۲۰) شیخ محی الدین که قلندر خانه امامی در لردی علمای عصرندن اوقیوب غایتده کامل و فاضل اولد قد
 علم تصوفه مالک اولوب شیخ حبیب قمرانی و شیخ قاضی امیر بخاری به مقارن قلندر خانه جامع منه امام و خطیب
 اولوب طقوز بوزالی اوچده بوزالی یاشنده وفات ایتدی * علوم عربیه ده و شرعیه ده کامل و عبادتده مشغول
 عالم ربانی و پیر نورانی ایدی (۲۱) شیخ مصطفی الدین حضرت امیر بخاری نقشبندی خلف سندن اولوب طاشاو
 تکیه سنده شیخ ایدی عابد و زاهد و مرشد و مجاهد ایدی (۲۲) شیخ سنان فلیبه ده ساکن ایدی مشایخ
 عظامدن یتسوب صاحب کرامات اهل وجد و حال ولی علی القدر ایدی (۲۳) شیخ قره لوعلی چلی مزبور شیخ
 سنانک اوغلدره الولد علی سراییه منه و منجه ولایت و کراماتده پیر بنه شبیه ایدی (۲۴) شیخ واعظ علی چلی
 عالم و عامل و فاضل و کامل و دیندار و متصلب و متقی شعار ایدی (۲۵) شیخ عبد الرحمن مرزیه و نلی ایدی که
 واعظ شیخ زاده در لردی عالم عامل فاضل کامل واعظ مفسر زاهد و صاحب السر اولوب مجر د اولغین سلطان
 محمد غازی جامع منه بر بنجره ایچنده لیل و نهاره معتکف و ارماکن و دائم مطالعه و عبادتده مشغول وراکن
 ایدی (۲۶) شیخ محمود دده قوییه ده منلا خضر کاکر حضرت تریلرک مرار شریفنده بر بنجره ده خلقدن منعزل
 و عبادتده مشغول مستجاب الدعوه و صاحب کرامات اولوب من حرم پادشاه بو کالوشوب خبر دعاسن المشدر
 (۲۷) شیخ عبد الله بابا اهل ولایت و صاحب کرامات آقشم رقرینده بوله یقین برقر به ده اولوب تکیه سی سلاطین
 عارفی کبی مسافر بنه دار الضیافه ایدی هر کون ییک نفر آدم کسه کند و لره طعام و آفرینیه برین لوردی
 جناب حقدن برکت خلیل و بر لردی نیجه برده مسجد و کویار بنا و ده میر ایدوب خیرات و صدقاتی بیحد ایدی

نیجه یوز چقی پوریوب کسب حلال ایله کیچنورلردی کندودنصره اولادی دخی ضیافت مسافرین اوزره غایت مشغول ایدی (۲۸) شیخ محمدکه علم طبده ماهر اولغین حکیم چایی دیرلردی حضرت امیر بخاری قشبندی مرید زندن اولوب عالم عامل و فاضل کامل و مرشد ظاهر و باطنی مع و ورع زین پر نور ایدی طقوز یوز یتیم درنده وفات ایتدی (۲۹) شیخ ارلی زاده بکار مشایخ زهاددن اوقیوب قوشنده وعظ و ارشاد ایدردی اهل علم و کمال و صاحب عرفان و حال ایدی (۳۰) شیخ شاه علی چایی ابن دقتدار قاسم یک ملازمندان فارغ و ایام و فیاجا معنده ساکن اهل مشاهده صاحب تقوی و مجاهد و عالم و عامل و عارف کامل ایدی (۳۱) شیخ عبد الطیف قشبندی سلطان مراد و زراسندن قیون موسی اولادندن و مقدمامند کوراولان مولانا مصنف نسلندن ایدیکه مذکور مصنف امام خیرالدین رازی و حضرت ابوبکر صدیق نسلندندی من پور شیخ دانشمند ایکن فارغ اولوب امیر بخاری قشبندی دامادی و قائم مقامی اولان شیخ محمود ایتدی به مرید و داماد و تحصیل مراد و آنک وفاتنده قائم مقام ارشاد اولدی علم و حلاله معهود و حسن خلقه مشهور درون و بیرون پراوان صاحب اسرار عزیز با قار و تقوی شعار اولوب مشغول و مرصاد الیه بادتقانه معتاد صاحب ترتیب و ارشاد ایدی * پادشاهک شیخی مرتبه سنده معتقد و مقبول ایکن ملاقات ایچون چالشوب سرایه کتور سیوب آخر پادشاه اکا و ارمق ایتدکده غرض رجاء دعا ایلده دائم مشغول اطف ایدوب زخمده اولسون دیور و ارور بر میوب بر کون پادشاه تره لزبانی بهانه سیمه علی الفقه بوشمغه کلور کن مر حوم شیخ ایتدوب باغچه سته کیدوب پادشاه کلوب حضرت امیر بخاری تره سین زیارت ایدوب شیخ ایتدی قنده در دیور و دقده بعض درویشان پادشاهمزلکه جکلرین بلیوب صباحدن اولاد لایله باغچه یه کندیار دیشار من پور عزیز برنجناپ حقدن اعظم مرادانی مدینه حضرت رسولده یامکده وفات ایتک اولغین اول سته یقلاشدقده اهل و عیال لیله مکة مکرمه یه کیدوب بعد الحج عمری تمام التمش اویج ییل اولدقده مرادی حاصل و دار آخرته رحیل و منتقل اولوب علماء مشایخ کرامدن حضرت فضیل بن عیاض من ایلنه متصل دفن اولندی فی شهر شوال سنه طقوز یوز بر * مر حوم مر قوم بو عبد مقبرک والده ننی پدیری اولوب تاریخ من پورده بوقیر اویج یاشنده اولوب والدین ماجدین ایله استانبولده ایدک (مؤلفه) ذکر اولنان مشایخ و علما * اولادیلر چون دعوات راه خدا هر برینه ایدوب بخدا رحمت * مرقدین ایلده روضه جنت * خیر عالم رسول حرمتنه * اول کریم الاصول حرمتنه * بریده انلره ایدوب الحاقی * جله من ایلده رحمته اغراق * هر که دیورود عایه آمین * اوله عالمده هر بلادن آمین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي طهر ظهر الارض بان ظهر اشرف الاديان * ونسخ به نسخ اهل الكفر والبعث والعدوان * ثم الصلاة والسلام على حبيب الرحمن * محمد المرسل الى كافة الانس والجان * وعلى آله واصحابه ذوي الايقان والعرفان (اما بعد) قسم ما بع كتاب مرآت الكائنات اولان الله جو اوراق فواند سمات دور حضرت آدم له نبوت نقر عالم صلى الله عليه ما وسلم ما بيننده كلان جاعه مملوك و حكامي و مشاهير اماني اجالامين ومعلم اولوب اون بيش بابيه منقسم ونيجه لری بعض فصوله منقسم ومر تسمدر

(باب اول در احوال ملوک پیشدادیان)

اشبوطا فقه مدادتم ادر شاد اصیاد غایتده اصحاب عدل و داد اولغین افط پیشدادیان بونلره آد اولدی بجله سی اون ایکی آدم و نختکاهلری دیار بجم اولوب ماطنلری قول اصح اوزره ایکی ییلک بشه یوز اون ایکی ییل ایدی (فصل اول) در احوال کیومرث اتفاقا کثره مورخین اتفاق اوزره اول ملوک عرب و بجم اجل سلاطین امم عا کیومرث شاه عالیه صاحب انبیا و عایا پناه در * معتبرات تواریخده امام ابن حضرت نوح طقوز اوغلی اولوب بری کیومرث ابوالسلاطیندر دیو اتفاق اولنکین اعجب عجائب بودرکه ملوک بجم یانته کاتجه کیومرثک نسینده اختلاف اولوب بعض مورخین کیومرث ابن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شبت بن آدم علیه السلام دیوب * تاریخ میرخوانده به ضلهم بن لاود بن ارم بن سام بن نوح علیه السلام ابتدای سلطنتنده کیومرث لقب لاله ماقب اولدی دیوب * کتاب غنیه مؤلفی یافت بن نوح بر اوغلی که اکا عر بلر عامر بجم کیومرث دیرلر عالمه والی و مستولی اولدقده کندوبی آدم استمدن غیری اقله ذکر ایدنک یاشین کسمکه امر ایتدی دیشدر دیوب * نظام التواریخده اگر چه نصیحة الملوك امام غزالیده حضرت آدمک اولادی چوغالدقده ایچارندن شت و کیومرثی بجله به سردار ایدوب عمل ایچون هر برینه صحیفه شریفه و یروب امور دینییه فی شیشه دتیوبه یی کیومرثه اصغر ایوب اول ملوک بنی آدم کیومرثدر دیوب لکن کیومرثک اولاد حضرت نوحدن اولدی اظهردر دیو مذکوردر * معتبرانده مر ویدرکه آیین پادشاهی بی وضع ایدن ابتدا کیومرثدر بلخ و اصطخر و دماوند شهرلرین بعض قوایجه بابل شهرین دخی بنیاد و بنیاده بنای ابتدا ابویجاد ایتدی ابراهیم و یول و قیلدن اسباب و قناتن و قالی طوفنق و قونی قازوب صوچیقارمق کار برلر ایلوب چشمه لر ایتق میوه اغاچلرین دیکمک تخنیق و صیان ایل طاش اتمق بجله بونک اختراعیدر * بر صالح اوغلی اولوب مغاره لرده عبادت ایدرکن انی دیور قتل ایدوب کیومرث ایتدکده دیورله صواشوب کینی مقتول کینی اسیر و مغلول ایتدی * مر ویدرکه کیومرث خور و روی پسندیده خوی اولوب اکثر با عزالت و سیاحت و عبادت ایدوب حضرت ادر یسدن در زیلت صفتن اوکر غمشدی عاقبت دنیای پر عنانک فناسن بیلکین سلطنتدن فراغت ایدوب اوغلی سیامکی یا انک اوغلی هوشنگی برینه پکوروب آخر عمر نه دل کنج غارده لیل و نهار عبادت پروردکاره متصل مشغول اولدی * عری ییلک ییوز ییل اولوب ملطنتی نظام التواریخده قرق شهنشاه و نصیحة الملوكده اوتوز مائر تواریخده بشه یوز التمش ییل ایدی دیومذکوردر (نظم) نه ناج و نه تخت و نه ملک و نه مال * نه عز و نه جاه و نه علم و کمال * خلاص ایلده مر مودن آدمی * فسا اوزره یابیدی بیان عالمی (فصل ثانی) در احوال سیامک شاه بن کیومرث بونی دیور قتل ایدوب زمان سلطنتی آزا اولوب برینه اوغلی هوشنگ یکدی میرخوانده سیامک کیومرثک اوغلی اوغلیدر اکثر با عبادته مشغول اولوب جدی حیاته دیور زخمندن مجروح و اوقات ایدوب کیومرث کند و برینه سیامک اوغلی هوشنگی پکوروب بعده کیومرث دخی وفات ایتدی دینوب * نظام التواریخده سیامک ذکر اولغیوب کیومرث وفاتنده وصیتی اوزره هوشنگ پادشاه اولدی دیومذکوردر * والله اعلم بما اخفی واعلم (فصل ثالث) در احوال هوشنگ شاه ابن سیامک اکثر تواریخ غریبه ده اول ملوک بجم هوشنگدر طوفان نوحدن ایکوز ییل صکره پادشاه اولدی دینوب کیومرث ایل سیامک اصلا ذکر اولنما مشدر * میرخوانده قول شهر اوزره هوشنگ کیومرث نسلندندر به ضلهمه لاییل دیدکاری بودر قینان دیدکاری پدیری کیومرثدر دیوب هوشنگ حقدن دخی نیجه اقوال وارد اقالیم سبعة دنیایه مالک ایدی دیشدر ادریس علیه السلام زماننده پادشاه ایدی نمر دجله بی کسوب کتورن

بود درینوب لکن سابقا کیو مرثک اولاد حضرت نوح بن اولسی اظهار در دید یکنه مخالفه در والله اعلم نظام
 التواریخ ده هوشنگ اهل علم اولوب حکمت عملیه ده جاودان خرد آدلو کتب تالیف ایدوب مأمون خلیفه
 زمانه عربی به ترجمه اولدی غایت عادل اولغین پیشدادی لقب قونوب صکره کلان ملوک بونک طریقه
 سلوک ایتمکین پیشدادیان دیو مسعی اولدی طایفه عجم و نیکچون پیغمبر در دیوب لکن حضرت ابن عباس
 طایفه عجمدن اصلا پیغمبر کندی دیندر * مر ویدر که تاج کیوب تخت او منته او نورق معدن دمو
 چیمارمق واندن انواع آلات دوزمک بونک ایجادیدر مقامی اولان اصطخر شهری زیاده توسیع ایدوب
 مر ویدر که کتر با طاعن ده عبادت ایدوب بر کون سجده ده ایکن بعض دیولباشنه طاشله اوروب شهید ایدوب
 کیو مرث حیسانده اولوب لکن طو عیوب بعده واقعه سنده اعلام اولغین واروب اود یولری قتل ایدوب
 برلنده بلج شهری یادی دینوب * سائر کنبه مذکور در که خلقی دین اسلامه دعوت ایدوب بونک زمانه
 نیچه شهر لر کویله یا یلوب دین سامعمور او اغه باشلدی مغر بده سوس عجمده شستر راصفهان و بابل و کوفه
 شهر لر بن ابتدا بویادی معادن سیم وزر و جواهر چیمارمق اغاجلری کسوب بختنه ایکن طایغی یاروب خرقه
 کسوب افار صو کتور مک و مور و سنجاب و قاقم ووشق و دایکی در یلری کورل ایدوب کیمک کلبه شکار المنی
 او کرک چاقق طاشی چاقوب آتش چیمارمق جله بونک ایجادیدر * سلطنتی فرقی یل عری بشوز یا خود
 یلک یل ایدی (فصل رابع) در احوال طهم ورت دیو بدین اوجهان بن مر تکتد بن هوشنگ بن هوشنگ
 هوشنگ صلی اوغلی بعض اوغلی اوغلی دیندر * قوتلو هیبت او لوب مؤدی دیولری الیه طونوب کیمی قتل
 کیمی کوبه قیوب حبس ایتمکین دیو بند برلری بعض کنبه کند و الیه یلک درینوز سکسان دیو قتل
 ایدی دیومذ کور در جدی هوشنگ صلی اوغلی فالما مغین آنک ریخته بخت کورلده اوج یله دل عالمده
 بر فردن باج و خراج المیوب بعد زمان عظیم قحط اولد قده غنیر اخشام طه سمله اکتفا ایدوب صاحب میکن
 ققرا به ویرمک امر ایدی * تاریخ کاملده اورج طوقق بونک زمانه ظاهر ایدی زیر بعض فقرا کال
 ققرلندن کوندر بیک یوب همان اخشام زمانلنده جز نیجه نسنه یکمه معناد اولوب بوحالی ثواب
 عدا یتد کوندره شرایع انبیا بو کاموافق ظهور ایدوب صوم شروع اولدی دینوب * لکن زمان معینه صوم
 شریعت حضرت آدمده فرض ایدی دیو یوقار وده یکدی یکنه خاقدری نه کاملده طهمورث ابایسک اوزرینه
 صحر اوب یوب بوب جله دیبایی کردروب البیسی وشیطانلری قورقوب اطرافه قاجدیله قیلدن یو کدن لباسلر
 فراتر طوقق و شکار ایچون وقیون سور یلرین بکامک ایچون کلبه سلطنت بونک ایجادیدر سلطاننک اول
 یلنده بوراسب ظهور ایدوب خلقی ملت صابینه دعوت ایدی دیومذ کوردر * مر ویدر که طهمورث اهل
 عدالت و دیانت و فرات اولوب ادریس پیغمبر دیننده بعض کنبه ادریس پیغمبر زمانه ایدی دینوب لکن
 عربی تاریخلده سلطنت هوشنگ طوقانن ایکوز ییلدن صکره ایدی دیکلر نه مخالفه در * مر ویدر که تخت اوزره
 او نورق حیواناته ابروایان اوروب بیک فارسی یازی یازمق دیو یه یولک اورمق یوندره و قسرا قراجار چکمک قلی
 بجات کرز یوزغان دوزمک طوقاننه چاقره آنجه به پارسه شکار المنی تعلیم ایکن ابریشم قوردرلر نه قوت اغاجی
 پیراغن غذا تعین ایکن جله بونک ایجادیدر * فارس آمدنیشا بورمهر که ن قهندز مر وامل طبرستان ساریه
 اصفهان شهر لری و حاله خراب اولان مداین سبه ولایت عراق عرب بونک زمانه یابلدی عری سکز یوز ییل
 اولوب سلطنتی میر خوانده همان اوزر بعض کنبه فرق قاموسه دید یوز ییل ایدی دیومذ کوردر * والله
 اعلم (فائده) میر خوانده مذکور در که بونک زمانه اکثر نامس اقر بالندن یا احبارلندن غایت سوکاو
 کسنه لری وفات ایتد * کده آنک صورتن بایدروب تسلیت قلیچون کا نظر ایدردی مر و زمانه صورت
 دوزنلک سببی او نورلوب اغوی شیطانله عبادت اونان عیان اولدی (فصل خامس) در احوال جشید
 غایتده خوب صورت اولغین بواجله مسعی اولدی زیر اسرار نیجه جم ماه شید شعاع دیکل ایش بعض
 طهمورثک برادر زاده سیدردیوب میر خوانده بعضلار تختد بن سام بن نوح علیه السلام اوغلینک اوغلیدر
 بعضلر طهمورثک برادریدر دیوب قول اشهر اوزره طهمورثک صابی اوغلیدر * طایفه عجم دیدر که اقالیم
 سببه به مالک اولوب طوائف انس و جنی تسخیر ایدی موت و مرض و پیرلک صحنی خلقدن رفع اولغه دعا

ایتمکین اوج یوز ییل دلک عالمده بواج نسنه اصلا واقع اولدی * مفردات و مرکبات ادویه معادن و نباتاتی
 مقتضای عقله تجر به ایدروب منافع و مضارین بیان ایتدردی * معادن انواع جواهر و سیم وزر و دمو
 چیماردن و دمووردن بچاق بچاق قلی خنجر زره مغر بایدروب سیم وزر و جواهر دن انواع زینت ایجاد ایدوب
 ایکن قوردرلندن ابتدا ابریشم جمع ایکن ورنکارنک بویال پیدا ایدوب انواع لباسلر بویادوب کیمک وعود و عنبر
 و انواع طیب و بخور دخی بونک ایجادیدر * آب شر اولان شراب کثیر الضرب بعضلر قولنج به بونک ایجادیدر دینوب
 سبب ظهوری تفصیله محتاجدر لکن شرب خمر شریعت حضرت آدمده حرام اولوب جشید ایجاد ایتدی
 قول صحیح دکلدر * مر ویدر که نیچه عظیم شهر لر یا یوب آیین سلطنته ابتدا بو نظام ویروب عناصر ار به عده
 و عقی ایچون خلقی درت صنف ایتدی که بری علما و اهل قلم بری سپاه و خدم بری اهل زراعت بری ارباب صنعتدر
 دینوب * مر ویدر که صاحب حسن و جمال و عقل و کمال اولوب مهمات سلطنت و جلال و آلات حرب و قتال
 و بدایع صنایع ترکیب و ترتیبه اشتغال ایدوب وزرا و امرا و بوابلر نصب ایکن و آت رخنلرین پیدا ایکن چادر
 دیکوب قورمق دریادن جواهر چیمارمق کرج و اصفهیداج دوزمک بروایتده حمام با عقی جله بونک زمانه
 ظهور ایدوب بعضلری بالذات کندونک اختراعیدر * تاریخ کاملده ادریس علیه السلام زمانه ایدی
 دینوب اوائل سیوطیده هود و صالح علیه السلام بونک زمانه کاد یلر * دین و آییننه خلل کلتکین ابتدا
 جالوسنده اطهار آنار عدل و داد ایتمکین اول کونه نوروز دیدیلر بعده هر یکی ییلده او کونی بیرام ایدوب
 غایت تعظیم ایتدردی * آیین سلطنتی ابتدا وضع و نظم ایدن ملوک عجمدن جشید ملوک قبطدن خداین مصر
 ملوک یتندن یثعب بن یعرب انیسادن حضرت سلیمان ملوک یونانن اسکندر بن قیلقوس ملوک انصارا دن
 عالیوس ایدی * جشید تختگاه قدیم اولان اصطخر شهر بن توسیع و تعمیر له اعجوبه دهر ایدوب طوس شهر بن
 دخی یادی درلر * فیثاغورث حکیم نفحات دل وازی واکتر آلات سوز و سازی بونک زمانه ایجاد ایتدی
 دینوب لکن اشاعیده فصل امت یونانده فیثاغورث حکیم سلیمان پیغمبر شا کردلندن بر یلک شا کردیدر دیو
 که جک روایت صحیح به مخالفه در (کفر او) مر ویدر که جشید غنیر غیر رشید (ان الانسان لطیفی ان راه استغنی)
 آیت کریمه سی مفهومیجه وامل کمال عز و غنا و نائل اقبال عظیم دنیا اولدی بخته مغر وودیده قلی کور اولوب
 عز و شوکتله انواع عیش و عشرت ایدوب مدت عر زنده اصلا خسته اولما مغین اغوی شیطانله خاشاد عوای
 الوهیت ایدوب کند و صورتده صخر یا ایدروب خلقی کا طایدرمق ایچون اطراف عالمه کوندردی (قتل او)
 میر خوانده مذکور در که شداد بن عاد برادر زاده سی ضحاک یکده عسکرله کوندروب چکنده جشید صیوب
 قاجوب بعد زمان سیاحتده طونوب ضحاک بونی دستره به بکر بانی کو کبله بیچر دیوب (و کذلک نوبی بعض
 الظالمین به ضایما کافوا بکسبون) مضنون هم او بونی ظاهر اولدی (متفرقات) نه میر خوانده کرشاسب
 نامه ده جشید سیاحتده سجستان اطرافده ناهل ایدوب اولادی اولوب کرشاسب ورسمنک نسلندندر
 دینوب * بعض عجملر جشید اوچینی پیغمبر در دیوب ضحاک کدن قاجد قده قرار ایده میوب آخر بر مغاره ده
 طوروب اوت اولدردی دینوب * بعض کنبه قاجد قدن یوز ییل صکره ضحاک بونی دریا کنارنده بر بچوف اغاج
 انجینده بولوب اغاجله یله دستره اله بیچدردی عری یلک باید یوز سلطنتی بد یوز یا اوچ یوز ییل ایدی
 و هب بن منبیه جشید ابتدا سلطنتده عاد قومنه مبعوث اولدی دیندر دینوب * و هب قولی صحیح اینه
 دعوی الوهیت ایتدی یکی روایت باطله اولور زیر انبیامدت عر زنده کفر دن معصوم اید کوری محقه در اما اکثر
 احتمال صحیح دکلدر زیر حضرت ابن عباس عجمدن پیغمبر کلامت در دیندره والله اعلم (فصل سادس)
 در احوال ضحاک ماری) ابن علوان سا کم ظالم اولوب رعایا به قحطلارندن زیاده باج و خراجلر وضع ایدوب آدم
 آصه ال ایکن کیمک نازیانه ایه اوزمق ضحاک ممالک افانک ناپاک بی باک بدعتیدر * جشید دلک بر بنه کجوب
 زادی الطنبور نفقه اخری مثلی مفهومیجه ظلم وعدوان و کفر و طغیان ایلاندن زیاده تابع امر شیطان
 اولدی دمشق شام شهرنی ابتدا بویا عسدر بعضلر شداد بن عادک برادر زاده سی بعضلر همشیره زاده سی ایدی
 دیوب بعضلر حرام بن نوح علیه السلام نسلندندر دیوب بعضلر اوچینی اتامی آدم پیغمبر در دیوب قاموسه
 ضحاک یتون دنیا به حکم ایدوب والد سی جندن اولغین بودخی جنلره ملحق اولدی دینوب * نظام التواریخ ده

حضرت ابراهیم علیه السلام بونک زمانده پیغمبر اولد بئنده اتفاق واردردینوب * تاریخ ابن کثیرده نمرود
 خنکاک طرفدن ولایت عراق بکی ایدی دینوب * میرخوانده نجه مؤرخلروردجه دیار مغربده خنکاک
 طرفدن بک ایدی دینوب * بعض قواریخده نمرودله خنکاک ایکسی برکنه در خنکاک اسمی نمرودله پیغمبر دینوب
 تاریخ مودیه خنکاک پدری اسمی ارواد ایدی * فرس بن طهمورث نسلنددر به طهمورث بن جشیدک
 همشیره سی عرب بکارندن بری نکاحلنوب خنکاک آندن طوغدی دینوب بعضر سیامک نسلنددر دینوب
 بچوسیلر خنکاک التبی جدی کیومرث دردینوب * نجه لر دیدیلر که داغماون بیلک آت بسلکین فارسجه لقبی
 یوراسب ایدی اون در لوعیبی اولغینده آلدینوب بعده عربجه خنکاک دیدیلر * مذکور عیدلر قیج صورت
 قصر قامت کبرایله نفوت جهاله حیاقت حیاده قتل کلاه کبریت ظلم رعیت فسادیت بدینانلغله حدت وهر
 حالده کمال استیصال ایلده عدم صبر و سکینت ایدی * مریدر که سابقا هاروت و ماروت شاکردلر بک برندن تعلم
 صبره چالشب دیری بئنده طائفه حیر بکارندن اولوب عربجه اسمی علوان بجمعه مرداس ایدی صالح کسینه
 اولوب خنکاک مصری اوکرنه دیکین پدری حمرله یوغ ایدوب سلطنتده برینه بکوب بعده زمان جشیدک
 اوزرینه واروب نخته بکدی (ظه ورمار) مریدر که دیدیلر یوز بیلدنصکره ایکی اموزنده بیلان شکندده
 برزسته بتوب هر کون ایک آدم بینبسی مرهم ایدوب بوحاله ایک یوز بیل بکوب بعده برواقعه قاجعه
 کوروب تعبیر ایدر که جشیدنسلندن فریدون اسلودن سکا اجهال زوال وار دید کارنده فریدونی ارادوب
 هنوز طوغنن انی والده می بریده صفلاوب نجه بیلاردنصکره انک ایکی اوغلنی خنکاک قتل ایدردی
 (هلاک او) ولولادفع الله الناس بعضهم بعضا فسدت الارض واکن الله ذو فضل علی العالمین) آیت کریمه سی
 مفهومجه (نظم) خبر در اولوردن قتل اولنور * که هر فرعون بهرموسی بولنور (نثر) پس کاوه
 آهنکار صفا و نده عکبر جراح خصم شکار ایلده ور ایدوب خنکاک اوزرینه کوب فریدونی بولده بولوب پادشاه
 ایدوب جشیدک خنکاک قاجوب بعده طوغلوب اوقه سندن قایش چقارلوب کوه دماوندده حبس وطبری قولنجه
 قتل اولندی * بعض کیده فریدونن مقدم کاوه آهنکار خنکاک صواشوب خنکاک قاجوب ناپدید اولدی دینوب
 اکن بوقول صحیح دکلدر دیشلر (روایت) بعض معتبرانده مذکور در که برکون ابلیس لعین آدم صورتده
 کوب خنکاک ایک اموزنی اوپوب کندکده هر برنده چنان کبی برزسته بتوب بارمنی کبی اوزانوب محکم
 اغروب بیه ابلیس طیب صورتده کوب بونک علاجی هر کون درت آدم بینبسیدر دیکین یوز بیلده
 هر کون درت آدم قتل اولنوب بینلری مرهم ایدوب انکله وجبی دیکوب ابراسی مرهمی تازه لبوب یوز
 بیلدنصکره وز بروفات ایدوب برینه اولان وز بر عاقل و عادل اولغین ایک آدم بینبسته ایک قیون
 بینبسن قاقوب هر کون ایکشیر محبوبی قتلدن آزاد ایدوب خفیه مغاره لده بسلدردی در تیوز بیل دخی
 بوحاله بکوب قتلدن قورتلنلر ایک یوز بیکدن زیاده اولد قلنده فریدونه تابع اولوب کوب خنکاک قتل ایدیلر
 نجه معتبرانده کرد طائفه لری اشو آزاد اولنلر نسلنددر دیومذ کورددر خنکاک عمری بیل سلطنتی
 التیوز بیلدینوز بیل ایل قدر ایدی (مصل - ابع در احوال فریدون فرخ) تفسیر بایده به طهمورث
 ذواترین خنکاک قاتلی فریدون بر النعم اندر دینوب قواریخده مذکور در که قیل تسخیر ایلک اوزرینه
 آدم بتوب جشیدک ایلک شهر ره قاعه یا بق تریاق دوزنک بونک ایجادیلر خنکاک کوزنصلنک اول کوی قتل
 ایلکله دیانی تازه و خنقی واصل فرح بی انداز ایلکین اول یوم سعیدی عید ایدوب اسمی مهر جان قودی
 حال طائفه عرب و جمعه نوز کبی یوم مشهور در * تاریخ میرخوانده بعض کینده جشیدنسلندن اولوب
 اولزنده سکر کینه واردر دینوب لکن مؤرخینک جشیدک انصان آدلواوغلینک صلی اوغایدردیدکاری
 اصمدر پادشاه اولد قده کاوه آهنکاری سر عکرا ایدوب فتح مالکه کوندرمکین یگرمی بیل قدر ربع مسکونی
 کزوب اعظم ملوک جنگ و تدبیر ایلده تسخیر ایدوب دیاده بر مخالف قالدقده فریدونه کوب بودخی اکاعراق
 و اصفهان و آذر بایجان ملککنلر بک * کوه تن و یروب کاوه مکاته واروب اون بیلدنصکره وفات ایدی
 دیومذ کورددر (درفش) مریدر که کاوه نکل ایلده ورنده برکوندراوجنه باغلدینی جتبان باره سی که
 بعد زمان در * اویان دیکله مشهور جهان اولوب جمیع غزالده انی او عرطوغتلدی فریدون

انی کتوردوب جواهرله مرصع ایدوب بعده جاق دین محمدی ظهورنه دلک هر شاه بجم بر مقدار جواهر ضم
 ایدوب غزالنده بئنانی بیلده کوروب حضرت عمر زمانده مداین کسری فتحده عادت بچوس موصودر
 دیودرفشک خنکاک آتیه یاقوب جواهرنی ملمان اولوب اون ایکی کره یوز بیل فلوری حاصل اولدی
 (منه رفات) فریدون کندو سلطنتدن الی بیل صکره خنکاک قیزی نکاحلنوب ایک بیلده دلک نور ایل
 سلم آدلوا ایک اوغنی اولوب کارجمندن برینک ایران دخت آدلوقیزی نکاحلنوب آندن ارج آدلواوغلنی اولوب
 (العرق نزاع) مضمونجه سلم و تور دده لری خنکاک مشربن طوغلوب ارج عاقل قوی بفریدون اکامائل اولوب
 دنیای اوج قتم ایدوب روم و مغرب و فرنگ و لایترن سلطه و یروب لقبی قیصر ارض ترکستان اولان چین
 و ماچین و بعض مالکی توره و یروب لقبی قفقور قویوب آنک ولایتلرینه توران دینوب (خیزالامور و سطهنا)
 مةه و منجه عادل و افضل عمالک عالم اولان فارس و عراق و خراسان و حجاز و لایترن که شمر خد ترکستان
 اولان نمر جیحونه وارنجه اولان ولایتلر در ارجه و یروب لقبی شام قویوب کندو وفات ایدکده برینه بکچکی
 اکاتعین ایدوب ارجک ولایتلرینه ایران دیدیلر * مریدر که قاتر طوغنق ایچون قسراغه حصار چکملک
 فریدونک بر روایتده طهمورثک اختراع ایدوب * کاب مور الاتالجه * حق تهالی فریدونی خنکاک قتل و عالمی
 اصلاح ایچون پیغمبر ایشدی دینوب لکن حضرت ابن عباس طائفه بجمندن اصلا پیغمبر بکدی دید وکنه
 مخالفدر * بعض قواریخده نخته بکده خنکاک رعایانن ظلاله الدینی ماللری صاحبزاده و یروب خنکاک
 قبیله سی اولان عاد قومنه غزا ایدوب انلری طاغدوب ولایتلرین الوب معموده ارضی بالتقام فتح و ضبط ایدی
 دینوب نجه مؤرخلر قواجه بالذات سمر دارل کوندروب عمالک عالمی او توردینی بردن تدبیر بیلده فتح و ضبط
 ایدی دیوتفصیل ایدوب * معتبرانده مذکور در که دنیانک ربع مسکونی تمام کزملک ملوک عالمده همان فریدونه
 و ذوالقرنینه و سلیمان پیغمبره وارد شیرین بابکه و سبع حیری یعنی به میسر اولمشدر * مزبور فریدون کمال عدل
 و انصاف ایلده انصاف و علم اوصفا و حکایه غایت رعایت و علم طب و نجومه شغل و نظرا ایدوب رایت فتح آیتی
 باشند ووق صد اندر مدوار ایدی حضرت خضر بونک زمانده اولوب سلطنتی بیوز بایک یوز الی ایدی
 (فضل نامن) در احوال منوچهر * میرخوانده بعض ارج بن فریدونک اوغنی اوغلیدر بعضر قیزی
 اوغلیدر دینوب قول اصح اوزره ارجک صلی اوغلیدر سلم و تور ارجه * سدا پدر لری فریدون ایلده چنیکه
 اتفاقله عکبر بکوب فریدون دخی عکبر جمع ایدوب ارج برادر ایلده صلحه و ارمغه اذن ایتوب فریدون
 اذن و بریم یوب عاقبت ابرامله اذن الوب وارد قده سلم و تورانک باشن کوب فریدونه کوندردیلر بعده ارجک
 اوغنی منوچهر طوغوب بعد زمان فریدون بونک اتفاقله سلم و توره عکبر بکوب جشیدک سلم و تور قتل
 و عکبر لردن ایک یوز بیلک آدم اسیر اولدی دینوب * نجه معتبرانده مذکور در که منوچهر فریدون وفاتده
 آنک وصیتله نخته بکوب هراقلیم و قبیله به نصب حاکم و مالکدن رفع مقام ایدی * خندقرکوب نهر فرات
 ولایت عراقه ایدوب باغچه لریاوب انجبار و ریاحین ایله تزیین ایدوب جله عمالکی حسن تدبیر ایلده ضبط
 و تعمیر ایدی عالم و عادل اولغین * صالرله خندق قازمق و صبح و شام تقاره چالدرمق و نجه امور عیبه
 و اعمال کثیره ایجاد ایدی * شعیب علیه السلام مدین قوه نه حضرت موسی علیه السلام صرده فرعونله
 قبط قومنه بونک زمانک واسطنده یوشع علیه السلام دخی بونک اواخرنده پیغمبر اولمشدری دیو اتفاق
 اولمشدر * تاریخ ابن کثیرده فرعون منوچهر طرفندن مصر حاکمی ایدی دینوب لکن قرآنده حکایت
 اولندی اوزره (الیس لی ملک مصر) دیدیکندن امتقلالی تبادور در نجاتله مشهوران جهان اولان زال
 و سام و نریمان منوچهر لک امر استنددر دینوب * میرخوانده نریمان و اوغنی مام فریدونک امر استندن سام
 و اوغنی زال منوچهر لک * کبر آما امر استندن اولوب نریمان فریدونک سام منوچهر لک زمانلنده وفات ایدیلر
 منوچهر جلوسندن الی بیلده دلک عدل و دادله تعمیر بلاد ایدوب بعده تور نسلندن ترکستان پادشاهی
 افرا سیاب بن پشنگ عکبرله کوب اثناء جشیدک منوچهر امل شهرنک حصار غایت محکم اولغین اکا کیروب
 افرا سیاب آنی خیلی زمان محاصره ایلکین ناچار نهر جیحون ماورایی افرا سیابک اوق اوزره خلیج اولوب
 افرا سیاب اسکی ولایتنه کندی بعده منوچهر لک قوت و شوکتی ارقوب قدیدن ملوک بن ملوک عکملک هیچ برینه

سفر و ایستادن کن و کامطیع اولوب همانا شرق و غربی ضبط و تسخیر ایدوب سلطنتی یوزیکری میل ایدی
 (فصل ناسع در احوال نودر بن منوچهر) پدری برینه کجوب کمال حملدن تدبیرده تقصیرده اواغین بدیخی
 یا ایکنی یا اون ایکنی یلده ترکه تان پادشاهی پشتک ارشد اولادی اولان افراسیابی در تیزیک پیاده
 و سوارله نودر اوزر بنه کوندروب مقابله اید کونده نودر لند عدم مقاومتی مقرر اواغین طوس ایله کستم آدلو
 ایکی اوغلی بعضی کمنه ل فاجروب اردلرجه افراسیاب عسکر کوندروب صواشلوب بو طرفه دخی
 صواشلد قده نودر اعیان عسکر یله امیر اولوب بعده افراسیاب آتی قتل ایدوب برینه کجوب پوشع بیغمبر علیه
 السلام نودر زمانده ایدی (فصل عاشر در احوال افراسیاب) نودر سلندن ترکستان پادشاهی پشتک
 ارشد اولادیدر بعضی افراسیاب بن نول بن نور بن فریدون ایدی * تاریخ میرخوانده نودری قتل اید کده
 اکثر محال ابرانه مالک و راه جوهره سالک اولوب ایرانی ویران ایتمکین اعیان ولایت بونک برادری اغری برنه
 ایلی کوندروب تحت ضبطنده کی عسکر ایران اسیرینک اطلاق رجایند کونده جله سین آزاد ایدوب
 افراسیاب ایشیدوب اغری رفی الداله پاره گیوب بعده زابلستان ونیجه عمالک حاکمی زاب بن طهماسب
 این منوچهری پادشاه ایدوب اودخی عسکر ایرانی جمع اید کده افراسیاب دخی عسکرله قارشولوب یدی
 آیه دلده مبدم جنگ حکم اولوب آخر عظیم قحط سببیله بالضروره افراسیاب زابله صلحتوب ترکستانه کیدوب
 زال ابرانده متقللا شاه کامیاب اولدی * منور افراسیاب (لمرور) شجیع ومهیوب وغضوب وغیر *
 شه نظامی امان وجسور (تیر) و دیار عمده نودر برینه اون ایکی پیل پادشاه بر غرور اولوب قتل عباد
 و تخریب بلاد ایدی بعده ولایت کده آند کما کان سلطان کامران اولوب جله سلطنتی اوچیز طقسان
 پیل عمری در تیزیک ایدی کیخسرو زمانده قتل اولد یقی اشاعیده کور * دیاده اوق ویای اید بونک
 زمانده ایجاد اواندی دیشلر (فصل حادی عشر در احوال زاب بن طهماسب بن منوچهر) بعضی زاب برینه
 زو دیشلر عاقل و عادل اولوب قحطه کده یلده دل رعایان اصلا باج و خراج المدی اهل شجاعت
 و شجاعت اولوب قش باشند ایکن افراسیابک اوزر بنه عسکر کجوب مراراجه کندنصکره اتی اسکی ولایت
 فاجروب جدی منوچهرک ملکترین ضبط و افراسیاب خراب اید کی براری معمور و عالمی عدله بر نور ایدی
 قدیمین بغداد بر مختصر جبه کوی ایکن عظیم شهر ایدوب اسمی باغ داد قردی بد زمان اختیار یله سلطنتی
 کرشاسب و پروب سلطنتی همان اوتوزباللی میل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال کرشاسب بن کشتاسب)
 زاب برادرینک باغینک اوغلی در والده سی بیامین بن حضرت یعقوب علیه السلام سلندن رستم دستان
 دخی کرشاسب سلندن در بودخی اختیار یله سلطنتی کعباده و پردی * نصیحه الملوکده کرشاسب ذکر اولوب
 زو برینه کعباده کدی دینوب * میرخوانده مذکور در که متابع القلوبده زابله کرشاسب سلطنتده مشترک
 ایدیلر دینوب * نوار یخ طبریده کرشاسب زابک نذیری ایدی دینوب * تاریخ منجمده * کرشاسب زاب
 وفاتد نصکره یکر می پیل پادشاه اولند در دینوب به ضلیمکری ایکی پیل دیندر والله اعلم

(باب ثانی در ذکر احوال ملوک کانیان)

اشبوطا قه عسکر بر عورت و مدت سلطنتی یل یوز اوتوز کز پیل اولوب انقرونک اوللر تده شتی و زنبه کی
 افعلی اولمغین بونلر کانیان در لر فارسیجه کی عزیز القدر و پادشاه دیمکدر بونلر دردی مسلمان باقیری
 مجوسی آتش برست ایدیلر کانیان دینک اعتبار یله بونلری نوار یخده بشقه طبعه باز مشلدر والا یوقاروده کین
 بشدادیان سلندن اولوب حقیقه انلر غیری طایفه دکلا در (فصل اول در احوال کعباده بن نودر)
 این منوچهر آخر پشدادیان اولان کرشاسب اختیار یله سلطنتی بوکاور مشدی بعض کنبه زو بن طهماسب
 وفاتد نصکره کعباده بن راع بن مبشر بن نودر بن منوچهر قحطه کدی دیومذ کوردره مریدر که کعباده
 سداد نهاد رشاد اعتدال عدل و دادله حاکمیت بلاد و رعایت عباد ایدوب سلطان عظیم الشان عمیم الاحسان
 ایدی * دل ولیب و کامل و مصیب اولوب باب نصایحه کلمات لطیفه سی وارد در حقیق و الیاس و البیع
 و غیر یل علم السلام بونک زمانده بیغمبر اولمغین انلر صدقه محبت و امان و نواهی آلهی رعایتده همت
 و دقت ایدردی * میرخوانده کرشاسب وفاتد نصکره جالوس ایدوب رستم دستان زابل و مهرباب کابی

و قارن رزخخواه و کشواد زرین کلاه بونک سر عسکر لر اولوب عسکر حرا خصم شکارله افراسیابک اوزر بنه
 یوزوب اودخی صلح سابق بقاسین رجایتمکین تجدید و تآکید اولدی دیوب بعض نوار یخده ایکی عسکر مقابله
 اولوب رستم دستان پهلوان جهان و صاحب قران زمان اولمغین عسکر دشمنه ات صالوب افراسیابی طوبوب
 بوینته ایپ طاقوب بعده بر حیلله ایل قورتلوب قاجوب مصالحه بعده واقع اولدی دیومذ کوردر * تختسکاهی
 نهر جیحون کنارنده اصفهان شهری اولوب اترال نایاکه اکثر یا جنگ ایدردی سلطنتی یوزیکری یا یوزیل
 ایدی (فصل ثانی در احوال کیکاوس) بعضی کیکاوس اولدی بعضی کیکاوس اولدی بعضی کیکاوس اولدی بعضی کیکاوس
 وصیله تختسکاهی کجوب حاکمیت و قتل بعض جماعت ایدی بلخ شهرنده او توروب بابل شهرنده رصد بونک
 آ نازند در خوروی و جسیم اولوب دکه برآت کور توره مزیدی عدل و خیرانه مائل ورا کن لکن متلون اولمغین
 کاهی امور متناقصه مدور ایدوب بعض غیره ممانده سی موقور و بعض مهاتده اهدال و قصور ایدردی
 حضرت داود و سلیمان و لقمان حکیم بونک زمانده ایدیلر (فتوح) تاریخ میرخوانده غایت مفصلدر که
 مازندران قحطه واروب حصار ی حکم اولمغین فتح ایدوب عاقبت قوبوب کیدوب بر ایکی منزل بردن شجار
 صورتده آدملر کوندروب شهره کیدر کونده ذخیره لر نرینه آتش اوروب جله سی یاند قده کیکاوس دینوب
 کلوب شهر لولنک آفری قالمایمغین قلعه بی الوب خاقانی قیردی * اکثر نوار یخده مذکور در که مازند رانه وارد قده
 اسیر اولوب رستم زال واروب قورتردی بعده کیکاوس عسکرله هندستانه واروب اول اطراف ی ضبط ایدوب
 بعده تختسکاهنه کادی (حبس) بعد زمان بنه سفر ایدوب بن پادشاهی ذوالاذعار جده کده صینوب
 بر طرفه کیدوب پوئشاده غایت حسن اولان قیزی کیکاوس ایشیدوب ذوالاذعارله بارشوب قیزی الوب
 سور بر سرورده کیکاوس ماباشا عجم شاهی اولان نودر لند طوس و کستم آدلو ایکی اوغلی ایله نیجه امرا و سپاهلر
 طوبوب قلعه ده حبس اولندیلر (خلاص او) رستم ایشیدوب کده بیک نورد لاور هنر اوریله بنه واروب
 ذوالاذعار ایشید کده جله عجمو ساری جیه واروب قیزی بیک جاریه ایل کیکاوسه و پردی افراسیاب ولایت ایرانی
 شاه دن خانی ایشتمکین عسکرله کلوب اکثر عمالک عجمی ضبط ایدوب کیکاوسک خلاص ایشید کده عجماسکی
 یا قوب یقوب ولایت کندی کیکاوس تختسکاهنه کاد کده رستم سیستان و کابلستان ونیجه ولایت سلطنتی
 دیوب تاج مزع کیدروب اقبنی تمحن و جهان پهلوان قودی (قصه) مریدر که سیبوش بعد زمان
 کیکاوسک حسن و جمال و شجاعت و کلاه بی مثال اولان اوغلی سیبوش پر هوشه کیکاوسک خاوندلندن بری
 تمشق ایدوب دام کیدایله اتی صیدایک ایچون بی شک و امترا افترا ایدوب کیکاوس خاوتیه اینانوب سیبوشه
 انجوب اودخی پدری جو فندن افراسیاب فاجوب انک قیزی نکاحلنوب کیخسرو آدلو اوغلی طوغوب
 افراسیابک برادر لر ی حید ایدوب ایچلرندن * رشیوز سیبوشی قتل ایدوب مردان و زنان دیار ایران بونی
 ایشیدوب کرمان اولوب ماتم طوغق اوزماندن عادت قالدی * کیکاوس سیبوشک اتقا میچون رستم زالی
 عسکرله ترکستانه کوندروب وارد قده افراسیاب فاجوب کرشیوز طوبولوب او حالد یانچیه زماند نصکره قتل
 اولندی * بعضی دیدیلر که رستم ترکستانه وارد قده افراسیاب اوغلی شیده بی یوز بیک عسکرله کوندروب
 جنگده شیده قتل اولنوب یا آتدن دوشوب بونی اوز یلوب شهنشاهه قولنجه بعد زمان کیخسرو الله هلاله
 اولدی * محصل رستم افراسیابک تختسکاهنی غارت و سلطنتله عودت ایدی * نیجه ل دیشلر در که کیکاوس
 برواقه کوروب کیوبن کوردر اصفهانی بی کیخسرو بن سیبوشی بولوب کتورمکه ترکستانه کوندروب
 وارد قده یدی پیل ارا یوب بعده بر مر غزارد بولوب کیخسرو ایل والده سی وکیو اوچی اتقا قله فاجوب عجمه
 کلد کارنده کیکاوس فر میر آدلو اوغلی واریکن سلطنتی کیخسرو و پردی کیکاوسک مدت سلطنتی یوزاللی
 یا یوزیکری پیل ایدی (فصل ثالث) در احوال کیخسرو بن سیبوش ترکستاندن کاد کده تازه بیکت
 اولوب دده سی غایت پیر اولمغین اختیار یله سلطنتی بوکاوروب بودخی عالمی عدله معمور و خلقی لطفله سرور
 ایدوب مرور زمانه ملوک جهان بو کامطیع فرمان اولدیلر عدالت و شجاعتده و تدبیر واضایند و ترتیب
 اسباب شوکته بی نظیر و دایر اولوب سلطان کامران عظیم الشان عمیم الاحسان عدیم الاقران ایدی ملوک
 ماضیه نک ظلال الدفتری ماللری صاحب رسته و پروب باج و خراج و تسکالینی قحطیف و قلوب نامی تلطیف ایدوب

عقلا ایل مشورتنس برایش ایتم و کلام خم ملام انجیای ایستزایدی * مرویدر که نخته یکد کده افرایا بل
 چنگه عظیم عکرم کوندر ووب چنگه زبون اولد قلند و رسته تکرار عسکر کوندر ووب افراسیابک اوغلی دخی
 عکرم له شهر خوارزمه کلوب خلق شایان دیکچون کینسر و له باشه باش صواش دیکچون کینسر و نار غضبه
 بر علو اولوب مردانه میدانه کید کده پسز نایاکی اولد ضربه هلاک ایتدی * میرخوانده ده فصد رکه کینسر و
 مقدم افراسیاب چنگه بر قاج کره وافر عکرم کوندر ووب هر برنده عکرمی صینوب عاقبت کند و واروب مرارا
 چنگه افراسیابی قتل ایتدی * بعض روایتده آذربایجانده و اعر ووب بعد زمان طوتلوب کتورلد کده قتل ایتدی
 رستم زال و برادرزاده سی لهراسب بونک بکرنندن ایدیلر * حضرت داود و سلیمان و لقمان حکیم و فیثا غورث
 حکیم بونک زمانده ایدیلر * مرویدر که خواهر زواهر له مرصع و مصنع بر مسجد و محرابی و ارایدیکه سفر
 و حضرده بیل کرد ووب ایچنده یکمیش انبیاشر بعتلر بنجه نماز قیلوب خلقی توحید و عبادت رب العزیزه دعوت
 ایدردی حتی بعض عجمه لر یغمه برایدی دیوب لکن حضرت ابن عباس عجمه دن یغمه بر کلدی دیشدر * مرویدر که
 کینسر و ماطن قندن انبیاشر یاوزیا و توزیل یکد کده قضا و ایامه انعام لر ایدوب مالله مملی خزینه لری خالی
 قو یوب عاقبت برادرزاده سی لهراسبی نخته کچور ووب عدالت و صیت و نصیحت و کندوسی اختیار فراغت
 و قناعت ایدوب بر کچیه عیار کوب ناید اید اولدی بر روایتده سلیمان یغمه بونک اوزرینه هجوم ایتد کده
 اصغر شهرندن بلخه قاجوب انده هلاک اولدی (فصل رابع در احوال لهراسب) کیکاووس برادر
 اوغلی یا خود کرخ آدلو اوغلی لک اوغلی در اکثر یا بلخده اولوردی فتح ممالک و ضبط ممالک مائل و متمالک
 اولغین بعد شهر لوب حسن تدبیر و ضرب شمشیر ایل بولاد بنجه نیجه ملوک کی تدمیر و تحفیر ایتدی صافی
 التوتندن جواهر له مرصع تخت بایدر ووب اوتورمق بونک ایچید ایدر اهل شوکت و محبت صاحب غرور
 و اتانیت ایدی * سلیمان یغمه وفا تدنصر که التیوزیل سبب قله کلوب بنی اسرائیل اکثرین قتل واسیر
 و قدس و مصر و مغرب و لایترین خراب ایدن بختنصر بن کیوکه نیچر ل غلط ایدوب جله دنیا به مستعلا
 حکم ایدن پادشاه لک بریدر دیشدر * عجم بودر که لهراسبک سر عسکری اولوب ولایت بابل حاکی ایدی
 بختنصر لک تفصیل احوالی باب حضرت ارمیا علیه السلامده مفصلا بیکه شد نظر اولانه * دانیال واره یا
 و عزیر علیهم السلام لهراسب زمانده ایدیلر * مرویدر که عمل مانده پیر اولد قده اوغلی کشتامی برینه کچور ووب
 کندوسی بلخده متاع و عبادت و مجد و مجاهد ایکن ترکستان پادشاهی ارجاسب دیار عجمه کلوب بونی قتل
 ایتدی (روایت) میرخوانده ده فصل در کیم عجم دیر لکه ملوک هند و چین لهراسبه مطیع اولوب لقبی
 بختنصر اولان رهام بن کوردزی عراق عجم یکی ایدوب مغربله عربستاندن تفرقه رخ ایدر سگ جله سی
 مستعلا سگ اولد و ون دیوب کشتام جله زبر آدلو ایکی اوغلی و ارایکن ممالک عظیمه حکومتلرین کیکاووس
 و مارملوک اولادنه و بر مکن کشتام انجنوب دیرینک اوزرینه خروجه خفیه عسکر جفنه چالشوب
 بنده خوفندن قیصر رومه قاجوب تفصیله محتاج وجه له قیصره داماد اولوب لکن کندوسی بیلدر مکن
 سگوجه سبیل جمع اولوب مدت مزبورده نصیحت و تدبیر ایل نیجه اعدایی قیصره تحفیر ایدوب عاقبت
 قیصر غایت قوت و شوکت بولوب حتی لهراسب بدن خراج طایفه ایلی کوندر ووب لهراسب قیصر لک قوی
 کشتام بدن ایدوکنی یلوب عزت و اکرام له کتورمکه زبر ایلد عسکر کوندر مکن کلوب کشتام سبب تاج
 کیدر ووب قیصر کشتام کیم ایدوکنی بیلد کده جه از افر اولد قیزی و ووب دور بر سروردنصر که کشتام
 کیدر ووب عجمه وارد قده لهراسب سلطنتی اختیار یلو کوب و ووب کند و فر اغتله عبادت مشغول اولدی * مؤرخ
 دیشدر که لهراسب ساجا سلیمان یغمه خوفندن تختگاهی اصطخر شمرنی براغوب بلخی تختگاه ایتدی
 سلطنتی بور کیری باهه قر قیل ایدی بعد افر اغ قتل اولان دینی بر قاج سطر انا عجمه کاور (فصل خامس
 در احوال کشتام لهراسب) شهم نامه ده حاکم ملام ایدی دیوب نارنج بر خوانده مذکور در که عادل
 و علی همت و دبر و اهل اصابت عظیم الشان و ذوق شوکت ایدی (قصه کافر شدن قوم عجم بظهور دین
 مجوس) یتیمه میرخوانده ده فصل در که شتر ع دین ضلالت آیین مجوس مخصوص کفر مانوس اولان زرداشت که
 ارمیا یغمه شاکر لند برینک شاکر دی اولوب علوم عجمه اوسک رنوب انشاء ریاسته بکا کده آتش

کوندر ووب ایچنده شیطان سویل ووب زرداشت احق آتی حاشا حضرت حق صانوب شیطانک کلمات قبیحه
 مورثه الفحیحه سن یازوب اول کتاب کفر اتسابک ایتی زند قو یوب بن یغمه اولدم بکا کوندر کتاب
 ایتدی دیو آذر یا بیا باده خلقی اکاد عوت ایدوب کشتام ایستد کده عسکر یله واروب تابع اولوب اطراف
 عمالکده آتشد لر یعنی آتشد خانه لر ایدر ووب خلقی آتشد طایدر ووب جواهر ایمانی لندن قاید ووب مخالفت
 ایدن لردن بعد آدم قتل ایدوب اون ایکی بیک صغرد ریسی کاغد کی تراش ایتد ووب کتاب زند پر کزدی
 التوتن و کومش حل ایلد یازد ووب غایت تعظیم ایتدردی * بعضر کشتام سبب زرداشتی ظهور ایتد کده حسن
 ایدوب بعد بر خصوص ایچون چیتار ووب تابع اولدی دیدیلر * مرویدر که کشتام چین و ترکستان پادشاهی
 ارجاسبه خراج ویر کوب زرداشت بنوزیل کسوب ارجاسبی دین مجوسه دعوت ایچون ایلی کوندر ووب
 اودخی کشتام مرید اولدی دیو عسکر چکوب کشتام برادری وزیر و اوغلی اسفندیار عسکر له
 کوندر ووب چنگه ارجاسبک اوغلی و برادری قتل اولوب عسکری صینوب کند و قاجوب اسفندیار
 دوند کده کشتام اتی بعض بلاد تعمیرنه کوندر ووب بعد اغوا مفسدین بی دین ایلد اوغلی و یاری وضابط
 دیاری اولان اسفندیاری حسن ایتد ووب ارجاسب ایستد کده ولایت ایران جهان پهلواندن خالیدر
 دیو عسکر له بلخه کلوب سلطنتدن فارغ اولان لهراسبی قتل ایدوب کشتام سبب کلوب چنگه کشتام
 صینوب خیزری امیر اولوب کندوسی بر قلعه یه کچور ووب برادری جاماسبی اسفندیاری حبسدن چیتار مغه
 کوندر ووب اسفندیار کد ارجاسبی صیبوب قاجوب همشیره لرین تخلصه ترکستانه سفر ایدوب بر حیل
 جلیله طویله ایلد ارجاسبی قتل و کمال هولته ترکستانی ضبط و اغر برت نسلندن برین پادشاه و اوعلت کتورده
 دین مجوسی شایع ایدوب همشیره لرینی کتورده کشتام سبب اتی ولایت مغربله کوندر ووب سالم و غانم کد کده
 کندوبه بر فرو تیمان رستم دستان اوزرینه کوندر ووب تفصیله محتاج امور ظهورند انصر که رستم بر رستم
 اتی قتل ایدوب کشتام اضطرابندن ترکستانه سفر ایدوب الم و غانم کد کده اسفندیار اوغلی یعنی
 نخته کچور ووب کند و بر طاعده اوتور ووب دین باطل مجوس اوزر عبادت پالشوب سلطنتی یوزیکری ییل ایدی
 زرداشتک احوالی جله اولده باب انبیا مشیه الا حوالده مصلایک شد * نظام التواریخده مذکور در که
 کشتام شیراز نواحی بنده یضا آدلو بر شهر یا یوب اون فرخ نیوک کدده بر اطفیف باغچه پیدا ایدوب کار
 علماء امت محمدذن نیچر ل شهر بیضاده طوغین هر برینه بیضای دیدیلر بر طاط حکیم جاماسب حکیم
 کشتام زمانده ایدیلر (فصل داس در احوال اردشیر بهمن بن اسفندیار) بهمنک معنای خوب نیت
 دیکدر والد سی بنی اسرائیل پادشاهی طاوت نسلندن والد سگ والد سی و جهم بن سلیمان علیه السلام
 نسلندن ایدی * مرویدر که بهمن مجد و ساعی و امور کبر و کینی رای ایدی نخته یکد کده رستدن بدرینک
 انتقام ایچون زابلستانه عسکر کوندر ووب مابقا رستم وفات ایتکین برینه یکن برادری قتل و عمل کتورین
 عارت و بابل یکی بختنصر بن بختنصری عزل ایدوب جاماسب بن لهراسبک قیزی اوغلی کیرش که والد سگ
 والد سی انبیا بنی اسرائیلدن برینک قیزی بابل بکلی و ووب بختنصر مقدما قدس و شای خراب
 و بنی اسرائیل نشتی قتل ایدوب ثانی خراج کدوب ثلثی اسیر ایدوب بابل ایلد شدی کیرش بهمن امر یله
 اسیر لری جمع ایدوب قدسه ایلد ووب شهری کا کان معمور ایدوب دانیال یغمه بری انله حاکم دیکوب جله سی
 ولایتلرینه کلدیلر * تغیر ابوالسعود لک بر بلخده قدسی تعمیر ایدن عجم بکرنندن یوشن در که اوچر یوز بیک
 عسکره مالک بیک تفرقه زمان یعنی سردار و مطاع فرمانده واروب اوتوزیلد کد بایدیلر دیوب بر بلخده دخی
 مذکور در که بهمن بن اسفندیار پادشاه اولد قده حق نمایی انک قلبه بنی اسرائیله شفقت بر افغین حضرت
 دانیالی اوزر لره پادشاه دیکوب جله سی قدسه کوندر د کد کلوب بختنصر طر قندن حاکم اولنره غلبه ایدوب
 ایچلرنده انبیا کوب حالاری اولیکی خربیه و اردی (روایت) میرخوانده ده مذکور در که بهمن عقل
 و عدل و تواضع و مر جتده آبروی ملوک عجم اولوب پدیری انتقام ایچون رستم اوزرینه عسکر کوندر ووب رستم
 ملوک اطرافندن بر عدوسی انده حیلد ایلد هلاک اولغین برنده اولان اوغلی صواشوب صینوب جله افر باسیله
 قتل اولوب رستم پدیری زال کهن سال امیر اولدی (متفرقات) بهمن سلطنتک اون ایکی ییل بنده

نخستین اولوب دین ملعون مجوس اوزره قیزی هما کندودن حامل اولغین قارینک اوزرینه تاج قویوب اوغلی
 سامان بصب الحمرمان ترل دیار واطنان ایندی تاریخ مجده هم من سلطنتک یوزیکر منی بیانده پادشاهانغی
 اوغلی دارایه ویردی و مشاهیر حکامدن ذیقرطیس ایله بقراط هم من زمانده اولغین انلره تعظیم ایدوب انلردخی
 بوکاعلم تعلیم ایدرلردی دینوب تاریخ این نخنده ده هم من اقالیم سبعة به مالک اولاندردن ایدی دینوب
 سلطنتی یوزاون ایکی یاوزیکری ایکی ییل ایدی (فصل سابع در احوال هماغات هم من) تاریخ مجده هم من
 اختیاریه سلطنتی اوغلی دارایه ویردی دینوب نظام اتوار یخنده برروایتده هم منک اوغلی سامان درویشک
 اختیار ایدوب دارا آدلو اوغلو کوچک اولغین قیزی همایی تختہ بکوردی برروایتده دخی قیزی همایی دین
 باطل مجوس اوزره نکاحاوب کندودن حامل اولوب کندوخته ایکن ناج سلطنتی هماغات قارنی اوستنه
 قویوب سلطنتی طوغا حق اوغلانہ تعین ایتد کده سامان سبب حرمانه حرین وکوشه نشین اولوب هم من وفاتده
 هماغات تختہ بکوب حسن تدبیر وعدل کثیر ایله عجمستان ضبط وده هم ایدوب عاقبت اختیار یله سلطنتی اوغلی
 دارایه ویردی دینوب تاریخ میخ خوانده مذکور دیکه هماغات تختہ بکوب بش ایدنصر کیره سابقا هم من حامل
 اولدینی داراب طوغوب مقدما هم من ارکات طوغارایه پادشاه اولسون دیکین هم ازوال سلطنتدن خوف
 اوغلانغی صدوقه قویوب بازوسنه برعظیم جوهر باغلیوب افار صوبه صالوب بر چربی بویانی بولوب الووب
 صوبه باغین آدنی داراب قویوب بلیوب بالغ اولد کده هماغات دیار رومه کوندر دیکه عسکر له سفره کیدوب
 دلاور لکار ایتدیکنی همای ایدوب بعض علامتدن اوغلی ایدوکنی بلیوب کتوردوب اختیار یله
 تختہ بکوروب هماغات سلطنتی اوزر یلاونیدی ییل ایدی (فصل ثانی در احوال داراب بن هم من) تجميع ومدير
 وصاحب عدل و داد اولغین ملوک بلادی کندویه مطیع ومنقاد ایتدی روم پادشاهی فیلقوس بوجکا
 سر فرو ایتد کده دارا عسکر له واروب چکده فیلقوس صینوب بشیه السیف ایله بر محکم قلعه به کیروب عاقبت
 صلحشوب دارایه قیزین ویروب ییلده فرق یلک التون خراج ویره چک اولوب دارا قیزی الووب تختہ کاهنه
 وارد کده قیزله اغزی قوقر اولغین پدرینه کوندر ویرجه سلطنتندن اون درت یا اون ایکی باقری یا بکری ایکی
 ییل کچد کده کندو و عیله مسیحی اولان اوغلی دارابی تختہ بکوروب کندو وفات ایتدی حکیم افلاطون الهی
 بونک زمانده ایدی عجمه بر شهر یا بوب اسمی دارا بکوردو دیلر نصیحه الملوکده دارا بن هم من چنک
 خصوص شده مختلردن ایدی دیومذ کورد (فصل تاسع در احوال دارا بن دارا بن هم من) بوکادارای اصغر
 پدرینه دارای اکبر دیر اهل تدبیر و حشمت مائل توفیر شوکت اولوب لکن صاحب خشونت و دعوت حاکم
 بدصیرت اولغین قلوب اعیان اهل ایران ویران اولوب اسکندر روی به خفیه نامه کوندر ویرجه کار و سکر
 سز معانوت ایدر دیو یازدی اودخی پدری فیلقوس ویره کادیکی فرق یلک التون خراجی ویرمیوب دارا
 قاقیوب عسکر چکوب اسکندر دخی عسکر یله موصل قرینده نصیین شهرنه واروب نیچه کون محکم
 صواشوب برکون دارا چنکدن دونوب اوتاغه کاد کده کندو و بوجیلر ینک ایکسی بونک کوکسینه
 خنجر اووب قاجد قلنده اسکندر ایشیدوب دارایه کاوب باشی دیرینه قویوب دارا کوزین اچد کده اسکندر
 بو خصوصدن اصلاحیم یوقدر دیومین ایدوب هر آدم سزی قتل ایتک دکدی دیوب مافی الضمیرین دیو ویروب
 وصینکزار میدرید کده قاتلیری بولدر ویر قصاص ایله و قیزم روشنی تروج ایله و دیار عجمه خلاف چنکدن
 حاکم نصب ایته دیوب وفات ایتد کده اسکندر وصیتلری طوقوب دارابی مرصع تابوته قویوب تعظیم
 دفن ایتدی بعض معتبرانده اسکندر دلرا ایله نیچه معاملاتنصر کیره محکم صواشوب دارابی صیبوب قاجروپ
 والد هم من اولاد و عیالین امیر ایدوب اوردیجه کیدوب دارایه هند پادشاهندن معاوخته عسکر کلکین
 تکرار چنک اولوب دارابی آدمیری بوجالده قتل ایتکین اسکندر عجم سلطنت دارانک برادرینه ویروب دین
 مجوسی دفع ایدوب عجمده بعض شهر را بوب بعده هندستانه کندی دینوب هر ویردک دارابی مدارانک
 سلطنتی اون درت یا الهی ییل ایدی اسکندر له تفصیل احوالی ملوک یونان یا بنده کله چکدرانده نظر اولنه
 (باب ثالث در احوال ملوک اشکانیان)

اشکانیه اولان اسمی معنی اصف و سارون شهبه اشکانی بونک اولانده اشکانیان دیر اسکندر دارایه
 حمله

غلبه ایتد کده عجم بکارتی حبس و قتلده تردد ایتکین کندونک خواجه می اولان ارسططالیس حکیمه
 مکتوب کوندر ویروب طائشوب اودخی سفک دما دن احتیاج ایدر لکن هر بری برروایتده حاکم ایله تا که اچلرند
 بلو باش اولماغله سنکله صواش اولیوب بری برلله جدال و قتاله اشتغال ایدر دیو خبر کوندر مکتوب برای
 کامل ایله عامل اولوب عمالک ابرانی عجم بکارندن بکری کسینه به توزیع ایدوب قدیمدن تختگاه ملوک عجم اولان
 فارس و عراق ولایتلرین کندو آمدلرندن اینطیعی روی به ویروب کندو می هندستانه سفر ایتدی (نحرره)
 کین رفته اندو کین آمده بچهای هماما کین آمده (نثر) تاریخ این نخنده ده اول بکری کسینه ملوک
 طوائف دیومسی اولوب بشیوزاون ایکی ییل دله ملوک اشکانیه طه ساندن زیاده کسینه اولدیلر دینوب
 نظام اتوار یخنده الهی برنفر ایدیلر سلطنتلری ایکوزالی بادر نیوزا و تویسلدر دیومذ کورد رز کرایجی عیسی
 بخرچیس علم السلام بونلرک زماندرده کاوب اصحاب کشف قصه می دخی بوزماندرده واقعدر اششوب ملوک
 طوائف و اشکانیا نکه جله می آتش پرست مجوس بیلدر اسم ویر برلرند و تاریخده اختلاط اولوب نظام
 اتوار یخنده تاریخ میخوانده اعتماد اولندی (فصل اول در احوال اشکانیان دارا بن دارا اکبر) نظام
 اتوار یخنده مذکور دیکه اسکندر عمالک عجم بکارکین مستقل سلطنت اوزره به امر آ بجمدن برکسینه به
 و تختگاه ملوک عجم اولان فارس و عراق ولایتلرین کندو آمدلرندن اینطیعی روی به ویروب درت ییلدنصر کیره
 من بوارشک ملوک طوائف معاوتلر یله ظهور و اینطیعی قتل ایدوب پدری تختہ بکوب عمالک ایراندن
 رومیلری رثع و دفع ایدوب سلطنتی اون ایکی ییل یا اون ییل ایدی (فصل ثانی در احوال اشکانیان دارا)
 نظام اتوار یخنده اششوب اچینی طبقه ملوکینک اولی اشکانیه اینطیعی روی قتل ایتدی دیو تفصیل ایدوب
 بعده اشکانیان دارا یازوب اول ملوک اشکانیان بونلر در زرا اسمی اشکان اولغین بوندنصر کیره کلان ملوک
 بوکانبست اولوب اشکانیان دیکه مسمی اولدیلر اشکانیه مدت سلطنتی اون ایکی ییلدر دیومذ کورد
 میخوانده اشکانیان یازلیوب هماغات مذکور دیکه اول ملوک طوائف اشکانیان کلان ملوک چندان
 اعتماد اولمیانلر اشکانیان دارا دیومذ نیچه را مکندر عمالک عجمی تقسیم ایتدیک ملوک طوائف بری دخی بودر
 دیوب لکن نیچه لریدیلر که اسکندر کتد کده ولایت عجمه کندو آمدلرندن قودینی حاکم اوزرینه اشکان خروج
 ایدوب ملوک طوائف معاوتلر یله عمالک عجمی اول حاکم الندن الووب تختہ بکوب سار ملوک طوائف اشک
 رشک ایدوب مطیع اولوب لکن باج و خراج ویرمیوب اشک سلطنتی اون ایکی ییل ایدی (فصل ثالث
 در احوال اشکانیان) نظام اتوار یخنده سلطنتی بکری ییل ایدی دیومذ کورد (فصل رابع
 در احوال شاپور بن اشکان یا خود بن اشکان) میخوانده مذکور دیکه پدری وصیتله تختہ بکوب شاپوری
 یوسف یخمه بوندن ایدی بغداده برقوناق برده مداین شهرنی ابتدا بو طرح ایتدی هر دجله اوستنه دموردن
 کوپری یا بوب نوشروان زمانده دک طور دی قصه لری مشهور اولان ویش ورامین بونک زمانده ایدیلر
 هر ویردک اهل همت و مروت عاقل و عادل اولوب تلم و تعلیم علوم حکمته مشغول ایدی حضرت عیسی علیه
 السلام بونک زمانده پیغمبر اولوب بعض کتبده بونک زمانده طوغدی دینوب سلطنتی فرق ایکی یا التیش
 یا همان الی ییل ایدی (فصل خامس در احوال بهرام بن شاپور) بغداد قرینده ایشار نام شهری و مداین ایله
 بغداد قرینده اولان رومیه شهرنک برنده اساسی صافی یونمه طاشدن بر شهر دخی وضع ایدوب اسلافی کبی
 مجوسی اولغین ثواب اعتقاد یله عظیم آتشکده یا بیدردی سلطنتی اون بریا اون ییل ایدی (فصل ششم
 در احوال بلاش بن بهرام) عدالتکار و شهر یار نامدار کامکار و اهل حشمت و اقتدار ایدی میخوانده بونک
 زمانده بنی اسرا ییلدن بر طائفه میون صورتیه مسیح اولوب بیدی کوندنصر کیره جله می هلاک اولدیلر دینوب
 سلطنتی اون بر ییل ایدی (فصل سابع در احوال هرمن بن بلاش) پدری سلطنتی اختیار یله بوجکا
 ویرمیشدی خوش سیرت اهل شجاعت و مضبوط اولوب شکارده آهوقوارکن بره مغاره به کیروب فریدونک
 خزنه سن بولوب جله سن عسکر به تقسیم ایتدی ولایت عراق و برنده شهر قادسیه و نهر و بونک آثار ننددر
 دیر سلطنتی اون طوقوز ییل ایدی تاریخ جعفر یده یونس علیه السلام بونک زمانده پیغمبر اولدی دینوب
 غلط فاضح ایدیکي واضعدر دیشلر (فصل ثامن در احوال انوش یا خود نرسی بن بلاش) برادر نندنصر کیره

تخته چوب عدل و داده معنادار و لب فرق خاوی و ارادی بونک زمانده حوار بونک ایکسی انطاکیه
 خلفی دین حضرت عیسیاه دعوت ایچون واروب باب عیسی ده بکن قصه حبیب بخار و هلاک کفار ظهور
 ابتدی سلطنتی فرق باون درت ییل ایدی (فصل ناسع در احوال فیروز بن هرمز) عیسی وفاتده
 تخته چوبی اونی ییل صکره توابعنک ظلی حددن بکیمین خاق او شوب بونی تختدن ایندروب کوزلرینه
 قیزمش میل چکوب اوغلی بلاشی تخته چوب دیار (فصل عاشر در احوال بلاش بن فیروز) بعض بلاد فتح
 ایدوب عجمده لار شهر بن یایدی سلطنتی اون ایک ییل اولوب وفات ایدر کن عیسی اوغلرندن خسروی
 تخته چوب دیار (فصل حادی عشر در احوال خسرو) نظام التوار یخذه فیروز عیسی خسرو بن بلادان
 سلطنتی فرق ییل ایدی دینوب میرخوانده خسرو بن بلاش که بلاش بن فیروز کعم زاده سی اولوب اهل
 تدبیر ایدی لکن غایت شہوت پرست اولغین همشیره من تصرف ایدی بیطی طبقه بر قصر بلند قله مانند
 یایدروب یوقا و طبقه سنده اوتوروب خراجچوب بعض بحر لری اناغنه اناردی برکون تریاق اربعه بیوب
 مرض اسم الدن وفات ایدی سرجان آدلوب شهر یایوب قصه اصحاب کهف بونک زمانده ایدی دیومذ کوردور
 (فصل ثانی عشر در احوال بلاش) یاخود بلاشان بن بلاش بن فیروز بن هرمز تبریز طارم بونک آثارنددر
 تاریخ جعفر بنده خسرو بن بلاش برادریدر دینوب میر ویدر که واقعه سنده بر ملک سنک اجلاک کند و الکده
 مقدر در دینوب او یاند قدغه غایت ملول اولوب بعد زمان چادر ایچنده اوتوروب در که طاینام دیر کن چادر
 ییلوب هلاک اولدی نسون عابد بونک زمانده اولوب سلطنتی بکری درت ییل ایدی (فصل ثالث عشر
 در احوال اردوان بن بلاش) یاخود ابن بلاشان بونک زمانده ارج ییل یومور یاغیوب جله قومیله توبه
 و اعتقار ایدر کارنده یاغوب رخایدا اولدی تاریخ کزیده ده سلطنتک اون اوچنی بیانده طائفة اشغانیان
 ایله جنگده قتل اولندی طائفة مذکور ملول اشکانیانک غیر بر طبقه در که ملول کیانساندن فریر بن
 کیکاوس نسلندن بیدی تکرکسند در که علی التوالی پادشاه اولمشدر تنکیم حالا احوال لری بیانته شروع
 اولندی (فصل رابع عشر در احوال اردوان بن اشغان) فریر بن کیکاوس نسلندن درار دوان بن بلاش
 جنگ ایدوب انی قتل ایدر کارنده انک برینه چوب جمع ملول طوائف بوکادخی مطیع اولدیلر بونک زمانده کی
 ملول طوائف کفار و عبده اصنام اوغین جر جیس علیه السلام انلری دینه دعوت ایچون پیغمبر اولوب بونک
 سلطنتی بکری اوج ییل ایدی (فصل خامس عشر در احوال خسرو بن اشغان) نظام التوار یخذه
 سلطنتی اون بر ییل ایدی دیومذ کوردور (فصل سادس عشر در احوال بلاش بن اشغان) برادرند نصکره
 تخته چوب سلطنتی اون ایک ییل ایدی تاریخ کزیده ده عیسی علیه السلام بونک زمانده طوغشدر دینوب
 لکن صحتی محل نظر در (فصل سابع عشر در احوال کوردوز بن بلاش) یاخود کوردوز بن اشغان
 بنی اسرائیل حاکی هر دوس مخصوص حضرت یحییایی ظلمانی ایدر کده نیجه ییل صکره چودرز شامه
 واروب قوم چود مردوددن انتقاما بخش ییل آدم قتل ایدی بعده بنی اسرائیل حقیر و ذلیل اولوب
 ایلمزدن نبوت و سلطنت و قوت و نصرت و شوکت کیدوب دین محمدی ظهورنه دلک عجم پادشاهلر بونک
 خراجکزار لری اولدیلر چودرزک سلطنتی او توز ییل ایدی (فصل ثامن عشر در احوال نرسی بن چودرز)
 پدرند نصکره بکری ییل پادشاه اولوب وفات ایدی میرخوانده شهر بن کوردوز دینشدر (فصل ناسع
 عشر در احوال چودرز بن نرسی) سلطنتی لوز بر ییل ایدی میرخوانده کوردوز بن ییزن پدرند نصکره
 اون ییل پادشاه اولوب وفات ایدی دینشدر (فصل عاشرین در احوال کوردوز بن ییزن) میرخوانده
 برادرند نصکره تخته چوب بونک زمانده طائفة روم عجمه قصد ایدر کن بودخی ملول اطرافندن یاردم
 دیلیوب انلرک معاوتله رومیلری دفع ایدی سلطنتی اون بر ییل اولوب وفات ایدی دینوب نظام
 التوار یخذه اشبو کوردوز اصلاد کراولنامه شدر (فصل حادی و عشرون در احوال اردوان بن نرسی)
 سلطان عظیم الشان و او توز بر ییل عز و جاه فراواله کامران اولوب بعده اول ملول ساسانیان اولان اردشیر
 ابن بابکان ایله جنگده قتل اولوب آخر ملول اشکانیان و ملول طوائف بودر میر یاز اصفه باند هر قیش
 اهوازده اولوب بعضی قشکاهی ری شهری ایدی دینشدر

(باب رابع در احوال ملول ساسانیان)

طائفة عرب عجم شاهلرینه کسری دیمکین بونلره اکاسره دیرلر او توز نفر اولوب سلطنتی درت و سکان
 بر ییل ایدی جله سی آتش پرست و ایمان شکست مجوسلر اولوب لکن حسن تدبیر و خاوعدل و داد ایله فتح
 و ضبط بلاد و نظام احوال عباد ایدوب غایتده عظیم الشان سلطان کامران ایدیلر (فصل اول در احوال
 اردشیر بن بابکان بن ساسان الاصغر) سابقه درویش اولان ساسان بن بهمن بن اسفندیار نسلنددر
 میرخوانده مفصلدر که شاهنشاه لقبیله ابتدا ملقب اولان و کتر قوشاق ایجاد ایدن بودر بعضی حضرت عیسی
 بونک زمانده پیغمبر اولوب بونی دینه دعوت ایچون ایک رسول کوند بکین اردشیر قومندن خیفه خفیه
 ایمان کتوردی دیدیلر لکن ظاهر بودر که دور عیسایان جوق صکره کلش اوله تنکیم بر ورق یوقا و ده فصل
 رابعدن و فصل نامندن معلوم اولور (ظهیر) بونک کیفیت ظاهر ورنده اولان اقوالک بری بودر که مزبور
 بابکان آخر اشکانیان اولان اردوان زمانده معبود و مجوس اولان آتشکده ضابطی اولوب کوچک اوغلی
 اردشیر دارا کرد شهرنک حاکی ایکن منجمین اعلامیله صاحب قرانلق و جاسیله عراق و آذر بایجانده عسکر
 چکوب فتح و ضبط ایدوب پدری دخی بر فرصته فارس بکینی قتل ایدوب بیولک اوغلی شاپوری انده پادشاه
 دیکوب پادشاه بابکان وفات ایدوب شاپور اردشیر عسکر چکوب برادر لری انی طوئوب اردشیر و یروب بعده
 وردشیر اصطرخه مستولی بعده شاپوره غدر ایدن بعض اعیانی قتل بعده بعض بلاد عجمی فتح و حا کلری اولاد
 اعیال لری قتل ایدر کده اردوان بونی دفعه عسکر لره روان و دوان اولوب اردشیر صحرای هر مز جانده عسکری
 اطرافنه خندق قازوب اردوان عسکر فراواله کوب سکن اذانت المدة لا تفع الة مضه و نیجه جنگده
 صیوب قتل اولوب اردشیر همدان و جبل و ارمینیه و مومل و لایتلر بونک جله شهر لری الوب عرافده دجله
 کارنده بر عظیم شهر یایوب اصطرخه کلوب اندن نجستانه سیستانه و جرجان نیشابور و بلخ خوارزم
 ملکتلرینه واروب ضبط ایدر کده فارسه کلوب ملول آفاق بوکا سر فرو ایدوب همدانیا کوندروب حاکم بحرین
 سرکشک ایدر کده اوزرینه واروب اودخی خوقندن کندوبی حصاردن اوب هلاک اولغین اردشیر بزره شیر
 بی زخم تیر و شمشیر قلعه بی ضبط ایدوب بعده مداینه کوب سلطنتی اختیار ایل اوغلی شاپوره وردی و مرویدر که
 عمالک عالمی سر بر سر کشت ایدوب عظیم شهر لری یایوب ربع مسکون دینایی بالتام کشت ایدن ملول عالمدن
 بش کسند در که فریدون ذوانقرنین سلیمان پیغمبر اردشیر بن بابک تبع عیشدر دیشدر (فائده) مرویدر که
 مزبور اردشیر غایت عاقل و عادل و کامل اولغین باب و است و سیانده بیچد کلیات فہامی و ایدر که
 بعضی بونلدر (۱) لامالک الابرار جال و لار جال الابرار مال و لا مال الابرار عمارة و لا عمارة الا بالعدل (۲)
 سلطان عادل خیر من مطروابل (۳) شر الملوك من خافه البری و اعفد علیه الجری (۴) الدین بالمالک یقوی
 و المالک بالدين یقی (۵) لا ترکوا الی هذه الدنيا فانم الا بقی علی احد ولا تترکوها فان الاخرة لا تال الا بها (۶)
 اسد حطوم خیر من ملک غشوم و ملک غشوم خیر من قننه تدوم مرویدر که جمیع ملول عجمده کلیات دلاور
 نصیحت آمیز ایله ممتاز و سرفراز اولوب کیفیت ظهوری و عمالک عالمی کشت و کزاری و تفاسیل احوال
 معاش ناس بیانده آداب العیش آدلوب برکاب یازوب امور زندگانی نه حاله اولیق کرک ایدوب کفی ییلدروب
 مرد عاقل بروقتنی عاقل قومیه که بطالتده افکار فاسده هجومیله نیجه نامه قول امور ظهور ایتکه سبب
 اولوریدی * نصیحة الملوكده سلطنتی اون طقوز یا بخش سکن ییل ایدی دینوب میرخوانده قتل اردواندن
 اول اون ایک بعده اون درت ییل ایدی دینوب نظام التوار یخذه سلطنتی او توز ییل ایدی اردوان زمانده
 خروج ایدوب والده سنک پدری شهر اصطرخه حاکی اوغین آق ضبط و ملول طوائف ظالم اولغین جله سین
 کسر و رفع و حسن تدبیر و ضرب شمشیر ایله عالمی کروب تبخیر ایدوب باب عدالتده نیجه عادت وضع ایدوب
 مقبول خاق اولدی دیومذ کوردور * عرب و عجم نزد تر کلر طاوله دیدکاری او یخاق اردشیر ایجاد ایدر که
 تخته سی دیلایوزینه درت طرفتی فصول اربعه به شانه لری اون ایک آیه یوللری آیت او توز کونته آق یوللری
 کوندزه سیاه یوللری کیجه به زولری قضا و قدره تشبیه ایدوب دنیاده انسان مجبور و بالکیمیه مسلوب
 الاختیار و مقرر اولوب تقدیر خدادن غیر نسنه ظهور ایتد بکمر من قصد ایتکین آتی اویشاق شرعا

هرامدرو الله اعلم اوج سبی وارد در * اول حقیقه لغو اولان هر لعب واهو حرامدر * اینکین اعتقاد جبر صرف
 البته کفر اولمغین آتی مشهورمذکر اولان دخی حرامدر * اوجنی قضا و قدری تعظیم فرض اولوب آت لهوی
 اکاشیه حرام و کفر در ما موده ارد شیرک والده سی حرزاده مرقدده بر عظیم کو پرویا بشدر که اکثری بری
 باقر و دمور کرجا اولوب طولی یک ارتفاعی یوزالی ذراع اولوب بحائب دنیا دندردیومذکور در (فصل ثانی)
 در احوال شاپور بن اردشیر) غایت خوب صورت اولوب عقل و شجاعت عدل و سخاوت ایلد سلطنت سوروب
 محله نیجه زیبا پیدا ایدی دقایق سدن غیری ملول یونان شاپوره مر فروایتدیلر * کتب فلاسفه فی
 جم ایدوب احسان یونانی فارسی ترجمه ایدر ملک ابتدایوندن صادر اولدی عود دیدکاری سازونک ایچا بدور
 (حکایت) ملول اشکانیانندن برینک قیزی اردشیر اسیر ایدوب حسنا اولمغین تصرف ایدوب اعداسی
 نسلندن ایدوکنی بلد کده قتل ایلدی وزیرینه ورورب اودخی پادشاهدن جلی اولدیغنی بیامکن کندونک
 ذکرنی کسوب بر قوطیه قویوب مهر ایوب بعد زمان معلوم اولدی جتی نسته در دیو پادشاهه امانت ورورب
 خاوتی زیرزمینده بلیوب طوغرد قده آتی شاپور قویوب بعد زمان اردشیرک اوغلی اولمغین سلطنت
 اعدایه مشعل اولوردیوسوزو که از اید کده وزیر متازدلت و از حق رازی باز وسایا کندودن افزایه یکتی
 ابرازا تمکین اردشیر شاپوری کتوردوب تخته کوروب بعده شاپور عدل و داد و فتح بلاد بهاشادی (حکایت)
 بعد زمان دجله و فرات اراشیده مدینه خضری ایکی یادرت ییل محاصره ایدوب قلعه سی طلسمه یا بلغمین
 فتح ایدمده ضیق آلدی پادشاهنک نصیره آلدی قیزی قلعه دن بونی کوروب عاشقه اولوب طریق فتح بودر که
 بر کور جیتی حیض فاته بولاشدورب اوچوروب قلعه نک هر قتی برجنه قونار سه یقلاوردیو خبر کوندورب
 بودخی تخر به ایدمده ایکی برج یقلاوب شهری فتح و ضیقنی قتل ایدوب نصیره بی نظیره بی نکاحلنوب
 بارمقلندن ایلیکی کورینور حسنا و نازنین اولمغین بر کجه دوشکده انین ایدوب یوقلان قده بردانه قوریش
 کل بیراخی کوده سنه باغش بلغمین شاپور نجب ایدوب بابا کسنی نه ایلد باردی دیوب قیون ایلیکی و نبات مصری
 و شراب صافی ایددیکده شاپور قاقیوب بولده نازله بسلین بابا که خیانت ایدیمک بکانه ایتل کرک دیوب قیزی
 آنه سورتدی (مترقات) بعده نصیبین شهری محاصره و هزاره بله فتح بعده رومه واروب اکثر بلادین
 ضبط ایدوب ولایت کده نیجه عظیم شهر لری ایدردی شاپورک اوخرنده نقاشلکده فرید و بی نانی
 اولان مانی که زمره حکمادن ثوبه مشرکین مذهبنده ایدی نبوت دعواسله ظاهر ایدوب شاپورانی ارادوب
 اودخی خوفدن قاجوب تاریخ مسعودیده شاپور ماینک دین باطلن ابتدا قبول و عاقبت رجوع ایددی
 دیوب * مرویدر که مانی جانی جیع محرمانه رخصت ویرمکن بچد کسنه تابع اولوب دنیاده زنا و لواط بی ابتدا
 مستحل اولان مانی ضال و مضل ایدی * مرویدر که شاپورک حسنی حددن کچمکن وزیراسی نصیحت ایدمک کرجیه
 انکرم المختار من استوی عنده الذهب والاحجار دیر ایدی سلطنتی او تو زیل آتی یا تو زواج ییل ایدی
 (فصل ثالث در احوال هرمن بن شاپور) جدی اردشیر کی عادل و دلی و عاقل و اهل تدبیر و صورت و سیرتده
 اکانتیر ایدی * ساغایدی تخته کچمده بونی خراسان بکی ایدوب بعده بعض اعدا شهمزاده سلطنتی الکزدن
 المنه ما عیدر دیو ایدوب هرمن ایشد کده اوزمانده بدتده کلی عیسی اولان پادشاه اولمغین کندو
 آتی کسوب پدیزه کوندورب اودخی کوروب غم چکوب جله بدنک چالچالک ایتلک بریمه پادشاه اولدی جتی
 سنین دیو خبر کوندورب کتوردوب رعایت ایدوب وفات ایدمده برینه کچمندی بچمده ارام هرمن یونک
 بنالزندن سلطنتی بریل اون کون یار ییل اوج آتی یا ایکی ییل یا تو زیل اوج آتی ایدی (حکایت)
 کندودن مرویدر که بش خصلتی جم ایتیمان حکومت لایق اولز (۱) شویله دورین و عاقبت اندیش اوله که
 هر مصطنک اوانلنده عاقبتی نه مخبر اولدی جتی فراستله یلوب اکا کوره عمل ایلده (۲) عقلی شویله اوله که
 نامه قول ایشلدن آتی منع اید (۳) شویله قوت تابی اوله که هر نه مشکل ایش دوشمره خوف و تشویش
 حکیمه (۴) عهدنه وفا ایدیمی اوله (۵) ایتلک پادده زخارف دیو به نک قدر و حرمتی اولیه (فصل رابع)
 در احوال بهرام بن هرمن) عادل و حایم و شفیق و سلیم محبوب القلوب و محبوب العیوب ایدی (قصه) مقدما
 ظهور ایدر مانی جانی عیباتک بشارت ایدیک آخزمان پیغمبری بتم بوکاک آدی الحیادربکا کوکدن

ایندی دیو هرزه نیوب جله خلقه جیع محرمانه رخصت دخی ویرمکن بچد کسنه تابع اولوب لکن شاپورک
 خوفندن کشمیر بولندن هندستانه اندن ترکستانه و چین و خطایه واروب نقاشلکده دنیاه نظیری کلاما مکن
 نقوش عجبیه ایلد مالک مزبورده خلقی الدادوب انشاء میاحنده بر یوبک مغاره به کیروب بر ییلاق ذخیره
 قویوب توابعنه بن کو که چیتوب بر ییل کو کارده طوروب بعده بره یوب سزه عجب ایشدن خبر ویرمکن کردو
 فلان برده بکا تو قف ایدل دیوب مغاره ده تمها طوروب بر لوح اوستنه انس و جان حیران اولدی جتی نقوش عجبیه
 و اشکال غریبه یازوب بعده نیوغمه مجزه اولمغین کوکدن ایشدرم دیو خلقی الدادوب بچمه کاد کده بهرام
 اکا نامرا تصدیق ایتمکن توابعنی جم ایدمده بهرام علماء مجرمله بونی بحث ایدوب مانی ملزم اولد قده
 توبه تکلیف اولوب عساده ایتمکن دریمی یوزلوب صمان طولدرلوب دروازه ده آملوب جله توابعی دخی
 قتل اولندی بهرامک سلطنتی اوج ییل اوج آتی ایدی (فصل خامس در احوال بهرام بن بهرام) اوائل
 سلطنتده ظلم ایدوب بولندن خانی نفرت ایتمکن کمال عدالتله سلولک ایدی سلطنتی اونیدی یا اون سکنز یا اون
 یا خودیو زبکری ییل ایدی (فصل سادس در احوال بهرام بن بهرام بن بهرام) اهل عقل و مائل عدل اولوب
 پدری حیاته سیستان حاکمی ایدی * نظام التواریخده پدری حیاته ده مستقلا سیستان پادشاهی اولوب
 شهنشاه دیولقب قوغندی * و مدبر و عادل اولوب سلطنتی اون اوج ییل آتی ایدی دیوب مانی کتیده
 طاووز یادرت ییل پادمان درت آتی ایدی دیومذکور در (فصل سابع در احوال نرسی بن بهرام ثانی)
 برادری بهرام ثالث برینه کچوب لعب واهو و مائل ایکن عدل و حسن سلوک کده بهر بلاد و ترفیه عبادایمکه
 معتمد اولوب عاقبت اختیار ایلد اوغلی هرمنی تخته کوروب سلطنتی طاووز ییل یایدی ییل آتی ایدی
 (فصل ثامن در احوال هرمن بن نرسی) سلطنتدن اول بدخوی و ترش روی اولوب بعد الجاوس تحسین
 اخلاق و عدل و اشفاق و بدل و اشفاق اوزره اولدی کابلستان پادشاهنک قیزی نکاحلنوب دختر بد اختر
 سرک لک ایتمکن قتل ایدوب بهرام نام اولوب کندو به قتل ایلدین وزیرزاده من صاب ایدی * سلطنتی پدی
 ییل بش آتی یا اون اوج ییل بش آتی یا غنر ییل بش آتی ایدی (فصل سابع در احوال شاپور ذوالکاف
 این هرمن) شجاع و مویب و مدبر و مصیب و سفالنی بال و عاقل و اهل ادب و عدله مائل سلطان کامل ایدی
 پدری وفاتده ولد سی بوکا حامل اولمغین تاج سلطنتی والده منی کیوب شاپور طوغرد قده ملول آفاق عمالات
 بجمی المنه عزم ایدوب جوار ولایت ایرانده اولان بعض قبائل عرب دخی بجمه ستانی غارت ایدوب شاپور
 بش ایشد تدبیره باشدیوب اون الی ایشد ییل یادرت ییلک نفر کزیده عکرله دجله و فرات و بحر عجم
 کارلنده و اساق و طیف و بحرین و هجر و لایزنده قبائل عرب بدن بولدیغنی قیروب کیمینک ارقه لرندن قایش
 چیقارمغین لقمی ذوالکاف قودیلر (حکایت) قبیله بی نمیدن اوچیز ایشد عجم و عرب بن قیم طولوب
 شاپوره کتور یلوب بعض قبل و قالد نصکره سبب قتل عربی صوروب غارت بلاد عجم ایدمک یچوندردید کده
 ایدر جزایرین بولدیلسا ترعر بک صوچلری ندر دیوب علمامن عاقبت عرب بجمه غاب اولوب ملک کلرین
 الهه ل کر کردیمکیندردید کده * چون بواشک اوله جفته پادشاه جازمدر عرب بلره جفانه لازمدر مناسب
 بود کچمدر که شیدین انلره احسان ایدم سز تا که انلر غاب اولدق لنده سز کاه حسن معامله ایدم لردیوب نیجه
 نصیحتلر ایدمده شاپوره کلمات پیر خوب تدبیر ثانی ایتمکن قتال و قتل عرب بلردن فراغت ایددی من ویرمکن
 سکسان ییل دخی بشاپوب بعده وفات ایددی (حکایت) شاپور و حالد نصکره شمس احوال روم ایچون
 تبدیل صورتله استابوله واروب بر طریقه ییلنوب ایمی یوتیاوس اولان قیصر بونی طولوب حبس ایدوب
 بهده چیتاروب آتی اوکجه یاوغنی کتوردوب خوزستانده شاپورک تختسکاهی اولان چند شاپور شهرنه
 واروب محاصره ایدوب عید نصاری کجه سنده شاپورله محبوسلر فرست بولوب بتدرین چوزوب کندو قلعه منی
 البته واروب چاغروب ایچرو الذوب سرور و موفور ایلد مسلح عسکر جم ایدوب ینه اوکجه قلعه دن چیتوب علی
 لغله رومیلری باصوب قیصری حبس ایدوب یا قوب یقدینی خرما اغاچلری برینه رومدن زیتون اغاچلری
 کتوردوب دیکدروب مالک عجم اولکی کبی معبود اولد قده قیصری رومه کوندردی * بعض تواریخده
 یا قارین کسوب بوزن دلوب ایپ کوروب حماره بندر کوندردی * تاریخ مجمده مذکور در که قیصر

محموس ایکن قسطنطین نسلندن برکنسته استانبولده واطرافنده بادشاه اولمغین عسکر جمع ایدوب شاپوردن
 بخان عرب بلدی قار شوب روم و عرب جله یوزی بخش یلک عدد اولوب اتفاقه هجوم ایدوب شاپور عجزی نیلوب
 فارسه کیدوب بعض ملوکدن یاردم ایستوب عسکر جمع ایتد کده طور شوب چنگکه صینوب اطرافنده کزوب
 تکرار عسکر جمع ایدوب رومه کیدوب قیصره نامه کوندروب اودخی بودقه کندونک عجزی نیلوب شاپورک
 مراد نجه مرحدده اولان نصیبین شهرتی ووروب هدایای عظیمه کوندروب صلح اولدیلر (ایوان) پس
 شاپور عراق عرب به کلوب ساحل نمر فراتده مداین شهرتی بریلده یایوب تختگاه ایتدی نظام التوار یخنده
 شاپور رومه سفر ایدوب قسطنطینیه ده سبا کن اولان روم پادشاهی یونانوسه غالب اولوب خراج کسوب
 بعده دونوب مداین شهرتی یایدی دینوب و مریدر که مداینده ایوان دیکله مشهور جهان اولان دیوانخانه
 شاهانه یی یو یایدی طوی یوز عرفی الی ذراع اولوب توغله و کرج ایله یایلوب یکریمی ییلده تمام اولدی ایچی
 منقش و مذهب ایمن کی زیر حضرت عمر زمانده فتح اولنده ده بعض برلین مسلمانلری یوق یاقده قلنده اون
 کره یوز یلک فلوری حاصل اولدی دیشلر مزبور ایوانک اوصاف و احوالی تفصیل عظیمه محتاج اولوب دخی
 الا آن نیجه دیوار لری وجود در شاپورک ملطقی بخش ایکی یا بخش ییل ایدی (فصل عاشر در احوال اردشیر
 ابن هرمز) شاپور ذوالاکانک ین شاپور آدلو اوغلی کوچک اولمغین برادری اردشیر یخنده یکدی شاپور
 سیرتده اولوب اون درت یا اون یا همان درت ییلد نصکره سلطنتی برادر زاده سی شاپور بن شاپور و بردی طبری
 ایدر ذوالاکانک پدری هرمن یم برمه اوغم اردشیری پکور مکر و فاعده نصکره طوغاجتی اوغلی پکورک دیو
 اصغر مغین ارکان و اعیان اردشیری محروم و شاپور طوغجه یوق ایوب طوغنده تاجی باشه قوبوب شاپور
 وفاتده اودتیر سلطنته مستول اولوب سینه غم دیننه مشده کی کینه دیرینه سنجه سابقا حرماتنه باعث
 اولان اعیانی قتل ایتمکین باقیرلی اوشوب یوقی رفع و شاپور بن شاپوری نصب ایتدیلر (فصل حادی عشر
 در احوال شاپور بن شاپور ذوالاکانک) عادل و اهل اتفاق و عادل و پسندیده اخلاق ایدی چادرده او تورور کن
 یا او تورور کن محکم بل اسوب اییلری قیلوب اوزرته دویمکین هلاک اولدی * تواریخ طبریده بعض اعیان
 یوقی هلاک ایتک ایچون چادر اییلرین قصه کدیلر دیوب ملطقی بش ییلش آی یاخود الی ییل ایدی
 مریدر که عالمه احسان جمیع اشیا دن خوبدرا کن شکر احسان اندن اعلی و مرغوبدر دیشلر
 (فصل ثانی عشر در احوال بهرام بن شاپور ذوالاکانک) پدری و برادری زمانزنده حاکم کرمان اولمغین
 بوکا کرمان شاه دیرلری حکومته نیکوسیرت و پاکیزه سیرت ایدی برادری برینه جلوسندن اون بریاون
 ایکی ییل مکره اوزرته عسکر هجوم ایتد کده ازدحام تامده براوق طوقنوب هلاک اولدی * تواریخ منجمده
 بعض اقر بانندن بری بوکا غرض ایدوب بی جرم و سبب بر طریقه قتل اولندی دیشلر دیو مذکوردر
 (فصل ثالث عشر در احوال یزدجرد الانیم) خود بین و غلیظ القلب سر یص و ظالم و اهل سلب و جلب
 و مزاور قتل و سلب اولوب هر دم دار آزار کار اولمغین انیم لقبیله اشتهار بولندی بهرام بن شاپورک اوغلی
 یاخود برادری ایدی سابقا عقل و تدبیر و اخلاق دلپذیر ایله مشهور اولوب بعد الخلوص کثرت سقا
 دمان عدم اجتناب و مقام و متکراته ارتکاب ایدر اولدی (ع) اذاتم امر دن ناقصه * فخر اسنجه ظلی
 غایه جور یی تمایته ایرد کده ناکاه سرایته غایبدن بر کوزل آنک کوب طور ووب یزدجرد آتی کور ووب تمایت
 نکوب اگر اوب کنور ندید کده یاتنه کینه اوغرا تمیوب یزدجرد کند ووب وارد قده آن طور مغین
 کند وایله اگر ایوب قویروغنه قوسه ون پکورور کن سینه پر کینه سته محکم دپه چالوب یزدجرد مرد اولدی
 آن دخی فی الحال کوزدن نهان اولوب محکم اراوب نام و نشانی عیان اولوب جله خاق جهان حیران
 اولدیلر ملطقی یکریمی ایکی ییلش آی یا یکریمی بریل یا یوز ییل یا سکسان ایکی ییل ایدی (فصل رابع عشر
 در احوال بهرام کور بن یزدجرد) انواع عیش و عشرت و صید و شکاره رغبت و رعایایه شغقت ایدر ذی
 تیراند از قده ممتاز اولوب جمده بویه ماهر کینه کلدی داماشکاره مقید اولمغین کاف بحمیله فارسجه
 اسبی کور اولان بیان اشکنی چوق صیدا یتمکین یاخود بر کون صحرا ده بیان اشکی اوزرته چیه مش
 برارسلان کور ووب لوق آنوب ایکی فی دخی دلوب پکور بره صیلا مغین بهرام کور دیکله ملقب و مشهور

اولدی و مریدر که پدری یزدجردله هر طوغان اوغلی یا اشغین بهرام طوغنده دیار عربده کوفه فر بنده آب
 و هوای خوب اولان حیره ولایتده کوندروب بوکا مطیع اولان ملوک عرب بدن نهان بز امره القیس آکوب
 بهرام یوب یونکچون خورنق آدلو بر قصر فرید العصر یایدروب بعده نعمان دین حضرت عید ایه کیر ووب ترک
 دنیا ایتد کده اوغلی منذر بهرامی تربیت و رعایت ایدوب بواشاده یزدجرد وفات ایدوب امره انجم بهرامی
 کتورور سلک جائز که پدری کی ظالم اوله خصوصاً عربستانده ییو مکین طبعه قی بره موافق اولیه دیوب اردشیر
 ابن بابک نسلندن خسرو نام کینه یی یخنده کور ووب منذر ایتد کده اوغلی نعمانی اون یلک عسکرله مقدم
 کوندروب در عقب کند و دخی او توز یلک عسکرله بهرامی الوب تختگاه عجمه واروب بحمل ار اسنه نزاع
 دوشوب عاقبت بهرام تاج سلطنتی ایکی آج ارسلان ار اسنه قول خسرو له بن قنغیز واروب تاجی الملقه جرأت
 ایدر سه او پادشاه واسون دیکین بر صحرایه جمع اولوب بهرام بخت رام بخت مرهم هر دانه میدانه کیر ووب
 ارسلان ترک برسی بوکا ایتد کده بهرامی بالک صحرایوب اوزرته نیوب الله کی طائله باشن اوزمق ایسترن کن
 ایکنی ارسلان دخی هجوم ایتد کده بهرام انی قولاغندن طوقنوب ارسلان ترک باشن بری برلینه اوروب
 خرد و خاش و شجاعت عظیمه سین خلته فاش ایدوب کندوبه شایاش دیدر کده خسرو ایله سائر ناس کلوب
 سلطنته بیعت واد آتم نیت ایتدیلر بهرام عدالتله نظم امور دینصکره عیش و نوشه با شایوب شهرده اهل ساز
 و خوب آواز آزار اولمغین هندستاندن اون ایکی یلک سازنده و خواننده کتور ووب خلق دخی روز و شب شوق
 و شغف ذوق و طرب ایتک ایچون نمالک عجمه تقسیم و اسباب تعمی و تجمیع ایتدی (غلبه) خاقان چین
 بهرامنک هوا سین ایتد کده ایکی وزالی یلک عسکرله مرو یاخود ری شهرته کلوب او تور ووب طائفه عجم برغم
 و الم اولوب بهرام اولاد ملوک عجمدن یدی نفرو بهادر دن اوچموز نه رایله شکاره چیقوب برادری نریمی یی
 برینه نائب قویوب بحمل بهرام قاجدی مایوب خاقانه نضر عثمانه لر کوندروب خراج و بر مکه متعهد
 اولدیلر بهرام آذر بایجانده معبد مجوس اولان آتد کده یی زیارت ایدوب بعده ارمینیه و واروب یلک نفر
 دلاور هنر آورله خفیه خاقان اردوسی قرینه واروب نجس اخبار دینصکره عسکرکی درت یولوب خیل
 غارت میل شبیه السیل لیل طویل الذیل مورث الولیده مقیر طبل و نقر ایله درت طرفدن یور ووب اترالک نابالغ
 شاشوب تدار که باشلیجه فی الحال بهرام خاقانک او تاغنه یور ووب او تور دیتی رده باشی ککوب عسکرکی
 صندروب نهر جیحونه دل قوه لبوب نیجه لر یی قیردی * تواریخ دینوریده مذکوردر که بهرام خاقانک هجوم
 ایتد ایتد کده یلک نفر دلاوری بر دروه به بندروب هر برینه بر رات و نازی و طوغان و وروب شکار نامیله
 چیقوب آذر بایجان و واروب یدی یلک عجمه کره بر بوش صغردریسی بر بدخوی طای و وروب مرو
 یقلاشد قده در یلی اصلادوب قوریدوب ایچنه خرده طاشلر قور ووب او قلدوب دیکدروب هر کشتی برایشی
 کوز ووب کیجه خاقان اردوسین باصوب اترالک نایاکه کثرت و دهشت آواز ناماز جانکدازدن خوف کلی
 مستولی اولمغین صینوب بهرام خاقانی کند وایله طوقنوب نهر جیحونه دل اترالکی قوه ایوب انده کند و وطور ووب
 بر آرمیسی بلاد شمرته کوندروب وارد قده اطراف واکافی ضبط و تسخیر ایدوب ماوراءالنهر دن نامه لر کاوب
 سینور تعیین اولنوب سالم و عام تختگاهنه کلدی (منقرفات) طبری ایدر وطننه کلد کده رعایاده باقی اولان
 ماللری باغشلیوب بهمن بن اسفندیار نسلندن وزیر عاقل بی نظیری بهر رزمی یی کند و برینه دیکوب کند و بی
 سیاحت طریقه هندستان سیرنه کیدوب وارد قده شکاره مشغول اولوب صحرا ده بریا و ز فیله صواشوب
 قبی قتل ایتد کده هند پادشاهی بهرامی یلیوب ندیم ایدوب بر خصم غالبی عسکرله هجوم ایتد کده بهرام انلری
 صیوب پادشاه حظ ایدوب قیزی بهرامه و وروب قانعه سالی ایتک دیلد کده بهرام کند و یکم اید و کتی ییلدروب
 پادشاه عذر لایدوب هند ایچم سوزنده شهر لر باغشلیوب بهرام وطنندن ایکی ییل غیبتده ککره مال
 و عیالله تختگاهنه کلدی بعده وزیر یی فرق یلک عسکرله استانبول کوندروب وارد قده قیصری خراج کسوب
 کلد کده بهرام یمنه سفر ایدوب بلاد سورانده وافر قتل و غارت ایدوب تختگاهنه کلدی نظام التوار یخنده
 مذکوردر که کند و یمن و حبشه کیدوب برادری نریمی یی رومه کوندروب ایکسی دخی منصور و و طغر
 دونوب جمع اولدیلر (خاتمه) مریدر که آخر عمرنده بر کون شکارده جانور قوه لر کن آن و اسبایله بر قویه

با شانه دوشوب و انده سی کوب قیوی مقدور بشیر اولان قدر ز دروب ذره دکاوشان عیان اولدی *

سلطنتی بکری اوج یا آتش اوج ییل ایدی (فصل خامس عشر در احوال برادر بن بهرام کوز) خوب

خصلت اهل عدالت ایدی حاکم و سلیم او راغب برادر بن بهرام کوزی عمالکین تعمیر و غزای کسب ایدی *

ناریخ میرخوانده مذکور در کتب و نیز مری می که سابقا فارغ اولوب دین باطل مجوس اوزره

آتشکده ده عبادت ایدری و نیز و شهر ایدوب ز درج دکنده و اسلافی کبی عدل و داد ایدوب و امور بلاد

ایدوب ملوک آفاق طرز قدیم اوزره بوکا خراجلرین و برپوب برفاج ییلدنصکره قیصر خراج ویرمده

مهر زبانی عسکره کوندر و ب وارد قدیم قیصر قورقوب بنه خراج ویرمده بک اولدی سلطنتی این کز ییل بش

ای یا بکری کز ییل ایدی (فصل سادس عشر در احوال هرمن بن برادر بن) فیروز آدوب برادر بن

کوک ایدوب کز ییل بک بوکا محبتی اندن زیاده اولمغین فیروز و لا یقنه حاکم کوندر و بونی ولی عهد

ایتمندی جلوسه عظمی و تمندی به تصدی ایتمکین فیروز ایدوب اتر اکرده هیاطله پادشاهی خوشنوازه

واروب او تو ز ییل یار دجی عسکر اولوب همه کلد کده هر مزه غالب اولوب قول اصح اوزره بحرمتی عفو ایدوب

بدی تخمه کوب هیاطله ای نام واکرام ایدوب لا یقنه کوندردی * بهض نواریخده هرمن ایچون خوب

سیرت اهل عدالت ایدی دینوب لکن نظام التوار یخده مذکور در کتب و نیز و وفاتیده او غلا شجی ایکن یول

قرنداشلر بنه غلبه ایدوب تخمه کوب اهل جور غریب الطور اولوب خاقدن احتیاج و ظله اقساب

ایندی * یول برادر مغلوب اولد قدیم هیاطله پادشاهنه فاجوب انک معا و قیل کوب هرمنی حبس

ایدوب برینه کدی هرمن سلطنتی بدی ییل یا بکری یا همان طو زای ایدی (فصل سابع عشر در احوال

فیروز بن برادر بن) بعض کیده این هرمن دینوب میرخوانده مذکور در کتب و نیز و هرمنی قتل ایدوب بعده

انک اهل یتمدن اوج کسسه یایی تخمه کوب اظه اعدالت و حسن سیرت ایدوب (خط) هرمنی در

فیروز جلوسدن بر ییل مکره بدی ییل دکنده و ریاضیه عظیم خط اولوب دجله و جیحون و نیجه یول هرمن

قور و ب قیولک صوری باقوب بر و زنده اصلا اوت بقبوب و خوش و طیور قیولوب فیروز رعایای جمیع

تکالیفدن معاف ایدوب اغنیای قرائن بسا و نلر قنقی شهر و قریه ده که برکسته آخاقدن وفات ایدوب انک

خلقه صیانت اولد و زبوعملکنرنده ندا ایدرمکین برکسته دن غیری آخاقدن اصلا بر فرد وفات ایدوب

(بلا) خط کز کده هیاطله پادشاهی خوشنوازل طنی ایشد کده اوزر بنه سرفرا بوب خوشنواز

نوابعدن بری تفصیل محتاج بر طریقه صومریه یواندن قول غوزا و اغین فیروز انک اکثر عسکری هلاک

اولوب بقیه سیله ناچار خوشنوازه واروب عهد و پیمان و نیجه ایمان نصکره خامر و خایب تخمه کاهنه راجع

رایب اولدی * بعد زمان منوچهر نسلندن یستان حاکمی سوخرا نام کسسه بی کندونک بلاش و قباد نام

اوغلر بنه ناظر قوبوب هیاطله به تکرار سرفرا بوب خوشنواز کندی عسکری اطرافته خندق قازوب اوستی

بهض ننه ایدوب مغالبه اولد قلند خوشنواز فاجق صورتی کوسر و ب فیروز عسکر به هیوم ایدوب کارنده

اکثری خندقه دوشوب هلاک و باقیری قتل و غارت و فیروز قیزی امیر اولوب بو خبر غم اثری سوخرا

ایشد کده عسکر چکوب کوب خوشنوازلدی فی اسیرلری و ماللری ویروب صلح اولوب سوخرا عسکر به

دونوب کلد کده بلاش بن فیروزی تخمه کوب و ب فیروز کستان پادشاهنه فاجدی فیروز سلطنتی

بکری الی یا بکری بریاون بر ییل ایدی (روایت) نظام التوار یخده مایه ازمان خطه خزینه دن رعایا

و برایه اموان قراوان احسان ایدوب هر شهر حاکمه خبر کوندر و ب اکبر کفایتلرندن زیاده ذخیره لرین

صرا به تقسیم ایدوب بر صرا آخاقدن وفات ایدوب کده برینه بر غنی کسسه قتل ایدوب * هرمن فیروز

هیاطله ایچنکده قتل اولدی دیومذ کوردر (فصل ثامن عشر در احوال بلاش بن فیروز) عاقل و عادل

اولوب درت ییل یا بکری ییل ایکی ای سلطنت سور و ب وفات ایدی (فصل نابع عشر در احوال قباد بن

فیروز) برادر بلاش تخمه کلد کده قباد کستان پادشاهنه فاجوب انک معا و قیل وافر عسکره کوردر

بلاش وفات ایدوب تر کستان عسکر بن دوندروب کندی و مخصوص وافر آدملر بهمه کوب تخمه کوب

سابقا کراوشان سوخرا کبی رعایا ایدوب مرجع به و اولد قدیم سلطنت خوقدن حبس و قتل ایدی

(مزدک) قباد کجلوسدن اون ییل مکره طائفه شوی به دن مانی مذهبنده مخترع دین زندقه اولان مزدک

نام ملعون حاشا دعوی نبوت اید و ظهور و زنده آدوب برکاب کفر اتساب تألیف ایدوب مال و منال و جله سالد

خلق عالم مشترک اولان کرک اموال و نروچ ناس بری برلر بنه حلال و حیوانات بوغازانی وات قسمی و یاغلو

قسمی بک حرام و وبالدر دینوب کندی خرقه پوش اولوب دین باطل مجوس اوزره زهد و عبادت ایدوب

آتشکده کی آتش سوزیلوب آتش ایچندن جواب جیفه غین قباد و بعد مر ضلالت نهاد بوکا اعتقاد

و انقیاد ایدوب ققراوار اذل اکبر ماللرین حتی اولاد و عیاللرین جبر و قهرله تصرفه باشلیوب قباد حقاقت

نهاد اغنیایک ماللرین تقرایه توزیع ایتک دیلد کده خلق رشیده اولوب قبادی حبس ایدوب برینه برادر

جاماسی بکوروب مزدک آذربایجان فاجدی (فصل عشرین در احوال جاماس بن فیروز) نصیحه الملو کده

علم نجومده غایت مهارت اید شهرت بولان جاماس حکیم دیکلری بودردینوب * نواریخده مذکور در

اوج ییل یا بکری الی پادشاه اولوب سابقا قبادی دین مجوس اوزره خاقی اولان همشیره سی بر حیل اید

حبسدن فاجور مغین هیاطله به کیدوب برفاج ییل آند و طور و ب عاقبت هیاطله پادشاهی او تو ز ییل عسکر

قوشوب بحجم هجوم اید کده اکابر جمیع خوفلرندن قبادی قار و لایوب کتور و ب تخمه کوروب جاماسی

عفو ایدی (فصل حادی و عشرون در احوال قباد انزور) ایکنی دفعه تخمه کلد کده بزرگ هرمن سوخرا

وزیر ایدوب عدل و داد و تمیر بلاد و ترفیه عباد به باشلیوب لکن مزدک بی دینه و انک اتباعی اولان ملاعینه

رعایتلر ایدوب کندی و عاقل کده نیجه عالی شهرت ایدوب بر دع و کجه و میا فار قین انک بشا زنده عاقبت رومه

غزا ایدوب منصور و مظفر کلد کده اوغلی نوشر وانی تخمه کوروب کندی و فراغت اختیار ایدوب سلطنتی فرق

اوج یا قری ییل ایدی (فصل ثانی و عشرون در احوال نوشر و ان عادل بن قباد) پدر بک بوندن یول نیجه

اوغللری اولوب بکله دن اعقل واکل بواولمغین بونی تخمه کوردی غایتده عاقل و مدبر کامل اولمغین بدی

زمانده دخی مشکلات اموزده مرجع به و رایدی * اول بکلو سنده مزدکی سکسان ییل یا بکری نوابه

ضیافت عامه بهانه سیله جمع و مزدکی قتل بعده احراق بالنار و جله مزدکیلری برکونده بردار ایدی بعده جد

اعلامی اردشیر عادل وضع ایدوبی قوانین عدالت و آیین ریاست اوزره نظم امور بلاد و ضبط جهور

عباد ایدوب بر سرحدلده حصار لر و ولدره کو پر یلر یا بکری خراب کویلری ده مر ایدوب * ایکنی اصفهان قم جبل

بولوب هر بر بنه بر عاقل و معتمد حاکم کوندر دیکلری خراسان سجستان کرمان * ایکنی اصفهان قم جبل

آذربایجان ارمنیه * اوجنی فارس اهواز و در دینی روم سرحد بنه دکن جمیع مالک عراق ایدی (فتوحات)

نظام التوار یخده مزدکی قتلند نصکره رومه سرفرا بوب قیصری طوئوب خراج کسوب آزاد ایدی بعده

ماوراءالنهر کیدوب تر کستان پادشاهی خاقان بونکله صلح ایدوب قیزی و فرغانه شهرتی ویروب خاقانه

هیاطله طائفه سنده واروب بکله سین قتل ایدوب بعده هند و چین ولایتلر بنه واروب خلقله صلحت و ب

دوند کده طائفه قباقلایت در بند و شر وانی خراب ایتمکین واروب انلری دفع ویر بدی * مور ایدوب

عسکر قوبوب مملکتنه دوندی * باب الاوابکه دمور قبودر نوشر و ان بشامی اولوب بحجاب دیاندر

دیومذ کوردر (روایت) میرخوانده مفصلدر که بعد ایلوس نظم امور به و را ایدوب بعده طخارستان

و کاباستان و چغانیه عسکر چکوب هیاطله ولایتلرین فتح ایدوب خاقان چین صاحب قرانلق رجاسیله عظیم

عسکره شاش فرغانه سرفرا بوب کاش نصف شهر لر بنه مستولی اولوب نوشر و ان ایشد کده اوغلی هرمنی

عظیم عسکره کوندر مکن خاقان الدینی مملکتلری براغوب ولایتنه فاجدی * پادشاه طوائف عربدن ملوک

غساندن شام پادشاهی خالد بن جبلة بعم طرفندن ولایت حیره پادشاهی منذر بن ماء السج و لا یقنه غارت

و قتل و نیجه خسارت ایتمکین نوشر و ان واروب ولایت جزیره دارابی و رهایی و ولایت شامده قنسرین

و حلب و انطاکیه بی الوب انطاکیه بی غایت بکته بکین مهندسله رسن آدوب او طر حده مدایله بغداد

فر بنده رومیه آدوب بر لطیف شهر یا بوب انطاکیه خلقی اکا کتور و ب قیصر ایشد کده نوشر و ان مال عظیم

کوندر و ب صلح اولوب شام و جزیره و حجاز و طائف وین و بحرین و عمان نوشر و ان ضبطنه کیدی (نوش زاد)

مرویدر * نوشر و انک بر شاقی و اندن طوغان نوش زاد آدوب اوغلی دین حضرت عیسی اوزره اولوب

نوشروان پسر وی اولمغینانی حبس ایدوب شامه وارد قده خسته اولمغین نوش زاد اکثری نصارا دن عسکر
جمع ویدری خزینه سین انله انعام ایدوب فارس واهوازی بدرینک آدمیری الذند الوب بدرنی وفات ایتدی
دوشایع ایدوب ولایت عراق فتحه کیدوب نوشروان شامه ایکن کند و تختگاهنده اولان امر اسندن برینه
سردار اولوب اوغملایه صواشوب رفعه چالشوب لکن کندوبه ضرر ایرشد بریمه سن دیو خبر کوندروب
اودخی صواشوب ناکاه نوشزاده اوق طوقنوب هلالیا جنگنده اسیر اولمغین عسکری طاعادی (متفرقات)
نوشروان مدینه کده هنده عظیم عسکر کوندروب جبل سرندیبه دل وارد قلنده هند پادشاهی نوشروانه
وافر هدا یا ایلی کوندروب بحر عمان کارنده عجم منورنده کی شهر لری ووروب صلح دیلای کین نوشروان
کند و سر دارنه خبر کوندروب ولایت عجمه دوندردی مرویدر که بلاد ماوراءالنهر وخراسان ودر بند خزان
وطبرستان وجرجان و فارس و کرمان و بعض ممالک هندستان و عراق و عمان و بحرین و یمنه و ولایت لری یمن و مغرب
حدودنه دل بونک حکمنه کیدر کده تعهیر بلاد و ترغیه عباده بذل مقدور و صرف میسور و وضع خراج
اراضیه عدل موقور ایدوب یهود و نصاری خراج کسوب عمری بکر میدن اکسک والیدین زیاده اولمغی
جمع تکالیفدن معاف ایدوب عسکر نده شصت و فارس اولمغی یوقلمغه نافار و حارس دیکوب هر برینه
درت یکنه مقرر ایتدی (هدایا) مرویدر که امور سلطنته تمام انتظام ویرد کده ملوک برابا ارسال هدایا
و اطاعت و مدارا ایکنه باشلوب جله دن هندستان پادشاهی کوند و دیک یکن بطمان عود ایدیکه آتنده
موم کی اریسوب اوزرینه مهر با صلوردی و یکباره با قوت اچردن بردانه کاسه ایدیکه درینک یکنه همان ایکی
بار مق عرضی قدر اولوب اکن اغزی شک عرضی بر فارس اولوب دنیا خراجی در ایدی و بر جاریه حسنا ایدیکه
قامتی بیدی فارس اولوب وصف جمال پر کلی محال ایدی و سیلان در یسندن طوقنش بردوشه ایدیکه هر یزدن
نرم ایدی * و خاقان چین بر آتو تصویر کوندردیکه کوزلری با قوت اچر و قبضه تیغی زمر دوسا تراعضای
جواهر له مرصع ایدی و نهایت ولایت چینده ولایت تبت پادشاهی هر برینک وزنی قرق الیشر درهم اولوب
اکن اوق یکموز و قیل کسوز یوزدانه بی نظیر جوشن ایلد درت یکن نافه یا خود درت یکن بطمان مسک و دخی
امرافنده اوز زادم اوزوره جوق قدر اولوب جواهر له مرصع صافی التوتون بر عظیم سینی کوندردی (فائده)
مرویدر که نوشروان عقلا و حکما بی جمع ایدوب سلاطینه لازم اولان اوصافی شصت و سه بیان ابلک دیوب هرری
کندی عقلنه کوره دیوب وزیر و مقبول اولان حکیم بزر جهر بن بختکان ملوک که لازم اولان اوصاف (۱)
شهرت و غضبیدن و هوای نفسدن برهیز (۲) کلماتده صدق و مواعید و شرم و طنده و وفا (۳) عقلا ایلد مشورت
(۴) اشرف ناسی مرتبه رفیع رعایت (۵) حاکم لری احوالی تجسس و تفحص ایدوب حالارینه کوره مکافات
و مجازات (۶) محبوسلر احوالی یوقلامده دقت و اهتمام (۷) طشره رده کی یوللر و شهر رده چار سولر و زخار
و ذخیره لرو متاعلر احوالار یی یوقلامق (۸) خلقی حسن تأدیب و حدود و معینه بی اجرا (۹) آلات و مهمات
حر بی اجساد (۱۰) اقربا و سائر ذواتی رعایت و تأدیب و ضبط (۱۱) کندی دنک و اعداسنک و لایتنری
چاسوسلر یوقلامق دیوب خیر و شر و نفع و ضرر هر نه ایسه معلوم ایدوب اکا کوره قیلمق (۱۲) وزراوند ما و سائر
ذواتی احوالی یوقلامق دید کده * نوشروان بو کلمات حکمت و سواد مندی غایت پسند ایدوب جامع ذمه ایچ
ملوک و دیوانتون حل ایل یازلق یوردی (متفرقات) مرویدر که جمیع ملوک عجمدن مراعات آداب حکم
و حکم و عدل و عقل و تدبیر عالم ایکنه افضل و اکمل و جله نامه نفی اعم و اشمل ایدی * آتش پرست اولوبوب
مسلمان اولیدی آتیشا و اصفیاد نصکره دور آدمیزاد یوندن اعدل و اعتدال پادشاه کلدی دیک جائز ایدی
کند رنندن قطع نظر اطوار خنده و آثار پسندیده بی حکایات ملوک آفاقده و کتب فصیح و اخلاقده تفصیل
اولوب بوستانده کوردردی (نظم) شنیدم که در وقت نزاع روان * هر من چنین گفت نوشین روان *
که خاطر تکه دار درویش باش * نه در بند آیش خویش باش (نثر) مرویدر که سابقا ملوک یمندن
دور زن اوغلی سیف الملوک خسته دن قتل و اظهار حیفا ایکنه کلوب نوشروان اکا آرز عسکر قوشوب یمنه
وارد قلنده * بشیر لری سوروب چاقاروب بی سیف ضبط ایدوب بعده وفات اید کده طه و درین اسلامه دل
عجم طرقلندن ضبط اولندی * مرویدر که نوشروانک دیوانخانه سنده دایمادرت کریمی مورردیکه بری

بزر جهر حکیم بری قیصر روم بری خاقان چین بری شاه قیباق او تورمغیچون ایدی * خریدة الجاییده نوشروانک
قولانغی جوهری کوپه لو اون یکن عدد دخو بری و سفیل موی ایچ اوغلانی اولوب هیت و شوکتیچون طوقز
یکن قیل بسلر دیکه ایکی یکن دیووزی قار کی غایت آق ایدی وفات اید کده خزینه سنده اموال و جواهر
و تحفدن غیری وزنی اوچر مثقال اون یکن دانه شاهانه انجو بولندی دینوب * کتاب الاوانلده ابتدا خراج
وضع ایدوب مقاسمه بی رفیع ایدن و اراضی بی مساحت ایتدیروب ممالک و بلادده تعیین و تحفید خراج ایدن
نوشرواندر دیشلر اکن این جبهه جزیه دید کاری خراج واضعی حضرت موسی دریدی ییل جمع ایتدی دینوب
* فوایع مسکیمه ده نوشروان کتاب کایله و دمنه نک نصایح و حکمی مشتمل اید و کن ایستد کده اتی بولوب
کتورمکچون برزویه حکیمه بش یوز یکن فلوری ووروب هنده کوندروب کتور دینوب فارسی به ترجمه ایتدردی
دیومند کوردردی نیجه معتبر ایتده حضرت رسول علیه السلام نوشروان سلطنتک قرق ایکنی ییلنده طوغذیلر
بهده نوشروانیدی ییل سکر آیی ایشلوب جله سلطنتی قرقیدی ییل سکر آیی ایدی دینوب * شواهد النبویه
حضرت رسولات ولادت لر نده کرمه یکریمی ییل یشادی دینوب * کتاب منقیده عبدالمطاب هر من بن نوشروان
زماننده وفات ایدوب رسول علیه السلام سکر یاشنده ایدیلر دینوب خلق ایچنده حدیثدر دیومشهور اولان
ولدت فی زمن الملك العادل نوشروان کلامی باطالدر حدیث دکلدردی و محمد بن اتناق ایدوب حتی سافدن
برستی واقعه سنده بونی حضرت رسوله مورد قده مافله قطیه بی بن اتی اصلا دیمد دیویر و مرشد
(فصل ثالث و عشرون در احوال هر من بن نوشروان) والده بی خاقان چین قیزی اولمغین نوشروان اولادی
ایچندن سلطنته بونی تعیین ایتدی اهل شوکت و مهابت و صاحب تدبیر و خفاوت لکن سالفی باله ایدی
اوائل جلوسنده عدل بهده ظلم ایدوب اعیانی قتل و تذلایل و اراذلی تربیت و تحجیل ایدوب تدریجیه کبار عجمدن
اوج یکن آدم قتل ایکنه کلوب ناس یوندن نفرت و هراس ایکنین ملوک اطراف جابجیا باش قالدروب قیصر
سکسان یکن عسکر له یوروب نمیبینه کلوب نوشروانک * کندی و دن الدینغی ممالکی الموق ایستوب دهور
قاپو طرقلنده کی طاقه خزر دخی دریدی کوب آذربایجانله ارمینیه بی غارت و طاقه عربدن بعضلر دخی
ولایت سواد عراق غارت ایتدیلر (غلبه) خاقان اوغلی سابه شاه که هر منک دایسیدر ولایت عجمی المغه
اوج درت یوز یکن عسکر له نهر جیحونی کوب هر ایتده او توروب هر من دخی آذربایجان حاکمی بهرام چوینی
سردار ایکنین همان اون ایکی یکن صالت دلاور ایل و اوروب محکم صواشوب بهرام سابه ایه اوق اوب هلال
ایدوب سابه نک اوغلی عجمه * جمع ایدوب صواشوقده اسیر اولوب میر خواننده ذکر اولندی بی اوزر بهرام
ایکیوزانی یکن دوه یوکی مال غنیمت اوب مدینه کوندردی * کین هر من غایتده حظ ایتدی (زوال)
وزیر افسد بهرامه حدای ایکنین کوندردیکی مال الدینک عشری دکادر دید کده هر من ایشلوب بهرامه
غضب خبرین کوندروب عسکر هر منزه انجنوب بهرامی پادشاه ایدوب بهرام هر منک اوغلی خسته و نامه
سیم وزر کسدروب اطرافه یایوب خسرویدرندن قورقوب آذربایجان قاجوب هر من خسروک ایکی داییلری
بندویه ایلد طاسمی * پس ایدوب بعده ایکیسی دخی بر فرستله قورقوب بعض عسکر اتفاقر ایلد هر منی
طوقوب کوزلرینه قزمش میل چکوب خسرو ایشیدوب کلوب تخته کوب بیخبر اید و کته پذیرفته عذرا ایدی
هر منک سلطنتی اون ایکی ییل یا اون بر ییل درت آیی ایدی (روایت) نظام اتوار یخنده مذ کوردردی
جلوسندن اون ییل صکره خاقان عسکر له خرامانه کلوب هر من عسکری بهرام چوینی * کوندروب
جنگنده خاقانی و اوغلانی قتل ایدوب اموال غنیمتی هر منزه کوندروب کندوسی ترکستان ضبطنه کتمک
صد دنده هر من ایشیدوب بهرامک اوستنه عسکر کوندروب بهرام انلری صیدوب طاعدوب اعیان عجم
برغم اولوب هر منک کوزینه میل چکوب * پس ایدوب خسرو تخته کده کده کیش ایلد بوغدردی * بعض
نوار یخنده دیوانخانه سنده زنجیر عدالت کروب اهل حاجت اولنلر زنجیری تحریک ایتد کده بر طر فی کند و خاص
اوطه سنده اولمغین خبردار اولوب اوکسته بی کتور دینوب حاجتن بتورردی دینوب * لکن اکثره معتبر ایتده
یومعق نوشروانه اسناد اولغشدر (فصل رابع و عشرون در احوال خسرو بن هرمن) لقبی پزویر اولوب
معنای مظفر یا خود عزیز دیکدر * میر خواننده مفصلدر که پدیری * پس اولاده کلوب تخته کوب بهرام

چو بین بونک او سینه یور یوب خسروایه نمر و ان ارمقی کارنده صواشوب خسرو عسکری غدرای تمکین
صینوب مداینه قاجوب پدیری تعلیمه رومه کیدوب یوله دایلی جبراد و یوب هر مزی یوغوب ینه کاوب
پهرامک عسکری یقشتمکین خسرو بر کلبه سایه کیدوب تفریاده قاجوب طوائف هریدن ملوک حیره دن ایامه
او غرا یوب اندن واروب قیصر کای رعایت و قیزی مریم یی نکاح ایدوب یوز قول بکری حسنایا چاره یوز دانه
شاهانه انجو بکری کره یوزیک تقدالتون و نیجه جواهر و وافر قاش قانور و یوب خسروانده بر ییچی بیل
طوروب بده قیصر اوغلی ناطومی یوزیک قدر عسکره خسرو قوشوب آذر باییمانه کادگرنده پهرام
قارشو کاوب حکم صواشوب عاقبت اکثر عسکر کیجه خسرو کاوب پهرام ترک سینه قاجوب شاهانک
مقبول اولوب عاقبت خسرو اغوا سینه شاهانک خانوقی پهرامی بر حیل ایلد قتل ایدوب خانان طوید قد خاتونی
پوشادی (جلوس نانی) پهرام قاجو قد خسرو و تکرار ختمه یوب روم عسکرین رعایتله کوندوب پدیری
وصیفه دایلی قتل و نظام امور چهره ده سی موفور ایدوب جلوسنک اون در دینی ییلنده رومیلر قیصری
وناطومی قتل ایدوب قیصرک بر اوغلی خسرو کاوب بودخی اوج سردار ایلد وافر عسکر قوشوب قدس
وقل طینی آلوب خلقی اسیر ایدوب اسکندریه شهر نه دخی مستولی اولوب استانبول نواحیه سنه دلا ولایت
رومده نیجه بر لر خراب ایدوب رومیلر اقلیدس دید کیری هر قلی پادشاه ایتمکین عسکر عجم چالتوب قیصر زاده یی
نخته بکوره مدیله بعد هر قل خسرو له جنکه استانبولن عسکر چکوب نصیبینه کادکده خسرو اون ایکی
ییک عسکره بر سردار کوندوب چنکده سردار له الی ییک نفر قتل اولوب نیجه معتبرانده خسرو هر قله
جنکه عسکر کوندوب هر قل عسکر صینوب قرآنده (الم غلبت الروم فی ادنی الارض) آیتندن مراد بودر
یدی ییلند نصره شام فرنده تکرار صواشوب هر قل غالب اولوب (وهم من بعد غلبهم یغلبون فی بضع سنین)
آیتندن مراد بودر دینلر (متفرقات در جاه و جلال و کثرت مال و سائر احوال) و معتبرات کثیره ده اولانک
محصلی بودر که خسرو عاقبتده خوب صورت و پسنیده سیرت و اهل شجاعت و قوی البدن اولوب ملوک عجمده
ریاست و یکاست و صلایت و اصابت و عزم و جزم و رزم و کثرت و قوت و وفور و اموال و نفوذ
و معصوری و مالک و امن بلاد و مالک ایل ممتاز و سر فرز ایدی بر تختی و ارادیکه یوکسک اولوب ایکی ییلده دلا
متصل او نوز نفر شا کردلو یوز بکری استاد ایشلیوب جواهر له مرصع اولوب اون ایکی برج و سینه سیاره
و اعمال ماعات و نیجه صناعات صورتی نقش اولنشدی او نوز ییک مرصع اگری الی ییک آئی اون ایکی ییک
دوه می شید بر آدلو بر مشهور آئی ییک ایکوز فیلی اون ایکی ییک حسنایا چاره سی و ارادیدی بشقه بر راسلو یوز
عدد خزینه سی اولوب بر ییک اسبی باد آوردا ییکه روم پادشاهی اموال نفیسه سن خوف اعدادن ییک عدد
کلبه یوکسکوب بر مکان حصینه کوندوب بحکمه الله مخالف یل اسوب بجر عجم کارنه واره من بجه سنی
خسرو ایشیدی * مر ویدر که عیایب دیندن نیجه نسیه به مالک ایدی بر یسی تاج مرصع ایدیکه کیجه لده انک
ضیامنن الشمس نقر استاده صنعت ایش لردی * ایکنی الی ذراع برد ایند دایند ایدیکه کیرلند کده آتسه آتوب
کیری یانوب بنمدر قوتی فویندن موقوفین دایند ضرر اولمزدی * اوچنی سر بردن بر قمر مزی ردا ایدیکه
هر ساعت متلون اولوردی * در دینی یوزک قاشی بر طاش ایدیکه اغزده طوتله صوراتی کسردی * بشنی
بر ییچاق ایدیکه زهر لوطه ام ایچنه قوتسه قینایوب ایچنن زهر آبرلوب چیقاردی * بعض معتبرانده مذکور در که
خسروک مالی خصوصه مبالغه لرا و انوب قول صحیح بودر که اون بر ییک سازنده و خدمتکار چاره سی
اللی ییک خادم و یا سبانی بکری ییک بشیر و رومی و عربی آئی و قاری طقوز یوز التیش فیلی و ارادیدی * حیوة
الحیوانده مذکور در که الی ییک طواری ان ایکی یا اون اوج ییک خانوقی اولوب آتیه بدیکه ایکوز کسینه لرنده
بخور دانه ییلد کیدوب یولاری بخور لیوب مقدمایک مقابوللری صولایوب * خسروک بجه نفوذدن بزی
بر فطه التون ایدیکه بال موی کبی بومشاق اولوب هز یا صلتی و آتسه طوقندین نیجه نسیه لریایلی ممکن ایدی
و بر چنای ایدیکه ایچنده کی صوابیله کده قدر تندن فی الحال صوابه طولردی و آتیه و تندن آدم الی شکلی ایدیکه
یوزک اولادندن بری طوخر کن صوابیله کده قدر تندن فی الحال صوابه طولردی و آتیه و تندن آدم الی شکلی ایدیکه
طالعه میخملر یوقلردی * خسروک شیرین آدلو محبوب بی نه شقی ایدوب الدینی و مقدما فرهاد نامرادک

کندوبی هلاکته خسروک حیل ایلد حبیب اولدینی کتب حکایتده مذکور و مشهور سالتدر (هلاک او)
مر ویدر که اولانده متواضع و عدالته مائل اولوب ایکی کسینه یی تعیین ایشدیکه هر دوه آتیه بدیکه بونک
او کیجه آتیه یور یوب سن قولسن * عسکری دکلسن دیود مبدم سولیبوب خسرو دخی باشیله بلی دیو اشارت
ایدردی اکن او اخر عمر نده مغرور و بود خوی اولوب حتی ساطنتک اون طوقوزنی یا بکرمینی ییلنده حضرت
رسول الله صلی الله علیه و سلم مدینه به هجرتلر ییک ییچنی ییلنده یونایمانه دعوت ایچون نامه کوندرد کده
خسرو ضلالترو کمال خیانت و حماقتندن مکتوب شریفی بر قوب رسول علیه السلام ایشند کده (مزی الله
ملک) یعنی الله سلطنتی باره اسون دیکین ماه جادی الاولی تک او تنده صالی کیجه سی اخشامنن بیدی ماعت
یکد کده اوغلی شیویه خنجره بونک قارنی یاروب ماطنت عجم دخی دما دم مختل اولوب حضرت عر خلاقنده
بالکلیه زوال یولوب جمیع مالک عجمی است محمد ضبط ایتدیلر (سبب قتل او) مر ویدر که باقیه صیردن
صینوب قاجوب کلان عسکرک اکثری خسرو حبس ایتمکین و منجملر ماطنت عجم اولاد کدن بر ییک اوغلنده
آخرا ولوردید کلان اولادنی جاعدن منع ایچون حبس ایتمکین و حیره پادشاهی نهمان بن منذری قتل ایدوب
برنی سابق الذکر ایاسه و بر مکین و پدیری زمانند نبر و وزیر و مشیر اولان خواجه بزوجه حکیم مذهب باطل
مجرمی ترک ایدوب دین حضرت عیسیا به کیرد کده خسرو قاقیوب آئی قتل ایتمکین محصل تبدیل اخلاق
و اعیان عجمه تحصیل شقاق ایتمکین هجرت حضرت رسولک ییچنی یا طوقوزنی ییلنده اکابر عجم او شوب بونی
حبس ایدوب او زرنه بشیر بکینی قویوب پرینه اوغلی شیویه ییچور یوب بده شیویه ابرام اکابر له ناچار
پدرنی و اون بیدی یا اون برادرنی قتل ایتدردی سلطنتی او نوز سکر ییل ایدی (مجزه بر عبرت) کتب
سیرده محروم در که خسرو و تنه اسنده بر ملک انسان صورتده کور یوب انده بر عضا و یوب ای خسرو الله تعالی
کو کدن کلبه بر یغمبر کوند رمشدرا کا ایمان کتوبو خسه بونی بائکده پاره لرم دیوب اودخی فارسیجه
بیل بیل یعنی قوا ایچمه امان و بر دیوب که جنگ ییل دخی یوله ایدوب اوچنی ییل دخی ایمانه کلیه چکی مقرر
اولمقین عیایب یاشنده پاره ایوب کیدوب او کیجه اوغلی شیویه خنجره خسرو ییچور یوب قتل ایتدی
(نورده) دشمن دین محمد دایما اوله هلاک * هر بر ییک منزل و ماوامی اوله زیر خاک (فصل خامس و عشرون
در احوال شیویه بن خسرو) مر ویدر که ابرام اعجام له پدرنی و اون نفر برادرنی قتل ایتدربوب بده عدالته
باشلیوب دیار عجمده عظیم طاعون اولوب پدر و برادرلری قتلنه ندامتندن خسته اولوب وفات ایتدی
مر ویدر که پدیری هلا کند نصره اوکی اباسی شیرینه عاشق اولوب آئی کندوبه رام ایچکی مرام و محکم ابرام
ایتد کده پدرک مقبره سن آج کوره یوب دیوب آچد قدده شیرین طانلوجا تندن او صاعقین آچی زهر ییوب فی الحال
وفات ایتدی دیوب نظام التوار یچده شیویه غدار و مکار اولوب پدریله اون بیدی برادرنی قتل ایتدربوب و بعده
بر مرصع الیه او غرا یوب دار یچمه کتدی دیوب * بعض معتبرانده پدرنی قتل کوندردیکی کسینه به خسرو
او ستمده سنک چوق حقن واردر آنک عوضی فلان صند یغمی آل سنک اولسون دیوب قتله نص * مرالوب
شیویه به التوب اودخی اچوب بر حقه ایلد حبار یولوب بردانه سن بین نیجه دفعه جماعه قادر اولور دیو یاز لغین
شیویه حرصندن ییوب زهر له یوغرماش اولمقین هلاک اولدی دیوب * عمری بکری ایکی ییل سلطنتی همان
اللی با سکر آئی ایدی (فصل سادس و عشرون در احوال اردشیر بن شیویه) پدری وفاتده بیدی یاشنده
نخته بکور یوب روم سرحدنک بکی شهر یار نامدار مداینه عسکر چکوب اردشیری قالدربوب نخته بکوب
اکا بردن وافر کسینه یی خسروک قتلنه چالشیدیلر دیکلر به سانه سیله دفع و دفع ایدوب خسرو نسلندن کسینه
اولمافین عجمه لرا ناچار مطیع اولدیلر * سلطنتی بر ییل الی آئی یا همان بش ای ایدی نظام التوار یچده امراء
عجمه دن شهر براد سیمه - الاراد شیر او زرنه خروج و عاقبت بر یینه بکوب نسل ملو کدن اولمافین اغیسان
عجم همان اول کون شهر برادی قتل ایتدیلر دیومذ کوردور (فصل سابع و عشرون در احوال شهریار)
یا خود شهر براد * مر ویدر که نسل ملو کدن اولمافین سپاه عجم بوکا اطاعته عارلنوب اصطخر عسکرندن
اوج برادر یوب قتلنه انفاقتوب آت اوچننده نیزه ایلد ییغوب عزل ایدوب جمله قرق یا بکری کون پادشاه
اولشدی دیوب * لکن تار ییچ دیوریده مذکور در که جلوسندن بر ییل مکره نسل ملو کدن اولمافین

کابر هم چو ماله بوف قتل ایدوب خسروک پیرام چو بین هه شهره می کرد به خوتندن اوغلی بشری تخته
 بکوروب بریلند نکره وفات اید کده خسروک قیزی پوران دختی تخته بکوردیلدینوب هه مورد اللطافه ده
 عمل شهریان بن شیرویه قتل و خسروک قیزی پورانی نصب ایدیلدینوب کورد (فصل نهم و عشرین
 در احوال کسری بن ارسلان) میرخوانده ذکر اولوب نظام التوار یخده اردشیر بن شیرویه اوستنه
 شهر برادرش و ج و عاقبت قتل ایدوب تخته بکده نسل ملوکدن اولماقین همان اوکون قتل اولوب
 فارس بن اسان بن یمن نسلندن کسری بن ارسلان دن غیر ملوک هم نسلندن آدم بولنماقین ناچار
 تخته بکوروب بریل بش اید نکره وفات اید دینوب نصیحه الملوکده اردشیر بن کزاز انک برینه پوران
 دخت آنک برینه ازری دخت آنک برینه فرخ زاد آنک برینه برادر اولدی دینوب بعض کتیده کسری
 ابن ارسلانک سلطنتی هه مان الی بن کون ایدی دیومذ کورد و الله اعلم (فصل نهم و عشرین
 در احوال کسری بن قباد بن هرمز) بعض معتبرانده ترکستانده بلمشدی اتفاقا عیاله تخته بکوروب
 سلطانق اوج آی ایدی دینوب تاریخ میرخوانده اشبو کسری ذکر اولنماشدر (فصل نهم و عشرین
 در احوال پوران دخت بنت خسرو) عاقله و کامله عارفه و عاده اولوب کوی بریلر و نونه میر ایدوب شهریار
 قاتلرندن بری وزیر ایدوب خسرو زمانده رومدن کتوروب نصارتک معزز و مکرملری اولان خشیه
 الصلیبی قیصره کوندروب اودخی غایت خط ایدوب دوست اولدی پوران دخت شهریار توابعی و کندونک
 برادر لینی قتل باعث اولدی قتل ایدوب پورانی دیدکاری طهام بولکمنسو بولر سلطنتی بریل درت آی
 یا همان الی آی ایدی بونک زمانده حضرت محمد علی الله علیه و سلم کفار خاکاره غزا ایتمک باشلیدیلر
 (فصل هادی و نهم در احوال فیروز) میرخوانده درجه بعیده ده خسروک عیسی اوغلرندن پوران
 دختک ملازمه لردن اولوب بقی خنسانده ایدی بانی یولک اولغین تاج سلطنتی کید کده نه عجب طاردر دیکین
 خلق طایر ایدوب سلطنتی آرا اولوردیلر بعض کتیده بکوردیلر و سوزدن انجنوب تاجی باشندن الوب تخته غیر
 کسته بکوردیلر دینوب تاریخ کامله بدسیرت اولغین عسکری بوف قتل ایدوب سلطنتی برآیدن آرا اولدی
 بهض تواریخده فیروز نکره خسرو بن قباد بن نوشران تخته بکیدی دینوب قول جه و رومور خینه مخالفدر
 دینوب نظام التوار یخده پوران دخت برینه پرویز بن پیرام بکوب والده سی نوشران نسلندن اولوب سلطنتی
 الی آی ایدی دیومذ کورد (فصل نهم و عشرین در احوال ازری دخت بنت خسرو) تواریخ غریبه ده
 خنسانده پادشاه اولد کده امور سلطنت و تدبیردن خیر اولماقین برای مقداری طوروب بعد برینه ازری
 دخت تخته بکوردی دینوب میرخوانده غایت حسن و عاقله اولوب وزارتت اصلاح کسته به ویرمیوب رأی
 و تدبیرده مستقله ایدی خسرو زمانده نیرو خراسان بکی فرخ بن هرمز اوغلی رشتی برینه قویوب ککندو
 مدینه کلوب ازری دخت عاتق اولوب نکاح خلق مراد اید کده زوج سلطنته ماندر لکن بر کجه تنهاجه
 کلوب و صالم ایلاد و بر مراد ایده یم دیوب اودخی ایشانوب کاد کده باشن کلوب بدخی سرای قیومی اوکته
 قویوب ایرتی خلق کوروب متغیر و متغیر اولدیلر رستم خراسانده ایشیدوب عسکرله کلوب جنگده ازری
 مایوب عذاب عظیمه قتل ایدی دینوب نظام التوار یخده رستم ازری به زهر ایدوب انکاه هلاک اولدی
 برروایند عسکرله کلوب قتل ایدی دینوب ازرمینک سلطنتی بریل درت آی یا همان درت آی ایدی
 (فصل نهم و عشرین در احوال کسری بن خنسن) میرخوانده ازرمیند نکره بکوردیلر ملوکاری نسلندن
 برکسته اراوب اهوازده اردشیر بن یایک نسلندن بوف بولغین تخته بکوروب لکن امور سلطنتدن آگاه
 اولماقین برایکی هفت نکره زمره سپاه اشبوی گاهی قتل ایدی نظام التوار یخده اصلا ذکر اولنماشدر
 (فصل رابع و نهم در احوال فرخ زاد بن خسرو) میرخوانده کسری قتلنده نسل ملوکدن آدم بولقنوب
 فرخ زاد سابقا برادر شیرویه خوتندن قاجوب حالا نصیبینده بولغین کتوروب تخته بکوردیلر عدل و داده
 و نهم بلاد و ترغیه عباد باشیوب برای بکده کده قولرندن بری بولک انجنوب زهر لور شر بت ایچروب هلاک
 اولدی دینوب تاریخ غریبه ده کسری قتلنده نوشران نسلندن فیروز بولوب ناچار پادشاه ایتک
 دیلد کارنده بانی یولک اولغین تاج سلطنت میر نکبت افسر نه راست کلیموب نه عجب طار اولوردیلر کده بجمه

طاهر ایتمکین فی الحال قتل و فرخ زادی نصب ایدیلر دینوب نظام التوار یخده شیرویه برادر لینی قتلده
 فرخ زاد طفل اولغین هماندن نجات بولمشدی حالا پادشاه اولد کده تدبیرده غایت تقصیر ایتمکین بجمه لقا رندن
 برادر دی کتوروب تخته بکوروب بوف عزل برروایند قتل ایدیلر دینوب سلطنتی الی آی یا برآی ایدی
 دینوب (فصل خامس و نهم در احوال برادر دی کتوروب شهریار بن خسرو) میرخوانده مذکور دیکه سابقا
 خسرو بجمه لقا اولاد کدن بریشک بر اوغلی آخره بولک اولد کده در دیکین بعض ورا اولوب زعم باطلنجبه تدبیرله
 تقدیری تغییر ایچون اولادی جاعدن حبسه منع اید کده اوغلی شهریار تقاضای شهنشودن اوکی اناسی شیرینه
 شکایت ایدوب اودخی نیات اعیانندن بری که بر صوج ایچون غضب ایدوب بجاه لره سا کردا بتمشدی
 اوغلان لبا سنده شهریاره کوندروب بعد زمان برادر دی و غوب شیرین الی بلیوب بش باشنده خسرو الی
 کوروب موروب بلد کده بجمه لقا ملوک بجمه آخری سئل نسلندن و بدتنده شوموله عیب اوله جقدردیلر
 دیوب بوف صوب دیری او متنده او علامتی کورد کده اولد ملوک دلیوب شیرین قورناروب خسرو برادر دی
 قویوب بوف بر طرفه کوندرمشدی فرخ زاد و قتلده حضرت عمر خلافتنده امت محمد بلاد بجمه برادر دی
 غالب اولد قتلنده اعیان بجمه برادر دی اصطخرندن مدینه کتوروب آنشکده به ایلتوب آنده تاج سلطنتی
 باشنه کیدروب بعد تخته بکوردیلر (زوال او) نیجه معتبرانده مفصلدر که شیرویه برادر لینی قتلده بعض
 بجمه لقا بوف اصطخره قاجور مشدری فرخ زاد سلطنت حقندن کاه مامکین بجمه لقا بوف کتوروب تخته بکوردیلر
 سکر ییلد نکره حضرت عمر خلافتنده عشره بنمره دین سهد بن ابی وقاص صحابه و غیریدن سکر ییلک مقداری
 عسکر اسلامه بجمه کلوب کوفه قریبده قادسیه شهر قی قتل ایدوب برادر دی و بجمه لقا زادی التمش ییلک
 باقر ییلک عسکرله و بتمش عدد قیلله جنگه کوندروب اوج کون محکم صواشوب بعد عظیم یل آسوب
 کفار خاکه ارازر لینی غبار بورومکین جمله سی مغلوب و بخندول و رستم برستم قیل اوزرنده مقتول اولدی
 بعده حضرت سعد مدینه واروب محاصره ایدوب ذخیره مضایقه سنده برادر دی و کافر نافر غیر طافرا ایل
 قاجوب هه لماندر شهر الوب ایچنده کیلری قیروب حدوده مدن خارج اموال عظیمه بولغین عسکره ظاهر سیله
 زری برادر کتوردی برادر دی دیوانخانه سنده دوشه ن التمش ذراع چار کوشه هر صحرای عالی که صافی
 زور و برله طوقنوب پرتش و نکار و یاد کار روزگار ایدی مدینه منوره به کوندرلوب حضرت عمرانی
 اشرف انراف صحابه اولان اوچیموز نقره قداری اهل غزای بدیه تقسیم اید کده هر بری حصه سن باقوب
 بکرمینر التون چیده دی و نیجه ییلک ییلدینو چاق فر بدون زمانندن قلوب درفش کاویان دیکله مشهور
 جهسان اولان مرصع پنجای الی بکده بوزوب اون ایکی که یوز ییلک فلوری حامل اولدی بعده حضرت سعد
 بغداد قریبده جلوسا شهرینه عسکر کوندروب هه لماندر یوز ییلک نفر کافله صواشوب و آخر کافر قیروب برادر دی
 حلوان شهرنده ایکن قاجقین هه لماندر واروب حلوانی ضبط ایدیلر قبت هجرت حضرت رسولک اوتوز برینی
 ییلد حضرت عثمان خلافتنده برادر دی و اولوب هه لماندر بجمه هه لماندر ضبط ایدیلر نظام التوار یخده
 مذکور دیکه برادر دی هه لماندره جنگه کوندر کده نوشرانک مرصع تاجن بجمه جواهر ایلد ولایت
 چینه امانت کوندروب کندوی نهانده کلوب رستک قتلن ایشد کده اصفهانه بعده کرمانه بعده مرو
 واروب انده طوروب عاقبت اندین دخی قاجوب یولده برادر دی کیروب در مینی بوفی لباسنه طه اقتل ایدوب
 دولت ملوک اعجام بونده انقراض و اختتام بولوب بعده ضلالت اعلام کفار بچوس خاکسار نکون سارورایات
 ظفر آیات دین رسول مختار اقطار و امصارده منصوب و آشکار لامع الانوار اولدی هه لماندره علی ذلک
 ولازال من ان یکون دایما کذلک برادر دی عمری الی اوج ییل سلطنتی بکرمی یا اوتوز الی ییل ایدی (نظم)
 کما آن فریدون و خجالت و جهم * شهن عرب خسروان بجمه * هه خالک دارند بالین و خشت * خنک آنکه
 جز تخم نیکی نکشت

(باب خامس در احوال ملوک قبطیان)

تاریخ ابن کثیر ده قوم قبط قبط بن خام بن نوح علیه السلام نسلر برادر سائر تواریخده حامل طوق و زعفر
 اوغلی اولوب بریشک اسمی قبط ایدیکه اونک نسلندن اولنره قبطی دیرلر دینوب اشبوطا فقه ولایت مصرده

ایدیلر حالادخی اهل مصر لدا کتری بونلر نسلند (فصل اول در احوال مصر بن حام بن نوح علیه السلام)
 بعض معتبرانده مذکور در که طوفانند چوق صکره اشاعیده کله جگه وجهه صرح غرودا کبر یقلدنده
 کمال دهشتدن جله خلق دیلاری شایوب حکمت جله هر طاقه بر در لودیل سو یلکه باشد قلزنده نوح
 یغمه بر اولاد نک ایچلرینه پراکنده لک دوشوب هر فرقه بر ولایت واروب بنال یابوب انده ساکن اولد قلزنده
 حام بن نوح دخی مصر طرفنه کیدوب وفات ایندکده اوغلی یصر مصر قریبده خانی بت برستلر اولان منف
 شهر نه واروب پادشاه اولدی دینوب ه تاریخ ابن شعبه ده مصره وارن حام اولادیدر دیومذ کوردور کاب
 او انده طوفانده نصره مصرده ابتدا یابلان شهر منف در دینوب فواج مسکیده ولایت مصرده یوسف
 علیه السلام زمانده تختگاه اولان منی ملوک و علماء قبطدن کنسکه هندی یابوب انده خراس طبعیه و آثار
 روحانیله بدایع متابع ایجاد و بنیاد ایتدی شهر مصری طوفانده نصره ابتدا مصر بن حام بن نوح علیه
 السلام یادی دیومذ کوردور (فصل ثانی در احوال مصر بن یصر) معتبرانده مصری ابتدا بویا قین انک
 اسمیه سمی اولدی دینوب مدت عمری و سلطنتی اوزانوب شهر لر معمور و دوزلر مقهور ایدوب عاقبت میت
 مقبور اولدی (لمحوره) اگر عمر انسان بود صد هزار شود عاقبت زیر خاکش قرار (نثر) بعض کنبده
 مصری بنایده نک اسمی مصر اتم اولوب بعده ترخیم و تعریله مصر دیدیلر دینوب لکن کاب الاوانده سیوطی
 ایدر طوفانده مقدم نسل حضرت آدم ازوب ایچلرنده بعض بعضه جفا و اذایدا اولد قده بقراوس بن مصر
 ابن تراکیل بن زراکیل بن عربان بن آدم علیه السلام انلردن آبرلوب خالی و مأمن برجای لطیفی مسکن
 ایندک ایچون بنش مسکن کسینه ایل ولایت مصره واروب تهریل نگارنه قونوب خالک نالک تابش کی زراعه
 مناسب کورمکین بر شهر یابوب تیمنا و تبرک ایدری اسمی آقودی (فصل ثالث در بعض احوال فقط بن
 مصر بن یصر) شوکت و عزت و نصرت و مکننت و قدرت ایل نیجه مدت سلطنت سوروب عاقبت آخره
 رحلت ایتدی (لمحوره) مامن الموت خلاص لا ولاعنه مناص مانجنامه العوام مانجنامه
 الخواص (فصل رابع در بیان آریب بن مصر بن یصر) مصر شهر نه برفاج میل رده عین شمس دید کاری
 تهری بویادی بو عبد احقر و ذره کتر نوار یخ منصفه کثیره به ظفر میسر اولماغین بوندن زیاده احوالی معلوم
 اولدی (فصل خامس در بعض احوال منابن مصر بن یصر) خیل زمان سلطان کامران اولوب فواج
 مسکیده ملوک قبطدن ابتدا آیین سلطنت و قوانین ریاست واضع بودر دیومذ کوردور (فصل سادس
 در بیان تدارس) بونک نسبی و احوالی معلوم اوادی (فصل سابع در بیان مالیک بن تدارس) نیجه زمان
 سلطان ولدی (فصل ثامن در بیان حرا بن مالیک) احوالی معلوم اولدی (فصل ناسع در بیان احوال
 کلکی بن حرا بن اهل حکمت و افره و قوت نظامه و همی تقابصدن نافر ایدی دیناده ابتدا صرجه
 سدا ایدن بودر دینوب لکن صرجه بی دیناده انداسلیمان یغمر ایچون جنلر پیدا ایتیلر دیو تقاسیرده
 مذ کوردور (فصل عاشور در بعض احوال جریا) کلکینک عیسی اولوب لکن کفری شدید طماعی و عنید
 باغی و بیلد ایدی (فصل حادی عشر در احوال طولیس) حاکم ظالم و زندوست اولغین مصرده شهر
 قبولینه آدمقوبوب طشره دن کلان حسنا خانقاری جبرله کنوردوب سرای آتش سزایده ایقوردی
 (مجنزه) حضرت ابراهیم علیه السلام خانقاری ساره ایل غرود ولایتلردن کیدوب مصره وارد قده ساره
 غایت حسنا و لغین کفار دن قورنارمق ایچون صندوق ایچنه قوبوب قابو جیلر اراوبوب بولوب شاه کراهه
 ابلتوب حضرت خالق الاقلاک خلیلی عثمانک اولماق ایچون مبارک کوزلردن برده لری قالدروب طور دینی
 بردن جاق سر ایلک ایچنی کورردی طولیس ایللیس ساره بی کورروب دست بت برستن اوز اتق ایسترن
 الی قور یغین توبه ایدوب آجلوب اوج کره تجربه ایدوب و علامت محض کرامت ایدوکن یابوب ساره به هاجر
 آدلو بر جابه باغشلوب کیمکه دستور وروب لکن ایمانه کلک نصیب اولدی حضرت ابراهیم مصرده اکلغوبوب
 ساره ایلینه ولایت شامه کیدوب ساره نازه اولوب لکن اولادی اولماغین هاجر حضرت ابراهیم باغشلوب
 اول جریه شرف ساره دن حضرت اسماعیل و یوده کادی (فصل ثانی عشر در بعض احوال جوریان)
 خانقوب اولوب طولیسک همشیره سیدر برادری برینه کوب نیجه مدت سلطنت سورددی (فصل ثالث عشر

در بعض احوال زانی بت قامون) بودخی خانقادر ساطننده عجزی اولغین قدیدن ولایت شامده ساکن
 عمالقه طاقه منک پادشاهی ولید مصره عسکر چه کوب قبط طاقه سنه غالب اولوب تخته کیدی (فصل
 رابع عشر در احوال ولید بن تروان) عمالقه پادشاهی ایکن مصره عسکرله کابوب جبرله تخته کیدی مصرده
 ملوک عمالقه نک اولی بودر قرون دیو اقب قونوب بوندن صکره جمیع مصر پادشاهلری دخی بواقیه مذکور
 اولدیلر اسان قبطده فرعون پادشاه دیمکدر ولید بیلد کافر عنید اولغین صغره مایاردی شکار ایچون کشت
 صحر اودشت ایدر کن قتل اولندی (ع) همیشه کافران یارب چنین یاد (فصل خامس عشر در احوال هراوم
 ابن ریان بن ولید) پدری برینه کوب مصر قریبده صبه عین شمسده ساکن اولوب بعده منف شهر نه کونجیدی
 یو فاروده تفصیل اولندی فی اوزره حضرت یوسف علیه السلام بونک زمانده مصره کتور یابوب صالوب اون
 ایکی ییل حبس اولوب عاقبت بونک بر منفصل واقعه سنی تعبیرا تکین غایت رعایت ایل زنداندن دیوانه
 کتور دینوب زلیخا نک زوجی طاهر برینه وزیر و برادر ایدوب تخته او تور دینوب جمیع اموری تدبیرن بالکلیه
 اکتانقوبض ایتدکده ییل غایت اوجوزلق آنک عنینده ییدی ییل دخی حددن بیرون خط اولوب
 بر مجزه برکون خطده و افریک یوب قاری طوعیوب یوسفی چاغردوب اجلقدن شکایت ایدوب یوسف
 علیه السلام مبارک ایلله کوکسن صغیر اید قده قدرت حقه قاری طوعیوب مجزه ایدوکن یابوب ایمانه کادی
 نفاسیرده ریان بنش ایکی در لولغت بیلکین حضرت یوسفی ابتدا کوردکده هر بریده کا خطاب یوسف دخی
 جله سیله جواب و برمشدی اشبور ریان حضرت موسی علیه السلام زمانده اولان فرعون دن در نیوز ییل
 مقدم ایدی دیومذ کوردور (فصل سادس عشر در احوال دارم بن ریان بن ولید) نوار یخده پدری مسلم
 رشید اما بو کافر و جبار و متکبر و عنید اولوب عاقبت تدبیر حضرت رب الخلق ایل نه ریده غرق اولدی دینوب
 لکن تقاسیرده ریان وفاتده کفار دن قابوس بن مصعب بن ریان تخته کوب حضرت یوسف علیه السلام
 آتی دعوت ایدوب لکن ایمانه کلیوب یوسف علیه السلام آنک زمانده وفات ایتدی قابوس کثر مأوس
 خیل زمان سلطنت سوروب وفاتده برادری ولید تخته کوب فرعون موسی او در دینوب کشفاده (ولقد
 جاءکم یوسف من قبل البینات) آیتده احد قولن اوزره مذ کوردکده فرعون موسی قابوس بن مصعبدرکه
 یوسف زماندن موسایه دلک یتامشیدی دینوب تفاسیر و غیریده یوسف ایل موسی ارامی در نیوز ییلدر
 و فرعون موسی اتیوز کرمی ییل یابوب در نیوز ییل پادشاه اولمشدی دید کاری اشبو قولک صحنه
 دلالت ایدر والله اعلم (فصل سابع عشر در احوال کاشم بن معدان) بودخی عمالقه دندر مصرده کال متات
 واستحکام و غرات بنالیه مشهور دنیا اولان اهرام دیمکله بنام اولوب ایچنده و ارایدوکی بوجه محسوم
 نامعلوم اولان کوه مانند ایکی عالی بنای زبای بلندی ییقه در مق ایستدکده حکما و عقلا مصر خزینیه بی
 انک هدی خرجه و قالایم خصوصاً باری حضرت شیشک بری حضرت ادربسک من ارش برقاری اولق هر ویدر
 دیومذ ایتدیلر فرعون موسی بونک وزیر ی اولوب بونک وفاتده برینه کیدی دیشلر بعض نوار یخده مصرده
 آخر ملوک عمالقه بودر دینوب اکثر معتبرانده دارم ایل کاشم ذکر اولنجیوب ریان برینه قابوس کیدی دیشلردر
 (فصل ثامن عشر در احوال ولید بن مصعب بن ریان) بعض عمالقه دن بعض اقبطدن ایدی دیوب حضرت
 موسی علیه السلام ایل قصه لری مشهور اولان فرعون بی عون بودر دیشلر تقاسیر لباب و غیریده فرعون
 موسایک اسمی قابوس یا ولید بن مصعب بن ریان یا مصعب کدی موسی یاریان بن ولید اولوب عمیق بن لاود بن ارم
 ابن سام بن نوح علیه السلام نسلند در دینوب تفاسیر قاضیده مشهور بودر که ریان بن ولید عالیقی نسلند در
 دینوب تفاسیر سیرده اسمی ولید بن مصعب بن ریان اهل تورا و انجیل سربانیده بونک اسمی قابوس در طاقه
 قبطدن اولوب در نیوز ییلدن زیاده شامشدر دیشلر دینوب اکثر تفاسیرده قوم عربدن عباد اولاندیدر
 دینوب تفاسیر کوراییده عمالقه نسلند در که آنلر عرب ایدیلر دینوب جمیع تفاسیرده فرعون موسی فرعون
 یوسف دن در نیوز ییلدن زیاده صکره کادی دینوب ایکسی برکسینه اولق روایتی حالا نصف صحیفه مقدم
 یکمشد (ظهور او) تفاسیر اواله موده مفصلدر که فرعون قوم عاندنلر دن راصه هانده بر فقیر عطار ایدی
 غایت مذکور اولغین شامه کابوب انده طوره میوب مصره کابوب شهرک طشره سنده بر بولق قار یوز بر ایچنه

ایچرود بری برانجه کوروب تجارت عظیمه انجی دیوب بریول فار بوز صان الووب شهره کیرکن نیجه برده
 باجدار یابشوب هر بری براف بوزنی الووب چارشوبه کاتجه بردانه فالغین الم چکوب شهرک کی نظم امور
 بلد ایله مقید دکل انجی دیوب کندودخی شهرک برقبوسنده اونوروب هرکلان میت ایچون بشرانجه المینجه
 طشره چیقاریموب برورایند مقابره طوروب بن مقبره لامینیم دیوب ایچو الووب بحکمة الله عظیم طاعون
 اولغین اوج یلده بعد مال جمع اندوب عاقبت پادشاهک متعاقباتدن برینک قیزی وفات اندوب میتی
 کتوریلوب ایچو ورمکه نزاعلشوب آخریونی طوون پادشاهه ایلنوب بی کیم نصبت ایتدی دیکده امور
 سلطنتکری تنظیم ایدوکنی سزه اغلام مرام ایدوب ملاقاتکزه بوندن غیری چاره بولدم تحصیل ایتدیکم
 مالی منزل ایچون جمع ایتدم دیوب جله میتن تسلیم ایدوب بی وزیرایله کورتدیر نیجه اولوردید کده پادشاه بونک
 عقلی بکنوب وزیرایدوب بوزنی کال عدالت واسه قامت و بصیرت ایله ضبط محالیت وربط مسائلک ایدوب پادشاه
 وفات ایتدکده سابقار عایا و جنود بوندن خوشود اولغین تخته کتوریلوب لقبی فرعون اولوب هر ورزمانه
 مکره سلطانله حاکم الوهیت دعوائه جسارت ایتدی * تعوذ بالله من الضلال وفساد الحال واسوداد النبال
 (احوال او) معتبرانه اولانک اجالی بودرکه توخط بکت ایکن تخته کتوب (قال لمن حوله الا تستمعون) آیتنده
 ابن عباس دیدیکه بونک یاننده اعیان دن بشیور کده منه او تورردیکه قولارنده التون بلزلک اولوب اول زمانلرده
 بلزلک طافتی ملوک مخصوص ایدی منف شهرنده ساکن اولوب بلزلره طابوب یاخود (وظنوا انهم النبا
 لا برجهون) آیتی دلالتی اوزره کفره دهریه مذهبنده اولوب ابن عباس قولنج بر دیتی صغری اولوب
 اکا طابوب برکوزل صورتلو صغر کوزمه قومه اکا طابوبی امر ایدردی انکچون سامری بوزاغ و صورت
 دوزوب اضلاله بی امر ایلی اکا طابوب زدی خشن بصری قوایجه فرعونک بر خاجی واریدیکه بو غارینه آصوب
 کوروب اکا طابوبی صدی قولنج وافر خرده صغری ایدوب قومی اکا طابوب روبرونک سکر یکر بونلرد
 بونلر و سکر یکر بونلر ایدوب قرائنده حکایت اولند بی اوزره (انار بکم الاعلی) دیدیکه اکا طابوب بعضل
 فرعون قومی کونش طیارلردی و عیله * کشفاده انار بکم الاعلی دیدیکدن قرق بیل صکره قومه خطا با
 (یا ایها الملأ ما علمت لکم من الغیری) دیدی دیتوب علی کل حال سلطنتی قوی مزاجی حتی خدمت یابته رسیده
 و اموال و جنودی غیر عیدیه اولغین مکرر ایلدله حاشاد عوای الوهیت ایدوب قدیمدن بار و صدیقی و رفیق
 و شفیق هاما شیطان نشان ضلالت فشان وزیر و جله الملکی عاقبت سبب هلمکی ایدی * تفسیر تفسیرده
 حضرت موسی نبوته دلدر بوزیا اوچیموز یکر ییلده دلحق تعالی بونک دناسین امتدر اجا غایت معمور
 ایدوب حتی قرق کونده برکه خلایه واروب اغزند بورتندن کوزندن توکرک و سومک و باش کلیوب اصلا
 خسته اولوب حتی کسل و ضعف و صداع و غم و غصه دخی کوریموب بر دیتی چیقمه بوب و اغرییموب
 لکن حضرت موسی بوی دینه دعوت ایتد کده نصکره بونک بیج احوالی بوزلوب سائر نام کئی اولدی
 دیومذ کورد (الحرره) تکیم برخ فلک دواردر * هر کلک برزواکی واردر (عرائب) لباب التفسیرده
 فرعونک درت عجب نشه می واریدیدی اولافاتی پدی فارس ایکن مقالی سکر فارس اولوب مقالک رنگی
 بشل ایدی ایکنی عری در تیوزیل ایدی اوچتی براتی واریدیکه یوقوشه چیقسه قولاری قصاب اینشه
 اینشه ایاقاری قصاب اولوب هر خاله دوز برده یوررکی درت ایاتی برابر اولوردی * در دخی بیل ابرمانی قدرت
 و حکمت حقه ظاهر اونک امر یله ارایدی دیوب * بعض تواریخده قزمی بکزلو کول کوزلو قصاب یلو
 ایدی دیومذ کورد (عرق او) حضرت موسی علیه السلام بوی ایمانه دعوتده عظیم معجزه لکوسر و بولکن
 بو عسادی تمکین مصرده قدیمدن الی التنده اولوب مسلمان اولغین انواع عذابله قولان دیتی نیجه یوز بیل نذر
 بی امر ایله برکجه حضرت موسی امر حقه قدس طرفه کیدوب ابرنسی فرعون اون بیدی کره یوز بیل
 عسکر ایله آردلرجه کیدوب نشد کده معجزه عساکره * مسلمانلردیادن کتوب فرعونله کال کافر لرق اولدی
 بعض تفسیرده فرعونک عری در تیوزیل ایدی دیتوب لکن بعضنده سلطنتی در تیوز عری التیوز یکر
 ییل ایدی دیتوب حضرت موسی الی معامله می و کک بیت غرق و نیجه احوالی جلد اقلده باب حضرت
 موماده مفصلا کده شدر نظر اولنه (فصل نامع عشر در احوال دلو صده الجور) ملوک نسلندن

برعورت ایدی فرعون غرقنده مصرده تخته کتوب زماننده بوندن زیاده ماهر بر ساحر یوغندی نیجه یوز بیل
 یسایوب مصر شهرتی نیجه کونک یولدن احاطه ایدر بر عظیم - صار استوار کوه واریدردیکه عجایب
 روز کاردن ایدی * تفسیر تفسیرده کوردر که غرق فرعوندن ایکی کون صکره موسی علیه السلام مقبولی
 و بر داری اولان پوشی یکر درت بیلک عسکره مصره کوندر و وار دقلنده غرق اولان کفارک مال لری
 ضبط ایدوب قابل نقل اولانی حضرت موسایه کوندر و بر سائر لری خصوصاً عساکر لری صانوب بهالری جمع
 ایدوب مصرده باقی قالمش اولان قبط طائفه منه نه کندو ایچلرندن بر حاکم دیکوب دو نوب موسی
 علیه السلام یانته کلدی (فصل عشرین در احوال در کون بن ماطوس) تازه بکت اولوب لکن قبط ایچنده
 بر بونک کسته نسلندن اولغین غایت مکرم و محترم ایدی (فصل حادی و عشرون در بیان تر دس) چوق
 زمان سلطنت سوردی (فصل ثانی و عشرون در بیان لقاش) احوالی معلوم اولدی (فصل ثالث و عشرون
 در احوال امریتا) نیجه مدت سلطنت سوردی (فصل رابع و عشرون) در بیان استادس (فصل خامس
 و عشرون) در بیان یلطوس (فصل سادس و عشرون) در بیان مالوس (فصل سابع و عشرون)
 در بیان مناکیل (فصل ثامن و عشرون در بیان بوله) اشوبش تقر پادشاهلک احوالی معلوم اولدی
 (فصل ناعم و عشرون در بعض احوال شیشاق) سلیمان یغمه بزماتند نصکره بی امر ایله غزای جهنم جزا
 و نیجه وضع ناسزا ایتدی * تاریخ ابن شعبه ده شیشاق بوله نک اسمی اولوب ایکسی برکسته در دیشدر
 (فصل ثلثون در احوال فرعون الاعرج) بونک زماننده بابل یکی بختصر قدس شریفه الماری بیزا قوال تیوز
 بیلک تقر عسکره کتوب بی امر ایلیک ثلثی مقتول و ثلثی اسیر مغلول و ثلثی دخی خواجه کسوب * قیر و مخدول
 ایتدکده بعضلری مصره قاجوب بختصر مرانلری فرعوندن ایلدندوب و بر ما مکن عسکره مصره واروب
 فرعون لک کوز به عالمی تک ایدوب آبی با صوب شهر ی یاقوب یقوب مغرب ولایتنه کیدوب مصری
 آتیه با قعین قرق بیل و بران و یوم آشیان اولوب بعده نهم اولدقده عجم پادشاهلرندن کیان طرقتن بعده
 اسکندر رومی عجمی الدقده آنک طرقتن بعده ملوک یونان طرقتن بعده ملوک روم اولان کفار نصاری
 طرقتن بکار ضبط ایدوب حضرت عمر خلافتنده عسکر اسلام صحابه دن عمرو بن العاص آدوسر دار خاص
 ایله واروب مصری فتح ایدوب اوزماندن الی هذا الان امت محمد عالیه ان ضبطنده در فواج مسکینه نک
 بر حمله آخر ملوک قبطک اسمی دقطنیا و سدر طوفان نوحدن بونک زمانه دک اوچیمک مسکسان مکز بیل
 بوندن هجرت رسوله دک اوچیموز التمش طقوز بیل یکدی دیتوب بر حمله دخی دقطنیا نومدن هجرت ده دک
 اوچیموز طقسان التی بیل یکدی دیومذ کورد و الله اعلم

(باب سادس در احوال ملوک قحطان)

بوقرقه به کسر حاکم کونم و فتح ایله ملوک سیر و تابعه بعضلرینه ادواء بن دخی دیرلر کشفانک طبعی
 حاشیه سنده ملوک یمندن حضرت موت و مبار و جیر و لایترینه مالک اولانه بیج دیتوب اولمیا نه دیزلردی تبعت
 معنای غایتده مطاع و کثیر الاتباع والا شیاع دیکدر دیومذ کورد دره اشبوطا نه نک مدت سلطنتی ایکی بیل
 یکر ییل و تخت کادری دیار بن اولوب اکثری کونش طایر کافر ایدی (فصل اول در احوال قحطان بن عابر
 ابن شالح بن ارغشد بن سام بن نوح علیه السلام) بعضلر قحطان عابر بن ارغشد در دیوب بعضلر قحطان
 حضرت اسماعیل علیه السلام نه لندندر دیوب بر قول ضعیفه من بور عابر هود یغمه در دیر * ام عالم
 یساننده کاه چک وجه طوفان نوح نصکره تبابل السنه ظهورنده اولاد نوح علیه السلام محالک عالمه
 طاغلوب هر بری توابعیه بردیار اختیار ایتدکده قحطان بنه واروب تخته کتوب مستقل پادشاه اولدی
 اصلده اسمی یردا ولوب زمان خطده خانی اطه امه الم خطی رفع ایتمکین قحطان لقبیه مشهور چه سان اولدی
 ملوک عربدن ابتدا ناج کین بودر * بعرب جرهم آدلو ایکی اوغلی واریدیکه هر بری عرب قبیله لری بیلک جد
 اعلا شیدر بعض کشته فخر آدلو اوغلی دخی واریدیکه انیادن حنظله بن صفوان آنک نسلندن ایدی دیتوب
 بعض کتیده سلطنتی کال قوت بولدقده طغیان اوزره اولدی دیتوب چه و ور علما منسب بیج قبائل عرب
 قحطانله اسماعیل علیه السلام ناسیدر جله اهل بن قحطان ناسیدر دیوب * تاریخ مدینه ده قحطان دیدکری

عابری بن ارفخشذ بن سام بن نوح علیه السلام در که ابتدا غریجه سویلین بود و در پیش از طائفه عرب جمله اوج
 قسدر بری عرب عاریه در که قوم عاد و غود و طسم و جدیس و علیقد و ایکتی عرب متعربه در که جدا علاری
 خط اندر او چینی عرب متعرب به در که جدا علاری اسماعیل علیه السلام در دیومند کورد (فصل ثانی)
 در احوال یارب بن خطان) بعض معتبرانده ابتدا غریجه سویلین بود و در دینوب بعض کتبه ابتدا غری
 خط یازان بود و شاعر ماهر اولوب سر یانی دخی سویلردی دینوب لکن تاریخ این شخصه در ام بن سام بن نوح
 علیه السلام اولاد نک اساتری عربی ایدی دینوب * کتاب الاوائل بر حمله ابتدا غریجه سویلین حضرت
 اسماعیل در دینلک مرادی حضرت ابراهیم اولادندن ابتدا غریجه سویلین او در دینک اولاد زوالا صحیح
 دکادر زیرا اندن نیجه زمان مقدم هود و صالح و شعیب علیه السلام جمله قوم یله عرب طائفه سندن
 اید کزنده اتفاق وارد در حضرت ابراهیم او علی اسماعیلی او غلامی بکن والدیه سیه مکیه ایلنوب قویوب
 کتد که عرب لسان انده ساکن اولان جرم طائفه سندن او کزوب پیود که اندره یغمه بر اولدی دیو صحیح
 بنخاویده بر حدیث وارد در قویوب * بر حمله دخی حضرت آدمه ابتدا ایچده هوز حرفی نازل اولوب وفاتندن
 او چیموز ییل مقدم یاش کر یچ اوزرینه سریانی و عبرانی و عربی و جمیع السنه ده انواع افلامه کتاب یازوب
 آتنده بشر و مروریامله بر دوام اولستی مرام ایدندی دینوب * تفسیر یابیده سریانی و عبرانی و عربی و جمیع
 لغاتی ابتدا سویلین و هر دیجه کتاب و وضع ایدن حضرت آدم علیه السلام در تنکیم * عرب الاحبار دن
 روایت اولنوب قرآن و حدیث دخی تقویت و شهادت ایدر دیو نصریح و تصحیح اولمشدر (فصل ثالث)
 در احوال یسح بن یارب) ملوک یمندن ابتدا بوابلر و یاسانلر وضع ایدن و عسکر تعین ایدن و قلعه بیان
 و آیین سلطنت و قوانین ریاست ترتیب ایدن بود و در دینوب * شهر آفاق محمد بن اسحاق یعرب یسح او غامدر
 دیشدر و دیوب سائر مؤرخلر امر بر عکس دیشدر و الله اعلم (فصل رابع) در احوال عبد الشمس سبأ
 بن یسح بن یارب) جمیع طوائف یمن و اکثر قبائل عرب بونک تسلید راصلده اسمی عامر در اطراف عالمه
 یچده غزایر ایدوب اعداسین داغاسی یعنی اسیرا تمکین سبأ دیو لقب قویوب بیده بیده سنه انبر نه اوج کونلک
 یولده ارض ماریده انواع زیب و زینت و کمال تکلف و صنعتله بر شهر فرید الدهر یابوب اسمی سبأ قویوب بیده
 اول شهر خلقته و آنلر بته قوم سبأ دینلر * بعض کتیده سبیل خوفندن بر عظیم سبیل ایدردی
 دیشدر * تاریخ این شخصه در حیر که لایعروا شاعر عامله آدلویش او علی و از ایدی دینوب تفسیر واحدیده
 اوند او علی اولوب ایچلرندن ازد کنده مدح اشعرون آغاز یچیله یمنده ساکن اولوب عامله غسان ظم جذام
 ولایت شامه کیدوب آند و طن ایدر دیو بر حدیث و تفسیر کوراییده ازد مدح یچیله یزینه اسد حیر نشام
 ذکر اولمش بر حدیث مذکور در و الله اعلم (فصل خامس) در احوال حیر بن سبأ) کس حواسکون میم و فتح یا
 و سبأ کون را ایل بعد زمان صالح یغمه قوی اولان غود طائفه سین دیار یمندن سور کون ایدوب مکه ایل شام
 راسته کوندر و بانه قون ایدیلر * قاموسه حیر بن سبأ کوروم آدلو بر او علی مذکور در (فصل ششم)
 در احوال وائل بن حیر) بعض کتیده حرف یاه مننات تختانه ایل و ایل دینوب نیجه مدت سلطنت سور مشدر
 دیومند کورد (فصل سابع) در بیان سکس بن وائل) بودخی نیجه مدت سلطنت سور دی بونک اسمی
 رفرق و زنی اوزره در (فصل ثامن) در بیان یعفر بن سکس) اولاد حیردن ذوریات عامر نام کتیده
 خروج ایدوب سلطنتی بونک اللدن الادی (فصل تاسع) در احوال عامر بن مارب بن عوف بن حیر که) لقبی
 ذوریات ایدی خروج ایدوب یاز شاه اولد قندسکره یه فک او علی نعمان ولایت خلقی معاوتیه بونی رفع
 ایدوب برینه بکدی (فصل عاشر) در احوال نعمان بن یهفر) عامر خارجی قالدروب پدیری تختنه کجوب
 سلطنتی کمال قوت و شوکت بولوب لقبی مه افر ایدی نیجه سفر ایدوب هر رنده مظفر اولدی (فصل حادی عشر)
 در بیان اسح) سلطنتی قوت اوزره اولوب پدیری کیم ایدوکی مه لوم اولدی (فصل ثانی عشر) در احوال شدید
 ابن عاد بن الماطط بن سبأ المذکور) ولایت شامده ساکن و اکثر ربع مسکونه ساکن ایدی برادر ی شداده
 سلطنتده مشرک اولوب شدید کافر لکن غایت عادل ایدی هود یغمه بونی ایمانه دعوت اید که عذاب ایدوب
 بعد زمان کفرله وفات اید که شداد تختنه بکدی بعض کتیده شدید کراوندی (فصل ثالث عشر) در احوال

(شیداد بن عاد) برادر ی شدید وفاتده برایشه کجوب بیده بونک دنیا به حاکم اولدی بونک قوی اولان
 طائفه عاد اولی مناره آسا بلند قامت و بالا لکن کفار ضلالت انما اولمغین حضرت هود بونلری ایمانه دعوت
 اید که بونلر قبول ایتوب جمله اولاد و آبا ایمانن ابا ایتیلر (بنیاء ارم) شیداد اهل غناده هود دن علیه
 السلام جنت اوصافن ایتد که اول یلید عنید حاشا جسته نقاید دینوب معه و رارض بال طول والعرض
 زیر دست و وارمی اولمغین دیار عم سلطنتنه کوندر دیکه همشیره زاده می سخا که جمیع حکام ممالک عالمه خبرلر
 کوندر و بیداده اولان اموال و جواهرلر اکثری کتور دوب ولایت یمنده ارض حضرت موت و عذندله اطراف
 او بر کونلک واسع بر جحر اخوب هوا روح افزاده فرید دنیا اولان ارم شهرتی بایا ایدروب خاکنی مسک و عنبر
 و جمله در و دیوارین و ایچنده کی و ارم صافی سیم و زر دن ایدوب جواهر زو اهرایله مرصع و مصنع بایر دیکه
 خلق دنیادن بروا کاهه متا برناه زیبا پیدا اولوب مقدور بشر اولقدن کذرا ایتدی مقرر ایدی قرآن عظیمده
 (ارم ذات العلم الالهی لم یخلق مثله فی البلاد) آتندن مراد بودر * جمیع ممالکده اولان خلقدن و جمله معادنندن
 اون یله دلک یصد و حساب سیم و زر و جواهر اکساب ایدوب انواع حرفندن نیجه بیک استاد چالشوب سبی
 و اقدام ایل او چیموز یابیلر یلده تمام اولد قده ایچنی محرف انکار اولان خوب صورت ابکارش یوه کارایله
 طاولردی (هلاک) بعده بیوزنر بکاری و سائر عسکر کفر اثری ایل مغرور و سرور سیر مرای و قصور
 بی قصور ایتمکه عزم و وفور ایدوب شهرارمه ارم و جسته کیم دیو قطع منازل و طی مر احل ایدوب بر قوناق
 بر قالد قده شکار قورایکن عسکرندن آیرلوب (لحیره) کمال بولسه برینی خیر و کشر * دوزخ کتیده
 البته مقرر * نظرایله مه غرابی کور کیم * هلال اولور که ی کدرا نور * مفه و منجه امر خالق کائنات ایل
 عزرائیل هاذم الذات آتلا انسان صورتده شدادک یاتنه کلوب بی امان و زمان روح روان الوب بر و جاتده
 جمله عسکر اوزرینه غضب حله جانب افلا کدن بر صیحه هولناک کلد که زهره لری چاک و کند و لری هلاک
 اولدی بر مدت عرشه اذ طوق و زوزیل ایدی (عبرت) هر ویدر که حضرت عزرائیل شود کوز زماندر که قابض
 ارواح مخلوقاتسن هیچ بر کتیده به ترجم ایتدی دیو صورلوب اودخی ایکی کتیده دن غیری به ترجم ایتدم
 بریسی شداد ایدوب روحی قبض ایدر کن یا پدردیم شهری باری اراقندن بر لحظه کوریم دیو نضرع ایدوب
 ایکتی شداد ایدوب روحی قبض ایدر کن یا پدردیم شهری باری اراقندن بر لحظه کوریم دیو نضرع ایدوب
 مقدور اولمغین میسر اولدی دیکده * جناب حقندن کادیکه یا عزرائیل عزت و جلالم حقیقون غرقدن
 قورتلاز او غلامی شداد ایدی ائی اول بلادن قورتاروب پیود که بوقدر مالت و مال و بر مشیه کن بته
 بنم الوهیه انکار و کفر و خماره اصرار ایددی (عبرت) هر ویدر که هلال کفار دیکه قیامنه دل اول
 شهر معتبر قهر اثر برنده طوروب نظر بشر دن مستور اولوب ایچنه انساندن بر فرد * کیم میسر اولدی
 الاحضر عریب معاویه خلافتنده صحابه دن بری ولایت یمنده دوه سن یای قلوب کز رکن کذرا ایدوب ایچنه
 کیدر که یابیلدی اوزره معه و بولوب لکن (نظم) پرده بازی می کند در قصر قیصر عسکبوت * یوم نوبت
 میزند در قاعه افرا سیاب * بیتک مضمون مشاهده ایتمکین هر و الوف سنین و ایام و ایالی ایله معه و روحانی
 طور دیقنه مخیر و متفیر اولوب اکثرنک رنکی بوزلش جواهر دن انکی طلوسی الوب طشره کلد که دوه سنی
 صحراده حالت براده بولوب شهره تکرار کیم ملک ایستد که همچو روح روان نظرندن پنهان اولوب پرغم
 و احزان دینوب مدینه به یاشامه کلوب بو حاتی حکایت ایتد که بعض صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
 ارم شهرن بزه وصف ایدوب اکانه ان کیم ملک مقدور اولمغین مشدر الا ایچا بندن دوه یای قلوبش بر کتیده کیرسه
 کر کدرو پیور دیریدی * هر ویدر که هود یغمه بر شداد دیکه ایکتی عاد قومنه دخی مرسل اولوب اکثری
 ایمانه کلد کزنده ریخ عقیب ایل هلال اولدی تنکیم باب هود علیه السلامه یکمشدر (فصل رابع عشر)
 در احوال شیداد) یاخود مرند یاخود عمر بن شیداد بن عاد * خزیده ایچا بیده مذکور در که شداد بی داد ارم ذات
 الغماده کتد که بونی برینه قائم مقام قومشدی پدیر سقر مقر دوزخه سفر ایتد * کده میتی حضرت موت
 شهرنه کتور و بون تخت او عتبه قویوب بتش عدد التون و حله اورقوب باشی او چنه التون دن بر لوح قویوب
 اوزرینه عربجه بوشهری فازدردیکه (نظم) اعتباری ایها المغرور بالعمر المذید * اناشداد بن عاد صاحب

الحسن العمید * و اخ القوه و القدره و الملك الحشید * دان اهل الارض فی من خوف قهری و در عیدی *
 و ملك الشرف و الغرب بسلطان شدید * فانی هود و کافی ضلال قبل هود * فوعده نالوقبانه لاهم الرشید *
 فصینه و نادیت الاهل من مجید * فانا ناصحه تدوی من الافق البعید * فتراسنا کرع وسط بید آخید
 (فصل خامس عشر در احوال لقمان اکبر) ابن عابد برادر شداد اکبر (عبرت) تواریخده مذکور در که
 قوم عاد هلا کنده ایلمزدن لقمه ان آدلوکسسه مکده طوافده بولتوب کافر ایکن جناب حقه توجه اندکده
 مراد لقمه ایسه دیله لکن دیاده مؤید الملق بحاله ردیوها تفنن اندا کلکین بدی کرکس قرشی عمر بن رجایا تمکین
 حاجتی قبول اولوب اوقد رشادی * مریدر که بر کرکس قوشی بایوب او وفات اندکده برین دخی بسلوب
 هر بری سگاز یا خود در در یوزیل یل یلایوب بدیجینک اسمی لبد اولوب انک اجل کاوب وفات اندیک
 آنده امر رحمانه لقمه ان دخی دوشوب چار و بردی (نحرره) قورتلش یوقدر اولدن برکسه * نیجه بیک
 یل بوجه انده باشه سه * عربجه (انی الابد علی ابد) مثلی قصه لقمانه اشارتدر اشبولقمان بن پادشاهی اولان
 لقمه امید رغیری کسسه میدر تصریح اوزره روایت کوردمم لکن ایکسی برکسسه اواق ظن اوانور و الله اعلم
 (بناء مد) خریده الجاییده لقمان اکبر بن ولایتته سیل کلامکچون طاشله باقردن طول و عرضی بر رخ
 مد مشید یارب قریه لرخانی صواغیچون سدل دیوارنده دمور دن برقاج قاپور یا پلشدی دیوب * بعض
 کسیده مدی مقدمه سبایا پردی دیوب لکن تفاییده آتی بایدن اشاعیده که جک بلقیس خانوند رک طاش
 وزفت ایله بایدردی دینشدر (قصه) تفاسیر و تواریخده مذکور در که یمنده ارض مارب که مسکن ملوک یمن
 اولان شهر سبایا آنده ایدی طول و عرضا التیشرا یلویره دلک انواع لطف رب غفور ایله مغفور و شول مرتبه
 معمور ایدیکه جمیع قراوایتین بری برلینه یقین و متصل و قرین اولمغین الی آتی یوله دکن قراخانی آتشی
 بری برلندن یقارلردی * و بخارنه کیده نریندن شامه دل متصل باغلار آنده یور یوب هر کون مهور و کویلر
 قورلردی اهل قرا دن فقیر خانو نر باشرینه طبله قویوب باغلار آسنده کزوب ایبلک کیروب منزله
 کنجیه دلک طبله می انواع میوه ایله مال مال اولمغین صفاه بال ایله دوزدی و دخی جله اول و لایترده اصلا یلان
 و عقرب که له بیره سکن و سائر حشرات ارض اولیوب لطافت آب و هوا و نعمت راحت افزا ایله مانند
 چنه الماوی غایتده صفا بخشایدی اشبولایت خلقنه مدت کثیره ایچنده اون اوج نفر پیغمبر کاوب بونلری
 عصیان و طغیان دن منع ایدوب بونلر نعمت خدایه کفران ایتمکین خصوصاً (ربنا باعد بین امة مارنا) دیوب باغ
 و بستان کتر تدن شکایت ایتمکین بعد زمان غضب رحمانه اسمی سیل العرم اولان سیل پرویل کاوب
 سدی ییقبوب اکثر ولایتی خراب و منزل بوم و غراب ایدوب قیائل یمندن طائفه غسان شامه انمار مدینه یه
 جذام یا خود خراجه تمامه یه و حجازه اسد بصره ازده مانه کیدوب اکثر دیار یمن خالی قالوب اواسکی مهور لکه
 امکان اولدی * بوقصه غرایب حصه حضرت عیسی علیه السلام زمانده نصکره اولوب ظهور دین محمدین
 در یوزیل مقداری مقدم ایدی (نقد کان لباً فی مسکنهم آیه چمنان عن عین و شمال کاوا من رزق ربکم
 واشکرول له بلدة طيبة ورب غفور فاعرضوا فاعرسلنا علیهم سیل العرم و بدلتناهم بجهنم جنتین ذواتی اکل
 خط وائل و نئی من سدر قلیل ذلک جزیناهم با کفروا و هل یجازی الا الکفور و جعلنا بینهم و بین القری
 الی بارکاتیم باقری ظاهره و قدرنا فی السیر و فی الدیالی و ایاماً آمنین فقالوا ربنا باعد بین امة مارنا و ظلوا
 انفسهم فجعلناهم احادیث و مزقناهم کل ممزق ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور و لقد صدق علیهم ابائس
 ظنه فاتیعوه الا فریقاً من المؤمنین) ایلمزدن مراد بوقصه در دیملر (فصل سادس عشر در احوال بیان
 دوسدد بن عاد) احوال معلوم اولدی بعض کتیده بونی ذکر ایتمیوب بونک برینه شداد بن عاد
 دخی ذکر اولمشدر (فصل سابع عشر در بیان حارث بن شداد) لقی رایش اولوب انکه مشهور
 و مذکور ایدی سائر احوال معلوم اولدی (فصل ثامن عشر در احوال ذوالقرنین صعب بن الایش) تفاسیر
 و تواریخده مذکور یارب قرآنده مذکور اولان ذوالقرنین اسم و نسب و زمان و مکان و عمر و نجه افرنده
 تفاسیر اختلاف اولتوب اگرچه اکثر کتیده اسمی اسکندر اولوب رومی بونانی ایدی دیملر لکن اکثر متعین
 حضرت ابن عباسدن ذوالقرنین کیدر دیو صورتده قوم حیردن ایدی دیوب اولانده که ذوالکله دخی

یمندن ایدوکنه دلیلد زری اکثر ملوک یمن اسلمزنده ذوالقطنی وارد در ذوالمنار ذوالواس ذوالنون ذوالعین ذوالرین
 ذو جدن کی خصوصاً سبع یعنی (نظم) که کان ذوالقرنین جدی مسلماً * ملکاعلا فی الارض غیر مقلد *
 باغ المشارق و المغرب یتقی * اسباب امر من حکیم مرشد * دیکین یعنی اولمی اصح و ار جدر دیو تحقیق
 ایتمکین * و دخی شهر مشاهیر فصحاء عرب با اولان قس بن ساعدة الایادی یا مشربا دین اصعب ذوالقرنین
 ملک الثقلین دیوب * و بعض قدما مشعرا عرب (نظم) والصعب ذوالقرنین اصبح ناویا * بالخیبر فی جنت
 اصم مقیم * دیکین ذوالقرنین دید کاری صعب بن الایش اولمی بر حسب ظن اغلب اولی و اصوب و صحته
 اقرب اولقدر یو بایدیه قال و قیل و بونک احوالده اولان تفاسیل باب انبیاء مشتهیه الاحوالده که دیکین
 بومجلده اختصار اختیار اولندی * اشبوصع بن الایش حقیقتده ذوالقرنین اولیوب مجرملوک یمندن ایسه
 سائر احوالده اطلاع حاصل اولماش اولور * والله اعلم بما اخفی و اعلم (فصل ناسع عشر در احوال ذوالمنار
 ابرهه که) صعب بن الایش اوغلی برادر دی اولوب کوشه طایر کافر ایدی سلطنتی غایت قوت و شوکتده
 اولمغین اطراف عالمی کزوب روز کارده یاد کار فامغیچون بحر محیط کارنده و بعض جزایرده مناره شکسته بلند
 و بی مانند مللر و اوزر زنده بوندن اونه سنی معمور دکاندر دن کل دیو اشارت ایدر صور تلریا یوب کند و نلک اسم
 و رین قازردی * خریده الجاییده ابرهه یه ذوالقرنین در لردی لکن قرآنده مذکور اولان غیر کسسه در
 دیو مذکور در (فصل عشرین در بعض احوال افریق بن ابرهه) مغربه مفر ایدوب فتح و ضبط
 ایتد کده انده بر شهر یا یمن اسمی افریقیه قودیلر (فصل حادی و عشرون در احوال ذوالادعار عمرو بن ابرهه)
 برادر دی افریق بن یمنه کچوب اهل قوت و قدرت و شوکت اولمغین نیجه غزال ایدی قاموسده مذکور در که
 بنی آدم دن همان بر طر زدن بر اللو بر ریا قلوب عجیب الصوره غریب السیره اولان نسناس دید کاری طائفه دن
 وافر کسسه طوقب شمشکانه کتورد کده اهل یمن انلردن قورقوب بونک لقبی ذوالادعار قودیلر معنای
 قورقود یچی دیکدر * تاریخ میر خوانده مذکور در که بنیم پادشاهی کیکاوس یمنه سفر ایدوب چنکده
 ذوالادعار صیوب قاجوب کیکاوس بونک بر حسنات یمنی ایشیدوب انی و بر ملک شریطه بارشوب سور و سرور
 ایتماسنده ذوالادعار کیکاوسی و نوابه فی طوقب قلمده حبس ایتدیکنی کیکاوس بکارندن رسم بن زال
 بجمده ایشیدوب بیک نفر دلاور له ایله ایدوب کاد کده ذوالادعار آنک خوفندن مجبور لری قیو و یروب وعده
 ایتدیکنی قیزی بیک عدد جاریه ایله کیکاوسه و یروب اودخی قزی الوب ولایت بجمه کلدی (فصل ثانی و عشرون
 در احوال شراحیل) بعضی شراحیل دیملر مایه مذکور اولان بیکسک بن وائل نسلدن عاقل و مدبر
 و توانا یوب سادرایدی * تفسیر امام تعلییده مذکور در که شراحیل بن مالک بن ریان سلطان عظیم الشان اولوب
 اختلاف اقواله کلی تفاسیل محتاج بر طریقه طائفه جن پادشاهی فتح حرف مدینه سکن نام کسسه نلک
 قزی ریحانه بی نکاح جنوب سلیمان پیغمبر ک خانوی اوله جق باقیس طوغوب بعده ریحانه تفصیل محتاج
 بر دیبله شراحیله انجنوب غایبه اولدی بوقصه * طول تواریخده و ترکی فرج بعد الشده کابنده مفسلدر * کاب
 مبهات اقرآنده بلقیس و والده می چندن اولوب اسمی فارعه یا بلعه یا بله یا رواحه در دیو مذکور در
 (فصل ثالث و عشرون در بیان هدشاد بن شراحیل) تاریخ ابن کثیره ده پدری برینه بکدی دیوب *
 لکن تفاسیرده اولان تقریریه مختلقدن تکیم حاله معلوم اولور (فصل رابع و عشرون در احوال بلقیس)
 تاریخ ابن کثیره ده هدشاد قزیدر طریقی خاشیه منده افریق بن یمن قزیدر دیوب قاموسده ذو جدن علم بن
 ایشرح بن الحارث بن صیق بن سبا بلقیس کیدر * دیار منده ابتدا اغنی ایدن یعنی خوب آواز ایله ابرایان
 ذو جندن دیوب کن تفاسیرده بلقیس شراحیل بن مالک بن ریان قزیدر پدری قرق تابه دلک ملوک یمن ایدیلر
 دیوب بلقیسک اناسی چندن ایدی تکیم بوحینه ده شرح اولندی (ان احدا یوی بلقیس کان جنیا) حدیث
 شریفدر (جلوس) تفسیر نه لیدیه مذکور در که شراحیل وفاتده بلقیس دن غیر ولدی اولماغین بعض
 خلق بونی پادشاه ایتمک ایتدیوب به ضلالت یتمیوب شراحیلک برادر دی اوغان کند و له پادشاه ایتدیلر لکن غایت
 ظالم اولوب رعایا سکن خانو نر بن تصرفه باشلده قده خاق آتی عزل ایتمک ایتدیوب قادر اولد قزنده بلقیس
 حیله قصیده کند و بی کانکاح ایتد و یوب دو کون کجه می خراچوب مست اولد قده باش کسوب ایرانی

اعیان شهری چاغروب کور و تروپ شیدنگرو ایچکزدن برنی سلطنته اختیار ایلان دید کده انلردخی سندن غیری
استرزوب باقیسی اتفاقه پادشاه ایدیلر * مر ویدر که اهل حسن و جمال و غایت مدبره و عاقله و صاحبه
الکمال اولغین ملوک اطراف یوکا اطاعتدن افسه سکاف ایتدوب جله سی سرخرو ایتدیلر هفته ده برکون
مصالح خلقی بالذات کورمکه مردانه دیوانه حیقوق لکن پرده اردنده اوتوروب طشره منده صاف و کار هیبت
و وفار ایلایاغ اوزره طوروب حاجتی اولان کسسه اولا بلقیسه سجده بعده مرادین عرض ایدردی دیوان
بوزله قده سرانده بدینی طبقه او طه سنه کوروب قبولی قیایوب سرائی بیک کسسه بکلردی کندوسی و جله
قوی مجوسلردن اولوب کوشه طیارلردی (عسکراو) مر ویدر که عسکرینک اوان ایکی بیک یا خود یوز بیک
قایدی وار ایدیکه هر بری بیکر یا یوزر بیک نفره سردار ایدی بهض اهل مشورتی اوچیز اوتوز اوج کسسه
ایدیکه هر بری اوان بیک نفره ضابطی ایدی دیوب اشبوا قوالک اتلی اوزره اوتوز بیک کره یوز بیک و اوتوز بیک
نفر عسکره مالک اولمش اولور * برروایتده همان اوان ایکی عدد بکلری وار ایدیکه هر بیک لقبه طائفه لسان
جبرده کسر حرف قاف ایل قیل دیوب هر بری یوز بیک نفر عسکر ضابطی ایدی (عرش او) عرایس تعلیمده
مذکور در که بلقیس عینه شهر صنع طشره منده بشیوز عدد مر مردل اوستنده طوغله و کرچ ایله مربع
بر سر ای مصنع بایدروب هر ایچکی درک اراسی اوتوز ذراع اولوب سرائیک بر طرفنده بر عالی قبه و نیجه او طه لر
بایدروب دیوار لری سیم وزردن تخته لر قبلانوب جواهرله مرصع اولوب سرائیک نزد بانی انواع مر مردن اولوب
سرائیک اوستنده کندویه مخصوص اولغیچون قزل یشل یا قوتدن زمر ددن و یاز بر جددن درت درک اوزره در
یا قوت وز بر جده مرصع سیم وزردن کر بجلرله یددی عدد او طه بایدردیکه جله سنک طول و عرض و ارتفاعی
سکسار یا اوتوز یا طولی سکسان عرضی قرق و ارتفاعی اوتوز ذراع ایدی (تفصیل) تفاسیر و توار یخده
مذکور در که سلیمان پیغمبر علیه السلام عینه واروب هدهد قوشنی صو آرمغه کوندروب اودخی اکتوب
کد کده بلقیسی خبر و بر مکی سلیمان علیه السلام اتی و قومنی ایمانه دعوت ایچون (من عبد الله سليمان بن
داود الی بلقیس ملکه تسابسم الله الرحمن الرحيم السلام علی من اتبع الهدی اما بعد فلا تعالوا علی و لونی مسلمین)
دیونامه یازوب شیخ برینه مسک ایله مر رایوب هدهدله کوندروب اودخی وارد قده دیوان قوراش ایکن اعیان
وارکان اورتاسنده مکتوبی بلقیسک دیری اوستنه قویوب ایراقدن دکله یوب سلیمان پیغمبره کلوب مفصلا خبر
وردی و یو جائده بلقیس مکتوبی کوروب هیبت شهر سلیماندن بی اختیار دتروب بعده آچوب بکلر نه
اوقیوب نه ایده لم دیو طاشوب هدهد نبوت حضرت سلیمان ایتی ایچون تبدیل صورت ایله بر زینت یوزیا ایکیش
یوزیا شربوز قول جاریه و ییل کر پیسم وزرم مع و نیجه تحف ایله ایلر کوندروب حضرت سلیمان جله سنی
و حی ایله یلایوب انس و جان حیران اوله جق و جله دیوانخانه عظمت نشانلر نه کمال زینت و بر مکیچون
طولایندی یا طقوز فرخ برینه جملره صافی سیم وزردن کر بجلر کسدروب طوغله برینه دوشدوب و اطراف
میدان دیوانه سیم وزردن کر بجلرله بردوار چکدروب ایچنی خوب صورت حیوانات عجیبه و اولاد جندن الوف
طاعت مألوفه بر صوف ایدی * الجیلر کلوب یو حاللری کوروب شاشوب هدیه لر بی تحف ایلر اغوب ترسان
وزران بولشوب حضرت سلیمان یو فاروده بکدیک اوزره هدیه لر نه متعلق معجزه لر کوستروب بزم احتیاج
بو قدر دیو هدایای رد ایدوب بلقیسه قوی ایمانه کاسونلر پوخه مقابله قادر ایله جملری قدر عسکر
بی بیانله واروب دار و دیار لرین ویران ایدرم دیوب بلقیس نبوت و عظمت حضرت سلیمان ییله کده نیجه کره
یوز بیک عسکر ایله کلوب جله سی مسلمان اولدیلر * مر ویدر که والده سی جنبه او اغین بلقیس امر اوطایف جتی
سلیمان اعلام ایدر دیو جملر قورقوب سلیمان یو کچون عتدنده خال وارد و کوده سی قیلار و یا فزری حیوان
ایاغی کیمیدر دیکارنده آتی بیلک ایچون عینه کی عرشنی یعنی تخت و قصرنی کتورتک دیکله وزیر ایسم
اعظم اوقیوب قدرت خالق اکو این ایل طر فیه العینه کلوب حضرت سلیمان آنک بعض زینین تغییر ایدروب
دیناده صرجه یو عینک جملر ایدروب یول اوستنده دوشه یوب التنه صود و کوب باقلر قویوب بلقیس صرجه بی
صو صانوب ایاضن آچوب سلیمان علیه السلام کوروب قیلو اولغین نوره و جمالی جملر ید ایدوب بلقیسه
حضرت سلیمان سنک هر شوقه مر کوبله میدر دیوب اودخی کورد کده شاشوب غایت عاقله ایتدین اودر یاد کادر

دیرم جائز که بنی تکذیب ایده لر دیو فکر ایدوب فی الحال کانه اودر دیوب عارفانه جواب و بر مکی * ابن عباس
قولنجیه نکاح اکتوب عسکر یله عینه کوندروب یو نیچون جملره عینه ایکی یا اوج شهر بایدروب هر ایده بر کره
قدسندن عینه دیو انخانه ده اوتوز رکن یل * کوروب ایکی اوج ساعتده واروب بلقیسک ایتدیه اوچر کون
اوتوروب بعده قدسه کوردی * بلقیسندن داود آدلور اوغلی اولوب کندو حیاته ده وفات ایدی بهضر قولنجیه
کندو نکاح حلیوب بلکه عینه کسر حرف هاوسکون مع ایله همدان پادشاهی ذوقه نکاح و جله ولایت
عینه آتی پادشاه ایدوب عین جملر سنک سلطان ذوقه بی آنک خدمتته تعیین ایتدین اکتانجه قلعه لر یابوب
سلیمان علیه السلام وفاته دلک عینه سلطنت سوردی * قصه بلقیس حضرت سلیمان جلوسنک بکلری
بشینی ییلنده ایدی (وفات او) کسانک قصص الانبیاء منده مذکور در که بلقیس یددی ییل ویدی آی طوروب
بعده ولایت شامده تدمر شمرنده وفات ایدوب خلیفه بنی امیه دن ولید بن عبدالملک زمانده تدمره عظیم
سیل کلوب بردوار یقوب اساسی بر کد کده زعفران کبی غایت صاری طاشدن طولی التمش ذراع بر تابوت
کورونوب اوزرنده (هذا مدفن بلقیس الصالحه زوجه سليمان بن داود اسلمت ایله عشر بن خات من ملکه
ودققت ایلالتحت حائط بدمیته تدمر لیطاع علی دفن انس و لاجن الامن دفنها) دیو یازمش اولوب تابوتک قباغن
قادروب بلقیسک میتنه باقد قلدنده هنوز دفن اولمش کبی تازه کورلوب ولیده خبر کوندروب آنک امر یله
یرنده ابقا ایدوب اوزرنی طاش و مر مرله یا ایتدیلر (فصل خامس و عشرون در بعض احوال ناشر التمش)
بر عرش بلقیسک عیسیدر ولایت مغربه غزا ایتشدرفا موسده ملوک جیردن بری و عیشه به صبه لا اولغین رعش
دیکه ملقب اولدی دیتوب بر عرش میدر غیری کسسه میدر معلوم اولدی (فصل سادس و عشرون در بعض
احوال شمر) نشدید سرف میلدر ابن ناشر التمش بر عرش ولایت عراقه سفر ایدوب منصور و مظفر اولوب
اطرافنده کی ملوک غلبه اوزره ایدی (فصل سابع و عشرون در بیان احوال ابومالک بن شمر) احوالی
معلوم اولدی (فصل ثامن و عشرون در بیان عمران بن عامر که) زید بن کهلان بن سبأ نسلندن ایدی بهض
کتبده ذکر اولدی (فصل تاسع و عشرون در احوال عمرو بن عامر) سلطان عظیم الشان او اغین هر کون
ایکی قفتان کیوب غایت مغرور او اغین بندن غیر یلر یوزلری کیمک لایق دکدر دیوهر اخشام باره لیکچون
عمرو مزینا دیو مسیحی و مشهور دنیا اولدی بهض کتبده بودخی ذکر اولندی (فصل دلاون در احوال اقرن
ابن ابی مالک بن شمر) بعض کتبده پدیری ابومالک برینه پادشاه اولدی دیتوب عمرانله عمرو ذکر اولما مندر
بازر یا یوب خلقه اهل ضر و تنوع و خف و رف و ظلم و اذ او عیون ناسه ماتد قذا ایدی (فصل سادی و دلاون
در احوال ذو حیشان بن اقرن) اهل شوکت و مهابت اولوب مکه ایله بن اراستده کی طوم و جدیس قبه لر سنک
پادشاهنی * کسرو قهر ایدی اهل وقار و استوار اولغین مصاحب ایله اختلاطدن عار و فرار ایدردی
(فصل ثانی و دلاون در احوال تبع بن الاقرن) محمد بن اسحاق قولنجیه تبع بن عمرو ذوالاذهار بن ابرهه
ذوالمنار بن الرایش بن عدی بن صیفی بن سبأ الاصغر بن کعب کهف الظلم بن زید بن شمل بن عمرو بن قیس
ابن معاویه بن جشم بن عبد الشمس بن وایل بن غوث بن قطن بن عرب بن زهیر بن انس بن الهخیمس بن العریمج
حیر بن سبأ الاکبر بن عرب بن شجب بن خطاند * علی کل حال یو کاتب اکتوب تبع اول دخی دیر لر عندن جاق
ولایت ترکستان و بعض عمالک غزا ایدوب عاقبت هندستانده وفات ایدی * عجمده شهر حرقندی یو یابوب
بعده اسکندر ذوالقرنین تمام ایدی دیشلر بعض کتب میرده تبع اکبره و من اولوب بعض غزایرنده مدینه به
او غرا یوب اخر زمان پیغمبری کله چکنی ایشتمکین دین مو سی علماسندن در تیوز کسسه قویوب برنی آنره
رئیس ایدوب حضرت رسول ایچون بر او یادروب آنره خطایا بر محبتنامه یازوب ظهور ایدر کاند و بره سز
دیددی اهل مدینه دن حضرت رسوله ایمان کتورن صحابه اول علماسندن و ایچلرندن ابویوب الانصاری اول
عالم لر زبلسری نسلندن اولوب تبع مکتوبی حضرت رسوله او بر مشدر دیتوب * اکثر معتبر اتده یو قصه
صاحبی تبع اوستدر دیتوب بهضنده تبع اصغر در دیتدرو الله اعلم (فصل ثالث و دلاون در بیان کریم
ابن تبع) یا کاکبر بن زید بن تبع داغزا اوزره ایدی (فصل رابع و دلاون در احوال ابوکرب سعد بن کریم بن
تبع) یو کاتب اوسط و تبع ثانی دخی دیر لر بعض کتبده ظالم اولغین ابوکرب دیدی لر عاقبت قوی یو قتل ایتدیلر

دینوب * تفسیر کورائیده (اهم خبرام قوم تبع) آتی معنا شده است و تبع ملوک قحطاندن اند و بن کریدر که
 کند و مسلم اولوب قوتی دخی اسلامه کتوروب تبع و فاتهینه کافر اولدیلر * مز ویدر که کعبه بی یقه مغه عزم
 ایتمکین توبه واستغفار و بعد قریانلر و اهل مکه به وافر احسانلر ایدوب کعبه معظمه نلک او مننه لباس اورتلک
 بونلک ایچا ایدیر * اوچیزیل پادشاه اولوب حضرت رسولک نبوتدن یوزیل مقدم وفات ایددی مدینه به
 اوغرا قدده علمای بنی اسرائیل آخر زمان پیغمبرندن خبر ویرمکین حضرت رسولی عربی قصیده ایله مدح ایدوب
 دیدیکی شعر مشهور اولدی * نفع عالم صلی الله علیه وسلم (لاتسبوا تعافانه کان مسالما ولا ادری اکان نبیام لا)
 یعنی تبعه سوگنکر زیر اسلم ایدی اما پیغمبر میدی دکلیدی بلزم دیو پیور مشلدینوب * کشفه تبع انبیادن
 ایدی دیو ابن عباسدن مرویدر (روایت) معارج النبوه ابن احقادن مرویدر که تبع دیدکلری
 حیرین وردعه حکم متبع اولوب درت یلک نفر علما و یوزاون اوج یلک نفر پیاده و سوار ایله دنیایی کشت
 و کذا ایدوب مکه به کاوب شهرلو کعبه ایله مغرور اولغین فارسو کلدکلرینه انجینوب کعبه بی یقه مقق دیدکده
 محکم مرضه اوغرا مغین دین مجوسدن عدول و حضرت ابراهیم دینته دخول ایدوب کعبه به حریر لباسلر
 اورنوب ایچینده اولان صغری چیقاروب اهل مکه بی ضیافت ایدوب بده مدینه شهرنک برندن بکرکن آخر
 زمان پیغمبر یلک شهری اوله جغنی یاتده کی علمای بکین ایچلرندن درتیوز عالمه بر او ایدوب بر جابه و وافر
 مال و برو بایان کتور دیکنه حضرت رسوله عربی محبتنامه یازوب ظاهر وایتد کده ویره سز دیوب ولایتنه
 کتدی * حضرت رسوله اول نامه یلک ییل تمامنده واصل اولوب اهل مدینه اول درتیوز نفر علمایس لاریدر
 اوزمانده مدینه شهرنک یری بالکلیه ارض خالیله اولوب تد ریحیلر بونلر معورایتدیلر * تبع مدینه دن
 هنده تانده قلدان شهرینه واروب آنده وفات ایددی دینوب * بعض کتیده تبع مکه به کاوب کعبه بی یقه مقق
 دیدکده حق تهالی آتی بر مرضه مبتلا ایدوب اوج کون اوج کعبه هوا قراروب تبع حیران اولدوده کعبه به
 اورتور ورتوب تعظیم ایددی دینوب * نیجه معتبرانده ملوک عالمدن ربع مکرکی بالتمام کزن بش کسنه درکه
 فریدون ذوالقرنین سلیمان اردشیر بن بابک تبع بنیدر دینوب * بعض معتبرانده مذکوردر که تبع ضبط عمالک
 دینادن فارغ اولدوده نهایت ولایت چینده ثبت نام شهرده عسکر یلک قلملرین ایدوب دوردن برمناره
 پایدروب شند نکرو و خبر عالم ایچون شمیره احتیاجی قالدیغین اشعار ایدوب اول میل استواری روز کارده
 یاد کار قودی (روایت مفصله عجیبه) بعض معتبرانده ابن احقادن مفصلامرویدر که تان اسعد ابوبکر
 کاسکی کرب بن زید بن تبع الاول عسکرله عالمی کروب حیره و سمرقند شهرلری بیان یاخود سمرقندی یقان بودر
 شرقه مغره کیدرکن مدینه به اوغرا ایدوب آنده اوغلوی قویوب اهل مدینه آتی خفیه اولدروب تبع شرقدن
 دینوب کده کده اوغلینک قاتله انجینوب اهل مدینه بی قتل وخر ماغا جلرین قطع وولایتلرین یققی استد کده
 آنده اوللر بونلکه کوندر صواشوب کعبه ضیافت اید کارنده بونلر کرم شام شانلرینه تبع حیران اولوب
 بواننده ایکی عالم بودی کاوب مدینه به شرقتله لیا تنجکده قادر اوله مزمن الله آتی سندن صقلم سکاعذاب
 نازل ایدده و یوقورقارنه زرا اولاد اجماعیل نبیدن آخر زمان پیغمبری احمد مکده ظهور و یوننده قرار ایدده چکدر
 دیدکدر تبع تبع ایدوب اهل مدینه به یت جفادن واز کاوب اشبوا یکی عالم ایله یمنه کتک ایچون مکه به
 اوغرا مقق مقرر اولدوده کند و قویبت پرستلر اولغین بعض عربلر کاوب کعبه نلک اتنده یجد مال و جواهر
 دینه سی وارد ریتوب چیتا آل دیوتبه نلک هلاکنه مکر و آل اید کارنده اول ایکی عالمه طاشوب کعبه به
 و آنلک شهرینه هر کیم ضرر قصد ایدیه الله ذیاده غضب حقه هلاک اولمشدر ضرردن حذر ایله دیو خبر
 و بر دکر کتدی * دین حضرت موسی اوزره ایانه کاوب پش مکه به وارد قدده ایدیم دیوب اول ایکی عالم کعبه بی
 طواف و تعظیم و عبادات مخصوصه ایله دیکین وارد قدده الی کون او توروب کعبه ده کی صغری چیقاروب
 کیدر مکه کعبه بی پالانیدوب طواف و تعظیم و تقبیل و تلیم ایدوب اهل مکه به قریانلر و طعما ملر و عمل
 شربلری توزیع ایدوب واقعه سنده کعبه به اورنی اورت دیو امر اواند قدده خشف ایله اورنوب آندن دخی
 اعلا اورت دیند کده مافرا ایدوب اورنوب آندن دخی اعلا اورت دیند کده ملا و واصل ایله اورنوب کعبه بی دیناده
 ابتدا اورتن بودر بعد طاقه جرمه مدن کعبه ده کند و طرفندن سا کله کعبه بی داناته تعظیم ایدوب پالک طوب

تبعوسنی کلید افش طوقق اصغر لیوب بعده عسکرله یمنه وارد قدده آتش پرست اولان قومنی دینه دعوت ایدوب
 انلر دخی سنکله آتیه مراهمه اولمجه دینکی قبول ایتزدیدیلر (قصه آتش) مرویدر که یمنده بر آتش و ارا بدیکه
 دعواسی اوللر کارا وروب طالمی یاقوب مظلومی انجینمزدی تبع یاتده کی ایکی عالم بوغازلرینده محفلرین
 اصوب اهل بن دخی صغیرن الوب تبعه بجه سی آتش محله وارد قلرنده آتش طشره چیتوب بعض کفاره
 هجوم ایتمکین آنلر تورقوب قاجوب بعده غیرت ایدوب طور دقلرنده بجه سی یور یوب صغری و کونورلری
 یاقوب اول ایکی عالم آتش ایچندن عرقیز عالم چیتوب کندورنی و محفلرنی آتش یقه مافین اهل بن دین
 حضرت موسی کیروب انکیچون یمنده دین یور دباتی قالدی * برروایتده کافر عالمه هر قنغه زانشی رد ایدر سه
 دین حق صاحبی اودر دیوب آتیه یورید کارنده آتش کافره هجوم ایدوب قاجوب عالمه نوراة او قوبه رق
 یور یوب آتش تد ریحیلر چکوب غائب اولغین بجه اهل بن دین موسایه کیدر یلر * مز ویدر که اهل یمنلر بام آدلو
 بر اولری و ارا بدیکه ایچندن بونلر آواز کاوب موسی بکین انده قریانلر کسوب غایت تعظیم ایدر لردی اول ایکی
 عالم تبعه یوا ایچندن کلان صدا شیطاندر بزی اکامسلط ایله دیوب بودخی ایازت ویرد کده بر سیاه کاب
 چیقاروب بوغاز لیوب اول اوی یقیدیلر بوجه حکایت ابن احقادن روایت اولمشدر (فصل خامس و ثلثون
 در احوال حسان بن تبع الاوسط) تحت جلوسنده پدیری قاتلرندن انتقامن الوب داناتمغا اوزره ایدی عاقبت
 برادری عمرو بونی قتل ایدوب یرینه بکدی * خریدده مذکوردر که بونلک زمانده عرب عربادن بقیه قوم عاد
 اولان طسم و جدیس قبیله لرینک پادشاهی علقی طسمدن اولغله جدیده بعض وجهه لظلم عظیم اوزره
 اولغین جدیدس جمع اولوب چوقاق اولغین عملی و طسمدن سکسان یلک آدمی بر طریقه باصوب قیروب
 باقیلری حسانه شکایت واروب اودخی بونلر معاونت ایچون سفا ایدوب جدیدلک اکثری مقتول واسیر
 و تحذول ایددی (فصل سادس و ثلثون در بیان ذوالا عواد عمرو بن تبع اوسط) برادری قتل ایتمکین (بشر
 القاتل بالقتل) مفعول منجه بعد زمان بونی دخی قتل ایدیلر (فصل سابع و ثلثون در بیان عبد کلال بن
 ذوالا عواد) عمرو بونلک احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن و ثلثون در احوال تبع اصغر بن حسان)
 بعض معتبرانده شامه سفا ایدوب شام پادشاهی و عمر بلردن بنی قریظه و بنی نضیر بکارین کندویه طمع ایدوب
 عادت قدیه اوزره حج ایدوب کعبه به اورتور ورتوب بعد قریانلر ایددی * نواحی مکه به ده ملوک یچندن
 ابتدا اورتورتن بودر دینوب لکن اثر معتبرانده تبع او طدر دیومذ کورد (فصل تاسع و ثلثون در
 بعض احوال حارث بن عمرو) بعض کتیده تبع اصغر لک برادر زاده سیدر دیند و تحت جلوسنده دین غوده
 کیروب خاقی اکاذخی چیر ایددی (فصل اربعین در احوال مرثد بن عبد کلال) بعض کتیده بونلک اسمی
 مرثد یازمشدر * معارج النبوه مرثد بر غریب واقعه کوروب اوندوب کاهنلری جمع ایدوب واقعه سنی
 یلمکدن عاجز اولدقلرنده بر کون صید ایچون سوار اولوب شکار قوارایکن عسکردن ابرلوب بر عرب قزنه
 راست کاوب واقعه نه ایدو کفی قزبو کا خبر ورتوب آخر زمان پیغمبری ظاهر و ایدده بکدر دیوتیمیرده غایت
 تفصیل ایددی دینوب * قاموسده ذواود مرثد نام کسنه انیوزیل بن پادشاهی اولمشدر دیومذ کورد
 (فصل حادی و اربعین در بیان وکیه بن مرثد بن کلال) سلطان ذوقوت و شوکت و جاه و جلال ایدی (فصل
 ثانی و اربعین در بعض احوال ابرهه) بعض کتیده پدیرنک اسمی صباح در دینوب قاموسده ابرهه بن الحارث
 ثابته یچندن ایدی ابرهه بن الصباح هلاک اولان رئیس اصحاب فیلدر دیومذ کورد (فصل ثالث و اربعین
 در بیان صهبان بن حارث) احوالی معلوم اولدی (فصل رابع و اربعین در بیان عمرو بن تبع) بعض عیود بن تبع
 دیو احوالی معلوم اولدی (فصل خامس و اربعین در احوال ذوالشمار) الی بارماقلا و انجین بولقبه مشهور
 اولوب اسمی پیغمعه ایدی قاجر ولایت جابر و قاسط اولوب قوم حیردن اولان بک زاده ره عمل قوم لوط ایدردی
 ناکه عاد تلخجه ساطشده احقادن سقوط بوله * پس اول ناکس خیانت هوس ذونواس آدلو بک زاده بی
 مقصودعه و دایچون کتورد کده بونی ذونواس بیجا غله اوروب هلاک ایتمکین ولایت خلقی ائی بونلک یرینه تحت
 بکوردیلر (فصل سادس و اربعین در احوال ذونواس بن حسان) اسمی یوسفدر کیسوسی یعنی اولمش
 صاحب لری اولغین بولقبه مشهور اولدی (حکایت) قتل اصحاب الاخذود النار ذات الوقود * آیتنده تفسیر

کوردانده علماء نصارادن بری عرب سنامه واروب قبیلانی بخجانی نصرانی آید یکی ذونواس یهودی بنده
 ایستد کیده عسکر یله کلوب طولی قرقره رضی اونی یکیش ذراع حقورلر قازدروب ایچلرند آتش یاقدروب
 اولکی دینه دوغینلری ایچنه آتوب بوجله اونی یک یا بنش یک مسلمانانی هلاک آید کده برکسنه قاجوب
 نصارادن اولاقصر رومه شکایت آید کده بنم ولایت یمه اوزاقد راما سزه یقین حبش پادشاهی نجاشی به نامه
 کوندربه عسکر نصارادن اواغین معاونت آید دیوب نامه وارد قده نجاشی ارباط و ابرهه آدلوایکی سردار نامدارله
 یمه بنش یک عسکر کوندروب جتکده ذونواس صیتوب قاجوب کی به توب بده غرق اولدی یاخود
 دریایه واروب خوقدن آت دیوب کیروب غرق اولدی * بده ماطنت یم تبایعه الارندن کیدوب حبش
 پادشاهی طرفندن بنش یل ضبط اولوب بده دین محمدی ظهور یله مسلمانلر ضبط آید یله تاریخ ابن نجینه ده
 ذونواسد نکده ذوحدن تحت کجوب آخر ملوک یم بودر دیوب صحیح ایه ذونواس قترقی اراستده واقع
 اواشد * تفسیر فاضل شج زاده حاشیه سنده اصحاب اخذ و اوج کده در که بری شامده انطیانوس رومی
 بری عجمده بخت نصر بری بخجانی ذونواسد دینوب * تفسیر واجدیده بعض سلف اخذ و ایچلرندن آتش
 قالدوب پادشاهی و قومی یا قوب هلاک آیدی (فاهم عذاب جهنم واهم عذاب الحریق) آیتندن مراد
 بودر دینلر (روایت) سیر ابن هشامده مذکور در که اهل بخجانی نصاری اولد قلدن ذونواس کلوب اسکی
 دینه دوغینلری قتل آیدرم دیوب بوند اسلامه اصرار و شهادت اختیار آیتکین طولانی یول چقورلر
 قازدروب مسلمانلر کین آتسه آتوب کین قبله قیروب کینلک بورن قولاغن کسوب بوجله بکری بیکه
 قریب کسنه هلاک آیدوب مؤمنلرندن بری قاجوب قیصره عظم آیدوب اودخی نجاشی به خبر کوندرمکین بنش
 یک عسکرله ارباط و ابرهه کی کوندروب کی ایل ساحل دریای یمه حید قلدن ذونواس کلوب صواشوب
 صیتوب آتخی دریایه صالوب غرق اولدی (روایت) تاریخ میر خوانده مفسرین و مؤرخیندن مریدر که
 ذونواسک بر ساحر ما هر وزیر بر اولد قده تعلیم سحر ایچون بر قابل یکت آید کده ویروب برکون شا کرد
 تعلیم کیدرکن یرالتنده برکسنه نک جناب حقه مناجات آیدوب قبله غایت تأثیر و حرارت کملکین طوروب
 قالدوب اوکیجه زیر زمینک قبوسین بولوب ایچنده پلام پوش و عارف پر هوش نورانی و روحانی بر راهب عبادت
 راغب کوروب راهب بوکا اوغل بومکانی سن نجه بولد که بن اکل کاهله قناعت و خلق عالمدن کمال عزت
 اوزره یم دیوب غلام خیر مرام احوال اعلام آید کده پیر و احب التوفیقانی ایمانه کتوروب کفار اشرارندن
 اصرارنی اسرار اصرار یم ویروب بده غلام هر دفعه ساحره کیدوب کاشده واهبه اوغراوب مظهر نظر
 پیر عالی کهر اواغین مستجاب الدعوه اولوب برکون بولد خلق ایرکیش کوروب سبب صوروب برادرهای
 کوه بیکر مانع کذر اولمشدردیو خبر ویرلد کده واروب ایلله ارقاسین صغایغین اورد چکلوب کده بکر امته
 خلق تیب آیدوب * بنه برکون برارسلان خلقک اوزرینه یور یوب قوه لد قده غلام ارسلانک قولاغنه کیزلو
 برنوز سو یلکین چکلوب سحر ایه کیدوب بده ذونواسک برقیو جیسی اعی اولوب اطبعا عاجز قالدوب غلام
 اکا اگر ایمانه کورمک کوزلک کورمکه دعایده یم دیوب حصول مراد نصکره بوابه صاقین بی ضرورت اسرار
 پرورد کاری اغیاره آشکارا بجه دیوب پادشاه آنک کوزی آجلد یغن کوروب سبب صوروب تکرری تعالی
 شفا و بردی دیوب نامل تکرری دید کده برلک کورلک خالق که جمیع اشیا به قادر اولوب آندن غیری تکرری
 یوقدر دیوب شاه کرامتی کیم مغرور آیدی سولیه دیو ابرام آیدوب دید کده قتل بیورمغین وزیرک شا کردی
 دید کده آتی کتوروب بونک کوزنی سنی آجلد دیوب بنم دعامله اچادی دید کده وزیر کتوروب
 صوروب بن بومقوله نسنه بلزم نیجه تعلیم آید بیلورم دیوب پادشاه غلامه سنی بوخاله کیم ایرشدردی دیوب
 اودخی دیموب اشکجه لره سولید کده راهبی کتوروب بواجنه مر تد اولقی تکلیف آیدوب رضا
 ویرمد کارنده راهب حاجی قتل آیدوب غلامی دریایه آتفه کوندروب غلام دعا آیتکاه مخالف یل اسوب
 برمه ایل موکل اولنلر با توب غلام صاغ کلوب پادشاه آتی کتوروب خالق صوروب ربم آنلر هلاک بکاشجات
 ویردی دید کده * بوکسک طاغدن اشاعه اتقی بیوروب آیتد کارنده بحکم یل اسوب موکلری طاغدن چاق
 سحر ایه آتوب غلام نهر کده پادشاه آتی دارا غایبده اصوب نیزه لره اورد قلدن نهر را بنجوب بده آتسه

عظیم آتش یا قوب اودخی انجتمیوب ایراقدن اوقرا نوب اودخی کیمیوب مدت صلبندن یدی کون کچد کده
 پادشاه عسکر یله یا قوب غلام اکای کافر خاسر بنی قتل آیتک ایسترسک (روایت با هم رب هذا الغلام) دیوب
 بکار اوق آت دیوب اودخی دید یکی کبی آتفین وفات آید کده حاضر و ناظر اولان جم غفیر و جمع کثیرلر اکثری
 (آمناب رب هذا الغلام) دیو اهل اسلام اولد یلر پادشاهه مقربلری قور قدیغکه اوغرا دل دید کلرند مسلمانلره
 قاقوب عظیم آتش یاقدروب اسکی دینه دوغینلری ایچنه آتوب چاق صکره اوغلا نجیله بر خاقون کتوروب
 آتشی کورد کده اوغلا نه محبه مر تده اولقی فکرنده ایکن اوغلان همه امر کن قدرت حقه سولوبوب ای آتسه
 الهادن قور قوب ایماندن دونه دیوب خاقون دخی اوغل سنی امر که دیکمدن نه آید حکم یلم دید کده ای آتسه
 نسنه یوقدر ایلله تالی بزه بوکافر عذابندن نجات ویرمه کر کدر دید کده خاقون کندوبی اوغلا آتسه آتوب لکن
 اصلا یا تمیوب فی الحال ایکسی دخی خلقک کوزلرندن غائب اولوب جانب سلامته حید اربوب بده امر حقه
 آتش قالدوب یا یلوب جمع کفاری سوزان ویران آیدی * مریدر که بعضلر حضرت عمر زمانده بده رجوع راده
 اغاج اوزرند بر مصلوب کوروب زنج اونی اوستده طوران الینی برندن قالدرد قلدنجه فی الحال برننه کلوب
 کورنلر شاشوب عمره خبر کوندروب اودخی کب الاحباره صورت قده قصه اصحاب اخذ و دده اصلان غلامدر
 دیوب حضرت عمر ایلله سنت رسول اوزره تکفین و دفن اولندی (روایت) کتب تفسیر و حدیثنده حضرت
 رسولدن مریدر که بر پادشاهک ساحری پیر اولد قده سحر اوکر تکه پادشاه اکابر اوغلان ویروب یول اوستده
 بر راهب اولوب غلام اکامعتقد و محب اولدی برکون بر ییلان خلقک یولنی طوغین غلام الله بر طاش الوب
 یارب اگر بکار راهب ساحردن سوکوا یمه یولانی قتل آید دیوب آتوب هلاک آیدی * بده اناسندن کوز سر
 طوغانلری وخته لری باذن الله صفا لدوب پادشاهک براعی مصاحبک کوزنی اچد قده پادشاه اکا صوروب
 رب اچدی دید کده قاقوب اشکجه آیتکین غلام سبب اولد یغن دیوب اودخی سکا بو حال ندن کادی دیوب
 اشکجه آیتکین راهبی اله ویرد کده کتوروب دیندن دیندن دیوب دونه کده دستره ایلله ایکن بچوب غلامه دخی
 مرید اول دیوب اولد قده بر طاغدن اشاعه اتقی بیوروب طاغ حید اربوب قده دعا آیتکین طاع صار صلوب یله
 اولنلر هلاک اولوب غلام کاد کده پادشاهه بونی برکی به بندروب غرق آیتک بیورمغین بندر کلدن یله اولنلر غرق
 اولوب یمه غلام کاد کده پادشاهه سن بنی قتل آید مزین چاق جله خلق جمع آیدوب بنی اصوب بنم ترکشدن
 براوق الوب (بسم الله رب الغلام) دیو بکا آیتکین دیکین غلامک سوز یله عمل آید کده قاشیله قولانی اور تاسنه
 طوقوب شهادت اولد قده یله خلق (آمناب رب الغلام) دیو ایمانه کلوب پادشاهه مصاحبلری قور قدیغکه
 اوغرا دل دیکین چقورلر قازدروب ایچلرند آتش یاقدروب ایماندن دوغینلری ایچنه آتوب بر عورت دخی
 اوغلا نجیله آتفه کلوب ترد آید کده اوغلا نجی ای آتسه صبر ایلله کدین حق اوزره سین دیکین خاقون
 آتسه کیدری * تفسیرده حضرت علیدن مریدر که بعض ملوک نجوس هر کسنه کندوه مشیره سنی نکا خلعتی
 حق تعالی خلل آیدی دیو یلان سولکین قبول آیتد کلرند چقورلر قازدروب آتشر یاقدیروب کندوبی نصدیق
 ایچینلری ایچنه آیدی (روایت) یمه سیر ابن هشامده مذکور در که عرب ستانده اهل ولایت بخجانی عبده اوثان
 اولوب کویلر سنل برنده اوغلا نجیله سحر اوکر دد بر ساحر اولوب نامر دخی اوغلی عبد اللهی تعلیم ویروب
 بده دین عیسی اوزره بر عابد کلوب بخجانی شهر یله ساحر قریه سی اراستده برکه ایلله قونوب عبد الله یولده بوکا
 اوغرا دلجه عبادت لری بکتوب ایمانه کلوب هر کون ساحره وارنده وکاشده اوغراوب آیتد اکتوب تد ریحله
 احکام شریعتی اوکر توب برکون عابد اسم اعظمی بکا اوکر توب دیوب اودخی قور قارمکه حقدن کلیمه سن
 دید کده عبد الله حفظنده کی اسماء اللهی بر رنسنه به یازوب برر بر آتسه آتوب همان بر اسم یا ند قده بواجق
 دیوب عابد دید کده بولش و بولش سن پس سرقی فاش آیته اما ایدرسک اکلازم دیوب عبد الله شهره واروب
 هر مر یض کافر شرط ایمانه دعایدوب اوولایده جله خسته لرایمانله شفا بولد قاری معلوم پادشاه اولد قده
 بونی کتوروب آبا واجد ادم دینی بوزلک بوزلک و قولاغک کسرم دیوب اودخی قادر کسن دید کده بوکسک
 طاغ کوندروب اشاعه اتد قلدن ده اصلا ضرر اولوب کاد کده بنم دید کده دیوب مسلمان اولنجیجه بنی قتل
 آید مر سن دیوب پادشاه اکا صوروب اودخی کلمه شهادت دید کده شاه کرا بچر قتل ایچون دیوب الله کی

عصایه عبداله که باقی یاروب شهید اولد قده فی الحال پادشاه طور دبی برده هلاک اولوب چله اهل بخران
 و احوالی کوروب ازدل و جان مسلمان اولوب بده. روز زمان ایله دینارینه زوال و نقصان کادی. این احصا قدن
 مر ویدر که حضرت عز زمانده بخرانده برکسته بر خرابه بی قازر کن مر ویدر عبداله که میتنی طیراق ایچنده
 کور دیر که او توروب انی باشنده کی یاره سی اوستنه قومش هر چند که انی قالدرد یل یاره دن تازه قان اقوب انی
 صالورد کور خجه یاره اوزرینه قانوب قان ماکن اولوردی یار مغنده خاقی اولوب نقشی ربی الله ایدی بوحالی
 عمره خبر کوندر دکارنده اولکی حالنده قویوب اوستنه طیرا غله با صدر لک دیمکن اوله ایتد یلر قصه اخذ و د امور
 عیبیه دن اولغین جمع اقوب ایله اختیار تفصیل اولندی (طوره) عاقل اولانه اولور عبرت قصص *

کسب ایدر ایدن نیجه درلو حصص (فصل ثامن و اربعین در احوال ارباط) نصارادن اولوب سابقا کدیکی
 اوزره ذوق ناسه غلبه ایدوب او غرق اولد قده بویته واروب تخته کوب نیجه مدتد نصکره حبشدن شرکته
 یله کلان بولداشی ابره بونک اوستنه خروج ایدوب ایکی عسکر جمعه ابره بونی باشه باش صواش ایچون
 میدانه اوقیوب لکن ابره کونه قدس حبشی کشی اولوب ارباط بلند قامت و خوب صورت اولوب ابره به
 حربه اوقباشی کوزنی بوزنی طوداغنی یاروب انک قصاداری ارباطل اردنه طولا شوب علی الفضله
 قتل ایدوب ایکی عسکر انفا له ابره بی تخته کور دیر (فصل ناسع و اربعین در احوال ابره بن الصباح)
 بودخی نصارادن ایدی ارباطله جنکده قاشی کوزنی بوزنی دوداغنی یار مغین اشرم دیوملقب اولدی سابقا ارباطله
 بونی یمه کوندرن حبش پادشاهی نجاشی بونک ارباطی قتل ایتدیکنی ایشیدوب قاقیوب بونک اوزرینه
 وارمق دیلد کده ابره اعتذار و عبودیتنامه کوندر مکن صوحنی عقوب ایتدی (قصه) مر ویدر که ابره
 تخته کد کده ارباطله جکده کندوی قتلدن خلاص ایدن قصادار و فادارنه بدن نه دیر لک دیل دیوب ولایت
 یمده اره وارن هر کلینی اونه وارمزدن اول بن تصرف ایدیم دیوب بودخی بویه بیوروب نیجه زمان بوحاله
 خلق منکوحه لرین ایدر بر کجه بونصرف ایدوب عاقبت بر غیر تلوکسسه انی قتل و خانی شردن خلاص
 ایدوب ابره غایت حلیم اولغین سکوت ایتدی (قصه فیل) بعده ابره هدایت نجاشی تقر با الی النجاشی
 انک نامه کمال ضلالت و جهالتدن حاشا کعبه معظمه به نظیر اولن فکر باطلیه یمده شهر صنعاده سیم
 وزر و انزان مر و انواع جوهر ایله ملع و مرصع و مزین و مصنع بر خانه کفر آشیانه یایدوب قصر بلقیسدن
 اکامر مر و سیم وزر ایله منقش حجر کور دیر تمام اولد قده غایت بوکسک اولغین اسمنی قلیس قویوب
 ایچنه سیم وزر دن خاچلر و کراسی و منابر عاجلر قویوب بعده جمیع حجاجی مکبه وارمقدن منع و اول
 خنزیر خانه بی زیارت و طواف ایتمک امر ایتد کده مکه لور عرب بایت غزا قلیسده حاجت قضا ایدوب با عر بدن
 بر طاقه قلیس کارنه قونوب آتش یا قوب ایچنه آتش دوشوب بعض برلری یاند قده یار عرب کجه تنها
 دوشوروب قلیس ایچنه لشر براغوب محرابی دیواره ایچوردن نجاست سوروب قاید قده ابره غایت
 قاقیوب بونی عرب برلر ایشدر واروب کعبه لر یقاصم دیواند ایچوب غایت آق و بیولک و اوزر اولان محمود آدلور
 فیل نجاشیدن کور دیر التیش بیک یا اوچیز بیک عسکره و بالکز اول فیلله یاچله ایکی یا اون اوج یا سکر
 یا اون یا اون ایکی یا بیک یا دیرت بیک فیلله یمدن مکبه کیدوب یوله جابجا بعض قیائل عرب جنکه حاضر اولوب
 یمده ذوق ناسه کور یله کوب جنکده صیوب کوندرن بعض منافق تابعی بونی طویوب
 کور دیر ابره حلیم اولغین عقوبایدوب قید و بند ایتدی بعده فیل بن حبیب قبیله ختم ایله جنکه کوب
 صیوب طویوب قتل صددنده بن کاقولا غزا اولیم دیمکن ابره عوایتدی مکبه ثلاث فرسخ قدر برده
 مغس نام مکانه قوند قده اسود بن مقصودی مکه شمرنی غارنه کوندروب اودخی بولدی بونی طوار مور یلرین
 کوروب ایچنده حضرت رسولک جدی و طاقت قریشک ریشی عبداله طلبک در نیوز یا ابکیوز دوه سی
 یله اولوب قریشله شیر طاغنه چیقوب حضرت رسولک نور باهر الامروری بونک آئنده همجویدر مزمزم
 و سیدر اولوب شاع عظمی مکه شمرنه منعکس اولد قده عبداله طلب ای قریش دونوب شهره کیده لم مشفق که
 اشج و عدونک شردن قورتلدیکز الله حقچون بنده نور تابنده دوران ایتدی الا که ظفر بزه میسر اولغیچون
 دیوب شهره کد کارنده ابره ایلی کوندروب بنم مرادم غارت و خسارت دکل ده ان کعبه بی یقه اقدرا کر

قورلر سه یقوب بر فردی انجتمزم رضا و برلر سه و یسارنی بکا کتور دیمکن واروب دیوب عبداله طلب دخی
 بعض اولادیه واروب ابره بونک نظر ایتد کده نور محمدی آئنده تابان اولغین ابره شاتوب دیلی طولا شوب
 حتی صرع اولوب عقی کد کده عبداله طلبه سجده ایدوب شهادت ایدر مکه قریشک سید یسن دیوب عبد
 المطلب خور روی و غایت مهیب اولغین ابره بی اختیار تختدن اشاعه ایتوب قالیجه اوزرنده برابر واروب
 تر جانه و یلشوب مراد لک ندر دیوب بودخی بنم بر قاج یوزدوه لرم المشرافی و بره سزدید کده ابره بن سفی
 کور د کده هر حالکی بکندم مکر سن احق ایسن بن کعبه کزی بقمغه کادم انی دیکل ایده جک برده
 دوه لر ندر که انی رجا ایدرسن دید کده عبداله طلب بن دوه لر صاحبی مکبه صاحبی تحقیق کعبه بی حفظ ایدر
 دیوب ابره بدن حفظ ایده مزید کده عبداله طلب لطف و حفظ حقه غایت معتقد اولغین آشته سن آشته
 اودیدی * مر ویدر که جله فیللر دانا ابره به سجده ایدوب لکن محمود اصلا ایتوب ابره آتی کتور د کده عبد
 المطلبه یاقوب دوه کی دیر چوکوب سجده ایدوب السلام علی النور الذی فی ظهرک یا عبد المطلب دیو عریجه
 سوبلدی * اشبور وایت ظهور قصه فیل ولادت حضرت رسولدن قرقیل مقدم ایدی دینار فیلدر اما
 قول اصح اوزره همان الی کون مقدم دیمش * محصل علی کل حال مر ویدر که عبداله طلب ابره دن دوه لرین
 الوب کوب شهر خلقنی جله مال و عیال لیه طباغرا باشرینه قاجروب بعده بر قاج کسسه ایله کعبه نک حلقه سته
 یا شوب یارب هر کس کند و اوینی حایت ایدر کعبه سنک او کدر عد و لردن صله غیرت دیمدر دیو عری فی ظمله
 مناجات ایدوب کول بوزینه باقد قده بن طرفندن کلور وافر قوشلر کوروب والله بونلر غریب قوشلر در تجده
 و تم سامیه دکار دیر دیوب * کوره لم آینه دوران نه صورت کوستر دیو طاغ باشرینه چیقوب ناظر و ظهور
 غیرت رب غیور قهاره منتظر اولد یلر بوجانده ابره بن الصباح وقت صبحاده آتانبوب عسکرین دوزوب
 دیروب فیل محمود مکبه کتکه عناد ایدوب دیوسلر و جنکالرله باشه اوروب چاره اولوب تجربه ایچون غیر
 طرفله دوندر دکارنده مکر دیر کیدوب مکبه دوندر د کده چوکوب قلوب بوحالده همدردیابی طرفندن
 بونی قزل باشی سیاه بونی اوزون برامه قدر یجد مرغ ایلی با مررب جایل کوب هر بریک برور بریده بر
 یاغنده مر جکدن بیولک نخوددن کوچک طاش اولوب کفارک باشلری اوستنه کد کارنده طاشلری براغوب
 هر طاش اوستنده هلاک اوله جق کافر اسمی قدر تندن یار مغین باشن دلوب مقعدندن چیقوب کافر لشر ایشوب
 طاغلوب قولا غزلی نه یله بزه بن یوانی کومتر دید کارنده (نظم) این المرق و الاله طالب * والا شرم المغلوب
 لیس غالب * دیو جواب حکم تنصاف و ربوب بوحالده هر کافره بر قوش طوش اولوب طاشله هلاک اولوب
 ابره نابالک غایت آز کسسه ایله یمه قاجوب یوله چیمک یا جذام مر صنه او غرابوب جمیع اعضایی چور یوب
 انک دوشوب یمه وارد قده یورکی پتلا یوب هلاک اولدی * ابویکوم آدلور زری نجاشی به کیدوب هواده
 برابیل قوشی یله کیدوب خبری تمام ایتد کده باشه طاش ایشوب قومی نیجه هلاک اولدی بونی نجاشی کوز یله
 کوردی (الم تر کیف فعل ربک یا صاحب الفیل) سوریه سی بقصه به اشارتدر بوحال عرقال ماه محرم
 اون یذبحی کوفی اولوب قول اشمر و اظهر اوزره حضرت رسول علیه السلام بوسنه و ربع الاولنک اون ایکنی
 کجه سی وجوده کوب قدم مکرملر یله دنیا و مافیایی بلکه طبقات ارض و سمایی منور و مظهر مجر و معطر
 ایتدی * لی الله علیه وسلم و شرف و کرم * بونقدر بجه ماینده همان الی دزت کون کجهش اولوب بویاده دخی
 اقوال کثیره وارد * پس جیش قریش طاغ باشرنده ایکن عبداله طلب ابره احوال یوقلمغه واروب اردوبی
 بالکبه بی و مالله عتلی کوروب تقود و جواهر و تحقدن مال و افره ظافر اولغین ایستدیک قدر اولوب یره
 کوموب بعده ما تر قریش کوب اندر دخی اعتمام و اقتسام ایتد یلر * مر ویدر که حق تعالی بر میل کوندروب
 هلاک اولنرک جیفه لرین سوروب دریاه دو کوب ارض مکدی بال و تابناک ایتدی * حضرت عائشه رضی الله
 عنها ایدر مکبه فیلک قائد و ساینی کوردمکه هر بری اعی و مقعد اولوب دینا خیمک ایدر * بونقدر
 مذکور در که ابره دنصکره * بش طاقه سته تفرقه دوشوب قلیس کایسانک اطراف یابان و مسکن سباع
 و حیوان اولوب کسسه اکاوارمغه قادر اولوب خلفاء عباسیه نک اولی اولان سقاحه خبر و بر دکارنده بن
 حاکمی عسکره کوندر مکن واروب کسسه کفر ایسه بی یقوب ایچندن بجه مال استحصال اولدی (مصل)

تسعين در بعض احوال يكسوم بن ابرهه) پدری كه به بي يقيم زعيمه كند كده بوعنده قالمش ايدى اوغلا
اولد كده بويخته كدى (فصل حادى و خسين در احوال مسروق بن ابرهه) برادرى وفاتده بويخته كدى
مرويد كه ابرهه مولد يمدن سيف بن ذى بن والده سين نكاح حنوب سيف بن يوب حبشيلاندن اهل بن
رجيد و بر بن اولفين سيف مبتلا با حيف قيصروم و اروب شكايى ديكنه كده نوشروانه و اروب اجدادى
سلطنتى المغه يارد مجي استد كده نوشروان تعال ايدوب عاقبت قتل ايجون محبوبس سكر پوز كسسه به بهروز
آدلو عاقل دانا پيروانى سزد ارايدوب سيف ايله كوندرد كده سكر كى به بنوب ايكنسى غرق اولوب التيسيله
يمنه وارد قازنده سيف اهل يمدن بعض عسكر سيد ايدوب مسروق قارشوكوب چنكه باشلده قده بهروز
الى نشان يوب اوقاوب تاجن وياشن دلوب قفا سندن حيقه مغين آندن يقلوب عسكرى اوزر نه اوشد كزنده
عسكر سيف و بهروز حبشيله حله ايدوب صينوب قيروب سيفله بهروز صنه اشهر نه كيروب بهروز بنم سنجاغ
اكيك اوغور دكلدردوشهر قابوسن يقوب كيروب سيف يمدن پادشاه اولوب بهروز نوشروان طرفندن ناظر
وسر دار اولدى (فصل ثاني و خسين در احوال سيف بن ذى بن) حالا كديكى اوزر نه بويخته عمن قدم
ايله كجوب سلطان مكرم اولدى سابقا بخش ايكى سيل ولايت عمن مولد عمن الندن كيدوب حبشيلردن ارباط
وابرهه و آنك اولادى حكيم ايدور دى * مرويد كه سيفله يمدن يله كلان بهروز عجمى وفاتده سلطنت عمن عجم
پادشاهلى بهروز اولدى مرزبان آنك دخى وفاتده آنك اوغلى بيجانه آنك دخى وفاتده آنك اوغله و اروب
بعده عزل ايدوب باذانه و اروب حضرت رسول صلى الله عليه وسلم زمانده باذانه اهل عمن ايمانه كلكارنده
رسول عليه السلام اتى حكومت يمدن ابقا ايتد يله هجر نك اونجى يلمده باذان وفات ايتد كده حكومت عمالك
عمن صحابه دن سكر كسسه به تقسيم ايدوب كوندرد يله كى برسى باذانك شهر آدلو اوغلى ايدى (حكاي
عجيبه در احوال رسول صلى الله عليه وسلم) كتب سيرة محمد بن يوسف حضرت محمد مصطفي صلى
الله عليه وسلم دنبا به كلكارندن ايكى سيل صكره يمدن پادشاه اولد كده اشرف قبائل عرب يباي تهنيت سلطنته
كلوب اهل مكه دن بش كسسه ايله عبدالمطلب دخى وارد قده يمدن نمدان آدلو بر سزايده بلقيس خاتونك جدى
يشرح بن الحارث بن صفي بن شيباشامى اولوب بهروزى قزل برى صارى برى آق برى يشل ايدى و ايجنده
يدى توانلوقصر كه هرايكى توان ماينى قرق ذراع ايدى * سيف انده اوتوروب روايح طيبه سورنوب اوزر نه
ايكى يشل برده يعنى احرام اولوب صاغ و صولده مولد و امر ايمن اوتوروب طوروب اهل مكه ايجر و كيرد كارنده
سيف عاقل و كامل صحيح و غايده بليغ و فصيح اولفين عبدالمطلب ايله عر بجه بر مقدمار سويلشوب بعده حله سته
(من حيا و اهل و اناقة و در خلا فارسها مثلا و متناخام لا و ملكا رجلا يعطى عطاء جز لا قده مع الملكة التكم
و عرف قرايتكم و قيل و سيلتكم و انتم اهل الليل و النهار لكم الكرامة ما لقم و الحياء اذا ظعنتم انهم ضوا الى دار
الضيافة و الوفود) ديوب ابتدا دينا ده مر حيا و اهل و اناقة و در خلا فارسها مثلا و متناخام لا و ملكا رجلا يعطى عطاء جز لا قده مع الملكة التكم
انواع رعيت ايدوب بر آيدن كره عبدالمطلبى كتور دويب يانه الوب يا عبدالمطلب بن مكاعلم امر ارندن بر نسنه
كشف ايدرم سندن غيرى كسسه اولسه ديمزدن لکن من آنك معدنى اولفين سنى اكاه طالع ايتدم امدى
بومر سنك يانكده كز لو طور و سون تالله عزوجل اكاذن و بر بنجه ديوب عر بجه سويلشوب بعده (افى اجد
فى الكتاب المكنون و العلم الخزون فليكن الذى امرناه لا نقسنا و احصناه دون غيرنا خير اعظيما و خطر اجسيما
فيه شرف الحياء و فضيلة الوفاء للناس عامة و له طك ككافة و لك خاصة) ديوب عبدالمطلب دخى مفصلا
صور دقه سيف ديد بكه (هذا حينه الذى يولد فيه ولد احمد محمد يموت ابوه و امه و بكفله جده و عمه و لقد ولدناه
مرار اواقه باعنه چهارا و نجعل له مثا نصارا يعز به اواياه و يذل به اعداءه و يضرب بهم الناس عن عرض
و ينجيهم كرام الارض محمد به الذبران و يعبد به الرجم و بر بنجه الشيطان و يكسر به الاوثان قوله فصل
و حكمه عدل يا امر بالمعروف و ينفه له و ينهى عن المنكر و يوطله) عبدالمطلب ديد بكه (عز جارك و دام ملكك
و لا كعبك قول الملك سارى بافصاح قده اودع على بعض الايضاح) سيف ديد بكه (والبيت ذى الحجب و العلامات
على انصب ان جده يا عبدالمطلب من غير كذب يا بن عبدالمطلب غايت سرور ندن سيفه جده ايدوب اودخى
ارفع راسك من صدر زرعلا كه بك قول احسنت بشى عماد كرت لك) ديد كده عبدالمطلب نم پادشاهم

برسوكو اوغلم و ارايد بكه انراف قومعدن آمنه آدلو بزرگميه قيز نكاح ملندروب محمد آدلو اوغلى طو غوب پدر
و مادري وفات ايدوب حالا عيسيله بن بسلام ديكين سيف دخى (ان الذى قات لك ما قلت فاحفظ ابنك و احذر
عليه من اليود فانهم له اعداء و لن يجعل الله لهم عليه ميلا و اوطوماذ كرت لك دون هؤلاء الرهط الذى معك
فانى لست امن ان تدخلهم النفاة فى ان تكون لك اربامة فينصبون لك الحبائل و يبعثون لك الغوايل و هم
فاعلون ذلك و ابناؤهم من غير شك و لولا اعلم ان الموت غير محتمل حتى قبل مبعثه اسرت اليه بجيلى و رجلى حتى
اجعل يثرب دار ملكى فانى اجد فى الكتاب النساطق و اهل السابق ان يثرب دار استحكام امره و اهل نصرته
و موضع قبره و لولا انى اقيه الاقات و احذر عايه المعاهات لا عذت على حدائة سته امره و لا وطأت احد من
العرب كعبه و لكنى صار فى ذلك اليك عمن مكى) ديوب بعده عبدالمطلبك بش قيرولدا اشترن كتور دويوب هربينه
اوزر سياه قول اوزر سياه جاريه ايكنش حله عمن بشر طل انتون اوزر طل كوش و افر غبرنام و يوز عدد دوه
لكن عبدالمطلبه اون بوقدرو و يروب بر ييل كد كد نصكره بكاب نه ظه ورايد و سه اعلام ايدمه من ديوب بچكمه
الله اويل سيف وفات ايدوب به بعض معتبر ايتده قتل اولندى ديشدر مولد عمن اولان مولد قضايان آخرى
بودر رجه الله عليه ايدا

(باب سابع در احوال مولد جرميه)

مولد طوائف عرب حله بش مرقه در برى خطا ياندر كه بيان اولندى برى جرميه در كه حال بيان اوانور
بونره مولد عجماز دخى ديرل اوچ فرقه دخى بونلردن مؤخر اولوب ابتدا ظه و اعتبار ايله مولد نصار اد نصكره
يازلسه كزدر (فصل اول در احوال جرم بن خطان بن عابر بن صالح بن اوشند بن مام بن نوح عليه السلام)
بهضل جرم بن يقطن بن عيبر بن صالح بن خطان بن عيبر بن صالح ديوب * ابن عباسدن مرويد كه زمان مابنده
ملائكه دن برى بر عظيم كاه ايجكن حق تعالى اى بر يوزر نه ايدروب انسان صفتنده قلوب عذرا آدلو برملاك
دخى بر كاه ايجكن هواده ايكن مكه به ايدروب انده عماله دن بر عورت نكاح حنوب جرم آدلو اوغلى
اولدى جهم و ر علمانصب جميع قبائل عرب خطاطه حضرت اسماعيل نسايد رجله طوائف ولايت عمن خطاطان
نسايدرد يوب بعض اهل عمن خطاطان دخى اسماعيل اولادندن اولوب جميع طوائف عرب اسماعيل نسايدرد
ديوشلر * تاريخ ابن شعثنه ده جرمهك برادرى بهرب يمدن پادشاه اولد كده جرمه و افر جاعته ولايت عجمازه
كلوب شمركه برنده ساكن اولوب كعبه معظمه دخى يالما مشدى ديوب * تقاير و نواريخده مذكور در كه
ابراهيم بيغميرك خاتون ساره دن اولادى اولما مغين جاريه سى هابرى زوجته باغشليوب هاجردن اسماعيل
عليه السلام طوغد يقى اعتده ساره خاطر يچون امر قله هاجر و اسماعيل طوفان فوجدين و مكه شهرى
بنادن و انساندن بالكعبه ارض خاليه اولفين براقه بنوب دلالت جبرائيله ايلتوب آنده قيوب فى الحال
دونوب كلكده حضرت اسماعيل مكرم بوزى صوته آب زفرم بردن حيقه و طائفة جرمه يمدن شامه
سفر تجارت دائما آنره عادت اولوب يوسفده يوالرى اوغرا دقه اول مكان جنت نشان و رحمت آشماينى
بكنوب يمدن كوچوب كلوب آنده ماكن و متوطن اولد يله اسماعيل و هاجر ايجازنده يله اولوب بعد زمان
قوم جرمه و حله عمن خلقى دين حضرت ابراهيم دعوت ايجون حضرت اسماعيل نى و رسول اولوب تفصيل
حالىرى انبيا بايزنده بكمشدر نظر اوله (فصل ثاني) در بيان عبدالبيل (فصل ثالث) در بيان جرم
(فصل رابع) در بيان عبدالمدان (فصل خامس) در بيان ثعلبه (فصل سادس) در بيان عبدالمسح
اشبوش نقر يادشاهك احواللى معلوم اولدى (فصل سابع در بيان مضاض الاكبر) اهل شوكت
صاحب طوط اولوب بعض محاربه رايشدر * تاريخ ابن مسعوديه اشب و مضاض بن عمرو بن سعد
ابن الرقيب بن هنى بن ثب بن جرم بن خطان اولوب مكده اوله مولد جرم بودر يوز ييل حكومت ايتشدر
ديومد كوردر (فصل ثامن در بيان عمرو الاكبر بن مضاض الاكبر) سلطنتى يوزيكرى ييل اولوب سلطنتى
احوالى حضرت اسماعيل بونك قيزن نكاحلدينى مناسبتيله ايكى صحيفه اشاعيده ككورد نظر اولنه
(فصل ناعم در بيان حارث بن عمرو الاكبر) پدرند نصكره يوز ييل يادخى اكسك پادشاه اولدى (فصل عاشر
در بيان عمرو الاكبر بن حارث) بودخى پدرند نصكره يوز ييل سلطنت سوردي (فصل حادى عشر

(فصل اول در احوال حضرت موسی علیه السلام) بنی اسرائیل مکسان ییل نبوت و رسانند حکومت
ایدوب تفصیل احوال الی بنی اسرائیل مکسان ییل نبوت و رسانند حکومت (فصل ثانی در احوال حضرت یوشع)
علیه السلام من خلق حاضر و رفع و استادی حضرت موسی و فاته نصره نبوت یکر می مکز ییل خلافت
و حکومت ایدوب تفصیل احوال الی بنی اسرائیل مکسان ییل نبوت و رسانند حکومت (فصل ثالث در احوال فیما ص یا فیما ص بن عیزار
ابن هارون علیه السلام) الیاس علیه السلام فیما ص مک اوغلی یاسینک اوغاید عزیز یغیردخی فیما ص
نسلند ندر بونک مدت حکومتی ارنیدی ییلدر و تقایده یوشع و فاته ایدور کن کالب بن یوقنا نام صالح کسنه یی
خلیفه دیکوب کالبک نبوت بر روایت وارد * بعض معتبرانده کالب و فاته مک اوغلی یوقنا فوس
خلیفه اولوب یوسف مثال خوب بحال ایدی دیوب لکن تقایده کالب نصره حرقل یغیر خلیفه اولوب
انک و فاته دن حضرت الیاس زمانه دلی بنی اسرائیل ایچنده خلافت و کراهی و انواع مناهی و ملاحی صدور
حتی عبادت اصنام دخی ظهور ایدی * بعد زمان الیاس علیه السلام نبوت خلافت ایدوب آنر ملائکه
ارضه فارشد قد شاکرد لری الیسی خلیفه دیکوب او دخی یغیر اولوب بعد زمان و فاته ایدکده اشویل
یغیر ظهور دلی در تیرالنش ییل بنی اسرائیل طاقه عمالقه جفا سیله حقیر و ذلیل اولوب نیجه قن و سخن
چکد یله یوجله نک تفصیلی حرقل الیاس و الیسع و اشویل بایلنده یکمندر نظر اوانه (فصل رابع در احوال
کوشان) یه قوب یغیر مک برادری عیصر نسلند اولوب بنی اسرائیل تغلبه مکز ییل حکومت ایدوب
ظالم اولغین رفع اولندی بعض نوارخ نوالجه بونی غنایل قتل ایدوب یرینه یکدی (فصل خامس در احوال
عیشال) یا خود غنایل بن قشان بنی اسرائیلدن صالح و مفلح امیر اهل تدیر اولوب قرق ییل حکومت
ایندی (فصل ششم در احوال عفلون) لوط یغیر نسلند اولوب بنی اسرائیل تغلبه اون مکز ییل
حکومت ایدوب اهل جور بدطور اولغین مزول و مخذول اولدی * بعض نوارخ نوالجه بونی ایدوب قتل
ایدوب یرینه یکدی (فصل سابع در احوال اهور یا خود ایدوب) بنیامین بن یعقوب علیه السلام نسلند
عاقل و عادل حاکم کامل اولوب مکسان ییل حکومت ایندی (فصل ثامن در احوال شمکار) اهل شوکت
و مهابت و دوار اولوب همان بریلدن اکچیک حکومت ایدوب بعده رفع اواندی * بعض نوارخ نوالجه باراق
یرینه شمکار پادشاه اولوب قیساریه پادشاهی یکر می ییلدن بونی اسرائیل مسلط ایدی و شمکار جلوس ایدکده
آنرله چکده مضر اولوب قرق ییل سلطنت موردی دیومد کوردور (فصل ناسع در احوال بابین) ولایت
شامدن کوب بنی اسرائیلی تدایل ایدوب تغلبه یکر می ییل حکومت ایدوب بعده رفع اولندی (فصل عاشر
در احوال باراق) بنی اسرائیلدن اولوب قرق ییل حکومت ایندی بعض نوارخ نوالجه ایدوب یرینه باراق یکوب
بنی اسرائیل اوزرینه فلسطین عکری نیجه که قصد ایدوب کوب باراق آنری دفع ایتندر * بنی اسرائیل
ایچنده بونک نیجاعتی ضرب مثل او اشدر همان بریل حکومت ایدوب و فاته ایدوب یرینه شمکار یکدی
دیومد کوردور (فصل حادی عشر در احوال کدهون) بنی اسرائیل تغیرت و دین بین حضرت موسایه
نصرت ایدوب نیجه اعدا قلدن کوب بودخی قرق ییل حکومت ایندی * بعض نوارخ نوالجه شمکار نصره
بنی اسرائیل مدیان نام طایفه یدی یله دلی مسلط اولغین طایغره قاجوب بعده کدهون پادشاه اولوب اهل
مدیاندن اوچیزاللی یلک آدمی چتکده قتل ایدوب قوت و شوکتله قرق ییل پادشاه اولوب قش ایکی عدد
اوغلی و ارادی بر بونک آدمی و ملج ایدیک بر حیل ایلد قش برادر لری قتل ایدوب یونان اولوب برادری قاجوب
عسکر جمع ایدوب راهی قتل ایدوب و ملج مک مدت سلطنتی او تو ییل ایدی بعده میسان یوسف نسلند
نولایخ پادشاه اولوب یکر می اوچ ییل سلطنت سوزوب مدارا و حسن تدبیر ایلد کوردی بعده نایر کاهادی نام
کسنه پادشاه اولوب یوز و نیجه یغیر ایدی دیشلر میسان نسلند ایدی زمانه بر طایفه بنی اسرائیل مسلط
اولوب چوق کسنه قتل ایدوب بونک سلطنتی ایل ایدی * بعده چوذا نسلند تغشاح نام کسنه پادشاه
اولوب تدبیر و مریعانه چالوب یدی ییل نصره یودیلر بونی قتل ایدوب بعده زلیون نسلند یولون پادشاه
اولوب ایکی ییل نصره افرانیم بن یوسف نسلند و دودون پادشاه اولوب استقامتله یدی ییل سلطنت سوزوب
بعده عسرون بعده علی امام پادشاه اولدی دینوب و ایکی کسنه احوالی تفصیل او اشدر و الله اعلم بالصواب

(فصل نانی و عشر در احوال امیرالبحر بن کدعون) پدری کبی جری و قوی و سالک صراط سوی ایدی اوج پیل حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل ثالث عشر در احوال پواء ایر) بنی اسرائیلدن اولوب شوکت و دولت قوت و ضوالت ایلدی بکرمی ایکی پیل حکومت ایدی (فصل رابع عشر در احوال امونیطو) شوکت و قدرت ایلد اون سکزیل حکومت ایدی (فصل خامس عشر در احوال یفنج) القییل عدل ایلد حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل سادس عشر در احوال ابنصن) یهوذا بن یعقوب علیه السلام نسلند و بدی ییل عز و جاهله حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل مایع عشر در احوال اوان) حاکم معتدل و اهل دل ایدی اون بدی ییل حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل ثامن عشر در احوال عبدون) افرائیم بن یوسف علیه السلام نسلند و سکزیل حکومت ایدوب وفات اید کرده بنی اسرائیل طائفه عمالقه تغلبله مساط و انلری نیچه زمان بلالره مورط ایدیلر (فصل نایع عشر در احوال حکام شهر فلسطین) غالباً بو طائفه شامله مصر اراسته قدسه قریب برلده ماکن اولان طائفه عمالقه کفار دیر بنی اسرائیل تغلبله قرق ییل متصل جناواذا ایلد حکومت ایدوب لکن قاج نقر ایدکاری مقر و محرر اولماشد * فلسطین دیدکاری قدسه برقوناق برده بحر شام کنارینه قریب رمله شهریدر * سقلان دیدکاری رمله برقوناق برده غزه شهریدر دیشلر و الله اعلم (فصل عشرین در احوال شمعون ابلیبار) غایتده بهادر و تدبیر معظمانه قادر مشلی نادر ایدی بکرمی ییل حکومت ایدوب بعده قتل اولندی * باب انبیاء مشتمله الاحوالده مفصل سرگذشتی بکشمش شمعون عابد بودر حضرت عیسا نصکره کلوب کفاره ییل آی عز ایدوب عاقبت شهید اولمدر * بعض نواری بنده یوقاروده مذکور اولان عودون برینه پادشاه اولوب دان بن یعقوب علیه السلام نسلدن ایدی مؤرخ خازر عجبه ییغه میر ایدی نیچه لربو کانیع اولوب اکثر نامس عناد ایدوب یهودیلر اغوا ایلد فلسطین کافر لری دفعه ناله وافر عسکر چکوب کلوب شمعون از عسکر له انلری سیندر و ب طاعدوب عاقبت شهید ایدیلر دوب یوقاروده حکایت اولندیغی اوزره تفصیل اولمشد (فصل حادی و عشرین در احوال عالی السکاهن) هارون ییغمبر نسلدن صالح و مفلح کسسه ایدی قرق ییل حکومت ایدوب وفات ایدی اشعویل ییغمبری کوچک ایلکن یوزیت ایدوب بونک آخر عمرنده بونک یاتنده یا نورکن ییغه بر اولوب تاریخ میر خواننده بونک قصه سی تفصیل اولمشد * بعض نواری بنده شمعون برینه عالی امام پادشاه اولدیکه ییغمبر ایدی دیومذ کوردر (فصل ثانی و عشرین در احوال اشعویل بنی علیه السلام) بنی اسرائیل اراسته اون بر ییل نبوتله حکومت ایدوب وفات ایدی تفصیل حالاری باب انبیاء بکشمشد * بعض مه تیرانده بوند نصکره شمعون صدیق خلیفه اولدی دینوب لکن اکثر مه تیرانده شمعون عز بر سغه مرد نصکره خلیفه اولمشد دینوب اشاعیده کلور

(باب ناسع در احوال ملوک بنی اسرائیل)

اشبه و طائفه يك اكثري احواله مسجع و مقي بر نارنج عري مختصر دن غري برده بو عبد حقير ظفر بولما مغين
اكثريك احوال اجالي واقع اولدي (فصل اول در احوال طالوت بن قيس) بنامين بن يه قوب عليه السلام
نسلدن سابقا بر راعي بادباغ باسقا بامكاري اولوب اكن عالم و كاملي ودانا و بلند و ارچند و توانا ايدي
بنی اسرائيلی عمالقه پادشاهی جالوت دامنغا عزا ايله پرآزار و جانلرندن بيزار ايدوب وفات حضرت موسادن
در تير و زطفسان اوچ ياد تير و زسكان ييل صكره بنی اسرائيلك پادشاهلری اوامغين شوييل ييغه بره قمر آنده
ذكر اولندي اوزره (ابنه لسانمكائاتل في ميل الله) ديدك رنده امراله ايله طالوتی پادشاه ديكوب شوييل
و طالوت جالوته چنكه واروب حضرت داود تازه پكت ايكن جالوتی قتل ايتديكي باب شوييل عليه السلامده
تفصيل اولمشدر و طالوت داوده جالوتی قتل ايدرسن قيزی و سلطنتك نصفی سكاوپر يه ديوب حصول مرادده
قيزی و يروب اكن سلطنتی و برميوب بنی اسرائيل داوده غایت محبت ايتكين طالوت زوال سلطنتندن
قورقوب برفاج كره داودی قتله واروب چاره بولميوب عاقبت داود شهر دن كيدوب طالوت نيچه يوز علماني
داود سنده درديو ازمنه مقرر قده بربرر قتل ايدوب آخر كار صدقه توبه و استغفار ايدوب داودی بولميجون
اون برنقر يرار اوغلار يله ترسلطنت و دارود ايار ايدوب تحصيل مغفرت پروردكار اياچون ليل و نهار كشار ايله
غزاه چالوب احوال اوزره جمله می شهد اولدي بارسلطنتی ايكي ييل باقر قرييل ايدی نيچه معتبر آنده طالوتك

مجموع قصه می نماید تفصیل اولوب حالا ذکر اولسان انك كمال اجمالی در و العارف تكفیه الاشارة
 (فصل ثانی در احوال ایش پوتش) یا خود ایش پوتش بن طالوت پدری وفاتیده اسباط بنی امرا یلک اون
 بر فرقه می پوتی و ذان بن به قوب علیه السلام سبطی اولان بر فرقه کند و له حضرت داودی پادشاه ایدوب
 اوج یلده نصکره اتفاق جمیع اسباط له ایش پوتش رفع اولوب حضرت داود جمع بنی اسرائیل به نبوت و رسالت له
 پادشاه و تعیین حضرت اله جبل علاه ایلد خلیفه الله اولدی (فصل ثالث در احوال حضرت داود بنی علیه
 السلام) عمر شریفی یوز یا شش یوز یکر می سلطنت و خلافتی شش یا قرق ییل اولوب تفصیل احوال لاری باب
 انبیاده یکم شد (فصل رابع در احوال سلیمان بن داود علیه السلام) پدری حیاته ده اون سکر نقر برادری
 وارا یکن امر حقه سلطنت بو کامعین و میسر به ده انس و جن و سایر مخلوقات بو کامسخر اولمندی * تفصیل
 احوال لاری باب انبیاده یکم شد عمر شریفی همان الی اوج سلطنتی قرق ییل ایدی (فصل خامس در احوال
 رجیم یا خود رجیم یا خود رجوعام) معشیرانده مذکور در که وفات حضرت سلیمان بنی اسرائیل بدن
 سبط یهوذا و سبط بنیامینه بو پادشاه اون سبطه دخی سلیمانک بر کافر قری فی قلبه پادشاه اولوب ایکوز التمش
 بر ییل اولاد سلیمان علی التوالی قدسده خلیفه و والی عالی اولوب ملوک اسباط شامسده پادشاه دخی ایدوب
 یوز اقلده نیجه قرتلر مدور و مختلطه و ورا ایدوب سلیمان پیغمبر بنسندن حزقیان بن اخرا پادشاه اولدده جمله
 اسباطه حاکم اولوب قسه و فساد دفع اولدی رجیمک سلطنتی اون ییدی ییل اولوب او توز سکر نقر اوغلی وارا ایدی
 بعض تواریخده رجیم پیغمبر ایدی دیور هیدن مروید و بعض تواریخده مذکور در که رجوعام بن سلیمان
 بنی علیه السلام پیغمبر ایدی یونک معاصر زندن اوج پیغمبر وارا ایدیکه بر یکن اسمی احیابر یکن اسمیابریک
 عدوا ایدی سلیمان پیغمبر وفات ایدکده اسباط بنی اسرائیل دن ایک سبطه بو پادشاه اولوب اون سبطه سلیمان
 پیغمبرک قوللر زندن رجوعام آدلو کسینه پادشاه اولوب تله طابوب کافر اولوب مسلمانلری قدس شریف زیارتنه
 کمکدن منع ایدوب التوندن یا بلش ایک صحنه طایر ووب یکر می ایک ییل پادشاه اولوب وفات ایدکده
 اوغلی بعده واحد اید و واحد اوغلی اوغللری ایکوز التمش بر ییلدک اون ییدی کسینه پادشاه اولدی بیلر دوت تفصیل
 اولم شد (فصل سادس در بیان افیایا یا افیایا یا افیایا بن رجیم یا خود افیای بن رجوعام) سلطنتی اوج
 ییل ایدی (فصل سابع در احوال ابن اتان بن رجیم یا خود اسای بن افیای) عادل و عاقل اولوب سلطنتی
 قرق بر ییل یا یکر می ییل ایدی به ضل و تکبیر پیغمبر ایدی دیوب تفصیل احوالی باب انبیاه مشبهه الاحواله
 یکم شد نظر اوانه * بعض تواریخده مذکور در که سبط یهوذا و سبط بنیامینه پادشاه اولوب جدی سلیمان
 و داوده تالیید ایدوب یوا یکی سبطدن کافر اولمک بتلر بن قیروب حتی والده سین دخی بت پرست اولمگن قتل
 ایدوب کافر کفار دن زرخ آدلو پادشاهی اغوا ایدوب کتور ووب اسای پیغمبر خدایه مناجات ایدوب نمازده
 سجده ده او یوبوب ای اساعم چکمه دشمنک دخی نرم عهده من ده در دیو و حی اولمگن فر حالک اولوب بعده زرخ
 بوکا ایلدی کوندر ووب نامه شده یا تابع اول یا و تکه حاضر اول دیو تهدید یا تشکیکن تکرار مناجات ایدوب
 مسلمانله جنگه وارد دیو یور ووب بنی اسرائیل خوف ایدوب اساهمان اون عدد کسینه ایلد و اوبوب زرخ
 ملعونک عسکری یونله او قرا تده قلنده هراوق دونوب صاحب قتل ایدوب زرخ آزاده له قاجوب کی به
 یوب اسای بد دعا تمکین جمله می غرق اولوب هراوق بر یسی کوب خبر ووردی (فصل ثامن در احوال یهوذا و شافاط
 ابن اسای) سلطنتی یکر می ییل اولوب (ع) قدری سامی خلقی حامی حاکم عادل ایدی (فصل ناسع در بیان
 یهوذا بن یهوذا) سلطنتی سکر ییل ایدی (فصل عاشر در احوال اخرا یا هو بن یهوذا) ایک یا بر ییل
 سلطنته نصکره وفات ایدکده بنی اسرائیلده قهرت اولوب عثمانیه پادشاه اولدی (فصل حادی عشر در احوال
 عثمانیه) سلیمان پیغمبر جاریه زندن بر حصاره و مکاره اولوب انواع ظلمه ماله و مقتونه بر ملاونه ایدی داود
 و سلیمان علیه السلام نسلار بن الملدن کسکه چالشوب انلردن نیجه کسینه قتل ایتکین ایچلر زندن یواش
 نام اوغلا شقی خلق صقلا یوب مکره پادشاه ایدیلر * عثمانک سلطنتی ییدی ییل اولوب بعض کتب عبارت زندن
 عثمانک ایلد یا خود سلطنته وفات ایدکده هم ارلر و بعض تواریخده اخرا یا هو و ذاننده والده بنی عایلیا
 نسل حضرت داود دن نیجه شهمزاده لری قتل ایدوب شهمزاده لردن یواش بن اخرا یا هو بنی مسلمانله ملا یوب

عایلیا ناک سلطنتندن الی ییل یکده کده یهووانی پادشاه ایدیلر عایلیا بنی قله ره صاوب باره باره ایدیلر
 دیومذ کورد (فصل ثانی عشر در احوال یواش بن اخرا) یوسلیان پیغمبر بنسندن اولوب ییدی یا شنده
 تخته یکوردیلر حاکم عادل عاقل کامل اولوب اعانت مظلومین و اغاثت ملهوفین و اقامت حد و شرع منین
 ایدردی سلطنتندن یکر می اوج ییل صکره قدس شریفی مجددا نه میر و بنایدوب عالم پر عبده بعض اثرلر
 قو یوب سلطنتی قرق ییل اولدده آخر نه سقر ایدی * بعض تواریخده عایلیا نام خاتون اندن قاجورد قهری
 یواش بن اخرا یا هو تخته یکوردوب شریعت موسی و عادت داود علیه السلامی ابرا و بنای بیت المقدسک
 خرابلر بن تعمیر ایدوب قرق ییل پادشاه اولوب کند و قوللر زندن بری پوتی شهمزاده ایدی دیومذ کورد
 (فصل ثالث عشر در بیان امصیا هو بن یواش) یکر می طه و ز ییل سلطنت سور ووب بعده اعداسی پوتی قتل
 ایدیلر بعض تواریخده امصیا بن یواش پدری بر بنه پادشاه اولوب یکر می بر ییل عدالت ایدوب وفات ایدی
 دیومذ کورد (فصل رابع عشر در احوال عزریاهو) عمری اوزون و تهمه منی حد دن افزون ایدی مرض
 برص عارض اولمگن سلطنته ضعف کوب اوغلی یونم جبرائیلک بر بنه یکدی سلطنتی الی ایک ییل ایدی *
 بعض تواریخده عزریابن امصیا پدری بر بنه یکوب الی بر ییل سلطنت سور ووب زماننده خلق عدالت و امن
 و امانله راحتده ایدی بعده وفات ایدی دیومذ کورد (فصل خامس عشر در بیان یونم) یا خود یونام
 ابن عزریاهو یونم پیغمبر یونک زماننده مومل قومنه مرسل او اشدی سلطنتی اون الی ییل ایدی بعض
 تواریخده پدری بر بنه پادشاه اولدده داود پیغمبرک سنن ابرا ایدوب اون الی ییلده نصکره وفات ایدوب بر بنه
 اوغلی ارخاد یکدی دیومذ کورد (فصل سادس عشر در بیان اخرا بن یونم) بودخی اون الی ییل سلطنت
 سوزدی به ض تواریخده ارخاد بن یونام پدری وفاتیده بر بنه یکوب یوقا و رده ذکرا اولنان رجوعام اولاد نه
 تبعیت ایلد کافر اولوب اون الی ییل کفر له سلطنت سور ووب هلاک اولدی دیومذ کورد (فصل سابع عشر
 در احوال حزقیان بن اخرا) یا خود ابن ارخاد منصوره و مقرر مقرر و مقرر مقرر و مقرر مقرر و مقرر مقرر
 جلوسه ناک التخی یلنده ملوک اسباط منقرض و منعدم و بنای دولتری مندم اولمگن متفرق اولان بنی اسرائیل
 حاکم اولوب خاص و عام امر نه رام اولد قلنده واصل هر مرام اولدی * اهل شوکت و نصرت اولمگن اطرافنده کی
 ملوک بوکا مطیع اولوب کیمی خراج کیمی هدیه کوندر لر دی * تاریخ ابن نهضه ده مذکور در که زماننده کی
 شعبا پیغمبر بنک عمرک آخر او اشدی لکن الله تعالی سکا اون بش ییل دخی باغشیلوب بر خاتون نکا خلق
 یوردی دیو خبر ووردی دیوب * تاریخ قدسده بابل و موصل و لایله نیک پادشاهی سنجار بب التیوزیک
 عدالی بر افلا و عسکره قدسه کوب حزقیانک جنکده طوبوب بعده آزاد ایدی دیوب * تاریخ میر خواننده
 یوا یکی قصه عن قریب کاه جل صدیق به واقع اولدی دیوب تفصیل اولم شد * حزقیانک سلطنتی یکر می
 طقوز ییل اولوب حضرت موسی وفاتک سکر یوز التمش ییلنده وفات ایدی * بعض تواریخده حزقیان
 ارخاد پدری وفاتیده تخته یکوب مسلم و دیندار اولمگن بتلری و بتپرستلری یوغ ایدوب میخو و آدلو کسینه یونک
 اوزر نه خروج ایدوب یهوذا اولادک اکثر عقار لر بن و چقلکار بن غصب ایدوب حزقیانک اوزر نه عسکر
 کوندر ووب جناب * قدس بر صیحه عظیمه ایلد یوزسکان کافر هلاک اولوب سارلری ولایتله قاجوب بعده
 حزقیانک ایدوب شعبا پیغمبر حرمته شفا یوبوب اون بش ییل دخی یسا یوب جمله مدت سلطنتی یکر می
 بر ییلد و دیومذ کورد (فصل ثامن عشر در احوال منشیام بن حزقیان) اوائل سلطنتنده تکبر و تمجیر
 اوزر نه حاکم ظالم اولوب به ده تائب و آیب و رضاء حتی طاب و راغب اولدی - سلطنتی الی بش ییلد * بعض
 تواریخده مذکور در که پدری وفاتنده اون ایک یا شنده عاقل و ذکی اولمگن تخته یکوردوب ابتدا حسن سلوک
 ایدوب بعده کافر اولوب پدری نه یعنی بتخانه لری یا یوب * تندوبه بر مخصوص صنی بیت المقدس شریفه
 قو یوب وافر مسلمان قتل ایدوب جبرایله مسلمانلری کافر ایدوب یکر می ایک ییلده نصکره جزیره پادشاهی پوتی
 طوبوب اسیر ایدوب دمورقه قو یوب التمه آتش یا قوب قفس قیز قدسده میثا صمتری چاغروب یا واروب
 چاره اولدده سلیمان و داودک تکرر بن دخی چاغرام دیوب جناب حقه تضرع و مناجات ایدکده حق تعالی
 آتشی بوکارد و سلام ایدوب خلاص ایتکین سلطنته کد کده ایمان و تقویه و صلاح حاله او توز ییل دخی پادشاه

اولوب وفات آید (فصل ناسع عشر در بیان امون بن منشا) سلطنتی یکی ییل ایدی بعض نواریخده مذکور در که امون بن میشا پوری برینه یکد کده کافر و فاسق اولوب خلقه دخی اناری تکلیف و جبر ایدوب ایکی ییلد نکره تخت اوزرنده ایکن پدربنک قولاری بونی پاره لیوب قتل ایدیلارون ییلد اول علاملار اراشدن قهرت ویری برلید چنک اوزرنده (فصل عشر بر در احوال یوشیا بن امون) یا خود این منشا پوری برادر ایدی برینه یکد کده بناه قدیمی تجدید و ترمیم ایدی اهل طاعت و عبادت اولوب سلطنتی اوتوز بر ییلدر به بعض نواریخده مذکور در که یوشیا هوئی بن امون تخت کوب ملک کنین قنده دن پال ایدوب ایمان و صلاح و عدالت بیت المقدسی تعمیر ایدی زمانده اولان خولد یغمر علیه السلام دن بزم حاکم فیجه اولور دیو وروب اودخی بنی اسرائیل کافر و فاسق اولد قریچون یولرنده چوق بلا وارد لکن سنک کبی عابد فاضل زمانی سلامتله یکردیمکن کلساری ییغوب بتلری یا قوب سبب قنده وضلالت اولنری قتل ایدوب اوتوز بر ییل کامرانق ایلد پادشاه اولوب بعده موصل پادشاهی انده قتل و شهید اولدی (فصل حادی و عشرین در احوال یو یاقیم بن یوشیا) یا خود یو یا حور ابن یوشیا جلوسدن بر قاج آی صکره مصر پادشاهی فرعون اعرج کوب بونی طو وروب خورو و قهر و قهر و وراسر مصره ایلنوب انده وفات ایدی * بعض نواریخده مذکور در که یو یاقیم بن یوشیا هو پوری برینه یکد کده موصل پادشاهنک خوفندن کافر اولوب اکن فائده ایچوب طو وروب حبس اولنوب انک حبسندنه وفات ایدی (فصل نانی و عشرین در احوال یو یاقیم بن یوشیا) برادر ایدی اسیر اولد قنده برینه یکدی سکر بنی ییلده ولایت بابل یکی مختصر مجوسی ایکن بنی اسرائیل امور دین و آیینی تغییر و تبدیل ایدیلر دیو شام و قدسه عسکر عظیم ایلد کوب بنی اسرائیلده جنکه قدرت قالماعین یو یاقیم اکاطاعت ایدوب اودخی بونلری ایچتمیوب دونوب کندی بعد زمان یو یاقیم مختصره عصیان ایتمکین عسکر کوندروب بونی طو وروب یولده خوفندن وفات ایدی سلطنتی اون بر ییل ایدی * بعض نواریخده ای یاقیم بن یوشیا و برادر ایدی حبس اولد قنده تخت کوب فسق و کفرده آندن زیاده ایدی بونک زمانده مختصر بنی اسرائیلده مسلط اولوب ای یاقیم اوج ییلد کاکا مطیع اولوب بعده عامی اولغین ای یاقیم واکثر بنی اسرائیل مختصر انده هلاک اولدیلر زمانده اولان ارمیا یغمر اوریا هوئی یغمر بونلره نصیحت ایدوب اکن مفید اولماشدی حله مدت سلطنتی اون بر ییل ایدی (فصل دانی و عشرین در احوال یو یاقیم بن یوشیا) پوری حبسه مختصره کندی کده بونی برینه یکد وروب عام یوز کون یکد کده مختصر بنی اسرائیل علماسدن نیجه کسه ایلد بونی دخی طو وروب کتور وروب بعض کسه لره حبس اولنوب زندانده وفات ایدی * حضرت دانیال و حضرت حزقیل علیهما السلام دخی امیر لده ییلد ایدیلر * بعض نواریخده ای یو یاقیم بن یوشیا پوری برینه یکد کده کبی فاسق و کافر ایدی سکر ییلد نکره مختصر خروج ایدوب مختصر دخی قدسه کوب بونی محاصره ایدوب عظیم جنک در نصکره بونی واکثر اولادانیاسی اسیر ایدوب قدس شریفده اولان جمیع خزان و دقایق یغمالیوب اولوب بونک برینه صدقیایی کوردی دیومذ کوردی (فصل رابع و عشرین در احوال صدقیای بن یوشیا) برادر زاده می برینه یکد کوب اون ییلدن زیاده چه پادشاه اولدی * بعض معتبر انده مفسلدر که صدقیای آخر ملوک بنی اسرائیلدر ملوک محمدن اولان اهرامب طرفندن مختصر وفات حضرت موسادن طقوز یوز الی ایکی یا طقوز یوز غش طقوز ییلد نکره ولایت بابل یکی اولد بونی ییلده موصلده یونس یغمر ثومنه سفر ایدوب حله سین قیروپ شهری ضبط ایدوب دردخی ییلده ولایت شامه کوب بنی اسرائیل عاجز و ذلیل اولغین پادشاه لریله اکامطیع اولغین مختصر دونوب کیدوب یکرمخی ییلده صدقیای مختصره عصیان ایتمکین اولغین بدین التیوزیک نقرالی بیراقلو عسکرله کوب قدیمی ایکی ییجی ییل محاصره بعده جبر ایلد فتح اید کده بنی اسرائیل نیجه سین قتل ایدوب نیجه سین خراج کسب مزبور صدقیایی و بعد زمان انیسادن اولان عزیز و دانیاسی حضرت داودنسلندن پدی ییلد انشراقله ییلد بنی اسرائیلدن التیوزیک آدم اسیر و تورا و اوقیاسانلردن فرق ییلد آدم قتل ایدوب بنی اسرائیلک بهمنی مصره قاجوب مختصر بونلری فرعون اعرج جندن ایستوب اودخی التجا ایدنلری اله ویرمک وواد کدر دیو عذر اید کده مختصر انجنوب مصره واروب حله خاقین قیروپ مصری بالکلیه ویران بعده مغرب واروب انی دخی الان نالان و خلتن نالان ایدوب وندی مختصر

عادت حال و کیفیت احوالی و وفاتی دانیال یغمر باند کده شد * بعض نواریخده مذکور در که مختصر قدسه کوب ای یو یاقیم اسیر اید کده میشا بن یوشیا هوئی آنک برینه یکد وروب ایکی صدقیای قدسی برادر زاده می یوانه کیدوب مختصره عامی اولوب طقوز ییلد نکره مختصر تکرار قدسه کوب محاصره ایدوب صدقیای عاجز فالد قنده بر کیجه قاجوب لکن اردنیجه عسکر کیدوب شهر را شده طو وروب کتور لده کده مختصر بونک اوغلاری قتل ایدوب بونک کوزلری کور ایدوب بغداده کوندروب مختصر لده یوز زاد اولوب یکی کوب قدس شریفی خراب ایدوب آتیه یا قوب شهرده اولان خلقت اشراقن مختصره کتور وروب حله سین قتل ایدیلر بهمنه یوزا بن یعقوب علیه السلام سلطنتی وطن و مسکنلردن انخراج ایدوب کلدای بن احتشای ابن سافانی قدسه حاکم ایدوب ایدی آید نکره شجاعیل آدلو کسه بعض عسکرله کوب کلدای اون نفر آدمه قتل ایدوب باقی قتلان بنی اسرائیل قدس دن کوجوب مصره کیدوب بنی اسرائیلک ذات و نکره کبی وزوال سلطنتلری ظاهر ایدوب ذوالکفل یغمر و برمیای یغمر بونلرک زمانلرنده ایدی (فائده) هر ویدر که قدس شریف در تیوز الی اوج ییل معمر ورا یکن قهرت مختصر دکره یاش ییل خراب طور وروب بهمنه ملوک عجم دن بری تعمیر ایدوب بعده بنی اسرائیلده ملوک عجم در تیوز اوتوز ییلد نکره کده ملوک یونان حکم ایدوب اوجیوز ییلد نکره ملوک اشکانیساندن چودرز حضرت یحیی قانی ایچون بنی اسرائیلی قتل عام ایدوب قورتلانلر کتمکجه قلیل و ذلیل اولغین دین محمدی ظهور و برینه کده ملوک عجمه خراج و بروردی (روایت) اکثرمعتبر انده صدقیای کرا و ایدوب آنک بدنه سلیمان یغمر نسلندن صدقیای بن عزریایا لوب بابل یکی سنجاریله اولان قصه عظیمه می و سائر احوالی شعیبا یغمر باند کده کده در نظر اوانه (فصل خامس و عشرین در احوال ناسیه بن اموص) اکثر معتبر انده صدقیای و قدسه ملطنت ایچون بنی اسرائیل اراشدن جدال و قتال اولوب بعده ناسیه پادشاه اولدی دیوب مختصر قصه می بونک زمانده ظاهر ایدی دیو وروب ییل اولمشدر تکیم یو قار و ده ارمیا یغمر باند کده تفصیل اولمشدر و الله اعلم بما اخفی و اعلم

(باب عاشر در احوال ملوک یونان و بطالشه)

شیو طائفه عیص بن احقاق بن ابراهیم بنی علیه السلام یا خود یونان بن یامت بن یوح بنی علیه السلام نسلاندر دیشلر (فصل اول در احوال فیلس بن مصریم بن هرمس بن میطون بن روی ایطن بن یونان بن یافث بن نوه بن نمرخوب بن رومیه بن نونظر بن نول بن روی بن الاضر بن الغز بن عیص بن احقاق بن ابراهیم علیه السلام) تاریخ ابن تخنمه ده ملوک یونان متفرق یکر اولوب ایچلرنده همان قوت و شوکتله شهرت یولان فیلسدر غیر لری کمال استقلال بولدا مشلدر دیوب * فواج مسکیده ده اول ملوک یونان فیلسدر دیوب اکثر کتیده بوکا فیلقوس دید کاری غالب فیلسدن تعریب طریقه اولمقد * تختگاه روم ایلنده حالاصول قول دید کاری ولایتلرده قصبه سیروزه قریب ماکدون شهری ایدیکه حالا خراب اولوب لکن عظیم بنالرنک اثرلری باقیدره ملوک کیا ناندن دارای اکبر بن یومنه ملوک عالمی کندیوه مسخر اید کده فیلقوس اکامر فروا نامکین دارا عسکرله کوب چنیکده فیلقوس صیتوب بقیه السیوفله بر حصن حصین و رصنه کیروب عاقبت دارا ایلد مدارا ایچون صلحکوب قزق دارا یه وروب وهر ییل فرق ییلد فلوری خراج ویرمکه عهدایتمکین هر ییل کوندوردی * هر خواننده مذکور در که روم و یونان پادشاهی فیلقوس قزق دارای اکبر اولوب شهرنه ایلد کده بعد الاجتماع اغزی قو قار اولغین حلی و ارایکن پدربنه کوندروب یولده اسکندر طو وروب دختر فیلقوس پدربنه رداوند یغنه غضب و عار و ناموس چنکه کین اسکندری بر صهر ادم بر اغوب بر خاتون بولوب اولوب بسلیوب بیود کده بر طریقه والده می بونی کور وروب ییلوب فیلقوسه دید کده آلوب بسلیوب اوغلی اولماغین بعد زمان اسکندری برینه کور وروب کندوسی سلطنتدن فارغ اولدی * بعض معتبر انده مفسلدر که اسکندر فیلقوس صلی اوغلیدر سلطنتیک ییغی ییلده اسکندرله نیجه عسکر فی بعض عدوسیه جنکه کوندروب کندوب مقربلرندن ارقوس بونک خاتونه عاشق اولوب وصالته چاره بولمقد قده بر طریقه عسکر جمع ایدوب فیلقوسله صواشوب مجروحانراشه قاجروب کتور دخی در عقب واروب مشوقه سین طوقن صدقنده اسکندر سفردن کوب عدوی خبیانتغوی خبیانتغوی بی مهمل و مطل قتل ایدوب فیلقوس خلقی جمع

ایدوب اسکندری تخت پوروب کند و وفات ایندی (فصل ثانی در احوال اسکندر بن فیلیس) یا خود
 فانیوس بر روایتده فیلفوس اسکندری اوغلی ایدوکی بر قاج سطر مقدم بکشد رنجبه عظاماء علماء سلف ترانده
 مذکور اولان ذوالقرنین بود و دیوب لکن قول صحیح اوزره یوروی و کافر اومنی یونانی وینه میری اولی الله اولوب
 ایکه سگ ما یئنده دخی نیجه ییل یکدی مقرر یوروی و فاروده باب انبیا مشبهه الاحواله مصلحه سرورده بر
 معلوم اوله که یوکا اسکندر روی و ذوالقرنین اصغر دخی دیر عالم و عاقل و عادل و حتی و شجاع و مدبر اولوب
 مرویدر که دارای اکبرک سلطنتدن اون اوج ییل یکدکده اسکندر طوغوب یود کده پدری فیلفوس یونی
 روم ایلنده سالانه دیدکاری اتناس شهرنده ساکن اوسط اطالیس حکیمه شاکرد که ووروب انده بش ییل
 طور ووب علوم سجاد کامل اولوب بعده فیلفوس خسته اولد کده کتور ووب وفات ایلده کده تخت یکدی
 (اجال جمع احوال اسکندر) نه سیر کیده محروم و کیده وفاتده ولایت یونان بکارین مسخر و ملکتدین
 ضبط و کند و مالکده ضم و ربط ایلده کده محروم صاحب قرانلق ایچون فتح عمالک عالمه عزم ایچکین بحر اخضره
 یعنی محیطه وارنجه ملوک عرب و غیره کسر و قهر ایدوب دوند کده مصره واروب شهر اسکندریه بی یابوب
 بعده بنی اسرائیل غزایوب اندن ارمنیه ایل باب الابواب طرفه کیدوب عمالک عراقده کی ملوک و حکام
 و جمع طوائف قبط و بربر و کاتب و مسخر اولوب بعده عجم پادشاهی دارا ایلده محکم و اشدوب انی کند و آدملری
 قتل ایلده کده اسکندر عمالک عجمی دخی ضبط ایدوب بعده هندستانه واروب اکثر لرلی فتح ایدوب انده نیجه
 عالی شهر لر یابوب بعده ولایت چین و اقصادی عالمک روی زمینه واروب طوائف و ام عالم ایلده نیجه جنکار ایدوب
 ملکتدین فتح ایلده کده خراسانه کوب بر قاج لطیف شهر لر یابوب دیار عراقده دوند کده شهر زورده خسته اولوب
 وفات ایلدی بعضی یابوب شهر نه کده یوروی قنایوب دیکم یوب آتدن دوشر کن ایلدر کدر نه بعضی و صبتدر
 ایدوب وفات ایلدی (تفصیل) بعضی معتبرانده مفسر در که اسکندر پدری بر نه یکدکده حسن تدبیر ایل
 ملوک متفرقه دیار روم و یونانی تحیر ایدوب مغرب ولایتده کیدوب جمع عمالک غربی فتح و ضبط ایدوب
 بعده مصره واروب سلطنتک بدخی ییلنده اسکندریه شهرنده دریا کنارنده مناره عدیل بر میل طویل یابوب
 اوزر نه طلبه آینه جهان قنایوب بعده شامه آتدن ارمنیه معتنه واروب عجم شاهی دارا ایلده نیجه
 معاملاتد نصکره محکم صواب میبوب قاجروب والده سین و اولاد و عیالان اسیر ایدوب اردنجه کیدوب
 دارا یه هند پادشاهندن مواته عسکر کلکین تکرار صواب اولد دارا قی کند و آدملری قتل ایلده کده
 اسکندر عجم شاهلین دارا ملک برادرینه ووروب دین مجوسی رفع ایدوب نهر جیحون قر بنده مروید کاری
 مر جالوس شهرین به خزر قولنجه هرات و سمرقندی دخی یابوب بعده هندستانه واروب هند پادشاهی فوزک
 بعد فیاری و برنجی جانور لر اولغین اسکندر موردن و باقر دن بکری درت ییل عرد مجوف عظیم جانور لر
 یابوب ایچ لرلی اودون و کبریت و باروتله طولدر ووب اتشای چتکده ایچارینه آتش قویوب طوئند کده فیلار
 اوز کوب هند ییل اکثری چکینوب نیجه دخی رومیلر قیروب فوز قاجوب قله به کیروب بعده عظیم
 عسکر جمع ایدوب بکری کونه دل اسکندر ایلده محکم صواب آخر اسکندرانی میدان او قیوب فوز کند و
 جسامت و شمشیر غرور اولوب عسکر نه نذر ایدیم دیر کن اسکندر فرصت بولوب قبله جالوب قتل ایلدی
 بعده عسکر هنده امتحالت ایدوب غنیمت فراوانه اقصادی عمالک هندستان پادشاهی کیده هندی اوزر نه
 کیدوب ایدخی اوچیز یاشنده پیرانغین سرفرو ایدوب غایت حسن اولان قزنی و بر خذق طبعینی و علم
 حکمت و فراستله شما تر و اقب بر حکیم کامانی و جله عسکر صواب و شالاز بر قدح بر حکمتی نیجه تحف
 طرف ایلده کند و ممکن اسکندر کا واره یوب ولایت چینه بعده ساتر عمالک شرقه واروب هر برنده عظیم
 جنکار ایدوب جله ملوک کند و به رام ایچکده نائل مرام اولوب ترکده ستانده شهر لر یابوب ولایت مغربه
 کندی بعد از تحیر عمالک جهان بر مقتضای محبت اوطان عزم دیار یونان ایدر کن یوله شهر زورده یوروی
 قنایوب مزاجنه غایت ضعف کلوب حتی آتدن دوشکین یول اوزر نه آتده موردن جبه لر دوشوب
 بره قدر اوچیز و وارد کده کوشش ایچتمکین کواکملک اولغین اوزر نه قنایوب طوئند نذر نه کوزن آچوب
 بافتد کده ایچکده ملوک و وفاتک موردن پراومنده اغاجدن کولک ایلده اوله جقدردید کاری و ایچن

دوب وافر و صیقل ایدوب وفات ایلدی * تاریخ حکاده اشقر یعنی صاروشین و برکوزی سیاه برکوزی کولک
 ایلدی و اون طقوز یاشنده تخت کوب اون یدی ییل پادشاه اولوب طقوز ییلده فتح عمالک و عیار با نه چالشوب
 سکر ییلنی فراغ بالا کوروب بکری ایکی عظیم مملکتده مسلط و مستولی و کند و اقرباستدن اون اوج پادشاهه
 غالب و ساکن و رالی اولوب نه و حشرده اندر و کاملازم ایدیلر اکثر ربح مسکونی اوچیز بکری ییل عسکرله
 همان ایکی ییلده کشت و کذار و عیال و غرائب دیانی مشاهده و اوصار ایچشیدی نیجه معتبرانده زمان
 سلطنتده اون ایکی شهر یابوب هر بر نه ایچکده اسکندریه قویوب شهر زورده وفات ایلده کده التوئدن تا یونه
 قونوب والده می اسکندریه شهرنده حیاتده اولغین آنده ایلدوب دفن اولندی و جله مدت عمری بالانده اوتوز
 الی سلطنتی اودن طقوز یا اون اوج یا اون ایکی ییل اولوب حضرت عیسان اوچیز الش اوج ییل مقدم ایدی
 قنایوب الواله و دود و روم ایلنده قصبه سیروز قریبده ویران اولوب آثار ابقیه عظیمه می حالا باقیه اولان
 مقدونیه شهر یونک تخت کاهی ایدی دیومذ کوردر (فصل ثالث در احوال شوس بن لاغوش المنطقی)
 اول ملوک بطالس بودر زیرا یوکا و بعده کلان اودن درت نذر پادشاهک هر بر نه اسان یونانجه بطلمیوس
 دیر لر دی معنایی شیر غزاد یکدر * اسکندر وفاتده یونان و مصر و شام و یمن و عراق و مغربه مالک اولوب اهل
 حکمت و تدبیر عاقل و کامل امیر دلیر دایم بر ایدی * نظام التوار یچنده اسکندر وفاتده سلطنتی اوغلی طوسه
 تکلیف اولوب اوسط و حکیم یاتده علوم حکیمه تحصیلنه مشغول اولغین قبول ایلده کده شوس
 تخت کوردر دیوب * تاریخ کاماده اسکندر وفاتده اوغلی اسکندر و سه سلطنت تکلیف اولد کده
 ایستیموب عبادت اختیار ایچکین بطلمیوس هر عوس پادشاه اولوب اوتوز سکر ییل سلطنت سوردی دیوب
 ساتر کتبده شوس ملک سلطنتی بکری ییل یا قرق ییل ایدی دیشدر (فصل رابع در احوال فیلفوس)
 معنایی برادرین سوییچ دیکدره یچتصر زمانه نبر و حبس اولان بنی اسرائیلدن اوتوز ییل اسیر بولغین
 جله سین آزاد ایدوب قدسده کی علماء بنی اسرائیل دهیلر کوندروب قورانی عبرانیدن یونانی به ترجمه ایلدره ملک
 ایچون علماء ایستیمکین اندر دخی اون ایکی سبطدن التیشیر عالم کامل کوندروب کد کارنده اتفاقه ترجمه ایدوب
 نورات نه کده لر ییل ایچدی بودر غیر لرلی یی و دیار قریب و غیره ایلد یار دیشدر سلطنتی اوتوز * ییلدر
 (فصل خامس در بیان اورا خطیس) سلطنتی بکری بش ییلدر ساتر احوالی معلوم اولدی (فصل
 ۱- س در بیان فیلفوس) معنایی بابانی سوییچ دیکدر سلطنتی اون یدی یا بکری یدی ییلدر (فصل
 سابع در بیان افسیه قوس) سلطنتی بکری درت ییلدر (فصل ثامن در بیان فیلفوس طول) معنایی
 والده سنی سوییچ دیکدر سلطنتی اوتوز بش ییلدر (فصل ناسم در بیان اورا خطیس الثاني) سلطنتی
 بکری طقوز ییلدر (فصل عاشر در بیان سوطرا) سلطنتی اون اتی ییلدر (فصل حادی عشر در بیان
 شیدر بطس) اهل هوا کسنه ایدی سلطنتی طقوز ییلدر (فصل نای عشر در بیان اسکندر و س) سلطنتی
 اوج ییلدر (فصل ثالث عشر در بیان فیلفوس الثاني) سلطنتی سکر ییلدر (فصل رابع عشر
 در بیان دینوس و س) سلطنتی بکری طقوز ییلدر * بعضی معتبرانده یونک بدلینه بطلمیوس الثاني یازاشدر
 (فصل خامس عشر در احوال لویسرا) بعضی کتبده رجه لدن اوقا کلاوب لکن معتبرانده عورت اولوب
 روم پادشاهی اغماوس یونانیله چتکده غالب اولد کده فلوبار کند و یی قتل ایدوب سلطنتی بکری ایکی
 یا اون یدی ییلدر آخر ملوک یونان بودر دیومذ کوردر (روایت) تاریخ کاماده اسکندر وفاتده اوغلی
 اسکندر و س سلطنت ایلده کده عمالک یونانه مرعوس اوتوز سکر ییل بعده دمیافوس قرق ییل بعده
 اوداعاطس بکری درت ییل بعده فیلاطرا بکری بر ییل بعده افساس بکری ایکی ییل بعده اوداعاطس الثاني
 بکری یدی ییل بعده طراون یدی ییل بعده اخشدر اون بر ییل بعده اخشی سکر ییل بعده طائنه ناسدن
 لکن حکم کادن فالو بطرا اون یدی ییل پادشاه اولوب یونلدر نصکره ولایت شامه ملوک روم حکم ایلد یار
 دیومذ کوردر و الله اعلم بالصواب

(باب حادی عشر در احوال ملوک روم از کفار)

اولک روم ایکی فرقه در بری جلاست برست کسار اولوب ترکجه قزل اساهر بجه رومیه کبری روم و فرنگجه

رومادید بگری شهرده ساکن ایدیلر ایکنی فرقه نصارادن اولوب استانبول دیکاری شهر قسطنطنیه ده ساکن ایدیلر اولکی فرقه بوندلرکه حالا ذکر اولور (فصل اول در احوال غالیهوس) ملوک رومدن مشهور اولدلر اولی بودر ساکن اولدین شهر روم امرو و سنین و شهر و ایله غایت معمر و اولوب بالکتر تا و خیار بازارنک طولی بر فرسخ ایدی غالیهوس و جله قومی بت پرست کافر ایدیلر فواج مسکینه ده ملوک رومدن آیین سلطنت و قوانین ریاست وضع ایدن غالیهوس در اول ملوک روم امیری رومیس ایدیکه رومیه کبری شهرنی او بنیادوب قریب اثنی رومانیسی قتل ایدوب بعده او تونز سکر ییل پادشاه اولدی رومیه نیک طولی یکریمی سکر میل اولوب ولادت حضرت عیسیان یدینوزالی درت ییل مقدم با یلوب شهر ایچنده انواع طلسمات و توجیدن یک عدد قومی اولوب برکنیه کفر ایدیه سی واردرکه جواهر زار ایلر مرصع اولوب صافی اتونون یکریمی سکر قومی و ارایدی دیومذ کورد (فصل ثانی در بیان یولیوس) احوالی معلوم اولدی نیجه کتیده یومذ کورد کلد (فصل ثالث در احوال اغسطس) معتبرانده مذکوردرکه آخر ملوک یونان اولان فالوپترانام خانوئه جنگ واکغلبه ایدکده فالوپتر اکندوی قتل ایدوب اغسطس جله ولایت یونانی ضبط ایدیلر ملوک رومده ابتدا قوت و شوکت بولان بودر انکیچون قصردیواقب قونوب صکره کلان ملوک روم دخی انکاه ملقب اولدیلر مصر و شامی فتح و ضبط و جله بنی اسرائیلی کتیده رومیه صخر ایدوب اناطولیده قیساریه شهرنی بویا عسکر سلطنتن قرق ایکنی یلنده واسکندر رومینک دارایه غلبه شدن اوچینوز اوج ییل یا هه مان الشمس بش ییل صکره حضرت عیسی علیه السلام وجوده کادی اغسطس سلطنتی الی ایکی باللی الی یا قرق اوج ییل ایدی (روایت) تاریخ کاملده آخر ملوک یونان اولان فالوپتر اناطولیه نصکره ولایت شامه روم حکم ایدوب ملوک رومک ابتداری جانوس بن مرلوسدرکه سلطنتی الی ییل اولوب بعده اغسطس پادشاه اولدی دیومذ کورد (فصل رابع در احوال طیار یوس) طبری شهرنی بویا یغین انک امیه مسمی اولدی بعضر یونک امینی طیارس بعضر طیارش دیوب حواریونی یودیلر اندن قورناروب بعده ایمانه کادیکی حکایت باب حضرت عیسیاده احوال مریم و حواریونده کچمشد و نظر اولنه سلطنتی یکریمی ایکی ییل ایدی (فصل خامس در بیان غالیهوس) سلطنتی درت ییلدره ض کتیده حضرت عیسی یونک زمانده کوکه چکادی دینوب اکن طیارسک حواریونی رفع عیدان صکره قورناردین روایت مخالف اولور مکرکه طیارس طیار یوسدن غیری کتیده اوله والله اعلم (فصل سادس در بیان فلیودیوس) سلطنتی اون درت ییلدر یونک زمانده حواریونک رئیس شهون صفا خلق اسلامه دعوت ایچون بعد از رفع حضرت عیسی اشارت حضرت عیسی الیه طهر و ایتدی دیشلر (فصل سابع در احوال مارون) یاخودنارون که جیحیل خارق دیکاری جغرافیا واضی مارینوس حکیم یونک زمانده ایدی حواریوندن یوس و شهونی قتل ایدوب بعده نادم اولوب ایمانه کادیکی حکایت باب حضرت عیسی احوال مریم و حواریونده کچمشد و نظر اولنه سلطنتی یکریمی اوج ییل ایدی قومنک نامدارلندن نیجه کتیده قتل ایکنین ساسانیوس بو کاهجوم و قتل ایتدی دینوب غلبه ایمانه کادیکی حکیم یونک زمانده (فصل ثامن در احوال ساسانیوس) مارونی قتل ایدوب برینه کچوب سلطنتی اون ییل اولدی تقییر ابوالسودده بعد از رفع عیسی یودیلر حواریوننه انواع جفا و اذات کارینی روم پادشاهی ایشیدوب حضرت عیسانک اوصاف مطبوعی مجموعی مسعودی اولدکده عیسانک احوالن بیلش اولیدم انی یودیلر دن حمایت ایدردم دیوب یودیلر پادشاهی یونک حکمتنده اولغین حواریونی کتوردوب سولتدکده ایمانه کلوب حضرت عیسی نامنه مصلوب اولانی دایرن ایدوب غایب و دارا غایبی تعظیم و یودیلر غزا ایدوب اول شاه ظافر وافر کافر نافر قریب دین نصاری رومده اوزماندنیر طهر و ایتدی انک وقتدره طیار یوس پادشاه اولدی دینوب تقییر لایله حواریونی یودیلر دن قورناران پادشاه طیارشدر دیومذ ییلدر (فصل ناسع در احوال طیار یوس) یاخود طیار یوس بن اسبانیوس تقییر لایله جلودن بر ییل صکره و رفع عیدان قرق ییل قدر صکره ولایت قریب رومیه شهرندن بنی اسرائیل غزا ایدوب کارلین مقتول و صفارلین امیر و خنذول و تورا شریفی سوزان و شهر قندی ویران ایدوب مسجد قدسه جیفه لر براغوب و ایچنده خنذول و غزاله یلر حضرت عر خلافتنه دل قدس خراب طاروب بعده تدریجیه معمر و اولدی امیر و قصه حضرت سلیمان پادشاه صکره

قدسک ایکنی خراب لغیدرکه اولکی دفعه ده بخت نصر خراب ایشیدیلر بوجالد نصکره یودیلر دولت و شوکتلری زوال بولوب اطراف واکغلبه طاعنیلر دینوب تاریخ قدسه مذکوردرکه طیار یوس خراب لغید نصکره قدس شهرنی تدریجیه برده قدر معمر و اولوب بعده روم پادشاهی قسطنطنیهک والده می هیلانه قدسه کلوب معابد بنی اسرائیلی خراب ایدوب برینه کایسایا یوب ولایتنه کتدی اوزماندنیر و مسجد اقصی مزبله لاک اولوب حضرت عمر فتحنده مسلمانلر بالک و نایساک ایتدیلر ملوک رومدن ایدر اقدسی خراب ایدن طیار یوس در سلطنتی یدیلر ایدی (فصل عاشدر در احوال درمطینیوس) بت پرست و کافر بنی یروا اولغین یودون نصاری قتل عام ایکنیکه مباشرت ایتدی سلطنتی اون ییلدر (فصل حادی عشر در احوال بارواس) یاخودناروس ظالم شدید و کافر عیند اولوب سلطنتی بر ییل ایدی (فصل ثانی عشر در بیان طرانافوس) سلطنتی اون طقوز ییلدر (فصل ثالث عشر در بیان ادریانوس) سلطنتی یکریمی بر ییلدر علم هیئتده کلب محسطنی مؤلفی بطلمیوس حکیم یونک زمانده ایدی (فصل رابع عشر در بیان انطونیوس) سلطنتی یکریمی اوج ییلدر (فصل خامس عشر در بیان مرقوس) سلطنتی اون طقوز ییلدر (فصل سادس عشر در بیان قومودوس) سلطنتی اون اوج ییلدر علم طیده مشهور دینا اولان جالینوس حکیم یونک زمانده ایدی (فصل سابع عشر در بیان فوطیخوس) الی ای پادشاه اولوب بعده قتل اولدی (فصل ثامن عشر در بیان طیار یوس) سلطنتی اون سکر ییلدر (فصل ناسع عشر در بیان انطینیوس) سلطنتی درت ییلدر (فصل عشرون در بیان اسکندر یوس) سلطنتی اون اوج ییلدر (فصل حادی و عشرون در بیان مکسیوس) سلطنتی اوج ییلدره ارایه نیجه غزا ایدوب انگری کسرو قهره مشغول ایدی (فصل ثانی و عشرون در بیان عوردیانوس) نیجه غزا ایدوب سلطنتی الی ییلدر (فصل ثالث و عشرون در احوال دقیا یوس) کافر شدید و جبار عیند ایدی قصه اصحاب کف یونکاه واقع اولوب باب حضرت عیسی آخرنده تفصیلی کچمشد و نظر اولنه سلطنتی الی ییل اولوب تختکاهی شهر طرسوس ایدی (فصل رابع و عشرون در بیان غالیهوس) سلطنتی اوج ییلدر (فصل خامس و عشرون در بیان ارنافوس) سلطنتی اون بش ییلدر (فصل سادس و عشرون در بیان فلودیوس) سلطنتی بر ییلدر (فصل سابع و عشرون در احوال اذر قلیسوس) یاخودارد قاس متکبر و متعیر و کثیر الظلم و عذیم البر اولوب عاقبت کوکدن یلدرم ایشوب هلاک اولدی سلطنتی الی ییلدر (فصل ثامن و عشرون در بیان فردقوس) یاخود فردقوس بدتم ساد اهل فساد حاکم ظالم ایدی سلطنتی یدیلدر (فصل ناسع و عشرون در بیان فاروس) الی ییل پادشاه اولوب وفات ایتدی (فصل ثلاثین در احوال دقلطیانوس) ملوک روم بت پرستانک آخریدر قسطنطنیه المظفر بوکاغلبه ایدوب برینه کچدی سلطنتی اون اوج ای ایدی

(باب ثانی عشر در احوال ملوک رومیان نصاری)

یونلردن یرویلدر اکن اکثری دین حضرت عیسی اوزره مسلمان اولوب بعضر حاشاشام حاشاعیسی ابن الله در دیو اعتقاد باطل ایدوب کچی دخی بت پرست ایدیلر جله سنک تختکاهلری قسطنطنیه در (فصل اول در احوال قسطنطین المظفر) دقلطیانوسه غلبه ایدوب برینه کچدکده اوج ییل صکره رومیه شهرندن بر بطیه شهرنه کوچوب بر حصار استوار یا یوب امینی قسطنطنیه قودی جله قومیه صابیه دینندن چیقوب دین عیسیایه کیردیلر فواج مسکینه ده مذکوردرکه قسطنطنیه به استانبول دخی دیر معنای پادشاه شهری دیمکره جله شهرک بنامی قرق ییلده تمام اولدی طاقه رومده دین نصاری ابتدا اظهار جمع و تدوین ایدن قسطنطنیه در والده می هیلانه قدسه واروب عیسیایه بکترین کتیده فی اصد قری دارا غایبی بولدروب حاشا الوهیت عیسیایه اعتقاد باطل ایدن کافرلر دن اولغین او کو فی برام ایدوب امینی عید الصلیب قونوب قدسه تمامه آدلور بر مکلف کایسایوس و ره شاهر زنده دخی بر کایسایا ایتدی کاب خریده الحجا ییده مذکوردرکه قسطنطنیه استانبول حصارین طقوز میل اوزونلقدیه یا یوب حصارنه یوز قاپو ایدوب هر برنی اتونون تخته لاله قیلاوب عیاتب دینادن بر عظیم کو بری یا یوب اول شهر فرید الله هره بدایع صنایع الیه آثار کار و یاد کار روز کار و لاجی غراب نسنه لر بنیادوب وفات ایتدکده تابونی حال عورت بازارنده اولان مناره مشال

دیگی طاشک اوخته قونوب انک اوخته بعض علامات ایچون اشکال و طالعات ایندیلر سلطان اوتوزیل
ایندی (اصل نانی در احوال قسطنطین بن قسطنطین) رخوای (الولاسرایه) هر حاله بدین شبهه حاکم نیمه
اولوب سلطان یکریمی درت ییلدر * تاریخ این شعبه ده قسطنطین و فاته ده اوج نفر اوغلی علی التوالی
دشاه اولدیلر دینوب * لکن اسم و رسم و احوال الیری ذکر اولماستدر (فصل ثالث در احوال کینیاوس)
پادشاه اولدیده دین عبادن چیقوب بت پرست اولدی * عاقبت بر بردن اوق طوقنوب هلال اولوب سلطان
التش ییلدر (فصل رابع در احوال یونانوس) مسلمان اولمغیز پادشاه اولدیده خلقی اسلامه دعوت و قبول
ایتمیانه انواع زجر و عقوبت ایدوب سلطان هم ان بریل ایدی * نظام التوار یخده عجم پادشاهلردن شاپور
ذوالکف دیار رومه هجوم ایتدیده یونانوس چنگده صینوب هر ییل خراج ویرمک شرطله صلح ایتدیلر
دینوب * لکن میرخوانده غیری وجهله یازلوب باب ملوک عجمده شاپور فصلنده یکم شد نظر اولنه
(فصل خامس در بیان رالیطینانوس) دین عیسی اوزره مسلمان اولوب سلطان اوندی درت ییلدر (فصل
سادس در بیان انویانوس) سلطان اوج ییلدر (فصل سابع در بیان خرطیانوس) بونک دخی سلطان
وج ییلدر (فصل ثامن در بیان تاودوسیوس) یاخود باودونوس سلطان قرق طقوز ییلدر (فصل
تاسع در بیان ارزار یوس) سلطان اوج ییلدر بعض کتیده شریکی و اربادی دیتددر (فصل عاشر
در بیان اوتوز یوس) احوالی معلوم اولدی بعض کتیده مذکور دکلدر (فصل سادی عشر در احوال
تاودوسیوس الثاني) مسلم منقطع و غایت صالح اولوب سلطان یکریمی ییلدر * اصحاب کف بونک زمانده اوجیوز
طقوز ییلاق اوچولردن اویند قری قصه باب حضرت عیاده یکم شد نظر اولنه * قاموسده صاحب قصه نک
سمی دیکر دینوب تفسیر واحدیده تدوینوس در که سلطان قندن التمش مکز ییل یکدیده واقع اولدی
دیتددر (فصل نانی عشر در بیان مرقیانوس) سلطان ییدی ییل اولوب بر عالی کینیاوس ایتدی
(فصل ثالث عشر در بیان رالنطیس) سلطان ییری ییلدر (فصل رابع عشر در بیان لاوان) سلطان اوندی
یدی ییلدر (فصل خامس عشر در بیان زینون) سلطان اوندی سکزی ییلدر بعض کتیدن قتل فیم اوانور
(فصل سادس عشر در احوال امطینوس) خوش نماد و داد اعتیاد و اهل رشاد و داد اولوب تعمیر بلاد
و ترغیه عباد و شهر حاقله دین ترمیم و آباد ایتدی سلطان یکریمی ییدی ییلدر (فصل سابع عشر در احوال
قونستینوس) بعض مفرل ایدوب مظفر اولدی اهل همت صاحب شوکت اولوب سلطان طقوز ییل ایدی
(فصل ثامن عشر در احوال قونستینوس الثاني) طاقه عجم بونک قومیه نیجه کره محکم جنگار ایدوب
طاقه روم عاجز و مغوم و غلبه و نصرتدن محروم اولدیلر سلطان اوتوز ییلدر (فصل تاسع عشر در احوال
قونستینوس الثالث) اهل قوت و شوکت اولوب سلطان اوندی درت ییلدر بعض کتیده مذکور اولماستدر
(فصل عشر در بیان طبر یوس) سلطان اوج ییلدر (فصل سادی عشر در بیان طبر یوس الثاني)
صاحب فتح و نصرت و تدبیر و بصیرت و شهامت و مهابت اولوب سلطان درت ییلدر (فصل نانی و عشرون
در بیان ماریقوس) سلطان مکز ییلدر (فصل ثالث عشر در بیان مرقوس) سلطان اوندی ییدی ییلدر
(فصل رابع عشر در بیان قوقاس) سلطان سکزی ییلدر ملوک عجم پادیده خسروین هر مزل قاین انامی
اولوب حکایتی کن قیصر بود و نظر اولنه * عاقبت طاقه روم اوغلی ناموسله بونی قتل ایتدیلر (فصل خامس
عشرون در بیان ارفلیس) که عر بلر قتل دیرل ایدی اهل احسان و وجود و خیر مائل عدل و دافع ضرایدی
تختگاهی استانبول اولوب بعد انطاکیه ده ده حصده ساکن اولدی * سلطاننک اوندی ییکنی ییلنده خاتم الانبیا
حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ابد ابرمد احضرتلری عز و سعادتله مکدن مدینه به رحلت و هجرت
ایتدکن التی ییل مکره هر قتل اسلامه دعوت ایچون صحابه دن دحیه اید مکتوب شریف کوندر دیلر (غلبه)
سابقا عجم شاهی خسرو هر قتل اوزر نه مکر کوندر و ب (الم غلبه روم) آیتی موهومیه چنگده هر قتل
مغلوب اولدیده بعد زمان کند و غالب اولورسه استانبول دن قدسه زیارت ایچون یان ایاق وارمغه
عجم و بیدی ایدمک * تمام قریه نکر ارض اولدیده (هم من بعد غایم میقلون فی بضع سنین) آیتی
موهومیه چنگده هر قتل اب اولدیده جوق قدسه دکل یولرده قشایر دوشدوب اوزرنده یان ایاق یور یوب

واردی (حکایت) مکتوب حضرت رسول هر قله قدسه وصول یولده ده عظیم ایدوب ایمانه کلکه میل
ایتمکین قومنک علما و اکابرین جمع ایدوب دین حضرت محمدی تکلیف ایدوب انلر رضا و یرمیوب بعده ایلی
اولان دحیه بی تنها چاغروب والله بز محمد حق پیغمبر ایدوب کین ییلورز لکن بن روم طاقه سندن قورقارم
رو ماده ضغاطر آدلوز راهب وارد که چله نصاری اکایدن زیاده ته ظیم ایدرلر اکاوار کورنه دیردوب دحیه
واروب ضغاطری ایمانه دعوت ایتدیده والله بز نوران و انجیلده محمد پیغمبر اوله جفتی وجهله اوصافتی
کورمه شزد دیردوب ایمانه کوب آق قشایر کوب عصایه طیمانوب کایه و واروب ای طاقه روم بزه احد
عربیدن مکتوب کوب حق پیغمبر اولمغیز چله مزی اسلامه دعوت ایتش دینوب کله شهادتی سوبلده
اوزرنه کافرل اوشوب شهید ایتدیلر * دحیه هر قله کوب خبر ویردیده کورامدی اکا محبتلری سندن
زیاده ایکن آتی قتل ایدیمک شبهه مزی بنی دخی قتل ایدرلر بائیدن قورقارم دیردوب قدسندن حصه واروب آنده
بر او طه ایچنه کیروب چله خلقی جمع ایدوب بخبره دن انلری اسلامه دعوت ایتکین کافرل غضبه کوب هر قله
هجوم ایدوب قیوقیانش اوغیز طشره کتک صد دنده ایکن هر قتل انلر مرادم همان سزی امتحان ایدی
بعضور اولد کیردوتلی و دین حضرت محمدن تیری و توتلی ایتدی * بعض علما هر قتل خفیه ایمانه کادی دیردوب
لکن قول ضعیف در دیشلر * بعض کتیده هر قتل علم نجومده غایت ماهر اولوب آخر زمانده بر پیغمبر کله چکنی
استخراج ایتدیدی دینوب * حضرت رسول علیه السلام زمانده و حضرت عمر خلافتنده هر قله مسلمانلر
نیجه جنگلر ایدوب کفار خاکساری جانلردن ییز ایدوب عاقبت هر قتل شهر لرین و رخت و بخت و تختلری
آلوب هر قتل دخی ناچار تیر خورده شکار کبی قسطنطینیه به فرار ایدوب بوقصه لر تفصیل عظیمه محتاج اولوب
مطلوبات توار یخ و سیرده محرردر * هر قتل سلطان اوتوز ییل ایدی دیشلر (روایت موهومیه آخری در ذکر
قیصره روم) مجهول الاسم بر تار یخ فارسیده یو باده اولان قشایرک اجمالی بودر که عیسی پیغمبر و نصکره
روم تختنه اوتوزان قیصر لرینی پادشاهلر الی تفرکته اولوب مدت سلطانلری در نیوز التمش ایکی ییلدر (۱)
اعطوس) والده بی بونی طوغر و کن وقت ایدوب بونی والده بی قارندن چینه ناردیلر یوله اولانه یونان دبلنجه
قیصر دینه کین بونک قیصر اولدی اول قیصر مره بودر بوکا کیه باوس دخی دیرلردی اسکندریه شهرنی
الوب الی بش ییل پادشاه اولوب سلطاننک قرق ای * کتیده حضرت عیسی طوغشیدی (۲ طنینانوس)
اعطوسک اقرباستنددر بکارندن برین * آمده یوحنا بن زکریای قتل ایتدیکه برین دخی قدسده حضرت
عیسیا به اشکجه ایتدیکه * کوندردی یکریمی درت ییل پادشاه اولدی (۳ عینوس) قزیه و همشیره سبیله
زنا ایتدیکین قتل اولدی قرق سکزی ییل پادشاه اولدی (۴ نیلودوس) قامق و فاجرایدی بونک زمانده خلق
سیرغ قوشن * کوردیلر ارکدش جزائری فتح ایتددر اوندی ییل پادشاه اولدی (۵ نابرون) والده سنی
و خواجیه سنی و ترما طاقه سنی و بعض اعیانی قتل ایتدیکین یو دیلر بوکامامی اولوب رومیلره آتش براغوب
بونک اهلنی قتل ایتدیلر سلطان اوندی درت ییلدر (۶ کیله) لارنده جزیره سندن بر ییل پادشاه اولدی (۷)
امیسانوس) سابقا عصبان ایدن قدس شریف یو دیلر قتل و غارت ایدوب چوق کتیده لرین دخی قتل
ایتدی باقیلری خطدن هلال اولدیلر مدت سلطان اوندی ییلدر (۸ طنطوس) بدری برینه کوب خفی کتیده
ایدی بیت المقدس دن انسان اموال غنیمی رومیه به ویردی سلطان ایدی (۹ دوامطینانوس) برادری
برینه کوب رومده بضایه یوب هر ولایتدن بره تم کتوردی هر نه یردن دشمن ظاهر اولور ایسه صملرک
یوزلری او طره دوشکین خبردار اولوب دشمنی دفع ایدرلردی مدت سلطان اوندی درت ییل ایدی (۱۰ نابرون)
خوب رأی و عادل ایدی مدت سلطان بر ییل درت آی ایدی (۱۱ طریانس) سابقا بیت المقدس بی خراب
ایتدیلر دی بوقعه یو آبادان ایدوب یو دیلر اک * کیرمکدن منع ایتدی نصاری رعایت ایدرلردی مدت
سلطان یکریمی درت ییل ایدی (۱۲ طیطانوس) اوراه مونیانوس دخی دیرلردی امکنده به شهرنده اولدی
کتاب مجتبی مؤلفی بطایع و مز بونک زمانده ایدی جزیره صقلیه ده وفات ایتدی مدت سلطان یکریمی درت
ییل ایدی (۱۳ مرقوس) برادری دایوس شمر کتله پادشاه ایدیلر استارنده ملک اربن یونان شهرین خراب
ایدوب مرقوس صقلیه جزیره سنه چاق ترک ولایتنه قاچوب انلردن چوق کتیده قتل ایتدی مدت سلطان

ظهور ییلدر (۱۴ فرمطوس) اما سیه خلفه جنت ایدوب ایلیوس ایله سلطنتده شریک اولوب نصارادن
 رجاعت ایله یو ایکسینی یو دیلر قتل ایدیلر مدت سلطنتی یکریمی دوت ییلدر (۱۵ ارطونیانس) غایت
 فاسق وزانی اولوب اوکی اناسیه زنا ایتندی مدت سلطنتی یدی یچی ییلدر (۱۶ مرطیوس) بر ییلدر نصکره
 یوم سکیکی اوغلی ایله قتل ایدیلر (۱۷ ارطونیانس) غایت فاسق و فاجر اولوب مدت سلطنتی دوت ییلدر
 (۱۸ الیئندروس) عسکر یله عجم و لایتنه واروب عجم پادشاهی شاپور ذوالا کفاهه خلافت وردی مدت
 سلطنتی اون اوج ییلدر (۱۹ مکسیانس) اما سیه ولایتین الوب مدت سلطنتی اون اوج ییلدر (۲۰
 کردیانوس) ولایت عجمه عسکر و حکمدر همان الی آید پادشاه اولوب بعده بعضی یو کاغدر ایدوب اوغلیله
 ایکسینی قتل ایدیلر (۲۱ فیلیپوس) قیاسره رومدن ایدر سا اولوب یعنی عیسی دیننه کیرن بودرا و سیدن
 اوغلیله ایکسین رومیه ده کافر قتل ایدیلر مدت سلطنتی همان بر ییلدر چله خزینه لرین کایسیایه
 خرج ایتندی (۲۲ عالوس) ایکسینی ییل پادشاه اولدی (۲۳ ولادینوس) ایکسینی پادشاه اولوب بعده قتل
 اولندی (۲۴ لویانیوس) عجم عسکر یله چنگده صیوب اوغلی قتل کند واسیر اولوب عجم پادشاهی شاپور یونک
 یونینه باصوب آیدندی مدت سلطنتی اون بش ییلدر (۲۵ فلینوزیوس) رومیه شهر شه حصار ایدردی مدت
 سلطنتی بش یچی ییلدر (۲۶ طیطیوس) غایت مخی و کریم ایدی ولایت عجمه عسکرله واروب آید قتل اولندی
 مدت سلطنتی همان یدی آیدر (۲۷ فوروس) اوج ییل دوت آید پادشاه اولمشدر (۲۸ فلیوریانس)
 تخته کچوب بر ییل یکریمی کوند نصکره طرطوس شهرنده قتل اولندی (۲۹ ازوس) ایکسینی شریک ایله ایکسینی
 پادشاه اولوب عجم ولایتی غارت ایتدی که کتک تدارکنده ایدی بین النهرینده اوزونده یلدرم ایوب هلال اولدی
 (۳۰ ذوقلیطیانوس) غایت ظالم و خونریزی بالک اولوب نصارادن بیک کسینه قتل ایدوب یکریمی یله دل خلق
 معذب ایتدین بکر بو کاغدر ییلدر (۳۱ دنکریوس) اما سیه شهرین الدی مدت سلطنتی
 ایکسینی ییلدر (۳۲ قسطنطینوس) برص مرضنه مبتلا اولوب برعلاجله دفع اولد قده دین نصاری قبول ایددی
 استانبول شهرین یوایندران کچون امینی قسطنطینیه ماواشدن فرنگ ولایتی ریم باب اولان سلفیدر و سه
 ویردی مدت سلطنتی اوتوز ییلدر (۳۳ قسطنطینوس) پدیری امیله دخی مشهور ایدی مدت سلطنتی اون
 بر ییلدر (۳۴ لویانیوس) قسطنطینوس فایزک اوغلی اوغلیدر نصارادن ایکن بت پرست بعده یو دی اولوب
 بیت المقدسی تعمیر ایدوب تکرار زلزله ایله خراب اولدی و نورد چله کارنده عجم عسکر یله چنگ ایتدی بر کچه
 چادرده یاقوب صباح میت بولوب سبی معلوم اولدی مدت سلطنتی ایکسینی ییل سکز آیدر (۳۵ بوتیانوس)
 خوش سیرت و مردم دوست اولوب زماننده خلق را حنده ایدر مدت سلطنتی یدی ییلدر (۳۶ اولیپتانس)
 برادر یله شرکت اوزره پادشاه اولوب دین عیساده مترزل ایدیلر فرنگ ایله چنگ ایدوب انلردن اوتوز ییل قدر
 کسینه قتل ایدوب مدت سلطنتی اون بر ییلدر (۳۷ والیس) برادری اولیپتانس وفاتده مستقل اولدی
 مجوس ایله نصاری دین خصوصه بچله و مراضه را ایدیلر والیس دین عیساده ثابت اولوب بچله کسینه لی
 عیسی دیننه قودی (۳۸ ارقایوس) یونک زماننده برخارجی مجهول ربع شمالی طرفندن ظهور ایدوب رومیه
 شهرین الوب یاقوب باقی قلاتی یلدرم خراب ایدوب ارقایوس مدت سلطنتی اون اوج ییلدر (۳۹ انوریوس)
 چله خلقه عدالت و مروت و شفقت اوزره اولوب بعضی امرایو قتل نفسه ترغیب ایتد کارنده قادر اولسم
 مرده لر زنده ایدر مردم زنده لر نه یورک ایله مرده ایده یو دیو جواب صواب ویرمش مدت سلطنتی اون بر ییلدر
 (۴۰ نادیئوس) یونک زماننده شیطان جزیره کسینه ده عیسی یغیر صورتده ظاهر اولوب خلق بیت
 المقدسه و عده ایدوب نادیئوسه صوا و زنده یور یوب بکمی الزام ایدوب بودخی ملتزم اولد قده صوبه
 غرق اولدی اصحاب کتف یونک زماننده او یخودن او یاند یلدر مدت سلطنتی یدی ییلدر (۴۱
 قرقینایوس) قسطنطینوس ایله شرکت اوزره پادشاه ایدیلر مدت سلطنتی یدی ییلدر (۴۲ لاقیطونوس) الی
 ییل پادشاه اولدی (۴۳ ریتونیوس) اون سکزی ییل پادشاه اولدی (۴۴ بامطانس) الی ییل پادشاه اولدی
 (۴۵ یوستینیانوس) یونک زماننده شهر انطاکیه ده عظیم زلزله اولوب اکثر بنا خراب اولوب اکثر خلق آید
 هلال اولدی مدت سلطنتی ظهور ییل ایدی (۴۶ یوستیوس) غایتده علم مخی ایدی سیاست و آداب

پادشاهیده چوق تر کیم یلدر دوزی زماننده غایت عظیم خط و طاعون اولوب خلق اچله لرندن بر برلرین ییلدر
 بودخی او ماینده هلال اولدی مدت سلطنتی یکریمی ییلدر (۴۷ یوستینوس) اون بر ییل پادشاه اولدی (۴۸
 یوستینیانوس) ولایت فرنگده قیصر اولوب نمر فرات کارنده عجم شاهی نوشروانه چنگ ایدوب عسکر عجم
 رومیه بی الوب و افراسیر کتوردیلر یونک زماننده قیصر لقی فرنگدن یونانله ایتقال ایددی مدت سلطنتی
 اون بر ییلدر (طیبة قیاسره یونان) یونلری یکریمی الی کسینه ایدیلر (۴۹ قوقایصر) عادل و صاحب خیر ایدی
 خرج ایتدیکم بدر صقلا یوب قویوب کتدی کم دشمنه کدر که صفاسن اوسور دیو انا صوت اعلا ایله سولردی
 بر دینیه عظیمه یولوب چله سین خیر و احسانه صرف ایددی مدت سلطنتی یدی ییلدر (۵۰ هرقل) عیسی یغیر بیک
 بر عبادتخانه سنده سنی قتل ایتد که کدر دیو هاتندن ندا ایشیدوب قورقوب واقعه یاکریمی ییل سلطنت
 سورد کده قتل اولندی * اوخر سلطنتده عجم پادشاهی خسرو بن هرمز بن نوشروان بهرام چوینندن
 قاجوب یو کا کوب بودخی اسکاء ککرله معاونت ایدوب واروب بهرامدن تختی الیورمشدر (۵۱
 قسطنطینوس) قدس شریفی بعده اسکندریه بی فتح و مصری دخی ضبط ایدوب ساطنتک اونجی ییلنده
 حضرت رسول صلی الله علیه وسلم دین حرکت ییوردیلر یو فاروده ذکر اولتسان هرقل یو اوغین تفصیل
 حالی اعاده اولندی و تاریخ سابق الذکرده اشبهر قلد نصکره اوتوزدن زیاده قیصر لر دخی یازمشدر لکن ظهور
 دین اسلام نصکره کلان ملوک کفار ی باز مق مناسب اولماغین یو حقیر انری قتل و ذکرا ایدم

(باب ثالث عشر در احوال ملوک غسان)

اشبوطانغه قبائل عربند در دیار یمندن کلوب ولایت شامده ساکن اولوب ابتدا دولتری ظهور نبوت
 حضرت رسولدن تختینا در تیوز ییلدن زیاده جه مقدمه * یونلر املده از دیا خود زید بن کهلان بن سبا
 ابن یثعب بن یعرب بن قحطان نسلندن اولوب ولایت یمنی سیل عرم خراب ایتد کده اکثر اهل یمن اطراف
 عمالکه طاعیلوب یونلر دخی شامه واروب شامی قبائل عربدن طاقه قضاغه دین بی سلیم قبیل سندن ملوک
 شام اولان فحما عمه نک الماردن الوب انلری جیر و قهرله شامدن مور کون ایدیلر یونلر شامه کاد کده غسان آدلو
 بر صوکار نه قوه غین یانلر نه جمع اولوب اوصودن هر حکیم ایچسه اکا غسانی دیلر دیو طاقه حقیقه
 مستقل پادشاهلر اولوب قیاسره دید کاری ملوک رومک طرفلرندن یو یکریمی مقوله ای ایدیلر (فصل اول
 در احوال جفنه بن عمرو) تفسیر واحدیده جفنه بن عمرو بن عامر بن حارث بن ثعلبه بن امر القیس بن مازن
 ابن الازد بن القوث بن نبت بن مالک بن زید بن کهلان بن سبا بن یثعب بن یعرب بن قحطان بن عابر بن شالح
 ابن ارفخشذ بن سام بن نوح علیه السلام دینوب * قاموسده جفنه نک پدیری عمرو بن پادشاهی ایدی دینوب
 عمرو بن یقیال قبیل مشهور دینا ایدوکی و سبب وضع اقبی باب ملوک خطانده بچمشدر جفنه نک جدی عامر کرم
 و مضای عظیمه مشهور اولمغین ماه السعاده بکاهه لقب و مسمی ایدی (فصل ثانی در احوال عمرو بن جفنه)
 اهل قدرت و شوکت اولوب دین حضرت عیسی اوزره اولمغین عبادت ایچون خاقه ایکسینی کایسیا ایتد کده
 بری دیر اوب بری دیر هند بکاهه مشهور اولدی (فصل ثالث در بیان ثعلبه بن عمرو) صرح غدیر آدلو
 بر قصر بی نظیر یلدردی (فصل رابع در بیان حارث بن ثعلبه) احوالی معلوم اولدی (فصل خامس
 در احوال جله بن الحارث) قوی ایچیده هر غوب و محبوب القلوب ایدی * کو پروردیض نسنه لیا پمشدر
 (فصل سادس در احوال حارث بن جله) دمشق شامه ایکسینی اوج منزل یرده شهر بلقایه واروب آتی تختگاه
 ایدیلر بعضی بنا لیا پمشدر کند و نصکره بش نفر اوغلی ییای پادشاه اولدی بکاهه حالاذ کراولشور (فصل سابع
 در احوال منذر بن حارث) سلطنتی قوت و شوکت بولمشدر (فصل ثامن در بیان نعمان بن حارث) احوالی
 معلوم اولدی (فصل تاسع در بیان جله بن حارث) اهل خیر و عاقل عدالتده کامل ایدی (فصل عاشر
 در بیان امیم بن حارث) اهل انفاق و حیدر اخلاق ایدی (فصل حادی عشر در بیان عمرو بن حارث) کسر
 اعدا ایدوب کامر اتلق ایله سلطانلق ایددی (فصل ثانی عشر در احوال جفنه بن منذر بن حارث) اهل
 شوکت و عظمت اولوب کوفه قرینه حیره شهریه سفر ایدوب وارد قده آتش ایله احراق ایتدین محرق قبیل
 مشهور آفاق اولدی * قاموسده ابتدا طاقه عربی آتشه یقان یو اوغین یونک آل و اتباعنه آل محرق

دیرزدی دیومند کوردور (فصل ثالث عشر در بیان نعمان بن منذر) سلطنتی قوت و شو... شده ایدی
 فصل رابع عشر در بیان نعمان بن عمرو (اصحی شوید بر قصر فرید العصر بنسایت دزدی) (فصل خاص
 عشر) در بیان جبهه بن نعمان (فصل سادس عشر) در بیان نعمان بن الایم (فصل سابع عشر
 در بیان حارث بن الایم) بواج کشته نک احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن عشر در بیان نعمان بن
 حارث) بعضی بنسایت ایدی (فصل تاسع عشر در بیان منذر بن نعمان) احوالی معلوم اولدی (فصل
 عشرون در بیان عمرو بن نعمان بن منذر) شدید البأس اولغین بوجادی محرق دیرلر ایدی (فصل حادی
 وعشیرین در بیان حارث بن نعمان) مالک مال فراوان ایدی (فصل ثانی وعشیرین در بیان حارث بن حارث)
 اهل کرم و هم ایدی (فصل ثالث وعشیرین در بیان جبهه بن حارث) متفق و مشفق ایدی (فصل رابع
 وعشیرین در بیان حارث بن جبهه) ولایت حیره پادشاهی منذر بن ماء السمانک ملک کشته عسکر چکوب
 غارت و توابعتدن نیجه لری قتل ایدوب دوزین و مالیرین سوروب الدی (فصل خامس وعشیرین)
 در بیان نعمان بن حارث (فصل سادس وعشیرین) در بیان اییم بن جبهه (فصل سابع وعشیرین
 در بیان منذر بن جبهه) بواج کشته نک احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن وعشیرین در بیان شراحیل
 ابن جبهه) قدرت و شوکت ایل امصار و اقطارده اشتها بولدی (فصل تاسع وعشیرین در بیان عمرو بن جبهه)
 (فصل ثلاثین در بیان جبهه بن حارث) بواج کشته نک احوالی معلوم اولدی (فصل حادی وثلاثین) در احوال
 حارث بن ابی شمس (حکایت) کتب سیرده مر ویدر که حضرت رسول علیه الصلاة والسلام صحابه دن
 شجاع بن وهب ایل حارثی ایمانه دعوت ایچون مکتوب شریف کوندروب وارد قده هر قل حصدن قده زیارته
 کتشی اولغین اکایت کش تدار کنده واروب حارثک فابو جیهه بولشوب بواج اغلا یوب ایمانه کلوب آخر
 زمان یغیر بنک اوصافی انجیلده او قودم لکن حارثدن قور قورم حارث ایل ایمانه کلز هر قلدن قور قور دایوب
 شجاعی اوینه الوب ضیافت و رعایت ایدوب بر کون حارث تخت کچوب تاج کیوب شجاعی چاغردوب مکتوب
 شریفی او قیوب بنم سلطنتی المدن کیم آله ییلوردوب فاقیوب ابرتنی مدینه به عسکر چکوب کتک فکری بن
 ایدوب اجازت ایچون هر قل خبر کوندروب اودخی صفین کتبه ایچی بی تأخیر ایل سن کلوب بکافد سده
 بولشوب دوجواب کوندربن حارث شجاعی چاغروب بختان کیدرسن دایوب اودخی یارین دید کده یوزم مثال
 اتون و برروب فابو جیهه دخی خفیه آرق و لباس و برروب بندن رسول الله سلام ایل یوب دینی اوزره ایدوکی
 ییلدروب شجاع مدینه به واروب حضرت رسول حارثدن خبر و برد کده (باملکه) بهی سلطنتی حالات و زائل
 اولسون دایوب فابو جیهه اسلام و سلامن دید کده صدق دیو یوردیلر مزبور حارث بریاد نصکره حضرت
 رسول صلی الله علیه و سلم مکه بی فتح ایدوکاری تاریخده کفرله وفات ایدی بعضی ایمانه کلوب قیصر بی قتل
 ایده دیو خوقدن ایمانی اظهار اید مزدم دیدی دیشرو الله اعلم (فصل ثانی وثلاثین در احوال جبهه بن
 الایم) آخره بولک غسان بودر (حکایت) کتاب الخلیف برخلنده جبهه بی ایمانه دعوت ایچون هجرتک
 یدنجی یلنده حضرت رسول علیه السلام مکتوب شریف کوندروب اودخی ایمانه کلوب هدایا ایل مکتوب
 کوندروب حضرت عمر خلافتنده چه کلوب کعبه بی طوافده قبیله فرازه دن بر عرب بونک ازارین با صوب
 جوزلد کده جبهه فاقیوب حذله بر طایفه اوروب عرب بونک بورق و بر تاج دیشی قیلد قده حضرت عمر
 شکایت ایدوب عردخی جبهه بی کتوردوب یا عفا و یا قصاص دیوب جبهه انجوب بونک ایچون بندن قه اصحی
 ایدرسن بن پادشاه بواهل مو قدن ایکیز برابر میوز دیوب عردخی اسلام ایکیز بری برابر ایدی سنک اندن
 اقتضایت اولز الاتوی ایل اولوردید کده جبهه چونکه بودینه بن بونکله برابر نه اوار دینه کیرم دیوب
 عردخی ایل ایدر سنک بونک ایدرم دید کده جبهه بوجیهه بکامهات و برحالی مکر ایده می دیوب اوکیجه توابیلده
 اتلاوب استانبوله فاجوب زارد قده نه و ذی الله نصاری دینه کیروب مر تلک اوزره بعضی قولنجه تکرار
 ایمانه کلوب ایمان اوزره وفات ایدی دینوب (روایت) کتاب مزبور بونک برخلنده دخی حضرت عمر خلیفه
 اکبر علیه السلام و زارد قده جبهه دیوب ایمانه کلوب بعده قبیله مزینه دن بر عرب بونک کوزی او قده
 طایفه اوروب عرب شکایت اید کده حضرت عمر عرب بونک بونک طایفه اوروب جبهه آنک کوزیلده

بن کوزم برابر میوز دیوب حضرت عمر برابر دید کده جبهه بونکله بن طور مزیم دیوب مر تد اولوب
 انکوری شهرینه واروب کفرله وفات ایدی دیومند کوردور (روایت) بعضی کتبه مر ویدر که هجرت
 رسولک اون بونک یلنده عمر خلافتنده جبهه ایمانه کلوب بواج ایچون عادت عرب اوزره غایت زینت
 و شوکتله شامدن مکینه کلوب اتی وافر کشته قار شویوب عرفانده حجاجله طور دقده یا کعبه بی طواف
 ایدر کن کتبه بر عرب بونک رداسنی با صغیر فاقیوب عرب به بر محکم طایفه اوروب بورق دخی قیروب عمر
 مر افده اولد قلدن دیت و برروب مالک لشر یوخسه قصاص لازم کتکین اودخی سکا طایفه اوروب مر افده
 ایدرم دید کده جبهه عارلنوب بوجیهه فکر ایده می دیومهات ایدوب کجه جبهه توابیلده شامه فاجوب بعده
 بشیوز کشته ایل استانبوله واروب مر تد اولوب بونک نصکره ولایت شای حکام اهل اسلام ضبط ایدیلر

(باب رابع عشر در احوال ملوک الخیمه)

بونک اوج کشته دن اشاعینه خیمون دینه کین تغلبه با جله سنه خیمون دیرلر مسکنلری کوفه قریبده حیره
 آدوشمر و اولغین ملوک حیره دخی دیرلر (فصل اول در احوال مالک بن فهم الازدی) از دین کهلان بن سبا
 ابن شحوب بن عرب بن قحطان نسلندند و ظهور دین اسلامدن تخمه سینا دوت بشیوز ییل مقدم ولایت یعنی
 سیل عرم دید کاری سیل پرویل خراب اید کده نیجه قبائل عرب اطراف عالمه طایفه یوب مالک دخی توابیلده نزل
 دیاروشمر حیره ده قرار اختیار ایدوب اهل بزل و کرم صاحب عدل و هم اولغین تدبیر ریاست و تعمیر ولایت
 ایلدی بحمد ملوک طوائف زمانلرند ایدی (فصل ثانی در بیان عمرو بن فهم) بعضی کتبه برادر ند نصکره
 پادشاه اولدی دینوب بعضی ملوک سلطنتی برادر ندن الدی دینوب حیاطنده غصبه یارضا ایل الی یوخسه
 وفاتند نصکره می الی بیان اولغا مشدر (فصل ثالث در احوال جذیمه الابرش ابن مالک بن فهم) ابرش اولوب
 المری بربر آق اولغین لقی وضاح ایدی سلطنتی قوت و شوکت بولوب اهل حکمت و عشرت ایدی فواج
 مسکینه ده جذیمه الابرش آداب مسامحه ملوکده نظایری عذیم مالک و عقیل آدلو ایکی ندیم ایدوب فرق
 ییل مصاحبت و موانست ایدوب بونکله زمانده بر کره بیان و افاده ایدوکاری خبر و حکایتی بر زمانده دخی اعاده
 ایاماتلر ایدی بومرینه حالت عقلده و فرت حفظده قوت معلوما تده کتبه تثنائی ایدوکی مقرر دده مر ویدر که
 دیار بکر قریبده ولایت جزیره پادشاهی عمرو بن الضرب الیه قلیسک اوزرینه واروب چنکده آتی قتل اید کده
 عمروک زبیا آدلو قیزی پدیری برینه پادشاه اولوب بعد زمان جذیمه بی کند و ولایتنه دعوت ایدوب کند و بی
 اکانتکاح ایلک حیمه ییلدیرانه کتوردوب بابا ایچون انتقام قتل ایدی (فصل رابع در احوال عمرو بن
 عدی اللخمی) جذیمه نک همشیره زاده سیدر پدیری قبیله لخمدن اولوب جذیمه نک میر مجلس و شر ایداری
 و مقبول و مستشاری ایدی مزبور عمر و مقدا ذکر اولسان زیادن دایمی جذیمه نک انتقامن المغه و سیمه
 بر جبهه ایدوب بر خد متکارنک بورقن کسوب اوغلانک رضایله ایتمکین اوغلان ظاهر افاجوب زیاده
 واروب خدمت ایدوب زیابطرفندن تجارتله کیدوب کلوب عاقبت عمر و معرقیلده صدق و قریبینه آدمه لر قیوب
 تخفقد کتوزدم دیو بونکری زیانک سیراینه ایدروب بعده علی القفله آدملری بیقاروب زبانی قتل ایدوب
 فاجدیله عروک زمان سلطنتی تمتد و شوکت و قدرتی مشدد اولمشدی (فصل خامس در بیان امر القیس
 ابن عمرو) احوالی معلوم اولدی (فصل سادس در احوال عمرو اللخمی) بحکم پادشاهلر ندن شاپور
 ذی الکاف زماننده اولوب بوکاه و محرق دیرلری نلم قبیله سنک مغیری و ایچلر ندن اشرف و انهری
 بری بودر بر دخی عمرو بن هند ایدی دینوب بعضی کتبه عمرو ذکرا و لندی (فصل سابع در بیان اوس بن
 قلام العمامی) بعضی کتبه امر القیس نصکره تغلبه عمالقه طایفه سندن ایک کشته پادشاه اولوب
 اولکینک اصحی اوس ایدی دینوب ایکینی یارضا مشدر (فصل ثامن در احوال امر القیس المحرق اللخمی) عمرو
 ابن امر القیس اولادندن ایدی ظالم و بی رحم اولوب غضب ایدوکی کشته لری آتشه یا قیقین محرق ایدیلده
 مشهور و مذکور ایدی (فصل تاسع در احوال نعمان بن امر القیس) شوکتی مشدد سلطنتی تمتد اولدی
 (فصل) کسرسین و تشدیدتون مکسوره ایل سمار آدلو بر استادمه ماره بکری ییلده خورنق آدلو بر قصر
 فرید العصر بایدروب بدایع صنایعنه انسان حیران اولغین احسان فراوان ایده جلک یرده کندزدن غیر یله

این کبی قصر زیبا بنا تمام ایچون قهرمدن اشاعه اوب مسکینی هلالا ایتدی * مقابله احسانه امانت
 ایدنله عربله (جزا جزا سمار) دیو ضرب مثل ایتدی (روایت) میرخوانده مذکور در که ملوک عجمدن
 بر دزدان اینک هر طوغان اوغلی بشا ماغین بهرام طوغد قده شهر حیره نک آب و هوای خوب اولوب ملوک
 حیره آنک تحت یدنده اواغین بهرامی نعمانه ویروب بودخی حیره به کتوروب رعایتله بسلیموب ولایت رومدن
 معمار سناری کتوردوب مدبر و خورنق نام ایکی قصر مقبول محیر العقول یادروب نعمان اکا کلی احسان
 ایدوب اودخی بکا و قدر رعایت اوله جفن بیلیدم دخا اعلایا یدرم دیدکده بنسدن غیر یاره بوندن اوسین
 یا چسون دیو قصردن اشاعه اوب هلالا ایتدی (نک ملک) مزبور نعمان بت پرست اولوب لکن وزیر
 نصارادن اولغین برکون وزیر خسته تدبیر (محرره) خف من الله ام العاقل * لا تکن عن عذابه غافل *
 اختصر فی صلاح عاقبتک * واسع فی نظم حال آخرتک * مفهومیجه بعض نصیحت و موعظت ایدوب
 (محرره) دنیا بلا من جور و جفاسن * قهر و عناسن آخر فاسن * جنت بقاسن حسن و بهاسن *
 نور و سنان حور و سنان * ذوق و صفاسن دائم و فاسن * تعبیر دایره تقریر ایدکده نه مانه تأثیر
 ایتمکین دین عیسیاه کیروب ملک و مال و اهل و عیالی ترک و محبت حضرت رب متعالی قلبنده برک ایدوب
 زنده اساس اولان برکاسن یلاس ایل تارک اوطان و بی نام و نشان اولدی (فصل عاشم در احوال منذر بن
 نعمان) پدری غایب و غیر آید اولد قده برینه کچوب بهرامی بوتریت ایدوب بعد زمان بر دزدان وفاتی و آنک
 برینه ارد شیرین بایک نسلدن خسروی عجملر تخت کچورد کاری خبری کلد کده بهرام طلب ملک پدر ایچون
 عجمه کیمک دیلد کده منذر قرق بیک عرب عسکر یله یله کیدوب باب ملوک عجمده بهرام فصلانده تفصیل
 اولد بی طریقه بهرام تخت کچد کده منذری انواع رعایتله ولایتنه کوندروب بوتک اوغلی نعمانی کدویه
 صاحبک الیقودی * میرخوانده بر دزدان خبر وفاتی کلد کده منذر اوغلی نعمانی بهرامه قوشوب وافر
 عسکره عجمه کوندردی دیتوب بر قاج سطر اشاعیده مقدما نعمانی اون بیک عسکرله کوندروب در عقب
 اووز بیک عسکرله کندی دخی بهرامله عجمه واروب بهرام تخت کچدی دیو مفصلدر (فصل حادی عشر
 در بیان امودن منذر) اعداسنه غزال ایدوب قبائل عرب بدن اهل شام اولان طایفه غسان اعیانندن نیجه لری
 اسیر ایتدی (فصل ثانی عشر در بیان منذر بن منذر) احوالی معلوم اولدی (فصل ثالث عشر در بیان
 علقمة الذهلی) قسسه و شقا و اعداسنه دائم غزا اوزره ایدی بعض کتیده مذکور کلد (فصل
 رابع عشر در بیان امر القیس بن نعمان) احوالی معلوم اولدی (فصل خامس عشر در احوال منذر بن امر
 القیس) والده می غایت حسن اولوب انک لقبی ماء السعاه اولغین بو کامنذر بن ماء السعاه پدری عاقل کامل
 اولوب اوغلی نعمانه ایتدی بعض نصایح کتیده مذکور در * عجم شاهی قباد من دلد زنده به تابع اولوب منذر
 او مذهب باطلی قبول ایتد کده قباد منذری عزل و قبائل عرب بدن کنده پادشاهی حارث بن عمرو بن حجر
 نصب ایتدی * بعد زمان قبادک اوغلی نوشر و آنک تخت کچد کده من دکی قتل و حارثی عزل و منذری امکی برینه
 نصب ایتدی (جنگ) تاریخ اینجمنده مذکور در که اعظم و قبا عر قبائل تخم و غسانک مرج حلیه
 دید کیری محاربه عظیمه لیدر که ایکی طرفدن یجد و لایعده مر دند و حارث اوچ اولوب مردان نمک آهنک
 ماتدیر و بولنک محکم جنگ ایتدی لکه میدان کارزاردن قلغان غبارده خورشید بر نور مستور قلوب شدت
 ظلمدن یلدر کور و غمکه قلا شوب غرایب امور صدور ایتدی * نزاع و غضب خصوصنه سبب بواید که منذر
 ستوده شمشال ایل قبائل بکر بن وائل ارا سنده سابتدن عداوت اولوب ظفر مبرس اولورسه فلان طاعن
 بشنسن انکمنه دقنه بن روان ایتمک بیا و ایمان ایخش اولغین طایفه بکردن وافر کسینه قتل ایدوب
 عاقبت میمند خانت اولما مقه باعث اولغینون فان او سته صود و کوب طاعن انکینه آقتدی (امور)
 میرخوانده مذکور در که نوشران جلوسنده منذری به حیره به پادشاه ایتد کده ملوک عجمدن خالد
 ابن بطله منذرک ملک کتیرنه عسکر چکوب نوابندن نیجه لری قتل و دوه لرین و بعض مالکین ثوب و غارت
 ایدوب منذر نوشر وانه شکایت ایدوب اودخی قهر و رومله صلح اولد قده واروب دیار بکرده داراورها دیار
 شامده قنسرین و حاب و انطا کیه شهر لرین اوب ضبط ایتدی (فصل سادس عشر در احوال حارث

ابن عمرو بن حمر الکندی) قبائل کنده پادشاهی ایکن عجم شاهی قباد منذری عزل و بونی انک برینه حیره
 ولایتنه و آنچون ملک کتیرنه پادشاه ایدوب بعده نوشر و آن بونی عزل و منذری تکرار حیره به پادشاه ایتدی
 تکیم بر قاج سطر مقدم بیان اولدی (فصل سابع عشر در احوال عمرو بن هند) منذر بن ماء السعاه انک اوغلی
 اولوب پدری کبی والده سینه منسوب اراغله مذکور در شهر اولدی * حضرت خذراعالم صلی الله علیه وسلم بوتک
 زمانده دنیا به کلد در عمرو دیار حجازه و جلالت قبائل نسل * ضربن نزاع دخی حاکم اولوب سلطنتی قوت و شوکت
 یواسیدی * کتب مناقب و مناقبه طائفة الخیونک مفتری و اشرف و اشهری ایکیدر که بری عمرو و حرق
 بری عمرو بن هند در دیتوب * قاموسده عمرو بن هند دخی حرق دیر لردی زیر ابی قیدن دارم قبیله سسندن
 یوز کسینه بی آتسه یا قدی دیتوب بعض کتیده عمرو ایچون قتل اولدی دیو مذکور در (فصل ثامن عشر
 در بیان قابوس بن منذر بن ماء السعاه) برادری عمرو بن هندک برینه کچم شد در سارا حوالی معلوم اولدی
 (فصل نایع عشر) در احوال نعمان بن منذر بن ماء السعاه (قصه عیبه) هر ویدر که نعمان اهل عیش
 و نوش اولوب بر کچه سر خوش ایکن بر مقبول مصاحبتی غضبه طیراغه کوموب ایرتسی غایت پشیمان
 و حارثی بریشان اولوب آخر عمر نه دلد برکون حضور به هر کیم کورسه قتل ایرتسی کاندله عفو و احسان
 ایتیمک بیان و ایمان ایدوب اقلکی کونه یوم بوس ایکنی کونه یوم نیم دیو آدقنوب خصوص مزبور ایل
 اوچیز بیان زیاده عمل ایدوب عاقبت یوم غضبه حکمت اله ایل ناکاه اولاد و عیالنه نفقه ایچون درمان
 ارار بر قیر الحال و عذیم الزوال کسینه راست کوب نعمان انی قتل ایتک دیلد کده واروب اولاد و عیالله
 جلالتوب کاهیم دیوب نعمان کتیل ایتوب نعمانک مصاحبتندن شریک بن عدی آدلو بر اهل کرم کلن
 اکا ضامن اولوب حریف غم ایف کیدوب احساندن مقدم کمال استیصال ایل کوب عهدنه و قایمچون قتلنه
 رضاسنه و ندیم کریمک بویه امر عظیمه بر یلمد یکی کسینه به کفالتنه اجتراسنه نعمان حیران اولوب اول فقیر
 صادق * خفته و افرا حسان ایدوب باعث نفرت و باعث اولان عادتدن دخی فراغت ایتدی * مسحان
 من جیل الصدق و الکرم سببا للاحیات و قضاء الحاجات و رفعة الدرجات (محرره) صدق و اخلاص در
 نجابت سبب * باعث رحمت و رضای رب * رامت اولانک ایشی رامت * طوغر و اقله مراده
 واصل اولور (متفرقات) هر ویدر که عجمه ای شقایق اولان کجک چچکی آل رنگ اواغین نعمان انک
 نظریته مائل اولوب مسکنی قریبده تارلارده اکر دیوب قوپاره و نوردیو قوریدوب و غبت ایتمکین اول
 چچک شقایق نعمان دیکله مشهور جهان اولدی * نیجه مه تیرانده نعمان اوچیز سسندن زیاده یشایوب هجرت
 حضرت رسولان ایکنی سسندنه نعمانی عجم پادشاهی خسرو دین نصارابه کیردی دیو حبس ایدوب زندانده
 وفات ایتدی دیتوب * میرخوانده خسرو نعمانی قتل ایدوب بر بنی ایاس بن قبیسه به ویردی دیتوب *
 کاب الحیسه خسرو نعمانی حضرت روات بوندن بیدی آی مقدم قتل ایتدی دیو مذکور در والله اعلم
 (فصل عشرین در بیان منذر بن نعمان بن منذر بن ماء السعاه) احوالی معلوم اولدی بعض کتیده بونی اصلا
 یازما مشر (فصل حادی عشرین در احوال ایاس بن قبیسه الطائی) عجم شاهی خسرو بهرام چویندن
 قاجوب سلطنتندن مفارقه جزع و یاسله و نایامیدی و یاسله ایاسه اوغرا یوب بودخی خسرو اکر ام بجد و قیاس
 ایدوب بعدد خسرو قیصر رومه و لره شد در تکیم باب ملوک عجمده خسرو فصلانده تفصیلی کچدی * بعض کتیده
 حضرت رسول علیه السلام بوتک زمانده یغیر اولدی دیتوب بعضنده دخی بونی و * کمره اولنلری اصلا
 یازما مشر (فصل ثانی و عشرین در بیان زادویه الهمدانی) کمره ها و سکون میم ایل همدان طایفه عرب بدن
 قبائل اهل یمندن بر قبیله نک امیدر (فصل ثالث و عشرین در احوال منذر المعرووف) که نقطه سحر خرف
 عینله ذر حضرت ابو بکر خلافتنده صحابه دن خالد بن الولید مدینه دن عسکر ظفر مغفر ایل کفار مقرر
 اوزر لرینه سفرا یوب شام و حلب و بعض عمالک عجم و روم و عرب فتح اولد قده حیره ولایتن دخی امانه اوب
 منذری و قومی خراج کسوب ولایت برینه مسلمانلر حکم ایتمک بایشایوب دیده دللری خیره اولان ملوک
 حیره دوات غیره واردی دیو مبتلای حیره اولوب سلطنتلری تمام اولدی * فالجده الله علی ظهور دین الاسلام
 (باب خامس عشر در احوال ملوک کندیه)

کسر کاف و سکون نون اید در قاف و مود مذکور در کاف طایفه کنده نوبن غیره لیدر که بابانی ترک ایدوب
 دایلمی یانه وارد بیچون کنده دیوملقب اولدی کنود کفران النعمه دیکدر (فصل اول در احوال بحر)
 ضم جیم و سکون حایله در ملوک یندن بزین که لالان بن سبا اولادند در طایفه الخیون الارندن حالا
 دیار به کردید کاری بکر بن وایل ولایت غصبله الوب پادشاه اولادند (فصل ثانی در بیان عمرو بن بحر)
 احوالی معلوم اولدی (فصل ثالث در احوال عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف) اهل عزت و شوکت و قدرت
 و مهابت اولوب بزین که لالان بن سبا نسلند در (ضلائل العرب) معتبرانده مذکور در که جمیع قبائل
 عرب قدیم دین قویم حضرت ابراهیم اوزره ایکن کافرت پرست اولمیرینه عمرو مستحق الجزای ادب سبب
 اولدی اصلی بودر که شامه واروب طایفه عمالقه بن مزین صغره طیار لر کوروب صورده فتح و نصر غزوه مت
 و بر کمر نولردند در یوزره سویله کارنده کال حاقندن اول بدنه سادله اعتقاد ایکن انلردن هبل آدلو
 بر صم الوب عربستانه کتوروب کعبه معظمه نک دیوارنه آصوب خانی اسکا طایفردی بعد زمان قبائل
 عربدن هر قبیله بر صم ایدوب بشقه بر آدقوب اسکا طیار اولدیله (اظهار بدع) معتبرانده مذکور در که
 بعض خصوص ایچون حیوانات آزاد ایدوب مرعاله صالوبانی ثواب و من بعدانی قوللغنی حرام عدا یتمک
 و قول و جاریه آزاد ایدوب و لاسن یعنی میراث اسقاط ایتمک که طایفه عرب یوایی قصه به سائبه دیرلر ایدی
 و بر نایقه یعنی دیشی دوه بش کره طوغروب بشنی ارکک اولدقه دوه بی آزاد ایدوب اکا علامت ایچون
 قوللرین کسوب مرعاله صالوبانی یکی قوللغنی حرام عدا یتمک که اول نایقه به بجه دیرلردی مزبور
 عمرو نک بدعتلر دیر کتب حدیثه (اول من غیر دین ابراهیم عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف ابو خزاعه) دیو
 ردخی (رأیت عمرو بن عامر الخزاعی یحجر قصه فی النار و کان اول من سب السوا تب و بحر البجیر) دیوودخی
 (رأیت عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف الخانی کعبه هوله یحجر قصه فی النار) دیو احادیث شریفه یازمیشدر
 تفاسیرده (اعمال القیس زیاده فی الکفر) آیتی معنامنده ابن عباسدن مریدر که طایفه عرب شهر محمدن
 هراستند کاری آیی ایچنده قتل ایتمک تحلیل و انک برینه سائر آیلردن برین تحریم ایلمک بدعتیکه وقتندن
 تا اخیر سبیلده عربجه اکانتی دیرلردی مزبور عمرو نک بدعتلرندند بر بطریقله جمیع شهرورسنه برلورلرندن
 خصوص ازمان حج دختی وقتندن شاشوب حضرت رسول علیه السلام هجرتک طقوزنجی سلنده حجه الوداع
 دیدکری حجه که حضرت رسولک بالذات حج ایدکاری تاریخدر زمان قدیم شرعیسی اولان ماه ذی الحجه به
 راست کلدی (متفرقات) مریدر که قبائل عربدن اولوب سابقا ولایت یمنده سیل عرم ظهورند
 یندن کلان طایفه خزاعه اشبوعه و منسوب ایدیلر بعض معتبرانده طایفه خزاعه قدیمدن مکده اولان
 طایفه جرهمی جبروقهیرایله ولایت یمنه سورکون ایدکارنده عمرو بن لخی بی چله عرب قبیلله ری کندولر
 سردار ایدوب هر نه بدعت احداث ایتمه قبول و تحسین وانی کندولر دین و آیین تعیین ایدرلردی زیر امر مزبور
 عمرو عر بلره اکرام و اطعام و هر موسم حجه لباس انعام ایدردی دیوب تاریخ ابن کثیرده مذکور در که
 جمیع قبائل عرب دین حضرت ابراهیم اوزره ایکن عمرو بن عامر الخزاعی ظهور ایدوب مکدن حکومت و بیت
 الله شریفک خدمتن حضرت رسولک اجدانک الارندن غصبله الدقه عبادت اصنام برالواش و نیجه منکرات
 مقام احداث ایدوب طایفه عرب ایسه جهلا و اغین انلری دین و آیین ایدوب کفره و مشرکین اولدیله ایکن
 عربلر ایچنده دین جلیل حضرت ابراهیم الخلیل اوزره مصر و باقی و مستر قالمش کشته لر جابجیا اکسک
 دکادی طایفه خزاعه از جبر و زایل مکده حاکم اولوب اشبوعه مدت شامت اوزره بکوب بعده اجداد حضرت
 رسول ع ایچنساندن قصی بن کلاب بعض قبائل عرب به او تنیله خزاعه طایفه تنیله جنک ایدوب مک شهر فی
 خزاعه نک الارندن ایدیلر (فصل رابع در احوال زهیر الککبی) چوق بشابوب اعداسیله دایما صواشوردی
 عاقل کامل اولغین کاهن دیوملقب ایدی برکون چوق شراب ایچمکین هلاک اولدی (فصل خامس در احوال
 کعب بن ابی ریمه) سلطاننی قوت و شوکت کتنده اولغین یمن پادشاهنک عسکر یله جنکده انلری منظم
 و نیجه سرتقه منعم ایددی (فصل سادس در بیان زهیر بن العبسی) بعض جنکده قتل اولوب یوندن
 زیاده حلی معلوم اولدی (فصل سابع در احوال قیس بن زهیر) امر و نهی و جدوسی ایدوب اعداسیله

جدال وقتال نصرکه حضرت رب برا کبر بونی هدایتنه مظهر ایتمکین بت پرستلکدن فراغ و عدول و دین
 مبین حضرت عیسیایه دخول ایدوب ترک سلطنت و اختیار عبادت و سیاحت ایددی (فصل ثامن در احوال
 حارث بن عمرو بن بحر) بعض معتبرانده قیس بن زهیردن اشاعیسی یازلیوب اکن تاریخ ابن شحنه ده اول
 ملوک کنده اولان بحر وفاتده برینه اوغلی عمرو کچوب انک دخی وفاتده اوغلی حارث وارث اولوب ملوک
 محمدن قباد حیره پادشاهی مندر بن ماء السبائی عزل ایدوب برینی کنده پادشاهی حارثه و بروب ایکی سلطنت
 جمع ایتمکله حارث قوت و شوکت بولدی قباد لر برینه اوغلی نوشر و انک کده حارثی رد ایدوب مندری
 برینه کچوردی دیوب قاموسده مذکور در که ملوک عربدن بر قاج کسینه محرق لقبیله مشهور اولوب چله دن
 بری حارث بن عمرو ایدی (فصل ناسع در احوال بحر بن حارث بن عمرو بن بحر الاکبر بن عمرو بن معاویه
 ابن الحارث بن معاویه بن کنده بن نور بن مرثع بن معاویه بن الحسانده بن غیر بن الحارث بن مره) تاریخ
 ابن شحنه ده پدیری بونی قبائل عربدن بنی اسد و بنی خزیمه طایفه لر برینه بر اوغلی دخی سائر قبائل عرب
 پادشاه ایددی دیوب لکن کندو حیاتده می ایددی وفاتده نصرکه اولغهی وصیت ایددی بیان اولنمیشدر
 مشهور عالم اولان امر القیس شاعر بونک اوغلیدر قاموسده قبیلله بنی اسد دن کامل نام کسینه امر القیسک
 پدیری قتل ایددی دیومذکور در (فصل عاشردر احوال امر القیس) مشهور دنیا و افصح و اکمل جمیع
 شعراء عرب عرب بالاولان شاعر ماهریم متا بودر پدیری بحرک برینه پادشاهیکن نوشر و انک حقدی حارثی
 ولایتندن سوروب یو طایفه نک دولتری منقرض اولدقه امر القیس تفرق انصار و اعوان ایچون احزان
 فراوانله قیصر رومه واروب بعد زمان دیوب کورکن برروایتده بولده انک وریده وفات ایدوب اکن اکثر
 نوار یچنده بر طریقه قیصر رومک قزیمه عاشق اولوب بلند کده قاجوب قیصر بوکا انجوب زهر لوقه شان
 کیدروب بولده بدنی چور یوب هلاک اولدی دینشدر بر مریدر که فصاحت و بلاغتی حدنمایتی بکیمین فصحا
 و شعراء عرب بو کانسلم و تعظیم ایدوب حتی عبرت و خیرت و سجده تکریم و تحیت و رعایت ایچون کعبه
 معظمه نک قاپوسنه آصد قری سابعه معلقه دیو مشهور دنیا و اصل درجه علیا اولان یدی عدد قصیده
 بلایقه نک بر بسی بونک ایدیکه مطلبی بودر (نظم) قفائیک من ذکر ی حبیب و منزل * بسقط الاوی بین
 الذخول و غومل (فائده) اتفاق آراء عقلا اوزره جمیع طوائف عرب ایچنده اشبویدی قصیده دن ابلاغ
 و افصح بر قصیده دیغامتیکن حضرت رسول قرآن نازل اولدقه عظماء بلغاء عرب قرآن عظیم الشان باهر
 البرهانک کمال بلاغتنه و انواع علامتنه حیران و سرگردان اولوب شدت تجلتلرندن قصیده لر کعبه قیوسندن
 ایشدروب پنهان ایدیلر (حکایت) بعض کتبنده مذکور در که حضرت رسول علیه السلام
 سورة اذا زلزلت نزول ایدوب صحابه به بونی اوقوده لرند امر القیسک همشیره سی انده اولغین یار رسول الله
 برادر ملک شعرنی سزه اوقیاسیم دیوب اجازت اولدقه بوشعری اوقیدیکه (نظم) اذا الساعة
 اقتربت مالها * وزلزلت الارض زلزالها * قر الجبال علی سرعة * کسر السحاب ثری
 حالها * و تفتط الارض من نفعه * هنالك تحدث احوالها * و تفک ما دمت
 احضرت * و لوزرة کان منقلاها * یحاسبها ملک عادل * فاما
 علیها و اما لها (نثر) بوشعر مقبول مسجوع حضرت
 رسول اولدقه (قائل الله امر القیس سید
 الشعراء فائدهم الی النار لقد نطق
 بالوحی قبل ان یزل) دیو
 پیور مشاعر

(بسم الله الرحمن الرحيم)

الحمد لله الذي فتح الالسنه ليعلمها ويوحده * وخلق الامكنه ليعبد فيها ويجمع * وفرق فرق البرايا لتعبر
الاقطار والزوايا * والصلاة والسلام الايمان * على حبيبه المرسل الى كافة امم الانس والجان *
وعلى آله واصحابه وعترته واصحابه الذين نصر وامنته بخلوص القواد * ونشر وامنته الى جميع البلاد (اما بعد)
قسم ثامن كتاب مرآت الكائنات اولان اشبه او راق فوائد سمات * باعث اختلاف السنه ولغات * ومورث
افتراق جلائل قبائل باقطار كائنات * واسامي واحوال امم عالم * از زمرة بنى آدم يائنده اولوب همان ابكى بابه
توزيع لكن باب ثاني بكمري درت فصله تفريع اولينش در * وما التوفيق الا بالله هو حسي ولا اله سواه

(باب اول در سبب اختلاف لغات واقتضائهم بكائنات)

بوايكي خصوصه بعد التبع الا وفرظفر بوانان معتبرات تفاسير وثورار يخوسير بر صبرده متعلق نظر بعد احقر
اولان روايات صحت اثر بوندر كه بلور بريندر بختان نامى غير مقرر اولين جمله سى محرر اولدى (روايت)
تاريخ ابن خستنه ده مذكور در كه اولاد نوح بنى عليه السلام طوفانند نصكره چو غلوب بتمش ابكى فرقه اولوب
تكرار طوفان اولمى خوفندن ولايت بايلده جمع اولوب خاكدن افلاكه در حصار استوار فلان وارينا سنه
قول وقرار ايدوب هر بر فرقه ايجون بر برج يابدر قلنده جمله سنك سويلشدر كاري لغت بر ايكى هر فرقه
بر درلودل سويلوب عابر بن صالح بن ارغشند بن سام بن نوح عليه السلام انله فارشامعين حق تعالى
آنى اسان عربى اوزره باقى قودى اولاد نوح دنيايه طاعلوب سام بن نوح اولادى هندستانه وارنجه عراق
وفارس ولايترينه * سام بن نوح اولادى جنوبده مصر ومغرب طرفلرينه * يافت بن نوح اولادى
مشرقده ولايت چين يمنه واروب نوطن ايدوب قسمة تبديل السنه رغوبن فالخ بن عابر بن صالح طوغدنده
ظه ورايتدى (روايت) كتاب مستظرفده مذكور در كه دنيايه ابتدا ياملان بنا نمرد اكبر بن كوش
بن حام بن نوح عليه السلام بايلده بجر داحمال طوفان ثانی ايله طاش وياقردن كر بجلله يابدى صرحدركه
ارتفاع بش يك ذراع ايدى بر كجه كوكدن غایت هيتلوصداوندا كلوب غضب الله ايله ناكاه صرح بيقلوب
دهشتدن جمله خلق غنى اولوب شاشوب ديللرى طولاشوب اختلاف السنه ولغات ظه ورايتدى (روايت)
تفسير لبابده ومهالم التزليده حضرت ابراهيم آتسه اتان نمرد بن كنهان اخق كمال ضلالت وغايت
جهالتندن كو كه جقمق ديدلده ديار بايلده ابن عباس قولنجه ارتفاع بش يك ذراع كعب قولنجه ايكى فرسخ
يعنى اون سكر يك ذراع بر صرح منيع وقصر رفيع يابدروب بعده غضب رب قهار اكبر ايله باد صر صراسوب
صرحى بيقوب باشى دريايه باقمسى نمرد ايله قومك شهرى اوزرينه دوشوب اكثر بن باصوب هلاك
ايدوب باقيلرينك خوفندن ديللرى طولاشوب بتمش ابكى درلودلقت سدا اولوب اندن اول خلقك ديللرى
سريانى ايدى دينوب اشبوروايتده تفسير قاضى وكنافنده (وقد ذكر الذين من قبلهم فاقى الله بياتهم
من القواعد فخر عليهم السمعة من فوقهم) آيتنده وتفسير لبابده (وان كان مكرهم لتزول منه الجبال)
آيتنده ابن عباسدن مفعلا مرويدركه صرح بيقلده نمرد ايله قومك اوزرلرينه بيقلوب جمله سن هلاك
ايتدى دينوب كن تبديل السنه ظه ورى ذكر اولغامشدر والله اعلم (روايت) يته لبابده سبب
اختلاف السنه ده اولان اقوالك برى بودركه امر الله ايله ناكاه بريل اسوب خلق ديار بايله جمع ايدوب اولاده
برى بررلر سنك ديللرين كلابوب بعده يته بريل اسوب خاقى طاعدوب هر طائفة بر درلودلقت سويلكه
باشلدى (روايت) يته لبابده بر قول دخی بودركه حضرت نوح ييمبر طوفانند نصكره اروعورت جمله
سكسان آدم له كيدن حيقوب بر يوزنده ابتدا بر كوى يابوب اسمعى سوق الثمانين قوديلر * بر كون صباح
اويخودن فالقوب حكمت عقله هر كس برافت سويلدى كتاب خيسده بوروايته موافق مذكور در كه
اولاد و نسل نوح عليه السلام نوحه نصكره شهر موصوله ساكن اولوب ديللرى مريانى ايدى حضرت
رب العالمين بنياد بلا دايه تهمير روى زمين ديلكيق بر كجه بونلرك ديللرينه وقليلرينه مغايرت ومخالفت
دوشوب ايرنى هر فرقه بر درلودلقت سويلكين بايلدن حيرت وغربت وكر بت ايله حيقوب هر فرقه بر ولايته
دوشوب انده نوطن ايدوب نهميره باشلوب اول ولايت انك اسميله مشهور اولدى (روايت) يته لبابده

سبب اختلاف السنه ده قول صحیح کعب الاحبار دید و کیدر که ابتدا عربی و سریانی و سائر دیلار به
 کتاب یازوب جمع لغاتک هر برین ابتدا سوبیلین آدم پیغمبر علیه السلام در بوضوح (و علم آدم
 الاسماء کاهنا) ابی دلیل قاطع و برهان ساطع اولوب (و علم آدم الاسماء کاهنا حتی القصعة والقصة)
 حدیث شریفی دخی صراحتله شهادت ایدر دینوب بهینه لباب و تفسیر کبیده اصحاب تأویل دیدیلر که
 حضرت آدم جناب حقن معلم اولمغین ادا ای مخلوقاته و جمیع السنه و اغانه واقف و عارف اولوب اولادی
 دخی جمیع لغاتی سوبیلوب آدم پیغمبر و فاتده بونلر هر بر فرقه می بر ولایت کیدوب بر رفت مخصوصه
 سوبیلوب و روزمان و کور و آوان ایله یوما فیوما سائر لغتلی اوندوب دائما استعمال ایتدکاری لغت
 معینه لری اوزره قالدیلر دیومذ کورد و الله اعلم بما لهم و اعلم

(باب ثانی در اسامی و احوال ام عالم از بنی آدم)

بو عبداحقر و ذره کثر اشوب باب ثانی فوائدها تساهه بکری درت فصل باهر الفضل صحیح الاصل درج و انلری
 نیجه گایند جمع و ترتیبده بی حد سعی و همت خرج ایتشد که اصحاب فهم باهره بعد التمعن الکلی ظاهر
 و پدید اولور (مقدمه) اولام معلوم اوله که دور شریف الطور آدم مکرم علیه السلام در و اشوب عالمده
 اولان طوائف ام حددن بیرون و عددن افزوندر * زیرا کتاب کثر الامرا درده بعض علماء متکلمین
 انواع کفر ضالین چو قدر حتی کافر لیدی یوز فرقه اولنلر در دیوب * قوار یخده مذ کورد که بر یوزنده
 انس و جن و یا جوج و ما جوج و شیاطیندن غیری یکن در لوامت دخی براد لوب در تیوزی قراده التیوزی
 در یاده در دیوب * کتاب خریدن الحایده کار نایعیندن سعید بن المسیب عالم یکن عدد در التیوزی در یاده
 در تیوزی قراده در دیوب * بحسبک عالم یوز بکری سکر عدد در التشی لباس یکن اجناس ناسدر
 باقیلری لباسدن عاری اولوب خالق و بار یلرین دخی باز لردوب * مقاتل بن حیان عالم سکمان بیکدر
 نصی قراده نصی در یاده در دیوب * مقاتل بن سلیمان اگر عوام احوالی یازیم بیکر و ر قلوبیک جلد
 کتاب اولور دیوب * کعب الاحبار عدد عوام حضرت حقن غیرک معلومی دیکدر دیوب
 * قتاده جلد دنیا بکری درت یکن فرمندر * ابن ایکی یکی زبکی عربلر که بکری یکی روملر اوج یکی
 عجمک و دیار چین اتر کنک و یکی جمیع قبائل عربک و لاتر لیدیوب * قتاده دن بر روایتده دخی اون ایکی
 یکی هند و سند سکر یکی یا جوج و ما جوج یکی روم یکی عرب مملکت لیدیوب * فوایح مسکیده ده
 دخی الله تعالی یکن امت برادوب التیوزی در یاده در تیوزی قراده اولوب هر برینک بر در لودیل و اردر
 دینوب و یاده دخی بعض قال و قیل و کلی تفصیل بو کتابک جلد اولی اولنده عدد عوام مخلوقده که کمدندر
 نظر اولنه * پس ام عالم اگر چه قابل حد و عدد دیکدر لکن * مالا لیدرک که لا یترک که مضبوط نیجه اشوب تاریخ
 مفید و مختصر که بعون الله الملك الاکبر جامع جمیع مهمات کتب قوار یخ و سیر ایدوکی مقرر در ذکر ام
 بنی ادمدن بالکلیه خالی اولماق ایچون ایچلرندن بین الجمهور غایت مشهور اولنلری ظن غالب ایله ترتیب
 و زمان ظهور لری اوزر معنی الوجه المطبوع بیانلر نه شروع اولندی (فصل اول در احوال امت سریانی)
 معتبرانه مذ کورد که اقدم ام عالم بونلر در زیر حضرت آدمک و اولادک و طائفه صابیه نک لسانلری
 سریانی ایدی اگر چه آدم علیه السلام بر در لولفت یلوب اکثر اولاد و نسلنه او کردوب ایچلرنده اول لغتلی
 سوبیلور ایدی لکن اکثر یاسو یلشد ککری خصوصاً عوام ناسک دیلاری سریانی ایدی * شیت و ادوین
 و نوح و بمضار قوا نیجه حضرت ابراهیم و لوط و یونس دخی علمهم الصلاة والسلام جلد سریانی ایدیلر
 بنی اسرائیل ظهور یکنه دلانلرده سریانی صکره کلنره عبرانی دیرلر * تفسیرده مذ کورد که لسان سریانی
 عربی به نوع بکری دی مثلاً ابراهیم لفظی سریانی اولوب معنای ابراهیم اولمغین حضرت ابراهیم دخی جلد
 عالمه بوجه مطبق رحیم و مشفق ایدی (حکایت) معتبرانه هر ویدر که طوفان حضرت نوحه دک
 جمیع بنی آدم همان ایکی فرقه اولوب بری اولاد شیت بن آدم علیه السلام ایدلر که طاعنلرده ساکن و جلد می
 مسلمان اولوب اکثر جالری خوب صورت و ناولری بد شکل ایدیلر * ایکنی فرقه اولاد قایل بن آدم
 علیه السلام ایدلر که مزبور قایل برادری هایلی حسد و ظلم قتل ایتد کده کند و سبله اکثر طوفان

همشیره می اقلیمایله مر دود و مطر و اولاده یمنه واروب انکله زنادن اولان اولادی چو غلوب جلد می
 کفرا اشرار و عبده نار اولمشلردی * بونلرک عورتلری خو بروی اکن کدولری بد شکل و بد خوی اولوب
 صحرارده شهر لر یابوب هر شب و روز ساز و سوزایله انواع فسق و فجور ایدلر دی * اولاد شیت حضرت آدم
 و صیتله بونلر قار شیموب کمال مباحثت و منافرت اوزره ایدیلر * بعد زمان اغوای شیطان ایله اختلاط
 و امتزاج و اندماج و ارتباط ایدوب بری برلندن قیز نک کا حلوب نملاری قارشوب یلدلری بارشوب
 مزاجلری الشوب اولاد قایل چو غلوب ربع مسکونی ضبط ایدوب خیلی زمان کچد کده حضرت نوح
 بونلری طقوز بوزاللی بیل ایمانه دعوت ایدوب عاقبت غضب حق ایله جلد کفرا طوفانه غرق و انسان
 جنسندن همان سکسان نفر مسلمان کی به شوب بقررتلوب انلر دن فرق اولدیلر تنکیم باب حضرت نوحده
 تفصیلی کچه شد در معتبرانه مذ کورد که آدم پیغمبر حیاته قایلدن ماعداسا سائر اولادی و انلرک نسلی
 جلد بر ملت و دین اوزره اصحاب صلاح و ارباب رشد و فلاح اولدیلر بیچون ملائکه کرام جلد مسلمانلر
 صورت انسانده کورینوب مصالحه و سلام ایدلر دی * حضرت ادوینس کوک چکله یمنه دل حال بوموال
 اوزره ایدی حضرت آدم و شیت و ادوینس و نوح شریعتلری و احوال نسل و ذریلری جلد اولده هر برینک
 با یلرند کچمت در نظر اولنه که جلد می سریانی ایدیلر (قوائد) فوایح مسکیده ده السنه و لغات یمنش ایکنی درک
 افضل عربی اولوب جتده جمیع اهل جنت انکله سوبیلشد کاری مقرر در علماء دین قننده ثابته اولان
 صور رسمیه ییوز قلدلر زیر آدم علیه السلام بیدیوز در لو لغتله تکام ایتشد در انک افضل عربی در
 خبرده کلدندر که حق تعالی آدمه جنت مر سینهندن اوزرنده حروف معجم یازوب بکری برورق ایزال ایدوب
 هر ویدر که آدم کتابت مراد ایند کده اشکال و صور سمیات حروف قوالب نورانیه ده متشکله و متشکله
 اولوب بو حالت پر غرابت آدمک خصایص و کرامتلرندر * تاریخ ابن خلکانده جمیع کتابت ام
 شرق و غرب اون ایکنی درک کتابت عربیه حبیره یونانیه فارسیه سریانیه عبرانیه رومیه قبطیه
 بر بریه اندلسیه هندیه صینییه در دینوب * کتابت عربیه دن غیری جمیع لغات اقلامک حروفی
 ایچد هوز حرفلری ترتیبی اوزر در سریانی و عربی و مغلیدن غیری جمیع لغاتک کلماتی ترکیله یازلیوب
 حروف مقطعه ایله یازلور و لسان سریانی و عبرانی و عربی و غیره کتابتک سطرلری صاعدن صوله یازلور
 لسان قبطی و یونانی و رومی کتابتی صولدن صاغه یازلور و حروف تخیی مسهلرینک تلفظنده عربی و سریانی
 مایتنده نوعا مشابیه و مناسبت و اردر * مثلاً ایچد هوز حرفلری لسان سریانیده بودجهله اوقنور که
 الف بات جیم دالت های و او زای سات طات یوت کاف لات میم نون
 شمتک عافا صادی قوف راش شاین ناو نو خاذیل ذاطاغا لکن اشوب الفاظک صور
 و اشکالی اول اغتده بواسطه یازلیوب اشکال رمل بکزر و اندن اغرب بعض صورتلر اوزره کتابت اولنور
 دیومذ کور اولوب مزبور صورتلر بالتمام اند یازلندر (فصل ثانی در احوال امت صابیه)
 بو طائفه نک تعریفنده کانی اختلاف اولنوب تاریخ ابن کثیرده بونلرده صرده اهرام لیدی ککری عظیم بونلرک
 او چخ پیسنده مدخون اولان صابی بن شیت پیغمبره مذهب اولدیلر ایچون صابیه دیومذ می اولدیلر بونلر
 دین و آیینلرین شیت و ادوینس علیهما السلام دن الوب ادوینسه مذسوب بر کابری و ایدیکه ایچنده
 صداقت و شجاعت و غریزه مرحمت و بعض اشراف اوصاف و اوصاف اشراف ایله امر و زنازل اخلاق
 و شمانلندن نهی اولنوب هر کون بیدی وقت نماز قیلرلر دی * بری وقت ضعی ده و بری کچه نک التخی ساعتده
 بشی دخی امت محمد نمازلری و قننده ایدی * جنازه نمازین دخی قیلوب کچه نک ربعدن ابرتسی اخشامه دک
 صوم اوزره شمسیه حسابجه ییلده اونوز کون اورج طو قوب کونش حل بر جنه و اردینی کونی بیرام
 ایدوب شرق زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد در بر بیراملری دخی و ایدیدی * ولایت شامده شهر
 حران قر بنده بر مکان مخصوصه حج ایدوب بنی آدمدن ملائکه افضلدر دیواعتقاد ایدلر دی * بونلرک دینلری
 اقدم ادیان اولوب اکثر خلق جهان اومده ایدیلر تدر یجله نیجه بدعتلر ضم اولمغین چوق زمانده صکره
 ابراهیم پیغمبر لندی جلد می ابطال ایدی * صکره کلان جمیع انبیا و ائم مات و دین قویم حضرت ابراهیم

اوزره اولوب نهایت بعض احکام شریعتیه امر حقه نوعا مغایرت واقع اولمشدر فواجح مسکیده علم طلسمانده ابتدا تکلم ایدن طائفه صابئیه در دینوب میرخوانده صابئیه بر طائفه در که کندورین شینه منسوب وانک نبوته اقرار ایدوب ایچلرنده بر کتاب وارایدیکه یوزیکری سوره اولوب اکاز بور اول دیرلردی دینوب *تفسیر قاضیه مذهب صابئیه نصاری و مجوس مایتنده ایدی بعضر قولنجیه اصل دینلری نوح پیغمبر دینی اوزره اولوب بر روایتده ملکه یا خودیلدزلره طیارلردی دینوب *تفسیر لبایده صابئیه یهود و مجوس مایتنده آتش پرست بر طائفه در که مجاهدایله ابوحنیفه قولنجیه اهل کابدن دکل ایدیلر * بعضر قولنجیه توحید خدا ایدوب کتاب زبور اوقیوب کعبه یه قارشوغاز قیلوب ملائکه یه دخی عبادت ایدوب هر دیندن بر قاج نشه جمع ایتلشدی * بعضر قولنجیه یهود و نصاری مایتنده بر طائفه در که باشلرینک اورناسن تراش و ذکرلرین بالکلیه قطع ایدرلردی * بعضر قولنجیه بر طائفه ایدیلر که حالا بالکلیه منقرضلردی * بعضر قولنجیه حضرت ابراهیم پیغمبر قوی ایدیلر که یلدزلره طاوب انلر کسدانیون دیرلردی دینوب * بعضر کتیده ابراهیم پیغمبر طوغدینی بابل ولایتی خلقنه کلدانیون حران شام جزیره ولایتلری خلقنه کسدانیون دیرلردی کواکب سبعة سیاره و بعض اصنام عبادت ایدوب قطب شمالی یی قبله ایدینوب عالمک خالق و مدبری نجومدر دیرلردی دینوب *تفسیر کیمیرده کسدانیون و کلدانیون ایکی مذهب اصحابی در که بعضری حق تعالی عالمی برادوب کواکب نجومی صلا و دعایه قبله ایدوب انلر تعظیم ایکن امر ایتدی دینوب * بعضری دخی افلاک و کواکب و جله عالمک خالق الله تعالی درکن دنیاده خبر و شرف و نعم و مض و سائر جوهر و عرضده تقدیر و تدبیر ایدن کواکبدر پس انلرک تعظیمی انسانه واجد در دین حضرت ابراهیم بوجه نک مذهب برضاللرین رد و ابطال ایتدی * دینوب تفسیر ابو السعود برخلنده کلدانیون زمان سابقده بر قوم ایدیلر که کواکبه طاوب انلری مدبرات عالمدر دیرلردی حق تعالی ابراهیم پیغمبری اوج فرقه نک مذهبلرین ابطاله ارسال ایتلشدی * بری صابئیه در که افلاک و نجوم لذواتها واجبه الوجود در دینوب * ایکنی عبده اصنامدر که افلاک ایچون اله در دینوب هر بر نکلت اسمنه بشقه صورت دوزوب طیارلردی * اوچینی شونلدر که افلاک و نجومک خالق واردلرکن تدبیر امور عالمی انلر تعویض ایتلشد در دیرلردی دینوب * برخلنده دخی صابئیه ایچون بعضر آتیه طیارلردی دینوب بعضر آیه کونیه طیارلردی دینوب * بعضر نصارادن بر طائفه ایدیلر که انلردن آیرلوب قیلر جولالز کیرلردی دینوب * بعضر یهود و نصاری دینلرینک هر برندن بعضر نسملر اوب برینه قارشو دروبانی کندولره دین و مذهب ایدینوب عالمک ایکی اصلی واردلر که بری نوروری ظلمتدر دینلرینلردی دینوب * برخلنده دخی طائفه صابئیه نک شرع حکمی و حلالی امام اعظم قنده اهل کتاب حکمی کیدر * امامین قنده صابئیه ایکی فرقه در بری زبور اوقیوب ملائکه یه عبادت ایدوب بری کتاب اوقیوب یلدزلره عبادت ایدوب ایکیسی دخی اهل کابدن عداوتلرلردی دینوب * تفسیر جلایلنده صابئیه یهوددن نصارادن بر فرقه اولوب امام شافعی قولنجیه نصارادن بر فرقه در دینوب * کتب فقهده امام اعظم قولنجیه صابئیه اهل کابدن اولوب زبور اوقیوب کواکبه عبادت ایتیب لکن بر قبله یه تعظیمی استقبال ایتدیکمز کبی کواکبه تعظیم ایدیلر امامین قولنجیه کواکبه عبادت ایدوب کابیری اولیوب عبده اصنام مقوله می دیرلردی دینوب * کنز الاسرا ده اولان اقوات بری دخی بودر که بعضر قولنجیه صابئیه بر طائفه در که لاله الا الله دیوب بوندن غیری امور دینییه دن اصلاحیه بر بنیه ایلد مقید اولازلر والله اعلم بالصواب (قائده) تفاسیرده مذکوردر که اصول جمیع ملن و ادیان بر دین اسلام جهان (ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئین و النصارى و المجوس و الذین امنوا کوا الله بصل بینهم یوم النیامه فیما کانوا فیما یخلفون) آیتی دلالتی اوزره همان الی عدد اولوب بری دین اسلامدر بری ادیان کفار ایتلدر که دین یهود دین صابئیه دین نصاری دین مجوس دین مشرکیدر * شیو ادیان ستمه متوجه ایتلندن هر بر طائفه دخی متفرق و فروع دینده غیر متفق اولمغین مسلمین و نصاری و یهودلر هر بری یش ایکیشر صابئیه و مشرکین و مجوس دخی نیجه فرقه ل اولوب بوالی عدد ادیان عظیمه دن هر برینک ایچنده نیجه طائفه و مذاهب مختلفه پیدا اولدی والله الهادی الی سواء السبیل

(نکته) دهر یون و طیبه یون و سوفه طائیه و ملاحده و زنادقه که انلرک هر بری عالمک خالق و صابئی بو قدر همان هر بری کیندودن موجود اولوب پس عالم مخلوق اولوب قدیمدر دینوب حشر و نشری دخی انکار ایدرلر خصوصاً فلاسفه و حکما و براهمه که وجود باری تعالی یه مقر و مصر اولوب لکن شرایع وادیانه کیمی حاجت بو قدر دینوب کیمی مر اجبت ایتیب مجربدر عقول قاصره و آرام خاسره لرینه اعتماد و جمیع امورده همان عقل وافی کافیدر دیواعتقاد ایدوب ایتیا و شرایعه انقیاد ایتلشدی * اشو فرق ناحق سائر کفارندن اجهل و احمق اولمغله الحق زمره اندن عدوانیوب بهایم و جادانه ملحق اولمغین * اصناف کفره بشدر دینوب ذکر اولنان اصناف بی انصاف حق انصاف کفارندن دخی عدوانیوب دایره انسانیه یه دخیولاری رد و صد و اول باب بالکلیه سد و شد اولمشدر (فصل ثالث در احوال قبطیان) بو طائفه قبط بن حام بن نوح علیه السلام نسلندن ایدیلر * تاریخ این شعبه ده قبط ایله فرنک قوط بن حام اولادندن ایدیلر دیومذ کوردربل السنه ظهورنده حام کندوسی یا خود اولادی مصره واروب قوطن ایدوب نسللری چوغالادی جمیع قوم قبط صابئیه دینده اولوب اصنام و هیاکله طاوب علملری طلسم و فنارنجانده و سیمیا و کیمیا و جحرده ماهر اولنلر ایدی بو طائفه نک پادشاهلری احوالی مفصلا کچمشدر نظر اولانه فرعونک قومی دخی قبطدن اولوب حالا دخی ولایت مصر خلقینک نیجه می ورعایاسنک اکثری قبط نسلندلر بعضر کتیده اهل مصر آتیه و صغله طیارلردی دیومذ کوردر حالا دیار رومده چنکانه دید کاری طائفه یه دخی قبط دیرلر غالباً قبط طائفه سنک بهایمی نسللریدر والله اعلم (فصل رابع در احوال امت فرنک) قوط بن حام نسلندن ایدیلر مرور زمانله امت فرنک طوائف متبیده و فرق غیر متبیده اولوب بجهل می کفار ایکن هر فرقه نک بر مستقل دین و آیین باطللری وارد حضرت عیسی نبوتده نصرکه اکثری دین نصاریه کیروب لکن یهودیلردن بر مکار و حیل کار بونلرک بر قاج فرقه لرینه بری برینه مخالف انجیل شریف نسخه لرین یازوب و ربوب ارالرینه جدال و قتال بر ایتلدر شکیم باب احوال عیسایه صیب تغییر دین نصاری سرچلنده یازاش در او سیدن اسک نرطوائف فرنک اصلده نصاری و اهل انجیلندن اولوب لکن کابیری ناهموار اولمغین احکام دینده خصوصاً امور عرفیه و عبادت دینییه ده اکثر اختلاف و افتراق و عداوت و شقاق اوزره دیرلر مملکتلری جزایر و دریا کارنده اولوب و هر برنده بلاد معصومه کثیره القری اولوب هر فرقه نک مستقل پادشاهلری وارد بو طائفه نک اخلاق و اوصاف و اکثر احواللری معلوم عالم اولمغین تفصیل اولمغدی (فصل خامس در احوال امت عجم) که بونلره فارس دخی دیرلر شم فاکسون را ایله فرس دخی دیرلر * فارس بن ارم بن سام بن نوح علیه السلام یا خود فارس ابن ارم بن سام یا فارس بن لاو دین سام نسلندن اولوب * تاریخ این شعبه ده مزبور فارس جد طائفه عمالقه اولان عمیلک برادر دیرلر دینوب * شرح مشرقده فارس بر قومدر که فارس بن علم بن نوح نبی یه منسوب ایدیلر دینوب بعضر قوم فرس یافت بن نوح علیه السلام اولادندلر دینوب * هر ویدر که بو طائفه بر کیمو مرث اولادندلر دینوب اتی آدم پیغمبر کبی بشقه اصل صاحب نسل اولمق زعم فاسد ایدرلردی شهرزور ولایتده اولان طائفه کوردو ماوراء النهر ایله ولایت چین اطرافنده کی ترک و تاتار طوائف فرسدن معدود در دیشلر * جمیع طوائف عجم قدیمدن صابئیه دینده ایکن ملوک عجمدن کشتاسب زمانده زرداشت دعوی نبوتله بر دین باطل ایجاد ایتد که جله عجمی آتش پرست یهودی ایتدی * شکیم باب ملوک عجمده کشتاسب فغانده کچمشدر * خریده الجبایبده بلاد فارس قدیمدن معمور اولوب بیلک عده قریب شهر مشهوردر که شهر چیچونه منتهی اولور جله سنه ولایت ایران دیرلر زبیرا سابقاً ملوک عجمدن فریدون اوغلی ابرجک ولایتلیدی چیچونک اونه طرفی که ماوراء النهر دن چین و هندستانه منتهی اولور ولایت ترکستاندر که سابقا فریدون اوغلی تور و لایتری اولمغین توران دیرلر * طائفه عجمک ظهور دین محمدین اولان سلاطینی احوالی مفصلا کچمشدر * حالا معلوم اوله که قبل الاسلام جله عجم کفار ایکن عدل و خفاده عقل و ذکاده لطف و حماده و اکثر کالات سنیه انسانیه ده طائفه عرب بد نصکره افضل جمیع امم عالم ایدیلر * اکمل و اکرم جمیع طوائف بنی آدم اولان عرب نایاب عجم نالشار و مدر سائر فرقه لر بومرته به وصولدن محرومدر * طائفه عجمک دین محمدی

ظهور زند نصکره شرح شریفه متا بعثتاری و علوم شریعه به اجتهاد و تعلیم و تعالیه کثرت خدمتاری
 و علمای آن وقت عبادتاری و انواع حالتاری قابل تغییر و ممکن فقر بر او ایوب بنیجه علما و محالاری طوائف
 عربی علیه استند که کتب مذاق حلاف بر شرف مطالعه اولیجه بواسطه قوم مفصل معلوم اولمز کتب
 حدیثه (لو کان العلم معلقا بالثر یا الثا و له قوم من ابناء فارس) دیو بر حدیث شریف ذکر اولمز و تفاسیر ده
 (ان یسأله یکم ایا الناس ویات باخرین) آیتی نزولیده رسول علیه السلام سلمان فارسی نیک اوقه سنه
 مبارک الیه اوروپ (انهم قوم هذا) دیوب یعنی آخرین من اوطانقه بمرد دیوب (یا ایها الذین آمنوا
 من یرتد منکم عن دینه فحوف یا فی الله یقوم یحکم و یحیونه اذله علی المؤمنین اعززه علی الکافرین یجاهدون
 فی سبیل الله ولا یخافون لومة لائم) معنای سنده دخی اشبو آید که قوم من اوطانقه اهل بندر زرا
 رسول علیه السلام بندن اولان ابوموسی الاشعری به اشارت ایدوب (قوم هذا) بیوردیلر دیوب بعضار
 صحابه نیک نصی اولان طائفه انصار در دیوب بعضار بمرد زرا رسول علیه السلام بندن بونلر کیلدر
 دیو و در لاقه سالک امور زینه مبارک الیه اوروپ (هذا و ذروه ولو کان الايمان معلقا بالثر یا الثا لرجل
 من ابناء فارس) دیو بیوردیلر بعضار قبیله خمدن ایکی بیک قبیله کندودن بش بیک سائر ناسدن اوج بیک
 کسند که حضرت عمر زمانده ولایت عجمده بخاریه فارسیه ده عظیم جنگلر ایشلردی دیش
 دیومذ کوردور هجرت حضرت رسولین بر قلج یوزیلر مکره عظیم تفصیل محتاج وجهله طائفه عجم ایچده
 مذهب روض و شیعه بیدا اولوب تدریجه اروق هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و سلم طقوز یوز
 بشنده شیخ حیدر اوغلی شاه اسماعیل سلطنتیه طائفه قزلباش اوباش ظهورنده مذهب روض کفر فاش
 دیار عجمده شایع و منتشر ذایع و منتشر والی الان مستقر و مستمر اولدی اهلک الله الرافض و المحدثین
 و ما تراعد آل الذین یحرمه محمد سید المرسلین صلی الله علیه و علی آله و صحبه اجمعین یارب العالمین (فائده)
 نیجه معتبرانده مذکور در که مقتدای ناس حضرت ابن عباس صحابه خاص رضی الله عنهما طائفه عجمدن
 اصلا یغیر گامشدر دیش (فصل سادس در احوال امت کرد) بعضار شهر زور و ولایتده کی اگر ادخی
 طوائف عجمدن در دیوب قاموسک بر محله طائفه کردل جدی کرد بن عمرو مزین بن عامر ماء السجادز
 دیوب بر محله دخی جاوان اگر اددن بر قبیله در که بغداد قرینده شهر حله ده ساکن اولمز در دیوب نیجه
 معتبرانده مذکور در که عجم پادشاهی خجاکان آموزنده یلان شکنده بتان چبانک و جعن تسکین ایچون
 تعلیم شیطانله هر کون درت قر آدم قتل اولمز و بینلری میهم ایدوب بوحاله نیجه یوزیلر بکوب
 بعده وزیر جدید شفیق و اهل رأی سدید اولغین ایکی قیون ینیمه ایکی آدم ینیسن فارشدر و ب هر کون
 خفیه ابکیشر محبوس قور تارمغین خلاص اولمز طاعله ساکن اولوب بوحاله دخی در سوز یا خود
 بدیوزیلر بکوب قاجقونلر اولادی چوغالوب عاقبت فریدونی کندولر سردار و خدا کی قتل ایدوب
 طائفه کرد اشبو قاجقونلر تسلیمدره حالا طائفه اگر آدم وصل و دیار بکر اطرافنده بشقه اسمو بشقه حا کلو
 قبائل و عشائر کثیره شهر اولوب بعضاری مسلمان و سنی بعضاری مسلمان صورتیده کیکی رافضی
 کیکی شیعیدر کیکی دخی سیاه کلبه طیار کفار در لکن اکثر اگر اد دین و آیین ایه مقید اولیوب حیوان
 مثال آنلر و شرب و قتال و جیدان اید بکنورلر تفصیل حالاری معلوم اکثر ناس اولغین بیان اولغدی
 (فصل سابع در احوال امت اترک) قاموسده طائفه ترک حضرت ابراهیم ینیمه ترک قنطورا اولمز خاقونلر
 با جاده سندن اولان اوغلار بیک بری اولادندن اولغین ترک کره عربلری قنطورا دخی دیرلر دیوب
 لکن جمیع معتبرانده یازلیدی اوزده یافت بن نوح علیه السلام نسلندن اولوب بجه و لایه طائفه متخالفه در
 اکثر بیک دیلری موافق اولوب لکن هر فرقه نیک مستقل حا کلری وارد اهل ولایت چین و اهل ولایت
 ما چین و اصناف تانار لجه بونلر ندره تفاسیرده طائفه ترک اصلده با جوج و ما جوج قبیله لردن اولوب لکن
 انلر دائما فشق و قتل و فسادا چسکین بونلر انلر فارشیوب بلکه دائما نصیحتلر ایدوب حضرت ذوالقرنین
 غامی کورب اوغلارده اوغرا دقه جله خان با جوج بندن شکایت و بونلر صلاحیه نهاده ایچکین سد
 بابوب با جوج و ما جوج ایچورده اترکی طشرده قویوب طشرده کی ولایتلری بونلر قایل ایددی دیوب

خریده الحجامیده بونلر ایچلردن مشهور اولان فرقه لری خرخ نیش خرخیز تغز غز کیمال جاجان
 انکش ترکس قیچاق خلیج بلغار غز ایددی دیوب و عربجه غزید کیری ترکلر اوغوزید کیریدرینه
 تفاسیرده امام سدیدن ضروریدر که ترک طائفه با جوج و ما جوجدن اولوب سدیابلدقه مقدم بعض
 ولایت غارسه چقمش بوندلر بچون ذوالقرنین انلر مقید اولیوب طشرده قالدیلر جمیع طوائف ترک
 انلر نسلدره قتاده دن دخی مرویدر که با جوج و ما جوج بکیری ایکی قبیله ایددی بکیری بر بیک اوزلرینه
 سدیابلوب بری ترک اولمز یعنی طشرده قوغغین ضم حرف تالیله ترک دیو مسیحی اولدیله بینه خریده ده
 اترکدن طائفه خزار لجه دیار مغرب اراسنده اترکدن درت امت وارد که عربجه اسملری بخی یجود یحناک
 ابو جرد اولوب هر بیک بیک بشقه پادشاهلری وارد بجه می اصلده بر کسند نیک نسلدر و هندستانه چین
 اراسنده خراسان مر جزدنده اولان بت ولایتده وافر شهرلر اولوب دیار اترک اودر اطراف عالمه مسکن
 اندن کاور دیوب و عربی قوار یخنده یاز یلان بر طاش ایل لان اکثر طائفه لری دخی اترک کندر قاموسده
 طائفه خزر باب الابوابه یعنی دسور قیو ولایتده ساکن ایدیلر دیوب ترک ایلر هنددن مخلوط هیاطله
 آدلو بر طائفه و ارایدیکه نوشروان عادل انلری جله قتل ایددی دیشلر جمیع قبائل اترکان کیکی آتسه
 کیکی کونشه کیکی از دره نایه طیارلر اولوب بونلر احوال لری حددن بیرون تفصیل محتاج اولوب
 اوائل ظهور لری باب حضرت نوحده اولاد یافت احوالنده بجه شد نظر اولنه حالا ولایت اناطولیده و روم
 ایلمده اولان طوائف اترک اشبو فصلده ذکر اولنان طوائف اترک نسللردن اولوب دیار رومده دین اسلام
 ظهور اید کندن نصکره دیار عجم و ترکستانده انواع قننه ظهور ایتکین متفرق زمانلرده فرقه ترک وطن
 ایدوب ولایت رومه کلنلر نسللریدر (فصل ثامن در احوال امت تاتار) که بجه و شمار طائفه در
 بر فرقه سنه ضم میم و غین ایلر مغول دیوب کونشه طیارلردی اترکدن طائفه کیکیا کیکیا غالباً بونلردر
 زرا انلر دخی کونشه طیارلر جمیع طوائف مغول و اکثر تاتار ماوراء النهرده اولوب ولایتلری قرغانه
 شاش کاشان کاشغر و دیار چینله دیک بعض کلنلردر و فرخار آدلو بر شهر لری وارد که خوبلر بیک حسن
 بن بدلی عجمده ضرب مثل اولنور اکثر ممالک اسلامییه بی خصوصاً بغدادی خراب ایدن چنگیز خان و انک
 اوغاسنک اوغلی هلاکو و انلر لجه عسکر لری طائفه مغولدن ایدیلر و انلر حلاله یار شرده اوز بیک دیک کاری
 تاتارلر و چغتای تاتارلری و دیار کفه معنده اولان ولایت دشت قیچاق تاتارلری و نوای تاتارلری و کیچه
 باش و آق قیونلو و قره قیونلو طائفه لری سدیابلر با جوجدن طشرده قتل قبائل اترک نسللردن اولمز قن اولنور
 والله اعلم (فصل تاسع در احوال امت چین) بونلر دخی قبائل کثیره اولوب اترک بفسندن ایدیلر
 اهل عقل و عدل و تدبیر و اکثری صنعت تصویر و نقشده بی نظیر اولوب نقاشان جهان بونلر نقشلرینه
 حیران اولورلردی علم نجوم و طلسمات و نارنجیات و رقی یعنی افسون و عزایده کامل عالمی و ارایدی
 اشبو امت بجه طائفه متخالفه اولوب کیکی کونشه کیکی صغره کیکی یوک ییلانله طایوب کیکی دخی
 آتش پرست مجوسی ایدیلر و ولایتلری بحر هند ایلر سدیابلر با جوج اراسنده اولوب طولی اوج آلیق عرضی درت
 آلیق و جله سنک دوری آلیق آلیق بول اولوب آلیق عدو ولا بیدر که هر برنده برر مستقل پادشاه و بری جله سنه
 باش اولوب اکا خاقان دیوب کویا ملوک مسلمینده خلیفه مقامنده اولوردی و اوچیز عدد معده و شهر
 مشهور لری اولوب ایچلنده التون معدن وارد اهل چین باشلری نیوک یوزلری بعضی بیلری قصه اولوب
 بعضار بیک دیلاری سربانی بعضار بیک دیلاری اختلاف اوزده در دیدیلر و ولایتلر ندره ضدل و کافور و آتش
 و رازند و نیجه لطیف ندره و عجیب و غریب حیوانلر اولوب انده کیچه و کوندز دایما بر ابر در بحر محیطظه
 متصل طرفنه چین و ما چین دیرلر (فصل عاشر در احوال امت در بند) اشبو ولایت عربجه و فارسیجه
 در بند و باب الابواب و باب الحدید ترکیجه دسور قیو دیرلر شروان قرینده در * خریده الحجامیده اشبو ولایت
 کوهستان اولوب جبل قین آدلو بر کوه بلند قاف مانده در که نیجه کونلر بره اوزانوب انلر اترک لری ایه ابواب
 دیرلر اشبو طاعله و اترک لری و بحر الرنده و اوچیز عدد شهر مشهور وارد که هر برنده کی طائفه نیک لسانی
 مستقل و سائر نیک لسانته مشابه و مماثل د کدر اول ممالک عسیره المساکدن بعضار بیک امامی بیدر که

(۱) مملکت شروانشاه (۲) مملکت کر بویکیسی غایت واسع مملکت اولوب نیجه شهرلری و کویلری واردر
 طائفة کر بیج و ولایت کشته لر در که جمله سی کافر جاحد و سرکش و معانددر (۳) مملکت لاید انشاء
 (۴) مملکت و قانیه (۵) مملکت دودانیه خانی اخیت ناسدر (۶) مملکت طبرستان (۷) مملکت حیدان
 (۸) مملکت عتیق (۹) مملکت زرنکوان (۱۰) مملکت جندخ اون ایکی سیک عدد قریه سی واردر دیشلر
 (۱۱) مملکت لان (۱۲) مملکت انجبار (۱۳) مملکت خرویه (۱۴) مملکت طحا خلقی باغیلر و طاغیلر در
 (۱۵) مملکت ضاریه (۱۶) مملکت شکی (۱۷) مملکت صعالیک (۱۸) مملکت کشتک نسا ورجالی
 حسن و جالی کالی بولوب اکثری یوزر یاشنه واردر دیشلر (۱۹) مملکت سنج بلدان که عریجه بدی شهر
 دیکدر (۲۰) مملکت ارم اشویکری عدد مملکتک بهضنده عجایب و غراب اولدیغنی بیان ایتیشلر
 دینوب وار یخنده مذکور در که باب دیدکری یری نو شروان عادل یابوب منانت بنیانله مشهور جهان
 و خارج دائرة ییساندر غایت محکم اولتی ایچون بناسنک بالچقن کول و کرج و آلجی و عریطه آغی و بعض
 اجزایله قارشدروب دریا طرفنه برسد مشید یا مشدر و الله اعلم (فصل هادی عشر در احوال امت روس)
 یافت بن نوح علیه السلام نسلدن اولغنی باب احوال نوحه یکدیوکی اوزره برادری خزر و لایتک اطرافنه
 کلوب ایلمی کوندروب بونک ولایتنه قرار ایدم چکن بر ایستیوب خزر دخی آب و هوای خوب بر جزیره یی
 اکا مسکن تعیین ایتکین روس جمله اولاد و اتباعیه انده وطن ایتدی حالا روس و مسکو طائفة لر
 انک نسلیدر و لایتلی بلغاریه صقالیه اراننده کمال وسعت اوزره جانب شمالیه اولوب اکثری
 کوهستان اولغنی داغاقیش اوزره اولوب طاغلرنده سنجاب و مور و قاقم و غیری چوقدر طوطوب در یلرین
 کورک ایدوب کیر و صتارلر بو طائفة مور زمانه غایت چوغالوب تاریخ ابن کعبه ده بونلر نسا رادندر
 دینوب لکن خریدنه طائفة روس اهل حق و عناد اولغنی شرایع الهیه دن برینه اعتقاد و خلاف
 جنس لرن بر پادشاهه انقیاد ایتامشلر در و لایتلرینه وارن غریب و مسافری قتل ایدوب او مملکتلر ده
 انصر ایام همان اوج یقین ساعت اولور و التون معدنی اولوب او مملکتلری عظیم طاغلر احاطه ایتشدر
 دیومذ کوردور حالا اولایتلری کورنلر قتل ایدر که پادشاهلری سفره کتدیکه یوز ییل مقدار تغلک
 انداز قازاق یعنی بهادر عسکر ایله کیدر بو طائفة نک اکثر حالاری معلوم عالم اولغنی تفصیل اولغدی
 (فصل نانی عشر در احوال امت صقالیه) که بونلر حالا روس ایلنده و چه دیدکاری کفار طائفة لریدر
 صقلاب بن یافت بن نوح علیه السلام نسلدن اولغنی عریجه بونلر صقالیه دیرلر باب احوال نوح
 علیه السلام یکدیوکی اوزره منور صقلایک اولاد و اتباعی چوغالده برادری روس ولایتنه واروب
 وطنه مکان ایستیوب اودخی بریز تیکدر سزه وفا ایتزدیو عذر ایتدکده صقلاب برادری کجاری ایله خزره
 واروب مسکن ایستیوب و برمد کارنده صواب چکنده صقلاب صینوب اقلیم سابع اردنده قیسی محکم
 بر بره دوشوب زیرزمینده اولر یابوب ساکن اولدیلر (فصل ثالث عشر در احوال امت یاجوج
 و مأجوج) تاریخ میخواننده یافت بن نوح علیه السلام اوغلی منشجک یاجوج و مأجوج آدلوا یکی
 اوغلی اولوب اولاد یافت اطراف عالمه طاغلده بونلر دخی مشرق ولایتلرینک چاق نهایتنه واروب ساکن
 اولوب اولاد لری غایت چوغالوب عدد حصی بیحد و احصا اولدیلر مرویدر که بوجله اوج قسمدر که
 بعضلرینک طول و عرضی یوزیکر بیشتر ذراعدر بعضلرینک طولی اوقدر در اکن عرضی دخی اکسکدر
 بعضلرینک بر فارشدن فرق ذراع و اریجه بوماینلر ده بویلی اولوب اشبو اوچنی حمله قولقلری غایت
 سیولک اولغنی قیل کوش و کلیم کوش دخی دینوب قیل و کدن و یرتیی جانور لری طوطوب لر ککندو
 میلرین دخی دفر ایتموب بیکه معتاددر اکثر طعاملری کچی بونیوزی میسیدر که اودیارد غایت چوق
 یرتیه یاجوج و مأجوج اصلا دین و شریعتلری اولوب هیچ برنسنه به طاعیوب حق تعالی یی
 یابوب همان حیوانات کچی کزدر دینوب خریدنه الجاییده دخی یاجوج و مأجوج یافت بن نوح
 علیه السلام نسلدن یکی برادر ایدیلر دینوب چوغالوب بداعلاری امیله مشهور اولدیلر یوزلری
 مدور قلمری بر یا اوچر قارش اولوب قولقلرینک برین دوشوب برین اور تورلری بارمقلرند

قوش قینانی کچی طرغانی و آغزلنده یولک آزدیشلری اولوب بدنلری پرموی اولغنی اسی و صوغنی کار
 ایتز بو جمله بدن اهل فساد اولوب قتل واکل عباد و غارت بلاد ایتکمه معتاد اولغنی حضرت ذوالقرنین
 بونلر ولایتلری آغزلنده ایکی عظیم طاغ اراننده دمورایله باقردن بر محکم سدابوب خلقی بونلر شمرندن
 قورناردی و احیاناً کوه چکیلان آذرهار بونلر ولایتلرینه براغلوب غدارلری اودر زمانی یکد کده
 احتسایه چیقار کچی جمع اولوب دعا ایدرلری برلر به جدال و قتال ایدوب ولایتلری بحر محیطه منتهی
 اولوب بر صحرالرنده لیل و نهار طور میوب قدرندن نارینار دینوب و تفاسیرده یاجوج و مأجوج
 بر طائفه و هر یری در تیز یادرت ییلک طائفه در غایت چوق یابوب ایچلرندن هر یری سلاح کوقور
 ییلک نفر صلی اوغنی کور میجه وفات ایتز بعضلر یاجوج ترکدن مأجوج جیلدن یاد ایدندر دینوب
 بعضلر ایکیسی دخی ترکدندر دینوب بعضلر ترک بونلر جنس دندر زریا بونلر یکری ایکی فرقه اولوب
 بر فرقه سی مددن طشره قالمغنی ترکدیکله معنی اولدیلر دینوب و تفاسیر سیرده حضرت ابن عری یاجوج
 و مأجوج برادرین قتل ایدن قایل بن حضرت آدم نسلیدر دینوب و مقاتل دخی دیشدر که جمیع طوائف انسان
 کثرته تقدیر ایتسه یاجوج و مأجوج طقوز اوقدر و مشرق و مغربده اولان جابلقا و جابلصا شمرلرینک خلقی که
 بریسی بقیه قوم هود علیه السلام بریسی بقیه قوم صالح علیه السلام نسلدندر کثرته طقوز یاجوج
 و مأجوج قدر در انلر اردلنده اولان تارس و منسک نام ایکی طائفه که یافت بن نوح نسلدندر طقوز
 جابلقا و جابلصا قدر دینوب بونک تفصیلی باب صالح علیه السلام بیکه شددر کلاب معارج النبوه ده
 حضرت رسول صلی الله علیه و سلم لیله معراجده یاجوج و مأجوج اوغره یابوب ایمانه دعوت ایتدکده
 اول ملعونلر قبول ایتوب جابلقا و جابلصا خلقنی دعوت ایتدکده بونلر قبول ایدوب منسک و تاویل و تاریس
 خلقنی دعوت ایتدکده قبول ایتدیلر دیو بر حدیث شریف مرویدر نیجه معتبرانده یاجوج و مأجوج
 ایکی امت و هر یری درت ییلک فوجدر و جمله سی اوج نوعدر یری دوه کچی سیولک اولوب بویلی چام اغاجی کچی
 یوکسکدر یری طول و غرضده یوزیکر بیشتر ذراعدر که بونوعه طاغ و دمور قارشو طور میوب بری دخی
 بر قولقلرین دوشوب برین اورتوب قیل و خنزیریان جانورلرین حتی کند و میلرین دخی برلر دیو بر حدیث
 شریف مروی اولوب بروایتده بدنلری حیوانات کچی قیلاو و یرتیی جانورلر کچی کسکین طرناقلو آزدیشلو
 قوردر آواز لو انسان صورتلو اولوب بیه چکاری یو چکار جانورلر تمساحلر دهال اولوب هر ییل در یادن
 تمساح چیقوب بر روایتده صحرالردن ییلانلر کلوب اتی برلر بروایتده امر حقه بر یوات کلوب اندن
 بونلر ولایتلرینه غایت سیولک ییلان اینوب بر ییله دل بونلر اتی ییوب قتله و قایلدر بر دانه ییلان ایتدکده
 خط اولوب ایکی ایتدکده اورته حال اوج ایتدکده غایت اوجوزاتی اولور دینوب و عجایب المخلوقاتده
 عریجه کسرتا و نون و تشدید نوله تبین دیدکری آذرهار که بالی قسندندر آغزلنده کوندر کچی او زون و قیل
 کچی کسکین دیشی اولوب کندوی غایت اوزون خرما اغاجی کچی و کوزلری قان کچی قزل و آتش کچی براتی
 و اغزی غایت سیولک اولوب حیوانلری بو طیفه فی جمیع حیوانات بر و بچر اندن قورقوب غایت قوتلو اولغنی
 سرکشله دریا قوج ایدوب ایتد حالنده آ زغون ییلان اولوب قراده کی حیواناتی ییوب انجندکده امر حقه
 بر ملات اتی در یاه آتوب انده دخی بالقری ییوب غایت ییوبوب موزی اولدنده یته بر ملات اتی قاپوب
 یاجوج و مأجوج ولایتنه اتوب انلر طوطوب لر برکسنه اوزنلنی ایکی فرسخ یانی انسان کوده سی بالی
 بر جانور کوردیکه هیبتی و صفدن خارج ایدی بروایتده یاجوج و مأجوجک بیه چکاری بر درلوقوری
 اوندر که عربستانده دخی یتردیومذ کورددر (فائده در خروج یاجوج و مأجوج در آخر زمان)
 معتبرانده بونلر سد ذوالقرنینی هر کون قازوب کوش ضیای کورندکده بروایتده دیواری دیلار یله یلاوبوب
 یورطه قیوخی قدر یوققه قالدقه ریشلری دونک کیده لم یارین کلوب قازوب طشره چیقالم دیو کتدکارنده
 الله تعالی سدی اولکی کچی ایدوب دجال چیقوب هلاک اولدقندن کیره یته ریشلری یارین ان شاء الله
 قازمه یز دیوب ان شاء الله دیدکار ییچون سد دیواری حالی اوزره طوروب ایرتسی تمام ییچوب طشره چیقوب
 مک و مندیته و قدس و مضرده طور طاغندن غیری جمیع دنیای کزوب بولقلری خلقی قیرو ب ایتدالری شامده

آخری پان خراسانده اولوب طبریه دکنی ایچوب صکره اوغره یا لر زمانه بونده صورایش دیوب بواناده
حق تعالی عیسی پیغمبره کوندروب قولری طور طاغنه ایلنوب انده حفظ ایله که قولرمدن بر طانقه
جیقارده که هیچ کسسه انده فار شو طوره مز دیو یورر او دخی یوزنده کی جله مسلمانله طوره واروب
یا جوج و ما جوج قدس طاغنه کلوب یوزری خلقی قیردی کول خافتی دخی قیرمه دیوب اولرین کوکه
آتوب حکمت حقه فانه بولاشمش ایند کده موینوب بعده طوره مسلمانری محاصره ایدوب شدت خطدن
بر صغر باشی یوز فلوریدن مقبول اولوب دفع بلایه حضرت عیسی دعا ایتمکین اوکیجه بونلرک یونلرینه
صاقر غلر یا شوب جله می اندن هلاک اولوب مسلمانلر طبریه جیقوب یا جوج و ما جوج کاشلری و قانلری
و بد راحه لری دنیای طو توب عیسی ایله مسلمانلر دعا ایتمکین امر حقه دوه کبی یولک و شولر کلوب هر بری
بررلشی کونوروب کیدوب بعده پیغمبر و یا غوب دنیای پال ایدوب مسلمانلر بونلرک اوق و یای و ترکشلری قیدی
یله دکل اودون برینه یقارلر بعد زمان جله مسلمانلر وفات ایدوب یوز ییلد انصکره کافر لار و سته قیامت
قوباره بعده قیامتده آدم پیغمبره یا آدم ذر ییکدن بهت نار چقارد یوامر پرود کار اولوب یارب بهت نارنده در
دید کده اولاد کل یل نفرندن طقوز یوز طفسان طقوزین جهنم ایچون افرازیله دینوب هر ییک نفرندن
طقوز یوز طفسان طقوزی یا جوج و ما جوج اولوب انلر جهنمه کوندرلوب باقی قلان ییکده بردانه می
سار اصناف بنی آدم اولسه کر کدر دیو بر قاج مفصل حدیث شریفلر مذکور در قصه یا جوج و ما جوج
اغرب حکایت اولمقین اولندن آتینه دکل یازلدی (فصل رابع عشر در احوال امت هند) بونلر
هند بن حام بن نوح علیه السلام نسلندن اولمقین ولایتی دخی انکله مسیحی اولدی مر ور زمانه بونلر بید
ولایتد فرقه اولمشلر در برسی با سوبه درکه آتیه تعظیم واجلال و زبانی استخلال ایدوب صغرله طیارلر
بری عوبده درکه جلهلا و بدنه اولوب حیوانات بوغازلیوب یکی و مطلقه عورت نکاح حلتی و مال جمع
ایتمکی حرام اعتقاد ایدوب بدنلرین آتش کوبله مسیح ایدرلر اهل هنددن نیجه فرقه کیمی ~~کونه~~ کونه
کیمی آیه کیمی صغره کیمی آتیه کیمی بر مخصوص ییکار سوبینه طیارلر کیمی محبت نارایله میمند و وار
کندولری آتیه کیمی دخی صوبه اتوب کندولرین بوجه ناصواب مورث العذاب ایله هلاک ایتمکی ثواب
صانورلر بر فرقه به دخی راحمه دیرلر که علماء سائر ناس بلدکارینه بعض برلده مخالف وجهه علم افلاک
و نجومده ثابت ماهرلر درلرکن دیاده هیچ بونلرین برکسینه پیغمبر اولامشدرلر بر عقل کافیدرانلر حاجت
یوقدر دیوب کافر اولمشلر دررک عمالت هند غایت جوق اولوب اعظمی ملنکر درکه بحر لان کارنده درانلرک
مسلمانلر قرب اولان ولایتی و اهل هندلر قدیدن تختکاهلری شهر قوجدرکه انده قدیدن و مونات آدلو
بر مشهور صنم مرصع و مصنع اولوب بیک باره معهور و وقف کویلی و کیدسا ستک نیجه یوز خد متکاری
وارایدی ملکولر غزوه دن سلطان محمود اول دیرنی خیر برضری بیقوب تفصیل غز او ماجرای انک فصلنده
یکمیشدر ~~مر~~ ویدرکه اکثر هند سائر نامدن زیاده یثابوب و اکثری اذکیا و عقلا اولوب ایچلرنده
بید حکم و علم اکسندرکه علوم عجیبه راسرار غریبه ده کابلر یازوب برسی کیناش حکمه درکه علم نارنجانی
ایجاد ایدوب سکر یوز فرق ییل یثامسدره بری دخی صصه بن داهر درکه ملاک شهرامه علم تدبیر و حکومت
واحوال جنکی تعلیم ایچون شطرنج ایجاد ایددی بری دخی برزویه حکیم ایدیکه پادشاهی ایچون کلیه و دمنه
کابن تألیف ایدوب لسان حیواناتدن فصاحت و تدبیرات و انواع کالات کوستردی ~~ترکی~~ ~~هوا~~ یوتشامه
انک فارسیسی ترجمه میدر ~~معتبر~~ انده جله دنیای دی اقلیدر اولکی هند ایکنی حجاز اوچنی مصر
در دخی بابل بشنی روم و شام التخی ترکستان بدنی چیندر هر اقلیم طول و عرضی طقوز یوز فرقه
دیشلر بعض ~~کسبده~~ اولکی بابل و عجم ایکنی هند و سنده و سودان اوچنی مکه و حجاز و یمن
در دخی مصر و آفریقیه و اندلس و دیار بربر بشنی شام و روم التخی ترک و خزر و مقابله و دیلم
بدنی چین و دیلمدر دینوب و احوال هندستان تاریخ مستقل و اقعه متدل اولمقین تفصیل بحال اولدی
(فصل خامس عشر در احوال امت هند) ولایت سنده هندستانک جانب غریب سنده در بونلر ایکی قسم
اولوب بری ولایت لاند منصور و دیلمدر که حالا اکثری مسلمان ایملر ~~ایکنی~~ ولایت کشمیر خلقیدر که

عبده اصنامدرلر جمع اهل سنده حام بن نوح علیه السلام اوغلی سنده نسلندن اولمقین کندولری و ولایتی
بوانله مسیحی اولدیلر و الله اعلم (فصل سادس عشر در احوال امت حبش) که حبش بن حام بن نوح
علیه السلام نسلندن اولوب بونلرک اکثری حالادین نصاری اوزره در ولایتلری ارض حجاز مقابله سنده
بحر قرنم کارنده در قدیدن پادشاهلرینک لقبی نجاشی اولوب تختکاهی که بر آدلو شهر در هلال اولان
اصحاب فیل بونلرین ایدیلر شکیم باب ملوک یمنده یکمیشدر آنخر زمانده بو طانقه که به مکر مه بی یقه
کر کدر شکیم آنخر باب عیسی علیه السلامده یکمیشدر ~~حبش~~ حبش جوارنده اکثری حالا مسلمان اولان
ولایت زبایع خانی مسلمین و صلحا و متقین اولوب متن کتر شاری امام زبایع حنفی انلرند بر طانقه نک
رنک رولری حبش یلسیه لغندن اککدر (فصل سابع عشر در احوال امت سودان) یعنی غایت سیاه
عر بلر بو جله حام بن نوح علیه السلامک زنج و نوبه آدلو اوغلاری نسلندن اولمقین کندولری و ولایتی
زنج و نوبه ایله مسیحی اولدی بونلر بعد ولایتد طانقه متخالفه و پادشاهلری بشقه در بو جله نک کیمی
آتیه کیمی ییولک ییلانلر کیمی صغره طایوب ولایتلرنده التون معدنلری غایت وافر اولوب زنجسز
حاصل اولور ~~مر~~ ویدرکه اکثر لرندن نیجه مرچان کبی بردن التون بوب مایراق اوزرینه جیقوب
قال ایتمکه احتیاج اولمز پادشاهلری مراینده التون بیتوب او بو جک اولمقین کا جابجا حلقه ل ایدوب
آنلرین آتیه باغلرلر ولایتلری مصرده افان نمرینلک جانب جنوبیستده در ~~سودانک~~ بر فرقه می
طانقه ارغمانه درکه ولایتلرینه اشجیر طوز باقر کیدوب التون ایله صاقون اولور ~~بر~~ فرقه می دخی نوبه درکه
ولایتلرینه بیجا و دیور پادشاهلری تختکاهلری شهر دقله در او ولایتده نیجه معهور شهرلر اولوب مصرده
صعید ایلندن اونه در قدما دن لثمان حکیم و صحابه دن بلال حبشی حضرتلری و دخی مهجع مشایخندن
ذوالنون مصری نوبی عر بلر اولوب خیر السودان ثلاثه اقامان و بلال و مهجع دیو بر حدیث شریف وارد
بر فرقه سنده دخی زغاوه دیرلر برینه دخی نیجه دیرلر که مانند حیوان عریان کزوب صغره طیارلر برینه دخی
دمادم دیرلر که سودان ایچلرنده بونلر تانار کبی نمب و غارته و انواع خسارته معنادلر در بیجه ایله نوبه اواسنده
سوداندن بلیون آدلو بر فرقه حضرت عیسی ایچون حاشا ابن الله دیوب نصارادن درلر سودانک بر فرقه می
دخی ولایت دهم خلقیدر که حیوان کبی عریان کزوب برلرین بیوب بر عورت صورتیه طایوب غیری حاله
مقیدد کلدره بر فرقه می دخی طانقه زنجدرکه ولایتلری ملک سنده مقابله سنده در جله می بت برت اولوب
صغرله بنکین پادشاهلری اوچیز بیک صغره بنر عسکر ایله سفر ایدر بلاد و قراری معهور اولوب وافر التون
معدنلری وارد ~~بر~~ فرقه دخی تکروردر که ولایت مصره یقین اولوب نمرینلک غریب سنده در ولایتلری ایچنده
التون جوق اولوب طیارلر کبی بترا کاتیدیشور اطرافه انکله تجارت ایدوب مصره وافر کتورلر صافی
بیتوب قال اولمغه حاجت یوقدر حالا جله تکروریلر نشرع و متورع مسلمانلر اولوب جله می مالکی المذهب لدر
پادشاهلری عدل و داد ایله ضبط بلاد ایدوب هر ییل حاجیلری مصردن مکه به نیجه واروب کاهی بعض
پادشاهلری دخی ج ایچون مصره کاورا سائلری کاغیوب البینه ترجانه محتاجدر ~~سودان~~ نسل کارنده
کاتم ولایتلر دخی اکثر خانی مسلمان و مالکی المذهب لدر ~~نوار~~ یمنده سوداندن بر فرقه وارد که قدرت خدای
جل و علا ایله اصلا باشلری اولیوب کوزلری آموزلری اومشده و آغزلری کوکس لنده بید ولایت
کسندر اولوب اکن خقه ضررلری طوقیز دیوب ~~تقاسیر~~ مطاع شمسده عریان ~~کزن~~ سودان دیناده
اولان جمیع طوائف بنی آدمدن چوقدر دیو حضرت بن عمر بن مرویدر (فصل ثامن عشر در احوال
امت کنعان) تاریخ ابن کهنه نک بر رنده بونلر کنعان بن ماریع بن حام بن نوح علیه السلام نسلیدر دینوب
بر رنده دخی و کتاب قاموسده کنعان بن ام بن نوح نسلیدر دینوب بعض کتیده کنعان بن حام بن نوح علیه
السلام دیومذ کوردر ~~مر~~ ویدرکه تایل السنه ظهورنده کنعان ولایت قدس و شام اطرافه واروب توطن
ایندی ~~سابقا~~ حصن نمرودا اکبری بناید نلرک بری دخی بودر ~~بعد~~ زمان حضرت یعقوب طانقه کنعان پیغمبر
اولوب مصره کیدنیجه ایچلرنده متوطن اولمشدی ~~قاموسده~~ طانقه کنعانیونک لغتلی لسان عربی به
بکزر دی دیندر ~~تاریخ~~ ابن کهنه ده طانقه کنعانه پادشاه اولنلرک لقبی جالوت و حضرت داودک

قتل ایدوکی بزنگ امی کلیزایدی دینوب * کن تفاسیر و غیره جالوت عاتقه پادشاهی ایدی دینوکنه مخالف کور بنور والله اعلم (فصل تاسع عشر در احوال امت بربر) قواریخده حام بن نوحك بر بر آدلو اوغلی وارایدی دینوب * تاریخ این شخصه ده اصح بودرکه بونلر کنسایوندن ایدیلر جالوت قتل اولند قنده ولایت مغربه کیدوب انده ساکن اولوب چوق قبیله اولدیلر بجه دن بری کانه درکه بعد زمان ملوک قاطمیه نك دولتری ظهوره بونلر معین اولدیلر بری دخی صنهاجه درکه ملوک افریقیه ایدیلر بری دخی زیانه درکه ملوک قاس و نلسان و سلجماسه ایدیلر * بری دخی بر عواطفه در طائفه بر بر صحرارده ساکن اولنده قبائل عرب کیدر لسانلری عربی اولوب غریب و ثقیل و مرعته تسکام اولوب اصلحروف و کلماتی فهم اولنر دینوب * خریدده طائفه بر بر سوداندن نیجه فرقه اولوب عرب محضر لر در ولایتلرینه الواحات و غرب ادنی دخی درلر مصر ایله ولایتلری اراستنده بر عظیم طاع و اردر وافر کویلری اولوب ولایتلری غایت اسیدر جله اول قوم قوملور لرده ساکن اولوب انده عجایب و غریب وارد دینوب قاموسده بر بر ایکی طائفه در بری مغریده بری حبشه و زنکیلر ولایتلری اراستنده ساکنلر در جله سی قیس غیلان نسلندن یا خود نموده جبر قومندن ایکی طائفه درکه برینه صنهاجه درلر برینه کامه درلر برینه پادشاهی افریقیه ایله مغربه واروب بونلر انده قالدیلر طائفه بر بر لافرن نام بر قبیله لری دخی وارد دینوب کشفان طیبی حاشیه سنده مذکور درکه عربیجه کثرت کلامه بر بر درلر افریقیه مغربه واروب بو طائفه به غزا ایدکده کلاملرینک کثرت و دوله سن ایدوب بونلر بر بر دیو آدودی (فصل عشرین در احوال امت بنی اسرائیل) حضرت یعقوب اکبی اسرائیل اولوب معنای عبدالله دیکدر بونلر انک نسلندن اولغین بنی اسرائیل دیکله و حضرت موسی علیه السلام طوره مناجاته کتد کده بونلر بوزاغویه طایوب حضرت موسی کد کده توبه و رجوع ایدکدر یحیون یهود دیکله مسیحی اولدیلر * جله سی اون ایکی نفر اولاد یعقوب علیه السلام نسلندن اولغین اون ایکی فرقه اولوب هر برینه عربیجه سبط فلان یعنی یعقوب اوغلی نك اوغلی دینوب جله سنه اسباط دبرلر ایدی * حضرت یعقوب یوسفله ملاقاته شهر مصره یتش ایکی نفر اولاد کور و انانیله واروب بعد زمان بونلر چو غلوب فرعون در تیوز ییل سلطنتده بنی اسرائیلی استخدام و تزییل ایدوب کیمی طاعلر دن طاش کوب کنور مکدن آموزلری پاره لوب کیمی نجار کیمی ارغاد جفا کار کیمی دمورچی کیمی کریم کیمی اولوب غایت بی طاقت اولنلری هر کونلک خراجه کوب اختتامه دلور مکده قادر اولیانلرک الله بنی بوغازلرینه باغلیوب بر آیه دلک باغلو کوردی * خانولری ایسه قوم قبط عورنلرینه کتان اکیروب جلاهلک و انواع خدمت ایدرلر دی * در تیوز ییل کوب بعده موسی یغمبر جله بنی اسرائیل مصرده جمع ایدوب بیروخته اولان و اوغلان و عورتدن غیری جنکه قادر ادمدن ابن مسعود قولنجه التیوز ییل و یتش ییل ابن عباس قولنجه التیوز ییل و بشیوز یتش بدی نفر ایله و اون ایکی کره یوز ییلک در یلر یله بر کیمجه مصردن حقیقوب ابرنسی فرعون اردلر نیجه کلوب بونلر در یایی کوب فرعون عسکر یله غرق اولدی یعنی بعده جله سرکند شتری انبیاء بنی اسرائیل بابلر نده غایت تفصیل اوزره یکمتر در بو طائفه نك کند و ذات وصفاتلرینه متعلق احوال مخصوصه لر نك بعضلری بونلر درکه حضرت موسی اشیا و اون ایکی فرقه نك هر برینه بر رقیب یعنی بلوک باشی دیکوب موسی دنسکره دخی بو ترتیب جاری اولوب * فروضده هر فرقه بشقه لکن جله نك پادشاهی لر برکسته اولوب ایچلرندن بحکمه الله نبوت نسل لاری بنده قویه سلطنت نسل یهود این یقه و به مخصوص ایدی * میر خواننده نسل حضرت یعقوب بن یتش ییل یغمبر کدی دینوب * معتبر انده اسباط نصکره کلان جمیع انبیاء و مرسلین انلرک نسلیدر و الا یوب و شعیب و یونس و حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دیومذ کوردی * هر ویدر که بنی اسرائیلده علماء و صلحا اکسک اولوب سائر لر ایلیا و علماء و کلاملرینه اکثر یا مخالفت و عناد ایدوب اهل حق و عرد و حیل و مکر و تفاق و قسه و فساد و شقاق بر طائفه خانقاه بی اتفاق ایدیلر شرفر عوندن و ضرر در یادن بعض لطیف حقه نجایات بولدرلر نك عقیده فکر الله ایل و تمهار عبادت لایده چک برده مزین صفا طیار کفاردن بر طائفه کورد کارنده آکا امرنوب (یاموسی اجمل لاناها کاهم آهه) دیوب بت پرستلکه اجازت

ایستدیلر * بعده موسی طوره مناجاته کتد کده ساهری اغوا سیله بونلرک اکثری بوزاغویه طایوب موسی کد کده بونلر توبه و ندامت ایدوب امر حقه بری برلرین قیوب * بعده بونلر کد کدن کتاب تورا نازل اولوب ایچنده کی احکام شرعیه نك علامه قادر دکلر دیو تردد و عناد ایدکارنده حضرت جبرائیل علیه السلام طور طاعن برندن قو یاروب آشکاره هواده معلق باشلری اوزره طو قوب موسی علیه السلام امر حقی قبول ایلمک یوخسه طاعنی اوزر یکره براغوب هلاک اولور * دیمکین ناچار قبول و اختیار ایدیلر * بعده قدسه قریب کفساردن جبار بن طائفه سیله جنگ امر اولند قنده بونلر کیمکه عناد ایدوب یاموسی سن ربک ایله واروب کفسارله جنگ ایلمک بر بونده او تورر زده کین * فرق ییل تبه صحر اسنده بر قوناق برده حیران و سرکردان کروب بعده یوللری آجادی تنکیم بو جله باب موسی علیه السلامده مصلحه کده شد * موسی یغمبر دنسکره شرع موسی به تابع اولکزدیوا کثریا شهر لرده و قریه لرده بر زمان ایچنده حق تعالی نیجه پیغمبر لر گوندروب کاه یوز کاه دخی زیاده کاه ییل یغمبر جمع اولوردی * هر زمانده اکثر یهود مر دود کافر عاصی و اهل جود اولوب نیجه انبیاء بنی قتل اید کاه یوب حقی بر کونده یتش پیغمبر قتل ایدیلر * کتب حدیثده یهودیلر یتش بر فرقه اولدیلر بریسی اهل جنت باقیسی اهل جهنم در دیو بر حدیث صحیح واردر تفاسیرله مواضع متفرقه سنده مذکور درکه حضرت موسی بنی اسرائیل صافی عبادت ایچون هفته کورلرندن جمعه کونی اختیار ایلمک دیوب بونلر دخی حق تعالی مخلوقات ی راتغه احداث باشلیوب سینه فارغ اولغین سببی اختیار ایدر ز دید کارنده سبت کونی تعیین اولنوب لکن مخالفت و عناد لرینه براه عبادتدن غیری جمیع امور له تقید حرام اولوب انی رعایت ایتمین و عید شیدایله تهدید اولندیلر * بعضلر قواخه صوم رمضان بونلر دخی فرض اولن یکن انی ترک و ییلده همان بر کون اوزر جه تبدیل ایدوب اودنی فرعون عاشورا کونی غرق اولن یکن بونلر غیری کون طو قوب اودر دیو کذب ایدر لر (واو حینالی موسی و اخیه ان توبوا اقوم کما بمصر بیوتا واجعلوا بیوتکم قبله) تفسیر نده دیشلر که حضرت موسی نك دخی قبله سی که به ایدی ابتدای حال لر نده کفار خوفندن اولر نده نماز قیلغه مأمور اولوب بعد زمان بنی اسرائیل قبله لری مابقا جنتدن حیضان قدس شریفده کی صخره مبارکه اولدی * تفاسیرده مذکور درکه شریعت حضرت موسی علیه السلام غایت شدت و صوریبت اوزره ایدی * حتی لباسدن و بدن انساندن نجس بولاشن بری که منیجه شرع ایلمک اولوردی و کلاه ایسلیان عضوی که نك فرض ایدی * وات ایچنده معین بعض طهر ارامق و یوم سبتده دائم عبادته چالشب انده اموزدنیو به ایسلمک حرام اولتی * و مسجددن غیری پرلر ده نماز قیلق چار اولماق * و قصدا و خطا قتل نفسده دیت و بر منک هم عفو ایتمک اصلا جائز اولوب البته قصاص اولتی * و هر کون الی وقت نماز قیلق * و ربع مالی رکاه و بر منک * و کذاب دینی و زنا بیدنک ذکر بی کسمک * و اجنبی به باقه نك کوزنی حیا قارمق و برکسته بر کاه ایسلاسه حلال اولان طعام لر دن بری کند و به حرام ایتمک تعیین ایتمک * و بوجله هر بری فرض ایدی و برکسته بر نسنه او نوسه جانب حقدن عله الله عقوبت اولتی * و حیض کورمش خانویه کنی بر او ده ایچنده باقی حرام اولتی * و بوجله نك امنالی تشدیدات و تقیظات و ارایدی * و دخی بوزاغویه طاید قلر نده چاق بری برلرین قتل ایتمیجه توبه لری قبول اولدی * و جله بنی اسرائیلدن هر کسنه تمهاده برکاه ایسلاسه البینه او نك طشره توبوسی او سنده فلان کسنه فلان کاه ایسلاسی توبه سی بودر دیو در نندن یاز لوب ابرتسی و سوا ی جهان اولوردی * و حضرت یسوع صلی الله علیه و سلم زمانه دلک مال غنیمت الملق حرام اولغین جمع ایدوب آتشه یقارلردی * هر ویدر که بنی اسرائیلک بعض صالحلری عبادت اید کار نیجه کمال خضوع و خشوعله ادا ایتمک ایچون عبار کیوب الله بنی بونلرینه باغلیوب کیمی دخی بوغازی یا ننده کی کر کبی اگر نیجه کور کونی دلوب ایب کور ووب دبر کاره باغلیوب کیمی دخی کند و به نیجه جفا و ادا اختیار ایدوب قهر نفس بر زیانه و تحصیل رضا و رحانه نیجه در مان ارا یوب کند و لر بی عبادت خدایه صحر و قصر و نفس واجبه الکسر لرین ارتکاب مشاقه جبر و قسر ایدرلر دی (فائده) هر ویدر که حضرت عیسی نبوتده نصکره طائفه بنی اسرائیل طوائف روم و عجم غلبه لرینه دلک نبوت و سلطنت بنی اسرائیل ایچلرندن خالی اولوب قهر حقه مزبور غلبه لر ظهور نده نصکره نبوت و سلطنت ایچلرندن بالکلیه زائل و مجرد

سلطنت رومیله منتقل اولدی (وقطعناهم فی الارض انما) آیتی تفسیرنده مذکوردر که یعنی بنی اسرائیلدن
 هر فرقه بی اقطاع ارضدن بر قطره یعنی بر ولایتده ایدوب بمالک دنیادن هیچ بر ملک و ناحیه بی انلردن
 خالی ایتدک تا که متفرق اولغله قوت و شوکتلی اولوب ذلت و شکستلی زیاده اوله (قائده)
 بنی اسرائیلدن بر طائفه سامریه در که سامری آدلوکسته حضرت موسی طوره مناجاته کتد کده التوندن
 یوزاغوب ایدوب اکثر بنی اسرائیل اکاطاوب موسی علیه السلام کد کده باب موسی ده تفصیل اولندی
 اوزره نیجه امور نظهر وایتدی * تفسیرده سامری بنی اولغین امر حقه قتل اولغوب لکن مسلمانلار اسندن
 رد و طرد اولوب (فاذهب فانک فی الحیوة ان تقول لامساس) آیتی موه و منجه کند و به بر کسته
 و کند و بر کسته به یابشسه ایکسی دخی استجه طورت اولغین او خلقدن خلق دخی اندن قاجوب یا نه کلکتر
 دیو فریاد ایدوب اکا بولمق و مویشلک و انکله میایعه و مائر معاملة ایتک خلقه حرام اولمشدی * عاقبت
 بر صحراده هلاک اولوب بعضا تو افعیه یا شعله استجه طورق حالی حالانک قومنده دخی باقیدر دیو مذکوردر
 یوزاغوب سامری طائفه سندن اولنلک نسلی قدسه بر قوناق برده قصبه نابلسده حالا بر جماعت
 اولوب حقیقته قدس بودر دیو اعتقاد باطل ایتکین انده متوطنلر اولوب باشلرینه قزل دایند صاریتور
 (قائده) تفسیر لایده (ومن قوم موسی امة یمدون بالحق و به بعدلون) آیتنده بعض تابعیندن مرویدر که
 بنی اسرائیل کفر و شقا و قتل انبیایند کارنده اسباط فرقه لرینک بری صلحا اولغین سائرلردن
 مباحث ایتجون مناجات رب العزة ایدوب بر روایتده اسم اعظم ییلوب انکله دعایند کارنده جبرائیل
 علیه السلام کوب قدسه برالتندن یول اچوب یونلری تو افعیه ایتکینه قوبوب بولده کوندز او کار نیجه
 قدرندن بر نور قند بلر باغین ضیاعنده یور یوب کیجه قرا کو افعنده قونوب یا قوب یونلره یله قدرندن
 بر ابرمق اقوب کیدوب سائر زقاری دخی مانع و فاصل غیبیدن حاصل و واصل اولوب بوحاله بر یقوی ییل
 یور یوب ییل فرسخ بر یکوب بعده شمرده ولایت جیندن اونه بر لطیف ره حیه دیر که صافی قومدن
 آتلس اوق کبی لیل و نهار مر عتله اقوب کیدن ابرمق مانع و حائل اولغین یونلره بنی آدمدن کسته واصل
 اوله مز بو طائفه ذوبدن مبرا عیوبدن معرا اولغین وحوش و سباع یونلره اختلاط ایدوب اصلاضر را بنزل
 کمال صلاحلردن بعض ملانکه صورت انسانده کورنوب یونلره مصاحفه ایدر یونلری بر لریله بوجه تحقیق
 ماتنخ تحقیق تحقیق ماله و شرعه و افاق هر حالده مواسات و جلهمی غناده کمال مساوات اوزره درلر *
 لطف حقه یغمورلری کیجه یاغوب کوندز هوا اچلوب ذهاب و یابیده یغمور المن چکه زل هر کشی
 کفایت قدر المتی ایتجون جمیع مالری ارالنده بیدر بقدر لیله معراجده حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
 کو کدن او غرابوب مفصلاسو یلشوب یونلر اکا ایمان کتوروب موسی علیه السلام آخر زمان پیغمبرینه
 یتشکر بندن اکا سلام ایتون دیو یزه اصغرله مشدر دیدر رسول علیه السلام بعد اده جواب السلام
 قرآن عظیمدن کند و به مکده ایتن سوره لردن سوره فاتحه و طقوز سوره بی تعلیم و اده صلاة وز کاه امر ایدوب
 اوزمانده صوم و حج فرض دکل ایدی * و دخی دین موسی اوزره یوم سبت حرمق رعایت ترک وانک برینه
 یوم جمعه بی تعظیم ایدوب مکانلردن غیری بره کتاملک امر ایتدی * هر ییل نافله حجه کتکه قدرت
 کتک ایتجون دعا یتیوب رجایند کارنده حضرت رسول علیه السلام دعای یتکین هر ییل حجه کیدوب
 لکن یونلری سائر بنی آدم اصلا کورمنلر * تفسیر تیسیر و معارج النبوة یونلرک اوصاف و احوال لردن
 اولقدر بحایب و غرایب و فضائل و مناقب یازلند در که اصحاب طننت و خبرنه باعث حیرت و موثر
 عبرت اولور (فصل حادی و عشرون در احوال امت روم) که روم بن عیص بن اسحاق بنی علیه السلام
 نسلیدر قاموسده اصغر بن روم بن عیص نسندن اولد لری یونلره بنی الاصغر دیرلر دینوب * مرویدر که
 قدیمدن صابیه دخی اوزره بت پرستلر ایتن نبوت عیسی دفسکره کلان روم پادشاهی قسطنطین و اکثر روم
 دین عیسی اوزره مسلمان اولوب قسطنطیندن صکره جله طائفه روم نصارادن لکن اکثری حاشا عیسی
 ابن الله در دین کفارندن ایدیلر * فواجح مسکیده رومیله اول ظاهرلری وفات حضرت موسادن
 او چیوزنیش الی ییل صکره ایدی دینوب * مرویدر که طائفه رومنک ولایتلری کافر چه روماهر نیجه

رومیله ترکیه قزل الما دید کار شهردن هر نیجه صفاله دید کاری له وجه ولایتلرینه دلک دنیانک طرف
 شمالی سیدر ملولک طوائف روم احوالی یوقاروده کچمشدر حالمت روم بیحد ولا بعد طائفه متخالفه در
 قاموسده رومدن ساخره آدلور طائفه واردر که انصای دیار غریبه ساکنلردن دینوب * بعض معتبرانده
 اگر ساخره نیک آواز لری مانع اولسه کونشک غروب صداسن ایشدر دیکزد یو بر حدیث شریف مذکوردر
 والله اعلم (فصل ثانی و عشرون در احوال امت ارمن) که ارمن بن عیص بن اسحاق بنی علیه السلام
 نسلیدر حالا ارض روم دید کاری شهر قریبده ارمنیه شهری بو طائفه پادشاهلرینک تختگاهی ایدی
 حالا ارمنی دید کاری طائفه نصاری غالباً یونلردن اولقد * حلب و دیار بکر مابینلرنده ملاطیه و اخلاط
 و نصیبین ایلله او چیوزنیش عدد شهر مشهورلری اولوب بکری التی بنی غایت حصین و رصین اولغین فنی
 محال ایدی دیشلر (قصه) خبریة الحیایده مذکوردر که ولایت ارمنده بر زمانه ییل عدد شهر مشهور
 موجود اولوب خلقه دینه دعوت ایتجون بر پیغمبر کوب یونلر اطاعت ایتماکین مکة مکرمه قریبده
 ارض حجازدن امر حقه جارت و حویرت آدلوا یکی عظیم طاغ کوب یونلری با صوب قباوب هلاک ایدوب
 اود یارده قالدی (فصل ثالث و عشرون در احوال امت یونان) تاریخ ابن شحنه ده یونلر یونان
 ابن یافث بن نوح علیه السلام یا خود صوف بن عیص بن اسحاق علیه السلام نسندن در دینوب
 لکن تفسیر ابو السعودده اسکندر روی ثانی دید کاری فیلیس بن مصریم بن هرمس بن میطون بن روی
 ابن لیطن بن یونان بن یافث بن نونه بن شرخوب بن رومیله بن فونطر بن یوفیل بن روی بن اصغر بن العز
 ابن عیص بن اسحاق علیه السلام او غلور دیندیکی مزبور یونان یافث بن نوح او غلوا اولوب یافث
 ابن نونه بن شرخوب او غلوا اولغه دلالت ایدر مزبور ابن شحنه ولایت یونان مغرب طرفده ربع شمالی ایدیکه
 اراضی بحر قسطنطینییه فصل ایدر دیوب یعنی استانبولده کی آتی دکر کارنده روم ایل ولایتنک صول قوی ایل
 بحر مزبورک اناطولی یقاصسنده قوشه شهرینک اطرافی ایدی انکیچون ولایت قرمانه ارض یونان دیرلر
 تفسیر ابو الوالد عودده روم ایلنده قصبه سیر و زقر بنده مقدونیه آدلوشهر اسکندر روی یونانک فنی ایدی
 حالا خراب اولدی لکن بنالردن عظیم اثرلر باقیدر دینوب * یوزا یخنده مذکوردر که طائفه یونانک اول
 ظهورلری ان آدلور بر کسته دن ایدیکه حضرت موسی زمانده طوعشدی لکن مذکور و مشهور اولمیرینه
 شعرا دن امیرس آدلوشاعر سبب اولدیکه حضرت موسی وفاتندن بشیوزنیش سکز ییل صکره ایدی
 طائفه یونانک اکثری عالم و عاقل و ذکی و اهل ریاضت اولوب ام عالمده یونلر کبی عاقل و کامل
 طائفه کلما مشدی حکما و فلاسفه دید کاری اکثریا یونلردن ایدی یونان دیلنجه اهل علمه فیلسوف دیرلر
 معنای محب الحکمه دیکدر انکیچون حکایه عربیجه فلاسفه دیرلر یعنی علما دیکدر علم طلب و هیئت
 و هندسه و نجوم و اسطرلاب و منطق و کلام و موسیقی و بعض صنایع و بعض علوی یونلرک علما می ایجاد
 ایتشدر جمیع علوم عقلمده واصل درجه علما و استاد علما دنیا ایدیلر لکن اکثر علما و حکما لری مجرد
 مقتضای عقله قناعت ایدوب انبیایه تابع اولماغین اکثری کافر ایدیلر (فصل رابع و عشرون در ذکر
 مشاهیر عظمای و حکما که از طائفه یونان و سائر امم جهان) معلوم اوله که حکمای یعنی دور آدمدن دین محمدی
 ظهورینه دل عالمه کلان علما متناهد اعداد حصی خارج عدوا حصی اولغین جلای ذکر ایتکجه بحال امر المذر
 لکن ایتچلردن غایت مشهور و اوللردن یوحقیر کثیر التفسیر احوال برینه مطلع اولدی بنی کسنلر یونلردن که
 اکثرینک زمانه یقینا نامعلوم اولغله ترتیب زمانه ذکر امکان اولماغین حروف تہجی ترتیبیجه ذکر اولغله
 شروع اولدی (حکیم ایدفلیس) کتاب مال و فخلده اول علما یونان بودر داود پیغمبر زمانده
 کلندر دینوب ایدفلیس آدلور حکیم دخی واردر که آشاعیده ذکر اولنور (حکیم اردیموس)
 فلم طبیعی بی ابتدا وضع ایدن بودر دیشلر (حکیم ارسططالیس) یا خود ارسطوطالیس که معنای
 فاضل کامل یا خود محب الحکمه دیکدر بو کا اختصارا ارسطو دخی دیرلر * پدیری نیقوماخس حکیم عالم
 فایق و طیب حاذق اولوب حکیم افلاطونله هم عصر ایدی * مرویدر که ارسطو اون بدی باشنده افلاطونله
 شاگرد اولوب بکری ییلدن زیاده اندن تحصیل و تکمیل ایدوب غایت عاقل و ذکی اولغین افلاطون

بوکا عقل مصر در پایدی و باش شاکردی اولفین انک وفاتده متصل درس همد فاعقه ای اولدی علم منطقی
 و ایجاد اجتماع پادشاه بوکا بشیوز بیک فلوری و یروب بیلده یوز یکرمیش بیک فلوری وظیفه
 تعیین ایدی * قنون بحیبه و علوم غریبه ده سکساندن یاوزدن زیاده جه یاوز یکری کتاب یازوب
 علم خواص اججاری دخی و ایجاد ایدوب ایچده التیوز درلوطاش خاصیتن بیان ایدی وافر شاکردلی
 اولوب اسکندر رومینک خواجه می اولوب زمان سلطنتده بش بیل اکا تعلیم علوم ایدی مدت عمری
 انش سکر یا التمشیدی بیل ایدی * تاریخ میرخوانده ارسطو طیب کامل اولوب پدیری اسکندرک
 جدید خدمت ایدردی و ارسطو سکر یا بشنه کیردکده پدیری اتی روم ایلنده مدینه الحکما اولان
 حالا آتینه دیدکری آتیس شهرنه ایلنوب اون بیلده دک بعض علوم اوکروب بعده افلاطونه واروب
 مقبول شاکردی اولدی و انک وفاتده مدینه الحکما و واروب بر مدرس به یارب خلقی تعلیمه چالشوب و اثناده
 ذیل و س تختگاهی اولان ماقدون شهرنه یونی کنوردوب اسکندر تخته کچدکده ارسطو شهرک
 و اماندن حظ ایدوب مدینه الحکما و واروب لوقین شهرنده اون بیل طوروب بعده مولدی اولان
 اصطاعیر شهرنه کیدوب انده ایکن شاکردلی اولان اسکندر ددن و سائر ملوک و اعیاندن بوکا دایما
 هدایا کوردی دیشوب و کتاب موضوعات العلومده ارسطو خاتمه حکما و زمانده سید علم ایدی اسکندر یونک
 تعلیمه عامل اولفین صاحب قران اولوب ممالک شمر عدل ایتشدری ارسطو سبیل و لایت یونانندن دین شکر
 پرچک بالکلیه رفع اولدی و قیاسالو خوب صورت معتدل قامت اولوب یورودکده سرعته یوروبوب
 اکثر یا کابلده دقنه مطالعه ایدوب سوال اولند بجه باش آشاعه ایدوب فکره واروب آرز جواب و یروب
 اوقات نهاده صحرارده و ایر مقلر کثارنه واروب خوب آواز لر استماعنه و اهل ریاضتله و اهل بحث
 وجدل اولنله او قورمه مائل ایدی بجه منصف خطا ایتسه معترف ایدی و اکل و شرب و لباسده اعتدال
 ایدوب ملوک و سائر اکبردن شاکردی وافر اولوب بعد زمان اهل دیان چکوب مدرس به یاربوب
 تعلیم نامه چالشوب وفات ایدکده مدفن اولان اصطاعیر شهرک خلقی برمشکل ایشلری اولدقده یونک قبرینه
 جمع اولوب مشکلی فتح اولوردی و اوولایت خلقی انک قبرینه وارمق عقله جلا فکرمه صحت و صفای و پر
 دیوزم ایدردی اوصاف و اخباری کتاب مستقله معتدل (حکیم ارسطو) فاضل کامل ایدی
 تالیس حکیم صد ادرصد وضع ایدیک عظیم و فقه نظر ایدوب خواص و منافع بیان ایدی و اون برکتاب
 تالیف ایتشدر طائفه روم یونک اون بش یونک کابن آتیه باقدیلر (حکیم اسکراطیس) قدما حکما دندر
 حضرت موسی یونک زمانده پیغمبر اولوب نیچون واروب اکا بولشه زمزم دیدکرنده برتکمیل اولنش
 بر طائفه بر غیر یله احتیاج جز یورددیش و کثافتد و نیجه کابده بوکلام سقراط حکیمه اسناد او ایتشدر (حکیم
 اقلیتینوس) حضرت موسی زمانده مکره ولایت مصر خاتمه پیغمبر اولان اغا ناد یونک یونانک شاکردلندن
 اولوب دیار روم و بجمده علم طبی ایتد او اظهار ایدی و وفات ایدکده اون ایکی بیک نر شاکردی و ارایدی
 دیشلر (حکیم اقلیتینوس) اول رئیس جمیع حکما دنیا اولوب حکما ایچنده هر مس حکیم دیدکری
 ادریس پیغمبرک شاکردلندن ایدی (حکیم اقلیتینوس ثانی) وفات افلاطون و نصکره کادی اشوب ایکی
 اقلیتینوس سارک بعض احوالی مناسبتله بقراط حکیم احوالنده کور نظر اولنه (حکیم اسکندر
 فرودیشی) ارسطو حکیمه نصکره کاب کبار حکما دندی اون ایکی کتاب یازمشدر (حکیم
 اسطو قنوس) کبار حکما دندی اولوب زمانی معلوم اولدی (حکیم اغا ناد یون) موسی پیغمبر نصکره کاب
 عظماء حکما دندی به ضل اهل یونانندن مصر خلقنه پیغمبر اولنک بری بودر دیشلر بعض معتبرانده
 اهل مصر و یونان نه می مرسل اولان غازیون یا خود غوناد یون یا خود اغناد یون ادریس پیغمبرک استادی
 ایدی و به ضل و نیجه غوناد یون شیت پیغمبر در دیومند کورد (حکیم افلاطون الهی) که صاحب
 فضل نامتناهی ایدی پدر و مادری اعیان دیار یونانندن و حکیم اسکلیتوس اول نسلندن اولوب پدر بیک
 اسمی ارسطک والده سنک پدیری سولون حکیم ایدی و افلاطون تازه لکنده تلم بعض علومه نصکره بش بیل
 سقراط حکیمه مقارن اولوب انک وفاتده مصر و واروب انده فیثاغورث حکیم شاکردلندن نیجه

عظماء حکما دندی تکمیل علوم حکمیه ایدوب بعده مدینه الحکما کاب ایکی مدرسه یاربوب تدریس
 هر علم نفیس ایدردی و معتدل قامت خوب صورت اسمر المون نادر الیون اولوب انواع کالات
 و مکارم اخلاقده زمانده اکل اهل آفاق ایدی و غزات و وحدته مائل اولفین اکثر یا نک و تنها کشت دشت
 و صحرای ایدوب یونی آره یلر مناجات و نداشتندن و بکاهی صداسنندن یاربوب یوروردی قنون بحیبه
 و علوم غریبه ده التمش بش یا او تو زاتی کتاب یازمشدر و اکثر حکما شرایع انبیایه مراجعت اجتماعه
 عقائد باطله اولره کافر اولوب اما افلاطون حکما مسلیندن اولفین افلاطون الهی دیرلر نیجه نصایح
 عظیمه می واردر که اخلاق ناصری دیکله مشهور کابده مسطور در * مرویدر که شاکردلی ایکی فرقه
 اولوب برینه یوله یورر کن درس دیدیکچون انده مشایون دیشوب برینه دخی مدرسه ده درس
 دیکچون انده اثراقیون دیرلری و موضوعات العلومده مذکوردر که افلاطون اعظم حکما یونان اولان
 بش کسینه نک بریدر علما نسلندن شریف النسب جلی الحسب علی الرتب عظیم القدر و وسیع الصدر
 مقبول الکلام امام هم ایدی و فیثاغورث حکیمک بالذات شاکردلندن اولوب سقراط یله او قورمشدی
 علوم حکمیه ده وافر کابلر یازوب لکن عباراتده رمز و اغلاق اختیار ایتشدی آخر عمرنده درمی
 ارشد اصحابه تفویض ایدوب کند و عباداته مشغول اولدی و جله سکسان بیل یا شیوب حالا ایتنه
 دیدکری آتیس شهرنده طوغوب یکری یا شننده سقراطه شاکرد اولوب الی بیل اندن علم او قیوب
 بعده آتیه کاب شاکردله درسه باشلیوب یونستانده تازه اولتربیبوب ایکی خاتون نکاح حلوب
 نفسی مبارک اولفین وافر شاکردلر تکمیل ایدوب هر بری علمه مشهور جه مان اولدی (حکیم افراتین)
 رسدده احکامی یازیلان بیک یکری ایکی عدد یلدزلرک صورتلرین ابتدا بوضع ایدی (حکیم
 افلیدس) صور شهرندن اولوب علوم ریاضیه بی ابتدا بواجب ایدی و اول فنده کتاب تالیف ایدوب
 کاب اقلیدس دیکله مشهور دنیا اولدی (الخط هندسه روحانیه ظهورت با آله جمنانیه) انک کلامیدر
 ارسطو حکیمه نصکره کاب استقصاب آدلو کتاب یازوب بعضا جله اون دوت کتاب یازدی دیشلر
 (حکیم افلاطون) علم فراسق ابتدا بواجب ایدوب بقراط حکیم زمانده ایدی و بعض معتبرانده قلیون
 بعض کتبهه میاون آدلو بر حکیم دخی مذکوردر و والله اعلم (حکیم انبارقاس) غایتده عظماء حکما دندی
 (حکیم انبرقاس بن فاذن) فواجح مسکیده علم حکمته بحر عمان و مشهور جهان اولان حضرت امان
 صاحب عرفانک شاکردلندن اولوب انبارقاس نصکره کیشدر دیشوب و کاب ملل و مجله اید قلیس آدلو
 بر حکیم ذکر اولنوب حضرت داود زمانده کیشدر دیومند کورد و والله اعلم (حکیم اندروماخس)
 بعضا تر یاق فاروقی معجون بواجب ایدی دیوب لکن قاموده حکیم ماغیش ایجاد ایدوب اندروماخس
 قرص افی اید تکمیل ایدی دیشدر (حکیم انکساغورس) ملاطیمه شهرندن اولوب عظماء حکما دندی
 (حکیم انکسانس) یودخی ملاطیمه لودر علم حکمیه ده فریده و ایدی (حکیم انکسانس) غایتده
 عظماء حکما دندی (حکیم امیرس) اقدم واعظم شعرا یونان اولوب طائفه یونانده یوند نصکره
 کلان شهر او کاتقلید ایدردی و حضرت موسی بنو تودن بشیوز التمش الی بیلد نصکره ظهور ایدوب اسان
 یونانده قصائد لطیفه و کلمات حکمت معانی و ارایدی (حکیم برقپوس) الاسکندری که اسکندریه
 شهرندن ایدی علم طبایع و خواص عددده ابتدا کاب تالیف ایدوب در (حکیم برماشیدوس) کبار اطباء
 حکما دندی اولوب بعض احوالی مناسبتله بقراط احوالنده کور نظر اولنه (حکیم بطلمیوس الفالوژی)
 میرخوانده علم هندسه و نجومده فرید عصر ایدی اسکندر به ده طوغوب قنون عیدده تألیفاتی واردر
 حالا یحیی دیکله مشهور اولان ماغاطن نام کاب یونک تألیفیدر او تو اجینک پادشاهی آزر یا نس زمانده
 رسد قوروب احوال نجومی یازدی و معتدل القامه سفید روی کثیر اللیه کثاده دندان شیرین کلام
 شدید الغضب بطی ارض قلیل الاکل کثیر الصوم خوشبوی پاک جامه اولوب یتش سکر یا شننده
 وفات ایدی دیشوب و فواجح مسکیده یونانجه مهنای میزان الشمس اولان علم اصطرا لابی ابتدا بطلمیوس
 ایجاد ایدی و علم افلاک عاشق اولفین علم هندسه سبیل فلک حقیقه و افلاکی مساحه ایدوب احوال نجوم

و غیر ی بایوب کتاب مجسطیده یازمشر بونک رصیده خلفاء عباسیه دن مأمون خلیفه زمانه کی
رصدار شده البیور طفسان ییل بکدی و بعض معتبرانده جالینوس حکیمه هم عصر اولوب اون اوج کتاب
تألیف ایدوب قور دینی رصد شهر رودسه ایدی دینوب و کتاب ملل و مجلد هیات فلکده ابتدا تکلم ایدوب
علم هندسه تألیف ایدن بود دیومذ کورد (حکیم بقراط بن اقلیس) ولایت فرمانده نیکه شهرنده
طوغوب انده ساکن ایدی و فاضل فایق و طیب حاذق اولوب علم طب و حکمتده او توردن زیاده کتاب یازدی
بخت نصر دن یوز طفسان الی یا همان طفسان الی ییل صکره کادی * فوایع مسکبه بو کا بقراط اول دیرلر
علم طبی ابتدا بو تألیف ایدوب اسقلینوس حکیمدن اول کلندر بر کسه کند و سیدکی اوزرینه نو کورسه
بل اغریستدن امین اولوردوب حفته ایتمکی بر قوشدن کوروب او کفر غشیدیکدکز کارنده و اقربالتی یوب
امتلا اولدقه ورنه دکر صورین الوب کدود بر بنه صوقوب دو کوب اسهال اولوردی دینوب * منرخوانده
بعض بقراط و ذیقراطیس ملوک جمعدن بمن زمانده ایدیلردینوب لکن نیجه لظه و بقراط طه و اسکندر
رومیدن یوز ییل مقدم ایدی دینسر * موضوعات العلومده بقراط کند و زمانده طیبه میونک رنسی
اولوب فاضل کامل و معلم جمیع اشیا و متنبه و متاه و ناسک و عابد و مالک و سیاح ممالک اولوب خسته لره لله
علاج ایدردی * عجم پادشاهی اردشیر زمانده کلوب حصده ساکن اولوب دمشق شامه واروب ریاضت و تعلم
و تعلیم ایچون انک میسنه زار زنده ساکن اولوردی دینوب * تاریخ حکما ده مفصلدر که بقراط اول اسقلینوس
تائینک شاکر دلرندن واسقلینوس اولک اولادندن ایدیکه مزبور اسقلینوس علم طبی ابتدا وضع ایدوب
انی ییلک کند و سنلنه مخصوص اولمغیچون اجنبیلره تعلیمدن نمی ایدردی طبی صافی تجر به ایله تحصیل
ایتمکین انک زماندن ییک در یوز اون الی ییله تک جمیع حکما متاه علم طبده تجر به ایله عمل ایدوب بعده
مینوس حکیم کلوب تجر به به قیاس ضم ایدوب یدییوز اون بش ییله تک حکما طبده تجر به و قیاسله معاعل
ایدوب بعده برمانیدوس حکیم کلوب تجر به خطا در یوب مجرد قیاس ایله عمل ایدوب انک وفاتده
شاگردلری تجر به و قیاس خصوصاً صرندده اختلاف ایدوب افلاطون حکیم کاد کده ملاحظه عظیمه ایله
تجر به و قیاسک ایکیسی دخی لازمدر یو قطع ایدوب سائر اقوال اوزره یازیلان کابیری احراق ایدردی
افلاطون وفاتدن ییک در یوز یکریمی ییل صکره اسقلینوس ثانی ظهور ایدوب انک و شاگردلرینک
وفاتلرند صکره ته انک شاکر دلرندن بقراط علم طبده فرید عصر اولدی * مزبور بقراط اهل مرحمت و کرم
و فضل اولمغین عالمدن علم طب قطع اوانی خوفندن انک تعلیم جله خفه بیل ایدوب غریبلره دخی تعلیم ایدوب
انلری اولادی کبی یلوردی * خوب صورت و سفید روی بزرگ و مرغنی قامت صاحب غضب بطبی الحمر که
صائب انقول قلیل الاکل کثیر الصوم ایدی * طفسان باطفسان بش ییل یثا یوب اون الی باشنده
تکمیل علوم حکما ایدوب باقی عمرینی تعلیم و تألیفه صرف ایتمشدی حکیم بقراط ثانی ابن قلیدس
حکیم بقراط ثالث ابن دارقن بن بقراط حکیم بقراط رابع که * بقراط ثالث عیسی اوغلیدر
اشبوا و بقراط ثالث احوالری معلوم اولدی (حکیم بقراطیس) تفسیر طلسمات روحانیه کتبان
بو تألیف ایدی (حکیم بلیناس) فوایع مسکبه تک بر مجلدده سید الحکا اولوب اسکندر رومینک
استادی ایدی علم طلسمات روحانیه اول تکلم ایدن بودر دینوب * بر مجلدده دخی علم طلسمانده اول
تکلم ایدن طائفه صابیه در دینسدر (حکیم تالیس) فوایعده مذکوردر که حاب قرینه شهر
طایفه دن اولوب مصرده ابتدا متفلسف اولان بودر صداندر صد بر عظیم و فنی وضع ایدوب میکل عطارد
قربوب تهمامر بایند نوع و جردن استنباط ایندم دیوب جمیع اهل یونان اولو حیثیت تعظیم و آنکه
تبرک ایدوب عدودن و غیرین بر بلایه او عزمه ازلو حه توجه و برکنندن اعتماد ایدوب بلالری
دع اولوردی شیلی زمان بولوح ایندانه طوروب بعد زمان ارشمیدس حکیم بونک منافع و خواص یازوب
موانع شحاج تفصیلدر دینسر (حکیم تالیس) معتبرانده مذکوردر که علوم فلاسفه و حکما که حکمبات
و ریاضیات دیرلر حضرت موسی زمانده مطبیده تالیس مصرده بطور خیس روی ایجاد ایدوب
صکره دن حکما بر جله اتروردیلر و ملل و مجلدده ابتدا فلاسفه و حکما می حضرت موسی زمانده طائفه روم

ایجاد ایدوب اولردن ابتدا فیلسوف اولان نالشی لطیفدر ابتدا فلسفه ایدوب مشهور اولوب علم حکمت
اکمفسوب اولان مصرده قلو طرخیدر دیومذ کوردور (حکیم نالشی) میرخوانده مطایه ده
حکامدن ابتدا بو طهور ایدوب سلطنت بختنصردن یوز یگرمی اوج ییل صکره ایدی دیومذ کوردور
(حکیم جالینوس) میرخوانده رئیس اطباء دنیا سکر کسینه ایدی بری اسقلینوس و اینکینی غورس
او چینی مینوس و دردیجی برمانیدس و بشنی افلاطون و التخی اسقلینوس نانی و بدیجی بقرط و سکرینجی
جالینوس مذکره بو کاخامه اطباء دیر صکره کاترجه بو کاقدن ایندیله نبوت حضرت عیسا سدان ایکیز ییل
صکره طوغدینی متفق علیمدر پدیری بو کا علم طب اوکر تمکه عظیم مال خرج ایدوب بودخی تحصیل انواع
علوم ایچون عمالک یونان و روم و مصری کزمندر و کندم کون خوب صورت کثیرالسفر کابله کثیر المطالعه
ایدی ملوکه کثیر الاختلاط اولوب شهر مقدونیه ده یقناتس آدلو پادشاه بو کا غایت رعایت ایدردی
ملوک مغربدن بریه عظیم تفصیله محتاج برلطیف سرگذشتی بکوب حاصلی اتی مرض جذامدن قورناروب
عظیم احسانانه مظهر اولوب اوغلارندن برنی علوم او قومغه جالینوسه شاگرد ایدوب وطننه یله
کوندردی دینوب و نیجه معتبرانده جالینوس بقرط وفاتدن التیوز التمش بش ییل صکره ردوده
حضرت عیسی زماننده طوغوب علوم حکمایه خصوصاً طبه یمش ییل چالشوب نهایتنه ایرشوب فنون
متعمده ده دریموز جلدیا یمش عدد کاب تالیف ایدی پدیری دخی علم هندسه و علوم ریاضیه ده غایت
ماهر ایدی جالینوس کثیرالصوم و اهل خیر اولوب قورا و اغنیا خسته لرینه رضاء الله بی اجرت و منت
خدمت ایدوب مالدار اولغین معالجه به کند و یاتندن خرج ایدردی * مکنسان بیدی یاسکسان سکر ییل
بشایوب یمش ییلنی جهه علم طبه صرف اینشدی * مرویدر که وفات ایدر کن عالم قدیمیدر حادثیدر حل
ایده مد مدیمش دیوب * موضوعات العلومده یونانندن شهر قوغا موسده طوغوب زماننده رئیس و امام اطباء
و حکما ایدی ارطودون صکره طبیعیه بقرطله بوندن اعلم کسینه کمدی و بهضربونی استانبولک جانب
شرقیسنده ایسپا بلادندن اولوب قیاصره رومک التخیسی پتره قیصرک زماننده ایدی ولایتلر کروب
جمع علوم حکما ده اونیدی باشنده ماهر یگرمی درنده منتهی وجهه اقارائه غالب اولدی عقیف و غنی القلب
اولغین سلاطینه فارسیموب بخشش لرین دخی المزدی * بقرططنک علومنی تجدید و علم نشر یجده کا غلبه ایدوب
علوم حکما کی حل مشکلاته احیا ایدوب بو اولمه ترک اولنوب دنیادن ضایع اولوردی پدیری دخی
کندوز زماننده علم مساحه ده اعلم ناس اولوب دین نصاری طهور ایدوب حضرت عیسی ایچون قدسده
برکسته احیاء مونی و ابراهیم و ابرص ایدر ایش دیوب ایندیوب لکن انک کوکه کند و کندن یمش بیدی ییل
یکه مکن باری انک یوله اشترینه بولشه یم دیوکیدوب یوله وفات ایدی دیومذ کوردور (حکیم درهویاس)
فواج مسکیده ده بکار حکامدن ایدی دیمشدر (حکیم دیسقوریدس) خواص نباتاته مشاهده طریقله
کمال وقوف تحصیلنه فرق ییل چالشوب منافع و مضارین تحریر و اکثرینک اشکان تصور ایدوب بو بایده
ابتدا کاب تالیف ایدن بودور (حکیم ذوانا) بهضربونی پیغمبر ایدی دیمکن باب انبیاء مشتمله الاحوالده
یکه مشدر نظر اولنه (حکیم ذیمقراطیس) عظماء حکامدن اولوب عجم شاه بیهم زماننده ایدی
حکیم ارسطو بونک قوانی کند و استادی افلاطون حکیم قولندن ترجیح ایدردی و منافع اجزاء حیواناتی
ابتدا بو بیان ایدوب او بایده کاب یازمنشدر (حکیم زرداشت) بهضربونی کعبده پیغمبر ایدی دیمکن
تفصیل حالی باب انبیاء مشتمله الاحوالده یکه مشدر نظر اولنه (حکیم سقراطین یفرستس) مرویدر که
اعظم حکما دنیا اولان فیثاغورث حکیمک شاگردلندن اولوب افلاطون الهی دخی بونک شاگردی ایدی فضل
و کمالده مرتبه علیا به واصل اولوب لکن علومه تعظیفا اصلا کاب تالیف ایندی و اهل قلت و قناعت
کثیر الانقطاع کثیر العباده اهل ریاضت زاهد مجاهد اولوب خلقی بت پرستلکدن منه نصب نفس اینمکن
عاقبت بر حاکم ظالم بونی حبس ایدوب تفصیله محتاج و جهله بو کا زهر یدر مکن یوز اون باشنده
وفات ایدوب اون ایک ییلک شاگردی قالدی و تناسیمده بعض کسمله بو کا ایچون موسی پیغمبر واروب
بولشه مزید کده بر تمذیب و تکمیل اوغش بر طائفه یز غیر بلره احتیاج یز قدر دیو جواب ناصواب

ویرمیش دینوب لکن قواریخته بوقصه اسقراطیس حکیم اسناد اولمشدر * والله اعلم (حکیم سولون)
 افلاطون حکیم والدہ سی پدی اولوب بعض لطیف و عظیم کتبی یازمشدر بر حاکم نظامین قاجوب
 سکسان باشند غریبه وفات ایتدی (حکیم ططیبو هیس) فواجح مسکبه ده کار حکمان عد اولمشدر
 (حکیم فلقطیریوس) قلم فلقطیری بی ابتدا بوضع ایتدی (حکیم فلو طرخیس روی) بونک احوالی نالش
 حکیمده یکمشدر نظر اولنه (حکیم قولوس) فواجحه جالینوسک همشیره زاده سی اولغین بونی حضرت
 عیسیایه کوندره مشدر طائفه نصاری رئیس حواریون اولان شمعون صفاد نصکره بونی پیغمبر اولدی
 دیو اعتقاد ایدر دینوب لکن جالینوس بونی عیسیایه کوندردی دینوبکی یو فاروده یکدیکی اوزره جالینوسک
 عیسیان ایدکیو زییل صکره کادیکی متفق علیه اید وکنه مخالف اولور * والله اعلم (حکیم فیناغورث)
 ابن میساجورث (فواجحه والدہ سی بکر ایکن طوغردی دینوب یعنی بر طریقه مادر رجحه نطفه پیر
 واصل اولوب حکمت ربّه بلاسی الاب وجوده کادیکی اشعار اولمشدر نیجه معتبرانده علوم الهیه
 وطبیعیه بی سلیمان پیغمبردن وانک شاکر لرندن اوکروب عابد واهل ریاضت اولوب علم موسیقی بی و علم
 خواص اعدادی و بعض علومی قوت علم و ذکاایله بواججاد ایتدی * چشمد زماننده کادی دیو بروایت
 واردر * مرویدر که حرکات افلاک مطلع اولوب هیچ انلردن لذیذ و لطیف نسبه کوروب وایشتمدم دیردی
 موسیقی بی اندن استخراج ایتدی حکمان فلک صداسن ایشیدن ابتدا بودردیشلر * علم خواص اعداد
 وسائر فنونده ایدکیوز سکسان جلد کتاب تألیف ایدوب جمیع حکماء عالم انلری مقبول و مسلم طوئیدلر
 مصرده بالنصا مسکبه ده ساکن اولوب حکمان نیجه یک شاکردی واریادی دینوب * میرخواننده
 مذکوردر که مورشرندن اولوب شهر لر نه عد و غلبه ایتمکین خلقتی جلای وطن ایتد کارنده بونک پدی
 دخی جله اولادله ساموس شهر نه بعد انطاکیه به واروب حاکی بونی اوغل ایدنوب سن شبایه ایرد که
 سلیمطون شهر نه کوندروب انده حکمانک برندن هندسه ونجوم اوکروب بعده علوم حکمیه تحصیلنه
 سیاحت ایدوب مصره واروب بعده بنه ساموسه کلوب تعالیم وارشاد خلقه جالشوب کابلر تألیف ایدوب
 آخر عمرنده بر شهره واروب انده برکسنه بو کا عداوت ایدوب مجادله قرق نفر شاکردی قتل اولنوب
 باقیلرله بر کجه قاجوب شهر بشهر کروب عدوی بونک آردنه دوشوب یشوب بونلر بولده بر حکم البنا مصره
 کروب عدوی بدخی انک اطرافنه اردون طاشیوب آتش اوردقه فیناغورثله شاکردی بر قاج کون
 جوع وعطش وحرارت آتش چکوب عاقبت جله سی هلال اولدیلر (حکیم فیلون) فواجحه دکر منلری
 وعود ولا بلری بواججاد ایتمشدر دینوب * معتبرانده افلیون آدلور بر حکیم دخی واردر که بقرط زماننده
 اولوب علم فراست انک ایجاد ایدر (حکیم مارینوس) علم جغرافیا که کجیلر خارق دیر ابتدا بوضع
 ایدوب به ضلر بطلیوس دخی جغرافیا یازمشدر دیوب غالبامارینوسد نصکره اولمدر (حکیم مانعینس)
 قاموسده تریاق فاروق مجنون ترکیب و ایجاد ایدوب حکیم اندروماخس قرص افنی ایلر تکمیل ایتدی
 دینمشدر (حکیم مورطس) آتش میل قدر بردن ایشیدیلان ارغنون آدولساری بواججاد ایتدی
 (حکیم مینوس) علم طبده حاذق و فایق اولان کارا طبان اولوب بعض احوالی مناسبتله بقرط احوالنده
 یکدی نظر اولنه (حکیم تقوماخس) ارسطو حکیمک پدی در عالم فایق و طیب حاذق اولوب افلاطونله
 هم عصر ایدی (حکیم هرمس) که ادبیس پیغمبر اولغین احوالی انبیا بابلرنده کیمشدر (حکیم هرودوس)
 فواجحه کار حکمان عد اولمشدر (حکیم هوزمیس) بودخی کار حکمان عد اولمشدر (حکیم لادن)
 سقراط حکیمک مقبول شاکر لرندن (فانده) دیار یونانده وغیرده بجد ولا بعد حکیم یعنی علما کوب
 بومحمد ذکر اولانلر انلر اکابر کاری واعظم عظمه پراشتار ایدر * فواجح مسکبه ده حکماء یونانک
 غایت اولوری بیدی کسنه در که اسملری نالیمس انکساغورث انکی نالسی اباز قلس فیناغورث سقراط
 افلاطوندر دیومذ کورد (فانده) نیجه معتبرانده فلاسفه دیدکاری حکماء یونان وغیری ایکی نوع ایدیلر
 بری قدامدر بونلر دخی اکثری ایلی صنف ایدر که از ایکی به دهر یون دیرلر که حتی سحانه و تعالی نل
 وجودشرفن بالکلیه انکار ایتدیلر ایکنی به طبیعیه یون دیرلر که وجود یاری تعالی به اقرار اکن حشر و شری

انکار ایتدیلر بواکی فرقه دخی کفار دندرلر * نوع ثانی متأخریندر که بعضلری قدامذ هیلرنده اولوب
 سائرلر یکم متأخرینک اکثریدر اهل سداد و مسلم و بالک اعتقاد اولغین بونلر الهیون دیرلر * بونلر قدام
 ذوی الضلال مذهلرین رد و ابطال ایچون نیجه کتاب لطیف تألیف ایدوب سقراط و افلاطون و ارسطاطالیمس
 و بعضلر وقدمادن فیناغورث و بعضلر الهیوندن ایدیلر دیومذ کورد (فصل خامس وعشرون)
 در احوال ام نصاری حضرت عیسی پیغمبر اولدقه قدس پاتنده فاضله آدلور به ده ساکن اولوب بعض
 بنی اسرائیل کامتبع و نصرت ایتمکین انلر نصاری دینوب بعده بحق و بقیر حق دین عیسی اوزره کچن
 هر طائفه به دخی تعلیم و تعالیم نصاری دیدیلر * بعض بنی اسرائیل و جمیع روم وارمن و فرنگ و جرکس و کرک
 و روس و بلغار و مجار و نیجه و یوسنه و خروات و مقالبه دیدکاری طوائف له وجه حالا ایلی نامعلوم بجد
 ولایه فرقه اولمشدر * حدیث شریفده نصاری تنش ایکی فرقه اولوب بریسی اهل جنت غیر یاری اهل نار
 یعنی چنقدردیو یورمشدر * حضرت عیسی محض قدرت خدا جل و علاایله باباسر طوغغین و میسراجیا
 ایتمکین اکثریاس نسانس التباس مکر شیطان خناس ایلر بر سواس اولوب ضالانده دوشدیلر * تفاسیرده
 (فاجتحلف الاحزاب من ینهم) آیتنده مذکوردر که عیسی کوکه چکلد کد نصکره عیسویلر اوج فرقه اولوب
 بریسی یعقوبیه در که عیسی الله ایدی بر یوزنده ایتدوکی قدر طوروب بعده کوکه کندی دیدیلر * بری دخی
 نسطور به در که عیسی الالهک اوغلیدر دیدیلر * بواکی فرقه تحمیتی کافر ایدیلر تعالی الله عما یقول الظالمون
 علوا کبیرا اوجنی فرقه عیسی الالهک قوی و پیغمبری و جاریه سی مریمک اوغلیدر دیوب بونلر مؤمنین صحیح
 الاعتقاد ایدیلر * تفاسیر اولوالمعوده اشبو مسلمانلر فرقه سنک اسمی ملکاتیه ایدی دینوب لکن تفسیر تفسیرده
 نصارادن ملکاتیه الله و عیسی و مریم حاشا اوج شریکاردر دیو اعتقاد باطل ایدن فرقه کافر در دینوب *
 اکثر تفاسیرده اشبو فرق ثلاثه نصاری دینلری اوغرنه بری برلر یله جدال و قتال ایدوب اول ایکی کافر
 فرقه لر غایت چوقلق اولغین مسلمانلر فرقه سنه غلبه ایدوب قیروب مسلمانلرک دولت و شوکتلری زوال بولوب
 کندی که دیناده وجودلری غایت آز اولوب حتی بعض شهرلرده و قریه لرده انجلی برر ایدکشر کسنه اولوب
 انلر دخی خلقدن غایت عزت ایدوب اعلاملرین اخفایدرلر دی * خاتم الانبیا حضرت محمد مصطفی صلی الله
 علیه وسلم ایدلر * مرمد پیغمبر اولدقه نصکره دین اسلام و نور توحید خدا عالمی برضیا ایتدی * نصارادن
 عیسی ابن الاهد در دین ماعونلر بعد الکفر المقرراطها رحق مکرر ایدوب عیسی صلب اولمشدر دیو اعتقاد باطل
 ایدوب لکن بعده صغالوب کوکه چکادی دیرلر * صلب قصه سی البته کذب و افترا ایدوکی باب عیساده کیمشدر *
 مرویدر که نصارانک کتابلری اولان انجیل شریفده احکام شریعت غایت آز اولوب جمیعاعظ و نصیحت
 و پوز الی سورة بر حکمت اولوب نصارانک شریعتلری شرع حضرت موسی ایدی حضرت عیسی
 شرق طرفته قاز شو طوغغین نصاری قبله لر مشرق اولوب نمازلری وقتی امت محمد نمازلری وقتی اولوب
 نصف الایامده حضرت داوده نازل اولان زبور شریفی او فورلردی هر رکعتده بن سجده ایدوب نمازی
 آیدستیزه یولورلر دی * اوج دفعه اور جلدی وار ایدیکه بریسی الی کون بریسی اوج کون ایدی * تفاسیرده
 صوم رمضان بونلر دخی فرض ایکن بعد زمان یاز کونه کلد کده ناخبر ایدوب قیشده قضا ایتد کارنده
 اون کون زیاده ایدوب نیجه زماند نصکره ایچلرنده طاعون اولوب آنک دفعه یچون اون کون دخی زیاده ایتمک
 نذر ایدوب اومیددن اور جلدی الی کون اولدی دیو بر روایت واردر * مرویدر که جودیلر غایت غلیظ
 طائفه اولغین امت بنی اسرائیلده یکدیکی تفصیل اوزره شریعتلری دخی غایت ثقیل ایدی * طائفه نصاری
 ضعیف الحال اولغین شریعتلری خفیف و بر رخصت و وسعت اولوب حیض کوروش عورتله جماعدن
 و نجاستلردن چوقلق صلاقمق و جنابتدن غسل ایتمک و بونلر امثالی امور و جاز ایدی * شرع محمدی
 (خیر الامور اوسطها) مفهومیجه اعدل و افضل جمیع شرایع اولغین تغلیظات بود و تحقیقات نصاری
 اور تاسنده بر شرع بالک نباله مبارک و سبب رضای حق تعالی و تبارک اولمشدر * الله الحمد والمئه (فانده)
 مرویدر که بواس آدلور بر یودی راهب صورتده نصاری بادشاهنه کوب عبادتله کسندو به اعتقاد
 ایتد کارنده انجیل شریفی تعیمیر و تبدیل ایدوب بری بر بنه مخالف نسخه لر یازوب هر بری بر بادشاهه و یروب

بنی عیسی کو که چاغردی اکا کیدرم دیوانا اندروب کندوبی هلالا ایدوب بعده هر بادشاه کندوب خفه سنی
 جیقا دوب حق بقیدردیوارالینه جدال و قتال دوشوب هر بری بر فرقه اولوب انکی چون طوائف نصاری
 غایت جوق و دین و آیتلری بری برلینه مخالف اولوب ارالنده اکثری عداوت دخی واردی و دره قصه بواس تفصیلی
 آخر باب عیساده یکم شد نظر اولنه (فائده) طوائف هر کس و کرج و بلغار و بوسنه و خروات و بحار
 و نجه و له و چه و افلاق و بغداد و اردل و الایمان و نیجه طائفه دخی نصارادن سابقات پرستلر اولوب حضرت
 عیسی بنو تدمصر که تدریجی جله می نصارانک کتاردن اولان بخش ایک فرقه شدن اولوب لکن انلرک اصللری
 کیملرک تسلیم و استاده حاللری تدریجی معلوم اولوب حالا موجود اوللرک ایسه کندولرینک و مملکتلرینک
 احواللری اجمالاً معلوم خلق عالم اولغین تفصیل اولندی امام معلوم اوله که کرجی طائفه سسته فارسیجه
 مغول دیرلر غالباً ولایت چینده مغول دیدکری طائفه ناکتاردن ایدیلرکی و طوائف اترکدن برینک
 دخی اسمی بلغار در دینوب غالباً نصارادن اولان طائفه بلغار انلر اولقدردی و الله اعلم بما اخفی و اعلم
 (فصل سادس و عشرون در احوال امت عرب) کرجه یونلرک اوائل ذکر اولنان امتلرک نیجه لرندن
 مقدم کیشلدر لکن نامحمل وادیان و خاتم انبیا و ام جهان اولان حضرت محمد مصطفی اول محمد مجتبی
 و مقلد مقتدی صلی الله علیه و سلم و عظم و کرم و جله اصحاب و انبای و اکرامت و اشیا طوائف عربینک
 او انلرندن اولوب امت عالی همی آخر ام بنی آدم اولغین خصوصاً بر مضمون و الحلو آخر الطعام خاتمه
 گایده امت عرب خیر طلب ذکر یله دهان جان بر عرفانی شد کام و اشبو کاب مستطاب منفعت نصابی
 مسکی الختام ایتمک محض صواب بلکه باعث اکتساب ثواب کورلرکین مجموع قبائل امت عرب خیر ادب
 ذکر ایشبو کاب حاوی الفاخر آخر نه تأخیر اولغندی پس حالا معلوم اوله که جمیع جنس امت عرب یسجد
 ولایت قبیل و طائفه مختلفه اولوب لکن لسانی و واحد ایدی قاموسده شهرده ساکن اوللرینه عرب
 صحراده ساکن اوللرینه اعراب دیرلر دینوب یو جله نک کیی یمنده کئی مکده و مدینه و ارض حجازده
 کئی شام و مصر اطرافنده کئی مدینه ایله نصره و الحسا راستده ولایت نجدده کئی ارض عراقده کئی
 دیار بکر و متلرنده اولوب اکثری او به ایله قونار و کور قبیللر اولوب حالا دخی یولدر (فائده) نیجه
 معتبراته جمیع جنس عرب اوج نوعدر برینه عرب عاربه دیرلر که عاد و غمد و طسم و جدیس و عماقه
 و جرهم و عبیل قبیللر بیدر ایکنی به عرب متعربه دیرلر که ملولین ایتمای اولان قحطان بن عابر بن شالح
 ابن ارغش بن سام بن نوح علیه السلام نسلندن اولان قبیللر لر و او چینی به عرب مستعربه دیرلر که
 حضرت اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام نسلی اولان قبیللر لر دینوب تاریخ ابن کثیرده دما و اوج قبیل
 اولکینلرک نسللری و تفصیل خبر و اتلری منقطع اولغین عرب باندده دیرلر که عاد و غمد و جرهم طائفه لر بیدر
 ایکنی به عرب عاربه دیرلر که حضرت اسماعیلدن مقدم کتاردن او چینی به عرب مستعربه دیرلر که
 انلرند صکره کتاردن دیندر (مقدمه) اگر چه جمیع طوائف عرب مانند رمل و حصی یسجد و عند
 و احصی اولغین جملسین ذکر ایتمک مقدور معشر بشر دکل ایدوکی مقرر در لکن اصول قبائل و مشاهیر
 طوائف فروع یونلدر که ترتیب انواع ثلاثه مذکورده اوزره علی وجه المطبوع شروع اولندی
 (نوع اول) که انلر عرب عاربه یا عرب باندده دینوب انبیا ماضیه زمانلرنده کندولری و نسللری بالکلیه
 منقرض اولشلدی انلر عاد و غمد و طسم و جدیس و عماقه و جرهم و عبیل طائفه لر بیدر که حالا ذکر اولنور
 (قبیله عاد) بدتمه ذوی العناد ضلالت معتاد اشبو قوم مستحق اللوم عاد بن عوص بن ارم بن سام
 ابن نوح علیه السلام یا خود عاد بن ارم بن شالح بن ارغش بن سام بن نوح نسلندن ایدیلر مزبور عاد
 تبیل السنه ظهورنده ولایت بابلدن کیدوب بن و عمان مملکتلری اراننده حضرت موت شهرنده اسمی
 احقاف اولان قوم صال ولایتنه ساکن اولوب نسلی چوغالادی جله می بت پرست و باده کفر و غرور
 قوت و شجاعتله مست ایدیلر او جر یوزدن بیکر ییلده دکی یسایوب یوز یازدرد یوز ذراع قامتلری اولوب
 غایت کونه قدر بنک قامتی التمش یا تمش یا سگسان ذراع ایدی بعضلر بلندلر بنک قامتی تمش بعضلر
 اون ایکی ذراع ایدی دیدیلر یونلرک نیجه لری طاعنن الاریله به قدر عظیم طاعنن قوراروب و هب بن منبه

قولنج باشلری یولک قبه قدر اولوب کوزلری ایچنده برنی جانورلر یا قوب یا ور یلردی جمیع قوم عاد جهنم
 معاد ایکی فرقه ایدیلر برینه عاد اولی برینه عاد نایه دیرلر که اولکی یا ایکنی قوم هود علیه السلام درکه
 ریج عقیل هلالک اولوب اون اوج عدد قبیللر ایدکری و تفصیل حاللری باب هود علیه السلامده و ملولک
 یمنندن شداد فصلنده یکم شد نظر اولنه (فائده) قاموسده نسان بر جنس مخلوقدر که هر برینک همان
 برایانی اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب
 عاصی اولغین الله تعالی انلری مسخ ایدوب نسان اولدیله هر برینک همان بر طرفدن برانی و برایانی
 اولوب ییه جکارین قوشلر دانه برکی ییوب حیوانلر اوتلرکی اوللرک آ ز کسینه ایدیلر حالا انلر منقرض
 اولشلردن اوسورنده موجود اوللرک به بر درلو مخلوقدره یا خود نسان اوج چند بری ناس
 بری نسان بری نساندر یا خود نسانس یونلرک ایچلرنده عورت قسیدر یا خود نساندن قدرلری
 ارقمدر یا خود نسانس یا اوج و ما اوج و جدو یا خود بنی آدمدن بر قومدر یا خود انسان صورتده
 بر درلو مخلوقدر درکه انساندن اولوب نیجه نسنده انسانه بکره مزلد یومذ کوردر ملولک یمننده ذوالاذعار
 طائفه نسانس سقر و انلر و افر کسینه اسیر ایدوب یمنه کتوردیکی باب ملولک یمننده ذوالاذعار
 فصلنده یکم شد (قبیله غمد) خیانت غمد خیانت فزود که غمد بن عابر بن ارم بن سام بن نوح
 علیه السلام نسلندن اولوب قوم عاد افر باسندن ایدیلر مکله شام اراننده کسر طایفه حجر نام طاشلو
 و قوم ملوکائی مقام ایدینوب او جر یوزدن بیکر ییلده دکی یسایوب یوز یازدرد یوز ذراع قامتلری اولوب
 اولغین نسنده ایچلرنده صالح ییغمه بر یونلری ایمانه دعوتی مرسل اولوب یونلر قبول ایتمک کارنده درت ییل
 نفر مسلمانلر ایچلرندن کیدوب باقی شقیلر صیحه حضرت جبرائیل ایله هلالک اولدیله حضرت صالح و فائده
 قوم غمد بن ییل اولان مسلمانلر نیجه زمانده صکره کفر و طغیان اوزره اولوب حضرت حنظله ییغمه
 اولدنده یونلر تصدیق ایتموب چنک ایتمک کارنده جله می هلالک اولدیله تفصیل احوال قوم غمد باب صالح
 علیه السلام ایله باب حنظله علیه السلامده یکم شد نظر اولنه (قبیله طسم و قبیله جدیس) که
 ولایت حجاز ایله بن اراننده ولایت یمامه ده ساکن ایدیلر قاموسده طسم قوم عاد بقایاسندن بر قبیل
 ایدیلر نسللری منقرض اولدی دینوب تفسیر لبابده غمد ایله جدیس ایکی برادر اولوب عابر بن ارم بن سام
 ابن نوح علیه السلام اوغللر بیدر دینوب کتاب الحیسک بر یمنلنده علق ایله طسم برادرلر اولوب نود بن سامک
 عاد ایله عبیل دخی برادرلر اولوب عوص بن ارم بن سامک غمد ایله جدیس دخی برادرلر اولوب جانق
 ابن ارم بن سامک اوغللری اولوب عبیل حالا مدینه منوره دیدکری یثرب شهرینه کاوب قونوب بعده
 اندن اخراج اولتوب بریره واروب قونوب بعده انلر بر سیل کاوب احصاف ایتمکین اول مکانه چینه
 دیو آدقود بیدر یثوب بر یمنلنده دخی غمد ایله جدیس عابر بن ارم بن سامک طسم علاق ایتم دخی
 لاود بن سامک اوغللر بیدر یثوب خریده الحجابده طسم ایله جدیس قدام عربدن اولوب ایکی قونداش
 اوغللری ایدیلر پادشاهلری طسمدن اولوب طائفه جدیسه انواع اهانت اوزره اولغین جدیس جمع
 اولوب طسمدن زیاده اولغین بر لطیف حیلله ایله پادشاهلری علقی و طسمدن سکسان ییک آدمی قتل ایدوب
 بقایای قوم طسم بن سلطانی حسانه شکایت واروب اود دخی یونلر معاونت ایچون عسکره کاوب
 قوم جدیس کین اسیر ایدوب خوار و ذلیل و جیمنلرین تار و مار ایددی جدیس ایچنده زرقاء یمامه دیکله
 مشهور جهان بر قیز و ارایدیکه اوج میل یردن هرت اولسه کورردی حسان اتی بر عجب حیلله ایله طوقوب
 کوزین جیقا واروب ایچنده کی طمرلری قدرت حقدن کل ایله طولو بواندی دینوب قاموسده سکری
 وزانجه کتری جدیس و طسمک صغری اسمیدر که نسل بن الیس اتی اوفا دوب حضرت رسوله فاجوب
 کاوب مسلمان اولدی دیومذ کوردر (قبیله عماقه) که تفاسیرده و تاریخ ابن کثیرده علق
 ابن لاود بن سام بن نوح علیه السلام اولاندند در دینوب بر یمنلنده دخی علق بن از بن سام نسلندر
 علق ایله فارس برادر ایدیلر دینوب بعضلر علاق بن ارغش بن سام نسلندن ایدیلر دینوب قاموسده
 طائفه عماقه بعض بلادده متفرق اولوب علق یا خود علاق بن لاود بن ارم بن سام نسلندن ایدیلر

دیومذ کورد و بنی اسرائیل السیه ظهورند دیار بایلدن ولایت یمنه و بعد زمان برقرقه بی مکینه واروب
 انده کی عرب قبیله لرین کسرو قهر و مکده توطن ایتدیلر قوم عاد ایله هم عصر اولوب جله سی عربدن اولغین
 بری برلرله دوستلشورلر ایدی حضرت اسماعیل بنده کی عاقله ایله مکده کی قوم جرهمه بیغمبر اولمشدی
 حضرت ابراهیم نصرکه کعبه بی عاقله صکره جرهم بنایا تیشلردر عاقله ناک اکثر احوالی یوقاروده احوال
 کعبه ده و باب ابراهیم و باب اسماعیل علیهما السلام ده و باب ملوک جرهمه کچمشدر نظر اولنه عاقله دن
 برقرقه ناک مصر له قدس اراسته لب دریاده نیجه شهر لری اولوب کفار دن اولغین بنی اسرائیل له شهریل
 بیغمبر یونلر مفرایدوب پادشاه لری جالوت کفاری قتل ایتدیلر تنکیم باب شهریل علیه السلام ده
 کچمشدر و سائر عاقله عربدن ایدکاری مقرر اولوب قوم جالوت دخی لسان لری عربی ایدی دکلیدی بیان
 اولماشدر لکن تفسیر ابو السعوده قوم جالوت علق بن عاد نسلندندر دینوب یوقاروده جرهم یونلر قوم عاد
 نسلندن اولوب دیلری عربی اولتی کورینور بعض تفسیرده مصر ده فرعون بنده پادشاه اولنلر اکثری
 عاقله یه دخی ساکن ایدیلر دینوب و تفسیر و توار یخده یوشع بیغمبر بنی اسرائیل جهنک و قتل ایتدیکری
 قوم جبار بن عاقله دندر دینوب و تفسیر ابو السعوده قوم جبار بن بقیه قوم عاد ایدیلر دینوب بعض
 معتبرانده عاقله مالک عالمه یا یلوب بحرین و عمان و حجاز و شام و مصر ولایت لری اراسن قهلابوب جبار
 شام و فرانسه مصر انلردن ایدی دیومذ کورد (قبیله جرهم) که اول ملوک بن اولان خطاطک اوغلی
 جرهم نسلی اولوب ابتدا یمنه بعد مکده ساکن ایدیلر مکینه عاقله نصرکه کچمشدر و زرا عاقله قوم عاد ایله
 معاصر اولوب یونلر اسماعیل علیه السلام زمانده ایدیلر جرهم ک تفصیل احوال لری باب حضرت اسماعیل ده
 و باب ملوک جرهمه کچمشدر نظر اولنه (قبیله بنی عییل) قاموده عییل بن عوض بن ارم بن سام
 ابن نوح علیه السلام نسلندن اولوب عرب عار به دن ایدیلر حالا منقرض اولمشدر دیومذ کورد
 (نوع ثانی) فصل امت عرب اولنده کچدیکی اوزره جله جنس عرب اوج نوعدر اولکیسی عرب عار به
 یا عرب بانه در که ذکر اولندی * ایکنجیسی اول ملوک بن اولان خطاطک نسلی اولان قبیله لر در که یونلر
 عرب متعرب به یا عرب عار به دیرلر حضرت اسماعیل مکده خطاطک نسلندن اولان قوم جرهم دن خاتون
 نسکا حلوب جمیع اولاد کرای کتدو و الله لری طرفندن خطاطک نسلندن اولغین بعض مورخ لری جمیع
 قبائل عرب خطاطک نسلندندر دیشلر لکن فی الحقیقه نوع اول اولان ام منقرضه دن ماعدا جمیع قبائل
 عرب ایکی نوع اولوب بری خطاطک بری حضرت اسماعیلک نسلی ایدکاری محقق و متمدن * پس نسل
 خطاطک یونلر در که ذکر اولنور (قبیله سبا) ولایت یمنه ساکن اولوب ملوک یمندن سبا بن یثعب بن یعرب
 ابن خطاطک بن عابر بن شالح بن ارغشد بن سام بن نوح علیه السلام نسل لری سبا ناک تفصیل حالی باب ملوک
 یمنه کچمشدر و تاریخ ابن ثعنه ده سبا ناک جرهم کهلان عروا شاعر عالمه آدلویش اوغلی و ارایدی دینوب
 تفسیر واحدیده اون نفر اوغلی و ارایدیکه ایچلر دن ازدکنده مدح اشعرون اغار بیجیله یمنه طوروب عامله
 غسان لحم جذام ولایت شامه واروب توطن ایتدیلر دینوب و تفسیر کورائیده از مدح بیجیله برینه اسد حیرنا
 یازاند و محصل سبا اولادندن هر برینک نسلی نیجه قبیله اولمشدر مشهور لری یونلر در که (قبیله حمیر)
 بن سبا کسر حاسکون میم و فتح با سکون را ایددر یونلر نیجه قبیله جلیله اولوب یمنه ساکن ایدیلر یونلر
 سلاطین احوالی باب خطاطک یمنه کچمشدر نظر اولنه (قبیله قضاعه) حمیر بن سبا قبائلک اکبر و اکثری
 ایدیلر یونلر دخی نیجه قبیله اولوب ایچلر نه جهینه آدلو بر قبیله مشهوره و ارایدی (قبیله ازد) که ازد
 یا خود رز بن کهلان بن سبا نسلندن نیجه قبیله اولوب افر و اشهری یونلر در که اصول دن معتبر اولغینخون
 طائفه دیو یازلیدی (طائفه خزاعه) یمنه سیل عرم ظهورند کرچوب مکینه کابوب توطن ایدوب سابقا
 مکده اولان قبیله جرهمی سوروب چیقاروب بعد کعبه معظمه ناک مفتاحی یونلر اولغین رئیس قبائل
 عرب ایدیلر عاقبت اجداد حضرت رسول صلی الله علیه وسلم دن قصی بن کلاب کعبه ناک یونانی مست ایدوب
 برظنوم خزاعه مفتاح شریقی یو ایدن صافون آلوب بعد یوما فو ما طائفه قریش عزیز و جلیل و طائفه خزاعه
 نادم و خوار و ذلیل اولدیلر سابقا یونلر مکدن قوم جرهمی جقار دیلر یونلر دخی معاشرت بعض قبائل عرب ایله

طائفه قریش سوروب چیقار دیلر آخر باب ملوک جرهمه و او اسط باب ملوک کنده ده مقصد لر نظر اولنه
 (طائفه اوس و طائفه خزرج) اشبو ایک قبیله برادر زاده لر اولوب مدینه ده ساکن ایدیلر
 صحابه کرام دن طائفه انصار جله یونلر دندر * تفسیر ابو السعوده اوس ایله خزرج لاب و ام برادر لر ایدیلر
 دیشدر (طائفه غسان که) یمن دن شامه کابوب توطن ایدوب احوال لری پادشاه لری بانه کچمشدر نظر اولنه
 (قبیله طی) که لان بن سبا نسلندن اولوب جرهم و نخاده کرم و عطاده مشهور دنیا اولان حاتم یونلر دن ایدی
 یونلر دن دخی نیجه قبیله حاسل اولمشدر حذر اعن التطویل یازلیدی (قبیله مدح) که لان نسلندن نیجه
 قبیله اولوب جله می یمنه ایدیلر (قبیله همدان) کسر هاء و سکون میله در که لان نسلندن یمنه نیجه
 قبیله ایدیلر (قبیله کنده) که لان نسلندن نیجه قبیله ایدیلر یونلر ملوک احوالی یوقاروده بشقه بایده
 کچمشدر نظر اولنه (قبیله بنی مراد) که لان نسلندن یمنه طوائف کثیره و مشهره ایدیلر (قبیله بنی انصار)
 که لان نسلندن بر قاج قبیله ایدیلر (قبیله نهم) یمنه عرو بن سبا نسلندن اولوب جله دن بنی الدار آدلو
 بر قبیله لری و ارایدی قبیله نهم یمن دن کوفه قرینه حیره مشهرینه کابوب مستقل پادشاه لری اولدیلر باب ملوک
 یمنه کچمشدر و شعبه بیغمبر کله قوم اولان اهل مدین طائفه نهمدن ایدیلر تنکیم یوقاروده کچمشدر
 حضرت یوسف صافون الان مالک بن ریان یا ابن زمر خنن یا جذام دن یا خزاعه دن ایدی (قبیله جذام)
 عرو بن سبا نسلندن اولوب جله دن بنی سلیم آدلو بر قبیله لری و ارایدی (قبیله اشعرون) یمنه اشعر
 ابن سبا نسلندن طوائف کثیره و مشهره اولوب کبار صحابه دن ابو موسی الاشعری یونلر دن ایدی
 قبیله بنی عامله بن سبا یمنه ایدیلر (نوع ثالث) اشبو فصل امت عرب اولنده کچدیکی اوزره جله جنس
 امت عرب اوج نوعدر اولکی یه عرب عار به یا عرب بانه * ایکنجی یه عرب متعرب به یا عرب عار به دیرلر که
 ایکنجی دخی اجمال ذکر اولندی و اوجنجی یه عرب متعرب به دیرلر که جله سی اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام
 نسلندر که حالا اجمالاً بیانلرینه شروع اولندی و الله الموفق (مقدمه) شمع نصرکه ذکر اولنه جق جمیع قبائل
 عرب جداء علای حضرت رسول صلی الله علیه وسلم اولان عدنان نسلندن اولوب سبا نسلندن اولان قبائل
 بشقه در انلر بنی خطاطک یونلر بنی عدنان دینوب انلر اکثری یمنه یونلر اکثری مکینه و مدینه و حجاز ده
 و بعضی عراق ولایتلر نه ساکن ایدیلر * پس قبائل بنی عدنان دخی ایک قسده بری و یعه بری نزار
 ابن معد بن عدنان بری مضر بن نزار من یونلر لری در که حالا ذکر اولنور (قبائل بنی ربهعه) یونلر دن
 بش اون قبیله عظیمه حاصل اولمشدر که جله سی مالک عراق ده اولور لرایدی (قبیله بنی بکر بن وائل) اکبر و انهر
 قبائل بنی ربهعه یونلر در آمد و موصل ولایت لری معتبرنده ساکن اولغین او عککله دیار بکر دیرلر یونلر دخی
 بش اون قبیله عظیمه اولوب مشهور لری یونلر در (طائفه بنی حنیفه) یونلر مکینه یمن اراسته ولایت
 یامه ده ساکن بر قبیله کثیره اولوب حضرت رسول صلی الله علیه وسلم زمانده حاشا دعوی نبوت ایدن
 مسیله کذاب یونلر دن اولوب ابو بکر خلافتنده یونلر دن قرقینک نفر کافرا یه مسلمانلر صواب مسیله ایله
 اکثر کفاری قیرد قری باب ابو بکر ده مقصد لر یو طائفه قلیچکنده جمیع قبائل عرب دن زیاده ماهر بهادر ایدیلر
 قبل ظهور الاسلام خرما تیرندن بر صمن دوزوب نیجه بیلار اکا طابوب بعد زمان عظیم خط اولد قده صمنلر بن
 اکل ایتدیلر یه یقه صغیر غرائب و بین العرب اعظم معائب ایدی (طائفه بنی ذهل) بنی شیبان بنی بکر
 ابن وائل دن بر قبیله مشهوره ایدیلر (قبیله بنی اسد) کبار قبائل بنی ربهعه دن اولوب بش قبیله ایدیلر
 مشهور لری یونلر در که (طائفه بنی کاهل طائفه بنی عبدالقیس) بن اقصی که یونلر دخی اوج درت طائفه
 ایدیلر (قبیله بنی ثعلب بن وائل) کبار قبائل بنی ربهعه دن اولوب یونلر دن دخی بر قبیله حاصل اولدی
 (قبائل بنی مضر بن نزار بن معد بن عدنان) مکینه و مدینه و دیار حجاز ده اولان قبائل عرب خصوصاً طوائف
 قریش جله سی مضر نسلی اولوب وافر قبیله جلیله نسلده اولمشدر اکثری مکینه ساکن اولوب انصحر عرب
 اولد قلیچون اشرف و اعظم جمیع قبائل عرب یونلر در فصاحت و سخاوت و مهر حالته سائرلر دن زیاده ایدیلر
 خصوصاً حضرت خرقا عالم سید بنی آدم صلی الله علیه وسلم مضر نسلندن اولغین قبائل مضر عدیه الضرا اشرف
 و اکرم ام عالم ایدکاری محقق و ساد (نظم) عرب دن اکرامات او ایدی * حبیب الله اولم دن کلیدی

(نثر) پس مشاهیر قبائل مضر بودند که حالا ذکر شده شروع اولندی (قبیله بنی قیس غیلان که) الیاس
 ابن مضر اولادند ندر اکبر و شاهر قبائل مضر بودند سلسله نژاد او نیز عددی از قبایله جلیله حاصل اولوب
 مشهور لوی بودند (طائفة بنی هلال طائفة باهله) که بنی سهم آدلوب بر قبیله لری حاصل اولدی
 (طائفة غطفان) که بودند دخی بر قبیله ظهورا بدی (طائفة بنی عبس) که حضرت عیسی اله حضرت
 رسول علیه السلام را سنده بودند خالد بن سنان بنه بودند و یغمر اولوب انک احوالی انبیا با برنده یکم شد
 (طائفة بنی فزاره طائفة بنی ذیشان طائفة بنی سلیم) که رعل و ذکوان آدلوب یکی قبیله لری حاصل
 اولدی (قبیله هوازن) اعظم قبائل بنی قیس اولوب بودند دخی بش اون قبیله اولدی لغایت مشهور لری
 بودند (طائفة سعد بن بکر) که حضرت رسول دایه شرف و ایه لری حلیمه کریمه اول ذات السعاده
 العظیمه و قبیله بنی ایدی * بودند لغایت فصاحتله معروف اولغین حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
 انا فصیح العرب بدانی من قریش و استرضعت فی بنی سعد بن بکر (یعنی بن قریشدن اولوب سعد بن بکر
 قبیله سنده امر زلام * پس نیجه فصیح اولیم دیو یور مشارد (طائفة چشم بنی بکر) طائفة ثقیف
 که بودند بعض حالری عزوات رسول علیه السلام اولان فصل غزوه طائفه یکم شد در نظر او انه (طائفة نصر
 ابن معاویه) اشو درت عدد قبیله لغایت فصیح اولغین علیه هوازن دیر لری (قبیله بنی اد)
 ابن طایفه بن الیاس بن مضر بش التي قبیله لری ظهورا بدی (قبیله بنی غیم) اکبر و شاهر قبائل بنی اد
 ابن طایفه اولوب او نندن زیاده قبیله ایدیلر که جله نك اشرفی قبیله بنی حنظله بن مالک ایدی (قبیله بنی هذیل)
 ابن مدر که بن الیاس بن مضر بودند بنی سعد آدلوب بر قبیله ظهورا بدی (قبیله بنی هون بن خزیمه
 ابن مدر که) بودند بر قبیله ظهورا بدی (قبیله بنی اسد بن خزیمه بن مدر که) قبیله بنی کانه بن خزیمه
 ابن مدر که) بونک نسلندن بش اون قبیله اولوب جله سنه کافی دیرلر مشهور لری بودند * طائفة بنی مدلیج
 طائفة بنی غفار طائفة بنی ملککان طائفة دأیل قبیله نصر بن کانه حضرت رسول صلی الله علیه
 وسلم بونک نسلندن قول جمهور علما اوزره نصر بن کانه لقی قریش اولغین بونک نسلندن اولان جله قبائل
 و طوائفه قریش و قریشی و قریشی دیرلر معروف اولان قبیله لری بودند (طائفة بنی فهر) بن مالک
 ابن نصر بعض علما قریش فهر بن کعب بن قیس (طائفة بنی محارب بن فهر طائفة بنی الادرم)
 که تم بن غالب بن فهر نسلندن ایدیلر (طائفة بنی مرة) بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر
 (طائفة بنی مخزوم) که یقطنه بن مرة بن کعب نسلندن ایدیلر (طائفة بنی جیح) که هضیض بن کعب بن لوی
 نسلندن ایدیلر (طائفة بنی سهم) منور هضیض نسلندن ایدیلر (طائفة بنی زهره) بن کلاب بن مرة
 ابن کعب (طائفة بنی امیه) که امیه ابن عبد شمس بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مرة نسلندن
 ایدیلر چهار یارکزی ندر نکره شامده خافا اولان ملوک بنی امیه احوالی یو فارود بده بنه باده مفسددر
 (قبیله غیلان) که قبائل قریشدن ایدیلر نسلبری معلوم اولدی (فائده) حبیب اکرم طیب ارحم
 حبیب اعلم ادیب الخم افضل مخلوق رب عالم صلی الله تعالی علیه وسلم طائفة قریشدن اولوب نسب
 طاهر جاری المفاخری کتب سیده یو و جهله محردر که محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم
 ابن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر
 ابن کانه بن خزیمه بن مدر که بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان * بودند حضرت
 ابراهیمه دل اولان اجداد انجاد لری اسامی قوار بخنده بر قاج و جهله ذکر اولوب جلد اولده نسب
 شری قاری باینده مفسددر نظر او انه (فوائد جده مهمه) در احوال جمیع طوائف عرب که بیانش از جله
 خصایص این کتاب بر عجب عالی رتب است معلوم اوله که امت عربدن غیری جمیع ام عالم ضبط نسلبری
 خصوصند چند ان تقید لری اولوب نسلبری مخلوط و نامر بوط و نامر بوط اولغین جله سی امصار و فراده
 فارشی اولور لری * اما طوائف عرب اکثر اصغر انشین و هر خصوصده اکل طوائف روی زمین اولوب
 ضبط انساب الیه کمال تقید اوزره اولغین نامدارلر نکلدی چون غالد قدیمه قوم و قبیله اولوب او جهلندن
 قبائل عرب و طوائف بحد و پایان اولغین جله سنی بیان خارج دایره امکاندر خصوصاً بعض بنک

اسامی و بعض بنک احوالی نام معلوم اولوب بعضی لری دخی تفصیل عظیمه محتاج اولغین بونلری باینده
 طریق اختصار اختیار اولوب جمیع قوارخ و سیر و نیجه کتاب معتبر مطالعه شدن حاصل اولان امور
 بودر که * جمیع قبائل عرب اصل سنده متفق اولوب بعض اغتلاظه جز نیجه مغایرت اوزره در لری معتبر سنده
 مذکوردر که افصح قبائل عرب بدی طائفه مدر که قریش و هذیل و هوازن و اهل یمن و بنی قیم و طی
 و ثقیف قبیله لری * حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم حرمتنه جله دن قریش افصح و الطیف و اکل
 و اشرف ایدیلر نسل حضرت اسماعیل اولان جمیع قبائل عرب بدین جلیل حضرت ابراهیم الخلیل اوزره
 ایکن حضرت عیسی اله سلطان انبیا را سنده زمان جاهلیت دید کلری التیوز بیلده جله سی کفار بخار
 اولوب کیمی منکر و جود باری تعالی کیمی منکر حشر و نشر کیمی عبده صورجن و شیاطین کیمی عبده صور
 ملائکه کیمی دین باطل صابیه اوزره ایدیلر سلطان نسلندن اولان قوم حیرلر اکثری آفتاب پرستلر بعضی لری
 یهودیلر بنه خطا بیلدن قوم غسان و نسل حضرت اسماعیلدن قبائل بنی ریمه بن نزار نصاری خطا بیلدن
 قبیله کنده و بنی اسماعیلدن قبائل بنی کانه و بنی الحارث بن کعب یهودیلر و قبائل بنی غیم مجوسیلر
 و قبائل قریش بت پرست و زنادقه یعنی منکر حشر اولوب هذیل و مدح و بنی کاب و همدان و ثقیف
 و بنی کانه و غطفان و بنی مراد و چشم و خزاعه و بنی بکر و اوس و خزرج و سلیم و قریش و ذوالکلاع و حیر
 قبیله لری برر مخصوص صغره طار لری (افرایت من اتخذ الله واه) آتی معناسنده ککاشافده
 مذکوردر که اهل جاهلیتدن نیجه لری بعض طائفه طایوب اندن کوزل بر طاش بواسطه کاطایوب آواکیدی
 براغور لری * تفسیر واحدیده قریش و جهینه و بنی سلمه و خزاعه و بنی ملج ساشام لائکه بنات الاله در
 دیدیلر بنوب * تفسیر سیده بو کلام باطلی دین بی دین خزاعه و کانه طائفه لری بدر بنوب * قوار بخنده
 مذکوردر که جمیع قبائل عرب سابقه دین قوم حضرت ابراهیم اوزره ایکن اشبو کابیده باب ملوک بنی کندهده
 تفصیل اولاندی اوزره عرب بنی لوی اغوا سیده تدر بجه جله سی کفر و ضلال و شر و وبال اوزره اولوب نیجه
 قوانین باطله و رسوم و عادات عامه لری و ارایدیکه کمال ضلالت و جهالت لری دلات ایدردی لکن شعر
 و انشاده لطیف افشاده و ضا و کرمده عطا و همده جمیع ام عالمه بر وجه مقرر و محقق غالب مطلق اولوب
 شمشیر باز افنده تیراند از افنده خصوصاً شمس و ارا فده و جنگ و تیر کار افنده برق جهان و شجاعتهده به لوان جهان
 ایدیلر احوال و افعال و اقوالده سائر ام عالمه مخالف اولوب عادات غریبه مخصوصه لری وارد * حضرت
 اسماعیلدن حضرت رسول دل بر قاج بیک بیلده دل ایچلر بنه یغمر کلامکین قرأت و کلامدن بهره مند
 اولوب جله سی ای و عای اولوب مائده حیوان صاهل جاهل قالمش لری ایچلرنده علم نسب و قوارخ ایام
 و تعمیر و یاوم نامده ماهر و شام اولان عالم کاملدر دیوا کرام و احترام اولوب امر خنی و کاسندن خبر و برن
 کاهلره غایت تعظیم و رعایت ایدوب واقعا عربستانده جا بجا بعض کاهنلر و ارایدیکه مغیباتدن انسان
 حیران اوله جق امور ماضیه و آتی دن خبر و بر و بن و شیاطینک تعلیمی اولغین اکثری صحیح حیقا رایدی
 زیرا حضرت رسول صلی الله علیه وسلم زمانته دل جن و شیاطین کوکه حیقه قوب ملائکه نك کاتن ایشیدر لری
 طائفة عرب ایچنده کمال معرفت و هنر و عدوانان همان الحق فصاحت و صفات و شجاعت اولوب محیر عقول
 خول اوله جق بی نظیر و دایره قصائد نظمته قادر و افرا شاعر ماهر لری هیچ بر زمانده اکسک دکادی * دین
 و آیینده کمال ضلالت و جهالت اوزره ایکن هیچ ایچکده صحت نکاحده احوال بیع و شراده و غلبه قرین صفت
 ایچکده قطع بدسار قدده و انجیابالما و غسل و مضغه و امه نشاق و خلق عانه و تنفابط و تقایم اظفارده
 و انواع طهارت و نظافتده دین قدیم قوم حضرت ابراهیم اوزره ثابت و مقیم ایدیلر * تفسیر سیده حضرت
 ابن عباس اهل جاهلیت حق تعالی نك حرام اید کارنی حرام ییلوب اما اوکی انار بنی نکاح ایچکی
 و ایکی قرقرندانی نکاحده جمیع ایچکی حرام عدا تزلردی دیش دیو مرویدر * حضرت رب متعال
 جل عن الاشبه و الامثال عامه عبادنه هدایت و عنایتن قرین حال ایدوب وجود شریقن رحمة لامالین
 ایدوکی رسول ستوده خصال و حیده فعالان ارشاد و اصلاح جمیع اصحاب کفر و ضلال ایچون عز و اجلال
 و عن و اقبال الیه ارمال ایدکده دمام افراد اصناف عرب و عجم و ترک و ديلم و سائر ام عالمدن نیجه آدم

مسلمان اولوب خصوصاً مكرمه فتحنده وهجرتك اوننجي ييلنده (ورأيت الناس يدخلون في دين الله
افواجا) آيتي دلاليق اوزره طوائف عربدن يامد هزار محبت وشوق خارج عن الطوق جوق جوق كلوب
شرف اسلام وملاقات حضرت سيد الانام عليه افضل الصلاة والسلام ايله مستعد وبر مرام ومسرور
وشاد كلام اولور ايدى * صحابه كرام واجب الاحترامك جله منى قبايل عربدن اولوب ابتدا هجرتدن
مكه فتحنده دله متابعت حضرت رسالت ايجون مدينه به كنلره مهاجرين ديتوب مقدما مدينه خلقندن
اولوب رسول مقبول پراسوله ايمان كتوروب نصرت ومعاونه و محبت ومتابعت ايدلره انصار ديتوب
اهل مدينه دن اولميوپ مكه فتحند نصكره ايمانه كالانه هه ان صحابي ديرلر * وفات حضرت رسوله تحمينا
بور يكرى ييك قدر صحابه منى قالوب بونلك تفصيل احواللى بيلدا اول آخرنده باب صحابه ده بكمه شدر
نظر اولنه (نظم) دائم از حق سلام و رضوانش * بادبراهل بيت و يارانش * اطهروا الدين ينو لنا *
ضاعف الله اجرهم حسنا (خاتمة كتاب) الحمد لله كه فخر جميع عالم سيد وسيدى آدم صلى الله عليه وسلم
بعدد انقاص من سكت وتكلم حضرت تبارك آضاب عالم تاب دين شرف اتا ايلرى اقطار دنياه ضيا بختنا اوله
خلفاء خنقا راشدين وآساطين سلاطين اهل دين وسائر غزاة هداة ومجاهدين رسة الله تعالى عليهم اجمعين
زمره لر بلك مهر تليد ارشمت يرايد ار ليله ظلام كفر وضلات امصار واقطار دن قلع وقع ودفع ورفع اولغله
ملل سالفة متخالفه واديان سايقة غير متوافقه نسخ وفتح اولنوب بنيان كفر وطغيان بوما فيوما
منهدم بلكه بالكليه زائل ومنهدم اولن اوزره دره حضرت رب واسع العطاء سامع الدعاء ودافع البلا
ورافع السعائى نصرت علو درجا والى نوركه (ان الله زوى لى الارض فرايت مشارقها ومغاربها
وان امقى ميبلىح ملكها ما زوى لى منها) حديث بشارت قور يئتك مضمون همايون
قروح مقرون روز و روز طه و روز ايتدروب ساكان اطراف معدودة ارض
وقاطنانا كفاف عالم بالطول والعرض افضل واكمل سلاطين جهان باعت
واحت امن وامان اهل ايمان اولان ملوك مكرمت سلوك آل عثمان
خلد الله خلافتهم الى انتهاء الزمان جناب ليه نه سخر و مجموع
عالمك روى زمين زرينكن طفر قريئلى اولن مقدور و ميسر
ومقرر اوله * بحق الحق وصفاته العلى امين
يا ارحم الراحمين والحمد لله
رب العالمين
تم
تم



وكان تمام طبعه بدار الطباعة الباهرة * الكائنة بيولاى مصر القاهرة * ملحوظا بعين
حناية ناظرها السننى المراتب * حضرة حسين افندى الملقب براتب * ومشهورا
برعاية رئيس معصمها المقتدر الى الطاف ربه الصمد * المدعو بالشريف احمد
على ذمة الحاج محمد كامل افندى بن المرحوم عيسى افندى
الادرنوى شيخ العرض الحليمه * بمصر القاهرة المعزى به
لثلاث خلت من الحرم الحرام افتتاح سنة
ثمان وخمسين وما تين بعد الاكف من
هجرة خاتم الرسل الكرام
صلى الله وسلم عليه
وعلى آله واصحابه
بدور التمام

